

عهد جدید

نسخه اروپایی جدید

عهد جدید نسخه اروپایی جدید
م همراه با تفسیر دانکن هیستر

Copyright © Duncan Heaster 2018.

Translated from English New European Version
(9781906951054: کب‌اش) by Wordminds Translations Ltd.
www.wordminds.com

We also thank those involved in checking this translation,
Mehran Davachi, and Bahman Panahi.

Carelinks Publishing
PO Box 152, Menai Central, NSW 2234 Australia.
PO Box 3034, South Croydon, Surrey CR2 0ZA England.
<http://www.carelinks.net>

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نسخه اروپایی جدید، رجوع کنید به:
<http://www.n-e-v.info>

پیش گفتار

نسخه اروپایی جدید کتاب مقدس به زبان فارسی به صورت رایگان در اختیار همه کسانی قرار می‌گیرد که می‌خواهند عیسی مسیح را بشناسند. هر وقت آن را می‌خوانید، با خدا و عیسی نیایش کنید، و از آنها بخواهید که عیسی را بر شما آشکار سازند.

زندگی خود را به عیسی ببخشید. از طریق تعمید، با او یکی شوید و «در مسیح» زندگی کنید. وقتی عیسی به زمین باز می‌گردد، از میان مُردگان به زندگی جاودانه رستاخیز خواهید شد، درست همان طور که عیسی رستاخیز شد.

اگر می‌خواهید در عیسی تعمید یابید، ما شبکه‌ای از یاری دهندگان داریم که با کمال میل به شما در تحقق این امر مقدس کمک خواهند کرد؛ و در صورت لزوم، می‌توانیم گواهی تعمید را نیز صادر کنیم.

لطفاً با ما تماس بگیرید:

ایمیل: info@carelinks.net

وب: www.carelinks.net/fa / www.christadelphia.net

پیامک / واتساپ / وایبر / تلفن: +447481122558

با عشق و آرزوی بهترین هادر سفر معنوی‌تان، از طرف برادران و خواهران‌تان در

The Christadelphian Advancement Trust / Carelinks
Ministries, PO Box 3034, South Croydon CR2 0ZA
UNITED KINGDOM

فهرست مطالب

5	متی
77	مرقس
124	لوقا
200	یوحنا
256	کتاب اعمال رسولان
324	رومیان
353	اول قرن‌تیان
383	دوم قرن‌تیان
403	غلاطیان
414	افسسیان
424	فیلیپیان
431	کولوسی‌ان
438	اول تسالونیکیان
444	دوم تسالونیکیان
448	اول تیمائوس
456	دوم تیموتائوس
462	تیطس
466	فیلیمون
468	عبرانیان
490	یعقوب
498	اول پطرس
506	دوم پطرس
511	اول یوحنا
519	دوم یوحنا
520	سوم یوحنا
521	یهودا
524	مکاشفه

باب 1

شجره‌نامه عیسی

شجره‌نامه عیسی مسیح، پسر داود، پسر ابراهیم
 2 ابراهیم اسحاق را به دنیا آورد، اسحاق یعقوب را به دنیا آورد، یعقوب یهودا و برادرانش را به دنیا آورد 3 یهودا فارض و زارح را از تمار به دنیا آورد، و فارض حصرون را به دنیا آورد، حصرون آرام را به دنیا آورد 4 آرام عمیناداب را به دنیا آورد، و نحشون شلمون را به دنیا آورد. 5 شلمون بوعز را از راحاب به دنیا آورد، و بوعز عوبید را از روت به دنیا آورد، و عوبید یسا را به دنیا آورد. 6 یسا داود پادشاه را به دنیا آورد. و داود سلیمان را از آن زن که همسر اوریا بود به دنیا آورد. 7 سلیمان رحبعام را به دنیا آورد، رحبعام ابیا را به دنیا آورد، ابیا آسا را به دنیا آورد. 8 آسا یهوشافاط را به دنیا آورد، یهوشافاط یورام را به دنیا آورد، یورام عزیا را به دنیا آورد. 9 عزیا یوتام را به دنیا آورد، یوتام احاز را به دنیا آورد، احاز حزقیا را به دنیا آورد. 10 حزقیا منسی را به دنیا آورد، منسی آمون را به دنیا

آورد، آمون یوشیا را به دنیا آورد. 11 یوشیا یکنیا و برادرانش را در زمان اسارت در بابل به دنیا آورد.

12 و بعد از اسارت در بابل، یکنیا سالتیئل را به دنیا آورد، و سالتیئل زروبابل را به دنیا آورد. 13 زروبابل ابیهود را به دنیا آورد، ابیهود ایلیاقیم را به دنیا آورد، ایلیاقیم عازور به دنیا را آورد. 14 عازور صادق را به دنیا آورد، صادق یاکین را به دنیا آورد. 15 یاکین ایلعازر را به دنیا آورد، ایلعازر متان را به دنیا آورد، متان یعقوب را به دنیا آورد. 16 یعقوب یوسف شوهر مریم را به دنیا آورد و از مریم، عیسی ملقب به مسیح متولد شد.

17 بنابراین، از ابراهیم تا داود چهارده نسل است؛ و از داود تا اسارت در بابل چهارده نسل؛ و از اسارت در بابل تا مسیح چهارده نسل است.

تولد عیسی

18 و اما تولد عیسی مسیح چنین بود. وقتی مادر او مریم با یوسف نامزد کرده بود، قبل از آن که آن دو به هم برسند، مریم فرزند روح‌القدس

1:1 نوشته‌های انجیل، نسخه‌هایی از نحوه موعظه کردن انجیل توسط شاگردان، به عنوان مثال متی است. متی توصیف خود از انجیل («مژده») را با این وصف شروع می‌کند که عیسی از نوادگان ابراهیم و داود است. این مهم است زیرا وعده‌هایی که به آن افراد داده شد (غلاطیان 3:8) حاوی این مژده است که آنها اولادی خواهند داشت که پسر داود، عیسی خواهد بود. بنابراین عیسی قبل از تولدش به صورت یک شخص فیزیکی وجود نداشت؛ او ذات انسانی ما را داشته است.

که او پسری را به دنیا آورد، با او همبستر نشد؛ و نام او را عیسی نهاد.

باب 2

دیدار مردان فرزانه از عیسی کودک

و اما وقتی عیسی در بیت اللحم یهودیه در زمان فرمانروایی هیرودیس به دنیا آمد، منجمین شرقی به اورشلیم آمدند و گفتند: ² کسی که به عنوان پادشاه یهودیان به دنیا آمده کجاست؟ چرا که ما ستاره او را در شرق دیدیم و آمده ایم او را پرستش کنیم. ³ و وقتی هیرودیس پادشاه این را شنید، هم او و هم تمام مردم اورشلیم مضطرب شدند. ⁴ و تمام روحانیون اعظم و کاتبان امت را گرد هم آورد و از آنها پرس و جو کرد که مسیح کجا به دنیا آمده است. ⁵ و آنها به او گفتند: در بیت اللحم یهودیه. زیرا پیامبر این گونه نوشته است: ⁶ و تو ای بیت اللحم، سرزمین

را آبستن شده بود. ¹⁹ و یوسف، شوهر مریم، که مردی صالح بود و نمیخواست او را تنبیه و رسوا کند، تصمیم گرفت پنهانی او را رها کند. ²⁰ اما در حالی که به این مسائل فکر می کرد، فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: یوسف ای پسر داود، از این که مریم را به همسری برگزیدی ترس نداشته باش، زیرا آنچه درون اوست از روح القدس است. ²¹ و او یک پسر به دنیا خواهد آورد و تو نام او را عیسی خواهی گذاشت؛ زیرا او است که امت خود را از گناهان شان رها خواهد کرد. ²² و همه این ها اتفاق افتاد تا شاید آنچه خداوند از طریق پیامبر فرموده بود به حقیقت بپیوندد: ²³ این باکره، فرزندی را به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهد نامید که یعنی خدا با ما. ²⁴ و یوسف از خواب بیدار شد و آنچه فرشته خداوند به او دستور داده بود را انجام داد و مریم را به همسری برگزید. ²⁵ اما تا زمانی

1:19 یوسف می توانست وضعیت او را به دیگران بگوید و او را «تنبیه و رسوا» کند، یا «قانون غیرت» در فصل 5 کتاب اعداد را برای او اجرا کند. اما دقیقاً به این دلیل که یوسف واقعاً «صالح» بود، این کار را نکرد. او نسبت به مریم حساس بود، همان طور که ما نیز باید نسبت به کسانی که در وضعیتی فراتر از درک و فهم ما گرفتار شده اند، حساس باشیم.

1:20 زندگی عیسی درون مریم آغاز شد. از قبل وجود نداشت. عیسی «از او» زاییده شده است (1:16).

1:21 «عیسی» یعنی «ناجی»؛ «مسیح» یعنی «تدهین شده».

2:5 از طریق پیامبر – پیامبران کلام خدا را نوشته اند، نه فقط کلام خود را. از این رو کلمه «از طریق» اهمیت دارد. کتاب مقدس، کلام الهام گرفته خداوند است.

2:6 عیسی «از» بیت اللحم برخاست. او در قالب انسان از آسمان نازل نشد. توجه کنید که متی اغلب اوقات نشان می دهد که عیسی پیشگویی های عهد عتیق را محقق کرده است.

در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: برخیز و کودک و مادرش را بردار و به مصر فرار کن و تا زمانی که من می‌گویم، آنجا بمان زیرا هیروдіس به دنبال کودک خواهد گشت تا او را نابود کند.¹⁴ و او برخاست و کودک و مادرش را شبانه برد و عازم مصر شد.¹⁵ و تا زمان مرگ هیروдіس آنجا ماند تا شاید آنچه خداوند از طریق پیامبر فرموده بود تحقق یابد: از سرزمین مصر پسر مرا فراخواندم.

¹⁶ آنگاه که هیروдіس متوجه شد که از سوی مجوسیان فریب خورده است، خشمگین شد و سربازانش را اعزام کرد و تمام فرزندان پسر که دو سال یا کمتر سن داشتند و در بیت اللحم و تمام مرزهای آن بودند را طبق زمانی که از طریق مجوسیان تعیین کرده بود، به قتل رساند.¹⁷ سپس آنچه از طریق ارمیای نبی گفته شده بود تحقق یافت:¹⁸ در رامه صدایی شنیده شد، صدای گریه و عزاداری عظیم، راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کرد؛ و او تسلی نمی‌یافت، زیرا آنها دیگر نبودند.

¹⁹ اما وقتی هیروдіس درگذشت، فرشته خداوند در خواب یوسف در

یهودا، به هیچ وجه از شاهزادگان یهودا کمتر نیستی. زیرا از تو فرمانروایی برمی‌خیزد که چوپان امت من اسرائیل خواهد بود.

⁷ سپس هیروдіس به صورت پنهانی مجوسیان را فرا خواند و از طریق آنها از زمان دقیق ظهور ستاره آگاه شد.⁸ و آنها را به بیت اللحم فرستاد و گفت: بروید و به دقت به دنبال این کودک بگردید، و وقتی او را پیدا کردید، به من خبر دهید تا شاید من نیز بیایم و او را پرستش کنم.

⁹ و آنها پس از شنیدن حرف‌های پادشاه راه افتادند؛ و ستاره‌ای را که در شرق دیده بودند پشت سر آنها می‌رفت تا این که بر فراز محلی ایستاد که کودک آنجا بود.¹⁰ و وقتی آنها ستاره را دیدند، بی‌نهایت خوشحال شدند.¹¹ و وارد خانه شدند و کودک را با مادرش مریم دیدند؛ و تعظیم کردند و او را پرستش نمودند، و گنجینه‌های خود را باز نموده و به او هدایایی از جمله طلا و گندُر و مُر عرضه کردند.¹² و چون در خواب به آنها هشدار داده شده بود که نباید نزد هیروдіس بازگردند، از یک مسیر دیگر عازم کشور خود شدند.¹³ وقتی عازم شدند، فرشته خداوند

2:8 مجوسیان از پادشاه تبعیت نکردند، زیرا خدا به آنها گفته بود چنین نکنند (2:12). اگر آن چه صاحبان قدرت به ما می‌گویند با کلام خدا تناقض دارد، نباید همیشه آن را انجام دهیم (اعمال 4:19).

2:14 او برخاست - اطاعت فوری یوسف از کلام خدا به عنوان یک نمونه برای ما مورد تاکید قرار گرفته است (متل 1:24؛ 2:20).

2:15 از سرزمین مصر - زیرا قوم اسرائیل از مصر فرا خوانده شده بود. تمام فرزندان خداوند باید «مصر» را ترک کنند - که غالباً نماد جهان است.

کسی است که اشعیای نبی از او خبر داده و گفته: صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند - راه خداوند را آماده کنید. راه‌های او را راست گردانید.

⁴ و اما یحیی جامه‌ای از پشم شتر به تن کرده و کمربندی چرمی به کمر بسته بود و غذایش ملخ و عسل وحشی بود. ⁵ سپس اورشلیم، همه سرزمین یهودیه و تمام مناطق اطراف اردن به سوی او روانه شدند. ⁶ و در رودخانه اردن، در حالی که به گناهان خود اعتراف می‌کردند، توسط او غسل تعمید داده شدند.

⁷ اما وقتی دید که بسیاری از فریسیان و صدوقیان برای تعمید نزد او رفتند، به آنها گفت: ای افعی زادگان، چه کسی به شما هشدار داد تا از خشمی که در راه است فرار کنید؟ ⁸ پس ثمره‌ای بیاورید که شایسته توبه باشد. ⁹ و مبادا پیش خود فکر کنید که بگویید: «ابراهیم پدر ما است»، زیرا من به شما می‌گویم که خدا قادر است از این

مصر بر او ظاهر شد و گفت: ²⁰ برخیز و کودک و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل ببر زیرا آنهایی که قصد جان کودک را کرده بودند درگذشتند. ²¹ و او برخاست و کودک و مادرش را برد و وارد سرزمین اسرائیل شد. ²² اما وقتی شنید که آرکلائوس به جای پدرش هیروдіس بر یهودیه فرمانروایی می‌کند، از رفتن به آنجا ترسید. و چون خدا در خواب به او هشدار داده بود، به منطقه جلیله عازم شد ²³ و به شهری به نام ناصره رفت و در آنجا سکنی گزید. تا شاید آنچه از طریق پیامبران گفته شده بود به تحقق بپیوندد و او را ناصری بخوانند.

باب 3

یحیای تعمیددهنده، عیسی را غسل تعمید می‌دهد

و در آن روزها، یحیای تعمیددهنده آمد و در بیابان یهودیه موعظه کرد و گفت: توبه کنید! زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. ³ زیرا او همان

22-20:2 به یوسف گفته شد که وضعیت برای بازگشت امن است. اما او شک کرد. و خداوند ضعف او را پذیرفت و به او گفت که به جلیل برود و آنجا زندگی کند.

6:3 در رودخانه... غسل تعمید شدند - تعمید (برگرفته از باپتیزو در یونانی) به معنی غسل، زیر آب کردن است و نه آب پاشیدن. پس تعمید در یک رودخانه انجام شد. به عبارت از آب در **16:3** توجه کنید

7:3 فرزندان افعی - آنها از نوادگان آن ماری هستند که در کتاب افرینش **15:3** از آن صحبت شده است. همیشه بین آنهایی که در مسیح عیسی از نسل زن و آنهایی که از نسل مار هستند تضاد وجود خواهد داشت. به طور موقت توسط آنها زخمی می‌شویم، اما در نهایت پیروز خواهیم شد.

9:3 پیش خود - کتاب مقدس آگاه است که احتمال دارد چگونه واکنش نشان دهیم. نگرانی خداوند، وضعیت ذهنی ما و این است که در درون چه فکری می‌کنیم. زیرا این سرمنشا نهایی گناه انسان است.

و صدایی از آسمان‌ها برخاست که می‌گفت: این پسر عزیز من است که از او بسیار خشنودم.

پاپ 4

عیسی وسوسه می‌شود

سپس عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را وسوسه کند.² و وقتی چهل روز و چهل شب روزه گرفت، سرانجام گرسنه شد.³ و وسوسه‌گر آمد و به او گفت: اگر پسر خدا هستی، دستور بده این سنگ‌ها تبدیل به نان شوند.⁴ اما او پاسخ داد و گفت: این گونه نوشته شده که انسان نه فقط با نان، بلکه با هر کلامی که از دهان خدا بیرون می‌آید زندگی می‌کند.

⁵ سپس ابلیس او را به شهر مقدس برد و او را روی نوک معبد قرار داد،⁶ و به او گفت: اگر پسر خدا هستی، خودت را پایین بینداز. زیرا نوشته شده که خداوند به فرشتگان خود درباره تو فرمان خواهد داد و آنها تو را با دستان خود خواهند گرفت تا مبادا پایت به سنگی برخورد کند.⁷ عیسی به او گفت: و نیز نوشته شده که نباید خداوند، خدای خود، را امتحان کنی.

⁸ بار دیگر، ابلیس او را به یک کوه بسیار مرتفع برد و تمام ممالک

سنگ‌ها فرزندان را برای ابراهیم بیاورد.¹⁰ و حتی اکنون تیشه بر ریشه درختان گذاشته شده است. بنابراین، هر درختی که میوه خوب به بار نیاورد بریده و به آتش افکنده می‌شود.¹¹ همانا من شما را در آب برای توبه، غسل تعمید می‌دهم، اما آن که بعد از من می‌آید از من تواناتر است و من شایسته آن نیستم که کفش‌هایش را با خود حمل کنم. او شما را در روح القدس و آتش، تعمید خواهد داد؛¹² و چنگک در دست دارد و خرمن خویش را کاملاً پاک خواهد کرد و گندم خویش را در انبار جمع خواهد کرد؛ اما کاه را با آتشی خاموش‌نشدنی خواهد سوزاند.¹³ سپس عیسی از جلیله به اردن نزد یحیی رفت تا از او تعمید بگیرد.¹⁴ اما یحیی جلوی او را گرفت و گفت: من باید از تو تعمید بگیرم، آن وقت تو نزد من می‌آیی؟¹⁵ اما عیسی به او پاسخ داد و گفت: هم اکنون اجازه این کار را بده، زیرا این ما خواهیم بود که تمام عدالت را اجرا خواهیم کرد. سپس یحیی به او اجازه داد.¹⁶ و وقتی عیسی تعمید داده شد، بلافاصله از آب بیرون آمد و آسمان‌ها به روی او باز شدند و او روح خدا را دید که در قالب یک کبوتر نزول کرد و به او تکیه داد.¹⁷

3:12 آتش خاموش‌نشدنی - نه به معنای واقعی کلمه. نماد نابودی کامل (ارمیا 17:27).

3:15 عیسی از طریق فرو رفتن در آب به عنوان یک بزرگسال تعمید گرفت تا برای ما مثالی باشد. ما نیز باید تعمید بگیریم.

4:1-8 «شیطان» در قالب یک «فرشته سقوط کرده» یا یک «موجود شرور ماورایی» وجود ندارد - به «خلاصه اصول رجوع کنید».

عیسی «از هر لحاظ درست مانند ما وسوسه شد» (عبرانیان 4:15)، و «هر انسانی وقتی

¹² و اکنون وقتی شنید که یحیی زندانی شده است، به جلیله رفت.¹³ و ناصره را ترک کرد و به کفرناحوم رفت و در آنجا ساکن شد که نزدیک دریا در مرزهای زبولون و نفتالیم قرار دارد.¹⁴ تا شاید آنچه از طریق اشعای نبی گفته شده تحقق یابد:¹⁵ سرزمین زبولون و سرزمین نفتالیم به سمت دریا در آن سوی اردن، جلیله امت‌ها،¹⁶ مردمی که در ظلمت زندگی می‌کردند نوری عظیم را دیدند و برای کسانی که در سرزمین مرگ و در سایه آن

جهان و شکوه آنها را به او نشان داد.⁹ و به عیسی گفت: تمام این‌ها را به تو خواهم داد اگر زانو بزنی و من را پرستش کنی.¹⁰ سپس عیسی به او گفت: دور شو ای شیطان! زیرا نوشته شده: تو باید فقط، خداوند خدای خود، را پرستش کنی و تنها باید به او خدمت کنی.¹¹ سپس ابلیس او را رها کرد و فرشتگان آمدند و به او خدمت کردند.

شروع موعظه‌گری عیسی

وسوسه می‌شود... مجذوب شهوت خود و فریفته شده است: (یعقوب 1:14) ما نیز توسط «شیطان» ذهن خود وسوسه می‌شویم، عیسی هم همین طور. ما توسط موجودی شرور که ما را به گناه و می‌دارد وسوسه نمی‌شویم - گناه و وسوسه «از درون، از دل انسان» بیرون می‌آید (مرقس 7:21).

ممکن نیست وسوسه‌ها به معنای واقعی کلمه باشند.

4:8 اشاره می‌کند که عیسی از کوه بلندی بالا رفت که شکوه و جلال آینده همه پادشاهی‌های جهان را «در لحظه‌ای از زمان» ببیند (مرقس 4:5). هیچ کوهی وجود ندارد که آنقدر بلند باشد که بتوان کل جهان را با آن دید - زمین کروی است.

- مقایسه با لوقا 4 نشان می‌دهد که وسوسه‌ها به ترتیب متفاوتی توصیف شده‌اند. مرقس 1:13 می‌گوید که عیسی «چهل روز در بیابان توسط شیطان وسوسه شد» در حالی که متی 3:2-4 می‌گوید که «وقتی چهل روز روزه گرفت... وسوسه‌گر (شیطان) نزد او آمد...». بنابراین، همین وسوسه‌ها مثلاً تبدیل کردن سنگ به نان همچنان تکرار شدند. - بعید است که شیطان، عیسی را به بیابان و خیابان‌های اورشلیم برده باشد و سپس با هم از نوک معبد بالا بروند و همه این‌ها جلوی چشم یهودیان کنجکاو اتفاق افتاده باشد. - اگر شیطان، شخصیتی فیزیکی است که هیچ احترامی برای کلام خداوند قائل نیست و علاقه‌مند به گناهکار کردن مردم است، پس چرا عیسی برای غلبه بر او از کتاب مقدس نقل قول می‌کند؟ طبق دیدگاه مردمی، این کار، شیطان را دور نمی‌کند. عیسی هر بار یک متن از کتاب مقدس را نقل قول کرد. مزامیر 119:11: «کلام تو را در دل مخفی نگاه داشتم تا شاید گناه نکنم.»

عیسی «به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را وسوسه کند». چطور ممکن است روح خدا عیسی را ببرد تا توسط موجودی فوق بشری در تضاد با خدا وسوسه شود. قدرت روح به تازگی به او رسیده بود. عیسی وسوسه شده بود که از آن برای تبدیل سنگ به نان، پریدن از بناها بدون آسیب دیدن و غیره استفاده کند.

مبتلا بودند و نیز نزد دیوزدگان، مصروعان و مفلوجان؛ و او آنها را شفا می‌بخشید.²⁵ و جمعیت‌های عظیمی از جلیله و دکاپولس و اورشلیم و یهودیه و از آن سوی اردن او را دنبال کردند.

باب 5 موعظه عیسی درباره زندگی ملکوت

و او با دیدن جمعیت‌ها، به سوی کوه رفت و وقتی نشست، شاگردانش به سوی او روانه شدند.² و او دهان خود را گشود و به آنها تعلیم داد و گفت:

³ خوشا به حال آنهایی که در روح مسکین هستند، زیرا ملکوت آسمان متعلق به آنهاست
⁴ خوشا به حال آنها که ماتم‌زده‌اند، زیرا تسلی خواهند یافت...
⁵ خوشا به حال فروتنان، زیرا آنها زمین را به ارث خواهند برد.

⁶ خوشا به حال آنها که گرسنه و تشنه عدالت هستند، زیرا آنها سیر خواهند گشت.

⁷ خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا آنها رحمت را خواهند یافت.

⁸ خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا آنها خدا را خواهند دید.

⁹ خوشا به حال صلح‌جویان، زیرا آنها پسران خدا نام خواهند گرفت.

زندگی می‌کردند، نوری تابید.¹⁷ از آن زمان، عیسی شروع به موعظه کرد و گفت: توبه کنید! زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.

¹⁸ در حالی که در کنار دریای جلیله قدم می‌زد، دو برادر یعنی شمعون ملقب به پطرس و برادرش آندریاس را دید که تور به دریا می‌انداختند، چرا که آنها ماهیگیر بودند.¹⁹ و عیسی به آنها گفت: من را دنبال کنید تا شما را صیاد مردم کنم.²⁰ و آنها فوراً تورها را رها کردند و به دنبال او رفتند.

²¹ در حالی که از آنجا می‌گذشت، دو برادر، یعنی یعقوب پسر زبدي و یوحنا برادر او، را در قایقی با زبدي، پدرشان دید که در حال تعمیر تورهایشان بودند؛ و او آنها را فراخواند.²² و آنها نیز فوراً قایق و پدرشان را ترک کردند و به دنبال عیسی رفتند.

شفا بخشی عیسی

²³ و عیسی تمام جلیله را گشت و در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و بشارت ملکوت را موعظه می‌کرد و تمام بیماری‌ها و مریضی‌های مردم را شفا می‌داد.²⁴ پس از آن، در سراسر سوریه شهرت یافت؛ و آنها او را نزد همه مردم بیماری می‌بردند که به انواع بیماری‌ها و دردها

5:5 زمین را به ارث خواهند برد - ملکوت خداوند اینجا روی زمین در بازگشت عیسی بنا نهاده خواهد شد. «میراث» به وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده اشاره دارد که طبق آن فرزندان او زمین را به ارث خواهند برد. جاودانگی در زمین و نه در آسمان به آنهایی که «در مسیح» هستند و بنابراین به فرزندان ابراهیم وعده داده شده است.

زایل کردن تورات یا نوشته‌های انبیا آمده‌ام. من نه برای تخریب بلکه برای تکمیل آمده‌ام.¹⁸ زیرا به راستی به شما می‌گویم تا زمانی که آسمان و زمین بر جا هستند، حتی یک حرف یا نقطه از تورات به هیچ وجه زایل نخواهد شد مگر آن که همه چیز تحقق یابد.¹⁹ بنابراین، هر که هر یک از این کوچک‌ترین احکام را زیر پا بگذارد و به انسان‌ها تعلیم دهد که چنین کنند، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد، اما هر که احکام را اجرا کند و آنها را تعلیم دهد، در ملکوت آسمان، بزرگ خوانده خواهد شد.²⁰ برای همین، به شما می‌گویم به هیچ وجه وارد ملکوت آسمان نخواهید شد مگر آن که نیکی شما از نیکی کاتبان و فریسیان فراتر رود.

²¹ شنیده‌اید که در قدیم گفته شده: قتل نکنید، و هر کس که قتل کند، تحت خطر مجازات خواهد بود.²² اما من به شما می‌گویم که هر کسی که از برادرش خشمگین باشد، مستوجب مجازات خواهد بود، و هر کسی که برادرش را راقا خواند، مستوجب رفتن به دادگاه خواهد بود، و هر کس که احمق بگوید، مستوجب آتش جهنم خواهد بود.

²³ بنابراین، چنانچه هدیه خود را به محراب ببرید و آنجا به یاد آورید که برادرتان از شما شکایتی دارد،

¹⁰ خوشا به حال آنهایی که در راه عدالت آزار دیدند، زیرا ملکوت آسمان متعلق به آنهاست.

¹¹ خوشا به حال شما اگر مردم به خاطر من، شما را ملامت کنند، و آزار دهند و به ناحق شما را به همه نوع کار شری متهم کنند.¹² شاد باشید و بی‌نهایت خوشحال باشید، زیرا پاداش شما در آسمان عظیم است؛ زیرا به همین صورت، پیامبران قبل از شما را نیز آزار دادند.

¹³ شما نمک زمین هستید، اما اگر نمک طعم خود را از دست بدهد، با چه می‌توان آن را نمکین کرد؟ دیگر فایده‌ای ندارد جز این که بیرون انداخته شود و زیر پای انسان پایمال شود.

¹⁴ شما نور جهان هستید. نمی‌توان شهری را که روی تپه قرار دارد پنهان کرد.¹⁵ انسان‌ها نیز چراغ را روشن نمی‌کنند تا آن را زیر سبد قرار دهند، بلکه آن را روی چراغدان می‌گذارند تا به همه ساکنین خانه روشنایی بخشد.¹⁶ به همین صورت بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا شاید آنها اعمال نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است ستایش کنند.

تفسیر عیسی از شریعت موسی
¹⁷ مبدا فکر کنید که من برای

5:15 اگر شمعی زیر یک سطل قرار بگیرد، خاموش خواهد شد. اگر علناً به ایمان خود شهادت ندهیم، آن را از دست خواهیم داد. نمی‌توانیم مخفیانه مسیحی باشیم.

5:17 شریعت موسی توسط مسیح با مرگ او تحقق یافت (کولسیان 17-2:14) پس لازم نیست آن شریعت و سبت را نگاه بداریم.

کند، مرتکب زنا شده است.

³³ شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شده: نباید قسم دروغ بخورید، بلکه باید به هر قسمی که به نام خداوند خورده‌اید عمل کنید. ³⁴ اما من به شما می‌گویم: به هیچ وجه قسم نخورید، نه به آسمان، چرا که عرش خدا است، ³⁵ و نه به زمین، چرا که پائنداز او است. نه به اورشلیم، چرا که شهر پادشاه عظیم است. ³⁶ به سر خود نیز قسم نخورید، زیرا نمی‌توانید یک تار موی آن را سفید یا سیاه کنید. ³⁷ بگذارید بله‌ی شما بله باشد و نه‌ی شما نه باشد، زیرا هر چه از این فراتر رود، از شیطان نشأت می‌گیرد.

³⁸ شنیده‌اید که گفته شده: چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. ³⁹ اما من به شما می‌گویم: در برابر شرور مقاومت نکنید، بلکه هر که به گونه راست صورت‌تان سیلی زد، سمت دیگر صورت‌تان را نیز به طرف او بگردانید. ⁴⁰ و اگر هر که خواست از شما شکایت کند و لباس شما را بگیرد، عبای خود را نیز به او بدهید. ⁴¹ و هر که شما را مجبور می‌کند یک کیلومتر طی کنید، با او دو کیلومتر بروید. ⁴² به آن کسی که از شما چیزی می‌خواهد، ببخشید؛ و درخواست کسی را که می‌خواهد از شما قرض بگیرد، رد نکنید.

⁴³ شنیده‌اید که گفته شده: همسایه‌ات را دوست بدار و از دشمنت بیزار باش. ⁴⁴ اما من به شما می‌گویم: دشمنان‌تان را دوست بدارید و برای آنهایی که شما را

²⁴ هدیه‌تان را در محراب رها کنید و بروید. اول با برادرتان صلح کنید و سپس بیايید و هدیه‌تان را عرضه کنید.

²⁵ با شاکی خود وقتی با او در خیابان هستی، سریع سازش کنید. تا مبدا شاکی شما را به قاضی بسپارد و قاضی شما را به افسر بسپارد و به زندان افکنده شوید.

²⁶ به راستی به شما می‌گویم، تا زمانی که تا ریال آخر را نپردازید، هیچ وقت بیرون نخواهید آمد.

²⁷ شنیده‌اید که گفته شده: زنا نکنید. ²⁸ اما من به شما می‌گویم که هر کسی که از روی شهوت به زنی نگاه کند، با او در قلب خود زنا کرده است

²⁹ و اگر چشم راست شما باعث گمراهی شما می‌شود، آن را بیرون آورید و دور بیندازید، زیرا به نفع شماست که یکی از اعضاء بدن‌تان نابود شود، تا این که کل بدن‌تان به جهنم افکنده شود. ³⁰ و اگر دست راست شما باعث گمراهی‌تان می‌گردد، آن را بپارید و دور بیندازید، زیرا به نفع شماست که یکی از اعضاء بدن‌تان نابود شود، تا این که کل بدن‌تان به جهنم افکنده شود.

³¹ همچنین گفته شده: هر مردی که از همسر خود جدا می‌شود، باید به او طلاق‌نامه‌ای بدهد. ³² اما من به شما می‌گویم که هر کس زن خود را جز به علت فساد جنسی طلاق دهد، مسبب زناکاری او می‌شود؛ و هر کس که با یک زن مطلقه ازدواج

وقتی صدقه می‌دهید، نگذارید دست چپتان از اعمال دست راستتان باخبر شود،⁴ تا صدقه‌تان در خفا باشد زیرا پدرتان که چیزی بر او پنهان نیست اجر شما را خواهد داد.⁵ و وقتی نیایش می‌کنید نباید مثل ریاکاران باشید. زیرا آنها دوست دارند در کنیسه‌ها و در گوشه و کنار خیابان‌ها بایستند و نیایش کنند تا شاید مردم آنها را ببینند. به راستی به شما می‌گویم، آنها پاداش خود را دریافت کرده‌اند.⁶ بلکه وقتی نیایش می‌کنید، وارد اتاق خود شوید و در را ببندید، برای پدرتان که دیده نمی‌شود نیایش کنید، و پدرتان که چیزی بر او پنهان نیست اجر شما را خواهد داد.

عیسی نحوه نیایش را تعلیم می‌دهد

⁷ و هنگام نیایش، مانند امت‌ها تکرار بیهوده نکنید، زیرا آنها فکر می‌کنند به سبب زیاد حرف زدن شنیده خواهند شد.⁸ پس مثل آنها نباشید! پدر از نیازهای شما حتی پیش از آن که از او بخواهید باخبر است.

آزار می‌دهند دعا کنید،⁴⁵ تا شاید پسران پدر آسمانی‌تان بشوید. چرا که او خورشید خود را بر شروران و نیکوکاران می‌تاباند، و باران را بر عادل و ناعادل نازل می‌کند.⁴⁶ زیرا اگر فقط آنهایی را دوست بدارید که دوستتان دارند، چه پاداشی دارید؟ حتی باجگیران نیز همین کار را می‌کنند!⁴⁷ و اگر فقط به برادران خود سلام کنید، چه کار بهتری نسبت به آنها کرده‌اید؟ باجگیران نیز همین کار را می‌کنند.⁴⁸ بنابراین، باید کامل باشید، زیرا پدر آسمانی‌تان کامل است.

باب 6

عیسی ریاکاری را تقبیح می‌کند
مواظب باشید اعمال نیک خود را برای جلب توجه مردم جلوی آنها انجام ندهید. وگرنه نزد پدر آسمانی‌تان هیچ پاداشی ندارید.² پس هر گاه صدقه می‌دهید، با بوق و گرنای اعلام نکنید، که این کار را ریاکاران در کنیسه‌ها و خیابان‌ها می‌کنند تا شاید مردم آنها را ستایش کنند. به راستی به شما می‌گویم، آنها پاداش خود را دریافت کرده‌اند.³ بلکه

5:45 خورشید خود را می‌تاباند – خداوند دنیا را کوک نکرده که پس از رها کردن آن دنیا برای خود تیک تیک کند. هر عملی در آفرینش به طور آگاهانه از سوی اوست. بنابراین ما هرگز از او دور نیستیم – فقط اعمال او در طبیعت را حس کنید.
6:3 دست چپتان باخبر شود – نسبت به اعمال نیک خود آگاه و هشیار نباشید. کارهای خوب انجام دهید و آنها را فراموش کنید. آنهایی که در ملکوت خداوند پذیرفته شده‌اند، زمان‌هایی را که به گرسنه غذا دادند به راستی به خاطر نخواهند آورد (متی 25:37)

6:4 اجر خواهد داد – وقتی عیسی برای بنا نهادن ملکوت خداوند روی زمین باز می‌گردد. «من سریع می‌آیم و پاداشم با من است» (مکاشفه 22:12)

تعالیم عیسی درباره گنج در آسمان

¹⁹ برای خود روی زمین گنج ذخیره نکنید که در آن بید و زنگ زیان می‌رساند و دزدان نقب می‌زنند و دزدی می‌کنند. ²⁰ بلکه برای خود در آسمان گنج ذخیره کنید که در آن نه بید و نه زنگ آسیب می‌رساند و دزدان نمی‌توانند نقب بزنند یا دزدی کنند. ²¹ زیرا هر جا گنج شما باشد، قلب شما نیز در آن خواهد بود.

تعالیم عیسی درباره نور و ظلمت

²² چراغ بدن، چشم است. پس اگر چشم شما سالم باشد، کل بدنتان پرنور خواهد بود. ²³ اما اگر چشمتان سالم نباشد، کل بدنتان مملو از ظلمت خواهد بود. پس اگر نوری که در شماست، ظلمت است، چه ظلمت عظیمی است!

تعالیم عیسی درباره پول و دارایی

²⁴ هیچ کس بنده دو ارباب نخواهد بود؛ زیرا یا از یکی متنفر و عاشق آن یکی خواهد شد، یا به یکی وفادار مانده و از آن یکی بیزار خواهد گشت. نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم بنده پول.

⁹ باید این گونه دعا کنید: پدر آسمانی ما، نام تو مقدس باد. ¹⁰ ملکوت تو بیاید. اراده تو روی زمین اجرا شود، درست همان گونه که در آسمان اجرا می‌شود. ¹¹ در این روز، نان روزانه ما را به ما عطا کن. ¹² و قرض‌های ما را ببخش، زیرا ما نیز بدهکاران خود را بخشیده‌ایم. ¹³ و ما را از وسوسه دور بدار، و ما را از شیطان رها کن.

¹⁴ چرا که اگر شما خطاهای دیگران را ببخشید، پدر آسمانی‌تان نیز شما را خواهد بخشید. ¹⁵ اما اگر خطاهای دیگران را نبخشید، پدرتان نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

سخنان بیشتر درباره ریاکاری

¹⁶ همچنین، وقتی روزه می‌گیرید، مثل ریاکاران پریشان‌احوال نباشید. زیرا آنها صورت‌شان را بدشکل می‌کنند تا مردم متوجه روزه‌داری آنها شوند. به راستی به شما می‌گویم، آنها پاداش خود را دریافت کرده‌اند. ¹⁷ بلکه وقتی روزه می‌گیرید، سر خود را روغن مالی کنید و صورت خود را بشوید، ¹⁸ تا روزه‌داری شما بر مردم معلوم نگردد بلکه بر پدرتان که دیده نمی‌شود معلوم گردد؛ و پدرتان که چیزی بر او پنهان نیست، اجر شما را خواهد داد.

6:10 روی زمین – ما برای آمدن ملکوت خداوند روی زمین دعا می‌کنیم یعنی برای این که عیسی زود باز گردد.

6:18 معلوم نگردد – ما باید به طور آگاهانه تلاش کنیم که کارهای نیک خود را پنهان سازیم تا دیگران متوجه آنها نشوند. آخرین باری که این کار را کردید چه زمانی بود؟

6:24 افراد کمی خواهند گفت که از خدا «متنفر هستند». اما اگر عاشق مال و ثروت باشیم، در آن صورت از نظر خداوند از او نفرت داریم.

تمام این چیزها به شما اعطا شود.³⁴ بنابراین، نگران فردا نباشید، زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. هر روز به اندازه کافی مشکلات خود را دارد.

باب 7

تعالیم عیسی درباره پیش‌داوری

¹ قضاوت نکنید تا خودتان نیز مورد قضاوت قرار نگیرید.² زیرا هر گونه که قضاوت کنید، درباره خودتان نیز قضاوت خواهند کرد و از هر مقیاسی که استفاده کنید، برای خودتان نیز همان مقیاس اعمال خواهد شد.³ اما چرا خرده چوب را در چشم برادرتان می‌بینید اما تکه چوب بزرگی که در چشم خودتان است را نادیده می‌گیرید؟⁴ یا چطور به برادرتان خواهید گفت: بگذار خرده چوب را از چشمت بیرون بیاورم، وقتی تکه چوب بزرگی در چشم خودتان است؟⁵ ای ریاکار، اول تکه چوب بزرگ را از چشم خودت بیرون بیاور و سپس به وضوح خواهی دید تا خرده چوب را از چشم برادرت بیرون بیاوری.⁶ آنچه مقدس است به سگ‌ها ندهید، مرواریدهای خود را جلوی خوک‌ها نریزید تا مبادا آنها را زیر پای خود له کنند و برگردند و شما را تکه تکه کنند.

²⁵ پس به شما می‌گویم: نگران زندگی خود نباشید؛ که چه خواهید خورد یا چه خواهید نوشید. نگران بدن خود نیز نباشید؛ که چه خواهید پوشید. آیا زندگی فراتر از غذا و بدن فراتر از لباس نیست؟²⁶ به پرندگان آسمان نگاه کنید؛ آنها نه دانه می‌کارند، نه درو می‌کنند، و نه در انبار ذخیره می‌کنند؛ اما با این وجود پدر آسمانی‌تان روزی آنها را می‌دهد آیا ارزش شما به مراتب بیشتر از آنها نیست؟²⁷ کدام یک از شما می‌تواند با نگرانی، ذره‌ای به قامت خود بیفزاید؟²⁸ پس چرا نگران لباس هستید؟ به سوسن‌های چمن فکر کنید، که چگونه می‌رویند: نه محنت می‌کشند و نه می‌ریسند!²⁹ اما من به شما می‌گویم که حتی سلیمان با تمام شکوه خود مثل هیچ یک از اینها آراسته نشد.³⁰ حال اگر خدا علف زمین را که امروز اینجاست ولی فردا در تنور افکنده می‌شود این گونه می‌آراید، آیا قطعاً به شما بیشتر توجه نمی‌کند، ای کم‌ایمانان!³¹ پس نگران نباشید و نگوئید که چه خواهم خورد؟ یا چه خواهم پوشید؟³² زیرا ملت‌ها برای همه این چیزها تلاش می‌کنند؛ با این که پدر آسمانی‌تان می‌داند که به همه این‌ها نیاز دارید³³ پس اول به دنبال پادشاهی خدا و عدالت او باشید، تا

6:26 پدر روزی آنها را می‌دهد — همانند 5:45، خداوند به صورت آگاهانه با مخلوقات

خود در ارتباط است و با حیوانات نوعی رابطه دارد (ایوب 1:5-41). 7:1 قضاوت نکنید — کلمه یونانی که به «قضاوت» ترجمه شده هر دو معنی محکوم کردن و داوری در مورد درست و غلط را در برمی‌گیرد. ما نباید دیگران را محکوم کنیم، بلکه باید بین درست و غلط قضاوت کنیم.

تعالیم عیسی درباره پدر سَخاوت‌مند آسمانی

⁷ بخواهید و به شما اعطا خواهد شد. جستجو کنید و پیدا خواهید کرد. در بزنید و به روی شما گشوده خواهد شد. ⁸ زیرا هر که درخواست کند، دریافت خواهد کرد و آن که در جستجو باشد پیدا خواهد کرد و آن که در بزند، در به روی او باز خواهد شد.

⁹ از میان شما کسی هست که اگر پسرش از او نان بخواهد، به او سنگ بدهد؟ ¹⁰ یا اگر ماهی بخواهد، به او مار بدهد؟ ¹¹ پس اگر شما که شیرین هستید می‌دانید که چگونه به فرزندان‌تان هدایای خوب بدهید، پدرتان که در آسمان است تا چه حد چیزهای خوبی به آنها که از او درخواست می‌کنند اعطا خواهد کرد. ¹² بنابراین، با مردم همان گونه رفتار نکنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند، زیرا این است تورات و نوشته انبیا.

تعالیم عیسی درباره آزمودن خوبی و بدی

¹³ از دروازه تنگ وارد شوید، زیرا دروازه‌ای که عریض و راهی که گسترده است به ویرانی منتهی می‌شود و آنها که بدان وارد می‌شوند بسیارند. ¹⁴ زیرا دروازه‌ای که تنگ و جاده‌ای که مستقیم است به زندگی

منتهی می‌شود، اما کمتر کسی آن را پیدا می‌کند.

¹⁵ از پیامبران دورغین برخذر باشید که در پوشش میش نزد شما می‌آیند، اما از درون گرگ‌های درنده هستند. ¹⁶ آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انسان‌ها انگور را از خار یا انجیر را از خس می‌چینند؟ ¹⁷ با این حال، درخت خوب میوه خوب به بار می‌آورد، اما درخت فاسد میوه بد به بار می‌آورد. ¹⁸ درخت خوب نمی‌تواند میوه بد به بار بیاورد، درخت بد نیز نمی‌تواند میوه خوب به بار بیاورد. ¹⁹ هر درختی که میوه خوب نمی‌دهد بریده و به آتش افکنده می‌شود. ²⁰ پس آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. ²¹ نه هر کس که به من گوید:

«سرورم، سرورم» وارد ملکوت آسمان می‌شود، مگر آن کسی که پدر آسمانی‌ام را خشنود سازد. ²² در آن روز بسیاری به من خواهند گفت: سرورم، سرورم، مگر ما با نام تو نبوت نکردیم و با نام تو دیوها را بیرون نراندیم و با نام تو اعمال بزرگ بسیاری را انجام دادیم؟ ²³ و آن گاه به آنها خواهم گفت: من هیچ وقت شما را نمی‌شناختم. از من دور شوید ای گناهکاران.

²⁴ پس هر کسی که این سخنان من را بشنود و به آن عمل کند مانند انسان عاقلی خواهد بود که خانه‌اش

7:14 اکثر مردم معمولاً در امور معنوی اشتباه می‌کنند.

7:22 سرورم، سرورم - کسانی خواهند بود که عیسی را «سرور» خطاب کرده و فکر می‌کردند و به نام او معجزه می‌کردند که در آخرین روز انکار خواهند شد. در حقیقت «شرارت» می‌کردند. در اختیار داشتن نعمت‌های الهی، رستگاری را تضمین نمی‌کند.

به هیچ کس چیزی نگو، اما برو و خودت را به روحانیون نشان بده و هدیه‌ای را که موسی فرمود تقدیم کن تا برای آنها شهادتی باشد.

ستودن یک سرباز رومی توسط عیسی

⁵ و وقتی عیسی وارد کفرناحوم می‌شد، یک یوزباشی به سوی او آمد و به او التماس کرد ⁶ و گفت: سرورم، خادم من در خانه مفلوج افتاده و به شدت رنج می‌کشد. ⁷ و عیسی به او گفت: خواهم آمد و او را شفا خواهم داد. ⁸ و یوزباشی پاسخ داد و گفت: سرورم، من لایق آن نیستم که شما زیر سقف من بیایید، فقط سخن بگوئید و خادمم شفا خواهد یافت. ⁹ چرا که من نیز مردی دارای قدرت هستم و سربازانی زیر دست من هستند و به یکی از آنها می‌گویم: برو! و او می‌رود. و به دیگری می‌گویم: بیا! و او می‌آید. و به خادمم می‌گویم: این کار را بکن! و او آن را انجام می‌دهد. ¹⁰ وقتی عیسی این را شنید، شگفت‌زده شد و به آنها که او را دنبال می‌کردند گفت: به راستی به شما می‌گویم، هیچ کسی را با چنین ایمان عظیمی در اسرائیل نیافتم.

را بر سنگ بنا نهاده است. ²⁵ و باران بارید و سیل‌ها جاری شد و بادهای وزید و به آن خانه ضربه زد؛ اما خانه فرو نریخت، زیرا بر سنگ بنا نهاده شده بود. ²⁶ پس هر کسی که این سخنان من را بشنود و از آن پیروی نکند، مانند انسانی نادان است که خانه‌اش را بر شن نهاده است. ²⁷ و باران بارید و سیل‌ها جاری شد و بادهای وزید و به آن خانه ضربه زد؛ و خانه فرو ریخت، و چه خرابی عظیمی بود. ²⁸ و این گونه شد که وقتی سخنان عیسی پایان یافت، مردم از تعالیم او شگفت‌زده شدند. ²⁹ زیرا به آنها مثل صاحب قدرت تعلیم داد، نه مثل کاتبان.

باب 8

شفای یک جذامی توسط عیسی

و وقتی عیسی از کوه پایین آمد، جمعیت زیادی او را دنبال می‌کردند. ² و یک فرد مبتلا به جذام نزد او آمد و زانو زد و گفت: سرورم، اگر بخواهی می‌توانی مرا پاک سازی. ³ و عیسی دستانش را دراز کرد و او را لمس نمود و گفت: البته که می‌خواهم. پاک شو! و بلافاصله از جذام پاک شد. ⁴ و عیسی به او گفت:

7:25 سیلها جاری شد - روز دآوری مانند طوفانی خواهد بود که ما را کاملاً تکان خواهد داد و هویت اصلی ما را فاش خواهد کرد. پیشرفت معنوی حقیقی آهسته است - مانند کوباندن به سنگ قلب‌های سخت‌مان. پیشرفت معنوی سریع مانند بنایی است که روی شن نهاده شده است.

8:3 او را لمس نمود - همه متعجب شدند. لمس کردن یک جذامی، یک فرد را به طور سنتی ناپاک می‌کرد و خطر سرایت بیماری را به وجود می‌آورد. عیسی این کار را کرد که نشان دهد تا چه اندازه به «مغالطه تداعی» بی‌اعتقاد است.

شود: او ضعف‌های ما را گرفت و بیماری‌های ما را از بین برد.
عیسی طوفانی سهمگین را در دریا آرام می‌سازد

¹⁸ و چون عیسی جمعیت عظیمی را اطراف خود دید، دستور داد به طرف دیگر بروند. ¹⁹ و آنجا کاتبی آمد و به او گفت: استاد، هر جا بروی دنبالت می‌آیم. ²⁰ و عیسی به او گفت: رویاهان لانه دارند و پرندگان آسمان آشیانه دارند، اما پسر انسان جایی ندارد که سر خود را آنجا بگذارد. ²¹ و یکی دیگر از شاگردانش به او گفت: سرورم، بگذار اول بروم و پدرم را به خاک بسپارم. ²² اما عیسی به او گفت: من را دنبال کن و بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند.

²³ و وقتی سوار بر قایقی شد، شاگردانش به دنبال او رفتند. ²⁴ و بدون هشدار، طوفانی خشمگین در دریا برخاست به طوری که امواج دریا قایق را در برگرفته بود؛ اما عیسی در خواب بود. ²⁵ آنها آمدند و او را بیدار کردند و گفتند: سرورم

¹¹ و من به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در ملکوت آسمان خواهند نشست، ¹² اما پسران ملکوت به ظلمت بیرون افکنده خواهند شد. آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود.

¹³ و عیسی به یوزباشی گفت: برو. همان طور که باور داشتی، این کار برای تو انجام شد. و خادم در آن ساعت شفا یافت.

عیسی بیماران بسیاری را شفا می‌دهد

¹⁴ و چون عیسی وارد خانه پطرس شد، مادر همسر او را دید که در تب خوابیده و بیمار است. ¹⁵ عیسی دستش را لمس کرد و تب او قطع شد و او برخاست و به عیسی خدمت کرد.

¹⁶ و وقتی غروب از راه رسید، بسیاری از دیوزدگان را نزد او آوردند و او ارواح را با یک کلمه بیرون کرد، و همه بیماران را شفا داد، ¹⁷ تا شاید سخنان اشعیا نبی محقق

8:16,17 «دیوزدگی» اصطلاحی بود که در قرن یکم برای توصیف بیماری روانی به کار برده می‌شد. به شباهت بین «بیرون راندن دیوها» و شفا یافتن از بیماری توجه کنید. «دیوها» در حقیقت وجود ندارند.

8:20-22 عیسی، سرور همه رحمتها ممکن است گاهی اوقات بسیار سختگیر بشود. او پاسخ فوری ما را می‌خواهد. به همین شکل در این آیه، در مورد وضعیّتش مبالغه کرد. 21 - اغلب اوقات جایی برای خوابیدن داشت، مثلاً خانه ماریا و مریم، اما احتمالاً آن شب جایی را نداشته است.

8:23 شاگردانش به دنبال او رفتند - این گونه برداشت می‌شود که آنها پشت سر او رفتند. آنها نماد همه ما هستند.

8:25 او را بیدار کردند - قطعاً عیسی در قایق در حال غرق شدن فقط به ظاهر خوابیده بود. اما درست همان طور که در زندگی ما این گونه است، او بی سر و صدا ظاهر می‌شود تا ما را به نقطه درک کردن نیاز ما به او برساند.

ما را بیرون می‌کنی، ما را به گله خوک‌ها بفرست.³² و او به آنها گفت: بروید. و آنها بیرون آمدند و وارد گله خوک‌ها شدند و کل گله از تپه به سمت دریا دویدند و در آب به هلاکت رسیدند.

³³ و آن که آنها را می‌چراند فرار کرد و به شهر رفت و همه چیز را گفت از جمله اتفاقی که برای دیوزدگان رخ داد.³⁴ و همه شهر برای ملاقات با عیسی آمدند و وقتی او را دیدند، به او التماس کردند که آن ناحیه را ترک کند.

باب 9

عیسی یک مرد مفلوج را شفا می‌دهد و می‌بخشد

و عیسی وارد قایقی شد و عبور کرد و به شهر خودش آمد.² آنها یک مرد مفلوج را نزد او آوردند که در بستر درازکش بود؛ و

ما را نجات بده! ما تلف می‌شویم!²⁶ و او به آنها گفت: چرا ترسیده‌اید؟ ای کم‌ایمانان! سپس برخاست و بادها و دریا را نهیب کرد و آرامشی عظیم برپا شد.²⁷ و آن افراد شگفت‌زده شدند و گفتند: این چگونه مردی است که حتی بادها و دریا از او پیروی می‌کنند؟

عیسی مرد دیوزده‌ای را شفا می‌دهد

²⁸ و وقتی به آن طرف رسید، در سرزمین جدریان، دو دیوزده از قبرها بیرون آمده و به او رسیدند و به شدت خشمگین بودند تا هیچ کس نتواند به آن سمت برود.²⁹ و آنها فریاد زدند و گفتند: ما با تو چه کار داریم ای پسر خدا؟ آیا آمده‌ای قبل از وقت ما را عذاب کنی؟³⁰ به دور از آنها گله بزرگی از خوک‌ها در حال چریدن بودند.³¹ و دیوها به او التماس کردند و گفتند: اگر

8:26 ای کم‌ایمانان! — به یاد داشته باشید که انجیل توسط شاگردان نوشته شده است. این نوشته‌ها نسخه مکتوب موعظه‌های آنها به دیگران است. آنها با اشاره به این که ایمان خودشان به مسیح چقدر ضعیف و سست بود، از دیگران می‌خواستند تا به مسیح ایمان داشته باشند. چنین تواضعی، یعنی بازگو کردن خطاهایمان به دیگران باعث می‌شود که نسبت به زمانی که تظاهر به کامل بودن می‌کنیم، شهادت ما محکم و پُرمایه باشد. نیکوکار پنداری خود، مردم را دلسرد می‌کند.

8:32 عیسی درخواست مرد دیوانه را قبول می‌کند تا برای بقیه زندگی‌اش به او قدرت بینایی بدهد. بیماری روانی معمولاً متناوب است و گاه به گاه بروز می‌کند، و آن مرد نیاز داشت اطمینان یابد که این بار کاملاً معالجه می‌شود. ممکن است بیماری او ناشی از خوردن گوشت خوک باشد.

9:2 عیسی ایمان آنها را می‌بیند — او فردی را به خاطر ایمان دیگران شفا داد و بخشید. اگر ایمان ما بتواند روی سرنوشت ابدی و سلامت دیگران تأثیر بگذارد، پس باید تمام تلاش خود را در دعا و در عمل برای آنها به کار گیریم. تلاش‌ها و دعا‌های ما می‌تواند عاملی برای رستگاری و تبرک دیگران شود و یا اصلاً این گونه نیست. اما این گونه است. پس باید زندگی خود را وقف دعا و محبت برای دیگران کنیم.

بسیاری آمدند و با عیسی و شاگردانش نشستند.¹¹ و وقتی فریسیان این را دیدند به شاگردان او گفتند: چرا استاد شما با باجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟¹² اما وقتی عیسی این را شنید، گفت: آنهایی که بیمارند به طبیب نیاز دارند نه آنهایی که سالم‌اند.¹³ بروید و معنی این را دریابید: من رحمت می‌خواهم نه قربانی. من نیامده‌ام که نیکوکاران بلکه آمده‌ام گناهکاران را دعوت کنم.

¹⁴ سپس شاگردان یحیی نزد او آمدند و گفتند: چرا ما و فریسیان اغلب روزه می‌گیریم، اما شاگردان شما روزه نمی‌گیرند؟¹⁵ و عیسی به آنها گفت: آیا پسران حجله عروسی می‌توانند در حالی که داماد با آنهاست عزاداری کنند؟ اما روزهایی فرا خواهد رسید که داماد از آنها گرفته می‌شود و آنگاه آنها روزه خواهند گرفت.

¹⁶ هیچ کس بر جامه‌ای کهنه، پارچه نو وصله نمی‌کند، زیرا وصله پاره و از جامه جدا می‌شود و پارگی بدتری ایجاد می‌کند.¹⁷ مردم نیز شراب تازه را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزند. اگر چنین کنند، مشک‌ها خواهند ترکید، شراب بیرون می‌ریزد

عیسی با دیدن ایمان آنها، به مرد مفلوج گفت: ای فرزند شهامت داشته باش. گناهانت بخشوده شدند.³ و برخی از کاتبان با خود گفتند: این مرد کفر می‌گوید.⁴ و عیسی که از افکار آنها باخبر بود، گفت: چرا این افکار پلید را در دل‌های خود راه می‌دهید؟⁵ چرا که گفتن کدام آسان‌تر است، این که گناهانت بخشوده شدند یا برخیز و راه برو؟⁶ اما برای این که بدانید پسر انسان روی زمین، قدرت بخشیدن گناهان را دارد، سپس رو به مفلوج گفت: برخیز، بستر خود را بردار و به خانه‌ات برو.⁷ و او برخاست و به خانه‌اش رفت.⁸ اما وقتی مردم این را دیدند، ترسیدند و خداوند را که چنین قدرتی را به انسان‌ها داده است ستودند.

عیسی با طردشدگان جامعه اختلاط می‌کند

⁹ و چون عیسی آنجا را ترک نمود، مردی را به نام متی دید که در باجگاه نشسته، عیسی به او گفت: دنبال من بیا. و او برخاست و دنبال او رفت.

¹⁰ و این گونه شد که در حالی که عیسی در خانه نشسته و غذا می‌خورد، باجگیران و گناهکاران

9:13 نیامده‌ام که نیکوکاران بلکه آمده‌ام گناهکاران را دعوت کنم - همه ما گناهکار هستیم، بعضی‌ها فقط فکر می‌کنند که نیکوکار هستند. ما هیچ وقت برای خدا آن طور که باید نیک نخواهیم بود، هرگز کاملاً از لحاظ اخلاقی برای تعمیم آماده نخواهیم بود - اما کل هدف عیسی این است که ما گناهکاران را نجات دهد.

9:17 شراب تازه مُعرف عهد جدید در خون عیسی است؛ شراب کهنه عهد قدیم، تورات موسی است. اگر شراب تازه عیسی را دریافت کرده باشیم، باید تغییر کنیم - وگرنه ما را نابود خواهد کرد.

عیسی دو مرد کور و یک مرد لال را شفا می‌دهد.

²⁷ همین طور که عیسی از آنجا می‌گذشت، دو مرد کور به دنبال او رفتند، فریاد سر دادند و گفتند: به ما رحم کن، ای پسر داود! ²⁸ و وقتی به خانه رسید، مردان نابینا نزد او آمدند و عیسی به آنها گفت: آیا باور دارید که من قادرم چنین کنم؟ آنها به او گفتند: بله سرورم. ²⁹ سپس او چشمانشان را لمس کرد و گفت: طبق ایمان‌تان، باشد که این کار برای شما انجام شود. ³⁰ و چشمان آنها گشوده شد. و عیسی موكداً به آنها دستور داد و گفت: مواظب باشید هیچ کس نفهمد! ³¹ اما آنها رفتند و شهرت او را در سراسر آن سرزمین گسترش دادند.

³² در حالی که آنها را ترک می‌کردند، مردی لال که دیوزده بود نزد او آورده شد. ³³ و وقتی دیو از او بیرون رانده شد، مرد لال صحبت کرد و مردم شگفت‌زده شدند و گفتند: چنین چیزی هرگز در اسرائیل دیده نشده است! ³⁴ اما فریسیان گفتند: او دیوها را به کمک شاهزاده دیوها بیرون می‌راند.

عیسی با دلسوزی موعظه می‌کند

³⁵ و عیسی به تمام شهرها و روستاها می‌رفت، در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و مژده ملکوت را اعلام می‌کرد و همه نوع بیماری و

و مشک خراب خواهد شد. نه، آنها شراب تازه را در مشک‌های نو می‌ریزند تا هر دو سالم بمانند.

عیسی دختری مُرده را به زندگی باز می‌گرداند

¹⁸ وقتی عیسی این سخنان را به آنها گفت، فرمانروایی آمد و پیش او زانو زد و گفت: دخترم اکنون مُرده است، ولی بیا و دست خود را بر او بگذار تا زنده شود. ¹⁹ و عیسی برخاست و به دنبال او رفت، شاگردانش نیز چنین کردند.

²⁰ زنی که دوازده سال به مرض استحاضه مبتلا بود پشت سر عیسی آمد و به لبه جامه عیسی دست زد. ²¹ زیرا با خود گفت: اگر فقط به جامه‌اش دست بزنم، شفا خواهم یافت. ²² اما عیسی برگشت و او را دید و گفت: دخترم، شهادت داشته باش. ایمانت تو را شفا داده است. و آن زن در همان لحظه شفا یافت.

²³ و وقتی عیسی وارد خانه فرمانروا شد و فلوت‌نوازان و مردم را دید که همه به راه انداخته بودند، ²⁴ گفت: اینجا را ترک کنید! چرا که دخترک مُرده است، بلکه خوابیده است. و آنها با تمسخر به او خندیدند. ²⁵ اما وقتی جمعیت به بیرون رانده شدند، عیسی وارد شد و دست دختر را گرفت و دخترک بلند شد. ²⁶ و شهرت او کل سرزمین را فرا گرفت.

9:35 مضمون موعظه عیسی «بشارت ملکوت»، مژده («انجیل») داشتن خدا به عنوان پادشاهان است و این که مشتاقانه منتظر بازگشت جسمی پسرش برای بنا نهادن ملکوت خداوند، اینجا روی زمین برای همیشه باشیم.

خیانت کرد.

⁵ عیسی این دوازده نفر را اعزام کرد و به آنها دستور داد و گفت: از سرزمین‌های ملل دیگر عبور نکنید و به هیچ یک از شهرهای سامریان وارد نشوید. ⁶ در عوض، به سمت گوسفندان گم‌گشته قوم اسرائیل بروید. ⁷ و در حال رفتن، موعظه کنید و بگویید: ملکوت آسمان نزدیک است. ⁸ بیماران را شفا دهید، مُردگان را زنده کنید، جذامیان را پاک سازید و دیوها را بیرون کنید. رایگان دریافت کردید، رایگان ببخشید. ⁹ هیچ طلا، نقره یا برنزی را برای کیسه‌های خود نیندوزید، ¹⁰ کیف، دو پیرهن، کفش یا عصا برای سفر با خود نبرید؛ چرا که کارگر مستحق غذای خود است. ¹¹ و وارد هر شهر یا روستایی که می‌شوید، به دنبال فردی لایق بگردید و تا زمانی که آنجا هستید، نزد او بمانید. ¹² و وقتی وارد خانه‌ای می‌شوید، سلام کنید. ¹³ و اگر افراد خانه شایسته باشند، سلام شما بر آنها واقع خواهد شد؛ اما اگر ناشایست باشند، سلامتان به خودتان بازخواهد گشت. ¹⁴ و هر که شما را

مریضی را شفا می‌داد.

³⁶ اما وقتی جمعیت‌ها را دید، دلش به حال آنها سوخت، چرا که آنها مضطرب و پراکنده بودند، درست مانند گوسفندانی که شبان ندارند. ³⁷ سپس عیسی به شاگردانش گفت: همانا که محصول فراوان است اما کارگران کم هستند. ³⁸ پس از خداوند محصول بخواهید که کارگران را برای جمع‌آوری محصول خود بفرستد.

پاب 10

عیسی به شاگردانش اجازه

موعظه و شفای مردم را می‌دهد

و عیسی دوازده شاگردش را نزد خود فراخواند و به آنها در برابر ارواح ناپاک اختیار داد تا آنها را بیرون رانده و همه نوع بیماری و مریضی را شفا بخشند. ² اسامی این دوازده رسول بدین ترتیب است. اول شمعون معروف به پطرس و برادرش آندریاس. یعقوب فرزند زبدي و برادرش یوحنا. ³ فیلیپس و برتولما. توما و متای باجگیر، یعقوب پسر حلفی و تدی، ⁴ شمعون غیور و یهودای اسخریوطی که به عیسی

9:37 نمادها حاکی از آن است که محصولات، از دست رفته و خراب می‌شوند زیرا کارگران کافی برای برداشت آنها نیست. محصول اشاره دارد به کسانی که تازه به دین روی می‌آورند؛ میوه معنوی که به خداوند که صاحب همه است اعطا می‌شود. خداوند به گونه ای انتخاب می‌کند که با ما محدود شود. کسانی خواهند بود که برای خدا پرو نخواهند شد زیرا کلیسا برای آنها تلاش کافی نکرد یا این که تعداد ما برای رسیدن به آنها کافی نبود. «کم» در یونانی می‌تواند به معنی ضعیف و نیز تعداد کم باشد.

10:11 تا زمانی که آنجا هستید – عیسی دوست داشت روی خانواده‌ها و خانه‌ها تمرکز کند که بعداً به کلیساهای خانگی در نسخه بعدی عهد جدید توسعه یافتند. تمرکز او هنوز روی واحد خانواده به عنوان شالوده کلیسایش است.

²¹ و برادر برادر را و پدر فرزندان را تسلیم مرگ خواهند نمود و فرزندان علیه والدین خود قیام خواهند کرد و باعث کشته شدن آنها خواهند شد. ²² و به خاطر اسم من، همه مردم از شما متنفر خواهند شد؛ اما آن کس که تا آخر مقاومت کند، نجات خواهد یافت. ²³ اما وقتی شما را در این شهر آزار می‌دهند، به شهر بعدی فرار کنید. زیرا به راستی به شما می‌گویم که تا زمانی که پسر انسان نیامده، از تمام شهرهای اسرائیل نخواهید گذشت.

²⁴ شاگرد از استاد خود و خادم بالاتر از ارباب خود نیست. ²⁵ کافی است شاگرد چون استاد خویش و خادم چون ارباب خویش گردد. اگر ارباب خانه را بعزب‌بول خوانده‌اند، اهل خانه‌اش را چقدر بدتر خواهند خواند!

²⁶ پس از آنها نترسید. زیرا هیچ چیزی پوشیده نیست که آشکار نشود و هیچ چیزی پنهان نیست که معلوم نگردد.

نپذیرفت، یا سخنانتان را نشنید، در حالی که از آن خانه یا شهر بیرون می‌روید، خاک پای خود را بتکانید. ¹⁵ به راستی به شما می‌گویم، در روز جزا حالت زمین سدوم و غموره از آن شهر قابل تحمل‌تر خواهد بود. ¹⁶ شما را به مانند گوسفندان در میان گرگ‌ها می‌فرستم. پس مثل مار عاقل و مثل کبوتر بی‌آزار باشید.

¹⁷ اما مواظب مردم باشید، زیرا آنها شما را به دادگاه‌ها تحویل خواهند داد و کنیسه‌هایشان شما را تازیانه خواهند زد. ¹⁸ آری و به خاطر من شما را نزد فرماندهان و پادشاهان خواهند برد تا برای آنها و برای ملل، شهادت دهید. ¹⁹ اما وقتی شما را تحویل می‌دهند، نگران این نباشید که چه چیزی را چگونه بگویید، زیرا در آن زمان هر چه باید بگویید به شما اعطا خواهد شد. ²⁰ زیرا این شما نیستید که سخن می‌گویید، بلکه روح پدرتان است که در شما سخن می‌گوید.

10:15 قابل تحمل‌تر - هنگام بازگشت عیسی در روز حساب، پاداش و مجازات، درجه و حد خواهد داشت. تمام رفتارهای ما در این زندگی با حساسیت دآوری خواهند شد، از هیچ چیز چشم‌پوشی نخواهد شد و همه چیز پاسخی مناسب دریافت خواهد کرد.

10:16 مثل مار عاقل - از ما درخواست نشده که ساده لوح باشیم بلکه برعکس. **10:23 از تمام شهرهای اسرائیل نخواهید گذشت** - این عبارت ممکن است به این اشاره داشته باشد که درست قبل از بازگشت مسیح، مومنین آزار و اذیت خواهند شد و شهادتی محکم برای یهودیان در اسرائیل خواهد بود. ما باید آماده باشیم.

10:25 بنابراین نباید از آزار و اذیت متعجب شویم؛ در حقیقت باید منتظر آن باشیم زیرا اگر این دنیا با عیسی چنین رفتاری داشت، با ما نیز چنین برخوردی خواهد داشت.

10:26 آشکار - در روز حساب (اول قرن‌تیان 3:13) اگر قرار است به طور ابدی آنچه واقعا هستیم آشکار شود، دلیلی ندارد تصویری دروغین به برادران و خواهرانمان در این زندگی نشان دهیم.

را در زمین برقرار کنم. من نیامده‌ام که صلح بلکه آمده‌ام شمشیر را بیاورم.³⁵ زیرا من آمده‌ام تا بین پسر و پدرش، دختر و مادرش، و عروس و مادرشوهرش اختلاف افکنم.³⁶ و دشمنان انسان، اهل خانه خودش خواهند بود.

³⁷ او که پدر یا مادرش را بیشتر از من دوست بدارد، لایق من نیست و آن کسی که پسر یا دخترش را بیشتر از من دوست بدارد، لایق من نیست.³⁸ و آن کسی که صلیب خود را بر ندارد و دنبال من نیاید، لایق من نیست.³⁹ آن کسی که زندگی‌اش را درمی‌یابد آن را از دست خواهد داد، و آن کسی که به خاطر من زندگی‌اش را از دست می‌دهد آن را پیدا خواهد کرد.

⁴⁰ آن کسی که شما را قبول کند، من را قبول کرده و آن کسی که من را قبول کرده فرستنده مرا قبول کرده است.⁴¹ آن کسی که پیامبری را به اسم پیامبر بپذیرد، اجر یک پیامبر را دریافت خواهد کرد، و آن کسی که

²⁷ هر چه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنایی بگویید، و هر چه در گوش خود می‌شنوید، بر بام خانه‌ها فریاد بزنید.²⁸ و از آنهایی که جسم را می‌کشند اما قادر به کشتن روح نیستند نترسید، بلکه از خداوند بترسید که قادر است هم روح و هم جسم را در جهنم از بین ببرد.

²⁹ آیا دو گنجشک در ازای سکه‌ای بسیار کوچک فروخته نمی‌شوند؟ اما هیچ یک از آنها بدون حکم پدرتان روی زمین نخواهد افتاد.³⁰ اما تک‌تک موهای سرتان شمرده شده‌اند.³¹ پس نترسید. ارزش شما از گنجشکان بیشتر است.

³² پس هر کسی که جلوی دیگران به وجود من اعتراف کند، من نیز در پیشگاه پدر آسمانی‌ام به وجود او اعتراف خواهم کرد.³³ اما هر کس من را جلوی دیگران انکار کند، من نیز او را در پیشگاه پدر آسمانی‌ام انکار خواهم کرد.

³⁴ گمان مبرید که من آمده‌ام صلح

10:27 بر بام خانه‌ها فریاد بزنید – این اشاره‌ای است به اول سموئیل. 9:15، 25 که در آن خداوند «کلام ملکوت» را در گوش سموئیل می‌گوید و سپس او آن کلام را در بام خانه به شائول می‌گوید. خداوند می‌گوید که در اصل همه ما در موقعیت سموئیل هستیم؛ ما کلام رستگاری این عالم، کلام مربوط به «ملکوت» را مثل شائول می‌شنویم و خود همین حقیقت، فائق آمدن بر ملاحظات و احتیاط ذاتی ما و در میان گذاشتن این کلام با کسانی را ضروری می‌سازد که هدف این کلام بوده‌اند – حتی اگر، مثل شائول، آنها را شنوندگانی غیرمحمتمل و غیرمعنوی تلقی کنیم.

10:28 جهنم، زباله‌دانی خارج از اورشلیم بود. آتش همیشه آنجا روشن بود زیرا زباله‌های جدید همیشه داخل آن انداخته می‌شد. این تبدیل به نماد نابودی کامل شد. در برخی از کتب مقدس (به اشتباه) به «دوزخ» ترجمه شده است.

10:40 نگرش مردم به ما، نگرش آنها به عیسی است. این یعنی ما که در بدن مسیح تعمید می‌یابیم، برای این عالم، خود او هستیم. رفتار ما باید متناسب با این امر باشد.

می‌آورند و لنگان به راه می‌افتند، جذامیان پاک می‌شوند و ناشنوایان می‌شنوند و مُردگان زنده می‌شوند؛ و به فقیران مُرده داده می‌شود.⁶ و خوشا به حال آن کسی که در اعتماد به من نلغزد.

⁷ و در حالی که این‌ها از آنجا می‌رفتند، عیسی درباره یحیی به مردم گفت: برای دیدن چه چیزی به بیابان رفتید؟ نیای که با باد می‌لرزد؟⁸ اما برای دیدن چه چیزی بیرون رفتید؟ مردی که لباس‌های لطیف بر تن دارد؟ آنهایی که لباس لطیف بر تن دارند در خانه‌های پادشاه هستند.⁹ اما برای دیدن چه چیزی بیرون رفتید؟ برای دیدن یک پیامبر؟ آری! و من به شما می‌گویم، والا تر از یک پیامبر است!¹⁰ این اوست که درباره‌اش نوشته شده: گوش کن، من پیامبرم را پیش رویت می‌فرستم؛ تا راهت را پیش روی تو آماده سازد.¹¹ به راستی من به شما می‌گویم، هیچ کس والا تر از یحیی تعمیددهنده از زنی زاییده نشده است. با این حال، کوچکترین در

انسانی نیکوکار را به اسم نیکوکار بپذیرد، اجر یک نیکوکار را دریافت خواهد کرد.⁴² و هر کسی که به یکی از کوچکترین آنها چون شاگرد من است، حتی پیمانه‌ای آب سرد بدهد؛ به راستی به شما می‌گویم، به هیچ وجه بی‌اجر نخواهد ماند.

باب 11

و این گونه شد که وقتی دستورهای عیسی به دوازده شاگردش پایان یافت، آنجا را ترک کرد تا در شهرها تعلیم دهد و موعظه کند.

سخنان عیسی درباره یحیی تعمیددهنده

² وقتی یحیی در زندان درباره کارهای مسیح چیزهایی شنید، از طریق شاگردانش پیامی فرستاد³ و به او گفت: آیا تو همان هستی که قرار است بیایید یا باید به دنبال کس دیگری باشیم؟⁴ و عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: بروید و به یحیی شنیده‌ها و دیده‌هایتان را بگویید.⁵ نابینایان بینایی خود را به دست

11:1 شهرهایشان - عیسی مردم را تشویق می‌کرد تا در حلقه دوستان و خویشاوندان خویش، در خانه خویش موعظه کنند؛ او برای پشتیبانی از شهادت آنها به دیدن این مکان‌ها می‌رفت. شهادت دادن به دوستان و خانواده مشکل‌ترین و در عین حال مهم‌ترین شهادتی است که می‌دهیم.

11:11 هر کسی که در ملکوت خداوند کوچکترین است در آینده از یحیی تعمیددهنده در زندگی انسانی‌اش از لحاظ معنوی بزرگتر خواهد شد. از این امر می‌آموزیم که پاداش در ملکوت خداوند درجاتی دارد - یک ستاره از ستاره دیگر درخشان‌تر خواهد بود (اول قرنیتان 15:41)، برخی بر ده شهر و دیگران بر پنج شهر فرمانروایی خواهند کرد (لوقا 19:17-19). آیا دارای همت معنوی هستیم که بخواهیم تا جای ممکن بدرخشیم؟ اگر شکوه و جلال خداوند را دوست بداریم و به دنبال آن باشیم، پس دوست داریم آن را تا جای ممکن گسترش دهیم و تا جایی که می‌توانیم آن را منعکس کنیم.

وای بر تو خورزین! وای بر تو بیت صیدا! زیرا اگر این کارهای عظیمی که در شما انجام شد، در صور و صیدون انجام شده بود، آنها خیلی وقت پیش در خرقه و خاکستر توبه کرده بودند.²² اما من به شما می‌گویم، روز جزا برای صور و صیدون قابل تحمل‌تر خواهد بود تا برای شما.²³ و تو ای کفرناحوم، آیا سر به آسمان خواهی کشیدی؟ تو به دوزخ خواهی افتاد، زیرا اگر کارهای عظیمی که در تو انجام شد، در سدوم انجام شده بود، تا به امروز برجا مانده بود.²⁴ اما من به تو می‌گویم، روز جزا برای سدوم قابل تحمل‌تر خواهد بود تا برای تو.

عیسی دعا می‌کند و از پیروان خود درخواست می‌کند

²⁵ در آن زمان، عیسی پاسخ داد و گفت: ای پدر، ای خداوند آسمان و زمین، تو را شاکرم که این امور را از داناان و خردمندان پنهان نمودی و به کودکان آشکار ساختی.²⁶ آری پدر، چرا که این امر در نگاه تو خوشایند بود.²⁷ تمام این امور را پدرم به من سپرده، و هیچ کس جز پدر، پسر را نمی‌شناسد. و نیز هیچ کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر؛ و هر کسی که پسر بخواهد پدر را برایش آشکار سازد.

ملکوت آسمان از او والاتر است.¹² و از زمان یحییای تعمیددهنده تاکنون، ملکوت آسمان از خشونت رنج می‌برد و مردان زورگو آن را به زور می‌گیرند.¹³ زیرا همه انبیا و تورات تا یحیی پیشگویی کرده‌اند.¹⁴ و اگر مایلید این را قبول کنید، این همان الیاس است که باید بیاید.¹⁵ هر آن کس که گوش شنوا دارد، بگذارید بشنود.

¹⁶ اما این نسل را باید به چه چیزی تشبیه کنم؟ مانند کودکانی است که در بازار نشسته‌اند و دوستان خود را صدا می‌زدند¹⁷ و می‌گویند: ما برایتان نی زدیم و شما نرقصیدید. ما نوحه خواندیم و شما عزاداری نکردید.¹⁸ چرا که یحیی در حالی آمد که نه می‌خورد و نه می‌نوشید و آنها گفتند که او دیو دارد.¹⁹ پسر انسان آمد و خورد و نوشید، و آنها گفتند، نگاه کن، مردی پرخور و شراب‌خوار، رفیق باجگیران و گناهکاران! اما حکمت با ثمره خود توجیه می‌یابد.

عیسی شهرهایی را که پاسخ ندادند نکوهش می‌کند

²⁰ سپس او شروع به ملامت کردن شهرهایی نمود که در آنها اکثر کارهای عظیمش را انجام داده بود، چرا که آنها توبه نکرده بودند.²¹

11:12 مردان زورگو - این تصویر تکاورانی است که به یک شهر حمله می‌کنند. صرف نظر از هر موقعیتی که در زندگی داریم، اکنون آرمانی داریم که باید کاملاً خود را وقف آن کنیم - وارد شدن به ملکوت خداوند و گرفتن آن برای خودمان.

11:27 خواندن کتاب مقدس به تنهایی، پدر را برای ما آشکار نمی‌سازد. لطف و بخشندگی نیز نقش دارد - عیسی پدر را برای کسانی که برمی‌گزیند آشکار می‌سازد.

او و نه برای همراهانش جایز نبود، بلکه فقط برای روحانیون جایز بود؟⁵ یا آیا در تورات نخوانده‌اید که در روز سبت، روحانیون در معبد، حرمت سبت را نگه نمی‌دارند و بی‌گناه هستند؟⁶ اما من به شما می‌گویم که شخصی بزرگتر از معبد اینجاست.⁷ اما اگر می‌دانستید که این به چه معناست که من رحمت می‌خواهم نه قربانی، بی‌گناهان را محکوم نمی‌کردید.⁸ چرا که پسر انسان، صاحب اختیار سبت است.

⁹ و او آنجا را ترک کرد و وارد کنیسه شد،¹⁰ و مردی را دید که دست خشکی داشت. و آنها از او پرسیدند و گفتند: آیا شفا دادن در روز سبت جایز است؟ تا شاید به او اتهام بزنند.¹¹ و او به آنها گفت: کدام یک از شما اگر تنها یک گوسفند داشته باشد و در روز سبت داخل چاه بیفتد، آن را نخواهد گرفت و بیرون نخواهد آورد؟¹² ارزش انسان از یک گوسفند چقدر بیشتر است! پس انجام کار نیک در روز سبت جایز است.¹³ سپس رو

²⁸ بپایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران که من به شما آرامش خواهم بخشید.²⁹ یوغ من را بر خود بگیرید و از من بیاموزید، چرا که من قلبی فروتن و بردبار دارم و روحتان آرامش خواهد یافت.³⁰ چرا که یوغ من آسان و بار من سبک است.

باب 12

عیسی درباره سبت، فریسیان را به چالش می‌کشد

در آن زمان، در روز سبت، عیسی از میان گندمزار می‌گذشت و چون شاگردانش گرسنه بودند، شروع به چیدن و خوردن خوشه‌های گندم کردند.² اما وقتی فریسیان این را دیدند، به او گفتند: ببین، شاگردانت کاری می‌کنند که در روز سبت حرام است.³ اما عیسی به آنها گفت: آیا نخوانده‌اید وقتی داود و همراهان او گرسنه بودند چکار کردند؟⁴ چگونه وارد خانه خدا شد و نانهای تقدیس شده را خورد که خوردنش نه برای

11:30 بار سنگین باقی می‌ماند، اما عیسی یوغه ای است که ما را با بسیاری دیگر می‌پندد تا بار برای ما سبک‌تر به نظر برسد. هدف بدن و شخصیت مسیح، بستن ما به دیگر مومنین – با تمام مشکلات و درگیری‌های شخصی است که ممکن است این امر به وجود بیاورد. هدف از مسیحیت، زندگی در انزوا و دوری از دیگران نیست.

12:1 عیسی و شاگردان از پیش در قالب داود و پیروانش پیشگویی و تصور شده بود. پیروان داود، بدهکار و «پریشان» بودند (اول سموئیل 22:2) ناامیدان و دل‌شکستگان هستند که امروز عیسی را دنبال می‌کنند.

12:11 مردی که تنها یک گوسفند داشت فقیر بود؛ به همین دلیل برای نجات دادن تنها گوسفندش این‌قدر نگران بود. با این حال، او مُعرف خداوند و عیسی در جستجوی دائم ما است. بنابراین آنها خود را با فقیرترین فرد جامعه یکی می‌دانند. خداوند در جستجوی انسان است؛ و ما در جستجوی او. این است علت شادی و مسرت هنگام ملاقات با او در تعمید.

به او تهمت می‌زنند

²² سپس شخصی را نزد او آوردند که دیورده، کور و لال بود؛ و عیسی او را شفا داد تا جایی که مرد لال سخن گفت و می‌دید. ²³ و همه مردم شگفت‌زده بودند و گفتند: ممکن است این پسر داود باشد؟ ²⁴ اما وقتی فریسیان این را شنیدند، گفتند: این مرد تنها با کمک بعلزبول، رئیس شیاطین، دیوها را بیرون می‌کند. ²⁵ و عیسی، که از افکار آنها باخبر بود، به آنها گفت: هر قلمرویی که بر خود تقسیم شود ویران می‌شود، و هر شهر یا خانه‌ای که بر خود تقسیم می‌شود برقرار نمی‌ماند. ²⁶ و اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، بر خود تقسیم شده است. پس پادشاهی او چگونه پایدار است؟ ²⁷ و اگر من با کمک بعلزبول دیوها را خارج می‌کنم، پسران شما با کمک چه کسی آنها را بیرون می‌رانند؟ پس آنها قاضی شما خواهند بود. ²⁸ اما اگر من به کمک روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس ملکوت خدا به شما رسیده است.

²⁹ و یا چطور کسی می‌تواند

به آن مرد گفت: دستت را دراز کن. و او دستش را دراز کرد و به کلی درست ماند دست دیگرش سالم شد. ¹⁴ اما فریسیان بیرون رفتند و علیه او رایزنی کردند تا شاید او را هلاک کنند.

¹⁵ و عیسی که این را فهمید، آنجا را ترک کرد؛ و بسیاری دنبال او رفتند و او همه آنها را شفا داد، ¹⁶ و به آنها دستور داد که او را معروف نکنند. ¹⁷ تا شاید آنچه اشعیای پیامبر به زبان آورده محقق شود: ¹⁸ نگاه کن به بنده من که برگزیدمش، و عزیز من که روحم از او خشنود است. روح خود را در او خواهم گذاشت و او قضاوت را به امت‌ها نشان خواهد داد. ¹⁹ او نزاع نخواهد کرد، فریاد بلند سر نخواهد داد، و هیچ کس صدایش را در خیابان‌ها نخواهد شنید. ²⁰ نی خمیده را نخواهد شکست و فتیله نیم‌سوخته را خاموش نخواهد کرد، مگر زمانی که عدالت را به پیروزی برساند. ²¹ و امت‌ها به نام او امیدوار خواهند بود.

عیسی شفا می‌دهد و فریسیان

12:14 اما- رحمت و عشق خالص عیسی اغلب واکنشی تند و انکار از سوی کسانی را در پی دارد که نمی‌پذیرند تحت تاثیر آن قرار بگیرند. ما نمی‌توانیم نسبت به آن منفعل باشیم.

12:16 عیسی گاهی اوقات از مردم می‌خواست به دیگران بگویند برای آنها چه کرده است. شاید از افراد پرونگرا می‌خواست که ساکت باشند و از افراد درونگرا می‌خواست که به دیگران بگویند. موعظه انجیل در روح درست چیزی است که بر خلاف اراده ما انجام می‌شود؛ این دشوار است (اول قرن‌تین 9:17).

12:20 عیسی به جای این که انتظار کامل بودن را در ملاقات اول با افراد داشته باشد، سعی می‌کند معنویت هر چند ضعیف فرد را احیا کند. ما هم باید به همین شکل با مردم رفتار کنیم.

چیزهای بد بیرون می‌آورد.
³⁶ اما من به شما می‌گویم که بابت هر کلام بیهوده‌ای که مردم به زبان می‌آورند، در روز جزا حساب پس خواهند داد. ³⁷ چرا که با کلامتان حقدار خواهید شد و با کلامتان محکوم خواهید شد.

سخنان عیسی درباره نشانه‌ها، رفتارهای غیر معنوی و خانواده واقعی‌اش

³⁸ سپس برخی از کاتبان و فریسیان به او پاسخ داده و گفتند: استاد، مایلیم نشانه‌ای از شما ببینیم. ³⁹ اما عیسی پاسخ داد و به آنها گفت: یک نسل شرور و زناکار به دنبال نشانه است، و به آنها هیچ نشانه‌ای داده نخواهد شد به غیر از نشانه یونس نبی. ⁴⁰ زیرا یونس نبی سه روز و سه شب در شکم نهنگ بود، پس پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود. ⁴¹ مردم نینوا در روز جزا با این نسل خواهند ایستاد و آن را محکوم خواهند کرد، زیرا آنها با موعظه یونس توبه کردند؛ و ببینید، شخصی بزرگتر از یونس اینجا است! ⁴² ملکه جنوب در

وارد خانه شخصی قدرتمند بشود و اموالش را خراب کند، مگر آن که اول آن شخص قدرتمند را ببندد؟ و سپس خانه‌اش را تخریب کند.
³⁰ هر کسی که با من نیست، علیه من است؛ و کسی که با من جمع نکند، پراکنده سازد.

³¹ پس به شما می‌گویم: هر گناه و کفری از انسان بخشیده می‌شود، اما کفر علیه روح‌القدس بخشیده نخواهد شد. ³² و هر کسی که کلمه‌ای علیه پسر انسان بیان کند، بخشیده خواهد شد؛ اما کسی که علیه روح‌القدس سخن گوید، بخشیده نخواهد شد، نه در این عصر و نه در عصرهای آینده.

³³ یا درخت را خوب گردانید تا میوه‌اش خوب باشد، یا درخت را فاسد گردانید تا میوه‌اش فاسد باشد؛ چرا که درخت از طریق میوه‌اش شناخته می‌شود. ³⁴ ای افعی‌زادگان، چطور می‌توانید در حالی که شیرر هستیید سخنان خوب به زبان بیاورید؟ چرا که دهان از فزونی دل سخن می‌گوید. ³⁵ مرد خوب از گنجینه نیکوی خود، چیزهای خوب می‌آورد و مرد بد از گنجینه بد خود

12:28 ملکوت خداوند به معنای واقعی کلمه با بازگشت عیسی روی زمین بنا نهاده خواهد شد؛ اما اصل ملکوت این است که خداوند پادشاه است و این امروز حقیقت دارد. قلمرو حکومت و قدرت خداوند در زندگی مردم را می‌توان به عنوان ملکوت او درک کرد.
12:32 این تنها برای کسانی صدق می‌کند که معجزات عیسی را دیدند و نسبت به آنها کفرگویی کردند. اما اگر شخصی از مخالفت با این گواه روشن روح‌القدس که عیسی پسر خدا است دست بردارد، پس دیگر نسبت به روح‌القدس بی‌حرمتی نمی‌کند.

12:34 پس کنترل تفکرمان بسیار مهم است. محیطی که انتخاب می‌کنیم و آهنگی که به آن گوش می‌دهیم تفکر ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

12:36 فرایند قضاوت یادآوری کلماتمان را دربر می‌گیرد — و ما باید آنها را توضیح دهیم.

برادر، خواهر و مادرم است.

باب 13

عیسی با گفتن مثل، سخن می‌گوید.

داستان برزگر

در آن روز عیسی از خانه بیرون رفت و کنار دریا نشست.² و جمعیت عظیمی دور او جمع شدند، تا این که او سوار قایقی شد و آنجا نشست، و کل جمعیت در ساحل ایستادند.³ و او با مثل، مسائل بسیاری را برای آنها بازگو کرد و گفت: گوش کنید، برزگری عازم دانه کاشتن شد.⁴ و همین طور که دانه می‌کاشت، برخی از دانه‌ها به کناری می‌افتادند و پرنده‌ها می‌آمدند و آنها را سریع می‌خوردند.⁵ و بقیه دانه‌ها روی سنگلاخ می‌افتادند که خاک زیادی نداشت و فوراً جوانه می‌زدند، زیرا زمین عمق نداشت.⁶ و وقتی خورشید طلوع کرد، آنها سوخته بودند و چون هیچ ریشه‌ای نداشتند، پژمرده شدند.⁷ و بقیه دانه‌ها میان خارها افتادند و خارها روییدند و آنها را خفه کردند.⁸ و بقیه دانه‌ها روی زمین خوب افتادند و میوه دادند؛ برخی صد برابر، برخی شصت برابر و برخی سی برابر.⁹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود.

¹⁰ و شاگردان آمدند و به عیسی گفتند: چرا با مثل سخن می‌گویی؟¹¹ و او به آنها در پاسخ گفت: به شما این

روز جزا با این نسل خواهد برخاست و آن را محکوم خواهد کرد، زیرا او از آن سوی زمین آمده تا حکمت سلیمان را بشنود؛ و ببینید، شخصی بزرگتر از سلیمان اینجا است!

⁴³ وقتی روح ناپاک از شخصی خارج می‌شود، از جاهای خشک و بی‌آب خواهد گذشت تا آرامش یابد، اما آرام نخواهد گرفت.⁴⁴ سپس آن روح می‌گوید: به خانه‌ای باز خواهم گشت که از آن بیرون آمدم. و وقتی می‌آید، خانه را خالی، جارو زده و مرتب می‌یابد.⁴⁵ سپس می‌رود و هفت روح شریرتر از خود را با خود می‌آورد، و آنها وارد شده و آنجا ساکن می‌شوند، و آخرین حالت آن شخص بدتر از اولین حالتش خواهد بود. برای این نسل شرور نیز این گونه خواهد بود.

⁴⁶ وقتی عیسی در حال سخنرانی برای مردم بود، مادرش و خویشاوندانش بیرون ایستاده بودند و در صدد صحبت با او بودند.⁴⁷ و شخصی به او گفت: نگاه کن، مادر و خویشاوندانت بیرون منتظرند با تو صحبت کنند.⁴⁸ اما او به آن کسی که این را گفت، پاسخ داد: مادرم کیست؟ خویشاوندانم کیستند؟⁴⁹ و دستش را به سمت شاگردانش دراز کرد و گفت: شاهد باشید، مادرم و خویشاوندانم!⁵⁰ چرا که هر کس پدر آسمانی‌ام را خشنود سازد، او

13:9 همه ظرفیت شنیدن و درک بشارت را ندارند، همه ایمان ندارند (دوم تسالونیکیان 3:2). اما کسانی که از بین ما ظرفیت شنیدن بشارت و ایمان را دارند، باید از استعداد بالقوه اعطا شده استفاده کنند.

13:11 مثل‌ها داستان‌هایی با معنی واضحی نبودند که درکشان آسان باشد. عیسی از آنها برای غربال کردن کسانی استفاده می‌کرد که نمی‌خواستند بفهمند. مثل‌ها برای آنها

و چیزهایی را بشنوند که شما شنیدید، ولی نشنیدند.

¹⁸ پس مثل بزرگر را بشنوید. ¹⁹ وقتی کسی کلمه ملکوت را می‌شنود و آن را درک نمی‌کند، شرور می‌آید و دانه‌ای که در دل او کاشته شده می‌ریاید. این همان است که کناره راه کاشته شده بود. ²⁰ و بذری که روی سنگلاخ کاشته شده بود، همان است که کلمه را می‌شنود و فوراً با شادی آن را می‌پذیرد. ²¹ با این که ریشه‌ای در خود ندارد، مدتی مقاومت می‌کند و وقتی مصیبت یا آزاری به خاطر آن کلمه به بار می‌آید، فوراً به لغزش می‌افتد. ²² و آن بذری که در میان خارها کاشته شده بود، همان است که کلمه را می‌شنود و عشق به این دنیا و فریب ثروت، کلمه را خفه می‌کند و او بی‌ثمره می‌شود. ²³ و آن بذری که روی زمین خوب کاشته شده است، همان است که کلمه را می‌شنود و آن را درک می‌کند - کسانی واقعاً میوه‌ای دارند و آن را به بار می‌آورند، برخی صد برابر، برخی شصت برابر و برخی سی برابر.

نعمت اعطا شده که رمز و رازهای ملکوت آسمان را بدانید، اما به آنها چنین نعمتی اعطا نشده است. ¹² زیرا هر که دارد، به او اعطا خواهد شد و به وفور خواهد داشت؛ اما هر که ندارد، از او حتی داشته‌هایش نیز گرفته خواهد شد. ¹³ بنابراین، من با مثل با آنها سخن می‌گویم زیرا آنها نمی‌بینند، نمی‌شنوند، و نمی‌فهمند. ¹⁴ و پیشگویی اشعیا در آنها محقق شد که گفته بود: با گوش کردن، فقط خواهید شنید؛ ولی با حکمت نخواهید فهمید، و با نگریستن فقط خواهید دید، ولی با حکمت درک نخواهید کرد. ¹⁵ زیرا قلب این مردم بی‌انگیزه شده و با گوش‌هایشان به سختی می‌شنوند، و چشم‌هایشان را بسته‌اند تا مبدا با چشمانشان ببینند و با گوش‌هایشان بشنوند و با قلبشان درک کنند و توبه کنند، تا آنها را شفا دهم.

¹⁶ اما خوشا به حال چشمان شما که می‌بینند؛ و گوش‌های شما که می‌شنوند. ¹⁷ زیرا یقیناً به شما می‌گویم که پیامبران و نیکوکاران بسیاری می‌خواستند چیزهایی را ببینند که شما می‌بینند، ولی ندیدند؛

گیج‌کننده بود و پیام او را مبهم می‌ساخت. یک مارپیچ رو به بالا و یک مارپیچ رو به پایین در رابطه ما با خدا وجود دارد.

13:12 چطور ممکن است کسی که چیزی ندارد، داشته‌هایش از او گرفته شوند؟ شاید عیسی خواسته ایجاز داشته باشد: «شخصی که [فکر می‌کرده] چیزی ندارد [با این که دارد]، حتی همان نیز از او گرفته خواهد شد.» این مانند یک مرد با استعداد در متی 25:24 است. مردم بیش از آن چه فکر می‌کنند دارند؛ زیرا سخاوت خداوند بزرگتر از حد تصور ما است.

13:21 درست بعد از تعمید، امتحان به زندگی‌مان خواهد آمد، مثل قوم اسرائیل که در دریای سرخ «تعمید گرفت» (اول قرن‌تین 2، 1: 10)؛ و خیلی زود در بیابان با مشکلات (نبود آب و غذا) روبرو شد.

مثل‌های دیگر ملکوت

²⁴ عیسی مثل دیگری برای آنها گفت: ملکوت آسمان به انسانی تشبیه شده که دانه خوب در مزرعه‌اش کاشت. ²⁵ اما وقتی مردم در خواب بودند، دشمنش آمد و علف هرز در میان گندم‌ها کاشت و رفت. ²⁶ اما وقتی گیاهان روییدند و میوه به بار آوردند، علف‌های هرز نیز ظاهر شدند. ²⁷ و خادمان رئیس خانه آمدند و به او گفتند: آقا، آیا دانه خوب در مزرعه‌ات نکاشته بودی؟ پس چطور علف هرز دارد؟ ²⁸ و او به آنها گفت: این کار دشمن است! و خادمان به او گفتند: پس می‌خواهی ما برویم و آنها را بجینیم؟ ²⁹ ولی او گفت: نه. مبدا هنگام چیدن علف‌های هرز، گندم‌ها را نیز از ریشه درآورید. ³⁰ بگذارید هر دو تا زمان برداشت رشد کنند، و در زمان برداشت، به دروگران خواهد گفت اول علف‌های هرز را بچینند و آنها را به صورت دسته به هم ببندند و بسوزانند، اما گندم‌ها را داخل انبار من ذخیره کنند. ³¹ عیسی مثل دیگری برای آنها گفت: ملکوت آسمان همانند دانه خردل است که شخصی آن را

برداشت و در مزرعه‌اش کاشت. ³² که این دانه از همه دانه‌ها کوچکتر است، اما وقتی می‌روید، از همه گیاهان بزرگتر است و تبدیل به درخت می‌شود و پرندگان آسمان می‌آیند و روی شاخه‌هایش آشیانه می‌سازند.

³³ او مثل دیگری برای آنها تعریف کرد: ملکوت آسمان مانند خمیرمایه‌ای است که زنی برداشته و در سه پیمانه آرد پنهان کرده تا همه خمیر ور آید.

³⁴ عیسی همه این مطالب را با مثل برای جمعیت بازگو کرد و بدون مثل چیزی برای آنها تعریف نکرد. ³⁵ این کار به منظور تحقق یافتن سخنان پیامبر بود: من دهانم را برای مثل گفتن خواهم گشود؛ مسائل پنهان شده از شالوده جهان را به زبان خواهم آورد.

³⁶ سپس عیسی جمعیت را ترک کرد و وارد خانه شد. و شاگردانش نزد او آمدند و به او گفتند: مثل علف‌های هرز مزرعه را برای ما توضیح بده. ³⁷ و او در پاسخ گفت: آن کسی که دانه خوب می‌کارد، پسر انسان است. ³⁸ مزرعه جهان

13:28 عیسی پیش‌بینی کرد که پیروانش تمایل خواهند داشت کار قضاوت خداوند را برای او انجام دهند؛ او توضیح می‌دهد: (29) که قضاوت افراد برای ما غیرممکن است. بنابراین حقیقت دارد که در کنار افراد صادق، افراد ریاکار نیز در مزرعه کلیسا رشد خواهند کرد. آنها به ظاهر رشد کرده‌اند. اما باید آنها را تا زمان برداشت - بازگشت عیسی به حال خود بگذاریم.

13:32 از آغازهای کوچک - خواندن کتاب مقدس، توجه به یک تبلیغ، آشنایی با یک نفر به صورت «اتفاقی» - ما به جاودانگی خواهیم رسید. آن گاه برای دیگران پناهگاهی خواهیم شد. به این زندگی نگاهی خواهیم انداخت و رسیدن ما از «آنجا» به «اینجا» متناقض و عجیب خواهد بود.

است، و دانه خوب پسران ملکوت هستند؛ و علف‌های هرز پسران شریر هستند.³⁹ دشمنی که آنها را کاشته ابلیس است، برداشت پایان این دنیا است، و دروگران فرشتگان هستند.⁴⁰ بنابراین، همان طور که علف‌های هرز جمع‌آوری شده و با آتش سوزانده می‌شوند، در پایان دنیا نیز چنین خواهد بود.⁴¹ پسر انسان فرشتگانش را خواهد فرستاد و آنها تمام چیزهایی که باعث لغزش می‌شوند و گناهکاران را جمع خواهند کرد.⁴² و آنها به تنور آتش خواهند افکند. آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود.⁴³ آنگاه، نیکوکاران مانند خورشید در ملکوت پدرشان خواهند درخشید. آن کسی که گوش شنوا دارد، بشنود.

⁴⁴ ملکوت آسمان مانند گنجی مخفی در مزرعه است که شخصی آن را پیدا و مخفی کرده، و در شادی خویش، رفته و همه داشته‌هایش را فروخته و آن مزرعه را خریده است.⁴⁵ بار دیگر، ملکوت آسمان مانند شخص تاجری است که به دنبال مروارید گرانبهاست.⁴⁶ و وقتی مرواریدی بسیار قیمتی را پیدا کرده، رفته و همه داشته‌هایش را

فروخته و آن را خریده است.⁴⁷ بار دیگر، ملکوت آسمان مانند توری است که داخل دریا انداخته شده و همه نوع ماهی را جمع کرده است.⁴⁸ وقتی پر شد، انسان‌ها آن را به ساحل کشیدند و نشستند و ماهیان خوب را در ظروف جمع کردند، اما ماهیان بد را بیرون انداختند.⁴⁹ در پایان دنیا نیز چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند آمد و بدکاران را از نیکوکاران جدا خواهند ساخت،⁵⁰ و آنها را به تنور آتش خواهند افکند. آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود.⁵¹ آیا همه این مطالب را درک کردید؟ آنها به او گفتند: آری.⁵² و او به آنها گفت: پس هر کاتبی که شاگرد ملکوت آسمان بوده است مانند صاحب‌خانه‌ای است که از گنجینه‌اش چیزهای تازه و کهنه را بیرون می‌آورد.

عیسی به دیدار زادگاه خود می‌رود

⁵³ و این گونه شد که وقتی عیسی این مثل‌ها را به پایان رسانید، آنجا را ترک کرد.⁵⁴ و وقتی به زادگاهش رفت، به آنها در کنیسه تعلیم داد تا جایی که آنها شگفت‌زده شدند و

13:41 فرشته‌ها. اولین نشانه‌ای که از طریق آن خواهیم دانست که عیسی بازگشته این است که فرشته ما در کنار ما خواهد ایستاد و از ما دعوت خواهد کرد که به ملاقات او برویم.

13:46 عیسی اغلب قصد دارد که ما درباره ادامه یا پایان داستان‌ها فکر کنیم. پس الآن آن مرد چه کار کرد؟ بدون ثروت و دارایی، فقط با یک سنگ. قطعاً از آن مراقبت کرد و عاشق آن بود و بیش از هر چیز دیگری به آن بها می‌داد. این باید نگرش ما نسبت به ملکوت خداوند باشد.

13:50 فشردن دندان‌ها نماد خشم و عصبانیت از خود است.

نیز. ⁵ و با این که می‌خواست او را به قتل برساند، از مردم ترسید چون آنها او را پیامبر می‌دانستند. ⁶ اما در جشن تولد هیرودیس، دختر هیرودیا جلوی همه رقصید و هیرودیس را خشنود ساخت. ⁷ پس از آن بود که هیرودیس سوگند خورد و وعده داد که هر چه بخواهد به او خواهد داد. ⁸ و او که از سوی مادرش تشویق شده بود، گفت: سر یحیی تعمیددهنده را همین‌جا روی یک سینی به من بده. ⁹ و پادشاه محزون شد، اما به خاطر قسم‌هایش و مهمانان مراسم شام، دستور داد که سر یحیی را به او بدهند. ¹⁰ پیامی فرستاد و در زندان سر یحیی را از تن جدا کردند. ¹¹ و سر او را روی یک سینی آورده و به آن دختر داده شد، و او آن را نزد مادرش برد. ¹² و شاگردانش آمدند و جسدش را بردند و او را به خاک سپردند، و رفتند و عیسی را خبردار کردند.

عیسی به 5000 مرد و خانواده‌هایشان غذا داد

¹³ وقتی عیسی این را شنید، آنجا را با قایقی ترک کرد و به متروکه‌ای رفت تا تنها باشد؛ اما وقتی مردم

گفتند: این مرد از کجا این حکمت و این کارهای عظیم را به دست آورده است؟ ⁵⁵ آیا این پسر نجار نیست؟ آیا مادر او مریم نام نداشت؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ ⁵⁶ و همه خواهرانش با ما نیستند؟ این مرد از کجا همه این‌ها را بدست آورد؟ ⁵⁷ و از او ناراحت شدند. اما عیسی به آنها گفت: یک پیامبر همه جا مورد احترام است به غیر از زادگاه و خانه خود. ⁵⁸ و به خاطر بی‌ایمانی آنها، کارهای عظیم زیادی آنجا انجام نداد.

پاب 14

قتل یحیی تعمیددهنده به دست هیرودیس

در آن زمان، اخبار مربوط به عیسی به گوش هیرودیس تیتراخ رسید، ² و به خادمانش گفت: این یحیی تعمیددهنده است! او از میان مردگان برخاسته و بنابراین این قدرتها از او به ظهور می‌رسد.

³ زیرا هیرودیس به خاطر هیرودیا، زن برادرش فیلیپس، یحیی را دستگیر کرد، در بند نهاده و به زندان انداخت. ⁴ چرا که یحیی به او گفته بود: داشتن او بر تو حلال

13:55 عیسی در تمام 30 سالی که در میان آنها در ناصره زندگی کرد، هرگز گناه نکرد، نه مرتکب گناهی شد و نه غفلت کرد. اما آنها هرگز متوجه نشدند که او خاص است. این صرفاً یک نوشته درباره انسانیت او نیست. این امر ما را به چالش می‌کشد، زیرا هر گاه در چشم جهانیان نیکوکار به نظر برسیم، آنها آن را درک کرده و از آن بیزار می‌شوند. اما کامل بودن عیسی به نحوی واضح نبود. بنابراین او حقیقتاً کامل بود. **14:4** بنابراین آیا ما هم باید کافران را به خاطر نقض قانون خداوند سرزنش کنیم؟ خداوند هر نوع نقض قانون توسط هر کسی را حس می‌کند. حساسیت او و در نتیجه درد، رنج و شادی او به خاطر تبعیت از او بسیار بزرگتر و بیشتر از حد درک ما است.

و کودکان، حدود پنج هزار مرد خوردند.

راه رفتن عیسی روی آب

²² عیسی فوراً شاگردانش را وادار کرد سوار قایق شوند و جلوتر از او به آن طرف دریا بروند تا او جمعیت را روانه کند. ²³ و بعد از این که جمعیت را روانه کرد، به تنهایی بالای کوه رفت تا دعا کند. وقتی شب شد، آنجا تنها بود. ²⁴ اما قایق وسط دریا بود، و گرفتار امواج بود زیرا باد در جهت مخالف آنها می‌وزید. ²⁵ و در پاس چهارم از شب، او در حالی که روی دریا قدم می‌زد نزد آنها رفت. ²⁶ و وقتی شاگردان دیدند که او روی دریا قدم می‌زند، آشفته شدند و گفتند: این شبح است! و از ترس فریاد زدند. ²⁷ اما عیسی فوراً با آنها سخن گفت: آسوده خاطر باشید. این منم! نترسید. ²⁸ و پطرس در پاسخ گفت: سرورم، اگر این تویی، به من

باخبر شدند، او را با پای پیاده از شهرها دنبال کردند. ¹⁴ وقتی به ساحل رفت، جمعیت عظیمی را دید و دلش برای آنها سوخت و بیماران را شفا داد. ¹⁵ و شامگاهان، شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: این جا متروکه است و روز هم به آخر رسیده است. مردم را بفرست تا شاید به روستاهای خود بروند و برای خود غذا بخرند: ¹⁶ اما عیسی به آنها گفت: لازم نیست آنها بروند. شما غذایی برای خوردن به آنها بدهید. ¹⁷ و آنها به او گفتند: ما فقط پنج قرص نان و دو ماهی داریم. ¹⁸ و عیسی گفت: آنها را نزد من بیاورید. ¹⁹ و به مردم دستور داد روی چمن بنشینند؛ و پنج قرص نان و دو ماهی را برداشت، به آسمان نگاه کرد، شکرگزاری کرد و نان‌ها را تکه تکه کرد و به شاگردانش داد و شاگردانش نیز به مردم دادند. ²⁰ و همه آنها خوردند و سیر شدند، و از خرده‌های باقیمانده، دوازده سبد پُر جمع کردند! ²¹ و غیر از زنان

14:16 عیسی می‌دانست که انجام این کار برای آنها غیرممکن بود. اما او از آنها خواست که این کار را انجام دهند تا شاید بیاموزند که او می‌تواند هر چیز کمی را که دارند به کار گیرد؛ و او ایمان و افق فکری ما را بدین شکل به چالش می‌کشد.

14:19 غذا به وساطت شاگردان اعطا شد؛ درست مانند رستگاری دیگران توسط او که به وساطت دستان ما صورت می‌گیرد. به شباهت‌ها با «تکه کردن نان» توسط عیسی در مراسم عشاء ربانی توجه کنید. نحوه‌ای که عیسی با چشمان باز و در حال نگاه کردن به آسمان دعا می‌کند، منعکس‌کننده وجدان راحت عیسی نزد خداوند است. آیا می‌توانیم چنین کنیم؟

14:23 نحوه‌ای که عیسی مردم را روانه می‌کند، پنجره‌ای به سوی قدرت شخصیت و نیروی اراده و ذهن او است.

14:26 شاگردان به باورهای خود در روح بازگشتند. مردم حتی بعد از رویارویی با مسیح نیز باز هم دارای درک و فهم غلط هستند.

14:28 کاش پطرس می‌دانست که فقط عیسی چنین کار سختی را درخواست می‌کند. این

سپس فریسیان و کاتبان اورشلیم نزد عیسی آمدند و گفتند: ² چرا شاگردانت از سنت قدیمیان سرپیچی می‌کنند؟ چرا که هنگام خوردن نان، دستان خود را نمی‌شویند. ³ و او در پاسخ به آنها گفت: چرا از دستور خدا به خاطر سنت خود سرپیچی می‌کنید؟ ⁴ چرا که خداوند فرموده: به پدر و مادر خود احترام بگذارید، و آن کسی که از پدر و مادر خود بدگویی می‌کند، قطعاً باید بمیرد. ⁵ اما شما می‌گویید: هر که به پدر یا مادر خود بگوید: آنچه از من ممکن بود به نفع شما برسد، وقف خدا شده است - ⁶ نباید به پدر خود احترام بگذارد. بنابراین به خاطر سنت خود، سخن خداوند را باطل ساخته‌اید. ⁷ ای ریاکاران، اشعیا به خوبی درباره شما پیشگویی کرده بود وقتی گفت: ⁸ این قوم با لب‌های خود به من احترام می‌گذارند، اما قلبشان از من دور است. ⁹ اما بیهوده من را عبادت می‌کنند و اصولی را که تعلیم می‌دهند، جز فرایض بشری نیست.

تعالیم عیسی درباره سرمنشأء

دستور بده روی آب راه بروم و نزد تو بیایم. ²⁹ و عیسی گفت: بیا. و پطرس از قایق خارج شد و روی آب راه رفت تا به سمت عیسی برود. ³⁰ اما وقتی دید که باد شدید است، ترسید، و وقتی در حال غرق شدن بود، فریاد زد و گفت: سرورم، نجاتم بده! ³¹ و عیسی فوراً دستش را دراز کرد و او را گرفت و به او گفت: ای کم‌ایمان! چرا شک کردی؟ ³² و وقتی آنها سوار قایق شدند، باد متوقف شد. ³³ و آنهایی که در قایق بودند او را عبادت کرده و گفتند: به راستی که تو پسر خدا هستی.

³⁴ و وقتی عبور کردند، به سرزمین چنیسارت رسیدند. ³⁵ و وقتی مردان آنجا او را شناختند، به تمام آن منطقه خبر رساندند و همه مریضان را نزد او آوردند، ³⁶ و از او درخواست کردند که بتوانند تنها دامن ردایش را لمس کنند. و هر که دست می‌زد، صحت می‌یافت.

باب 15

انتقاد عیسی از سنت‌هایی که خدا را محترم نمی‌شمارند

سبک او است. ما این را در زندگی‌مان نیز می‌بینیم.

14:30 پطرس فقط باد را دید زیرا حتماً چشمانش را از عیسی برداشته و به چیزی که در باد می‌وزید نگاه کرده است - شاید برگشته و به قایق نگاه کرده است. ما نیز اگر چشم از عیسی برداریم غرق خواهیم شد.

15:6 سنت‌ها خطرناک هستند. مقصود از دستورهای خدا این است که روی زندگی ما تأثیر بگذارد؛ سنت‌های انسانی تمایل دارند که راه آسان‌تری پیدا کنند که بر اساس آنها دستورات خداوند فاقد برتری و نوآوری در زندگی ما است.

15:9 به شباهت‌های بین اصول و دستورات توجه کنید (6:) درک اصول درست حائز اهمیت است زیرا اصول، زندگی ما را شکل می‌دهند؛ این نوعی دستور است.

¹⁰ و جمعیت را نزد خود فراخواند و به آنها گفت: بشنوید و درک کنید. ¹¹ آنچه وارد دهان می‌شود انسان را آلوده نمی‌کند، بلکه آنچه از دهان او بیرون می‌آید او را آلوده می‌سازد. ¹² سپس شاگردان آمدند، و به او گفتند: آیا می‌دانی که فریسیان وقتی این گفته را شنیدند، ناراحت شدند؟ ¹³ اما عیسی در پاسخ گفت: هر گیاهی که پدر آسمانی‌ام نکاشته از ریشه کنده خواهد شد. ¹⁴ آنها را به حال خود رها کنید. آنها راهنمایان کور هستند. و اگر کوران، راهنمای کوران باشند، هر دو در چاه خواهند افتاد. ¹⁵ و پطرس در پاسخ به او گفت: این مثل را برای ما توضیح بده. ¹⁶ و او گفت: آیا هنوز درک نمی‌کنید؟ ¹⁷ آیا درک نمی‌کنید که هرچه وارد دهان شود به شکم می‌رسد و دفع می‌شود؟ ¹⁸ اما چیزهایی که از دهان خارج می‌شود از دل بیرون آیند و این است که ¹⁹ چرا که افکار شریر، قتل، زناکاری و فساد جنسی، دزدی، شهادت دروغ و تهمت از دل بیرون

می‌آید. ²⁰ این‌ها چیزهایی هستند که انسان را آلوده می‌سازد — اما خوردن با دست‌های نشسته انسان را آلوده نمی‌سازد.

عیسی به کشورهای دیگر سفر می‌کند.

او دختری غیر یهودی را شفا می‌دهد

²¹ و عیسی از آنجا رفت و به منطقه صور و صیدون رفت. ²² و یک زن کنعانی از آن منطقه آمد و فریادکنان گفت: سرورم، ای پسر داود، به من رحم کن؛ دخترم را یک دیو شدیداً تسخیر کرده است. ²³ اما عیسی پاسخ او را نداد. و شاگردانش آمدند و به او التماس‌کنان گفتند: او را بفروست برو، زیرا پشت سر ما فریادکنان می‌آید. ²⁴ اما او در پاسخ گفت: من فقط برای گوسفندان گم‌گشته قوم اسرائیل فرستاده شدم. ²⁵ اما آن زن آمد و به پای او افتاد و گفت: سرورم! به من کمک کن! ²⁶ و او پاسخ داد و گفت: درست نیست نان کودکان را بگیریم و جلوی سگ‌ها بیندازیم. ²⁷ اما آن زن گفت:

15:16 ما سرخوردگی عیسی از شاگردانش را حس می‌کنیم. او از آنها انتظار داشت به نقطه درک بالاتری رسیده باشند. ممکن است درست مانند هر معلم خوبی، محک‌های مشابهی را برای ما تعیین کرده باشد، و از آهستگی پیشرفت ما سرخورده شود. متی به شنوندگان خود می‌گفت که او و تمام موسسان اولین کلیسا نیز در درک و فهم بسیار گند بودند و مایه سرخوردگی زیادی برای عیسی بودند. او با تواضع و آگاهی از ضعف‌های خود انجیل را موعظه می‌کرد.

15:19 گناه از درون می‌آید؛ هیچ چیزی بیرون از ما مانند دیوها یا ارواح نمی‌توانند وارد ما شوند و ما را تسخیر کنند و بنابراین ما را وادار به گناه کردن کنند. منشأ گناه درونی است و نه بیرونی. جنگ واقعی برای تسلط بر خویشستن و آگاهی معنوی است. **15:27** سگ‌ها امت‌های غیریهود؛ خرده‌نان‌ها معجزه بودند؛ صاحبان، یهودیان بودند؛ غذا یا میز، دوستی با عیسی و خدمت به یهودیان بود. آن زن با گفتن این حرف تواضع و

آنها را گرسنه بفرستم، تا مبدا در راه از حال بروند.³³ و شاگردان به او گفتند: در این جای متروک، از کجا می‌توانیم نان فراوان پیدا کنیم تا جمعیت به این عظیمی را سیر کنیم؟³⁴ و عیسی به آنها گفت: چند نان دارید؟ و آنها گفتند: هفت نان و چند ماهی کوچک.³⁵ و او به جمعیت دستور داد روی زمین بنشینند.³⁶ او هفت نان و ماهی را برداشت؛ و شکرگزاری کرد و نان را تکه تکه کرد و به شاگردان داد، و شاگردان نان‌ها را به مردم دادند.³⁷ و همه آنها خوردند و سیر شدند و از خرده‌های باقیمانده، هفت سبد پر جمع کردند!³⁸ و غیر از زنان و کودکان، چهار هزار مرد غذا خوردند.³⁹ و آنها جمعیت را روانه کردند، سوار قایق شدند و به منطقه مجدلیه رفتند.

باب 16

عیسی فریسیان و صدوقیان را شرور توصیف می‌کند و دوباره می‌رود

و فریسیان و صدوقیان آمدند تا عیسی را امتحان کنند، و از او خواستند نشانه‌ای از آسمان به آنها نشان دهد.² اما او در پاسخ به آنها گفت: وقتی شب است، می‌گویید:

آری سرورم. اما حتی سگ‌ها هم خرده‌نان‌هایی را می‌خورند که از سفره صاحبانش بیرون می‌ریزد.²⁸ سپس عیسی به او پاسخ داد و گفت: ای زن، ایمان تو عظیم است. آرزویت برآورده شود. و دخترش از آن لحظه بهبودی یافت.

و عیسی بسیاری از

غیریهودیان را درمان می‌کند

²⁹ و عیسی آنجا را ترک کرد و نزدیک دریای جلیل آمد؛ از کوه بالا رفت و آنجا نشست.³⁰ و جمعیت عظیمی نزد او آنجا آمدند و با خود لنگان، کوران، گنگان، مفلوجان و بسیاری دیگر را با خود آورده بودند؛ و آنها را پیش پای عیسی گذاشتند و او آنها را شفا داد؛³¹ آن‌قدر که وقتی مردم دیدند که لال سخن می‌گوید، چلاق سالم شده است، لنگ، راه می‌رود و کور می‌بیند، شگفت‌زده شدند. و خدای اسرائیل را ستودند.

عیسی به 4000 مرد غیریهود و خانواده‌هایشان غذا می‌دهد

³² سپس عیسی شاگردانش را فراخواند، و به آنها گفت: دلم برای این مردم می‌سوزد، زیرا سه روز است که با من هستند و چیزی برای خوردن ندارند. دوست ندارم

ایمانش را نشان داد؛ او می‌دانست که حتی معجزه‌ای که آنقدر به دنبالش بود، خرده‌نانی از چیزهایی بود که عیسی به قوم اسرائیل عرضه می‌کرد. آنها بسیار انکار می‌کردند. **15:32** عیسی درک کرد که جمعیت گرسنه بودند. عیسی امروز همان کسی است که آن موقع بود (عبرانیان 13:8). درست مانند همان موقع، نسبت به نیازهای ما آگاه است. **15:39** رجوع کنید به 14:23. قدرت شخصیت و کلمات عیسی، تأثیر عمیقی روی متی گذاشته بود.

نیست،¹⁰ هفت قرص نان برای چهار هزار نفر و تعداد سبدهایی که جمع کرده‌اید را نیز به یاد دارید؟¹¹ چطور درک نمی‌کنید که من درباره نان حرف نزدم؟ از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان برحذر باشید.¹² سپس آنها فهمیدند که عیسی به آنها نگفته بود مواظب خمیرمایه داخل نان باشند بلکه مواظب تعالیم فریسیان و صدوقیان باشند.

عیسی دوباره اسرانیل را ترک می‌کند و درک شاگردانش را می‌آزماید

¹³ اکنون که عیسی به منطقه قیصریه فیلیپس رسید، از شاگردانش پرسید: به گفته مردم، پسر انسان کیست؟ و آنها گفتند: برخی می‌گویند یوحنا تعمیددهنده، برخی الیاس و برخی دیگر ارمیا یا یکی از انبیا. او به آنها گفت: شما مرا که می‌دانید؟¹⁶ شمعون پطرس پاسخ داد و گفت: تو مسیح، پسر خدای زنده هستی.¹⁷ و عیسی در پاسخ به او گفت: خوشا به حال تو، ای شمعون پسر یونا، که نه جسم و خون بلکه پدر آسمانی من این را بر تو آشکار ساخته است.¹⁸ و نیز به

هوا خوب خواهد بود، چون آسمان سرخ است.³ و صبح‌هنگام می‌گویید: امروز هوا بد خواهد بود، چون آسمان سرخ و ترسناک است. شما می‌دانید که ظاهر آسمان را چگونه تفسیر کنید، اما نمی‌توانید نشانه‌های زمانه را تعبیر کنید.⁴ یک نسل شرور و زناکار به دنبال نشانه است، و هیچ نشانه‌ای به غیر از نشانه یونس عطا نخواهد شد. و او آنها را ترک کرد و رفت.

تعالیم عیسی درباره معنی خمیرمایه

⁵ وقتی شاگردان به آن طرف رسیدند، فراموش کرده بودند نانی بیاورند.⁶ و عیسی به آنها گفت: مواظب باشید و از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان آگاه باشید.⁷ و آنها درباره این موضوع بین خود صحبت کردند و گفتند: ما هیچ نانی نیاورده‌ایم.⁸ و عیسی که از این موضوع آگاه بود گفت: ای کم‌ایمانان! چرا بین خود حرف می‌زنید که نانی نیاورده‌اید؟⁹ آیا هنوز درک نمی‌کنید؟ پنج قرص نان برای پنج هزار نفر و تعداد سبدهایی که جمع کرده‌اید را یادتان

16:11 دوباره توجه کنید که عیسی از عدم درک پیروانش سرخورده می‌شود. ما نیز باید در صدد درک او باشیم زیرا واضح است درک هر کسی که ما را دوست دارد، برای او لذت‌بخش است. رجوع کنید به 15:16.

16:12 اصول با خمیرمایه مقایسه شده است؛ خمیرمایه در حجم زیادی از خمیر نسبت به حجم خود نفوذ می‌کند. این قدرت و اهمیت اصول را نشان می‌دهد. ما باید به درستی درک کنیم.

16:18 این سنگ، سنگ باور پطرس در این باره بود که عیسی پسر خدا است (16: و شخصیت پطرس آن را موعظه می‌کرد. «پطرس» یعنی «سنگ»؛ این یک لقب بود، چیزی مثل «سنگی».

از جان تو ای سرورم. این هرگز بر تو اتفاق نخواهد افتاد.²³ اما عیسی برگشت و به پطرس گفت: از من دور شو ای شیطان. تو مانع من هستی چرا که ذهنت درگیر امور انسانی است نه امور الهی.

²⁴ سپس عیسی به شاگردانش گفت: اگر هر کسی بخواد پیرو من باشد، باید خود را انکار کند، صلیبش را بردارد و دنبال من بیاید.²⁵ زیرا هر کس که زندگی‌اش را نجات دهد آن را از دست خواهد داد، و هر کس که به خاطر من زندگی‌اش را از دست دهد آن را پیدا خواهد کرد.²⁶

زیرا انسان چه سودی می‌برد اگر کل دنیا را به دست آورد و زندگی‌اش تباه شود؟ یا انسان چه چیزی را در ازای زندگی‌اش خواهد داد؟²⁷ زیرا پسر انسان در جلال پدر خود با فرشتگان خویش خواهد آمد، و به هر انسانی مطابق با اعمالش پاداش خواهد داد.

تو می‌گویم تو پطرس هستی و من کلیسایم را روی این سنگ بنا خواهم کرد، و دروازه‌های هاویه هرگز بر آن چیره نخواهند شد.¹⁹ من کلید ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ هر چه در زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و هر چه در زمین بگشایی در آسمان گشاده خواهد شد.²⁰ سپس به شاگردان دستور داد به هیچ کس نگویند که او مسیح است.

تعالیم عیسی به شاگردانش درباره مرگ و رستاخیز قریب‌الوقوع خود

²¹ از آن زمان، عیسی به شاگردانش توضیح داد که باید به اورشلیم بروند و از مشایخ و سران کاهنان و علمای دین رنج بسیار متحمل گردند و کشته شوند و در روز سوم برخیزند²² و پطرس او را به کناری کشید و شروع کرد به ملامت کردن او و گفت: دور

16:19 این به همه شاگردان وعده داده شده بود - متی 18:18 کاتولیک‌های رومی از این آیه سوءاستفاده می‌کنند تا ادعا کنند که پطرس و بنا بر این پاپ این قدرت را دارد. اما دلیلی ندارد که فکر کنیم قدرتی از پطرس یا شاگردان دیگر به نسل‌های بعدی منتقل شده است.

16:23 پطرس «شیطان»، «مخالف» نامیده می‌شود که نشان می‌دهد «شیطان» به معنی فرشته گناهکار نیست. این کلمه به معنی «مخالف» به کار برده می‌شود. عیسی برگشت تا با پطرس صحبت کند - پطرس پشت سر عیسی راه می‌رفته و عیسی به او می‌گوید که واقعاً «از من دور شو». برای همین در آیه 24 می‌گوید که دنبال کردن او به معنی برداشتن صلیب است. پطرس نمی‌خواست عیسی روی صلیب بمیرد زیرا این بدین معنی است که کسانی که عیسی را دنبال می‌کردند نیز باید به همین شکل بمیرند. اما عیسی به او می‌گوید که واقعاً پشت سر او برود، پیرو واقعی او باشد، نه فقط در ظاهر بلکه در روح خود نیز صلیب او را به همراه داشته باشد. پطرس اینجا شکست تلخی داشت، خیلی زود پس از نقطه اوج معنوی در 16:17، 18. معنویت ما و معنویت برادران ما به شدت بالا و پایین می‌رود.

16:28 این اشاره‌ای است به تغییر شکلی که در فصل 17 می‌خوانیم.

و عیسی آمد و آنها را لمس کرد و گفت: برخیزید و نترسید. ⁸ وقتی با چشمان خود بالا را نگاه کردند، هیچ کس غیر از عیسی را ندیدند.

⁹ و همین طور که از کوه پایین می آمدند، عیسی به آنها گفت این رویا را برای کسی تعریف نکنید مگر زمانی که پسر انسان از میان مردگان برخیزد. ¹⁰ و شاگردانش از او پرسیدند: چرا کاتبان می گویند الیاس باید اول بیاید؟ ¹¹ و او پاسخ داد و گفت: در حقیقت الیاس می آید و همه چیز را به حالت اول باز می گرداند. ¹² اما به شما می گویم که الیاس همین حالا هم آمده و آنها او را نمی شناسند، اما هر کاری خواستند با او کردند. به همین صورت، پسر انسان نیز به دست آنها رنج خواهد برد. ¹³ سپس شاگردان متوجه شدند که او درباره یحیای تعمیددهنده سخن می گفت.

شفای مصرع به دست عیسی و تعالیم او درباره ایمان
¹⁴ وقتی آنها نزد مردم آمدند، مردی به سوی عیسی آمد و در برابر او زانو زد و گفت: ¹⁵ سرورم، به پسرم رحم کن، زیرا او مصرع است و

²⁸ یقیناً به شما می گویم: کسانی اینجا ایستاده اند که مرگ را نخواهند چشید مگر زمانی که آمدن پسر انسان در ملکوت خود را ببینند.

باب 17

دگرگونی سیمای عیسی

بعد از شش روز، عیسی با خود پطرس، یعقوب و برادر او یوحنا را به کوهی بلند برد تا تنها باشند. ² و سیمای او در جلوی آنها دگرگون شد، چهره اش به مانند خورشید می درخشید و جامه اش مانند نور سفید گشت. ³ و موسی و الیاس بر آنها ظاهر شدند که در حال صحبت با عیسی بودند. ⁴ و پطرس به عیسی گفت: سرورم، چه خوب است که ما اینجا هستیم. اگر تو را خشنود می سازد، سه خیمه خواهیم ساخت - یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای الیاس. ⁵ در حالی که هنوز داشت صحبت می کرد، یک ابر درخشان بر آنها سایه افکند، و صدایی از درون ابر بیرون آمد و گفت: این پسر عزیز من است که از او بسیار خشنودم. او را بشنوید! ⁶ و وقتی شاگردان این را شنیدند، با صورت افتادند و وحشت زده شدند. ⁷

17:11 یک الیاس نبی در روزهای آخر به اسرائیل خواهد آمد تا آنها را برای بازگشت عیسی آماده کند، درست مانند یحیای تعمیددهنده که تلاش کرد آنها را برای اولین ظهور

عیسی آماده سازد (رجوع کنید به ملاکی 4)

17:15 لوناتیک (یونانی) ماه زده - کسی که ماه زده است. این باور که افراد شب هنگام ماه زده می شدند و باعث می شد دیوانه شوند باور غلطی بود. اما عیسی به صراحت این را تصحیح نکرد. او با عظمت معجزه خود نشان داد که چنین باورهایی، چه حقیقت داشته باشد چه نه، در مقایسه با قدرت خداوند بی اهمیت هستند. به همین علت، اشاره به دیوزگی در طول انجیل ها و عهد جدید کاهش می یابد - آشکار شد که آنها وجود خارجی ندارند، اگر داشته باشند، در مقایسه با قدرت خداوند بی اهمیت هستند.

است بمیرد و دوباره زنده شود
 22 و در حالی که در جلیل اقامت داشتند، عیسی به آنها گفت: پسر انسان به دستان مردم تسلیم خواهد شد،²³ و آنها او را خواهند کشت، و در روز سوم او خواهد برخاست. و شاگردان بسیار اندوهگین شدند.

تعالیم عیسی درباره آزادی حقیقی پسران خدا

24 و وقتی به کفرناحوم رسیدند، مأموران جمع‌آوری مالیات معبد نزد پطرس آمده و گفتند: استاد شما مالیات معبد را نمی‌دهد؟²⁵ او گفت: آری. و وقتی وارد خانه شد، عیسی پیش از همه با او صحبت کرد و گفت: شمعون. نظر تو چیست؟ پادشاهان زمین از چه کسانی باج و خراج می‌گیرند؟ از فرزندان خویش یا از بیگانگان؟²⁶ و وقتی او گفت: «از بیگانگان»، عیسی به او گفت: پس فرزندان آزادند.²⁷ با این حال، برای این که آنها را نرنجانیم، به دریا برو، قلابی بینداز و اولین ماهی را که بیرون می‌آید بگیر، و وقتی

رنج بسیار می‌کشد. چرا که بارها در آتش و بارها در آب می‌افتد.¹⁶ بنابراین او را نزد شاگردانت آوردم اما نتوانستند او را درمان کنند.¹⁷ و عیسی در پاسخ گفت: ای نسل بی‌ایمان و منحرف! تا کی باید با شما باشم؟ تا کی باید شما را تحمل کنم؟ او را اینجا نزد من بیاورید.¹⁸ و عیسی او را نهیب داد؛ و دیو از او خارج شد و پسر از آن لحظه درمان شد.

19 سپس شاگردان در خلوت نزد عیسی آمدند و گفتند: چرا ما نتوانستیم دیو را بیرون کنیم؟²⁰ و عیسی به آنها گفت: به خاطر ایمان کم‌تان. چرا که به راستی به شما می‌گویم: اگر به اندازه یک دانه خردل ایمان داشته باشید، به این کوه خواهید گفت از اینجا به آنجا برو، و کوه جابجا خواهد شد. هیچ چیز برای شما ناممکن نخواهد بود.²¹ اما این جنس جز با دعا و روزه بیرون نخواهد رفت.

عیسی بار دیگر می‌گوید که قرار

17:17 دوباره عیسی سرخوردگی خود نسبت به عدم درک معنوی آنها را نشان می‌دهد – رجوع کنید به 16:16؛ 15:11؛ 16:16. ناامیدی گناه است – زیرا عیسی هرگز گناه نکرد. اگر او این قدر آرزوی درک از سوی ما را دارد، بیایید تلاش کنیم تا درک کنیم. و قطعاً به ما کمک خواهد کرد اگر از او بخواهیم

17:20 فقط کمی ایمان واقعی بسیار قدرتمند است. ایمان آنقدر قدرتمند است که به مقدار زیادی از آن نیاز ندارید – فقط کمی از ایمان واقعی کافی است.

17:25 عیسی مالیات معبد را حتی زمانی که مجبور نبود و منطق پشت آن غلط بود، پرداخت می‌کرد. ما نیز باید چنین کنیم. ما اکنون نمی‌توانیم جغرافیای سیاسی را تغییر دهیم؛ باید منتظر بازگشت او و آمدن ملکوت خداوند بمانیم.

17:27 عیسی نسبت به عدم لغزش معنوی مردم بسیار حساس بود. حتی کسانی که آنها را بی‌علاقه به بشارت او تلقی می‌کنیم.

دارند، بهتر است سنگ آسیاب بزرگی به گردن او آویزان گردد و در اعماق دریا غرق شود.⁷ وای بر دنیا به خاطر وسوسه لغزش! چرا که وجود وسوسه لازم است، اما وای بر انسان‌هایی که مسبب وسوسه هستند!

⁸ و اگر دست یا پایتان باعث لغزش شما می‌شود، آن را ببرید و دور بیندازید. بهتر است لنگ و شل وارد زندگی شوید تا این که با دو دست و دو پا که در آتش ابدی بیفتید.⁹ و اگر چشمتان باعث لغزش شما می‌شود، آن را بیرون بیاورید و دور بیندازید. بهتر است با یک چشم وارد زندگی شوید تا این که با دو چشم داخل جهنم افکنده شوید.

¹⁰ مواظب باشید که از هیچ یک از این کوچکان بیزار نشوید. زیرا به شما می‌گویم که فرشتگان آنها در آسمان همیشه شاهد حضور پدر آسمانی‌ام هستند.¹¹ چرا که پسر انسان آمد تا گمشدگان را نجات دهد.

دهانش را باز کنی سکه‌ای خواهی یافت. آن را بردار و از طرف من و خودت به آنها بده.

باب 18 تعالیم عیسی درباره بزرگی و تواضع

آنگاه شاگردان نزد عیسی آمدند و گفتند: چه کسی در ملکوت آسمان از همه بزرگتر است؟² آنگاه عیسی کودکی را نزد خود فراخواند و او را در میان آنها قرار داد،³ و گفت: به راستی به شما می‌گویم، تا تغییر نکنید و مثل کودکان نشوید، هیچ طریق وارد ملکوت آسمان نخواهید شد.⁴ پس هرکس خود را مثل یک کودک متواضع گرداند، همان کس در ملکوت آسمان بزرگترین است. و هر کسی که چنین کودکی را به نام من بپذیرد، من را پذیرفته است.⁶ اما هر کسی که باعث لغزش یکی از این کودکانی شود که به من ایمان

18:3 روی آوردن به دین سطوح مختلفی دارد. شاگردان به دین گرویدند، اما سطح بالاتری از گرویدن به هم بود – این که مثل کودکان بشوند. تعمید، پایان گرویدن ما نیست – بخشی از فرایند آن است.

18:5 عیسی از ما دعوت می‌کند تا او را همان گونه ببینیم که در کودک تجلی یافته است. در قرن یکم، کودکان و زنان بی‌اهمیت تلقی می‌شدند. اما عیسی به آنها توجه زیادی می‌کرد و نشان داد که چقدر به عنوان انسان برای آنها ارزش قائل است.

18:6 این گونه غرق شدن در دریا در قالب سنگ آسیاب، دوری بابل است (مکاشفه 18:21). آنهایی که دیگران را وادار به گناه کردن یا لغزش می‌کنند در روز دوری در مجازات بابل سهیم خواهند بود – آنها «با جهان محکوم» خواهند شد (اول قرن‌تیا 11:32). آنهایی که عیسی را انکار می‌کنند به جهانی که دوست داشتند بازخواهند گشت و در محکومیت آن سهیم خواهند بود.

18:8 آتش ابدی، نماد نابودی کامل است. اورشلیم با این مجازات شد (ارمیا 17:27) – اما هیچ آتش ابدی‌ای امروز آنجا نیست. «آتش ابدی» را به معنای واقعی کلمه نخوانید.

ببر، چرا که هر کلامی از دهان دو یا سه شاهد ثابت می‌شود.¹⁷ و اگر او از شنیدن آنها سر باز زد، آن را با کلیسا در میان بگذار، و اگر از شنیدن کلیسا نیز امتناع کرد، او را بیگانه و باجگیر بدان.

¹⁸ به راستی به شما می‌گویم: هر چه در زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد و هر چه در زمین بگشایید در آسمان گشاده خواهد شد.¹⁹ و باز به شما می‌گویم که اگر دو نفر از شما در زمین درباره هر چیزی که بخواهند توافق کنند، پدر آسمانی‌ام خواسته‌شان را انجام خواهد داد.²⁰ زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من گرد هم می‌آیند، من در میان آنها هستم.

²¹ سپس پطرس آمد و به او گفت: سرورم، تا چند بار برادرم به من بدی کند و من او را ببخشم؟ تا هفت بار؟²² عیسی به او گفت: من به شما نمی‌گویم تا هفت بار، بلکه هفتاد و برابر هفت بار.

تعالیم عیسی درباره جستجوی خداوند برای گوسفند گمشده

¹² نظرتان چیست؟ اگر شخصی صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها گم شده باشد، آیا او نود و نه گوسفند دیگر را در کوه‌ها رها نمی‌کند و به دنبال آن گوسفند گم‌شده نمی‌رود؟¹³ و اگر آن را پیدا کند، یقیناً به شما می‌گویم که برای آن بیشتر از نود و نه گوسفندی که گم نشده بودند خوشحال خواهد شد.¹⁴ پس پدر آسمانی‌تان نمی‌خواهد یکی از این کوچکان از دست برود.

تعالیم عیسی درباره گناه و بخشیدن یکدیگر

¹⁵ و اگر برادرت گناهی در قبال تو مرتکب شد، برو و در خلوت بین خودت و او گناهِش را به او نشان بده. اگر تو را بشنود، برادرت را به دست آورده‌ای.¹⁶ اما اگر تو را نشنود، یک یا دو نفر دیگر را با خود

18:17 به شما - این متن درباره اختلافات شخصی سخن می‌گوید. اگر این فرایند را دنبال کنید، نتیجه نهایی این است که شخصاً با طرف مقابل خود مثل امت غیریهود و باجگیر رفتار خواهید کرد که هر دو گروه در میان کسانی بودند که عیسی به طور خاص در صدد کمک به آنها و فتح آنها برای خداوند بود. درباره اخراج کردن یک فرد از کلیسا صحبت نمی‌کند.

18:20 عیسی همواره با تک تک ما است، اما به ویژه زمانی با ما است که دور هم جمع می‌شویم. از این رو، گردهم آمدن مومنان به جای ایمان داشتن در انزو اهمیت دارد.

18:21، 22 به کسی بدی کردن - پطرس به آیه 15 اشاره کرده است. به نظر می‌رسد که عیسی می‌گوید می‌توانیم فرایند مذکور در 15: تا 17 را طی کنیم. اما سطح بالاتر این است که بدون قید و شرط ببخشیم. اگر کسی در قبال ما 490 بار در روز گناه کند و هر بار ادعا کند که توبه کرده است، واضح است که توبه او صادقانه نیست. عیسی می‌گوید که باید افراد را بدون ارزیابی یا باور کردن صداقت توبه‌شان ببخشیم. زیرا ماهیت بخشندگی که به دیگران نشان می‌دهیم به خود ما نشان داده خواهد شد.

اربابش او را احضار کرد و گفت: ای خادم شریر! من تمام بدهی تو را به خاطر خواهشی که کردی بخشیدم. ³³ آیا نباید تو هم به همکارت رحم می‌کردی، درست همان طور که من به تو رحم کردم؟ ³⁴ و اربابش عصبانی بود و او را به زندان‌بانان تسلیم کرد تا همه بدهکاری‌اش را بپردازد. ³⁵ اگر برادران را از صمیم قلب نبخشید، پدر آسمانی من نیز با تکتک شما این چنین خواهد کرد.

پاب 19

**عیسی درباره تفسیر شریعت
موسی - طلاق از سوی فریسیان
آزموده می‌شود**

و این گونه شد که وقتی عیسی این کلمات را به پایان رساند، جلیل را ترک کرد و به منطقه یهودیه در آن سوی اردن آمد. ² و جمعیت عظیمی او را دنبال کردند و او آنها را آنجا شفا داد.

³ و فریسیان نزد او آمدند تا او را بیازمایند و پرسیدند: آیا جایز است که کسی از زنش به هر دلیلی طلاق بگیرد؟ ⁴ و او پاسخ داد و گفت: آیا نخوانده اید، خداوند آنها را از اول مرد و زن آفرید، ⁵ و گفت: به همین

²³ پس ملکوت خداوند مانند پادشاهی است که از خادمان خود حساب‌پس‌گیرد. ²⁴ و وقتی این پادشاه شروع به حسابرسی کرد، کسی نزد او آورده شد که ده هزار قنطار بدهکار بود. ²⁵ از آنجایی که قادر به پرداخت آن نبود، اربابش دستور داد که همراه همسر و فرزندان و همه داشته‌هایش فروخته شود تا پرداخت انجام گیرد. ²⁶ پس خادم در برابر او زانو زد و گفت: سرورم، با من صبور باشید تا همه بدهکاری‌ام را به شما پرداخت کنم. ²⁷ و ارباب آن خادم دلش سوخت، او را آزاد کرد، و بدهی او را بخشید. ²⁸ اما آن خادم رفت و یکی از همکاران خود را پیدا کرد که از او صد دینار طلبکار بود، و او را گرفت و گلویش را فشرد، و گفت: بدهی‌ات را پرداخت کن. ²⁹ پس همکارش به پایش افتاد و به او التماس کرد و گفت: با من صبور باش تا پولت را پرداخت کنم. ³⁰ اما او نپذیرفت و او را به زندان انداخت تا همه بدهکاری‌اش را پرداخت کند. ³¹ وقتی همکارانش دیدند که چه اتفاقی افتاده، بسیار اندوهگین شدند، و رفتند و تمام اتفاقات را به ارباب خود گزارش دادند. ³² سپس

18:24 این داستان کمی غیرحقیقی است. چطور ممکن است که شخصی چنین بدهی عظیمی داشته باشد؟ فقط به این خاطر که پادشاه همچنان به او قرض می‌داد با علم به این که آن مرد هرگز قادر به بازپرداخت پول نبود. این موضوع از بخشندگی خداوند نسبت به ما و بزرگی دین ما به او سخن می‌گوید. آگاهی از گناهکاری‌مان، ما را به بخشش دیگران تشویق می‌کند.

18:31 وقتی شاهد رفتار غیرمنطقی از برادران خود هستیم، پاسخ این است که با خداوند در میان بگذاریم. خداوند از قبل از آن خبر دارد، اما از لحاظ روانی بهتر است قضیه را در دعا و نیایش به او بگوییم.

بلکه تنها کسانی می‌توانند این گفته را بپذیرند که به آنها عطا شده است.¹² زیرا بعضی از اختگان از شکم مادر این گونه زاییده شده‌اند، برخی از اختگان به دست دیگران اخته شدند و برخی از اختگان به خاطر ملکوت آسمان خود را اخته کردند. آن کسی که قادر به پذیرفتن این امر است، آن را بپذیرد.

استقبال عیسی از کودکان

¹³ سپس بچه‌های خردسال نزد عیسی آورده شدند تا دستانش را بر ایشان نهاده و دعا کند، اما شاگردان آنها را منع کردند.¹⁴ اما عیسی گفت: بگذارید کودکان خردسال نزد من بیایند و جلوی آنها را نگیرید زیرا ملکوت آسمان به چنین کسانی تعلق دارد.¹⁵ و او دستش را بر آنها نهاد و آنجا را ترک کرد.

علت، مرد باید پدر و مادر خود را ترک کند و به همسرش بپیوندد تا هر دو تبدیل به یک تن شوند؟⁶ پس آنها دیگر نه دو جسم بلکه یک جسم هستند. پس آنچه خدا به هم پیوند داده انسان نباید جدا کند.⁷ آنها به او گفتند: پس چرا موسی دستور داد که به زن طلاقنامه بدهند و از او جدا شوند؟ او به آنها گفت: به خاطر قساوت قلب شما، موسی به شما اجازه داد از زنان خود جدا شوید، اما از ابتدا این گونه نبوده است.⁹ و به شما می‌گویم هر کسی که از زنش جز به علت «روسی‌گری» جدا شود و با زن دیگری ازدواج کند مرتکب زنا شده است؛ و هر مردی که با یک زن مطلقه ازدواج کند زناکار است.¹⁰ شاگردان به او گفتند: اگر ماجرای مرد و همسرش این چنین باشد، ازدواج نکردن بهتر است.¹¹ اما او به آنها گفت: نه همه انسان‌ها

19:5,6 اغلب اوقات دو یار و همسر از لحاظ روانی والدین خود را «ترک نمی‌کنند»، و تنها در صورتی می‌توانند به همسر یا یار خود بپیوندند. وقتی سعی دارند که این چنین کنند، خداوند نیز «به هم پیوستن» آنها را تایید می‌کند. دو یار و همسر اغلب در طول شرایط زندگی که خداوند حاکم کرده است، توسط خداوند به روش او به هم می‌پیوندند (کلمه مورد استفاده در یونانی). بنابراین زنا بسیار اشتباه است. نوعی محاربه و جنگیدن با کار خدا در زندگی زوجین است.

19:8 خداوند ضعف انسانی را می‌پذیرد. او ذهن مخلوقات خود را می‌شناسد. او معیار ایده‌آلی را تعیین می‌کند اما حاضر است موفقیت و دستاورد پایین‌تری را در عمل از ما بپذیرد. اما این امر دلیلی برای سوءاستفاده از این موضوع نیست. اگر خدا را دوست داریم، برای داشتن زندگی‌ای در سطوح بالاتر و نه در سطح حداقلی تلاش خواهیم کرد.
19:11 سطوح مختلفی وجود دارد. بعضی‌ها می‌توانند از لحاظ معنوی در سطحی بالاتر از دیگران زندگی کنند، به ویژه در حوزه ازدواج و روابط انسانی. ما باید وقتی درباره کسانی که در کلیسا در این حوزه‌ها شکست می‌خورند نظر می‌دهیم، این موضوع را به یاد داشته باشیم.

از جوانی همه این‌ها را رعایت کردم. چه چیزی هنوز کم داریم؟²¹ عیسی به او گفت: اگر می‌خواهی کامل باشی، برو و دارایی‌هایت را بفروش و به فقرا اعطا کن تا در آسمان گنجی داشته باشی، و بیا و من را دنبال کن.²² وقتی مرد جوان این را شنید، غمگین شد زیرا او دارایی‌های بزرگی داشت.

²³ و عیسی به شاگردانش گفت: به راستی به شما می‌گویم: برای مردی ثروتمند وارد شدن به ملکوت آسمان دشوار است.²⁴ و باز به شما می‌گویم: گذشتن شتر از سوراخ سوزن از وارد شدن مردی ثروتمند به ملکوت خداوند آسان‌تر است.²⁵ و وقتی شاگردان این را شنیدند، متعجب شدند و گفتند: پس چه کسی

تعالیم عیسی به یک مرد جوان درباره بهای مریدی واقعی

¹⁶ شخصی نزد عیسی آمد و گفت: استاد نیکو، چه کارهای نیکویی باید انجام دهم که زندگی جاودانه‌ای داشته باشم؟¹⁷ و عیسی به او گفت: چرا از من می‌پرسی که چه کاری نیکو است؟ فقط یکی است که نیکو است، و آن هم خدا است. اگر می‌خواهی وارد حیات جاودانی شوی، از احکام پیروی کن.¹⁸ او به عیسی گفت: کدام احکام؟ و عیسی گفت: نباید قتل کنی، نباید زنا کنی، نباید دزدی کنی، نباید شهادت دروغ بدهی،¹⁹ به پدر و مادر خود احترام بگذاری، و همسایه‌ات را چون خودت دوست بدار.²⁰ مرد جوان به او گفت:

19:17 عیسی تلاش می‌کند نشان دهد که او خود خداوند نیست. آن مرد می‌خواست بداند که برای کامل بودن چه کاری از دستش برمی‌آمد. عیسی کامل بود؛ اما حتی در این صورت نیز ایستادن او در کنار خدا فقط در سایه رحمت خداوند بود.

19:20 مرد جوان گفت که از جوانی از همه احکام پیروی کرده است. این غرور جوانی است! اما عیسی او را دوست داشت (مرقس 10:21) و غرور و تناقض‌گویی بارز او را محکوم نکرد.

19:21 این دستور مختص آن مرد جوان بود؛ و یک حکم جهانی برای همه مسیحیان نیست که همه داشته‌هایشان را بفروشند. مثال کسانی که به مسیحیت روی آوردند در نسخه‌های بعدی عهد جدید نشان می‌دهد که آنها چنین نمی‌کنند. «فقیران» اغلب اوقات به خاطر تصمیمات اشتباه خویش فقیرند. اما عیسی می‌گوید که ما باید باز هم نسبت به آنها با تمام داشته‌هایمان سخاوتمند باشیم تا این که آنها را به خاطر افتادن در چاهی که در آن هستند مقصر بدانیم. اگر شخصی در چاه افتاده است، صرف نظر از این که چطور به اینجا رسیده، هنوز هم به کمک ما نیاز دارد تا از چاه بیرون آید. درست همان طور که خداوند با ما چنین می‌کند.

19:24 دروازه سوزنی، دروازه‌ای کوچک در دیوار شهری بود که فقط مردم می‌توانستند از آن عبور کنند. برای این که یک شتر بتواند از آن عبور کند، باید زانو می‌زد و همه بارهایش خالی شوند و حتی در آن صورت نیز با فشار و زور می‌تواند عبور کند. اگر قرار است وارد ملکوت شویم، باید ثروت خود را زمین گذاشته و متواضع شویم.

19:25 شاگردان این نظر رایج اما غلط را داشتند که ثرتمندان به این دلیل ثروتمند

تاکستان

زیرا ملکوت آسمان مانند ارباب خانه‌ای است که صبح زود بیرون رفت تا کارگرانی را برای تاکستان خود به کار گیرد.² و وقتی با کارگران سر یک دینار در روز توافق کرد، آنها را به تاکستان خود فرستاد.³ و حدود ساعت سوم بیرون رفت و دید که دیگران بیکار در بازار ایستاده‌اند.⁴ و به آنها گفت: شما هم به تاکستان بروید و هر چه حق شما باشد خواهم داد. و آنها رفتند.⁵ دوباره ساعت ششم و نهم بیرون رفت و همین کار را کرد.⁶ و حدود ساعت یازدهم بیرون رفت و دیگران را دید که ایستاده‌اند و به آنها گفت: چرا اینجا تمام روز بیکار ایستاده‌اید؟⁷ آنها به او گفتند: زیرا هیچ کس ما را به کار نگرفت. او به آنها گفت: شما هم به تاکستان بروید.⁸ و وقتی شب هنگام فرا رسید، صاحب تاکستان به مباشر خود گفت: کارگران را صدا کن و حقوق آنها را پرداخت کن و از آخر به اول

می‌تواند نجات یابد؟²⁶ و عیسی به آنها نگاه کرد و گفت: نزد انسان‌ها چنین کاری غیرممکن است، اما نزد خداوند همه چیز ممکن است.
²⁷ سپس پطرس پرسید: ما همه را رها کردیم و پیرو تو شدیم. پس پاداش ما چه خواهد بود؟²⁸ و عیسی به آنها گفت: به راستی به شما می‌گویم: در رستخیز وقتی پسر انسان در تخت جلال خود می‌نشیند، شما از من پیروی کردید، روی دوازده تخت خواهید نشست و دوازده قبیله اسرائیل را قضاوت خواهید نمود.²⁹ و هر کسی که خانه‌ها، یا برادران، یا خواهران، یا پدر، یا مادر، یا فرزندان، یا زمین‌های خود را به خاطر اسم من ترک کرده، صد برابر دریافت خواهد کرد و زندگی جاودانه‌ای را به ارث خواهد برد.³⁰ اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند بود و بسیاری که آخرین هستند اولین خواهند بود.

باب 20

مثل عیسی درباره کارگران

هستند که خدا آنها را مورد لطف و رحمت خود قرار داده است. عیسی ایده «بشارت رفا» را اینجا از بین می‌برد.

20:2 پول مُعرف رستگاری است.

20:6 آنهایی که به مسیح خدمت نمی‌کنند، صرف نظر از عقل و دفتر خاطرات پُرشان، در جا ایستاده و کاری نمی‌کنند. فقط پیران و ضعیفان بودند که کسی آنها را استخدام نمی‌کرد. اما آنها می‌خواستند کار کنند – پس همه روز آنجا ایستادند به امید این که شاید کسی آنقدر دنبال کارگر می‌گردد که آنها را به کار خواهد گرفت. خداوند به شدت دنبال کارگران است و ما که در این روزهای آخر نزد مسیح فراخوانده شده‌ایم همان کارگران ضعیف هستیم. درست مثل آنهایی که در لوقا 14:23 آخرین لحظه فراخوانده شدند و مردم خیابانی و ناامید بودند. این ما هستیم.

20:8 فرشته‌ای که با بازگشت مسیح ظاهر خواهد شد، ما را «صدا» خواهد زد تا برای داوری جمع شویم.

کرد،¹⁹ و او را به بیگانگان تسلیم خواهند کرد تا استهزاء شود، شلاق بخورد و به صلیب کشیده شود؛ و در روز سوم خواهد برخاست.

عیسی قدرت طلبان را سرزنش می‌کند و درباره اهمیت بندگی تعلیم می‌دهد

²⁰ سپس، مادر پسران زبیدی با پسرانش نزد او آمد و به پایش افتاد و از او چیزی درخواست کرد.²¹ و عیسی به او گفت: چه می‌خواهی؟ او به عیسی گفت: دستور بده که در ملکوت تو این دو پسر هم بنشینند، یکی در سمت راست تو و دیگری در سمت چپ تو.²² اما عیسی پاسخ داد و گفت: نمی‌دانید که چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از جامی بنوشید که قرار است بنوشم؟ آنها به او گفتند: می‌توانیم. او به آنها گفت: همانا از جام من خواهید نوشید – اما نشستن در دست راست و چپ من متعلق به من نیست که عطا کنم، بلکه متعلق به کسانی است که پدرم آن را برای آنها آماده ساخته است.

²⁴ و وقتی ده نفر آنها این را شنیدند، نسبت به این دو برادر خشمگین شدند.²⁵ اما عیسی آنها را نزد خود فراخواند و گفت: می‌دانید که فرمانروایان ملت‌ها بر آنها سروری می‌کنند و بزرگان آنها بر آنها ریاست می‌کنند.²⁶ در میان شما این چنین نخواهد بود. اما هر کسی

شروع کن.⁹ وقتی آنها بیایند که حدود ساعت یازدهم استخدام شده بودند آمدند، هر کدام یک دینار گرفتند.¹⁰ و وقتی اولین گروه آمد، فکر کردند که بیشتر خواهند گرفت اما آنها نیز هر کدام یک دینار گرفتند.¹¹ و وقتی آن را دریافت کردند، از ارباب خانه گله کردند و گفتند: ¹² این کارگران آخر فقط یک ساعت صرف کردند اما به آنها حقوقی برابر با ما پرداخت کردید در حالی که بار روز و گرمای سوزناک را به دوش گرفتیم.¹³ و او پاسخ داد و به یکی از آنها گفت: ای دوست، من ظلمی به شما نکردم. آیا سر یک دینار در روز توافق نکردیم؟¹⁴ حق خود را بردار و برو. دوست دارم به آخرین نفر نیز به اندازه شما بدهم.¹⁵ آیا جایز نیست با پول خودم هر کاری می‌خواهم بکنم؟ یا چون من خوب هستم، چشم زخم داری؟¹⁶ بنابراین آخرین اولین و اولین آخرین خواهد بود.

عیسی تعالیم خود درباره مرگ و رستاخیزش را تکرار می‌کند

¹⁷ و وقتی عیسی به سمت اورشلیم می‌رفت، دوازده شاگرد را به کناری کشید و در راه به آنها گفت: ¹⁸ گوش کنید، ما به سمت اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به سران کاهنان و علمای دین تحویل داده خواهد شد؛ و آنها او را محکوم به مرگ خواهند

20:14 ممکن است برداشت این باشد که این مرد «اخراج» شده است – او باید برود و از عیسی دور شود، زیرا فکر کرد که ارزشمندتر از ضعیفان، مریضان، پیران یا کارگران تنبلی است که استخدام شده بودند. چنین ناخودآگاهی معنوی از نظر عیسی زننده است.

از شما که می‌خواهد بزرگ باشد - باید خادم شما باشد.²⁷ و هر کسی از شما که می‌خواهد اول باشد باید غلام شما باشد.²⁸ حتی پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه آمده که خدمت کند و زندگی‌اش را برای بسیاری فدا کند.

عیسی دو مرد کور مصمم را شفا می‌دهد

²⁹ و وقتی اریحا را ترک کردند، جمعیت عظیمی او را دنبال کرد. و دو مرد کور که در راه نشسته بودند، وقتی شنیدند که عیسی در حال گذر است، فریاد زدند و گفتند: سرورم، به ما رحم کن ای پسر داود.³¹ و جمعیت، آنها را سرزنش کردند که ساکت باشند؛ اما آنها بیشتر فریاد زدند و گفتند، سرورم، به ما رحم کن ای پسر داود!³² و عیسی ایستاد و آنها را صدا زد و گفت: دوست دارید برای شما چه کنم؟³³ آنها به او گفتند: سرورم، می‌خواهیم چشمانمان باز شود.³⁴ و عیسی که دلش برای آنها سوخت، چشمانشان را لمس کرد و آنها فوراً بینایی خود را به دست آوردند و او را دنبال کردند.

فصل 21

ورود فاتحانه عیسی به اورشلیم
و وقتی نزدیک اورشلیم رسیدند و وارد بیت فاجی در کوه زیتون شدند، عیسی دو شاگردش² را فرستاد و به آنها گفت: به روستای پیش روی خود بروید، و بلافاصله الاغی را پیدا خواهید کرد که بسته شده است و کره‌ای همراهش است. آنها را باز کنید و نزد من بیاورید.³ و اگر کسی چیزی به شما گفت، به او بگویید: خداوند به آنها نیاز دارد. و او فوراً آنها را خواهد فرستاد.⁴ این اتفاق اکنون افتاد تا شاید آنچه پیامبر گفته بود محقق شود:⁵ به دختر صهیون بگویید: نگاه کن، پادشاهت با فروتنی نزد تو می‌آید، سوار بر الاغ و کره الاغ.

⁶ و شاگردان رفتند و دستوره‌ای عیسی را انجام دادند،⁷ و الاغ و کره را آوردند و لباس‌هایشان را روی آنها گذاشتند؛ و عیسی روی آن نشست.⁸ اکثر مردم خرقة‌های خود را روی جاده پهن کردند و برخی دیگر شاخه‌های درختان را بردند و روی جاده گسترانیدند.⁹ و مردمی که

20:28 یک چرخش بنیادین در ارزش‌های انسانی. ما اینجا برای خدمت‌رسانی، بخشیدن هستیم؛ نه این که به ما خدمت شود، ثروتمند شویم یا برای خودمان سود جمع کنیم. این درست برعکس «بشارت رفاه» است.

20:32 چرا این را پرسید وقتی پاسخ واضح بود؟ به این علت که تمرکز آن مردان را به نیازهایشان معطوف کند. عیسی همین کار را با ما می‌کند؛ از طریق کلام و دست او در زندگی‌مان، ما را به این درک می‌رساند که چقدر خواسته خود را می‌خواهیم.

21:5 یک پادشاه متواضع، عبارتی متناقض است. پادشاه قرار است سوار بر اسب جنگی باشد، نه یک الاغ. مانند رئیس جمهوری است که با یک اتوموبیل کوچک 20 ساله زهوار در رفته از راه برسد تا با کاروانی از مرسدس بنز.

21:9 مردم بسیاری ثبات بودند. چند روز بعد فریاد زدند «او را به صلیب بکش!» و

هوشیعیان پسر داود؛ خشمگین شدند و به او گفتند: ¹⁶ آیا می‌شنوی که این‌ها چه می‌گویند؟ و عیسی به آنها گفت: آری. آیا هرگز نخوانده‌اید: از دهان کودکان و شیرخوارگان، ستایش را تکمیل ساختی؟ ¹⁷ و عیسی آنها را ترک کرد و از شهر خارج شد و به بیت عنیا رفت و آنجا ماند.

عیسی درخت انجیر را محکوم می‌کند

¹⁸ اکنون صبح‌هنگام در حالی که به شهر بازمی‌گشت، گرسنه شد. ¹⁹ با دیدن یک درخت انجیر در کنار جاده، به سمت آن رفت و چیزی جز برگ روی آن ندید و به آن گفت: باشد که دیگر هیچ میوه‌ای از تو به ثمر نرسد. و درخت انجیر بلافاصله خشک شد. ²⁰ و وقتی شاگردان این را دیدند، شگفت‌زده شدند و گفتند: چگونه درخت انجیر فوراً خشک شد؟ ²¹ و عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: به راستی به شما می‌گویم اگر ایمان داشته و شکی نداشته باشید، نه تنها کاری را خواهید کرد که با

پشت سر او می‌آمدند و او را دنبال می‌کردند فریاد زدند: هوشیعیان پسر داود! مبارک باد آن کسی که به نام خداوند می‌آید! هوشیعیان در اعلیٰ علیین!

¹⁰ و وقتی به اورشلیم رسید، همه شهر به جنب و جوش افتاد و گفتند: این کیست؟ ¹¹ و جمعیت گفت: این عیسی نبی اهل ناصره جلیل است.

عیسی معبد را پاکسازی می‌کند و مردم آنجا را شفا می‌دهد

¹² و عیسی وارد معبد خدا شد و همه آنها را که در معبد خرید و فروش می‌کردند بیرون راند، و میزهای صرافان و کرسی‌های کبوترفروشان را واژگون ساخت. ¹³ و عیسی به آنها گفت: نوشته شده که خانه من خانه دعا نامیده خواهد شد؛ اما شما آن را تبدیل به لانه دزدان کردید.

¹⁴ و کوران و لنگان در معبد نزد او آمدند و آنها را شفا داد. ¹⁵ اما وقتی رؤسای روحانیون و کاتبان، کارهای شگفت‌انگیز او و کودکانی را دیدند که در معبد فریادکنان می‌گفتند

شش هفته بعد ادعا کردند که موعظه پطرس را پذیرفته‌اند. بی‌ثباتی بخشی از ذات ما است. چیزی که خدا و عیسی می‌خواهند درست همان چیزی است که مادر هر رابطه‌ای خواهان آن هستیم یعنی ثبات، صداقت همیشگی و وفاداری.

21:14 به دلیل استفاده غلط یهودیان از کتاب دوم سموئیل 5:8، کوران و شلان اجازه ورود به معبد را نداشتند. اما عیسی از آنها می‌پرسید که انسان از ورود به معبد منع کرده بود، در خانه خدا استقبال می‌کرد.

21:18 او گرسنه میوه معنوی در اسرائیل، درخت بسیار بی‌ثبات شد. او آماده بود تا حتی میوه نرسیده‌ای را بخورد که برگ‌ها وعده آن را داده بودند. او درخت را نفرین کرد زیرا ظاهر میوه را داشت، یعنی برگ داشت، اما در حقیقت حتی غنچه میوه معنوی هم وجود نداشت. او حتی از معنویت نابالغ و رشدنیافته ما خشنود می‌شود. اگر حداقل کاری کنیم (متی 25:27).

پاسخ داده و گفتند: نمی‌دانیم. او به آنها پاسخ داد: من هم به شما نمی‌گویم با اجازه چه کسی این کارها را می‌کنم.

مثل عیسی درباره دو پسر

²⁸ نظر شما چیست؟ یک مرد دو پسر دارد، نزد اولی آمد و گفت: پسرم، امروز برو و در تاکستان کار کن. ²⁹ و او پاسخ داد و گفت: نمی‌روم؛ اما سپس پشیمان شد و رفت. ³⁰ و او نزد دومی رفت و همین را گفت. اما نرفت. ³¹ کدام یک از این دو نفر خواسته پدرش را انجام داد؟ آنها پاسخ دادند: اولی. عیسی به آنها گفت: به راستی به شما می‌گویم که باجگیران و روسپیان قبل از شما وارد ملکوت خداوند می‌شوند. ³² چرا که یحیی در راه عدالت به سوی شما آمد و شما او را باور نکردید، اما باجگیران و روسپیان او را باور کردند؛ و سپس وقتی این را دیدید، باز هم توبه نکردید و به او ایمان نیاوردید.

مثل عیسی درباره تاکستان و کشاورزان

درخت انجیر انجام شد، بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: از جای خود کنده و به دریا افکنده شو، این کار انجام خواهد شد. ²² و همه چیز و هر چیزی را که با ایمان در دعا درخواست کنید، دریافت خواهید کرد.

مقامات معبد عیسی را به چالش می‌کشند

²³ و هنگامی که وارد معبد شد، رؤسای روحانیون و ریش‌سفیدان قوم در حالی که تعلیم می‌داد نزد او آمدند و گفتند: با چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی؟ و چه کسی این قدرت را به تو داد؟ ²⁴ و عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: من هم از شما یک سوال می‌پرسم، که اگر به من بگویید، من هم به شما می‌گویم که با اجازه چه کسی این کارها را می‌کنم. ²⁵ تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟ و آنها درباره این موضوع بین خود بحث کردند و گفتند: اگر بگوییم از آسمان، او به ما خواهد گفت پس چرا او را باور نداشتید؟ ²⁶ اما اگر بگوییم از انسان، از مردم می‌ترسیم چون همه یحیی را پیامبر می‌دانند. ²⁷ و آنها به عیسی

21:22 ما باید استجاب دعاهايمان را تجسم كنيم و طوري رفتار كنيم كه گويي مستجاب شده‌اند. اما اين آيه تنها بخشی از تعليمات كلي كتاب مقدس درباره دعا است — ما تنها وقتی می‌توانيم با چنین اطمینانی دعا كنيم كه بدانيم طبق خواست و اراده خدا است (اول یوحنا 14:5)

21:30 مثل‌ها اغلب مُعرف دو نوع از اراده هستند، آنهایی که به ظاهر نیکوکارند اما در حقیقت نیستند؛ و آنهایی که آشکارا مخالفت می‌کنند اما پشیمان می‌شوند. کلیساها به نظر مملو از مقوله اول از انسان‌ها هستند، اما این افراد، کسانی نیستند که خدا قبول می‌کند. ما باید قبول کنیم که گناهکاران بزرگی هستیم و توبه کنیم.

به عیسی گفتند: آن مردان سیاه‌بخت را نابود خواهد کرد و تاکستان را به کشاورزان دیگری اجاره خواهد داد تا میوه‌ها را در فصل خود بدهند. عیسی به آنها گفت: آیا هرگز در کتب آسمانی نخوانده‌اید: همان سنگی که سازندگان رد کردند سنگ سر زاویه شد؟ این کار خدا بود و به چشم ما حیرت‌آور است.⁴³ پس به شما می‌گویم: ملکوت خداوند از شما گرفته خواهد شد و به ملتی داده خواهد شد که میوه‌های آن را بیاورند.⁴⁴ و آن کسی که روی سنگ بیفتد تکه‌تکه خواهد شد، اما سنگ روی هر کسی که بیفتد، آن را مثل غبار پراکنده خواهد کرد.⁴⁵ و وقتی رؤسای روحانیون و فریسیان این مثل‌ها را شنیدند، فهمیدند که عیسی راجع به آنها سخن می‌گوید.⁴⁶ و با این که در صدد دستگیری او بودند، از مردم ترسیدند زیرا آنها او را پیامبر می‌دانستند.

³³ مثل دیگری را بشنوید. مردی بود که صاحب خانه‌ای بود و تاکستانی را احداث کرد و حصاری دور آن نهاد و در آن چرخ‌بستی کند و برجی ساخت، و آن را به کشاورزان اجاره داد و عازم سفر شد.³⁴ وقتی فصل برداشت نزدیک شد، خادمانش را به سوی کشاورزان فرستاد تا میوه‌اش را دریافت کند.³⁵ و کشاورزان خادمان او را گرفتند و یکی را زدند و دیگری را کشتند و آن یکی دیگر را سنگسار کردند.³⁶ دوباره خادمان دیگری فرستاد که تعدادشان بیشتر بود و آنها همین کار را با خادمان کردند.³⁷ و در آخر، پسرش را نزد آنها فرستاد و گفت: به پسرم احترام خواهند گذاشت.³⁸ اما وقتی کشاورزان پسر را دیدند با خود گفتند: این وارث است. بیاوید او را بکشیم و ارثش را ببریم.³⁹ و آنها او را گرفتند و از تاکستان بیرون پرت کردند و کشتند.⁴⁰ پس وقتی صاحب تاکستان می‌آید، با آن کشاورزان چه خواهد کرد؟ آنها

21:35 این خادمان مُعرف پیامبران خدا هستند که در عهد قدیم به اسرائیل فرستاده بود.
21:37 این امیدواری خداوند است. از طرفی، او از ابتدا می‌دانست که قوم اسرائیل پسرش را انکار خواهند کرد و او را خواهند کشت. اما امید داشت که چنین نکنند. خداوندی که قادر مطلق است گاهی اوقات و به نحوی، قدرت خود را محدود می‌سازد؛ و همین کار را با دانش و علم لایتناهی خود نیز می‌کند. او با ما وارد رابطه شده و بنابراین به نحوی خود را محدود کرده تا آن رابطه را در یک سطح مشروع، و معنی‌دار پیش ببرد. از این رو، ما تعجب، آزرده‌گی و شگفت‌زدگی خداوند را نسبت به اعمال انسانی می‌خوانیم.

21:44 این اشاره دارد به این که با بازگشت مسیح به زمین چگونه تصویر دانیال 2، که مُعرف پادشاهی انسان‌ها است که با خاک یکسان می‌شوند. او کسانی را که او را انکار می‌کنند در کنار جهانی که راه‌هایش را بسیار دوست داشتند دآوری خواهد کرد (اول قرن‌تین 11:32). یا ما بر مسیح خواهیم افتاد و از طریق شناخت گناهانمان خواهیم شکست (اول پطرس، 2:8)؛ یا این که او بر ما خواهد افتاد و در روز آخر ما را خواهد

به خادمان خود گفت: عروسی آماده است، اما دعوت‌شدگان بی‌لیاقت بودند.⁹ بنابراین، به جاده‌های اصلی بروید و هر که را پیدا کردید به جشن عروسی دعوت کنید.¹⁰ و خادمان به شاهراه‌ها رفتند و با هم تا جایی که می‌توانستند بد و نیک را پیدا کردند؛ و عروسی پر از مهمان شد.

¹¹ اما وقتی پادشاه برای دیدن مهمانان وارد شد، مردی را دید که لباس عروسی نپوشیده بود.¹² و به او گفت: ای دوست، چگونه بدون لباس عروسی وارد اینجا شدی؟ و او ساکت ماند.¹³ سپس پادشاه به خادمان گفت: دست و پای او را ببندید و او را بیرون در تاریکی بیندازید که آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود.¹⁴ زیرا دعوت‌شدگان بسیار اما برگزیدگان کم هستند.

تلاش فریسیان برای به دام انداختن عیسی - مالیات به

فصل 22

مثل عیسی درباره جشن عروسی
و عیسی پاسخ داد و دوباره با مثل با آنها سخن گفت: ² ملکوت آسمان مانند پادشاهی است که برای پسرش جشن عروسی گرفت، ³ و خادمانش را فرستاد تا کسانی را که به عروسی دعوت بودند فراخوانند، اما آنها نخواستند بیایند. ⁴ دوباره خادمان دیگری را فرستاد و گفت: به دعوت‌شدگان بگویید: نگاه کنید، شام را آماده کرده‌ام. گاوها و پرواری‌هایم ذبح شده و همه چیز آماده است. به جشن عروسی بیاید! ⁵ اما آنها آن را جدی نگرفتند و رفتند، یکی به مزرعه‌اش و دیگری به کسب و کار خویش رفت، ⁶ و بقیه، خادمان او را گرفتند و رفتاری شرم‌آور با آنها کردند و آنها را کشتند. ⁷ پادشاه عصبانی شد و ارتش خود را فرستاد و قاتلان را نابود ساخت و شهرشان را سوزاند. ⁸ سپس

شکست. پس منطقه‌ی پشت همه این مطلب هست - ما باید اکنون افرادی شکسته باشیم وگرنه آن موقع شکسته خواهیم شد. جامعه راستین مومنان، جامعه‌ای متشکل از مردان و زنان شکسته است.

22:4 همه چیز برای ملکوت خداوند در قرن یکم «آماده» بود اما یهودیان آن را انکار کردند.

22:5 درست مانند مردم امروز که اجازه می‌دهند مشغله زندگی‌شان آنها را از پاسخ به بشارت منع کند.

22:7 اورشلیم توسط ارتش رومیان 70 سال پس از میلاد مسیح سوزانده شد. آنها ارتش خداوند بودند به این معنی که خداوند آنها را تحت سلطه خویش داشت و از آنها استفاده کرد. آنهایی که ما را اذیت می‌کنند نیز به نحوی مستقیماً تحت سلطه خداوند هستند.

22:10 هم افراد نیک و هم افراد بد دعوت را قبول می‌کنند؛ درست مانند علف‌های هرزی که همراه با گندم در مزرعه کلیسا رشد می‌کنند (متی 13:29). ما نباید از حقیقت داشتن این موضوع تعجب کنیم، اما این مساله دلیلی برای ترک کلیسا نیست. ما هیچ کلیسای خالص و پاکی پیدا نخواهیم کرد.

امپراتور

¹⁵فریسیان رفتند و نقشه کشیدند که چگونه می‌توانند او را در سخنانش به دام بیندازند.¹⁶ و شاگردان خود را همراه با هیرودیان نزد او فرستادند و گفتند: استاد، ما می‌دانیم که تو صادق هستی و راه خدا را به راستی تعلیم می‌دهی و از کسی بیم نداری چون به ظاهر افراد اهمیت نمی‌دهی.¹⁷ پس به ما بگو چه نظری داری. آیا جایز است به امپراتور مالیات معبد بدهیم یا نه؟¹⁸ اما عیسی متوجه شرارت آنها بود و گفت: چرا من را امتحان می‌کنید؟ ای ریاکاران!¹⁹ پول مالیات را به من نشان دهید. و آنها یک دینار برای او آوردند.²⁰ و عیسی به آنها گفت: این تصویر و نوشته روی آن متعلق به کیست؟²¹ آنها به او گفتند: متعلق به قیصر است. سپس عیسی به آنها گفت: پس چیزهایی را که به قیصر تعلق دارد به او بدهید و چیزهایی را که به خدا تعلق دارد به خدا بدهید.²² و وقتی آنها این را شنیدند، حیرت‌زده شدند و او را ترک کردند و رفتند.

تلاش صدوقیان برای به دام انداختن عیسی - رستاخیز

²³همان روز صدوقیان که می‌گویند هیچ رستاخیزی وجود ندارد، نزد او آمدند و از او پرسیدند: ²⁴استاد، موسی گفت که اگر انسانی بمیرد و هیچ فرزندی نداشته باشد، برادرش باید با زن او ازدواج کند تا نسلی برای برادرش پیدا کند.²⁵ هفت برادر با ما بودند؛ اولی ازدواج کرد و بدون اولادی درگذشت، و بنابراین زنش را برای برادرش باقی گذاشت.²⁶ به همین شکل، دومی و نیز سومی تا هفتمی.²⁷ و بعد از همه، آن زن مُرد.²⁸ پس در روز رستاخیز، این زن همسر کدام یک از این هفت نفر خواهد بود؟ چرا که همه آنها با او بودند.²⁹ اما عیسی در پاسخ به آنها گفت: اشتباه می‌کنید، زیرا هیچ کدام نه کتب آسمانی و نه قدرت خدا را نمی‌شناسید.³⁰ زیرا در روز رستاخیز نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند، بلکه مانند فرشتگان آسمان خواهند بود.³¹ اما درباره رستاخیز مُردگان، آیا نخوانده‌اید آنچه خدا به شما گفته

22:11 لباس عروسی مُعرف عدالت خداوند است که وقتی در تعمید با مسیح پوشانده می‌شویم به ما عطا می‌شود. در مراسم عروسی در آن روزها، لباس سفید عروسی هنگام ورود مهمانان به جشن به آنها داده می‌شد. رد کردن آن تکبر و گستاخی بود و احتمالاً آن شخص فکر می‌کرد که لباس‌های خودش از لباس عروسی که میزبان به او می‌دهد بهتر است.

22:21 روی سکه تصویر سزار بود و بنابراین باید سکه را به او می‌دادند. روی بدن ما، تصویر خداوند است و ما باید بدنمان را به خداوند تسلیم کنیم.

22:30 قرار است مثل فرشتگان شویم؛ ما جاودانه خواهیم شد و قادر به ارتکاب گناه نخواهیم بود، بنابراین فرشتگان امروز این گونه هستند. هیچ فرشته گناهکاری در آسمان وجود ندارد.

چه کسی پسر داود است؟

⁴¹در حالی که فریسیان گردهم آمده بودند، عیسی از آنها سؤالی پرسید و گفت: ⁴²نظر تو راجع به مسیح چیست؟ او پسر کیست؟ آنها به او گفتند: پسر داود. او به آنها گفت: پس چگونه داود او را در روح، سرور می‌خواند و می‌گوید: ⁴⁴خداوند به سرورم گفت، در دست راستم بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم. ⁴⁵اگر داود او را سرورم خطاب می‌کند، پس چگونه پسر اوست؟ ⁴⁶و هیچ کس نتوانست حتی یک کلمه پاسخ دهد. از آن روز کسی جرأت نکرد از عیسی سوال دیگری بپرسد.

فصل 23

هشدار عیسی به مردم درباره

ریاکاری فریسیان

سپس عیسی رو به مردم و شاگردانش سخن گفت: ²کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند. ³پس همه کارهایی که به شما می‌گویند، انجام

است: من خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم؟ او نه خدای مُردگان، بلکه خدای زندگان است. ³³ و وقتی جمعیت این را شنید، از تعالیم او شگفت‌زده شدند.

تلاش یک فقیه فریسی برای به

دام انداختن عیسی - حکم اعظم

³⁴اما وقتی فریسیان شنیدند که او صدوقیان را ساکت کرده است، گردهم آمدند. ³⁵و یکی از آنها که فقیه بود از عیسی سؤالی پرسید تا او را بیازماید: ³⁶استاد، بزرگترین حکم در تورات چیست؟ ³⁷و عیسی به او گفت: باید خداوند، خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام عقل خود دوست بداری. ³⁸این بزرگترین و اولین حکم است. ³⁹و حکم دوم این است: باید همسایه‌ات را به اندازه خودت دوست بداری. ⁴⁰مفهوم کل تورات و انبیا در این دو حکم است.

عیسی فریسیان را می‌آزماید -

22:32 آن افراد مُرده و بی‌هوش هستند، اما خاطره آنها با خدا زنده است، تا جایی که وقتی او می‌گوید «من (هنوز، اکنون، امروز) خدای... یعقوب هنگام بازگشت عیسی زنده خواهد شد و زندگی جاودانه به او اعطا خواهد شد؛ اما خداوند طوری درباره چیزهایی که هنوز وجود ندارند سخن می‌گوید که انگار هستند، زیرا آینده از دید خداوند کاملاً قطعی است (رومیان 4:17).

22:39 یهودیان همواره در این باره بحث می‌کردند که کدام حکم مهم‌تر است. عیسی در پاسخ می‌گوید که دو حکم هستند که در حقیقت یک دستور هستند- دوست داشتن خداوند و دوست داشتن همسایه‌مان. منظور او این است که این دو را نمی‌توان از هم جدا کرد. ما نمی‌توانیم در انزوا از مردم مسیحی باشیم؛ ما نمی‌توانیم خدا را دوست داشته باشیم اما نسبت به همسایه‌مان بی‌اعتنا باشیم.

22:45 یهودیان فکر می‌کردند که داود والاتر از مسیحا بود؛ عیسی می‌گوید که دقیقاً برعکس است.

فریسیان. ریاکاران! شما درب ملکوت آسمان را به روی مردم بستید. زیرا نه خودتان وارد می‌شوید و نه اجازه می‌دهید آنهایی که دوست دارند وارد شوند.¹⁴ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا شما خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعید، در حالی که برای خودنمایی نماز را طولانی می‌خوانید. بنابراین محکویت شما شدیدتر خواهد بود.

¹⁵ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا شما دریا و خشکی را طی می‌کنید تا شخصی هم‌دین شما شود، و وقتی این چنین می‌کند او را دو برابر بیشتر از خود تبدیل به فرزند جهنم می‌کنید.

¹⁶ وای بر شما ای راهنمایان کور که می‌گویید: هر کسی که به معبد قسم بخورد، ارزشی ندارد؛ اما هر کسی که به طلالی معبد قسم بخورد، باید به سوگند خود وفا کند.¹⁷ ای نادانان کور! زیرا کدام بزرگتر است، طلا یا معبدی که طلا را مقدس ساخته؟¹⁸ و هر کسی که به محراب قسم بخورد، ارزشی ندارد! اما هر کسی که به هدیه روی محراب قسم بخورد، باید به سوگند خود وفا کند.¹⁹ ای کوران! زیرا کدام بزرگتر است: هدیه یا محرابی که هدیه را مقدس

دهید و رعایت کنید؛ اما کارهای آنان را تکرار نکنید، زیرا آنها می‌گویند اما عمل نمی‌کنند.⁴ آری، آنها بارهای سنگینی را می‌بندند و روی شانه‌های مردم می‌گذارند؛ اما خودشان با انگشت خود آنها را حرکت نمی‌دهند.⁵ اما آنها همه کارهایشان را می‌کنند تا مردم آنها را ببینند. زیرا حمایل خود را پهن‌تر و آویزهای جامه‌های خود را بلندتر می‌سازند،⁶ و جایگاه اصلی در جشن‌ها و کرسی اصلی در کنیسه‌ها و⁷ سلام و تهنیت در بازارها را دوست دارند و این که استاد خوانده شوند.

⁸ اما شما نباید استاد خوانده شوید — زیرا یک نفر استاد شما است و بقیه شما برادر هستید.⁹ و هیچ کس را در زمین پدر خود خطاب نکنید — زیرا یک نفر پدر شما است که در آسمان است.¹⁰ و نباید سرور خوانده شوید، زیرا یک نفر سرور شماست، مسیح.¹¹ اما آن کسی که در میان شما از همه بزرگتر است خادم شما خواهد بود.¹² و هر کسی که خود را بزرگ سازد حقیر خواهد شد و هر کسی که خود را متواضع کند بزرگوار خواهد گشت.¹³ اما وای بر شما ای کاتبان و

23:9 بنابراین سنت «پدر» صدا زدن یک کشیش کاملاً اشتباه است.

23:13 ما می‌توانیم دیگران را هم قادر به ورود به ملکوت خداوند سازیم و هم مانع آنها شویم. این که باعث شویم با کلام، اعمال یا مثال خود دیگران وارد ملکوت نشوند یکی از بزرگترین گناهان است. فریسیان گروه بسیار کوچکی بودند، اما در نوشته‌های انجیل زمان زیادی صرف توصیف تعاملات عیسی با آنها شده است، زیرا افراط در قانون‌گرایی و دلسرد کردن دیگران نسبت به ورود به ملکوت گناه بزرگی است که به راحتی می‌توانیم مرتکب آن شویم.

شکل شما نیز از بیرون، نیکوکار به نظر مردم می‌رسید اما از دورن پر از ریاکاری و شرارت هستید.²⁹ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا مقبره‌های انبیاء را می‌سازید و قبرهای نیکوکاران را مزین می‌کنید،³⁰ و می‌گویید، اگر ما در ایام پدرهایمان بودیم، در ریختن خون انبیاء با آنها شریک نمی‌شدیم.³¹ پس خودتان شهادت می‌دهید که پسران همان‌هایی هستید که انبیاء را به قتل رساندند.³² پس پیمانۀ شرارت پدران خود را پر کنید.³³ ای مارها، ای فرزندان افعی، چطور از جزای جهنم فرار خواهید کرد؟³⁴ پس بنگرید که انبیاء و فرزندگان و کاتبان را برای شما می‌فرستم. بعضی از آنها را خواهید کشت و به صلیب خواهید کشید، و برخی دیگر را در کنیسه‌های خود تازیانه خواهید زد و از شهری به شهر دیگر دنبال خواهید کرد.³⁵ تا گناه خون همه نیکوکارانی که روی زمین ریخته شده به گردن شما بیفتد، از خون هابیل نیکوکار گرفته تا خون زکریا، پسر برخیا که بین معبد و محراب کشتید.³⁶ به راستی به شما می‌گویم، همه این‌ها بر این نسل خواهد آمد.

ساخت؟²⁰ پس او که به محراب قسم می‌خورد، به آن و همه چیزهای روی آن قسم می‌خورد.²¹ و آن کسی که به معبد قسم می‌خورد، به آن و به خداوند که ساکن معبد است قسم می‌خورد.²² و کسی که به آسمان قسم می‌خورد، به تخت خداوند و او که روی آن نشسته قسم می‌خورد.²³ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا شما یک‌دهم نعناع و رازیانه و زیره را می‌دهید اما امور مهم‌تر تورات، عدالت، رحمت و ایمان را انجام نمی‌دهید. این‌ها را باید انجام دهید و بقیه کارها را ناتمام گذارید.²⁴ ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را می‌بلعید!²⁵ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌کنید اما در داخل آنها مملو از اجحاف و افراطی‌گری است.²⁶ ای فریسی کور! اول داخل پیاله و بشقاب را تمیز کن تا شاید بیرون آن نیز تمیز شود.²⁷ وای بر شما ای کاتبان و فریسیان. ریاکاران! زیرا مثل قبرهای سفیدشده‌ای هستید که از بیرون زیبا به نظر می‌رسند، اما از درون پر از استخوان‌های مُردگان و تمام ناپاکی‌ها هستند.²⁸ به همین

23:22 خداوند یک هستی شخصی است که در آسمان قرار دارد- و زمزمه «روح» یا مفهومی انتزاعی نیست.

23:33 اشاره‌ای به وعده‌ای که در باغ عدن در پیدایش 3:15 داده شد. همه مخالفان عیسی، از نسل مار هستند و آنهایی که به مسیح ایمان دارند، به عنوان نسل زن، درنهایت پس از تحمل رنج از سوی مارها در کوتاه مدت بر آنها فائق خواهند آمد.

می‌گویم. اینجا سنگی روی سنگی نخواهد ماند که فرو نریزد.
³وقتی روی کوه زیتون نشست، شاگردان در خلوت نزد او آمدند و گفتند: به ما بگو این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ و نشانه آمدن تو و آخر زمان چیست؟

⁴و عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: مواظب باشید کسی گمراه نشود. زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: من مسیح هستم، و بسیاری را گمراه خواهند کرد.⁶ و صدای جنگ و شایعات جنگ به گوش‌تان خواهد رسید. نگران نشوید، زیرا این باید اتفاق بیفتد، اما هنوز پایان نیست.⁷ چرا که ملت علیه ملت و پادشاهی علیه پادشاهی قیام خواهد کرد، و قحطی و زلزله در جاهای مختلف رخ خواهد داد.⁸ اما همه این‌ها شروع درد زایمان هستند.⁹ سپس آنها شما را به مصیبت سپرده و خواهند کشت؛ و تمام ملت‌ها به خاطر نام من از شما متنفر خواهند شد.¹⁰ و سپس بسیاری دچار لغزش خواهند شد و یکدیگر

اندوه عیسی برای اورشلیم
³⁷ای اورشلیم، اورشلیم که انبیاء را می‌کشی و فرستادگان به خود را سنگسار می‌کنی! چند بار خواستم فرزندان تو را گردهم آورم حتی مانند مرغی که جوجه‌هایش را زیر بال خود جمع می‌کند - اما تو نخواستی!³⁸ بنگرید که خانه‌تان ویران برایتان گذاشته شده است.³⁹ زیرا به شما می‌گویم، شما من را از این به بعد نخواهید دید تا این که خواهید گفت: مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید.

باب 24

عیسی نابودی معبد، بازگشت خود و آخر زمان را پیشگویی می‌کند

و عیسی از معبد بیرون آمد و به راه خود ادامه می‌داد که شاگردانش نزد او آمدند تا ساختمان‌های معبد را به او نشان دهند.² اما او پاسخ داد و به آنها گفت: آیا همه این چیزها را نمی‌بینید؟ به راستی به شما

23:37 آیا عیسی این ایده را از تماشای مرغ‌ها در حیاط خانه مادرش در ناصره گرفته بود؟

23:39 ممکن است این بدان معنی باشد که با بازگشت عیسی، کسانی که او را انکار کرده‌اند زنده خواهند شد و او را خواهند شناخت. اما بسیار دیر خواهد بود. در روز داورى، هیچ کس بی‌اعتنا نخواهد بود. ممکن است مردم اکنون شانه بالا بیندازند یا حتی عیسی را انکار کنند اما در آن روز آنها به شدت می‌خواهند که با او باشند. اما برای کسانی که او را در این زندگی انکار کرده‌اند بسیار دیر خواهد بود. از این رو، انکارشدگان دندان‌های خود را از شدت تنفر از خود به هم خواهند فشرد.

24:2 این اتفاق این گونه محقق شد که طلاهای معبد ذوب شدند و بین سنگ‌ها جاری شدند، و رومیان به معنای واقعی کلمه تک تک سنگ‌ها را انداختند تا طلا را استخراج کنند.

خواهد بود که از ابتدای جهان تا کنون نبوده و نخواهد بود.²² و اگر آن روزها کوتاه نمی‌شدند، هیچ جاننداری نجات نمی‌یافت - اما به خاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهند شد.

²³ پس هر کسی که به شما بگوید این مسیح است یا کس دیگری بگوید این مسیح است، آنها را باور نکنید!²⁴ زیرا مسیحیان دروغین و پیامبران دروغین خواهند برخاست که نشانه‌ها و شگفتی‌های بسیاری را نشان خواهند داد تا حتی در صورت امکان برگزیدگان را نیز گمراه کنند.²⁵ گوش کنید، قبلاً به شما گفته‌ام.²⁶ پس اگر به شما بگویند: نگاه کن، او در بیابان است! نروید. نگاه کن، او در اتاق داخل است! باور نکنید.²⁷ زیرا همان طور که رعد و برق از مشرق می‌آید و حتی تا مغرب نیز دیده می‌شود، آمدن پسر انسان نیز این چنین خواهد بود.

²⁸ هر جا لاشه باشد، عقاب‌ها با هم در آن جمع می‌شوند.²⁹ اما فوراً پس از مصیبت در آن روزها، خورشید تیره خواهد شد و ماه

را تسلیم خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد.¹¹ و بسیاری از پیامبران دروغین خواهند برخاست و بسیاری را گمراه خواهند کرد.¹² و چون شرارت چند برابر خواهد شد، عشق اکثریت رو به سردی خواهد گرایید.¹³ اما آن کسی که تا پایان مقاومت کند، نجات خواهد یافت.¹⁴ و این مژده ملکوت در سراسر جهان موعظه خواهد شد تا گواهی برای تمام ملت‌ها باشد - و سپس پایان فرا خواهد رسید.

¹⁵ بنابراین، وقتی کراهت ویرانی را که دانیال نبی از آن سخن گفته در مکانی مقدس می‌بینید (باشد که خواننده درک کند)،¹⁶ آنگاه کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند.¹⁷ آن کسی که در بام خانه است برای برداشت چیزهایی که در خانه‌اش است پایین نرود.¹⁸ و آن کسی که در مزرعه است برای برداشتن رخت خود بازنگردد.¹⁹ اما وای بر آنهایی که در آن ایام باردار و شیرده هستند! و دعا کنید که فرار شما در زمستان یا روز سبت نباشد.²¹ زیرا آنگاه مصیبت عظیمی

24:14 این نشان می‌دهد که بازگشت مسیح تا حدی به این بستگی دارد که ما انجیل (بشارت) را به همه جهان ببریم. باید به عنوان گواه و شهادتی برای جهانیان موعظه شود - همه پاسخ نخواهند داد، اما همه ملت‌ها خواهند شنید. ظهور اینترنت این امر را میسر ساخته است.

24:22 با این که شرایطی برای بازگشت عیسی وجود دارد (رجوع کنید به: 14)، خداوند این روزها را کوتاه خواهد کرد. آیه 3 از کتاب دوم پطرس می‌گوید که تأخیری نیز وجود دارد، تا شاید افراد بیشتری باور پیدا کنند. بنابراین عوامل متنوع به ظاهر متناقضی در تعیین تاریخ واقعی بازگشت عیسی وجود دارد. کوتاه شدن روزها به دلیل دعا‌های مومنین برای بازگشت سریعتر مسیح یا به منظور نجات دادن مومنین از سقوط خواهد بود، بنابراین وسوسه‌ها و فشار روزهای آخر بسیار خواهد بود.

عیسی هشدار می‌دهد که زمان پایان را تنها خدا می‌داند

³⁶ اما از آن روز و ساعت کسی خبر ندارد، حتی فرشتگان آسمان و خورشید، بلکه فقط پدر می‌داند. ³⁷ ظهور پسر انسان درست مانند روزگار نوح خواهد بود. ³⁸ زیرا در آن روزها که قبل از وقوع سیل بود، آنها می‌خورند و می‌آشامیدند، ازدواج می‌کردند و به ازدواج درمی‌آمدند تا روزی که نوح وارد کشتی شد، ³⁹ و آنها متوجه نشدند تا این که سیل آمد و همه آنها را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز این چنین خواهد بود. ⁴⁰ آنگاه دو مرد در مزرعه خواهند بود. یکی را می‌برند و دیگری را رها می‌کنند. ⁴¹ دو زن دستاس خواهند کرد. یکی را می‌برند و دیگری را رها می‌کنند.

⁴² پس بیدار بمانید. زیرا نمی‌دانید سرورتان چه روزی خواهد آمد. ⁴³ اما این را بدانید! اگر صاحب خانه می‌دانست دزد چه ساعتی می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت دزد وارد خانه‌اش بشود. ⁴⁴ پس شما نیز

نورش را عطا نخواهد کرد و ستاره‌ها از آسمان سقوط خواهند کرد و قدرت آسمان‌ها متزلزل خواهد شد. ³⁰ و آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان پدیدار خواهد شد. سپس همه قوم‌های زمین عزاداری خواهند کرد و شاهد ظهور پسر انسان روی ابرهای آسمان با قدرت و شکوه عظیمی خواهند بود. ³¹ و او فرشتگان خود را با صدای بلند شپیور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار باد، از یک سوی آسمان به سوی دیگر آن گرد هم خواهند آورد.

³² پس از درخت انجیر مثل را فرا گیرید. وقتی شاخه‌اش نازک شده و برگ می‌آورد، بدانید که تابستان نزدیک است. ³³ به همین شکل شما نیز وقتی همه این چیزها را می‌بینید، بدانید که او نزدیک است – در آستانه درها. ³⁴ به راستی به شما می‌گویم، این نسل از میان نخواهد رفت مگر زمانی که همه این رویدادها محقق شوند. ³⁵ شاید آسمان و زمین از میان بروند، اما کلمات من از میان نخواهد رفت.

24:31 فرشتگان ما را از سراسر جهان گردهم خواهند آورد – و مومنان حقیقی در نتیجه گواه و شهادت آیه 14، در سراسر جهان خواهند بود.

24:32 درخت انجیر، نماد اسرائیل است؛ میوه روی درخت انجیر نشان‌دهنده میوه معنوی توبه است. وقتی حداقل برخی از یهودیان توبه کنند و مسیح را بپذیرند، که این مساله همین حالا نیز در حال رخ دادن است، این امر نشانه این خواهد بود که ما در نسل آخر هستیم.

24:40,41 عیسی در اغلب موارد در تعالیم خود بین مثال‌هایی که از دنیای مردان و زنان مطرح می‌کند، تعادل برقرار می‌نماید. این گونه برای افراد ارزش قائل می‌شد.

24:48 سرور به راستی ظهورش را به تاخیر می‌اندازد – همین کلمه یونانی در 25:5 نیز دیده می‌شود که در آن گفته شده چگونه داماد (عیسی) آمدنش را به تاخیر می‌اندازد. رجوع کنید به 24:14.

خود را برداشته و به دیدار داماد رفتند.² پنج تن از آنها نادان بودند و پنج تن دیگر دانا؛³ زیرا وقتی نادانان چراغ‌های خود را برداشتند، با خود روغنی نبردند،⁴ اما دانایان با خود ظرف‌های روغن را همراه با چراغشان بردند.⁵ اکنون در حالی که داماد دیر کرده بود، همه آنها خوب‌آلود شدند و خوابیدند.⁶ اما در نیمه شب صدای فریادی سر رسید: نگاه کنید! داماد! بیایید بیرون تا او را ببینید.⁷ سپس همه آن دختران باکره برخاستند و چراغ‌های خود را حاضر کردند.⁸ و نادانان به دانایان گفتند: کمی از روغن خود به ما بدهید چرا که چراغ ما در حال خاموش شدن است.⁹ اما دانایان پاسخ دادند: شاید روغن کافی برای ما و شما نباشد. باید بروید نزد روغن‌فروشان و برای خود روغن بخرید.

¹⁰ و در حالی که آنها رفتند که روغن بخرند، داماد آمد - و آنهایی که آماده بودند با او به جشن عروسی رفتند و در بسته شد.¹¹ سپس، باکره‌های دیگر نیز سر رسیدند و گفتند: سرورم، سرورم، در را به روی ما باز کن.¹² اما او در پاسخ گفت: به راستی به شما می‌گویم شما

باید آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید.

عیسی خادم دانا و آماده را توصیف می‌کند

⁴⁵ پس کیست خادم بالیمان و دانا که اربابش او را سرپرست خانه خود کرده تا به آنها سر وقت غذا دهد؟⁴⁶ خوشا به حال آن خادمی که وقتی اربابش می‌آید، او را در حال انجام این کار ببیند.⁴⁷ به راستی به شما می‌گویم که اربابش او را مسئول همه داشته‌هایش خواهد کرد.⁴⁸ اما اگر آن خادم شیر در دل خود بگوید: آمدن اربابم طول کشیده،⁴⁹ و شروع کند به کتک زدن همکاران خود و عیش و نوش با شرابخواران،⁵⁰ ارباب آن خادم روزی که او انتظارش را ندارد و ساعتی که نمی‌داند خواهد آمد،⁵¹ و او را تکه‌تکه خواهد کرد و در کنار ریاکاران خواهد گذاشت. آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود.

پای 25

مثل عیسی درباره 10 باکره

سپس ملکوت آسمان مانند ده باکره‌ای خواهد بود که چراغ‌های

25:4 اینجا نیز دو گروه در این مثل وجود دارند، ضعیفان که از ضعف خود باخبر بودند و با علم به این که احتمالاً بیدار خواهند ماند، روغن اضافه با خود بردند؛ و متکبران از خود مطمئن که فکر نمی‌کردند شکست خواهند خورد.

25:5 در بازگشت مسیح تاخیر خواهد بود - رجوع کنید به 24:14. همه آنها به خواب رفتند- اما ما باید بیدار باشیم و مراقب زمان بازگشت مسیح باشیم (کتاب اول تسالونیکیان 5:6-8). آخرین نسل قبل از بازگشت عیسی از لحاظ معنوی ضعیف و خواب‌آلود خواهند بود و تنها با شناخت ضعف خود و نداشتن روغن، نجات خواهد یافت (شاید نمادی از معنویت باشد).

پنج تالنت دیگر درآوردیم.²¹ اربابش به او گفت: آفرین، ای خادم خوب و وفادار. تو در مورد چند چیز وفادار بودی، پس من هم خیلی چیزها را به تو خواهم سپرد. بیا و وارد شادی اربابت شو!²² و آن کسی که دو تالنت دریافت کرده بود آمد و گفت: سرورم، به من دو تالنت دادی. نگاه کن دو تالنت دیگر درآوردیم.²³ اربابش به او گفت: آفرین، ای خادم خوب و وفادار. تو در مورد چند چیز وفادار بودی، پس من هم خیلی چیزها را به تو خواهم سپرد. بیا و وارد شادی اربابت شو!²⁴ و آن کسی که یک تالنت دریافت کرده بود آمد و گفت: سرورم، می‌دانم که مرد سختگیری هستی، جایی را که نکاشته‌ای درو می‌کنی و جایی را که بذریاشی نکردی جمع می‌کنی.²⁵ و ترسیدم و رفتم و سکه‌ات را در خاک پنهان کردم. بفرما این مال توست.²⁶ اما اربابش به او پاسخ داد و گفت: ای خادم شریر و تنبل، می‌دانستی که جایی را که نکاشته‌ام درو می‌کنم و جایی را که بذریاشی نکرده‌ام جمع می‌کنم.²⁷ نباید پولم

را نمی‌شناسم.¹³ پس بیدار بمانید. زیرا شما نه از روز و نه از ساعت خبری ندارید.

مثل عیسی درباره خادمان و تالنت

¹⁴ زیرا مانند مردی است که به کشور دیگری می‌رود و خادمان خود را فرا می‌خواند و وسایلش را به آنها می‌دهد.¹⁵ و بر اساس توانایی‌های هر کدام، به یکی پنج تالنت، به دیگری دو تالنت و به دیگری یک تالنت داد و به سفر رفت.¹⁶ فوراً آن کسی که پنج تالنت دریافت کرد رفت و با آن داد و ستد کرد و پنج تالنت دیگر به دست آورد.¹⁷ به همین شکل آن کسی که دو تالنت دریافت کرده بود دو تالنت دیگر درآورد.¹⁸ اما آن کسی که یک تالنت دریافت کرده بود رفت و زمین را گند و پول ارباب خود را پنهان ساخت.¹⁹ اکنون پس از مدتی طولانی، ارباب آن خادمان آمد و با آنها تسویه حساب کرد.²⁰ و آن کسی که پنج تالنت دریافت کرد آمد و پنج سکه دیگر را آورد و گفت: سرورم، به من پنج تالنت دادی. نگاه کن

25:6 نیمه شب - عنصر غیر واقعی در مثل. داماد در غیرمحمول‌ترین زمان ممکن می‌آید، درست مثل مسیح.

25:11 بعضی‌ها که عیسی را «سُرور» صدا می‌زنند، طرد خواهند شد. هیچ کس در آن روز منفعل نخواهد بود، همه آرزو خواهند کرد که از سوی عیسی پذیرفته شوند.

25:15 هر یک از ما توانایی‌های مختلفی داریم که برای خدمت به او به ما عطا شده است. همه ما چیزی در چنته داریم. دعا کنید که خداوند به شما نشان دهد که چه توانایی‌هایی به شما عطا فرموده و امید و انتظار او از شما چیست.

25:22 کلمه یونانی که به «به دست آورد» ترجمه شده در جای دیگری درباره به دست آوردن افراد برای عیسی به کار برده شده است.

به آنهایی که دست راست او هستند خواهد گفت: بپایید، ای کسانی که از جانب پدرم متبارک شده‌اید، وارث ملکوتی باشید که از آفرینش عالم برای شما آماده شده است.³⁵ زیرا من گرسنه بودم و شما به من غذا دادید. من تشنه بودم و شما به من نوشیدنی دادید. من غریبه بودم و شما از من استقبال کردید.³⁶ برهنه بودم و شما لباس بر تنم کردید. مریض بودم و عیادت من آمدید. در زندان بودم و نزد من آمدید.³⁷ سپس نیکوکاران به او در پاسخ خواهند گفت: سرورم، کی تو را گرسنه یافتیم و به تو غذا دادیم؟ یا تشنه یافتیم و به تو نوشیدنی دادیم؟³⁸ و کی تو را غریبه دیدیم و از تو استقبال کردیم؟ یا برهنه و لباس بر تنم کردیم؟³⁹ و کی تو را مریض یا در زندان دیدیم و نزد تو آمدیم؟⁴⁰ و پادشاه به آنها در پاسخ خواهد گفت: به راستی به شما می‌گویم، به هر حال هر چه در حق یکی از این برادرانم کردید، حتی

را به صرافان می‌دادی تا هنگام بازگشت پولم را با سود برمی‌داشتم.²⁸ پس تالنت را از او بگیرد و به کسی بدهد که ده تالنت دارد.²⁹ زیرا به هر کسی که دارد اعطا خواهد شد و او به وفور دارا خواهد بود، اما از کسی که ندارد حتی داشته‌هایش گرفته خواهد شد.³⁰ و خادم بی‌ثمر را به تاریکی بیرون افکند. آنجا، گریه و فشار دندان خواهد بود.

مثل عیسی درباره گوسفندان و بزها

³¹ اما وقتی پسر انسان با شکوه خود به همراه تمام فرشتگان می‌آید، آنگاه روی تخت جلال خود خواهد نشست.³² و همه ملت‌ها نزد او گرد هم خواهند آمد و او آنها را از یکدیگر جدا خواهد ساخت، مانند چوپانی که گوسفندان را از بزها جدا می‌سازد.³³ و او گوسفندان را در دست راست و بزها را در دست چپ خود خواهد نهاد.³⁴ سپس پادشاه

25:27 بر اساس شریعت موسی (تورات)، یهودیان نباید پول خود را در قبایل دریافت بهره قرض می‌دادند. اما عیسی می‌گوید که آن مرد باید حداقل کاری می‌کرد، حتی اگر این کار بهترین انتخاب ممکن نباشد. او به انکارشدگان توضیح خواهد داد که می‌توانستند وارد ملکوت او شوند. اما دیگر خیلی دیر خواهد بود. از این رو، آنها دندان‌های خود را به هم خواهند فشرد.

25:31 تخت عیسی همان تحتی است که خداوند وعده داده بود که به فرزند عالی‌قدر داود یعنی عیسی بدهد. این تخت یا جایگاه حاکمیت به معنای واقعی کلمه در اورشلیم روی این زمین بود (لوقا 1:32).

25:37 نیکوکاران اعمال نیک خود را ناخودآگاه انجام می‌دهند بنابراین اصلاً آنها را به یاد نمی‌آورند و به همین دلیل درباره این موضوع با عیسی موافق نیستند. آنها واقعاً قانع خواهند شد که این کارها را انجام نداده‌اند!

25:40 کوچکترین برادران مسیح ممکن است به افرادی اشاره کند که از لحاظ معنوی ضیف‌ترین هستند. نگرش ما به آنها، نگرش ما به مسیح است – همچنین رجوع کنید به اول قرن‌تیان 12:23.

روز دیگر، عید فصح فرا می‌رسد و پسر انسان را تسلیم می‌کنند تا به صلیب کشیده شود.

³سپس روحانیون اعظم و ریش‌سفیدان قوم در دربار روحانی اعظم که قیافا نام دارد گرد هم آمدند. ⁴آنها با هم نقشه کشیدند که چگونه می‌توانند عیسی را با حيله‌گری بگیرند و به قتل برسانند. اما آنها گفتند: در طول جشن نه، تا مبادا قیامی در میان مردم برپا شود.

تدهین عیسی با عطری گرانبها

⁶وقتی عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بود، ⁷زنی با شیشه‌ای از عطری بسیار گرانبها نزد او آمد و آن را در حالی که عیسی سر سفره نشسته بود، روی سر او ریخت. ⁸اما وقتی شاگردان این را دیدند، خشمگین شدند و گفتند: هدف از این اسراف چیست؟ ⁹چرا که این را می‌شد به قیمت گزافی فروخت و به فقرا داد. ¹⁰اما عیسی که این را درک کرد به آنها گفت: چرا مزاحم این زن می‌شوید؟ چرا که او کاری نیکو در حق من کرده است. ¹¹زیرا فقیران همواره با شما خواهند بود، اما من همواره با شما نخواهم بود. ¹²زیرا او این عطر را روی بدن من ریخت تا من را برای خاکسپاری آماده کند. ¹³ به راستی

کوچکترین آنها، در حق من کردید. ⁴¹سپس او همچنین به آنهایی که دست چپ او هستند خواهد گفت: ای کسانی که لعنت شده‌اید، از من دور شوید و به سوی آتش ابدی بروید که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است. ⁴²زیرا من گرسنه بودم و به من چیزی برای خوردن ندادید. من تشنه بودم و به من چیزی برای نوشیدن ندادید. ⁴³من غریب بودم و از من استقبال نکردید. برهنه بودم و لباس بر تنم نکردید. مریض و زندانی بودم و به ملاقاتم نیامدید. ⁴⁴سپس آنها نیز در پاسخ خواهند گفت: سرورم، کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا برهنه یا مریض یا زندانی دیدم و به تو خدمت نکردیم؟ ⁴⁵سپس او در پاسخ به آنها خواهد گفت: به راستی به شما می‌گویم، به هر حال هر کاری در حق کوچکترین اینها نکردید، در حق من نیز نکردید. ⁴⁶و اینها به مجازات ابدی خواهند رفت؛ اما نیکوکاران به زندگی ابدی راه خواهند یافت.

فصل 26

عیسی دو روز پیش از مرگش را پیش‌بینی می‌کند

و این گونه شد که وقتی عیسی همه سخنانش را به پایان رساند، به شاگردانش گفت: ²می‌دانید که دو

26:5 مردم بسیار طرفدار عیسی بودند، اما خیلی زود فریاد زدند «او را به صلیب بکش!». ما باید تلاش کنیم این قدر بی‌ثبات و بی‌وفا نباشیم، حتی علی‌رغم این که ذاتاً این گونه هستیم.

26:8 شاگردان – نوشته‌های دیگر می‌گویند که یهوذا این را گفت. یک نفر می‌تواند به همین راحتی تأثیر و نفوذ منفی در کل گروه مومنان داشته باشد.

²⁰ وقتی شامگاه فرا رسید، با دوازده شاگردش شام می‌خورد. ²¹ در حین خوردن، او گفت: به راستی به شما می‌گویم: یکی از شما به من خیانت خواهد کرد. ²² و آنها به شدت اندوهگین شدند و همه شروع به گفتن این کردند که: واقعاً سرورم؟ ²³ و او پاسخ داد و گفت: همان کسی که دستش را با من در بشقاب فرو کرد به من خیانت خواهد کرد. ²⁴ پسر انسان همان طور که درباره او نوشته شده، می‌رود اما وای بر آن مردی که به پسر انسان خیانت کرد! بهتر بود که این شخص هرگز به دنیا نیامده بود. ²⁵ و یهویدا که به او خیانت کرد در پاسخ گفت: ای استاد آیا من هستم؟ عیسی به او گفت: همان‌طور که گفتی.

²⁶ و در حین خوردن، عیسی نان برداشت و شکر گفت و آن را تکه‌تکه کرد و به شاگردانش داد و گفت: بگیرید بخورید. این بدن من است. ²⁷ و پیاله‌ای برداشت و شکرگزاری کرد و آن را به آنها داد و گفت: همه شما از این بنوشید. ²⁸ زیرا این خون من در عهد است که برای بخشش گناهان بسیاری ریخته می‌شود. ²⁹ اما به شما می‌گویم که از

به شما می‌گویم: هرگاه در کل عالم این مژده موعظه شود، آنچه این زن انجام داده نیز به عنوان یادبودی از او نقل خواهد شد.

تصمیم یهودای اسخریوطی برای خیانت به عیسی به نفع روحانیون

¹⁴ سپس یکی از این دوازده نفر به نام یهودای اسخریوطی نزد روحانیون اعظم رفت، ¹⁵ و گفت: اگر عیسی را به شما تحویل دهم، به من چه خواهید داد؟ و آنها سی پاره نقره به او پرداختند. ¹⁶ و از آن زمان به بعد، او به دنبال فرصتی برای خیانت به عیسی بود.

آخرین شام عیسی با شاگردانش ¹⁷ در اولین روز فطیر، شاگردان نزد عیسی آمدند و گفتند: دوست داری کجا فصیح را برای تو آماده کنیم تا بخوری؟ ¹⁸ و عیسی گفت: بروید به شهر نزد فلان شخص و به او بگویید: استاد می‌گوید وقت من نزدیک است. فصیح را در خانه تو با شاگردانم نگاه خواهم داشت. ¹⁹ و شاگردان طبق دستور عیسی عمل کردند و فصیح را آماده ساختند.

26:13 این حادثه در تمام نسخه‌های انجیل نوشته شده که این فرضیه ما را تایید می‌کند که انجیل‌ها، نسخه‌هایی از پیام حقیقی انجیل هستند که نویسندگان معمولاً موعظه می‌کردند.

26:15 این نشان می‌دهد که انگیزه یهودا تا حد زیادی مالی بود. از این رو، نقره‌ها را به نشانه نفرت از خود پرت کرد. به خاطر ثروت فانی این دنیا به مسیح خیانت کرده‌اند.

26:26 تکه تکه کردن نان بخشی از غذا خوردن بود.

بسیار پریشان شد.³⁸ سپس به آنها گفت: روح من بسیار اندوهگین است حتی تا سر حد مرگ. اینجا بمانید و با من نظاره‌گر باشید.³⁹ و او کمی جلوتر رفت و روی زمین افتاد و دعاکنان گفت: ای پدر، اگر ممکن است، این پیاله را از من دور کن. اما نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.

⁴⁰ و او نزد شاگردان آمد و دید که خوابیده‌اند و به پطرس گفت: عجب! آیا نمی‌توانستید یک ساعت با من نظاره‌گر باشید؟⁴¹ نظاره‌گر باشید و دعا کنید که وسوسه نشوید. حقیقتاً که روح مایل است، اما جسم ناتوان.⁴² برای بار دوم رفت و دعاکنان گفت: ای پدر، اگر این پیاله را نمی‌توان جز با نوشیدن من دور کرد، خواست تو انجام خواهد شد.⁴³ و دوباره آمد و دید که آنها خوابند، زیرا چشمانشان سنگین بود.⁴⁴ و او آنها را دوباره ترک کرد و رفت و برای بار سوم دعا کرد و همان کلمات را دوباره بازگو نمود.

⁴⁵ سپس نزد شاگردان آمد و به آنها گفت: اکنون بخوابید و استراحت کنید.

دستگیری عیسی به دست روحانیون و قوم آنها

ساعت نزدیک است و به پسر انسان خیانت می‌شود و به دست گناهکاران

این به بعد از این میوه مو نخواهم نوشید تا روزی که دوباره با شما در ملکوت پدرم از آن بنوشم.³⁰ و وقتی مناجات کردند، به کوه زیتون رفتند.

عیسی پیش‌بینی می‌کند که پطرس انکار می‌کند که عیسی را می‌شناسد

³¹ سپس عیسی به آنها گفت: امشب همه شما به خاطر من سقوط خواهید کرد. زیرا نوشته شده: چوپان را خواهم زد و گوسفندان گله پراکنده خواهند شد.³² اما بعد از رستاخیز من، قبل از شما به جلیل خواهم رفت.³³ اما پطرس پاسخ داد و به او گفت: اگر همه آنها هم به خاطر تو سقوط کنند، من هرگز سقوط نخواهم کرد.³⁴ عیسی به او گفت: به راستی به تو می‌گویم که امشب قبل از این که خروس بخواند، سه بار من را انکار خواهی کرد.³⁵ پطرس به او گفت: اگر لازم باشد با تو بمیرم، تو را انکار نخواهم کرد. همه شاگردان نیز چنین گفتند.

دعای عیسی در جتسیمانی

³⁶ سپس عیسی با آنها به مکانی به نام جتسیمانی رفت؛ و به شاگردانش گفت: اینجا بنشینید تا من برای دعا آنجا بروم.³⁷ و او با خود پطرس و دو پسر زبدی را برد و اندوهگین و

26:29 اشاره دارد به این که یک روحانی در حال انجام وظیفه اجازه نوشیدن الکل را نداشت. عیسی قصد داشت به ما بفهماند که پس از بازگشت خود، در شام عروسی «بره خدا» دوباره با ما شراب خواهد نوشید.

26:38 نزدیک بود عیسی از غم بمیرد، غم این که قوم اسرائیل رستگاری از سوی

⁵³ فکر می‌کنید نمی‌توانم از پدرم بخواهم و او حتی همین الان بیش از دوازده لشکر از فرشتگانش را برایم بفرستد؟ اما در آن صورت چگونه کتب آسمانی که گفته‌اند این اتفاق باید بیفتد به حقیقت خواهد پیوست؟⁵⁵ در آن ساعت، عیسی رو به جمعیت گفت: آیا آمده‌اید من را مانند یک دزد با شمشیر و چوب بگیرید؟ من هر روز در معبد نشستم و به شما تعلیم دادم و من را نگرفتید.⁵⁶ اما همه این‌ها اتفاق می‌افتد تا نوشته‌های پیامبران محقق شود. سپس همه شاگردان او را ترک و فرار کردند.

روحانیون به دنبال بهانه‌ای برای محکومیت عیسی به مرگ هستند

⁵⁷ و آنهایی که عیسی را گرفتند او را نزد قیافا روحانی اعظم بردند که در آنجا کاتبان و ریش‌سفیدان گرد هم آمده بودند.⁵⁸ اما پطرس از دور او را تا دربار روحانی اعظم دنبال کرده بود؛ و وارد شد و با مأموران نشست تا پایان را ببیند.⁵⁹ اکنون روحانیون اعظم و کل شورا به دنبال شاهد دروغین علیه

تسلیم می‌گردد.⁴⁶ برخیزید! بیاوید برویم. آن کسی که به من خیانت می‌کند در نزدیکی است.⁴⁷ و در حالی که سخن می‌گفت، یهودا، یکی از آن دوازده نفر آمد؛ و همراه او جمعیت عظیمی با شمشیر و چوب از طرف روحانیون اعظم و ریش‌سفیدان آمدند.⁴⁸ آن کسی که به عیسی خیانت کرده بود به آنها علامت داد و گفت: هر کسی که ببوسم، همان شخص است. او را بگیرد.⁴⁹ و فوراً به سوی عیسی رفت و گفت، سلام استاد؛ و او را بوسید.⁵⁰ و عیسی به او گفت: ای دوست، همان کاری را کن که به خاطرش آمدم. سپس آنها آمدند و دست خود را بر عیسی نهادند و او را گرفتند.

عیسی شاگردش را به خاطر استفاده از زور سرزنش می‌کند
⁵¹ و یکی از همراهان عیسی دستش را دراز کرد و شمشیرش را کشید، و خادم روحانی اعظم را زد و گوشش را برید.⁵² سپس عیسی به او گفت: شمشیرت را سر جایش بگذار، زیرا همه کسانی که شمشیر می‌کشند با شمشیر نابود می‌شوند.

خداوند را رد کرده بود. او از پاسخ دیگران به انجیل (بشارت) احساس اندوه می‌کرد، ما نیز باید این چنین باشیم.

26:39 چقدر طول کشید که عیسی در دعای خود این کلمات را ادا کند؟ آیا بین هر کلمه یا عبارت دقیقه‌ها فاصله بود؟ رستگاری ما در حالی که او تلاش می‌کرد، معلق و بلا تکلیف بود. واضح است که اراده خداوند با اراده عیسی در همه موارد یکی نیست – عیسی قطعاً خود خدا نبود.

26:45 عیسی در حالی که خواب بودند به آنها این را گفت، گویی با فرزندان خود که در خواب بودند سخن می‌گفت.

26:52 استدلالی مستحکم علیه مسیحیانی که اسلحه به دست می‌گیرند.

انداختند و با مشیت خود او را زدند و با کف دست خود او را سیلی زدند،⁶⁸ و گفتند: برای ما پیشگویی کن ای مسیح! چه کسی تو را زد؟

پطرس انکار می‌کند که عیسی را می‌شناسد

⁶⁹ پطرس که بیرون در حیاط نشسته بود، خدمتکاری نزد او آمد و گفت: تو نیز با عیسی جلیلی بودی.⁷⁰ اما او جلوی همه انکار کرد و گفت: نمی‌دانم چه می‌گویید.⁷¹ و وقتی به سوی ورودی رفت، خدمتکار دیگری او را دید و به ناظرین گفت: این مرد با عیسی ناصری بود.⁷² و دوباره او با سوگند انکار کرد: من این مرد را نمی‌شناسم.⁷³ کمی بعد آنهایی که ایستاده بودند آمدند و به پطرس گفتند: حقیقتاً تو یکی از آنها هستی، زیرا از لهجه‌ات معلوم است.⁷⁴ سپس شروع به نفرین و سوگند خوردن کرد: من این مرد را نمی‌شناسم! و فوراً خروس خواند.⁷⁵ و پطرس سخنان عیسی را به یاد آورد که گفته بود: قبل از این که خروس بخواند، تو من را سه بار

عیسی بودند تا او را به مرگ محکوم کنند.⁶⁰ با این که بسیاری از شاهدان دروغین آمده بودند، کسی را پیدا نکردند. اما سپس دو نفر آمدند،⁶¹ و گفتند: این مرد گفت، من قادرم معبد خدا را نابود کنم و ظرف سه روز آن را بسازم.⁶² و روحانی اعظم برخاست و به او گفت: آیا جوابی نداری؟ این چیزی که این‌ها علیه تو شهادت می‌دهند چیست؟⁶³ اما عیسی سکوت کرد. و روحانی اعظم به او گفت: تو را به خدای زنده قسم می‌دهم به ما بگو آیا مسیح پسر داود هستی یا نه.⁶⁴ عیسی به او گفت: همان که تو گفتی؛ با این حال به تو می‌گویم که از این زمان به بعد پسر انسان را خواهید دید که در دست راست قدرت نشسته و در ابرهای آسمان می‌آید.⁶⁵ سپس روحانی اعظم جامه‌اش را پاره کرد و گفت: او کفر گفت. دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟ اکنون کفرگویی او را شنیدیم.⁶⁶ قضاوت شما چیست؟ آنها پاسخ دادند و گفتند: او مستحق مرگ است.⁶⁷ سپس آب دهان به صورتش

26:60 یهودیان تمایل عجیبی به نگهداری تورات و رعایت احکام آن داشتند و در عین حال پسر معصوم خدا را نابود کردند. این نوع تناقض و تضاد فاحش درونی در اغلب موارد در افراد متدین دیده می‌شود.

26:73 عیسی و پیروانش با لهجه جلیلی خود متمایز می‌شدند. پنجره‌ای دیگر به سوی انسانیت عیسی.

26:74 منظور ناسزاگویی نیست بلکه نفرین است. به این صورت که با انواع محکومیت‌ها نفرین شود اگر عیسی را بشناسد. زار زار گریستن پطرس در آیه 75 شبیه گریستنی است که طبق پیشگویی عیسی کسانی تجربه خواهند کرد که در روز آخر از سوی او انکار خواهند شد. پطرس خود را در این زندگی محکوم کرد - اما توبه کرد و نجات یافت. ما این فرایند را با پشیمانی از گناهانمان یا همین حالا طی خواهیم کرد، یا در روز داوری که برای تغییر حکم، دیگر خیلی دیر خواهد بود.

هستند.⁷ و شورا تشکیل دادند و با آنها مزرعه کوزمگر را خریدند تا بیگانگان را در آن دفن کنند.⁸ برای همین آن مزرعه تا به امروز مزرعه خون نام گرفته است.⁹ پس آنچه ارمیای نبی گفته پاره تحقق یافت: و آنها سی پاره نقره را یعنی بهای او که برخی از پسران اسرائیل برای او نهاده بودند برداشتند.¹⁰ و آن را همان طور که خداوند به من فرموده بود، بابت مزرعه کوزمگر پرداختند.

سکوت عیسی در حضور فرماندار

¹¹ عیسی در حضور فرماندار ایستاد و فرماندار از او پرسید: آیا پادشاه یهودیان هستی؟ و عیسی به او گفت: همان که تو گفتی.¹² و وقتی روحانیون اعظم و ریش سفیدان او را متهم کردند، چیزی نگفت.¹³ سپس پیلطس به او گفت: نمی شنوی چه چیزهایی علیه تو شهادت می دهند؟¹⁴ و او پاسخی نداد، حتی یک کلمه، تا جایی که فرماندار شگفت زده شد.¹⁵ در جشن، فرماندار عادت داشت برای مردم هر زندانی را که می خواستند آزاد کند.¹⁶ و آن موقع

انکار خواهی کرد. و رفت و زارزار گریست.

فصل 27

عیسی را نزد پیلطس فرماندار بردند

وقتی صبح فرارسید، تمام روحانیون اعظم و ریش سفیدان قوم علیه عیسی شورا کردند و او را به مرگ محکوم کردند.² و او را بستند و بردند و به پیلطس فرماندار تسلیم کردند.

خودکشی یهودای اسخریوطی

³ سپس وقتی یهودا که به عیسی خیانت کرده بود، دید که او محکوم شده است، نظرش برگشت و سی پاره نقره را به روحانیون اعظم و ریش سفیدان بازگرداند،⁴ و گفت: من گناه کردم که به خون بی گناه خیانت کردم. اما آنها گفتند: به ما چه ربطی دارد؟ خودت می دانی.⁵ و او پاره های نقره را در معبد انداخت و آنجا را ترک کرد، و رفت و خودش را دار زد.⁶ و روحانیون اعظم پاره های نقره را برداشتند و گفتند: جایز نیست آنها را در خزینه بگذاریم، زیرا خون بها

27:3 یهودا متوجه این محکومیت شد و نظرش تغییر یافت؛ درست شبیه پطرس (رجوع کنید به 26:74). تفاوت این بود که پطرس به رحمت خداوند ایمان داشت، اما یهودا نه.
27:5 پرت کردن پول توسط یهودا حاکی از آن است که اکنون چقدر از آن چند سکه متنفر بود که به خاطرش به عیسی خیانت کرد و رستگاری جاودانه اش را از دست داد.
27:14 سکوت عیسی که نشان از تسلط بر خویشتن است شگفت انگیز بود. باشد که این امر در زمان تحریک و فتنه، الهام بخش ما باشد.

27:17 به نظر می رسد که پیلطس واقعاً می خواست عیسی را نجات دهد، اما او قربانی هدایت و کنترل دیگران شد. با این حال در تاریخ ثبت شده که او مردی بی وجدان بود که هر که را می خواست به قتل می رساند و به هیچ وجه برای عدالت و ارزش

می‌شود چه کار کنم؟ همه آنها گفتند: او را به صلیب بکش! و او گفت: چرا، مگر چه بدی کرده؟ اما آنها فریاد بلندی سر دادند و گفتند: بگذار مصلوب شود!

²⁴ پس وقتی پیلطس دید که فایده‌ای ندارد بلکه شورشی آغاز می‌شود، آب برداشت و دستانش را جلوی جمعیت شست و گفت: من از خون این مرد میرا هستم. خودتان می‌دانید. ²⁵ و همه مردم پاسخ دادند و گفتند: خون او به گردن ما و فرزندانمان باشد. ²⁶ سپس او باراباس را برای آنها آزاد کرد، اما عیسی را تازیانه زد و برای مصلوب شدن تسلیم کرد.

²⁷ سپس سربازان فرماندار، عیسی را به دیوانخانه بردند و کل گردان دور او جمع شدند. ²⁸ و آنها او را برهنه کردند و لباس قرمزی به تن او کردند. ²⁹ و تاجی از خار بافته و آن را روی سرش گذاشتند و نی به دست راست او دادند و جلوی او زانو زدند و او را سخره گرفته و گفتند: سلام ای پادشاه یهودیان! ³⁰ و آب دهان به روی او انداختند و نی را گرفتند

یک زندانی مشهور به نام باراباس داشتند. ¹⁷ پس وقتی جمع شدند، پیلطس به آنها گفت: چه کسی را می‌خواهید آزاد کنم؟ باراباس یا عیسی که مسیح خوانده می‌شود؟ ¹⁸ زیرا او می‌دانست که او را از سر حسد تسلیم کرده بودند.

¹⁹ و در حالی که روی کرسی قضاوت نشسته بود، همسرش پیامی به او فرستاد و گفت: با آن مرد نیکوکار کاری نداشته باش، زیرا من امروز به خاطر او در خواب رنج بسیار بردم.

عیسی به مصلوب شدن محکوم می‌شود و مورد تمسخر قرار می‌گیرد

²⁰ روحانیون اعظم و ریش‌سفیدان جمعیت را قانع کردند که باید باراباس را تقاضا و عیسی را نابود کنند. ²¹ اما فرماندار پاسخ داد و به آنها گفت: کدام یک از این دو را می‌خواهید آزاد کنم؟ و آنها گفتند: باراباس! ²² پیلطس به آنها گفت: پس باید با عیسی که مسیح خوانده

زندگی احترامی قائل نبود. این «تضاد» تنها با تأثیر عجیبی قابل توجیه است که عدالت، عشق و کامل بودن عیسی می‌تواند روی حتی سخت‌ترین شخصیت‌ها و خراب‌ترین وجدان‌ها بگذارد. زیرا مثال پیلطس نشان می‌دهد که همه وجدان دارند. **27:23** این همان جمعیتی است که اخیراً فریاد می‌زدند «هوشیعیان!» که یهودیان از آنها به عنوان طرفداران عیسی می‌ترسیدند. ما در وفاداری به عیسی بسیار بی‌ثبات هستیم. **27:25** این که یهودیان این را گفتند بدین معنی نیست که چنین چیزی اتفاق افتاده است؛ زیرا خداوند فرزندان را به خاطر گناه پدرانشان مجازات نمی‌کند (حزقیال 18:1-10).

27:29 مجموعه‌ای از اعصاب درست زیر پوست وجود دارد که خارها به صورت عمدی آنها را سوراخ می‌کنند زیرا آنها در حالی که تاج خار بر سر عیسی بود، به سرش می‌زدند (30:). در نتیجه، عیسی به شدت خونریزی داشت که بر پشت او می‌ریخت.

می‌دادند،⁴⁰ و می‌گفتند: ای کسی که می‌خواستی معبد را نابود کنی و ظرف سه روز بسازی، خودت را نجات بده. اگر پسر خدا هستی، از صلیب پایین بیا.⁴¹ روحانیون اعظم و کاتبان و ریش‌سفیدان نیز به همین شکل او را تمسخر کردند و گفتند:⁴² او دیگران را نجات داد؛ نمی‌تواند خودش را نجات دهد. اگر او پادشاه اسرائیل است، الآن از صلیب پایین بیا، و به او ایمان پیدا خواهیم کرد.⁴³ او به خدا توکل می‌کند، خدا باید او را اکنون رستگار کند – اگر او را دوست داشته باشد. زیرا او گفت: من پسر خدا هستم.⁴⁴ و دزدانی که با او مصلوب شده بودند، همین طور به او توهین می‌کردند.

⁴⁵ اکنون از ساعت ششم، تا ساعت نهم کل سرزمین را تاریکی فرا گرفته بود.⁴⁶ و حدود ساعت نهم، عیسی با صدای بلندی فریاد زد: ایلی، ایلی، لما سبقتنی؟ یعنی خدای من، خدای من، چرا من را ترک کردی؟⁴⁷ و برخی از آنها که آنجا ایستاده بودند با شنیدن آن گفتند: او الیاس را

و به سرش زدند.³¹ و وقتی او را به سخره گرفتند، لباس را از او گرفتند و لباس‌های خودش را به تنش کردند و او را بردند تا به صلیب بکشند.³² و وقتی بیرون آمدند، مردی اهل قیروان به نام شمعون را پیدا کردند و او را مجبور کردند که صلیب را حمل کند.

مصلوب شدن عیسی

³³ و وقتی وارد جایی به نام جُلُتَا یعنی محل جمجمه رسیدند،³⁴ شراب آمیخته با زهر به او دادند تا بنوشد. وقتی آن را چشید، نخواست که بنوشد.

³⁵ و وقتی او را به صلیب کشیدند، لباس‌های او را بین خود به قید قرعه تقسیم کردند.³⁶ و آنجا نشستند و او را تماشا کردند.³⁷ و تقصیرنامه را روی سر او گذاشتند که نوشته بود: این عیسی، پادشاه یهودیان است.

³⁸ دو دزد همراه با او به صلیب کشیده شدند، یکی در دست راست و یکی در دست چپ او.

³⁹ و رهگذران سر خود را تکان

27:34 زیرا می‌خواست کاملاً احساسات ما را درک کند؛ بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید که عیسی نمی‌داند که چه حسی آنها دارند. شاید هیچ کس روی زمین نداند، اما او می‌داند.

27:44 بنابراین توبه آن یک دزد به معنای واقعی کلمه، یک توبه لحظه آخری درست قبل از مرگش بود.

27:46 عهد عتیق به وضوح می‌گوید که خداوند آنهایی را که به او وفادارند ترک نخواهد کرد، بلکه گناهکاران را ترک خواهد کرد. عیسی احساس کرد که خداوند او را ترک کرده است. احساس کرد که انگار گناه کرده است، با این که اصلاً چنین نبود. این به دلیل شدت ارتباط او با ما گناهکاران بود، درست مانند مردانی مثل دانیال و نِجَمیا که با خدا سخن گفتند و احساس می‌کردند که گویی گناه قوم اسرائیل را مرتکب شده‌اند. پس حتی وقتی شکست می‌خوریم، عیسی باز هم می‌داند که احساس جدایی ما از خداوند که گناه

عیسی آمده و به او خدمت می‌کردند.
⁵⁶ مریم مجدلیه، و مریم، مادر یعقوب و یوسف، و مادر پسران زبدی در میان آنها حضور داشتند.

تدفین عیسی و مهر و موم شدن مقبره‌اش

⁵⁷ وقتی شامگاه فرا رسید، مرد ثروتمندی اهل رامه به نام یوسف آمد که او نیز شاگرد عیسی بود. ⁵⁸ این مرد نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را از او خواست. سپس پیلاتس دستور داد که جسد به او داده شود. ⁵⁹ و یوسف جسد را برداشت و آن را در کتان تمیزی پیچید، ⁶⁰ و آن را در قبر جدید خود که از سنگ تراشیده بود گذاشت؛ و سنگ بزرگی را به عنوان در قبر روی آن غلتانید و رفت. ⁶¹ و مریم مجدلیه آنجا بود و مریم دیگر روبروی قبر نشسته بودند. ⁶² فردای آن روز، که روز بعد از تهیه بود، روحانیون اعظم و

می‌خواند. ⁴⁸ و فوراً یکی از آنها دوید و اسفنجی آورد، آن را با سرکه پر کرد و روی یک نی گذاشت و به او داد تا آن را بنوشد. ⁴⁹ و دیگران گفتند: رهایش کن. بگذار ببینیم آیا الیاس برای نجات او می‌آید یا نه.

⁵⁰ و عیسی دوباره با صدایی بلند روح خود را تسلیم کرد. ⁵¹ و پرده معبد از بالا تا پایین به دو قسمت پاره شد؛ و زمین لرزید و سنگ‌ها شکافتند. ⁵² و قبرها باز شدند و بسیاری از بدن‌های مقدسینی که در خواب بودند برخاستند، ⁵³ و بعد از رستاخیز او، از قبر بیرون آمدند و وارد شهر مقدس شدند و برای بسیاری ظاهر گشتند. ⁵⁴ وقتی یوزباشی و همراهانش که نظارمگر عیسی بودند، زلزله و اتفاقات رخ داده را دیدند، وحشت کردند و گفتند: به راستی این پسر خدا بود. ⁵⁵ و زنان بسیاری از دور تماشا می‌کردند، آنهایی که از جلیل دنبال

باعث آن می‌شود چگونه حسی است. او هرگز گناه نکرد، اما در آخرین خوف تنهایی‌اش احساس می‌کرد که مرتکب گناه شده بوده است.

27:48 تن‌های آن منطقه خیلی بلند نیست. بنابراین صلیب عیسی آنقدر بزرگ نبود. برداشت کاتولیک‌ها از صلیب که بسیار بلندتر و بالای سر ما است اشتباه است. پاهای او فقط یک متر بالای زمین بوده؛ نحوه گفتگوی او با مریم و یحیی را به یاد داشته باشید.
27:55 از جلیل - تصور این است که آنها در میان مردم رعیت جلیل که به سوی او هجوم آوردند؛ فقط وقتی همه چیز خوب پیش می‌رفت دنبال‌هرو او نبودند، بلکه تا صلیب دنبال او رفتند. ما نیز باید بره خدا را هر جای که می‌رود دنبال کنیم.

27:56 مریم مادر یعقوب - اشاره ای اشاره‌ای به مریم، مادر عیسی، چرا که او دو برادر ناتنی به نام یعقوب و یوسف داشت (متی 13:55).

27:58 تنها خویشاوندان نزدیک می‌توانستند پیکر افراد مصلوب را درخواست کنند. اما یوسف چنین حسی داشت. او می‌خواست پیکر بی‌جان عیسی را با پیکر بی‌جان خود ارتباط دهد و عیسی را در جایی بخواهاند که قرار بود پیکر خود او باشد. این اصل تعمید است که بر اساس آن ما خود را با مرگ پیکر مسیح یکی می‌دانیم (رومان 6:3-5)

اینجا نیست، زیرا همان طور که گفته بود برخاسته است. بیایید و جایی را که سرور خفته بود ببینید.⁷ و فوراً بروید و به شاگردانش بگویید که از مُردگان برخاسته و پیش از شما به جلیل می‌رود. او را آنجا خواهید دید. این را به شما گفتم.⁸ و آنها فوراً با ترس و شادی فراوان قبر را ترک کردند و دویدند تا این پیام را به شاگردانش بدهند.⁹ و عیسی آنها را ملاقات کرد و گفت: سلام! و آنها آمدند و به پایش چسبیده و او را عبادت کردند.¹⁰ سپس عیسی به آنها گفت: نترسید. بروید و به برادرانم بگویید به جلیل بروند و آنجا من را خواهند دید.

فریسیان نزد پیلاتس گرد هم آمدند و⁶³ گفتند: آقا، به یاد داریم که وقتی آن گمراه کننده هنوز زنده بود، گفته بود که بعد از سه روز دوباره خواهم برخاست. ⁶⁴ پس دستور دهید که تا روز سوم از قبر محافظت گردد تا مبادا شاگردانش بیایند و او را بدزدند و به مردم بگویم، او از مرگ برخاسته؛ و خطای آخر بدتر از خطای اول شود. ⁶⁵ پیلاتس به آنها گفت: شما نگهبان دارید. بروید و تا جایی که می‌توانید از آن محافظت کنید. ⁶⁶ پس آنها رفتند و با مهر و موم کردن سنگ و گماشتن یک نگهبان از آن محافظت کردند.

باب 28

عیسی به زندگی بازمی‌گردد

پس از سبت، سپیده دم اولین روز هفته، مریم مجدلیه و مریم دیگر به دیدن قبر رفتند.² و زلزله بزرگی رخ داد، زیرا فرشته خداوند از آسمان نزول کرد و آمد و سنگ را غلتانید و روی آن نشست.³ ظاهر او مانند رعد و برق بود و لباسش به سفیدی برف،⁴ و از ترس او، نگهبانان لرزیدند و مانند مُردگان شدند.⁵ و فرشته به آن زنان گفت: نترسید، زیرا می‌دانم به دنبال عیسی هستید که به صلیب کشیده شده است.⁶ او

تلاش یهودیان برای پنهان کردن حقیقت مربوط به رستاخیز

¹¹ در حالی که می‌رفتند، بعضی از نگهبانان به شهر آمدند و همه اتفاقات رخ داده را برای روحانیون اعظم بازگو کردند.¹² و وقتی آنها با ریش‌سفیدان جلسه تشکیل دادند و مشورت کردند، پول بسیاری به سربازان دادند،¹³ و گفتند: باید بگویید که شاگردان شبانه آمدند و وقتی ما خواب بودیم او را دزدیدند.¹⁴ و اگر این به گوش فرماندار برسد، ما او را آرام خواهیم ساخت و شما را

28:1 آن یکی مریم، قطعاً اشاره دارد به مریم، مادر عیسی- رجوع کنید به 27:56

28:7 به نظر می‌رسد که قصد اولیه سرور برای دیدن پیروانش در جلیل (طبق 28:10) تغییر کرده است. احتمالاً به این خاطر که در ذات الهی او، برای گردهمایی با برادرانش بسیار هیجان زده و مشتاق بود.

28:8 در محافل قانونی قرن یکم، زنان شاهدان معتبری نبودند. اما عیسی زنان را انتخاب کرد تا شاهدان اصلی و اولیه رستاخیز او باشند.

آنها آمد و با آنها سخن گفت: تمام قدرت در آسمان و زمین به من اعطا شده است.¹⁹ بنابراین بروید و همه ملت‌ها را شاگرد سازید، آنها را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید،²⁰ و به آنها تعلیم دهید که همه دستوراتی را که به شما دادم رعایت کنند؛ و من همواره با شما هستم حتی تا آخر زمان.

از دردسر نجات خواهیم داد.¹⁵ پس آنها پول را گرفتند و همان کردند که آنها گفتند، و این داستان تا به امروز در میان یهودیان شایع است.

مأموریت عیسی به شاگردانش
¹⁶ اما یازده شاگرد به جلیل رفتند، به همان کوهی که عیسی به آنها گفته بود بروند.¹⁷ و زمانی که عیسی را دیدند، او را عبادت کردند؛ اما برخی شک کردند.¹⁸ و عیسی نزد

28:17 شک و بی‌ایمانی شاگردان، مضمونی پرمایه در همه گزارش‌های مربوط به رستاخیز است. با این حال، این‌ها نوشته‌های مربوط به موعظه انجیل توسط حواریون است. آنها تاکید داشتند که چگونه خودشان در باور کردن این مسائل مشکل داشتند و در درک اتفاقات رخ داده بسیار آهسته و کند ذهن بودند. و بر این اساس، درخواست و جذب آنها از دیگران برای ایمان آوردن، قدرت بیشتری داشت.

28:19 همان طور که مژده رستاخیز سرور از زنان به شاگردان رسیده بود، اکنون باید توسط شاگردان در سراسر جهان پخش می‌شد. موعظه انجیل توسط متی با درخواستی برای تعمید به پایان می‌رسد. در کتاب اعمال رسولان، ثبت شده که چگونه مردم به نام عیسی تعمید می‌یافتند چرا که نام پدر به او اعطا شده بود.
28:20 بعد از تعمید، باید فرد تعمید یافته تعلیم می‌دید.

فصل 1

یحییای تعمیددهنده

آغاز بشارت عیسی مسیح، پسر خدا² همان طور که در اشعیای نبی نوشته شده: اینک پیامبر خود را پیش روی تو می‌فرستم، او راهت را آماده خواهد ساخت.³ صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه خداوند را آماده کنید، راه‌های او را راست گردانید.⁴ یحیی آمد و در بیابان تعمید داد، و تعمید توبه را برای بخشش گناهان موعظه کرد.⁵ و تمام کشور یهودیه و تمام اهالی اورشلیم به سوی او رفتند: و به دست او در رود اردن تعمید گرفتند و به گناهان خود اعتراف کردند.

⁶ و یحیی لباسی از پشم شتر به تن داشت و کمربندی چرمی به دور کمرش بود و ملخ و عسل وحشی می‌خورد.⁷ او موعظه کرد و گفت: بعد از من کسی می‌آید که از من قوی‌تر است، که لایق نیستم خم شوم و بند کفشش را باز کنم.⁸ من شما را در آب تعمید می‌دهم، اما او شما را

در روح القدس تعمید خواهد داد.

⁹ و در آن روزها بود که عیسی از ناصره جلیل آمد و در رود اردن از سوی یحیی تعمید یافت.¹⁰ و بلافاصله بعد از این که از آب درآمد، دید که آسمان شکافت و روح در قالب کبوتری بر او نازل شد.¹¹ و ندایی از آسمان بیرون آمد: تو پسر عزیز من هستی؛ از تو بسیار خشنودم.

¹² و روح فوراً او را به بیابان برد.¹³ و او چهل روز در بیابان بود و شیطان وسوسه‌اش می‌کرد و با حیوانات وحشی بود و فرشتگان از او مراقبت می‌کردند.

فراخواندن شاگردان

¹⁴ پس از تسلیم کردن یحیی، عیسی به جلیل آمد و بشارت خداوند را موعظه نمود، و¹⁵ گفت: زمان فرا رسیده و ملکوت خداوند نزدیک است. توبه کنید و به این بشارت ایمان بیاورید.

1:3 راه عیسی در بیابان توسط یحیی که مردم را در بیابان تعمید می‌داد آماده شد (4).

1:5 یحیی در یک رود از طریق غوطه‌ور کردن و نه پاشیدن آب تعمید می‌داد.

1:7 موعظه حقیقی مسیح، مستلزم این است که به دیگران راجع به بی‌ارزش بودن خود بگوییم.

1:10 از آب درآمد - تعمید از طریق غوطه‌ور شدن در آب بود نه پاشیدن آب. عیسی به عنوان یک بزرگسال تعمید یافت تا برای ما مثالی باشد - که ما نیز باید چنین کنیم.

1:12 بلافاصله - از چنین کلماتی به کرات در اولین فصل‌های مرقس استفاده شده است (1:10, 18, 20, 21, 28, 29, 42) زمانی پرمشغله و خسته‌کننده برای عیسی با حرکت سریع همه چیز تصور شده است. وقتی در چنین موقعیت‌هایی هستیم، به یاد داشته باشید که عیسی می‌داند که بودن در این موقعیت چه حسی دارد.

و با صدایی بلند فریاد زد و از او خارج شد.²⁷ و همه آنها شگفت‌زده شدند تا جایی که از همدیگر سوال می‌پرسیدند و می‌گفتند: این کیست؟ چه تعلیم جدیدی! با اقتدار به ارواح ناپاک نیز دستور می‌دهد و آنها از او اطاعت می‌کنند!²⁸ و خبر او فوراً همه منطقه جلیل و اطراف آن را فرا گرفت.

در خانه شمعون

²⁹ و فوراً وقتی از کنیسه بیرون آمدند، همراه با یعقوب و یوحنا وارد خانه شمعون و اندریاس شدند.³⁰ آنجا مادرزن شمعون از تب بیمار بود و دراز کشیده بود و آنها بلافاصله عیسی را از حال او خبردار کردند.³¹ و او آمد و دست آن زن را گرفت و او را بلند کرد؛ و تب آن زن قطع شد و آن زن از آنها پذیرایی کرد.

³² شب‌هنگام و زمانی که خورشید غروب کرده بود، آنها همه مریضان و دیوزدگان را نزد او بردند.³³ کل شهر در آستانه درب گردهم آمده بودند.³⁴ و او بسیاری از مریضان با بیماری‌های مختلف را شفا داد و دیوها را بیرون راند؛ و او به دیوها اجازه صحبت نداد، زیرا آنها

¹⁶ در حالی که از کنار دریای جلیل عبور می‌کرد، شمعون و برادرش اندریاس را دید که توری به دریا انداخته بودند، چرا که ماهیگیر بودند.¹⁷ و عیسی به آنها گفت: من را دنبال کنید تا شما را صیاد مردم کنم.¹⁸ و آنها فوراً تورها را رها کردند و به دنبال او رفتند.

¹⁹ کمی جلوتر که رفت، یعقوب پسر زبدي و یوحنا برادر او را دید که آنها نیز در حال تعمیر تورهایشان در قایق بودند؛²⁰ و او فوراً آنها را فراخواند؛ و آنها نیز پدرشان زبدي را در قایق با خادمان استخدام‌شده ترک کردند و به دنبال عیسی رفتند.

²¹ آنها وارد کفرناحوم شدند؛ و فوراً در روز سبت، او وارد کنیسه شد و تعلیم داد.²² و آنها از تعالیم او شگفت‌زده شدند زیرا به آنها مثل صاحب قدرت تعلیم داد نه مثل کاتبان.²³ و همان موقع در کنیسه آنها مردی با روح ناپاک وجود داشت؛ و فریاد زد²⁴ و گفت: ما با تو چه کار داریم ای عیسی ناصری؟ آیا آمده‌ای که ما را نابود کنی؟ من می‌دانم که کیستی - ای قدوس خدا.²⁵ و عیسی او را سرزنش کرد و گفت: ساکت باش و از او خارج شو.²⁶ و روح ناپاک او را تکان داد

1:16 عیسی آنها را در نامناسب‌ترین زمان ممکن صدا کرد. درست وقتی در حال انداختن تورهای خود بودند. اما آنها تورها را رها کردند تا غرق بشود، آیه 18 و او را دنبال کردند. عیسی نیز از ما می‌خواهد که اصول او را رعایت کنیم و اغلب در لحظه‌های ناخوشایند کار او را انجام دهیم.

1:27 کارهای عیسی بود که به تعالیم وی، قدرت و اعتبار می‌بخشید. برای ما هم همین گونه است. آموزش مفاهیم الهی به مردم کمترین قدرت و اعتبار را خواهد داد مگر این که آنها شاهد انجام این تعالیم در زندگی ما باشند.

می‌دانستند که او کیست.
³⁵ و صبح هنگام، قبل از سپیده‌دم، او برخاست و بیرون رفت و به مکانی متروکه عزیمت نمود؛ و آنجا دعا کرد. ³⁶ و شمعون و همراهانش دنبال او رفتند. ³⁷ و او را پیدا کردند و به او گفتند: همه دنبال تو هستند. ³⁸ و عیسی به آنها گفت: بیاید به جای دیگری برویم، به شهرهای مجاور، تا بتوانم آنجا نیز موعظه کنم چرا که دلیل آمدن من این است. ³⁹ و در سراسر جلیل، به کنیسه‌های آنها رفت و موعظه می‌کرد و دیوها را بیرون می‌راند.

باب 2

شفای مرد مفلوج

بعد از چند روز، وقتی دوباره وارد کفرناحوم شد، مردم آگاه شدند که او در خانه است. ² و بسیاری گرد هم آمدند تا حدی که دیگر جایی نبود حتی نزدیک درب؛ و او با آنها کلام را در میان گذاشت. ³ و آنها آمدند و مردی مفلوج را نزد او آوردند که توسط چهار نفر حمل می‌شد. ⁴ و وقتی به خاطر جمعیت نتوانستند نزدیک عیسی بیایند، سقف جایی را

شفای یک جذامی

⁴⁰ و یک جذامی نزد او آمد، التماس‌کنان به پای او افتاد و به او گفت: اگر تو بخواهی، می‌توانی مرا پاک سازی. ⁴¹ و عیسی که دلش سوخت، دستش را دراز کرد و او را لمس کرد، و به او گفت: می‌خواهم. پاک شو. ⁴² و جذام فوراً او را ترک کرد و پاک شد؛ و ⁴³ عیسی فوراً او را با تأکید بسیار روانه کرد و ⁴⁴

1:35 این زمان آرام و منظم با خدا در آغاز روزهای پرمشغله، کلید موفقیت معنوی سرور بود، و می‌تواند برای ما نیز چنین باشد.

1:41 لمس کردن یک جذامی کاری بسیار افراطی بود. احتمالاً سال‌ها بود که هیچ انسانی به آن مرد دست نزده بود. ما نیز باید از ارتباط با کسانی که دیگران از آنها می‌ترسند یا آنها را طرد کردند واهمه‌ای نداشته باشیم.

1:44 هیچ کس از جذام پاک نمی‌شد و بنابراین روحانیون حیرت‌زده می‌شدند از این که کسی هدیه‌ای را که در تورات تعیین شده به خاطر پاک شدن از جذام برای آنها بیاورد. عیسی درباره احتمال پاسخ گرفتن از روحانیون، به طور غیر واقع‌بینانه‌ای امیدوار به نظر می‌رسید؛ زیرا آنها همان طبقه‌ای بودند که با او مخالف بودند و بعداً او را کشتند. اما این امیدواری او برای مردم کارساز بود- بسیاری از روحانیون بعدها توبه کردند و او را پذیرفتند (اعمال رسولان، 6:7).

برخیز، بستر خود را بردار و به خانه‌ات برو.¹² و او برخاست و فوراً بستر خود را برداشت و جلوی چشم همه بیرون رفت. همه شگفت‌زده شدند و خداوند را ستودند و گفتند: هرگز چنین چیزی را قبلاً ندیده بودیم!

دعوت از لاوی

¹³ و او دوباره کنار دریا رفت؛ و همه مردم نزد او رفتند و او به آنها تعلیم داد.¹⁴ و وقتی رد می‌شد، لاوی، پسر حَلَقی را دید که در باجگاه نشسته بود؛ و عیسی به او گفت: دنبال من بیا. و او برخاست و دنبال او رفت.

¹⁵ و این گونه شد که در حالی که عیسی در خانه لاوی شام می‌خورد، باجگیران و گناهکاران بسیاری با عیسی و شاگردانش نشستند. چرا که بسیار بودند آنهایی که او را دنبال می‌کردند.¹⁶ و وقتی کاتبان و فریسیان دیدند که او با گناهکاران

که او در آنجا بود برداشتند؛ و وقتی آن را شکافتند، تختی را که مرد مفلوج روی آن دراز کشیده بود زمین گذاشتند.⁵ و عیسی با دیدن ایمان آنها به مرد مفلوج گفت: پسر، گناهان تو بخشیده شدند.

⁶ اما بعضی از کاتبانی که آنجا نشسته بودند در دل خود سوال کردند: ⁷ چرا این مرد این گونه سخن می‌گوید؟ او کفر می‌گوید. چه کسی می‌تواند غیر از خدای یکتا گناهان را ببخشد؟⁸ و عیسی که در روح خود سوالی را درک کرد که آنها پیش خود پرسیده بودند، فوراً به آنها گفت: چرا چنین سوالاتی را در دل خود می‌پرسید؟⁹ گفتن کدام یک به این مرد مفلوج آسان‌تر است؟ این که گناهانت بخشیده شده؛ یا این که بگویم برخیز، بستر خود را بردار و راه برو؟¹⁰ اما برای این که بدانید پسر انسان روی زمین، قدرت بخشیدن گناهان را دارد (او به مرد مفلوج گفت):¹¹ به تو می‌گویم!

2:5 این مرد به خاطر ایمان دوستانش شفا یافت. تا حدی، می‌توانیم دیگران را نجات بدهیم، بخشش آنها را به دست آوریم یا بهبودی آنها را در این زندگی به ارمغان بیاوریم. از آنجایی که این موضوع صدق می‌کند، باید خود را وقف نیایش و توجه به دیگران و تلاش‌های عملی برای آنها کنیم؛ زیرا می‌توانیم واقعاً در نجات دیگران تأثیرگذار باشیم.

2:8 آیا توانایی ذهن‌خوانی به صورت بینشی از روح‌القدس به عیسی عطا شده بود؟

2:14 باجگیران به عنوان همدستان رومیان تلقی می‌شدند و منفور بودند. عیسی حتی یک فدایی را که یک تروریست تندروی ملی‌گرا بود به گروه پیروانش دعوت کرد (لوقا. 6:15). جسم مسیح [کلیسا] از انسان‌هایی بسیار متفاوت با هم تشکیل شده است. با این حال، ما تمایل داریم در کلیسا یا گروهی حضور یابیم که متشکل از افرادی از طبقه، پیشینه و تیپ شخصیتی خودمان باشد. اما جسم مسیح بسیار متفاوت است.

2:16 در فلسطین قرن یکم، غذا خوردن با کسی، نشانه رفاقت با او بود. عیسی به جای این که فقط با کسانی باشد که شایسته بودن سر سفره با او بودند، با گناهکاران غذا خورد/رفاقت کرد تا آنها را به سمت خود بکشانند. «آداب غذا خوردن» او بسیار

کهنه نمی‌ریزد، وگرنه شراب تازه باعث ترکیدن مشکها خواهد شد، شراب بیرون می‌ریزد و مشکها خراب می‌شوند. شراب تازه باید در مشک‌های نو ریخته شود.

²³ و این گونه شد که روز سبت از گندمزار عبور می‌کرد؛ و شاگردانش در حین عبور، شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند.²⁴ و فریسیان به آنها گفتند: نگاه کن، چرا آنها کاری می‌کنند که در روز سبت حرام است؟²⁵ و عیسی به آنها گفت: آیا تا به حال نخوانده‌اید وقتی داود و همراهان او گرسنه و نیازمند بودند چه کار کردند؟²⁶ چگونه وقتی ابیاتار روحانی اعظم بود، وارد خانه خدا شد و نان‌های تقدیس‌شده را که خوردنش فقط برای روحانیون جایز بود، خورد و آن را به همراهانش نیز داد؟

²⁷ و او به آنها گفت: سبت برای انسان تدبیر شده، نه انسان برای سبت.²⁸ بنابراین، پسر انسان صاحب اختیار حتی سبت هست.

باب 3

شفای دست خشک

و او دوباره وارد کنیسه شد؛ و مردی با دست خشک آنجا بود.² و آنها

و باجگیران شام می‌خورد، به شاگردانش گفتند: چطور او با باجگیران و گناهکاران می‌خورد و می‌نوشد؟¹⁷ و وقتی عیسی این را شنید، به آنها گفت: بیماران به طبیب نیاز دارند، نه آنهایی که سالم هستند. من نیامده‌ام که نیکوکاران را بلکه آمده‌ام گناهکاران را دعوت کنم.

شراب کهنه و تازه

¹⁸ و شاگردان یحیی و فریسیان روزه بودند؛ و آمدند و به او گفتند: چرا شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه می‌گیرند، اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟¹⁹ و عیسی به آنها گفت: آیا پسران حجله عروسی می‌توانند در حالی که داماد با آنهاست روزه بگیرند؟ تا زمانی که داماد با آنهاست، نمی‌توانند روزه بگیرند.²⁰ اما روزهایی فرا خواهد رسید که داماد از آنها گرفته می‌شود. و در آن روز آنها روزه خواهند گرفت.

²¹ هیچ کس بر جامه‌ای کهنه، پارچه نو وصل نمی‌کند، وگرنه وصله نو از جامه جدا می‌گردد و پارگی بدتر می‌شود.²² و هیچ کس نیز شراب تازه را در مشک‌های

بحثبرانگیز و برای یهودیان سنتی توهین‌آمیز بود، و عاملی برای نفرت دیوانه‌وار آنها از او بود.

2:25 کاری که داود هنگام نیاز و گرسنگی انجام داد، کار عیسی را توجیه کرد؛ اینجا متوجه فقیر بودن عیسی می‌شویم.

2:28 عیسی از سبت بزرگتر است؛ ما امروز مجبور نیستیم آداب روز سبت را نگاه داریم (غلاطیان، 2:14 تا 17)، زیرا عیسی همه قوانین یهودی را محقق کرده است.

3:2 به نظر می‌رسد که عیسی از قصد به دنبال بحث بر سر موضوع سبت بود. در

فوق‌العاده‌ای که او انجام داده نزد او آمدند.⁹ و او به شاگردانش گفت که به خاطر جمعیت، قایقی را برای او آماده کنند تا مبادا او را له کنند.¹⁰ زیرا او بسیاری را شفا داده بود؛ آنقدر که انبوهی از بیماران هجوم می‌آوردند تا شاید او را لمس کنند.¹¹ و هر روح ناپاکی که او را می‌دید، به پای او می‌افتاد و می‌گفت: تو پسر خدا هستی!¹² و او موکداً به آنها دستور می‌داد تا او را معرفی نکنند.¹³ و او از کوه بالا رفت و هر که را می‌خواست نزد خود فرا خواند و آنها نزد او آمدند.¹⁴ و او دوازده نفر را منصوب کرد تا با او باشند، تا آنها را برای موعظه روانه کند،¹⁵ و قدرت بیرون راندن دیوها را داشته باشند.¹⁶ و شمعون را پطرس نامید.¹⁷ و یعقوب پسر زبیدی و یوحنا برادر یعقوب را بواجرچس نامید که یعنی پسران رعد.¹⁸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب پسر حلفی و تدی و شمعون قانونی (غیور)،¹⁹ و یهودای اسخریوطی که به او خیانت کرد. و سپس به خانه رفت.

نظاره‌گر عیسی بودند تا ببینند آیا آن مرد را در روز سبت شفا می‌دهد یا خیر، تا بهانه‌ای برای متهم کردن او داشته باشند.³ و او به مردی که دست خشکی داشت گفت: بیا اینجا.⁴ و عیسی به آنها گفت: آیا جایز است در روز سبت کار نیک انجام داد یا کار بد؟ یک زندگی را نجات داد یا یکی را کشت؟ اما آنها ساکت ماندند.⁵ و او با عصیانیت به آنها نگاه کرد و از قساوت قلبشان اندوهگین گشت به آن مرد گفت: دستت را دراز کن. او دستش را دراز کرد و دستش سالم شد.⁶ و فریسیان رفتند و فوراً علیه او با هیرودیان در این باره رایزنی کردند که چگونه او را نابود کنند.

تشکیل گروه اصلی شاگردان

⁷ و عیسی با شاگردانش به دریا رفتند؛ و جمعیت عظیمی از جلیل و یهودیه⁸ و اورشلیم و ادومیه و آن طرف اردن و اطراف صور و صیدون او را دنبال کردند، جمعیت عظیمی با شنیدن کارهای

برخی موارد (مثلاً باور عموم به دیوها)، مخاطبین خود را به چالش نمی‌کشید؛ اما در مورد افراط در قانون‌گرایی چنین می‌کرد.

3:10 تمایل به لمس کردن عیسی و تمایل عیسی به لمس کردن مردم به کرات در انجیل مطرح می‌شود. مردم اعتقاد داشتند که از طریق لمس کردن یک انسان مقدس، برکت دریافت می‌کنند؛ مثل کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها که مسافت زیادی را طی می‌کنند تا به آثار باقیمانده از قدیسان دست بزنند. عیسی با این کنار می‌آمد، اما همیشه تأکید می‌کرد که ایمان درون او و قدرت پدرش بود که مسبب معجزه بود و نه صرفاً لمس کردن.

3:13 او بالای کوه رفت و سپس به پیروانش پیغام فرستاد که نزد او بیایند. آنها باید برای رسیدن به او تلاش بسیار می‌کردند. بنابراین، او کسانی را که واقعاً دوست داشتند نزد او بیایند از کسانی که فقط کنج‌اکاو بودند، متمایز کرد. امروز نیز همین کار را با افراد می‌کند.

²⁸ یقیناً به شما می‌گویم: تمام گناهان انسان و هر کفری که بگوید، آمرزیده خواهد شد. ²⁹ اما هر کسی که علیه روح‌القدس کفرگویی کند هرگز بخشیده نخواهد شد بلکه مرتکب گناهی جاودانه شده است. ³⁰ او این را گفت زیرا آنها گفته بودند: او روح ناپاکی دارد.

³¹ و سپس مادرش و برادرانش آمدند و بیرون ایستاده بودند، آنها پیامی به او فرستادند و او را طلبیدند. ³² و جمعیتی نزدیک او نشست به او گفتند: نگاه کن، مادر و برادرانت بیرون دنبال تو می‌گردند. ³³ و او در پاسخ به آنها گفت: مادرم و برادرانم کیستند؟ ³⁴ و نگاهی به کسانی انداخت که دور او نشسته بودند و گفت: شاهد باشید، مادرم و برادرانم! ³⁵ چرا که هر کس خواست خداوند را اجرا کند، او برادر و خواهر و مادرم است.

پاب 4

داستان پسر زگر

و باز در کنار دریا شروع به تعلیم کرد. جمعیت بسیار عظیمی نزد او گرد هم آمدند، برای همین او وارد قایقی شد و در دریا نشست و همه

²⁰ و مردم دوباره جمع شدند، تعدادشان آنقدر زیاد بود که آنها نتوانستند نانی بخورند. ²¹ و وقتی خانواده او این را شنیدند، رفتند تا او را بگیرند زیرا می‌گفتند: او دیوانه است.

ادعاهای دروغین کاتبان

²² و کاتبانی که از اورشلیم آمده بودند گفتند: او بعزلبول را دارد، و با کمک شاهزاده شیاطین، دیوها را بیرون می‌کند. ²³ او آنها را نزد خود فراخواند و در قالب مثل به آنها گفت: چگونه شیطان می‌تواند شیطان را بیرون براند؟ ²⁴ و اگر سلطنتی بر خود تقسیم شود، آن پادشاهی برپا نخواهد ماند. ²⁵ و اگر خانواده‌ای بر خود تقسیم شود، آن خانواده قادر به سرپا ماندن نخواهد بود. ²⁶ و اگر شیطان علیه خودش برخاسته و تقسیم شود، نمی‌تواند دوام بیاورد بلکه به پایان خواهد رسید.

²⁷ اما هیچ کس نمی‌تواند وارد خانه شخصی قدرتمند بشود و اموالش را خراب کند، مگر آن که اول آن شخص قدرتمند را ببندد؛ و سپس خانه‌اش را ویران کند.

3:26 اگر شیطان... شیطان به عنوان یک موجود گناهکار وجود ندارد (به یادداشت‌های پایین توجه کنید)، اما عیسی با آنها در چارچوب باورهایشان بحث می‌کرد، حتی اگر آن باورها اشتباه بودند. او با افراد، هر جایی که بودند ملاقات می‌کرد، درست همان طور که امروز این کار را می‌کند.

3:33 شنیدن این باید برای مریم بسیار دردناک بوده باشد. این یکی از چندین نقطه تعارض بین عیسی و مریم در طول رسالت عیسی بود. به نظر می‌رسد که مریم در میانه زندگی دچار بحران ایمان شده بود، اما بعد از رستاخیز عیسی به ایمان کامل بازگشت. مریم برخلاف اعتقاد برخی، اَبَرانسانی بی‌گناه نبود.

رمز و رازهای ملکوت خداوند عطا شده؛ اما آنهایی که چنین نعمتی ندارند، همه چیز در قالب مَثَل انجام می‌شود.¹² زیرا با دیدن، شاید ببینند و درک نکنند، و با شنیدن، شاید بشنوند و نفهمند؛ مبادا دوباره بازگردند و بخشیده شوند.

¹³ و عیسی به آنها گفت: آیا این مَثَل را درک نمی‌کنید؟ و چگونه همه مَثَل‌ها را درک خواهید کرد؟¹⁴ برزگر، کلام را می‌کارد.¹⁵ دانه‌هایی که در کنار راه می‌افتند، جایی که کلام کاشته می‌شود، مُعرف کسانی است که وقتی شنیده‌اند، شیطان فوراً آمده و کلامی را که در آنها کاشته شده، ربوده است.¹⁶ و به همین شکل، دانه‌هایی که روی سنگلاخ‌ها کاشته شده، کسانی هستند که وقتی کلام را شنیده‌اند، فوراً با شادی و مسرت آن را پذیرفته‌اند.¹⁷ اما آنها ریشه‌ای ندارند و تنها مدتی دوام می‌آورند. از این رو، وقتی مصیبت یا آزاری به خاطر آن کلام به بار می‌آید، فوراً به لغزش می‌افتند.¹⁸ دانه‌هایی که در میان خارها کاشته شده‌اند معرف بقیه هستند. این‌ها کسانی هستند که

جمعیت در کنار ساحل جمع شدند.² و او مطالب بسیاری را در قالب مَثَل به آنها تعلیم داد و در تعالیم خود به آنها گفت:

³ گوش کنید! برزگر برای دانه کاشتن عازم شد.⁴ و این گونه شد که همین طور که دانه می‌کاشت، برخی از دانه‌ها به کناری می‌افتادند و پرنده‌ها می‌آمدند و آنها را می‌خوردند.⁵ و بقیه دانه‌ها روی سنگلاخ می‌افتادند که خاک زیادی نداشت؛ و فوراً جوانه می‌زدند، زیرا زمین عمق نداشت.⁶ و وقتی خورشید طلوع کرد، آنها سوخته بودند و چون هیچ ریشه‌ای نداشتند، پژمرده شدند.⁷ و بقیه دانه‌ها روی خارها افتادند و خارها روییدند و آنها را خفه کردند، و میوه‌ای حاصل نشد.⁸ و بقیه دانه‌ها روی زمین خوب افتادند و میوه دادند؛ روییدند و بیشتر شدند؛ و سی برابر، شصت برابر و صد برابر میوه آوردند. و او گفت: آن که گوش شنوا دارد، بشنود.¹⁰ وقتی تنها بود، اطرافیانش با آن دوازده نفر درباره مَثَل‌ها از او سوال پرسیدند.¹¹ و او به آنها گفت: به شما

4:10 عیسی خود را برای کسانی آشکار کرد که به خود زحمت داده و نزد او آمده و بیشتر پرس و جو کردند (مَثَل آیه 34) - رجوع کنید به 3:13. کسانی که صرفاً علاقه‌ای گذرا به او دارند او را پیدا نخواهند کرد.

4:14 کلام خدا پذیر است - ما دوباره با آن متولد می‌شویم، قدرت زندگی را در خود دارد (اول پطرس، 1:23). کتاب مقدس، جوهر سیاه بر کاغذ سفید است؛ اما بسیار فراتر از این است و در ادبیات، پی هم‌تا است تا جایی که واقعاً نباید در مقوله «ادبیات» به معنی سکولار طبقه‌بندی شود. کلام خدا به مردم زندگی می‌بخشد. باید موضوع عبادت و مراقبه ما در تمام روز باشد، درست همان طور که برای داود این گونه بود (مزامیر، 119:97).

هر که دارد، به او داده خواهد شد. و هر که ندارد، از او حتی آنچه دارد گرفته خواهد شد.

²⁶ و او گفت: ملکوت خداوند نیز مانند مردی است که روی زمین دانه می‌پاشد. ²⁷ او شب و روز می‌خوابد و بیدار می‌شود، و دانه جوانه می‌زد و می‌روید؛ او نمی‌داند چگونه. ²⁸ زمین خود به خود تولید می‌کند، اول علف، بعد خوشه، سپس خوشه پر از دانه. ²⁹ اما وقتی دانه می‌رسد، فوراً داس را برمی‌دارد چرا که وقت برداشت رسیده است.

³⁰ و او گفت: ملکوت خداوند را با چه چیزی تشبیه کنیم؟ یا با چه مثلی آن را مطرح کنیم؟ ³¹ مانند دانه خردلی می‌ماند که وقتی روی زمین کاشته می‌شود، با این که از همه دانه‌های روی زمین کوچکتر است، ³² وقتی کاشته می‌شود، می‌روید و از همه گیاهان بزرگتر می‌شود و شاخه‌های بزرگی درمی‌آورد تا پرندگان آسمان بتوانند زیر سایه آن آشیانه بسازند.

کلام را شنیده‌اند و ¹⁹ عشق به دنیا و فریب ثروت و شهوت چیزهای دیگر وارد آنها شده، کلام را خفه کرده و آن را بی‌ثمر ساخته است. ²⁰ و آنهایی که روی زمین خوب کاشته شده‌اند مانند کسانی هستند که کلام را می‌شنوند، آن را می‌پذیرند و سی برابر و شصت برابر و صد برابر میوه می‌دهند.

هدف مثل‌ها

²¹ و او به آنها گفت: آیا چراغ را می‌آوردند تا زیر یک سبد یا زیر تخت بگذارند و نه روی چراغدان؟ ²² زیرا هیچ چیزی پنهان نیست مگر آن که باید آشکار گردد؛ و هیچ چیزی راز نبوده مگر آن که باید برملا شود.

²³ اگر کسی گوش شنوا دارد، بشنود. ²⁴ و او به آنها گفت: به شنیده‌هایتان توجه کنید. و از هر پیمانه ای که استفاده کنید، برای خودتان نیز پیموده خواهد شد و به شما بیشتر عطا خواهد شد. ²⁵ زیرا

4:19 ثروت فریب‌آمیز است، زیرا فکر می‌کنیم پول می‌تواند همه چیز را بخرد؛ ولی این طور نیست.

4:22 اگر در جاودانگی همان کسی که واقعاً هستیم نشان داده شویم، ریاکاری در زمان حال بی‌معنی است.

4:24 مقیاسی که بر کلام خداوند اعمال می‌کنیم پاداش خواهد داشت. اگر به آن کم توجه کنیم، به ما کم اعطا خواهد شد؛ اگر ذهن و زندگی خود را وقف آن کنیم، پاداشی مناسب و بزرگ دریافت خواهیم کرد.

4:29 به محض این که محصول می‌رسد، برداشت می‌شود. این می‌تواند بدین معنا باشد که وقتی پیکر مسیح به سطحی برسد که خداوند انتظار دارد، عیسی باز خواهد گشت، و برداشت قضاوت آغاز خواهد شد.

عیسی به آنها گفت: چرا ترسیده‌اید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟⁴¹ و آنها به شدت ترسیدند و به یکدیگر گفتند: پس این کیست؟ حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند!

³³ و او با بسیاری از مثل‌های این‌چنینی تا جایی که قادر به فهم بودند، با آنها سخن می‌گفت.³⁴ بدون مثل، با آنها صحبت نمی‌کرد اما در خلوت همه چیز را برای شاگردانش توضیح می‌داد.

باب 5

عیسی مرد دیوانه‌ای را شفا

می‌دهد

و آنها به آن طرف دریا به کشور جدریان آمدند.² و وقتی از قایق پیاده شد، فوراً مردی با روحی ناپاک از گورستان بیرون آمد و به ملاقات او رفت.³ او در گورستان زندگی می‌کرد؛ هیچ کس دیگر نمی‌توانست حتی با زنجیر او را ببندد.⁴ زیرا او اغلب با بند و زنجیر بسته می‌شد اما زنجیرها را از هم باز می‌کرد و بندها را تکه تکه می‌نمود. هیچ کس قدرت مطیع کردن او را نداشت.⁵ همیشه، شب و روز در گورستان و در کوهها، فریاد می‌زد و خود را با سنگ می‌زید.⁶ و وقتی از دور عیسی را دید، دوید و او را پرستش

عیسی توفان را آرام می‌کند

³⁵ و در آن روز، شب‌هنگام عیسی به آنها گفت: بیاید به آن سمت دریاچه برویم.³⁶ و آنها پس از ترک جمعیت، او را همانطور که در قایق بود همراه با خود با قایق بردند. و قایق‌های دیگر نیز با او بودند.³⁷ و تندباد عظیمی پدید آمد و امواج به قایق می‌کوبیدند، آن قدر که قایق در حال پُر شدن بود.³⁸ و او در عقب قایق روی بالشتی خوابیده بود؛ و آنها او را بیدار کردند، و به او گفت: استاد، برایت مهم نیست که ما تلف شویم؟³⁹ و او بیدار شد و باد را نهیب کرد و به دریا گفت: آرام بگیر! ساکت شو. و باد متوقف شد و آرامش عظیمی آنجا را فراگرفت.⁴⁰ و

4:33 عیسی با مردم به گونه‌ای صحبت می‌کرد که قادر به شنیدن آن بودند، نه به گونه‌ای که خودش قادر به توضیح به آنها بود. این که ما از بعضی افراد دیگر بیشتر می‌دانیم، بدین معنی نیست که باید همه دانسته‌هایمان را به آنها بگوییم. ما باید نسبت به آنها حساس باشیم و در مواقعی دانش برتر خود را نگه داریم زیرا هدف نهایی ما رشد معنوی آنها به جلال خداوند است.

5:4 بیماری آن مرد به شدت عود می‌کرد و متناوب بود. بارها فکر کرده بود که معالجه شده است و می‌تواند مهار شود- اما دوباره عود می‌کرد. گله خوک‌ها به عنوان **خاطره‌ای** مؤثر به صخره روانه شدند که هیچ وقت از یاد نخواهد رفت و نشان دهنده چگونگی درمان دائمی و کامل آن بود.

5:6 این مرد بیمار با به رسمیت شناختن او به عنوان پسر خدا، او را پرستش کرد (آیه 7). اما در طول بیماری، با عیسی با خشونت نیز صحبت می‌کرد. اما خدا بیماری روانی را درک و روی نکات مثبت تمرکز می‌کند، و قسمت‌های درست درک او را به

آمدند تا ببینند چه اتفاقی افتاده بود.¹⁵ و نزد عیسی رفتند و دیدند آن فرد دیورده که قبلاً لژیون در او بود نشسته و لباس بر تن دارد و عقلش سر جایش است. و آنها ترسیدند.¹⁶ و کسانی که این را دیدند برای آنها تعریف کردند که برای آن کسی که قبلاً دیورده بود چه اتفاقی افتاده و چه بر سر خوک‌ها آمده بود.¹⁷ و شروع کردند به التماس کردن به عیسی تا مرزهای آنها را ترک کند.¹⁸ و در حالی که سوار قایق می‌شد، آن فردی که دیورده بود به او التماس کرد که اجازه بدهد با او برود.¹⁹ اما عیسی به او اجازه نداد. در عوض به او گفت: برو به خانه‌ات، نزد خانواده‌ات و کارهای عظیمی را که خداوند برای تو کرده و مرحمت او نسبت به خودت را برای آنها تعریف کن.²⁰ و او روانه شد و در سرزمین دکاپولس کارهای عظیمی را که عیسی برای او انجام داده بود منتشر کرد و همه مردم شگفت‌زده شدند.

کرد،⁷ و با صدایی بلند فریاد زد و گفت: من با تو چه کار دارم ای عیسی، پسر خدای متعال؟ تو را به خدا قسم می‌دهم که من را عذاب نکنی.⁸ زیرا عیسی به او گفته بود: ای روح ناپاک، از آن مرد بیرون بیا!⁹ و او از روح پرسید: اسمت چیست؟ و روح پاسخ داد: اسمم لژیون است. چرا که ما زیاد هستیم.¹⁰ و او صادقانه از عیسی خواست که آنها را از آن ناحیه بیرون نکند.¹¹ اینک در دامنه کوه، گله عظیمی از خوک‌ها بودند که می‌چریدند.¹² و آنها به او التماس کردند و گفتند: ما را به داخل خوک‌ها روانه کند، بگذار داخل آنها شویم.¹³ پس او به آنها اجازه داد. و ارواح ناپاک بیرون آمدند و وارد خوک‌ها شدند؛ و گله که به دو هزار خوک می‌رسید از تپه به سرعت به سمت دریا پایین آمدند و در دریا غرق شدند.¹⁴ و کسانی که آنها را می‌چرانیدند فرار کردند و در شهر و در آن ناحیه این موضوع را بیان کردند. و آنها

عنوان «پرستش» می‌پذیرد. افرادی به غیر از عیسی نیز «مورد پرستش» توصیف می‌شوند؛ این که عیسی نیز مورد پرستش بود بدین معنی نیست که او خود خدا بود.

5:9 اسمم... چرا که ما زیاد هستیم. این مرد اسکیزوفرنی داشت و فکر می‌کرد چندین شخصیت او را تسخیر کرده اند. کلمه دیورده برای توصیف بیماری روانی به کار می‌رود؛ دیوها وجود خارجی ندارند.

5:20 به این مرد گفته شده بود برو و به خانواده اش شهادت دهد، اما در عوض به 10 شهر دکاپولس رفت و موعظه کرد. اغلب وقتی دستوری برای موعظه صادر می‌شود، امت خدا کاملاً از آن تبعیت نمی‌کنند. حواریون در ابتدا از دستور رفتن و آموختن به ملل بیگانه تبعیت نکردند- فقط به یهودیان تعلیم می‌دادند. کسانی که دستور گرفته بودند که دیگران را از شفای خود باخبر نکنند، اغلب به همه گفتند. و آیا ما دعوت به در میان گذاشتن اخبار خوب را طبق خواسته خدا به جا می‌آوریم؟

عیسی دختر یانیروس را شفا

می دهد

²¹ و وقتی عیسی دوباره با قایق به آن سمت رفت، جمعیت عظیمی نزد او گردهم آمدند و او کنار دریا بود. ²² و آنجا یکی از رئیسان کنیسه به نام یانیروس آمد و وقتی او را دید، به پایش افتاد ²³ و صادقانه به او التماس کرد و گفت: دختر کوچکم در شرف مرگ است. التماس می‌کنم که بیایی و دستی به او بکشی تا شاید سالم و زنده بماند. ²⁴ و عیسی با او رفت؛ و جمعیت عظیم او را دنبال کردند و به او هجوم می‌آوردند. ²⁵ و یک زن که دوازده سال مشکل خونریزی داشت، ²⁶ و رنج بسیاری از طبیبان زیادی متحمل شده بود و همه داشته‌هایش را صرف کرده و بهبود نیافته بلکه بدتر شده بود، ²⁷ با شنیدن این امور درباره عیسی، از جمعیت پشت سر او آمد و لباس او را لمس نمود. ²⁸ زیرا آن زن گفت: اگر حتی لباسش را لمس کنم، سالم خواهد شد. ²⁹ و فوراً خونریزی او قطع شد و در بدنش احساس کرد که بیماری‌اش شفا یافته است. ³⁰ و عیسی که در خود حس کرد که

قدرت از او صادر شده، فوراً به سوی جمعیت برگشت و گفت: چه کسی به لباس من دست زد؟ ³¹ و شاگردانش به او گفتند: دیدی که جمعیت به تو هجوم آورده و می‌پرسی، چه کسی به من دست زد؟ ³² و او اطراف را نگاه کرد تا ببیند چه کسی این کار را کرده است. ³³ اما آن زن که می‌دانست چه بر سرش آمده، ترسان و لرزان آمد و به پای او افتاد و همه حقیقت را به او گفت. ³⁴ و عیسی به او گفت: دخترم، ایمانت تو را سالم کرده است. به سلامت برو و از بیماری خویش رها باش.

³⁵ در حالی که هنوز سخن می‌گفت، افرادی از خانه حاکم کنیسه آمدند و گفتند: دخترت فوت شد. چرا بیشتر از این مزاحم استاد می‌شوی؟ ³⁶ اما عیسی که به سخن گفته شده توجهی نکرد، به حاکم کنیسه گفت: نترس، فقط ایمان داشته باش. ³⁷ و به هیچ کس جز پطرس، یعقوب و یوحنا برادر یعقوب اجازه نداد دنبالش بیاید. ³⁸ و آنها وارد خانه رئیس کنیسه شدند؛ و او همه‌های دید، بسیاری می‌گریستند و شیون می‌کردند. ³⁹ و وقتی وارد شد به آنها

5:28 این زن باور رایج را داشت که صرفاً لمس کردن یک انسان مقدس باعث شفای او خواهد شد. عیسی به دلیل درک اشتباه آن زن، او را رد نکرد؛ بلکه توضیح داد که ایمان زن و نه صرفاً دست زدن، باعث شفای او شده بود (آیه 34). رجوع کنید به 7:33. **5:31** شاگردان تقریباً عیسی را به تمسخر گرفته بودند. اما بازگویی مرقس از انجیل این را نیز در بر می‌گیرد، گویی به مخاطب می‌گوید: «ببینید چه رفتار بدی با سرور عیسی داشتیم، او را درست نفهمیدیم، در مقایسه با او در چه سطح پائینی بودیم!». و این راستی، تواضع و صداقت انسانی، پیام آنها را برای شنوندگانشان بسیار جذاب و باورپذیر کرد.

دریافت کرده؟ این چه حکمتی است که به او عطا شده؟ با دستانش چه کارهای عظیمی کرده! ³ آیا این نجار، پسر مریم و برادر یعقوب، یوسف، یهودا و شمعون نیست؟ آیا خواهرانش اینجا با ما نیستند؟ و از او ناراحت شدند. ⁴ و عیسی به آنها گفت: یک پیامبر همه جا مورد احترام است به غیر از زادگاه خود، میان خویشان و در خانواده خود. ⁵ و آنجا نتوانست کارهای عظیمش را انجام دهد، به غیر از این که دستانش را روی چند بیمار گذاشت و آنها را شفا داد. ⁶ و او به خاطر بی‌ایمانی آنها حیرت‌زده بود. و او برای تعلیم به روستاهای اطراف رفت.

عیسی شاگردان را روانه می‌کند

⁷ و او آن دوازده نفر را فراخواند و آنها را دو به دو روانه کرد؛ و قدرت فائق آمدن بر ارواح ناپاک را به آنها عطا کرد. ⁸ و به آنها دستور داد که چیزی غیر از یک عصا برای سفر خود نبرند. نه نانی، نه کیفی، نه پولی در کیفشان، ⁹ فقط کفش بپوشند و دو

گفت: چرا همه‌مهمه و گریه می‌کنید؟ کودک نمرده بلکه خوابیده است. ⁴⁰ و آنها با تمسخر به او خندیدند. اما او آنها را کنار زد، پدر و مادر کودک و همراهانش را برد و به جایی که کودک خوابیده بود، رفت ⁴¹ و دست کودک را گرفت و به او گفت: طلیتا قومی که یعنی دخترک، به تو می‌گویم برخیز! ⁴² و فوراً دختر بلند شد و شروع به راه رفتن کرد (چرا که دوازده ساله بود)، و آنها بینهایت مات و مبهوت شدند. ⁴³ و موکدا به آنها دستور داد که هیچ کس نباید از این موضوع باخبر شود، و به آنها گفت به دخترک چیزی برای خوردن بدهند.

باب 6

عیسی در ناصره

و او آنها را ترک کرد و به زادگاهش رفت؛ و شاگردانش به دنبال او رفتند. ² و در روز سبت، شروع کرد به تعلیم دادن در کنیسه و بسیاری که او را می‌شنیدند شگفت‌زده شدند و گفتند: این مرد این‌ها را از کجا

5:40 «با تمسخر به عیسی خندیدند» - حاکی از آن است که او واکنش‌های انسانی معمول شرمساری و خجالت‌زدگی را داشت. او واقعاً ذات و ماهیت ما را داشت.

5:43 به ملاحظه و توجه او در یادآوری به آنها در مورد غذا دادن به دختر دقت کنید. او مرده بود، بنابراین مدتی چیزی نخورده بود. همین عیسای باملاحظه و حساس امروز و همیشه این گونه است (عبرانیان. 13:8).

6:1 کشور خودش نشانه دیگری است از انسان بودن مسیح (همچنین در آیه 4). «نزد آنها که از خود او بودند آمد» (یوحنا، 1:11). او زادگاهی داشت و با لهجه جلیلی سخن می‌گفت.

6:3 ترجمه «نجار» نامناسب است. کلمه یونانی «تکتون» به معنی هر گونه کارگر یدی است. ممکن است سنگتراش یا کارگر ساختمان معمولی بوده باشد.

به زندان ببندازند تا هیرودیا، زن برادرش فیلیپس را خشنود سازد، چون با او ازدواج کرده بود.¹⁸ زیرا یحیی به هیرودیس گفته بود: داشتن زن بردارت بر تو حلال نیست.¹⁹ و هیرودیا از او کینه به دل داشت و می‌خواست او را بکشد؛ اما نتوانست،²⁰ زیرا هیرودیس از یحیی می‌ترسید چون می‌دانست که او مردی نیکوکار و مقدس است و از او محافظت می‌کرد. و وقتی سخنان او را می‌شنید، پریشان می‌شد و با خوشحالی به او گوش می‌داد.

²¹ اما فرصتی پیش آمد که هیرودیس در روز تولدش، برای نجیب‌زادگان خود، فرماندهان نظامی و رؤسای جلیل ضیافتی برپا کرد.²² و وقتی دختر هیرودیا آمد و رقصید، هیرودیس و مهمانان ضیافتش را خشنود ساخت، بنابراین پادشاه به دختر گفت: هر چه می‌خواهی از من بخواه تا به تو بدهم.²³ و او برایش سوگند یاد کرد: هر چی از من بخواهی، به تو خواهم داد، حتی نصف سلطنتم را.²⁴ و او بیرون رفت و به مادرش گفت: چه بخواهم؟ و او گفت: سر یحیایی تعمیددهنده.²⁵ و او فوراً نزد پادشاه رفت و پرسید: هم اکنون، می‌خواهم

پیرهن به تن نکنید.¹⁰ و عیسی به آنها گفت: هرگاه به عنوان مهمان وارد خانه‌ای می‌شوید، تا وقتی شهر را ترک نکرده‌اید آنجا بمانید.¹¹ و هر جایی که شما را نپذیرفت، یا سخنانتان را نشنیدند، در حالی که از آنجا بیرون می‌روید، خاک پای خود را بتکانید تا گواهی علیه آنها باشد.¹² و آنها رفتند و موعظه کردند که همه باید توبه کنند.¹³ و دیوها را بیرون راندند و بسیاری از مریضان را با روغن تدهین کردند و آنها را شفا دادند.

هیرودیس و یحیای تعمیددهنده

¹⁴ و هیرودیس پادشاه اخبار را شنید، چرا که نام عیسی شهرت یافته بود؛ و او گفت: یحیای تعمیددهنده از میان مردگان برخاسته و برای همین است که این قدرتها از او به ظهور می‌رسد.¹⁵ اما دیگران گفتند: او الیاس است؛ و بقیه گفتند: پیامبری است، مانند یکی از انبیا.¹⁶ اما وقتی هیرودیس این را شنید، گفت: او یحیی است که سرش را از تن جدا کردم؛ او زنده شده است.¹⁷ چرا که خود هیرودیس دستور داده بود یحیی را دستگیر کنند و

6:10 عیسی خانواده و خانه را دوست دارد، و می‌خواسته این دو هسته اصلی جامعه‌ای باشد، که در حال گسترش آن بود.

6:12 توبه به معنی «تغییر عقیده» است. این کلمه لزوماً به معنی توقف گناه نیست – خداوند «در حال توبه» توصیف شده است. شاید برای دست کشیدن از گناه خیلی ضعیف باشیم؛ اما می‌توانیم توبه کنیم بدین معنی که تغییر عقیده دهیم، گناهانمان را جدا (قویاً) از بین ببریم، سعی کنیم آنها را انجام ندهیم و دلمان عمیقاً با خدا باشد نه با مردم.

دید؛ و دلش به حال آنها سوخت زیرا مانند گوسفندان بدون شبان بودند. و شروع کرد به تعلیم بسیاری از امور به آنها.³⁵ و وقتی زمان زیادی از روز گذشت، شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: این مکان متروکه است و روز به پایان رسیده.³⁶ آنها را روانه کن تا شاید به مناطق و روستاهای اطراف بروند و برای خودشان چیزی برای خوردن بخرند.³⁷ اما او در پاسخ به آنها گفت: چیزی برای خوردن به آنها بدهید. و آنها به او گفتند: آیا باید برویم به اندازه دویست دینار نان بخریم و به آنها بدهیم تا بخورند؟ و او به آنها گفت: چند نان دارید؟ بروید و ببینید. و وقتی فهمیدند به او گفتند: پنج قرص نان و دو ماهی.³⁹ و او دستور داد که همه به صورت گروهی، روی چمنزار سبز بنشینند.⁴⁰ و آنها در گروه‌های صد یا پنجاه نفری نشستند.⁴¹ و او پنج قرص نان و دو ماهی را برداشت، به آسمان نگاه کرد، شکرگزاری کرد و نان‌ها را تکه تکه کرد و به شاگردانش داد تا بین آنها تقسیم کنند؛ و دو ماهی را بین همه آنها تقسیم کرد.⁴² و همه آنها خوردند و سیر شدند.⁴³ و از خرده‌های باقیمانده و همچنین از ماهی، دوازده سبد پُر جمع کردند.⁴⁴

سر یحییای تعمیددهنده را روی یک سینی به من بدهی.²⁶ و پادشاه به شدت متأسف شد؛ اما به خاطر سوگندها و مهمانان ضیافتش، نتوانست درخواست او را رد کند.²⁷ و فوراً پادشاه، سربازی از نگهبانان خود را فرستاد و دستور داد که سر یحیی را بیاورند. و سرباز به زندان رفت و سر یحیی را جدا کرد،²⁸ و سرش را روی سینی آورد و به دختر داد؛ و دختر نیز آن را به مادرش داد.²⁹ و وقتی شاگردانش از این باخبر شدند، رفتند و جسدش را گرفتند و در قبری نهادند.

عیسی به 5000 نفر غذا می‌دهد

³⁰ حواریون نزد عیسی بازگشتند و همه کارها و تعالیم خود را برای او تعریف کردند.³¹ و عیسی به آنها گفت: بیایید، به مکانی متروکه خواهیم رفت و مدتی استراحت خواهیم کرد. چرا که بسیاری در رفت و آمد بودند و آنها هیچ وقت فراغتی نداشتند حتی برای خوردن.³² و آنها سوار بر قایق به مکانی متروکه رفتند.³³ بسیاری آنها را دیدند و شناختند، و با پای پیاده از تمام شهرها دویدند و قبل از آنها به آنجا رسیدند.³⁴ و وقتی عیسی به ساحل رسید، جمعیت عظیمی را

6:37 عیسی سؤال می‌پرسد تا سعی کند ایمان و همت معنوی را در شاگردانش برانگیزد. اما آنها نمی‌توانستند فراتر از مشکلات آن لحظه را ببینند. این امکان که عیسی می‌توانست معجزه کند و مقدار کم نانی را که داشتند چند برابر کند... به ذهنشان نرسید. به تنها چیزی که فکر کردند هزینه خرید نان بود.

6:41 شکرگزاری و تکه‌تکه کردن نان و سپس دادن آن به شاگردان بسیار شبیه شام آخر است. با تکه‌تکه کردن نان، در حقیقت ایمان خود به این مسأله را نشان می‌دهیم که عیسی نیازهای ما را برآورده می‌کند.

پنج هزار نفر آن نان‌ها را خوردند.

عیسی طوفانی را آرام می‌سازد

⁴⁵ و فوراً شاگردانش را بر آن داشت که سوار قایق شوند و در حالی که او مردم را روانه می‌کند، آنها بدون او به آن طرف بیت صیدا بروند. ⁴⁶ و بعد از این که آنها را مرخص کرد، به کوه رفت تا دعا کند. ⁴⁷ و وقتی شب شد، قایق وسط دریا بود و او در خشکی تنها بود. ⁴⁸ و وقتی دید پارو زدن برای آنها دشوار شده چون باد در جهت مخالف آنها بود، حدود ساعت چهارم شب در حالی که روی دریا قدم می‌زد، به سوی آنها رفت؛ و خواست از آنها بگذرد. ⁴⁹ اما وقتی آنها راه رفتن او روی دریا را دیدند، تصور کردند که شیخ است و فریاد زدند. ⁵⁰ زیرا همه آنها او را دیدند و آشفته شدند. اما او فوراً با آنها صحبت کرد و گفت: شهامت داشته باشید! این منم! نترسید. ⁵¹ و با آنها

سوار قایق شد و باد متوقف گشت. و آنها کاملاً مبهوت شده بودند، ⁵² زیرا معجزه نان‌ها را درک نمی‌کردند؛ دلشان سخت شده بود.

⁵³ و وقتی به آن سمت عبور کردند، به چنیسارت رسیدند و آنجا لنگر انداختند. ⁵⁴ و وقتی از قایق پیاده شدند، مردم فوراً آنها را شناختند، ⁵⁵ تمام منطقه اطراف را دویدند و شروع کردند به حمل مریضان روی بسترها به هر جایی که شنیدند او آنجا بود. ⁵⁶ و هر جا که می‌رفت، به روستاها یا شهرها، یا دهات، آنها مریضان را در بازار می‌خواباندد و به او التماس می‌کردند تا اجازه دهد به لبه لباسش دست بزنند. هر که او را لمس می‌کرد، شفا می‌یافت.

باب 7

مشاخره با فریسیان

فریسیان و برخی از کاتبان و علمای دین که از اورشلیم آمده

6:48 عیسی طوری عمل کرد که انگار قرار بود از آنها بگذرد تا کاری کند که آنها برای کمک، او را فریاد بزنند. زیرا تا کنون، آنها به این فکر نیفتاده بودند که از عیسی درخواست کمک کنند، زیرا او با آنها نبود. او با ما نیز امروز این گونه عمل می‌کند و ما را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که انسان هیچ راه خروجی از آن ندارد و به نظر می‌رسد که ما را نادیده می‌گیرد. فقط برای این که دعا کنیم و او را با عطش صدا بزنیم. این یکی از دلایل سکوت ظاهری خداوند است که پذیرفتن آن برای ما بسیار دشوار است.

6:52 آنها به معجزه فکر نکردند، بنابراین برای رویارویی با آزمون بعدی که در زندگی‌شان پدید آمد ایمان لازم را نداشتند. حوادث زندگی ما توسط خدا به ترتیب خاصی سازماندهی شده است. ما طوری برنامه‌ریزی شده‌ایم که به کارهای بزرگی که در تجربه ما انجام داده فکر کنیم، نه این که فقط از آنها بهره ببریم و زندگی را بدون به یاد آوردن یا فکر کردن درباره آنها ادامه دهیم. نادیده گرفتن و عدم تفکر درباره حوادث زندگی، کار معمول انسان‌ها است؛ و ما باید سعی کنیم بهتر باشیم.

6:56 آنها فکر می‌کردند که با دست زدن به یک انسان مقدس درمان می‌شوند. این عقیده‌ای نادرست است، اما عیسی با آن کنار می‌آمد. رجوع کنید به 5:28.

خداوند را خوب انکار می‌کنید تا بتوانید سنت خود را برقرار کنید! ¹⁰ زیرا موسی گفت: به پدر و مادر خود احترام بگذارید، و آن کسی که از پدر و مادر خود بدگویی می‌کند، باید بمیرد. ¹¹ اما شما می‌گویید: اگر کسی به پدر یا مادر خود بگوید: هر چه از من به نفع شما می‌رسد، قربانی کردم (یعنی تقدیم خدا شد)، ¹² دیگر به او اجازه نمی‌دهید برای پدر یا مادرش کاری بکند - ¹³ بنابراین کلام خدا را با سنتی که ارائه کردید بی‌اعتبار می‌کنید؛ و کارهای مشابه بسیاری را انجام می‌دهید.

منشاء گناه

¹⁴ و دوباره جمعیت را نزد خود فراخواند و به آنها گفت: همه شما به من گوش دهید و درک کنید. ¹⁵ چیزی بیرون انسان نیست که وارد او شود و او را آلوده سازد؛ بلکه چیزهایی که از انسان سر می‌زند همان‌هایی است که انسان را آلوده می‌سازد. ¹⁶ اگر کسی گوش شنوا دارد، بشنود. ¹⁷ وقتی دور از مردم وارد خانه‌ای شد، شاگردانش درباره مثل از او

بودند، دور عیسی جمع شدند؛ ² و دیدند که برخی از شاگردانش با دستان ناپاک، یعنی نشسته غذا می‌خورند. ³ فریسیان و همه یهودیان غذا نمی‌خورند مگر این که اول دستانشان را بشویند و سنت قدیمیشان را رعایت کنند؛ ⁴ و وقتی از بازار می‌آمدند، غذا نمی‌خورند مگر این که اول خود را پاک کنند؛ و بسیاری از سنت‌های دیگری بود که رعایت می‌کردند، شستن پیاله‌ها و دیگ‌ها و ظرف‌های برنز. ⁵ و فریسیان و کاتبان از او پرسیدند: چرا شاگردانت طبق سنت قدیمیان عمل نمی‌کنند، بلکه با دستان ناپاک غذا می‌خورند؟ و او به آنها گفت: اشعیا به خوبی درباره شما ریاکارن پیشگویی کرده بود چرا که نوشته: این قوم با لبهای خود به من احترام می‌گذارند اما قلبشان از من دور است. ⁷ اما بیهوده من را عبادت می‌کنند و تعلیمشان چیزی جز فرایض بشری نیست. ⁸ شما احکام خدا را رها کردید و به سنت انسان‌ها چسبیده‌اید. ⁹ و عیسی به آنها گفت: احکام

7:6 اشعیا ی نبی با مردم نسل خود سخن گفت، اما عیسی می‌گوید که او درباره مردم قرن یکم سخن گفته است. کلام خدا زنده و مرتبط با هر یک از ما است. بنابراین، عهد عتیق فقط یک تاریخ محض نیست- امروز نیز با ما سخن می‌گوید.

7:7 این که مردم خدا را پرستش می‌کنند به این معنی نیست که آنها با خدا هستند - اگر درکی اشتباه از او داشته باشیم، پرستش خدا بیهوده است.

7:9 یهودیان از این که بشنوند آنها احکام خداوند را انکار کردند، شوکه می‌شدند. نسل عیسی در طول تاریخ اسرائیل از بسیاری از نسل‌های دیگر، بیشتر تورات را رعایت می‌کردند. اما پیروی از سنت انسان و احکام الهی به معنی انکار مؤثر آنها است. کتاب مقدس شکست انسان را با اصطلاحات بسیار ساده شرح می‌دهد.

7:11 نباید سعی کنیم مقصود خدا را با تفاسیر شریعت دور بزنیم.

زن یونانی و از نژاد فینیقیه بود. و به عیسی التماس کرد تا دیو را از دخترش بیرون راند.²⁷ و عیسی به او گفت: بگذار اول کودکان سیر شوند، زیرا درست نیست نان فرزندان را بگیریم و به سگها بدهیم.²⁸ اما آن زن در پاسخ به او گفت: حقیقتاً سرورم. اما حتی سگها نیز در پای سفره از خرده نانهای فرزندان میخورند.²⁹ و عیسی به او گفت: به خاطر این حرفت برو. دیو از بدن دخترت بیرون رفت.³⁰ و وقتی آن زن وارد خانه‌اش شد، فهمید که دیو بیرون رفته و دخترش روی تخت دراز کشیده است.

³¹ و دوباره عیسی مرزهای صور را ترک کرد، از میان مرزهای دکاپولس گذشت و از صیدون به دریای جلیل رفت.³² و آنها کسی را که ناشنوا بود و لکنت زبان داشت نزد او آوردند؛ و به او التماس کردند که دستش را به او بزند.³³ و عیسی او را از جمعیت کنار زد، و در خلوت، انگشتش را داخل گوشش کرد، آب دهانش را انداخت و زبانش را لمس نمود،³⁴ و در حالی که به آسمان نگاه می‌کرد،

سوال پرسیدند.¹⁸ و او به آنها گفت: آیا شما هم درک و فهم ندارید؟ آیا درک نمی‌کنید که هر چه از بیرون وارد انسان می‌شود، نمی‌تواند او را آلوده سازد؛¹⁹ زیرا وارد قلبش نمی‌شود بلکه وارد شکمش می‌شود و حذف می‌گردد (پس با گفتن این، سخن همه غذاها را پاک اعلام کرد). و او گفت: آن چه از انسان سر می‌زند او را آلوده می‌سازد.²¹ زیرا از درون، از دل انسانها افکار پلید، فساد، دزدی، قتل، زنا،²² طمع، شرارت، فریب، فحشا، چشم بد، کفر، کبر و نادانی بیرون می‌آید.²³ همه این امور پلید از درون سر می‌زند و انسان را آلوده می‌سازد.

پاسخ عیسی به درخواست‌ها

برای شفا یافتن

²⁴ او از آنجا برخاست و به منطقه صور و صیدون رفت. و وارد خانه‌ای شد و نمی‌خواست کسی بداند، اما نتوانست پنهان شود.²⁵ بلکه فوراً زنی که دختر کوچکش روحی ناپاک داشت، وقتی راجع به عیسی شنید، آمد و به پاهایش افتاد.²⁶ این

7:18 شایسته است لحن صدایی که عیسی با آن این کلمات را ادا کرد را تصور کنیم. آیا با سرخوردگی، خشم، ناراحتی یا ناامیدی بود؟

7:19-21 گناه از درون می‌آید. ذهن انسان، منشأ مداوم وسوسه است. این «شیطان» واقعی یا دشمنی است که با آن روبرو هستیم.

7:29 وقتی مردم به درستی درک می‌کنند، عیسی بسیار خوشحال می‌شود.

7:33 بزاق عیسی معرف کلام او است. مردم فکر می‌کردند که صرفاً لمس کردن یک انسان مقدس باعث شفا می‌شود (آیه 32). بنابراین، عیسی نشان می‌دهد که رابطه‌ای بسیار نزدیکتر از صرفاً لمس کردن نیاز است. او دستش را داخل گوش مرد می‌گذارد و روی زبانش آب دهان می‌اندازد. رجوع کنید به 5:28.

7:34 عیسی می‌توانست با چشمان باز به آسمان نگاه کند و دعا کند. آیا می‌توانیم چنین

برخی از آنها از راه دوری آمده‌اند.⁴ و شاگردانش به او پاسخ دادند: کجا کسی می‌تواند برای این افراد در اینجا در چنین مکان متروکه‌ای نان پیدا کند؟⁵ و او از آنها پرسید: چند نان دارید؟ و آنها گفتند: هفت نان.⁶ و او به جمعیت گفت که روی زمین بنشینند، و هفت نان را برداشت و شکرگزاری کرد، آنها را تکه تکه کرد و به شاگردانش داد تا به آنها بدهند؛ و آنها نان‌ها را به جمعیت دادند.⁷ و آنها چند ماهی کوچک داشتند؛ و پس از شکرگزاری، عیسی دستور داد که آنها را نیز به مردم بدهند.⁸ و آنها خوردند و سیر شدند، و هفت سبد از خرده نان‌های باقیمانده جمع کردند.⁹ و حدود چهار هزار نفر بودند؛ و عیسی آنها را روانه کرد.¹⁰ و فوراً با شاگردانش سوار قایق شد و به منطقه دلمانوته رفتند.¹¹ و فریسیان آمدند و شروع کردند به سوال پرسیدن از او و به دنبال نشانه‌ای از آسمان بودند و او را

آه کشید و به او گفت: افتح! یعنی باز شو.³⁵ و گوش‌های او باز شدند و لکنت زبانش برطرف شد و راحت حرف زد.³⁶ و عیسی به آنها دستور داد که به هیچ کس نگویند. اما هر چه بیشتر به آنها دستور می‌داد، بیشتر جار می‌زدند.³⁷ و آنها بیش از حد تصور، حیرت‌زده شدند و گفتند: همه کارها را به خوبی انجام داده است. حتی گر را شنوا و لال را گویا می‌سازد.

باب 8

غذا دادن به 4000 نفر

در آن روزها، وقتی جمعیت عظیمی جمع شدند و چیزی برای خوردن نداشتند، او شاگردانش را نزد خود فراخواند و به آنها گفت:² دلم به حال این مردم می‌سوزد، زیرا سه روز است که همراه من هستند و چیزی برای خوردن ندارند.³ و اگر آنها را بدون غذا روانه خانه‌شان کنم، در راه از حال خواهند رفت؛ چرا که

کنیم؟ او آه کشید و در حال شفای ایلعازر نالید (یوحنا 11:38). ممکن است این شدت دعای او باشد – و حتی اکنون نیز با چنین ناله‌ای برای ما در آسمان دعا می‌کند (رومیان 8:26). به این معنی، عیسی امروز همان گونه است که آن موقع بوده (عبرانیان، 13:8). یا شاید آه و ناله او نتیجه عمق ورود او به موقعیت‌های ما است و تا ابد درد انسان را خواهان است.

7:37 همه کارها را به خوبی انجام داده است – منعکس‌کننده نظر در مورد خلقت است که «بسیار خوب» بود. عیسی مردم را از نو خلق کرد و می‌کند.

8:3 این موقعیت مشابه آن در 6:37 است. عیسی امید داشت که شاگردان از تجربه‌ای که آن موقع از او هنگام چند برابر کردن نان‌ها داشتند، درس گرفته باشند. در اصل این است دلیل تکرار موقعیت‌های زندگی؛ زیرا خداوند همه آنها را برای آموزش معنوی ما طرح‌ریزی کرده است. ما طوری طرح‌ریزی شده‌ایم که از یک تجربه درس بگیریم تا در دفعات بعدی که آن موقعیت رخ می‌دهد، موفقیت معنوی را به دست آوریم. متأسفانه، به نظر می‌رسد که شاگردان یاد نگرفتند، درست مثل ما که اغلب درس نمی‌گیریم.

نمی‌آورید؟¹⁹ وقتی پنج قرص نان را بین پنج هزار نفر تکه تکه کردم، چند سبد پُر از خرده نان‌ها جمع کردید؟ آنها به او گفتند: دوازده سبد.²⁰ و وقتی هفت نان را بین چهار هزار نفر تقسیم کردند، چند سبد پُر از خرده نان‌ها جمع کردید؟ و آنها به او گفتند: هفت.²¹ و عیسی به آنها گفت: پس چطور نمی‌فهمید؟

هویت عیسی

²² و آنها به بیت صیدا رفتند. و مردی کور را نزد او آوردند و به او التماس کردند و به آن مرد دست بزدند.²³ و عیسی دست آن مرد کور را گرفت و او را از روستا بیرون آورد؛ و وقتی روی چشمانش آب دهان انداخت و دستانش را روی او نهاد، از آن مرد پرسید آیا چیزی می‌بیند یا خیر.²⁴ و او نگاه کرد و

می‌آزمودند.¹² و او در روح خود آه عمیقی کشید و گفت: چرا این نسل به دنبال نشانه است؟ به راستی به شما می‌گویم، هیچ نشانه‌ای به این نسل داده نخواهد شد.¹³ و آنها را ترک کرد و دوباره سوار قایق شد و به آن سوی دریاچه رهسپار شد.¹⁴ و آنها فراموش کردند نان قایق داشتند.¹⁵ و عیسی به آنها هشدار داد و گفت: مراقب باشید! از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیروودیس برحذر باشید.¹⁶ و آنها با یکدیگر استدلال کردند و گفتند: چون نانی نداریم.¹⁷ و عیسی این را درک کرد و به آنها گفت: چرا این گونه استدلال می‌کنید، چون نانی ندارید؟ آیا درک نمی‌کنید و نمی‌فهمید؟ آیا دلتان این قدر سخت شده است؟¹⁸ آیا با داشتن چشم نمی‌بینید؟ و با داشتن گوش نمی‌شنوید؟ و آیا به یاد

8:12 هیچ نشانه‌ای - هر چهار انجیل روایاتی مشابه از همان حوادث را ارائه می‌دهند. در نوشته متی، می‌خوانیم که عیسی گفت هیچ نشانه‌ای داده نخواهد شد به غیر از نشانه یونس نبی (متی، 12:39؛ 16:4). این نشان می‌دهد که باید برای دریافت پیام کامل، کل کتاب مقدس را بخوانیم. باید برای فهمیدن، کمی تلاش کنیم. خداوند از ما می‌خواهد که کلامش را با دقت بخوانیم، درست همان طور که وقتی کسی به دقت به ما گوش می‌کند، قدردانی می‌کنیم، و نه این که تصور کند که می‌فهمد چه می‌گوییم، در حالی که اصلاً چنین نیست.

8:17 عیسی دو بار در معجزات غذا دادن به آنها یاد داد که صورت فیزیکی نان، مسأله‌ای برای او نیست. او ناامید شد که آنها بیشتر در این باره فکر نکردند - زیرا هنوز به معنای واقعی و فیزیکی نان فکر می‌کردند.

8:23 25 فرایند دو مرحله‌ای شفا به خاطر خود مرد بود، نه به این خاطر که قدرت عیسی محدود بود. به این مرد بینایی عطا شد، اما او هرگز درخت یا انسان‌ها را قبلاً ندیده بود. و بنابراین آنها را با هم اشتباه گرفت. او به داشتن نعمت درک/تفسیر نیز نیازمند بود. این مرد این گونه درس گرفت که حتی اگر چیزی را که خیلی می‌خواهیم به دست آوریم، کافی نیست. ما به عیسی نیاز داریم تا به ما قوه درک بدهد.

را آشکارا گفت. و پطرس او را به کناری برد و شروع به منع کردن او نمود.³³ اما او برگشت و با دیدن شاگردانش، پطرس را سرزنش کرد و به او گفت: دور شو از من ای شیطان! زیرا تو نگران امور انسانی هستی نه امور الهی.

³⁴ و او با شاگردانش مردم را نزد خود فراخواند و به آنها گفت: اگر هر یک از شما می‌خواهد پیرو من باشد، باید خودش را انکار کند و صلیبش را بردارد و من را دنبال کند.³⁵ زیرا هر کسی که زندگی خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد، و هر که زندگی خود را به خاطر من و بشارت از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد!³⁶ زیرا چه نفعی برای انسان دارد که کل دنیا را بدست آورد و زندگی‌اش را هدر بدهد؟³⁷ انسان برای بازیافتن جان خود، چه چیزی را می‌تواند بدهد؟³⁸ زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و کلام من شرمسار گردد، پسر انسان نیز وقتی در شکوه پدرش با فرشتگان مقدس می‌آید، از او شرمسار خواهد شد.

گفت: مردم را می‌بینم. اما آنها را مثل درختی می‌بینم که راه می‌روند.²⁵ سپس عیسی دستانش را دوباره روی چشمانش گذاشت و به او گفت نگاه کند. و بینایی‌اش خوب شده بود و همه را به وضوح می‌دید.²⁶ و عیسی او را روانه خانه‌اش کرد و گفت: حتی وارد روستا نشو.

²⁷ و عیسی با شاگردانش به روستاهای قیصریه فیلیپس رفتند و در راه از شاگردانش سوال کرد: مردم مرا که می‌دانند؟²⁸ آنها به او گفتند: بعضی می‌گویند یحییای تعمیددهنده هستی، و دیگران الیاس؛ اما بقیه می‌گویند یکی از انبیا.²⁹ و او از آنها پرسید: شما مرا که می‌دانید؟ پطرس در پاسخ به او گفت: تو مسیح هستی!³⁰ و او به آنها تاکید کرد که به هیچ کس درباره او چیزی نگویند.³¹ و شروع کرد به تعلیم دادن آنها در این باره که پسر انسان باید رنج‌های بسیاری متحمل شود، و از سوی ریش‌سفیدان و روحانیون اعظم و کاتبان انکار گردد، کشته شود و بعد از سه روز دوباره برخیزد.³² و او همه این‌ها

8:31 این یکی از واضح‌ترین پیش‌گویی‌ها درباره رنج‌های مسیح است. پس چرا در جتسمانی درخواست کرد که پیاله رنج از او دور شود؟ او از مثال‌های عهد عتیق فهمیده بود که برنامه و قصد خداوند برای یک شخص با دعا‌های او تغییرپذیر است، و به نظر می‌رسد که این را امتحان کرد. اما در عین حال نشان می‌دهد که حتی اگر چیزی را به صورت نظری بدانیم، در لحظاتی، درک ما کم‌رنگ می‌شود. عیسی انسان بود، اما هرگز گناه نکرد. بنابراین، این نوع شکست ذهنی، حتی وحشت، گناه نیست. این بخشی از انسان بودن است.

8:35 به خاطر انجیل - یعنی تبلیغ انجیل؟

8:38 عیسی حتی پس از رستخیزش نیز هنوز امکان شرمسار شدن را دارد. ما در تصویر خدا خلق شده‌ایم، پس شرمساری از طرف دیگری، حسی است که او نیز دارد.

پاب 9

تغییر سیما

و او به آنها گفت: به راستی به شما می‌گویم: کسانی اینجا ایستاده‌اند که قبل از دیدن ظهور قدرتمند ملکوت خداوند، به هیچ وجه مرگ را نخواهند چشید.

² بعد از شش روز، عیسی با خود پطرس، یعقوب و یوحنا را برد و آنها را به کوهی بلند برد تا بتوانند تنها باشند؛ و در حضور ایشان، سیمای او دگرگون گشت. ³ و لباس‌های او درخشان و فوق‌العاده سفید گشت، سفیدتر از آن چه در روی زمین هیچ ماده‌ای بتواند آن را سفید گرداند. ⁴ و الیاس و موسی در در برابر چشم آنها ظاهر گشتند و با عیسی صحبت می‌کردند. ⁵ و پطرس به عیسی گفت: استاد، چه خوب که ما اینجا هستیم! بیایید سه خیمه بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای الیاس. ⁶ زیرا او نمی‌دانست چه بگوید چرا که بسیار ترسیده بودند. ⁷ و ابری آمد و بر آنها سایه افکند و صدایی از ابر به گوش رسید: این پسر دوست‌داشتنی من است. به او گوش دهید. ⁸ و ناگهان، وقتی اطراف را نگاه کردند، دیگر کسی را به غیر از عیسی با خود ندیدند.

⁹ و همین طور که از کوه پایین می‌آمدند عیسی ایشان را غدغن کرد که تا وقتی پسر انسان از مردگان برخیزد، نباید به کسی درباره دیده‌هایشان چیزی بگویند. ¹⁰ بنابراین آنها این سخنان را پیش خود نگه داشتند و سوال می‌کردند که برخاستن از مردگان یعنی چه. ¹¹ و آنها از او پرسیدند: چرا کاتبان می‌گویند الیاس باید اول بیاید؟ و او به آنها گفت: همانا الیاس اول می‌آید و همه چیز را به حالت اول باز می‌گرداند. و چرا درباره پسر انسان نوشته شده که باید رنج‌های بسیاری متحمل شود و بی‌ارزش شمرده شود؟ ¹³ اما به راستی به شما می‌گویم که الیاس آمد و آنها هر چه خواستند با او کردند همانطور که درباره او نوشته شده است.

¹⁴ و وقتی آنها نزد شاگردان رسیدند، جمعیت عظیمی را نزدیک خود دیدند و کاتبان با آنها بحث می‌کردند. ¹⁵ و فوراً همه مردم با دیدن او بسیار حیرت‌زده شدند؛ به سوی او دویدند و به او سلام دادند. ¹⁶ و او از آنها پرسید: درباره چه چیزی با آنها بحث می‌کردید؟ ¹⁷ و یکی از مردم پاسخ داد: استاد، پسر مرا نزد تو آوردم که روح گنگی دارد. ¹⁸ و هر جا او را با خود می‌برد، او

9:7 به او گوش دهید - یهودیت موسی [نماد شریعت] و الیاس [نماد پیامبران] را تکریم می‌کند. پطرس می‌خواست خیمه بسازد تا موسی و الیاس در آن بمانند، اما خداوند به او لزوم گوش کردن به پسرش را گوشزد می‌کند. ابر و صدای خارج شده از ابر شبیه به اتفاقی است که برای موسی در کتاب خروج، 34 رخ داد. صدای الهی در ابر، نام و ویژگی‌های یهوه را اعلام می‌کند؛ اکنون نیز خداوند پسرش را اعلام می‌دارد. از آنجایی که عیسی شخصیتی کامل داشت، تجلی کامل نام خداوند بود.

مردم با هم دوان دوان می آیند، آن روح ناپاک را نهیب کرد و به روح گفت: ای روح گنگ و کر به تو دستور می دهم از او بیرون بیا و دیگر وارد او نشو. ²⁶ و بعد از فریاد بلند و تشنج بسیار آن پسر، روح بیرون آمد و پسر مانند مُرده ای شد. تا جایی که بسیاری گفتند: او مُرده است. ²⁷ اما عیسی دستش را گرفت و او را بلند کرد و او برخاست.

²⁸ و وقتی وارد خانه شدند، شاگردانش در خلوت از او پرسیدند: چرا ما نتوانستیم دیو را بیرون کنیم؟ و او به آنها گفت: این جنس با چیزی غیر از دعا و روزه بیرون نمی آید.

اهمیت تواضع

³⁰ و آنها از آنجا رفتند و از جلیل عبور کردند، و او نمی خواست کسی از این موضوع باخبر شود. ³¹ زیرا به شاگردانش تعلیم داد و به آنها گفت: پسر انسان به دستان مردم تسلیم خواهد شد، و آنها او را خواهند کشت، و سه روز پس از کشته شدن،

را به زمین می اندازد و او کف می کند و دندان هایش را به هم می فشارد و ضعیف می شود. و من با شاگردانت صحبت کردم تا آن را بیرون کنند، اما آنها قادر نبودند. ¹⁹ و او در پاسخ به آنها گفت: ای نسل بی ایمان، تا به کی باید با شما باشم؟ تا به کی باید شما را تحمل کنم؟ او را نزد من بیاورید. ²⁰ و آنها او را نزد عیسی آوردند، و روح وقتی عیسی را دید، فوراً پسر تشنج گرفت و او روی زمین افتاد و غلتید و دهانش کف کرد. ²¹ و عیسی از پدر آن پسر پرسید: چه مدتی است که برای او این حالت رخ می دهد؟ و او گفت: از کودکی. ²² و اغلب او را هم در آتش و هم در آب می اندازد تا نابودش سازد، اما اگر می توانید کاری بکنید، به ما رحم کنید و کمک کنید. ²³ و عیسی به او گفت: بلکه اگر تو بتوانی! همه چیز برای کسی که ایمان دارد ممکن است. ²⁴ پدر کودک فوراً فریاد زد و گفت: ایمان دارم! به بی ایمانی من کمک کن! ²⁵ و وقتی عیسی دید که

9:22 اگر می توانی - آن مرد به توانایی های عیسی شک داشت. منظورش این بود که «هر چه در توانت است انجام بده». عیسی در پاسخ گفت که اعمال خدا در زندگی نه به او بلکه به خود ما بستگی دارد. اگر بتوانیم ایمان داشته باشیم، همه چیز ممکن است. این ما هستیم که خود را کنترل می کنیم، نه خدا، درست مثل زمانی که دستان روی کنترل صدا است.

9:24 ما در آن واحد هم ایمان داریم هم نداریم. ما ایمان کامل نداریم. تواضع و صداقت آن مرد تأثیرگذار بود. هیچ شخصیت شیطانی در گیتی وجود ندارد؛ کنترل 100% در دست خداوند است. اما در ذهن انسان، تمایل برای انجام کار نیک و بد وجود دارد. پولس درباره این موضوع در باب 7 رومیان سخن گفته است. این مرد نیز اینجا با تصدیق ایمان و عدم ایمان در خود، این موضوع را محقق کرد. ما نیز باید در درون خود این موضوع را به رسمیت بشناسیم؛ و وقتی این را در دیگران درک می کنیم، از حرکت باز نایستیم.

او را منع نکنید. زیرا کسی نیست که کار عظیمی را به نام من انجام دهد و سپس بتواند درست بعد از آن فوراً از من بدگویی کند.⁴⁰ زیرا کسی که علیه ما نیست، با ما است.⁴¹ زیرا هر کسی که به شما یک کاسه آب برای نوشیدن بدهد چون شما پیروان مسیح هستید- به راستی به شما می‌گویم که او به هیچ وجه پاداشش را از دست نخواهد داد.

تعلیم درباره گناه

⁴² و هر کسی که باعث لغزش یکی از این کوچکانی بشود که به من ایمان دارند، برای او بهتر است که سنگ آسیاب بزرگی دور گردنش آویزان شود و به دریا افکنده شود.⁴³ و اگر دست شما باعث لغزتان می‌شود، آن را قطع کنید. برای شما بهتر است علیل وارد زندگی شوید تا این که با دو دست وارد جهنم و آتش خاموش‌نشدنی بشوید،⁴⁴ جایی که کرم آن نمی‌میرد و آتش خاموش

او خواهد برخاست.³² اما آنها این حرف را نفهمیدند و می‌ترسیدند که از او سوال کنند.

³³ و به کفرناحوم رفتند و وقتی عیسی در خانه بود، از آنها پرسید: در راه اینجا راجع به چه چیزی بحث می‌کردید؟

³⁴ اما آنها ساکت ماندند. زیرا در راه درباره این که کدام یک از آنها بزرگتر است با یکدیگر مشاجره کرده بودند.³⁵ و او نشست و آن دوازده نفر را صدا زد؛ و به آنها گفت:

اگر کسی می‌خواهد اولین باشد، باید آخرین ما و خادم همه باشد.³⁶ و کودکی را بُرد و میان آنها نهاد و در آغوش گرفت و به آنها گفت:³⁷ هر که یکی از این کودکان را به نام من بپذیرد، من را بپذیرفته است. و هر که مرا قبول کند، نه من را بلکه فرستنده من را قبول می‌کند.

³⁸ یوحنا به او گفت: استاد، ما دیدیم که یک نفر دیوها را به نام تو بیرون می‌راند و او را منع کردیم، زیرا از ما پیروی نمی‌کرد.³⁹ اما عیسی گفت:

9:34 آنها بالافاصله بعد از این که عیسی با آنها درباره مرگ قریب‌الوقوع صحبت کرد، در این باره بحث کردند که چه کسی باید بزرگتر باشد (آیه 31). هر گاه عیسی درباره مرگش با شاگردانش حرف می‌زد، آنها شروع به بحث بین خودشان می‌کردند. در آنها یک مانع روانی برای درک پیام صلیب وجود داشت. ما هم چنین گرایشی داریم؛ ترجیح می‌دهیم به درون خود بنگریم، خود را با دیگران مقایسه کنیم تا با معیار تعیین شده در مصلوب شدن عیسی.

9:38 به نام تو- یکی از شاگردان یحیای تعمیددهنده که بنا به دلایلی نمی‌خواست به شاگردان عیسی مرتبط شود.

9:40 اینجا عیسی برای همیشه روشن می‌کند که ما نباید در برابر کسانی که در حقیقت نام او را حمل می‌کنند خود را منحصربه‌فرد بدانیم (آیه 39). اگر آنها ما را مستثنی کنند، تصمیم خودشان است. اما ما نباید آنها را مستثنی کنیم. **9:43** باید هر چه باعث می‌شود در مسیرمان به سوی ملکوت خداوند بلغزیم را از زندگی‌مان بیرون کنیم، گرچه این بسیار دردناک خواهد بود و نیازمند خویشتن‌داری

پاب 10

تعلیم درباره طلاق

و او آنها را ترک کرد و وارد مناطق یهودیه در آن سمت اردن شد. مردم دوباره دور او جمع شدند و طبق عادتش، به آنها تعلیم می‌داد.² و فریسیان نزد او آمدند و از او پرسیدند: آیا جایز است که کسی از زنش طلاق بگیرد؟ آنها این را پرسیدند تا او را ببازمایند.³ و او در پاسخ به آنها گفت: موسی به شما چه دستوری داده؟ و آنها گفتند: موسی به مرد اجازه داده که طلاق‌نامه‌ای بنویسد و زنش را طلاق دهد.⁵ اما عیسی به آنها گفت: به خاطر قساوت قلب شما، او این دستور را برای شما نوشت.⁶ اما از ابتدای آفرینش: خداوند مرد و زن را آفرید.⁷ به همین علت، مرد باید پدر و مادر خود را ترک کند⁸ و به همسرش بپیوندد تا هر دو تبدیل به

نمی‌شود.⁴⁵ و اگر پایتان باعث لغزتان می‌شود، آن را قطع کنید. برای شما بهتر است لنگان وارد زندگی شوید تا این که دو پا داشته باشید و به جهنم افکنده شوید، جایی کرم آن نمی‌میرد و آتش خاموش نمی‌شود.⁴⁶ و اگر چشم‌تان باعث لغزش شما می‌شود، آن را بیرون بیاورید. برای شما بهتر است با یک چشم وارد ملکوت خداوند شوید تا این که دو چشم داشته باشید و به جهنم افکنده شوید،⁴⁸ جایی کرم آن نمی‌میرد و آتش خاموش نمی‌شود.⁴⁹ زیرا همه با آتش نمکین خواهند شد.

⁵⁰ نمک خوب است؛ اما اگر نمک طعم خود را از دست دهد، با چه آن را مزه‌دار خواهید کرد؟ در خود نمک داشته باشید و با یکدیگر صلح کنید.

عظیم و اراده‌ای قوی است.

9:45 جهنم زباله‌دانی بیرون از اورشلیم بود که در آن همیشه آتش روشن بود، زیرا زباله تازه همیشه در آن انداخته می‌شد. اما اقلام کوچکی که داخل آن انداخته می‌شد، نابود و فوراً به خاکستر تبدیل می‌گشت. به همین شکل، اورشلیم به دلیل گناه‌های قوم اسرائیل با آتش ابدی خشم خداوند تهدید شد. «آن گاه آتشی را در دروازه‌هایش روشن خواهم کرد و کاخ‌های اورشلیم را خواهد بلعید و خاموش نخواهد گشت» (ارمیا، 17:27). از آنجایی که اورشلیم پایتخت پیش‌گویی شده پادشاهی آینده است (اشعیا، 4:2-2؛ مزامیر، 48:2)، خداوند نمی‌خواست این را به معنای واقعی کلمه بخوانیم. خانه‌های افراد بزرگ در اورشلیم در آتش سوخت (دوم پادشاهان 9:25)، اما آن آتش تا ابد ادامه نیافت. آتش معروف خشم خدا/مجازات گناه توسط خدا است، اما خشم او ابدی نیست. (ارمیا، 3:12). آتش هر چه را می‌سوزاند به خاکستر تبدیل می‌کند؛ و ما می‌دانیم که مزد گناه موت است، بازگشت به خاکستر. شاید به این دلیل از آتش به عنوان نماد مجازات گناه استفاده می‌شود.

9:47 شخصیت ابدی ما در ملکوت خداوند به تلاش‌های ما در این زندگی برای از بین بردن منشأ و وسوسه و لغزش بستگی دارد.

جوان ثروتمند

¹⁷ و در حالی که عیسی در طول جاده پیش می‌رفت، مردی به سوی او دوید و جلوی او زانو زد و از او پرسید: ای استاد نیکو، چه کاری باید انجام دهم که زندگی جاودانه‌ای به ارث ببرم؟ ¹⁸ و عیسی به او گفت: چرا من را نیکو صدا می‌زنی؟ هیچ کس جز خداوند نیکو نیست. ¹⁹ تو احکام را می‌دانی. قتل نکن. زنا نکن. دزدی نکن. شهادت دروغ مده. کلاهبرداری نکن. به پدر و مادر خود احترام بگذار. ²⁰ و او به عیسی گفت: استاد، همه این‌ها را از جوانی‌ام رعایت کرده‌ام. ²¹ و عیسی به او نگاه کرد و محبت نمود؛ و به او گفت: چیزی کم داری. برو هر چه داری بفروش به فقیران بده تا در آسمان گنجینه داشته باشی. و بیا و من را دنبال کن. ²² اما این تعلیم او را غمگین کرد و او اندوهگین به راه خود رفت. زیرا کسی بود که اموال بسیار داشت. ²³ و عیسی اطراف را نگرست به شاگردانش گفت: برای ثروتمندان

یک تن شوند؛ پس آنها دیگر نه دو جسم بلکه یک جسم هستند. ⁹ پس آنچه خدا به هم پیوند داده انسان نباید جدا کند.

¹⁰ و در خانه، شاگردان از او درباره این موضوع پرسیدند. ¹¹ و او به آنها گفت: هر که از زنش جدا شود و با دیگری ازدواج کند، در قبال زنش زنا کرده است. ¹² و اگر خود زن از شوهرش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، او زنا کرده است.

¹³ و آنها کودکان را نزد او می‌آوردند تا عیسی آنها را لمس کند؛ و شاگردان آنها را سرزنش کردند. ¹⁴ اما وقتی عیسی این را دید، خشمگین شد و به آنها گفت: بگذارید کودکان نزد من بیایند، آنها را منع نکنید. زیرا ملکوت خداوند به آنها تعلق دارد. ¹⁵ به راستی به شما می‌گویم، هر که کودک نپذیرد، به هیچ وجه وارد آن نخواهد شد. ¹⁶ و او آنها را در آغوش گرفت و دستانش را بر آنها نهاد و برای آنها دعای خیر کرد.

10:9 شوهران و زنان می‌توانند با بحث، اصرار بر مسیر خود، انتقاد، وابستگی به چیزها یا شریک‌های دیگر، آنچه خدا در ازدواجشان به هم پیوند داده را از هم جدا کنند. همچنین، افراد دیگر نیز می‌توانند با چیزهایی مثل کنترل یک شریک علیه دیگری، مسموم کردن ذهن یک نفر علیه دیگری، و غیره آنها را از هم جدا سازند.

10:14 کسانی که وارد ملکوت خدا می‌شوند ویژگی‌های کودکان را خواهند داشت. اعتماد، امید، تمایل به یادگیری.

10:19 احکامی که عیسی ترجیح داد فهرست کند احکامی هستند که می‌توان انجام دادن یا ندادن آنها را با علامت مشخص کرد. آن مرد فکر می‌کرد که از لحاظ شریعت نیکوکار بود. اما عیسی یاد داد که مسأله کامل بودن، تبعیت از شریعت نیست. بلکه مربوط به حمل کردن صلیب او و دنبال کردن او است.

10:21 با بخشیدن ثروت خود به فقرا، گویی آن ثروت را از زمین به آسمان انتقال

یا زمین‌های خود را به خاطر اسم من یا اسم پشارت ترک کند،³⁰ در ازای آن در این فصل صد برابر خانه و برادر و خواهر و مادر و فرزندان و زمین و نیز همراه آنها درد و رنج؛ اما در عصر آینده زندگی جاودانه دریافت خواهد کرد.³¹ اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند بود و آخرین، اولین.

سخنان عیسی درباره مرگ خود
³² و آنها در جاده به سوی اورشلیم روانه بودند و عیسی جلوتر از آنها راه می‌رفت. و آنها شگفت زده بودند و دنبال‌کنندگان ترسیده بودند. عیسی آن دوازده نفر را به کناری کشید و درباره اتفاقی که قرار بود برای او رخ دهد به آنها گفت:³³ ما به اورشلیم خواهیم رفت و پسر انسان به سران کاهنان و کاتبان تحویل داده خواهد شد؛ و آنها او را

ورود به ملکوت خداوند چقدر سخت خواهد بود!²⁴ و شاگردان از کلمات او حیرت‌زده شدند. اما عیسی ادامه داد و به آنها گفت: ای فرزندان! برای کسانی که به ثروت توکل دارند، ورود به ملکوت خداوند چقدر سخت است!²⁵ گذشتن شتر از سوراخ سوزن از وارد شدن مردی ثروتمند به ملکوت خداوند آسان‌تر است.²⁶ و آنها از این بسیار متعجب شدند و به او گفتند: پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟²⁷ عیسی به آنها نگاه کرد و گفت: برای انسان‌ها چنین کاری غیرممکن است، اما برای خداوند نه. زیرا نزد خداوند همه چیز ممکن است.

²⁸ پطرس به او گفت: ما همه را رها کردیم و پیرو تو شدیم.²⁹ عیسی گفت: به راستی به شما می‌گویم. و هر کسی که خانه، یا برادران، یا خواهران، یا مادر، یا پدر، یا فرزندان،

می‌دهیم. دعوت به حمل صلیب برای انسان‌های قرن یکم شوکه‌آور بود- زیرا مرگ با صلیب، مرگ مجرمان بود و صلیب به عنوان نماد شرمساری، منفور بود. عیسی از ما می‌خواهد در آخرین قدم‌های یک مرد محکوم شده به جایگاه مرگ، به او ملحق شویم. دنبال کردن او یعنی دنبال کردن او تا مرگ.

10:24 تکیه به ثروت، مشابه داشتن ثروت است (آیه 23). داشتن ثروت همان تکیه کردن به آن است زیرا این ماهیت ثروت است. ممکن نیست آن را داشته باشیم و به آن تکیه نکنیم. با این حال، علی‌رغم این هشدارها درباره خطرات معنوی ثروت، بسیاری از مسیحیان مجدانه دوست دارند صاحب ثروت باشند!

10:30 اکنون این برکات را در کلیسا دریافت می‌کنیم، در رفاقت با برادران و خواهرانمان در آنجا. اگر ترجیح دهیم که با دیگران رفاقت نکنیم، یا اگر کلیسا ناکارآمد باشد، پس این برکات وعده داده شده به حقیقت نخواهند پیوست.

10:31 جامعه ما مثل یک آسانسور است؛ وقتی وارد آن می‌شویم، فشار و نیرو همیشه به سمت بالا است. مردم می‌خواهند از لحاظ اجتماعی به سمت بالا حرکت کنند، موقعیت خود را بهبود ببخشند، در مسابقه پیشی بگیرند. اما هر چه بیشتر جلو می‌رویم، در ابدیت عقب‌تر خواهیم رفت.

⁴¹ و وقتی ده نفر آنها این را شنیدند، نسبت به یعقوب و یوحنا خشمگین شدند. ⁴² و عیسی آنها را نزد خود فراخواند و به آنها گفت: می‌دانید که آنهایی که فرمانروایان بیگانگان تلقی می‌شوند بر آنها سروری می‌کنند و بزرگان آنها بر آنها ریاست می‌کنند. ⁴³ اما در میان شما این چنین نخواهد بود؛ بلکه هر کسی از شما که می‌خواهد بزرگ باشد باید خادم شما باشد. ⁴⁴ و هر کسی از شما که می‌خواهد اول باشد باید خادم همه باشد؛ ⁴⁵ زیرا پسر انسان نیامده تا مخدوم شود، بلکه خدمت کند و جان خود را برای بسیاری فدا کند.

عیسی بارتیمائوس را شفا

می‌دهد

⁴⁶ آنها به اریحا رسیدند. و در حالی که عیسی با شاگردانش و جمعیت عظیمی اریحا را ترک می‌کردند، بارتیمائوس، پسر تیمائوس که گدای کوری بود در کنار جاده نشسته بود. ⁴⁷ و وقتی شنیدند که او عیسی ناصری بود، شروع کردند به فریاد زدن و گفتند:

محمکوم به مرگ خواهند کرد، و او را به بیگانگان تسلیم خواهند کرد. ³⁴ و آنها او را به سخره خواهند گرفت، آب دهان به روی او خواهند انداخت و او را شلاق خواهند زد، خواهند کشت؛ و سه روز بعد، او دوباره خواهد برخاست.

³⁵ سپس یعقوب و یوحنا پسران زبدي نزد او آمدند و به او گفتند: استاد، می‌خواهیم هر چه از تو درخواست می‌کنیم برای ما انجام دهی. ³⁶ و عیسی به آنها گفت: دوست دارید چه کار برای شما انجام دهم؟ ³⁷ آنها به او گفتند: به ما اجازه بده که یکی در دست راست تو یکی در دست چپ تو در جلال تو بنشیند. ³⁸ اما عیسی به آنها گفت: نمی‌دانید که چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از جامی بنوشید که من می‌نوشم؟ یا تعمیدی را که من گرفتم، بگیرید؟ ³⁹ آنها به او گفتند: می‌توانیم! و عیسی به آنها گفت: از جام من خواهید نوشید و با تعمیدی که من گرفتم تعمید خواهید گرفت. ⁴⁰ اما نشستن در دست راست و چپ من متعلق به من نیست که عطا کنم؛ بلکه به کسانی عطا خواهد شد که برای آنها آماده شده است.

10:35 دوباره، درست پس از پیشگویی مرگ مسیح، شاگردان شروع به بحث می‌کنند. پیام صلیب در آنها در آن زمان گم شده بود. و مرقس این داستان را برای مخاطبین تعریف می‌کند و به آنها نشان می‌دهد که خود واعظان در ابتدا «آن را درک نکردند»؛ و بر اساس این تفکر متواضع، از شنوندگان می‌خواهند از استادان خود بهتر باشند و سریع‌تر «آن را درک کنند».

10:40 متعلق به من نیست - دوباره شاهد پیروی عیسی از پدر هستیم.

10:43 بنابراین، ما باید برای خدمت به دیگران هر روز دنبال فرصت بگردیم. «برادر، خواهر، بگذار به تو خدمت کنم» باید ضربان هر روز زندگی‌مان باشد.

10:47 پسر داود - او تصدیق کرد که وعده‌هایی که درباره یکی از نوادگان آینده داود

آن نیاز دارد؛ او فوراً آن را اینجا خواهد فرستاد.⁴ و آنها رفتند بیرون و در کوچه ای، کره الاغی یافتند که مقابل دری بسته شده بود. پس آن را باز کردند.⁵ و کسانی که آنجا ایستاده بودند به آنها گفتند: چه کار می‌کنید، کره الاغ را باز می‌کنید؟⁶ و همان چیزی را گفتند که عیسی گفته بودند و آنها اجازه دادند که بروند.⁷ و آنها کره الاغ را نزد عیسی بردند و لباس‌های خود را روی آن گذاشتند و روی آن نشستند.⁸ و بسیاری لباس‌های خود را روی جاده پهن کردند و دیگران شاخه‌هایی را که از مزرعه‌ها چیده بودند گسترانیدند.⁹ و مردمی جلوی او بودند و کسانی که او را دنبال می‌کردند فریاد زدند، هوشیاعانا! مبارک باد آن کسی که به نام خداوند می‌آید!¹⁰ مبارک باد ظهور ملکوت پدر ما داود! هوشیاعانا والاترین است!¹¹ و به اورشلیم رسید و وارد معبد شد، و وقتی به همه چیز نگاه کرد، دیگر شب شده بود و با آن دوازده نفر به بیت عنیا رفت.

عیسی و درخت انجیر

¹² و روز بعد وقتی بیت عنیا را ترک کردند، عیسی احساس گرسنگی کرد.¹³ او که از دور یک درخت انجیر دارای برگ را دید، رفت تا ببیند آیا می‌تواند چیزی در آن پیدا

عیسی! ای پسر داود به من رحم کن!⁴⁸ و بسیاری آنها را سرزنش کردند و گفتند که باید ساکت باشد. اما او بیشتر فریاد زد: تو ای پسر داود، به من رحم کن!⁴⁹ و عیسی ایستاد و گفت: او را فراخوانید. و آنها مرد کور را صدا زدند و به او گفتند: شهادت داشته باشید! بلند شو، او تو را فرا می‌خواند!⁵⁰ و او لباسش را به کناری انداخت، و به سرعت بلند شد و نزد عیسی رفت.⁵¹ و عیسی گفت: دوست داری برایت چه کار کنم؟ و مرد کور به او گفت: استاد، می‌خواهم بینایی‌ام را به دست آورم.⁵² و عیسی به او گفت: برو. ایمانت تو را شفا داد. و او فوراً بینایی‌اش را به دست آورد و دنبال او رفت.

باب 11

ورود عیسی به اورشلیم

و وقتی نزدیک اورشلیم رسیدند و وارد بیت فاجی و بیت عنیا در کوه زیتون شدند،² عیسی دو شاگردش را فرستاد و به آنها دستور داد: به روستای پیش روی خود بروید و همین که وارد می‌شوید، کره الاغی را پیدا خواهید کرد که بسته شده است و هیچ کس روی آن ننشسته است. آن را باز کنید و نزد من بیاورید.³ و هر کس به شما گفت: چرا این کار را می‌کنید؟ بگویید: خداوند به

داده شده و این که او پسر خدا نیز خواهد بود، در عیسی به حقیقت خواهند پیوست (دوم سموئیل، 7: 12 تا 16).

10:50 احتمالاً لباس او تنها دارایی‌اش بود.

11:15 پول درآوردن از دین از نظر عیسی بسیار مذکور بود.

تعالیم او شگفت‌زده بودند.¹⁹ و هر شب او شهر را ترک می‌کرد.²⁰ و در حالی که صبح‌هنگام عبور می‌کردند، دیدند که درخت انجیر از ریشه خشکیده شده است.²¹ و پطرس که به یاد داشت به عیسی گفت: استاد، نگاه کنید به درخت انجیری که نفرین کردید. خشک شده است!²² و عیسی در پاسخ به آنها گفت: به خدا ایمان داشته باشید.²³ به راستی به شما می‌گویم، هر که به این کوه بگوید: تکان بخور و به دریا افکنده شو، و در دلش شکی نداشته باشد و باور داشته باشد که گفته‌اش محقق خواهد شد، این کار انجام خواهد شد.²⁴ بنابراین به شما می‌گویم: همه چیز، هر چیزی را که دعا و درخواست کنید و ایمان داشته باشید که آن را دریافت خواهید کرد، قطعاً آن را بدست خواهید آورد.²⁵ و هرگاه برای دعا ایستادید، کسانی را که از آنها کینه به دل دارید

کند یا نه. وقتی پیش درخت آمد، چیزی جز برگ پیدا نکرد - زیرا فصل انجیر نبود.¹⁴ عیسی درخت را خطاب قرار داد: بنابراین، هیچ کس دیگر از تو میوه‌ای نخواهد خورد. و شاگردانش این را شنیدند.¹⁵ و آنها به اورشلیم آمدند و عیسی وارد معبد شد و شروع کرد به بیرون کردن فروشندگان و خریداران در معبد و میزهای صرافان و صندلی‌های کبوترفروشان را واژگون ساخت.¹⁶ و به هیچ کس اجازه نمی‌داد هیچ گونه تجارتی از طریق معبد انجام دهند.¹⁷ و او تعلیم داد و به آنها گفت: آیا نوشته نشده است که: خانه من، خانه دعا برای همه ملت‌ها خواهد بود؟ اما شما آن را تبدیل به غار دزدان کرده‌اید!¹⁸ و روحانیون اعظم و کاتبان این را شنیدند و دنبال راهی برای نابودی او گشتند. زیرا آنها از او می‌ترسیدند چرا که همه مردم از

11:16 اجازه نمی‌داد. عیسی همه این کارها را، بدون این که جلوی او گرفته شود و به تنهایی، انجام می‌داد. اینجا شاهد قدرت شخصیت او هستیم؛ با همین اختیار بود که بعد از این که به مردم مشتاق غذا داد، توانست به آنها دستور دهد که به خانه بروند. این تا حدی هدیه‌ای از جانب خدا است، اما تا حدی هم نتیجه تمرکز شدید و قدرت ذهن او است.

11:17 این پیشگویی درباره ملکوت آینده خدا است. اما عیسی فهمید که ما باید زندگی ملکوت را اکنون داشته باشیم. ما نیز باید همین کار را بکنیم؛ هیچ فرق بزرگی بین این نوع زندگی کنونی و زندگی ابدی ما نخواهد بود. بدین ترتیب، ما «زندگی جاودانه داریم» از آن جهت که امروز همان نوع زندگی را داریم که در جاودانگی خواهیم داشت.

11:22 ایمان داشته باشید. آنها از ایمان عیسی شگفت‌زده بودند، اما عیسی به آنها می‌گوید که ایمان او را تحسین نکنند، همان طور که مردم عکس یا تصویر عیسی را می‌ستایند، بلکه باید درک کنند که ایمان و زندگی او، الگوی همه ما باشد. اگر او چنین ایمانی داشته، پیروانش نیز باید چنین ایمانی داشته باشند.

نمی‌دانیم. و عیسی به آنها گفت: من هم به شما نمی‌گویم با چه اختیاری این کارها را می‌کنم.

ببخشید؛ تا شاید پدر آسمانی‌تان نیز خطاهای شما را ببخشد.²⁶ اما اگر نبخشید، پدر آسمانی‌تان نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

باب 12

مَثَلِ تَاکِستَان

و عیسی شروع کرد به سخن گفتن در قالب مَثَل. مردی تاکستانی را احداث کرد و حصاری دور آن نهاد و در آن برای احداث چرخشت، چاله‌ای کند و برجی ساخت؛ و آن را به کشاورزان اجاره داد. سپس به کشور دیگری رفت.² و در فصل برداشت، خادمی را نزد کشاورزان فرستاد تا از کشاورزان میوه‌های تاکستان را دریافت کند.³ و آنها خادمان او را گرفتند و زدند و دست خالی روانه کردند.⁴ دوباره خادم دیگری را نزد آنها فرستاد - و آنها سر او را زخمی کردند و با بی‌احترامی با او برخورد کردند.⁵ و او خادم دیگری را فرستاد - و آنها او را کشتند؛ بسیاری از دیگر خادمان دیگر؛ برخی را زدند و برخی را کشتند.⁶ و پسر عزیزی داشت.

مسأله اختیار

²⁷ آنها به اریحا رسیدند. و در حالی که عیسی به سوی معبد قدم می‌زد، روحانیون اعظم و کاتبان و ریش‌سفیدان نزد او آمدند.²⁸ آنها به او گفتند: با چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی؟ چه کسی به تو اختیار انجام این کارها را داده؟²⁹ و عیسی به آنها گفت: یک سوال از شما می‌پرسم. به من پاسخ دهید تا بگویم با چه اختیاری این کارها را می‌کنم.³⁰ تعمید یحیی از آسمان بود یا از انسان؟ پاسخ من را بدهید.³¹ و آنها بین خود بحث کردند و گفتند: اگر بگوییم: از آسمان - او خواهد گفت: پس چرا او را باور نداشتید؟³² اما اگر بگوییم: از انسان - از مردم می‌ترسیدند. چون به راستی همه یحیی را پیامبر می‌دانستند.³³ و آنها به عیسی پاسخ دادند و گفتند:

11:26 بنابراین، بخشش دیگران برای رهایی ما حیاتی است. ما از خدا می‌خواهیم که «گناهان پنهانی» ما را ببخشد، گناهانی را که حتی نمی‌پذیریم مرتکب شده‌ایم؛ و بنابراین عاقلانه‌تر آن است که بدون این که ابراز پشیمانی دیگران را بخواهیم، آنها را ببخشیم.

12:1 خدا صاحب تاکستان است و تاکستان اسرائیل است. خدا همه کار کرد تا آنها میوه معنوی به بار آورند؛ همان کاری که برای ما می‌کند. خادمانی که فرستاد، انبیا هستند.

12:2 در فصل برداشت - زمان‌های بسیاری بود که محصولات می‌توانستند به بار آیند؛ ملکوت خداوند می‌توانست زودتر بنا نهاده شود، اما خدا به ما اختیار خالص داده؛ بنابراین، منتظر زمانی است که آمزش به او میوه بدهند. این می‌تواند حاکی از آن باشد که عیسی تنها زمانی بازخواهد گشت که قوم اسرائیل توبه کنند و میوه معنوی به خدا بدهند.

به نظر هیچ کس اهمیت نمی‌دهی. زیرا فریب ظاهر را نمی‌خوری بلکه به راستی راه خدا را تعلیم می‌دهی. آیا جایز است به امپراتور مالیات معبد بدهیم یا نه؟¹⁵ آیا باید بدهیم یا ندهیم؟ اما عیسی که از ریاکاری آنها خبر داشت به آنها گفت: چرا من را امتحان می‌کنید؟ یک دینار برای من بیاورید تا به آن نگاه کنم.¹⁶ و آنها آن را آوردند. و او به آنها گفت: این تصویر و نوشته متعلق به کیست؟ و آنها به او گفتند: متعلق به قیصر است.¹⁷ و عیسی به آنها گفت: چیزهایی را که به قیصر تعلق دارد به قیصر و هر چه به خدا تعلق دارد به خدا بدهید. و آنها بسیار متعجب شدند.

¹⁸ و صدوقیان (به گفته آنها هیچ رستاخیزی وجود ندارد) نزد او آمدند و از او پرسیدند: ¹⁹ استاد، موسی برای ما نوشته: اگر برادر کسی بمیرد و زن خود را بازگذاشته و هیچ فرزندی نداشته باشد، آن گاه برادرش باید با زن او ازدواج کند تا بذری برای برادرش بزرگ کند.²⁰ هفت برادر بودند؛ اولی زن گرفت و بدون بذری درگذشت.²¹ و دومی آن

آخرین نفر او را نزد آنها فرستاد و گفت: آنها به پسر من احترام می‌گذارند. اما آن کشاورزان بین خود گفتند: این وارث است! بیایید، او را بکشیم تا ارثش به ما برسد.⁸ و آنها او را گرفتند و کشتند و از تاکستان بیرون انداختند.⁹ پس صاحب تاکستان با ایشان چه کار خواهد کرد؟ او خواهد آمد و کشاورزان را نابود خواهد کرد، و تاکستان را به دیگران خواهد داد.¹⁰ آیا در کتاب آسمانی نخواندید؟ همان سنگی که سازندگان رد کردند سنگ سر زاویه گردید.¹¹ این کار خدا بود و به چشم ما حیرت‌آور است.¹² و آنها در صدد دستگیری عیسی بودند؛ اما از مردم می‌ترسیدند. زیرا فهمیدند که او این مثل را علیه آنها گفته؛ و او را ترک کردند و رفتند.

تلاش یهودیان برای به دام

انداختن عیسی با سوالات

فریبکارانه

¹³ و آنها برخی از فریسیان و هیرودیان را نزد او فرستادند تا شاید او را در تعالیمش به دام بیندازند.¹⁴ و وقتی رسیدند، به او گفتند: استاد، ما می‌دانیم که تو صادق هستی و

12:7 این وارث است- حاکی از آن است که یهودیان تشخیص دادند که عیسی واقعاً چه کسی بود (11:28 تا 33 نیز همین را نشان می‌دهد). آگاهی یهودیان درباره عیسی امروز نیز بارز است.

12:9 دیگران - ملل غریبه‌ها

12:12 مرقس تأکید دارد که «مردم» تا چه حد از عیسی حمایت می‌کردند (11:18,32; 12:37; 14:2). اما همین مردم خیلی زود فریاد زدند «او را به صلیب بکشید!». ما باید با بی‌ثباتی ذات انسان بجنگیم- ذاتی که یک لحظه عیسی را دوست دارد و تحسین می‌کند و لحظه بعد او را انکار می‌کند.

12:17 ما در تصویر خداوند خلق شدیم؛ بنابراین، باید جسم و جان خود را به خدا بدهیم.

از او پرسید: اولین حکم کدام است؟
 29 عیسی پاسخ داد: اولین این است، بشنو ای اسرائیل، خداوند، خدای ما، خداوند یکتا است.³⁰ و باید خداوند، خدای خود را با تمام دل و روح و ذهن و تمام قدرت خود دوست بدارید.³¹ حکم دوم این است: باید همسایه‌ات را به اندازه خودت دوست بداری. هیچ حکم والاتری از این دو نیست.³² و کاتب به او گفت: درست است استاد. حقیقت را گفتی که خداوند یکتاست و کس دیگری جز او نیست.³³ و دوست داشتن او با تمام دل و تمام فهم و اما قدرت و دوست داشتن همسایه به اندازه خود بسیار والاتر از همه هدایای سوختنی و قربانی‌هاست.³⁴ و وقتی عیسی دید که او عاقلانه جواب داد، به او گفت: تو از ملکوت خداوند دور نیستی. و بعد از آن هیچ کس جرأت نکرد سوال دیگری از او بپرسید.³⁵ و عیسی در حالی که در معبد تعلیم می‌داد پرسید: چرا کاتبان می‌گویند که مسیح پسر داود است؟³⁶ خود داود با الهام از روح القدس

زن را گرفت و بدون هیچ بذری فوت کرد، و سومی نیز به همین شکل.²² و هر هفت نفر هیچ بذری به جا نگذاشتند. آخر از همه آن زن نیز مُرد.²³ در روز رستاخیز، او زن چه کسی خواهد بود؟ چرا که هر هفت نفر با او ازدواج کردند.²⁴ عیسی به آنها گفت: آیا دلیل اشتباهتان این نیست که نه کتب آسمانی را می‌شناسید و نه قدرت خدا را؟²⁵ زیرا وقتی از میان مردگان برمی‌خیزند، نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند، بلکه مانند فرشتگان آسمان خواهند بود.

26 اما درباره مُردگان که رستاخیز خواهند شد؛ آیا در کتاب موسی در متن مربوط به بوته نخوانده‌اید که چطور خداوند با او سخن گفته و می‌فرماید: من خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم؟²⁷ او نه خدای مُردگان، بلکه خدای زندگان است. در اشتباه بزرگی هستی.²⁸ و یکی از کاتبان آمد و بحث آنها را شنید؛ و با علم به این که عیسی به خوبی پاسخ آنها را داده

12:24 کتب آسمانی را نمی‌شناسید. اما آنها کتب آسمانی را می‌شناختند، خیلی‌ها می‌توانستند عهد عتیق را از حفظ بخوانند. ما هم ممکن است کتاب مقدس را بشناسیم، با این حال اگر شخصاً به قدرت خدا که کتاب مقدس آن را تعلیم می‌دهد ایمان نداشته باشیم، اصلاً چیزی از کتاب نمی‌دانیم.

12:31 برای دوست داشتن همسایه‌مان مثل خودمان، باید خودمان را دوست بداریم؛ به این معنی که ارزش و معنی واقعی خودمان در نظر خداوند را درک کنیم. همه ما به نحوی مایل هستیم نظری بسیار منفی نسبت به خودمان داشته باشیم.

12:33 همه هدایای سوختنی شامل تکتک اعضای حیوانی بود که برای خدا سوزانده می‌شد. دوست داشتن خدا و همسایه‌مان شامل وقف کل زندگی‌مان برای خدا است؛ زندگی با ایمان نمی‌تواند یک سرگرمی باشد، یا شبیه یک کتاب که گهگاه از روی علاقه می‌خوانیم، یا یک جلسه کلیسا که هر از گاهی در آن شرکت می‌کنیم، و یا یک محفل اجتماعی که وارد آن می‌شویم.

زن فقیر ریخت بیش از همه کسانی است که پول داخل خزانه می‌ریزند. ⁴⁴ زیرا آنها پولی را ریختند که نیازی به آن نداشتند، اما او با این که نیازمند بود هر چه داشت ریخت، همه معیشت خود را.

باب 13

عیسی نابودی معبد را پیش‌بینی می‌کند

در حالی که معبد را ترک می‌کرد، یکی از شاگردانش به او گفت: استاد، به این سنگ‌ها و بناهای شگفت‌انگیز نگاه کن! ² و عیسی به او گفت: آیا این بناهای عظیم را می‌بینی؟ سنگی روی سنگی نخواهد ماند. همه فرو خواهند ریخت.

³ و در حالی که روی کوه زیتون روبروی معبد نشست، پطرس و یعقوب و یوحنا و آندریاس در خلوت از او پرسیدند: ⁴ به ما بگو چه زمانی این اتفاقات می‌افتد و وقتی این اتفاقات قرار است رخ دهد چه نشانه‌ای خواهد داشت؟

گفت: خداوند به سرورم گفت، دست راستم بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم. ³⁷ خود داود او را سرور خطاب می‌کند، پس چگونه او پسر داود است؟ و مردم عادی با شادی به او گوش می‌دادند.

³⁸ و او در تعالیم خود گفت: از کاتبانی که دوست دارند با ردای بلند در بازار قدم بزنند و دیگران به آنها سلام بدهند و در کرسی‌های اصلی در کنیسه‌ها ³⁹ و جایگاه‌های اصلی در جشن‌ها باشند برحذر باشید. ⁴⁰ آنها خانه‌های بیوه‌ها را می‌بلعند و برای تظاهر نمازهای خود را طولانی می‌کنند، این‌ها مکافات شدیدی دریافت خواهند کرد.

⁴¹ و او در مقابل خزانه نشست و تماشا کرد که چگونه مردم پول داخل خزانه می‌ریختند و بسیاری از ثروتمندان پول زیادی می‌ریختند. ⁴² یک بیوه زن فقیر آمد و دو سکه مسی کوچک انداخت که یک ریال می‌شد. ⁴³ و او شاگردانش را جمع کرد و به آنها گفت: به راستی به شما می‌گویم که پولی که این بیوه

12:40 محکومیت شدید - پاداش و مجازاتی که عیسی هنگام بازگشت و قضاوت ما به مردم می‌دهد، درجاتی دارد.

12:43 عیسی بسیار دقت داشت که متوجه آن دو سکه‌ای شد که داخل جعبه انداخته شد. امروز نیز همین گونه است. او متوجه سرسپردگی و ایثار بی‌سر و صدا برای خود است که هیچ کس نمی‌داند. به همین دلیل است که در تعالیم خود به ما مخالف انجام دادن کارهای نیکی است که دیگران می‌بینند، و همچنین مخالف رفتار کاتبان بود (12:39). **13:2** این باب، که به نبوت آلیوت نیز معروف است، نشانه‌هایی می‌دهد که درست قبل از نابودی معبد توسط رومیان در سال 70 پس از میلاد مسیح محقق شدند. با این حال، واضح است که عیسی همچنین به نشانه‌هایی فکر می‌کرد که در اسرئیل و جهان دیده خواهد شد و منجر به بازگشت او خواهد گشت. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که اتفاقی که در سال 70 پس از میلاد مسیح رخ داد، به نوعی آخرین روزهای ما است.

کرد، و فرزندان علیه والدین خود قیام خواهند کرد و باعث مرگ آنها خواهند شد.¹³ و همه به خاطر نام من از شما متنفر خواهند شد؛ اما آن کسی که تا پایان مقاومت کند، نجات خواهد یافت.

¹⁴ اما وقتی کراهِت ویرانی را در جایی می‌بینید که نباید، (باشد که خواننده درک کند)، آنگاه کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند.¹⁵ و آن کسی که در بام خانه است برای برداشت چیزهایی که در خانه‌اش است نه پایین رود و نه وارد شود.¹⁶ و آن کسی که در مزرعه است برای برداشتن رخت خود بازنگردد.¹⁷ اما وای بر آنهایی که در آن ایام باردار و شیرخوارگان را شیر می‌دهند!¹⁸ و دعا کنید که در زمستان نباشد.¹⁹ زیرا آن روزها باعث پریشانی خواهد شد که از ابتدای آفرینش خدا تا کنون، مشابه آن هرگز نبوده و دیگر نخواهد بود.²⁰ و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نکرده بود، هیچ بشری نجات نمی‌یافت؛ اما به خاطر برگزیدگان او، آن روزها را کوتاه کرد.²¹ پس هر کسی به شما بگوید:

⁵ و عیسی به آنها گفت: مواظب باشید کسی گمراه نشود.⁶ بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت، من او هستم؛ و بسیاری را گمراه خواهند کرد.

⁷ و وقتی صدای جنگ و شایعه جنگ را شنیدید، آشفته نشوید. این اتفاقات باید بیفتند، اما پایان هنوز فرا نرسیده است.⁸ زیرا ملت علیه ملت و پادشاهی علیه پادشاهی قیام خواهد کرد، و زلزله و قحطی در جاهای مختلف رخ خواهد داد. این‌ها شروع درد زایمان هستند.

⁹ اما هشیار باشید. زیرا آنها شما را به شورها تسلیم خواهند کرد، و در کنیسه‌ها شما را خواهند زد و به خاطر من جلوی فرمانداران و پادشاهان خواهید ایستاد تا شهادت دهید.¹⁰ و بشارت باید اول به همه ملت‌ها موعظه شود.¹¹ هرگاه دستگیر و محاکمه شدید، از پیش نگران نباشید که چه باید بگویید. هر چه در آن ساعت به شما اعطا می‌شود بگویید زیرا این شما نیستید بلکه روح‌القدس است که سخن می‌گوید.¹² و برادر، برادر را و پدر، فرزند را به مرگ تسلیم خواهد

13:8 درد زایمان - به دنیا آوردن زمانی خواهد بود که عیسی بازمی‌گردد و کاملاً «دوباره متولد می‌شویم» و با ذاتی فناپذیر وارد ملکوت خدا خواهیم شد (یوحنا 5:3-3). بنابراین، زندگی در آخرین روزهای قبل از بازگشت عیسی، زمانی دردناک و ترسناک برای مؤمنان خواهد بود.

13:10 هر چه سریع‌تر انجیل را به همه ملت‌ها موعظه کنیم، پایان سریع‌تر فرا می‌رسد.

13:13 به نظر می‌رسد که مؤمنان در روزهای آخر آزار خواهند دید.

13:18 زمان واقعی رویدادها هم در سال 70 پس از میلاد و هم در آخرین روزها می‌تواند تحت تأثیر دعاها و ایمان قرار بگیرد.

13:19 این اشاره‌ای است به دانیال نبی، 12:1، که از «زمان رنج مثل هیچ زمان

رخ دادن همه این چیزها را می بینید، بدانید که او نزدیک است - در آستانه درها.³⁰ به راستی به شما می گویم: این نسل از میان نخواهند رفت مگر زمانی که همه این ها رخ بدهند.³¹ شاید آسمان و زمین از میان بروند، اما کلمات من از میان نخواهد رفت.

³² اما از آن روز و ساعت کسی خبر ندارد، حتی فرشتگان آسمان و خورشید، بلکه فقط پدر می داند. ³³ هشیار باشید، مواظب باشید و دعا کنید. زیرا نمی دانید که زمان آن کی فرا می رسد.³⁴ درست مانند مردی که در سفر است؛ هنگام ترک خانه اش، به هر کدام از خادمانش بر اساس وظایفشان مسئولیتی می سپارد. همچنین به دربان دستور می دهد که بیدار بماند.³⁵ پس بیدار بمانید. زیرا شما نمی دانید ارباب خانه چه زمانی می رسد، آیا شب هنگام، نصب شب، سپیده دم یا صبحگاه.³⁶ مبادا ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند،³⁷ به شما

نگاه کن، مسیح در اینجا است آنها را باور نکنید.²² زیرا مسیحان دروغین و پیامبران دروغین خواهند برخاست و نشانه ها و شگفتی های بسیاری را نشان خواهند داد تا (در صورت امکان) برگزیدان را گمراه کنند.²³ اما هشیار باشید، که از قبل همه این ها را به شما گفتم.

²⁴ اما فوراً پس از مصیبت در آن روزها، خورشید تیره خواهد شد و ماه، نورش را عطا نخواهد کرد²⁵ و ستاره ها از آسمان سقوط خواهند کرد و قدرت آسمان ها متزلزل خواهد شد.²⁶ و آنگاه آنها ظهور پسر انسان در ابرها را با قدرت و شکوه عظیمی خواهند دید.²⁷ و آنگاه او فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از چهار باد، از بالاترین نقطه زمین تا بالاترین نقطه آسمان گرد هم خواهد آورد.

²⁸ پس از درخت انجیر درس بگیرید. وقتی شاخه اش نازک شده و برگ می آورد، بدانید که تابستان نزدیک است.²⁹ پس شما نیز وقتی

دیگری» برای اسرائیل سخن می گوید. این یعنی حتماً وضعیت بدتر از هولوکاست نازی ها برای اسرائیل رخ خواهد داد. بنابراین، می توانیم انتظار داشته باشیم که افکار جهان به نحوی فزاینده علیه یهودیان خواهد شد. **13:24, 25** خورشید، ماه و ستارگان در کتاب مقدس به عنوان نماد حاکمان یک ملت، به ویژه اسرائیل به کار می روند (آفرینش، 9:37).

13:32 اگر خدا چیزی را می داند که عیسی نمی داند، پس عیسی نمی تواند خود خدا باشد. **13:33** ما نمی توانیم زمان دقیق بازگشت عیسی را بدانیم؛ بنابراین، باید مواظب [هشیار] باشیم و دعا کنیم. ادعاهای مختلف مبنی بر این که می توانیم از پیشگویی کتاب مقدس بفهمیم که عیسی چه سالی بازخواهد گشت را نادیده بگیرید.

13:34 وظایف- هر یک از ما بخش خاصی در پیکر مسیح داریم. اگر نمی دانید که چیست، یا امید و انتظارات خدا از شما چیست، پس دعا کنید تا بفهمید.

13:37 بیدار بمانید- اما طبق مثل متی، 25:5، حتی بالایمانان در روزهای آخر به خواب خواهند رفت. ما با رحمت نجات خواهیم یافت.

شما هستند و می‌توانید هر وقت خواهید در حق آنها کار نیک انجام دهید، اما من همواره با شما خواهم بود.⁸ او کاری را که از دستش برمی‌آمد انجام داد. بدن من را قبل از خاکسپاری تدهین کرد.⁹ و به راستی، به شما می‌گویم: هرگاه در کل عالم، بشارت موعظه شود، آنچه این زن انجام داده نیز به عنوان یادبودی از او بازگو خواهد شد.

¹⁰ و یهودای اسخریوطی که یکی از آن دوازده نفر بود، نزد روحانیون اعظم رفت تا شاید بتواند عیسی را تسلیم آنها کند.¹¹ و وقتی آنها این را شنیدند، خوشحال شدند؛ و قول دادند به او پول بدهند. و او در صدد این بود که چگونه به راحتی به عیسی خیانت کند.

عیسی برای خوردن فصح آماده

می‌شود

¹² و اولین روز عید فطیر، وقتی شاگردانش فصح را قربانی کردند، به او گفتند: دوست داری کجا فصح را برای تو آماده کنیم تا بخوری؟¹³ و او دو تن از شاگردانش را فرستاد و

همان را می‌گویم که به همه می‌گویم: بیدار بمانید!

پاب 14

تدهین عیسی

دو روز قبل از عید فصح و فطیر بود و روحانیون اعظم و کاتبان در پی این بودند که چگونه عیسی را با فریبکاری دستگیر کنند و به قتل برسانند.² زیرا گفتند: نه در ایام عید، تا مبادا مردم شورش کنند.

³ و در حالی که عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بود، وقتی سر سفره نشست، زنی با شیشه‌ای از عطری بسیار گرانبها از سنبلیل خالص آمد. او شیشه را شکست و روی سر عیسی ریخت. ⁴ اما بین آنها حس خشمی پدید آمد و گفتند: برای چه این عطر، اسراف شد؟⁵ چرا که این عطر را می‌شد بیش از سیصد دینار فروخت و آن را به فقرا داد. و آنها زن را سرزنش کردند.⁶ اما عیسی گفت: او را تنها بگذارید. چرا مزاحمش می‌شوید؟ او کاری نیک در حق من انجام داده است.⁷ زیرا فقیران همواره با

14:5 درسی که باید بگیریم این است که نباید رویکردی سودمندگرایانه به زندگی داشته باشیم. اگر عشق ما به عیسی قوی باشد، حس انجام کارهایی را پیدا خواهیم کرد که دیگران بی‌معنی و بی‌منطق تلقی می‌کنند. اما این کارها را انجام دهید.

14:8 آن زن درک کرد که عیسی رو به مرگ بود؛ او پیشگویی‌های عیسی در این باره را شنیده و باور کرده بود. اما شاگردان آن پیشگویی‌ها را انکار کرده بودند. مرقس در موعظه انجیل نشان می‌دهد که چقدر خود واعظان در «درک این موضوع» گُند بودند. و این، موعظه را جذاب‌تر و باورپذیرتر کرد.

14:13 زنان و نه مردان، حامل آب بودند. این شخص، یکی از پیروان عیسی بود؛ رهایی زنان در تعالیم و عمل عیسی یکی از عواملی بود که منجر به گسترش مسیحیت در میان زنان قرن یکم شد.

آن فرد بهتر بود که هرگز به دنیا نیامده بود.

شام آخر

²² و در حین خوردن، عیسی نان برداشت و وقتی شکر گفت، و آن را تکه تکه کرد و به شاگردانش داد و گفت: بگیرید بخورید، این بدن من است. ²³ و پیاله‌ای برداشت و وقتی شکرگزاری کرد، و آن را به آنها داد همه آنها از آن نوشیدند. و او به آنها گفت: این خون من در عهد جدید است که برای بسیاری ریخته می‌شود. ²⁵ به راستی به شما می‌گویم: از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که دوباره در ملکوت پدرم از آن بنوشم.

²⁶ و وقتی مناجات کردند، به کوه زیتون رفتند. ²⁷ و عیسی به آنها گفت: همه شما سقوط خواهید کرد. زیرا نوشته شده: چوپان را خواهم زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد. ²⁸ با این حال بعد از رستاخیز من، قبل از شما به جلیل خواهم رفت. ²⁹ اما پطرس به او گفت: حتی اگر همه بلغزند، من هرگز نخواهم لغزید! ³⁰ و عیسی به او گفت: به راستی به تو می‌گویم که امروز، در همین

به آنها گفت: بروید به شهر و آنجا مردی را ملاقات خواهید کرد که کوزه آبی در دست دارد. او را دنبال کنید. ¹⁴ و هر جا وارد می‌شود، به صاحب خانه بگویید: استاد می‌پرسد اتاق مهمانی که در آن می‌توانم فصیح را با شاگردانم بخورم کجاست؟ ¹⁵ و او غذاخوری بزرگی را به شما نشان خواهد داد که مزین و آماده است؛ آنجا غذا را برای من آماده کنید. ¹⁶ و شاگردان به شهر رفتند و همانطور که عیسی به آنها گفته بود پیدا کردند. و آنها شام فصیح را آماده کردند.

¹⁷ و شب هنگام، او با آن دوازده نفر آمد. ¹⁸ و وقتی نشستند و می‌خوردند، عیسی گفت: به راستی به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد- حتی آن کسی که با من غذا می‌خورد. ¹⁹ آنها غمگین شدند و یکی یکی از او پرسیدند: آیا منم؟ ²⁰ و عیسی به آنها گفت: یکی از دوازده نفر است. آن کسی که در آن واحد با من دست در بشقاب فرو برده. ²¹ زیرا پسر انسان می‌رود همان طور که درباره او نوشته شده، اما وای بر آن مردی که از طریق او به پسر انسان خیانت شد! برای

14:19 هنگام تکه تکه کردن نان، باید خود را بیازماییم (اول قرن‌تین، 11:28). تجسم این امر در مواردی دیده می‌شود مثل زمانی که هر کدام از شاگردان از عیسی پرسیدند «آیا من هستم {که به تو خیانت خواهم کرد}؟»؛ و زمانی که یهودیان مجبور شدند قبل از خوردن شام فصیح، در خانه‌هایشان دنبال خمیرمایه (نماد گناه) بگردند.

14:29 سنت و نیز شواهد درونی وجود دارد مبنی بر این که مرقس، بازگویی پطرس از انجیل را می‌نویسته است. با این که مرقس کوتاه‌ترین انجیل است، گزارش انکارهای پطرس با بیشترین جزئیات در انجیل مرقس ارائه شده است. این نشان می‌دهد که پطرس در حالی که انجیل را بازگو می‌کرد، روی ضعف‌های خود تمرکز می‌کرد؛ ما نیز باید این گونه باشیم.

چشم‌اندشان سنگین بود نمی‌دانستند چه جوابی به او بدهند.

⁴¹ و او برای بار سوم بازگشت و به آنها گفت: اکنون بخوابید و استراحت کنید. کافی است. ساعت فرا می‌رسد، به پسر انسان خیانت می‌شود و به دست گناهکاران تسلیم می‌گردد. ⁴² برخیزید! بیایید برویم. آن کسی که به من خیانت می‌کند در نزدیکی است.

⁴³ و فوراً در حالی که سخن می‌گفت، یهودا، یکی از این دوازده نفر آمد، و همراه او جمعیت عظیمی از طرف کاهنان اعظم و کاتبان و ریش‌سفیدان با شمشیر و چوب آمدند. ⁴⁴ آن کسی که به عیسی خیانت کرده بود به آنها علامت داد و گفت: هر کسی که ببوسم، همان شخص است. او را بگیرد و با مراقبت ببرید. ⁴⁵ و وقتی رسید، فوراً نزد عیسی آمد و گفت: استاد، استاد؛ و او را بوسید. ⁴⁶ و آنها او را دستگیر کردند و بردند.

⁴⁷ اما یکی از شاگردان که نزدیک ایستاده بود شمشیرش را کشید، و خادم کاهن اعظم را زد و گوشش را برید. ⁴⁸ و عیسی به آنها گفت: آیا آمده‌اید من را مانند یک دزد با شمشیر و چوب بگیرید؟ ⁴⁹ من هر روز در معبد با شما بدم و تعلیم دادم و من را دستگیر نکردید؛ این اتفاق می‌افتد تا شاید نوشته‌های

شب قبل از این که خروس دو بار بخواند، سه بار من را انکار خواهی کرد. ³¹ اما پطرس با تاکید گفت: اگر لازم باشد با تو بمیرم، تو را انکار نخواهم کرد. و همه آنها همین را گفتند.

عیسی در جتیسمانی

³² و آنها به مکانی به نام جتیسمانی رفتند؛ و عیسی به شاگردانش گفت: تا من دعا می‌کنم اینجا بنشینید. ³³ و او با خود پطرس و یعقوب و یوحنا را برد و بسیار اندوهگین و پریشان شد. و او به آنها گفت: روح من بسیار اندوهگین است حتی تا سر حد مرگ. اینجا بمانید و نظارمگر باشید. ³⁵ و او کمی جلوتر رفت و روی زمین افتاد و دعا کرد که اگر ممکن است، این ساعت از او دور شود. ³⁶ و او گفت: آبا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است؛ این پیاله را از من دور کن. اما نه به خواهش من بلکه به اراده تو.

³⁷ و او بازگشت و آنها را در خواب دید و به پطرس گفت: شمعون، چرا خوابیدی؟ آیا نتوانستی یک ساعت نظارمگر باشید؟ ³⁸ نظارمگر باشید و دعا کنید تا وسوسه نشوید. حقیقتاً که روح مایل است اما جسم ناتوان. ³⁹ برای بار دوم رفت و دعا کرد و همان کلمات را به زبان آورد: ⁴⁰ و دوباره بازگشت و دید که آنها خوابند.

14:36 «آبا» به معنی «بابا» تفسیر شده است. عیسی تا این حد به خدا احساس نزدیکی می‌کرد؛ ما هم می‌توانیم.

14:37 یک ساعت- دعای کوتاه او در 14:36 یک ساعت طول کشید. ما این کلمات را خیلی سریع می‌خوانیم.

عیسی سکوت کرد و چیزی نگفت. و کاهن اعظم دوباره از او پرسید و گفت: آیا مسیح پسر خدای متبارک هستی یا نه؟⁶² و عیسی گفت: من هستم و تو پسر انسان را خواهی دید که در دست راست قدرت نشسته و با ابرهای آسمان می‌آید.⁶³ و کاهن اعظم جامه‌اش را پاره کرد و گفت: دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟⁶⁴ این کفر را شنیدید. نظر شما چیست؟ و همه او را محکوم کردند و لایق مرگ دانستند.⁶⁵ برخی آب دهان به او انداختند صورتش را پوشاندند و او را زدند و به او گفتند: پیشگویی کن! و ماموران او را گرفتند و با دستان خود زدند.

انکارهای پطرس

⁶⁶ در حالی که پطرس در حیاط دربار از پله‌ها پایین می‌رفت، یکی از خدمتکاران روحانی اعظم آمد.⁶⁷ و وقتی دید پطرس در حال گرم کردن خودش است، به او نگاه کرد و گفت: تو هم با عیسای ناصری بودی!⁶⁸ اما او انکار کرد و گفت: من نه می‌دانم و نه می‌فهمم که چه می‌گویی؛ و به سمت حیاط رفت و خروس خواند.⁶⁹ و خدمتکار او را دید و دوباره به آنهایی که ایستاده بودند گفت: این یکی از آنهاست!⁷⁰ اما او دوباره این را انکار کرد. و کمی بعد، دوباره کسانی که آنجا ایستاده بودند به پطرس گفتند:

پیامبران محقق شود.⁵⁰ و همه شاگردان او را ترک و فرار کردند.⁵¹ و مرد جوانی او را دنبال کرد که چیزی غیر از پارچه کتان دور بدنش نبوشیده بود. و آنها او را گرفتند.⁵² اما او پارچه کتان را رها کرد و برهنه فرار کرد.

محاکمه عیسی

⁵³ و آنها عیسی را تسلیم کاهن اعظم کردند؛ و همه کاهنان اعظم و ریش‌سفیدان و کاتبان گرد هم آمدند.⁵⁴ اما پطرس از دور او را تا دربار کاهن اعظم دنبال کرده بود. و با ماموران نشسته بود و کنار آتش خود را گرم می‌کرد.

⁵⁵ اکنون کاهنان اعظم و کل شورا به دنبال شواهد دروغین علیه عیسی بودند تا او را به مرگ محکوم کنند ولی پیدا نکردند.⁵⁶ زیرا بسیاری علیه او شهادت دروغین دادند اما شهادتشان با هم یکسان نبود.⁵⁷ برخی ایستادند و علیه او شهادت دروغین دادند و گفتند: ⁵⁸ ما شنیدیم که او گفت من این معبد را که با دست ساخته شده نابود خواهم کرد و ظرف سه روز بدون دست معبد دیگری را می‌توانم بسازم.⁵⁹ اما حتی آن موقع نیز شهادتشان یکی نبود.

⁶⁰ و کاهن اعظم در میان آنها ایستاد و از عیسی پرسید: آیا جوابی نداری؟ این چیزهایی که این شاهدان علیه تو می‌گویند چیست؟⁶¹ اما

باب 15

محاکمه عیسی در حضور

پپلاطس

وقتی صبح فرا رسید، کاهنان اعظم و ریش‌سفیدان و کاتبان و کل شورا بی‌درنگ تصمیم خود را گرفتند و عیسی را بستند و او را بردند و به پپلاطس تحویل دادند.² و پپلاطس از او پرسید: آیا پادشاه یهودیان هستی؟ و عیسی در پاسخ به او گفت: همان که تو گفتی.³ و

حقیقتاً تو یکی از آنها هستی؛ زیرا تو اهل جلیل هستی.⁷¹ اما او شروع کرد به نفرین و سوگند خوردن: من این مردی را که از آن سخن می‌گویند نمی‌شناسم.⁷² و فوراً خروس برای بار دوم خواند. و پطرس حرف‌های عیسی را به خاطر آورد: قبل از این که خروس دو بار بخواند، تو من را سه بار انکار خواهی کرد. و وقتی به آن فکر کرد، گریست.

14:68 خروس خواند- پطرس باید متوجه این نشانه هشدار می‌شد. آیا از لحاظ روانی آن را نادیده گرفت؛ یا تصمیم گرفت که دفعه بعد شکست نخورد؟ باید خود را از وسوسه دور می‌کرد؛ اما درست مثل ما در اغلب موارد، این کار را نکرد. او مثل ما فکر کرد که قوی‌تر از چیزی است که هست.

14:68 او از نزد خداوند «بیرون رفت». «بیرون رفت» زبان یهودا بیرون می‌آید (یوحنا، 13:30- در اصل، پطرس و یهودا در یک زمان یک کار را کردند). نمونه‌های دیگر افراد مطرود به همین شکل از خداوند بیرون رفتند. قابیل «بیرون رفت» (آفرینش، 4:16)، صادقیا نیز در داوری اورشلیم چنین کرد (ارمیا، 39:4؛ 52:7). ایسا عیسو از سرزمین کنعان به ادم رفت، از نظر برادرش یعقوب که عدالت او و شهنوائت خود را حس کرده بود دور شد (آفرینش، 36:2 تا 8). با این حال، پطرس در این زندگی از خداوند «بیرون رفت» و سپس چند دقیقه بعد «بیرون رفت و زار زار گریست» (لوقا، 22:62)، و با محکومیت مواجه شد- اما باز هم توانست توبه کند و بازگردد. در این زندگی، ممکن است داوری و محکوم شویم، گریه کنیم... اما باز هم توبه کنیم و در نتیجه، سرنوشت ابدی خود را تغییر دهیم. اما در آخرین روز داوری: دیگر خیلی دیر خواهد بود. آن «داوری» پر از جزئیاتی از نتیجه قضاوت مداوم تحقیقاتی خواهد بود که اکنون در حال انجام است.

14:72 سه بار- گزارش مرقس از محاکمه سرور صرفاً یک گزارش تاریخی نیست. برای نیاز ما به تصدیق ایمان ما نیز طراحی شده است. مقصود از الگوی سرور در زمان رنج کشیدن این بوده و هست که الگو و الهامی برای ما باشد به این معنی که ما باید در عمل وارد رنج‌هایش شویم. مرقس پیشگویی سرور را گزارش می‌دهد که اُمت او، هم نزد مقامات یهودی و هم نزد مقامات ملل دیگر مجبور به شهادت دادن خواهند شد (مرقس، 13-19:13). و سپس مرقس در باب بعدی توصیف می‌کند که عیسی این کار را انجام می‌دهد. سرور از پیروان در حال رنج کشیدن خود می‌خواهد که سخنانی در دفاع از خود آماده نکنند- شاید وقتی جلوی کسانی که به او تهمت زدند ساکت ماند،

می‌دانست که روحانیون اعظم او را از روی حسادت تسلیم کرده بودند.¹¹ اما کاهنان اعظم جمعیت را تحریک کردند که در عوض او باید باراباس را برای آنها آزاد کند.¹² و دوباره پیلطس پاسخ داد و به آنها گفت: پس باید با او که پادشاه یهودیان می‌خوانیدش چه کار کنم؟¹³ و آنها دوباره فریاد زدند: او را به صلیب بکش!¹⁴ و پیلطس به آنها گفت: چرا؟ چه بدی‌ای کرده؟ اما آنها به شدت فریاد زدند: او را به صلیب بکش!¹⁵ و پیلطس که می‌خواست جمعیت را آرام کند، باراباس را برای آنها آزاد کرد و وقتی آنها عیسی را شلاق زدند، او را برای مصلوب شدن تسلیم کرد.

روحانیون اعظم او را متهم به خیلی کارها کردند.⁴ و پیلطس دوباره از او پرسید: پاسخی نداری بدهی؟ ببین تو را متهم به چه کارهایی می‌کنند.⁵ اما عیسی پاسخ دیگری نداد، تا جایی که پیلطس شگفت‌زده شد.⁶ در جشن، او عادت داشت برای آنها یک زندانی را آزاد کند، هر کسی را که بخواهند.⁷ و در میان شورشیان، زندانی که در قیام مرتکب قتل شده بودند، مردی به نام باراباس بود.⁸ و مردم آمدند و از پیلطس کاری را خواستند که معمولاً برای آنها انجام می‌داد.⁹ و پیلطس به آنها پاسخ داد و گفت: آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما آزاد کنم؟¹⁰ زیرا این را

این موضوع را با الگو و مثال به ما نشان داد. گزارش شده که پطرس سه بار مسیح را انکار کرد- درست همان‌طور که رومیان مسیحیان را بازجویی کردند و از آنها خواستند که سه بار مسیح را انکار کنند. از مسیحیان همچنین خواسته بودند که به عیسی ناسزا گویند و او را نفرین کنند. و وقتی لعن و نفرین پطرس را می‌خوانیم، از همان کلمه استفاده شده است. این گونه برداشت می‌کنیم که پطرس در واقع مسیح را لعنت کرد. و مرقس نیز که احتمالاً انجیل را از طرف پطرس می‌نوشت نشان می‌دهد که پطرس، رهبر کلیسا در واقع به طور رقت‌انگیزی نتوانست در این زمان از سرور خود پیروی کند. و با این حال، انجیل مرقس در میان مسیحیانی توزیع می‌شد که به دادگاه یهودیان و رومیان ارجاع می‌شدند. قطعاً هدف از این کار این بود که مثالی از شکست پطرس به آنها داده شود و تشویق شوند تا این که الگوی مثبت مردی به تصویر کشیده شود که بر وسوسه نفرین و انکار کردن عیسی غلبه کرده است. اما سرور از پطرس این گونه استفاده کرد- به عنوان مثال شکست برای همه ما.

15:10 رشک و حسادت دلایل اصلی کشتار عیسی بودند هر بار که از این دو رنج می‌پریم، با رنج‌های عیسی همراه می‌شویم. اگر با او رنج بکشیم، با او نیز به پادشاهی خواهیم رسید. نماد تعمید این را نشان می‌دهد- ما زیر آب می‌رویم اما با مسیح از آن بیرون می‌آییم.

15:15 لحظه‌ای که سرور توسط پیلطس تسلیم می‌شود بسیار مورد تاکید است. جزئیات محدودی در این باره نوشته شده است که دقیقاً توسط همه نویسندگان ثبت شده‌اند (متی، 27:26؛ مرقس، 15:15؛ لوقا، 23:25؛ یوحنا، 19:16). سرور لحظه تسلیم

گرفتند، لباس بنفش را درآوردند و لباس‌های خودش را تنش کردند. و او را برای مصلوب شدن بردند.

به صلیب کشیدن

²¹ و آنها یک رهگذر، شمعون اهل قیروان، پدر اسکندر و رؤف را که از حومه شهر می‌آمد مجبور کردند که صلیب او را حمل کند.

²² و آنها او را به مکانی به نام

¹⁶ سپس سربازان او را به سالنی به نام دیوان‌خانه بردند و آنها همه گردان را گرد هم آوردند. ¹⁷ و آنها لباس بنفشی تن او کردند و تاجی از خار را ساختند و روی سر او گذاشتند. ¹⁸ و به او سلام دادند: سلام ای پادشاه یهودیان! ¹⁹ و سر او را با چوب زدند و روی او آب دهان انداختند و برای ادای احترام جلوی او زانو زدند. ²⁰ و وقتی او را به سخره

شدن را پیشگویی کرده بود گویی چیزی بود که از آن می‌ترسید (مرقس 9:31؛ 10:33)؛ آن مقطعی که خارج از فرایند حقوقی بود و باید با نابودی خود مواجه می‌شد. فرشتگان به شاگردان یادآوری کردند: «به یاد آورید که چگونه او وقتی در جلیل بود با شما سخن گفت که پسر انسان باید به دستان مردان گناهکار تسلیم شود» (لوقا، 24:6 و 7). تاکید بر «چگونه» است، یعنی با چه اشتیاق و تاکید. رومیان، 4:25 این لحظه تسلیم شدن را معادل مرگ واقعی عیسی می‌دانند: «به خاطر گناهان ما تسلیم شد و دوباره برای دفاع از ما برخاست.» تاکید زیادی در لحظه تسلیم برای به صلیب کشیده شدن وجود دارد. انجیل تاکید دارد که پیلطس او را تسلیم کرد؛ اما در حقیقت خدا این کار را کرد (رومیان، 8:32)؛ در حقیقت، سرور خودش را به بالا سپرد (غلاطیان، 2:20؛ افسسیان، 5:25). همیشه از همین کلمه استفاده شده است. این متون همچنین تاکید دارد که او خودش را به بالا سپرد و برای ما به بالا تسلیم شد. در لحظه تسلیم شدن، رهایی ما بود که به او انگیزه می‌داد. شاید در آن لحظه بود که بزرگترین وسوسه سراغ او آمد که از میان آنها بگذرد و به جلیل بازگردد. وقتی جمعیت با علم به این که در نبرد خواسته‌ها با پیلطس پیروز شدند، به جلو ازدحام آوردند و شادی کردند... صدای «او را ببرید و به صلیب بکشید» در گوش عیسی زنگ زد... این بود. این پایان کار بود.

15:22 یوحنا می‌گوید که سرور در حال حمل صلیبش بیرون رفت. لوقا می‌گوید که از شمعون خواسته شد که سمت عقب صلیب را پشت سر عیسی حمل کند. متی و مرقس می‌گویند که شمعون صلیب را حمل کرد. مرقس 15:22 (یونانی) می‌گوید که سربازان عیسی را به جُلُجُتا بردند. جی.بی. فیلیپس این گونه ترجمه می‌کند: «آنها او را به مکانی به نام جُلُجُتا بردند». به نظر می‌رسد که سرور افتاد و احتمالاً از حال رفت. اگر روی یک درخت زیتون به صلیب کشیده شده بود (نیش قبر افراد مصلوب شده نشان می‌دهد که از این درخت استفاده شده)، به خاطر وزن میخ چوبی چنین نبوده است. تصور کنید که او آنجا خوابیده، با صورتی ناقص، بیشتر از صورت انسان‌هایی که روی خاکستر داغ خیابان اورشلیم فشرده شده‌اند. و یک انسان نادان احتمالاً (بی‌شک در کنار کارهای دیگر)، چیزی شبیه «بلند شو» گفته است. اگر واقعاً از حال رفته بود، حس «به خود آمدن»، «من کجا هستم؟» و بازگشت حافظه و هشیاری به وجود می‌آمد. «ایا مرده‌ام و رستاخیز شده‌ام؟» خیر، زیرا سرباز بی‌نام و نشانی او را لگد زد و به او گفت بلند شو.

و سر خود را تکان می‌دادند و می‌گفتند: هان! ای کسی که می‌خواستی معبد را نابود کنی و ظرف سه روز بسازی،³⁰ خودت را نجات بده و از صلیب پایین بیا.³¹ به همین شکل کاهنان اعظم نیز او را بین خود و کاتبان مسخره کردند و گفتند: او دیگران را نجات داد. اما نمی‌تواند خودش را نجات دهد! ³² مسیح، پادشاه اسرائیل الان از صلیب پایین بیاید، تا شاید ببینیم و ایمان بیاوریم! و دزدانی که با او مصلوب شده بودند، او را مسخره کردند.

³³ و وقتی ساعت ششم فرا رسید، تاریکی همه سرزمین را تا ساعت

جلُجتا یعنی محل مجسمه آوردند.²³ و آنها شراب آمیخته با زهر به او دادند؛ اما او قبول نکرد.²⁴ و آنها او را به صلیب کشیدند و لباس‌هایش را بین خود تقسیم کردند و قرعه‌کشی کردند تا تعیین کنند هر کدام چه باید ببرند.

²⁵ و ساعت سوم بود که او را به صلیب کشیدند.²⁶ و در کتیبه اتهام علیه او نوشته شده بود: پادشاه یهودیان.²⁷ و دو دزد همراه با او به صلیب کشیده شدند، یکی در دست راست و یکی در دست چپ او.²⁸ و کتاب آسمانی محقق شد که گفته بود: و او از خطاکاران محسوب شد.²⁹ و رهگذران او را دشنام می‌دادند

15:23 به طرز قابل توجهی، جزئیات واقعی بسیار کمی توسط نویسندگان انجیل هم در مورد تازیانه زدن و هم درباره مصلوب شدن ارائه شده است. شاید به این خاطر بوده که به نظرشان فکر کردن درباره این مسائل غیرممکن بوده؛ یا شاید آنها و خوانندگانشان می‌دانستند که در این سنن و روش‌ها چه اتفاقاتی می‌افتاده و ما مجبوریم با تخیلات خود به این مسائل فکر کنیم. مقصود این بوده که در ذهن خود اتفاقی که احتمالاً رخ داده تجسم کنیم... که وظیفه‌ای جدی نسبت به عیسی برای انجام این کار داریم. شاید همین دلیل تغییر قابل توجه زمان افعال در نوشته‌هاست. به مرقس 15:23 تا 26 توجه کنید: «دادند... به صلیب می‌کشند... و تقسیم کردند... قرعه کشی می‌کنند... مصلوب شده... نوشته شده». این تغییرات چشمگیر قطعاً برای تشویق کردن ما برای دوباره زیستن همه این اتفاقات است. مرقس می‌گوید «آنها او را به صلیب می‌کشند» و بعد می‌گوید که «سپس دو نفر با او به صلیب کشیده می‌شوند» (اگرچه لوقا وقایع را در زمان گذشته ثبت کرد (مرقس ۱۵:۲۵)، زمان‌های حال مورد استفاده مرقس چشمگیر هستند: «می‌یافتند... آنها لباس بر تن او می‌کنند... آنها او را زدند...» (مرقس ۱۵: ۱۷، ۱۹) شاید مرقس به طور خودآگاه می‌خواهد تصور کنیم که همه این‌ها جلوی چشمان ما در حال رخ دادن هستند.

15:34 متی 27:46 می‌گوید که «حدود ساعت نهم، عیسی» آن کلمات درباره ترک شدن را «فریاد زد». مرقس می‌گوید که این در ساعت نهم بوده و ما می‌دانیم که در ساعت نهم بود که مسیح کلمات پایانی پیروزی خود را به زبان آورد. با این حال، حتماً چند دقیقه قبل از ساعت نهم بوده که مسیح تزلزل پیدا کرد؛ بنابراین متی می‌گوید که «حدود ساعت نهم بود». منظور از چند دقیقه چیست؟ فقط چند صدم ثانیه، فقط چند لحظه.

اورشلیم آمده بودند. ⁴² وقتی شامگاه فرا رسید، چون روز تهیه بود، یعنی روز قبل از سبت، ⁴³ یوسف اهل رامه که یکی از اعضای ارشد شورا بود و او نیز دنبال ملکوت خداوند بود، با جرات نزد پیلاتس رفت و پیکر عیسی را خواست. ⁴⁴ و پیلاتس در عجب بود که او تا کنون مرده باشد، و یوزباشی را صدا زد. از او پرسید آیا عیسی مرده است یا نه. ⁴⁵ و وقتی یوزباشی این را تایید کرد، جسد را به یوسف داد. ⁴⁶ و یوسف کتان لطیفی خرید و عیسی را پایین آورد و او را داخل پارچه کتان پیچید و در قبری گذاشت که از سنگ تراشیده شده بود. و سنگی را روی درب قبر غلتانید. ⁴⁷ و مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا دیدند که او کجا گذاشته شد.

پاب 16

رستاخیز عیسی

و وقتی سبت به پایان رسید، مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا و سالومه عطرهایی خریدند تا بروند و او را تدهین کنند. ² و در نخستین ساعات

نهم فرا گرفت. ³⁴ در ساعت نهم، عیسی با صدایی بلند فریاد زد: ایلی، ایلی، لما سَبَقْتَنی؟ که یعنی: خدای من، خدای من، چرا من را ترک کردی؟ ³⁵ و برخی از آنها که آنجا ایستاده بودند با شنیدن آن گفتند: ببین او الیاس را می‌خواند. ³⁶ و یکی از آنها دوید و اسفنجی پر از سرکه آورد و روی یک نی گذاشت و به او داد تا آن را بنوشد و گفت: رهایش کن. بگذار ببینیم آیا الیاس برای پایین آوردن او می‌آید یا نه. ³⁷ و عیسی با صدایی بلند فریاد زد و نفس آخر را کشید. ³⁸ و پرده معبد از بالا تا پایین به دو قسمت پاره شد. ³⁹ و وقتی یوزباشی که روبروی او ایستاده بود دید که او نفس آخرش را کشید گفت: به راستی این مرد پسر خدا بود.

به خاک سپردن عیسی

⁴⁰ و زنانی بودند که از دور تماشا می‌کردند، که در بین آنها هم مریم مجدلیه و هم مریم مادر یعقوب کوچک و مادر یوشا و سالومه بودند؛ ⁴¹ که وقتی عیسی در جلیل بود او را دنبال و به او خدمت کردند؛ و زنان بسیار دیگری که با او تا

تنها چند لحظه قبل از شیرینی پیروزی نهایی، «پایان یافت» یا «انجام شد»، پسر انسان متزلزل گشت. نتیجه‌گیری این است که در آخرین لحظه، سرور ما تزلزل پیدا کرد. لطفاً وارد حس بحران و شدت شوید. این تنها زمانی است که با خدا به عنوان «خدا» به جای «پدر» / «آبا» نیایش می‌کند. این به تنهایی منعکس‌کننده حس دوری است که او را فرا گرفته بود. زیرا او سرور و ناجی شما بود که آنجا آویخته شده بود، و رهایی شما بود که آویزان بود. هر چه بیشتر تزلزل در آخرین لحظه را درک کنیم، درک کامل‌تری از معجزه پیروزی نهایی خواهیم داشت.

⁹ وقتی سحرگاه اولین روز هفته از مردگان برخاسته بود، اول بر مریم مجدلیه که از او هفت دیو را بیرون رانده بود، ظاهر شد.¹⁰ مریم مجدلیه رفت و در حالی که همراهان عیسی در حال عزاداری و گریه بودند، به آنها گفت.¹¹ و آنها با شنیدن این که عیسی زنده است و مریم مجدلیه او را دیده است، باور نکردند.

¹² بعد از این مسائل، عیسی در پوشش دیگری برای دو تن از آنها که به سمت بیلاقات روانه بودند ظاهر گشت.¹³ و آنها رفتند و به بقیه این را گفتند که باز هم باورشان نکردند.

¹⁴ و سپس برای یازده تن از آنان ظاهر گشت که در حال خوردن بودند؛ و آنها را به خاطر ناباوری و قساوت قلب سرزنش کرد زیرا حرف کسانی را که بعد از برخاستن عیسی او را دیده بودند، باور نکردند. و او به آنها گفت: باید به کل

اولین روز هفته، وقتی خورشید طلوع کرده بود به سوی قبر رفتند.³ و بین خود حرف می‌زدند: چه کسی سنگ را از درب قبر برای ما خواهد غلتانید؟⁴ و وقتی نگاه کردند، دیدند که سنگ قبر که بسیار بزرگ بود به کناری غلتیده بود.⁵ و وقتی وارد قبر شدند، مرد جوانی را دیدند که ردای سفیدی به تن دارد و سمت راست نشسته و آنها ترسیدند. و او به آنها گفت: نترسید. شما دنبال عیسی ناصری هستید که به صلیب کشیده شد. او برخاسته است. او اینجا نیست. مکانی را که او را در آن گذاشته بودند، ببینید!⁷ بروید و به شاگردانش و پطرس بگویید که او جلوتر از شما به جلیل می‌رود. آنجا او را خواهید دید، درست همان طور که به شما گفته بود.⁸ و آنها رفتند و از قبر گریختند. می‌لرزیدند و شگفت‌زده بودند، به هیچ کس چیزی نگفتند. چرا که ترسیده بودند.

16:3 زنانی که سر قبر آمدند دنبال سرور برخاسته نبودند؛ آنها آمده بودند تا پیکرش را تدهین کنند. اما عشق آنها به سرور حکم به دنبال سرور گشتن را داشت (متی، 28:5). کتاب مقدس پر از مواردی است که در آن خدا انسان‌ها را نیکوکار محسوب می‌کند در صورتی که این گونه نیستند. این به نوعی عشق است. از آنجایی که خدا ما را نیکوکار محسوب می‌کند، پس ما باید تصدیق کنیم که برادران ضعیف ما نیز از سوی او نیکوکار شمرده می‌شوند.

16:7 عیسی درباره سعادت معنوی پطرس، همان کسی که او را انکار کرد بسیار نگران بود. سرور برخاسته از مرگ به ویژه می‌خواست زنان به پطرس بگویند که «جلوتر از او» به جلیل می‌رود (مرقس، 16:7). با این مفهوم که حتی در ضعف و انکار پطرس، عیسی می‌خواست که او باز هم تلاش کند که او را دنبال کند و صلیب را در زندگی‌اش از نو زنده کند. ما نیز که عیسی را انکار می‌کنیم می‌توانیم از این نگرانی پر از عشقی که حتی برای ما دارد آرامش بگیریم. و می‌توانیم یاد بگیریم که با کسانی که شکست می‌خورند به همین شکل رفتار کنیم.

آنها آسیبی نخواهد رسید. آنها دستان خود را بر مریضان می‌گذارند و آنها بهبود خواهند یافت.

¹⁹ آن گاه سرور عیسی، پس از آن که با آنها صحبت کرد، به سوی آسمان بالا برده شد و در دست راست خداوند نشست.²⁰ و آنها رفتند و همه جا موعظه کردند، و سرور با آنها کار می‌کرد و با نشانه‌های بعد، کلام آنها را تأیید می‌کرد. آمین.

جهان بروید و بشارت را برای همه مخلوقات موعظه کنید.¹⁶ آن کسی که ایمان می‌آورد و تعمید می‌یابد نجات خواهد یافت، اما آن کسی که باور نمی‌کند محکوم خواهد شد.¹⁷ و این نشانه‌ها همراه کسانی خواهد بود که ایمان دارند- به نام من دیوها را بیرون خواهند راند، با زبان‌های جدید صحبت خواهند کرد،¹⁸ مارها را برخواهند داشت و اگر هر چیز مرگباری را بنوشند، به هیچ وجه به

16:16 بنابراین اگر بخواهیم نجات پیدا کنیم، تعمید بسیار مهم است.

16:17 هدایای معجزه آسای روح القدس در قرن اول عطا شد، اما بعداً گرفته شدند (اول قرن‌تیان، 13:8).

نزد خدا به عنوان کاهن انجام وظیفه می‌کرد، نوبت او شد که وارد معبد خداوند شود و بخور بسوزاند.¹⁰ و در ساعت بخور، تمام جمعیت بیرون در حال نیایش بودند.¹¹ و آنجا فرشته خداوند بر او ظاهر گشت که در دست راست محراب بخور ایستاده بود.¹² زکریا با دیدن او آشفته شد و ترس وجودش را فرا گرفت.¹³ اما فرشته به او گفت: نترس زکریا، زیرا دعای تو مستجاب شده؛ همسرت الیزابت پسری را باردار خواهد شد و نام او را یحیی خواهی گذاشت.¹⁴ و شاد و خوشبخت خواهید شد و بسیاری با تولد او خوشحال خواهند گشت،¹⁵ زیرا او در حضور خداوند بزرگ خواهد بود. و او هیچ شراب یا باده‌ای نخواهد نوشید و از شکم مادر خود، پر از روح القدس خواهد بود.¹⁶ و بسیاری از فرزندان اسرائیل به سرور، خداوند خود روی خواهند آورد¹⁷ و او در روح و قدرت الیاس پیش روی وی خواهد رفت تا دل‌های پدران را به سمت فرزندان و دل‌های نافرمانان را به سوی حکمت عادلان برگرداند؛ و مردم را آماده سرور کند.¹⁸ و زکریا به فرشته گفت: از کجا

بسیاری تا به حال برای نوشتن شرح وقایعی که در بین ما رخ داده اقدام کرده‌اند،² حتی با این که کسانی که از اول شاهد عینی و خادم کلام بودند، به ما شرح وقایع را رسانده‌اند،³ صلاح دیدم که پس از دنبال کردن جریان همه امور به طور دقیق از ابتدا، برای شما ای تئوفیلوس عالیقدر،⁴ به ترتیب وقوع بنویسم تا در مورد اموری که تعلیم یافته‌اید قطعیت پیدا کنید.

پیشگویی تولد یحییای

تعمیددهنده

⁵ در ایام هیروдіس، پادشاه یهودیه، یک کاهن به نام زکریا از فرقه ابیا بود که همسری داشت که یکی از دختران هارون بود و نامش الیزابت بود.⁶ و هر دوی آنها در حضور خدا عادل بودند و منزله از گناه همه دستورات و احکام خداوند را اجرا می‌کردند.⁷ و هیچ فرزندی نداشتند، زیرا الیزابت نابارور بود و هر دو سالخورده بودند.⁸ این گونه شد که وقتی به ترتیب فرقه‌اش بر اساس سنت کاهنان،⁹

1:6 زکریا در دید خداوند «منزه از گناه» بود، حتی با این که در طول زندگی‌اش به نحوی ایمان نداشت که دعاهایش مستجاب خواهند شد. خداوند او را عادل محسوب می‌کرد- «در حضور خدا عادل» بود.

1:13 آنقدر برای داشتن یک فرزند دعا کرده بود که شاید برایش جنبه تشریفات پیدا کرده بود و نمی‌توانست باور کند که دعایش مستجاب شده است. دعاهایمان ممکن است شنیده و مستجاب شوند، اما شاید سال‌ها طول بکشد که پاسخ دعاهایمان را دریافت کنیم. و همواره فکر می‌کنیم که خدا پاسخی نداده است. دانیال نبی تجربه مشابهی در دانیال 10 داشت.

انداخت، این کار را برای من کرد تا عیب من را در میان مردم از بین ببرد.

پیشگویی تولد عیسی

²⁶ در ماه ششم، جبرائیل فرشته از سوی خدا به یکی از شهرهای جلیل به نام ناصره ²⁷ نزد باکره‌ای فرستاده شد که با مردی به نام یوسف از قوم داود نامزد کرده بود؛ و نام آن باکره مریم بود. ²⁸ و جبرائیل نزد او آمد و گفت: سلام ای کسی که بسیار محبوب هستی، خداوند با تو است! ²⁹ اما او به شدت از این حرف پریشان شد و به فکر افتاد که این چگونه سلامی بود. ³⁰ و فرشته به او گفت: نترس مریم. زیرا محبوب خداوند شدی. تو در میان زنان مبارک هستی. ³¹ و در رَجَم خود پسری را آبستن خواهی شد و به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. ³² او بزرگ خواهد بود و پسر حضرت اعلی نامیده خواهد شد و خدا، خداوند تخت جد او یعنی داود را به او خواهد بخشید. ³³ و

این را بدانم؟ زیرا من پیرمردی هستم و همسرم هم سالخورده است. ¹⁹ و فرشته در پاسخ به او گفت:

من جبرائیل هستم که در حضور خدا ایستاده‌ام و برای صحبت با تو و آوردن این مژده‌های خوب نزد تو فرستاده شده‌ام. ²⁰ و تو تا روزی که این امور اتفاق بیافتد، لال خواهی بود و قادر به سخن گفتن نخواهی بود زیرا حرف‌های من را باور نکردی که در زمان مقرر خود محقق خواهند شد.

²¹ و مردم منتظر زکریا بودند و از تاخیر او در معبد متعجب شدند. ²² و وقتی بیرون آمد، نتوانست با آنها صحبت کند؛ و آنها فهمیدند که او در معبد رویایی دیده و او همچنان به آنها اشاره می‌کرد و ساکت باقی ماند.

²³ و این گونه شد که وقتی زمان خدمتش پایان یافت، به خانه‌اش رفت. ²⁴ و بعد از این روزها، الیزابت همسر او باردار شد؛ و او پنج ماه خودش را پنهان کرد و گفت: ²⁵ خداوند در ایامی که بر من نظری

1:19 فرشتگان این همه راه، از نزد خداوند به زمین نازل شدند تا به دعا‌های ما پاسخ دهند. مردی که کنار ایستگاه اتوبوس ایستاده و با خدا نیایش می‌کند می‌تواند فرشته‌ای را صدا بزند که برای پاسخ به دعا‌های او به زمین فرستاده شود.

1:30 محبوب خداوند شدی — او دارای همت معنوی برای این بود که درخواست کند مادر مسیحا باشد. بنابراین واکنش او خوشحالی بود تا این که بگوید «وای نه! من بدون شوهر، حامله‌ام!». و احتمالاً نوجوانی بیسواد و پابره‌نه بود. و از طبقه اجتماعی پایینی بود (48,53).

1:32 خواهد بود- به همه زمان‌های آینده دقت کنید. عیسی به عنوان یک شخص قبل از تولدش وجود نداشت. عیسی درون مریم «به وجود آمد» (آیه 31). او به معنای واقعی کلمه به عنوان یک شخص از آسمان نازل نشد. زندگی او درون مریم آغاز شد. داود، پدر یا جد او بود زیرا مریم نیز زنی عادل بود که از نسل داود بود. عیسی تنها زمانی

در رحم او تکان خورد؛ و الیزابت از روح القدس پر شد.⁴² و او صدایش را با فریادی بلند بالا برد و گفت: تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو!⁴³ اما چرا چنین لطفی به من شده که مادر سرورم نزد من بیایید؟⁴⁴ زیرا وقتی صدای سلام کردن تو به گوشم رسید، کودک از شادی در رحم تکان خورد.⁴⁵ و خوشا بحال آنکه ایمان آورد؛ زیرا چیزهایی که از خداوند به او گفته شده محقق خواهد شد.

⁴⁶ و مریم گفت: جان من خداوند را می‌ستاید،⁴⁷ و روح من در نجات دهنده من، خدا، شادی می‌کند،⁴⁸ زیرا او بر حقارت کنیز خود نظر افکنده. زیرا از این زمان به بعد، همه نسل‌ها من را مبارک خواهند خواند.⁴⁹ زیرا خدای متعالی کارهای بزرگی در حق من کرده و نام او مقدس است،⁵⁰ و رحمت او نسل به نسل برای کسانی است که از او می‌ترسند.⁵¹ او قدرت را با بازوی خود نشان داده، متکبران را در خیال

او برای همیشه بر خاندان یعقوب پادشاهی خواهد کرد و پادشاهی او پایانی نخواهد داشت.³⁴ و مریم به فرشته گفت: این چگونه ممکن خواهد بود وقتی من مردی را نمی‌شناسم؟³⁵ و فرشته در پاسخ به او گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند. بنابراین، آن موجود مقدس که در تو به وجود آمده، پسر خدا نامیده خواهد شد.³⁶ و الیزابت، خویشاوند تو که نازا خوانده می‌شد در پیروی پسری را باردار شد؛ و این ماه ششم بارداری او است.³⁷ زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست.³⁸ و مریم گفت: به کنیز خداوند بنگر! باشد که کلام تو واقع شود! و فرشته از او دور شد.

³⁹ و مریم در آن روزها برخاست و با عجله به یکی از شهرهای کوهستانی یهودیه رفت،⁴⁰ و وارد خانه زکریا شد و به الیزابت سلام کرد.⁴¹ و این گونه شد که وقتی الیزابت سلام مریم را شنید، کودک

که به دنیا آمد پسر خدا شد (آیه 35). بنابراین پسر خدا بر خلاف اصول نادرست تثلیث، از زمان خلقت وجود نداشت.

1:35 روح القدس با قدرت «خدای متعال» مرتبط است. روح القدس به قدرت خدا اشاره دارد؛ یک شخص نیست. خدا «والاثرین» است و بنابراین نه عیسی نه روح القدس با او برابر نیستند؛ آنها از خداوند پایین‌تر هستند زیرا او والاثرین است.

1:36 خدا اغلب ترتیبی می‌دهد که شخص دیگری، مثلاً یکی از اعضای خانواده تجربه مشابهی با ما داشته باشد- تا با همراهی با آنها بتوانیم آرامش و شهادت پیدا کنیم.

1:46 سرود مریم پر است از اشاره به سرود حنا وقتی توانست سموئیل را باردار شود (اول سموئیل 2). با این که بیسواد بود، کتاب مقدس را به خوبی می‌شناخت. آن را حفظ کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کرد. او متوجه شباهت بین خود و حنا شده بود. ما نیز باید به کتب آسمانی فکر کنیم و شباهت‌های بین خود و دیگران را که در آنها می‌خوانیم پیدا کنیم تا آنها قهرمان یا الهام‌بخش ما شوند.

خواست و این گونه نوشت: نام او یوحنا است. و همه آنها شگفت زده شدند.⁶⁴ و بلافاصله دهان او باز شد و زبان گشود و سخن گفت و خدا را شکر نمود.⁶⁵ و ترس در همه همسایگانیشان فراگیر شد. و همه این مسائل در سراسر کوهستان یهودیه صحبت شد.⁶⁶ و همه شنوندگان در دل خود آنها را جا دادند و گفتند: پس این کودک چه خواهد شد؟ چرا که دست خداوند با او بود.

⁶⁷ و پدرش زکریا با روح القدس پر شد و نبوت کرد و گفت: ⁶⁸ متبارک است خداوند، خدای اسرائیل، زیرا او قوم خویش را ملاقات کرد و نجات داد،⁶⁹ و شاخ رهایی را برای ما در خانه بندهاش داود برافراشته⁷⁰ (همان طور که از دهان پیامبران مقدس خود که از آغاز عالم وجود داشته‌اند گفته)،⁷¹ رهایی از دشمنان ما و از دست همه کسانی که از ما متنفرند،⁷² تا به پدران ما رحمت خود را نشان دهد و عهد مقدس خود را به خاطر آورد.⁷³ سوگندی که برای پدرمان ابراهیم خورد⁷⁴ تا به ما رحم کند تا از دست دشمنانمان رهایی یابیم و او را در⁷⁵ قداست و عدالت در تمام ایام زندگی خود بدون ترس عبادت کنیم.⁷⁶ آری، و تو ای طفل، پیامبر خدای متعالی نام خواهی گرفت.

دلشان پراکنده کرده،⁵² شاهزادگان را از تخت خود پایین آورده و آنهایی را که فروتن هستند در زندگی سربلند کرده است.⁵³ او گرسنه را با چیزهای خوب سیر کرده و ثروتمندان را دست خالی روانه کرده است.⁵⁴ او به قوم اسرائیل، بنده خود کمک کرد، به خاطر رحمت خویش⁵⁵ (همان طور که به پدران ما گفته) به ابراهیم و ذریت او تا ابدالاباد.⁵⁶ و مریم با او حدود سه ماه ماند و سپس به خانه بازگشت.

تولد یحیی تعمید دهنده

⁵⁷ اینک زمان زایمان الیزابت فرا رسیده و او پسری را به دنیا آورد.⁵⁸ و همسایگان و خویشاوندان او شنیدند که خداوند رحمت خود را به او نشان داده و با او خوشحال شدند.⁵⁹ و این گونه شد که در روز هشتم که برای ختنه کردن کودک آمدند، می‌خواستند اسم پدرش زکریا را بر او بگذارند،⁶⁰ اما مادرش جواب داد و گفت: نه، اسم او باید یحیی باشد.⁶¹ و آنها به او گفتند: هیچکس از خویشاوندان تو نیست که چنین اسمی داشته باشد.⁶² و آنها به پدر علامت دادند تا ببینند او می‌خواهد چه نامی بر کودک بگذارد.⁶³ و او تخته‌ای برای نوشتن

1:53 زنان ثروتمند یهودی بدون شک می‌خواستند مادر مسیحا باشند. اما خداوند از این خشنود می‌شود که از طریق فقرا و فروتنانی عمل کند که عاشق کلام او هستند.

1:74 زکریا درک نادرست و رایج یهودیان درباره مسیحا را داشت که او را کسی می‌دانستند که رهایی از رومیان را به ارمغان خواهد آورد. اما همچنین ممکن است کلام او را از لحاظ معنوی و رهایی از گناهانمان درک کرد. یک مرد بالیما می‌تواند درک نادرست داشته باشد و خدا به خاطر این درک غلط او را طرد نکرد.

بود⁵ تا همراه با مریم که نامزد او و باردار بود نام نویسی کند.⁶ و این گونه شد که وقتی آنجا بودند، زمان زایمان او فرا رسید.⁷ و او اولین پسر خود را به دنیا آورد، و او را در پارچه پیچید و در یک آخور گذاشت، زیرا در کاروانسرا جایی نبود.

⁸ چوپانانی در همان منطقه بودند که در مزرعه می‌ماندند و شب‌ها مواظب گله خود بودند.⁹ یکی از فرشتگان خداوند کنار آنها ایستاد و شکوه خداوند، دور آنها درخشید و آنها وحشت‌زده شدند.¹⁰ و فرشته به آنها گفت: زیرا مژده شادی عظیمی را برای شما می‌آورم که شامل حال همه مردم خواهد شد.¹¹

زیرا امروز در شهر دود، یک ناجی که مسیح سرور است برای شما به دنیا می‌آید.¹² و این برای شما یک نشانه است: شما کودکی را پیچیده در قنداق خواهی یافت که در یک آخور خوابیده است.¹³ و ناگهان گروهی از لشکر آسمانی همراه با فرشته پدیدار شد که خدا را ستایش می‌کردند و گفتند: ¹⁴ خدا را در والاترین مکان (اعلیٰ علین)، جلال باد و بر زمین بین کسانی که خداوند از آنها خشنود است صلح باد.

زیرا تو به حضور خداوند خواهی رفت تا راه‌های او را آماده سازی،⁷⁷ خبر نجات در آمرزش گناهان را به امت او بدهی،⁷⁸ به خاطر رحمت و مهربانی خداوند ما، وقتی طلوع خورشید برای ما آغاز خواهد شد،⁷⁹ بر آنهایی که در تاریکی و سایه مرگ نشسته‌اند خواهد تابید و پاهای ما را به سوی راه صلح راهنمایی خواهد کرد.⁸⁰ و کودک بزرگ شد و روحی قوی پیدا کرد و تا روز ظهور آشکارش بر قوم اسرائیل، در بیابان به‌سر می‌برد.

باب 2

تولد عیسی

و این گونه شد که در آن روزها دستوری از طرف امپراتور اوغسطس مبنی بر نام نویسی در سراسر دنیا صادر شد.² سرشماری در ابتدا وقتی صورت گرفت کرینئوس فرماندار سوریه بود.³ و همه برای اسم نویسی رفتند، هر کس به شهر خود رفت.⁴ و یوسف نیز از جلیل از شهر ناصره به یهودیه به شهر دود رفت که بیت‌الحم نام دارد (زیرا او از خاندان و خانواده دود

1:77 اگر واقعاً بخشنندگی خدا را حس کنیم، پس رهایی را می‌شناسیم؛ اما چنین تجربه شگفت‌انگیزی ناشی از درک جدیت گناهانمان است. افراد مغرور و حق به جانب، هیچ حسی برای شگفتی بخشنندگی خداوند ندارد.

2:7 عیسی از تولد، حس طرد شدن از سوی مردم را می‌دانست؛ زیرا قطعاً می‌توان بستر بهتری برای زنی باردار فراهم کرد. وقتی طرد شدن را تجربه می‌کنیم، او می‌داند که چه حسی داریم.

2:8 چوپانان یکی از منفورترین طبقات در جامعه فلسطین بودند. اما خدا آنها را انتخاب کرد تا شاهد تولد پسرش باشند.

طبق شریعت موسی به پایان رسید، آنها او را به اورشلیم بردند تا او را به خداوند تقدیم کنند²³ (زیرا در شریعت خداوند نوشته شده: هر پسری که رجم را باز می‌کند، برای خداوند مقدس خوانده خواهد شد)²⁴ و طبق آنچه در شریعت خداوند گفته شده، یک قربانی پیشکش کنند: یک جفت قمری و دو جوجه کبوتر

²⁵ و مردی در اورشلیم به نام شمعون بود؛ و این مرد نیکوکار و پارسا بود و به دنبال تسلی اسرائیل بود. و روح القدس بر او بود. و از طرف روح القدس به او وحی شده بود که او قبل از دیدن مسیح خداوند، مرگ را نخواهد دید.²⁷ و او در روح به سوی معبد آمد و وقتی پدر و مادر، عیسیا خردسال را آوردند تا رسوم شریعت را درباره او انجام دهند،²⁸ آن گاه او عیسی را در آغوش گرفت و خدا را شکر کرد و گفت:²⁹ خداوند، اکنون بگذار بندهات طبق کلام خودت در آرامش برود.³⁰ زیرا چشمان من نجات تو را دیده³¹ که قبل از حضور همه مردم آماده کرده‌ای؛³² نوری که بر امت‌های دیگر آشکار خواهد شد و شکوه مردم تو اسرائیل.

³³ و پدر و مادر او از چیزهایی که

¹⁵ و این گونه شد که وقتی فرشتگان آنها را به سوی آسمان ترک کردند، چوپانان به یکدیگر گفتند: بیایید اکنون به بیت‌الحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند ما را از آن آگاه ساخته ببینیم.¹⁶ و آنها با عجله رفتند و مریم و یوسف و کودک را دیدند که در آخور خوابیده بودند.¹⁷ و وقتی آن را دیدند، چیزی را که در مورد این کودک گفته شده بود برای مردم تعریف کردند.¹⁸ و همه کسانی که این را شنیدند از چیزهایی که چوپانان به آنها گفتند متعجب بودند.¹⁹ و مریم همه این‌ها را نگاه داشت و در دل خود به آن می‌اندیشید.²⁰ و چوپانان بازگشتند و به خاطر همه شنیده‌ها و دیده‌هایشان که همان طور که به آنها گفته شده بود اتفاق افتاد، خداوند را حمد و سپاس گفتند.²¹ و بعد از هشت روز، وقتی او ختنه شد، نامش عیسی گذاشته شد که همان نامی بود که قبل از این که در رحم به وجود آید از سوی فرشته اعطا شده بود.

شمعون و حنا عیسی را ملاقات می‌کنند.

²² و وقتی روزهای تطهیر آنها

2:15 این چیزی را که واقع شده- ایمان یعنی باور داشتن چیزی که نمی‌توانیم ببینیم اما از طریق کلام خدا بر ما آشکار شده است. چوپانان بهترین مثال ایمان هستند. بنابراین، چوپانان خوشحال شدند زیرا بابت ایمان خود پاداش گرفته بودند- آنها همه چیز را همان طور که گفته شده و باور داشتند، پیدا کردند (آیه 20 این خوشحالی ایمان بود و هست که پاداش گرفته است).

2:32 نوری برای آشکار شدن- ملل غیریهود تنها در صورتی آن نور را خواهند دید که ما عیسی را در شهادت خود بر آنها آشکار کنیم.

درباره او گفته شد شگفت‌زده بودند. ³⁴ و شمعون آنها را برکت داد و به

مریم، مادر او گفت: شاهد باش این کودک برای سقوط و صعود بسیاری در اسرائیل تعیین شده و برای نشانه‌ای که علیه آن سخن خواهند گفت. ³⁵ آری، و شمشیری بر قلب تو نیز فرو خواهد رفت تا افکار دل‌های بسیاری آشکار شود.

³⁶ و نبی‌های به نام حنا بود که دختر فنوئیل از طایفه اشیر بود. او زنی بسیار سالخورده بود و هفت سال پس از بکارت خود با شوهری زندگی کرده بود ³⁷ و اکنون هشتاد و چهار سال بود که بیوه شده بود. از معبد جدا نمی‌شد و با روزه و نماز شب و روز عبادت می‌کرد. ³⁸ و در همان ساعت برای عبادت آمد، خدا را شکر نمود و با همه کسانی که به دنبال رستگاری در اورشلیم بودند از او صحبت می‌کرد.

³⁹ و وقتی آنها همه امور را طبق شریعت خداوند انجام دادند، به جلیل و به شهر خود ناصره بازگشتند. ⁴⁰ و کودک بزرگ و قوی شد؛ از حکمت

پُر شد و لطف خدا با او بود.

عیسی در دوازده سالگی

⁴¹ و پدر و مادر او هر سال در جشن فصح به اورشلیم می‌رفتند. ⁴² و وقتی او دوازده ساله شد، آنها طبق سنت جشن به اورشلیم رفتند. ⁴³ و وقتی آن روزها به پایان رسید، در حال بازگشت، عیسی نوجوان در اورشلیم ماند و پدر و مادرش این را نمی‌دانستند. ⁴⁴ آنها که فکر می‌کردند عیسی همراهشان است، به اندازه یک روز سفر کردند و سپس در بین خویشاوندان و آشنایان خود دنبال او گشتند. ⁴⁵ و وقتی او را پیدا نکردند، به اورشلیم بازگشتند و دنبال او رفتند. ⁴⁶ و این گونه شد که پس از سه روز، آنها او را در معبد پیدا کردند که در میان استادان نشسته بود و هم به آنها گوش می‌داد و هم از آنها سوال می‌پرسید. ⁴⁷ و همه کسانی که به او گوش می‌دادند از درک او و پاسخ‌هایش حیرت‌زده بودند. ⁴⁸ و وقتی آنها او را دیدند، شگفت‌زده شدند و مادرش به او

2:35 وقتی نیزه، در یک طرف عیسی فرو رفت، قلب مریم نیز هنگام تماشای آن شکافته شد. واکنش ما به صلیب این است که افکار دل‌هایمان آشکار می‌شود. بنابراین مراسم تکه تکه کردن نان زمانی که مرگ و رستخیز عیسی را به یاد می‌آوریم، زمانی برای آزمون خود است زیرا افکار دل‌هایمان به صورت کاملاً طبیعی وقتی جلوی صلیب می‌ایستیم آشکار می‌شود (اول قرن‌تین، 11:28).

2:47 عیسی استعداد طبیعی برای کلام پدرش داشت. او درست مانند هر کودک دیگری که به دنبال پدری می‌رود که هیچ وقت او را ندیده، در جستجوی پدر خود بود. به عنوان پسر خدا، عقل او از همه برتر بود. تفسیر او از کتاب مقدس در 12 سالگی بسیار بالغ بود. با این حال به تواضع او در سوال پرسیدن از کسانی دقت کنید که بعدها از او منتظر خواهند شد و او را خواهند کشت.

2:48 پدرت... عیسی با گفتن این که باید حدس می‌زد که می‌تواند او را در خانه خدا،

قیاقا کاهنان اعظم بودند، کلام خدا بر یحیی پسر زکریا در بیابان رسید.³ و او به تمام نواحی اطراف اردن آمد و تعمید توبه را برای آمرزش گناهان موعظه کرد.⁴ در کتاب کلام اشعیاى نبی نوشته شده: صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه خداوند را آماده کنید، راه‌های او را راست گردانید.⁵ هر دره‌ای پُر خواهد شد و هر کوهستان و تپه‌ای پست خواهد شد، و مسیرهای کج، راست خواهد شد و راه‌های سخت، صاف خواهند گشت.⁶ و همه جان‌ها نجات خدا را خواهند دید.

⁷ او به کسانی که برای تعمید گرفتن از او بیرون آمدند گفت: ای فرزندان افعی، چه کسی به شما هشدار داد تا از خشمی که در راه است فرار کنید؟⁸ پس ثمره‌هایی بیاورید که شایسته توبه باشند. و هرگز پیش خود فکر نکنید که بگویید: ابراهیم پدر ما است. زیرا

گفت: پسر، چرا این کار را با ما کردی؟ من و پدرت با نگرانی دنبال تو بودیم. و او به آنها گفت: چطور دنبال من گشتید؟ نمی‌دانستید که در خانه پدرم خواهم بود؟⁵⁰ و آنها درک نکردند که او چه چیزی به آنها گفت.⁵¹ و او با آنها رفت و به ناصره بازگشت و مطیع آنها بود؛ و مادرش همه این‌ها را در دل خود نگاه می‌داشت.⁵² و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد.

باب 3

موعظه یحییای تعمیددهنده

اینک در پانزدهمین سال حکومت امپراتور طیبیریوس، وقتی پنطیوس پیلاتس فرماندار یهودیه بود، هیرودیس، تیتزارخ جلیل بود، بردارش فیلیپس، تیتزارخ منطقه ایتوریه و ترخونیتس بود، و لیسانیوس حاکم ابلیه بود،² و حنا و

پدر حقیقی‌اش پیدا کند مریم را سرزنش می‌کند (آیه 49). مریم آنقدر به این فکر که یوسف پدر عیسی است عادت کرده بود که شاید شدت ایمان و اعتقاد سیزده سال پیش خود هنگام ملاقات با فرشته را از دست داده بود؛ ایمان به این که پدر عیسی خدا است. روزگار و دیدگاه‌های نادرست دیگران درباره عیسی و خدا به همین شکل می‌تواند باعث شود که آنها را مثل دنیای دور و بر خود ببینیم.

2:52 رشد عیسی با تایید خدا، ادعاهای تثلیث را بی‌منطق می‌سازد. به همین شکل، اگر او را به عنوان پسر متولد شده خدا بپذیریم، رشد عقل و دانش او کاملاً طبیعی و قابل فهم است. «خدای پسر» و «تثلیث» در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.

3:5 هموار شدن بیابان، نمادین است. کسانی که مثل کوه مغرور بودند، تنزل یافتند، و کسانی با دید بسیار منفی نسبت به خود که به اندازه دره پست بودند، به سطح بالاتری برده شدند. کلید همه این‌ها توبه و قبول کردن واقعیت بخشندگی و پذیرش خدا است.

3:8 توبه بیشتر از آن که به کلمات مرتبط باشد، به اعمال یا «ثمره‌ها» مرتبط است. تعمید بخشی از فرایند توبه و بخشش ما است؛ اما ما باید تلاش کنیم در عمل نیز تغییر کنیم.

¹⁵ و در حالی که مردم در انتظار بودند و همه در دل خود در مورد یحیی به این می‌اندیشیدند که آیا او مسیح است یا نه، ¹⁶ یحیی پاسخ داد و به همه آنها گفت: من شما را در آب تعمید می‌دهم، اما کسی می‌آید که از من والاتر است، که لایق نیستم بند کفشش را باز کنم. او شما را در روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. ¹⁷ چنگک در دست دارد تا خرمن خویش را کاملاً پاک کند و گندم را در انبار خویش جمع کند؛ اما کاه را با آتشی خاموش‌نشدنی خواهد سوزاند.

¹⁸ با جذابیت‌های بسیار دیگر، او بشارت‌ها را برای مردم موعظه می‌کرد ¹⁹ اما هیرودیس تترارخ که به خاطر ازدواج با هیرودیا همسر برادرش و تمام کارهای پلیدی که انجام داده از سوی یحیی سرزنش شده بود، ²⁰ این را نیز به کارهای خود افزود و یحیی را زندانی کرد.

من به شما می‌گویم که خدا قادر است از این سنگها فرزندان را برای ابراهیم بیاورد. ⁹ و حتی اکنون تیشه بر ریشه درختان نیز گذاشته شده است. بنابراین، هر درختی که میوه خوب به بار نیاورد بریده و به آتش افکنده می‌شود.

¹⁰ و مردم از او پرسیدند و گفتند: پس باید چه کار کنیم؟ ¹¹ و او به آنها در پاسخ گفت: آن که دو لباس دارد، به کسی بدهد که هیچ لباسی ندارد، و آن که غذا دارد، همان کار را بکند. ¹² و باجگیران نیز برای تعمید یافتن آمدند و آنها به او گفتند: استاد، ما باید چه کار کنیم؟ ¹³ و یحیی به آنها گفت: بیش از آن چه به شما دستور داده شده نگیرید. ¹⁴ و سربازان نیز از او پرسیدند: و ما، ما چه کار باید بکنیم؟ و او به آنها گفت: باعث وحشت هیچ کس نشوید و تهمت دروغ به کسی نزنید، و به حقوق خود قانع باشید.

3:8 پیش خود نگویند. کتاب مقدس روی فرایندهای فکری درونی و بسیار خصوصی ما تمرکز می‌کند. آیه 15 همچنین درباره این صحبت می‌کند که افراد چگونه در ذهن خود بحث می‌کنند. این اصل مسیحیت است. تغییر روح و طرز فکر درونی و عمیق خود. «شیطان» یا دشمن واقعی، ذهن درونی ما است، نه یک موجود بیرونی.

3:14 یحیی به سربازان نگفت که دیگر سرباز نباشند، بلکه در چارچوب اصول اخلاقی رفتار کنند. خدا هر جا باشیم با ما ملاقات می‌کند، افراد مختلف را در کشورهای مختلف فرا می‌خواند و از آنها می‌خواهد در موقعیت‌های خود بر همین اساس عمل کنند. اما اشتغال در ارتش نباید شغل ترجیحی یک مسیحی باشد.

3:17 ایده جمع‌آوری گندم و تخریب پوسته آن، زبان روز داوری است که عیسی در آن باز می‌گردد. اما عیسی آمده بود که آن را در اولین ظهور خود آغاز کند. بنابراین همه مومنان در طول قرن‌ها در انتظار ظهور داوری قریب‌الوقوع او زندگی کرده‌اند؛ ما باید همواره با این آگاهی که عیسی ممکن است امروز بازگردد، زندگی کنیم.

3:20 این را نیز به کارهای خود افزود. خدا از تماشای ادامه گناهکاری گناهکاران دست برنمی‌دارد. هر گناه، توهینی به او است حتی اگر توسط بی‌ایمانان غیریهود

شجره‌نامه عیسی

²¹ این گونه شد که وقتی همه مردم تعمید یافتند و عیسی نیز تعمید یافته و در حال دعا بود، آسمان گشوده شد،²² و روح القدس در قالب یک جسم به صورت کبوتر بر او نازل گشت و صدایی از آسمان آمد: تو پسر عزیز من هستی. از تو بسیار خشنودم.²³ و عیسی در شروع تعالیمش حدود سی سال سن داشت و (طبق آنچه قانوناً تصور می‌شد) او پسر یوسف بود و یوسف پسر هالی،²⁴ پسر مَتات، پسر لاوی، پسر ملکی، پسر پنا، پسر یوسف،²⁵ پسر مَتاتیا، پسر آموس، پسر ناحوم، پسر جَسلی، پسر نَجی،²⁶ پسر مأت، پسر مَتاتیا، پسر شیمعی، پسر یوسف، پسر یهودا،²⁷ پسر یوحنا، پسر ريسا، پسر زروبابل، پسر شالتیئیل، پسر نیری،²⁸ پسر ملکی، پسر آدی، پسر قوسام، پسر ایلمودام، پسر عیر،²⁹ پسر یوسی، پسر الیعاذر، پسر یوریم، پسر مَتات، پسر لاوی،³⁰ پسر شمعون، پسر یهودا، پسر یوسف، پسر یونان، پسر ایلیاقیم،³¹ پسر ملیا، پسر مینان، پسر مَتاتاء، پسر ناتان، پسر داود،³² پسر یسی، پسر عوبید، پسر

بعوز، پسر شلمون، پسر نَحشون،³³ پسر عمیناداب، پسر ارام، پسر خَصرون، پسر فارص، پسر یهودا،³⁴ پسر یعقوب، پسر اسحاق، پسر ابراهیم، پسر تارح، پسر ناحور،³⁵ پسر سروج، پسر رعو، پسر فالج، پسر عابر، پسر صالح،³⁶ پسر قینان، پسر ارفکشاد، پسر سام، پسر نوح، پسر لامک،³⁷ پسر متوشالچ، پسر خنوخ، پسر یارد، پسر مهلئیل، پسر قینان،³⁸ پسر انوش، پسر شیث، پسر آدم بود، پسر خدا.

باب 4**وسوسه‌های بیابان**

و عیسی که پر از روح القدس بود، از اردن بازگشت و روح او را به بیابان برد² و چهل روز توسط ابلیس وسوسه شد. و در آن روزها چیزی نخورد؛ و وقتی آن روزها به پایان رسید، گرسنه بود.

³ و ابلیس به او گفت: اگر پسر خدا هستی، دستور بده این سنگها تبدیل به نان شوند.⁴ و عیسی به او پاسخ داد: این گونه نوشته شده که انسان فقط با نان زندگی نمی کند، بلکه به هر کلمه خدا.⁵ و ابلیس او را بالا برد و همه

صورت گیرد. حساسیت خدا به گناه شگفت‌انگیز است، و اما باید با دانستن این موضوع نزد او زندگی کنیم.

3:21 عیسی نیز - هدف از این نوشته این است که نشان دهد عیسی در کنار همه مردم دیگر با غوطه‌ور شدن کامل در آب به عنوان یک بزرگسال تعمید یافت. اگر تعمید یافته است، پس ما نیز باید تعمید بگیریم.

4:3 عیسی هر سه وسوسه را با سه نقل قول از تثنیه پاسخ داد. این نقل قول‌ها به یکدیگر نزدیک هستند- دو بار از تثنیه 6 و یک بار از تثنیه 8. این متون در زمانی نوشته شده‌اند که قوم اسرائیل 40 سال در بیابان بودند و توسط خدا امتحان می‌شدند و وسوسه

عیسی در ناصره

¹⁴ و عیسی با قدرت روح به جلیل بازگشت و اخبار مربوط به او در سراسر منطقه پخش شد.¹⁵ و او در کنیسه‌ها تعلیم می‌داد و همه او را می‌ستودند.

¹⁶ و او به ناصره آمد، جایی که در آن بزرگ شده بود، و طبق رسم خود، روز سبت وارد کنیسه شد و برای خواندن ایستاد.¹⁷ و کتاب اشعیاى نبی آنجا به او تسلیم شد. و او کتاب را باز کرد و جایی را یافت که در آن نوشته بود: ¹⁸ روح خداوند بر من است، زیرا او من را برای موعظه بشارت به فقرا تدهین کرد. او من را فرستاده تا آزادی را برای زندانیان و بازگشت بینایی را برای کوران اعلام کنم، ستم‌دیدگان را رهایی بخشم ¹⁹ و سال پسندیده خداوند را اعلام کنم.²⁰ و عیسی کتاب را بست و به خادم پس داد و نشست، و چشمان همه در کنیسه به او دوخته شده بود.

²¹ و او به آنها گفت: امروز این نوشته هنگام گوش دادن شما محقق شد.²² و همه بر او شهادت دادند و

پادشاهی‌های عالم را در لحظه‌ای از زمان به او نشان داد.⁶ و ابلیس به او گفت: به تو همه قدرت‌ها و شکوه آنها را خواهم داد. زیرا به من تسلیم شده و به هر که بخواهم آن را عطا خواهم کرد.⁷ پس اگر من را بپرستی، همه آنها از آن تو خواهد شد.⁸ و عیسی در پاسخ به او گفت: نوشته شده که تو باید خداوند، خدای خود را پرستش کنی و تنها باید به او خدمت کنی.

⁹ و ابلیس او را به اورشلیم برد، روی نوک معبد نشانند و به او گفت: اگر پسر خدا هستی، خودت را از اینجا پایین بینداز.¹⁰ زیرا نوشته شده: خداوند به فرشتگان خود درباره تو فرمان خواهد داد تا از تو نگهبانی کنند¹¹ و آنها تو را با دستان خود حمل خواهند کرد تا مبادا پایت به سنگی برخورد کند.¹² و عیسی در پاسخ به او گفت: نوشته شده که نباید خداوند، خدای خود را امتحان کنی.

¹³ و وقتی ابلیس همه وسوسه‌ها را به انجام رساند، مدتی از او دور شد.

شدند تا از او نافرمانی کنند. عیسی متوجه شباهت‌های آنها با خود شد. 40 روز در بیابان، آزموده شدن توسط خدا و وسوسه شدن، و هدایت شدن توسط «روح» (آیه 1) مثل قوم اسرائیل که از سوی یک فرشته هدایت شدند. ما نیز باید به دنبال شباهت‌ها بین موقعیت‌های خود و کسانی باشیم که در کتاب مقدس درباره آنها می‌خوانیم. هر چه بیشتر با متن کتاب مقدس آشنا باشیم، در زمان بحران، قدرت، هشدار و شهادت را راحت‌تر پیدا خواهیم کرد. به همین دلیل باید در خواندن کتاب مقدس پایدار باشیم حتی اگر در آن زمان درک نمی‌کنیم یا منفعت آن را فوراً احساس نمی‌کنیم. آرام آرام، کلام خدا کلامی زنده می‌شود که مستقیماً با ما سخن می‌گوید.

4:15 محبوبیت عیسی بسیار زیاد بود. اما او می‌دانست که مردم چگونه بودند (یوحنا، 2:25) و بنابراین از دام موفقیت و محبوبیت اجتناب کرد. ما نیز باید با هر گونه محبوبیت و موفقیت، مثل او برخورد کنیم. تمرکز او بر ستودن خدا و انجام وظیفه

نهاده شده بود بردند تا او را به پایین بپندازند.³⁰ اما او از میان آنها عبور کرد و رفت.

عیسی در کفرناحوم

³¹ و او به کفرناحوم یکی از شهرهای جلیل آمد. و در روز سبت تعلیم می‌داد.³² و آنها از تعالیم او شگفت‌زده شدند؛ زیرا کلام او با قدرت بود.³³ و در کنیسه، مردی بود که روح یک دیو ناپاک را داشت و با صدایی بلند فریاد زد: ³⁴ ما را تنها بگذار! ما با تو چه کار داریم ای عیسی ناصری؟ آیا آمده‌ای که ما را نابود کنی؟ من می‌دانم تو کیستی! ای قدیس خدا!³⁵ و عیسی او را سرزنش کرد و گفت: ساکت باش و از او خارج شو. و وقتی دیو آن مرد را در میان دیگران به زمین کوبید، از او بیرون آمد در حالی که هیچ آسیبی به وی نرسانده بود.³⁶ و شگفتی همه را فرا گرفت و آنها با هم صحبت کردند و به یکدیگر گفتند: این کلام چیست؟ زیرا او با قدرت و اختیار به ارواح ناپاک دستور می‌دهد و آنها بیرون می‌آیند.

از کلمات فیض‌بخشی که از دهان او بیرون می‌آمد متعجب شدند؛ و گفتند: آیا او پسر یوسف نیست؟²³ و عیسی به آنها گفت: بی‌شک شما این ضرب‌المثل را به من خواهید گفت: ای حکیم، خودت را شفا بده. هر کاری که شنیده‌ایم در کفرناحوم انجام دادی، در زادگاه خودت نیز انجام بده. و او گفت: به راستی به شما می‌گویم، هیچ پیامبری در زادگاه خود مقبول نیست.²⁵ اما حقیقتاً به شما می‌گویم، بیومزنان بسیاری در روزهای الیاس در اسرائیل بودند وقتی آسمان سه سال و سه ماه بسته شد، وقتی قحطی عظیمی سراسر سرزمین را فرا گرفت.²⁶ و الیاس برای هیچ کدام جز بیوه زنی در شهر صَرْفَه، در سرزمین صیدون فرستاده نشد.²⁷ و جذامیانی در اسرائیل در زمان الیشع نبی بودند و هیچ کدام به غیر از نعمان سریانی پاک نشد.²⁸ و همه در کنیسه با شنیدن این چیزها عصبانی شدند.²⁹ آنها برخاستند و او را از شهر بیرون کردند و او را به نوک تپه‌ای که شهرشان بر آن بنا

خویش بود، و خواه به دنیا پشت کرده باشیم خواه چاپلوسی دیگران را به همراه داشته باشیم، این باید تمرکز اصلی ما باشد.

4:23 خودت را شفا بده. آیا عیسی دارای ضعفی جسمانی، بیماری یا نقص بود؟ او «هیچ زیبایی‌ای نداشت که باعث شود او را بخواهیم» (اشعیا، 53:2).

4:27 در زمان الیشع هیچ جذامی‌ای در اسرائیل شفا نیافت. پیش‌خدمت جوان اسرائیلی که به ارباب خانم سوری خود گفت که الیشع قادر بود جذام را شفا دهد، با ایمان سخن می‌گفت؛ ایمانی که به چیزی باور دارد که هنوز دیده نشده است (دوم پادشاهان 5:3)

4:30 بنابراین عیسی قادر بود از آزار و اذیت و آسیب شخصی، فرار کند. می‌توانست از صلیب نیز فرار کند. این عذاب او در جتسمانی بود. اما او با آن وسوسه مقابله کرد و به خواست خود زندگی‌اش را برای ما بخشید.

فراخوانی شاگردان

و این گونه شد که وقتی جمعیت به سوی او هجوم آوردند و کلام خدا را شنیدند، او در کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود.² و او دو قایق را در کنار دریاچه دید؛ اما ماهیگیران از قایق بیرون آمده و تورهای خود را می‌شستند.³ و او وارد یکی از آن قایق‌ها شد که از آن شمعون بود، و از او خواست کمی از ساحل دور شود. و او نشست و از قایق به مردم تعلیم می‌داد.⁴ و وقتی صحبتش را تمام کرد، به شمعون گفت: وارد آب عمیق شو و تورهایت را برای صید ببنداز.⁵ و شمعون در پاسخ گفت: استاد، ما همه شب زحمت کشیدیم و چیزی نگرفتیم، اما به خاطر کلام تو، تورها را خواهم انداخت.⁶ و وقتی این کار را کردند، ماهیان بسیاری را صید کردند؛ و تورهایشان در حال پاره شدن بود.⁷ و به شُرکای خود در قایق دیگر اشاره کردند تا بیایند و به آنها کمک کنند. و آنها آمدند و هر دو قایق را پر کردند تا جایی که چیزی نمانده بود که در آب فرو روند.⁸ اما شمعون پطرس وقتی این را دید، به پای عیسی افتاد و گفت: از من دور شو، چون من انسانی گناهکار هستم سرورم.⁹ زیرا او و همه کسانی که با او بودند، از صید ماهیانی که

³⁷ و شهرت او در همه جای مناطق اطراف پیچید.³⁸ و او از کنیسه برخاست و وارد خانه شمعون شد. و مادر زن شمعون مریض بود و تب شدیدی داشت، و آنها از او برای آن زن درخواست کمک کردند.³⁹ و عیسی بالای سر زن ایستاد و تب را نهیب داد و تب زن را ترک نمود و او فوراً برخاست و از آنها پذیرایی کرد.⁴⁰ و وقتی خورشید در حال غروب بود، آنها همه مریضان را با بیماری‌های مختلف نزد او آوردند، و او بر هر یک از آنها دستانش را نهاد و آنها را شفا داد.⁴¹ و دیوها نیز از بسیاری از مردم بیرون آمدند و با فریاد می‌گفتند: تو پسر خدا هستی! اما او آنها را ملامت می‌کرد و به آنها اجازه صحبت نمی‌داد، زیرا آنها می‌دانستند که او مسیح است.⁴² اکنون وقتی روز فرا رسید، او عازم شد و به مکانی متروکه رفت. و جمعیت به دنبال او گشتند و نزد او آمدند و تلاش کردند مانع این شوند که او آنها را ترک کند.⁴³ اما او به آنها گفت: من باید مژده‌های ملکوت خداوند را به شهرهای دیگر نیز موعظه کنم؛ زیرا این دلیل فرستادن من است.⁴⁴ و او در کنیسه‌های جلیل تعلیم می‌داد.

باب 5

4:35 عیسی دیوی را نهیب داد و سپس تب را نهیب داد (آیه 39). «دیوها» زبان آن روز برای اشاره به بیماری‌ها بودند.

5:5 ماهیگیران دوست ندارند از نجاران دستور بشنوند؛ آنها «همه چیز را درباره شغل خود می‌دانند. پس پطرس مجبور بود تواضع کند و از کلام مسیح تبعیت کند؛ درست همان طور که ما این کار را می‌کنیم؛ این بر خلاف گزینه‌های اصلی ما است.

گرفته بودند حیرت‌زده شدند.¹⁰ و یعقوب و یوحنا، پسران زبدی که شریک شمعون بودند نیز حیرت‌زده بودند. و عیسی به شمعون گفت: نترسید. از این زمان به بعد، شما انسان‌ها را صید خواهید کرد.¹¹ و وقتی آنها قایق‌هایشان را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کرده و او را دنبال کردند.

عیسی یک جذامی و مرد مفلوج را شفا می‌دهد

¹² و این گونه شد که وقتی در یکی از شهرهایشان بود، مردی پر از جذام آنجا بود. وقتی عیسی را دید، روی صورتش افتاد و التماس‌کنان به او گفت: سرورم، اگر خواهی، می‌توانی من را پاک سازی.¹³ و عیسی دستش را دراز کرد و او را لمس نمود و گفت: می‌خواهم. پاک شو. و جذام فوراً او را ترک نمود.¹⁴ و عیسی به او دستور داد: به هیچ کس نگو، اما برو و خودت را به کاهن نشان بده و بابت پاک شدن طبق دستور موسی و به عنوان گواهی برای آنها، قربانی پیشکش کن.¹⁵ اما این خبر در مورد او بیشتر و بیشتر پخش شد؛ و گروه‌های

بسیاری نزد او آمدند تا گوش دهند و او ضعف‌های آنها را شفا دهد.¹⁶ اما او به بیابان رفت و دعا کرد.¹⁷ و این گونه شد که در یکی از آن روزهایی که تعلیم می‌داد، فریسیان و حکمای شریعت نشسته بودند که از روستاهای جلیل و یهودیه و اورشلیم آمده بودند؛ و قدرت خدا برای شفا دادن با او بود.¹⁸ و مردم روی تخت، مردی را آوردند که مفلوج بود؛ و در صدد این بودند که او را بیاورند و جلوی عیسی بگذارند.¹⁹ اما وقتی به خاطر ازدحام جمعیت هیچ راهی پیدا نکردند که او را بیاورند، به بام خانه رفتند و از کاشی‌ها او را با تخت خود در میان جمعیت جلوی عیسی پایین گذاشتند.²⁰ و عیسی با دیدن ایمان آنها گفت: ای مرد گناهان تو آمرزیده شدند.²¹ و کاتبان و فریسیان شروع به اندیشیدن کردند و گفتند: این کیست که کفر می‌گوید؟ چه کسی جز خدا می‌تواند گناهان را ببخشد؟²² اما عیسی که متوجه فکرشان شد، در پاسخ به آنها گفت: چرا در دل خود این چنین فکر می‌کنید؟²³ گفتن کدام آسان‌تر است: این که گناهانت بخشیده شدند؛ یا گفتن این که: برخیز و راه برو؟²⁴ اما

5:10 موفقیت در موعظه مثل (در این مثال) موفقیت پطرس در ماهیگیری، از تبعیت از کلام مسیح نشأت می‌گیرد و این که از این طریق، بر اساس غرایز طبیعی خود راهنمایی شویم ممکن است با انجام چنین کاری از نظر دیگران نادان به نظر برسیم.

5:16 اگر عیسی نیاز داشت زمانی را برای تنها بودن با خدا کنار بگذارد، ما نیز چنین نیازی داریم. شاید لازم باشد زنگ هشدار را هر روز 10 دقیقه زودتر تنظیم کنیم.

5:20 عیسی می‌دانست که آنها شفا می‌خواستند. اما ابتدا، گناهان مرد را بخشید. تا نشان دهد که نفع جسمانی ناشی از ارتباط با او در مقایسه با بخشش گناهانمان در وهله دوم قرار دارد. این نیاز اصلی و بزرگ ما است.

نیامده‌ام که نیکوکاران را بلکه آمده‌ام گناهکاران را به توبه دعوت کنم.

³³ آنها به او گفتند: شاگردان یحیی اغلب روزه می‌گیرند و دعا می‌کنند؛ شاگردان فریسیان نیز همین طور؛ اما شاگردان تو می‌خورند و می‌نوشند. ³⁴ و عیسی به آنها گفت: آیا می‌توانید مهمانان عروسی را وادار به روزه کنید وقتی داماد با آنها است؟ ³⁵ اما روزهایی فرا خواهد رسید که داماد از آنها گرفته می‌شود و آنگاه آنها در آن ایام روزه خواهند گرفت.

³⁶ و همچنین مثلی را برای آنها بازگو کرد: هیچ کس تکه‌ای از جامه‌ای نو را پاره نمی‌کند تا بر جامه‌ای کهنه بگذارد، و گرنه جامه نو را پاره خواهد کرد و پارچه جامه نو با جامه کهنه همخوانی نخواهد داشت. ³⁷ و هیچ کس شراب تازه را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزد، و گرنه شراب تازه مشک‌ها را خواهد ترکاند و شراب ریخته خواهد شد و مشک‌ها از بین خواهند رفت. ³⁸ بلکه شراب تازه باید در مشک‌های نو ریخته شود. ³⁹ و هیچ کس پس از نوشیدن شراب کهنه، فوراً تمایل به شراب تازه ندارد زیرا می‌گوید: شراب کهنه خوب است.

برای این که بدانید که پسر انسان روی زمین قدرت بخشیدن گناهان را دارد (او به مرد مغلوج گفت): به تو می‌گویم برخیز و تخت را بردار و برو به خانه‌ات. ²⁵ و او فوراً جلوی آنها بلند شد و بسترش را برداشت و به خانه رفت و خدا را ستایش کرد. ²⁶ و همه آنها حیرت‌زده شدند و خدا را ستودند، و ترس وجودشان را فرا گرفت و گفتند: امروز شاهد اتفاقات عجیبی بودیم.

ضرورت تغییر

²⁷ و بعد از این اتفاقات، او رفت و باجگیری به نام لاوی را دید که در باجگاه نشسته و به او گفت: دنبال من بیا. ²⁸ و او همه چیز را رها کرد، بلند شد و عیسی را دنبال کرد. ²⁹ و لاوی جشن بزرگی را در خانه‌اش برای او گرفت؛ و جمعیت زیادی از باجگیران و دیگران که با آنها شام می‌خوردند آنجا بود. ³⁰ و فریسیان و کاتبان آنها علیه شاگردانش زمزمه کردند و گفتند: چرا با باجگیران و گناهکاران می‌خوری و می‌نوشیدی؟ ³¹ و عیسی در پاسخ به آنها گفت: کسانی که در سلامتی به سر می‌برند نیازی به طبیب ندارند، بلکه مریضان نیاز دارند. ³² من

5:31 ما بیمار هستیم و نیازمند شفا. بنابراین هرگز برای خدا آماده یا به اندازه کافی، خوب نخواهیم بود. نباید در تعمیر گرفتن تأخیر کنیم یا به خدا خدمت نکنیم به این خاطر که احساس می‌کنیم از لحاظ معنوی بیمار هستیم. به خاطر ما بود که او جان داد. **5:35** آیا روزه می‌گیریم چون می‌خواهیم عیسی، داماد بازگردد؟ روزه گرفتن فقط به معنی پرهیز از خوردن نیست؛ روزه گرفتن به معنی بخشیدن مردم و تلاش برای سبک کردن باری است که به دوش می‌کشند (اشعیا، 58:6).

5:39 عیسی در اینجا محافظه‌کاری ذات انسانی را تصدیق می‌کند؛ تغییر واقعی برای ما بسیار دشوار است.

پاب 6

مشاجره بر سر سبت

شفا می‌دهد یا نه، تا شاید اتهامی علیه او بیایند.⁸ اما عیسی از افکار آنها باخبر بود و به مردی که دستش خشک شده بود گفت: برخیز و در میان بایست. و او برخاست و ایستاد.⁹ و عیسی به آنها گفت: از شما می‌پرسم، آیا در روز سبت انجام کار نیک جایز است یا آسیب رساندن؟ نجات دادن یک زندگی یا نابود کردن آن؟¹⁰ و او به همه آنها نگاهی انداخت و سپس به آن مرد گفت: دستت را دراز کن. و او چنین کرد و دستش به حالت اول بازگشت.¹¹ اما آنها پر از خشم شدند و با یکدیگر در این باره بحث کردند که با عیسی چه کار کنند.

عیسی شاگردانش را فرا

می‌خواند و تعلیم می‌دهد

¹² و این گونه شد که در این روزها عیسی برای دعا کردن به کوه رفت؛ و تمام شب به نیایش با خدا پرداخت.¹³ و وقتی روز شد، شاگردانش را فراخواند و دوازده نفر از آنها را برگزید که حواریون نامیده شدند.¹⁴

و این گونه شد که در روز سبت، عیسی از میان گندمزار می‌گذشت؛ و شاگردانش خوشه‌های گندم را چیدند و با مالیدن آنها در دست‌هایشان آنها را خوردند.² اما برخی از فریسیان گفتند: چرا کاری می‌کنید که در روز سبت حرام است؟³ و عیسی در پاسخ به آنها گفت: آیا نخوانده‌اید وقتی داود گرسنه بود، او و همراهانش چه کار کردند؟⁴ چگونه وارد خانه خدا شد و نان‌های تقدیس‌شده را برداشت و خورد که خوردنش برای هیچ کس جز کاهنان جایز نبود و همچنین آن را به همراهانش نیز داد؟⁵ و عیسی به آنها گفت: پسر انسان، صاحب سبت است.

⁶ و این گونه شد که در سبتی دیگر، عیسی وارد کنیسه شد و تعلیم داد؛ و مردی آنجا بود که دست راستش خشک شده بود.⁷ و کاتبان و فریسیان او را از نزدیک نظارمگر بودند تا ببینند آیا در روز سبت

6:4 عیسی پیروان خود را با روحانیون مقایسه کرد. همه ما در جامعه جدیدی که عیسی بنا نهاد، روحانی هستیم (اول پطرس، 2:9). همه ما مسئول سعادت معنوی یکدیگر هستیم؛ نباید آن را به طبقه‌ای از متخصصان واگذار کنیم تا از آنها مراقبت کنند.

6:7 آیا در برخی مواقع حس می‌کنید که یک نفر هر کاری را که می‌کنید به شدت تحت نظر دارد؟ عیسی می‌داند که چه حسی دارید.

6:9 عیسی می‌گوید که حذف انجام کار خوب (در این مورد شفا دادن مرد) مانند ضرر رساندن و نابود کردن زندگی است. ارتکاب گناه تنها گناه موجود نیست؛ گناه انجام ندادن نیز به اندازه قتل و ضرر رساندن به یک نفر زشت و مخرب است.

6:11 خشم- اعمال خوب اغلب در دیگران حس خشم را برمی‌انگیزد؛ آنها با بدنظری به ما می‌نگرند چون کار خوب انجام داده‌ایم. این برای عیسی اغلب اتفاق می‌افتاد (متی 20:15). این نوع حسادت معنوی منجر به مرگ او شد و ما نیز با آن مواجه خواهیم شد.

خواهید خندید.²² خوشا به حال شما اگر به خاطر پسر انسان، مردم از شما متنفر شوند و شما را انکار و سرزنش کنند و نام شما را به عنوان شریر بیرون کنند.²³ آن روز خوشحال باشید و از خوشی پایکوبی کنید، زیرا اجری بزرگ در آسمان دارید. زیرا پدران آنها نیز به همین شکل با پیامبران رفتار کردند.²⁴ اما وای بر شما ثروتمندان! زیرا دلخوشی خود را دریافت کرده‌اید.²⁵ وای بر شما که اکنون سیر هستید! زیرا گرسنه خواهید شد وای بر شما که اکنون خندان هستید! زیرا عزاداری و گریه خواهید کرد.²⁶ وای بر شما اگر مردم از شما خوب سخن می‌گویند! زیرا پدران آنها نیز به همین شکل با پیامبران دروغین رفتار کردند.

²⁷ اما من به شما شنوندگان می‌گویم: دشمنان خود را دوست بدارید، با کسانی که از شما متنفرند رفتار نیک داشته باشید،²⁸ برای کسانی که به شما ناسزا

شمعون، که پطرس نیز نام داشت، و اندریاس برادر او، و یعقوب و یوحنا، و فیلیپس و بارتولما،¹⁵ و متی و توما، و یعقوب پسر حلفی و شمعون معروف به فدایی،¹⁶ و یهوذا پسر یعقوب یهودای اسخریوطی که خائن شد.

¹⁷ و او با آنها پایین آمد و در یک مکان هموار ایستاد، و جمعیت عظیمی از شاگردانش و تعداد زیادی از همه یهودیه و اورشلیم و سواحل صور و صیدون برای گوش دادن به او و شفای بیماری‌هایشان نزد او آمدند.¹⁸ و آنهایی که با ارواح ناپاک مشوش بودند شفا یافتند.¹⁹ و همه مردم در صدد لمس کردن او بودند زیرا قدرت از او ساطع می‌شد و همه را شفا می‌داد.

²⁰ سپس به شاگردانش نگاه کرد و گفت: خوشا به حال شما فقیران، زیرا ملکوت خدا از آن شماست.²¹ خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید، زیرا سیر خواهید شد. خوشا به حال شما که اکنون گریان هستید، زیرا

6:19 شفا دادن مردم برای عیسی بسیار کار سنگینی بود؛ او حس می‌کرد که نیرو از او بیرون رفته (مانند 8:46). اگر با خدمت رسانی به دیگران احساس خستگی کنیم- عیسی «آنجا بوده است».

6:20-22 امر متناقض این است که مسیحیان می‌خواهند خوشحال، ثروتمند و محبوب باشند و غذاهای خوب بخورند. شاید دست به شغل دوم بزنیم یا کار بسیار سختی را انجام دهیم که هیچ وقت و انرژی‌ای برای کارهای الهی برای ما باقی نمی‌گذارد- فقط به این خاطر که می‌خواهیم همان چیزهایی را «بخریم» که اگر نداشته باشیم تبرک خواهیم یافت. این معکوس شدن ارزش‌ها است.

6:23 بزرگ- خداوند از نزدیک، زندگی ما را تحت نظر دارد و فدا کردن امور به خاطر او به معنی به دست آوردن فوری «اجر» نزد او است. رهایی یک نعمت است که به ما با رحمت داده شده است. اما ماهیت ما در زندگی ابدی تابع میزان فداکاری و خدمتی است که در این زندگی به دست آورده‌ایم.

هیچ گاه مایوس نشوید و اجر شما بزرگ خواهد بود و شما فرزندان خدای متعالی خواهید شد. زیرا خداوند نسبت به ناشکران و شریران مهربان است.³⁶ بخشنده باشید زیرا پدرتان نیز بخشنده است.

³⁷ قضاوت نکنید تا خودتان نیز مورد قضاوت قرار نگیرید؛ محکوم نکنید تا خودتان نیز محکوم نشوید. ببخشید تا خودتان نیز بخشیده شوید.³⁸ عطا کنید؛ تا به شما عطا شود؛ مقیاس درست، فشرده و تکانیده شده و لبریز را در دامن شما خواهند ریخت. زیرا از هر مقیاسی که استفاده کنید، همان مقیاس دوباره برای خودتان اعمال خواهد شد.

³⁹ و همچنین مثلی را برای آنها بازگو کرد: آیا کوران می‌توانند کوران را راهنما باشند؟ آیا هر دوی آنها داخل چاه نخواهند افتاد؟⁴⁰ شاگرد والا تر از استاد خود نیست، اما هر کسی که کامل شود، در مقام استادش خواهد بود.

⁴¹ و چرا خرده چوب را در چشم برادران می‌بینید اما تیری را که در چشم خودتان است در نظر نمی‌گیرید؟⁴² یا چگونه به برادران

می‌گویند دعا خیر کنید، و برای آنهایی که با شما بدرفتاری می‌کنند نیایش کنید.²⁹ به آن کسی که صورت شما را سیلی می‌زند، آن طرف صورتتان را نیز تقدیم کنید، و از آن کسی که ردای شما را می‌گیرد، قبای خود را نیز از او دریغ نکنید.³⁰ هر که از تو چیزی درخواست می‌کند به او عطا کن، از کسی که اموالتان را برمی‌دارد نخواهید که آنها را پس دهد؛³¹ و همان طور که می‌خواهید مردم با شما رفتار کنند، خودتان نیز به همان شکل با مردم رفتار کنید.

³² زیرا اگر دوستداران خود را دوست بدارید، چه فضیلتی دارید؟ زیرا حتی گناهکاران نیز دوستداران خود را دوست دارند.³³ و اگر با کسانی که به شما نیکی می‌کنند نیکی کنید، چه فضیلتی دارید؟ زیرا حتی گناهکاران نیز همین کار را می‌کنند.³⁴ و اگر به کسانی قرض بدهید که امید به دریافت دارید، چه فضیلتی خواهید داشت؟ حتی گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا همان قدر دریافت کنند.³⁵ بلکه دشمنان خود را دوست بدارید، و نیکی کنید و قرض دهید،

6:29 وقتی عیسی را سیلی زدند، او پرسید «چرا من را می‌زنی؟» (یوحنا 18:23). او به معنای واقعی کلمه صورتش را برای زدن عرضه نکرد. بنابراین باید اصل این موضوع را بپذیریم نه این که به معنای واقعی کلمه آن را تفسیر کنیم.

6:32 بیایید فکر کنیم امروز در حق کسانی که ما را دوست ندارند و رفع خسارت نمی‌کنند، چه اعمالی از سر عشق می‌توانیم انجام دهیم.

6:38 آنها- فرشتگان در روز داوری. زیرا این امر در این زندگی به حقیقت نخواهد پیوست.

6:40 با بازگشت عیسی «کامل» خواهیم شد و ذات خدا به ما داده می‌شود (عیرانیان 11:40). آن گاه مانند عیسی خواهیم بود. «مثل او خواهیم شد» (اول یوحنا 3:2).

و زمین را عمیق گنده و شالوده را روی سنگ بنا نهاده است؛ و وقتی سیل آمد، چشمه طغیان کرد و خانه را زد نتوانست آن را تکان دهد؛ زیرا روی سنگ بنا نهاده شده است.⁴⁹ اما آن کسی که می‌شنود و عمل نمی‌کند مانند انسانی است که خانه را روی خاک بدون شالوده می‌سازد که چشمه طغیان کرد و با برخورد به آن فوراً خانه سقوط کرد. و خرابی آن خانه بزرگ خواهد بود.

باب 7

شفای یافتن خادم یوزباشی

بعد از این که عیسی همه گفته‌هایش را در گوش مردم به پایان رساند، وارد کفرناحوم شد.² و خادم یک یوزباشی که برای او عزیز بود، بیمار و در شرف مرگ بود.³ و وقتی درباره عیسی شنید، ریش سفیدان یهودیان را نزد او فرستاد تا از او بخواهند که بیاید و خادمش را شفا دهد.⁴ و وقتی آنها نزد عیسی رفتند، صادقانه از او خواهش کردند و گفتند: او لایق آن است که از شما بخواهد این کار را برای او بکنید.⁵ زیرا او امت ما را دوست دارد و کنیسه ما را ساخت.⁶

می‌گویید: برادر، بگذار خرده چوب را از چشمت بیرون بیاورم، وقتی تیری را که در چشم خودتان است نمی‌بینید؟ ای ریاکاران! اول تیر داخل چشم خود را بیرون بیاورید و سپس واضح خواهید دید تا خرده چوب داخل چشم برادران را بیرون بیاورید.

⁴³ زیرا هیچ درخت خوبی نیست که میوه خراب به بار دهد، و درخت فاسد نیز میوه خوب به بار نمی‌دهد.⁴⁴ زیرا هر درختی از روی میوه‌اش شناخته می‌شود. زیرا مردم از خار، انجیر برداشت نمی‌کنند و از بوته خاردار انگور برداشت نمی‌کنند.⁴⁵ انسان خوب از گنجینه نیک دل خود، نیکی را به بار می‌آورد و انسان شرور از گنجینه پلید دلش شرارت را به بار می‌آورد. چرا که دهان از فرونی دل سخن می‌گوید.⁴⁶ و چرا من را «سرورم، سروم» صدا می‌زنید و کارهایی را که می‌گویم انجام نمی‌دهید؟⁴⁷ هر کسی که نزد من می‌آید و کلام من را می‌شنود و آنها را انجام می‌دهد، به شما نشان می‌دهم که این فرد شبیه چه کسی است.⁴⁸ او شبیه انسانی است که خانه‌ای را می‌سازد

معجزه ملکوت فقط این نیست که نخواهیم مُرد- بلکه مثل عیسی خواهیم شد، با عشق، حساسیت، اختیار او، توانایی صحبت با خدا، بدون هیچ مانعی... چه وعده باشکوهی.
6:41 اگر عیسی نجار بود، شاید یک روز در حین کار به این ایده، فکر کرده باشد، در حالی که ذهنش همیشه مشغول امور الهی است.

6:45 شاید فکر کنیم که آن قدر زرنگ هستیم که بتوانیم افکار پلید راجع به یک نفر داشته باشیم اما در روی او حرف‌های خوب بزنیم. فرهنگ خوشرویی چیزی بیش از ریاکاری نیست، و خداوند آن را مجازات خواهد کرد. افکار ما در نهایت در کلام ما منعکس خواهد شد. ما باید دل‌هایمان را تغییر دهیم نه ظاهر بیرونی خود را.

نائین رفت و شاگردانش و جمعیتی عظیم با او رفتند.¹² وقتی نزدیک دروازه شهر شد، مُرده‌ای را که می‌بردند که تنها پسر مادرش بود که بیوه‌زنی بود و بسیاری از مردم شهر او را همراهی می‌کردند.¹³ و وقتی سرور او را دید، دلش به حال او سوخت و به او گفت: گریه نکن.¹⁴ و نزدیک آمد و تابوت را دست زد و حمل‌کنندگان آن بی‌حرکت ایستادند. و او گفت: ای مرد جوان، به تو می‌گویم، برخیز.¹⁵ و مُرده بلند شد و شروع به سخن گفتن کرد. و عیسی او را به مادرش عطا کرد.¹⁶ و ترس همه را فرا گرفت و آنها خدا را ستودند و گفتند: پیامبری عظیم در میان ما برخاسته و خدا به مردمش نظر افکنده!¹⁷ و این خبر درباره عیسی در کل یهودیه و مناطق اطراف پخش شد.

نظر عیسی درباره یحیی

¹⁸ و شاگردان یحیی همه این اتفاقات را برای او تعریف کردند.¹⁹ و یحیی دو تن از شاگردانش را نزد خود فراخواند و آنها را را نزد عیسی فرستاد و پرسید: آیا تو همان هستی

و عیسی با آنها رفت. و وقتی عیسی چندان از خانه دور نبود، یوزباشی دوستان را نزد او فرستاد و به او گفتند: سرورم، به خودت زحمت نده. زیرا من لیاقت آن را ندارم که زیر سقف من بیایی؛⁷ بنابراین حتی خودم را لایق این ندانستم که خودم نزد تو بیایم. بلکه فقط کلام را بگو، و خادمم شفا خواهد یافت.⁸ زیرا من نیز انسانی تحت قدرت هستم و سربازانی را زیر دست خود دارم؛ و به یکی می‌گویم، برو! و او می‌رود. و به دیگری می‌گویم: بیا! و او می‌آید. و به خادمم می‌گویم: این کار را بکن. و او آن را انجام می‌دهد.⁹ و وقتی عیسی این‌ها را شنید، حیرت‌زده شد و برگشت و به جمعیتی که او را دنبال می‌کرد گفت: به شما می‌گویم که چنین ایمان عظیمی پیدا نکرده بودم حتی در اسرائیل.¹⁰ و آنهایی که فرستاده شده بودند، به خانه بازگشتند و دیدند که خادم شفا یافته است.

عیسی مردی مُرده را زنده می‌کند
¹¹ و این گونه شد که خیلی زود پس از آن، عیسی به شهری به نام

7:6 لیاقت آن را ندارم. اما مردم آشکارا گفتند که او «لایق» است (آیه 4). حتی اگر دیگران درباره ما خوب فکر کنند و سخن گویند، نباید فکر کنیم که لیاقت عیسی را داریم؛ بلکه همیشه حس گناهکاری و تواضع را نزد او باید حفظ کنیم.
7:14 لمس کردن تابوت یا جسد مُردگان بر اساس شریعت یهودیت انسان را ناپاک می‌سازد؛ اما عیسی به جذامیان دست زد و اکنون به تابوت دست زد تا حس همدردی خود با ناپاکان را نشان دهد. کسانی که متوجه می‌شوند که بسیار ناپاک هستند، از این امر حس آرامش خواهند یافت.

7:19 این می‌تواند حاکی از سقوط ایمان در یحیی باشد. او شک کرد که همان طور که تعلیم داده بود، آیا پسرعموی او عیسی واقعاً مسیحا بود یا نه؛ زیرا عیسی آن طور که

در دربار پادشاهان هستند.²⁶ اما برای دیدن چه چیزی رفتید؟ یک پیامبر؟ آری، من به شما می‌گویم، والاتر از یک پیامبر است!²⁷ این اوست که درباره‌اش نوشته شده: بنگر، من پیامبرم را پیش رویت می‌فرستم؛ که راهت را پیش روی تو آماده خواهد ساخت.²⁸ به راستی به شما می‌گویم، در میان کسانی که از زنی زاییده شده‌اند، هیچ کس والاتر از یحییای تعمیددهنده نیست. با این حال، آن کسی که در ملکوت آسمان کوچک است، از او والاتر است.²⁹ وقتی همه مردم و باجگیران این را شنیدند، پس از تعمید یافتن با تعمید یحیی، به عدالت خداوند اقرار کردند.³⁰ اما فریسیان و فقیهان تدبیر خدا را برای خود رد کردند و از یحیی تعمید نگرفتند.

³¹ و سرور گفت: مردم این نسل را به چه کسی تشبیه کنم و آنها مانند چه هستند؟³² آنها مانند کودکانی هستند که در بازار می‌نشینند و یکدیگر را صدا می‌زنند و می‌گویند: برای شما نی نواختیم، و نرقصیدید؛ نوحه خواندیم و عزاداری نکردید.

که قرار است بیاید یا باید به دنبال کس دیگری باشیم؟²⁰ و وقتی آنها نزد او آمدند، گفتند: یحییای تعمیددهنده ما را نزد تو فرستاده تا بپرسیم: آیا تو همان هستی که قرار است بیاید یا به دنبال کس دیگری باشیم؟²¹ در آن ساعت، او بسیاری از بیماری‌ها و امراض و ارواح پلید را شفا داد و به بسیاری از کوران بینایی بخشید.²² و در پاسخ به آنها گفت: بروید به یحیی دیده‌ها و شنیده‌هایتان را بگویید. کوران بینایی خود را به دست آوردند، شلان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌شوند، ناشنوایان می‌شنودند، مُردگان برمی‌خیزند، بشارت به فقرا موعظه می‌شود.²³ و خوشا به حال آن کسی که در ایمان به من هیچ لغزشی پیدا نکند.

²⁴ و وقتی پیغام رسانهای یحیی رفتند، عیسی شروع کرد به سخن گفتن با مردم درباره یحیی: برای دیدن چه چیزی به بابایان رفتید؟ نی‌ای که با باد می‌لرزد؟²⁵ اما برای دیدن چه چیزی رفتید؟ مردی که لباس لطیف بر تن دارد؟ بنگرید، کسانی که لباس فاخر و زندگی مجلل دارند

یحیی از مسیحا انتظار داشت، رفتار نمی‌کرد. خدا و عیسی را نباید با انتظارات خود از آنها تعریف کنیم؛ بلکه باید آنها را همان طور که خود را در واقعیت نشان می‌دهند بپذیریم. بنابراین، عیسی پیامی به یحیی فرستاد و به او هشدار داد که خوشا به حال آن کسی که در مورد عیسی به لغزش نمی‌افتد (آیه 23). کتاب مقدس سقوط ایمان مردان بزرگ را ثبت می‌کند. هیچ قدیسه با صورت نورانی وجود ندارد. با این که یحیی در این مقطع ضعیف بود، عیسی همچنان در آیه 28 از او بسیار مثبت صحبت می‌کند. ما نیز باید علیرغم آگاهی از ضعف‌های یکدیگر، نسبت به یکدیگر مثبت باشیم.

7:30 اگر از تعمید یافتن امتناع کنیم، ما هم همین کار را کرده‌ایم.

7:32 کودکان، کودکان دیگر را دعوت کردند تا نوحه‌های غمگین بنوازند، و آنها نپذیرفتند؛ بنابراین از آنها خواستند آهنگ عروسی‌های شاد بنوازند و آنها باز هم

است.⁴⁰ و عیسی در پاسخ به او گفت: چیزی هست که باید به تو بگویم. و او گفت: استاد بگو.⁴¹ یک قرض‌دهنده دو بدهکار دارد. یکی پنج هزار دینار و دیگر پنجاه دینار بدهکار بود.⁴² وقتی آنها چیزی برای پرداخت نداشتند، او هر دوی آنها را بخشید. بنابراین کدام یک او را بیشتر محبت نمود؟⁴³ و شمعون در پاسخ گفت: به نظرم آن کسی که قرض بیشتری را برایش بخشید. و عیسی به او گفت: قضاوت درستی داشتی.⁴⁴ و رو به زن کرد و به شمعون گفت: این زن را دیدی؟ من وارد خانه‌ات شدم، تو برای شستن پاهایم آب نیاوردی، اما او پاهایم را با اشکش شست و با مویش آنها را پاک نمود.⁴⁵ تو من را نبوسیدی، اما او از زمانی که آمده‌ام، دست از بوسیدن پاهای من برنداشته است.⁴⁶ تو سر من را باروغ ندهین نکردی، اما او با عطر پاهایم را تدهین کرد.⁴⁷ پس به تو می‌گویم که گناهان او که بسیارند، بخشیده شدند (زیرا او محبت بیشتری کرد). اما کسی که گناهان کمتری از او بخشیده شد، کمتر محبت نموده است.⁴⁸ و عیسی به او گفت: گناهانت بخشوده شدند.

³³ زیرا یحیای تعمیددهنده آمد و نه نان خورد و نه شراب نوشید و شما می‌گویید: او دیو دارد.³⁴ پسر انسان می‌آید و غذا می‌خورد و می‌نوشد و شما می‌گویید: ببین چه مرد حریص و عیاشی، دوست باجگیران و گناهکاران! ³⁵ اما حکمت با فرزندان خود توجیه می‌یابد.

عیسی در خانه شمعون

³⁶ و یکی از فریسیان از عیسی خواست که با او غذا بخورد. و او وارد خانه فریسی شد و سر سفره غذا نشست.³⁷ و زنی که در شهر بود و گناهکار بود، وقتی فهمید که عیسی در خانه فریسی غذا می‌خورد، با شیشه‌ای از عطر آمد ³⁸ و پشت پاهای عیسی ایستاد، گریه کرد و شروع کردن به شستن پاهای او با اشک‌هایش و با موی سرش آن را پاک کرد و پاهایش را بوسید و با عطر آنها را تدهین نمود.³⁹ وقتی آن فریسی که عیسی را دعوت کرده بود این را دید، نزد خود گفت: اگر این مرد پیامبر بود می‌فهمید که این زن که او را لمس می‌کند کیست و چه گونه زنی است و یک گناهکار

نپذیرفتند. خدا از طریق سبک‌های مختلف عیسی و یحیی، همه مردم را فراخواند؛ اما یهودیان از پاسخ واقعی امتناع کردند.

7:35 فرزندان خود- هم تازه‌کیشان عیسی و هم یحیی.

7:43 موضوع این است که ما همه گناهکاریم و میزان بدهکاری ما واقعاً میزانی است که فکر می‌کنیم گناهکار هستیم. هر چه بیشتر متوجه گناهانمان شویم، بیشتر عیسی را به خاطر بخشیدن خود دوست خواهیم داشت.

7:44 بنابراین عیسی پشت به شمعون با او صحبت کرد. او عمداً به میزبان خود گستاخی کرد تا بر میزان پذیرش و احترام به آن زن پشیمان تاکید کند.

7:48 او این را می‌دانست بی‌آنکه عیسی به او گفته باشد زیرا عیسی را بسیار دوست

⁴⁹ و کسانی که با عیسی سر سفره غذا بودند، نزد خود گفتند: این چه کسی است که گناهان را می‌بخشد؟⁵⁰ و او به آن زن گفت: ایمانت تو را نجات داده است. به سلامت برو!

باب 8

داستان برزگر

و این گونه شد که خیلی زود پس از آن، عیسی به شهرها و روستاها رفت و مژده ملکوت خداوند را می‌داد و موعظه می‌کرد؛ و آن دوازده نفر،² و برخی زنانی که از ارواح ناپاک و بیماری‌ها شفا یافته بودند، او را همراهی می‌کردند. مریم که مجدلیه نام داشت، هفت دیو از او بیرون رفته بود،³ و یونا همسر خوزا، مباشر هیرودیس، و سوسن و بسیاری دیگر که از اموال خود به آنها خدمت می‌کردند.

⁴ و وقتی جمعیت عظیمی گرد هم آمدند، و از هر شهری نزد او آمدند، او در قالب مَثَل سخن گفت:⁵ برزگر برای کاشتن دانه‌های خود رفت؛ و در حال کاشتن، برخی از دانه‌ها در کناری افتادند و زیر پا له شدند و پرندگان آسمان آن‌ها را خوردند.⁶ و

بقیه دانه‌ها روی سنگلاخ افتادند؛ و به محض این که رشد کردند، خشک شدند زیرا هیچ رطوبتی نداشتند.⁷ و بقیه دانه‌ها در میان خارها افتادند؛ و خارها با آنها روییدند و آنها را خفه کردند.⁸ و بقیه در خاک خوب افتادند، و رشد کردند و صد برابر میوه دادند. وقتی این‌ها را می‌گفت، فریاد زد: هر آن کس که گوش شنوا دارد، بشنود.

⁹ و شاگردانش از او معنی این مَثَل را پرسیدند. و او گفت: به شما این نعمت داده شده تا رمز و راز ملکوت خداوند را بدانید، اما برای بقیه، این مَثَل همان مَثَل باقی می‌ماند؛ بنابراین با دیدن، آنها نمی‌بینند و با شنیدن درک نمی‌کنند.

¹¹ حال، مَثَل این است. دانه، کلام خدا است.¹² دانه‌هایی که در کناری افتادند کسانی هستند که کلام را شنیده‌اند؛ سپس ابلیس می‌آید و کلام را از قلبشان می‌رباید مبادا ایمان آورده و نجات یابند.¹³ و آنهایی که روی سنگلاخ افتادند کسانی هستند که وقتی کلام را شنیده‌اند، با شادی آن را می‌پذیرند؛ اما این‌ها ریشه‌ای ندارند و مدتی ایمان می‌آورند، اما در هنگام وسوسه سقوط می‌کنند.

داشت. و عیسی متوجه بود که عشق او به این خاطر است که بسیار بخشیده شده است. وقتی بخشیده می‌شویم، همیشه عیسی مستقیم این را به ما نمی‌گوید؛ بلکه آن را حس می‌کنیم. آن زن نیز حس کرده بود.

8:3 عیسی گروهی از مردان فقیر و زنان ثروتمند را جذب خود کرده بود. او افراد بسیار متفاوتی را برای برقراری ارتباط با او و یکدیگر دعوت می‌کند، و کلیسای حقیقی عیسی را، نمونه‌ای از اتحاد خارق‌العاده می‌سازد؛ فقط از یک تیپ روانشناختی، یک طبقه اجتماعی، رنگ، نژاد یا جنسیت تشکیل نشده است. یک ترکیب شگفت‌انگیز است. بر خلاف یک باشگاه اجتماعی است که فقط یک تیپ را جذب می‌کند.

8:8 او فریاد زد- عیسی به شدت می‌خواست و می‌خواهد که مردم تعالیم او را درک کنند.

را ببینند.²¹ اما او در پاسخ به آنها گفت: مادرم و خویشاوندانم این‌هایی هستند که کلام خدا را می‌شنوند و به آن عمل می‌کنند.²² و این گونه شد که در یکی از آن روزهایی که او و شاگردانش سوار یک قایق شدند، و او به آنها گفت: بیاوید به آن سمت دریاچه برویم. و آنها حرکت کردند.²³ اما در حالی که در دریا عازم بودند، عیسی به خواب رفت؛ و تندبادی در دریاچه پدید آمد، قایق پر از آب شد؛ و زندگی‌شان به خطر افتاد.²⁴ آنها آمدند و او را بیدار کردند و گفتند: استاد، استاد، داریم هلاک می‌شویم! و او بیدار شد و باد و خشم آب را نهیب داد و آنها متوقف شدند و آرامشی برقرار شد.²⁵ و عیسی به آنها گفت: ایمان‌تان کجاست؟ و آنها که ترسیده بودند، متعجب شدند و به یکدیگر گفتند: پس این کیست که حتی به بادها و آب دستور می‌دهد و آنها از او تبعیت می‌کنند؟

شفای لژیون

²⁶ و آنها به منطقه جدریان آمدند که روبروی جلیل است.²⁷ و وقتی به خشکی رسیدند، مردی از شهر بیرون آمد و به ملاقات او رفت که دیو داشت و مدت زیادی بود که هیچ لباسی نپوشیده بود و به

¹⁴ و دانه‌هایی که در میان خاها افتادند، کسانی هستند که کلام را شنیده‌اند، اما وقتی به راه خود می‌روند، با خیال و ثروت و لذت‌های زندگی خفه می‌شوند و هیچ میوه‌ای به ثمر نمی‌رسانند.¹⁵ و دانه‌هایی که روی خاک خوب افتادند کسانی با دلی صادق و نیک هستند که پس از شنیدن کلام، آن را سریع نگاه می‌دارند و با صبر میوه می‌دهند.

¹⁶ هیچ کس وقتی چراغی دارد، آن را با ظرف نمی‌پوشاند یا آن را زیر بستر قرار نمی‌دهد؛ بلکه آن را روی چراغدان قرار می‌دهد تا کسانی که وارد می‌شوند آن را ببینند.¹⁷ زیرا چیزی پنهان نمی‌ماند که آشکار نگردد؛ و هیچ رازی نیست که شناخته نشود و هویدا نگردد.

¹⁸ بنابراین مراقب باشید که چگونه می‌شنوید. زیرا هر که دارد، به او اعطا خواهد شد؛ و هر که ندارد، از او حتی چیزهایی که فکر می‌کند دارد نیز گرفته خواهد شد.

عیسی توفان را آرام می‌کند

¹⁹ و مادر و خویشاوندانش نزد او آمدند؛ و آنها نتوانستند به خاطر ازدحام پیش او بروند.²⁰ و به او گفته شد: مادر و خویشاوندان تو بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند تو

8:16 اگر نور معنوی خود را پنهان سازیم، خاموش خواهد شد. شهادت دادن بر ایمان ما به نفع ما و کسانی است که موعظه ما را می‌پذیرند.

8:21 آیا خانواده معنوی خود را مهم‌تر از خانواده طبیعی خود تلقی می‌کنیم؟ این کار بسیار دشوار است، برای عیسی نیز گفتن سخنانی که اینجا گفت دشوار بود.

8:28 اگر عیسی پسر خدای متعال است، پس نمی‌تواند به معنی تثلیث با خدا برابر باشد؛ زیرا خدا والاترین است.

و آن مرد را در حالی یافتند که دیوها او را ترک کرده بودند و پیش پای عیسی نشسته و لباس پوشیده و عقلش سر جایش است؛ و آنها ترسیدند.³⁶ و کسانی که این را دیدند به دیگران گفتند که چگونه آن مرد دیوزده شفا یافته بود.³⁷ و همه مردم منطقه جدریان از عیسی خواستند که آنها را ترک کند زیرا ترسی عظیم آنها را فرا گرفته بود. بنابراین او سوار قایق شد و بازگشت.³⁸ اما آن مردی که دیوها ترکش کرده بودند به عیسی التماس کرد که اجازه بدهد با او برود، اما عیسی او را روانه کرد و گفت:³⁹ برو نزد خانوادهات و کارهای عظیمی را که خداوند برای تو کرده اعلام کن. و او روانه شد و در کل شهر کارهای عظیمی را که عیسی برای او انجام داده بود منتشر کرد.

⁴⁰ و وقتی عیسی بازگشت، جمعیت عظیمی از او استقبال کردند. زیرا همه منتظر او بودند.

عیسی دختری مُرده را زنده

می‌کند

⁴¹ و مردی به نام یائیروس آمد که رئیس کنیسه بود؛ و به پای عیسی افتاد و به او التماس کرد که به خانه‌اش بیاید.⁴² زیرا تک دختری داشت که حدود دوازده سال سن داشت و در شرف مرگ بود. اما وقتی عیسی رفت، جمعیت هجوم آوردند.⁴³ و زنی که دوازده سال از

غیر از گورستان در هیچ خانه‌ای زندگی نمی‌کرد.²⁸ و وقتی عیسی را دید، فریاد زد و به پای او افتاد و با صدایی بلند گفت: من با تو چه کار دارم ای عیسی، پسر خدای متعال؟ به تو التماس می‌کنم من را شکنجه نده.

²⁹ زیرا عیسی به روح ناپاک دستور داد که از آن مرد بیرون بیاید. زیرا اغلب اوقات روح ناپاک او را می‌گرفت و از او نگهبانی می‌کردند و با بند و زنجیر او را می بستند؛ و با پاره کردن زنجیر، دیو او را به بیابان می برد.

³⁰ و عیسی از او پرسید: اسمت چیست؟ و او گفت: لژیون. چرا که دیوهای بسیاری وارد او شده بودند.³¹ و آنها به عیسی التماس کردند که به آنها دستور ندهد به سمت پرتگاه بروند.

³² گله‌ای متشکل از خوک‌های بسیاری در کوه در حال چریدن بودند و آنها به عیسی التماس کردند که اجازه دهد وارد خوک‌ها شوند. و او به آنها اجازه داد.³³ و دیوها از آن مرد بیرون آمدند و وارد خوک‌ها شدند؛ و گله از تپه به سرعت به سمت دریاچه پایین آمدند و غرق شدند.

³⁴ و وقتی خوکبانان اتفاق رخ داده را دیدند، فرار کردند و در شهر مجاور و در منطقه این موضوع را بیان کردند.³⁵ و آنها رفتند تا ببینند چه اتفاقی افتاده و نزد عیسی آمدند

8:32 نگهداری خوک‌ها برای یهودیان ممنوع بود زیرا خوک‌ها حیوانات ناپاکی بودند.

8:42 اغلب اوقات برای انجام کار بسیار مهمی عجله می‌کنیم، و سپس یک نفر یا یک

را شنید، پاسخ داد: نترسید. فقط ایمان داشته باش و دخترت شفا خواهد یافت.⁵¹ و وقتی وارد خانه شد، و به هیچ کس جز پطرس، یوحنا و یعقوب و پدر و مادر آن دختر اجازه ورود نداد.⁵² همه در حال گریه و شیون برای او بودند، اما عیسی گفت: گریه نکنید. زیرا او نمرده بلکه خوابیده است.⁵³ و آنها که می‌دانستند او مرده، با تمسخر به او خندیدند.⁵⁴ اما او دست دختر را گرفت، صدا زد و گفت: دخترک، برخیز.⁵⁵ و روح او بازگشت، فوراً بلند شد و عیسی دستور داد که به دخترک چیزی برای خوردن بدهند.⁵⁶ و والدینش شگفت‌زده شدند، اما او به آنها دستور داد که به هیچ کس نگویند که چه شد.

باب 9

دوازده نفر برای موعظه فرستاده شدند

خونریزی مزمن رنج می‌برد و همه معیشت خود را خرج طبیبان کرده بود و هیچ یک از آنها او را درمان نکرده بودند،⁴⁴ از پشت سر او آمد و لبه ردای او را لمس نمود و فوراً خونریزی‌اش قطع شد.⁴⁵ و عیسی گفت: چه کسی به من دست زد؟ و وقتی همه انکار کردند، پطرس و همراهانش گفتند: استاد، جمعیت به سمت تو هجوم و فشار آورده است.⁴⁶ اما عیسی گفت: یک نفر به من دست زد. زیرا فهمیدم که قدرتی از من ساطع شد.⁴⁷ و وقتی آن زن دید که نمی‌تواند پنهان بماند، لرزان آمد و به پای عیسی افتاد و در حضور همه مردم اعلام کرد که چرا به او دست زده و چگونه فوراً شفا یافت.⁴⁸ و عیسی به او گفت: دخترم، ایمانت تو را شفا داده است. به سلامت برو.⁴⁹ در حالی که هنوز سخن می‌گفت، یکی از خانه رئیس کنیسه آمد و گفت: دخترت فوت شد. مزاحم استاد نشوید.⁵⁰ اما عیسی که این

چیز دیگر توجه ما را جلب می‌کند. در حالی که با عجله می‌خواهیم بیرون برویم، تلفن زنگ می‌زند؟ وقتی در گفتگوی بسیار مهمی هستیم، کودکی اصرار می‌ورزد که توجه ما را جلب کند. در آن لحظات ناامیدی، عیسی را به یاد آورید. چقدر آرام بود، هیچ وقت دست‌پاچه نمی‌شد؛ به مردم محبت می‌کرد تا جایی که در نهایت، هیچ وقت نیاز واقعی هیچ کس را نادیده نگرفت.

8:45 عیسی می‌دانست که چه کسی به او دست زده بود. اما می‌خواست آن زن آشکارا خود را جلوی جمعیت نشان دهد و ایمان خود را اعلام کند. عیسی در زندگی ما تلاش می‌کند که مطمئن شود آشکارا ایمان خود را جلوی جهان اعلام می‌کنیم، حتی وقتی سعی داریم چنین نکنیم.

8:50 ترس، متضاد ایمان است.

8:54 دست دختر را گرفت. عیسی می‌دانست که آن دختر وقتی زنده بیدار شود، بدون تماس انسانی خواهد ترسید. ما شاهد ایمان کامل او به این هستیم که معجزه رخ خواهد داد؛ و نیز حساسیت شدید او نسبت به مردم را می‌بینیم و این که چگونه جلوتر از آنها فکر می‌کرد و می‌دانست چه حسی خواهند داشت. در مورد دستور او برای غذا دادن به

صدد دیدن او برآمد.

عیسی به 5000 نفر غذا می‌دهد
¹⁰ و وقتی حواریون بازگشتند، کارهای خود را به او اعلام کردند. و او آنها را به شهری به نام بیت صیدا برد. ¹¹ اما مردم از این باخبر شدند و عیسی را دنبال کردند و او از آنها استقبال کرد و با آنها از ملکوت خداوند سخن گفت و کسانی را که نیاز به شفا داشتند درمان کرد. ¹² و روز رو به پایان بود؛ و آن دوازده نفر آمدند و به عیسی گفتند: مردم را روانه کن تا شاید به روستاها و مناطق اطراف بروند و منزل کنند و غذا به دست آورند. زیرا ما اینجا در مکانی متروکه هستیم. ¹³ اما او به آنها گفت: شما غذایی برای خوردن به آنها بدهید. و آنها گفتند: ما بیش از پنج قرص نان و دو ماهی نداریم مگر این که برویم و برای همه این مردم غذا بخریم. ¹⁴ زیرا آنها حدود پنج هزار نفر بودند. و عیسی به شاگردانش گفت: آنها در قالب گروه بنشانید که هر گروه پنجاه نفر داشته باشد. ¹⁵ و چنین کردند و همه

و او دوازده نفر را با هم فراخواند و به آنها قدرت و اختیار بر همه دیوها و برای درمان بیماری‌ها را داد. ² و آنها را فرستاد تا ملکوت خدا را موعظه کنند و مریضان را شفا دهند. ³ و او به آنها گفت: چیزی برای سفر با خود نبرید، نه عصا، نه کیف، نه نان نه پول. و نه دو پیرهن. ⁴ و وارد هر خانه‌ای که می‌شوید، تا هنگام ترک شهر در آنجا بمانید. ⁵ و هر کسی که شما را نمی‌پذیرد، وقتی از آن شهر بیرون می‌روید، خاک پای خود را بتکانید تا گواهی علیه آنها باشد. ⁶ و آنها عازم شدند و در سراسر روستاها رفتند و بشارت و شفا را همه جا موعظه کردند. ⁷ هیرودیس تترارخ همه اتفاقات رخ داده را شنید و نگران شد، که دلیل آن حرف برخی بود که می‌گفتند یحیی از میان مردگان برخاسته؛ ⁸ برخی دیگر می‌گفتند که الیاس ظاهر شده و بقیه می‌گفتند یکی از پیامبران قدیم برخاسته است. ⁹ و هیرودیس گفت: من سر یحیی را از تنش جدا کردم، اما این کیست که این‌ها را درباره‌اش می‌شنوم؟ و در

دختر نیز چنین است. باشد که روح حساس او از آن ما شود، همواره جلوتر فکر کنیم که دیگران در پاسخ به رویدادها چه حسی خواهند داشت.

9:2 ارتباط مداوم بین موعظه بشارت ملکوت و شفا دادن به این دلیل بود که شفا، پیشگویی حالتی بود که هنگام بنا نهادن ملکوت خدا بر زمین ایجاد خواهد شد.

9:5 یهودیان باید با تکان دادن پای خود، گرد و غبار مناطق غیریهود را بیرون می‌انداختند. عیسی می‌گوید که یهودیانی که او را نپذیرند، هیچ برتری به غیریهودیان ندارند. اگر مسیح را رد کنیم، «با جهان محکوم» خواهیم شد (اول قرن‌تیا 11:28).

9:12 عیسی در «مکانی متروک» موعظه کرد تا مردم مجبور شوند برای رسیدن به او کمی تلاش کنند. ما باید به نوبه خود کمی تلاش کنیم تا کلام خدا را بشنویم، حتی با این که رهایی از سر لطف و رحمت است.

کس که زندگی‌اش را نجات دهد آن را از دست خواهد داد، اما هر کس که به خاطر من زندگی‌اش را از دست دهد آن را نجات خواهد داد.²⁵ زیرا انسان چه سودی می‌برد اگر کل دنیا را بدست آورد اما زندگی‌اش را از دست بدهد یا تباه شود؟²⁶ زیرا هر که از من و کلام من شرمسار گردد، پسر انسان نیز وقتی در جلال خویش و در شکوه پدر و فرشتگان مقدس می‌آید، از او شرمسار خواهد بود.²⁷ اما حقیقتی را به شما می‌گویم: کسانی هستند که در اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.

دگرگونی سیمما

²⁸ و این گونه شد که هشت روز پس از این گفته‌ها، عیسی با خود پطرس، یوحنا و یعقوب را برد و برای نیایش بالای کوه رفت.²⁹ در حالی که دعا می‌کرد، ظاهر چهره‌اش تغییر کرد و لباسش سفید و خیرمکنده شد.³⁰ و دو مرد با او صحبت می‌کردند که موسی و الیاس بودند.³¹ و در شکوه ظاهر گشتند و از مرگ او سخن گفتند که قرار بود در اورشلیم اتفاق بیفتد.³² پطرس و همراهانش در خواب عمیق بودند، اما وقتی کاملاً از خواب بیدار شدند،

را بر روی زمین نشانددند.¹⁶ و او پنج قرص نان و دو ماهی را برداشت، به آسمان نگاه کرد، آنها را برکت داد و تکه‌تکه کرد و به شاگردانش داد تا بین آنها تقسیم کنند.¹⁷ و همه آنها خوردند و سیر شدند، و از خرده‌های باقیمانده، دوازده سبد پر جمع شد.

عیسی در خلوت با شاگردان

سخن می‌گوید

¹⁸ و این گونه شد که وقتی عیسی تنها دعا می‌کرد، شاگردانش به او ملحق شدند؛ و او از آنها پرسید: مردم می‌گویند من کیستم؟¹⁹ و آنها پاسخ دادند: پحیای تعمیددهنده، اما دیگران می‌گویند الیاس و بقیه می‌گویند یکی از پیامبران قدیمی برخاسته است.²⁰ و عیسی به آنها گفت: شما مرا که می‌دانید؟ و پطرس پاسخ داد: مسیح خدا.²¹ و او به آنها دستور داد که به هیچ کس این را نگویند.²² و گفت: پسر انسان رنج بسیار خواهد کشید و از سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان انکار و کشته خواهد شد و در روز سوم خواهد برخاست.²³ و به همه گفت: اگر هر کسی بخواهد پیرو من باشد، باید خود را انکار کند، صلیبش را هر روز بردارد و دنبال من بیاید.²⁴ زیرا هر

9:18 تنها دعا می‌کرد. ما باید برای تنها دعا کردن زمانی پیدا کنیم، نه این که در زندگی

فقط به دعا‌های دیگران بگوییم «آمین».

9:23 هر روز. ما باید هر روز برخیزیم و به خود یادآور شویم که باید صلیب عیسی را برداریم، او را در «آخرین قدم» به سوی مرگ همراهی کنیم. نحوه شروع هر روز، مهم است.

9:24 چگونه می‌توانیم به خاطر او امروز زندگی‌مان را از دست بدهیم؟

او را می‌گیرد، و او ناگهان فریاد می‌زند؛ روح او را تکان می‌دهد به نحوی که دهانش کف می‌کند؛ بعد با دشواری بسیاری او را ترک می‌کند، در حالی که او کبود شده است.⁴⁰ من به شاگردانت التماس کردم که آن را بیرون برانند، اما آنها نتوانستند.⁴¹ و عیسی در پاسخ گفت: ای نسل بی‌ایمان و منحرف، تا به کی باید با شما باشم و شما را تحمل کنم؟ پسرت را اینجا بیاور.⁴² و در حالی که می‌آمد، دیو او را به زمین زد و تکان داد. اما عیسی روح ناپاک را نهیب داد و پسر را شفا داد، و به پدرش بازگرداند.⁴³ و همه آنها از عظمت خداوند شگفت‌زده شدند. اما در حالی که همه از تمام کارهایی که عیسی کرد حیرت‌زده بودند، او به شاگردانش گفت:⁴⁴ این کلمات را در گوش خود بسپارید. زیرا پسر انسان به دستان مردم تسلیم خواهد شد.⁴⁵ اما آنها معنی این حرف را نفهمیدند، و از آنها پنهان ماند تا آن را درک نکنند،

شکوه او و دو مردی را دیدند که با او ایستاده بودند.³³ و این گونه شد که در حالی که او را ترک می‌کردند، پطرس به عیسی گفت: استاد، چقدر خوب که ما اینجا هستیم! بگذار سه خیمه بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای الیاس. نمی‌دانست که چه گفت.³⁴ و در حالی که این‌ها را گفت، ابری آمد و بر آنها سایه افکند و وقتی وارد ابر شدند ترسیدند.³⁵ و صدایی از ابر بیرون آمد و گفت: این پسر من، برگزیده من است. به او گوش دهید.³⁶ و وقتی صدا آمد، عیسی تنها بود. و آنها ساکت ماندند و در آن روزها کسی را از آنچه دیده بودند، آگاه نکردند.

³⁷ و این گونه شد که روز بعد، وقتی از کوه پایین آمدند، جمعیتی عظیم به ملاقات عیسی رفتند.³⁸ و مردی از میان مردم فریاد زد و گفت: استاد، به تو التماس می‌کنم که به پسر من نظری بیفکنی؛ زیرا او تنها فرزندم است.³⁹ و روحی

9:35 به او گوش دهید. اشاره به پیشگویی تثنیه 18:15 که باایمانان صدای مسیحا را خواهند شنید. پیشگویی عهد عتیق درباره عیسی در کتاب اعمال 3:22 نقل قول شده است. عیسی پیشگویی‌های عهد عتیق درباره خودش را محقق کرد؛ او «کلامی بود که جسمانی شد» (یوحنا 1:14)

9:37 ما نیز برخی اوقات «از کوه» تجربه شدید معنوی «پایین می‌آییم» تا با مردم این جهان، فقدان ایمان، نیاز انسانی و جدل روبرو شویم. در آن لحظات، به یاد داشته باشید که عیسی همین را پشت سر گذاشت. او درک می‌کند.

9:39 کبود می‌کند. کودک خودش را کبود کرد، مثل آیه 42 «او را به زمین زد». کلمه دیوزدگی به بیماری روانی و در این مورد به صرع و آسیب به خود اشاره دارد.

9:41 تا به کی؟ این عبارت اغلب از دهان امت خدا در کتاب مقدس شنیده می‌شود. ما مشتاق روزی هستیم که با بازگشت عیسی و بنا نهادن ملکوت خود در زمین، ضعف انسان دیگر وجود نخواهد داشت.

وارد روستایی از ساماریان شدند تا برای او تدارک ببینند.⁵³ اما آنها او را نپذیرفتند، زیرا او عازم اورشلیم بود.⁵⁴ و وقتی شاگردانش یعقوب و یوحنا این را دیدند، گفتند: سرورم، می‌خواهی مانند الیاس دستور دهیم که آتش از آسمان بیاید و آنها را بسوزاند؟⁵⁵ اما برگشت و آنها را سرزنش کرد و گفت: می‌دانید که چه نوع روحی دارید.⁵⁶ و آنها به روستای دیگری رفتند.

⁵⁷ در حالی که در امتداد جاده پیش می‌رفتند، شخصی به او گفت: هر جا بروی دنبال می‌آیم.⁵⁸ و عیسی به او گفت: رویاهان لانه دارند، و پرندگان آسمان آشیانه دارند، اما پسر انسان جایی ندارد که سر خود را آنجا بگذارد.⁵⁹ و به دیگری گفت: دنبال من بیا. ولی او گفت: سرورم، بگذار اول بروم و پدرم را به خاک بسپارم.⁶⁰ اما عیسی به او گفت: بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند، اما تو برو و ملکوت خداوند را تبلیغ کن.

⁶¹ و دیگری نیز گفت: من تو را دنبال خواهم کرد سرورم، اما اول اجازه بده با اهل خانه‌ام خداحافظی کنم.⁶² اما عیسی به او گفت: کسی که دستش را در شخم زدن به کار

و می‌ترسیدند که از عیسی درباره این گفته سؤال کنند.

چه کسی بزرگتر است؟

⁴⁶ و بین آنها اختلافی پیش آمد درباره این که چه کسی بزرگتر است.⁴⁷ اما وقتی عیسی متوجه اندیشه دلشان شد، کودکی را بُرد و کنار خود نشاند⁴⁸ و به آنها گفت: هر که این کودک را به نام من بپذیرد، من را پذیرفته است؛ و هر که مرا قبول کند، فرستنده من را قبول کرده است. زیرا هر که در میان همه شما کوچکتر است، همان بزرگتر است.

⁴⁹ و یوحنا در پاسخ گفت: استاد، ما دیدیم که یک نفر دیوها را به نام تو بیرون می‌راند و او را منع کردیم، زیرا از ما پیروی نمی‌کند.⁵⁰ اما عیسی به او گفت: منع نکنید. زیرا کسی که علیه شما نیست، با شما است.

چالش صلیب

⁵¹ این گونه شد که وقتی زمان عروج عیسی به سوی آسمان نزدیک می‌شد، او با گامی استوار عازم اورشلیم شد⁵² و رسولان را پیش از خود فرستاد؛ و آنها رفتند و

9:51 در لوقا، عیسی این گونه توصیف شده که همیشه «به اورشلیم می‌رود» حتی وقتی از لحاظ جغرافیایی از آن دور می‌شد. ما نیز ممکن است گاهی دو قدم به عقب برداریم، اما مسیر کلی ما در نهایت به سمت ملکوت خداوند است.

9:60 گاهی اوقات، عیسی درخواست دشواری می‌کند. به خاک سپردن پدر، بزرگترین تکلیف خانگی یک یهودی تلقی می‌شود. اما عیسی و کار او باید در اولویت باشد. بنابراین رهایی دیگران تا حدی به ما واگذار شده است. بیاپید و محصول را برداشت کنیم و دعا کنیم که دیگران در این کار کمک خواهند کرد.

و چیزهایی را که به شما می‌دهند بخورید و بنوشید. زیرا کارگر مستحق دستمزدش است. از خانه‌ای به خانه دیگر نروید.⁸ و وارد هر شهری که می‌شوید، اگر شما را پذیرفتند، چیزهایی را که جلوی شما می‌گذارند بخورید.⁹ مریض‌هایی که آنجا هستند را شفا دهید و به آنها بگویید: ملکوت خداوند نزدیک شما است.¹⁰ اما وارد هر شهری شدید که شما را نپذیرفتند، به خیابان‌ها بروید و بگویید:¹¹ حتی خاکی را که از شهر شما به پای ما چسبیده مقابل شما پاک می‌کنیم. اما بدانید که ملکوت خداوند نزدیک است.¹² به شما می‌گویم که در آن روز، سدوم از آن شهر قابل تحمل‌تر خواهد بود.¹³ وای بر تو، خورزین! وای بر تو بیت صیدا! زیرا اگر کارهای عظیمی که در شما انجام شد، در صور و صیدون انجام شده بود، آنها خیلی وقت پیش در خرقه و خاکستر توبه کرده بودند.¹⁴ روز جزا برای صور و صیدون قابل تحمل‌تر خواهد بود تا برای شما.¹⁵ و تو ای کفرناحوم، آیا سر به آسمان خواهی

گرفته و پشت سرش را نگاه می‌کند، شایسته ملکوت خداوند نمی‌باشد.

باب 10

فرستادن 70 نفر

اکنون پس از این امور، سرور هفتاد نفر دیگر را منصوب کرد، و دو به دو آنها را جلوتر از خود به هر شهر و مکانی که قرار بود بروند، می‌فرستاد.² و او به آنها گفت: همانا که محصول فراوان است، اما کارگران کم هستند. پس از خداوند محصول بخواهید که کارگران را برای جمع‌آوری محصول خود بفرستد.³ به راه خود بروید. ببینید که شما را مثل میش در میان گرگ‌ها می‌فرستم.⁴ هیچ کیسه، کیف، و کفشی با خود نبرید؛ و به هیچ کس در راه سلام نگویید.⁵ و وارد هر خانه‌ای که شدید، اول بگویید: سلام بر این خانه.⁶ و اگر در آن خانه کسی اهل صلح و سلام باشد، سلام شما بر او قرار خواهد گرفت؛ اما اگر نباشد، به خودتان بازخواهد گشت.⁷ و در همان خانه بمانید،

10:3 عیسی «گوسفند خدا» بود؛ در موعظه ما درباره او، ما برای این دنیا عیسی هستیم. و به همین صورت هنگام موعظه در دنیا، عیسی پیروان خود را «گوسفندان» خطاب می‌کرد. این اصل در آیه 16 مطرح شده است. هر که ما را بشنود، عیسی را شخصاً خواهد شنید.

10:4 به هیچ کس سلام نگویید- سلام و احوالپرسی در مشرق زمین، زمان زیادی طول می‌کشد. عیسی نمی‌خواست آنها گستاخ باشند، اما باید در ماموریت خود عجله کنند و برای تحقق آن احتیاط را کنار بگذارند. آیا ما چنین شدت و فوریتی را درباره موعظه انجیل در خود می‌بینیم؟

10:13 توبه کرده بودند- خدا از همه آینده‌ها و گذشته‌های ممکن با خبر است و پسرش نیز تا حدی این توانایی را داشت. خدا بودن باید بسیار دشوار باشد.

²³ و رو به شاگردانش در خلوت گفت: خوشا به حال چشمانی که چیزهایی را می‌بینند که شما می‌بینید. ²⁴ زیرا به شما می‌گویم که پیامبران و پادشاهان بسیاری می‌خواستند چیزهایی را ببینند که شما می‌بینید، ولی ندیدند؛ و چیزهایی را بشنوند که شما شنیدید، ولی نشنیدند.

مثال سامری نیک

²⁵ و فقیهی بلند شد تا عیسی را امتحان کند و گفت: استاد، چه کاری باید انجام دهم که زندگی جاودانه را به ارث ببرم؟ ²⁶ و عیسی به او گفت: در شریعت چه نوشته شده؟ آن را چگونه می‌خوانی؟ ²⁷ و او در پاسخ به آنها گفت: باید خداوند، خدای خود را با تمام دل و تمام روح و تمام قدرت و ذهن خود دوست بدارید و همسایه‌ات را هم به اندازه خودت دوست بداری. ²⁸ و عیسی به او گفت: درست پاسخ دادی. این را انجام بده و زندگی خواهی کرد. ²⁹ اما او که می‌خواست خودش را توجیه کند به عیسی گفت: و همسایه‌ام کیست؟ ³⁰ عیسی در پاسخ گفت: مردی از اورشلیم به اریحا می‌رفت؛ با دزدانی روبرو شد که او را برهنه کردند و زدند،

کشید؛ تو به دوزخ خواهی افتاد. ¹⁶ هر کسی که شما را بشنود من را شنیده؛ و هر کسی که شما را رد کند من را رد کرده؛ و آن کسی که من را رد کند فرستند مرا رد کرده است. ¹⁷ و آن هفتاد نفر با خوشحالی بازگشتند و گفتند: سرورم، حتی دیوها نیز به نام تو مطیع ما بودند! ¹⁸ و او به آنها گفت: دیدم که شیطان مثل رعد و برق از آسمان افتاد. ¹⁹ بنگرید که من به شما اختیار دادم تا مارها و عقرب‌ها را پایمال کنید و بر همه قدرت دشمن اختیار داشته باشید و چیزی در راه به شما آسیب نخواهد زد. ²⁰ اما خوشحال نشوید از این که ارواح مطیع شما بودند، بلکه خوشحال شوید که نام‌های شما در آسمان نوشته شده است. ²¹ در همان ساعت، عیسی در روح خوشحال گشت و گفت: ای پدر، ای خداوند آسمان و زمین، تو را شاکرم که این امور را از دانایان و خردمندان پنهان نمودی و به کودکان آشکار ساختی. آری پدر. چرا که این امر در نگاه تو خوشایند بود. ²² همه چیز از سوی پدرم به من سپرده شده، و هیچ کس جز پدر نمی‌داند که پسر کیست، و هیچ کس جز پسر نمی‌داند که پدر کیست، و هر کسی که پسر بخواد پدر را برایش آشکار سازد.

10:18 عیسی از تصویر افتادن از آسمان به زمین در آیه 15 استفاده کرده است. به معنی از دست دادن قدرت است و نباید به معنای واقعی کلمه خوانده شود. قدرت دشمن («شیطان» کلمه‌ای است عبری به معنی «دشمن») از او گرفته شده است.

10:20 نام‌های ما در کتاب زندگی خدا نوشته شده است، اما اگر سقوط کنیم، ممکن است از آن حذف شود (مکاشفه، 3:5)

خواهری به اسم مریم داشت که او نیز به پای سرور نشست و کلامش را گوش داد.⁴⁰ اما ذهن مرتا مشغول پذیرایی بود. و او نزد عیسی رفت و گفت: سرورم، آیا برایت مهم نیست که خواهرم من را ترک کرده تا به تنهایی پذیرایی کنم؟ پس به او بگو که به من کمک کند.⁴¹ اما سرور به او پاسخ داد و گفت: مرتا، مرتا، تو نگران و پریشان خیلی چیزها هستی.⁴² اما یک چیز ضروری است. زیرا مریم آن نصیب بهتر را برگزیده که از او گرفته نخواهد شد.

باب 11

تعلیم درباره دعا

و این گونه شد که در حالی که عیسی در جایی خاص دعا می‌کرد، وقتی دست از دعا برداشت، یکی از شاگردانش به او گفت: سرورم، به ما دعا کردن را یاد بده درست مثل یحیی که به شاگردانش یاد داد.² و او به آنها گفت: وقتی دعا می‌کنید، بگویید ای پدر ما که در آسمانی: نامت مقدس باد. ملکوت تو بیاید.

و بدن نیمه‌جان او را رها کردند.³¹ و از قضا، یک کاهن از آن جاده رد می‌شد؛ و وقتی او را دید، به آن سمت عبور کرد.³² و به همین شکل شخصی لاوی نیز وقتی به آنجا آمد و او را دید، به آن طرف رفت.³³ اما یک سامری، که در سفر بود، به جایی آمد که او بود؛ و وقتی او را دید، دلش سوخت،³⁴ و نزد او آمد و زخم‌هایش را بست، روغن و شراب روی آن ریخت، و او را روی حیوان خود نهاد و به کاروانسرای برد و از او مراقبت کرد.³⁵ و روز بعد، دو دینار برداشت و به خدمتکاران داد و گفت: از او مراقبت کنید، و اگر بیشتر خرج کردید، وقتی بازگشتم به شما پولش را می‌دهم.³⁶ به نظر تو کدام یک از این سه نفر ثابت کرد برای کسی که با راهزنان روبرو شده بود، همسایه است؟³⁷ و او گفت: کسی که به او رحم کرد. و عیسی به او گفت: برو و همین کار را بکن.³⁸ وقتی آنها به راه خود رفتند، او وارد روستایی شد و زنی به اسم مرتا او را در خانه‌اش پذیرفت.³⁹ و

10:35 دو دینار - دستمزد یک روز کاری، یک دینار بود (متی، 20:2). شاید حاکی از آن است که سامری بعد از دو روز «دوباره می‌آید» (آیه 36). اگر یک روز با خدا به معنی هزار سال است، ممکن است بدین معنا باشد که عیسی، سامری، 2000 سال بعد از زمانی که اولین بار انسانیت زخمی را بست و ما را در «کاروانسرای» کلیسا گذاشت، باز خواهد گشت.

10:37 برو و همین کار را بکن - سامری نماد عیسی و نجات گناهکاران توسط او بود؛ کاری که نمایندگان شریعت یهود انجام ندادند. اما او از ما می‌خواهد فقط از کار او بهره نبریم، بلکه برویم و خودمان نیز در دنیا همین کار را بکنیم، یعنی خطر نموده امنیت خود را فدای انجام این کار کنیم. یهودیان ادعا کردند که عیسی سامری بود - نژادی مخلوط از افرادی که یهودیان «خالص» از آنها بیزار بودند. (یوحنا 8:48)

خاطر اصرار آن مرد، بلند خواهد شد و هر قدر که نیاز دارد به او خواهد داد.⁹ و من به شما می‌گویم: بخواید و به شما عطا خواهد شد، جستجو کنید و پیدا خواهید کرد، در بزنید و در برای شما گشوده خواهد شد.¹⁰ زیرا هر که درخواست کند، دریافت خواهد کرد و آن که در جستجو باشد پیدا خواهد کرد و آن که در بزند، در به روی او باز خواهد شد.

¹¹ کدام پدری در بین شما، اگر پسرش ماهی بخواد، به جای ماهی به او مار خواهد داد؟¹² یا اگر تخم مرغ بخواد، به او عقرب خواهد داد؟¹³ پس اگر شما که شریر هستید می‌دانید که چگونه به فرزندانان هدایای خوب بدهید، پدرتان که در آسمان است تا چه حد چیزهای خوبی به آنها که از او درخواست می‌کنند عطا خواهد کرد؟

اراده تو چنان که در آسمان است، در زمین نیز کرده شود³ نان روزانه ما را هر روز به ما عطا کن.⁴ و گناهان ما را ببخش. زیرا ما خودمان نیز هر کسی را که به ما مقروض است می‌بخشیم. و ما را به وسوسه نیاور بلکه از شریر رهایی ده.

⁵ و عیسی به آنها گفت: کدام یک از شما دوستی خواهد داشت و نیمه شب نزد او خواهد رفت و به او خواهد گفت: ای دوست، به من سه نان بده، زیرا یکی از دوستانم از سفر آمده و چیزی ندارم جلوی او بگذارم.⁷ و او از درون پاسخ خواهد داد و خواهد گفت: مزاحم من نشو! در اکنون بسته است و فرزندانم با من در رختخواب هستند، نمی‌توانم بلند شوم و برایت چیزی بیاورم؟⁸ من به شما می‌گویم با این که نخواهد خواست که بلند شود و چیزی به او بدهد، چون او دوستش است، و به

10:42 اینجا، برای همیشه تشویق می‌شویم که به شنیدن کلام مسیح بیشتر از وظایف خانگی خود اهمیت بدهیم.

11:2 وقتی خدا نام خود را در باب‌های 4:34 تا 8 از کتاب خروج برای موسی اعلام کرد، فهرستی از ویژگی‌های خود را در اختیار موسی نهاد- فضل، عدالت، قضاوت، رحمت، بخشندگی و غیره. اولین درخواست ما از خدا باید این باشد که این ویژگی‌ها- یعنی نام او و هر چیزی که معرف او است - در زندگی ما و در هر موقعیتی که هستیم، آشکار و با واکنش‌هایمان ستوده شوند. اگر این اولین خواسته ما باشد، همه چیز در نهایت در جای خود قرار خواهد گرفت. خواسته بعدی، ظهور ملکوت خدا است - این که عیسی به زمین بازگردد و ملکوت خدا را اینجا بنا کند. ما تمایل داریم دعاهای خود را تبدیل به فهرستی از درخواست‌های خاص کنیم، اما عیسی به ما تعلیم می‌دهد که در ابتدا کمتر درخواست‌هایی خاص داشته باشیم و همیشه روی اصول اساسی تمرکز کنیم و آنها را بزرگترین آرزوی خود بدانیم.

11:4 خوب است که در دعای خود به خدا بگوییم که دشمنانمان را می‌بخشیم. اما صادقانه باید گفت که این امر، این دعای ساده را دشوار می‌سازد. زیرا اگر خودمان امید به بخشیده شدن داریم، باید دیگران را ببخشیم.

مشاجره در باره

بعلزبول

¹⁴ و او دیوی را که لال بود بیرون می‌راند. و این گونه شد که وقتی دیو بیرون رفت، مرد لال نیز به زبان آمد و مردم متعجب شدند. ¹⁵ اما برخی از آنها گفتند: او دیوها را به کمک بعلزبول رئیس دیوها بیرون می‌راند. ¹⁶ و دیگران که او را امتحان می‌کردند، به دنبال نشانه‌ای از آسمان از او بودند. ¹⁷ اما عیسی، که از افکار آنها باخبر بود، به آنها گفت: هر سلطنتی که بر خود تقسیم شود، نابود خواهد شد، و هر خانواده‌ای که بر خود تقسیم شود از هم خواهد پاشید. ¹⁸ اگر شیطان نیز علیه خودش تقسیم شود، سلطنت او چگونه دوام خواهد آورد؟ زیرا شما می‌گویید که من دیوها را با کمک بعلزبول بیرون می‌رانم. ¹⁹ و حتی اگر من با کمک بعلزبول دیوها را خارج می‌کنم، پسران شما با کمک چه کسی آنها را بیرون می‌رانند؟ پس آنها قاضی شما خواهند بود. ²⁰ اما اگر من به کمک روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس ملکوت خدا به شما رسیده است.

²¹ وقتی مردی پر قدرت و کاملاً مسلح از کاخ خود نگهبانی می‌کند، اموالش در امان است. ²² اما وقتی مردی قوی‌تر از او بر او می‌آید و بر او غلبه می‌کند، همه سلاحی را که به آن تکیه می‌کرده از او می‌گیرد و غنیمت او را تقسیم می‌کند. ²³ هر کسی که با من نیست، علیه من است؛ و کسی که با من جمع نکند، پراکنده سازد.

²⁴ وقتی روح ناپاک از شخصی خارج می‌شود، از جاهای خشک و بی‌آب خواهد گذشت تا آرامش یابد، و در حالی که آرام نمی‌گیرد، می‌گوید: به خانه‌ام باز خواهم گشت که از آن بیرون آمدم. ²⁵ و وقتی می‌آید، می‌بیند که جارو زده شده و مرتب است. ²⁶ سپس می‌رود و هفت روح شریرتر از خود را برمی‌دارد و وارد می‌شود و آنجا سکنی می‌گزیند؛ و آخرین حالت آن مرد بدتر از حالت اولش می‌شود.

²⁷ و این گونه شد که وقتی این‌ها را گفت، زنی از میان جمعیت صدایش را بالا برد و به او گفت: خوشا به حال زنی که تو را زایید و به تو شیر داد. ²⁸ اما او گفت: خوشا به حال

11:9 «درخواست» بنا به دلایلی است که در مثل گفته شده- آن مرد چیزهایی را برای بخشیدن به شخص محتاج دیگری درخواست می‌کند (آیه 6). اگر برای کمک به دیگران چیزهایی را درخواست کنیم، پس وعده خدا به حقیقت خواهد پیوست. اما این وعده به معنای آن نیست که هر چه برای خودمان بخواهیم به ما داده خواهد شد.

11:10 ما درب خانه خدا را می‌زنیم، اما او از طریق عیسی درب خانه ما را می‌زند (مکاشفه، 3:20). رابطه‌ای متقابل بین خدا و ما وجود دارد. ما درب خانه او را می‌زنیم، و او نیز درب خانه ما را.

11:13 روح القدس را خواهد داد- آیه 11:7 از متی که مشابه این آیه است 7:11 می‌گوید که خدا «چیزهای خوب» را به کسانی می‌دهد که از او درخواست می‌کنند. اعطای قدرت خاص خدا («روح القدس») به این معنی نیست که قادر خواهیم بود به زبان‌های مختلف

و نه زیر سبد، بلکه آن را روی چراغدان می‌گذارد تا هر کسی که وارد می‌شود، نور را ببیند.³⁴ چراغ بدن شما چشم‌تان است. وقتی چشم شما سالم است، کل بدن‌تان نیز پر از روشنایی است؛ اما وقتی پلید است، بدن‌تان نیز پر از تاریکی است.³⁵ بنابراین ببینید آیا روشنایی در وجودتان، تاریکی نباشد.³⁶ پس اگر کل بدن‌تان پر از روشنایی باشد، و هیچ قسمت تاریکی نداشته باشد، کاملاً پر از نور خواهد بود درست مانند چراغی که با درخشندگی خود به شما روشنایی می‌بخشد.³⁷ وقتی صحبت می‌کرد، یک فریسی از او خواست که با او شام بخورد، و او رفت و با او نشست تا غذا بخورد.³⁸ و وقتی فریسی این را دید، تعجب کرد که او قبل از شام اول دست‌اناش را نشست.³⁹ و سرور به او گفت: شما فریسیان بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌کنید، اما درون شما پر از از خبثات و شرارت است.⁴⁰ ای نادانان، آیا کسی که برون را ساخت، درون را نیز نساخت؟⁴¹ اما

کسانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.

عیسی از یهودیان انتقاد می‌کند

²⁹ و وقتی مردم دور او جمع می‌شدند، او گفت: این نسل، یک نسل شریر است. به دنبال نشانه است، اما نشانه‌ای به آن عطا نخواهد شد مگر نشانه یونس نبی.³⁰ زیرا همان طور که یونس، نشانه‌ای برای مردم نینوا بود، پسر انسان نیز نشانه‌ای برای این نسل خواهد بود.³¹ بلکه جنوب با مردم این نسل در داوری برخورد خاست و آنها را محکوم خواهد کرد. زیرا او از آن سوی زمین آمده تا حکمت سلیمان را بشنود؛ و ببینید، شخصی بزرگتر از سلیمان اینجاست.³² مردم نینوا در روز جزا با این نسل خواهند ایستاد و آن را محکوم خواهند کرد، زیرا آنها با موعظه یونس توبه کردند؛ و ببینید، شخصی بزرگتر از یونس اینجاست.³³ هیچ کس وقتی چراغی را روشن می‌کند، نه آن را در انبار می‌گذارد

حرف بزنی، معجزه کنیم و غیره- این هدایا متوقف شده‌اند (اول قرن‌تین 13: 8 تا 10). اما این بدان معنی نیست که خدا به نحوی اعجاب‌انگیز دعاها را پاسخ نمی‌دهد، و این دعاها به نوعی هدیه روح‌القدس هستند.

11:23 پراکنده می‌شود. گناه فقدان عمل از نظر عیسی به منزله مخالفت محض با او است. نحوه زندگی کردن ما بسیار اهمیت دارد؛ عدم اقدام ما مخالفت عملی و فعالانه علیه کار خداوند تلقی می‌شود.

11:32 در روز داوری، در مقابل دیدگان همه قضاوت خواهیم شد. اهالی نینوا فرایند قضاوت یهودیان قرن یک را تماشا خواهند کرد. بنابراین، نباید اکنون جلوی دیگران ریاکاری کنیم، زیرا در نهایت ماهیت واقعی ما در روز داوری بر آنها آشکار خواهد شد و خواهند دید که واقعاً ما چه کسی هستیم.

11:34 ادراک ما و فرایند غربالگری ما در زندگی بسیار حائز اهمیت است.

⁴⁹ بنابراین حکمت خدا نیز گفته: من پیامبر و رسول برای آنها خواهم فرستاد، که برخی از آنها را خواهند کشت و آزار و اذیت خواهند کرد،⁵⁰ تا خون همه پیامبران که از شالوده این جهان ریخته شد، به گردن این نسل بیفتد: ⁵¹ از خون هابیل گرفته تا خون زکریا که بین محراب و معبد جان داد. آری، به شما می‌گویم که از این نسل بازخواست خواهد شد.

⁵² وای بر شما ای فقیهان! زیرا شما کلید معرفت را گرفتید. خودتان وارد نشدید و مانع کسانی شدید که می‌خواستند وارد شوند.

⁵³ و وقتی او از آنجا بیرون رفت، کاتبان و فریسیان به شدت به او فشار آوردند تا او را تحریک کنند که از چیزهای زیادی سخن بگوید،⁵⁴ و منتظر او بودند تا از حرف‌های که می‌زند او را به دام بیندازند.

پاب 12

عیسی تعلیم موعظه را روی کوه تکرار می‌کند

در این هنگام، وقتی هزاران نفر گرد هم آمدند تا حدی که یکدیگر را پایمال می‌کردند، عیسی اول از

از آنچه در درون دارید صدقه دهید و بنگرید که همه چیز برای شما پاک می‌شود.

⁴² اما وای بر شما ای فریسیان! زیرا شما یکدهم نعناع و رازیانه و هر گیاهی را می‌دهید اما از عدالت و عشق به خدا غفلت می‌کنید؛ اما باید این کارها را می‌کردید و کارهای دیگر را ناتمام رها نمی‌کردید.

⁴³ وای بر شما ای فریسیان! زیرا شما جایگاه‌های اصلی در کنیسه‌ها و سلام و تهنیت در بازارها را دوست دارید.

⁴⁴ وای بر شما! زیرا مانند قیرهای بی‌نام و نشان هستید که مردم بدون آن که بدانند از روی آنها رد می‌شوند.⁴⁵ و یکی از فقیهان در پاسخ به او گفت: استاد، در این گفته، ما را نیز سرزنش می‌کنی.⁴⁶ و او گفت: و وای بر شما فقیهان! زیرا شما مردم را پر از بارهایی می‌کنید که حمل آن دشوار است و خودتان با انگشت خود دستی به این بارها نمی‌زنید.

⁴⁷ وای بر شما! زیرا شما قبر انبیایی را می‌سازید که پدرانان کشتند.⁴⁸ زیرا شما شاهد و راضی به کارهای پدرانان هستید؛ زیرا آنها را کشتند و شما قبرشان را ساختید.

11:52 می‌توانیم مانع ورود افراد به ملکوت شویم یا باعث لغزش آنها شویم. شاید این بزرگترین گناه باشد. بنابراین، باید در رفتار خود با مردم خیلی احتیاط کنیم تا کاری نکنیم که شاید باعث شود آنها به خاطر اعمال ما، کنار گذاشتن آنها، یا ریاکاری ما از امید به ملکوت روگردان شوند.

12:1 ریاکاری مثل خمیر مایه (خمیر) است. وقتی یک نفر شروع به ریاکاری کند، دیگران نیز گرایش پیدا می‌کنند؛ به راحتی گسترش می‌یابد و تأثیری بزرگ دارد؛ درست مثل تأثیر خمیرمایه در نان. عیسی تعلیم داد که «اول از همه» و مهم‌تر از همه، نسبت به ریاکاری هشیار باشیم. ما باید هر روز از خودمان بپرسیم که آیا ریاکاری می‌کنیم؟

هر کسی که من را در حضور مردم انکار کند، در حضور فرشتگان خدا انکار خواهد شد.

¹⁰ و هر کسی که کلامی علیه پسر انسان به زبان بیاورد، بخشیده خواهد شد، اما کسی که علیه روح القدس کفر بگوید، بخشیده نخواهد شد.

¹¹ و وقتی شما را نزد کنیسه‌ها و حاکمان و صاحبان قدرت می‌آورند، نگران نباشید که چگونه و چه جوابی خواهید داد یا چه خواهید گفت. ¹² زیرا روح القدس در همان ساعت به شما خواهد آموخت که باید چه بگویید.

¹³ و یکی از میان جمعیت به او گفت: استاد، به برادرم بگو ارث را با من تقسیم کند. ¹⁴ اما عیسی به او گفت: ای مرد! چه کسی من را قاضی و مقسم شما کرده است؟ ¹⁵

و او به آنها گفت: مراقب باشید و از هر گونه طمع بپرهیزید. زیرا زندگی انسان از وفور اموالی که دارد تشکیل نشده است. ¹⁶ و مثلی را برای آنها بازگو کرد: زمین یک مرد ثروتمند محصول فراوان به بار آورد. ¹⁷ و او با خود اندیشید و گفت:

چه کار باید بکنم چون جایی برای ذخیره محصولاتم ندارم؟ ¹⁸ و سپس گفت: این کار را می‌کنم. انبارهای خود را خراب کرده و انبارهای

همه چیز به شاگردانش گفت: از خمیرمایه فریسیان که ریاکاری است برحذر باشید. ² زیرا هیچ چیزی پوشیده نیست که آشکار نشود و هیچ چیزی پنهان نیست که معلوم نگردد. ³ بنابراین هر چه در تاریکی گفتید، در روشنائی شنیده خواهد شد و هر چه پشت درهای بسته زمزمه کردید، بر بام خانه‌ها فریاد زده خواهد شد.

⁴ و به شما می‌گویم دوستان من، از کسانی که جسم را می‌کشند نترسید، و بعد از آن، کار دیگری نیست که بتوانند انجام دهند. ⁵ اما من به شما درباره کسی که باید از آن بترسید هشدار می‌دهم. از آن کسی بترسید که بعد از این که شما را کشت، قدرت این را دارد که شما را به جهنم بيفکند. آری، به شما می‌گویم که از او بترسید!

⁶ آیا دو گنجشک در ازای دو سکه بسیار کوچک فروخته نمی‌شوند؟ و هیچ یک از آنها در نظر خداوند فراموش نمی‌شوند. ⁷ اما تکتک موهای سرتان شمرده شده‌اند. نترسید! ارزش شما از گنجشکان بیشتر است.

⁸ و به شما می‌گویم، هر کسی که جلوی مردم به وجود من اقرار کند، پسر انسان نیز جلوی فرشتگان خدا به وجود او اقرار خواهد کرد. ⁹ اما

چرا که بسیار مهم است که این گونه نباشیم. به هر صورت، همه چیز در روز داوری آشکار خواهد شد. (2:3)

12:7 خدا قطعاً همه چیز را می‌بیند و می‌داند، حتی در میان حیوانات. بیایید با این هشیاری زندگی کنیم که خدا کاملاً نظاره‌گر ما است. دانستن این موضوع نباید ما را بترساند بلکه باید ما را تشویق کند- «نترسید!».

نمی‌توانید حتی کمترین کار را انجام دهید، چرا درباره بقیه چیزها نگران هستید؟

²⁷ سوسن‌ها را در نظر بگیرید که چگونه رشد می‌کنند. آنها نه زحمتی می‌کشند نه می‌بافند. ²⁹ اما من به شما می‌گویم که حتی سلیمان با تمام شکوه خود مثل هیچ یک از اینها آراسته نشد. ²⁸ اما اگر خدا علف مزرعه را این گونه لباس می‌پوشاند که امروز هست و فردا داخل کوره افکنده می‌شود، چقدر بیشتر شما را خواهد پوشاند ای کم‌ایمانان؟ ²⁹ و دنبال این نباشید که چه خواهید خورد و چه خواهید نوشید، و مضطرب هم نباشید. ³⁰ زیرا ملت‌های دنیا دنبال همه این‌ها هستند، اما پدر آسمانی می‌داند که به این‌ها نیاز دارید. ³¹ در جستجوی ملکوت او باشید و این‌ها به شما افزوده خواهد شد.

³² ترسان مباشید ای گله کوچک. زیرا خوشی پدر شما این است که ملکوت را به شما عطا کند. ³³ هر چه دارید بفروشید و صدقه دهید. برای خود کیسه‌هایی بسازید که

بزرگتری خواهم ساخت و همه غلات و اموال را آنجا ذخیره خواهم کرد. ¹⁹ و به نفس خود خواهم گفت: ای جان من، اموال بسیاری برای سالیان سال جمع کرده‌ای. آسوده باش، بخور، بنوش و خوشحال باش. ²⁰ اما خدا به او گفت: ای نادان، امشب روح از تو گرفته می‌شود، و چیزهایی که آماده کرده‌ای متعلق به چه کسی خواهد شد؟ ²¹ چنین است کسی که برای خود گنج جمع می‌کند و نزد خدا ثروتی ندارد.

²² و عیسی به شاگردانش گفت: بنابراین، به شما می‌گویم که نگران این نباشید که چه باید بخورید. نگران بدن خود نیز نباشید که چه باید بپوشید. ²³ آیا زندگی فراتر از غذا و بدن فراتر از لباس نیست؟ ²⁴ کلاغان را در نظر بگیرید که چطور نه می‌کارند و نه برداشت می‌کنند. آنها نه انباری دارند و نه طویل‌های، اما خدا به آنها غذا می‌دهد. ارزش شما چقدر بیشتر از پرندگان است! ²⁵ و کدام یک از شما با نگران بودن می‌تواند ذره‌ای به زندگی خود بیفزاید؟ ²⁶ پس اگر

12:19 «روح» در اینجا به خود اشاره دارد؛ عیسی موشکافانه گفتگوی درونی افراد مادی‌گرا را تحلیل می‌کند. این گفتگوی درونی‌مان است که باید مواظبش باشیم؛ وقتی راه می‌رویم، سفر می‌کنیم، غذا آماده می‌کنیم و غیره، چه گفتگوهای با خود داریم؟ کلمات «من»، «مال من»، و «روح» اغلب در این داستان تکرار می‌شود. در کتاب مقدس خود، دور آنها خط بکشید. این مرد کاملاً خود-محور بود.

12:30 خدا از نیاز اساسی ما به غذا و لباس باخبر است و آن را فراهم می‌کند، درست همان طور که بعد از «تعمید» قوم اسرائیل در دریای سرخ و سفر در بیابان، برای آنها فراهم کرد. کفش‌های آنها کهنه نشد و خدا به آنها هر روز نان و آب داد. داود می‌گوید که او هرگز ندیده که فرزندان نیکوکاران نان را گدایی کنند (مزامیر، 37:25). ما واقعاً باید این وعده را باور کنیم.

12:33 عیسی وقتی این را گفت با فقرا حرف می‌زد. فقرا به راحتی می‌توانند تصور

اگر در ساعت دوم بیايد و اگر در ساعت سوم بيايد و آنها را منتظر بيايد، خوشا به حال آنها.³⁹ اما اين را بدانيد که اگر صاحب خانه می‌دانست دزد چه ساعتی می‌آيد، بيدار می‌ماند و نمی‌گذاشت دزد وارد خانه‌اش بشود.⁴⁰ شما هم آماده باشید. زیرا در ساعتی که انتظارش را ندارید- پسر انسان می‌آید.

⁴¹ و پطرس گفت: سرورم، آيا مثلی که می‌گویی برای ما آوردی يا برای همه؟⁴² و سرور گفت: پس کیست آن مباشر وفادار و فرزانه که اربابش او را مسئول اهل خانه‌اش خواهد کرد تا به آنها در وقت مناسب سهم غذايشان را بدهد؟⁴³ خوشا به حال آن خادمی که وقتی اربابش می‌آيد، او را در حال انجام این کار ببیند.⁴⁴ به راستی به شما می‌گویم که اربابش او را مسئول همه

کهنه نمی‌شوند، گنجی در آسمان‌ها که از بين نمی‌رود، جایی که نه هيج دزدی به آن نزديک می‌شود و نه هيج بيدی آن را خراب می‌کند.³⁴ زیرا هر جا گنج شما باشد، قلب شما نیز در آنجا خواهد بود.

آمادگی برای بازگشت مسیح

³⁵ کمر ببندید و چراغ‌هایتان را فروزان نگاه دارید،³⁶ و مانند کسانی باشید که منتظر ارباب خود هستند تا از جشن عروسی به خانه برگردد، تا وقتی او می‌آيد و در می‌زند، در را به روی او بکشایند.³⁷ خوشا به حال خادماني که وقتی ارباب می‌آيد آنها را بيدار می‌بیند. به راستی به شما می‌گویم که برای خدمت رسانی لباس خواهد پوشید و آنها را خواهد نشانند و خواهد آمد و به آنها خدمت خواهد کرد.³⁸ و

کنند که همه تعالیم عیسی درباره ثروت و سخاومندی، فقط برای جلب توجه مسیحیان ثروتمند است. اما این طور نیست. از فقر نیز خواسته شده که بسیار سخاوتمند باشند. **12:35** اشاره‌ای به شب خروج قوم اسرائیل از مصر در شام فصیح. ما باید به همان شدت عمل کنیم، و آگاه باشیم که عیسی ممکن است هر لحظه برگردد.

12:36 واکنش فوری ما به این آگاهی که مسیح بازخواهد گشت بر آینده ابدی ما تأثیر خواهد گذاشت، درست همان طور که در متی 25:10 گفته شده است. اگر مشتاق بازگشت او هستیم و به زندگی مادی کمترین وابستگی را داشته باشیم، آماده خواهیم بود فوراً با شادی و بدون پشیمانی برویم. هر چه دارایی بیشتری داشته باشیم، این کار سخت‌تر خواهد بود.

12:37 این یک عنصر غیر واقعی دیگر در مثل‌ها است- ارباب هیچ وقت نمی‌آيد و به خادمانش خدمت نمی‌کند. اما عیسی این کار را خواهد کرد- زیرا از این که آنها چشم به راه و مشتاق بازگشت او بوده‌اند، بسیار خوشحال خواهد شد. در شام عروسی «بره خدا»، وقتی عیسی دوباره باز خواهد گشت و با ما غذا خواهد خورد و خواهد نوشید (متی 26:29)، او خواهد آمد و به ما خدمت خواهد کرد. خدمتکاری دوست‌داشتنی او، ویژگی است که حتی الآن نیز دارد؛ این فقط مربوط به زمانی نیست که روی زمین بود. همیشه مثل همان موقع خواهد بود (عبرانیان 13:8).

در یک خانه تفرقه خواهد افتاد، سه نفر علیه دو نفر و دو نفر علیه سه نفر.⁵³ بین آنها اختلاف خواهد افتاد، پدر علیه پسر و پسر علیه پدر. مادر علیه دختر و دختر علیه مادر. مادرشوهر علیه عروس و عروس علیه مادرشوهر.

⁵⁴ و او به آن جمعیت گفت: همچنین، وقتی ابری را می‌بینید که از غرب پدیدار می‌شود، فوراً می‌گویید، باران می‌بارد- و این گونه نیز می‌شود.⁵⁵ و وقتی می‌بینید باد از جنوب می‌وزد، می‌گویید، گرمای شدید خواهد آمد- و این گونه خواهد شد.⁵⁶ ای ریاکاران، می‌دانید که نشانه‌های زمین و آسمان را چگونه تفسیر کنید، اما چطور نمی‌دانید که این زمانه را چگونه تفسیر کنید؟

⁵⁷ و چرا آن چه را که درست است برای خود قضاوت نمی‌کنید؟⁵⁸ زیرا وقتی با مدعی خود نزد قاضی می‌روید، سعی کنید در راه از او خلاص شوید. تا مبدا شما را نزد قاضی بکشاند و قاضی شما را به مامور دهد و مامور شما را به زندان بيفکند.⁵⁹ به راستی به شما می‌گویم، تا زمانی که تا سکه آخر را نپردازید، هیچ وقت بیرون نخواهید آمد.

داشته‌هایش خواهد کرد.⁴⁵ اما اگر آن خادم شریر در دل خود بگوید: سرورم در آمدنش تاخیر دارد، و شروع کند به کتک زدن خادمان زن و مرد، و خوردن و نوشیدن، و مست شود،⁴⁶ ارباب آن خادم روزی خواهد آمد که او انتظار ندارد و در ساعتی که او نمی‌داند و او را تکه تکه خواهد کرد و در کنار کافران خواهد گذاشت.

⁴⁷ و آن خادمی که از خواسته اربابش آگاه بود و آماده نشد و طبق خواسته‌اش عمل نکرد، تازیانه‌های بسیار خواهد خورد.⁴⁸ اما هر کسی که آگاه نبود و کارهایی کرد که لایق تازیانه است، تازیانه کمی خواهد خورد. و به هر کسی که بیشتر عطا می‌شود، از او زیاد مطالبه خواهد شد و به هر کسی که مردم بیشتر می‌سپارند، از او بیشتر خواهند خواست.

⁴⁹ من آمدم تا آتشی روی زمین روشن کنم، با این حال از قبل روشن شده است!⁵⁰ اما تعمیدی دارم که باید با آن تعمید یابم، و اضطراب بزرگی خواهم داشت تا زمانی که انجام شود!⁵¹ فکر می‌کنید آمدم تا صلح را به زمین عطا کنم؟ به شما می‌گویم نه، بلکه آمدم تفرقه ایجاد کنم.⁵² از حالا به بعد، بین پنج نفر

12:49 قضاوت خدا به آتش تشبیه شده است؛ اما آن آتش برافروخته می‌شود، انسان‌ها با کبریت آن را روشن می‌کنند. قضاوت خداوند تنها کاری را که افراد گناهکار خودشان انتخاب کرده‌اند، تأیید می‌کند.

12:51 عیسی برای فرستادن داوری «آمد» (آیه 49)؛ و آمد تا بین خانواده‌ها اختلاف ببندد. بنابراین، چنین اختلافی قضاوت او بر آنها است؛ اما آنها خودشان با انکار پیام صلح او آتش را روشن کردند.

پاب 13

مشکل رنج کشیدن

در آن زمان کسانی حضور داشتند که برای او جریان جلیلیانی را تعریف کردند که پیلطس خونشان را با خون قربانی‌هایشان درآمیخته بود.² و او در پاسخ به آنها گفت: آیا به نظر شما این جلیلیان از همه جلیلیان دیگر گناهکارتر بودند که این همه رنج کشیده‌اند؟³ به شما می‌گویم که نه، اما اگر توبه نکنید، به همین شکل هلاک خواهید شد.⁴ یا آن هجده نفری که برج سیلوحا روی آنها سقوط کرد و آنها را کشت. آیا گمان می‌برید که آنها از همه کسانی که در اورشلیم بودند گناهکارتر بودند؟⁵ به شما می‌گویم که نه، اما اگر توبه نکنید، به همین شکل هلاک خواهید شد.⁶ و او این مثل را بازگو کرد: شخصی درخت انجیری را در تاکستان خود کاشت، و آمد و به دنبال میوه روی آن می‌گشت و

چیزی پیدا نکرد.⁷ و او به باغبان گفت: بنگر، در این سه سال آدمم و به دنبال میوه روی این درخت انجیر گشتم و چیزی پیدا نکردم. آن را بئر. چرا باید زمین را اشغال کند؟⁸ و باغبان در پاسخ به او گفت: ارباب، امسال نیز آن را رها کنید، اطراف آن را خواهیم کند و به آن کود خواهیم داد.⁹ پس اگر سال بعد میوه داد، بسیار خوب؛ اما اگر نداد، آن را بئر.¹⁰ او در روز سبت در یکی از کنیسه‌ها تعلیم می‌داد.¹¹ و زنی آنجا بود که هجده سال بود که روح ناتوان‌کننده‌ای داشت؛ خمیده شده بود و به هیچ وجه نمی‌توانست خود را صاف کند.¹² و وقتی عیسی او را دید، او را صدا زد و به او گفت: ای زن، از ناتوانی خود آزاد شو.¹³ و او دستش را روی زن نهاد و او فوراً صاف شد، و خدا را ستود.¹⁴ و حاکم کنیسه که خشمگین شد چون عیسی در روز سبت شفا داده بود، و به جمعیت گفت: شش روز است که

13:3 گناه و رنج لزوماً به این زندگی مربوط نیستند. کتاب ایوب درباره همین موضوع است. در حقیقت، شیران کامیاب خواهند شد. اما گناه مجازات خود را دارد که ضرورت آمدن روز دآوری را هنگام بازگشت عیسی ایجاد می‌کند.

13:7 «مردی» که صاحب تاکستان [اسرائیل] بود خدا است؛ «باغبان تاکستان» عیسی است. منظور از این سه سال، سه سال خدمت مسیح است. عیسی آن قدر خدا را خوب می‌شناخت که از او خواست مشیتش برای نابودی اسرائیل را عقب بیندازد تا فرصت بیشتری برای به بار آوردن میوه معنوی به آنها بدهد (آیه 8). موسی و دیگر شخصیت‌های کتاب مقدس به ما نشان دادند که می‌توانیم با خدا صحبت کنیم؛ و در بعضی موارد، خدا حاضر است نیت‌های قبلی خود را تغییر دهد. دعا بسیار قدرتمند است! پیش از این، اسرائیل تاک بود و سرورمان عیسی باغبان تاکستان بود. اما اکنون ما تاک هستیم و خود خدا باغبان تاکستان است (یوحنا، 1:15). ما به دستان خوبی سپرده شدیم؛ و پدر و پسر که از طریق تاریخ کتاب مقدس خود را نسبت به میوه معنوی بسیار حساس نشان دادند همان کسانی هستند که در روز آخر ما را ملاقات خواهند کرد.

پنهان کرده تا همه خمیر ور آید.

آخرین قضاوت

²² و او از شهرها و روستاها به راه خود رفت و تعلیم می‌داد و به سمت اورشلیم سفر می‌کرد. ²³ و یک نفر به او گفت: سرورم، آیا تعداد کمی نجات خواهند یافت؟ و او به آنها گفت: ²⁴ تلاش کنید تا از در تنگ وارد شوید. زیرا به شما می‌گویم، بسیاری برای وارد شدن تلاش خواهند کرد و قادر نخواهند بود.

²⁵ وقتی ارباب خانه بلند می‌شود و در را می‌بندد و شما بیرون می‌ایستید و در می‌زنید و می‌گویید: سرورم، در را به روی ما باز کن! - او به شما در جواب خواهد گفت: نمی‌دانم شما از کجا هستید. ²⁶ سپس شما خواهید گفت: ما در حضور تو خوردیم و نوشیدیم و تو در خیابان‌های ما تعلیم دادی. ²⁷ و او خواهد گفت: به شما می‌گویم، نمی‌دانم شما از کجا هستید. ای همه بدکاران از من دور شوید. ²⁸ گریه و فشار دندان خواهد بود وقتی ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا را در ملکوت خدا و خود را بیرون افکنده خواهید دید. ²⁹ و آنها از مشرق و مغرب و از شمال

انسان‌ها در آن باید کار کنند. پس در آن روزها بیایید و شفا پیدا کنید، نه در روز سبت. ¹⁵ اما سرور به آنها پاسخ داد و گفت: ای ریاکاران! آیا هر یک از شما در روز سبت گاو یا الاغ خود را از طویله آزاد نمی‌کند و آن را برای آب دادن بیرون نمی‌برد؟ ¹⁶ و آیا این زن که دختر ابراهیم است و شیطان هجده سال او را بسته، نباید از این بند در روز سبت آزاد گردد؟ ¹⁷ و وقتی این‌ها را گفت، همه دشمنانش شرمسار شدند و همه جمعیت بابت همه کارهای پرشکوهی که او انجام داده بود شاد شدند.

مثل‌های کوتاهی از ملکوت

¹⁸ او پاسخ داد: ملکوت خدا شبیه چیست؟ و آن را باید به چه چیزی تشبیه کنم؟ ¹⁹ مانند دانه خردلی می‌ماند که انسان آن را برداشت و در باغ خود کاشت، و رشد کرد و تبدیل به درختی شد، و پرندگان آسمان در شاخه‌های آن آشیانه ساختند.

²⁰ و او دوباره گفت: ملکوت خداوند را باید به چه چیزی تشبیه کنم؟ ²¹ مانند خمیرمایه‌ای است که زنی برداشته و در سه پیمانه آرد

13:21 بشارت مثل خمیرمایه (خمیر) است. می‌تواند حجم زیادی از آرد را تحت تأثیر بگذارد. بشارتی که موعظه می‌کنیم بیش از حد تصور ما قدرت و پتانسیل ایجاد تغییر اساسی در مردم را دارد.

13:23 همه ما تمایل داریم درباره مسائل مربوط به «عدالت» الهی سوال کنیم. عیسی پاسخی نمی‌دهد، اما می‌گوید که باید در عوض روی رهایی خود تمرکز کنیم (آیه 24). تا این که مشغول مسائلی باشیم که به خدا مربوط است و فراتر از حد درک ما است.

13:25 مفهوم ایستادن در آستانه درب و درب زدن در کتاب مکاشفه، 3:20 پیدا می‌شود که در آن عیسی می‌گوید که با ما چنین خواهد کرد. اگر ما پذیرای او نباشیم، یعنی به

ویران برای تو باقی مانده؛ و به تو می‌گویم، من را نخواهی دید تا زمانی که بگویی: مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید.

باب 14

و این گونه شد که وقتی وارد خانه یکی از حاکمان فریسیان در روز سبت شد تا نان بخورد، آنها مراقب او بودند.² و جلوی او، مردی بود که بدنش آب آورده بود (تورم).³ و عیسی از فقیهان و فریسیان پرسید و گفت: آیا شفا دادن در روز سبت جایز است یا نه؟⁴ اما آنها ساکت ماندند. و عیسی او را گرفت و شفا داد و رها کرد.⁵ و او به آنها گفت: کدام یک از شما اگر الاغ یا گاوی دارید که در روز سبت در چاه بیفتد، فوراً او را بیرون نمی‌کشید؟⁶ و آنها نتوانستند به این‌ها پاسخ دهند.

تعلیم درباره تواضع

⁷ و وقتی متوجه شد که چگونه کرسی‌های اصلی را انتخاب می‌کنند، مثلی را برای دعوت‌شدگان بازگو کرد و گفت:⁸ وقتی از سوی

و جنوب خواهند آمد و در ملکوت خداوند خواهند نشست.³⁰ و بنگر، بعضی‌ها آخرین هستند که اولین خواهند بود و برخی که اولین هستند آخرین خواهند بود.

اندوه به خاطر اورشلیم

³¹ در همان ساعت، برخی فریسیان آمدند و به او هشدار دادند: برو بیرون و اینجا را ترک کن. زیرا هیرودیس می‌خواهد تو را بکشد.³² و او به آنها گفت: برو به آن روباه بگو، بنگر، من امروز و فردا دیوها را بیرون می‌رانم و شفا می‌دهم؛ و در روز سوم، به هدفم خواهم رسید.³³ با این حال باید امروز و فردا و پس فردا به راه خود ادامه دهم. زیرا برای یک پیامبر ممکن نیست جایی غیر از اورشلیم بمیرد.

³⁴ ای اورشلیم! اورشلمی که انبیا را می‌کشد و آنهایی را که برای او فرستاده شده‌اند سنگسار می‌کند! چند بار خواستم فرزندان تو را گرد هم آورم، مانند مرغی که جوجه‌هایش را زیر بال خود جمع می‌کند - اما تو نخواستی!³⁵ نگاه کن، خانه‌ات

درخواست و تشویق‌های او در این زندگی پاسخ نداده باشیم، آن گاه او درب منتهی به جاودانگی را هنگام ظهور مجدد خود بر ما باز خواهد کرد.

13:26 مادر حضور تو خوردیم و نوشیدیم - آیا اشاره‌ای است به این که آنها در مراسم عشای ربانی شرکت کرده‌اند؟ کسانی خواهند بود که نان را تکه‌تکه خواهند کرد و در نهایت نجات خواهند یافت. ما باید بپرسیم «خداوند، آیا این منم؟».

13:28 خودتان را خواهید دید... هدف فرایند داوری به نفع ما خواهد بود تا به افراد کمک شود که خودشان را خارج از خود ببینند، و شخصیت واقعی خود را ببینند. این فرایند برای این نیست که خدا اطلاعاتی را جمع‌آوری و حکمی را صادر کند؛ او همه چیز را می‌داند. در این معنی، «قضاوت» استعاره‌ای از این است که زیاد از حد خود فراتر نرویم.

شام می‌دهی، دوستان، برادران و خواهران، خویشاوندان، همسایگان ثروتمندت را دعوت نکن، زیرا آنان نیز تو را دعوت خواهند کرد و بدینسان عوض خواهی یافت.¹³ بلکه وقتی جشنی می‌گیری، فقرا، لنگان، شلان، کوران را دعوت کن،¹⁴ و خوشبخت خواهی شد؛ زیرا آنها چیزی ندارند که با آن دعوتت را جبران کنند. زیرا در قیامت عادلان، اجرت را خواهی گرفت.

مَثَل ضیافت شام بزرگ

¹⁵ و وقتی یکی از میهمانان ضیافت او این‌ها را شنید به او گفت: خوشا به حال آن کسی که در ملکوت خدا نان خواهد خورد! اما عیسی به او گفت: شخصی شام بزرگی را برپا کرد و بسیاری را دعوت نمود.¹⁷ و خادمش را در زمان شام فرستاد تا به دعوت‌شدگان

هر کسی به یک جشن عروسی دعوت می‌شوید، در جایگاه اصلی ننشینید؛ تا مبدا شخصی محترم‌تر از شما از سوی او دعوت شده باشد،⁹ و آن کسی که دعوتتان کرده بیاید به شما بگوید: جای خود را به این شخص بده. آن گاه باید شرمسار شوید و پایین‌ترین جایگاه را داشته باشید.¹⁰ بلکه وقتی دعوت می‌شوید، بروید و در پایین‌ترین جایگاه بنشینید؛ تا شاید وقتی آن کسی که شما را دعوت کرده می‌آید، به شما بگوید: ای دوست، برو بالاتر. آن گاه در حضور همه کسانی که با شما غذا می‌خورند، جلال و شکوه خواهید داشت.¹¹ زیرا هر کسی که خودش را بالا ببرد، محقر خواهد شد، و هر کس که خود را فروتن کند، تجلیل خواهد یافت.

¹² و او همچنین به کسی که او را دعوت کرده بود گفت: وقتی ضیافت

14:10 ما باید پایین‌ترین جایگاه را در کلیسا انتخاب کنیم. عیسی کسی است که ما را دعوت کرد (آیه 9)، و «خواهد آمد» و در بازگشت خود ما را تفتیش خواهد کرد. و او ترتیب نشستن ما پشت میز را تغییر خواهد داد. مراسم تکه کردن نان، پیشگویی غذا خوردن با عیسی هنگام بازگشت او است. ما باید در آن نشست‌ها پایین‌ترین مکان را انتخاب کنیم، حداقل در دل‌هایمان؛ و از شکست‌های خود آگاه باشیم و دیدی مثبت و همراه با فضل و مرحمت نسبت به برادران و خواهران خود داشته باشیم.

14:13 فقرا، لنگان، شلان و کوران همان کسانی هستند که خداوند به شام خود دعوت می‌کند (آیه 21). ارتباط کاملاً واضح است. ما باید همان طوری با دیگران رفتار کنیم که خدا با مردم رفتار می‌کند؛ خداوند ناامیدترین افراد را به رفاقت با خود دعوت می‌کند. غرور و افاده نباید هیچ نقشی در زندگی مسیحیان داشته باشد. ما مردمی خیابانی هستیم که از لحاظ معنوی، فقیر و معلول هستیم و خدا در این روزهای آخر ما را به ملکوتش دعوت کرده است. این است آن چیزی که آیه 21 تعلیم می‌دهد. و ما نیز باید این افراد را با تمام مشکلاتی که ممکن است با خود بیاورند، به خانه خود دعوت کنیم. به هیچ وجه نباید هیچ حس برتری اجتماعی در کلیسای واقعی وجود داشته باشد. این کاملاً نزد خدا منفور است.

خواسته‌های بنیادی

²⁵ جمعیت‌های بسیاری با او رفتند؛ و او برگشت و به آنها گفت: ²⁶ اگر هر کسی نزد من بیاید و از پدر و مادر و زن و فرزندان و برادران و خواهران خود، و آری از زندگی خود نیز نگذشته باشد، نمی‌تواند شاگرد من شود. ²⁷ هر کسی که صلیب خودش را حمل نکند و دنبال من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من باشد. ²⁸ چرا که کدام یک از شما که می‌خواهد برجی بسازد، اول نمی‌نشیند و هزینه‌ها را محاسبه نمی‌کند تا ببیند آیا برای تکمیل آن به اندازه کافی دارد یا نه؟ ²⁹ وگرنه وقتی شالوده را بنا کند و قادر نباشد آن را به پایان برساند، همه کسانی که او را تماشا می‌کنند شروع به تمسخر او خواهند کرد و خواهند گفت: ³⁰ این مرد ساخت و ساز را شروع کرد و نتوانست تمام کند. ³¹ یا کدام پادشاهی است که وقتی می‌رود تا با پادشاه دیگری در جنگ روبرو شود، اول نمی‌نشیند و محاسبه نمی‌کند تا ببیند آیا قادر است با ده

بگوید: بیایید. زیرا اکنون همه چیز آماده است. ¹⁸ و همه آنها شروع کردند به بهانه‌تراشی‌های مشابه. اولی به او گفت: من مزرعه‌ای خریدم و باید بروم و به آن سر بزنم؛ خواهش می‌کنم که عذر من را بپذیری. ¹⁹ و دیگری گفت: من پنج جفت گاو خریدم و باید بروم و آنها را بیازماییم. خواهش می‌کنم عذر من را بپذیر. ²⁰ و دیگری گفت: من زن گرفتم و بنابراین نمی‌توانم بیایم. ²¹ و خادمان آمدند و به ارباب خود این‌ها را گفتند. سپس ارباب خانه که عصبانی بود به خادمش گفت: سریع به خیابان‌ها و کوچه‌های شهر بروید و فقرا و لنگان و کوران و شلان را اینجا بیاورید. ²² و خادم گفت: استاد، دستور تو را انجام دادم و هنوز جا هست. ²³ و ارباب به خادمش گفت: برو به شاهراه‌ها و پرچین‌ها و آنها را به اصرار بگو که بیایند تا خانه‌ام پر شود. ²⁴ زیرا به تو می‌گویم، که هیچ یک از کسانی که دعوت شده بودند شام مرا نخواهند چشید.

14:18 این مرد به عیسی التماس می‌کند که او را «معذور بدارد». عهد جدید به یونانی نوشته شده، و ما از طریق ترجمه آن را می‌خوانیم. کلمه یونانی که اینجا به «عذر و بهانه» ترجمه شده است در جای دیگر به «انکار و طرد» ترجمه شده است. کسانی که در روز آخر طرد می‌شوند در این زندگی با رفتار خود از عیسی خواسته بودند که آنها را طرد و انکار کند. او فقط انتخاب‌های خودشان را تأیید خواهد کرد. اگر بیش از هر چیز دیگری بخواهیم در ملکوت خداوند باشیم؛ این اتفاق خواهد افتاد.

14:23 برداشت می‌تواند این باشد که با گذر روزهای آخر و نزدیک شدن بازگشت مسیح، از معیار پذیرفته‌شدگان کاسته خواهد شد؛ فقط کسانی که کاملاً ناامید هستند (به هر نحوی-نه فقط از لحاظ مادی) به بشارت پاسخ خواهند داد. بنابراین، ما که در این روزهای به ظاهر پایانی پاسخ داده‌ایم، در حقیقت مؤمنانی بسیار ضعیف هستیم.

14:31 پادشاهی که با قدرت بسیاری به سوی ما می‌آید خدا است که برای دوری گناهان

میان شما اگر صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها را گم کرده باشد، آن نود و نه گوسفند دیگر را در بیابان رها نمی‌کند و دنبال آن گمشده نمی‌رود تا پیدایش کند؟⁵ و وقتی آن را پیدا کرد، آن را روی شانه‌هایش می‌گذارد و شادی می‌کند.⁶ و وقتی به خانه می‌آید، دوستان و همسایگانش را دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید: با من شادی کنید زیرا من گوسفند گمشده‌ام را پیدا کردم!⁷ به شما می‌گویم که به همین شکل، شادی در آسمان به خاطر گناهکاری که توبه می‌کند بیشتر از شادی برای نود و نه نیکوکاری خواهد بود که نیازی به توبه ندارند.

آخرین سکه

⁸ یا کدام زنی که ده سکه نقره دارد، اگر یکی از آنها را گم کند، چراغی را روشن نمی‌کند و خانه را جارو نمی‌زند و سرسختانه دنبال آن نمی‌گردد تا آن را پیدا کند؟⁹ و وقتی آن را پیدا کرد، همه دوستان و همسایگانش را صدا می‌کند و می‌گوید: با من شادی کنید زیرا

هزار سرباز به رویارویی با کسی برود که با بیست هزار نفر علیه او برمی‌خیزد؟³² در غیر این صورت، وقتی آن یکی پادشاه راه عظیمی را طی کرده، او سفیری را می‌فرستند و شرایط صلح و سازش را می‌پرسد.³³ پس بنابراین هر کسی از بین شما که همه داشته‌هایش را انکار نکرده است، نمی‌تواند شاگرد من باشد.³⁴ بنابراین نمک خوب است، اما اگر نمک مزه خود را از دست بدهد، باید با چه چیزی نکمین شود؟³⁵ نه برای خاک خوب است و نه برای کود، بلکه دور ریخته می‌شود. هر آن کس که گوش شنوا دارد، بشنود.

باب 15

گوسفند گمشده

اینک همه باجگیران و گناهکاران برای شنیدن تعالیم او نزدیک او شدند.² و فریسیان و کاتبان هر دو زمزمه کردند و گفتند: این مرد گناهکاران را می‌پذیرد و با آنها غذا می‌خورد.³ و او برای آنها این مثل را بازگو کرد و گفت:⁴ کدام مرد در

ما می‌آید. گناه جدی است، و خداوند با یک لیخند از آن نمی‌گذرد. خداوند آن را توهینی نسبت به خود می‌داند که خشم او را بر می‌انگیزد. ما به واسطه کار و فداکاری عیسی، با او صلح و سازش می‌کنیم.

15:4 پاسخ این است که: هیچ چوپانی چنین نمی‌کند، و به خاطر آن گوسفند مهمانی نمی‌دهد (آیه 6). شنوندگان قرن یکم فوراً متوجه نکته غیر واقعی این مثل‌ها می‌شوند. نکته غیر واقعی، همان چیزی است که به ما درس می‌دهد. در این مورد، درس عبرت این است که خدا به طور استثنایی نگران گم‌گشتگان است. ما نیز باید چنین باشیم.

15:8 جهیزیه آن زن همه دارایی او بود؛ حتی بدنش نیز از آن خودش نبود. بنابراین، گم کردن سکه جهیزیه به معنی گم کردن بخشی از خودش بود؛ این همان حس سختی است که خداوند هنگام از دست دادن یکی از امت خود دارد. او دنبالش گشت «تا آن

سکه‌ای را که گم کرده بودم پیدا کردم.¹⁰ به همین شکل، به شما می‌گویم که در حضور فرشتگان خدا، به سبب یک گناهکاری که توبه می‌کند شادی خواهد بود.

پسران گمشده

¹¹ و او گفت: مردی دو پسر داشت.
¹² پسر کوچکتر به پدرش گفت: پدر، ارث اموالی را که قرار است به من برسد به من عطا کن. و او اموالش را بین آنها تقسیم کرد.¹³ چند روز بعد، پسر کوچکتر همه پولش را جمع کرد و به کشور دوری سفر کرد و آنجا با زندگی عیاشی ارثش را هدر داد.¹⁴ و وقتی همه آن را خرج کرد، قحطی عظیمی کشور را فرا گرفت و او کم کم نیازمند شد.¹⁵ و رفت و به یکی از شهروندان آن کشور ملحق شد؛ و او وی را به مزرعه‌هایش فرستاد تا به خوک‌ها غذا دهد.¹⁶ و با خوشحالی شکمش را با پوستی که خوک‌ها می‌خورند پر می‌کرد اما هیچ کس به او چیزی نمی‌داد.¹⁷ اما وقتی به خود آمد گفت: چقدر از خادمان پدرم نان اضافه دارند؛ اما من اینجا از گشنگی تلف می‌شوم!

¹⁸ بلند خواهم شد و نزد پدرم خواهم رفت و به او خواهم گفت: پدر، من در قبال آسمان و در نظر تو گناه کردم.
¹⁹ من دیگر لیاقت ندارم پسر تو نامیده شوم. من را یکی از خادمان خود بدان.²⁰ و او بلند شد و نزد پدرش رفت. اما در حالی که هنوز دور بود، پدرش او را دید و دلش سوخت و دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید.²¹ و پسر به او گفت: پدر، من در قبال آسمان و در نظر تو گناه کردم. من دیگر لیاقت ندارم پسر تو نامیده شوم.²² اما پدر به خادمانش گفت: بشتابید! بهترین ردا را بیاورید و تن او کنید و انگشتی به دستش و کفش به پایش کنید.²³ و گوساله پرواری را بیاورید، آن را ذبح کنید تا بخوریم و شادی کنیم.²⁴ زیرا این پسر من مرده بود و دوباره زنده شد! او گم شده بود و پیدا شد! و آنها شروع به شادی کردند.
²⁵ پسر بزرگتر او در مزرعه بود؛ و وقتی آمد و نزدیک خانه شد، صدای موسیقی و رقص را شنید.
²⁶ و یکی از خادمان را صدا کرد و پرس و جو کرد که معنی این کارها چیست.²⁷ و خادم به او گفت:

را پیدا کند». خدا، و ما هم، باید با این نگرش که تا پیدا کردن گمگشتگان دنبال آنها خواهیم گشت، در جستجوی آنها باشیم. قطعاً نباید هیچ یک از افراد امت خداوند را از خانه او محروم بدانیم؛ ما باید با شور و شوق دنبال هر کسی که ترک می‌کند بگردیم.
15:12 این درخواست مساوی بود با گفتن این که «ای کاش مرده بودی».

15:20 زیرا دویدن یک پیرمرد در ملأ عام، هتک حرمت او تلقی می‌شد. ویژگی غیرواقعی این داستان نشان می‌دهد که چقدر از بازگشت پسرش خوشحال بود؛ از خوشحالی بی حد و حصر خدا هنگام بازگشت به نزد او سخن می‌گوید. وقتی فردی ولخرج به روستایی باز می‌گردد، همه کسانی که او را می‌شناختند به شدت او را به سخره خواهند گرفت. بنابراین، پدر به سوی پسرش دوید تا از او در برابر ناسزاگویی و

تسلیم کن زیرا دیگر نمی‌توانی مباشر باشی.³ و مباشر پیش خود گفت: وقتی می‌بینم که اربابم مباشرت را از من گرفته باید چه کار کنم؟ من قدرت زمین‌کنند ندارم. از گدایی هم خجالت می‌کشم.⁴ فهمیدم چه کار کنم، تا وقتی به عنوان مباشر مرخص شدم، دیگران من را در خانه خود پذیرا باشند.⁵ و هر یک از بدهکاران اربابش را نزد خود فراخواند و به اولی گفت: چقدر به اربابم بدهکاری؟⁶ و او گفت: صد پیمانه روغن. و به او گفت: حسابت را بگیر و بنشین و فوراً بنویس پنجاه پیمانه.⁷ سپس به دیگری گفت: تو چقدر بدهکاری؟ و او گفت: صد پیمانه گندم. مباشر به او گفت: حسابت را بگیر و بنویس هشتاد پیمانه.⁸ و اربابش مباشر نادرست را به خاطر کار زیرکانه‌اش تحسین کرد. زیرا پسران این دنیا برای نسل خود، از فرزندان نور زیرک‌ترند.

⁹ و به شما می‌گویم: با مال دنیوی خود دوست پیدا کنید؛ تا وقتی آنها را از دست می‌دهید، آنها شما را در خانه‌های ابدی پذیرا باشند.¹⁰ کسی که در امور کوچک امین باشد، در امور بزرگ نیز امین است

برادرت آمد و پدرت گوساله پرورار را ذبح کرد زیرا او را صحتیح و سالم پیدا کرده است.²⁸ اما او عصبانی بود و داخل نشد؛ و پدرش بیرون آمد و او را تشویق کرد.²⁹ اما او در پاسخ به پدر گفت: ببین! سالهاست که به تو خدمت کردم، و هرگز از هیچ یک از دستورهايت تخلف نکردم، و ولی هیچ وقت حتی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستانم شادی کنم.³⁰ اما وقتی این پسر آمد که همه ثروتت را با فاحشه‌ها تلف کرد، برای او گوساله پروراری را کشتی.³¹ و پدرش به او گفت: پسر، تو همیشه با من هستی و هر چه دارم از آن توست.³² ولی باید جشن بگیریم و خوشحال باشیم. زیرا این برادرت مرده بود و دوباره زنده شده؛ و گم شده بود و دوباره پیدا شد.

باب 16

مَثَل مباشر زیرک

و او همچنین به شاگردانش گفت: مرد ثروتمندی بود که مباشری داشت؛ که به هدر دادن اموال او متهم شده بود.² و او را فراخواند و گفت: این چیست که درباره تو می‌شنوم؟ حساب مباشرت خود را

سنگ پرت کردن کودکان محافظت کند. ما باید از افرادی که «بازمی‌گردند» در برابر شرمساری محافظت کنیم.

15:32 نکته مهم در مثل‌های عیسی اغلب در پایان داستان است. این داستان چندان راجع به بازگشت یک گناهکار به خانه نیست، بلکه درباره افرادی در خانه خدا است که خود را بسیار نیکوکار می‌پندارند و می‌گویند «اگر او بازگردد، من از اینجا می‌روم».

16:10 همه چیزهایی که خدا از لحاظ معنوی و مادی به ما داده «بسیار کم» است. تنها قسمت بسیار کوچکی از خدا بر ما آشکار شده است (ایوب 26:14) بنابراین، فقط چون ممکن است برخی نکات کتاب مقدس را به درستی فهمیده باشیم، نباید فکر کنیم که صد

¹⁸ هر کسی که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده و هر کسی که با کسی ازدواج کند که شوهرش از او جدا شده نیز مرتکب زنا شده است.

مَثَل مرد ثروتمند و ایلعازر

¹⁹ مرد ثروتمندی بود که لباسی ارغوانی و لطیف پوشیده بود و هر روز ولخرجی و خوش گذرانی می‌کرد. ²⁰ و گدایی به اسم ایلعازر دم دروازه دراز کشیده بود و پر از زخم بود، ²¹ و آرزو داشت که با خردمندان‌هایی که از سفره آن مرد ثروتمند می‌ریخت خود را سیر کند. آری، حتی سگ‌ها می‌آمدند و زخم‌هایش را می‌لیسیدند. ²² و این گونه شد که گدا مرد؛ و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم حمل کردند، و مرد ثروتمند نیز مرد و به خاک سپرده شد. ²³ و در عالم اموات، چشمانش را باز کرد و در حالی که در عذاب بود، ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوش او دید. ²⁴ و فریاد زد و گفت: ای پدر من، ابراهیم، به من رحم کن و ایلعازر را بفرست تا نوک انگشتش را در آب فرو ببرد و زبان من را خنک کند؛ زیرا در آتش در عذابم. ²⁵ اما ابراهیم

و کسی که در امور کوچک بی‌وفا باشد در امور بزرگ نیز چنین است. ¹¹ پس اگر در استفاده از اموال دنیوی امین نبوده‌اید، چه کسی اموال حقیقی را به شما خواهد سپرد؟ ¹² و اگر در آن چه متعلق به دیگری است امین نبوده‌اید، چه کسی آن چه را که از آن خود شماست به شما خواهد داد؟

¹³ هیچ خادمی نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند. زیرا یا از یکی متنفر خواهد شد و دیگری را دوست خواهد داشت، یا به یکی وابسته و از آن یکی متنفر خواهد شد. نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم بنده پول. ¹⁴ و وقتی فریسیان که عاشق پول بودند، همه این‌ها را شنیدند؛ او را تمسخر کردند. ¹⁵ و او به آنها گفت: شما کسانی هستید که در نظر مردم خود را توجیه می‌کنید اما خدا از دلهایتان باخبر است. زیرا آن چه در میان مردم مورد تجلیل است، در نظر خدا کراهت دارد.

¹⁶ تورات و پیامبران تا زمان یحیی بودند. از آن زمان، بشارت ملکوت خدا موعظه می‌شود و همه با تقلا و جهد وارد آن می‌شوند. ¹⁷ اما راحت‌تر که آسمان و زمین از بین بروند تا نقطه‌ای از تورات فروافتد!

در صد حقیقت را راجع به خدا می‌دانیم و از همه چیز باخبریم. **16:11** نحوه برخورد ما با ثروت (این که آیا باید مقدار زیاد یا کمی از آن را مدیریت کنیم)، متناسب است با وضعیت ابدی ما در ملکوت خداوند.

16:19 این یک مثل است و نباید به معنای واقعی کلمه تفسیر شود.

16:23 این نقیضه‌ای از باورهای یهودیان است. اما آن باورها به خودی خود اشتباه هستند؛ نیکوکاران در آغوش ابراهیم زندگی نخواهند کرد؛ مرگ ناخودآگاه است؛ مجازات گناه هنگام بازگشت عیسی مرگ است، نه عذاب در آتش. عیسی از باورهای غلط

را نشنوند، حتی اگر یکی از میان مردگان برخیزد نیز قانع نخواهد شد.

باب 17

تعالیم عیسی درباره ایمان و

بخشندگی

و عیسی به شاگردانش گفت: لغزش و وسوسه قطعاً در راه است، اما وای بر کسی که مسبب آن باشد! ² برای او بهتر است که سنگ آسیابی دور گردنش آویزان شود و به دریا افکنده شود تا این که باعث لغزش یکی از این کوچکان شود.

³ پس مراقب خود باشید! اگر برادران گناه می‌کند، او را سرزنش کنید؛ و اگر توبه می‌کند، او را ببخشید. ⁴ و اگر هفت بار در روز در قبال شما گناه کند و هفت بار

گفت: پسر، به یاد داشته باش که در زمان حیانت چیزهای خوبی گرفتی و ایلعازر به همین شکل چیزهای بد را، اما اکنون او تسلی یافته و تو در عذاب. ²⁶ علاوه بر این، بین ما و تو شکاف عظیمی است که آنهایی که می‌خواهند از اینجا به سوی تو بیایند نتوانند، و هیچ کس نمی‌تواند از آنجا به سوی ما عبور کند. ²⁷ و او گفت: بنابراین، پدر، التماس می‌کنم که او را به خانه پدری‌ام بفرستی. ²⁸ زیرا من پنج برادر دارم. تا او برای آنها شهادت دهد تا مبادا آنها نیز به این جایگاه عذاب بیایند. ²⁹ اما ابراهیم گفت: آنها موسی و انبیا را دارند. به سخنان آنها گوش دهند. ³⁰ و او گفت: نه ای پدر، ابراهیم؛ اگر کسی از میان مردگان نزد آنها برود، آنها توبه خواهند کرد. ³¹ و پدرش به او گفت: اگر سخن موسی و انبیا

یهودیان علیه خودشان استفاده می‌کرد. او با مردم به زبان خودشان حرف می‌زد.

16:31 نکته کلیدی در مثل‌های عیسی اغلب در پایان حکایت است؛ اینجا هم همین طور است. نکته این داستان این است که نشان دهد حتی وقتی عیسی از میان مردگان برخاست، اکثر یهودیان باز هم باور نکردند. و این که شهادت کلام مکتوب در عهد عتیق به اندازه «دیدن معجزه» بازگشت یک انسان مرده به زندگی، قدرتمند بود و هست. **17:2** باعث لغزش دیگران شدن بدترین نوع گناه است. بنابراین، باید به دقت فکر کنیم که کلام و اعمال ما چه تأثیری بر دیگران می‌گذارد و مواظب باشیم که برای دیگران الگوی خوبی باشیم. مجازات آویختن سنگ آسیاب دور گردن و انداخته شدن در دریا، مجازات بابل در روز آخر است (مکاشفه، 18:21). کسانی که در کلیسا مثلاً با درخواست‌های غیرمنطقی از دیگران یا محروم کردن آنها، باعث لغزش دیگران می‌شوند، دست کمی از بابلی‌ها، که دشمن بزرگ خدا بودند، ندارند. نحوه برخورد ما با دیگران بسیار، بسیار مهم است.

17:4 اگر کسی هر روز بارها و بارها گناه کند و ادعا کند که توبه کرده، واضح است که توبه‌اش صادقانه نیست. بنابراین، تعلیم عیسی این است که بدون این که سعی کنیم صداقت توبه و پشیمانی افراد را بسنجیم یا حتی اگر واضح است که توبه آنها واقعی نیست، باید آنها را ببخشیم. لطف اساسی خدا به ما، ما را ملزم می‌دارد که بدون این که از دیگران توبه و پشیمانی بخواهیم آنها را ببخشیم.

اورشلیم در حرکت بودند، در امتداد مرزهای سامری و جلیل حرکت می‌کرد.

¹² و وقتی وارد روستایی شد، ده مرد که جذامی بودند او را ملاقات کردند و بیرون ایستاده بودند. ¹³ و آنها با صدای بلند فریاد برآوردند و گفتند: عیسی سرورم، به ما رحم کن! ¹⁴ و وقتی آنها را دید، به آنها گفت: برو و خودت را به کاهن نشان بده. و این گونه شد که وقتی رفتند، پاک شدند. ¹⁵ و یکی از آنها، وقتی دید که شفا یافته، برگشت و با صدای بلند خدا را ستود. ¹⁶ و او به پای عیسی روی صورت خود افتاد و از او تشکر کرد. با این که یک سامری بود. ¹⁷ و عیسی پاسخ داد: مگر ده نفر پاک نشدند؟ نه نفر دیگر کجایند؟ ¹⁸ آیا هیچ کس دیگری به غیر از این غریبه پیدا نشد که برگردد و خدا را شکر کند؟ ¹⁹ و عیسی به او گفت: بلند شو و برو. ایمانت تو را شفا داد.

ظهور ملکوت خداوند

²⁰ و وقتی فریسیان از او پرسیدند که ملکوت خدا چه زمانی می‌آید، پاسخ داد و گفت: ملکوت خدا با مشاهده

دیگر برگردد به شما بگوید: توبه می‌کنم: باید او را ببخشید.

⁵ و حواریون به سرور گفتند: بر ایمان ما بیفز. ⁶ و سرور گفت: اگر به اندازه یک دانه خردل ایمان داشتید، به این درخت چنار می‌گفتید: از ریشه در بیا و در دریا کاشته شو و از شما اطاعت می‌کرد. ⁷ اما کدام یک از شما اگر خادمی داشته باشد که شخم می‌زند یا گوسفند نگه می‌دارد، به او خواهد گفت که وقتی از مزرعه برمی‌گردد: فوراً بیا و بنشین و غذا بخور. ⁸ و در عوض نخواهد گفت: شام من را آماده کن و لباس را بپوش و به من خدمت کن، و بعد از این که خوردم و نوشیدم، آن وقت می‌توانی بخوری و بنوشی؟ ⁹ یا منت از خدمتکار خود خواهد برد که فرمانش را به جای آورده است؟ گمان نمی‌کنم. ¹⁰ به همین شکل شما هم وقتی همه کارهایی را که به شما دستور داده شده انجام می‌دهید، می‌گویید: ما خادمان بی‌ثمری هستیم؛ کاری را کرده‌ایم که وظیفه‌مان بوده است.

عیسی ده جذامی را شفا می‌دهد
¹¹ و این گونه شد که وقتی به سوی

17:10 خادمان بی‌ثمر- همین عبارت در متی 25:30 درباره کسانی به کار برده شده که در قضاوت نهایی هنگام بازگشت عیسی محکوم خواهند شد. بعد از این که طبق نظر خودمان همه کارهای لازم را انجام دادیم، باز هم باید بدانیم که فقط لایق محکومیت هستیم. هنگام انجام کارهای نیک، لازم است به یاد داشته باشیم که گناهکار هستیم؛ قبلاً گناه کرده‌ایم، هنوز گناه می‌کنیم و احتمالاً دوباره قبل از بازگشت عیسی گناه خواهیم کرد. این بدان معنا است که کارهای خوب خود را با روحی فروتن انجام دهیم. اگر این کارها را با دیدگاه معنوی متکبر انجام دهیم، از نظر اطرافیان ما، ریاکاری تلقی می‌شود و شهادت ما را خراب می‌کند.

خواهد داد.²⁷ آنها خوردند، نوشیدند، زن گرفتند و شوهر می‌کردند تا روزی که نوح وارد کشتی شد و سیل آمد همه را نابود کرد.²⁸ به همین شکل، در روزهای لوط نیز این گونه شد. آنها خوردند، نوشیدند، خریدند، فروختند، کاشتند، ساختند.²⁹ اما روزی که لوط از سدون بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را نابود کرد.³⁰ در روزی که پسر انسان آشکار می‌شود نیز چنین خواهد شد.

³¹ در آن روز، آن کسی که با اموالش بر بام خانه خواهد بود، برای بردن اموالش پایین نخواهد آمد و آن کسی که در مزرعه خواهد بود، باز نخواهد گشت.³² زن لوط را به یاد بیاورید!³³ هر که در صدد به دست

نمی‌آید.²¹ این گونه هم نخواهند گفت که اینجاست یا آنجاست! زیرا ملکوت خدا در بین شما است.²² و عیسی به شاگردانش گفت: آن روزها خواهد آمد که شما آرزو خواهید کرد که یکی از روزهای پسر انسان را ببینید و آن را نخواهید دید.²³ و آنها به شما خواهند گفت: او اینجاست، یا او آنجاست، اما تعاقب آنها نکنید و در پی آنها مروید.²⁴ زیرا همان طور که رعد و برق از قسمتی از زیر آسمان به آن سوی دیگر آسمان می‌تابد، پسر انسان نیز در روز خود خواهد درخشید.²⁵ اما اول باید رنج بسیار بکشد و از سوی نسل خود طرد شود.

²⁶ و همان که در روزهای نوح رخ داد در روزهای پسر انسان نیز رخ

17:21 «درون» را همچنین می‌توان به «در میان» ترجمه کرد. عیسی را به عنوان پادشاه ملکوت خداوند می‌توان «پادشاه خدا» نامید. تمام اصول ملکوت خداوند را باید در او پیدا کرد. یهودیان دنبال ظهور مسیح بودند و عیسی می‌گوید که آنها مجبور نیستند اینجا و آنجا دنبال او بگردند؛ زیرا او، یعنی مسیح، همین حالا نیز بین آنها بود. ملکوت خدا در دل‌های «شما» یعنی فریسیان نبود.

17:27 تا روزی که- در کتاب مقدس روی این مسأله بسیار تأکید شده که سیل در روزی اتفاق افتاد که نوح وارد کشتی شد. اما کتاب آفرینش 7:1 و 4 می‌گوید که خدا هفت روز قبل از آمدن سیل به نوح گفت سوار کشتی شود. اما در حقیقت این کار را نکرد. همان روزی که باران آمد وارد کشتی شد. چرا؟ قطعاً به این خاطر که به مردم التماس می‌کرد که وارد کشتی شوند. او یک واعظ بود (دوم پطرس 2:5). آیا ما وقتی منتظر ظهور عیسی هستیم، دلسوز اطرافیان خود هستیم؟

17:32 زن لوط پشت سر خود را نگاه کرد در حالی که به او گفته شده بود این کار را نکند. او بابت از دست دادن خانه و دارایی‌هایش سوگواری کرد. بنابراین، دستوری که لوط برای ترک سدوم دریافت کرد، مانند دستور رایجی است که بر مبنای آن باید وضعیت فعلی را ترک کنیم و هنگام بازگشت مسیح به اورشلیم برویم تا با او باشیم. اگر با اشتیاق برگردیم و به این دنیا نگاه کنیم، در قضاوت این دنیا شریک خواهیم شد. همسر لوط تبدیل به نمک شد که مجازات منطقه اطراف سدوم نیز بود (کتاب آفرینش 19:23؛ تثنیه، 29:23).

بود که از خدا نمی‌ترسید و به مردم توجهی نمی‌کرد.³ و بیوه‌زنی در آن شهر بود؛ که اغلب نزد او می‌آمد و می‌گفت: علیه دشمنم عدالت را برقرار کن.⁴ و قاضی مدتی به او اعتنا نکرد، اما سپس پیش خود گفت: با این که نه از خدا می‌ترسم و نه به مردم توجهی می‌کنم،⁵ از آنجایی که این بیوه‌زن مزاحم من می‌شود، عدالت را برای او برقرار خواهم کرد تا مبادا با آمدن مداومش من را خسته کند.⁶ و سرور گفت: بشنوید که قاضی بی‌انصاف چه می‌گوید.⁷ آیا خدا به برگزیده خود که روز و شب به او التماس می‌کند، دادرسی نخواهد کرد؟ آیا در کمک به آنها کُند عمل خواهد کرد؟⁸ به شما می‌گویم که به سرعت به آنها دادرسی خواهد کرد. اما وقتی پسر انسان می‌آید، آیا او در زمین ایمان خواهد یافت؟

آوردن زندگی‌اش باشد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که آن را از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد.³⁴ به شما می‌گویم! در آن شب، دو نفر در یک بستر خواهند بود. یکی را برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁵ دو زن دست‌آس خواهند کرد؛ یکی را برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁶ دو مرد در مزرعه خواهند بود. یکی را برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁷ آنها از او پرسیدند: کجا، ای سرورم، و او پاسخ داد: هر جا لاشه‌ای باشد، لاشخوران در آنجا گرد هم می‌آیند.

پاب 18

تعالیم عیسی درباره دعا
و او مثلی را برای آنها بازگو کرد که باید همیشه دعا کنند و دلسرد نشوند. گفت:² یک قاضی در شهری

17:37 نگران جایگاه صندلی قضاوت یا نحوه رسیدن ما به آن جایگاه نباشید. به همان سادگی که عقاب‌ها به آسمان می‌روند و هر جا لاشه باشد فرود می‌آیند، ما نیز به آن جایگاه خواهیم رسید.

18:3 عنصر غیرواقعی این مثل این است که یک زن بیوه بدون داشتن مردی که از او دفاع کند مستقیم نزد قاضی رفت. اینجا صحبت از همت معنوی است که باید در شهادت داشتن برای ادامه نیایش با خدا داشته باشیم و شاید همچنین حاکی از این باشد که چقدر راحت می‌توان به خدا نزدیک شد، حتی اگر فکر نیایش با خود خدا در ابتدا برای ما بسیار حیرت‌انگیز به نظر برسد.

18:7 سکوت ظاهری خدا نسبت به دعاها یا به خاطر صبر او در برابر ما است نه ناشناختن او یا بی‌تفاوتی او.

18:8 آیا او روی زمین ایمان را خواهد یافت؟ این یک سؤال باز است. این متن از نحوه مستجاب شدن دعاها توسط خدا صحبت می‌کند. همین که خدا چنین می‌کند باید برای ایمان آوردن الهام‌بخش باشد. اما آیا شب بازگشت مسیح، چنین ایمانی روی زمین (شاید در «سرزمین» اسرائیل) خواهد بود؟

وقتی شاگردانش این را دیدند، آنها را سرزنش کردند.¹⁶ اما عیسی آنها را نزد خود فرا خواند و گفت: بگذارید کودکان نزد من بیایند و آنها را منع نکنید. زیرا ملکوت خداوند به آنها تعلق دارد.¹⁷ به راستی به شما می‌گویم، هر که ملکوت خداوند را مانند یک کودک نپذیرد، به هیچ وجه وارد آن نخواهد شد.

حاکم شروتمند

¹⁸ و حاکمی از او پرسید و گفت: استاد نیکو، چه کاری باید انجام دهم که زندگی جاودانه را به ارث ببرم؟¹⁹ و عیسی به او گفت: چرا من را نیکو صدا می‌زنی؟ هیچ کس جز یک نفر نیکو نیست- خداوند!²⁰ تو احکام را می‌دانی: زنا نکن. قتل نکن. دزدی نکن. شهادت دروغ مده. به پدر و مادر خود احترام بگذار.²¹ و او گفت: از جوانی همه این‌ها را رعایت کردم.²² و وقتی عیسی این را شنید، به او گفت: هنوز چیزی کم

⁹ و او این مثل را برای کسانی گفت که از نیکوکاری خود مطمئن بودند و دیگران را حقیر می‌شمردند:¹⁰ دو نفر وارد معبد شدند تا دعا کنند، یک فریسی و یک باجگیر.¹¹ فریسی ایستاد و این گونه دعا کرد: خدایا، متشکرم که مثل مردم دیگر، کلاش، بی‌انصاف، زناکار یا حتی مثل این باجگیر نیستم.¹² دو بار در هفته روزه می‌گیرم، یک‌دهم از هر چیزی که به دست می‌آورم می‌دهم.¹³ اما باجگیر که دورتر ایستاده بود، چشمان خود را آنقدر بالا به سمت آسمان نمی‌برد بلکه سر به زیر انداخته بود و می‌گفت: خدایا، به من گناهکار رحم کن.¹⁴ به شما می‌گویم این مرد، و نه آن دیگری، پارسا شمرده شده و به خانه رفت. زیرا هر کسی که خودش را بالا ببرد، محقر خواهد شد، و هر کس که خود را فروتن کند، تجلیل خواهد یافت.¹⁵ و حتی کودکان خود را نزد او می‌آوردند تا آنها را لمس کند؛ اما

18:13 به سینه خود زد- همین عبارت یونانی تنها در بازگویی داستان کسانی یافت می‌شود که هنگام تماشای مصلوب شدن عیسی سینه زدند (لوقا 23:48). اینجا در 18:13، سینه زدن یعنی پشیمانی و توبه. پس احتمالاً در 23:48 همان معنی را دارد. تماشای مرگ عیسی باعث پشیمانی و توبه مردم شد. به همین دلیل وقتی هنگام مراسم تکه کردن نان، به یاد مرگ عیسی می‌افتیم، به طور طبیعی به سمت آزمودن خود و پشیمانی سوق داده می‌شویم (اول قرن‌تیان، 11:28).

18:14 نیکوکار گشت- ما به خودی خود نیکوکار نیستیم؛ اما از طریق بودن «در مسیح» از طریق تعمید و ایمان مداوم به او از سوی خدا نیکوکار تلقی می‌شویم.

18:30 در این زمان- ما این چیزها را در کلیسای خدا از طریق روابطمان با دیگران در مسیح دریافت می‌کنیم. هدف از مسیحیت، زندگی در انزوا و دوری از دیگران نیست.

18:34 به تکرار این حقیقت که آنها درک نکردند توجه کنید. یک مانع روانی بین آنها و صلیب وجود داشت، درست مثل ما که به نحوی چنین مانعی داریم. شریک شدن در صلیب عیسی بسیار دشوار است.

خواهند انداخت.³³ و او را شلاق خواهند زد، خواهند کشت و در روز سوم او دوباره خواهد برخاست.³⁴ و آنها هیچ یک از این‌ها را درک نکردند، و این گفته از آنها پنهان ماند و چیزهایی را که گفته شد نفهمیدند.

³⁵ و این گونه شد که وقتی نزدیک اریحا شد، مرد کوری در کنار راه نشسته بود و گدایی می‌کرد.³⁶ و وقتی صدای گذر جمعیت را شنید، دلیل آن را پرس و جو کرد.³⁷ و آنها به او گفتند که عیسای ناصری در حال گذر است.³⁸ و او فریادکنان گفت: عیسی، تو ای پسر داود، به من رحم کن!³⁹ بسیاری او را سرزنش کردند و گفتند که باید ساکت باشد. اما او بیشتر فریاد برآورد که تو ای پسر داود، به من رحم کن!⁴⁰ و عیسی ایستاد و امر فرمود که نزد او آورده شود؛ و وقتی او نزدیک شد، از او پرسید:⁴¹ می‌خواهی برای چه کار کنم؟ و او گفت: سرورم، می‌خواهم بینایی‌ام را به دست آورم.⁴² و عیسی به او گفت: بینایی‌ات را به دست آور؛ ایمانت تو را شفا داده است.⁴³ و او فوراً بینایی‌اش را به دست آورد و دنبال او رفت و خدا را شکر کرد؛ و وقتی همه مردم این را دیدند، خدا را ستودند.

باب 19

و او وارد اریحا شد و از آنجا می‌گذشت.² و مردی به نام زکی که رئیس باجگیران بود و ثروتمند،³ به دنبال این بود که ببیند عیسی

داری. هر چه داری بفروش و در میان فقیران توزیع کن تا در آسمان گنجینه داشته باشی؛ و بیا و من را دنبال کن.²³ اما وقتی این‌ها را شنید، بسیار غمگین شد. زیرا او ثروتمند بود.²⁴ و عیسی به او نگاه کرد و گفت: برای کسانی که ثروت دارند ورود به ملکوت خداوند چقدر سخت خواهد بود!²⁵ گذشتن شتر از سوراخ سوزن از وارد شدن مردی ثروتمند به ملکوت خداوند آسان‌تر است.²⁶ و کسانی که این را شنیدند گفتند: پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟²⁷ ولی او گفت: چیزهایی که با انسان‌ها غیرممکن است با خدا ممکن است.²⁸ و پطرس گفت: ما داشته‌های خود را رها کردیم و تو را دنبال کردیم.²⁹ و او به آنها گفت: به راستی به شما می‌گویم: هیچ کسی نخواهد بود که خانه، یا زن، برادران، یا خواهران، یا والدین، یا فرزندان را به خاطر ملکوت خدا ترک کند،³⁰ و چندین برابر بیشتر از این زمانه و در عصر آینده، زندگی جاودانه دریافت نکند.

پیشگویی عیسی درباره مرگ و رستاخیز خود

³¹ و او آن دوازده نفر را کنار کشید و به آنها گفت: ما به اورشلیم خواهیم رفت و همه چیزهایی که از طریق پیامبران درباره پسر انسان نوشته شده محقق خواهد شد.³² زیرا او به غیریهودیان تحویل داده خواهد شد؛ و آنها او را استهزا و بی حرمتی خواهند کرد و آب دهان به روی او

مَثَلِ پَرزِگَر

¹¹ و وقتی این‌ها را شنیدند، عیسی مثلی را افزود و بیان کرد زیرا نزدیک اورشلیم بود که آنها تصور می‌کردند که ملکوت خدا قریب‌الوقوع است. ¹² بنابراین گفت: نجیب‌زاده‌ای به سرزمین دور دستی رفت تا سلطنتی را برای خود به دست آورد و سپس بازگردد. ¹³ او ده خادمش را فراخواند و ده سکه به آنها داد و گفت: تا برمی‌گردم با این‌ها داد و ستد کنید. ¹⁴ اما هموطنانش از او بیزار بودند و پشت سر او نماینده‌ای فرستادند و گفتند: نمی‌خواهیم این مرد بر ما فرمانروایی کند. ¹⁵ و این گونه شد که وقتی بازگشت، او که سلطنت را به دست آورده بود، دستور داد خادمانی که به آنها پول داده بود نزد او فراخوانده شوند تا بدانند با داد و ستد چه چیزی به دست آوردند. ¹⁶ و اولین خادم نزد او آمد و گفت: سرورم، سکه‌هایت ده برابر سود آوردند. ¹⁷ و نجیب‌زاده به او گفت: آفرین، ای خادم خوب.

کیست؛ اما به خاطر ازدحام مردم نمی‌توانست زیرا قامت کوچکی داشت. ⁴ و جلو دوید و از درخت چناری بالا رفت تا او را ببیند، زیرا قرار بود عیسی از آن مسیر عبور کند. ⁵ و وقتی عیسی به آنجا آمد، بالا را نگاه کرد و به او گفت: زکی، عجله کن و پایین بیا زیرا امروز باید در خانه‌ات بمانم. ⁶ و او با عجله پایین آمد و با خوشحالی او را پذیرفت. ⁷ و وقتی آنها این را دیدند، زمزمه کردند و گفتند: وارد خانه مردی شده که گناهکار است. ⁸ و زکی ایستاد و به سرور گفت: سرورم اینک، نصف اموالم را به فقیران می‌دهم، و اگر چیزی را به اشتباه از کسی گرفته باشم، چهار برابر آن را به او پس می‌دهم. ⁹ و عیسی به او گفت: امروز نجات به این خانه آمد، زیرا این شخص نیز پسر ابراهیم است. ¹⁰ زیرا پسر انسان آمده تا دنبال آن گمشده بگردد و او را نجات دهد.

19:7 رفاقت با گناهکاران از طریق غذا خوردن با آنها کاری بسیار غلط تلقی می‌شد؛ یهودیان با ایمان، فقط با کسانی رفاقت می‌کردند که «پاک» بودند و در ظاهر با گناه مرتبط نبودند. سیاست بنیادی عیسی دقیقاً برعکس این بود. «مغالطه تداعی» وجود ندارد؛ عیسی با مردم رفاقت می‌کرد تا آنها را به سوی خدا بکشاند نه این که فقط با کسانی نان و غذا بخورد که به سطح استاندارد خاصی رسیده‌اند.

19:9 او یک یهودی («پسر ابراهیم») بود، اما برای رومیان کار می‌کرد و از یهودیان باج می‌گرفت. او فردی بسیار تنها، منفور و مطرود تلقی می‌شد. این‌ها افرادی هستند که به عیسی پاسخ می‌دهند.

19:17 ده شهر یک عنصر غیر واقعی در مثل وجود دارد: استفاده عاقلانه از چند سکه، منجر به دستیابی به قدرت بر چند شهر می‌شود. باید حیرت‌زدگی آنها را تصور کنیم که باور نمی‌کردند چنین پاداشی دریافت کنند. آنها انتظار داشتند که حداکثر چند سکه دریافت کنند. و در واکنش آنها، تصویر ناباوری مؤمنان نسبت به پاداش‌شان را می‌بینیم.

کنم؟²⁴ و به کسانی که ایستاده بودند گفت: سکه را از او بگیرید و به آن کسی بدهید که ده سکه دارد.²⁵ آنها به او گفتند: سرورم، او ده سکه دارد! ²⁶ به شما می‌گویم که به هر کسی که دارد داده می‌شود اما کسی که ندارد، حتی همان چیزی را که دارد از او گرفته می‌شود.²⁷ اما دشمنانم را که نخواستند بر آنها حکومت کنم اینجا بیاورید و آنها را جلوی من بکشید.

ورود شاهانه عیسی به اورشلیم
²⁸ و وقتی این‌ها را گفت، پیشاپیش دیگران، به سمت اورشلیم رفت.
²⁹ و این گونه شد که وقتی نزدیک بیت فاجی و بیت عنیا در کوهی به نام زیتون شدند، عیسی دو تن

چون در این مال کم، امین بودی، بر ده شهر حاکم شو.¹⁸ و دومی آمد و گفت: سرورم سکه‌های پنج برابر سود دادند.¹⁹ و به خادم گفت: و تو بر پنج شهر حاکم شو.²⁰ و دیگری آمد و گفت: سرورم، بنگر، این هم سکه تو، آن را در پارچه‌ای گذاشتم،²¹ زیرا از تو می‌ترسیدم چون تو مرد سخت‌گیری هستی. چیزی را می‌خواهی که نگذاشته‌ای و چیزی را درو می‌کنی که نکاشتی.²² او به خادم گفت: ای خادم شریر، از دهان خودت تو را قضاوت می‌کنم. فکر کردی من مرد سخت‌گیری هستم که چیزی را که نگذاشته‌ام پس می‌گیرم و چیزی را که نکاشته‌ام درو می‌کنم؟²³ پس چرا پولم را به صرافان ندادی تا وقتی می‌ایم آن را با سود جمع

19:20 او با گفتن این که پول را «نگه داشته»، خود را توجیه می‌کند و از کلمه‌ای استفاده می‌کند که در جای دیگری درباره لزوم **نگه داشتن** یا حفظ کردن اصول ایمان واحد به کار برده شده است (اول تیموتائوس 3: 19؛ 1: 13؛ 2 تیموتائوس 1: 13؛ مکاشفه 6: 9). او این کار را کرده بود، نگه داشته بود و ایمان را ترک نکرده بود. و فکر کرد برای رفتن به ملکوت همین کافی است. اما باید از هدیه ساده بشارت که به ما اعطا شده، خلافتان استفاده کنیم.

19:23 عیسی به طرشدگان توضیح خواهد داد که چگونه وارد ابدیت شده‌اند. این به نوبه خود عذاب و مجازات ذهنی زیادی است. شریعت موسی یهودیان را از قرض دادن پول به یهودیان دیگر در ازای دریافت بهره منع کرده است. عیسی مثل‌های خود را در موضوعات مربوط به یهودیان برای آنها بازگو می‌کرد. او می‌گوید: «حتی اگر کاری را کرده باشی که به صلاح نبوده و چندان مطیع نبوده باشی، اما **حداقل کاری** کرده باشی، تو را قبول می‌کردم.» اما آن مرد فکر کرد که عیسی مردی سرسخت و بی‌رحم است. همچنین شاید منظور عیسی این بوده که: «حداقل می‌توانستی انجیل را به غیر یهودیان بدهی.»

19:25 حتی کسانی که در ملکوت خداوند پذیرفته شده‌اند همه چیز را فوراً درک نمی‌کنند. دانش ما در ابدیت در مورد خدا و عیسی رشد خواهد کرد.

19:27 آنها را بکش. مجازات طرشدگان مرگ خواهد بود، «مرگ دوم» (مکاشفه 2: 11)؛ نه مجازات ابدی یک فرد هشیار.

³⁹ و بعضی از فریسیان از میان جمعیت به او گفتند: استاد، شاگردانت را توبیخ کن.⁴⁰ و او پاسخ داد و گفت: به شما می‌گویم که اگر اینان ساکت بمانند، همانا سنگ‌ها فریاد خواهند زد.

⁴¹ و وقتی نزدیک شد، شهر را دید و برای آن گریست،⁴² و گفت: ای کاش در این روز چیزهایی را که متعلق به صلح و آرامش است می‌دانستی. اما اینک از چشمان تو پنهان هستند.⁴³ زیرا روزهایی بر تو خواهد آمد که دشمنانت اطرافت مانعی خواهند گذاشت و تو را محاصره خواهند کرد و از هر طرف تو را احاطه خواهند کرد،⁴⁴ و تو و فرزندان درونت را به زمین خواهند کوبید؛ و سنگی بر سنگی در تو نخواهند گذاشت. همه این‌ها به وقوع خواهد پیوست زیرا تو از موعد دیدار خداوند با خودت غافل ماندی و آن را درک نکردی.

⁴⁵ و او وارد معبد اورشلیم شد و شروع کرد به بیرون انداختن فروشندگان آنجا⁴⁶ و به آنها گفت: نوشته شده: خانه من، خانه دعا خواهد بود. اما شما آن را تبدیل به غار دزدان کرده‌اید!

از شاگردانش را فرستاد و³⁰ گفت: به روستای پیش روی خود بروید که در آن همین که وارد می‌شوید، کره الاغی را پیدا خواهید کرد که بسته شده است و هیچ کس روی آن ننشسته است. آن را باز کنید و نزد من بیاورید.³¹ و اگر کسی از شما پرسید: چرا آن را باز می‌کنید؟ بگویید: سرور به آن نیاز دارد.³² و کسانی که فرستاده شدند رفتند و همانطور که گفت آن را یافتند.³³ و در حالی که کره الاغ را باز می‌کردند، صاحبان آنها گفتند: چرا کره را باز می‌کنید؟³⁴ و آنها گفتند: سرور به آن نیاز دارد.³⁵ و آنها کره الاغ را نزد عیسی بردند و لباسهای خود را روی آن گذاشتند و عیسی روی آن نشست.³⁶ و در حالی که می‌رفت، مردم لباسهای خود را روی جاده پهن کردند.³⁷ و در حالی که اکنون نزدیک می‌شد، در سرازیری کوه زیتون، کل جمعیت و شاگردان با صدایی بلند بابت همه کارهای بزرگی که دیده بودند شروع به شادی و ستودن خدا کردند و گفتند:³⁸ مبارک باد پادشاهی که به نام خداوند می‌آید! سلامتی در آسمان و جلال در عرش برین باد!

19:37 اکنون نزدیک می‌شد. زمان و سبک افعال در اینجا ما را تشویق می‌کند تا «نزدیک شدن» عیسی را تصور کنیم. انجیل‌ها اغلب ما را تشویق می‌کنند تا «تلویزیون کتاب مقدس» را تصور کنیم- یعنی اتفاقات آن را طوری بازسازی کنیم که انگار آن صحنه هم اکنون جلوی چشم ما در حال پخش شدن است.

19:41 این شهری بود که او را خواهد کشت- او پیش‌بینی کرده بود که «اورشلیم» او را خواهد کشت (لوقا 13:33). و با این حال عیسی دلی داشت که برای رهایی حتی دشمنان و قاتلانش می‌سوخت. او آرزوی رهایی آنها را داشت (لوقا 13:34). آیا ما برای جهان دلسوزی می‌کنیم؟

دارند که یحیی پیامبر بود.⁷ و پاسخ دادند که نمی‌دانند از کجا بوده است.⁸ و عیسی به آنها گفت: من هم به شما نمی‌گویم با اجازه چه کسی این کارها را می‌کنم.

مَثَل تَاکَسْتَان

⁹ و شروع کرد به گفتن این مثل به مردم: مردی تاکستانی را احداث کرد و آن را به کشاورزان اجاره داد و مدت زیادی به سرزمین دیگری رفت.¹⁰ و وقتی زمانش فرا رسید، خادمی را نزد کشاورزان فرستاد تا آنها میوه‌های تاکستان را به او بدهند؛ اما کشاورزان او را زدند و دست خالی فرستادند.¹¹ و خادم دیگری را نزد آنها فرستاد و آنها او را نیز زدند و با بی‌احترامی با او برخورد کردند و دست خالی فرستادند.¹² و او خادم سومی را فرستاد و آنها او را نیز زخمی کردند و بیرون انداختند.¹³ و صاحب تاکستان گفت: چه کار کنم؟ پسر عزیزم را خواهم فرستاد. شاید به او احترام بگذارند.¹⁴ اما وقتی کشاورزان او را دیدند، با یکدیگر بحث کردند و گفتند: این وارث است!

⁴⁷ و هر روز در معبد تعلیم می‌داد. اما سران کاهنان و علمای دین و مشایخ قوم در صدد از بین بردن او بودند.⁴⁸ اما آنها نتوانستند بفهمند که باید چه کار کنند، زیرا همه مردم شیفته سخنان او بودند.

باب 20

سؤال درباره اقتدار عیسی

و این گونه شد که در یکی از این روزها، به مردم در صحن معبد تعلیم می‌داد و بشارت را موعظه می‌کرد که کاهنان اعظم و کاتبان همراه مشایخ آمدند. و به او گفتند: به ما بگو. با چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی؟ یا چه کسی به تو این اختیار را داده؟³ و او در پاسخ به آنها گفت: سوالی از شما خواهم پرسید. اینک به من بگویید،⁴ تعمید یحیی از آسمان بود یا از انسان؟⁵ و آنها درباره این موضوع بین خود صحبت کردند و گفتند: اگر بگوییم از آسمان، او به ما خواهد گفت: پس چرا به او ایمان نیاوردید؟⁶ اما اگر بگوییم از انسان، همه مردم ما را سنگسار خواهند کرد زیرا آنها یقین

20:9 صاحبخانه‌های غایب جلیل از سوی همه منفور بودند؛ و با این حال، سرور از یکی از آنها به عنوان تمثیل خود استفاده می‌کند. هر گاه حس می‌کنیم که دیگران از ما متنفر هستند، در رنج کشیدن عیسی شریک می‌شویم.

20:13 خدا پسرش را به اسرائیل فرستاد و امید داشت که آنها به او احترام خواهند گذاشت. اما باب 53 اشعیا پیشگویی کرده بود که وقتی اسرائیل او را ببیند، هیچ خوش‌رویی در او نخواهد دید و او را به صلیب خواهد کشید. با این حال، خدا به عشق او و امید مثبتی که برای امت خویش داشت، این دانش و آگاهی خود را مهار کرده بود. خدا برای رسیدن به سطح ما خود را پایین می‌آورد، مانند زمانی که برای صحبت با یک کودک خود را به سطح او می‌رسانیم و پایین می‌آوریم، و خدا در صدد است وارد محدودیت ادراک، زبان و دورنمای انسان‌ها شود. به راستی که انسان تنها نیست. خدا با ماست.

تلاش یهودیان برای به دام

انداختن عیسی

¹⁹ و کاتبان و کاهنان اعظم در صدد دستگیری او در هر ساعتی بودند اما از مردم می‌ترسیدند. زیرا فهمیده بودند که او این مثل را علیه آنها گفت. ²⁰ و آنها مراقب او بودند و جاسوسانی فرستادند که وانمود می‌کردند صادق هستند تا شاید چیزی از سخن او گرفته؛ و او را به مقامات و دستگاه قضایی فرماندار روم تسلیم کنند. ²¹ و آنها از او پرسیدند و گفتند: استاد، می‌دانیم که تو به درستی سخن می‌گویی و

بیایید او را بکشیم تا میراث از آن ما شود. ¹⁵ و آنها او را از تاکستان بیرون انداخته و کشتند. پس صاحب تاکستان چه کار خواهد کرد؟ ¹⁶ او خواهد آمد و این کشاورزان را نابود خواهد کرد، و تاکستان را به دیگران خواهد داد. و وقتی این را شنیدند گفتند: خدا نکند.

¹⁷ اما او به آنها نگاه کرد و گفت: پس معنی این نوشته چیست؟ همان سنگی که معماران رد کردند سنگ اصلی بنا شده است، ¹⁸ هر که روی آن سنگ بیفتد تکه تکه خواهد شد، اما بر هر کسی بیفتد، او را در هم خواهد شکست.

20:15 این مثل، نکته انحرافی دارد. صاحبخانه‌های غایبی که سال‌ها هرگز از ملک خود دیدن نکرده‌اند و می‌فهمند کسانی که به آن ملک فرستادند کتک خورده‌اند، معمولاً آن را فراموش می‌کنند. به خود زحمت نمی‌دهند. در مثلی که این موضوع را مطرح می‌کند، سرور می‌پرسد که صاحبخانه چه کار خواهد کرد. پاسخ قابل انتظار این بود که: «کار زیادی نخواهد کرد. او چیزی را که می‌خواست گرفت، به هر حال سال‌ها بود که به خود حتی زحمت نداده بود که آنجا برود.» اما این صاحبخانه عجیب است. در حالی که هر صاحبخانه دیگر خیلی زودتر دست برمی‌داشت یا عصبانی می‌شد، او همچنان قاصدهایی را می‌فرستد. اما صبر خدا نیز در فرستادن پیامبران به همین شکل غیر معمولی بود. و آن گاه، وقتی مستأجرین فکر کردند که قطعاً می‌توانند از این موضوع قسر در برونند زیرا صاحبخانه بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسید... ناگهان خودش شخصاً می‌آید و آنها را نابود می‌کند. او برای این کار آدم استخدام نمی‌کند. او شخصاً می‌آید، درست مثل خدا در روز داورى. و این صاحبخانه به جای این که به این نتیجه برسد که ضرر کرده و سپردن تاکستان‌ها را کار غلطی تلقی کند، تاکستان را به دیگران می‌دهد- دوباره امتحان می‌کند. خدا نیز همین کار را با ملل مختلف می‌کند.

20:18 ما حق انتخاب داریم- این که در این زندگی با افتادن روی سنگ مسیح بشکنیم یا وقتی او در روز داورى روی زمین می‌افتد توسط او بشکنیم. به هر حال، زنان و مردان شکسته‌ای خواهیم شد، چه الآن چه آن موقع. منطقی است که انتخاب کنیم که اکنون بشکنیم. اما در امور معنوی، نحوه اندیشیدن ما منطقی نیست. این در متن عهد جدید مشهود است که نشان می‌دهد حفظ کردن کتاب آسمانی ویژگی رایج اولین مؤمنان بود. متنی در مزامیر 118 در اینجا در لوقا 20:18 و همچنین در کتاب اعمال 4:11؛ افسسیان 2:20؛ اول پطرس 2:6 تا 8 مورد اشاره قرار گرفته است. شاید فکر کنیم که این متن، اثبات این موضوع است که مؤمنان اولیه کتاب را از حفظ بودند.

فرزندی باقی نگذاشت و درگذشت.
³² بعد از آن، زن نیز مرد.
³³ در روز رستاخیز، او زن کدام یک از این‌ها خواهد بود؟ چرا که هر هفت نفر با او ازدواج کردند.
³⁴ و عیسی به آنها گفت: فرزندان این دنیا زن می‌گیرند و شوهر می‌کنند.
³⁵ اما کسانی که شایسته دستیابی به آن دنیا و رستاخیز از میان مردگان می‌شوند، نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند.
³⁶ و نه دیگر خواهند مرد؛ زیرا آنها مساوی با فرشتگان هستند و فرزندان خدا هستند، زیرا فرزندان قیامت هستند.
³⁷ اما در این‌باره که مردگان برمی‌خیزند، حتی موسی نیز در متنی درباره بوتۀ سوزان وقتی خداوند را این‌گونه آشکارا صدا زد و این‌گونه خداوند را خواند: خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب.
³⁸ او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است. چون نزد او همه زنده‌اند.
³⁹ و برخی از کاتبان در پاسخ گفتند: استاد چه خوب گفتی.
⁴⁰ و پس از آن، دیگر جرات نکردند سوالی از او بپرسند.
⁴¹ و عیسی به آنها گفت: چرا می‌گویند مسیح پسر داود است؟

تعلیم می‌دهی، و در مورد هیچ کس تبعیض قائل نمی‌شوی بلکه راه خدا را به راستی تعلیم می‌دهی.
²² آیا جایز است به قیصر مالیات معبد بدهیم یا نه؟
²³ اما عیسی متوجه مکر آنها شد و به آنها گفت:
²⁴ به من یک دینار نشان دهید. تصویر و نوشته روی آن متعلق به کیست؟ و آنها گفتند: متعلق به قیصر است.
²⁵ و عیسی به آنها گفت: پس چیزهایی را که به قیصر تعلق دارد به او بدهید و چیزهایی را که به خدا تعلق دارد به خدا بدهید.
²⁶ و در آن چه که در حضور مردم گفت، نتوانستند چیزی پیدا کنند، پس از این پاسخ متعجب شدند و ساکت ماندند.
²⁷ و برخی صدوقیان نزد او آمدند که معتقد بودند هیچ رستاخیزی وجود ندارد.
²⁸ و آنها از او پرسیدند و گفتند: استاد، موسی برای ما نوشته که اگر برادر انسانی بمیرد که زن دارد اما فرزندی ندارد بردارش باید با زن او ازدواج کند تا نسلی برای برادرش باقی گذارد.
²⁹ پس هفت برادر بودند؛ اولی ازدواج کرد و بدون فرزندی درگذشت.
³⁰ به همین شکل دومی،
³¹ و سومی زن او را گرفت، و به همین شکل هفتمی نیز

20:36 فرشتگان ممکن نیست بمیرند: «مرگ... فرشتگان را نمی‌گیرد». اگر فرشتگان قادر به گناه کردن باشند، پس کسانی که در بازگشت مسیح لایق دریافت پاداش، تلقی می‌شوند نیز باز هم می‌توانند گناه کنند. و دیدن آن گناه مرگ می‌آورد (رومان 6:23)، بنابراین آنها زندگی جاودانه نخواهند داشت؛ اگر امکان گناه کردن داشته باشیم، قادر به مُردن نیز هستیم. بنابراین، گفتن این که فرشتگان می‌توانند گناه کنند وعده زندگی ابدی از سوی خدا را بی‌معنی می‌کند. بر این اساس، پاداش ما داشتن ذات و ماهیتی مثل فرشتگان است. اشاره به «فرشتگان» نشان می‌دهد که فرشتگان به عنوان خوب یا گناهکار طبقه‌بندی نمی‌شوند؛ فقط یک دسته از فرشتگان وجود دارد. در کتاب دانیال

که دو سکه کوچکی را انداخت. ³ و او گفت: به راستی به شما می‌گویم: پولی که این بیوه زن فقیر ریخت از همه آنان بیشتر است. ⁴ زیرا آنها از وفور ثروت هدیه دادند، اما او با این که فقیر بود هر چه برای معیشتش داشت ریخت.

عیسی نابودی معبد را پیش‌بینی می‌کند

⁵ و در حالی که برخی از معبد سخن گفتند و این که با چه سنگ‌ها و هدایای زیبایی تزیین شده، عیسی گفت: ⁶ برای این چیزهایی که می‌بینید، روزهایی خواهد آمد که سنگی اینجا روی سنگ نخواهد ماند؛ و همه چیز سقوط خواهد کرد. ⁷ و آنها از او پرسیدند و گفتند: استاد، این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ و وقتی این اتفاقات قرار است رخ دهد چه نشانه‌ای خواهد داشت؟

⁴² زیرا خود داود در کتاب مزامیر گفت: خداوند به سرورم گفت: دست راستم بنشین، ⁴³ تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم. ⁴⁴ بنابراین داود نیز او را سرور خطاب می‌کند، پس چگونه او فرزند داود است؟

⁴⁵ و در حالی که همه مردم می‌شنیدند به شاگردانش گفت: ⁴⁶ از کاتبان برحذر باشید که دوست دارند در ردهای بلند قدم بزنند و عاشق سلام و احوالپرسی در بازار، و کرسی‌های اصلی در کنیسه‌ها، و بر صدر مجلس بنشینند، ⁴⁷ و خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و برای تظاهر دعا‌های خود را طولانی می‌کنند. محکویت این‌ها شدیدتر خواهد بود.

فصل 21

و او نگاه کرد و مردم ثروتمندی را دید که هدایایشان را داخل خزانه می‌ریختند. ² و بیوه زن فقیری را دید

12:3 گفته شده که با ایمانان مانند ستاره خواهند درخشید؛ و ستاره‌ها به فرشتگان پیوند داده شده‌اند (ایوب 38:7). ما مانند فرشتگان خواهیم شد؛ و باز هم ذاتی فناپذیر و بدون گناه به ما اعطا خواهد شد. بنابراین، فرشتگان نمی‌توانند گناه کنند. امید ما این است که وارد آزادی شگفت‌انگیز طبیعتی شویم که «پسران خدا» یعنی فرشتگان اکنون دارند (رومیان 8:19)

20:37, 38 خدا، اینجا و اکنون، خدای ابراهیم است، حتی اگر ابراهیم مُرده و ناهشیار باشد. از آنجایی که مردگان ناهشیارند و خاطرات ما از آنها کمرنگ و ناپدید می‌شود، به صورت ناخودآگاه فکر می‌کنیم که خدا نیز مؤمنان مُرده را این گونه می‌بیند. اما «همه از نظر او زنده هستند»، ارواح زیر محراب برای انتقام، نزد خدا فریاد می‌زنند؛ به بیان دیگر، آگاهی دائمی و پر از جزئیات خدا از شخصیت‌هایشان، او را تحریک می‌کند که حتی اکنون نیز در امور دنیا عمل کند (مکاشفه 6:9؛ 20:4). اورشلیم آسمانی، که با آن در مسیح مرتبط هستیم، متشکل از «ارواح (شخصیت‌های) مردانی است که کامل شده‌اند» (عبرانیان 12:23). در حالی که اکنون سعی داریم یک شخصیت معنوی را ایجاد کنیم، روح ما با آن شخصیت‌های («ارواح») دلپذیر مرتبط می‌شود که به سطحی از تکامل معنوی رسیده‌اند («کمال»).

من به شما کلام و حکمت را خواهم داد که هیچ یک از دشمنانتان قادر به مقاومت یا تکذیب آن نباشند.¹⁶ اما حتی پدر و مادرتان، و برادران و خویشاوندان و دوستانتان نیز شما را تسلیم خواهند کرد و برخی از شما را خواهند کشت.¹⁷ و به خاطر اسم من همه مردم از شما متنفر خواهند شد.¹⁸ اما یک تار موی سر شما نیز از بین نخواهد رفت.¹⁹ با صبر خود، جان خود را به دست خواهید آورد.²⁰ اما وقتی اورشلیم را در محاصره لشکرها دیدید، پس بدانید که ویرانی آن نزدیک است.²¹ پس کسانی که در یهودیه هستند باید به کوه‌ها فرار کنند و کسانی که در وسط شهر هستند باید بیرون روند و کسانی که در حومه شهر هستند نباید داخل شهر شوند.²² زیرا این‌ها روزهای انتقام است تا همه آنچه نوشته شده محقق شود.²³ وای بر آنهایی که در آن ایام باردار هستند و نوزادان را شیر می‌دهند! زیرا پریشانی عظیمی در سرزمین و خشم بر این مردم خواهد بود.²⁴ و به تم شمشیر

⁸ و او گفت: مواظب باشید گمراه نشوید. زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: من او هستم؛ و زمان نزدیک است. آنها را دنبال نکنید.⁹ و وقتی صدای جنگ و انقلاب‌ها را می‌شنوید، وحشت نکنید. زیرا همه این‌ها ضروری هستند باید اول اتفاق بیفتند، اما پایان فوراً فرا نخواهد رسید.¹⁰ سپس به آنها گفت: ملت علیه ملت و پادشاهی علیه پادشاهی قیام خواهد کرد،¹¹ و زلزله عظیمی خواهد بود و قحطی و طاعون در جاهای مختلف رخ خواهد داد و وحشت و نشانه‌های بزرگی از آسمان ظاهر خواهد شد.¹² اما مهم‌تر از همه این‌ها، آنها به خاطر اسم من دستان خود را بر شما خواهند نهاد و شما را آزار و اذیت خواهند کرد و به کنیسه‌ها و زندان‌ها خواهند افکند، و شما را نزد پادشاهان و فرمانداران خواهند آورد.¹³ این فرصتی برای شما خواهد بود تا شهادت دهید.¹⁴ پس در دل‌های خود قرار دهید که پیشاپیش نگران نباشید در دفاع از خود چه بگویید.¹⁵ زیرا

21:8 همراه نشوید. این عبارت یونانی به نحوی گسترده در عهد جدید درباره لزوم جلوگیری از فریب خوردن توسط استادان دروغین در کلیساها به کار برده شده است (اول قرن‌تین 6:9؛ 15:33؛ غلاطیان 6:17؛ دوم تیموتائوس 3:13).

21:13 خدا از موقعیت‌های بد استفاده می‌کند تا فرصتی به ما بدهد که شهادتی برای دیگران باشیم. وقتی می‌پرسیم «چرا این؟» - احتمالاً یکی از دلایل آن این است که از طریق آن موعظه کنیم.

21:17 این تنفر از سوی همه مردم می‌تواند حاکی از آزار و اذیت جهانی باشد.

21:24 به نظر می‌رسد طبق آن چه پولس در رومیان 11:25 اشاره می‌کند، «روزگار امت غیر یهود» به فرصت امت غیر یهود برای یادگیری انجیل اشاره دارد. بنابراین، امروز روز بزرگ فرصت برای پاسخ به انجیل و موعظه آن است. این فرصت همیشه در اختیار نخواهد بود.

²⁹ و برای آنها مَثَلی را بازگو کرد: درخت انجیر و همه درختان را بنگرید. ³⁰ وقتی جوانه می‌زنند، می‌بینید و خود می‌دانید که تابستان نزدیک است. ³¹ به همین شکل، وقتی می‌بینید که این اتفاقات رخ می‌دهند، می‌دانید که ملکوت خدا نزدیک است.

³² به راستی به شما می‌گویم: این نسل از میان نخواهند رفت مگر زمانی که همه اتفاقات رخ بدهند. ³³ آسمان و زمین از میان خواهند رفت، اما کلمات من از میان نخواهد رفت. ³⁴ اما مواظب خودتان باشید تا مبادا دلهایتان با خوش‌گذرانی، عیاشی و خیال این زندگی، سنگین شود و آن روز ناگهان بر شما آید. ³⁵ زیرا این روز بر همه کسانی

خواهند افتاد و به اسارت ملت‌ها خواهند آمد و اورشلیم زیر پای ملل بیگانه پایمال خواهد شد تا دوران ملل بیگانه به پایان برسد.

²⁵ و نشانه‌هایی در خورشید، ماه و ستارگان خواهد بود و از حیرت جوش و خروش دریا و امواج، پریشانی ملت‌ها بر روی زمین خواهد بود. ²⁶ مردم از ترس انتظار اتفاقاتی که برای این دنیا قریب‌الوقوع است از هوش خواهند رفت؛ زیرا قدرت‌های آسمان‌ها به لرزه خواهند افتاد. ²⁷ و آنگاه آنها ظهور پسر انسان در ابرها با قدرت و شکوه عظیمی خواهند دید. ²⁸ وقتی این چیزها در حال وقوع است، راست بایستید، سرهایتان را بالا بگیرید زیرا رستگاری شما نزدیک است.

21:34 اگر قرار است مؤمنان روزهای آخر، مورد آزار و اذیت قرار گیرند، علت چنین هشداری چیست؟ این آیه حاکی از آن است که دنیا در روزهای آخر از لحاظ مادیات کامیاب خواهد بود؛ ممکن است آن قدر ذهنمان درگیر این بشود که خود را برای زمان مصیبت آماده نکنیم و ناگهان غافلگیر شویم. اگر «آن روز» روز ظهور مسیح است، پس شاید با اجتناب از آزار و اذیت، بتوانیم همچنان از مادیات دنیا لذت ببریم که در این صورت از ظهور دوم مسیح ناآگاه خواهیم بود. از این رو، در حالی که قدیسان آزار می‌بینند، دنیا از زمان کامیابی خود لذت می‌برد، درست مانند زمان لوط و نوح.

21:36 در زبان یونانی، فعل «نظاره یا دیده‌بانی کردن» مرتبط است با حالت اسمی این کلمه یعنی پاسداری و کشیک که به نگهبانی سربازان از چیزی یا دوره پاسداری آنها اشاره دارد. مفهومی که در پس کلمه «نظاره‌گر بودن و دیده‌بانی کردن» هست قطعاً حالت دفاعی دارد و نه تهاجمی. در لوقا، 21:36 نظاره‌گر بودن، این گونه تعریف شده که همواره دعا کنیم، ایمان خود را روی این مسأله متمرکز کنیم که در نهایت در حضور سرور، عیسی، در روز داوری به طور قابل قبولی خواهیم ایستاد و به فضل و لطف او از مجازات‌های بزرگی که قطعاً این دنیا را دربر خواهد گرفت نجات خواهیم یافت. مفهوم نظاره‌گر بودن و دعا کردن، اغلب با هم مطرح می‌شوند (مقرس 14:38؛ متی 26:41؛ افسسیان 6:18؛ اول پطرس 4:7). بنابراین، دعا برای بخشودگی و مورد قبول واقع شدن نزد خداوند باید در این روزهای آخر مشخصه دیده‌بانی و نظاره‌گر بودن ما باشد.

قربانی فصیح باید ذبح می‌شد.⁸ و او پطرس و یوحنا را برای کاری فرستاد و گفت: بروید شام فصیح را برای ما آماده کنید.⁹ و آنها از او پرسیدند: دوست دارید کجا آن را برایتان آماده کنیم؟¹⁰ و عیسی به آنها گفت:

وقتی وارد شهر می‌شوید، شخصی را ملاقات خواهید کرد که کوزه آبی در دست دارد. او را تا خانه‌ای که می‌رود دنبال کنید.¹¹ و به صاحب خانه بگویید: استاد می‌گوید: اتاق مهمانی که در آن فصیح را با شاگردانم خواهم خورد کجاست؟¹² و او اتاق بزرگ مفروشی را در بالاخانه نشانتان خواهد داد. آنجا آماده کنید.¹³ و آنها رفتند و همان طور که او گفته بود پیدا کردند و فصیح را آماده ساختند.

¹⁴ و وقتی ساعت فرا رسید، با حواریون نشست.¹⁵ و او به آنها گفت: بسیار مشتاقم که این شام فصیح را قبل از رنج کشیدنم با شما بخورم.¹⁶ زیرا به شما می‌گویم که دیگر آن را نخواهم خورد تا که این فصیح در ملکوت خداوند محقق شود.¹⁷ و او پیاله‌ای را برداشت و وقتی شکرگزاری کرد گفت: این را بگیرید و بین خود تقسیم کنید.¹⁸ زیرا به شما می‌گویم از این به بعد از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا زمانی که ملکوت خدا فرا برسد.¹⁹ و او نان را

که روی زمین ساکن هستند خواهد رسید.³⁶ اما همیشه مواظب باشید، دعا کنید که قدرت غلبه بر زندگی، این اتفاقاتی که قرار است رخ دهد و ایستادن نزد پسر انسان را داشته باشید.

³⁷ و او هر روز در معبد تعلیم می‌داد و هر شب می‌رفت و در کوهی که زیتون نام داشت می‌ماند.³⁸ و همه مردم صبح زود نزد او به معبد می‌رفتند تا کلام او را بشنوند.

باب 22

آخرین فصیح

و عید فطیر که فصیح نام دارد نزدیک شد.² و کاهنان اعظم و کاتبان در صدد این بودند که چگونه عیسی را به قتل برسانند زیرا از مردم می‌ترسیدند.

³ و شیطان به دل یهودا که اسخریوطی نام داشت و یکی از دوازه شاگرد بود، راه یافت.⁴ و او رفت و با کاهنان اعظم و سرداران در این باره صحبت کرد که چگونه به عیسی خیانت کند.⁵ و آنها خوشحال شدند و قبول کردند که به او پول بدهند.⁶ و او قبول کرد و به دنبال فرصتی بود تا در غیاب مردم به او خیانت کند و او را به آنها تحویل دهد.

⁷ و روز فطیر رسید که در آن روز

22:10 حمل آب، کار زنان بود. به نظر می‌رسد که عیسی از به چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی در قرن یکم لذت خاصی می‌برد.

22:16 وقتی نان را تکه‌تکه می‌کنیم، به یاد می‌آوریم که با لطف و رحمت این کار را دوباره با عیسی هنگام بازگشت او انجام خواهیم داد.

22:19 این- نان، بدن حقیقی عیسی نیست؛ معنی آن این است که نان مُعرف و نماد بدن او است.

رهبر است باید خدمت کند.²⁷ زیرا کدام یک بزرگتر است، آن کسی که سر سفره می‌نشیند یا آن کسی که پذیرایی می‌کند؟ آیا آن کسی که سر سفره می‌نشیند بزرگتر نیست؟ اما در میان شما، همچون خادم هستم.²⁸ بلکه شما کسانی هستید که

در زمان آزمایش‌های من با من مانده‌اید.²⁹ و من برای شما ملکوتی قرار خواهم داد، همان گونه که پدرم برای من مقرر فرمود.³⁰ تا شما در ملکوت من سر سفره‌ام بخورید و بیاشامید؛ و بر کرسی‌ها خواهید نشست که دوازده قوم اسرائیل را قضاوت خواهید کرد.

³¹ و سرور گفت: شمعون، شمعون، شیطان خواسته شما را مانند گندم غربال کند.³² اما من برای تو دعا کردم که ایمانت از بین نرود؛ و وقتی برگشتی، برادرانت را استوار کنی.³³ و او به عیسی گفت: سرورم، من حاضرم با تو هم به زندان بروم و هم بمیرم.³⁴ و او گفت: به تو می‌گویم پطرس، بدان که امروز پیش از بانگ خروس، سه بار انکار خواهی کرد که مرا می‌شناسی.

³⁵ و او به آنها گفت: وقتی بدون

برداشت و پس از شکرگزاری، آن را تکه تکه کرد و به آنها داد و گفت: این بدن من است که به شما داده شده است. این کار را به یادبود من انجام دهید.²⁰ و با پیاله نیز پس از شام چنین کرد و گفت: این پیاله، عهد جدید در خون من است که برای شما ریخته می‌شود.

²¹ اما بنگرید، دست آن کسی که به من خیانت می‌کند با من در این سفره است.²² زیرا همان طور که تعیین شده است، پسر انسان در حقیقت می‌رود، اما وای بر آن کسی که از طریق او به پسر انسان خیانت می‌شود!²³ و آنها در میان خود سوال پرسیدند که کدام یک از آنها است که این چنین کاری خواهد کرد.

²⁴ و بحثی میان آنها سر گرفت در این باره که کدام یک از آنها بزرگترین تلقی خواهد شد.²⁵ و عیسی به آنها گفت: پادشاهان ملل بیگانه بر آنها حاکمیت دارند و کسانی که بر آنها حاکمیت دارند، ولی نعمت خوانده می‌شوند.²⁶ اما شما نباید چنین باشید، بلکه بزرگترین در میان شما باید همچون کوچکترین باشد و آن که

22:20 پیمان جدید در مجموعه وعده‌های خداوند این است که همان طور که به ابراهیم قول داد، ما را نجات دهد و در ملکوت خویش در زمین به ما زندگی جاودانه ببخشد. این مجموعه وعده‌ها با مرگ عیسی تأیید شد؛ هر گاه پیاله را برداریم، مشارکت در این امید بزرگ را به خود یادآور می‌شویم.

22:23 بررسی و محک زدن خود تا حدی در اولین جلسه یادبود وجود داشت. هر بار که این مراسم را اجرا می‌کنیم، باید خود را محک بزنیم (اول قرن‌تینان 11:28).

22:28 با این حال، عیسی می‌دانست که شاگردانش فرار خواهند کرد و پطرس او را انکار خواهد نمود. اما او آنها را نیکوکار شمرد؛ و علی‌رغم همه شکست‌هایمان ما را نیز امروز این چنین مثبت می‌بیند. فقط به این خاطر که ما را دوست دارد.

پرتاب سنگی از آنها دور شد، زانو زد و دعا کرد،⁴² و گفت: پدر، اگر می‌خواهی، این پیاله را از من دور کن. اما نه به خواهش من، بلکه اراده تو انجام شود.

⁴³ و فرشته‌ای از آسمان بر او ظاهر گشت و به او قدرت داد.⁴⁴ و در اضطراب، مشتاقانه‌تر دعا کرد و عرق او مانند قطره‌های خون بر زمین می‌چکید.

⁴⁵ و وقتی از دعا برخاست، نزد شاگردانش رفت و دید که آنها در اثر غم و اندوه به خواب رفته‌اند،⁴⁶ و به آنها گفت: چرا در خوابید؟ بلند شوید و دعا کنید تا به وسوسه نیفتید.

⁴⁷ در حالی که هنوز صحبت می‌کرد، جمعیتی آمد و مردی که یهودا نام داشت و یکی از آن دوازده نفر بود، آنها را رهبری می‌کرد. او نزدیک عیسی شد تا او را ببوسد.⁴⁸ اما عیسی به او گفت: یهودا، آیا با یک بوسه به پسر انسان خیانت می‌کنی؟

کیسه و کیف و کفش شما را فرستادم، آیا چیزی کم داشتید؟ و آنها گفتند: خیر.³⁶ و عیسی به آنها گفت: اما اینک، آن کسی که کیسه دارد، باید آن را بردارد و همین طور کیف خود را و آن کسی که هیچ یک را ندارد، باید لباسش را بفروشد و شمشیری بخرد.³⁷ زیرا به شما می‌گویم که این نوشته باید در من محقق شود: و او از خطاکاران محسوب شد. زیرا آن چه درباره من نوشته شده باید به وقوع بپیوندد.³⁸ و آنها گفتند: سرورم، نگاه کن، دو شمشیر اینجاست. و او به آنها گفت: همین کافی است.

دعا در کوه زیتون و دستگیری

عیسی

³⁹ و او بیرون آمد و طبق عادت خود، به کوه زیتون رفت؛ و شاگردان او را دنبال کردند.⁴⁰ و وقتی به آن جا رسید، به آنها گفت: دعا کنید تا به وسوسه نیفتید.⁴¹ و او به مسافت

22:36 شمشیری بخرد. اما نظر سرور در آیه 38 نشان می‌دهد که هنگام اظهار نظر درباره سقوط ایمان و وابستگی به قدرت انسانی، سخنانش نیش‌دار و کنایه‌آمیز بود. او به معنای واقعی کلمه پیشنهاد نمی‌دهد که شمشیر بخرند. در هر صورت، او قطعاً می‌دانست که آنها خودشان دو شمشیر همراه دارند (آیه 38). و وقتی شاگردان از آن شمشیرها استفاده کردند، عیسی به شدت آنها را سرزنش کرد (50، 51 «بس است دیگر!»). مسیحیان حقیقی، در مقاومت بدون خشونت در برابر پلیدی از استاد خود تبعیت می‌کنند و به استفاده از زور حتی برای اهداف عادلانه اعتقاد ندارند.

22:40 دعا، قدرت ما علیه وسوسه است.

22:42 خواست و اراده پدر و پسر متفاوت بود؛ بنابراین عیسی به آن معنی که در تثلیث به آن معتقدند، خود خدا نبود.

22:44 این وضعیت نشان از آن دارد که عیسی در آستانه از دست دادن مقاومت عصبی بود. این بار «با فریاد و اشک‌های زیاد» با خدا نیایش کرد (عبرانیان 5:7). اما حتی الان، عیسی در آسمان شفاعت ما را می‌کند و با ناله‌های شدیدی که نمی‌توان به زبان

کردند و با هم نشستند، پطرس در بین آنها نشست.⁵⁶ و کنیزی با دیدن او در روشنائی آتش، مشتاقانه به او نگاه کرد و گفت: این مرد هم با او بود.⁵⁷ اما او انکار کرد و گفت: ای زن، من او را نمی‌شناسم.⁵⁸ و کمی بعد، شخص دیگری او را دید و گفت: تو هم یکی از آنها هستی. اما پطرس گفت: ای مرد، من نیستم.⁵⁹ و پس از فاصله یک ساعته، شخص دیگری با اطمینان تایید کرد و گفت: بی‌گمان این مرد هم با او بود. زیرا او اهل جلیل است.⁶⁰ اما پطرس گفت: مرد، نمی‌دانم چه می‌گویی. و فوراً در حالی که صحبت می‌کرد، خروس خواند.⁶¹ و سرور برگشت و به پطرس نگاه کرد. و پطرس کلام سرور را به خاطر آورد که گفته بود: قبل از این که امروز خروس بخواند، تو من را سه بار انکار خواهی کرد.⁶² و رفت و زار زار گریست.⁶³ و مردانی که عیسی را نگه

⁴⁹ و وقتی اطرافیان او دیدند که چه اتفاقی در حال وقوع است، گفتند: سرور، آیا با شمشیر بزنیم؟⁵⁰ و یکی از آنها خادم کاهن اعظم را با شمشیر زد و گوش راستش را برید.⁵¹ اما عیسی گفت: دست نگه دارید! و او گوشش را لمس کرد و او را شفا داد.

⁵² و عیسی به کاهنان اعظم و سرداران سپاه هیکل و ریش‌سفیدانی که علیه او آمده بودند گفت: آیا آمده‌اید یک دزد را با شمشیر و چوب بگیرید؟⁵³ وقتی هر روز با شما در معبد بودم، دستانتان را بر من نگذاشتید. اما این ساعت شما و قدرت تاریکی است.

پطرس عیسی را انکار می‌کند
⁵⁴ و آنها او را گرفتند و بردند و به خانه کاهن اعظم آوردند. و پطرس از پی ایشان می‌رفت.⁵⁵ و وقتی آتشی را در میان محوطه خانه روشن

آورد با خدا نیایش می‌کند (رومان 8:26). اگر او با این شدت برای ما و با ما دعا می‌کند و با چنین شدتی، دعا‌های ما را به خدا عرضه می‌کند؛ پس دعا‌های ما نیز باید شدت داشته و متمرکز باشند. مواظب باشید که همان عبارات قدیمی و تکراری را در دعا‌های خود تکرار نکنید؛ به کلمات معنی ببخشید؛ نگذارید ذهنتان هنگام دعا پرسه بزند؛ در صورت لزوم، با صدای بلند دعا کنید و از این که فقط شب‌هنگام در رختخواب گرم و هنگام خواب‌الودگی دعا کنید، برحذر باشید.

22:54 خانه روحانی اعظم - حدود هفت هفته بعد، پطرس حدود 100 متر با فاصله از این نقطه ایستاده بود و با قدرت مردم را قانع می‌کرد که به مسیح ایمان بیاورند. تعداد افرادی را که او توانست در یک روز به دین بیاورد، بیش از هر کس دیگری است که تا به حال ثبت شده است. خدا از توبه‌کننده، یعنی گناهکار شناخته‌شده استفاده کرد و این کار را خیلی سریع پس از توبه او انجام داد. خدا دوست دارد از افراد فروتن بهره بگیرد.

22:57 انکار کرد - سال‌ها بعد، پطرس نوشت که بدترین نوع گناه «انکار کردن» سرور، عیسی، بود (دوم پطرس 2:1). پطرس برای دیگران موعظه کرد و بر همین اساس که سرور را انکار کرده و توبه کرده بود، به کسانی که به واسطه او به دین

و کل حاضران برخاستند و او را نزد پیلطس بردند.² و آنها شروع کردند به متهم کردن او و گفتند: ما فهمیدیم که این مرد امت ما را منحرف می‌کرده و پرداخت مالیات معبد به قیصر را منع کرده و گفته که او مسیح، یک پادشاه است.³ پیلطس از او پرسید: آیا پادشاه یهودیان هستی؟ و او در پاسخ به آنها گفت: همان که تو گفتی.⁴ و پیلطس به کاهنان اعظم و مردم گفت: من هیچ تقصیری در این مرد نمی‌یابم.⁵ اما آنها مُصرتر شدند و گفتند: او مردم را تحریک می‌کرد و در سراسر یهودیه تعلیم می‌داد از جلیل شروع کرد تا به این جا رسید.⁶ اما وقتی پیلطس این را شنید، پرسید آیا این مرد جلیلی است؟⁷ و وقتی فهمید که او از قلمرو هیروдіس است، او را نزد هیروдіس فرستاد که او نیز در آن ایام در اورشلیم بود.⁸ وقتی هیروдіس عیسی را دید، بسیار خوشحال گشت. زیرا مدت زیادی مشتاق دیدار او بود زیرا در باره او شنیده بود

داشته بودند او را مسخره کردند و زدند.⁶⁴ و چشمانش را بستند و از او پرسیدند: نبوت کن، چه کسی تو را زد؟⁶⁵ و حرف‌های بسیار دیگری را علیه او زدند و به او اهانت کردند.⁶⁶ و به محض این که روز شد، شورای مشایخ قوم به همراه کاهنان اعظم و کاتبان دور هم جمع شدند؛ و او را به شورا بردند و گفتند:⁶⁷ اگر تو مسیح هستی به ما بگو. اما او به آنها گفت: اگر بگویم، باور نخواهید کرد.⁶⁸ و اگر از شما سوالی بپرسم، پاسخ نخواهید داد.⁶⁹ اما از این زمان به بعد، پسر انسان در دست راست قدرت خدا خواهد نشست.⁷⁰ و همه آنها گفتند: پس تو پسر خدا هستی؟ و او به آنها گفت: همان که می‌گویید هستم.⁷¹ و آنها گفتند: به چه شهادت دیگری نیاز داریم؟ زیرا خودمان از دهانش شنیدیم.

فصل 23

عیسی در حضور پیلطس و هیروдіس

گرویدند تعلیم می‌داد. او در موعظه‌هایش، اغلب به شکست‌های خویش اشاره دارد. این دقیقاً همان چیزی است که انسان را صالح می‌سازد، نه این که یک زندگی به ظاهر بی‌گناه داشته باشد که در حقیقت فقط ریاکاری است.

23:4 آیا احساس می‌کنیم که وجدان ما ناکارآمد است و قلب ما در جاهایی آن قدر سخت شده که چیزی نمی‌تواند ما را تحت تأثیر قرار دهد و مثل گذشته به ما انگیزه ببخشد؟ صلیب می‌تواند سخت‌ترین و آسیب‌پذیرترین دل‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و دگرگون کند. جدا از مثال‌های بسیاری که در زندگی واقعی در اطراف خود می‌بینیم، مورد پیلطس را در کتاب مقدس در نظر بگیرید. مورخان یهودی و رومی از پیلطس تصویری بسیار متفاوت‌تر نسبت به چیزی که در کتب مقدس می‌بینیم ارائه می‌دهند. فیلو او را «بی‌رحم، کلاهش و ظالم» توصیف می‌کند که به «اعدام‌های مکرر بدون محاکمه» معروف بود. پس چرا در انجیل به عنوان مردی معرفی شده که به شدت با وجدان خود مقابله می‌کند، تا

و پیلطس دوباره با آنها سخن گفت و مشتاق بود عیسی را آزاد کند.²¹ اما آنها فریاد زدند و گفتند: او را به صلیب بکش، به صلیب بکش!²² و برای بار سوم به آنها گفت: چرا؟ این مرد چه بدی‌ای در حق شما کرده؟ من هیچ دلیلی برای کشتن او پیدا نکردم. بنابراین او را تنبیه و سپس آزاد می‌کنم.²³ اما آنها با صدای بلند اصرار می‌کردند و می‌خواستند که او مصلوب شود. و صدایشان غالب شد.²⁴ و پیلطس حکم کرد که آنچه می‌خواهند انجام شود.²⁵ و آن مردی را که بابت شورش و قتل زندانی شده بود و آنها خواسته بودند آزاد کرد، اما عیسی را در اختیار آنها گذاشت.

به صلیب کشیدن

²⁶ و وقتی آنها او را بردند، مردی به اسم شمعون اهل قیروان را گرفتند که از حومه شهر می‌آمد و صلیب را بر او گذاشتند تا به دنبال عیسی ببرد.

²⁷ و جمعیت عظیمی از مردم او را دنبال کردند و برای او عزاداری و گریه و زاری می‌کردند.²⁸ اما عیسی رو به آنها کرد و گفت: ای دختران اورشلیم، برای من گریه نکنید بلکه برای خودتان و فرزندانان گریه کنید.²⁹ زیرا روزهایی خواهد آمد که

و امید داشت معجزه‌ای را از سوی او ببیند.⁹ پس از او سوالات زیادی پرسید اما او جوابی نداد.¹⁰ و کاهنان اعظم و کاتبان در کناری ایستادند و به شدت او را متهم می‌کردند.¹¹ و هیرودیس و سربازانش او را تحقیر و تمسخر می‌کردند، جامه پرزرق و برقی بر او پوشاندند و او را نزد پیلطس باز فرستادند.¹² و هیرودیس و پیلطس در همان روز با هم دوست شدند. چرا که قبل از آن با هم دشمن بودند.

¹³ و پیلطس سران کاهنان و حاکمان و مردم را جمع کرد،¹⁴ و به آنها گفت: شما این مرد را نزد من آوردید به عنوان کسی که مردم را منحرف می‌کند، و من او را جلوی شما امتحان کردم و هیچ تقصیری در این مرد در مورد اتهاماتی که به او زدید نیافتم.¹⁵ هیرودیس نیز همین طور، زیرا او را نزد ما پس فرستاد. بنگرید، او هیچ کار مستحق مرگی انجام نداده است.¹⁶ بنابراین او را تنبیه و سپس آزاد می‌کنم.¹⁷ (زیرا لازم بود در روز جشن یکی را برای مردم آزاد کند).¹⁸ اما آنها همه با هم فریاد زدند و گفتند، او را از بین ببر و برای ما باراباس را آزاد کند.¹⁹ (که بابت شورش در شهر و قتل به زندان افتاده بود).²⁰

جایی که مردم یهود او را طوری هدایت می‌کنند که دستور مصلوب شدن مردی را صادر کند که صادقانه باور دارد که معصوم است؟ قطعاً به این خاطر که شخصیت عیسی سرور و وحشتناکی محکومیت پسر خدا به مرگ، وجدانی را که به نظر وجود نداشت تحت تأثیر قرار داده بود. اگر کل جریان مرگ عیسی وجدان و شخصیت حتی فردی مثل پیلطس را تحت تأثیر قرار داده، می‌تواند هر یک از ما را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

گفتند: او دیگران را نجات داد. اگر مسیح خدا است و برگزیده او، خودش را نجات دهد! ³⁶ و سربازان نیز او را به استهزا گرفتند و به او شراب ترشیده می‌دادند و می‌گفتند: ³⁷ اگر پادشاه یهودیان هستی، خودت را نجات بده. ³⁸ و تقصیر نامه‌ای بالای سر او نوشته شده بود: این پادشاه یهودیان است.

³⁹ و یکی از مجرمانی که آنجا آویخته شده بود به او اهانت‌کنان گفت: آیا تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات بده. ⁴⁰ اما دیگری پاسخ داد و در حالی که او را سرزنش کرد گفت: آیا وقتی می‌بینی خودت هم به همان مجازات محکوم شده‌ای حتی از خدا هم نمی‌ترسی؟ ⁴¹ اما به راستی در مورد ما عادلانه بود. زیرا جزای کارهای خود را دریافت می‌کنیم، اما این مرد هیچ کار اشتباهی نکرده است. ⁴² و او گفت: عیسی، وقتی به ملکوت خود رسیدی، من را به یاد

در آن خواهند گفت: خوشا به حال نازایان، رَحْم‌هایی که هیچ وقت بچه نیاوردند و پستان‌هایی که هرگز شیر ندادند! ³⁰ سپس آنها به کوه‌ها خواهند گفت: بر ما بیفتید، و به تپه‌ها خواهند گفت: ما را بپوشانید. ³¹ زیرا اگر این کارها را با چوب تر می‌کنند، با چوب خشک چه خواهند کرد؟

³² و دو نفر دیگر که هر دو مجرم بودند بیرون برده شدند تا با او اعدام شوند. ³³ و وقتی به جایگاهی به نام جمجمه (جُلُجُتَا) رسیدند، آنها او و مجرمان را یکی در سمت راست و دیگری را در سمت چپ او به صلیب کشیدند (همان گونه که پیش‌بینی شده بود). ³⁴ و عیسی گفت: پدر، آنها را ببخش زیرا آنها نمی‌دانند که چه می‌کنند. و لباس‌هایش را با قرعه کشی بین خود تقسیم کردند. ³⁵ و مردم ایستادند و تماشا کردند. و حاکمان نیز به تمسخر به او

23:26 شمعون یک اسم یونانی است و اسامی پسران او یونانی-رومی هستند. طرز توصیف کردن او به صورت «بیرون آمدن از مزرعه» می‌تواند حاکی از آن باشد که او کار می‌کرد، یعنی کاری را انجام می‌داد که در روز عید جایز نبود زیرا او غیر یهود بود. شاید هم به این خاطر باشد که او نزدیک اورشلیم می‌زیست و کار می‌کرد و مرد متدینی نبود، و مثل شائول که دنبال گاو گمشده خود می‌گشت، او نیز به جای دیگری می‌رفت، درست مثل ما... تا این که سرور با پیام صلیب توجه او را جلب کرد.

23:34 عیسی در رنج‌های پایانی خود اغلب پدر بودن خدا را مطرح می‌کند (لوقا 23:34؛ 22:42، 46؛ متی 26:39، 42، 44). این که خدا «پدر ما» است در زمان محاکمه به ما تسلی می‌بخشد.

درد و سختی سخن گفتن در حالت مصلوب شدن چنان زیاد بود که واضح است که سرور می‌خواست کلامی را که از صلیب به زبان می‌آورد بشنویم و روی آن فکر کنیم. برای او بسیار آسان‌تر بود که این کلام را پیش خود و در افکار خود هنگام نیایش ذکر کند؛ اما در عوض، او تلاش کرد که با صدای بلند آنها را به زبان بیاورد. این امر باید الهام‌بخش تلاشی مشابه در ما باشد به این ترتیب

جمع شده بودند، وقتی اتفاقات رخ داده را دیدند، در حالی که بر سینه خود می‌کوفتند، آنجا را ترک کردند.

به خاک سپردن عیسی

⁴⁹ و همه آشنایانش و زنانی که او را از جلیل دنبال کرده بودند، در فاصله‌ای ایستاده بودند و شاهد این اتفاقات بودند.⁵⁰ و مردی به نام یوسف که عضو شورا و مردی خوب و نیکوکار بود⁵¹ (او به تصمیم و عمل آنها رضایت نداده بود)، اهل یکی از شهرهای یهودیان به نام رامه بود که در جستجوی ملکوت خدا بود،⁵² نزد پپلاطس رفت و پیکر عیسی را خواستار شد.⁵³ و آن

داشته باش.⁴³ و عیسی به او گفت: به راستی، امروز و همین الان به تو می‌گویم که در حقیقت با من در بهشت خواهی بود.

⁴⁴ و حدوداً ساعت ششم بود؛ و تاریکی کل سرزمین را تا ساعت نه فرا گرفت،⁴⁵ نور خورشید از درخشیدن بازایستاده و پرده معبد از وسط پاره شد.⁴⁶ و عیسی با صدای بلند فریاد زد و گفت: پدر، روح خود را تسلیم دستانت می‌کنم. و این را گفت و آخرین نفسش را کشید.⁴⁷ و وقتی یوزباشی اتفاق رخ داده را دید، خدا را ستود و گفت: به راستی که این مرد بی‌گناه بود.

⁴⁸ و همه جمعیتی که برای دیدن

که وقتی حس می‌کنیم که می‌خواهیم در لاک خود فرو برویم، با دیگران ارتباط برقرار کنیم؛ با بخشندگی خود به آنها تسلی بدهیم و برای دشمنان خود دعا کنیم. **لباس‌هایش را تقسیم کردند** - مادی‌گرایی بابت چیزهای خرد در حضور صلیب عیسی بسیار رقت‌انگیز بود و هست.

23:42 دستور تعمید یافتن در مرگ و رستاخیز مسیح **بعد** از رستاخیز مسیح داده شد (مرقس 16:15 و 16). ممکن نیست که دزد قبل از به وقوع پیوستن مرگ و رستاخیز مسیح در مرگ و رستاخیز وی تعمید یافته باشد. دزد از عیسی خواست که وقتی «در» ملکوت خود بازگشت، او را همیشه به خاطر داشته باشد (نسخه اصلاح شده انگلیسی). بنابراین دزد نسبت به بشارت ملکوت خدا که عیسی موعظه می‌کرد جاهل و بی‌خبر نبود (متی 4:23). او می‌دانست که روز قضاوت با بنا نهادن آن ملکوت فرا خواهد رسید، و بنابراین در حالی که می‌دانست عیسی در نهایت از میان مُردگان برخواید خاست تا در آن روز قضاوت کند، از وی خواست که برای همیشه او را به خاطر بسپارد. دزد قطعاً جاهل نبود؛ او می‌دانست که رهایی در روز رستاخیز و قضاوت از دهان مسیح بیان خواهد شد. عیسی پاسخ داد که آن دزد با او در «بهشت» خواهد بود. این کلمه یونانی همیشه به موقعیتی ایده‌آل بالای زمین اشاره دارد. از این کلمه در ارتباط با باغ عدن استفاده می‌شود که به حالت اول خود بازگشته و در آینده ملکوت خدا روی زمین دیده خواهد شد (مکاشفه 2:7). مسیح و دزد، آن روز به ملکوت نرفتند. عیسی به قبرستان رفت (اعمال 2:32؛ متی 12:40). دزد از عیسی می‌خواست که برای همیشه در روز قضاوت او را به خاطر داشته باشد؛ او آگاه بود که مسئول است و آنجا ظاهر خواهد شد.

به آنها گفتند: چرا زنده را در میان مردگان می‌جوئید؟⁶ او اینجا نیست، بلکه برخاسته است! به یاد بیاورید که وقتی هنوز در جلیل بود چگونه با شما سخن گفت،⁷ و گفته بود که پسر انسان باید به دستان مردان گناهکار سپرده شود و به صلیب کشیده شود و در روز سوم برخاسته خواهد خواست.⁸ و آنها کلام او را به یاد آوردند،⁹ و از سر قبر برگشتند و همه این‌ها را به آن یازده نفر و به بقیه بازگو کردند.

¹⁰ مریم مجدلیه و یونا و مریم مادر یعقوب و زنان دیگر همراه آنها بودند که این‌ها را برای حواریون تعریف کردند.¹¹ و این کلمات از دید آنها صحبت بیهوده بود و آنها را باور نکردند.¹² اما پطرس برخاست و به سوی قبر دوید؛ و خم شد و داخل را نگاه کرد، و فقط کفن را دید؛ و به خانه خود رفت و درباره اتفاق رخ داده شگفت‌زده بود.

عیسی بر پیروانش ظاهر

می‌گردد (در راه عموآس)

¹³ و دو نفر از آنها همان روز به

را پایین آورد و در پارچه کتان پیچید و در قبری که از سنگ تراشیده بود گذاشت؛ که هیچ شخص دیگری قبلاً در آن گذاشته نشده بود.⁵⁴ و روز تهیه بود؛ و روز سبت نزدیک بود.⁵⁵ و زنانی که با او از جلیل آمده بودند، وی را دنبال کردند و قبر را دیدند و این که چگونه جسدش در آن گذاشته شده بود.⁵⁶ و برگشتند و حنوط و عطریات را فراهم کردند. و در روز سبت طبق حکم شریعت استراحت کردند.

باب 24

رستاخیز

و در اولین روز هفته، سپیددم، زنان به سوی قبر رفتند و حنوطی را که آماده کرده بودند آوردند.² و دیدند که سنگ از روی قبر غلتانیده شده است.³ و آنها داخل قبر شدند و جسد سرور، عیسی را پیدا نکردند.⁴ و این گونه شد که در حالی که در این باره حیرت‌زده بودند، دو نفر با لباسی درخشان آنجا ایستادند.⁵ و در حالی که ترسیدند و صورتشان را به سوی زمین خم کردند، آن دو مرد

اما عیسی اطمینان خاطری شگفت‌انگیز به او داد- «می‌توانم همین الآن به تو بگویم! مجبور نیستی برای فهمیدن حکم من در قبال خودت، تا آن موقع صبر کنی - تو در ملکوت با من خواهی بود!»

24:11, 12 انجیل‌ها بر بی‌اعتقادی و گندفهمی شاگردان درباره پیش‌گویی‌های عیسی در مورد مرگ و رستاخیز خویش تأکید دارند. اما نوشته‌های انجیل، نسخه مکتوب موعظه حواریون است و در درخواست برای باور پیدا کردن به انجیل، به اوج خود می‌رسند. این درخواست فوری از سوی مردانی صورت گرفت که اعتراف کرده بودند خودشان ققدر در پاسخ و واکنش گند بودند. اما این صداقت و تواضع همان چیزی است که چنین قدرتی به متقاعد کردن آنها می‌دهد.

فرشتگانی را دیدند که گفته‌اند او زنده است.²⁴ و برخی از دوستان ما هم سر قبر رفتند و همان را یافتند که زنان گفته بودند. اما او را ندیدند.²⁵ و عیسی به آنها گفت: ای مردان نادان و سست دل در ایمان آوردن به همه آنچه پیامبران گفته‌اند!²⁶ آیا ضروری نبود که مسیح همه این رنج‌ها را بکشد و وارد جلال خویش گردد؟²⁷ و از موسی و همه انبیا شروع کرد و برای آنها نوشته‌های مربوط به خودش را از همه کتب آسمانی تفسیر کرد.

²⁸ و آنها نزدیک روستایی شدند که به سوی آن روانه بودند، و او طوری رفت که انگار به راه خود ادامه می‌دهد.²⁹ و آنها به او اصرار کردند و گفتند: با ما بمان، زیرا شب نزدیک است و روز به آخر رسیده. و او رفت تا با آنها بماند.³⁰ و این گونه شد که وقتی با آنها نشست تا غذا بخورد، نان را برداشت و پس از شکرگزاری و تکه تکه کردن آن، آن را به آنها داد.³¹ و چشمانشان باز شد و او را شناختند؛ و او از نظر آنها ناپدید شد.³² و آنها به یکدیگر گفتند: آیا وقتی در جاده با ما صحبت می‌کرد و کتب را برای ما تفسیر می‌کرد قلب ما درون نمی‌سوخت؟

³³ آنها همان ساعت برخاستند و به اورشلیم بازگشتند و هر یازده نفر و همراهانشان دور هم جمع شدند،³⁴ و گفتند: سرور در حقیقت برخاسته

سمت روستایی به نام عمواس می‌رفتند که به اندازه پرتاب شش تیر از اورشلیم فاصله داشت.¹⁴ و آنها با یکدیگر درباره همه اتفاقات رخ داده صحبت کردند.¹⁵ و این گونه شد که وقتی با یکدیگر صحبت می‌کردند و سوال می‌پرسیدند، عیسی نزدیک شد و با آنها رفت.¹⁶ اما جلوی چشمان آنها گرفته شد و او را تشخیص ندادند.¹⁷ و عیسی به آنها گفت: چه حرف‌هایی در راه با یکدیگر می‌زنید؟ و آنها بی‌حرکت ایستادند و غمگین به نظر می‌رسیدند.¹⁸ و یکی از آنها به نام کلیوپاس در پاسخ به او گفت: آیا در اورشلیم در انزوا زندگی می‌کنی و نمی‌دانی این اواخر چه اتفاقاتی رخ داده است؟¹⁹ و او به آنها گفت: چه اتفاقاتی؟ و آنها مسائل مربوط به عیسی ناصری را برای او تعریف کردند که او پیامبری بود و در اعمال و کلام نزد خدا و همه مردم قادر بود؛²⁰ و این که چگونه کاهنان اعظم و حاکمان ما او را برای محکومیت به مرگ تسلیم کردند و به صلیب کشیدند.²¹ اما ما امید داشتیم که او است که باید اسرائیل را نجات دهد. علاوه بر همه این‌ها، امروز سومین روز پس از همه این وقایع است.²² همچنین، برخی زنان همراه ما، را شگفت‌زده کردند و صبح زود سر قبر بودند.²³ و وقتی جسدش را پیدا نکردند، آمدند و گفتند که در رؤیا

24:31 خدا فهم ما را می‌گشاید و می‌بندد. باید نسبت به کسانی که چشمانشان هنوز بسته است صبور باشیم. زمانی بود که ما هم این را درک نمی‌کردیم.

که همه چیزهایی که در تورات موسی و انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده باید محقق شود.⁴⁵ سپس ذهنشان را باز کرد تا بتوانند کتب مقدس را درک کنند.⁴⁶ و عیسی به آنها گفت: از این رو این گونه نوشته شده که مسیح باید رنج بکشد کشته شود، و در روز سوم از میان مردگان برخیزد،⁴⁷ و توبه و آمرزش گناهان باید به نام او به تمام ملت‌ها موعظه گردد، و این کار از اورشلیم شروع شود.⁴⁸ شما شاهد این‌ها هستید.⁴⁹ و من شما را به آن چه پدرم وعده داده می‌فرستم، اما شما در اورشلیم بمانید تا زمانی که به قدرت حضرت اعلی آراسته شوید⁵⁰ و او آنها را تا بیت عنیا برد و دستانش را بالا برد و آنها را برکت داد.⁵¹ و این گونه شد که در حالی که آنها را برکت می‌داد، از آنها جدا شد و به آسمان برده شد.⁵² و آنها به او ادای احترام کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند،⁵³ و پیوسته در معبد بودند و خدا را می‌ستودند.

و بر شمعون ظاهر گشته!³⁵ و آنها اتفاقات رخ داده در جاده را تعریف کردند و این که چگونه با تکه تکه کردن نان، او را شناختند.³⁶ و وقتی این‌ها را گفتند، در میان آنها ایستاد و به آنها گفت: سلام بر شما!³⁷ اما آنها وحشت کردند و ترسیدند و فکر کردند که روحی دیده‌اند.³⁸ و او به آنها گفت: آیا آشفته شدید؟ چرا شک در دلهایتان راه می‌دهید؟³⁹ دستان و پاهای من را ببینید. خودم هستم. به من دست بزنید و ببینید! زیرا روح، گوشت و استخوان ندارد، ولی من دارم.⁴⁰ و وقتی این را گفت، دستان و پاهایش را به آنها نشان داد.⁴¹ و در حالی که آنها از شادی و حیرت هنوز باور نمی‌کردند، او گفت: آیا اینجا چیزی برای خوردن دارید؟⁴² و آنها یک تک ماهی پخته را به او دادند.⁴³ و او آن را گرفت و جلوی آنها خورد.⁴⁴ و عیسی به آنها گفت: این‌ها کلام من هستند که وقتی هنوز با شما بودم برایتان بازگو کرده بودم،

24:35 از تکه تکه کردن نان- شاید این بدان معنی است که زبان بدن عیسی هنگام تکه کردن نان پس از رستخیزش عین همان زمانی بود که در زندگی، قبل از رستخیز انجام داده بود. رستخیز و به دست آوردن ماهیت الهی، ما را به گونه‌ای تغییر نخواهد داد که غیرقابل شناسایی باشیم؛ ما یکدیگر را خواهیم شناخت. ما شخصاً از طریق رستخیز نجات خواهیم یافت؛ آنچه مرده، دوباره احیا و فناناپذیر خواهد شد.

24:39 اشباح و ارواح فناناپذیر در واقعیت وجود خارجی ندارند. اما عیسی بر اساس درک غلط آنها با ایشان بحث کرد، تا آنها را به این باور حیاتی برساند که او زنده است.

یوحنا

باب 1

پیش‌درآمد: کلمه، جسم می‌شود
در ابتدا کلمه [لوگوس] بود، و کلمه نزد خدا بود و کلمه، خود خدا بود.²
این در ابتدا نزد خدا وجود داشت.³

همه مخلوقات به خاطر آن به وجود آمدند؛ و بدون آن هیچ مخلوقی به وجود نیامد.⁴ در آن زندگی بود و آن زندگی نور انسان‌ها بود.⁵ نور در تاریکی می‌درخشید، اما تاریکی نمی‌تواند آن را دریابد.

1:1 «کلام» نمی‌تواند به طور مستقیم به یک فرد ارجاع داده شود، زیرا یک فرد نمی‌تواند هم‌زمان «با خدا» و خود خدا باشد. کلمه یونانی «logos» که در اینجا «کلمه» ترجمه می‌شود، به خودی خود به معنی «عیسی» نیست. این کلمه غالباً «کلام» ترجمه می‌شود، اما در معانی زیر نیز به کار می‌رود:-

• حساب	• موعظه
• علت	• دلیل
• محاوره	• حکایت
• اعتقاد	• خبر
• قصد	

«Logos» به معنای دقیق خود یعنی افکار درونی که در قالب کلمات بیان می‌شوند. خدا در آغاز «logos» داشت. این هدف منفرد در مسیح متمرکز شد. مسیح به خودی خود «کلام» نبود، بلکه برنامه نجات به واسطه مسیح «کلام» بود. «logos» («کلام») اغلب برای بشارت‌های مرتبط با مسیح استفاده می‌شود - مثلاً «کلام عیسی» (کولسیان 3:16)؛ متی 13:19؛ یوحنا 5:24؛ اعمال 19:10؛ 1 تسالونیکیان 1:8). توجه داشته باشید که «logos» در مورد عیسی به عنوان مسیح است، نه خود او. وقتی عیسی متولد شد، این «کلام» در قالب گوشت و خون درآمد - «و کلام انسان شد» (یوحنا 1:14). عیسی شخصاً «کلام انسان شده» بود نه «کلام»؛ او پس از ولادت از مریم مبدل به «کلام» شد، نه هیچ وقت قبل از آن.

برنامه، یا پیام در مورد عیسی در ابتدا نزد خدا بود، اما آشکارا در شخصیت عیسی و موعظه انجیل در مورد او در قرن اول آشکار شد. بنابراین، خدا کلام خود را از طریق عیسی به ما رساند (عبرانیان 1:1، 2)؛ او بدین وسیله پیشگویی‌ها در مورد خود را محقق ساخت، «دهان خود را به مثل‌ها خواهم گشود؛ و آنچه از آغاز جهان مخفی مانده است را بیان خواهم کرد» (متی 13:35). در این معنا، «کلام در ابتدا نزد خدا بود» تا در تولد عیسی «انسانی شود».

«کلام از آن خدا بود»

برنامه‌ها و افکار ما اساساً متعلق به ما هستند. «هرکه هرچه در دل دارد، همان است» (امثال 23:7)، و خدا آنچه فکر می‌کند، همان است. بنابراین کلام یا فکر خدا از آن خدا است: «کلام خدا بود». به این دلیل، تشابهاتی مانند مزامیر 29:8 فراوان هستند: «آوای خداوند بیابان را می‌لرزاند؛ خداوند بیابان را می‌لرزاند.» به این دلیل، در مورد کلام خدا

او، شکوه تنها کسی بودیم که از پدر متولد شد).

¹⁵ یحیی بر او شهادت می‌دهد و فریادزنان می‌گویند: این همان کسی است که از او سخن گفتم: کسی که بعد از من می‌آید و بالا مرتبه‌تر از من است! زیرا او از من برتر بود.

¹⁶ از سرشار بودن او، همه ما پیوسته فضیلت دریافت کردیم.

¹⁷ چرا که شریعت از طریق موسی عطا شد، اما فضیلت و حقیقت از طریق عیسی مسیح آمد. ¹⁸ هیچ کس خدا را هیچ وقت ندیده است؛ تنها پسر متولد شده‌ای که در آغوش پدر است، او را شناسانیده است.

خدمت یحیی

¹⁹ و این شهادت یحیی است، وقتی یهودیان، روحانیون و لایوان را از اورشلیم فرستادند تا از او بپرسند: تو کیستی؟ ²⁰ او اعتراف کرد، انکار

⁶ مرد خدا فرستاده شد. اسم او یحیی بود. ⁷ این مرد آمد تا شهادتی برای شهادت دادن به نور باشد، تا همه به نور ایمان بیاورند. ⁸ یحیی نور نبود، بلکه فرستاده شد تا شاید درباره نور شهادت دهد. ⁹ نور حقیقی که با آمدن به این جهان همه انسان‌ها را روشن می‌کند.

¹⁰ او در دنیا بود، و با این که دنیا به خاطر او آفریده شده بود، دنیا او را نشناخت. ¹¹ او نزد قوم خود رفت و قوم خودش نیز او را رد کردند. ¹² اما هر کسی که او را قبول کند، کسانی که به اسم او ایمان دارند، او به آنها این حق را داد تا فرزندان خدا شوند. ¹³ این‌ها نه از خون، و نه به خواست جسم، و نه به خواست انسان، بلکه از خدا به دنیا آمدند. ¹⁴ به همین دلیل، کلمه تبدیل به جسم شد، و در میان ما و مملو از فیض و حقیقت ساکن شد (و ما شاهد شکوه

به گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی خود خدا است. بنابراین، در مورد کلام به ما گفته شده، «همه چیز به واسطه او پدید آمد» (یوحنا 1:3). با این حال، «خدا خلق کرد» همه چیز را با دستور خود (پیدایش 1:1). از باب 1 کتاب پیدایش پیدا است که خدا خالق بود، از طریق کلام خدا و نه شخص عیسی. این کلام است که سازنده همه چیز خوانده می‌شود، نه شخص عیسی (یوحنا 1:3-1). «به کلام خداوند آسمان‌ها ساخته شد؛ و همه لشکر آنها (یعنی ستاره‌ها) به دم دهان او ... او گفت و شد» (مزمیر 33:6,9).

کلام خدا قدرت آفرینش او است و او آن را در کاشتن نطفه عیسی در رحم مریم به کار گرفت. کلام، برنامه خدا که با روح‌القدس به عمل درآمده (لوقا 1:35)، باعث بسته شدن نطفه عیسی شد. مریم در پاسخ به خبر آبستنی قریب‌الوقوع با عیسی این گونه می‌گوید: «باشد که کلام تو واقع شود» (لوقا، 1:38). وقتی عیسی متولد شد، تمام کلام/ روح خدا در شخص عیسی مسیح بیان گردید. «در آغاز کلام بود» شاید اظهارنظری است در مورد این مفهوم یهودی که تورات (پنج کتاب موسی) پیش از آفرینش وجود داشت. یوحنا، 1:3-1 می‌گوید مهم‌ترین چیزی که باید دریابیم این است که آن کلمات خدا در مورد عیسی پیشگویی شده بود؛ برنامه خدا در مورد او پیش از آفرینش وجود داشت (همچنین لوقا، 1:70).

من را فرستاد تا در آب تعمید دهم به من گفته بود: هر کسی را دیدی که روح بر او نازل شده و قرار گرفته، او همان کسی است که در روح القدس تعمید می‌دهد.³⁴ من شاهد بوده‌ام و شهادت داده‌ام که این پسر خدا است.³⁵ روز بعد، یحیی با دو تن از شاگردانش ایستاده بود.³⁶ و او عیسی را در حالی که قدم می‌زد نگاه کرد و گفت: بنگرید! بره خدا!³⁷ و آن دو شاگرد که صدای او را شنیدند، عیسی را دنبال کردند.³⁸ عیسی برگشت و دید که آن دو او را دنبال می‌کنند و به آنها گفت: دنبال چه می‌گردید؟ آنها پاسخ دادند: ربی (ما) می‌گوییم استاد). کجا اقامت داری؟³⁹ او به آنها گفت: بیاوید و خودتان ببینید. بنابراین، آنها رفتند و محل اقامت او را دیدند؛ و آن روز نزد او ماندند. تقریباً ساعت دهم بود.

فرا خواندن شاگردان

⁴⁰ یکی از آن دو نفر که صدای یحیی را شنید و عیسی را دنبال کرد اندریاس، برادر شمعون پطرس، بود.⁴¹ اولین کاری که کرد این بود که برادرش شمعون را پیدا کند؛ و به او گفت: ما مسیحا (مسیح) یا همان کرایست در انگلیسی را پیدا کردیم.⁴² او را نزد عیسی برد. عیسی به او نگریست و گفت: تو شمعون پسر یونا هستی. تو کیفا (ما) او را پطرس می‌نامیم) نام خواهی گرفت.

⁴³ روز بعد، عیسی تصمیم گرفت به جلیله برود؛ و فیلیپس را پیدا کرد. عیسی به او گفت: من را دنبال

نکرد، بلکه اعتراف کرد: من مسیح نیستم!²¹ و آنها از او پرسیدند: پس کیستی؟ آیا الیاس هستی؟ و او گفت: نیستم. آیا پیامبری؟ و او پاسخ داد: نه.²² آنها از او پرسیدند: تو کیستی؟ به ما پاسخی بده تا به کسانی که ما را فرستادند بگوییم. خودت را چگونه توصیف می‌کنی؟²³ یحیی با کلام اشعای نبی سخن گفت: صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه خداوند را هموار ساز.

²⁴ این روحانیون و لایوان از طرف فریسیان فرستاده شده بودند.²⁵ و آنها دوباره از او پرسیدند: پس اگر نه مسیح هستی، نه الیاس و نه پیامبر، چرا تعمید می‌دهی؟²⁶ یحیی پاسخ داد: من شما را در آب تعمید می‌دهم؛ اما در میان شما کسی ایستاده که نمی‌شناسید.²⁷ کسی که بعد از من می‌آید و لیاقت ندارم بند کفشش را باز کنم.²⁸ این اتفاق در بیت عنیا در آن طرف اردن رخ داد، جایی که یحیی تعمید می‌داد.

²⁹ روز بعد، او عیسی را دید که به سوی او می‌آید و گفت: بنگرید! بره خدا که گناه جهان را از بین می‌برد!³⁰ این همان کسی است که از او سخن گفتم: بعد از من، مردی می‌آید که از من بالاتر است. زیرا او از من برتر بود.³¹ من او را نشناختم، اما او باید بر اسرائیل ظاهر گردد، و به همین دلیل می‌آیم تا او را در آب تعمید دهم.

³² و یحیی شهادت داد و گفت: دیدم که روح به صورت کبوتر از آسمان نازل شد و بر او باقی ماند.³³ من او را نمی‌شناختم، اما آن کسی که

عیسی به او گفت: هیچ شرابی ندارند! ⁴ عیسی به او گفت: ای زن من را با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده است. ⁵ مادرش به خدمتکاران گفت: هر دستوری به شما می‌دهد، همان کنید! ⁶ در آن نزدیکی شش کوزه آب سنگی بود که برای مراسم تطهیر یهودیان بود، و هر کدام 75 تا 115 لیتر گنجایش داشت. ⁷ عیسی به آنها گفت: کوزه‌ها را با آب پر کنید. و آنها را لبریز کردند.

⁸ و عیسی به آنها گفت: حالا کمی از آن را بردارید و نزد صاحب مجلس ببرید. پس آنها آن را برداشتند. ⁹ وقتی صاحب مجلس آبی را چشید که اکنون به شراب تبدیل شده بود و نمی‌دانست از کجا آمده است (اما خدمتکارانی که آب را ریخته بودند می‌دانستند)، داماد را صدا زد، ¹⁰ و به او گفت: همه شراب خوب را اول به مهمانان می‌دهند، و وقتی همه آزادانه نوشیدند، شراب با کیفیت کمتری را می‌دهند. اما تو شراب خوب را تا الآن نگه داشتی!

¹¹ عیسی این کار را که اولین نشانه او بود، در قانای جلیلۀ انجام داد و از طریق آن شکوه خود را آشکار کرد؛ و شاگردانش به او ایمان آوردند.

عیسی معبد را تطهیر می‌کند

¹² بعد از این، او و مادر و برادرش و شاگردانش به کفرناحوم رفتند؛ و چند روزی آنجا ماندند. ¹³ عید فصح یهودیان در آن زمان بود، و عیسی

کن. ⁴⁴ فیلیپس اهل بیت صیدا بود، شهر آندریاس و پطرس. ⁴⁵ فیلیپس نتنائیل را پیدا کرد و به او گفت: ما آن کسی را که موسی در شریعت و انبیا درباره او نوشته‌اند پیدا کردیم! عیسی ناصری، پسر یوسف. ⁴⁶ و نتنائیل به او گفت: آیا ممکن است هیچ چیز خوبی از ناصره بیرون بیاید؟ فیلیپس به او گفت: بیا و ببین. ⁴⁷ عیسی دید که نتنائیل به سوی او می‌آید و به او گفت: بنگرید، یک اسرائیلی واقعی که در او حیلۀای نیست! ⁴⁸ نتنائیل به او گفت: از کجا من را می‌شناسی؟ عیسی پاسخ داد: قبل از اینکه فیلیپس تو را فرا بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی، من تو را دیدم. ⁴⁹ نتنائیل به او پاسخ داد: ربی، تو پسر خدا هستی. تو پادشاه اسرائیل هستی. ⁵⁰ عیسی در پاسخ گفت: به خاطر این ایمان آوردی که به تو گفتم: تو را زیر درخت انجیر دیدم؟ بهتر از این‌ها را خواهی دید! ⁵¹ و عیسی به او گفت: به راستی و حقیقتاً به شما می‌گویم. خواهید دید که آسمان گشوده خواهد شد، و فرشتگان خدا بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند.

باب 2

عیسی آب را به شراب تبدیل می‌کند

روز سوم، مراسم ازدواجی در قانای جلیلۀ برپا شده بود. مادر عیسی آنجا بود؛ ² عیسی و شاگردانش نیز به این مراسم دعوت شده بودند. ³ وقتی شرابشان تمام شد، مادر

عید، بسیاری وقتی نشانه‌های او را می‌دیدند به نام او ایمان آوردند. ²⁴ اما عیسی خود را به آنها واگذار نکرد، زیرا او بشر را درک می‌کرد، ²⁵ و او به هیچ شهادتی از سوی هیچ انسانی درباره خود نیاز نداشت. زیرا می‌فهمید که درون انسان چیست.

باب 3

عیسی و نیکودیموس

مردی از فریسیان به نام نیکودیموس بود که یکی از حاکمان یهودیان بود. ² همان شخص شبانه آمد و به او گفت: استاد، می‌دانیم که تو استادی هستی از جانب خدا. زیرا هیچ کس نمی‌تواند کارهایی را بکند که تو انجام می‌دهی، مگر این که خدا با او باشد. ³ عیسی در پاسخ به او گفت: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: تا کسی از نو متولد نشود، نمی‌تواند ملکوت خدا را ببیند. ⁴ نیکودیموس به او گفت: انسانی که پیر است چگونه می‌تواند متولد شود؟ آیا برای بار دوم وارد رحم مادرش می‌شود و متولد می‌گردد؟ ⁵ عیسی پاسخ داد: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: تا کسی از آب و روح متولد نشود، نمی‌تواند وارد ملکوت خداوند گردد. ⁶ آنچه از جسم

به اورشلیم رفت. ¹⁴ و کسانی را در معبد یافت که گاو و گوسفند و کبوتر می‌فروختند، و صرافان نیز پشت میزهایشان نشسته بودند. ¹⁵ تازیانه‌ای از ریسمان ساخت و همه آنها را با گاوها و گوسفندان از معبد بیرون کرد؛ و سکه‌های صرافان را ریخت و میزهایشان را برگرداند. ¹⁶ به کبوترفروشان گفت: این‌ها را بیرون ببرید! خانه پدرم را تبدیل به بازار نکنید. ¹⁷ شاگردانش به خاطر آوردند که نوشته شده بود: غیرتی که نسبت به خانه‌ات دارم من را فرا خواهد گرفت. ¹⁸ بنابراین، یهودیان در پاسخ به او گفتند: چه نشانه‌ای به ما نشان خواهی داد که این کارها را می‌کنی؟ ¹⁹ عیسی در پاسخ به آنها گفت: این معبد را نابود کنید و ظرف سه روز آن را دوباره برپا خواهم کرد. ²⁰ یهودیان پاسخ دادند: ساخت این معبد چهل و شش سال طول کشید و تو آن را ظرف سه روز برپا خواهی کرد؟ ²¹ اما او از معبد بدنش سخن می‌گفت. ²² وقتی از میان مُردگان برخاست، شاگردانش به خاطر آوردند که او این را گفته بود، و به کتاب مقدس و کلامی که عیسی گفته بود ایمان آوردند. ²³ اکنون وقتی عیسی در عید فصح در اورشلیم بود، در طول

2:25 می‌دانست. عیسی می‌دانست که انسان‌های متلون چگونه هستند و چقدر زود

تغییر می‌کنند. درک او از انسانیت به این دلیل است که او خود انسان بود.

3:5 در اینجا اهمیت تعمید با آب را می‌بینیم. اما این به خودی خود کافی نیست - ما باید با اعمال کلام خدا در درونمان از نظر معنوی بار دیگر متولد شویم (1 پطرس 1:23)، اگر قرار است با بازگشت عیسی وارد ملکوت خدا شویم. **بنابراین، تعمید بسیار مهم است.** اگر می‌خواهید تعمید داده شوید، با ناشرین تماس بگیرید.

که موسی مار را در بیابان بلند کرد، پسر انسان نیز باید همین گونه بلند شود؛¹⁵ تا هر که به او باور دارد در او زندگی جاودانه‌ای داشته باشد.

¹⁶ زیرا خدا آنقدر دنیا را دوست داشت که تنها پسر متولد شده‌اش را عطا کرد تا هر که به او ایمان بیاورد از بین نرود، بلکه زندگی جاودانه داشته باشد.¹⁷ زیرا خدا پسرش را به این جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه جهان باید از طریق او نجات یابد.

¹⁸ هر کسی که به او ایمان داشته باشد محکوم نخواهد شد. هر کسی که ایمان نداشته باشد، همین حالا هم محکوم شده زیرا به نام تنها پسر متولد شده خدا ایمان نیاورده است.¹⁹ و این دلیل محکومیت است که نور به جهان آمده و انسان‌ها تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند- زیرا کارهایشان پلید بود.²⁰ زیرا هر که کار پلید کند، از نور بیزار است و وارد نور نمی‌شود تا مبادا کارهایش سرزنش نشوند.²¹ اما هر کسی که کار حق را انجام دهد، وارد نور

متولد می‌شود جسم است، و آنچه از روح متولد می‌شود روح است.⁷ از چیزی که گفتم تعجب نکن: باید از نو متولد شوی.⁸ باد هر جا اراده کند می‌وزد، و تو صدایش را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. هر کسی که از روح متولد می‌شود نیز چنین است.

⁹ نیکودیموس در پاسخ به او گفت: این‌ها چطور ممکن هستند؟¹⁰ عیسی در پاسخ به او گفت: آیا استاد قوم اسرائیل هستی و هنوز این چیزها را درک نمی‌کنی؟¹¹ به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: ما از چیزی سخن می‌گوییم که می‌دانیم و بر چیزی شهادت می‌دهیم که دیده‌ایم؛ و شما شهادت ما را نمی‌پذیرید.¹² حال که از امور دنیوی حرف می‌زنم و تو باور نداری، اگر از امور آسمانی حرف بزنم، چگونه باور خواهی کرد؟

¹³ هیچ کس به آسمان صعود نکرده است به غیر از آن کسی که از آسمان نازل شده است، پسر انسان که در آسمان است.¹⁴ همان طور

3:13 «بالا» و «فرود» اینجا کاربرد تحت‌اللفظی ندارند. در انجیل عیسی از این واژه‌ها به صورت نمادین استفاده شده است. عیسی درون رحم مادرش، مریم، «قرار داده شد» - او «آغاز شد». او یا از میان ابرهای آسمان به زمین آمد - یا آن گونه که می‌گوییم به زمین «فرود آمد» - به این معنا که او روی زمین متولد شد.

3:14 مار نماد گناه بود. با این حال، نماد عیسی نیز هست. عیسی، روی صلیب، بسیار با مردم گنهکار همراهی می‌کرد، اگرچه هرگز گناه نکرده بود. او با ما گنهکاران «یکی» است، دوست گنهکاران که از گناه روی بر نمی‌گرداند، بلکه برای پاک کردن گناه، آن را لمس کرده و با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کند.

3:15 در او- یونانی «به درون او». ما با ایمان آوردن و تعمید یافتن در عیسی، به عیسی باور پیدا می‌کنیم.

3:21 اگر احساس گناهکاری می‌کنیم، نباید غمگین شویم. این نتیجه بودن در نور است.

زمین است، زمینی است و از زمین سخن می‌گوید. آن کسی از آسمان است، از همه بالاتر است.³² و به آنچه دیده و شنیده شهادت می‌دهد؛ و هیچ کس شهادت او را نمی‌پذیرد.³³ هر کسی که شهادت او را می‌پذیرد، تصدیق کرده که خدا حقیقت دارد.³⁴ زیرا آن کسی که خدا فرستاده، کلام خدا را به زبان می‌آورد؛ زیرا خدا روح را با پیمان و اندازه‌گیری به او نمی‌دهد.³⁵ پدر، پسر را دوست دارد و همه چیز را به دستان او سپرده است.³⁶ هر کسی که به پسر ایمان بیاورد، زندگی جاودانه دارد؛ اما آن کسی که از پسر اطاعت نکند، زندگی را نخواهد دید، بلکه خشم خداوند بر او باقی خواهد ماند.

باب 4

عیسی باعث ایمان آوردن یک

زن سامری می‌شود

بنابراین، وقتی سرور فهمید که فریسیان شنیده‌اند که عیسی بیشتر از یحیی شاگرد پیدا کرده و تعمید می‌دهد² (با این که خود عیسی کسی را غیر از شاگردانش تعمید نداد)،³ یهودیه را ترک کرد و دوباره به جلیل رفت.⁴ لازم بود تا از سامره نیز عبور کند.⁵ بنابراین، به شهری از سامره به نام سوخار، نزدیک زمینی که یعقوب به پسرش یوسف داده بود، رسید.⁶ چاه یعقوب نیز آنجا بود. عیسی که در طول سفرش

می‌شود تا آشکار شود که کارهایش در خدا انجام شده است.

هیروдіس و یحییای تعمید دهنده

²² بعد از این اتفاقات، عیسی و شاگردانش به سرزمین یهودیه رفتند؛ و او با آنها آنجا ماند و تعمید داد.²³ و یحیی نیز در عینون نزدیک سالیم تعمید می‌داد، زیرا آنجا آب زیادی وجود داشت و مردم می‌آمدند تا تعمید بگیرند.²⁴ زیرا یحیی هنوز به زندان نیفتاده بود.

²⁵ آن گاه اختلافی بین شاگردان یحیی و یهودیان درباره تطهیر پیش آمد.²⁶ و آنها نزد یحیی آمدند و به او گفتند: استاد، آن کسی که در آن طرف اردن با تو بود و بر او شهادت دادی، اکنون تعمید می‌دهد و همه مردم نزد او می‌روند.²⁷ یحیی در پاسخ گفت: انسان نمی‌تواند چیزی دریافت کند مگر آن که از آسمان به او اعطا شده باشد.²⁸ خود شما می‌توانید شهادت بدهید که من گفتم: من مسیح نیستم، اما قبل از او فرستاده شدم.²⁹ آن کسی که عروس دارد، داماد است؛ اما دوست داماد که در کنار او ایستاده و صدای او را می‌شنود، از صدای داماد بسیار خوشحال می‌شود. شادی من هم این گونه کامل شده است.³⁰ او باید پیشرفت کند اما من باید عقب بروم.³¹ آن کسی که از بالا می‌آید از همه بالاتر است. آن کسی که از

3:23 تعمید یعنی فرو رفتن در آب، و نه آب پاشیدن - پس به «آب فراوان» نیاز است.

4:6 نیاز عیسی به نوشیدن آب و خسته شدن و استراحت خواستن، همه نشان انسان بودن او است. او خود خدا نبود.

خواهد جوشید.¹⁵ زن به او گفت: آقا، این آب را به من بده تا دیگر هرگز تشنه نشوم و این همه راه برای آب برداشتن اینجا نیایم.

¹⁶ عیسی به او گفت: برو و شوهرت را صدا بزن و برگرد اینجا.¹⁷ زن در پاسخ به او گفت: هیچ شوهری ندارم. عیسی به او گفت: چه خوب گفتی که شوهر نداری،¹⁸ زیرا تو پنج شوهر داشتی؛ و آن کسی که اکنون با او هستی شوهر تو نیست. این را صادقانه گفتی.¹⁹ آن زن به او گفت: آقا، دریافتم که تو پیامبر هستی.²⁰

پدران ما در این کوه عبادت کردند، و تو می‌گویی که اورشلیم جایی است که مردم باید عبادت کنند.²¹ عیسی به او گفت: زن، به من ایمان بیاور، ساعتی فرا می‌رسد که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدرت را عبادت نخواهی کرد.²² شما آن چیزی را که نمی‌شناسید عبادت می‌کنید. ما چیزی را که می‌شناسیم عبادت می‌کنیم. زیرا رهایی از جانب یهودیان است.²³ اما ساعت فرا می‌رسد و اکنون شروع شده، که عابدان حقیقی پدر را در روح و حقیقت عبادت خواهند کرد؛ زیرا این عابدان کسانی هستند که پدر به دنبال آنها است.²⁴ خدا روح است، و کسانی که او را پرستش می‌کنند

خسته شده بود، خسته در کنار چاه نشست. حدود ساعت ششم بود.⁷ زنی از سامره نزدیک آب آمد و عیسی به او گفت: کمی آب به من بده.

⁸ شاگردانش برای خرید غذا به شهر رفته بودند.⁹ زن سامری به او پاسخ داد: چگونه است که تو، که یهودی هستی، از من که یک زن سامری هستم آب می‌خواهی؟ (زیرا یهودیان هیچ داد و ستدی با سامریان نمی‌کنند).¹⁰ سپس عیسی به او پاسخ داد و گفت: اگر از هدیه خدا باخبر بودی و می‌دانستی که چه کسی به تو گفت: کمی آب به من بده، از او آب می‌خواستی و او نیز آب زنده به تو می‌داد.¹¹ زن به او گفت: آقا، چیزی نداری که با آن آب را بیرون بکشی و چاه نیز عمیق است. پس از کجا آن آب زنده را داری؟¹² آیا از پدر ما یعقوب والاتری که به ما چاه را داد و خودش از آن می‌نوشید، همان طور که پسرانش و گله‌اش از آن می‌نوشیدند؟¹³ عیسی به او پاسخ داد و گفت: هر کسی که از این آب بنوشد دوباره تشنه خواهد شد،¹⁴ اما هر کسی که از آبی بنوشد که من به او می‌دهم، هرگز تشنه نخواهد شد. آبی که من به او می‌دهم، در او به چاه آب تبدیل خواهد شد و تا زندگی جاودانه

4:14 اگر واقعاً ایمان داشته باشیم، تبدیل به چاهی آب برای زندگی دیگران می‌شویم. ما می‌توانیم منبع زندگی جاودان برای مردم باشیم - چون منبع تماس آنها با عیسی هستیم. این بدین معنا است که ما باید مستقیم و بلاواسطه شاهد مردم باشیم، بدانیم که می‌توانیم به مردم یک زندگی جاودان بدهیم، که در غیر این صورت به آن نخواهند رسید.

4:22 مردم می‌توانند از طریق روح و روان پرستش کنند - اما این پرستش واقعی نیست.

4:24 خدا روح است، به این معنا که با روحش برابر است. خدا خود یک وجود فردی است، نه یک «روح» انتزاعی که دور می‌گردد. خدا یک آتش سوزنده «است»؛ او از

یکدیگر پرسیدند: آیا کسی برای او چیزی برای خوردن آورده؟³⁴ عیسی به آنها گفت: غذای من اجرای اراده فرستنده من و انجام کار او است.

³⁵ آیا شما نمی‌گویید: چهار ماه دیگر زمان برداشت فرا می‌رسد؟ بنگرید، به شما می‌گویم، به مزرعه‌ها نگاه کنید که سفید شده‌اند و آماده برداشت هستند.³⁶ هر کسی که درو کند، اجر می‌گیرد، و برای زندگی جاودانه میوه جمع می‌کند؛ تا آن کسی که بذر می‌کارد و آن کسی که درو می‌کند با هم خوشحال شوند.³⁷ زیرا اینجا این کلام درست است: کسی می‌کارد و دیگری درو می‌کند.³⁸ من شما را فرستادم تا چیزی را برداشت کنید که برای آن زحمتی نکشیده‌اید؛ دیگران زحمت کشیده‌اند و شما زحمت آنها را از آن خود می‌کنید.

³⁹ و بسیاری از سامریان از آن شهر به خاطر کلام آن زن به او ایمان آوردند، که شهادت داده بود: او

باید در روح و حقیقت پرستش کنند.²⁵ زن به او گفت: می‌دانم که مسیح می‌آید (همان کسی که مسیح یا کرایست نام دارد). وقتی می‌آید، همه چیز را برای ما اعلام خواهد کرد.²⁶ عیسی به او گفت: من که با تو سخن می‌گویم همان او هستم.

²⁷ و در این صحنه، شاگردانش آمدند و تعجب کردند که او با یک زن صحبت می‌کرد. اما هیچ کس نگفت: دنبال چه می‌گردی؟ یا، چرا با این زن صحبت می‌کنی؟²⁸ پس زن کوزه آبش را رها کرد و به شهر رفت، و به مردم گفت:²⁹ بیایید و مردی را ببینید که همه کارهایی را که تا به حال کرده‌ام به من گفت. آیا ممکن است این مسیح باشد؟³⁰ آنها از شهر خارج شدند و نزد او رفتند.

³¹ در این میان، شاگردان از او خواهش کردند و گفتند: استاد، بخور.³² اما او به آنها گفت: من غذایی برای خوردن دارم که شما از آن بی‌خبر هستید.³³ شاگردان از

طریق آتش داوریش آشکار می‌شود، اما این بدین معنا نیست که خدا با آتش برابر است و آتش با خدا. در مورد او به عنوان روح نیز همین گونه است.

4:27 رهبران مذهب یهودی با زنان یا سامری‌ها صحبت نمی‌کردند؛ همچنین انجیل را به زنان نمی‌آموختند و با زنی تنها نمی‌شدند. عیسی هیچ نگرانی در مورد شایعات یا «تصویر» خود نداشت - او قصد داشت به حاشیه رانده‌شدگان و مورد غضب‌ها برسد.
4:29 طبیعی است که از تجربیاتمان با عیسی به سایرین بگوییم. انجیل سرشار از این موارد است.

4:32 داشتن یک مکالمه غیر قابل انتظار و جذاب در مورد خداوند با کسی، خستگی و مشکلات دنیوی را از یاد ما می‌برد. موعظه برای برکت و منفعت خود ما نیز هست.

4:39 هر آنچه - تمام گناهانش. او با پذیرش گناهکاریش، می‌توانست به نحوی غیر تهدیدآمیز شاهد مردم باشد. برخی به واسطه کلام موعظه‌گر به عیسی ایمان می‌آوردند و برخی مستقیماً (آیه 42). بنابراین، در مواردی، این توانایی را داریم که مردم را به سمت عیسی بیاوریم؛ اگر نقش خود را ایفا نکنیم، آنها نجات نمی‌یابند. در این معنا، پولس می‌تواند برای مردم بنویسد و ادعا کند که آنها رستگاریشان را به وی مدیون هستند.

آن که نشانه‌ها و شگفتی‌ها را ببینی.
⁴⁹ آن نجیب‌زاده به او گفت: آقا، قبل از مرگ پسر من بیا. ⁵⁰ عیسی به او گفت: برو. پسر زنده است. مرد کلام عیسی را باور کرد و رفت. ⁵¹ و وقتی به خانه برمی‌گشت، خادمانش او را دیدند و گفتند که پسرش زنده است. ⁵² پس از آنها پرسید چه ساعتی شروع به بهبودی کرد. آنها به او گفتند: دیروز در ساعت هفتم، تب او قطع شد. ⁵³ پدر می‌دانست که آن ساعت، زمانی بود که عیسی به او گفت: پسر زنده است. پس او و خانواده‌اش نیز ایمان آوردند.
⁵⁴ این دومین معجزه عیسی بود وقتی از یهودیه به جلیله رفت.

باب 5

عیسی مرد افلیج را شفا می‌دهد

بعد از این اتفاقات، جشن یهودیان بود و عیسی به اورشلیم رفت. ² در اورشلیم کنار دروازه گوسفند، حوضی بود که در عبری بیت حسدا نام دارد و دارای پنج رواق است. ³ در رواق‌ها، کسانی که بیمار، کور، شل، و مفلوج بودند دراز می‌کشیدند و منتظر حرکت آب می‌ماندند. ⁴ زیرا یکی از فرشتگان خداوند در فصل‌هایی خاص به سوی حوض نازل می‌شد و آب را به حرکت

همه کارهایی را که تا به حال کرده‌ام به من گفت. ⁴⁰ پس وقتی سامریان نزد او آمدند، از او خواهش کردند که با آنها بماند و او دو روز آنجا ماند. ⁴¹ و بسیاری از مردم به خاطر کلام او به او ایمان آوردند. ⁴² و آنها به آن زن گفتند: اکنون باور داریم، نه به خاطر حرف تو؛ زیرا ما خودمان شنیده‌ایم و می‌دانیم که در حقیقت این ناجی جهان است.

پازگشت عیسی به جلیله

⁴³ بعد از دو روز، عیسی آنجا را به قصد جلیله ترک کرد. ⁴⁴ خود عیسی شهادت داده بود که یک پیامبر در شهر خودش احترامی ندارد. ⁴⁵ بنابراین، وقتی وارد جلیله شد، جلیلیان که همه کارهای او را در اورشلیم در عید دیده بودند، او را پذیرفتند. زیرا آنها نیز به جشن عید رفته بودند.

⁴⁶ او دوباره به قانای جلیله آمد؛ جایی که از آب، شراب ساخته بود. و نجیب‌زاده‌ای آنجا بود که پسرش در کفرناحوم بیمار بود. ⁴⁷ وقتی او شنید که عیسی از یهودیه به جلیله آمده است، نزد او رفت و خواهش کرد که به کفرناحوم بیاید و پسرش را شفا دهد. زیرا پسرش در شرف مرگ بود. ⁴⁸ عیسی به او پاسخ داد: به هیچ وجه ایمان نخواهی آورد مگر

4:53 ایمان آوردند. اما قبلاً گفته شد که او به کلام عیسی «ایمان آورده»، در آیه 50.

گرایش و ایمان سطوحی مختلف دارند.

5:2 هست. اورشلیم در سال 70 پس از میلاد نابود شد. زمان حال نشان می‌دهد که انجیل یوحنا پیش از سال 70 نوشته شده - نه قرن‌ها پس از آن حادثه، آن طور که منتقدان انجیل به اشتباه مدعی شده‌اند.

گفت: بسترت را بردار و راه برو؟¹³ اما مردی که شفا یافت نمی‌دانست او که بود، زیرا عیسی در حالی که جمعیتی آنجا بود، از آنجا رفته بود.¹⁴ بعداً، عیسی او را در معبد یافت و به او گفت: بنگر، سالم شده‌ای. دیگر گناه نکن تا مبادا بالای بدتری سرت بپاید.¹⁵ آن مرد رفت و به یهودیان گفت که عیسی بود که او را سالم گردانیده بود.

نظر عیسی درباره رابطه‌اش با خدا

¹⁶ و به همین دلیل، یهودیان عیسی را اذیت کردند، زیرا این کارها را در روز سبت انجام داد.¹⁷ اما عیسی به آنها پاسخ داد: پدرم تا الآن کار می‌کند و بنابراین من هم کار می‌کنم.¹⁸ به همین دلیل، یهودیان بیشتر در صدد کشتن او برآمدند زیرا او نه تنها قانون سبت را نقض کرده بود، بلکه خدا را پدر خویش خوانده بود و خود را مثل خدا جلوه داده بود.¹⁹ بنابراین، عیسی در پاسخ به

درمی‌آورد. اولین نفری که بعد از به حرکت درآمدن آب وارد حوض می‌شد، از هر بیماری که داشت شفا می‌یافت.⁵ مردی آنجا بود که سی و هشت سال بیمار بود.⁶ وقتی عیسی دید که او آنجا خوابیده، با علم به این که مدت‌ها پیش آنجا بوده، به او گفت: می‌خواهی سالم شوی؟⁷ مرد بیمار پاسخ داد: آقا، کسی را ندارم که وقتی آب به حرکت در می‌آید من را داخل حوض بگذارد. وقتی نزدیک می‌شود، شخص دیگری جلوتر از من قدم می‌گذارد.⁸ عیسی به او گفت: برخیز، بسترت را بردار و راه برو.⁹ و فوراً آن مرد سالم گشت و بستر خود را برداشت و راه رفت. آن روز، روز سبت بود.

¹⁰ بنابراین، یهودیان به آن کسی که درمان شده بود گفتند: امروز روز سبت است؛ جایز نیست که بسترت را حمل کنی.¹¹ اما او در پاسخ به آنها گفت: همان کسی که من را سالم کرد به من گفت: بسترت را بردار و راه برو.¹² آنها از او پرسیدند: کیست آن مردی که به تو

5:8 عیسی انتقادی از آن مرد نکرد که به افسانه‌ای در مورد فرشته‌ای که آب را لمس می‌کند، باور داشت. بلکه بر عکس، عیسی مرد را به تمرکز بر حقیقتی ساده فراخواند - خدا تنها از طریق پسرش شفا می‌دهد. ما باید با آنها که برداشت‌های اشتباه داشته و افسانه‌های بی‌اساس را باور می‌کنند، صبور باشیم؛ و به آرامی آنها را به تمرکز بر حقایق ساده انجیل بخوانیم.

5:13 برخی افرادی که توسط عیسی شفا داده شده بودند، ایمانی به عیسی نداشتند - این مرد حتی نام او را نمی‌داند. این نشان می‌دهد قادر به انجام معجزه توسط روح‌القدس بودن یعنی چه - حتی کافران جاهل نیز شفا می‌یابند. این با ادعاهای کاذب بسیاری از «شفادهندگان مؤمن» در کلیساهای مسیحی امروزی در تضاد است؛ آنها ادعا می‌کنند روح‌القدس را دارند اما تنها کسانی را شفا می‌دهند که مؤمن باشند.

من ایمان می‌آورد زندگی جاودانه دارد، و محکوم نمی‌شود بلکه از مرگ عبور کرده و وارد حیات می‌گردد.²⁵ به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: ساعتی فرا می‌رسد و اکنون آغاز شده که مردگان صدای پسر خدا را می‌شنوند؛ و کسانی که می‌شنوند زنده خواهند ماند.²⁶ زیرا همان طور که پدر در خود زندگی دارد، به پسر نیز در خود زندگی بخشیده است.

²⁷ خدا به او قدرت اجرای قضاوت را داده، زیرا او پسر انسان است.²⁸ از این حیرت‌زده نشوید! زیرا ساعتی فرا می‌رسد که همه کسانی که در قبر هستند صدای او را خواهند شنید،²⁹ و بیرون خواهند آمد؛ نیکوکاران برای زندگی و بدکاران برای محکومیت.³⁰ من از خودم نمی‌توانم کاری انجام دهم. هر چه می‌شنوم، قضاوت می‌کنم؛ و قضاوت من عادلانه است، زیرا من

آنها گفت: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: پسر از خود کاری نمی‌تواند انجام دهد مگر کاری که می‌بیند پدر انجام می‌دهد. زیرا هر کاری کند، پسر نیز همین کند.²⁰ زیرا پدر، پسر را دوست دارد و هر کاری را که خودش کند به او نشان می‌دهد؛ و کارهای بزرگتر از این را نیز به او نشان خواهد داد تا شما شگفت‌زده شوید.²¹ زیرا همان طور که پدر مردگان را زنده می‌کند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر کسی که اراده کند زندگی می‌بخشد.²² زیرا پدر کسی را قضاوت نمی‌کند، بلکه او همه قضاوت را به پسر سپرده است،²³ تا همه به پسر احترام بگذارند همان طور که به پدر احترام می‌گذارند. هر کسی که به پسر احترام نگذارد، به پدر که او را فرستاده احترام نگذاشته است.²⁴ و به راستی به شما می‌گویم: آن کسی که کلام من را می‌شنود و به

5:18، 19 عیسی این سوءبرداشت که ادعای برابری با خدا دارد را با بیاناتی پاسخ می‌دهد که یک بار برای همیشه به تمامی پرسش‌ها در مورد برابری عیسی با خدا پایان می‌دهند. او آشکارا بیان می‌کند که هیچ کاری از خودش انجام نمی‌دهد، قدرتش تنها از سوی خدا است نه خودش، و اراده او اراده پدرش نیست (آیه 30).

5:24 بدین ترتیب، ما زندگی جاودانه داریم، از آن جهت که امروز همان نوع زندگی را داریم که در ملکوت خدا خواهیم داشت. ما می‌میریم، ناهشیار خواهیم بود، اما با بازگشت عیسی برخاسته و در برابرش قرار می‌گیریم، و به فیض او تا ابد در ملکوت خدا روی زمین خواهیم زیست.

5:27 چون خداوند عیسی ذات انسانی ما را داشت، بنابراین، صلاحیت دارد که در روز آخر داور ما باشد.

5:29 ما در رستاخیز، با بازگشت عیسی، زندگی جاودان می‌یابیم. فناپذیری ذاتاً درون ما نیست، در قالب نوعی «روح فناپذیر». این باوری انجیلی نیست. رستاخیز در فرآیند رستگاری جایگاهی والا دارد. بنابراین، مهم است که از طریق تعمید خود را با مرگ و رستاخیز عیسی همراه کنیم تا ما نیز بتوانیم رستاخیز یافته و با بازگشت او در زندگی جاودانش شریک شویم.

جاودانه را در آنها دارید؛ و این‌ها درباره من شهادت می‌دهند؛⁴⁰ اما شما نزد من نخواهید آمد تا حیات بیابید.

⁴¹ من از انسان‌ها شکوه نمی‌پذیرم. اما می‌دانم که عشق خدا در دل‌هایتان نیست.⁴³ من به اسم پدرم می‌آیم، و شما من را نمی‌پذیرید. اگر کس دیگری با اسم خودش بیاید، او را قبول خواهید کرد.⁴⁴ چطور ممکن است ایمان بیاورید، ای کسانی که از یکدیگر ستایش می‌پذیرید، اما به دنبال ستایشی نیستید که از جانب خدای یکتا می‌رسد؟⁴⁵ فکر نکنید که در پیشگاه پدر شما را متهم خواهم ساخت. یک نفر هست که شما را متهم می‌کند، موسی که امید خود را بر او نهاده‌اید.⁴⁶ زیرا اگر به موسی اعتقاد داشتید، به من ایمان می‌آوردید. زیرا او درباره من نوشت.⁴⁷ اما اگر نوشته‌های او را باور ندارید، چطور کلام من را باور خواهید کرد؟

باب 6

عیسی به 5000 نفر غذا می‌دهد
بعد از همه این‌ها، عیسی به آن سوی دریای جلیله، یعنی دریای

نه به دنبال خواست خود، بلکه به دنبال خواست فرستنده خود هستم.
³¹ اگر درباره خودم شهادت بدهم، شهادت من راست نیست.³² کس دیگری است که درباره من شهادت می‌دهد؛ و من می‌دانم که شهادتی که او بر من می‌دهد حقیقت است.³³ شما از یحیی تعمید دهنده پرسیدید، و او به راستی شهادت داد.³⁴ این طور نیست که شهادتی که دریافت می‌کنم از جانب انسان باشد؛ بلکه این‌ها را می‌گویم تا شما نجات یابید.³⁵ او چراغی بود که می‌سوزد و می‌درخشد، و شما می‌خواستید مدتی زیر نور او خوشحال باشید.³⁶ اما شاهدهی که من دارم از شاهد یحیی والاتر است. زیرا کارهایی که پدر به من اعطا کرده تا به انجام برسانم، همان کارهایی که انجام می‌دهم، شهادت می‌دهد که پدر من را فرستاده است.³⁷ و پدر که من را فرستاده، درباره من شهادت داده است. شما هیچ وقت نه صدایش را شنیده‌اید و نه شکلش را دیده‌اید.³⁸ و کلام او در شما جایی ندارد، زیرا شما به فرستاده او ایمان ندارید.³⁹ شما در کتب مقدس جستجو می‌کنید، زیرا فکر می‌کنید زندگی

5:37 خدا عیسی را فرستاد. او که می‌فرستد برتر و متفاوت از کسی است که فرستاده می‌شود (یوحنا 13:16). عیسی خدا نیست.

5:39 ممکن است فراوان انجیل بخوانیم، اما واقعاً به عیسی ایمان نیاوریم. مطالعه انجیل اما ایمان نداشتن به کلام زنده/ صدای خدا که در ما زندگی می‌کند (آیه 38). ما باید بیشتر عیسی-محور باشیم تا انجیل-محور.

5:43 عیسی به عنوان پسر خدا، نام پدر را با خود دارد. نام خدا الزاماً یعنی شخصیت و ویژگی‌های او و عیسی آنها را به کمال نشان داده است. اما نباید دچار این سوء برداشت شویم که عیسی خود خدا است، به این دلیل که نام پدر را با خود دارد.

کردند، دوازده سبد را پر از خرده‌های آن پنج تکه نانی کردند که پس از خوردن باقی مانده بود.

¹⁴ وقتی مردم معجزه او را دیدند، گفتند: حقیقتاً این پیامبری است که به این دنیا آمده است! ¹⁵ پس عیسی که فهمید آنها قصد دارند بپایند و به زور او را ببرند تا پادشاهش کنند، دوباره به تنهایی به کوه رفت.

¹⁶ و شب‌هنگام، شاگردانش به سمت دریا پایین رفتند. ¹⁷ و داخل قایقی شدند و به آن طرف دریا به کفرناحوم رفتند. تاریک بود، و عیسی هنوز نزد آنها نیامده بود. ¹⁸ و دریا به خاطر وزش باد، به جوش و خروش افتاده بود. ¹⁹ پس وقتی پنج یا شش کیلومتر پارو زدند، دیدند که عیسی روی دریا راه می‌رود و نزدیک قایق می‌شود؛ و ترسیدند. ²⁰ اما او به آنها گفت: این منم! نترسید. ²¹ سپس می‌خواستند او را داخل قایق ببرند، و بلافاصله قایق به سرزمینی رسید که مقصدشان بود. ²² روز بعد، کسانی که در آن طرف دریا مانده بودند متوجه شدند که فقط یک قایق آنجا بوده و عیسی با شاگردانش داخل قایق نشده، اما شاگردانش تنها رفته بودند. ²³ (برخی از قایق‌ها از طبریه نزدیک محلی رسیدند که مردم در آن بعد از شکرگزاری سرور نان خورده بودند). ²⁴ وقتی جمعیت دید که نه عیسی آنجا است

طبریه رفت. ² و جمعیت زیادی او را دنبال کردند زیرا معجزاتی را دیدند که روی بیماران انجام داده بود. ³ و عیسی بالای کوه رفت و با شاگردانش نشست. ⁴ عید فصح که جشن یهودیان است نزدیک بود. ⁵ بنابراین، عیسی بالا را نگاه کرد و با دیدن جمعیت زیادی که به سوی او می‌آمدند، به فیلیپس گفت: باید از کجا نان بخریم که این‌ها بخورند؟ ⁶ و این را گفت تا او را امتحان کند. زیرا می‌دانست که چه کار کند. ⁷ فیلیپس پاسخ داد: دویست دینار نان برای آنها کافی نیست، حتی اگر هر یک از آنها کمی بخورد. ⁸ یکی از شاگردانش، آندریاس، برادر شمعون پطرس به او گفت: ⁹ پسر بچه‌ای اینجا است که پنج نان جو و دو ماهی دارد؛ اما در میان این همه، این مقدار چه می‌شود؟ ¹⁰ عیسی گفت: مردم را بنشانید. سیزدهزار زیادی در آنجا بود. پس مردم، که حدود پنج هزار نفر بودند، نشستند. ¹¹ بنابراین، عیسی پنج قرص نان جو را برداشت و پس از شکرگزاری، آنها را بین کسانی که نشسته بودند توزیع کرد. به همین شکل، ماهی‌ها را نیز تا جایی که می‌توانستند بخورند توزیع کرد. ¹² و وقتی سیر شدند، به شاگردانش گفت: تکه‌های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی هدر نرود. ¹³ بنابراین، آنها نان‌ها را جمع

6:14 نشانه یا معجزه‌ای که عیسی داشت، گزینه‌ای جز ایمان آوردن برای مردم باقی نگذاشت. معجزاتی که امروزه جنبش عید پنجاهه ادعا می‌کنند، بسیار بحث برانگیز بوده و بنابراین همان تأثیر را ندارند. «شفاهای» آنها نشان هر چیز باشد، گواه این نیست که آنها عطاهایی روح‌القدس را دارند.

کرد تا ببینیم و ایمان بیاوریم؟ چه کاری انجام خواهی داد؟³¹ اجداد ما در بیابان منا را خوردند؛ همان طور که نوشته شده: او به آنها از آسمان نان داد تا بخورند.³² او به آنها پاسخ داد: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: موسی نبود که از آسمان به شما نان داد، بلکه پدرم بود؛ که اکنون نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد.³³ زیرا نان خدا همان است که از آسمان نازل می‌شود و به دنیا حیات می‌بخشد.³⁴ آنها به او پاسخ دادند: سرورم، همیشه به ما این نان را بده.³⁵ عیسی به آنها گفت: من نان زندگی هستم. هر کسی که نزد من بیاید گرسنه نخواهد شد، و هر کسی که به من ایمان بیاورد هرگز تشنه نخواهد شد.³⁶ اما من به شما می‌گویم: که شما من را دیده‌اید و هنوز ایمان نیاورده‌اید.³⁷ هر که پدر به من می‌دهد به سوی من می‌آید، و هر که نزد من بیاید به هیچ وجه او را رد نخواهم کرد.³⁸ زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای اجرای خواست خودم، بلکه برای اجرای خواست آن کسی که من را فرستاده است.³⁹ و

و نه شاگردانش، داخل قایق شدند و به کفرناحوم به دنبال عیسی رفتند.²⁵ و وقتی او را آن طرف دریا پیدا کردند، به او گفتند: استاد، کی اینجا آمدی؟²⁶ عیسی در پاسخ به آنها گفت: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: شما به دنبال من می‌گردید، نه به خاطر این که نشانه‌ها را دیدید بلکه به این خاطر که نان‌ها را خوردید و سیر شدید.

نان از آسمان

²⁷ برای غذایی که از بین می‌رود زحمت نکشید، بلکه برای غذایی زحمت بکشید که تا زندگی جاودانه باقی می‌ماند، که پسر انسان آن را به شما خواهد داد. زیرا بر او، خداوند، پدر مهر تأیید را زده است.²⁸ آنها به او پاسخ دادند: باید چه کار کنیم تا کارهای خدا را انجام دهیم؟²⁹ و عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: کاری که خدا می‌خواهد این است که به آن کسی که فرستاده ایمان بیاورید.

³⁰ آنها به او پاسخ دادند: پس به عنوان یک نشانه، چه کار خواهی

6:26 برخی مردم به پیام ما ابراز علاقه می‌کنند، تنها به این دلیل که امید دارند منفعتی مادی به دست آورند. عیسی از کمک به مردم امتناع نمی‌کرد؛ اما اعلام می‌کرد که می‌داند اوضاع از چه قرار است.

6:30 عیسی به طور معجزه‌آسایی این مردم را تغذیه کرد؛ اما آنها هنوز ایمان نیاورده و به دنبال نشانه‌های بیشتری از سوی او بودند. بنابراین، ایمان حاصل از معجزه در آیه 14 عمر چندانی نداشت. با شنیدن و پاسخ دادن به کلام عیسی است که می‌توانیم ایمان عمیق و پایدار داشته باشیم نه با دیدن «معجزات».

6:33 عیسی خود را با نان مقایسه می‌کند. نان از آسمان «نازل شد» به این معنا که از سوی خدا بود. نه اینکه از آسمان و در میان جو شناور شد، بلکه روی زمین خلق گردید. در مورد عیسی نیز همین گونه است. او پیش از تولد در قالب انسانی وجود نداشت.

بلکه آن کسی که از جانب خداست، پدر را دیده است.⁴⁷ و به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: آن کسی که ایمان دارد زندگی جاودانه دارد.⁴⁸ من نان زندگی هستم.⁴⁹ پدران شما من را در بیابان خوردند و مُردند.⁵⁰ این نانی است که از آسمان نازل شده، تا انسان آن را بخورد و نمیرد.⁵¹ من نان زنده‌ای هستم که از آسمان نازل شده است. اگر هر کسی از این نان بخورد، همیشه زنده خواهد ماند. آری! نانی که من خواهم داد، جسم من است که برای حیات دنیا اعطا شده است.

⁵² بنابراین، یهودیان با یکدیگر بحث کردند و گفتند: چطور ممکن است این مرد از جسم خود به ما بدهد تا بخوریم؟⁵³ او به آنها پاسخ داد: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: در خود زندگی نخواهید داشت مگر آن که از بدن پسر انسان بخورید و خوش را بیاشامید.⁵⁴ هر آن که از جسم من بخورد و خونم را بیاشامد، زندگی جاودانه دارد و او را در روز آخر برمی‌خیزانم.⁵⁵ زیرا جسم من، غذای حقیقی است و خون من آب

این خواسته آن کسی است که من را فرستاده که از بین همه چیزهایی که به من داده چیزی را از دست ندهم، بلکه در روز آخر آن را برخیزانم.⁴⁰ زیرا این است خواست پدر من: که هر کسی که پسر را می‌پسند و به او ایمان می‌آورد، باید زندگی جاودانه داشته باشد؛ و من او را در روز آخر بلند خواهم کرد.

⁴¹ بر این اساس، یهودیان درباره او زمزمه کردند، زیرا او گفت: من نانی هستم که از آسمان نازل شده است.⁴² و آنها گفتند: آیا این عیسی، پسر یوسف نیست که پدر و مادرش را می‌شناسیم؟ چطور می‌گوید که از آسمان نازل شدم؟⁴³ عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: بین خودتان زمزمه نکنید.⁴⁴ هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید، مگر وقتی پدر که مرا فرستاده او را بیاورد؛ و من او را در روز آخر برمی‌خیزانم.⁴⁵ در کتاب انبیا نوشته شده: همه آنها از خدا تعلیم خواهند یافت. بنابراین، هر کسی که صدای پدر را شنیده و از او یاد گرفته نزد من می‌آید.

⁴⁶ البته هیچ کس پدر را ندیده است،

6:42 اگرچه عیسی کامل بود، هرگز هیچ عمل درستی را نادیده نگرفته و هیچ گناهی مرتکب نشده بود، اما مردمی که وی 30 سال میانشان زیست فکر نمی‌کردند او ویژگی خاصی داشته باشد. این نشان انسان بودن عیسی است و اینکه او چگونه با موفقیت پرهیزکاری خود را مخفی داشت تا اینکه آن را به نمایش بگذارد. اینجا پنجره دیگری رو به کمال او باز می‌شود.

6:51 مردم خدا پس از «تعمید» در دریای سرخ، از میان بیابان گذر کردند و تنها قوتشان نان بود (رساله اول قرنثیان 10:1،2). ما نیز پس از تعمید، در میان بیابان گام بر می‌داریم، هر روز نان می‌خوریم - از عیسی کلام عیسی و جان‌فشانی‌اش برای ما، قدرت می‌گیریم.

6:53 این ممکن است ارجاعی باشد به اهمیت عظیم پاره کردن نان به یاد عیسی - نان نماد گوشت او است و شراب نماد خون او.

که بلغزید؟⁶² اگر ببینید که پسر انسان به جایی که قبلاً بوده صعود می‌کند، چه خواهید کرد؟⁶³ این روح است که زندگی می‌بخشد. جسم هیچ سودی ندارد. کلامی که به شما گفتم روح و حیات است.⁶⁴ اما بعضی از شما ایمان ندارید. زیرا عیسی از اول می‌دانست که چه کسانی ایمان ندارند و چه کسی به او خیانت خواهد کرد.⁶⁵ و او گفت: به همین دلیل، به شما گفتم که هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید مگر این که از جانب پدر به او اعطا شده باشد.

⁶⁶ پس از این، بسیاری از شاگردانش کنار کشیدند و دیگر با او همکاری نکردند.⁶⁷ عیسی از آن دوازده نفر پرسید: آیا شما هم خواهید رفت؟⁶⁸ شمعون پطرس پاسخ داد: سرورم، نزد چه کسی برویم؟ تو

حقیقی است.⁶⁶ هر که جسم من را بخورد و خون من را بیاشامد، در من ساکن است و من در او.⁶⁷ همان طور که پدر من را فرستاده و من به خاطر پدر زنده‌ام، آن کسی که من را بخورد نیز به خاطر من زنده خواهد ماند.⁶⁸ این نانی است که از آسمان نازل شد. مانند نانی نیست که پدران شما خوردند و مردند، هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند.

⁶⁹ این چیزها را در کنیسه در حالی گفت که در کفرناحوم تعلیم می‌داد.⁶⁰ بنابراین، بسیاری از شاگردانش که این را شنیدند گفتند: این گفته سختی است، چه کسی می‌تواند آن را بفهمد؟⁶¹ اما عیسی، که پیش خود می‌دانست که شاگردانش درباره این موضوع صحبت می‌کنند، به آنها گفت: آیا این باعث می‌شود

6:60 نوشیدن خون از نظر یهودیان نفرت‌انگیز بود. عیسی این شیوه سخن گفتن بحث‌برانگیز را انتخاب کرد تا مردم را مجبور کند بین او و فرهنگ مذهبی اطرافشان دست به انتخاب بزنند. ما نمی‌توانیم هم پیرو کلام او باشیم و هم فرهنگ و تفکرات پیرامونمان.

6:62 «نخست» اشاره دارد به جایی که او «قبلاً» بوده و سپس از آنجا آمده و خود را پسر خدا معرفی کرده است (42:41). او می‌گوید: «پس آیا ترجیح می‌دهید من به همان کسی بدل شوم که زمان زندگی در ناصره در میان شما بودم، پسر ناشناس خدا، بدون تعالیم، بدون معجزه؟»

6:63 کلام خدا و عیسی «روح» است، به این معنا که از و توسط روح خدا الهام گرفته و روح یافته‌اند. تمام کتاب الهام است (2 تیموتائوس 3:16؛ 2 پطرس 1:21). ما دوباره از روح متولد می‌شویم (یوحنا 3:5) و همچنین از کلام خدا (1 پطرس 1:23). روح خدا به شیوه‌های مختلف درون ما کار می‌کند، یکی از آنها از طریق کلام او است.

6:64 عیسی در مورد یهودا می‌دانست اما هنوز از خیانتی که اتفاق افتاده بود، ناراحت بود و حتی به او «اعتماد کرد» (مزامیر 41:9؛ یوحنا، 13:18). خداوند عیسی طبیعت انسانی داشت؛ و این بخشی از طبیعت ما است که چیزی را در یک سطح بدانیم، و با این حال به خاطر عشق این آگاهی را نادیده بگیریم.

آنها پاسخ داد: هنوز زمان من فرا نرسیده؛ اما زمان شما همیشه آماده است.⁷ دنیا نمی‌تواند از شما متنفر باشد، اما از من بیزار است، زیرا من بر آن شهادت می‌دهم که کارهایش پلید است.⁸ خودتان به جشن بروید. من به این جشن نخواهم رفت، زیرا زمان من هنوز محقق نشده است.⁹ و پس از گفتن این‌ها به آنها در جلیله ماند.

¹⁰ اما وقتی برادرانش به جشن رفتند، سپس او نیز رفت اما نه علناً بلکه در خفا.¹¹ یهودیان در جشن دنبال او بودند و پرسیدند: او کجاست؟¹² و زمزمه بسیاری در میان مردم درباره او بود. برخی گفتند: او مرد خوبی است. دیگران گفتند: نه چندان. او مردم را فریب می‌دهد.¹³ ولی هیچ کس از ترس یهودیان علناً درباره او حرفی نزد.

عیسی در عید تعلیم می‌دهد

¹⁴ در اواسط عید، عیسی به معبد رفت و تعلیم داد.¹⁵ یهودیان تعجب کردند و گفتند: چطور این مرد دانش دارد، در حالی که هیچ تعلیمی

کلام حیات جاودانه را داری.⁶⁹ و ما ایمان پیدا کردیم و می‌دانیم که تو تنها مرد مقدس خدا هستی.⁷⁰ عیسی پاسخ داد: آیا شما دوازده نفر را برنگزیدم، در حالی که یکی از شما شیطان است؟⁷¹ اکنون از یهودا سخن می‌گفت، پسر شمعون اسخریوطی؛ زیرا او از بین آن دوازده نفر کسی بود که به عیسی خیانت خواهد کرد.

باب 7

عید خیمه‌ها

و بعد از این اتفاقات، عیسی در جلیله قدم گذاشت؛ زیرا نمی‌خواست در یهودیه باشد چون یهودیان در صدد کشتن او بودند.² اکنون جشن یهودیان، عید خیمه‌ها نزدیک بود.³ برادرانش به او گفتند: از اینجا برو به یهودیه تا شاگردانت نیز بتوانند کارهایی را که می‌کنی ببینند.⁴ زیرا هیچ کس در خفا کاری نمی‌کند وقتی می‌خواهد همه او را بشناسند. اگر این کارها را می‌کنی، خودت را به دنیا نشان بده.⁵ زیرا حتی برادرانش نیز به او ایمان نداشتند.⁶ عیسی به

6:69 ما ایمان آورده‌ایم. عیسی این گونه پاسخ می‌دهد که یکی از آنها به وی خیانت خواهد کرد (آیه 70). او می‌دانست که این ایمانداران به او، نسبت به خودشان در مقام یک اجتماع دید بسیار مثبتی داشتند. کلیساهای امروز نیز باید این را در ذهن داشته باشند.

7:3 عیسی از سوی خانواده‌اش طرد شد؛ او می‌دانست که وقتی چنین چیزی به خاطر او برای ما اتفاق می‌افتد، چه احساسی خواهیم داشت.

7:7 شهادت عیسی علیه این جهان چندان آشکار نبود؛ این در کلماتی که می‌گفت نبود، حداقل نه آنها که در انجیل ثبت شده است. شهادت او شاید در زندگی کامل او بود، در توجهش و خدماتش به کسانی که در این جهان نادیده گرفته شده، مورد نفرت بوده و نابود شده‌اند. شهادت ما نیز در اعمال ما و شخصیت ما است و نه کلمات شهادتمان.

همان کسی نیست که در صدد کشتن او هستند؟²⁶ نگاه کنید، او آشکارا صحبت می‌کند و آنها چیزی به او نمی‌گویند. آیا می‌تواند به این خاطر باشد که حاکمان در حقیقت می‌دانند که او مسیح است؟²⁷ با این حال، ما می‌دانیم این مرد از کجا می‌آید؛ اما وقتی مسیح می‌آید، کسی نمی‌داند که از کجا می‌آید.²⁸ بنابراین، عیسی در معبد فریادگنان تعلیم داد و گفت: شما هم می‌دانید من کیستم و هم می‌دانید از کجا می‌آیم، و این که از خود نیامده‌ام. بلکه آن کسی که من را فرستاده حقیقت دارد، که شما او را نمی‌شناسید.²⁹ من او را می‌شناسم، زیرا من از او هستم، و او من را فرستاده است.³⁰ بنابراین، آنها در صدد برآمدن که او را بگیرند، اما هیچ کس دستش را بر او ننهاد، زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده بود.³¹ اما بسیاری از مردم به او ایمان داشتند و گفتند: وقتی مسیح می‌آید، آیا بیشتر از این مرد معجزه خواهد کرد؟³² فریسیان شنیدند که مردم درباره او چه زمره می‌کنند و روحانیون اعظم و فریسیان مامور فرستادند تا او را بگیرند.³³ عیسی پاسخ داد: مدت کمی با شما هستم و سپس نزد آن کسی می‌روم که مرا فرستاد.³⁴ شما دنبال من خواهید گشت و مرا پیدا نخواهید کرد؛ و نمی‌توانید به جایی که هستم بیایید.³⁵ یهودیان

ندیده است؟¹⁶ عیسی در پاسخ به آنها گفت: تعلیم من متعلق به من نیست، بلکه متعلق به کسی است که مرا فرستاده است.¹⁷ اگر هر کسی بخواهد خواست او را اجرا کند، این تعلیم را خواهد دانست، چه از جانب خدا باشد، چه از خود حرف بزنم.¹⁸ هر کسی که از خودش حرف می‌زند به دنبال شکوه خودش است؛ اما هر کسی که به دنبال شکوه آن کسی است که او را فرستاده، همان حقیقت دارد، و هیچ بی‌عدالتی در او نیست.

¹⁹ آیا موسی به شما شریعت را نداد و با این حال، هیچ یک از شما آن را اجرا نمی‌کنید؟ چرا می‌خواهید من را بکشید؟²⁰ مردم جواب دادند: تو دیوانه‌ای! چه کسی می‌خواهد تو را بکشد؟²¹ عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: من یک کار کردم و همه شما به خاطر آن شگفت‌زده می‌شوید!²² موسی به شما ختنه را داد (نه این که از جانب موسی باشد، بلکه از جانب اجداد است) و در روز سبت شما یک مرد را ختنه می‌کنید.²³ اگر مردی در روز سبت ختنه شود، تا شریعت موسی نقض نشود، آیا از من عصبانی می‌شوید، چون مردی را در روز سبت سالم گردانیدم؟²⁴ طبق ظاهر قضاوت نکنید، بلکه قضاوت عادلانه داشته باشید.²⁵ بنابراین، برخی از کسانی که اهل اورشلیم بودند پرسیدند: آیا این

7:23 گاهی ما باید یک دستور یا اصل را بشکنیم تا دیگری حفظ شود. خدا همه چیز را به گونه‌ای تنظیم کرده که ما در مورد معنای اعمالمان و دلیل اطاعت از او، به دقت بیندیشیم.

شنیدن این کلمات گفتند: این واقعاً پیامبر است! ⁴¹ دیگران گفتند: این مسیح است. اما برخی گفتند: عجب! آیا مسیح از جلیله می‌آید؟ ⁴² آیا کتاب مقدس نگفته که مسیح از نوادگان داود و اهل بیت لحم، همان روستایی است که داود در آن متولد شده است؟ ⁴³ بنابراین، به خاطر او بین مردم اختلاف افتاد. ⁴⁴ و برخی از آنها می‌خواستند او را بگیرند؛ اما هیچ کس دست بر او نگذاشت.

⁴⁵ مأموران نزد روحانیون اعظم و فریسیان رفتند و آنها از مأموران پرسیدند: چرا او را نیاوردید؟ ⁴⁶ مأموران پاسخ دادند: هیچ مردی تا به حال مانند این مرد سخن نگفته است! ⁴⁷ پس فریسیان به آنها پاسخ دادند: آیا شما هم گمراه شدید؟ ⁴⁸ آیا هیچ یک از حاکمان یا هیچ یک از فریسیان به او ایمان آوردند؟ ⁴⁹ ولی این او‌باش که شریعت را نمی‌دانند ملعون هستند! ⁵⁰ نيقوديموس (کسی

در میان خود پرس و جو کردند: این مرد کجا خواهد رفت که پیدایش نخواهیم کرد؟ آیا به جمعیت پراکنده در میان غیر یهودیان خواهد رفت و غیر یهودیان را تعلیم خواهد داد؟ ³⁶ منظورش چه بود وقتی گفت: شما دنبال من خواهید گشت و مرا پیدا نخواهید کرد؛ و نمی‌توانید به جایی که هستم بیایید؟

³⁷ روز آخر، روز بزرگ عید، عیسی ایستاد و فریادکنان گفت: هر کسی که تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد. ³⁸ هر کسی که به من ایمان دارد، چنان که کتاب مقدس گفته است: از درون او رودخانه‌هایی از آب زنده جاری خواهد شد. ³⁹ او از روح سخن می‌گفت، که کسانی که به او ایمان داشتند به دست خواهند آورد. زیرا روح هنوز اعطا نشده بود، زیرا عیسی هنوز به جلال نرسیده بود.

⁴⁰ بنابراین، برخی از مردم با

7:34 اینجا منطق سختی برقرار است - ما یا او را بسته و خواهیم یافت، یا تنها مانند دختران جاهل در جستجوی او خواهیم بود، متی 25:11 - زمانی که دیگر خیلی دیر است.

7:35 برای عیسی بسیار دشوار بوده که دائماً مورد سوءبرداشت قرار می‌گرفته؛ کلام و نظراتش همواره با برداشت‌ها و طرز فکرهای متفاوت سنجدیده می‌شده است. ما نیز زمانی که چنین چیزی را تجربه می‌کنیم، می‌دانیم که او می‌تواند با ما همدان‌پنداری کند.

7:38 آب زنده - شنوندگان یهودی این را با آموزه‌های عهد قدیم مرتبط دانسته‌اند که «آب زنده» باید برای پاکسازی جدامیان استفاده شود؛ و اینکه «آب زنده» از معبد جاری می‌شود تا جهان را شفا دهد (لاویان 14:6؛ حزقیال 47:1-9). ما باید منبع پاکسازی دیگران باشیم - یعنی قرار است ایمانمان را به آنها منتقل سازیم. ما، و نه هیچ ساختمان مذهبی دیگری، باید منبع زندگی جدید و پاکسازی برای جهان باشیم.

7:48 این حقیقت که بزرگان و عالمان این جهان به عیسی ایمان نداشته‌اند، برای ما دلیل نمی‌شود. حقیقت این است که حق با اقلیت است. این پرسش که «چگونه ممکن

و با انگشتش روی زمین نوشت.⁷ اما وقتی آنها همچنان از او سؤال می‌پرسیدند، بلند شد و به آنها گفت: هر کسی که در میان شما بی‌گناه است، اول او سنگ به سوی او پرتاب کند.⁸ و دوباره سر به زیر افکند و با انگشتش روی زمین نوشت.⁹ و آنها که این را شنیدند، یکی یکی رفتند، از پیرترین تا آخرین نفر؛ و عیسی با آن زن تنها گذاشته شد، و او هنوز در وسط ایستاده بود.¹⁰ و عیسی بلند شد و به او گفت: زن! مدعیان تو کجا هستند؟ آیا هیچ کس تو را محکوم نکرد؟¹¹ و او گفت: هیچ کس سرورم. و عیسی گفت: من هم تو را محکوم نمی‌کنم. برو. از این به بعد، دیگر گناه نکن.

مشاخره با یهودیان

¹² دوباره عیسی با مردم صحبت کرد و گفت: من نور جهان هستم. آن کسی که من را دنبال می‌کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد، بلکه نور حیات را خواهد داشت.¹³ فریسیان به او پاسخ دادند: تو بر خودت شهادت می‌دهی. شهادت تو

که پیش‌تر شبانه نزد او آمد و یکی از آنها بود)⁵¹ به آنها گفت: آیا شریعت ما کسی را قضاوت می‌کند بی آنکه به او گوش دهد و بداند که چه کار می‌کند؟⁵² آنها در پاسخ به او گفتند: آیا تو هم اهل جلیله هستی؟ نوشته‌ها را بگرد تا ببینی که هیچ پیامبری از جلیله برنخواهد خاست.⁵³ در این هنگام، هر یک به خانه خود رفتند.

پاب 8

زنی که هنگام زنا گرفته شد

عیسی به کوه زیتون رفت.² صبح زود دوباره به معبد رفت و همه مردم نزد او آمدند؛ و نشست و به آنها تعلیم داد.³ و کاتبان و فریسیان زنی را آوردند که در حین عمل زنا گرفته بودند؛ و وقتی او را جلوی عیسی نهادند،⁴ به او گفتند: استاد. این زن در حین زنا گرفته شده است!⁵ در شریعت، موسی به ما دستور داده که چنین زنانی را سنگسار کنیم. پس تو چه می‌گویی؟⁶ و این را به او گفتند تا او را امتحان کنند، تا شاید دلیلی برای متهم کردن او داشته باشند. اما عیسی سر به زیر افکند

است اکثریت در اشتباه باشند؟» حقیقتاً نیازمند پاسخ است: «به سادگی، بر اساس انجیل و نیز تجربه انسان».

7:50 نیکودیموس مثال خوبی است برای دفاع از عیسی در میان جامعه سکولاری که وقتی برای او نداشتند، حتی اگر به بهای تمسخر و تنفر باشد.

8:3 اگر او را در حین عمل گرفتند، پس مرد کجا بود؟

8:6 او چه نوشت؟ گناهان آنها را؟ یا شاید در شرم مردانه از حضور یک زن عریان که به او ایمان داشت و او را دوست داشت، تنها با خاک بازی می‌کرد؟

8:12 نور- واژه یونانی می‌تواند به معنای مشعل باشد، شعله‌ای سوزان روی یک تیرک. این با تفسیر شباهت‌هایی دارد؛ عیسی بالای تیرکی برده شد، و بنابراین نور جهان گشت، ما همه چیز را در متن مرگ او در می‌یابیم و این برای ما معنا دارد.

زیرا گفت: نمی‌توانید به جایی بیایید که می‌روم.²³ و عیسی به آنها گفت: شما از پایین هستید. من از بالا هستم. شما اهل این دنیا هستید. من از این دنیا نیستم.²⁴ من به شما پاسخ دادم که در گناهان خود خواهید مُرد. زیرا در گناهان خود خواهید مُرد، مگر این که ایمان بیاورید که من او هستم.²⁵ آنها به او پاسخ دادند: تو کیستی؟ عیسی به آنها گفت: همان کسی که از اول به شما گفتم.²⁶ چیزهای زیادی برای صحبت کردن و داوری درباره شما دارم. با این حال فرستنده من حقیقت دارد، و چیزهایی را که از او شنیدم به جهان اعلام می‌کنم.

²⁷ آنها نفهمیدند که او درباره پدر با آنها صحبت می‌کرد.²⁸ عیسی ادامه داد: وقتی پسر انسان را بلند کردید، آن گاه خواهید فهمید که من او هستم، و من هیچ کاری را با قدرت خودم انجام نمی‌دهم، بلکه درست همان طور که پدر به من آموخته صحبت می‌کنم.²⁹ و فرستنده من با من است. من را تنها نگذاشته است. زیرا من همیشه کارهایی را می‌کنم که او را خشنود می‌سازد.³⁰ وقتی این‌ها را گفت، بسیاری به او ایمان آوردند.

درست نیست.¹⁴ عیسی به آنها پاسخ داد و گفت: حتی اگر من به خودم شهادت دهم، شهادتم درست است. زیرا من می‌دانم از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم؛ اما شما نه می‌دانید از کجا آمده‌ام و نه به کجا می‌روم.¹⁵ شما بر اساس جسم قضاوت می‌کنید. من هیچ کس را قضاوت نمی‌کنم.¹⁶ با این حال حتی اگر قضاوت کنم، قضاوت من درست است، زیرا نه به تنهایی بلکه من و فرستنده‌ام با هم قضاوت می‌کنیم.¹⁷ حتی در شریعت شما نوشته شده که شهادت دو نفر صحیح است.¹⁸ من همان کسی هستم که بر خودم شهادت می‌دهم؛ و پدر که من را فرستاده بر من شهادت می‌دهد.¹⁹ آنها به او پاسخ دادند: پدرت کجاست؟ عیسی پاسخ داد: شما نه من را می‌شناسید و نه پدرم را. اگر من را می‌شناختید، پدرم را نیز می‌شناختید.

²⁰ او این کلمات را در خزانه در حالی گفت که در معبد تعلیم می‌داد؛ و هیچ کس او را نگرفت، زیرا ساعت او هنوز نرسیده بود.²¹ او دوباره به آنها پاسخ داد: من می‌روم و شما مرا دنبال خواهید کرد، و در گناهان خود خواهید مرد. نمی‌توانید به جایی بیایید که می‌روم.²² یهودیان پاسخ دادند: آیا خودش را خواهد کشت؟

8:19 فریسیان دائم انجیل را مطالعه می‌کردند و می‌توانستند بخش زیادی از عهد قدیم را تکرار کنند. اما عیسی گفت که آنها خدا را نمی‌شناسند. شناخت خدا یک تجربه است، نه دانشی در سر.

8:23 از بالا ... از این جهان نیستیم. به این معنا نیست که عیسی پیش از تولد در آسمان وجود داشته است. او «از این جهان» نیست به این معنا که ما «از این جهان» نیستیم (یوحنا 16:17). اما او نیز مانند ما در این جهان متولد شد؛ ما در این جهان هستیم اما «از» این جهان نیستیم (یوحنا 15:17).

مشاجره درباره ابراهیم

⁴⁰ ولی شما اکنون در صدد کشتن من هستید، من مردی هستم که به شما حقیقتی را گفته‌ام که از خدا شنیده است. ابراهیم چنین نکرد. ⁴¹ شما کارهای پدر خود را می‌کنید. آنها به او گفتند: ما حرامزاده نیستیم. ما یک پدر داریم، خدا.

⁴² عیسی به آنها گفت: اگر خدا پدر شما بود، من را دوست می‌داشتید. زیرا من آمده‌ام و از جانب خدا آمده‌ام. زیرا من از خودم نیامده‌ام، بلکه او من را فرستاده است. ⁴³ چرا صحبت من را درک نمی‌کنید؟ زیرا شما نمی‌توانید کلام من را بشنوید!

⁴⁴ شما فرزندان پدر خود ابلیس هستید و خواست شما انجام خواسته‌های پدرتان است. از اول یک قاتل بود و هیچ ربطی به حق نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. وقتی دروغ می‌گوید، طبق ذات خود سخن می‌گوید، زیرا او یک دروغگو است و پدر دروغ‌ها است. ⁴⁵ اما من را باور نمی‌کنید، چون من حقیقت را می‌گویم. ⁴⁶ کدام یک از شما من را به گناه متهم می‌کند؟ اگر من حقیقت را می‌گویم، چرا به من

³¹ عیسی به یهودیانی که به او ایمان آوردند پاسخ داد: اگر طبق کلام من عمل کنید، پس حقیقتاً شاگردان من هستید. ³² و حقیقت را خواهید دانست، و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. ³³ آنها جواب دادند: ما فرزندان ابراهیم هستیم، و هرگز در بردگی کسی نبودیم. منظور چیست که آزاد خواهید شد؟ ³⁴ عیسی پاسخ داد: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: هر کسی که گناه کند، برده گناه است. ³⁵ و برده تا ابد در خانه نمی‌ماند. پسر تا ابد می‌ماند. ³⁶ پس اگر پسر شما را آزاد سازد، شما در حقیقت آزاد خواهید شد.

³⁷ می‌دانم که فرزند ابراهیم هستید. با این حال، در صدد کشتن من هستید، زیرا کلام من هیچ جایی در شما ندارد. ³⁸ من چیزهایی را می‌گویم که با پدرم شاهد آن بوده‌ام، و شما نیز کارهایی را می‌کنید که از پدر خود شنیدید. ³⁹ آنها در پاسخ به او گفتند: پدر ما ابراهیم است. عیسی به آنها گفت: اگر فرزندان ابراهیم بودید، کارهای ابراهیم را می‌کردید.

8:37 در یک معنا، آنها به صورت فیزیکی فرزندان ابراهیم بودند؛ در معنای دیگر، نبودند (آیه 39). تمام آنها که به عیسی ایمان داشته و در او تعمید داده شده‌اند، فرزندان درست ابراهیم و در نتیجه مردم خدا هستند (غلاطیان 3:27-29).

8:44 «ابلیس» یک قاتل است. اما در قاتل هیچ حیات جاویدانی سکونت ندارد (1 یوحنا 3:15). بنابراین، ابلیس باید بمیرد - چون فرشته‌ها نمی‌میرند (لوقا 20:35-36) پس فناناپذیر هستند و زندگی جاویدان در آنها سکونت دارد. بنابراین، «ابلیس» فرشته نیست. مرقس 4:15 فرزندان ابلیس را کسانی معرفی می‌کند که از امیال شر خود پیروی می‌کنند - ابلیس واقعی. قابیل اولین قاتل بود (پیدایش 4:8-9). قابیل یک ابرانسان به نام ابلیس نبود، بلکه یک انسان عادی با ویژگی‌های مار بود. «فریب» - یعنی دروغ - «از درون، از قلب انسان‌ها» می‌آید (مرقس 7:21، 22).

همان که شما می‌گویید خدایتان است.⁵⁵ شما او را نشناخته‌اید، اما من او را می‌شناسم؛ و اگر بگویم که او را نمی‌شناسم، مثل شما خواهم بود، یک دروغگو؛ اما من او را می‌شناسم و کلامش را نگاه می‌دارم.⁵⁶ پدر شما ابراهیم برای دیدن روز من خوشحال بود، و روز من را دید، و شاد گشت.⁵⁷ یهودیان به او پاسخ دادند: تو هنوز پنجاه سال هم نداری، و ادعا می‌کنی ابراهیم را دیده‌ای؟⁵⁸ عیسی به آنها گفت: به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: من از ابراهیم بلندمرتبه‌تر هستم.⁵⁹ بنابراین، آنها سنگ برداشتند تا به او پرتاب کنند، اما عیسی خود را پنهان ساخت و از معبد خارج شد.

پاب 9

عیسی مرد کوری را شفا می‌دهد
در حالی که می‌گذشت، مردی را دید که کور مادرزاد بود.² و شاگردانش از او پرسیدند: استاد، چه کسی گناه کرد، این مرد یا پدر و مادر او، که او کور زاییده شد؟³ عیسی پاسخ داد:

ایمان نمی‌آورید؟⁴⁷ آن کسی که از خدا است، کلام خدا را می‌شنود. زیرا این باعث می‌شود کلام را نشنوید، زیرا شما از خدا نیستید.

⁴⁸ آنها از عیسی پرسیدند: آیا درست نمی‌گوییم که تو سامری هستی و دیو داری؟⁴⁹ عیسی پاسخ داد: من دیوی ندارم. من به پدر خود احترام می‌گذارم، و شما من را بی‌حرمت می‌کنید.⁵⁰ من دنبال جلال خود نیستم. یک نفر هست که به دنبال جلال است و داوری می‌کند.⁵¹ به راستی به شما می‌گویم: اگر مردی کلام من را نگاه دارد، هرگز مرگ را نخواهد دید.

⁵² یهودیان به او گفتند: اکنون می‌دانیم که تو یک دیو داری. ابراهیم مُرد، پیامبران هم همین‌طور، اما تو می‌گویی: اگر مردی کلام من را نگاه دارد، هرگز طعم مرگ را نخواهد چشید.⁵³ آیا تو از پدرمان ابراهیم، که مُرد، و نیز پیامبرانی که مردند بزرگتری؟ فکر می‌کنی که هستی؟⁵⁴ عیسی پاسخ داد: اگر من خودم را تجلیل کنم، جلال من ارزشی ندارد. پدرم است که من را تجلیل می‌کند،

8:56 تنها زمانی که از شادی ابراهیم می‌خوانیم، زمانی است که در شادی از وعده خدا به ادامه نسلش، خندید (پیدایش 17:17). او دریافت پسری که خواهد داشت، نسلی است که پسر خدا، مسیحا از آن زاده می‌شود.

8:58 عیسی به عنوان پسر خدا، نام پدر را با خود دارد. «من هستم» ممکن است اشاره‌ای باشد به این - اگرچه همین عبارت یونانی توسط مرد نابینای شفا یافته نیز استفاده شد، در یوحنا 9:9. برای یهودیان، ابراهیم بزرگترین مردی بود که تا کنون زیسته است. عیسی می‌گوید، «اکنون من هستم، ایستاده اینجا، مهم‌تر از ابراهیم.» و این عیسی بود که باید تمجید می‌شد، نه ابراهیم. او می‌گوید، «اکنون من هستم، مهم‌تر از آنکه ابراهیم بود.» عیسی نمی‌گوید، «پیش از آنکه ابراهیم باشد، من بودم.»

9:3 بیماری و رنج لزوماً تنبیهی برای گناه نیستند. در مورد ما، آنها می‌آیند تا هدف خدا از طریق آنها برای ما آشکار شود.

کجاست؟ او گفت: نمی‌دانم.
¹³ آنها فردی را که قبلاً کور بود نزد فریسیان بردند. ¹⁴ اکنون، که عیسی گل ساخت و چشمان او را بینا کرد، روز سبت بود. ¹⁵ پس فریسیان از او پرسیدند که چگونه بینایی‌اش را به دست آورد. و او به آنها گفت: او گل روی چشمانم گذاشت و من شستم و توانستم ببینم. ¹⁶ بنابراین برخی از فریسیان گفتند: این مرد از خدا نیست، زیرا آیین روز سبت را رعایت نمی‌کند. ¹⁵ اما دیگران گفتند: چگونه یک گناهکار می‌تواند چنین معجزاتی کند؟ و بین آنها اختلاف افتاد. ¹⁷ بنابراین، آنها به مردی که کور مادرزاد بود گفتند: تو درباره او، که چشمانت را باز کرد، چه می‌گویی؟ و او گفت: او یک پیامبر است!

¹⁸ یهودیان باور نکردند که او کور بوده و بینایی‌اش را به دست آورده تا این که پدر و مادرش را فرا خواندند ¹⁹ و از آنها پرسیدند: آیا این پسر شما است که می‌گویید مادرزادی کور بود؟ پس چگونه الان می‌بیند؟ ²⁰ والدینش پاسخ دادند و گفتند: می‌دانیم که این پسر ما است و کور متولد شد. ²¹ اما نمی‌دانیم که چطور اکنون می‌بیند. یا نمی‌دانیم

نه گناه این مرد بوده و نه گناه پدر و مادرش؛ بلکه برای این کور شده که کارهای خدا در او آشکار گردد. ⁴ ما باید کارهای فرستنده‌ام را، وقتی روز است، انجام بدهیم. شب می‌آید، زمانی که هیچ کس نمی‌تواند کاری کند. ⁵ تا وقتی در این جهان هستم، نور جهان هستم.

⁶ وقتی چنین گفت، آب دهان به زمین انداخت و از آب دهان خود گل ساخت، و چشمانش را با گل تدهین کرد، ⁷ و به او گفت: برو در حوض سیلوحا (یعنی فرستاده) بشوی. بنابراین، او رفت و شست؛ و با چشم بینا به خانه بازگشت.

⁸ همسایگان او و کسانی که او را قبلاً به عنوان متکدی دیده بودند گفتند: آیا این همانی نیست که می‌نشست و گدایی می‌کرد؟ ⁹ دیگران گفتند: خودش است. برخی دیگر گفتند: نه، بلکه شبیه او است. او گفت: من همان مرد هستم. ¹⁰ آنها از او پرسیدند: پس چگونه چشمانت باز شدند؟ ¹¹ او جواب داد: مردی که عیسی نام دارد گل درست کرد و چشمانم را تدهین کرد و به من گفت: برو به سیلوحا و بشوی. پس من رفتم و شستم و بینایی‌ام را به دست آوردم. ¹² آنها به او گفتند: او

9:6 کلام عیسی [آب دهانش] در ترکیب با خاک زمین [گوشت انسان] بینایی می‌آورد.

9:7 این ممکن است نگاهی رو به جلو به تعمیم باشد، شست و شویی که باید پس از «دیدن» انجام دهیم.

9:11 انسان- هیچ چیز در عیسی نبود که باعث شود کسی فکر کند او خدا است. این تحریفات بعدی الهیات انسانی است، نه شهادت‌های انجیل.

9:16 آن مرد از جانب خدا نیست، زیرا سبت را نگاه نمی‌دارد- امروز نیز کسانی که شباهت را نگه می‌دارند همین را می‌گویند؛ اما پاسخ عیسی برای آنها نیز همین است.

9:21 ترس آنها از طرد شدن مذهبی با روحیه به دور از ترس پسرشان در تضاد است.

³⁰ آن مرد در پاسخ به آنها گفت: شگفتا! شما نمی‌دانید از کجا آمده، با این که چشمان من را باز کرد. ³¹ ما می‌دانیم که خدا صدای گناهکاران را نمی‌شنود؛ اما اگر هر کسی خدا را پرستش کند و خواست او را انجام دهد، خدا صدای او را می‌شنود! ³² از آغاز جهان، هیچ وقت شنیده نشده که مردی مادرزاد کور باشد و چشمانش باز شود. ³³ اگر این مرد از خدا نبود، نمی‌توانست هیچ کاری کند. ³⁴ آنها در پاسخ به او گفتند: تو کلاً در گناه متولد شدی، و به ما تعلیم می‌دهی! و آنها او را طرد کردند.

³⁵ عیسی شنید که آنها او را طرد کردند؛ و وقتی او را یافت، گفت: آیا به پسر خدا ایمان داری؟ ³⁶ او در پاسخ گفت: او کیست سرورم که به او ایمان داشته باشم؟ ³⁷ عیسی به او گفت: تو هم او را دیده‌ای، و او همان است که با تو سخن می‌گوید. ³⁸ و او گفت: ایمان دارم، سرورم. و او را عبادت کرد.

³⁹ و عیسی گفت: برای قضاوت به این دنیا آمدم تا کسانی که نمی‌بینند ببینند، و کسانی که می‌بینند کور شوند. ⁴⁰ فریسیانی که با او بودند این‌ها را شنیدند و به او گفتند: آیا

چه کسی چشمانش را باز کرد. از خودش بپرسید! او بزرگ شده است. خودش می‌تواند حرف بزند. ²² والدینش این‌ها را گفتند، زیرا از یهودیان می‌ترسیدند. زیرا یهودیان از قبل توافق کرده بودند که هر کسی که اعتراف کند که او مسیح است، باید از کنیسه بیرون انداخته شود. ²³ بنابراین، والدینش پاسخ دادند: او بالغ است، از خودش بپرسید!

²⁴ پس آنها از مردی که کور متولد شده بود دوباره پرسیدند، و به او گفتند: خدا را ستایش کن. ما می‌دانیم که این مرد یک گناهکار است. ²⁵ او پاسخ داد: نمی‌دانم که گناهکار است یا نه. تنها چیزی که می‌دانم این است که اکنون می‌بینم. ²⁶ آنها از او پرسیدند: با تو چه کار کرد؟ چگونه چشمت را باز کرد؟ ²⁷ او به آنها پاسخ داد: قبلاً به شما گفتم و گوش نکردید. دوباره می‌خواهید چه بشنوید؟ می‌خواهید شما هم شاگردان او شوید؟ ²⁸ آنها او را دشنام داده و گفتند: تو شاگرد او هستی، اما ما شاگردان موسی هستیم. ²⁹ ما می‌دانیم که خدا با موسی سخن گفته است، اما درباره این مرد نمی‌دانیم که از کجا آمده است.

تکفیر عملی است که بسیاری از گروه‌های مذهبی از آن سوءاستفاده کرده‌اند.

9:31 آن مرد استدلال کرد که عیسی باید دعا کرده باشد تا خدا این معجزه را صورت دهد؛ و خشوند باشد چون خدا دعای او را شنیده بود. او به درکی دقیق از طبیعت عیسی و ارتباط او با پدرش دست یافت.

9:34 آنها او را به خاطر ایمان داشتن به عیسی و شفا یافتن توسط او، اخراج کردند. آزارهای معمول مذهبی.

9:38 انسان پس از شفا ایمان آورد؛ در اختیار داشتن عطایای روح القدس باعث شد انجام معجزات در مورد بی‌ایمانان و افرادی مثل این مرد، که از عیسی غافل بود، ممکن شود (آیه 25).

⁷ سپس عیسی به آنها گفت: و باز یقیناً، به راستی به شما می‌گویم: من درب آغل گوسفندان هستم.⁸ همه کسانی که قبل از من آمدند، دزد و راهزن بودند، اما گوسفندان به صدای آنها گوش ندادند.⁹ من درب هستم. اگر کسی از من وارد شود، نجات خواهد یافت و داخل و بیرون خواهد رفت و چراگاه را پیدا خواهد کرد.

¹⁰ دزد تنها می‌آید تا بدزدد و بکشد و نابود کند. من آمدم تا آنها حیات پیدا کنند، و آن را به وفور داشته باشند.¹¹ من چوپان خوب هستم. چوپان خوب زندگی‌اش را فدای گوسفندان می‌کند.¹² آن کسی که اجیر شده و چوپان نیست و صاحب گوسفندان نیست، آمدن گرگ را می‌بیند و گوسفندان را رها می‌کند و فرار می‌کند، و گرگ آنها را می‌رباید و پراکنده می‌سازد.¹³ او فرار می‌کند، زیرا اجیر شده و اهمیتی به گوسفندان نمی‌دهد.

¹⁴ من چوپان خوب هستم، و گوسفندانم را می‌شناسم و گوسفندانم نیز من را می‌شناسند.¹⁵ همان طور که پدر من را می‌شناسد، و من پدر

ما هم کور هستیم؟⁴¹ عیسی به آنها گفت: اگر کور بودید، هیچ گناهی نمی‌کردید؛ اما اکنون می‌گویید: ما می‌بینیم، پس گناه شما باقی می‌ماند.

باب 10

عیسی به عنوان چوپان خوب

به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: هر کسی که از درب وارد آغل گوسفندان نشود، بلکه از راه دیگری بالا رود، آن کس دزد و راهزن است.² اما آن کسی که از درب وارد می‌شود، چوپان گوسفندان است.³ دربان، درب را به روی او باز می‌کند، و گوسفندان صدای او را می‌شنوند، و او گوسفندان خود را به اسم صدا می‌زند و آنها را بیرون می‌برد.⁴ وقتی همه گوسفندان را بیرون می‌آورد، جلوی آنها می‌رود و گوسفندان او را دنبال می‌کنند، زیرا صدای او را می‌شناسند.⁵ آنها دنبال یک غریبه نمی‌روند، بلکه از او فرار می‌کنند. زیرا صدای غریبه‌ها را نمی‌شناسند.

⁶ این مثل را عیسی به آنها گفت، اما آنها منظور او را نفهمیدند.

9:41 حکمت/ «دیدن» مسئولیت دآوری با خود به همراه می‌آورد.

10:5 کلام عیسی برای ما چیزی ذاتاً جذاب دارد. وقتی «بشارت‌های» الهام نشده را می‌خوانیم، به عنوان یک مسیحی برایمان روشن است که آنها کلام عیسی نیستند.

10:9 «ورود به» چراگاه [کلیسا] از طریق تعمید در عیسی ممکن است. هیچ راه دیگری برای «ورود» وجود ندارد.

10:12 او شبانی غیرمعمول است - که تا سرحد مرگ برای نجات یک گوسفند با گرگ می‌جنگد. گرگ‌ها چنین نمی‌جنگند. اما این یکی می‌جنگد (آیه 15). گناه مانند یک تهدید به نظر می‌رسد، چیزی که انسان می‌تواند به راحتی بر آن غلبه کند - درحالی که غلبه بر آن در واقع کار راحتی نیست، جنگی تلخ تا سر حد مرگ است.

10:15 پدر مرا می‌شناسد، و من پدر را می‌شناسم. افعال یونانی اینجا در وجه

یهودیان دور او را گرفتند و به او گفتند: تا به کی ما را بی‌تکلیف خواهی گذاشت؟ اگر مسیح هستی، راحت به ما بگو. ²⁵ عیسی به آنها پاسخ داد: من به شما گفتم و شما من را باور نکردید. کارهایی که به نام پدرم می‌کنم بر من شهادت می‌دهند. ²⁶ اما شما باور نمی‌کنید، زیرا شما از گوسفندان من نیستید. ²⁷ گوسفندان من صدای من را می‌شنوند، و من آنها را می‌شناسم و آنها من را دنبال می‌کنند. ²⁸ و من به آنها زندگی جاودانه می‌دهم؛ و آنها هرگز از بین نخواهند رفت، و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد ربود. ²⁹ پدرم، که آنها را به من عطا کرده، بزرگتر از همه است و هیچ کس قادر نیست آنها را از دست پدرم برباید. ³⁰ من و پدرم یک هستیم. ³¹ بار دیگر، یهودیان سنگ برداشتند تا او را سنگسار کنند. ³² عیسی به آنها گفت: کارهای خوب بسیاری از پدرم به شما نشان داده‌ام. بابت کدام یک از آن کارها من را سنگسار می‌کنید؟ ³³ یهودیان پاسخ دادند: ما تو را به خاطر یک کار خوب سنگسار نمی‌کنیم، بلکه به

را می‌شناسم؛ و زندگی‌ام را فدای گوسفندان می‌کنم. ¹⁶ و گوسفندان دیگری هم دارد که از این آغل نیستند. آنها را نیز باید بیاورم، و آنها صدای من را خواهند شنید، و به یک گله با یک چوپان تبدیل خواهند شد. ¹⁷ به همین دلیل، پدر من را دوست می‌دارد، زیرا زندگی‌ام را فدای می‌کنم تا دوباره آن را بدست آورم. ¹⁸ هیچ کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من خودم آن را فدای می‌کنم. من قدرت این را دارم که آن را فدای کنم و قدرت این را دارم که دوباره آن را باز پس گیرم. من این دستور را از پدرم دریافت کردم.

¹⁹ به خاطر این سخنان، بین یهودیان اختلاف افتاد. ²⁰ و بسیاری از آنها گفتند: او دیو دارد و دیوانه است. چرا به او گوش می‌دهید؟ ²¹ دیگران گفتند: این‌ها گفته‌های یک دیوزده نیست. آیا یک فرد دیوزده می‌تواند چشمان کوران را باز کند؟

اتحاد پدر و پسر

²² عید تقدیس در اورشلیم بود. ²³ زمستان بود، و عیسی در معبد در امتداد رواق سلیمان قدم می‌زد. ²⁴

استمراری استفاده شده‌اند. خدا در حکمت عیسی رشد می‌کند و عیسی در حکمت خدا. ارتباط بین آنها یک ارتباط پویا است؛ جاودانگی برای ما «همان صحنه قدیمی» خواهد بود، ما نیز در حکمت خدا رشد می‌کنیم - و حتی برعکس.

10:16 گوسفندانی دیگر - غیر یهودیان؟

10:30 اتحاد بین پدر و پسر که اینجا درباره آن صحبت شده، همان اتحادی است که برقرارش بین پدر و تمام فرزندان ممکن است (یوحنا 17:21). استفاده از فرم خنثی برای «یک» (hen esmen - Greek) در یوحنا 10:30 نشان می‌دهد که پدر و پسر قابل تعویض نیستند - آنها با هم یکی نیستند، نه یکی و نه شبیه.

10:33-36 عیسی خدا بودن را رد می‌کند. او مثالی می‌زند از اینکه چگونه انسان‌ها

حقیقت داشت.⁴² و بسیاری در آنجا به او ایمان آوردند.

باب 11

رستاخیز ایلعازر

اینک مردی به اسم ایلعازر اهل بیت عنیا از دهکده مریم و خواهرش مرتا مریض بود.² و او همان مریمی بود که سرور را با عطر تدهین کرده بود و پاهای او را با موهایش پاک کرده بود، و برادرش ایلعازر مریض بود.³ بنابراین، خواهران نزد او رفتند و گفتند:⁴ سرورم، کسی که دوست داری بیمار است.⁴ اما وقتی عیسی این را شنید، گفت: این بیماری مرگ‌آور نیست، بلکه برای شکوه خداوند است تا از طریق آن پسر انسان جلال یابد.⁵ عیسی مرتا و خواهرش و ایلعازر را دوست داشت.⁶ بنابراین، وقتی شنید که ایلعازر مریض است، دو روز بیشتر در جایی که بود ماند.

⁷ سپس بعد از این، به شاگردان گفت: بیاوید دوباره به یهودیه برویم.⁸ شاگردان به او گفتند: استاد، همین چند روز پیش یهودیان می‌خواستند

خاطر کفرگویی و به این خاطر که تو که انسان هستی خودت را خدا می‌دانی!³⁴ عیسی پاسخ داد: آیا در شریعت شما نوشته نشده: من گفتم شما خدایان هستید؟³⁵ اگر او آن انسان‌ها را خدایان نامید که بر آنها کلام خدا آمد (و کتاب مقدس را نمی‌توان نقض کرد)،³⁶ آیا به کسی که پدر او را تقدیس کرد و به جهان فرستاد می‌گویید: تو کفر می‌گویی چون گفتم: من پسر خدا هستم؟

³⁷ اگر من کارهای پدرم را انجام ندهم، به من ایمان نیاورید.³⁸ اما اگر این کارها را انجام دهم، با این که به من ایمان ندارید، به این کارها ایمان بیاورید؛ تا شاید بدانید و بفهمید که پدر در من است و من در پدر هستم.

³⁹ دوباره آنها در صدد دستگیری او برآمدند، اما او از دست آنها فرار کرد.

⁴⁰ او دوباره به آن سوی اردن، به جایی رفت که یحیی در ابتدا تعمید می‌داد، و او آنجا ماند.⁴¹ بسیاری نزد او آمدند. و آنها گفتند: یحیی هیچ معجزه‌ای نکرد، اما هر چیزی که یحیی درباره این مرد گفت

«خدا» خوانده می‌شوند، **یهوه - عبری**، و نشان می‌دهد که مردم غیرمنطقی ادعا دارند که او فکر می‌کند خدا است، وقتی تنها پسر خدا خوانده شده است.

10:41 یوحنا هیچ معجزه‌ای نداشت و پیامی شدیدالحن از توبه و آمادگی برای آمدن عیسی را موعظه کرد. مردم جمع شدند تا سخنان او را بشنوند، وقتی آنچه گفت را پذیرفتند، توبه کرده و تعمید داده شدند. بنابراین، صداقت او بسیار آشکار بوده است؛ این بود که در چشم و گوش مخاطبین به او قدرت می‌داد. این می‌تواند در مورد موعظه‌های ما نیز صادق باشد.

11:6 عدم وجود پاسخ سریع برای درخواست‌های ما به این معنا نیست که خدا یا عیسی آنها را نشنیده‌اند. آنها «پاسخ داده‌اند»، اما ممکن است به دلایل متعدد، بیش از همه ستایش نام او، نمود آنها به تأخیر بیفتد.

²¹ مرتا به عیسی گفت: سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مُرد.²² و حتی الآن نیز می‌دانم که هر چه از خدا بخواهی، خدا به تو خواهد داد.²³ عیسی به او گفت: برادرت دوباره برخواید خاست.²⁴ مرتا به او گفت: می‌دانم که در رستخیز در روز آخر دوباره برخواید خاست.²⁵ عیسی به او گفت: من رستخیز و زندگی هستم. هر کسی که به من ایمان داشته باشد، با این که می‌میرد، زندگی خواهد کرد.²⁶ هر کسی که زندگی کند و به من ایمان داشته باشد هیچ وقت نخواهد مرد. آیا به این ایمان دارید؟²⁷ او به عیسی گفت: آری سرورم. من ایمان پیدا کردم که تو مسیح، پسر خدا هستی، همان کسی که قرار است به این دنیا بیاید.

²⁸ و وقتی این را گفت، رفت و مریم خواهرش را پنهانی صدا زد و گفت، استاد اینجا است و تو را فرا می‌خواند.²⁹ و وقتی این را شنید، سریع بلند شد و نزد عیسی رفت.³⁰ (عیسی هنوز وارد روستا نشده بود، بلکه هنوز همان جایی بود که مرتا او را ملاقات کرده بود).³¹ سپس یهودیانی که در خانه با او بودند و به او تسلیت می‌گفتند، وقتی دیدند که مریم سریع بلند شد و بیرون رفت، او را دنبال کردند و فکر کردند که می‌خواهد به قبرستان برود تا آنجا گریه کند.

تو را سنگسار کنند؛ و تو می‌خواهی دوباره آنجا بروی؟⁹ عیسی پاسخ داد: آیا یک روز دوازده ساعت نیست؟ اگر کسی در روز راه برود، نمی‌لغزد، زیرا نور دنیا را می‌بیند.¹⁰ اما اگر کسی در شب راه برود، می‌لغزد، زیرا نوری در او نیست. این‌ها را گفت، و بعد از آن به آنها گفت: دوست ما ایلعازر به خواب رفته است، اما من می‌روم تا او را از خواب بیدار کنم.¹² شاگردان به او پاسخ دادند: سرورم، اگر به خواب رفته، بهبود خواهد یافت.¹³ عیسی از مرگ ایلعازر سخن گفته بود؛ اما آنها فکر کردند او از خوابیدن ایلعازر سخن گفته است.¹⁴ سپس عیسی راحت به آنها گفت: ایلعازر مُرده است.¹⁵ من به خاطر شما خوشحالم که آنجا نبودم، تا شما ایمان بیاورید. به هر حال بیاوید نزد او برویم.¹⁶ توما، ملقب به دوقلو، به سایر شاگردان گفت: بیاوید ما هم برویم تا شاید با او بمیریم.

¹⁷ پس وقتی عیسی آمد، فهمید که چهار روز است که ایلعازر را در قبرش گذاشته‌اند.¹⁸ بیت عنیا نزدیک اورشلیم بود، در فاصله حدود سه کیلومتر.¹⁹ و بسیاری از یهودیان نزد مرتا و مریم رفته بودند تا بابت مرگ برادرشان به آنها تسلیت بگویند.²⁰ وقتی مرتا شنید که عیسی در راه است، رفت و او را ملاقات کرد؛ اما مریم در خانه ماند.

11:24 اینجا چیزی در مورد روح فناناپذیر که پس از مرگ برای پاداش گرفتن به آسمان می‌رود، گفته نشده است. برعکس، تأکید بر رستخیز جسم ایمانداران از مرگ است، وقتی عیسی بازگردد. ما با تعمید، مرگ و رستخیز عیسی را دریافته و می‌توانیم در امید بزرگ شریک شویم (رومیان 5-6:3)

باید جلال خداوند را ببینی؟⁴¹ پس آنها سنگ را برداشتند. و عیسی چشمانش را بالا برد و گفت: پدر، تو را شاکرم که صدای من را شنیدی.⁴² و می‌دانم که همیشه من را می‌شنوی، اما به خاطر جمعیتی که دور من ایستاده این را گفتم تا شاید آنها باور کنند که من را فرستادی.⁴³ و وقتی این را گفت، با صدای بلند فریاد زد: ایلعازر⁴⁴ مُرده بیرون آمد، دستان و پاهایش با کفن بسته شده بودند و صورتش با پارچه‌ای پوشیده شده بود. عیسی به آنها گفت: او را باز کنید و بگذارید برود.⁴⁵ بنابراین، بسیاری از یهودیانی که نزد مریم آمده بودند و کار عیسی را دیدند، به او ایمان آوردند.⁴⁶ اما برخی از آنها نزد فریسیان رفتند، و برای آنها کارهایی را که عیسی کرده بود تعریف کردند.

پاسخ فریسیان

⁴⁷ روحانیون اعظم و فریسیان شورایی تشکیل دادند و گفتند:

³² بنابراین، وقتی مریم جایی رفت که عیسی بود و او را آنجا دید، به پاهایش افتاد و به او گفت: سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مُرد.³³ وقتی عیسی گریه و زاری او و یهودیانی را دید که با او آمده بودند، در روح ناله کرد و آشفته شد،³⁴ و گفت: او را کجا گذاشته‌اید؟ آنها به او گفتند: سرورم، بیا و ببین.³⁵ عیسی گریست.³⁶ یهودیان گفتند: ببینید چقدر او را دوست دارد! ³⁷ اما بعضی از آنها گفتند: آیا این مرد که چشمان آن مرد کور را باز کرد، نمی‌توانست کاری کند که این مرد نیز نمیرد؟

³⁸ بنابراین، عیسی دوباره در خود ناله کرد و سر قبر رفت. قبر غاری بود که سنگی روی آن گذاشته شده بود.³⁹ عیسی گفت: سنگ را بردارید. مرتا، خواهر ایلعازر، به او گفت: سرورم، تا الان جسد متعفن شده است. زیرا چهار روز است که مرده است.⁴⁰ عیسی به او گفت: آیا به تو نگفتم که اگر ایمان داری،

11:38 نالان - در دعا برای خدا. به همین ترتیب «گریان» در آیه 35 نیز در دعا بود - رومیان 8:26 می‌گوید که عیسی اکنون نالان برای ما دعا می‌کند. بنابراین، ما نیز باید دعاهایمان را جدی بگیریم، با این آگاهی که یک واسطه قوی برای ما در آسمان و در برابر تخت خدا وجود دارد.

11:41 عیسی برای پاسخ گرفتن دعاهایش از خدا تشکر کرد، حتی پیش از آنکه پاسخ محقق شده باشد، یعنی، پیش از آنکه ایلعازر بیاید. عیسی ریاکار نبود - او هرچه آموخته بود را عملی می‌کرد، مرقس 11:24: «هر آنچه در دعا درخواست کنید، ایمان داشته باشید که آن را یافته‌اید و از آن شما خواهد بود.»

11:44 معجزه تنها رستاخیز نبود؛ بلکه مردی با دست‌ها و پاهای بسته بود که از کفن درآمده و در طول یک غار راه رفته، به ورودی آن رسیده و قدم به فضای آزاد می‌گذارد. شگفتی‌هایی که خدا در زندگی ما ایجاد می‌کند، شامل شگفتی‌های «کوچک‌تر» فراوانی هستند.

چکار کنیم؟ زیرا این مرد معجزات بسیاری می‌کند.⁴⁸ اگر او را تنها بگذاریم، همه به او ایمان خواهند آورد، و رومیان خواهند آمد و جایگاه و ملت ما را خواهند گرفت.⁴⁹ اما یکی از آنها به نام قیافا که آن سال روحانی اعظم بود به آنها گفت: هیچ چیز نمی‌دانید،⁵⁰ این را هم در نظر نمی‌گیرید که مقتضی است که یک نفر برای مردم بمیرد، تا کل ملت از بین نرود.⁵¹ او این را از خودش نگفت، بلکه چون آن سال روحانی اعظم بود، پیشگویی کرد که عیسی باید برای ملت بمیرد.

⁵² و نه تنها برای ملت، بلکه برای این که فرزندان خدا را، که در بیرون پراکنده هستند، یک جا جمع کند.⁵³ پس، از آن روز به بعد، با هم مشورت می‌کردند که چگونه او را بکشند.

⁵⁴ بنابراین، عیسی دیگر آشکارا میان یهودیان راه نمی‌رفت، بلکه از آنجا به سرزمینی نزدیک بیابان به شهری به اسم افرایم رفت؛ و آنجا با شاگردان ماند.

⁵⁵ عید فصح یهودیان نزدیک بود؛ و بسیاری از حومه به اورشلیم رفتند تا خود را قبل از فصح تطهیر کنند.⁵⁶ آنها دنبال عیسی گشتند، و با یکدیگر در حالی که در معبد

ایستاده بودند حرف زدند: نظر تو چیست؟ یعنی به مراسم عید نمی‌آید؟⁵⁷ روحانیون اعظم و فریسیان دستور داده بودند که اگر کسی می‌داند که او کجاست، باید آنها را مطلع کند تا آنها او را دستگیر کنند.

باب 12

مریم عیسی را تدهین می‌کند

بنابراین، شش روز قبل از عید فصح، عیسی به بیت عنیا رفت که محل زندگی ایلعازر بود که عیسی از میان مُردگان او را زنده کرده بود.² آنها برای او شام تهیه دیدند؛ و مرتا پذیرایی کرد، اما ایلعازر یکی از کسانی بود که با او نشست و غذا خورد.³ سپس مریم پیمانه‌ای از عطر سنبلی بسیار گرانبها را برداشت و پاهای عیسی را تدهین کرد، و پاهایش را با موهای خود پاک کرد. و خانه پر از رایحه عطر شد.⁴ اما یهودای اسخریوطی، یکی از شاگردانش، همان که به او خیانت خواهد کرد گفت:⁵ چرا این عطر به قیمت سه هزار دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟⁶ او این را گفت، نه به این خاطر که به فقرا اهمیت می‌داد، بلکه به این خاطر که او یک دزد بود، و مسئول کیسه پول

11:52 صلیب باید نماد اتحاد بین فرزندان خدا باشد. صلیب را باید به ویژه در مراسم پاره کردن نان ببینیم، زمانی که به یاد مرگ عیسی دور هم جمع می‌شویم. اینجا محل نفاق و طرد فرزندان خدا نیست، بلکه جای جشن گرفتن اتحادمان است.

12:6 هرکس عیسی را می‌شناخت قطعاً می‌دانست ماجرا چیست. اما او در این مورد با یهودا بحث نکرد، با این امید که توبه کند. وقتی قصور دیگران را می‌بینیم، شاید بحث کردن با آنها بلافاصله کاری منطقی نباشد.

¹⁶ شاگردانش این مسائل را در ابتدا درک نکردند؛ اما وقتی عیسی به جلال رسید، آن گاه به خاطر آوردند که این مطالب درباره او نوشته شده بود و آنها این کارها را برای او انجام داده بودند. ¹⁷ وقتی او ایلعازر را صدا زد تا از قبر بیرون آید و او را از میان مردگان زنده کرد، جمعیتی که همراه بودند شهادت دادند. ¹⁸ به همین دلیل نیز آن گروه رفتند و او را ملاقات کردند، زیرا شنیده بودند که او چنین معجزه‌ای کرده بود. ¹⁹ فریسیان به یکدیگر گفتند: می‌بینید هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. ببینید، دنیا به دنبال او رفته است.

عیسی از مرگ خود سخن

می‌گوید

²⁰ در میان کسانی که برای عبادت در عید رفته بودند، یونانیانی نیز حضور داشتند. ²¹ آنها نزد فیلیپس رفتند، که اهل بیت صیدای جلیله بود، و از او پرسیدند: آقا، می‌توانیم عیسی را ببینیم؟ ²² فیلیپس رفت و به اندریاس گفت، و سپس اندریاس و فیلیپس با هم رفتند و به عیسی گفتند. ²³ عیسی به آنها گفت: ساعتی فرا می‌رسد که پسر انسان جلال می‌یابد. ²⁴ به راستی به شما می‌گویم: اگر دانه گندمی داخل زمین

بود و از آنچه در آن گذاشته می‌شد برمی‌داشت. ⁷ عیسی پاسخ داد: با او کاری نداشته باش، آن را برای روز خاک‌سپاری‌ام نگه داشته است. ⁸ فقرا همیشه با شما هستند، اما من همیشه با شما نیستم.

⁹ اکثر مردم یهود فهمیدند که او آنجا بود و آمدند، نه فقط به خاطر عیسی بلکه به این دلیل که بتوانند ایلعازر را نیز ببینند که از میان مُردگان زنده شده بود. ¹⁰ اما روحانیون اعظم تصمیم گرفتند که ایلعازر را نیز به قتل برسانند، ¹¹ زیرا او باعث شده بود بسیاری از یهودیان بروند به عیسی ایمان بیاورند.

ورود عیسی به اورشلیم

¹² روز بعد، جمعیتی عظیم که برای عید آمده بودند، وقتی شنیدند که عیسی به اورشلیم می‌آید، ¹³ شاخه‌های درختان نخل را برداشتند و به ملاقات او رفتند و فریاد زدند: هوشیعا! مبارک باد آن کسی که به نام سرور، پادشاه اسرائیل، می‌آید! ¹⁴ و عیسی که کره الاغی را یافته بود، روی آن نشست. زیرا نوشته شده: ¹⁵ نترس ای دختر صهیون! ببین، پادشاهت در راه است و روی کره الاغی نشسته است.

12:7 علی رغم پیش‌بینی مرگ خود، به نظر می‌رسد که تنها مریم می‌دانست. یوحنا، در موعظه انجیل می‌گوید که حواریون مرد - موعظه‌گران عمومی انجیل - اساسی‌ترین بخش آن، یعنی مرگ عیسی را درک نکرده‌اند اما یک زن کرد. بنابراین، یوحنا یک زن را به عنوان الگوی شنوندگان و خوانندگان خود معرفی می‌کند.

12:24 عیسی پتانسیل بالا، محصول، را در تجربه‌ی دردناک پیش رو دید. ما نیز می‌توانیم با رنج‌هایمان این گونه روبرو شویم.

آمده است.³¹ اکنون زمان داوری این جهان است. اکنون شاهزاده این جهان بیرون رانده خواهد شد.³² و اگر از روزی زمین بالا برده شوم، همه انسان‌ها را به سوی خود خواهم کشاند.³³ اما این را در اشاره به این گفت که چگونه باید بمیرد.

³⁴ مردم از او پرسیدند: ما در تورات شنیده‌ایم که مسیح تا ابد زنده خواهد ماند؛ پس چطور می‌گویی: پسر انسان باید بالا برده شود؟ پسر انسان کیست؟³⁵ عیسی به آنها پاسخ داد: نور تا زمانی کوتاه در میان شما است. تا وقتی نور را دارید، راه بروید تا تاریکی بر شما غلبه نکند. هر کسی که در تاریکی راه برود، نمی‌داند به کجا می‌رود.³⁶ تا وقتی نور را دارید، به نور ایمان داشته باشید تا شاید فرزندان نور شوید. عیسی این‌ها را گفت و سپس رفت و خود را از آنان پنهان کرد.

ایمان به عیسی

نرود و نمیرد، تنها می‌ماند؛ اما اگر بمیرد، میوه زیاد به بار خواهد آورد.²⁵ آن کسی که زندگیش را دوست دارد آن را از دست می‌دهد، و آن کسی که از زندگیش در این دنیا بیزار است، آن را تا زندگی جاودانه نگه خواهد داشت.²⁶ اگر کسی مشتاق است که به من خدمت کند، باید من را دنبال کند. هر جا باشم، خادمم نیز آنجا خواهد بود. اگر کسی به من خدمت کند، پدر، او را سرافراز خواهد کرد.²⁷ اینک روح آشفته است؛ چه باید بگویم؟ پدر، من را از این ساعت نجات بده؛ اما من برای همین منظور به این ساعت رسیدم.²⁸ پدر، نامت را جلال بده. بنابراین، صدایی از آسمان آمد: من آن جلال داده‌ام، و دوباره نیز آن را جلال خواهم داد.²⁹ جمعیتی که ایستاده بودند و این را شنیدند گفتند که رعد بود. دیگران گفتند که فرشته‌ای با او سخن گفته بود.³⁰ عیسی پاسخ داد: این صدا نه به خاطر من بلکه به خاطر شما

12:25 برای رسیدن به زندگی جاودان، باید اول بمیریم. این نماد تعمید است - به زیر آب رفتن مانند مرگ با عیسی است، از آب درآمدن مانند رستاخیز با او (رومیان - 6:3-5). اما ما باید اول این اصل را در زندگی روزمره عملی کنیم، هر آنچه در این زندگی می‌توانیم داشته باشیم را قربانی نماییم تا بتوانیم به صورت جاودان زندگی کنیم.

12:27 این نگرش فوق‌العاده‌ای به فرآیند تفکرات درونی است که عیسی هنگام مبارزه با وسوسه داشت. چون در برابر وسوسه مقاومت کرد، قادر است ما را در زمان وسوسه حمایت کند (عبرانیان 4:15,16).

12:32 ما باید تصویر عیسی مصلوب بر مسیح را در ذهن خود بازسازی کنیم. اگر ما مردم خدا هستیم، در این صورت به وی نزدیکتر می‌شویم. «همه» به تمام انسان‌ها اشاره ندارد، بلکه تنها انسان‌های نزدیک به عیسی مصلوب را می‌گوید. این گروه افراد برای خدا «همه چیز» هستند.

12:34 پسر انسان - این توصیف محبوب عیسی از خودش است. بنابراین او بر انسان بودن خود تأکید می‌کند، اینکه او یکی از ما است، از طبیعت ما.

⁴⁴ و عیسی فریاد زد و گفت: هر کسی که به من ایمان دارد، بلکه به فرستنده من ایمان دارد. ⁴⁵ و هر کسی که من را می‌بیند، فرستنده من را می‌بیند. ⁴⁶ من به صورت نور به این جهان آمدم، تا هر کسی که به من ایمان بیاورد در تاریکی نماند. ⁴⁷ و اگر کسی گفته‌های من را بشنود و آنها را نگاه ندارد، او را قضاوت نخواهم کرد. زیرا من نه برای داوری این دنیا بلکه برای نجات دنیا آمدم. ⁴⁸ هر کسی که من را انکار کند و گفته‌هایم را نپذیرد، کسی هست که او را قضاوت خواهد کرد. کلامی که گفتم در روز آخر او را قضاوت خواهد کرد. ⁴⁹ زیرا من از خودم سخن نگفتم، بلکه پدری که من را فرستاد به من فرمان داده که چه بگویم و چه بر زبان آورم. ⁵⁰ و می‌دانم که فرمان او حیات جاودانه است. پس آنچه می‌گویم، همان طور که پدر به من گفته: به زبان می‌آورم.

³⁷ با وجود معجزات بسیاری که جلوی آنها انجام داد، باز هم به او ایمان نیاوردند. ³⁸ تا کلام اشعیا نبی محقق شود، که گفته بود: خداوند، چه کسی خبر ما را باور کرد؟ و آغوش خداوند برای چه کسی آشکار گشته است؟ ³⁹ به همین دلیل آنها نتوانستند باور کنند، زیرا اشعیا همچنین گفته بود: ⁴⁰ او چشمان آنها را کور و دل‌هایشان را سخت کرده است تا مبدا با چشمانشان ببینند، مبدا با دل‌هایشان بفهمند، و مبدا برگردند تا من شفایشان دهم. ⁴¹ اشعیا این‌ها را گفت زیرا جلال او را پیشگویی کرد و درباره او سخن گفت.

⁴² با این حال، حتی در میان حاکمان نیز بسیاری به او ایمان آوردند، اما به خاطر فریسیان به وجود او اعتراف نکردند تا مبدا از کنیسه اخراج شوند. ⁴³ زیرا آنها شکوهی را که از جانب انسان‌ها بود بیشتر از شکوهی که از جانب خدا است دوست داشتند.

12:40 خدا چشمان آنها که نمی‌خواهند ببینند را کور می‌کند. ما باید مراقب باشیم که در مسیر سقوط نیفتیم، بلکه در مسیر رو به بالای ایمان باقی بمانیم.

12:42 بسیاری از مردم امروز «ایمان دارند» اما آشکارا آن را اعلام نمی‌کنند، چون نگران نظر سایرین نسبت به خودشان هستند. خدا شرایطی را فراهم ساخته که حاکمانی مثل نقودیموس و یوسف آشکارا «اعلام کنند»؛ اما دیگران پاسخی به آن ندادند و چون شمع خود را مخفی کردند، ایمانشان را از دست داده و نورشان خاموش شد.

12:43 اگر ما ایمان داشته باشیم و به ایمانمان اعتراف کنیم، در نتیجه تعمید و زندگی متعهدانه، خدا نیز از ما تمجید می‌کند - در کتاب خود و به شیوه خود، حتی اگر جهانیان نبینند.

12:48 گویی آیات انجیل، کلام عیسی، در روز داوری بار دیگر برای ما نقل خواهد شد و عکس‌العمل ما به آنها مورد سؤال قرار خواهد گرفت. داوری یک فرایند دارد، و فقط به سؤالاتی که پاسخ آنها بله/خیر باشد ختم نمی‌گردد.

پاب 13 شام آخر

قبل از عید فصح، عیسی که می‌دانست ساعتش فرا رسیده است و باید از این دنیا نزد پدرش برود، همیشه متعلقان به خود را که در این دنیا بود محبت می‌نمود، و تا آخر نیز به آنها محبت کرد.

² و در طول شام، وقتی شیطان از قبل در دل یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود که به او خیانت کند، ³ عیسی که می‌دانست پدر همه چیز را به دستانش سپرده است، و از جانب خدا آمده و به سوی خدا می‌رود، ⁴ از سر شام بلند شد، لباس‌هایش را کنار گذاشت و حوله‌ای را به کمر بست. ⁵ سپس آب را داخل لگن ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردانش، و با حوله‌ای که به کمر بسته بود پاهایشان را خشک کرد.

⁶ وقتی به شمعون پطرس رسید، پطرس به او گفت: سرورم، آیا می‌خواهی پاهایم را بشویی؟ ⁷

عیسی در پاسخ به او گفت: کاری را که می‌کنم اکنون درک نمی‌کنی، اما بعداً خواهی فهمید. ⁸ پطرس به او گفت: هرگز نباید پاهایم را بشویی! عیسی به او پاسخ داد: اگر تو را نشویم، تو در من سهمی نداری. ⁹ اما پطرس به او گفت: سرورم، نه فقط پاهایم بلکه دستان و سرم را نیز بشوی.

¹⁰ عیسی به او گفت: کسی که غسل کرده نیازی به شست و شو ندارد، به غیر از پاهایش، بلکه سرتاسر پاک است؛ و شما نیز پاک هستید اما نه همه‌تان. ¹¹ زیرا او می‌دانست چه کسی قرار است به او خیانت کند؛ به همین دلیل گفت: همه شما پاک نیستید.

¹² پس وقتی پاهایشان را شست و لباس‌هایش را پوشید و دوباره نشست، به آنها گفت: آیا درک می‌کنید که با شما چه کردم؟ ¹³ شما من را استاد و سرور صدا می‌زنید، و نیک می‌گویید؛ زیرا چنین هستم. ¹⁴ پس در آن صورت، اگر استاد و

13:1 دادن زندگی خود برای مردم خدا یعنی «عشق در نهایت». عیسی در تصلیب خود این را برای ما معنی کرد.

13:3، 4 ما در این آیات احساس مسئولیت عیسی را می‌خوانیم. ما که صلیب او را حمل می‌کنیم، نیز باید این گونه باشیم. جریان تصمیماتی کوچک که هر روزه با آن روبرو هستیم، در متن زندگی هدفمندی که در عیسی داریم، اتخاذ می‌شود.

13:5 شستن پای میهمان وظیفه دون‌پایه‌ترین خدمتکار بود. عیسی به ما نشان داد که بزرگی در خدمت فروتنانه است، «خدمتگزار همه بودن». حتی پطرس نیز تلاش کرد تا گستره عظیم این اصل را دریابد (آیه 7) و درک آن برای ما نیز دشوار است.

13:8 سهمی نخواهی داشت-این می‌تواند اشاره‌ای باشد به اهمیت حیاتی تعمید به منظور «در عیسی» بودن؛ «کسی که ایمان دارد و تعمید شده، رستگار می‌شود» (یوحنا 3:5-3:3)؛ کسی نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود مگر اینکه از آب و روح زاده شود (یوحنا 3:5-3:3).

آشفته شد و شهادت داد: به راستی، به به راستی، به شما می‌گویم: یکی از شما به من خیانت خواهد کرد. ²² شاگردان به یکدیگر نگریستند، و در این فکر بودند که درباره چه کسی سخن می‌گوید. ²³ یکی از شاگردان عیسی سر سفره بود که به سینه او تکیه زده بود و عیسی او را دوست می‌داشت. ²⁴ شمعون پطرس به او اشاره کرد و به او گفت: به ما بگو که درباره چه کسی سخن می‌گوید. ²⁵ او همان طور که در آغوش عیسی بود، به عقب تکیه زد و به او گفت: سرورم، او کیست؟ ²⁶ عیسی پاسخ داد: او همان کسی است که لقمه نان را فرو بردم و به او دادم. وقتی لقمه نان را فرو برد، آن را به یهودا، پسر شمعون اسخریوطی، داد. ²⁷ پس از آن که یهودا لقمه را گرفت، شیطان وارد او شد. عیسی به او گفت: هر کاری که قرار است بکنی، سریع بکن. ²⁸ هیچ کس سر سفره نفهمید که به چه علت عیسی این را به یهودا گفت. ²⁹ برخی فکر

سرورتان پاهایتان را شسته، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید. ¹⁵ زیرا به شما نمونه‌ای دادم، تا همان کاری که با شما کردم را انجام دهید. ¹⁶ به راستی به شما می‌گویم: خادم از سرورش بزرگتر نیست، آن کسی که فرستاده شده نیز از فرستنده خویش بزرگتر نیست. ¹⁷ اگر این چیزها را بدانید و به آن عمل کنید، خوشا به حالتان.

¹⁸ من در مورد همه شما سخن نمی‌گویم. من برگزیدگانم را می‌شناسم؛ اما کتاب مقدس باید محقق شود: آن کسی که نان من را می‌خورد پاشنه‌اش را علیه من بلند کرده است. ¹⁹ از این زمان به بعد، قبل از هر رخدادی، به شما خواهم گفت تا وقتی اتفاق می‌افتد، ایمان بیاورید که من او هستم. ²⁰ و به راستی به شما می‌گویم: ⁴⁰ آن کسی که شما را قبول کند من را قبول کرده، و آن کسی که من را قبول کرده فرستنده مرا قبول کرده است. ²¹ وقتی عیسی این را گفت، روحش

13:16 عیسی مکرراً خود را «فرستاده» خدا می‌داند؛ پس دریافته که خدا از او بزرگتر است، و مشخصاً در این آیه می‌گوید، یوحنا 14:28. بنابراین، او «خدا» در معنای تثلیث نبود.

13:19 هدف پیشگویی/پیش‌بینی انجیلی این نیست که نقشه راهی از حوادث آینده به ما بدهد، بلکه وقتی حوادث اتفاق می‌افتند، ما قادر خواهیم بود آنها را در بافت معنویشان درک کنیم.

13:20 ما نمایندگان عیسی در این جهان هستیم، و رفتار ما باید مناسب باشد. **13:23** این حواری دیگر احتمالاً یوحنا بوده است. یوحنا در موعظه انجیل، تأکید را از خودش برمی‌داشت. او خود را تنها یک حواری می‌خواند که مورد محبت عیسی بوده است. ما نیز باید هنگام موعظه انجیل چنین نگرشی داشته باشیم و به جای تمرکز بر خودمان بر عیسی متمرکز شویم.

13:26 این نشانه مهمان ویژه بودن است. درک بزرگی عشق عیسی نسبت به ما، یا ما را به سمت توبه رهنمون می‌شود، یا مانند یهودا به درون تاریکی می‌افتیم.

³⁶ شمعون پطرس به او گفت: سرورم، کجا می‌روی؟ عیسی پاسخ داد: جایی که می‌روم، نمی‌توانی اکنون به دنبال من بیایی، اما بعدها خواهی آمد. ³⁷ پطرس به او گفت: سرورم، چرا نمی‌توانم همین الآن دنبالت بیایم؟ جانم را فدایت خواهم کرد! ³⁸ عیسی پاسخ داد: جانم را فدای من خواهی کرد؟ به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: خروس نخواهد خواند، تا این که سه بار من را انکار کنی.

باب 14

شناختن پدر و پسر

دل‌تان مضطرب نشود. به خدا ایمان داشته باشید و همچنین به من. ² منزل‌های بسیاری در خانه پدرم هست. اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. می‌روم جایی را برای شما آماده سازم. ³ و اگر بروم و جایی را برای شما آماده سازم، دوباره خواهم آمد و شما را نزد خود خواهم پذیرفت؛ تا جایی که هستم شما نیز باشید. ⁴ و هر جا بروم، راه را خواهید شناخت. ⁵ شما به او گفت: سرورم،

کردند که چون یهو کپسه پول را در اختیار داشت، عیسی به او گفت: هر چه برای عید نیاز داریم بخر، یا این که چیزی به فقرا بده. ³⁰ او پس از این که لقمه را گرفت، فوراً بیرون رفت و شب بود.

عیسی انکارهای پطرس را

پیش‌بینی می‌کند

³¹ وقتی رفت، عیسی گفت: اینک پسر انسان جلال می‌یابد، و خدا در او جلال می‌یابد. ³² و خدا او را در خودش جلال خواهد داد، و فوراً به او جلال خواهد داد. ³³ ای فرزندان کوچکم، مدتی کوتاه با شما هستم. شما دنبال من خواهید گشت اما همان طور که به یهودیان گفتم، جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید بیایید. پس اکنون به شما می‌گویم. ³⁴ فرمانی جدید به شما می‌دهم: یکدیگر را دوست بدارید. همان طور که من شما را دوست داشتم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. ³⁵ این گونه اگر به یکدیگر محبت کنید، همه مردم خواهند فهمید که شما شاگردان من هستید.

13:34 آنچه در مورد این دستور، «جدید» است، این است که دوست داشته باشیم، آن گونه که عیسی ما را دوست داشت. و او برای ما جان داد، عادل برای ناعادل، تا شاید ما را به سمت خدا ببرد.

13:35 عشق غیرمعمول ما به دیگران باید شاهی درخشان باشد که توجه اطرافیانمان را جلب می‌کند.

14:2 خانه خدا یعنی معبد او، خانواده او - نه آسمان‌ها به عنوان یک مکان. برای هرکدام از ما درون خانواده او جایگاه ویژه‌ای وجود دارد. «من می‌روم» پاسخ پرسش پطرس در 13:36 است: «کجا می‌روی؟» عیسی به سمت صلیب می‌رفت و بار دیگر در رستاخیزش «باز می‌گردد». آموزه این آیات این نیست که ما به آسمان خواهیم رفت.

کارهایی بس بزرگتر از این خواهد کرد زیرا من نزد پدر می‌روم.¹³ و هر چیزی را که به نام من بخواهید، آن را انجام خواهم داد، و پدر در پسر جلال خواهد یافت.¹⁴ اگر چیزی به نام من بخواهید، آن را انجام خواهم داد.

تسلی بخش

¹⁵ اگر من را دوست بدارید، فرمان‌های من را نگاه خواهید داشت.¹⁶ و از پدر خواهم پرسید و او تسلی‌دهنده دیگری به شما خواهد داد تا برای همیشه با شما باشد،¹⁷ روح حقیقت که دنیا نمی‌تواند بپذیرد. زیرا نه آن را می‌بیند و نه آن را می‌شناسد. شما حقیقتاً او را می‌شناسید زیرا نزد شما است و در شما خواهد ماند.¹⁸ شما را مانند یتیمان ترک نخواهم کرد. نزد شما خواهم آمد.¹⁹ اندکی بعد، دنیا دیگر من را نمی‌بیند؛ اما شما من را خواهید دید. زیرا من زنده هستم، شما نیز زنده خواهید ماند.²⁰ در آن روز، حقیقتاً خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من

ما نمی‌دانیم کجا می‌روی. چگونه راه را تشخیص دهیم؟⁶ عیسی به او گفت: من راه و حقیقت و حیات هستم. هیچ کس جز از طریق من نزد پدر نمی‌رود.

⁷ اگر حقیقتاً من را می‌شناختید، پدرم را نیز به واقع می‌شناختید. از این به بعد، شما به راستی او را خواهید شناخت و او را دیده‌اید.⁸ فیلیپس به او گفت: سرورم، پدر را به ما نشان بده و این برای ما کافی است.⁹ عیسی به او گفت: فیلیپس، این همه مدت با شما بوده‌ام، و تو به واقع مرا نمی‌شناسی؟ هر که من را دیده، پدر را دیده است. چطور می‌گویی: پدر را به ما نشان بده؟¹⁰ آیا باور نداری که من در پدر هستم و پدر در من؟ کلامی که به شما می‌گویم، از خودم نمی‌گویم؛ بلکه پدر که در من ساکن است کارهایش را می‌کند.¹¹ باور کنید که من در پدر هستم و پدر در من است؛ یا فقط به خاطر آن کارها من را باور کنید.¹² و به راستی به شما می‌گویم: هر کسی که به من ایمان دارد، کارهایی را که می‌کنم او نیز خواهد کرد؛ و

14:6 بنابراین، مذاهب غیر مسیحی نمی‌توانند راهی به رستگاری باشند.

14:9 ««دیدن» در انجیل یوحنا اغلب یعنی دریافتن. هیچ کس نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه، خدا را ببیند، اما عیسی برای ما آشکار کرده (یوحنا 1:18) که ما همان قدر که عیسی را ««دیده» و درک کنیم، قادر خواهیم بود خدا را نیز ««ببینیم»».

14:10 اینجا کلام و عمل عیسی با هم برابر شده است. کلام ما نیز باید به پشتوانه اعمالمان بوده و با آن مطابق باشد.

14:13 این وعده‌ای عام نیست که هر آنچه هرکس بخواهد را در بر بگیرد؛ هر آنچه که ما بخواهیم و تمجید خدا باشد، محقق می‌شود.

14:19 رستخیز عیسی تضمین رستخیز ما است - اگر ما در او تعمید داده شویم، زندگی جدید او در ما زیسته می‌شود (رومیان 5-6:3).

خواهد شد که همه گفته‌هایم را به خاطر آورید.

²⁷ آرامش را با شما به جا می‌گذارم. آرامشم را به شما می‌دهم. نه آن طور که جهان می‌دهد، من به شما می‌دهم. دلتان آشفته و هراسان نباشد. ²⁸ شنیدید که چطور به شما گفتم: من می‌روم و نزد شما می‌آیم. اگر من را دوست داشتید، از این که نزد پدر می‌روم خوشحال می‌شدید. زیرا پدر از من بزرگتر است. ²⁹ و اکنون قبل از این که اتفاق بیفتد به شما گفتم، تا وقتی اتفاق می‌افتد ایمان بیاورید.

³⁰ دیگر چیز زیادی به شما نخواهم گفت. زیرا شاهزاده جهان می‌آید؛ اما هیچ ادعایی بر من ندارد. ³¹ و او می‌آید تا جهان بداند که من پدر را دوست دارم؛ و همان طور که پدر به من فرمان داد، اکنون اجرا خواهم کرد. برخیزید، بیایید اینجا را ترک کنیم.

در شما. ²¹ هر کسی که فرمان‌های من را دارد و حفظ کند، اوست آن کسی که من را دوست دارد؛ و هر کسی که من را دوست دارد، پدرم او را دوست خواهد داشت؛ و من او را دوست خواهم داشت و خودم را به او نشان خواهم داد.

²² یهودا (نه آن اسخریوطی) به او گفت: سرورم، چگونه خودت را به ما نشان خواهی داد و نه به جهان؟ ²³ عیسی در پاسخ به او گفت: اگر کسی من را دوست بدارد، کلام من را حفظ خواهد کرد، و پدرم او را دوست خواهد داشت؛ و من نزد او خواهم آمد و با او خانه‌مان را خواهیم ساخت. ²⁴ هر کسی که من را دوست ندارد، کلام من را نگه نمی‌دارد؛ و کلامی که شما می‌شنوید از آن من نیست، بلکه متعلق به پدر است که من را فرستاده است. ²⁵ این‌ها را در حالی که هنوز با شما هستم به شما گفتم. ²⁶ اما تسلی‌بخش، روح‌القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد، به شما همه چیز را تعلیم خواهد داد و سبب

14:21 دارد ... و پیروی می‌کند. دانش درست از کلام عیسی مهم است. اگر کلام او را درک نکنیم، نمی‌توانیم از آن پیروی کنیم.

14:22, 23 دلیل اینکه چرا همه عیسی و خدا را درک نمی‌کنند این است که آنها به کلام خود پایبند نیستند.

14:26 پس مدافع، روح‌القدس، ارتباطی ویژه با حواریونی دارد که سخنان عیسی را شنیده گویند؛ این تمام چیزهایی که او به آنها گفته بود را به خاطرشان آورد، پس آنها توانستند انجیل الهام شده را بنویسند.

14:27 آرامش- در عبری، **شالوم**. مردم یهودی به یکدیگر «شالوم» می‌گفتند، اما «شالوم» عیسی تنها کلام نیست، بلکه آرامش واقعی است که می‌توان آن را حس کرد، شناخت و تجربه نمود.

14:28 زیرا پدر بزرگتر از من است- این به روشنی این نظر را رد می‌کند که عیسی با خدا یکی است. خدا بزرگتر از عیسی بود.

باب 15

تاک حقیقی

افکنده می‌شود و می‌سوزند.⁷ اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر چه می‌خواهید طلب کنید و برای شما انجام خواهد شد.⁸ جلال پدر من در این است که میوه بیشتری بدهید؛ و شاگرد من بشوید.⁹ همان طور که خدا من را دوست داشته، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در عشق من بمانید.¹⁰ اگر احکام من را نگاه دارید، در عشق من خواهید ماند؛ همان طور که من احکام پدرم را نگاه داشتم و در عشق او ماندم.¹¹ این‌ها را به شما گفتم تا شادیم در شما باشد و شادی شما کامل شود.¹² حکم من این است: که یکدیگر را دوست بدارید همان طور که من شما را دوست داشتم.¹³ هیچ کس عشقی بزرگتر از این ندارد که شخصی زندگی‌اش را بابت دوستانش فدا کند.¹⁴ شما دوستان من هستید اگر کارهایی را که به شما حکم می‌کنم انجام دهید.¹⁵ دیگر شما را خادم صدا نمی‌زنم. زیرا خادم نمی‌داند

من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است.² هر شاخه در من که هیچ میوه‌ای به بار نمی‌دهد، او آن را هرس می‌کند؛ و هر شاخه‌ای که میوه می‌دهد، آن را پاک می‌کند تا میوه بیشتر دهد.³ شما با کلامی که به شما گفتم، از قبل پاک شده‌اید.⁴ در من بمانید و من در شما. همان طور که شاخه نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد، مگر این که در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید مگر آن که در من بمانید.

⁵ من تاک هستم و شما شاخه‌ها هستید. هر کسی که در من بماند و من در او بمانم، میوه بیشتری به بار خواهد آورد. زیرا جدا از من هیچ کاری نمی‌توانید بکنید.⁶ اگر کسی در من نماند، در قالب شاخه بیرون انداخته خواهد شد و خواهد خشکید، و این‌ها جمع می‌شوند و در آتش

15:1, 2 عیسی نمی‌گوید «من تنه هستم و شما شاخه‌ها». او ما است و ما او هستیم. این است صمیمیت او با ما، و اینکه چرا هیچ شاخه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که ارتباطی با سایر شاخه‌ها ندارد.

15:4, 5 میوه معنوی واقعی توسط آنها که خارج از عیسی هستند، به بار نمی‌آید.
15:6 اگر ارتباطمان با ساقه قطع شود، پژمرده می‌شویم. هدف از مسیحیت، زندگی در انزوا و دوری از دیگران نیست.

15:7 یوحنا نیز می‌نویسد که اگر هرچیزی را براساس خواست خدا بخواهیم، صدای ما شنیده می‌شود (1 یوحنا 5:14). اما اگر کلام خدا در ما زنده باشد، براساس اراده خودمان خواسته و شنیده می‌شویم - چون اراده ما تبدیل به اراده خدا می‌شود، اگر کلام او در ما ساکن باشد. ما چیزی که می‌خواهیم را درخواست نمی‌کنیم، بلکه آنچه اراده‌ی خدا باشد را می‌خواهیم - اراده‌ی او تبدیل به اراده‌ی ما می‌شود.

15:5 اسلام و بسیاری مذاهب دیگر بسیار در مورد «تسلیم» صحبت می‌کنند. اما ما دوستان عیسی هستیم، نه برده‌های او. کار ما برای او با انگیزه عشق است و در

آنها همه این کارها را به خاطر نام من در حق شما خواهند کرد، زیرا حقیقتاً فرستنده من را نمی‌شناسند.

²² اگر نیامده و با آنها سخن نگفته بودم، گناهی نداشتند، اما اینک هیچ بهانه‌ای برای گناهان خود ندارند. ²³ هر کسی که از من بیزار است از پدرم نیز بیزار است. ²⁴ اگر کارهایی را که هیچ انسان دیگری نکرده، در بین آنها انجام نداده بودم، گناهی نداشتند؛ اما اکنون هم این کارها را دیده‌اند و هم از من و هم از پدرم متنفر شده‌اند. ²⁵ همه این‌ها اتفاق افتاد تا کلامی که در تورات آنها نوشته شده محقق گردد: آنها بی‌دلیل از من متنفر بودند.

²⁶ و وقتی تسلی‌بخش می‌آید که از جانب پدرم برای شما خواهم فرستاد، روح حقیقت که از پدر می‌آید، بر من شهادت خواهد داد. ²⁷ و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا شما از ابتدا با من بوده‌اید.

پاپ 16

این‌ها را به شما گفتم تا لغزش نداشته باشید. ² شما را از کنیسه‌ها اخراج خواهند کرد. آری، زمانی فرا می‌رسد

که سرورش چه می‌کند؛ بلکه من شما را دوست می‌خوانم زیرا همه چیزهایی که از پدرم شنیدم را بر شما آشکار ساختم. ¹⁶ شما من را انتخاب نکردید، بلکه من شما را برگزیدم، و منصوب کردم تا بروید و میوه بدهید و میوه‌تان باید بماند. پس هر کاری که از خدا به نام من بخواهید، به شما آن را عطا خواهد کرد. ¹⁷ این‌ها را به شما حکم می‌کنم تا یکدیگر را دوست بدارید.

مؤمن و دنیا

¹⁸ اگر دنیا از شما بیزار است، بدانید که پیش از آن که از شما بیزار باشد، از من متنفر بوده است. ¹⁹ اگر متعلق به این دنیا بودید، دنیا متعلقان به خود را دوست خواهد داشت؛ اما چون از آن این دنیا نیستید بلکه من شما را از میان دنیا برگزیدم، بنابراین دنیا از شما بیزار است. ²⁰ کلامی را که به شما گفتم به یاد داشته باشید: یک خادم از سرور خود بزرگتر نیست. اگر من را اذیت کردند، شما را نیز اذیت خواهند کرد. اگر کلام من را نگاه داشتند، کلام شما را نیز نگاه خواهند داشت. ²¹ اما

همکاری فعالانه با او انجام می‌شود، ما با او و در راستای یک هدف کار می‌کنیم - تمجید خدا.

15:16 آغاز کار با خدا و عیسی بود - چون ما با فیض محض نجات یافته‌ایم. ما باید در نشان دادن عشق و فیض به دیگران، آغازگر باشیم، همان طور که خدا برای ما بود. **15:18-20** بنابراین، باید انتظار مخالفت از سوی دنیا را داشته باشیم، همان طور که در وعده آغازین انجیل در پیدایش 3:15 پیش‌بینی شده است.

15:22 اطلاع از کلام خدا مسئولیت ایجاد می‌کند.

16:2 عیسی به حواریونش نگفت که کنیسه را ترک کنند، اگرچه آنها مملو از آموزه‌ها و رفتارهای کاذب بودند. او پیش‌بینی کرد که پیروانش از کنیسه‌ها طرد می‌شوند، چون

مورد قضاوت واقع شده است.
¹² هنوز چیزهای بسیاری دارم که به شما بگویم، اما شما اکنون تحمل آن را ندارید. ¹³ اما وقتی او، روح حقیقت می‌آید، شما را به سوی همه حقیقت هدایت خواهد کرد. زیرا او از جانب خودش حرف نمی‌زند؛ بلکه هر چه خواهد شنید، به زبان خواهد آورد؛ و به شما از اتفاقات آینده خبر خواهد داد. ¹⁴ او من را جلال خواهد داد؛ زیرا هر چه از آن من است را خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد. ¹⁵ همه چیزهایی که پدر دارد، از آن من است. برای همین گفتم که هر چه از آن من است را خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد.

عیسی قول می‌دهد دوباره

شاگردان را خواهد دید

¹⁶ کمی بعد دیگر من را نخواهید دید؛ و سپس کمی بعد، شما من را خواهید داد، زیرا نزد پدرم می‌روم. ¹⁷ برخی از شاگردانش از یکدیگر پرسیدند:

که هر کسی که شما را بکشد، گمان خواهد کرد که به خدا خدمت می‌کند. ³ و آنها این کارها را خواهند کرد، زیرا نه پدر و نه من را نشناخته‌اند. ⁴ اما این‌ها را به شما گفتم تا وقتی زمان فرا می‌رسد، به خاطر بیاورید که چه گفتم. و این‌ها را از ابتدا به شما نگفتم، زیرا با شما بودم. ⁵ اما اکنون نزد فرستنده خود می‌روم؛ و هیچ یک از شما نمی‌پرسید، کجا می‌روی؟ ⁶ اما چون این‌ها را به شما گفتم، غم و اندوه دل‌تان را فرا گرفته است. ⁷ اما من حقیقت را به شما می‌گویم: برای شما بهتر است که من بروم. زیرا اگر نروم، تسلی‌بخش نزد شما نخواهد آمد. او را نزد شما خواهم فرستاد. ⁸ و وقتی می‌آید، دنیا را در مورد گناه و عدالت و قضاوت محکوم خواهد کرد. ⁹ در مورد گناه، چرا که به من ایمان نمی‌آورند. ¹⁰ در مورد عدالت، چرا که نزد پدر می‌روم و شما دیگر من را نمی‌بینید. ¹¹ در مورد قضاوت، زیرا شاهزاده این دنیا

حقیقت را در مورد او آموخته بودند. کلیسای اولیه از شهادتی که در کنیسه به عیسی صورت گرفته بود، آغاز شد. ما نباید در مورد «گناهان مشارکتی» با کسانی که ایمان داشته اما اشتباه کرده‌اند، نگران باشیم؛ بلکه باید تلاش کنیم به آنها آموزش داده و عیسی واقعی را بشناسانیم، و در زمان خود اگر از حقیقت نباشند، ما را طرد خواهند کرد.

16:5 هیچ کس نمی‌پرسد. آیا عیسی این جمله را با ناراحتی و نومیدی گفت، یا با لحن تند انتقادی؟ همچنین ببینید که در آیه 31 چگونه سخن می‌گوید.

16:12 نگاهی ببیندازید به رساله اول قرن‌تین 3:2 و عبرانیان 5:11. در اینجا، تلویحاً به این آیات در بخش‌های پایانی عهد جدید اشاره می‌شود. نویسندگان عهد جدید مانند پولس چنان لبریز از کلام عیسی بودند که آگاهانه و ناخودآگاه همواره به آنها اشاره ضمنی می‌کردند. کلام عیسی نیز باید چنان در ما ساکن شود که ما نیز این گونه باشیم. **16:17** این یک تناقض است - ایمانداران زمانی عیسی را می‌بینند که دیگر قادر به دیدن او نیستند. کار مدافع به گونه‌ای است که ما می‌توانیم عیسی را به همان اندازه

²⁵ این‌ها را به صورت تمثیلی به شما گفتم. ساعتی فرا می‌رسد که دیگر به زبان تمثیلی با شما سخن نخواهم گفت، بلکه واضح و بی‌پرده درباره پدر با شما صحبت خواهم کرد. ²⁶ در آن روز، به نام من درخواست خواهید کرد؛ و به شما نخواهم گفت که برای شما با پدر نیایش خواهم کرد. ²⁷ زیرا پدر خودش شما را دوست دارد، چون من را دوست داشتید و ایمان داشتید که از جانب پدر آمدم. ²⁸ من از سوی پدر به این دنیا آمدم. اینک دنیا را ترک می‌کنم و به سوی پدر می‌روم. ²⁹ شاگردانش گفتند: اکنون واضح حرف می‌زنی نه به زبان تمثیل و استعاره! ³⁰ اکنون مطمئن هستیم که همه چیز را می‌دانی و نیازی نیست کسی از تو چیزی بپرسد. بر همین اساس، ایمان داریم که از سوی خدا آمدی.

³¹ عیسی پاسخ داد: اکنون ایمان دارید؟ ³² بنگرید، ساعتی فرا می‌رسد، آری، آن ساعت فرا رسیده است که پراکنده خواهید شد، هر کسی به خانه خودش، و من را تنها خواهید گذاشت؛ و باز هم من تنها نیستم زیرا پدر با من است. ³³ این‌ها را به شما گفتم تا در من آرامش بیابید. در دنیا رنج خواهید کشید؛ اما شهادت داشته باشید؛ من به دنیا غلبه کردم.

این چیست که او به ما گفت؟ کمی بعد دیگر من را نخواهید دید؛ و سپس کمی بعد، شما من را خواهید دید، زیرا نزد پدرم می‌روم؟ ¹⁸ آنها گفتند: این چیست که او گفت؟ کمی بعد؟ نمی‌توانیم حرف او را بفهمیم. ¹⁹ عیسی فهمید که می‌خواهند از او بپرسند و به آنها گفت: آیا بین خود درباره چیزی که گفتم سؤال می‌کنید؟ این که کمی بعد دیگر من را نخواهید دید؛ و سپس کمی بعد، شما من را خواهید داد؟ ²⁰ و به راستی به شما می‌گویم: شما گریه و زاری خواهید کرد، اما دنیا خوشحال خواهد شد. شما اندوهگین خواهید شد، اما اندوه شما به شادی تبدیل خواهد شد! ²¹ زنی که در حال زایمان است غم دارد، زیرا ساعتش فرا می‌رسد؛ اما وقتی کودک را به دنیا می‌آورد، به خاطر شادی به دنیا آوردن یک فرزند درد خود را به خاطر نمی‌آورد. ²² شما اکنون غمگین هستید، اما دوباره شما را خواهم دید و دلتان شاد خواهد شد، و شادی‌تان را هیچ کس از شما نخواهد گرفت. ²³ در آن روز، هیچ سؤالی از من نخواهید پرسید. به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: هر چه از پدر بخواهید، به اسم من به شما خواهد داد. ²⁴ تاکنون چیزی به نام من نخواستید. بخواهید و به دست خواهید آورد، تا شادی‌تان کامل شود.

واقعی که حواریون در زمان زندگیش روی زمین دیده بودند، ببینیم. اما این در صورتی است که ما اجازه دهیم مدافع به صورت کامل عمل کند.

16:33 غالب آمده‌ام. اما او هنوز نمرده بود و بر دنیا غالب آمده بود. او نیز باور داشت که غالب می‌آید و به نوعی صحبت می‌کند که گویی قبلاً غالب آمده است.

باب 17

نیایش عیسی با خدا

این‌ها را عیسی گفت و چشمانش را به سمت آسمان بالا گرفت و گفت: پدر، ساعت فرا می‌رسد. پسر را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد، همان طور که به او بر سر همه جان‌ها قدرت دادی، تا به همه کسانی که به او عطا کردی زندگی جاودانه بدهد.³ و این است زندگی جاودانه که تو، خدای یکتای حقیقی، و فرستنده تو، عیسی مسیح، را بشناسند.
⁴ من تو را در زمین جلال دادم،

و کاری را که به من سپردی انجام دادم.⁵ و اکنون پدر، من را با خودت، با شکوهی که قبل از آفرینش دنیا با تو داشتی، به من جلال بده.
⁶ من نام تو را به مردمی که از این دنیا به من عطا کردی نشان دادم. آنها از آن تو بودند و آنها را به من عطا کردی و کلام تو را حفظ کردند.
⁷ اکنون آنها می‌دانند که همه چیز، هر چه به من داده‌ای از آن توست.⁸ زیرا کلامی را که به من عطا کردی به آنها دادم، و آنها آن را پذیرفتند و این حقیقت را فهمیدند که من از سوی تو آمدم؛ و باور کردند که تو من را فرستادی.

17:3 «بشناسد» در وجه استمراری در یونانی استفاده شده است. ما ابدیت را در پرورش حکمت خدا سپری خواهیم کرد. این است زندگی جاودان. اگر ما نخواهیم خدا را اکنون بشناسیم، پس دلیلی ندارد که زندگی جاودان در ملکوت خدا به ما داده شود که این کار را انجام دهیم.

17:5 باید به یاد داشته باشیم که در محیطی با پیشینه یهودی، سرورمان عیسی مسیح صحبت می‌کرد و یوحنا می‌نوشت. زبان «پیش از آغاز جهان» در تفکرات و نوشته‌های یهودی رایج بود. «با خدا» بودن، در یهودیت، به معنای بالا و در آسمان و در کنار خدا بودن نیست. مریم **مشمول** لطف خدا بود (لوقا 1:30) همان طور که عیسی **مشمول** فیض خدا، اما این بدین معنا نیست که او از پیش وجود داشته یا در آسمانها با خدا بوده است. تصور این است که تورات وجود داشته، هر چیزی روی زمین الگویی از نظرات از پیش موجود درباره چیزهایی بوده که در برنامه و ذهن خدا در آسمان بوده‌اند. یوحنا 17:5 اشاره‌ای دارد به این موارد: «و اکنون ای پدر، من را با خودت، با شکوهی که قبل از آفرینش دنیا با تو داشتی به من جلال بده.» تلمود و ربه پیدایش نیز از «تخت جلال» صحبت می‌کنند که پیش از وجود جهان وجود داشته است. و احتمالاً خداوند عیسی نیز به آنها اشاره می‌کند. اذهان یهودی درک نمی‌کردند که خداوند عیسی اینجا ادعایی مبنی بر وجود فیزیکی یا جسمی پیش از تولد، مطرح نمی‌کند. پطرس تفکر یهودی را نشان می‌دهد وقتی می‌نویسد (اگرچه در نتیجه الهام) که عیسی پیش از آفرینش جهان «از پیش دانسته بود» (1 پطرس 1:20). در مورد معنای ضمنی «از پیش دانسته» بیندیشید - واژه یونانی استفاده شده ریشه واژه انگلیسی «پیش‌بینی» است. اگر خدا پسر خود را «از پیش دانسته بود»، پس پسر در زمان انتخاب، حضور فیزیکی نزد پدر نداشته است. در غیر این صورت، «از پیش دانستن» بی معنا می‌شود.

را در حقیقت تقدیس کن. کلام تو حقیقت است.¹⁸ تو من را به این دنیا فرستادی، همان طور که من آنها را به این دنیا می‌فرستم.¹⁹ و به خاطر آنها، خودم را تقدیس می‌کنم تا آنها نیز در حقیقت تقدیس شوند.

²⁰ فقط برای این‌ها دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی نیز که از طریق کلامشان به من ایمان دارند؛²¹ دعا می‌کنم که یکی شوند، همان طور که تو، پدر در من هستی من در تو، که آنها نیز در ما یکی شوند؛ که دنیا ایمان بیاورد که تو من را فرستادی.²² و شکوهی که تو به من داده‌ای، به آنها داده‌ام تا آنها یکی شوند، همان طور که ما یکی هستیم.²³ من در آنها تو در من، تا آنها به طور کامل یکی باشند، تا دنیا بداند که من را می‌فرستی و آنها را دوست داشتی، همان طور که من را دوست داشتی.

²⁴ پدر، آرزو دارم که کسانی که به من عطا کردی، هر جا هستم با من باشند؛ و شکوه من را که به من عطا کرده‌ای شاهد باشند. زیرا تو من را قبل از تشکیل این دنیا دوست داشتی.²⁵ ای پدر عادل، دنیا تو را شناخت، اما من تو را شناختم؛ و این‌ها نیز می‌دانند که تو من را فرستادی.²⁶ و من به آنها نام تو را شناساندم و آن را خواهم شناساند، تا

⁹ من برای آنها دعا می‌کنم. من نه برای این دنیا، بلکه برای کسانی دعا می‌کنم که به من عطا کردی؛ زیرا آنها از آن تو هستند.¹⁰ همه چیزهایی که از آن من است متعلق به تو است؛ و هر چه از آن تو است متعلق به من است، و من در آنها جلال می‌یابم.

¹¹ من دیگر در این دنیا نیستم؛ اما این‌ها در دنیا هستند و من به سوی تو می‌آیم. پدر مقدس، آنهایی را که به نام خود به من دادی حفظ کن تا یکی شوند، همان طور که ما یکی هستیم.¹² وقتی با آنها بودم، آنهایی را که به من عطا کرده بودی به نام تو نگاه داشتم، و از آنها حفاظت کردم؛ و هیچ یکی از آنها به غیر از فرزند تباهی، تباه نشد تا کتاب مقدس تحقق یابد.

¹³ اکنون نزد تو می‌آیم؛ و این چیزها را در دنیا گفتم، تا شادیم را در خود کامل داشته باشند.¹⁴ کلام تو را به آنها دادم، و دنیا از آنها بیزار شد، زیرا آنها از این دنیا نیستند، همان طور که من از این دنیا نیستم.¹⁵ دعا نمی‌کنم که آنها را از این دنیا بگیری، بلکه دعا می‌کنم که آنها را از شر پلیدی حفظ کنی.¹⁶ آنها از این دنیا نیستند همان طور که من از این دنیا نیستم.¹⁷ آنها

17:14-18 ما باید «در» جهان باشیم، اما نه متعلق به روح این جهان.

17:23 اتحاد ایمانداران یکی از دغدغه‌های اصلی سرورمان بود، وقتی به سوی مرگ می‌رفت. پس باید برای ما نیز اهمیتی والا داشته باشد.

17:26 نام خدا به شخصیت او اشاره دارد. همان طور که فرشته بر موسی ظاهر شد، وقتی در غار مخفی شده و فیض خدا او را فروتن ساخته بود (خروج 6-34:4) عیسی نیز آن نام را در مرگ خود به کمال ابراز کرد. او این کار را در زندگی خود انجام داد («من نام تو را به آنها شناساندم»)، اما به شیوه‌ای خاص و با تصلیب («و آن را خواهم

گفت: من هستم، آنها عقب عقب رفتند و به زمین افتادند. ⁷ دوباره از آنها پرسید: دنبال چه کسی می‌گردید؟ و آنها گفتند: عیسی ناصری. ⁸ عیسی پاسخ داد: گفتم که من هستم. پس اگر دنبال من می‌گردید، بگذارید این‌ها بروند. ⁹ تا کلامی که گفت محقق شود: از کسانی که به من عطا کرده‌ای یکی را گم نکردم. ¹⁰ شمعون پطرس که شمشیر داشت، شمشیرش را کشید و به خادم روحانی اعظم ضربه زد و گوش راست او را بُرید. نام این خادم ملوک بود. ¹¹ عیسی به پطرس گفت: شمشیر را غلاف کن. آیا نباید پیاله‌ای که پدر به من داده است را بنوشم؟

عیسی در حضور روحانی اعظم
¹² سربازان معبد و فرمانده‌شان و خادمان یهود عیسی را گرفتند و بستند، ¹³ و او را اول نزد حنا بردند. زیرا او پدر زن قیافا، روحانی اعظم آن سال، بود. ¹⁴ قیافا بود که

محبتی که با آن من را دوست داشتی در آنها باشد و من در آنها باشم.

پاب 18

عیسی در جتسیمانی

وقتی عیسی این‌ها را گفت، با شاگردانش به آن طرف دره قدرون رفت، که باغی در آنجا بود که او و شاگردانش وارد آن شدند. ² و یهودا، همان که به او خیانت کرد، نیز می‌دانست آنجا کجا است. زیرا عیسی اغلب در آنجا با شاگردانش دیدار می‌کرد. ³ یهودا به همراه دسته‌ای از سربازان معبد که به او داده شده بود، و خادمان روحانیون اعظم و فریسیان با چراغ و مشعل و اسلحه آنجا رسیدند. ⁴ عیسی که از همه اتفاقاتی که باید برای او رخ می‌داد خبر داشت، جلو رفت و به آنها گفت: دنبال چه کسی می‌گردید؟ ⁵ آنها پاسخ دادند: عیسی ناصری. عیسی به آنها گفت: من هستم (یهودا، همان که به او خیانت کرد، با آنها ایستاده بود) ⁶ وقتی او به آنها

شناساند.)) نتیجه اینکه ما این را در صلیب در می‌یابیم، این است که باید یکدیگر را دوست داشته باشیم، با عشق عیسی.

18:4 با آنکه می‌دانست ... پیش رفت. هرچه بیشتر در می‌یابیم که او از «همه اتفاقات آینده» آگاهی داشت، شجاعت و حس وظیفه شناسی او بیشتر برایمان مشخص می‌شود. ما باید صلیب او را حمل کرده و روحیه او را داشته باشیم.

18:6 «من هستم» احتمالا اشاره‌ای است به نام پدر او که عیسی حمل می‌کرد. این حقیقت که او در نام پدرش آمده (یوحنا 5:43) کاملاً طبیعی و قابل انتظار است، اما به هیچ وجه این معنا را ندارد که او با پدر یکی بوده است.

18:10، 11 این حادثه، با این اصل عیسی در تضاد بود که بندگان نمی‌جنگند چون ملکوت او هنوز نیامده (18:36). حتی امروز نیز می‌توانیم عیسی را شرمسار کنیم، با تناقضاتی که بین زندگی‌مان و زندگی او در چشم جهانیان ایجاد می‌کنیم، جهانیانی که ما برایشان نماینده عیسی هستیم.

به روحانی اعظم این طوری جواب می‌دهی؟²³ عیسی پاسخ داد: اگر بد گفتم، به بدی شهادت بده، اما اگر نیک گفتم، چرا من را می‌زنی؟²⁴ حنا سپس او را دست بسته نزد قیافا، روحانی اعظم، فرستاد.²⁵ شمعون پطرس ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد. آنها به او گفتند: آیا تو هم یکی از شاگردانش هستی؟ او انکار کرد و گفت: نیستم!²⁶ یکی از خادمان روحانی اعظم که خویشاوند آن کسی بود که پطرس گوشش را برید، گفت: آیا تو را در باغ با او ندیدیم؟²⁷ پطرس دوباره انکار کرد؛ و فوراً خروس خواند.

عیسی در حضور پیلاتس

²⁸ آنها عیسی را از نزد قیافا به کاخ بردند؛ اما زود بود، پس آنها وارد کاخ نشدند تا ناپاک نشوند و بتوانند فصیح را بخورند.²⁹ پیلاتس بیرون نزد آنها رفت و گفت: این مرد را متهم به چه چیزی می‌کنی؟³⁰ آنها در پاسخ به او گفتند: اگر این مرد بدکار نبود، او را به شما تسلیم نمی‌کردیم.³¹ پیلاتس به آنها پاسخ داد: خودتان او را ببرید، و طبق شریعت او را قضاوت کنید. یهودیان به او گفتند: جایز نیست که ما کسی را بکشیم.³² تا کلام عیسی در مورد

به یهودیان گفته بود که لازم است یک نفر برای مردم بمیرد.¹⁵ شمعون پطرس و یکی دیگر از شاگردان به دنبال عیسی رفتند. آن شاگرد را روحانی اعظم می‌شناخت؛ و با عیسی وارد دربار روحانی اعظم شد.¹⁶ اما پطرس بیرون در ایستاده بود. پس آن یکی شاگرد، که روحانی اعظم او را می‌شناخت، بیرون رفت و با کنیزی که دربان بود صحبت کرد.¹⁷ کنیزی که دربان بود به پطرس گفت: آیا تو هم یکی از شاگردان این مرد هستی؟ او گفت: نیستم!¹⁸ خادمان و مأموران آنجا ایستاده بودند و آتش روشن کرده بودند. زیرا سرد بود و خودشان را گرم می‌کردند، و پطرس نیز با آنها بود و ایستاده و خودش را گرم می‌کرد.

¹⁹ روحانی اعظم دوباره شاگردانش و تعالیم او پرسید.²⁰ عیسی پاسخ داد: من بی‌پرده با دنیا حرف زده‌ام. اغلب در کنیسه‌ها و معبد تعلیم دادم که در آن همه یهودیان جمع می‌شوند، و هرگز در خفا صحبت نکرده‌ام.²¹ چرا از من می‌پرسی؟ از آنهایی پرس که حرف‌های من را شنیده‌اند. بنگر که این‌ها می‌دانند که چه گفتم.²² و وقتی این را گفت، یکی از مأمورانی که آنجا ایستاده بود با دستش عیسی را زد و گفت:²³

18:15 یک شاگرد دیگر- یوحنا، نویسنده انجیل، در موعظه خود یا نام خود را برجسته نمی‌کرد. ما نیز نباید بکنیم.

18:22 عیسی در واقع صورتش را بر نگرداند تا بیشتر آزار شود؛ بلکه آزار دهندگان را به چالش کشید.

18:28 ذهن قانونمدار بسیار مراقب است که حتی حرفی از قانون را نشکند، در عین حال عمل شنیع به صلیب کشیدن پسر خدا را انجام می‌دهد.

من هیچ جرمی در او نمی‌یابم!³⁹ اما شما سنتی دارید که طبق آن باید یک زندانی را در عید فصیح برای شما آزاد کنم. آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برای شما آزاد کنم؟⁴⁰ پس آنها فریاد زدند: این مرد را نه، باراباس را می‌خواهیم! (باراباس راهزن بود).

پاب 19

پیلطس دستور داد عیسی را تازیانه بزنند.² و سربازان، تاجی از خار بافته و روی سرش گذاشتند و لباسی ارغوانی به تنش کردند.³ و آنها نزد او آمدند و گفتند: سلام ای پادشاه یهودیان! و با دستانشان او را زدند.

⁴ پیلطس دوباره نزد یهودیان رفت و گفت: ببینید، او را نزد شما می‌آورم تا بدانید که در او هیچ جرمی نمی‌بینم.⁵ عیسی بیرون آمد، در حالی که تاجی از خار به سر و لباسی ارغوانی به تن داشت. و پیلطس به آنها گفت: این مرد را ببینید!⁶ وقتی روحانیون اعظم و

اشاره به نحوه مرگش تحقق یابد.³³ پس پیلطس به کاخ رفت و عیسی را صدا زد، و به او گفت: آیا پادشاه یهودیان هستی؟³⁴ عیسی پاسخ داد: آیا این را از خودت می‌گویی یا دیگران در مورد من به تو چنین گفتند؟³⁵ پیلطس پاسخ داد: آیا من یک یهودی هستم؟ امت خودت و روحانیون اعظم تو را به من تسلیم کردند. چه کار کرده‌ای؟³⁶ عیسی پاسخ داد: ملکوت من از این دنیا نیست. اگر ملکوت من از این دنیا بود، خادمان من می‌جنگیدند تا به یهودیان تسلیم نشوم، اما ملکوت من از اینجا نیست.³⁷ پیلطس به او جواب داد: پس یعنی یک پادشاه هستی؟ عیسی پاسخ داد: همان طور که می‌گویی من یک پادشاه هستم. برای این هدف متولد شده‌ام، و برای این هدف به این دنیا آمده‌ام، تا به حقیقت شهادت دهم. هر کسی که از حقیقت است، صدای من را می‌شنود.³⁸ پیلطس به او گفت: حقیقت چیست؟ و وقتی این را گفت، دوباره نزد یهودیان رفت، و به آنها گفت:

18:36 ملکوت عیسی با بازگشت او، آمدن دوباره‌اش، مستقر می‌شود. یکی از معانی ضمنی آن این است که مسیحیان اکنون به دنبال اعمال اصول و ملکوت بر این جهان و از طریق خشونت نیستند. چیزی تحت عنوان «جنگ عادلانه» وجود ندارد.

18:40 باراباس نماد همه ما است. براساس سنت یهودی در آن زمان (Pesach 8.6) «آنها می‌توانند گوسفند فصیح را قربانی کنند ... برای کسی که [مقامات] وعده آزادیش را از زندان داده‌اند.» عفو فصیح مردی را که به درستی به مرگ محکوم شده بود، آزاد کرد - به حساب مرگ گوسفند. می‌توانیم شادی و آرامش و تقریباً بی‌ایمانی باراباس را تصور کنیم، همان طور که به تصلیب مسیح می‌نگریست و فکر می‌کرد او که به حق می‌بایست آنجا روی صلیب باشد، از چنان مرگی نجات یافته بود به خاطر تصلیب مسیح. تصویر زندانیان محکوم در حال آزاد شدن به خاطر مرگ مسیحا در عهد قدیم، تجسم آزادی ما از بردگی است.

به نام «سنگفرش» نشست، که در عبری به آن «جباتا» می‌گفتند.¹⁴ وقت تهیه فصح بود. حدود ساعت ششم بود، و او به یهودیان گفت: بنگرید، پادشاه شما!¹⁵ آنها فریاد زدند: او را بکش! او را بکش! او را به صلیب بکش! پیلطس به آنها گفت: پادشاه شما را به صلیب بکشم؟ روحانیون اعظم پاسخ دادند: ما هیچ پادشاهی به غیر از سزار نداریم!¹⁶ بنابراین، او را به آنها سپرد تا مصلوبش کنند.

به صلیب کشیدن

¹⁷ پس عیسی را بردند، و او بیرون رفت، و صلیب خودش را حمل می‌کرد و به جایی به نام «محل جمجمه» رسیدند که در عبری «جُلُتَا» نام دارد.¹⁸ آنجا او را با دو نفر دیگر به صلیب کشیدند، هر کدام در یک طرف و عیسی در وسط آنها بود.

¹⁹ پیلطس عنوانی را نوشت و آن را روی صلیب گذاشت. و نوشته شده بود: عیسای ناصری، پادشاه یهودیان.²⁰ این عنوان را یهودیان بسیاری خواندند، زیرا جایی که عیسی در آن مصلوب شد نزدیک شهر بود؛ و به عبری، لاتین و

خادمان او را دیدند، فریاد زدند: او را به صلیب بکش! او را به صلیب بکش! پیلطس به آنها گفت: خودتان او را ببرید و به صلیب بکشید. من جرمی در او پیدا نمی‌کنم.⁷ یهودیان پاسخ دادند. ما شریعتی داریم که طبق آن او باید بمیرد، زیرا خودش را پسر خدا می‌داند.

⁸ وقتی پیلطس این را شنید، بیشتر از قبل ترسید.⁹ و به داخل کاخ بازگشت، و به عیسی گفت: از کجا آمده‌ای؟ اما عیسی هیچ پاسخی نداد.¹⁰ پیلطس به او گفت: چرا با من حرف نمی‌زنی؟ نمی‌دانی که من قدرت این را دارم که تو را آزاد کنم و قدرت دارم که تو را به صلیب بکشم؟¹¹ عیسی پاسخ داد: تو هیچ قدرتی بر من نداشتی اگر از بالا به تو این قدرت عطا نشده بود. پس آن کسی که من را به تو تسلیم کرد گناه بزرگتری مرتکب شده است.

¹² پس از این، پیلطس در صدد آزاد کردن او برآمد، اما یهودیان فریاد زدند و گفتند: اگر این مرد را آزاد کنی، دوست سزار نیستی. هر کسی که خودش را پادشاه می‌داند، علیه سزار است!¹³ وقتی پیلطس این‌ها را شنید، عیسی را بیرون آورد و روی صندلی دآوری در جایی

19:11 به یاد داشته باشیم که تمام آزار دهندگان ما نهایتاً در دستان خدا خواهند بود. قدرت مردان شریر نهایتاً از خدا است، می‌دانیم که «شیطان» وجود ندارد.

19:15 پادشاهی نبود- عهد قدیم به روشنی گفت که خدا پادشاه اسرائیل بود و در نتیجه آنها کشور پادشاهی او بودند. بنابراین، با گفتن این حرف، یهودیان دیگر خود را کشور پادشاهی خدا نمی‌دانستند.

19:20 به زبان عبرانی، لاتین، و یونانی نوشته شده بود- این تفاوت‌های جزئی بین نسخه‌های انجیل در شرح عنوان نوشته شده روی صلیب را توضیح می‌دهد.

شاگردش او را به خانه خود برد.
²⁸ پس از این، عیسی که می‌دانست همه چیز اکنون به پایان رسیده تا کتاب مقدس تحقق یابد، گفت: تشنه‌ام.²⁹ در آن نزدیکی ظرفی پر از سرکه بود. پس اسفنجی پر از سرکه را روی چوب زوفا گذاشته و جلوی دهانش گرفتند.³⁰ وقتی عیسی سرکه را چشید، گفت: تمام شد! و سرش را پایین آورد و روحش را تسلیم کرد.

³¹ از آنجایی که روز تهیه بود و در روز سبت جسد‌ها نباید روی صلیب بمانند (زیرا روز سبت روز بزرگی بود)، یهودیان از پیلاتس خواستند که ساق پای آنها را بشکند تا بتوان آنها را برد.³² بنابراین، سربازان آمدند و پاهای اولین نفر و دیگری را که با او مصلوب شده بودند، شکستند.³³ اما وقتی به سوی عیسی آمدند و دیدند که جان داده است، پاهای او را نشکستند.³⁴ با این حال، یکی از سربازان به پهلوی او نیزه‌ای زد و بلافاصله خون و آب از پهلویش بیرون آمد.³⁵ و آن کسی که دیده، شهادت داده، و شهادت او درست است؛ و می‌داند که حقیقت را می‌گوید تا شما ایمان بیاورید.³⁶

یونانی نوشته شده بود.²¹ روحانیون اعظم یهودیان به پیلاتس گفتند: ننویس، پادشاه یهودیان؛ بلکه بنویس: او ادعا کرد که پادشاه یهودیان است.²² پیلاتس پاسخ داد: هر چه نوشتم، نوشتم.

²³ وقتی سربازان، عیسی را به صلیب کشیدند، لباس‌هایش را برداشتند و به چهار قسمت تقسیم کردند، هر قسمت را به یک سرباز دادند و پیراهن را نیز چنین کردند. پیراهن درز نداشت و از بالا تا پایین بافته شده بود.²⁴ به یکدیگر گفتند، بیایید آن را پاره نکنیم، بلکه بابت آن قرعه کشی کنیم تا تعیین کنیم که از آن چه کسی خواهد بود؛ تا کتاب مقدس محقق شود، که گفته بود: آنها لباس‌هایم را بین خود تقسیم کردند و برای ردای من قرعه کشی کردند.

²⁵ سربازان این کارها را انجام دادند. در کنار صلیب عیسی، مادر او و خواهرش، مریم، زن کلپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند.²⁶ وقتی عیسی دید که مادرش و شاگردی را که دوست می‌داشت آنجا ایستاده‌اند، به مادرش گفت: ای زن، این پسر توست!²⁷ سپس به شاگردش گفت: این مادر توست! و از آن ساعت،

19:26 عیسی با چشمانش به یوحنا اشاره کرد - حال مریم باید یوحنا را پسر خود می‌دانست. اما متأسفانه و دردناک اینکه وقتی مریم برای اولین بار این کلمات را شنید، فکر کرد منظور این است که «اکنون به من نگاه کن». اگر فکر می‌کنیم زندگی دردناکی داریم، پس به مسیح ببیندیشیم بر صلیب، و مردانی که تنها دارایی ارزشمند او را تکه‌تکه می‌کردند، یعنی بالاپوشش را که احتمالاً مادرش دوخته بود - و این مادر شاهد تمام این حوادث بود.

19:29 زوفا چندان بلند نبود، پس عیسی خیلی از زمین بلند نشد، برعکس تصویری که صلیب‌ها و معماری کاتولیک نشان می‌دهد.

دیدار مریم مجدلیه با عیسی رستاخیز شده

در روز اول هفته، مریم مجدلیه صبح زود وقتی هنوز تاریک بود سر قبر رفت و دید که سنگ از روی قبر برداشته شده است.² او با عجله نزد شمعون پطرس و آن یکی شاگردی که عیسی دوست داشت رفت و به آنها گفت: آنها سرور را از قبر بیرون آورده‌اند، و نمی‌دانیم او را کجا گذاشته‌اند!³ بنابراین، پطرس و دیگر شاگرد به سوی قبر رفتند.⁴ با هم تا آنجا دویدند، و شاگرد دیگر جلوتر از پطرس دوید و زودتر سر قبر رسید.⁵ سرش را داخل برد و نگاه کرد، و دید که کفن آنجا هست اما داخل نشد.⁶ شمعون پطرس پشت سر او رسید و داخل قبر شد، و دید که کفن آنجا است،⁷ و دستمالی را دید که روی سر او بود، و کنار کفن نبود بلکه پیچیده شده و در جایی دور از آن گذاشته شده بود.⁸ سپس شاگرد دیگر که قبل از او سر قبر رسیده بود نیز وارد شد؛ و دید و ایمان آورد.⁹ زیرا هنوز کتاب مقدس را نفهمیده بودند که او باید از میان مردگان برخیزد.¹⁰ پس شاگردان دوباره به خانه خود

زیرا این اتفاقات رخ دادند تا کتاب مقدس محقق شود: استخوانی از او شکسته نخواهد شد.³⁷ و کتاب دیگری می‌گوید: به آن کسی که نیزه زدند نگاه خواهند کرد.

به خاک سپردن عیسی

³⁸ و پس از این اتفاقات، یوسف اهل رامه که یکی از شاگردان عیسی بود (اما از ترس یهودیان در خفا بود)، از پیلاتس خواست که پیکر عیسی را ببرد؛ و پیلاتس به او اجازه داد. بنابراین، آمد و پیکر او را برد.³⁹ و نیکودیموس آمد، همان کسی که او در شب نزد او آمده بود؛ اما مخلوطی از مَر و چوب عود را آورد که حدود صد پوند (45 کیلوگرم) بود.⁴⁰ پس آنها جسد عیسی را برداشتند و طبق مراسم خاکسپاری یهودیان، او را در پارچه کتان با مواد معطر پیچیدند.⁴¹ در جایی که به صلیب کشیده شد، باغی بود و در آن باغ قبری جدید بود که هیچ کس دیگری در آن ن خوابیده بود.⁴² به خاطر روز تهیه یهودیان، آنها عیسی را آنجا گذاشتند (زیرا قبر در آن نزدیکی بود).

باب 20

19:36 ما بدن عیسی هستیم، استخوان‌های او (افسیان 5:30).

19:38 تنها خویشاوندان نزدیک می‌توانستند پیکر افراد مصلوب را درخواست کنند. مشاهده صلیب باعث شد که یعقوب آشکارا ایمان به مسیح را «اقرار کرده» و احساس کند عضوی از خانواده او است.

19:39 این مقدار زیادی است، بیش از آنچه قیصر با آن به خاک سپرده شود. صلیب نیکودیموس را برانگیخت تا ثروتش را صرف عیسی کند.

20:7 پس از برخاستن عیسی، به نظر می‌رسد اولین کاری که انجام داد، تا کردن کفنش بود. ما آرامشی عمیق را در او می‌بینیم - آرامشی که در تمام کسانی می‌بینیم که با تعمید مرگ و رستاخیز او را شناخته و در او زندگی می‌کنند.

یعنی استاد.¹⁷ عیسی به او گفت: من را لمس نکن؛ زیرا هم اکنون قرار نیست به سوی پدرم صعود کنم؛ بلکه برو نزد برادرانم و به آنها بگو: من به سوی پدرم و پدر شما، و خدایم و خدای شما صعود می‌کنم.¹⁸ مریم مجدلیه رفت به شاگردان گفت: من سرور را دیدم! و حرف‌هایی را که عیسی به او زده بود برای آنها تعریف کرد.

ظاهر شدن عیسی پر شاگردان
¹⁹ شب هنگام در آن روز، روز اول هفته، درهای جایی که شاگردان بودند و از ترس یهودیان قفل بود؛ و عیسی آمد و در میان آنها نشست و به آنها گفت: سلام بر شما.²⁰ وقتی این را گفت، دستان و پهلوی خود را به آنها نشان داد. بنابراین شاگردان با دیدن سرور خوشحال شدند.²¹ عیسی دوباره به آنها گفت: سلام

بازگشتند.¹¹ اما مریم بیرون قبر ایستاده بود و گریه می‌کرد. همین طور که گریه می‌کرد، به داخل قبر خم شد و نگاه کرد.¹² و دو فرشته سفیدپوش را دید که آنجا نشسته‌اند، یکی در طرف سر و دیگری در طرف پا، در جایی که پیکر عیسی گذاشته شده بود.¹³ و آنها به او گفتند: زن، چرا گریه می‌کنی؟ او به آنها گفت: چون سرورم را برده‌اند و نمی‌دانم او را کجا گذاشته‌اند.¹⁴ وقتی این را گفت، برگشت و عیسی را دید که آنجا ایستاده؛ اما نشناخت که او عیسی بود.¹⁵ عیسی به او گفت: زن، چرا گریه می‌کنی؟ دنبال چه کسی می‌گردی؟ مریم که فکر می‌کرد او باغبان است به او گفت: آقا، اگر او را از اینجا برده‌اید، به من بگویید او را کجا گذاشته‌اید تا او را ببرم.¹⁶ عیسی به او گفت: مریم. مریم برگشت و به او گفت: ربونی!

20:13 گاهی ما آنچنان غرق شرایط فعلی خود، درد یا تلخی، می‌شویم، که نمی‌توانیم ببینیم که پاسخ یا تصمیم سخاوتمندانه خدا درست مقابلمان قرار دارد.

20:17 **پر من میاویز**- این عبارت یونانی یعنی «به من آویزان مشو»؛ او فکر می‌کرد عیسی ممکن است هر لحظه به آسمان برود و تلاش می‌کرد او را نگه دارد و مانع رفتنش شود؛ اما عیسی او را آرام ساخت تا نگران نباشد، او در آن لحظه قصد عروج به آسمان را نداشت.

20:17 **پدر خود... پدر شما... خدای خود... خدای شما**- عیسی نمی‌خواست مقام والايش پیش از رستاخیز تبدیل به مانعی بین او و پیروانش گردد. او خدا را «خدای من» می‌خواند حتی پس از رستاخیزش. این عبارت ادعای تثلیث مبنی بر اینکه عیسی تنها در زندگی دنیوی از خدا پایین‌تر بوده را کاملاً رد می‌کند. حتی پس از رستاخیزش، تأکید می‌کند که خدا هنوز خدای من» است و اینکه او ارتباطی مشابه با خدا به عنوان خدا و پدر دارد که ما نیز می‌توانیم با همان خدا داشته باشیم. او الگوی ما است، نه فقط چیزی که به عنوان اسطوره از دور به آن بنگریم.

20:20 **شادمان شدند**- در انجیل از زبان برتر برای ثبت حوادثی همچون تصلیب یا رستاخیز عیسی استفاده نشده است. این نشانه الهام الهی است.

اما همین قدر نوشته شده تا ایمان بیاورید که عیسی مسیح؛ پسر خداست؛ و با آن ایمان به نام او حیات یابید.

پاب 21

ظهور عیسای برخاسته در جلیل

بعد از این اتفاقات، عیسی دوباره خودش را در دریای طبریه به شاگردانش ظاهر کرد؛ و خود را به این صورت نشان داد: ² شمعون پطرس و توما معروف به دوقلو و نتنائیل که از قانای جلیل بود به همراه پسران زبدی و دو تن از شاگردانش با هم بودند. ³ شمعون پطرس به آنها گفت: من می‌روم ماهی صید کنم. آنها به او گفتند: ما هم با تو می‌آییم. آنها رفتند و سوار قایق شدند و آن شب چیزی صید نکردند.

⁴ اما وقتی صبح شد، عیسی در ساحل ایستاده بود. شاگردان نشناختند که او عیسی بود. ⁵ عیسی آنها را صدا زد: بچه‌ها، چیزی برای خوردن دارید؟ آنها پاسخ دادند: نه. ⁶ و عیسی به آنها گفت: تور را در سمت راست قایق بیندازید تا پیدا کنید. آنها تورشان را انداختند؛ و آن قدر ماهی زیاد بود که نتوانستند آن را بیرون بکشند. ⁷ آن شاگردی

بر شما. همان طور که پدر من را فرستاده من نیز شما را می‌فرستم. ²² و وقتی این را گفت، به سوی آنها دَمید و گفت: روح‌القدس را بپایید. ²³ گناهان هر کسی را که ببخشید، بخشیده می‌شود؛ و گناهان هر کسی را که نگه دارید، نگه داشته خواهد شد.

²⁴ اما توما، یکی از آن دوازده نفر، که دوقلو نام داشت، وقتی عیسی آمد با آنها نبود. ²⁵ شاگردان دیگر به او گفتند: ما سرور را دیدیم! اما او به آنها گفت: تا جای میخ‌ها را دستش ببینم و دستم را در پهلویش نگذارم باور نخواهم کرد.

²⁶ هشت روز بعد، شاگردانش دوباره داخل خانه بودند و توما نیز همراهشان بود. با این که درها قفل بود، عیسی آمد و در میان آنها ایستاد و گفت: سلام بر شما. ²⁷ سپس به توما گفت: انگشتت را دراز کن و دستان من را ببین، و دستت را دراز کن و بگذار در پهلویم؛ و نه بی‌ایمان بلکه باایمان باش. ²⁸ توما در پاسخ به او گفت: سرورم. خدای من. ²⁹ عیسی به او گفت: چون من را دیدی، ایمان آوردی. خوشا به حال کسانی که ندیدند و ایمان آوردند. ³⁰ عیسی معجزات بسیار دیگری را در حضور شاگردان انجام داد که در این کتاب نوشته نشده است. ³¹

20:27 انگشت با رد ناخن‌های دست او یکی بود؛ دست با سوراخ پهلوی او یکی بود.

21:5 فرزندان- واژه یونانی معادل «فرزندان» به نوعی محاوره‌ای است، که برابر است با «دوستان!» یا «رفقا!». عیسی بسیار تلاش کرد تا به حواریون ثابت کند که اگرچه چنین والامقام است اما هنوز با آنها است، کاملاً با زبان محاوره آشنا بوده و با به کارگیری آن راحت است. این فقط میخی دیگر بر تابوت تثلیث نیست، بلکه مایه آرامش خاطر ما است، که خداوند ما با ما بوده و ما را درک می‌کند.

می‌کشد

¹⁵ پس وقتی صبحانه خوردند، عیسی به شمعون گفت: پطرس، شمعون، پسر یونا، آیا من را بیشتر از این‌ها دوست داری؟ او به عیسی گفت: بله سرورم. می‌دانی که دوستت دارم. عیسی به او گفت: به بره‌های من غذا بده. ¹⁶ برای بار دوم به او گفت: شمعون، پسر یونا، آیا من را دوست داری؟ او به عیسی گفت: بله سرورم. می‌دانی که دوستت دارم. عیسی به او گفت: از گوسفندانم نگهداری کن. ¹⁷ برای بار سوم به او گفت: شمعون، پسر یونا، آیا من را دوست داری؟ پطرس وقتی عیسی برای بار سوم از او پرسید آیا من را دوست داری، ناراحت شد. و به او گفت: سرورم، همه چیز را می‌دانی. می‌دانی که دوستت دارم. عیسی به او گفت: به گوسفندانم غذا بده.

¹⁸ به راستی به شما می‌گویم: وقتی جوان بودید، کمر خود را می‌بستید و هر جا می‌خواستید می‌رفتید؛ اما وقتی پیر خواهید شد، دستیان خود را دراز خواهید کرد و دیگری کمر شما را خواهد بست و شما را جاهایی خواهد برد که دوست ندارید. ¹⁹ او این را در اشاره به نوع مرگی گفت که پطرس باید برای جلال خدا

که عیسی دوست داشت به پطرس گفت: این سرور است! وقتی شمعون پطرس شنید که او سرور است، پیرهنش را دور او پیچید (زیرا او برهنه بود) و خودش را در دریا انداخت. ⁸ اما شاگردان دیگر در قایق کوچک آمدند (زیرا از خشکی دور نبودند فقط 100 متر از ساحل فاصله داشتند)؛ و تور پر از ماهی را بیرون کشیدند.

⁹ پس وقتی به ساحل رسیدند، از قایق پیاده شدند؛ و دیدند که آتش روشن است و ماهی روی آن قرار دارد و نان هم هست. ¹⁰ عیسی به آنها گفت: کمی از ماهیانی را که اکنون گرفته‌اید بیاورید. ¹¹ شمعون پطرس رفت و تور پر از صد و پنجاه و سه ماهی بزرگ را به سوی خشکی کشید؛ و با این که تعداد ماهیان زیاد بود، تور پاره نشد. ¹² عیسی به آنها گفت: بیاوید. صبحانه بخورید. و هیچ یک از آنها از او نپرسیدند: تو کیستی؟ زیرا می‌دانستند که او سرور است. ¹³ عیسی نان را برداشت و به آنها داد، همین طور ماهی را.

¹⁴ این دفعه سوم بود که عیسی پس از برخاستن از میان مردگان خود را بر شاگردانش ظاهر می‌ساخت.

عیسی پطرس را به چالش

21:11 تور پاره نشده بود - یعنی اگر «ماهیگیر هم باشیم»، منابعمان تمام نمی‌شود.

153 ارزش عددی عبارت «پسران خدا» است.

21:15 اینها- این حجم عظیم ماهی که اینجا گسترده است؟ آیا ما شغل‌مان را، زندگی کاریمان، را بیش از خداوند دوست داریم؟

21:17 سه پرسش که بار دیگر در کنار آتش پرسیده می‌شود برای پس گرفتن سه انکار پطرس است. عشق ما به شخص عیسی در محبت‌مان به گوسفندان او آشکار می‌شود.

متحمل می‌شد. و پس از این به او گفت: دنبال من بیا.

²⁰ پطرس به اطراف چرخید و دید شاگردی که عیسی دوست داشت از پشت می‌آید. همان شاگردی که سر شام به آغوش عیسی تکیه زده و پرسیده بود: سرورم، چه کسی به تو خیانت می‌کند؟ ²¹ بنابراین پطرس با دیدن او به عیسی گفت: سرورم، این مرد چه خواهد کرد؟ ²² عیسی به او گفت: اگر بخواهم که تا وقتی من می‌آیم او بماند، به تو چه ربطی دارد؟ دنبال من بیا.

²³ بنابراین این گفته بین برادران پیچید که آن شاگرد نباید بمیرد. اما

عیسی به او نگفت که او نباید بمیرد بلکه گفت: اگر بخواهم که تا وقتی من می‌آیم او بماند، به تو چه ربطی دارد؟

²⁴ این شاگردی است که بر این اتفاقات شهادت خواهد داد و این‌ها را خواهد نوشت؛ و ما می‌دانیم که شهادت او حقیقت دارد.

²⁵ و عیسی کارهای بسیار دیگری انجام داد که اگر قرار بر این باشد که هر یک از این کارها نوشته شوند، تصور می‌کنم که حتی دنیا نیز گنجایش کتاب‌هایی را که باید نوشته شود نخواهد داشت.

21:22 با تمرکز بر پیروی دیگران، خودمان خیلی راحت از پیروی عیسی دور می‌شویم. اگر آنها وی را پیروی کنند، اگر آنها رستگار شوند، آنها چگونه پیرو او می‌شوند ... اینها خیلی راحت ما را از فراخوان پیروی او دور کرده و تمرکزمان را از او منحرف می‌سازد.

کتاب اعمال رسولان

باب 1

ای تئوفیلوس، حکایت قبلی که نوشتیم درباره همه کارها و تعالیم عیسی از ابتدا،² تا روزی بود که به بالا برده شد، و بعد از آن به وسیله روح القدس به حواریون برگزیده خود دستورات لازم را داد.³ پس از رنجی که کشید، با شواهد قانع کننده بسیاری به آنها نشان داد که زنده است و چهل روز از سوی آنها دیده شد و درباره ملکوت خداوند سخن گفت.⁴ و وقتی با آنها جمع شده بود، به آنها دستور داد اورشلیم را ترک نکنند بلکه منتظر وعده پدر باشند که قبلاً گفته بود:⁵ زیرا یحیی در حقیقت با آب تعمید می‌داد، اما شما به زودی در روح القدس تعمید خواهید یافت.

⁶ بنابراین، وقتی گرد هم آمدند از او پرسیدند: سرورم، آیا این بار پادشاهی را به اسرائیل بازخواهی گرداند؟⁷ و عیسی به آنها گفت: شما نباید از زمان‌ها یا فصل‌هایی باخبر باشید که پدر در اختیار خود قرار

داده است.⁸ بلکه وقتی روح القدس بر شما می‌آید، قدرت خواهید یافت و هم در اورشلیم و هم در یهودیه و سامره و دورترین قسمت زمین شاهدان من خواهید بود.

معراج عیسی

⁹ و وقتی این‌ها را می‌گفت، در حالی که او را تماشا می‌کردند، بالا برده شد و ابری او را از نظر آنها پنهان ساخت.¹⁰ و وقتی در حین رفتن او، صادقانه به آسمان می‌نگریستند، دو نفر در لباس سفید کنار آنها ایستاده بودند،¹¹ که گفتند: ای مردان جلیل، چرا ایستاده‌اید و به آسمان می‌نگرید؟ همین عیسایی که از شما به سوی آسمان برده شد، به همین شکل که دیدید به آسمان رفت، بازخواهد گشت.

¹² سپس آنها از کوه زیتون که نزدیک اورشلیم بود به اورشلیم بازگشتند، یعقوب پسر حلفی و شمعون فدایی و یهودا پسر یعقوب.¹⁴ همه این‌ها با هم همچنان با

1:1 کتاب نخست - انجیل لوقا. این شرح چیزی است که عیسی «شروع» به انجامش کرد. عیسی با عروج به آسمان فعالیتش را متوقف نداشت. کتاب اعمال شرح ادامه کار او با مردمش روی زمین است، و این کار امروز هم ادامه دارد.

1:7 عیسی حتی پس از رستاخیزش، زمان دقیق بازگشت خویش را نمی‌دانست؛ تنها خدا می‌داند (مرقس 13:32). این نشان می‌دهد که عیسی فقط در طول زندگی مادیش «کمتر از خدا» نبود؛ بلکه حتی پس از رستاخیزش نیز خدای پدر از او بزرگتر و با او متفاوت است. الهیات تثلیثی کاملاً نادرست است.

1:10 دو مرد - فرشتگان.

1:11 به همین گونه - عیسی به زمین باز خواهد گشت، شاید به کوه زیتون، جایی که از آن عروج کرده بود (آیه 12).

تعمید یحیی تا روزی که از میان ما بالا رفت، یکی از این‌ها باید با ما شاهد رستخیز او شود.

²³ و آنها دو نفر را پیشنهاد دادند، یوسف معروق به برسابا که ملقب به یوستس بود و متیاس. ²⁴ و آنها دعا کردند و گفتند: خداوند، ای کسی که از دل انسان‌ها باخبری، به ما نشان بده کدام یک از این دو را برگزیدی ²⁵ تا جایگزین یهوذا شود که این خدمت و رسالت را از دست داد تا به جایگاه خود برود. ²⁶ و آنها قرعه کشی کردند؛ و قرعه به نام متیاس افتاد و او در شمار یازده حواری درآمد.

باب 2

روح القدس اعطا می‌شود

و با فرا رسیدن عید پنتیکاست، همه آنها یک جا جمع شده بودند. ² و ناگهان از آسمان صدایی مانند وزش بادی شدید به گوش رسید و کل خانه‌ای را که در آن نشسته بودند فرا گرفت. ³ و زبان‌هایی آتش‌مانند بر آنها ظاهر شد که از هم جدا شده و بر هر یک از آنها قرار گرفت. ⁴ همه آنها با روح القدس پُر شدند و شروع

زنان، مریم مادر عیسی و برادرانش صادقانه دعا کردند.

جایگزینی برای یهوذا

¹⁵ و در این روزها پطرس در میان برادران ایستاد (گروهی متشکل از حدود یک صد و بیست نفر) و گفت: ¹⁶ برادران، لازم بود که سخن کتاب مقدس درباره یهوذا راهنمای دستگیرکنندگان عیسی که روح القدس قبلاً به وسیله داود از آن سخن گفته بود تحقق یابد. ¹⁷ زیرا او یکی از ما بود و در این خدمت سهم خود را دریافت کرد. ¹⁸ اینک این مرد با پاداش شرارت خود زمینی به دست آورد و با سر سقوط کرد، از میان پاره شد و تمام احشاء و امعاء او بیرون ریخت. ¹⁹ و همه ساکنین اورشلیم از این اتفاق مطلع شدند تا جایی که به زبان خود آن زمین را حقل دما نامیدند یعنی زمین خون. ²⁰ زیرا در کتاب مزامیر نوشته شده: خانه‌اش ویران شود و هیچ کس در آن ساکن نشود و جایگاهش را دیگری بگیرد. ²¹ بنابراین، از میان مردانی که تمام مدتی که سرور، عیسی با ما رفت و آمد داشت با ما بودند، ²² از شروع

20:1 دیگرى بگیرد- پطرس برای ما الگویی در تصمیم‌گیری می‌سازد. او به پیشگویی‌ها و اصول عهد عتیق نگاه کرد، و بعد کاری ملموس انجام داد. در کتاب مزامیر نوشته شده که کس دیگری جای خائن را خواهد گرفت - و پطرس نیز اقدام کرده در این زمینه کاری انجام داد. پیشگویی انجیل نیازمند این است که ما نقشمان را در تحققش انجام دهیم.

2:4 زبان‌ها- برخی ترجمه‌ها آن را «زبان» (عضو بدن) آورده‌اند. فصل ۲ کتاب اعمال نشان می‌دهد که «به زبانها سخن گفتن» یعنی «سخن گفتن به زبانی دیگر» - یک زبان انسانی که برای مردمی که آن را می‌شنوند قابل درک است. به «دری‌وری»، یا به

آنها را مورد خطاب قرار داد: ای مردان یهودیه و همه کسانی که در اورشلیم ساکن هستید، این را بفهمید و به حرف‌های من گوش دهید.¹⁵ بر خلاف تصور شما این‌ها مست نیستند، زیرا تازه سومین ساعت از روز است.¹⁶ بلکه این تحقق چیزی است که از طریق یوئیل نبی گفته شده:¹⁷ خدا می‌گوید که در روزهای آخر چنین خواهد بود، روح را بر همه مردم خواهم ریخت و پسران و دختران شما پیشگویی خواهند کرد و جوانان شما رویا خواهند دید و پیران شما خواب خواهند دید.¹⁸ آری، و در آن روزها روح را بر خادمان و کنیزان خود خواهم ریخت و آنها نبوت خواهند کرد.¹⁹ و در آسمان شگفتی‌ها و در زمین نشانه‌هایی را ظاهر خواهم کرد: خون و آتش و دود.²⁰ قبل از روز ظهور سرور، آن روز بزرگ و پرشکوه، خورشید تاریک و ماه خونین خواهد شد.²¹ و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را صدا کند، نجات خواهد یافت.

پطرس از عهد عتیق درباره عیسی موعظه می‌کند

کردند به سخن گفتن به زبان‌های دیگر، چرا که روح به آنها قدرت تکلم بخشیده بود.

⁵ یهودیان دیندار از هر ملتی زیر آسمان اورشلیم ساکن بودند.⁶ و با این صدا، مردم دور هم جمع شدند و حیرت‌زده شدند چون هر یک از آنها به زبان خودش سخن می‌گفت.⁷ و آنها متعجب و حیرت‌زده شده و گفتند: نگاه کن، مگر همه کسانی که صحبت می‌کنند، جلیلی نیستند؟⁸ چگونه هر یک از ما زبان بومی خودمان را می‌شنویم؟⁹ پارتیان و مادبان و عیلامیان و ساکنین بین‌النهرین، یهودیه کپدوکیه، پنطس و آسیا،¹⁰ فریجیه و پمفلیه، مصر و نواحی لیبی نزدیک به قیروان، و زائران رومی، هم یهودیان و هم آنانی که دین یهود را پذیرفته‌اند،¹¹ و اهالی کریت و عربستان، آنها را می‌شنویم که به زبان خودمان از کارهای بزرگ خدا حرف می‌زنند.¹² و همه آنها حیرت زده و سردرگم بودند و به یکدیگر می‌گفتند: این یعنی چه؟¹³ اما دیگران با تمسخر می‌گفتند: از شراب تازه پر شده‌اند!¹⁴ اما پطرس که با آن پازده نفر ایستاده بود، صدایش را بالا برد و

تعبیری بیانات غیرقابل درک، اشاره ندارد. بنابراین، شنوندگان متعجب بودند که «به زبان زادگاهشان سخن می‌گوید» (آیه ۸)، «به زبان ما» (آیه ۱۱).

2:17 در روزهای آخر - این عبارت می‌تواند هم به «روزهای آخر» دولت یهودی در نابودی معبد در سال 70 پس از میلاد اشاره داشته باشد و هم به «روزهای آخر» نزدیک بازگشت عیسی به زمین. هدایای معجزه‌آمیز روح القدس برای استقرار مجدد ملکوت خدا روی زمین - «نیروهای عصر آینده» (عبرانیان 6:5) - امروز در اختیارمان نیستند. و زمانی که عیسی بیاید، به ما داده خواهند شد.

²² ای مردان اسرائیل، این کلمات را بشنوید. عیسی ناصری مردی بود که با کارها و شگفتی‌ها و معجزات بزرگی که خدا از طریق او در میان شما انجام داد، از سوی خدا بر شما ثابت شد، همان طور که خودتان می‌دانید. ²³ شما این مرد را که طبق نقشه و پیشدانی خدا به دست شما تسلیم شد، به وسیله کفار به صلیب کشیدید و کشتید؛ ²⁴ خدا با گسستن دردهای مرگ، او را زنده کرد زیرا محال بود که مرگ او را نگه دارد. ²⁵ زیرا داود درباره او گفت: خداوند را همیشه پیش روی خود دیدم زیرا او دست راست من است تا من تکان نخورم. ²⁶ بنابراین دلم شاد و زبانم خوشحال بود، و بدن من نیز در امید ساکن خواهد شد؛ ²⁷ زیرا روحم را در قبر رها نخواهی کرد، و اجازه نخواهی داد که بنده مقدس تو فساد را ببیند. ²⁸ تو راههای حیات را به من شناساندی، و با سیمای خود مرا از شادمانی پر خواهی کرد.

²⁹ برادران، درباره جدمان داود صراحتاً بگویم که هم فوت شد و هم به خاک سپرده شد، و مقبره‌اش تا به امروز با ما است. ³⁰ بنابراین، چون پیامبر بود و می‌دانست که خدا سوگند خورده بود که ثمره بدنش بر تخت او خواهد نشست؛ ³¹ او که این را از پیش دیده بود، از رستاخیز مسیح سخن گفت که نه در قبر رها شده بود و نه بدنش فساد را دیده بود. ³² خدا عیسی را زنده کرد که همه ما شاهد آن هستیم. ³³ بنابراین، او که به دست راست خدا بالا برده شده و از پدر وعده روح القدس را دریافت کرده، آن چه را که می‌بینید و می‌شنوید ریخته است. ³⁴ زیرا داود به آسمان صعود نکرد بلکه خودش گفت: خداوند به سرورم گفت، دست راستم بنشین ³⁵ تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم. ³⁶ بنابراین، کل خاندان اسرائیل قطعاً بداند که خدا او، عیسیایی که به صلیب کشیدید را هم سرور و هم مسیح گردانید.

2:22 یک مرد - حتی پس از عروج عیسی به آسمان، پولس و پطرس او را یک «مرد» می‌خوانند (1 تیموتاؤس 2:5).

2:23 بی‌دینان - رومیان، که از شریعت موسی پیروی نمی‌کردند. ممکن نیست که ما انجام «کارهای بدمنان» را به دیگران بسپریم و خود همچنان بی‌گناه باشیم. ما بیشتر براساس نیاتمان دآوری می‌شویم، تا خود اعمالمان.

2:27 هاویه - که در برخی انجیل‌ها «جهنم» ترجمه شده است. «جهنم» یا هاویه یعنی قبر. عیسی برای سه روز به درون قبر رفت و توسط خدا از آن برخاست. بنابراین، هاویه/جهنم/قبر، محل مجازات ابدی برای افراد شریر نیست.

2:34 داوود پس از مرگ به آسمان نرفت؛ بلکه امیدش به آمدن مسیحا، نواده والامقامش، عیسی، بود - که داوود را از مرگ بیدار می‌کند. امید انجیلی عبارت است از رستاخیز از مرگ با آمدن عیسی و زندگی جاودان در ملکوت موعود خدا روی زمین. این نظر که روح پس از مرگ به آسمان می‌رود از انجیل نیست.

2:36 خدا عیسی را سرور ساخت - تا تفاوت و برتری عیسی با خودش مشخص شود.

3000 نفر تعمید یافتند

³⁷ وقتی این را شنیدند، دلهایشان آزاده شد و به پطرس و بقیه حواریون گفتند: برادران، چه کار کنیم؟³⁸ و پطرس به آنها گفت: هر یک از شما باید برای آمرزش گناهانتان توبه کنید و به نام عیسی مسیح تعمید یابید؛ و هدیه روح القدس را دریافت خواهید کرد.³⁹ زیرا این وعده برای شما، فرزندان شما و همه کسانی است که دور هستند، هر که خداوند، خدای ما او را بخواند.

⁴⁰ و با کلمات بسیار دیگری شهادت داد و آنها را تشویق کرد و گفت: خود را از این نسل نادرست نجات دهید.⁴¹ کسانی که کلام او را دریافتند تعمید شدند و آن روز حدود سه هزار نفر پیوستند.

⁴² و آنها همچنان صادقانه در تعالیم و رفاقت با حواریون در تکه کردن نان و دعاها همراه بودند.⁴³ و ترس همه را فرا گرفت؛ و معجزات و شگفتی‌های بسیاری از طریق حواریون انجام شد.⁴⁴ و همه مومنان با هم بودند و در همه چیز شریک بودند.⁴⁵ و اموال و داشته‌های خود را می‌فروختند و عواید آن را بین همه به اندازه نیاز هر کس توزیع می‌کردند.⁴⁶ و هر روز، یک دل در معبد جمع می‌شدند و در خانه نان تکه تکه می‌کردند، با خوشحالی و

یکدلی غذای خود را برمی‌داشتند،⁴⁷ خدا را می‌ستودند و مورد لطف همه مردم بودند. و خداوند هر روز آنهایی را که نجات می‌یافتند، به جمع آنها می‌افزود.

باب 3**پطرس و یوحنا مردی افلیح را شفا دادند**

پطرس و یوحنا در زمان دعا ساعت نهم به سوی معبد رفتند.² آنجا مردی را که مادرزادی افلیح بود می‌بردند که هر روز در دروازه معبد که دروازه زیبا نام داشت می‌گذاشتند تا از کسانی که وارد معبد می‌شدند صدقه بخواند.³ او که پطرس و یوحنا را دید که وارد معبد می‌شدند، از آنها صدقه خواست.⁴ و پطرس که (مثل یوحنا) مستقیم به او نگاه کرد گفت: به ما نگاه کن.⁵ و او به آنها توجه کرد و انتظار داشت از آنها چیزی دریافت کند.⁶ اما پطرس گفت: من نقره و طلا ندارم اما آن چه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری راه برو!⁷ و او دست راست وی را گرفت و بلندش کرد؛ و فوراً استخوان پاها و قوزک پایش قدرت گرفت.⁸ او از جا پرید و ایستاد و شروع به راه رفتن کرد؛ و با آنها وارد معبد شد، قدم می‌زد و می‌پرید و خدا را ستایش می‌کرد.⁹ و

2:41 تعمید نشانه طبیعی است دال بر اینکه ما کلام انجیل را پذیرفته‌ایم.

2:42 عبارت یونانی را می‌توان «رفاقت در تقسیم نان» خواند. باور به آنچه رسولان انجام دادند، همراه با هم دعا کردن و تقسیم نان با یکدیگر همگی نشانه‌های رفاقت ما هستند. رفاقت تنها به تقسیم نان با هم محدود نمی‌شود.

شما اعطا شود،¹⁵ و شاهزاده حیات را به قتل رسانده‌اید، کسی که خدا از میان مردگان زنده کرد که ما شاهد آن بودیم.¹⁶ و با ایمان به اسم او، اسم او این مرد را که می‌بینید و می‌شناسید قوی کرد. آری، ایمانی که به وسیله اوست، سلامت کامل را در حضور همه شما به این مرد داد.

درخواست پطرس از مردم برای توبه

¹⁷ و اکنون ای برادران، می‌دانم که این کار را در جهالت کردید، همان طور که حاکمان ما چنین کردند.¹⁸ اما آن چه خدا از طریق همه انبیا از پیش گفته بود که مسیح باید رنج بکشد، بدین ترتیب محقق شد.¹⁹ بنابراین، توبه کنید و به دین روی بیاورید تا گناهانتان پاک شود، تا زمان تجدید از پیشگاه خداوند فرا رسد؛²⁰ و مسیح را که برای شما برگزیده شده است بفرستد؛²¹ همان طور که خدا به وسیله پیامبران

همه مردم دیدند که او راه می‌رود و خدا را ستایش می‌کند.¹⁰ و شناختند که او همان کسی است که در دروازه زیبای معبد برای گرفتن صدقه می‌نشست، و از اتفاقی که برای او افتاده بود حیرت زده و بهت زده شدند.

¹¹ در حالی که او به پطرس و یوحنا چسبیده بود، همه مردم با حیرت در رواقی که به رواق سلیمان معروف بود به طرف آنان دویدند.¹² و پطرس با دیدن این، مردم را مورد خطاب قرار داد: ای مردان اسرائیل، چرا از این مرد شگفت زده شدید؟ یا چرا چشمان خود را بر ما دوختید گویی با قدرت خود یا تکریم خدا کاری کردیم که راه برود؟¹³ خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای پدرانمان، خادمش عیسی را جلال داد، که شما تسلیم کردید و در حضور پاپلاطس که تصمیم داشت او را آزاد کند، انکارش کردید.¹⁴ اما شما انسانی مقدس و عادل را انکار کردید و خواستید که یک قاتل به

3:10 هدایای روح القدس در قرن اول در اختیار کلیسا بود تا حمایتی باشد از موعظه شفاهی انجیل. شفاها در محل‌های عمومی بود؛ برخلاف ادعاهای بسیاری که امروزه در مورد شفاها می‌شود. هدایای معجزه‌آسا پس گرفته شده و در بازگشت مسیح، بار دیگر پراکنده می‌شوند.

3:16 ایمان- ایمان پطرس و یوحنا. به نظر نمی‌رسید که مرد شفا یافته هیچ ایمان یا درکی داشته باشد. «شفای» امروزی نیازمند ایمان فردی است که شفا می‌یابد؛ اما عطایای روح القدس افرادی را که ایمان یا درک نداشتند نیز با شفا متبرک ساخت. امروز ما این عطایا را نداریم.

3:19 این می‌تواند بدین معنا باشد که وقتی یهودیان توبه کنند، آنگاه خدا عیسی را به زمین بازمی‌گرداند.

3:21 ملکوت خدا بر زمین نوعی «احیا» است. در قدیم اسرائیل ملکوت خدا بود - خدا پادشاه آنها بود (خروج 19:6)؛ اما آن ملکوت توسط خدا نابود شد تا زمانی که پسرش

آمدند،² و بسیار از آنها خشمگین بودند زیرا به مردم تعلیم می‌دادند و رستاخیز عیسی از مردگان را اعلام می‌کردند.³ و آنها را دستگیر کرده و تا روز بعد به زندان انداختند؛ زیرا اکنون شب بود.⁴ اما بسیاری از کسانی که این کلام را شنیدند ایمان آوردند و تعداد آن افراد حدود پنج هزار نفر بود.

⁵ و این گونه شد که روز بعد، حاکمان آنها و ریش‌سفیدان و کاتبان در اورشلیم گرد هم آمدند،⁶ به همراه حنا روحانی اعظم و قیافا و یوحنا و اسکندر و تمام خانواده روحانی اعظم نیز بودند.⁷ و وقتی آنها را در میان خود نشاندد، پرسیدند: با چه قدرت و به چه اسمی چنین کاری کردید؟⁸ سپس پطرس، که با روح‌القدس پر شده بود به آنها گفت: ای حاکمان مردم و ریش‌سفیدان،⁹ اگر امروز درباره کار نیکی که در حق یک مرد مفلوج شد بازجویی می‌شویم که چگونه این مرد شفا یافته است،¹⁰ همه شما و همه مردم اسرائیل بدانید که به نام عیسی مسیح ناصری که به صلیب کشیدید، که خدا از میان مردگان زنده کرد، با نام او این مرد اینجا در حضور شما شفایافته ایستاده است.¹¹ او سنگی بود که از سوی شما

مقدس خود که از ابتدای جهان بوده‌اند گفته، آسمان، او را تا زمانی که همه چیز به حالت اول بازگردد نگاه خواهد داشت.²² همانا موسی گفت: خداوند، خدا پیامبری مثل من را برای شما از میان برادرانتان برمی‌انگیزد؛ هر چه به شما می‌گوید باید به او گوش دهید.²³ و این گونه خواهد شد که هر روحی که به آن پیامبر گوش نسپارد از میان مردم خواهد رفت.²⁴ آری، و همه پیامبران، از سمونیل گرفته و پیامبران بعدی که سخن گفتند، نیز درباره این روزها حرف زدند.²⁵ شما فرزندان انبیا هستید و از پیمانی هستید که خدا با پدرانتان بست و به ابراهیم گفت: و همه خانواده‌های نسل تو در زمین برکت خواهند یافت.²⁶ خدا که خادم خود عیسی را برخیزانید، او را اول از همه نزد شما فرستاد تا تک تک شما را از گناهانتان برگرداند و به شما برکت دهد.

باب 4

مخالفت یهود با موعظه انجیل
و در حالی که با مردم سخن می‌گفتند، روحانیون و سرداران معبد و صدوقیان به سوی آنها

بازگردد (حزقیال 27-25:21). احیای اسرائیل و بازگشت عیسی در آیات 11-1:6 کتاب اعمال یکی دانسته شده‌اند.

3:22 از میان برادرانتان- بر بشر بودن عیسی مسیح تأکید شده است. او «از میان ما» بود.

3:26 برکت و عده داده شده به ابراهیم برکت بخشش (غلاطیان 3:8).

برای این که بیش از این در میان مردم گسترش نیابد، باید به آنها هشدار دهیم که از این به بعد دیگر درباره نام او با هیچ کس صحبت نکنند.¹⁸ و آنها را فرا خواندند و به آنها دستور دادند که به نام عیسی به هیچ وجه صحبت نکنند و نه تعلیم دهند.

¹⁹ اما پطرس و یوحنا در پاسخ به آنها گفتند: چه از نظر خدا گوش دادن به شما به جای گوش دادن به خدا درست باشد چه نباشد، شما باید داوری کنید؛²⁰ زیرا ما نمی‌توانیم جز در مورد چیزهایی که دیده و شنیده‌ایم حرفی بزنیم.

²¹ و وقتی بیشتر آنها را تهدید کردند، آنها را رها کردند و به خاطر مردم راهی برای مجازات آنها پیدا نکردند. زیرا همه مردم به خاطر کاری که انجام شده بود خدا را

سازندگان طرد شد و اکنون سنگ نوک کنج شده است.¹² و رهایی در هیچ کس دیگری نیست؛ زیرا نام دیگری نیز نیست که در زیر آسمان به مردم اعطا شده باشد، که با آن نام نجات یابیم.

¹³ وقتی آنها جسارت پطرس و یوحنا را دیدند و فهمیدند که بی‌سواد و جاهل هستند، حیرت زده شدند؛ و فهمیدند که آنها با عیسی بوده‌اند.¹⁴ و با دیدن مردی که در کنار آنها در حالی ایستاده بود که شفا یافته بود، نمی‌توانستند چیزی علیه آن بگویند.¹⁵ اما وقتی به آنها دستور دادند که شورا را ترک کنند، با یکدیگر مشورت کردند و گفتند: ¹⁶ با این مردان چه باید بکنیم؟ زیرا به وسیله آنها معجزه‌ای چشمگیر رخ داد. این بر همه ساکنین اورشلیم واضح است و نمی‌توانیم انکارش کنیم!¹⁷ اما

4:12 بنابراین مذاهب غیر مسیحی نمی‌توانند راهی به رستگاری باشند. ما می‌توانیم تنها «در» آن نام رستگار شویم ... «که در آن» رستگاری است. این تنها زمانی ممکن است که ما در او تعمید داده شویم، به نام او.

4:13 آموزش ندیده. واژه یونانی «بدون آموزش»، «آموزش ندیده»؛ عامی- یونانی «ابله». اولین موعظه‌گران و رهبران کلیسا عامی به نظر می‌رسیدند، مانند افرادی که آموزش‌های ابتدایی را ندیده‌اند. اما خدا آنها را شاهد تقویت این کلام گرفت. دانش و آموزش صلاحیت‌های لازم برای موعظه انجیل نیستند؛ ما هرگز نباید احساس کنیم که کافی نیستیم، بلکه باید کاری را انجام دهیم که می‌توانیم و اجازه دهیم خدا از ما استفاده کند.

4:16 حتی دشمنان مسیحیت نمی‌توانند رد کنند که معجزات صورت گرفته توسط روح‌القدس در حقیقت واقعی بودند. ادعاهای امروزی مبنی بر مالکیت عطایای روح‌القدس قابل بحث هستند؛ اگرچه خدا دعاها را می‌شنود، عطایای روح‌القدس امروزه در دسترس نیستند. آنچه ادعا می‌شود توسط پنجاهه‌ای‌ها انجام شده، با عطایای معجزه‌آسای روح‌القدس در قرن اول قابل قیاس نیست.

4:19 ما باید تابع قوانین دولتی باشیم، تا زمانی که این قوانین با قوانین خدا و عیسی در تضاد نیستند. این به ویژه در مورد خدمت نظام وظیفه صادق است.

حال دستت را برای شفا دادن و انجام دادن معجزات و شگفتی‌ها به نام فرزند مقدست عیسی دراز کنی.

³¹ وقتی دعایشان به پایان رسید، محلی که گرد هم آمده بودند لرزید و همه از روح القدس پُر گشتند؛ و کلام خدا را با شهادت بیان کردند.

موعظه قدرتمند توسط حواریون

³² و همه مومنین را یک دل و یک روح بود، و هیچ یک از آنها نگفت که اموالش از آن خودش است؛ بلکه همه چیز را مشترک می‌داشتند. ³³ و حواریون با قدرت عظیمی به رستاخیز سرور، عیسی شهادت می‌دادند و فیض عظیمی بر همه ایشان بود. ³⁴ چرا که هیچ کس در میان آنها چیزی کم نداشت؛ زیرا هر که صاحب زمین یا خانه بود، آنها را فروخت و بهای مال فروخته شده خود را آورده، ³⁵ و پیش پای حواریون می‌گذاشت؛ و به هر یک به اندازه نیازش داده می‌شد.

³⁶ و یوسف که حواریون او را برنابا (یعنی ابن الوعظ) لقب دادند، مردی از قوم لاوی و از نژاد قبرس، ³⁷ زمینی داشت که فروخت؛ و پول

می‌ستودند. ²² زیرا مردی که این معجزه شفا را دیده بود بیش از چهل سال سن داشت.

²³ و وقتی آزاد شدند، نزد دوستان خود رفتند و همه گفته‌های روحانیون اعظم و ریش‌سفیدان به خود را برای آنها بازگو کردند. ²⁴ و آنها با شنیدن آن صدای خود را یکدل خطاب به خدا بلند کردند و گفتند: ای خداوندی که آسمان و زمین و دریا و هر چه در آنهاست آفریدی، ²⁵ و به وسیله روح القدس از زبان پدر ما داود خادم خود گفتی: چرا امت‌ها شورش می‌کنند و قوم‌ها به باطل می‌اندیشند؟ ²⁶ پادشاهان زمین برخاستند و حاکمان علیه خداوند و علیه مسیح او گرد هم آمدند. ²⁷ زیرا به واقع در این شهر علیه بنده مقدس تو عیسی که او را مسح کردی، هم هیرودیس و هم پنطیوس پیلاطس همراه با ملل غیریهود و قوم اسرائیل با هم جمع شدند، ²⁸ تا هر چه دست و رای تو از قبل مقدر فرموده بود، به‌جا آورند. ²⁹ و اکنون خداوند، به تهدیدات ایشان بنگر و به خادمان خود عطا کن تا با شجاعت تمام به کلام تو سخن گویند، ³⁰ تا در عین

4:30 خدمتکار مقدس شما- عیسی پس از رستاخیز و عروجش به آسمان، هنوز نیز بنده خدا است و بنابراین کمتر از خدا (یوحنا 13:16).

4:31 روح القدس به قدرت خدا اشاره دارد که برای اهداف خاص، مجزا شده است. خدا آن را به انسان‌ها داد تا کارهای ویژه‌ای را انجام دهند - آنها «پُر شده بودند» - اما بایستی دوباره پر می‌شدند تا وظایف و کارهای دیگری را به انجام برسانند.

4:37 براساس شریعت موسی، قرار نبود لاویان مالک زمینی باشند. اما آنها با مالکیت ملک خارج از اسرائیل، مثلاً در قبرس، این قانون خدا را زیر پا گذاشتند. اما وقتی برنابا به مسیح گروید، دریافت که این «زیر پا گذاشتن» قانون خدا گناه است؛ آنچه خدا می‌خواهد اطاعت ساده و عاشقانه از صمیم قلب است.

آن را آورد و پیش پای حواریون گذارد.

باب 5

حنانیا و سفیره

اما مردی به نام حنانیا و همسرش سفیره مالی را فروختند،² و او با اطلاع زنش بخشی از عواید آن را نگه داشتند، و فقط بخشی از آن را آوردند و پیش پای حواریون گذاشتند.³ و پطرس گفت: حنانیا، چرا شیطان دل تو را پر کرد تا به روح القدس دروغ بگویی و بخشی از عواید زمین را نگه داری؟⁴ آیا وقتی آن را داشتی، مال خودت نبود؟ و پس از فروختنش، در اختیار خودت نبود؟ چطور شد که این را در دل خود نهادی؟ تو به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا دروغ گفتی.⁵

و حنانیا با شنیدن این کلمات به زمین افتاد و آخرین نفسش را کشید؛ و ترس عظیمی بر همه شنوندگان این جریان غالب گشت.⁶ و جوانان برخاسته و او را پیچیدند و بیرون بردند و به خاک سپردند.

⁷ و پس از یک فاصله سه ساعته، همسرش که از اتفاقات رخ داده

بی‌خبر بود وارد شد.⁸ و پطرس به او گفت: به من بگو آیا زمین را به همین قیمت فروختید یا نه. و او گفت: بله به همین قیمت.⁹ اما پطرس به او گفت: چطور با هم قرار گذاشتید که روح خداوند را بیازمایید؟ بنگر، پاهای کسانی که شوهرت را به خاک سپردند در آستانه در است، و تو را نیز بیرون خواهند کرد.¹⁰ و او فوراً به پای او افتاد و آخرین نفسش را کشید؛ و جوانان داخل شدند و جسد او را یافتند، و او را بیرون بردند و در کنار شوهرش خاک کردند.¹¹ و ترس عظیمی بر کل کلیسا و همه کسانی که این اتفاقات را شنیدند، حاکم شد.¹² و معجزات و شگفتی‌های بسیاری به دست حواریون در میان مردم انجام شد؛ و همه آنها با هم در رواق سلیمان جمع می‌شدند.

دستگیری حواریون

¹³ هیچ کس دیگری جرات نداشت به آنها ملحق شود، گرچه مردم احترام زیادی برای آنها قائل بودند.¹⁴ و مومنان بسیار دیگری به خداوند ایمان آوردند، زنان و مردان.¹⁵ تا جایی که حتی مریضان را به

5:3 حنانیا می‌توانست کنترل کند که شیطان دلش را پر بسازد یا خیر، و چون این کار را نکرد، مورد لعن قرار گرفت. اگر فکر کنیم موجودی که «شیطان» خوانده شده به صورت مقاومت‌ناپذیری بر ما تأثیر می‌گذارد تا گناه کنیم و ما را برخلاف خواستمان با میل به گناه پر می‌کند، دچار همان گناه مرگباری شدیم که حنانیا شد.

5:4 گناه درون ذهن حنانیا تکوین یافته بود - گناه از درون آغاز شد (مرقس 23-19:7). اما آیه 3 می‌گوید که «شیطان»، دشمن، ذهن حنانیا را پر کرد. دشمن یا خصم، ذهن خود ما است، جایی که گناه از آن تکوین می‌یابد.

5:7 تظاهر به اشتیاق، معنویت و سخاوت، وقتی که در دل این گونه نیستیم، گناهی بسیار بزرگ است و از این حیث به سختی مورد داوری خدا قرار می‌گیریم.

5:14 این رشد‌پذیرش بشارت بلافاصله پس از آن اتفاق افتاد که خدا حنانیا و سفیره

خیابان‌ها می‌آوردند و آنها در بستر و تشک می‌خوابانددند تا وقتی پطرس می‌آید، حداقل سایه او روی برخی از آنها بیفتد.¹⁶ مردم از شهرهای اطراف اورشلیم نیز جمع شدند و مریضان و کسانی را که گرفتار ارواح ناپاک بودند می‌آوردند؛ و تک تک آنها شفا می‌یافت.

¹⁷ اما روحانی اعظم و همه همراهانش (که فرقه صدوقیان هستند) برخاستند و از حسادت پر شده بودند،¹⁸ و حواریون را دستگیر کردند و به زندان انداختند.¹⁹ اما یکی از فرشتگان خداوند شبانه درهای زندان را باز کرد و آنها را بیرون آورد و گفت: ²⁰ بروید و در معبد بایستید و برای مردم همه کلام این حیات را بازگو کنید.

²¹ و با شنیدن این، صبح وارد معبد شدند و تعلیم دادند. اما روحانی اعظم و همراهانش آمدند و اعضای شورا و شیخ‌های بنی اسرائیل را فراخواندند و کسانی را به زندان فرستادند تا آنها را بیاورند.²² اما وقتی ماموران آمدند، آنها را در زندان نیافتند پس برگشتند و گزارش دادند و گفتند: ²³ زندان در امنیت بسته بود و دربانان در آستانه درها را به گناه ریاکاری کشت (آیه 11). «روی سخت خدا»، این واقعیت که او در مورد خواسته‌هایش از ما جدی است، درواقع برای انسان‌های هشیار جاذبه دارد تا دافعه.

5:26 از مردم بیم داشتند. جمعیت بسیار بی‌مهر بودند. آنها در ابتدا به عیسی ایمان داشتند، و وقتی وارد اورشلیم شد، برایش پایکوبی کردند؛ سپس به مخالفت با او برخاسته فریاد زدند «مصلوبش کنید!» و حالا بار دیگر حامی او هستند. خدا قلوب پایدار و وفادار می‌خواهد، نه تعهدی که چنین آسان بر باد رود، چون ریشه‌ای در کلام او ندارد.

5:30 کشتید. یهودیان رومیان را مجبور به این کار کردند، چون آنها پیرو شریعت موسی نبودند (2:23). اما خدا پشت این رفتارها را می‌بیند؛ ما در برابر نیاتمان مسئولیم، حتی اگر انجام کارهایمان را به دیگران بسپاریم.

از انسان باشد، تپاه خواهد شد.³⁹ اما اگر از سوی خدا باشد، قادر نخواهید بود آنها را سرنگون کنید. ممکن است در حال ستیز با خدا باشید.⁴⁰ آنها به توصیه او گوش کردند و وقتی حواریون را فراخواندند، آنها را زدند و دستور دادند که به نام عیسی سخن نگویند و آنها را رها کردند.⁴¹ بنابراین آنها از حضور شورا رفتند و خوشحال بودند از این که لایق این شمرده شدند که به خاطر این نام بی‌حرمتی ببینند.⁴² و هر روز، در معبد و در خانه، از تعلیم و این موعظه که عیسی مسیح است دست برنداشتند.

پاپ 6

مشکلات اجرایی

در آن روزها وقتی تعداد شاگردان چند برابر می‌شد، شکایتی بین یهودیان یونانی‌زبان علیه عبرانیان برخاست زیرا بیومزنان آنها در توزیع روزانه مورد غفلت قرار گرفتند.² و آن دوازده نفر، کل شاگردان را نزد خود فراخواندند و گفتند: شایسته نیست که تعلیم کلام خدا را رها کنیم و در عوض امور مالی را اداره کنیم/³ بنابراین

و همه ما شاهد این امور بودیم و همچنین روح القدس که خدا به کسانی عطا کرده که از او اطاعت می‌کنند.

توصیه غمالائیل

³³ اما آنها با شنیدن این حرف‌ها دل‌هایشان پاره گشت و تصمیم گرفتند آنها را بکشند.³⁴ اما یک فریسی در شورا به نام غمالائیل، که معلم تورات و مورد احترام همه مردم بود، بلند شد و دستور داد تا مدتی آنها را بیرون بگذارند.³⁵ و به آنها گفت: ای مردان اسرائیل، به دقت مواظب باشید که می‌خواهید با این‌ها چه کنید.³⁶ زیرا قبل از این روزها، تیودا برخاست و ادعا کرد که کسی است و حدود چهارصد نفر به او ملحق شدند. او کشته شد، و همه پیروان او پراکنده و نیست شدند.³⁷ پس از این مرد، یهودای حلیل برخاست در روزهای سرشماری و جمعی از مردم را به دنبال خود کشید. او نیز هلاک شد و همه کسانی که از او تبعیت می‌کردند پراکنده شدند.³⁸ و اکنون به شما می‌گویم، از این مردان فاصله بگیرید و آنها را به حال خود بگذارید. زیرا اگر این رای و عمل

5:41 شاد شدن از هر ارتباطی که بین رنج‌های خود و عیسی می‌بینیم، کار ساده‌ای نیست. اما این ماهیت زندگی «در عیسی» است.

5:42 موعظه‌های اولیه از بشارت در خانه‌ها بود (مانند آیه 2:56)؛ درست همان طور که مأموریت مسیح بر خانه‌ها تمرکز داشت. کلیساهای خانگی و گروه‌های خانوادگی، راه‌هایی هستند که خدا برای کار انتخاب می‌کند.

6:2 کلام خدا - [خدمت] کلام خدا (رجوع کنید به آیه 4). گاهی باید در میان عبارات انجیل، موارد حذف شده را نیز بخوانیم. سبک مردم 2000 سال پیش با اکنون متفاوت بود.

برخاستند و با استیفان به مباحثه پرداختند.¹⁰ آنها نتوانستند در برابر حکمت و روحی که استیفان با آن سخن می‌گفت مقاومت کنند.¹¹ پس در خفا چند نفر را وادار کردند که بگویند: ما شنیدیم که او حرف‌های کفرآمیز علیه موسی و خدا می‌زند.¹² و مردم و ریش‌سفیدان و کاتبان را به جوش و خروش آوردند و بر او هجوم آوردند و او را گرفتند، و به نزد شورا بردند،¹³ و شاهدان دروغین آوردند که گفتند: این مرد دست از کفرگویی علیه این مکان مقدس و تورات بر نمی‌دارد.¹⁴ چرا که ما شنیدیم که گفت این عیسای ناصری اینجا را نابود خواهد کرد و آداب و رسوم را که عیسی به ما سپرده تغییر خواهد داد.¹⁵ و همه کسانی که در شورا نشسته بودند و به او چشم دوخته بودند، دیدند که صورتش مثل صورت یک فرشته است.

باب 7

دفاع استیفان

و روحانی اعظم گفت: آیا این‌ها حقیقت دارند؟² و او گفت: برادران و پدران، گوش دهید. خدای پرشکوه بر

ای برادران، از میان خود هفت نفر از مردان نیک نام و پر شده از روح و حکمت را انتخاب کنید تا آنها را برای این وظیفه منصوب کنیم.⁴ اما ما همچنان صادقانه به نیایش و خدمت به کلام خدا خواهیم پرداخت.⁵ و این تصمیم کل جمعیت را خشنود ساخت؛ و آنها استیفان، مردی پر از ایمان و روح القدس و نیز فیلیپس، و پرخروس، و نیکانور، و تیمون، و پرمیناس و نیکلاوس را که قبلاً به دین یهود گرویده و اهل انطاکیه بود، انتخاب کردند.⁶ آنها را به حضور حواریون بردند و وقتی دعا کردند، دستانشان را بر آنها نهادند.

⁷ و کلام خدا گسترش یافت، و تعداد شاگردان در اورشلیم چند برابر شد و بسیاری از روحانیون نیز مطیع ایمان شدند.

دستگیری استیفان

⁸ و استیفان که پر از فیض و قدرت بود، معجزات و شگفتی‌های بسیاری در میان مردم انجام داد.⁹ تعدادی از اعضای کنیسه‌ای به نام کنیسه آزادگان (قبروانیان، اسکندریان و همچنین اهالی قیلیقیه و آسیا)

6:4 دعا چنین اهمیت والایی در کلیساهای اولیه داشت، و اکنون نیز باید این گونه باشد.
6:7 یگانگی حاصل شده بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی در کلیسا، مردم بیشتری را جذب می‌کرد. عیسی پیش‌بینی کرد که یگانگی ما دنیا را متحول خواهد کرد (یوحنا 17:23). تکرر ما مردم را از پیوستن به عیسی دلسرد می‌کند؛ چون در ابتدا، کلیسای عیسی تنها چیزی است که مردم از عیسی می‌بینند.

7:1 برادران- استیفان تمایل داشت که از این واژه در ارتباط با ایمانداران استفاده کند. نه او و نه کلیسای اولیه به دنبال «جدایی» از دنیای بی‌ایمانان نبودند.

7:2 منظور استیفان این است که خدا با ابراهیم در ارتباط بود، حتی زمانی که ابراهیم

همه مصیبت‌ها رها ساخت و در حضور فرعون، پادشاه مصر به او توفیق و حکمت عطا کرد؛ و او را فرمانروای مصر و همه خاندانش قرار داد.

¹¹ قحطی و مصیبت عظیمی سراسر مصر و کنعان را فرا گرفت؛ و پدران ما هیچ غذایی پیدا نکردند. ¹² اما وقتی یعقوب شنید که در مصر غله بود، برای اولین بار پدران ما را فرستاد. ¹³ و دفعه دوم یوسف خود را به برادرانش شناساند، و نژاد یوسف بر فرعون آشکار گشت. ¹⁴ و یوسف فرستاد و پدرش یعقوب و همه خاندانش، هفتاد و هفت نفر را نزد خود دعوت کرد. ¹⁵ و یعقوب به مصر رفت؛ و او و پدران ما در آنجا درگذشتند. ¹⁶ و آنها را به شیکیم بازگرداندند و در قبری نهادند که ابراهیم از پسران حمور به مبلغی خریده بود.

¹⁷ اما با نزدیک شدن زمان تحقق وعده‌ای که خدا به ابراهیم داده بود، قوم در مصر رشد کرد و چند برابر شد، ¹⁸ تا این که پادشاه دیگری در مصر برخاست که یوسف را نمی‌شناخت. ¹⁹ او با قوم و نژاد با نیرنگ برخورد می‌کرد و رفتار بدی با اجداد ما داشت، تا نوزادان خود را بیرون بیاندازد تا زنده نمانند. ²⁰ در این زمان، موسی به دنیا آمد و

پدر ما ابراهیم وقتی در بین‌النهرین بود ظاهر گشت، یعنی قبل از این که در حران ساکن شود، ³ و به او گفت: سرزمین و خویشاوندانت را رها کن و برو به سرزمینی که به تو نشان می‌دهم. ⁴ پس او سرزمین کلدانیان را ترک کرد و در حران ساکن شد، و از آنجا وقتی پدرش درگذشت، خدا او را به این سرزمین که اکنون در آن ساکن هستی فرستاد. ⁵ و خدا هیچ ارثی در آن به او نداد، حتی به قدر جای پای او، و وقتی فرزندی نداشت، خدا وعده داد که سرزمین را به او و بعد از آن به فرزندان او بدهد. ⁶ و خدا این گونه سخن گفت که فرزندان او باید در سرزمینی غریب زندگی کنند و چهارصد سال آنها را به اسارت خواهند گرفت و به آنها ظلم خواهند کرد. ⁷ و خدا گفت، امتی را که آنها را به اسارت خواهد گرفت محکوم خواهم ساخت، و پس از آن، آنها بیرون خواهند آمد و در این مکان برای من بندگان خواهند کرد. ⁸ و خدا وعده ختنه را به او داد؛ و ابراهیم اسحاق را به دنیا آورد و در روز هشتم او را ختنه کرد، و اسحاق یعقوب را به دنیا آورد و یعقوب دوازده پتریارخ را. ⁹ و آن دوازده پتریارخ به یوسف حسد برده و او را در مصر فروختند؛ اما خدا با او بود، ¹⁰ و او را از شر

در سرزمین اسرائیل زندگی نمی‌کرد؛ و بدون ساختن معبد. آن ارتباط براساس وعده‌های خدا به او بود، به ارث بردن ابدی زمین در ملکوت خدا، به خاطر کارهای نواده او که قرار بود عیسی باشد.

7:9 پیران یهودی نجات‌دهنده را طرد کردند - استیفان امیدوار بود که مخاطبینش شباهت بین آنچه با عیسی کرده بودند را درک کنند.

7:20، 21 تکرار واژه «پرورش یافت» نشان می‌دهد که موسی در زمان رشد تحت

من را هم بکشی؟²⁹ و موسی با این گفته فرار کرد و رفت تا در سرزمین مدیان زندگی کند و آنجا دو پسر به دنیا آورد.

³⁰ و چون چهل سال گذشت، فرشته بر او در بیابان کوه سینا در میان آتشی در بوته ظاهر شد.³¹ و موسی با دیدن آن، حیرت زده شد؛ و وقتی نزدیک شد تا ببیند، صدای خداوند به گوش رسید: ³² من خدای پدران تو هستم، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب. و موسی به لرزش افتاد و جرات نکرد نگاه کند.³³ و خداوند به او گفت: کفش‌هایت را از پاهایت در بیاور؛ زیرا مکانی که در آن ایستادی زمینی مقدس است.³⁴ یقیناً ظلمی را که در حق امت من در مصر می‌شود دیده‌ام و ناله‌هایشان را شنیده‌ام، و برای رهایی آنها آمده‌ام؛ و اکنون، بیا، تو را به مصر خواهم فرستاد.

³⁵ همین موسی که آنها وی را رد کردند و گفتند: چه کسی تو را حاکم و قاضی ما کرده؟ همان را خدا به دست فرشته‌ای که بر او در بوته آشکار گشت، فرستاد تا هم حاکم باشد و هم ناجی.³⁶ این مرد با

بسیار زیبا بود؛ و سه ماه در خانه پدرش پرورش یافت.²¹ و وقتی بیرون انداخته شد، دختر فرعون او را برداشت و مثل پسر خودش او را پرورش داد.²² و موسی در تمام حکمت قوم مصر تعلیم یافت و کلام و اعمال عظیمی از خود نشان می‌داد.

²³ اما وقتی حدود چهل سال داشت، به دلش افتاد که به دیدن برادران خود، بنی اسرائیل برود.²⁴ و وقتی دید که یکی از آنها مورد ظلم واقع شده، از او دفاع کرد و انتقام آن ستم‌دیده را گرفت و آن مصری را زد.²⁵ و تصور کرد که برادرانش فهمیدند که خدا به دست او آنها را نجات خواهد داد؛ اما آنها نفهمیدند.²⁶ و روز بعد، در حالی که دو تن از آنها با هم نزاع می‌کردند، بر آنها ظاهر گشت و سعی کرد آنها را آشتی دهد و گفت: ای دوستان، شما برادرید! چرا به یکدیگر آسیب می‌رسانید؟²⁷ اما آن کسی که به همسایه‌اش ظلم کرده بود او را عقب زد و گفت: چه کسی تو را حاکم و قاضی ما کرده؟²⁸ می‌خواهی همان طور که آن مصری را دیروز کشتی

تأثیراتی کاملاً متفاوت بوده است - از سوی خدا و از سوی جهان؛ اسرائیل و مصر. ما، و فرزندان ما، نیز همین تنش را داریم؛ برای موسی زمان زیادی طول کشید تا از تأثیرات مصر رها شده و آزادانه برای خدا تصمیم بگیرد.

7:25 بار دیگر استیφαν امیدوار است مخاطبینش دریابند که موسی به عنوان نجات‌دهنده اسرائیل در ابتدا توسط آنها درک نشد و طرد شد - و این نحوه رفتار آنها با عیسی بود.

7:29 موسی تا اندازه‌ای به خاطر ترس و تا اندازه‌ای از روی ایمان گریخت، چون از خشم فرعون نمی‌ترسید (عبرانیان 11:27). انگیزه‌های ما اغلب متنوع هستند، همان طور که به نظر می‌رسد موسی در آن زمان بود.

خدایتان رمفان را که برای پرستش ساخته بودید، برداشتید؛ و من شما را به آن سوی بابل خواهم برد.

⁴⁴ اجداد ما در بیابان، خیمه شهادت را داشتند، همان طور که خدا به موسی دستور داد که آن را طبق شکلی که دیده بود بسازد.⁴⁵

که اجداد ما نیز در زمان خود پس از به دست آوردن اموال ملت‌هایی که خدا قبل از حضور اجدادمان بیرون افکند تا ایام داود، آن خیمه را همراه با یوشع به سرزمین آوردند.⁴⁶ داود

مورد لطف خدا واقع شد و تقاضا کرد که برای خدای یعقوب منزلگاهی پیدا کند.⁴⁷ اما سلیمان بود که برای خدا خانه‌ای ساخت.⁴⁸ با این حال،

خدای متعال در خانه‌هایی ساکن نیست که به دستان انسان ساخته شده است. همان طور که پیامبر گفت:⁴⁹ آسمان تخت من است و

زمین چهارپایه‌ای برای پاهای من است؛ خداوند می‌گوید چه شکل خانه‌ای برای من خواهید ساخت؛ یا جای استراحت من کجاست؟⁵⁰ آیا

دست من همه این چیزها را نساخت؟⁵¹ ای گردنکشان که در دل و گوش کافرید، همیشه در برابر روح القدس مقاومت می‌کنید. همان طور که اجدادتان چنین کردند.⁵² اجدادتان

شگفتی‌ها و معجزاتی که چهل سال در مصر و در دریای سرخ و در بیابان انجام داد، آنها را به بیرون هدایت کرد.³⁷ این همان موسی است که به بنی اسرائیل گفت: خدا پیامبری مثل من را از میان برادرانتان برای شما برمی‌انگیزد.³⁸ این همان کسی است که در جماعت در بیابان با فرشته‌ای که با او در کوه سینا سخن گفت به همراه اجداد ما بود و کلمات زنده را دریافت تا به ما برساند.

³⁹ اجداد ما مطیع او نبودند، بلکه او را رد کردند و در دل‌هایشان به مصر بازگشتند،⁴⁰ و به هارون گفتند: برای ما خدایانی بساز که پیشاپیش ما بروند. ما نمی‌دانیم بر این موسایی که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد چه آمد.⁴¹ و آنها در آن روزها گوساله‌ای ساختند و برای آن بُت قربانی می‌آوردند و به خاطر کار دست خود شادی می‌کردند.⁴² اما خدا رو گردانید و آنها را رها کرد تا به ستاره‌های آسمان خدمت کنند. همان طور که در کتاب انبیا نوشته شده: ای خاندان اسرائیل، آیا چهل سال در بیابان برای من حیوان ذبح کردید و قربانی کردید؟⁴³ خیمه مولک و ستاره

7:43 اسرائیل تمثال‌هایی را به بیابان بردند - تمثال خدا و بت‌های خود را. اگر خروج از طریق دریای سیاه نماد تعمید ما باشد (رساله اول قرن‌تین 10:12)، پس سفر بیابان از سفر ما پس از تعمید به سمت ملکوت خدا سخن می‌گوید. ما تنها باید یک تمثال با خود داشته باشیم، یک نظام پرستش - نظام خدا.

7:48 لازم نیست برای پرستش خدا به درون کلیسا یا یک ساختمان مذهبی برویم. خدا می‌خواهد در دل‌های ما زندگی کند [یعنی اذهان ما]، و جایی که دو یا سه نفر برای پرستش او گرد آمده‌اند (متی 18:20).

کدام یک از انبیا را آزار و اذیت نکردند؟ و آنها کسانی را که ظهور آن عادل را پیشگویی کردند کشتند؛ همان کسی که اکنون خائن و قاتل او شده‌اید.⁵³ ای کسانی که شریعت را به وسیله فرشتگان دریافتید و آن را حفظ نکردید!

⁵⁴ اکنون وقتی این‌ها را شنیدند، از دست او عصبانی شدند و دندان‌های خود را به هم فشردند.⁵⁵ اما او که از روح القدس پر بود، صادقانه با آسمان نگاه کرد، و شکوه خدا را دید، و عیسی را که در دست راست خدا ایستاده بود؛ و گفت: ⁵⁶ بنگرید، می‌بینم که آسمان‌ها باز شدند پسر انسان در دست راست خدا ایستاده است.⁵⁷ اما آنها با صدایی بلند فریاد زدند و گوش‌های خود را گرفتند و با هم به سوی او حمله‌ور شدند.⁵⁸ و آنها او را از شهر بیرون کردند و سنگسارش نمودند؛ و شاهدان لباس‌هایشان را به پای مرد جوانی به نام شائول گذاشتند.⁵⁹ و آنها

باب 8

آزار شائول به کلیسا

شائول اعدام او را تأیید کرده بود. و در آن روز، جفایی عظیم به کلیسای واقع در اورشلیم وارد شد و به غیر از حواریون، همه در سراسر مناطق یهودیه و سامره پراکنده شدند.² و مردان دیندار استیφαν را به خاک سپردند و سوگواری بزرگی برای او به پا کردند.³ اما شائول رفتاری شرم‌آور با کلیسا داشت، وارد هر خانه می‌شد و مردان و زنان را بیرون می‌کشید و آنها را به زندان می‌افکند.

7:56 عهد جدید اغلب عیسی را **نشسته** بر سمت راست خدا توصیف می‌کند (عبرانیان 1:3؛ 10:12). اما او همچنان به ما علاقه دارد، و وقتی شاهد مرگ استیφαν بود، به منظور میانجی‌گری برای استیφαν در برابر تخت خدا **ایستاد**.

7:59، **60** آخرین کلمات استیφαν بسیار شبیه به واژگانی هستند که عیسی درست قبل از مرگ به زبان آورد. بنابراین، به صلیب کشیدن چیزی نیست که تنها از دور به آن نگاه کرده و بسناییم، در مقام یک نماد یا تصویر؛ بلکه چیزی است که شخصاً و مستقیماً با ما سخن می‌گوید. و باید ما را متحول سازد؛ و اینجا است که برای من اینجا و همین حالا، امروز، تبدیل به یک الگو می‌گردد.

7:60 **بخفت** - برای ایمانداران، مرگ چیزی غیر از خواب ناخودآگاه است. چیزی که در مرحله بعد می‌فهمیم، رسانخیز با بازگشت عیسی است.

8:2 آنها «پارسا» بودند چون تمایل داشتند خطر شرم و بدرفتاری را بپذیرند، اما برادران مسیحی شناخته شوند. ما نیز باید گاهی این گونه شجاع باشیم.

8:3 ایمان آوردن پولس برای تمام ما یک الگو است (1 تیموتائوس 1:16)؛ موقعیت ما پیش از تعمید، اساساً، به اندازه پولس بد بود. چون گناه تا این اندازه عظیم است.

تعمید یافتن، با فیلیپس همراه شد؛ و با دیدن نشانه‌ها و معجزات بزرگ شگفت‌زده می‌شد.

¹⁴ وقتی حواریون حاضر در اورشلیم شنیدند که سامره کلام خدا را دریافت کرده، پطرس و یوحنا را نزد آنها فرستادند، ¹⁵ که وقتی رسیدند برای ایشان دعا کردند تا روح القدس را دریافت کنند. ¹⁶ زیرا هنوز بر آنها نازل نشده بود. آنها فقط در نام سرور، عیسی، تعمید یافته بودند. ¹⁷ دستانشان را بر ایشان نهادند، و آنها نیز روح القدس را دریافت نمودند.

¹⁸ وقتی شمعون دید که از طریق گذاشتن دست حواریون، روح القدس اعطا می‌شود، به آنها پیشنهاد پول داد و گفت: ¹⁹ به من هم این قدرت را بدهید تا بر هر کسی که دستانم را می‌گذارم، روح القدس را دریافت کند. ²⁰ اما پطرس به او گفت: نقره‌ات با خودت نابود باد که فکر کردی با پول هدیه خدا را به دست آوری. ²¹ تو در این امر هیچ نصیب و سهمی نداری، زیرا دلت نزد خدا راست نیست. ²² پس از شرارت خود توبه کن و با خداوند نیایش کن تا شاید فکری که داشتی بخشیده شود. ²³ زیرا می‌بینم که با تلخی زهرآگین شده‌ای و شرارت تو را اسیر خود کرده است. ²⁴ و شمعون در پاسخ

⁴ بنابراین، کسانی که پراکنده شدند هر جا که می‌رفتند کلام را موعظه می‌کردند. ⁵ و فیلیپس به شهر سامره رفت و مسیح را به آنها اعلام نمود. ⁶ و وقتی مردم معجزات او را شنیدند و دیدند، همه یکدل به چیزهایی که فیلیپس می‌گفت گوش دادند. ⁷ زیرا از بسیاری از کسانی که ارواح ناپاک داشتند، ارواح ناپاک بیرون آمدند، با صدایی بلند فریاد می‌زدند؛ و بسیاری که مفلوج یا شل بودند شفا می‌یافتند. ⁸ و شادی بیشتری در آن شهر حاکم شد.

شمعون جادوگر

⁹ اما مردی بود به اسم شمعون که قبلاً در آن شهر جادو می‌کرد و مردم سامره را شگفت‌زده می‌نمود، و ادعا می‌کرد که خودش شخصی بزرگی است. ¹⁰ همه از کوچکترین تا بزرگترین به او گوش می‌کردند و می‌گفتند: این مرد قدرت خدایی را دارد که عظیم نام دارد. ¹¹ و آنها به او گوش می‌کردند زیرا مدت زیادی با سحر و جادوی خود آنها را حیرت‌زده کرده بود. ¹² اما وقتی فیلیپس درباره ملکوت خدا و نام عیسی مسیح موعظه می‌کرد، به او ایمان آوردند و زنان و مردان تعمید یافتند. ¹³ و خود شمعون نیز ایمان آورد و پس از

8:12 تعمید به طور طبیعی و بلافاصله پس از باور کردن بشارت، محقق می‌شود.

نوزادان را نمی‌توان تعمید کرد، چون قادر به باورکردن بشارت نیستند.

8:13 شاید انگیزه شمعون از ابتدا مشکوک به نظر می‌رسید (آیه 18). اما ما نمی‌توانیم انگیزه‌های دیگران را قضاوت کنیم، ما باید تمام کسانی که به باور بشارت اعتراف می‌کنند را تعمید دهیم.

8:24 برای من دعا کنید- اما پطرس به او گفته بود که خود به درگاه خدا دعا کند (آیه

و شنید که او کتاب اشعیاى نبی را می‌خواند و گفت: آیا آنچه می‌خوانی را می‌فهمی؟³¹ و او گفت: چطور بفهمم اگر کسی راهنمایی‌ام نکند؟ و او از فیلیپس خواهش کرد که سوار شود و با او بنشیند.

³² متن کتاب مقدس که می‌خواند این بود: مانند گوسفند به سوی کشتارگاه برده شد، و مانند بره‌ای که نزد پشمچین خود ساکت است، دهانش را ننگشود.³³ در فروتنی او، عدالت از او گرفته شد. چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد؟ زیرا زندگی او از روی زمین برداشته می‌شود.

³⁴ و خواجه‌سرا به فیلیپس گفت: خواهش می‌کنم بگو از کدام پیامبر حرف می‌زند؟ از خودش یا کس دیگری؟³⁵ و فیلیپس دهانش را گشود، و از این کتاب شروع کرد و عیسی را به او موعظه نمود.³⁶ و در حالی که در امتداد جاده می‌رفتند، به آبی رسیدند و خواجه‌سرا گفت: نگاه کن آب! چه چیزی مانع تعمید

گفت: برای من به درگاه خداوند دعا کنید، تا هیچ یک از چیزهایی که گفתי سر من نیابد.

²⁵ پس وقتی بر کلام خداوند شهادت دادند و اعلامش کردند، به اورشلیم بازگشتند و بشارت را در بسیاری از روستاهای سامریان موعظه کردند.

فیلیپس و مقام اتیوپیایی

²⁶ اما یکی از فرشتگان خدا با فیلیپس سخن گفت: بلند شو و برو به سمت جنوب، به جاده‌ای که از اورشلیم به غزه منتهی می‌شود. این جاده بیابانی است.²⁷ و او برخاست و رفت، و مردی از اتیوپی، که یک خواجه‌سرا با قدرت بسیار در دربار گنداکه ملکه اتیوپی بود و مسئولیت همه خزانه او را به عهده داشت، برای عبادت به اورشلیم آمده بود.²⁸ و در هنگام بازگشت، در کالسکه‌اش نشسته بود کتاب اشعیاى نبی را می‌خواند.²⁹ و روح به فیلیپس گفت: برو نزدیک و به این کالسکه ملحق شو.³⁰ و فیلیپس به سوی او دوید

22. ما اغلب در مورد ارتباط مستقیم با خدا، که او خود از ما می‌خواهد، تردید می‌کنیم. ترجیح می‌دهیم فرد دیگری این کار را برای ما انجام دهد، درست همان طور که قوم اسرائیل نمی‌خواستند مستقیماً با خدا صحبت کنند، پس از موسی خواستند که به صدای او گوش کند و آنچه می‌گوید برایشان بازگو نماید.

8:31 مردم نمی‌توانند بدون موعظه‌گر، بشارت را بشنوند (رومیان 10:14). مردمی هستند که منتظرند ما انجیل را برایشان توضیح دهیم. بیایید به سوی آنها برویم.

8:33 نسل- فرزندان او. خواجه‌سرا نمی‌توانست فرزندی داشته باشد، پس علاقه داشت که پیشگویی‌های مربوط به عیسی در اشعیا 53 را بخواند، که می‌گفت او بدون داشتن فرزند خواهد مرد. ما هرکدام شباهت‌ها یا ارتباط‌هایی مستقیم بین عیسی و زندگی شخصی خود می‌بینیم و این ما را به سمت او جذب می‌کند.

8:36 آغازگر تعمید، فردی است که می‌خواهد تعمید داده شود. ایده آب پاشیدن بر نوزادان نادرست است.

بیاورد.³ و این گونه شد که در ادامه راه به دمشق نزدیک شد، و ناگهان نوری از آسمان دور او درخشید.⁴ و او بر زمین افتاد و صدایی شنید که به او گفت: شائول، شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟⁵ و او گفت: خداوندا، تو کیستی؟ و او گفت: من عیسی هستم که تو بر او جفا می‌کنی.⁶ اما برخیز و به شهر برو و آنجا به تو گفته می‌شود که چه باید کنی.⁷ اما مردانی که همسفر او بودند ساکت ایستادند، درحالی که آن صدا را می‌شنیدند اما هیچ‌کس را نمی‌دیدند.⁸ و شائول برخاست، و هنگامی که چشمان خود را باز کرد، هیچ کس را ندید، و آنها دستش را گرفتند و به دمشق بردند.⁹ و او سه روز نابینا بود، و نه چیزی خورد و نه چیزی نوشید.

¹⁰ و در دمشق، شاگردی به نام حنانيا بود که خداوند در رویا به او گفت: حنانيا! و او گفت: سرورم اینجا هستم.¹¹ و سرور به او گفت: برخیز و به کوچه‌ای که نامش راست است برو، و در خانه یهودا، سراغ کسی را به نام شائول طرسوسی بگیر. زیرا او دعا می‌کند،¹² و

گرفتن من است؟³⁷ و فیلیپس گفت: اگر با تمام قلبت ایمان بیاوری، می‌توانی تعمید بگیری. و او در پاسخ گفت: ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خدا است.³⁸ و دستور داد که کالسکه متوقف شود، و هر دوی آنها، فیلیپس و خواجه‌سرا پایین آمدند و به سمت آب رفتند، و فیلیپس او را تعمید داد.³⁹ و وقتی از آب بیرون آمدند، روح خداوند فیلیپس را برد و خواجه‌سرا دیگر او را ندید؛ و شادی‌کنان به راه خود رفت.⁴⁰ اما فیلیپس در اشدود پیدا شد؛ و هنگام گذر از آن ناحیه، بشارت را به همه شهرها موعظه کرد تا این که به قیصریه رسید.

باب 9

ایمان آوردن شائول

اما شائول که هنوز تهدید و قتل بر شاگردان خداوند می‌دمید، نزد روحانی اعظم آمد،² و از او نامه‌هایی برای کنیسه‌های واقع در دمشق خواست تا اگر کسی را از اهل طریقت پیدا کند، چه مرد و چه زن، او را بر بند نهاده و به اورشلیم

8:37 پیش از آنکه فرد تعمید داده شود، ایمانش را اعلام نمود؛ او به اندازه کافی بالغ بود که درک کند و به عنوان یک بزرگسال تعمید داده شد نه یک کودک.

8:38، 39 به آب درآمدند ... از آب بیرون آمدند - هیچ کس بدون آب از بیابان نمی‌گذرد. آنها قطعاً قطراتی آب داشتند که روی خود پاشند، اگر تعمید این گونه است. اما نیست. تعمید یعنی فرو رفتن کامل در آب، همان چیزی که در اینجا انجام شده است. **9:3** پولس از ما می‌خواهد ایمان آوردن او را مانند ایمان آوردن خودمان بدانیم (1 تیموتائوس 1:16). نور خیرمکننده عیسی بر تاریکی قلوب ما نیز تابیده است (رساله دوم قرنتیان 4:6).

9:5 مرا آزار می‌رسانی- عیسی کلیسای خود است؛ ما در بدن عیسی تعمید شده‌ایم. آنچه بر ما می‌رود، بر او رفته است.

سائلول مشتاقانه انجیل را

موعظه می‌کند

²⁰ و بی درنگ در کنیسه‌ها موعظه می‌نمود که عیسی پسر خدا است. ²¹ و همه کسانی که شنیدند تعجب کردند، و گفتند: مگر این آن کسی نیست که در اورشلیم کسانی که این اسم را می‌خواندند را نابود می‌کرد؟ و او به اینجا برای این منظور آمده است تا آنها را دستگیر کند و نزد روحانیون اعظم ببرد. ²² اما سائلول بیشتر تقویت یافت، و یهودیان ساکن دمشق را مجاب کرد و ثابت نمود که این مسیح واقعی است.

²³ و بعد از گذشت چندین روز، یهودیان جلسه‌ای تشکیل دادند تا او را بکشند. ²⁴ اما سائلول از توطئه آنها مطلع شد، و آنها شب و روز دروازه‌ها را پاسبانی می‌کردند تا او را بکشند. ²⁵ اما شاگردان او را شب‌هنگام در سبیدی گذاشتند و از دیوار شهر پایین بردند.

²⁶ و هنگامی که به اورشلیم آمد، تصمیم گرفت به شاگردان ملحق شود؛ اما همه از او می‌ترسیدند، زیرا باور نمی‌کردند که از شاگردان باشد. ²⁷ اما برنابا او را پذیرفت، و او را نزد حواریون برد و به آنها

شخصی به نام حنانیا را در خواب دیده است که آمده و دست بر او گذاشته تا او بینایی‌اش را بدست آورد. ¹³ اما حنانیا جواب داد: سرورم، درباره این شخص از افراد زیادی شنیده‌ام که به قدیسین تو در اورشلیم چه بدی‌هایی کرده است، ¹⁴ و در اینجا نیز از روحانیون اعظم این اختیار را دارد که هرکسی که نام تو را بخواند را حبس کند. ¹⁵ اما سرور به او گفت: برو. زیرا او وسیله برگزیده من است تا نام مرا پیش ملل غیر یهود، پادشاهان و بنی‌اسرائیل ببرد. ¹⁶ زیرا من به او نشان خواهم داد که چه سختی‌هایی برای نام من باید بکشد.

¹⁷ و حنانیا رفت، و وارد آن خانه شد؛ و دستانش را بر روی او گذاشت، و گفت: سائلول ای برادر، سرور عیسی، که در راهی که می‌آمدی بر تو ظاهر شد، مرا فرستاد تا بینایی ببایی و از روح‌القدس پر شوی. ¹⁸ و بلافاصله از چشمان او چیزی مثل فلس افتاد، و بینایی‌اش را بازیافت؛ و برخاست و تعمید گرفت. ¹⁹ و او غذا خورد و قوت گرفت، و چند روز با شاگردان در دمشق ماند.

9:15 خدا افرادی را به خود می‌خواند که ما به هیچ وجه احتمال نمی‌دهیم فرا خوانده شوند؛ و ما نباید فراخوانی‌های او را قضاوت کنیم.

9:18 تعمید یعنی اولین قدم فوری که هر فرد تواب و ایماندار به عیسی باید بردارد.

9:20 مردم انتظار دارند فردی که بخشیده شده، پیش از آنکه آشکارا به خدمت خدا بپردازد، برای مدتی ساکت باشد. اما بخشایش خدا فوری است؛ او مشتاق است و بلافاصله ما را می‌بخشد و ما نیز باید همین گونه باشیم.

9:27 ما باید نسبت به کار خدا ذهنی باز داشته باشیم. باید اجازه دهیم که مردم فرصت توبه داشته باشند، آماده شوند که بپذیرند واقعاً تغییر کرده‌اند و اینکه خدا تمایل دارد

گفت که چگونه خداوند را در راه دیده با او صحبت کرده، و چطور در دمشق به نام عیسی با شهادت موعظه کرده است.²⁸ و در اورشلیم با آنها رفت و آمد می‌کرد²⁹ و به نام خداوند شجاعانه موعظه می‌نمود و علیه یهودیان یونانی‌زبان گفتگو و بحث می‌کرد، و آنها در صدد کشتن او برآمدند.³⁰ و هنگامی که برادران مطلع شدند، او را به قیصریه بردند و از آنجا به طرسوس روانه نمودند.³¹ سپس کلیسا در سراسر یهودیه، جلیله و سامره آرامش یافت و ساخته می‌شد؛ و در ترس از خداوند و به تسلی روح القدس، چندین برابر شد.

پطرس مردم را شفا می‌دهد

³² و این گونه شد که پطرس به همه مناطق رفت، و نزد قدیسن ساکن لده نیز رفت.³³ و در آنجا شخصی را به نام اینیاس یافت که به مدت هشت سال فلج و بستری بود.³⁴ و پطرس به او گفت: اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می‌دهد. برخیز و بستر خود را مرتب کن. و او بلافاصله برخاست.³⁵ و تمام ساکنان لده و شارون او را دیدند، و به سوی خداوند بازگشتند.

³⁶ و در یافا، شاگردی به نام طابیتا بود که معنی آن غزال است. این زن پر بود از اعمال صالح و بخشنده.³⁷ این گونه شد که در آن روزها او بیمار شد و مُرد، و هنگامی که او را غسل دادند، در بالاخانه‌ای گذاشتند.³⁸ و چون لده نزدیک به یافا بود، شاگردان شنیدند که پطرس در آنجا است، و دو نفر را نزد او فرستادند و از او خواستند: بلافاصله پیش ما بیا.³⁹ و پطرس برخاست و با آنها رفت. و هنگامی که رسید، او را به آن بالاخانه بردند؛ و همه بیوه‌زنان گریه‌کنان کنار او ایستادند و پیراهن‌ها و جامه‌هایی را به او نشان دادند که غزال وقتی که با آنها بود دوخته بود.⁴⁰ اما پطرس همه را بیرون کرد، و زانو زد و دعا کرد؛ و رو به سوی جسد کرد و گفت: طابیتا، برخیز. و او چشمان خود را باز کرد و هنگامی که پطرس را دید، راست نشست.⁴¹ و او دستش را گرفت و او را بلند کرد؛ و قدیسن و بیوه‌زنان را صدا زد، و او را زنده به آنها سپرد.⁴² و این در سرتاسر یافا شنیده شد، و بسیاری به خداوند ایمان آوردند.⁴³ و این گونه شد که در یافا نزد شمعون دباغ چند روزی را ماند.

از آنها استفاده کند. شاید باید دیگر ایمانداران را به این راه تشویق نماییم، آن گونه که برنابا کرد. حنائیا نیز باید درسی می‌آموخت.

9:40 این حادثه شفای زنی به نام طابیتا، شباهت‌های بسیاری با نحوه شفا بخشیدن زن دیگر به نام تالیئا توسط عیسی دارد (مرقس 5:41، 42). پطرس اعمال عیسی، زبان بدن او و طرز فکر و کلام او را در زمان مأموریتش به یاد دارد - و آنها را در زندگی خود تکرار می‌کند. این کاری است که ما نیز باید بکنیم - انجیل را بخوانیم، روح مسیح را جذب کنیم، و آن را در زندگی خود اعمال کنیم، تا مانند او عمل نماییم.

9:43 دباغان مورد محبت یهودیان نبودند چون با پوست و خون حیوانات ناپاک

پاب 10

پطرس و کرنیلیوس

و در قیصریه مردی به نام کرنیلیوس بود، و یوزباشی هنگی به نام هنگ ایتالیایی بود،² و او و تمام اهل خانه‌اش باتقوا و خداترس بود که صدقه بسیار به قوم یهود می‌داد و همیشه نزد خدا دعا می‌کرد. روزی نزدیک ساعت نهم، فرشته خدا را در رؤیا به طور آشکار دید که نزد او آمد و گفت: کرنیلیوس.⁴ و او بر آن خیره شد و با ترس گفت: آن چیست، خداوند؟ و به او گفت: دعاها و صدقات تو به عنوان یادگاری نزد خدا رفته است.⁵ اکنون افرادی را به یافا بفرست و کسی را به نام شمعون ملقب به پطرس بیاور.⁶ او نزد دباغی مهمان است که نامش شمعون و خانه‌اش در کنار دریا

است.⁷ و هنگامی که فرشته‌ای که با او صحبت می‌کرد رفت، دو نفر از نوکران خود و یک سرباز باتقوا را، که همیشه در خدمتش بودند، صدا زد.⁸ و پس از آنکه تمام ماجرا را به آنها گفت، آنها را به یافا فرستاد.⁹ و روز دیگر، هنگامی که در راه بودند و به شهر نزدیک می‌شدند، حدوداً ساعت شش، پطرس بر بام خانه رفت تا دعا کند.¹⁰ و گرسنه شد و خواست چیزی بخورد، اما در حالی که برای او غذا حاضر می‌کردند، از خود بیخود شد.¹¹ و آسمان را دید که باز شده و ظرفی مانند چادری بزرگ از چهار گوشه به سوی زمین آویخته شد،¹² که در آن همه جور چهارپا، خزنده و پرندۀ موجود بود.¹³ و صدایی به او نازل شد: پطرس برخیز. بکش و بخور.

سروکار داشتند و مجبور بودند جدای از اجتماع و در حاشیه روستاها و شهرها زندگی کنند. دقیقاً همین نوع مردم بودند که جذب مسیحیت شده و آن را پذیرفتند. امروزه نیز در واقع همین گونه است.

10:1 سرباز بودن برای یک مسیحی انتخاب خوبی نیست، اما هیچ گواهی بر این نیست که کرنیلیوس پس از ایمان آوردن، کارش را ترک کرده باشد (همچنین رجوع کنید به لوقا 3:14).

10:5 پطرس در یافا بود، درست جایی که یوحنا نتوانسته بود فراخوانش به موعظه برای غیر یهودیان را دریابد. خدا شرايطی را فراهم می‌کند تا ما شانس این را داشته باشیم که از اشتباهات دیگران بیاموزیم؛ و آنها را به ما یادآوری می‌کند، همان طور که ذهن پطرس با بودن در یافا از اتفاقی که برای یوحنا افتاد، تازه شد.

10:6 دباغی یک شغل درجه پایین بود، و دباغان آنچنان مطرود بودند که بایستی خارج از شهر مثلاً در ساحل زندگی می‌کردند. کرنیلیوس آنقدر فروتن بود که آموزش و تعمید کسی با این رده پایین اجتماعی را بپذیرد.

10:13 حیوانات ناپاک که پطرس بایستی «می‌کشت و می‌خورد» [احتمالاً اشاره به قربانی کردن آنها دارد]، نماد غیر یهودیان هستند. پولس خواستار ایمان آوردن غیر یهودیان شد تا قربانی درخوری برای خدا داشته باشد (رومان 15:16). اما عیسی قبلاً به پولس گفته بود که به سراسر دنیا برود و مردمی از تمام ملت‌ها را در مسیح تعمید نماید

با آنها رفت، و چند نفر از برادران یافا همراه او رفتند.

²⁴ روز بعد، وارد قیصریه شدند. و کرنیلیوس پس از آنکه خویشاوندان و دوستان نزدیک خود را فرا خواند، منتظر آنها بود. ²⁵ و هنگامی که پطرس وارد شد، کرنیلیوس او را ملاقات کرد، و بر پایش افتاد و به او ادای احترام کرد. ²⁶ اما پطرس او را بلند کرد، و گفت: بلند شو. من خود نیز انسان هستم. ²⁷ و همان طور که با او صحبت می‌کرد، وارد شد و دید افراد زیادی دور هم هستند. ²⁸ و به آنها گفت: شما خود می‌دانید که چقدر حرام است اگر مردی یهودی به شخصی از امت دیگر ملحق شود؛ اما خدا به من نشان داده است که هیچ کس را حرام یا ناپاک نخوانم. ²⁹ بنابراین، وقتی افرادی را به دنبال من فرستادند، بدون هیچ اعتراضی آمدم. از این جهت، می‌خواهم بدانم برای چه مرا خواسته‌اید.

³⁰ کرنیلیوس گفت: چهار روز پیش، تقریباً همین ساعت، در ساعت نهم در خانه خود دعا می‌کردم، و شخصی با لباس نورانی پیش من ایستاد، ³¹ و گفت: کرنیلیوس، دعای تو مستجاب شد و صدقات تو در حضور خدا منظور

¹⁴ اما پطرس گفت: نه، سرورم. زیرا هرگز چیزی ناپاک یا حرام نخورده‌ام. ¹⁵ و بار دیگر صدایی به سوی او نازل شد: آنچه خدا پاک کرده است، آن را حرام ندان. ¹⁶ و این سه مرتبه تکرار شد، و بلافاصله آن ظرف به آسمان بالا برده شد.

¹⁷ هنگامی که پطرس مشغول تفسیر رؤیای خود بود، فرستادگان کرنیلیوس پس از آنکه خانه شمعون را جستجو کرده بودند، به درب منزل رسیدند، ¹⁸ و صدا زدند و پرسیدند: آیا شمعون معروف به پطرس آنجا مهمان است. ¹⁹ هنگامی که پطرس به رؤیایش فکر می‌کرد، روح به او گفت: نگاه کن، سه نفر دنبال تو هستند. ²⁰ پس برخیز، پایین برو و همراه ایشان برو و هیچ تردیدی نداشته باش. زیرا من آنها را فرستاده‌ام. ²¹ و پطرس نزد آن سه نفر رفت و گفت: من آن کسی هستم که دنبالش هستید. چرا آمده‌اید؟ ²² و آنها گفتند: کرنیلیوس یوزباشی، مرد صالح و خداترس، که نزد تمام ملت یهود نیکنام است، از فرشته مقدس خدا دستور گرفت که تو را به خانه خود بطلبد و سخنان تو را بشنود. ²³ او آنها را به خانه برده مهمان نمود. و فردای آن روز پطرس برخاست و

(مرقس 15:15, 16). پطرس این مسئله را دیر درک کرد؛ همان طور که ما دیر می‌فهمیم چه میزان انجیل را باید برای مردم موعظه کنیم.

10:15 بنابراین، این حرف که مسیحیان تنها باید غذای «پاک» بخورند، نادرست است. ما دیگر پیرو شریعت موسی نیستیم.

10:31 تنها کارهای خدا ما را نسبت به خدا متقاعد نمی‌کند؛ ما باید نسبت به انجیل و تعمید در عیسی آگاهی داشته باشیم. بزرگترین چیزی که می‌توانیم به کسی بدهیم، دانش خدا و عیسی است - این فراتر از هر گونه هدیه مادی است.

هم در اورشلیم انجام داد. کسی که به صلیب کشیده شد، و بر درخت آویزان شدند.⁴⁰ خدا او را در روز سوم برخیزانید و او را ظاهر ساخت،⁴¹ امانه بر همه مردم، بلکه بر شهودی که خدا از پیش برگزیده بود، یعنی ما که بعد از برخاستن او از میان مردگان، با او خوردیم و آشامیدیم.⁴² و به ما دستور داد که به مردم موعظه کنیم، و شهادت دهیم که خدا او را مقرر فرموده تا داور زندگان و مردگان باشد.⁴³ همه انبیا بر او شهادت می‌دهند که هر که به او ایمان آورد، گناهانش به نام او بخشوده می‌شود.

⁴⁴ در حالی که پطرس هنوز این کلمات را به زبان می‌آورد، روح‌القدس بر همه کسانی که کلام را شنیدند، نازل شد.⁴⁵ و مؤمنانی که ختنه شده بودند و همراه پطرس آمده بودند، شگفت‌زده شدند، زیرا هدیه روح‌القدس بر امت‌ها نیز اعطا شده بود.⁴⁶ زیرا آنها شنیدند که با زبان‌ها متکلم می‌شدند و خدا را تمجید می‌کردند. سپس پطرس گفت:⁴⁷ آیا کسی می‌تواند آب را نگه دارد و نگذارد آنهایی که روح‌القدس را دریافت کرده‌اند درست مانند ما

گردید.³² پس به یافا بفرست و شمعون معروف به پطرس را فرا خوان. او در خانه شمعون دباغ، کنار دریا، مهمان است.³³ پس فوراً سراغ تو فرستادم، و تو لطف کردی و آمدی. بنابراین، همه ما اینجا در حضور خدا هستیم تا آنچه خدا به تو فرموده است را بشنویم.

³⁴ پطرس زبان گشود و گفت: در حقیقت فهمیده‌ام که خدا برای کسی تبعیض قائل نیست؛³⁵ اما در هر امتی، هر کسی که از او بترسد و عمل نیک انجام دهد، نزد او مقبول می‌گردد.³⁶ کلامی را که نزد بنی‌اسرائیل فرستاد، و از طریق عیسی مسیح (که سرور همه است!) به سلامتی بشارت می‌داد،³⁷ پیغامی را که شما نیز می‌دانید که در تمامی یهودیه منتشر شد و شروع آن از جلیله بود، بعد از آن تعمیدی که یحیی آن را موعظه کرد،³⁸ یعنی عیسی ناصری. چگونه خدا او را به روح‌القدس و قدرت مسح نمود و او اعمال نیک انجام می‌داد و همه کسانی را شفا می‌بخشید که ابلیس به آنها ظلم کرده بود. زیرا خدا با او بود.³⁹ و ما شاهد همه کارهایی هستیم که او هم در کشور یهود و

10:36 خداوند همه. حال پطرس اهمیت واژه کوچک «همه» را درک می‌کند - نه فقط تمام یهودیان که تمام انسان‌ها را در بر می‌گرفت. ما نیز گاهی در واژگان و عباراتی که بسیار برایمان آشنا هستند، مضامینی از سوی خدا درمی‌یابیم.

10:40، 41 خدا عیسای رستاخیز شده را به همه نشان نداد، بلکه تنها عده‌ای محدود او را دیدند، که سپس بروند و به بقیه جهان شهادت دهند. خدا همواره دوست دارد از طریق انسان‌ها کار کند - شبیه زمانی که عیسی قرص‌های نان و ماهی‌ها را چند برابر کرد، اما اصرار داشت که جمعی از طریق دست‌های حواریون آنها را بگیرند. پس خدا مشتاق است که امروز از شما به عنوان شاهدش در این دنیا استفاده کند.

زیرا هرگز چیزی حرام یا ناپاک به دهانم نرفته است.⁹ بار دیگر خطاب از آسمان در رسید: آنچه خدا پاک نموده، تو حرام مخوان.¹⁰ این سه بار رخ داد، و سپس همه چیز دوباره به سوی آسمان بالا برده شد.¹¹ و سپس سه نفر که از قیصریه نزد من فرستاده شده بودند، به خانه‌ای که در آن بودم، رسیدند.¹² و روح به من گفت که با آنها بدون هیچ شکی بروم. این شش برادر نیز همراه من آمدند، و وارد خانه آن شخص شدیم.¹³ و به ما گفت که چطور فرشته‌ای را در خانه خود دید که ایستاد و به او گفت: کسانی را به یافا بفرست و شمعون معروف به پطرس را بیاور،¹⁴ که چیزهایی خواهد گفت که به آن وسیله تو و تمامی اهل خانه تو نجات خواهید یافت.¹⁵ و چون شروع به سخن گفتن کردم، روح القدس بر آنها نازل شد، و حتی بر ما هم در ابتدا نازل شد.¹⁶ و به خاطر آوردم کلام خداوند را که گفت یحیی به آب تعمید داد، اما شما به روح القدس تعمید خواهید یافت.¹⁷ پس اگر خدا همان هدیه را به آنها بدهد، چنان که به ما بعد از ایمان آوردن به عیسی مسیح عطا کرد، پس من که باشم که بتوانم با خدا مخالفت کنم؟

تعمید شوند؟⁴⁸ و به آنها دستور داد تا به نام عیسی مسیح تعمید شوند. سپس از او خواستند که چند روزی پیش آنها بماند.

باب 11

پطرس به برادران یهودیه درباره پذیرفتن کلام خدا توسط

کرنلیوس توضیح می‌دهد

و رسولان و برادرانی که در یهودیه بودند، شنیدند که امت‌ها نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند.² و هنگامی که پطرس به اورشلیم رسید، اهل ختنه از او انتقاد کردند، و گفتند: ³ نزد مردم ختنه نشده رفتی و با آنها غذا خوردی! ⁴ اما پطرس از اول و به تفصیل برای ایشان توضیح داد.
⁵ من در شهر یافا دعا می‌کردم که در عالم رؤیا طرفی را دیدم که نازل می‌شود مثل چادری بزرگ که به چهار گوشه از آسمان آویخته بود.⁶ وقتی به آن دقیق نگاه کردم، چارپایان زمین، حیوانات وحشی، خزندگان و پرندگان آسمان را دیدم.
⁷ و صدایی را شنیدم که به من می‌گفت: پطرس برخیز. بکش و بخور.⁸ اما من گفتم: نه، سرورم.

11:3 با در نظر گرفتن اینکه عیسی به روشنی دستور موعظه کردن برای غیریهودیان را داده بود (مرقس 16:15، 16)، ایمانداران اولیه [که همگی یهودی بودند] بسیار دیر فهمیدند که در عیسی، یهودی و غیر یهودی معنایی ندارد. ما نیز گاهی تعالیم پایه عیسی را بسیار دیر می‌فهمیم، چون فرهنگ و پیشینه ما با این تعالیم متفاوت است.

11:14 به واسطه آن- ایمان و رستگاری به میزان موعظه انجیل برای دیگران بستگی دارد (رساله اول قرنطیان 11، 2:15). به این دلیل است که به اشتراک گذاشتن کلام خدا با دیگران این قدر حائز اهمیت است، و اینکه چرا ما باید به کسانی که انجیل را برایمان موعظه می‌کنند، احترام بگذاریم.

²⁵ و او به طرسوس برای طلب شائول رفت. ²⁶ و هنگامی که او را یافت، او را به انطاکیه آورد. ²⁶ و این گونه شد که آنها برای تمام سال در کلیسا جمع شدند و برای افراد بسیاری تعلیم دادند، و شاگردان در ابتدا در آنجا، انطاکیه، مسیحی خوانده شدند.

²⁷ و در آن روزها، پیامبرانی از اورشلیم به انطاکیه آمدند. ²⁸ و یکی از آنها که اغابوس نام داشت، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در سراسر زمین اتفاق خواهد افتاد. و آن در روزهای کلودیوس رخ داد. ²⁹ و شاگردان تصمیم گرفتند که هر یک بر حسب توان خود، کمکی برای مؤمنان ساکن یهودیه بفرستند. ³⁰ و چنین کردند و آن را به دست برنابا و شائول نزد ریش سفیدان فرستادند.

باب 12

آزادی پطرس از زندان

در همان زمان، هیرودیس پادشاه با کسانی که به کلیسا تعلق داشتند با خشونت رفتار می کرد. ² و او یعقوب برادر یوحنا را با شمشیر کشت. ³ و وقتی دید که این کار یهودیان را

¹⁸ و هنگامی که این را شنیدند، ساکت شدند و خدا را تمجید کردند و گفتند: در حقیقت، خدا به امت ها نیز توبه حیات بخش عطا کرده است.

کلیسای انطاکیه

¹⁹ و آنهایی که به سبب اذیتی که بخاطر استیفان برپا شد متفرق شدند، تا فینیقی و قبرس و انطاکیه می گشتند و به هیچ کس به غیر از یهود از کلام چیزی نمی گفتند. ²⁰ اما بعضی از آنها که اهل قبرس و قبروان بودند، هنگامی که به انطاکیه رسیدند، با یونانیان نیز تکلم کردند و به سرور عیسی بشارت دادند. ²¹ و دست خداوند با آنها بود، و تعداد زیادی ایمان آوردند و به سوی خداوند بازگشتند.

²² و خبر مربوط به آنها که به سمع کلیسای اورشلیم رسید، برنابا را به انطاکیه فرستادند. ²³ کسی که رسید و فیض خدا را دید، شاد شد و همه را نصیحت کرد که درون قلب به خداوند بپیوندند. ²⁴ زیرا او مردی صالح و پر از روح القدس و ایمان بود؛ و مردمان زیادی به خداوند ایمان آوردند.

11:19، 20 تجربیات بد اغلب بیشتر باعث گسترش موعظه انجیل می شوند (فیلیپیان 1:12). شاید، در این مورد، اگر ایمانداران یهودی با بشارت به دنیای غیر یهودیان رفته بودند، نیازی به آزار و اذیت نداشتند؟

11:23 با تمام دل ... وفادار - باور و تعמיד فقط آغاز کار هستند اما ما باید دل های [یعنی اذهان] خود را بر خداوند متمرکز نماییم - «وفاداری» زبان فردی است که والدینش را ترک می کند و به شریکش در ازدواج «وفادار» می گردد (پیدایش 2:24). ما با تعמיד با عیسی ازدواج کرده ایم، پس او تمرکز زندگی ما می شود.

12:3، 4 این شباهت هایی با شرایطی در فصیح پیشین دارد که عیسی در آن کشته شد. ما همواره باید به دنبال نقاط اتصال بین رنج های او و تجربیات خودمان باشیم.

رؤیا می‌بیند.¹⁰ و وقتی از نگهبان اول و دوم عبور کردند، به دروازه آهنینی رسیدند که منتهی به شهر می‌شد. دروازه خود به خود به روی آنها باز شد؛ و آنها بیرون رفتند و از یک خیابان گذشتند؛ و فوراً فرشته از او دور شد.

¹¹ و وقتی پطرس به خود آمد، گفت: اکنون می‌دانم که حقیقتاً خداوند فرشته‌اش را فرستاده و من را از دست هیرودیس و هر آنچه یهودیان انتظار داشتند رها کرد.¹² و وقتی به این موضوع پی برد، به خانه مریم، مادر یوحنا ملقب به مرقس رفت. آنجا بسیاری دور هم جمع شده بودند و دعا می‌کردند.¹³ و وقتی درب دروازه را زد، کنیزی به نام رودا برای باز کردن درب آمد.¹⁴ و وقتی صدای پطرس را شناخت، درب را باز نکرد، بلکه از شادی به داخل دوید و به همه گفت که پطرس پشت درب ایستاده است.¹⁵ و آنها به او گفتند: تو دیوانه‌ای. اما او با اطمینان تأیید کرد که حقیقت دارد. و آنها گفتند: فرشته او است.¹⁶ اما پطرس همچنان درب می‌زد

خشنود ساخت، در صدد برآمد که پطرس را نیز دستگیر کند. و آن ایام، روزهای فطیر بود.⁴ و پس از دستگیری او، وی را به زندان انداخت و به چهار دسته سرباز سپرد تا از او نگهبانی کنند، و قصد داشت پس از فصح او را نزد مردم بیاورد.⁵ بنابراین، پطرس در زندان نگه داشته شد؛ اما کلیسا، صادقانه برای او به درگاه خدا دعا می‌کرد.

⁶ وقتی هیرودیس می‌خواست او را بیرون بیاورد، همان شب پطرس بین دو سرباز خوابیده بود و با غل و زنجیر بسته شده بود؛ و نگهبانان جلوی درب نیز از زندان پاسداری می‌کردند.⁷ و یکی از فرشتگان خداوند در کنار او ایستاد، و نوری در سلول درخشید و به بغل پطرس زد و او را بیدار کرد: فوراً بلند شو. و غل و زنجیر او از دستانش افتاد.⁸ و فرشته به او گفت: لباست را تن کن و کفش‌هایت را بپوش. و او چنین کرد. و به او گفت: ردایت را دورت بپیچ و دنبالم بیا.⁹ و او بیرون به دنبال او رفت؛ و نفهمید که کاری که فرشته کرد حقیقت دارد بلکه فکر می‌کرد

12:10 فرشته در واقع در تمام خیابان‌ها با پطرس قدم زد؛ یعنی همان طور که در خیابان‌ها می‌رفت می‌توانست آن فرشته را ببیند. ما نیز همگی یک فرشته نگهبان داریم که همواره با ماست. اگر تنها می‌توانستیم فرشته را ببینیم، احساسمان در مورد زندگی و شرایطمان به کلی دگرگون می‌شد.

12:12 برگزاری جلسه دعا در تمام طول شب نشان دهنده توجه عمیقی است که این ایمانداران اولیه داشتند. اما وقتی با خبر پاسخ گرفتن دعاها، جلسه دعا متوقف شد - آنها باور نکرده و حتی مسخره کردند. ما نیز می‌توانیم بدون انتظار اینکه واقعاً پاسخی می‌آید، دعا کنیم، و آن پاسخ ممکن است خیلی زودتر و قدرتمندتر از آنچه تصور می‌کردیم به ما برسد.

12:15 مسیحیان باور داشتند که ما همگی یک فرشته نگهبان، نماینده داریم.

و وقتی درب را باز کردند، او را دیدند و شگفت‌زده شدند.¹⁷ اما او با دست اشاره کرد که ساکت بمانند، و برای آنها تعریف کرد که چگونه خداوند او را از زندان بیرون آورد. و او گفت: این‌ها را به یعقوب و برادرانش بگویید. و آنجا را ترک کرد و به جای دیگری رفت.

¹⁸ به محض این که صبح شد، سربازان بسیار مضطرب شدند که چه بلایی سر پطرس آمده است.¹⁹ و وقتی هیرودیس دنبال او گشت و او را نیافت، نگهبانان را بازجویی کرد و دستور داد که کشته شوند. و او از یهودیه به قیصریه رفت و آنجا ماند.

باب 13

اولین سفر مأموریت

در کلیسایی که در انطاکیه بود، انبیا و استادان جمع بودند: برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناحم برادر رضاعی هیرودیس تیتراخ و شائول.² و در حالی که به خدا خدمت می‌کردند و روزه می‌گرفتند، روح‌القدس گفت: برنابا و شائول را به منظور انجام کاری که آنها را به خاطر آن فرا خواندم، برای من جدا بگذارید.³ سپس وقتی روزه گرفتند و دعا کردند و دستان خود را بر آنها نهادند، آنها را روانه نمودند.

⁴ پس آنها که از سوی روح‌القدس فرستاده شده بودند، به سلوکیه و از آنجا از راه دریا به قبرس رفتند.⁵ و وقتی به سلامیس رسیدند، کلام خدا را در کنیسه‌های یهودیان اعلام نمودند؛ یوحنا نیز کمک‌دست آنها بود.⁶ و وقتی از کل جزیره عبور

و هیرودیس بسیار از ساکنین صور و صیدون خشمگین بود. آنها به اتفاق آرا نزد او آمده بودند و بلاستس ناظر پادشاه را دوست خود ساختند، و تقاضای صلح کردند، زیرا کشور آنها از کشور پادشاه غذا و معیشت می‌یافت.²¹ و یک روز معین، هیرودیس لباس سلطنتی به تن کرد و روی تخت نشست و برای آنها سخنرانی کرد.²² و مردم فریاد زدند: این صدای یک خدا است و نه انسان.²³ و فوراً فرشته خداوند او را زد، زیرا خدا را نستود؛ و کرم‌ها او

مرگ هیرودیس

²⁰ هیرودیس بسیار از ساکنین صور و صیدون خشمگین بود. آنها به اتفاق آرا نزد او آمده بودند و بلاستس ناظر پادشاه را دوست خود ساختند، و تقاضای صلح کردند، زیرا کشور آنها از کشور پادشاه غذا و معیشت می‌یافت.²¹ و یک روز معین، هیرودیس لباس سلطنتی به تن کرد و روی تخت نشست و برای آنها سخنرانی کرد.²² و مردم فریاد زدند: این صدای یک خدا است و نه انسان.²³ و فوراً فرشته خداوند او را زد، زیرا خدا را نستود؛ و کرم‌ها او

12:23 خدا نسبت به غرور بسیار حساس است - از آن متنفّر است.

13:1 نیجر- شاید یک برادر سیاه‌پوست مسن، که در کلیسا مقامی هم‌سطح پطرس داشت.

13:2 هنگامی که در عبادت خدا و روزه به سر می‌بردند- در مسیر خدمت روزانه به خدا است که او ما را بیشتر به خدمت خود دعوت می‌کند. فراخوانی به خدمت ناگهان نمی‌آید، بلکه در متن کارهایی است که هم اکنون برای خدا انجام می‌دهیم.

¹³ پولس و همراهش از راه دریا از پافس عبور کرده و به پرجه پمفلیه رسیدند، و یوحنا آنها را ترک کرد و به اورشلیم بازگشت. ¹⁴ اما آنها پس از عبور از پرجه، به انطاکیه پیسیدیه رسیدند؛ و در روز سبت وارد کنیسه شدند و نشستند. ¹⁵ و پس از خواندن شریعت و کتاب انبیاء، حاکمان کنیسه کسانی را به سوی آنها روانه کرده و گفتند: ای برادران، اگر کلام شهادتی برای مردم دارید، سخن بگویید. ¹⁶ و پولس ایستاد و با دست اشاره کرد و گفت: ای مردم اسرائیل و ای کسانی که از خدا می‌ترسید، گوش دهید.

موعظه پولس در انطاکیه

¹⁷ خدای این قوم، اسرائیل، پدران ما را برگزید و این قوم را وقتی در سرزمین مصر موقتاً اقامت داشتند، سرافراز کرد و به بازوی بلند خود آنها را از آنجا بیرون آورد. ¹⁸ حدود چهل سال مانند پدری مهربان آنها را در بیابان متحمل شد. ¹⁹ و وقتی هفت امت را در سرزمین کنعان

کردند و به پافس رسیدند، یک جادوگر، پیامبری دروغین که یهودی بود، را یافتند که باریشوع نام داشت، ⁷ و همراه با فرماندار سرجیوس پولس بود که مردی فهمیده بود. او برنابا و شائول را احضار کرد و می‌خواست کلام خدا را بشنود. ⁸ اما علیمای جادوگر (زیرا ترجمه اسمش همین است) با آنها مخالفت کرد و سعی کرد فرماندار را از ایمان برگرداند. ⁹ اما شائول، که پولس نیز نامیده می‌شود و پر از روح القدس بود، چشم به او دوخت، ¹⁰ و گفت: ای فرزند شیطان، ای دشمن همه عدالت‌ها، ای که پر از فریب و شرارت هستی، آیا از منحرف کردن راه‌های راست خداوند دست نمی‌کشی؟ ¹¹ و اینک، دست خدا بر تو است و تو کور خواهی شد و مدتی خورشید را نخواهی دید. و فوراً مه و تاریکی بر او حاکم شد و دنبال کسی می‌گشت تا با دست او را راهنمایی کند. ¹² سپس فرماندار با دیدن این اتفاق، ایمان آورد و از تعالیم خداوند حیرت‌زده گشت.

13:9 پولس یعنی «کوچک». هیچ مدرکی دال بر تغییر نام وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد وقتی او مأموریت موعظه خود را آغاز کرد، شائول نام او را به «کوچک» تغییر داد. اگر می‌خواهیم انجیل را موعظه کنیم، انسانیت حیاتی است. بشارت‌دهندگان مغرور و خودخواه مایه نفرت خدا هستند. شائول، اولین شاه اسرائیل، تنها زمانی برای خدا قابل قبول شد که «در نظر خویش حقیر بود» (1 سموئیل 17:15). به نظر می‌رسد شائول این را با دقت آموخته و در دل نگاه داشته است.

13:11 این دقیقاً چیزی است که در جاده دمشق برای شائول اتفاق افتاد. او می‌خواست دیگران نیز در مسیر ایمان او همراه باشند.

13:18 تحمل کرد- اینجا مهربانی خدا را می‌بینیم که مردمش را در بیابان راهنمایی می‌کند. پس از تعمید، ما از میان بیابان به سمت ملکوت خدا می‌رویم... و خدا در این مسیر بسیار مهربان است.

نه صدای انبیا را که در هر سبت خوانده می‌شود، پیشگویی‌ها را با محکوم کردن او محقق کردند.²⁸ و با این که هیچ جرمی که مستحق مرگ باشد را در او نیافتند، از پیلایطس خواستند که او را به قتل برساند.²⁹ و وقتی همه چیزهایی که درباره او نوشته شده بود محقق کردند، او را از درخت پایین آوردند و در قبری گذاشتند.³⁰ اما خدا او را از میان مردگان زنده کرد.³¹ و روزهای بسیاری از سوی کسانی دیده شد که با او از جلیله به اورشلیم آمدند که اکنون شاهدان این قوم هستند.³² ما مژده وعده‌ای را که به اجدادمان داده شده بودیم می‌آوریم،³³ که خدا همان را برای فرزندان ما نیز محقق کرد، زیرا عیسی را رستاخیز نمود. در دوم مزامیر همچنین نوشته شده: تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آوردم.³⁴ و درباره این که او را از میان مردگان رستاخیز کرد و دیگر بازگشتی به فساد نخواهد داشت، چنین سخن گفته است: به تو برکات مقدس و مسلم داود را خواهم داد.³⁵ زیرا همچنین در مزامیر دیگری گفته: اجازه نخواهی داد که بنده مقدس تو فساد را ببیند.³⁶ زیرا داود پس از این که در نسل خود اراده

نابود کرد، زمین آنها را به عنوان میراث تا چهارصد و پنجاه سال به آنها داد.²⁰ و پس از این اتفاقات، تا زمان سمونیل نبی به آنها داوران را داد.

²¹ و سپس، آنها خواستار یک پادشاه شدند؛ و خدا به آنها سائل پسر قیس مردی از طایفه بنیامین را به مدت چهل سال عطا کرد.²² و وقتی آنها را برگزید، داود را برانگیخت تا پادشاه آنها شود که در حق او شهادت داد و گفت: داود پسر یسی را محبوب دل خود یافتم که هر چه بخواهم انجام خواهد داد.²³ از بذر این مرد، خدا طبق وعده خود یک ناجی، عیسی، را برای اسرائیل برانگیخت؛²⁴ قبل از آمدن او، یحیی اول تعمید توبه را به همه مردم اسرائیل موعظه کرده بود.²⁵ و در حالی که یحیی مأموریت خود را به انجام می‌رساند، گفت: فکر می‌کنید من که هستم؟ من او نیستم! اما بنگرید، کسی بعد از من می‌آید که لایق آن نیستم بند کفشش را باز کنم.²⁶ برادران، ای فرزندان آل ابراهیم، و کسانی که از خدا می‌ترسید، کلام این رهایی به ما فرستاده شد.²⁷ زیرا ساکنین اورشلیم و حاکمان آنها، از آنجایی که نه او را می‌شناختند و

13:21 خدا شاه اسرائیل بود، همان طور که شاه ملکوت خود است. پس این برای خدا مایه ناراحتی بود که آنها شاهی انسانی می‌خواستند که مانند ملت‌های اطراف آنها باشد. اما این ضعف آنها را پذیرفت و به آنها شاهی انسانی داد. ما نیز نباید سختگیر باشیم، بلکه باید بخواهیم که ضعف دیگران را بپذیریم، مانند کاری که خدا برای ما می‌کند.

13:25 گشودن بند کفش‌های کسی، اصطلاحی است به معنای «پیام‌آور یا منادی کسی بودن». یوحنا در اینجا با بشارت آمدن عیسی، بند کفش‌های او را گشود؛ اما گفت که لیاقت این کار را ندارد. برای موعظه‌گر، فروتنی حیاتی است.

که این سخنان در سبت بعدی نیز برای آنها بازگو شود.⁴³ وقتی مجلس کنیسه به اتمام رسید، بسیاری از یهودیان و تازه ایمان آورندگان، پولس و برنابا را دنبال کردند که این دو با آنها صحبت کرده و از آنها خواستند که در فیض خدا پایدار بمانند.

⁴⁴ و در سبت بعدی، تقریباً کل شهر برای شنیدن کلام خدا جمع شدند.⁴⁵ اما وقتی یهودیان جمعیت را دیدند، از حسد پر شدند و با سخنان پولس مخالفت کردند و کفر گفتند.⁴⁶ و پولس و برنابا با جسارت صحبت کردند و گفتند: لازم بود که کلام خدا اول برای شما بازگو شود. حال که دیدم آن را رد می‌کنید و خود را شایسته زندگی جاودانه نمی‌دانید، به ملل غیر یهود روی خواهیم آورد.⁴⁷ زیرا خداوند به ما چنین دستور داده: تو را مانند چراغ غیر یهودیان قرار دادم، تا به دورترین نقطه زمین

خدا را به انجام رساند، به خواب رفت و در کنار اجدادش گذاشته شد و فساد را دید.³⁷ اما آن کسی که خدا او را رستاخیز کرد، هیچ فسادى ندید.³⁸ بنابراین، بدانید ای برادران، که از طریق این مرد، آمرزش گناهان به شما اعلام می‌شود.³⁹ و از طریق او، در همه اموری که شریعت موسی نمی‌تواند شما را عادل اعلام کند، هر که ایمان بیاورد عادل شمرده می‌شود.⁴⁰ بنابراین، بر حذر باشید که مبدا آنچه در کتاب انبیا گفته شده سر شما بیاید: ⁴¹ بنگرید ای حقیرکنان، حیرت کنید و نابود شوید. زیرا در ایام شما کاری خواهم کرد که اگر کسی آن را به شما بگوید، به هیچ وجه باور نخواهید کرد.

پولس به ملل بیگانه روی

می‌آورد

⁴² وقتی می‌رفتند، خواهش کردند

13:39 پارسا شمرده می‌شود- اگر ما در عیسی هستیم، و به جلال خدا باور داریم، پس او ما را پارسا می‌داند، اگرچه نباشیم. ما در تعمیدمان در او جامه سفید او را بر تن می‌کنیم. حفظ شریعت موسی [از جمله سبت‌ها، قوانین خوراک و روزه] ما را پارسا نمی‌سازد؛ بلکه ایمان به مسیح می‌سازد.

13:45 حسد واژه‌ای است که بسیار در انجیل و کتاب اعمال تکرار می‌شود. مخالفت با ما زیاد اتفاق می‌افتد، چون مردم نسبت به چیزی که ما داریم و آنها ندارند، حسد می‌ورزند - حتی اگر بگویند آن را نمی‌خواهند یا از آن بی‌نیازند.

13:46 شایسته ندانستید- تنها افرادی که در روز آخر محکوم می‌شوند، کسانی هستند که خود، خود را محکوم کرده‌اند. داوری خدا تنها تأییدی است بر داوری مردم از خودشان.

13:47 اینجا پولس نقل می‌کند از یک پیشگویی در مورد عیسی به عنوان نور این جهان، و آن را در مورد خود به کار می‌برد. هرچه در مورد عیسی صادق است، در مورد ما نیز هست. اگر تصور کنیم که او در شرایط ما چگونه می‌بود، پس مأموریت زندگی خود را یافته‌ایم. او خودش به ما آموخت که «نور جهان است»، و در عین حال می‌گوید که ما نیز «نور جهان» هستیم.

بر کلام فیض خود بود.⁴ اما مردم آن شهر دو دسته شدند؛ یک دسته با یهودیان بودند و یک دسته با حواریون.⁵ و وقتی غیر یهودیان و یهودیان با حاکمان خود تلاش کردند با آنها رفتاری شرم‌آور داشته و آنها را سنگسار کنند،⁶ آنها از آن با خبر شدند و به شهرهای لیکائونیه، لستره و دربه و مناطق اطراف گریختند.⁷ و آنجا بشارت را موعظه کردند.

⁸ در لستره مردی نشسته بود که نمی‌توانست از پاهایش استفاده کند. او مادرزادی فلج بود و هرگز راه نرفته بود.⁹ او به سخنان پولس گوش می‌داد. پولس به دقت او را نگاه کرد و فهمید که برای سالم شدن ایمان دارد،¹⁰ و با صدایی بلند گفت: بلند شو و راست روی پاهایت بایست! و او جستی زد و قدم برداشت.¹¹ وقتی مردم کار پولس را دیدند، صدای خود را بالا بردند و به زبان لیکائونیه گفتند: خدایان به صورت انسان بر ما نازل شدند!¹² و برنابا را مشتری؛ و پولس را عطارد خواندند زیرا او سخنگوی اصلی بود.¹³ و روحانی مشتری، که معبدش بیرون از شهر بود، با دسته‌ای از مردم گاوها و تاج‌های گل را به دروازه‌های شهر

نیز رهایی را بیاوری.⁴⁸ و وقتی غیر یهودیان این را شنیدند، خوشحال شدند و کلام خدا را ستودند؛ و هر که برای زندگی جاودانه مقرر شده بود، ایمان آورد.⁴⁹ و کلام خدا در کل منطقه گسترش یافت.⁵⁰ اما یهودیان، زنان دیندار متشخص و مردان بزرگ شهر را تحریک کردند و آزار و اذیت علیه پولس و برنابا را به جنبش آوردند و آنها را از منطقه خود بیرون کردند.⁵¹ اما آنها خاک پای خود را تکان دادند و به قونیه رفتند.⁵² و شاگردان پر از شادی و روح‌القدس شدند.

باب 14

مخالفت با موعظه

در قونیه، با هم وارد کنیسه یهودیان شدند و طوری سخن گفتند که تعداد زیادی از یهودیان و یونانیان ایمان آوردند.² اما یهودیان بی‌ایمان غیر یهودیان را تحریک و ذهنشان را علیه برادران مسموم کردند.³ بنابراین، آنها مدت زیادی آنجا ماندند و با جسارت درباره خداوند سخن می‌گفتند، خداوندی که با اعطای قدرت انجام معجزات و شگفتی‌ها به دست آنها، گواهی

13:52 پس از چنین اعتراضی، آنها شاد بودند. این توانایی منحصر به فرد مسیحیان است، که پیروزی را در شکست بیابند [صلیب بهترین مثال است]، تا خوبی را از بدی بیرون بکشند.

14:1 چنان سخن را اندند که- سبک موعظه آنها منجر به ایمان آوردن شد. خدا رستگاری دیگران را در دستان ما قرار داده است؛ و اینکه تا کجا پیش می‌رود تا اندازه‌ای به تلاش ما و توجهمان به سبک برمی‌گردد.

14:7 بار دیگر، آزار، مخالفت و تهمت علیه مردم خدا تنها منجر به گسترش بیشتر بشارت می‌گردد

بیرون کشیدند و فکر می‌کردند که مرده است.²⁰ اما وقتی شاگردان دور او ایستادند، او برخاست و وارد شهر شد، و روز بعد با برنابا به دربه رفت.

²¹ و وقتی بشارت را به آن شهر موعظه کردند و شاگردان بسیاری پیدا کردند،²² به لستره و به قونیه و انطاکیه بازگشتند،²² دل‌های شاگردان را تصدیق کرده و آنها را تشویق می‌کردند که در ایمان خود استوار باشند و این که از طریق رنج‌های بسیار، باید وارد ملکوت خداوند بشویم.²³ پس وقتی در هر کلیسا ریش‌سفیدانی را منصوب کردند و دعا کردند و روزه گرفتند، آنها را به خداوندی سپردند که به آن ایمان آورده بودند.

²⁴ و آنها از پیسیدیه گذشتند و وارد پمفیلیه شدند.²⁵ و وقتی کلام خدا را در پرجه اعلام کردند، به آتالیه رفتند.²⁶ و از آنجا از طریق دریا به انطاکیه رفتند، که از آنجا بابت کاری که به انجام رسانده بودند، به فیض خدا سپرده شدند.²⁷ و وقتی آمدند و اعضای کلیسا را جمع

آورد و می‌خواست آنها را قربانی کند.

¹⁴ اما وقتی حواریون، یعنی برنابا و پولس این را شنیدند، لباس‌های خود را پاره کردند و به میان مردم رفتند، فریادکنان گفتند: ¹⁵ آقایان، چرا این کارها را می‌کنید؟ ما نیز انسان هستیم و اشتیاقاتی مثل شما داریم، و خبرهای خوب برای شما می‌آوریم تا از این چیزهای بیهوده به خدایی زنده روی بیاورید که آسمان و زمین و دریا و هر چه در آنها است را آفرید.¹⁶ خدایی که در نسل‌های گذشته به همه مردم اجازه داد به راه خود بروند؛¹⁷ و با این حال خودش را بدون شاهد نگذاشت، چرا که کار نیک کرد، از آسمان به شما باران، و فصل‌های پرمیوه را عطا کرد و دل‌هایتان را با غذا و خوشحالی پر کرد.

¹⁸ حتی با این حرف‌ها نیز به ندرت توانستند مردم را از قربانی کردن برای آنها بازدارند.

¹⁹ اما از انطاکیه و قونیه یهودیانی آمدند که پس از قانع کردن مردم، پولس را سنگسار کردند و از شهر

14:17 پدیده‌های طبیعی، مثل باران و فصول، در واقع شاهی از خدا هستند که مردم دانا در می‌یابند.

14:22 سختی‌ها - نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مسیحیت مسیری آسان باشد. رستگاری ما نتیجه دشواری‌های بسیار در زندگی است، و خدا همیشه ما را از آنها حفظ نمی‌کند، بلکه کاری می‌کند تا ما از طریق آنها با بازگشت عیسی به ملکوت او وارد شویم.

14:27 خدا درب را برای کسانی که درب بزنند، باز می‌کند (لوقا 11:9). شاید غیر یهودیانی بوده‌اند که برای پذیرش از سوی خدا در مسیحا/ پسر او التماس کرده‌اند، و خدا نیز از طریق آزار مسیحیان یهودی، و در زندگی پولس، کاری کرده تا تضمین کند که این اتفاق افتاده است.

که خدا از طریق آنها انجام داده بود را اعلام کردند.⁵ اما بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند برخاستند و گفتند: لازم است آنها ختنه شوند و به آنها دستور داده شود که شریعت موسی را حفظ کنند.

⁶ و حواریون و ریشسفیدان برای رسیدگی به این موضوع گرد هم آمدند.⁷ و وقتی بحث بالا گرفت، پطرس برخاست و به آنها گفت: برادران، می‌دانید که چندی پیش خدا از بین شما انتخاب کرد تا از طریق من غیر یهودیان کلام بشارت را بشنوند و ایمان بیاورند.⁸ و خدا که از دلها باخبر است، با اعطای روح القدس به آنها، همان طور که با ما نیز چنین کرد، بر آنها شهادت داد.⁹ و هیچ تمایزی بین ما و آنها قائل نشد و با ایمان، دل‌هایشان را پاک ساخت.¹⁰ بنابراین، چرا اکنون خدا را می‌آزمایید و باری بر دوش شاگردانی می‌گذارید که نه اجداد ما و نه خودمان قادر به تحمل آن نبودیم؟¹¹ اما ایمان داریم که از طریق فیض سرور، عیسی نجات خواهیم یافت، درست مثل آنها.

کردند، همه کارهایی که خدا از طریق آنها انجام داده بود را اعلام کردند، و این که خدا درب ایمان را به سوی غیر یهودیان گشوده است.²⁸ و مدت زیادی آنجا با شاگردان ماندند.

باب 15

مشاجره درباره ختنه

اما عده‌ای از یهودیه آمدند و به برادران این گونه تعلیم دادند: اگر طبق سنت موسی ختنه نشوید، نمی‌توانید نجات یابید.² و پولس و برنابا با آنها بحث و مشاجره کردند؛ و در نتیجه، تصمیم بر آن شد که پولس و برنابا و برخی دیگر به اورشلیم نزد حواریون و ریشسفیدان بروند تا این مسأله را حل کنند.³ بنابراین، پس از این که کلیسا آنها را اعزام کرد، از فنیقیه و سامره گذشتند و ایمان آوردن غیر یهودیان را اعلام می‌کردند؛ و باعث شادی عظیمی برای همه ایمان‌داران شدند.⁴ و وقتی به اورشلیم رسیدند، کلیسا و حواریون و ریشسفیدان از آنها استقبال کردند، و آنها همه کارهایی

15:1 همواره میان برخی مسیحیان میل به یافتن توجیه با انجام برخی کارها هست، که اغلب به تبعیت از شریعت موسی ارتباط داده می‌شود؛ نامه‌های عهد جدید نشان می‌دهد که چگونه پولس با قدرت در برابر این مسأله ایستاد.

15:4 آنها احساس می‌کردند که خدا از آنها استفاده می‌کند، به جای اینکه احساس کنند کار خود را با قدرت خود انجام داده‌اند. همین طور در آیه 7 پطرس می‌گوید که این موعظه تنها زبانی برای خدا است.

15:10 یوغی که ما داریم، از آن عیسی است (متی 11:29,30). ما نمی‌توانیم دو یوغ بر گردن داشته باشیم. یا با ایمان به مسیح رستگار می‌شویم، یا تلاش می‌کنیم با تبعیت از شریعت موسی به رستگاری برسیم. بنابراین، نمی‌توانیم با برگرفتن یوغ سبت و اطاعت، خود را توجیه کنیم.

ناشی از بت‌ها، زناکاری، و هر چه خفه شده و از خون بپرهیزند.²¹ زیرا موسی در هر شهری از نسل‌های قدیم کسانی را دارد که به او موعظه می‌کنند و در هر روز سبت در کنیسه‌ها خوانده می‌شود.

درباره ایمان آورندگان غیر یهود سازش کردند

²² سپس حواریون و ریش‌سفیدان با کل کلیسا توافق کردند که کسانی را از میان همراهان خود برگزینند و آنها را با پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند. یهودا ملقب به برسابا و سیلاس، که افرادی مهم در میان برادران بودند.²³ نامه زیر را با آنها فرستادند: حواریون و ریش‌سفیدان و برادران، به برادران ملل دیگر در انطاکیه و سوریه و قیلیقیه سلام می‌رسانند.²⁴ شنیده‌ایم که برخی از میان ما بیرون رفته و شما را با حرف‌هایی آشفته و پریشان ساخته در حالی که هیچ دستوری به آنها نداده‌ایم،²⁵ به اتفاق آرا تصمیم گرفتیم که افرادی را برگزینیم و همراه با برنابا و پولس عزیزمان به سوی شما بفرستیم،²⁶ افرادی که زندگی

¹² و همه مردم در حالی که برنابا و پولس توضیح می‌دادند که خدا از طریق آنها چه معجزات و شگفتی‌هایی را در میان غیر یهودیان انجام داده است، ساکت ماندند و به آنها گوش دادند.

¹³ و پس از این که آنها سخنان خود را به پایان رساندند، یعقوب در پاسخ گفت: برادران. به من گوش کنید.¹⁴ شمعون اکنون توضیح داد که چگونه خدا ابتدا غیر یهودیانی را دیدار کرد تا قومی را به اسم خود از میان آنها بگیرد.¹⁵ و این با کلام انبیا مطابقت دارد؛ زیرا نوشته شده: ¹⁶ پس از این اتفاقات باز خواهم گشت و خیمه داود را که سقوط کرده دوباره خواهم ساخت، و دوباره خرابه‌های آن را بنا خواهم کرد، و آن را برپا خواهم کرد؛¹⁷ تا بقیه بنی‌بشر طالب خداوند باشد و همه غیر یهودیانی که بر آنها نام من نهاده شده،¹⁸ چنین می‌گویند خداوندی که این‌ها را از زمان قدیم آشکار کرده است.

¹⁹ بنابراین، قضاوت من این است که افراد ملل دیگر را که به خدا روی می‌آورند به زحمت نیندازیم،²⁰ بلکه به آنها حکم کنیم که از ناپاکی‌های

15:13 برادران- توجه کنید که این واژه چند بار در این باب تکرار می‌شود. برای رفع اختلافات در کلیسا، مهم است که به خودمان یادآوری کنیم که ما خواهران و برادران در عیسی هستیم، از خانواده‌ای نادیدنی که با مرگ سرور و اربابمان به وجود آمد. وقتی کسی در عیسی تعمید داده می‌شود، هرگز نمی‌توانیم بگوییم که او را رها کرده است- وقتی کسی برادر یا خواهر است، برای تمام عمر است. پس نمی‌توانیم بگوییم آنها عیسی و خانواده خدا را ترک کرده‌اند.

15:14 با تعمید یافتن به «نام او»، ما مردمی با نام او خواهیم شد.

15:20 این اعترافی است به ضعف یهودیان مسیحی؛ گاهی لازم است برای برقراری صلح در کلیسا، امتیازاتی بدهیم.

یک مأموریت دیگر

³⁶ و چند روز بعد، پولس به برنابا گفت: بیا همین الان برگردیم و مؤمنان را در شهری که کلام خدا را در آن اعلام کردیم، ملاقات کنیم و ببینیم در چه حال هستند. ³⁷ و برنابا می‌خواست یوحنا ملقب به مرقس را نیز با خود همراه کند. ³⁸ اما پولس صلاح دید که بهتر است کسی را که از پمفلیه از آنها جدا شده و آنها را در کار همراهی نکرده بود با خود نبرند. ³⁹ چنان اختلاف بزرگی بین آنها پیش آمد که از یکدیگر جدا شدند. برنابا مرقس را با خود برد و از راه دریا به قبرس رفتند؛ ⁴⁰ اما پولس سیلاس را برگزید و آنجا را ترک کرد و از سوی برادران به فیض خداوند سپرده شد. ⁴¹ و از سوریه و قیلیقیه گذشت و کلیساهای را تقویت کرد.

باب 16

و همچنین به دربه و لستره رفت؛ و شاگردی آنجا بود به اسم تیموتائوس، پسر زنی یهودنژاد که ایمان آورده بود؛ اما پدرش یونانی بود. ² ایماندارانی که در لستره و قونیه بودند از او تمجید می‌کردند.

خود را به خاطر اسم سرورمان، عیسی مسیح، به خطر انداخته‌اند. ²⁷ بنابراین، یهودا و سیلاس را فرستادیم که با زبان خودشان همین مسائل را برای شما بازگو خواهند کرد. ²⁸ چرا که روح القدس و ما صلاح دیدیم که باری بزرگتر به غیر از امور زیر بر دوش شما نگذاریم: ²⁹ این که از چیزهایی که برای بت‌ها قربانی می‌شوند، از خون، از چیزهایی که خفه شده‌اند و از زنا پرهیز کنید. اگر از این‌ها پرهیز کنید، نیک خواهید گشت. بدرود.

³⁰ بنابراین، به انطاکیه فرستاده شدند؛ و پس از گرد هم آوردن جماعت، نامه را تحویل دادند. ³¹ و وقتی آن را خواندند، از دلگرمی خوشحال شدند. ³² و یهودا و سیلاس، که خودشان نیز پیامبر بودند، مؤمنان را با کلمات بسیاری تشویق و تقویت نمودند. ³³ و پس از این که مدتی را آنجا گذراندند، از سوی برادران به سلامتی نزد فرستندگان خود فرستاده شدند. ³⁴ اما صلاح دیده شد که سیلاس آنجا بماند. ³⁵ و پولس و برنابا در انطاکیه ماندند، و با بسیاری از افراد دیگر کلام خدا را تعلیم دادند و موعظه کردند.

15:28 روح القدس و ما- خدا از طریق قدرت خود، نتیجه‌ای که در انتظار برادران است را تأیید کرد.

15:36 اگر کسی را به سمت عیسی بیاوریم، مسئولیت وی در تمام عمر با ما خواهد بود - او فرزند معنوی ما در عیسی است.

15:39 این، نفاق را در کلیسا توجیه نمی‌کند و به این معنا نیز نیست که اختلافات فردی اجتناب‌ناپذیر است. این حادثه نشان می‌دهد که پولس کامل نبود؛ و این آرامش خاطر را به ما می‌دهد که ما همه انسان هستیم و هرگز کلیسای کامل را جایی نخواهیم یافت.

رؤیا را دید، فوراً به مقدونیه رفتیم، و به این نتیجه رسیده بودیم که خدا ما را فرا خوانده تا بشارت را به آنها موعظه کنیم.

موعظه و زمین لرزه‌ای در فیلیپی

¹¹ در ترواس سوار کشتی شدیم و مستقیم به جزیره سامتراکی رفتیم؛ و روز بعد به نیاپولیس رفتیم،¹² و از آنجا به یکی از شهرهای مقدونیه، فیلیپی، عازم شدیم که اولین شهر این منطقه و مستعمره رومی است؛ و چند روزی در آن شهر ماندیم.¹³ و در روز سبت بیرون دروازه کنار رودخانه‌ای رفتیم که تصور می‌کردیم مکان نیایش بود، و نشستیم و با زنانی که جمع شده بودند صحبت کردیم.¹⁴ و زنی به اسم لیدی، فروشنده پارچه ارغوانی از شهر طیاتیرا و خداپرست بود و صدای ما را شنید؛ خداوند قلب او را گشود تا به چیزهایی که پولس می‌گفت گوش فرا دهد.¹⁵ و وقتی خود و خانواده‌اش تعمید یافتند، به

³ پولس خواست که تیموتائوس او را همراهی کند، و او را برد و به خاطر یهودیانی که در آن مکان‌ها بودند او را ختنه کرد، زیرا همه آنها می‌دانستند که پدر او یونانی است.⁴ و همین طور که از شهرها عبور می‌کردند، احکامی که حواریون و ریش‌سفیدان در اورشلیم تعیین کرده بودند را به آنها می‌سپردند تا طبق آن عمل کنند.⁵ پس ایمان کلیساها قوی شد، و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد.

⁶ و آنها از منطقه فریجیه و غلاطیه عبور کردند، و روح‌القدس آنها را از اعلام کلام خدا در آسیا منع کرده بود.⁷ و وقتی به مرز میسیا رسیدند، سعی کردند به بطینیه بروند؛ اما روح عیسی به آنها اجازه نداد.⁸ پس با عبور از میسیا، به ترواس رسیدند.⁹ و رؤیایی در شب بر پولس ظاهر شد. مردی از مقدونیه ایستاده بود و به او التماس می‌کرد و می‌گفت: بیا به مقدونیه و به ما کمک کن!¹⁰ و وقتی این

16:3 پولس اغلب در نامه‌هایش می‌نویسد که ختنه کاری بی‌معنا است (مثلاً رساله اول قرنطیان 17:9). اما نسبت به احساسات یهودیان نیز حساس بود. مواردی هست که باید موانعی که بین ما و مخاطبین مان وجود دارد را برداریم. گاهی باید در موارد غیر ضروری عقب بنشینیم.

16:5 فرمان باب 15، مجموعه‌ای از فداکاری‌ها با هدف رسیدن به اتحاد میان مسیحیان یهودی و غیر یهودی بود. اتحاد حاصل از این فداکاری‌ها به این معنا بود که افراد بیشتری به ایمان می‌گرویدند - چون اتحاد ما بزرگترین شاهد ما است (یوحنا - 17:21-23). کلیساها «روز به روز» افزایش یافت، چون احتمالاً هر روز مردم را تعمید می‌دادند - آنها اهمیت حیاتی آن را درک کرده و آن را تا آخر هفته یا زمان مناسب سال به تأخیر نمی‌انداختند.

16:15 بار دیگر فرض شده مردمی که ایمان می‌آورند بلافاصله تعمید می‌شوند. اگر واقعاً باور داشته باشیم، باید آن طور که عیسی دستور داده، تعمید شویم (مرقس 16:16).

زدند، ایشان را به زندان انداختند و به زندانیان دستور دادند که به دقت آنها را تحت نظر داشته باشد.²⁴ پس از دریافت این دستور، زندانیان آنها را به زندان داخلی افکند و پاهایشان را با غل و زنجیر بست.

²⁵ اما نزدیک نیمه شب، پولس و سیلاس در حال نیایش و خواندن سرود برای خدا بودند؛ و زندانیان به آنها گوش می‌دادند.²⁶ و ناگهان زلزله عظیمی رخ داد که شالوده زندان را لرزاند؛ و فوراً همه درب‌ها باز شد و غل و زنجیر همه گشوده شد.²⁷ و وقتی زندانیان از خواب بیدار شد و دید که درب‌های زندان باز شده است، شمشیرش را کشید و نزدیک بود خودکشی کند، زیرا تصور می‌کرد که زندانیان فرار کرده‌اند.²⁸ اما پولس با صدای بلند فریاد زد و گفت: به خودت آسیب نزن! زیرا همه ما اینجا هستیم.²⁹ و او چراغ خواست و با عجله وارد شد، و در حالی که از ترس می‌لرزید، به پای پولس و سیلاس افتاد،³⁰ آنها را بیرون آورد و گفت: آقایان، چه کار باید کنم که نجات یابم؟³¹ و آنها گفتند: به سرور، عیسی، ایمان بیاور تا خودت و خانواده‌ات نجات یابید.³² و آنها کلام خداوند را برای او و همه خانواده‌اش بازگو کردند.³³ و در آن ساعت از شب، آنها را برد

ما التماس کرد و گفت: اگر من را وفادار به خداوند می‌دانید، به خانه‌ام بیاوید و بمانید. پس ما را قانع کرد.¹⁶ و این گونه شد که در حالی که به محل دعا می‌رفتیم، کنیزی را دیدیم که روحی داشت که با آن آینده را پیش‌بینی می‌کرد و با فالگیری عواید بسیاری نصیب اربابان خود کرده بود.¹⁷ او به دنبال پولس و من فریادکنان گفت: این‌ها خادمان خدای متعالی هستند که راه‌هایی را به شما اعلام می‌کنند.¹⁸ و این دختر روزهای مدیدی چنین کرد. اما پولس که از این موضوع آشفته شد، برگشت به روح گفت: به نام عیسی مسیح به تو دستور می‌دهم که از او بیرون بیاپی. و در همان لحظه از او بیرون آمد.

¹⁹ اما وقتی اربابان او دیدند که امید منافعشان از بین رفته است، پولس و سیلاس را گرفتند و آنها را به بازار نزد حاکمان کشیدند،²⁰ و وقتی آنها را نزد دادرسان بردند، گفتند: این مردان که یهودی هستند، شهر ما را به هم می‌ریزند،²¹ و از رسم و رسومی دفاع می‌کنند که پذیرفتن و رعایت آنها برای ما رومیان جایز نیست.²² و مردم با هم علیه آنها برخاستند؛ و مأموران دستور دادند که آنها را برهنه کنند و بزنند.²³ و وقتی آنها را بسیار کتک

16:17 انسان‌هایی که مشکلات ذهنی دارند، از درک معنوی بالایی برخوردارند - در نتیجه، تلاش‌های ویژه عیسی برای درمان آنها [زبان «ارواح ناپاک» و «دیوها» اشاره به افرادی دارد که مشکل ذهنی دارند].

16:25 شادی در برابر آزار و رنج، درونمایه کتاب اعمال است.

16:33 در کتاب اعمال آمده که مردم «بلافاصله» تعمید داده می‌شدند، همان روزی که

وقتی مؤمنان را دیدند، آنها را تسلی دادند و آنها را ترک کردند.

باب 17

پولس در تسالونیک کی موعظه می‌کند

وقتی از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند، به تسالونیک آمدند که در آن کنیسه یهودیان بود.² و پولس طبق سنت خود، وارد کنیسه شد و نزد آنها رفت و در سه روز سبت با آنها از کتب مقدس بحث می‌کرد،³ و توضیح می‌داد و ثابت می‌کرد که لازم بود مسیح رنج بکشد و از میان مردگان برخیزد، و می‌گفت: این عیسی که به شما اعلام می‌کنم، همان مسیح است.⁴ و برخی از آنها و بسیاری از یونانیان دیندار، و تعداد زیادی از زنان سرشناس قانع شدند و به پولس و سیلاس پیوستند.⁵ اما یهودیان که حسادت می‌ورزیدند، عده‌ای از اشرار را از بازار برداشتند و دسته‌ای را تشکیل دادند و شورش در شهر به پا کردند، و به خانه یاسون حمله کردند و در

و زخم‌هایشان را شست؛ و فوراً او و کل خانواده‌اش تعمید یافتند.³⁴ و آنها را به خانه خود آورد، جلوی آنها غذا گذاشت و او و همه خانواده‌اش از این که به خدا ایمان آورده بودند، بسیار خوشحال بودند.

³⁵ اما وقتی صبح شد، دادرسان مأموران خود را فرستادند و گفتند: این مردها را رها کنید.³⁶ و زندانیان این گفته را به پولس منتقل کرد و گفت: دادرسان پیغام دادند که شما را رها کنیم. بنابراین، بیایید بیرون و به سلامت بروید.³⁷ اما پولس به آنها گفت: ما را که اتباع رومی هستیم بدون محاکمه در ملا عام زند، و به زندان انداختند و اکنون می‌خواهند ما را مخفیانه بیرون بپندازند؟ خیر! خودشان بیایند و ما را بیرون ببرند.³⁸ و مأموران این حرف‌ها را به دادرسان رساندند؛ و وقتی شنیدند که آنها رومی هستند، ترسیدند.³⁹ و آمدند و از آنها خواهش کردند، و وقتی آنها را بیرون آوردند، از آنها درخواست کردند که از شهر بیرون بروند.⁴⁰ و آنها از زندان بیرون رفتند و وارد خانه لیدیه شدند؛ و

بشارت را شنیده و ایمان می‌آوردند. بنابراین محتوای بشارت به شیوه‌ای روان و کوتاه منتقل می‌شد. اهمیت حیاتی تعمید آنها نشان داده می‌شود که خانواده در نیمه‌شب، پس از وقوع زمین لرزه و زمانی که زندانیان قادر به فرار بودند، تعمید داده می‌شوند. اما خدا در اولویت اول قرار گرفت؛ و همه چیز درست شد.

16:37 چرا پولس زودتر اعلام نکرد که شهروند روم است، تا جلوی چوب زدن را بگیرد؟ قطعاً دلیلی داشته و آن دلیل هرچه که بوده به اشاعه بشارت مرتبط است. زمان‌هایی هست که می‌توانیم راه ساده را برگزینیم و آن راه گناه کردن است؛ اما با انتخاب راه سخت‌تر خدمت بیشتری کرده‌ایم.

16:40 پولس و سیلاس دیگران را آرام کردند. اگرچه خود تحت چنان فشار و عذابی بودند.

و به همین شکل مردم را به جوش و خروش درآوردند و تحریک کردند.¹⁴ سپس برادران فوراً پولس را به سوی دریا روانه کردند، اما سیلاس و تیموتائوس آنجا ماندند.¹⁵ اما کسانی که پولس را همراهی می‌کردند، او را تا آتن بردند و پس از این که پولس به آنها درباره سیلاس و تیموتائوس دستور داد (که باید با تمام سرعت نزد او بیایند)، آنجا را ترک کردند.

پولس در آتن موعظه می‌کند

¹⁶ در حالی که پولس در آتن منتظر آنها بود، وقتی دید شهر پر از بت است، روحش برانگیخته شد.¹⁷ پس هر روز در کنیسه با یهودیان و دینداران، و در بازار با کسانی که او را ملاقات می‌کردند، بحث می‌کرد.¹⁸ و بعضی از فلاسفه اپیکوری و رواقی نیز با او برخورد کردند. و برخی گفتند: این یاهوگو چه خواهد گفت: دیگران گفتند: به نظر می‌رسد موعظه‌گر خدایان بیگانه است! زیرا او عیسی و رستاخیز را موعظه می‌کرد.¹⁹ و آنها او را گرفتند و به آرنوپاژ بردند و گفتند:

صدد آن بودند که آنها را بیرون نزد مردم بیاورند.⁶ و وقتی آنها را پیدا نکردند، یاسون و چند برادر دیگر را نزد حاکمان شهر بردند و فریاد زدند: این کسانی که دنیا را به هم ریخته‌اند اینجا نیز آمده‌اند.⁷ یاسون آنها را قبول کرده و همه آنها بر خلاف احکام سزار عمل می‌کنند و می‌گویند پادشاه دیگری وجود دارد، به نام عیسی.⁸ و مردم و حاکمان شهر با شنیدن این‌ها سراسیمه شدند.⁹ و وقتی از یاسون و بقیه آنها وثیقه گرفتند، آنها را آزاد کردند.

¹⁰ و برادران فوراً پولس و سیلاس را شبانه به بیریه فرستادند؛ که وقتی آنجا رسیدند، به کنیسه یهودیان رفتند.¹¹ و این‌ها از یهودیان تسالونیکی نجیب‌تر بودند، زیرا با آمادگی ذهنی کلام خدا را پذیرفتند، هر روز کتب مقدس را مطالعه می‌کردند تا ببینند آیا این‌ها حقیقت داشتند یا نه.¹² بنابراین، بسیاری از آنها از جمله زنان یونانی سرشناس و مردان یونانی ایمان آوردند.¹³ اما وقتی یهودیان تسالونیکی آگاه شدند که پولس کلام خدا را در بیریه نیز اعلام کرده، آنجا آمدند

17:7 هیچ مذهب دیگری در منطقه نبود که چنین اتحاد عمیقی بین یهودیان و غیر یهودیان، زنان و مردان، فقرا و اغنیا برقرار سازد. امروز نیز، خدا افراد مختلف را به ایمان به پسرش می‌خواند، درست همان طور که حواریون از گروه‌های متنوعی بودند. این یعنی اینکه پتانسیل نفاق و اتحاد در کلیسا، هر دو بسیار بالا است.

17:11 برینی‌ها مثال ما هستند- اینکه تنها آنچه به ما آموخته شده را نپذیریم، بلکه هر روز «کتب مقدس را بررسی کنیم.» ما باید هر روز با انجیل در تماس باشیم.

17:12 بنابراین- مردم ایمان آوردند چون هر روز کتب مقدس را بررسی می‌کردند (آیه 11). ایمان با شنیدن کلام خدا حاصل می‌شود (رومان 10:17).

17:16 ما همچنین باید قلبی داشته باشیم که از گمراهی و جهل این جهان منقلب شوند.

معین کرد،²⁷ تا آنها خدا را بجویند؛ تا او را حس کنند و بیابند، در حالی که از هیچ یک از ما دور نیست.²⁸ زیرا در او زندگی و حرکت می‌کنیم و هستی داریم- همان طور که چند تن از شاعران خودتان گفته‌اند: زیرا ما نیز فرزندان او هستیم.²⁹ پس ما که فرزندان خدا هستیم، نباید فکر کنیم که خدا مانند طلا، نقره یا سنگ، چیزی است که با مهارت و تخیل انسان ساخته می‌شود.³⁰ پس خدا دوران جهالت را نادیده گرفت، اما اکنون به بشر دستور می‌دهد که همه در همه جا باید توبه کنند.³¹ زیرا روزی را مقرر کرده که دنیا را با عدالت به دست کسی که گماشته قضاوت خواهد کرد؛ و در مورد او به همه انسان‌ها اطمینان داده که او را از میان مردگان زنده کرده است.³² وقتی آنها درباره رستاخیز از میان مردگان شنیدند، برخی مسخره کردند؛ اما برخی دیگر گفتند: درباره این موضوع دوباره به تو گوش خواهیم داد.³³ از این رو پولس آنجا را ترک کرد.³⁴ اما بعضی از مردم به او ملحق شدند و ایمان آوردند، که در میان آنها دیونیسوس، قاضی

ممکن است بدانیم این تعلیم جدید چیست که از آن سخن می‌گویی؟²⁰ زیرا حرف‌هایی بیگانه را به گوش ما می‌رسانی. بنابراین، می‌خواهیم بدانیم معنی این‌ها چیست.²¹ (همه) اتنی‌ها و بیگانگان ساکن آنجا کاری نمی‌کردند جز گفتن یا شنیدن چیزهای جدید).²² و پولس در میان آرتوپاز ایستاد و گفت: ای مردم آتن، فهمیدم که شما در بسیاری از امور بسیار متدین هستید.²³ زیرا وقتی راه می‌رفتم، چیزهایی را که پرستش می‌کنید مشاهده کردم؛ و محرابی را با این کتیبه یافتم: تقدیم به خدای ناشناخته. این خدا را که شناخته می‌پرستید به شما اعلام می‌کنم.

²⁴ خدایی که جهان و هر آنچه در آن است را آفرید، و خداوند آسمان و زمین است، در معابدی که ساخته دست است ساکن نیست.²⁵ نیازی به خدمت از سوی دستان بشر نیز ندارد، زیرا او به همه انسان‌ها، زندگی و نفس و همه چیز می‌دهد.²⁶ و همه ملت‌های بشر را از یک نفر آفرید تا در همه جای زمین زندگی کنند، و برای آنها زمان‌هایی را مقرر کرد و حدود و مرزهای سکونتشان را

17:23 باید با چشم و گوش باز و هشیار در این جهان قدم برداریم و هرچه در اطراف می‌بینیم را سرآغازی بدانیم برای اشاعه انجیل میان مردم. همین طور در آیه 28، پولس یکی از اشعارش را برای مردم می‌خواند، مانند زمانی که ما خطی از یک شعر معروف را می‌خوانیم، تا به محتوای انجیل برسیم.

17:31 تعالیم در عمل معنا پیدا می‌کنند. اگر باور داشته باشیم که عیسی بازمی‌گردد و روز داوری فرا می‌رسد - پس باید همین الان توبه کنیم، نه آن زمان!

17:34 در تمام بخش‌های 16 و 17 کتاب اعمال بر ایمان آوردن زنان تأکید شده؛ مذهب عمدتاً سرگرمی مردان بود اما مسیحیت بیشتر مذهبی برای زنان است، به دلیل معنای غیر معمول و ارزشی که برای انسان‌ها، از جمله زنان قائل می‌شود.

مردی به نام تیتوس یوستس رفت که خداپرست بود، و خانه‌اش به کنیسه متصل بود.⁸ و کرسپس که حاکم کنیسه بود، به همراه کل خانواده‌اش به خداوند ایمان آورد؛ و بسیاری قرنطیان نیز کلام را شنیدند و ایمان آوردند و تعمید یافتند.⁹ و در طول شب در یک رؤیا، خداوند به پولس گفت: نترس، بلکه با صدای بلند سخن بگو و ساکت نمان.¹⁰ زیرا من با تو هستم و هیچ کس به تو حمله نخواهد کرد یا آسیب نخواهد رساند. زیرا من مردم زیادی در این شهر دارم.¹¹ و او آنجا یک سال و شش ماه زندگی کرد و کلام خدا را به آنها تعلیم می‌داد.

¹² اما وقتی غالین فرماندار اخائیبه شد، یهودیان به اتفاق هم علیه پولس برخاستند و او را به کرسی قضاوت آوردند،¹³ و گفتند: این مرد مردم را متقاعد می‌کند که خدا را بر خلاف شریعت پرستش کنند.¹⁴ اما وقتی پولس می‌خواست دهانش را باز کند، غالین به یهودیان گفت: ای یهودیان، اگر حقیقتاً مسأله جرم و جنایت در میان باشد، منطقی است که با شما مدارا کنم.¹⁵ اما اگر مسائل مربوط به کلمات و اسامی و

آرثوپیاز و زنی به نام دامرس و افراد دیگر حضور داشتند.

پاب 18

پولس در قرنطس

پس از این رویدادها، از آتن عظیمت کرد و به قرنطس رفت.² و مردی یهودی را یافت به اسم آکیلا که از نژاد پنطس بود و به تازگی با همسرش پرسکله از ایتالیا آمده بود، زیرا کلودیوس به همه یهودیان دستور داده بود روم را ترک کنند؛ و او نیز نزد آنها رفت.³ و چون کسب و کاری یکسان داشتند، با آنها ماند و با هم کار کردند، زیرا شغل آنها خیمه‌دوزی بود.⁴ و هر روز در کنیسه بحث می‌کرد و یهودیان و ملل دیگر را متقاعد می‌ساخت.

⁵ اما وقتی سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه رسیدند، پولس مشغول اعلام کلام خدا بود و به یهودیان شهادت می‌داد که عیسی همان مسیح است.⁶ و وقتی با او مخالفت کردند و کفر گفتند، او لباس هایش را تکان داد و به آنها گفت: خون شما به گردن خودتان است! من بیگناه هستم. از حالا به بعد، نزد مردم غیر یهود می‌روم.⁷ و از آنجا به خانه

18:6 همان طور که در آیات 7-33:2 حزقیال گفته شد، اگر شاهد مردم نباشیم و آنها در جهل بмирند، مسئولیت از دست رفتن رستگاری آنها را نیز باید بر دوش بکشیم.

18:8 تعمید همیشه از پی ایمان است. تعمید نوزادان نمی‌تواند درست باشد چون نوزاد درک یا ایمانی به انجیل ندارد.

18:10 اگر تمرکز ما بر جذب مردم و تبدیل آنها به مردم خدا باشد، به گونه‌ای همه چیز برایمان درست پیش خواهد رفت.

18:12 وقتی این اتفاق افتاد، احتمالاً پولس وعده آیه 10 را به یاد داشت و تلاش می‌کرد به خود اطمینان دهد که خدا وعده‌اش را زیر پا نمی‌گذارد.

ایمان آوردن آپولوس

²⁴ مردی یهودی به نام آپولوس، که از اهالی اسکندریه بود، به افسس آمد؛ وی ناطقی فصیح و در کتب مقدس توانا بود. ²⁵ این مرد در راه خداوند آموزش دیده و با این که فقط از تعمیم یحیی خبر داشت، با روحی مشتاق مسائل مربوط به عیسی را به درستی بازگو می‌کرد و تعلیم می‌داد. ²⁶ و با شهادت در کنیسه شروع به سخن گفتن کرد. اما وقتی پرسکله و اکیلا سخنانش را شنیدند، او را نزد خود آوردند و به او راه خداوند را به درستی و با دقتی بیشتر توضیح دادند. ²⁷ و وقتی تصمیم گرفتند به آخائیه بروند، برادران او را تشویق کردند و برای شاگردان نامه نوشتند تا از او استقبال کنند؛ و وقتی رسید، به کسانی که از طریق فیض ایمان آورده بودند کمک کرد. ²⁸ زیرا با قدرت، اشتباه یهودیان را آشکارا ثابت کرد، و از طریق کتب مقدس نشان داد که عیسی همان مسیح است.

قانون خودتان است، خودتان به آن رسیدگی کنید. من مایل نیستم در چنین اموری قضاوت کنم. ¹⁶ و آنها را از کرسی قضاوت بیرون کرد. ¹⁷ و آنها همه سوستانیس، حاکم کنیسه، را گرفتند و در پیشگاه کرسی قضاوت او را کتک زدند. و غالئون هیچ اهمیتی به این امور نمی‌داد. ¹⁸ و پولس که پس از این روزهای بسیاری ماند، از حضور برادران مرخص شد و با پرسکله و اکیلا از راه دریا به سوریه رفتند و در کنخریه موی خود را زد. زیرا نذر کرده بود. ¹⁹ و به افسس رسیدند؛ آنها را آنجا ترک کرد، وارد کنیسه شد و با یهودیان به بحث نشست. ²⁰ و وقتی از او خواستند مدت بیشتری بماند، قبول نکرد ²¹ بلکه از حضور آنها مرخص شد و گفت: اگر خدا بخواهد دوباره نزد شما باز خواهم گشت. سپس از افسس از راه دریا رفت. ²² و وقتی به قیصریه رسید، رفت و با کلیسا سلام و احوالپرسی کرد و سپس به انطاکیه رفت. ²³ و مدتی را آنجا گذراند؛ سپس عازم شد و به مناطق غلاطیه و فریجیه رفت و همه شاگردان را تقویت کرد.

18:26 دقیق‌تر- افرادی داریم که ایمان ندارند و افرادی که ایمان اشتباه دارند. نباید تصور کنیم که هرکسی خارج از حلقه درک ما است، دشمن است، از خدا نیست و مانند این. افرادی هستند که ایمان اشتباه دارند، و نیازمند اصلاح و تعلیم بیشتر هستند، اما ما نمی‌توانیم جایگاه آنها در برابر خدا را قضاوت کنیم.

18:27 ما «به واسطه فیض» ایمان می‌آوریم. رستگاری فیض است؛ ما ایمان داریم نه فقط به این دلیل که انجیل را می‌خوانیم و باور می‌کنیم، بلکه چون خدا قلب ما را برای ایمان آوردن باز کرده است (کتاب اعمال 16:14؛ مزامیر 119:18). اگر این گونه نبود، آنگاه رستگاری نتیجه قدرت اراده و درک خود ما بود. اینها عواملی مهم هستند، اما

باب 19

تعمید مجدد بعضی از ایمان

آوردن گان یحییای تعمید دهنده

و این گونه شد که وقتی آپولوس در قرنتس بود، پولس پس از گذر از نواحی بالا، به افسس رسید و چند شاگرد پیدا کرد.² و او به آنها گفت: وقتی ایمان آوردید، روح القدس را دریافت کردید؟ و آنها به او گفتند: نه. حتی نشنیده ایم که روح القدس هم هست.³ و او گفت: پس در چه چیزی تعمید یافتید؟ و آنها گفتند: در تعمید یحیی.⁴ و پولس گفت: یحیی با تعمید توبه تعمید می داد، و به مردم می گفت که باید به کسی که بعد از او می آید، یعنی به عیسی، ایمان بیاورند.⁵ و وقتی این را شنیدند، به نام سرور، عیسی، تعمید یافتند.⁶ و وقتی پولس دستانش را بر آنها نهاد، روح القدس بر آنها نازل شد و آنها به زبان ها صحبت کرده و نبوت کردند.⁷ و حدود دوازده نفر بودند.

پولس در افسس موعظه می کند

⁸ و او مدت سه ماه وارد کنیسه می شد و بی پرده سخن می گفت؛ در مورد امور مربوط به ملکوت خدا بحث می کرد و دیگران را متقاعد می نمود.⁹ اما وقتی برخی سنگدل و نافرمان بودند و جلوی مردم درباره

طریقت بدگویی می کردند، او آنها را ترک کرد و شاگردان را جدا ساخت، و هر روز در مدرسه طیرانس بحث می کرد.¹⁰ و این کار دو سال طول کشید تا این که همه ساکنین آسیا، هم یهودیان و هم غیر یهودیان، کلام خدا را شنیدند.¹¹ و خدا به دست پولس معجزاتی خاص انجام می داد،¹² تا جایی که حتی دستمال ها یا پیش بندهایی که با پوست او تماس یافته بود را نزد مریضان می بردند و مریضی هایشان آنها را ترک می کرد و بیماری های روانی آنها نیز معالجه می شد.

¹³ اما برخی از جنگیبرهای دورمگرد یهودی سعی کردند نام سرور، عیسی، را بر کسانی که بیماری روانی داشتند فرا بخوانند و می گفتند: به نام عیسایی که پولس اعلام می کند به تو دستور می دهم.¹⁴ و هفت تن از پسران شخصی به سام اسکپوا، که یک یهودی و روحانی اعظم بود، نیز این کار را می کردند.¹⁵ و دیوانه به آنها در پاسخ گفت: عیسی را می شناسم، پولس را می شناسم، اما تو کیستی؟¹⁶ سپس مردی که دیوانه بود، روی آنها پرید و همه آنها را مغلوب ساخت تا جایی که آنها از آن خانه برهنه و زخمی فرار کردند.¹⁷ و همه ساکنین افسس، هم یهودیان و هم غیر یهودیان، از

عنصر «فیض» را هرگز نباید فراموش کرد. این است که ما را فروتن می سازد.

19:5 این را می توان مثالی از تعمید دوباره دانست. اما تعمید مردم توسط یوحنا، پیش از مرگ و رستاخیز عیسی بود - تعمید مسیحی در مرگ و رستاخیز عیسی است و دستور تعمید توسط عیسی و تنها پس از رستاخیزش داده می شود. تعمید مجدد باید انتخابی شخصی باشد. اگر با پاشیدن آب یا در زمان نوزادی تعمید داده شده ایم، پس تعمیدمان

²² و دو تن از یارانش، تیموتائوس و ارسطوس، را به مقدونیه فرستاد و خود مدتی در آسیا ماند.

²³ و در آن زمان بود که شورشی عظیم درباره طریقت به وجود آمد.

²⁴ زیرا مردی به نام دیمیتریوس نقره‌ساز، که بتکده‌های نقره‌ای دیانا را می‌ساخت، برای صنعتگران کسب و کاری بزرگ فراهم کرده بود. ²⁵ او آنها را به همراه کارگرانی

با شغل مشابه دور هم جمع کرد و گفت: آقایان، می‌دانید که ثروت‌مان

را مدیون این کسب و کار هستیم، ²⁶ و می‌بینید و می‌شنوید که نه

تنها در افسس بلکه در سراسر بخش اعظم آسیا، این پولس مردم بسیاری را متقاعد و گمراه کرده و

این امر باخبر شدند و ترس همه آنها را فرا گرفت. و نام سرور، عیسی، عظمت یافت. ¹⁸ بسیاری از کسانی که ایمان آورده بودند نیز آمدند، و گناهان خود را اعتراف و اعلام کردند. ¹⁹ و بسیاری از کسانی که سحر و جادو می‌کردند، با هم کتاب‌هایشان را آوردند و جلوی چشم همه، آنها را سوزاندند؛ و بهای آنها را حساب کردند که پنجاه هزار سکه نقره بود. ²⁰ پس کلام خداوند گسترش و قدرتی بیشتر یافت.

²¹ بعد از به انجام رساندن این امور، پولس در روح تصمیم گرفت که پس از گذر از مقدونیه و آخائیه به اورشلیم برود و گفت: پس از رفتن به آنجا باید روم را هم ببینم.

واقعی نبوده است. تعمید مجدد پس از اینکه با دقت بیشتر چیزهایی در مورد عیسی آموختیم، یک انتخاب کاملاً شخصی است.

19:18 کسان که ایمان آورده بودند. پس از دیدن آنچه بر سر پسر اسکویا آمد، افرادی که «ایمان داشتند» به درجه بالاتری از تعهد رسیدند. به نظر می‌رسد معنای ضمنی این آیه این باشد که علی‌رغم اینکه «ایمان داشتند»، ایمانشان آنچنان عمیق نبود، شاید در همان حد اعتقاد سطحی که برخی به تعالیم عیسی در دوران مأموریتش داشتند. آنها به سطح بالاتری از تعهد رسانده شدند، که منجر به «اعتراف و اظهار» و برائتشان از درگیری در سحر و جادو شد. در نردبان ایمان و تعهد، پله‌های بالاتری نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد زبان این قسمت با شرح تعمید مرتبط است، آن گونه که در متی 3:6 آمده، و در آن ایمان‌آوردندگان، در تعمید اعتراف کرده و اعمالشان را آشکار نمودند. چگونه افسسیان «در برابر تمام افراد» اظهارات خود را گفتند، نیز مفهوم تعمید به عنوان یک بیانیه عمومی را به ذهن می‌آورد. اما افسسیان اینها را پس از اینکه ایمان آوردند، انجام دادند. به نظر می‌رسد که ما دعوت شده‌ایم تا این را ایمان آوردن مجدد در نظر بگیریم؛ و تمام ما می‌توانیم این فرآیند را پشت سر بگذاریم.

19:21 پولس جاه‌طلبی معنوی بسیاری داشت؛ مصمم بود تا جایی که می‌تواند انجیل را برساند، حتی به روم. ما نیز می‌توانیم در محدوده زندگی و شرایط خودمان، چنین روحیه‌ای داشته باشیم.

19:23 مسیحیت یک «طریقت» خوانده شده، چون راهی برای زندگی در عمل است؛ اما تلمیحی نیز دارد به داستان کروبیان که راه درخت حیات را نگهداری کرد (پیدایش

به زمین افتاده است؟³⁶ پس وقتی این امور را نمی‌توان انکار کرد، باید ساکت باشید و با عجله کاری نکنید.³⁷ زیرا شما این مردان را اینجا آورده‌اید، که نه راهزنان معبد هستند و نه به الهه ما کفر گفتند.³⁸ بنابراین، اگر دیمیتریوس و پیشه‌گران همراه وی ادعایی علیه کسی دارند، دادگاه‌ها باز هستند و قضاتی وجود دارند. بگذارید همدیگر را متهم کنند.³⁹ اما اگر به دنبال چیزی درباره امور دیگر هستید، باید در یک مجمع معین حل و فصل شود.⁴⁰ زیرا ما امروز در خطر متهم شدن به شورش هستیم، چرا که هیچ دلیلی نیست که بتوانیم با آن این همه‌مه را توجیه کنیم.⁴¹ و وقتی این گونه سخن گفت، جماعت را روانه کرد.

باب 20

پطرس در تروآس

و بعد از این که شورش متوقف شد، پولس به دنبال شاگردانش فرستاد و پس از تشویق آنها، با آنها خداحافظی کرد و عازم مقدونیه شد.² و وقتی از آن مناطق عبور کرد و به آنها دلگرمی بسیار داد، به یونان رسید.³ سه ماه آنجا بود؛ اما وقتی خواست با کشتی به سوریه برود، مطلع شد که یهودیان در کمین او هستند، بنابراین تصمیم گرفت از راه مقدونیه باز گردد.⁴ سوپاترس بیریه‌ای، پسر پیروس بیریه‌ای؛ و آرسترخس و سیکندس از تسالونیک؛ و غایوس از دربه و تیموتائوس، و

گفته که خدایانی وجود ندارند که با دست ساخته شده باشند.²⁷ و نه تنها این خطر وجود دارد که شغل ما بی‌اعتبار شود، بلکه معبد الهه بزرگ، دیانا، نیز بی‌ارزش خواهد شد و عظمت او که مورد پرستش کل آسیا و دنیا است از بین خواهد رفت.²⁸ و وقتی این را شنیدند، مملو از خشم شدند و فریادکنان گفتند: بزرگ است دیانای افسس!²⁹ و شهر پر شد از سردرگمی؛ و همه با هم یکدل به تماشاخانه حملهور شدند، غایوس و آرسترخس را گرفتند، که اهل مقدونیه و از همراهان سفر پولس بودند.³⁰ اما وقتی پولس خواست به میان مردم برود، شاگردان به او اجازه ندادند.³¹ و برخی از رؤسای آسیا که دوستان او بودند، به او پیغام رساندند و از او خواهش کردند که جانش را در تماشاخانه به خطر نیندازد.³² بنابراین، برخی یک چیز می‌گفتند و برخی چیزی دیگر. زیرا جماعت سردرگم بود و اکثراً نمی‌دانستند چرا دور هم جمع شده‌اند.³³ و آنها اسکندر را از جمعیت بیرون کشیدند، یهودیان او را جلو فرستاده بودند؛ و اسکندر با دست اشاره کرد و می‌خواست نزد مردم دفاع کند؛³⁴ اما وقتی آنها فهمیدند که او یهودی است، همه یک صدا به مدت دو ساعت فریاد می‌زدند: بزرگ است دیانای افسسیان!³⁵ و وقتی روحانی شهر مردم را آرام ساخت، گفت: ای مردم افسس، کدام یک از شما نمی‌داند که شهر افسسیان حافظ معبد دیانای بزرگ و تصویری است که از مشتری

آسوس رفتیم، و قصد داشتیم پولس را از آنجا برداریم. زیرا چنین قرار گذاشته بود، و قصد داشت از راه زمینی برود.¹⁴ و وقتی ما را در آسوس ملاقات کرد، او را برداشته به میتیلینی آمدیم.¹⁵ و از آنجا سوار کشتی شدیم، و روز بعد به خیوس رسیدیم، و فردای آن روز به ساموس رفتیم، و روز بعد به میلپتس رسیدیم.¹⁶ زیرا پولس تصمیم گرفته بود از راه دریا از افسس عبور کند تا مجبور نشود در آسیا بماند. زیرا عجله داشت و امیدوار بود در روز عید پنجاهه در اورشلیم باشد.¹⁷ و از میلپتس، به افسس پیغام فرستاد و بزرگان کلیسا را به سوی خود فرا خواند.¹⁸ و وقتی نزد او آمدند، به آنها گفت: می‌دانید از روز اولی که پا در آسیا گذاشتم، تمام مدت به چه شکلی با شما بودم،¹⁹ و با فروتنی تمام، با اشک و با محاکماتی که به خاطر نقشه یهودیان بر سرم آمد، به خداوند خدمت کردم.²⁰ می‌دانید که چگونه در گفتن هر چیزی که مفید بود دریغ نکردم و به شما علناً تعلیم دادم، و از خانه به خانه،²¹ هم بر یهودیان و هم بر ملل غیر یهود شهادت دادم که به سوی خدا توبه کنند، و به سرورمان عیسی مسیح ایمان بیاورند.²² و اکنون در روح بسته شده و به اورشلیم می‌روم، و

تیخیکاس و تروفیمس که از اهالی آسیا بودند، او را همراهی می‌کردند.⁵ این‌ها پیش‌تر رفته بودند و در ترواس منتظر ما بودند.⁶ و ما پس از ایام فطیر از فیلیپی با کشتی رفتیم؛ و ظرف پنج روز به ترواس نزد آنها رسیدیم و هفت روز آنجا ماندیم.

⁷ در اولین روز هفته، وقتی برای تکه‌تکه کردن نان دور هم جمع شدیم، پولس با آنها صحبت کرد و قصد داشت روز بعد عازم شود؛ و صحبتش تا نیمه شب طول کشید.⁸ و در بالاخانه‌ای که دور هم جمع بودیم چراغ‌هایی بسیار وجود داشت.⁹ و مردی جوان به اسم افتیخس جلوی پنجره بود که به خوابی عمیق فرو می‌رفت. خواب پر او فایق آمد و در حالی که پولس به سخنانش ادامه می‌داد، از طبقه سوم افتاد و وقتی او را برداشتند مرده بود.¹⁰ اما پولس پایین رفت و بر او افتاد و به آغوشش کشید و گفت: نگران نباشید. زیرا جان در او است.¹¹ وقتی بالا آمد، نان را تکه‌تکه کرد و خورد و مدت زیادی تا سپیده‌دم حرف زد و عازم شد.¹² و آنها جوان را زنده آوردند و خیالشان بسیار آسوده شد.

موعظه پولس در میلپتس

¹³ اما ما سوار کشتی شدیم و به

24:3. زندگی ما در مسیح، گام برداشتن در «مسیری» است به سوی زندگی جاودان، که توسط فرشتگان نگهداری می‌شود.

20:7 این می‌تواند بدین معنا باشد که ایمانداران اولیه هر هفته مراسم «پاره کردن نان» را اجرا می‌کردند. اما هیچ دستور انجیلی مشخصی در مورد روز این مراسم یا تعداد تکرار وجود ندارد.

کردم.²⁸ مواظب خود و همه گله‌ای باشد که روح‌القدس شما را اسقف آنها مقرر کرد، و کلیسایی که سرور با خون خود خرید را پرورش دهید.²⁹ می‌دانم که پس از رفتن من، گرگ‌های درنده به میان شما خواهند آمد و به گله رحم نخواهند کرد.³⁰ و از میان شما، کسانی خواهند برخاست که امور را تغییر می‌دهند و شاگردانی را به دنبال خود خواهند کشاند.³¹ بنابراین، هشیار باشید و به یاد داشته باشید که سه سال بی‌وقفه شب و روز با اشک به همه اخطار دادم.³² و اکنون شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر

نمی‌دانم چه بر سر من خواهد آمد.²³ فقط روح‌القدس در هر شهری به من شهادت می‌دهد و می‌گوید که زندان و رنج در انتظار من است.²⁴ اما زندگی‌ام را برای خودم مهم و ارزشمند نمی‌دانم، فقط آرزو دارم مأموریتی را که از سرور، عیسی، دریافت کردم به پایان برسانم و مژده فیض خدا را شهادت دهم.²⁵ و اکنون می‌دانم که هیچ یک از شما که در بین‌تان ملکوت خداوند را اعلام کردم دیگر روی من را نخواهد دید.²⁶ بنابراین، امروز به شما شهادت می‌دهم که از خون همه میری هستم.²⁷ زیرا بی‌دریغ به شما، همه اراده خداوند را اعلام

20:20 خانه به خانه- بار دیگر می‌بینیم که تأکید بر خانه به عنوان اساس سازماندهی ایمانداران و اشاعه انجیل است.

20:23 روح‌القدس به پولس گفت که اگر به اورشلیم برود، سختی می‌بیند؛ اما او احساس می‌کرد الزامی روحی به رفتن دارد (رجوع کنید به آیه 22 و 19:21؛ 4:11؛ 12). گاهی به نظر می‌رسد که خدا به ما راهنمایی‌های متناقض می‌دهد؛ این گونه است که می‌توانیم با اختیار عمل کرده و از روی انگیزه‌های درست، تصمیم بگیریم، اگرچه گاهی اصلاً مهم نیست که تصمیم چه باشد. در برخی موارد، فرایند است و نه نتیجه، مسیر است و نه مقصد... که اهمیت دارد.

20:26 پولس می‌توانست به درستی و با قطعیت احساس کند که بخشیده شده است که توانست بگوید «از خون همه بری است». وقتی این را می‌گفت، قطعاً در ذهن خود به خون استیفان می‌اندیشیده، که در برابر فلسطینیان بر خاک می‌ریخت، و لباس‌های مردمی که استیفان را کشته بودند بر پای پولس انداخته می‌شد تا گواهی شود بر اینکه او مسئول این اتفاق بوده است. اما از بخشودگیش مطمئن بود. می‌توانست با اطمینان بگوید که از خون بری است. درستکاری شمرده شده و گناه پوشانده - چون او در عیسی بود.

20:31 سه سال ... شب و روز، با اشکها- این جمله سنگینی است. و نشان می‌دهد که خطر ورود تعالیم کذب و سوءاستفاده‌ها در کلیسا تا چه اندازه جدی بوده و هست. بنابراین، نباید تعجب کنیم که «مسیحیت» بعنوان یک مذهب انسانی، آلوده به فساد باشد؛ اما خدا کلام خود، انجیل را حفظ کرده، تا کسانی که واقعا به دنبال او هستند، بتوانند او را بیابند.

سفر کردیم.³ وقتی قبرس را دیدیم، آن را در سمت چپ رها کردیم، به سوی سوریه رفتیم و در صور پیاده شدیم، چرا که در آنجا می‌بایست بار کشتی را خالی می‌کردند.⁴ و چند شاگردی پیدا کردیم، و هفت روز در آنجا ماندیم؛ و آنها از طریق روح به پولس گفتند که نباید در اورشلیم قدم بگذارد.⁵ و هنگامی که زمانمان تمام شد، جدا شدیم و به مسیرمان ادامه دادیم، و همه آنها با زنان و بچه‌هایشان تا بیرون شهر ما را همراهی کردند. و در کنار دریا زانو زدیم و دعا کردیم.⁶ و سوار کشتی شدیم، و آنها به خانه‌های خود برگشتند.

⁷ و بعد از اینکه سفر دریایی ما تمام شد، از صور به پتولامیس رسیدیم؛ و با مؤمنان ملاقات کردیم و یک روز با آنها ماندیم.⁸ و روز بعد، آنجا را ترک کردیم، و به قیصریه رفتیم، و به خانه فیلیپس مبشر، که یکی از آن هفت نفر بود، رفتیم و نزد او ماندیم.⁹ و این مرد چهار دختر باکره داشت که نبوت می‌کردند.¹⁰ و در طول چند روزی که در آنجا ماندیم، پیامبری به نام آغابوس از یهودیه آمد.¹¹ و نزد ما آمد، کمربند

است شما را بسازد و در میان همه مقدسان به شما میراث عطا کند.³³ من به نقره یا طلا یا لباس کسی طمع نورزیدم.³⁴ خود شما می‌دانید که این دستان احتیاجات خود و همراهانم را فراهم می‌کرد.³⁵ در همه چیز به شما مثالی دادم، تا با کار کردن به مستضعفین کمک کنید و کلامی را که سرور عیسی گفت به خاطر داشته باشید: دادن بیشتر از گرفتن برکت دارد.

³⁶ و وقتی این سخنان را گفت، زانو زد و با همه آنها دعا کرد.³⁷ و آنها همه بسیار گریه کردند، پولس را در آغوش گرفتند و بوسیدند،³⁸ بیشتر از هر چیز دیگری بابت این جمله که دیگر روی او را نخواهند دید اندوهگین بودند. و تا کشتی او را همراهی کردند.

باب 21

سفر به اورشلیم

و هنگامی که از آنها جدا شدیم و شروع به سفر در دریا کردیم، مستقیم به کاس و روز بعد به رودس آمدیم و از آنجا به پاترا.² و پس از آنکه کشتی‌ای یافتیم که عازم فینیقیه بود، بر آن سوار شدیم، و

20:32 کلام فیض خدا قادر است ما را ساخته و به سمت ملکوت رهنمون سازد. این گونه نیست که تنها خواندن انجیل ضامن رستگاری باشد؛ اما اگر کلام فیض را درون انجیل درک کنیم، این طبیعتاً و نهایتاً ما را به مردمان ملکوت مبدل می‌سازد.

21:5 زنان و بچه‌ها در جامعه مدیترانه‌ای قرن اول، فرد به شمار نمی‌آمدند. اما عیسی به آنها ارزش ویژه داد و منتقدین مسیحیت آن را مورد تمسخر قرار می‌دادند که مذهبی است تشکیل شده از زنان و بچه‌ها.

21:9 «نبوت» کردن یعنی پیشگویی از کلام خدا، نه فقط پیش‌بینی آینده. زنان مانند مردان (آیه 10) در کلیساهای اولیه نبوت می‌کردند.

قیصریه همراه ما آمدند، و با خود شخصی به نام مناسون را که از اهل قبرس و شاگردی قدیمی بود، آوردند تا نزد او مهمان بمانیم.¹⁷ و هنگامی که به اورشلیم رسیدیم، برادران با خوشحالی از ما استقبال کردند.

پولس در اورشلیم

¹⁸ و در روز بعد، پولس با ما نزد یعقوب رفت؛ و همه ریش سفیدان حضور داشتند.¹⁹ و بعد از اینکه به آنها سلام کرد، آنچه خدا به وسیله خدمت او در میان امت‌ها به عمل آورده بود را به تفصیل گفت.²⁰ و بعد از اینکه آنها این را شنیدند، خدا را تمجید کردند، و به او گفتند: ای برادر، دیدی که چند هزار نفر از یهودیان ایمان آورده‌اند و همه آنها در شریعت غیورند.²¹ و درباره

پولس را گرفت و دست‌ها و پاهای خود را بست، و گفت: روح القدس می‌گوید: که یهودیان در اورشلیم صاحب این کمر بند را به همین شکل می‌بندند، و او را به دستهای امت‌ها خواهند سپرد.¹² و هنگامی که این را شنیدیم، هم ما و هم اهالی آنجا التماس کردیم که به اورشلیم نرود.¹³ سپس پولس جواب داد: چه می‌کنید، گریه می‌کنید و دل مرا می‌شکنید؟ زیرا من آماده‌ام که نه فقط در بند شوم، بلکه در اورشلیم بمیرم به خاطر نام سرور، عیسی.¹⁴ و هنگامی که او متقاعد نشد، ساکت شدیم، گفتیم: آنچه اراده خداوند است بشود.

¹⁵ و بعد از آن روزها، زاد و توشه خود را برداشتیم، و به سمت اورشلیم رفتیم.¹⁶ و تنی چند از شاگردان

21:12، 13 این اتفاق بسیار شبیه موردی است که پطرس و حواریون تلاش کردند تا عیسی را از رفتن به اورشلیم و مردن بر صلیب منصرف کنند (متی 24:16-21). ما نیز می‌توانیم نقاط ارتباطی بین تجربیات و احساسات مسیح و شرایطی که در زندگی برایمان پیش می‌آید را بیابیم. از این منظر، او به واسطه کلامش «با ما است».

21:20 آیه 8:1 کتاب اعمال می‌گوید که تمام اعضای کلیسای اورشلیم پراکنده بودند؛ اینکه در آیه

21:20 اعمال می‌خوانیم که تعدادشان هزاران نفر بوده است، به این معنا است که برای اجتناب از آزار، آنها که باقی مانده بودند با معبد صلح کرده و به یک فرقه یهودی بدل شدند، احتمالاً با عشریه، و مالیات معبد که به معبد می‌رسید و نه به کلیسا. این «هزاران» مذکور در آیه 21 اعمال احتمالاً عمدتاً از زمان آزاری که پس از مرگ استیفان شروع شد، ایمان آورده بودند. اعضای کلیسای اولیه اورشلیم به سمت غیر یهودیان رفته و بشارت را بر آنها خوانده بودند (اعمال 11:19-20)، و چیزی نبود که کلیسای بعدی اورشلیم حمایت می‌کرد. مسیحیان اولیه در دو مسیر اشتباه رفتند - مسیحیان یهودی به یهودیت بازگشتند تا جلوی آزار یهودیان را بگیرند و مسیحیان غیر یهودی به کفر، تا جلوی آزار امپراطوری روم را بگیرند.

21:21 پولس در واقع در نامه‌هایش نوشت که ختنه برای ایماندار در عیسی معنای روحانی ندارد، چه یهودی باشیم و چه غیر یهودی (مثلاً رساله اول قرن‌تین 7:19). اما

می‌دهد؛ همچنین، چند یونانی را نیز به معبد آورده، این مکان مقدس را ناپاک کرده است.²⁹ زیرا قبل از آن تروفیمس افسسی را با او در شهر دیده بودند، و گمان داشتند که پولس او را به معبد آورده بود.

³⁰ و تمامی شهر به حرکت آمد و مردم با هم دویدند، پولس را گرفتند و از معبد بیرون کشیدند و بلافاصله درب‌ها را بستند.³¹ و چون تلاش برای قتل او می‌کردند، خبر به فرمانده پادگان رسید که تمام اورشلیم به شورش آمده است.³² و او بی درنگ سربازان و یوزباشی‌ها را برداشت، و به سوی آنها تاخت؛ و هنگامی که آنها فرمانده و سربازان را دیدند، از زدن پولس دست برداشتند.³³ سپس فرمانده نزدیک شد، او را گرفت، و فرمان داد تا او را با دو زنجر ببندند و پرسید که کیست و چه کرده است.³⁴ و بعضی از شورشیان به سخنی و بعضی به سخنی دیگر صدا می‌کردند؛ و چون او به سبب شورش، حقیقت امر را نتوانست بفهمد، فرمود تا او را به پادگان آنتونیا بیاورند.³⁵ هنگامی که به پله‌ها رسید، سربازان به سبب ازدحام مردم او را برگرفتند.³⁶ زیرا شورشیان از عقب او را دنبال می‌کردند، فریاد می‌زدند: او را بکش!

³⁷ و همان طور که پولس را به

تو شنیده‌اند که همه یهودیان را که در میان امت‌ها می‌باشند، تعلیم می‌دهی که موسی را ترک کنند و به آنها می‌گویی نباید اولاد خود را ختنه کنند و نباید طبق سنت رفتار نمایند.²² پس چه باید کرد؟ آنها حتماً خواهند شنید که تو آمده‌ای.²³ پس آنچه به تو می‌گوییم را انجام بده: چهار مرد نزد ما هستند که نذری کرده‌اند.²⁴ آنها را بردار و خود را با آنها تطهیر کن، و هزینه آنها را بده، که سر خود را بتراشند؛ تا همه بدانند که آنچه درباره تو شنیده‌اند صحت ندارد، بلکه خود نیز طبق شریعت زندگی می‌کنی.²⁵ اما درباره آنانی که از امت‌ها ایمان آورده‌اند، ما نوشتیم و حکم کردیم که از قربانی‌های بت و خون و حیوانات خفه شده و زنا پرهیز نمایند.²⁶ سپس پولس آن اشخاص را برداشت، و روز بعد با آنها طهارت کرد، به معبد رفت و از تکمیل ایام طهارت اطلاع داد تا هدیه‌ای برای هر یک از آنها بگذرانند.

²⁷ و پس از اینکه آن هفت روز تقریباً تمام شد، چند یهودی از آسیا او را در معبد دیدند، تمام قوم را به شورش آوردند و دست بر او انداختند،²⁸ فریاد زدند: مردان اسرائیلی، کمک کنید! این آن کسی است که برخلاف امت و شریعت و این مکان در هر جا همه را تعلیم

گاهی، شیوه حکمت مسیحی این است که بر اصول پافشاری نکنیم، بلکه با ضعف یا درک پایین دیگران همراه شویم. اگر به زبان مردم با آنها ارتباط برقرار کنیم، معمولی یا استعاری، یعنی با واژگانی که می‌دانند و می‌شناسند، آنگاه با دقت بیشتری گوش می‌دهند.

مرگ آزار می‌دادم و مردان و زنان را می‌بستم و به زندان می‌انداختم،⁵ طوری که روحانی اعظم و تمام ریش‌سفیدان شورا برای من شهادت می‌دهند. که از آنها برای برادران نامه‌ها گرفتم و عازم دمشق شدم، تا کسانی را نیز که در آنجا بودند ببندم و به اورشلیم آورم تا مجازات شوند.⁶ و این گونه شد که در میانه راه، وقتی به دمشق نزدیک شدم، تقریباً ظهر، ناگهان نوری عظیم از آسمان به دور من درخشید.⁷ و بر زمین افتادم و صدایی را شنیدم که به من می‌گفت: شائول، شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟⁸ من جواب دادم: خداوندا تو کیستی؟ و به من گفت: من عیسی ناصری هستم، که تو او را آزار می‌دهی.⁹ و همراهان من نور را دیدند، ولی صدای آن کس که با من سخن گفت را نشنیدند.¹⁰ گفتم: سرورم چه کنم؟ و سرور گفت: برخیز و به دمشق برو، که در آنجا به تو خواهند گفت که قرار است چه کنی.¹¹ و هنگامی که از عظمت آن نور نابینا شدم، همراهانم دست مرا گرفتند و به دمشق آوردند.¹² و شخصی به نام حنانیا، که پایبند شریعت بود و نزد همه یهودیان ساکن آنجا به نیکی از او یاد می‌شد،¹³ نزد من آمد و کنار من ایستاد، و به من گفت:

قلعه درآورند، او به فرمانده گفت: اجازه است که به تو چیزی بگویم؟ و او گفت: زبان یونانی بلدی؟³⁸ مگر تو آن مصری نیستی که چندی پیش فتنه‌ای برانگیختی، و چهار هزار تروریست را به بیابان بردی؟³⁹ اما پولس گفت: «من یهودی هستم از طرسوس قیلیقیه، شهری که بی‌نام و نشان نیست، و خواهش می‌کنم که اجازه فرمایی تا با مردم سخن گویم.⁴⁰ و پس از اینکه اجازه یافت، بر پله‌ها ایستاد و با دست خود به مردم اشاره کرد؛ و چون سکوت کامل پیدا شد، با آنها به زبان عبری صحبت کرد، و گفت.

باب 22

دفاعیه پولس خطاب به یهودیان اورشلیم

ای برادران و پدران، دفاعی را که الان پیش شما می‌آورم بشنوید.² و وقتی شنیدند که به زبان عبری با آنها صحبت می‌کند، ساکت‌تر شدند؛ و او گفت:³ من یک یهودی هستم، متولد طرسوس قیلیقیه، اما در این شهر در خدمت غمالانیل بزرگ شدم و طبق قوانین سخت اجدادمان آموزش دیدم، درباره خدا غیور بودم، چنان که همه شما امروز هستید.⁴ و با این روش تا سرحد

22:13 پولس، حتی پیش از تعمیدش «برادر» خوانده می‌شد و پس از تعمید نیز یهودیان را «برادران» خود می‌خواند (آیه 5). البته، او همه چیز را در مورد جایگاه والا و معنای برادری در عیسی می‌دانست؛ اما آنچنان فضل‌فروش نبود که یهودیان را «برادران» خود نخواند. بدیهی است او دچار آن توهمی نبود که بسیاری از ایمانداران را به سمتی سوق می‌دهد که از جهان جدا شده و درکی درست از آن نداشته باشند.

برادر شائول، بینا شو. و در همان لحظه بر او نگرایستم.¹⁴ و او گفت: خدای پدران ما تو را برگزیده تا اراده او را بدانی، و آن عادل را ببینی و از زبانش سخنی بشنوی.¹⁵ زیرا از آنچه دیده و شنیده‌ای نزد همه مردم شاهد بر او خواهی بود.¹⁶ و حال چرا تاخیر می‌کنی؟ برخیز و تعمید بگیر، و نام خداوند را بخوان و گناهانت را بشوی.¹⁷ و این گونه شد که وقتی به اورشلیم برگشتم و در معبد دعا می‌کردم، از خود بیخود شدم،¹⁸ و او را دیدم که به من می‌گفت: عجله کن و فوراً از اورشلیم بیرون برو، زیرا که شهادت تو را در حق من نخواهند پذیرفت.¹⁹ و من گفتم: سرورم، آنها می‌دانند که من در هر کنیسه مؤمنین تو را حبس کرده‌ام و زده‌ام؛²⁰ و هنگامی که خون شاهد تو استیفان را می‌ریختند، من نیز ایستاده بودم، و با آن موافقت کردم و از لباس قاتلان او مواظبت می‌کردم.²¹ و او به من گفت: برو! زیرا که من تو را به سوی ملل غیر یهود می‌فرستم.

پولس از تابعیت رومی خود استفاده می‌کند

²² و تا این حرف، به او گوش دادند، و صدای خود را بلند کردند و گفتند: چنین شخصی را از روی زمین بردار! که زنده ماندن او جایز نیست.²³ و چون غوغا کردند و لباس‌های خود را پرتاب کردند و خاک به هوا ریختند،²⁴ فرمانده دستور داد تا او را به پادگان بیاورند و دستور داد که او را با شلاق بازجویی کنند تا بفهمد که چرا اینقدر بر سر او فریاد می‌زدند.²⁵ و وقتی که او را با طناب بستند، پولس به یوزباشی‌ای که کنارش ایستاده بود گفت: آیا قانونی است که یک شهروند رومی را بدون محکومیت شلاق بزنید؟²⁶ وقتی یوزباشی این را شنید، نزد فرمانده رفت، به او خبر داد و گفت: چه می‌خواهی بکنی؟ زیرا این شخص رومی است.²⁷ و فرمانده آمد و به او گفت: به من بگو، آیا تو رومی هستی؟ و او گفت: بله.²⁸ فرمانده جواب داد: من این حق شهروندی را با پول زیادی بدست آوردم. و پولس گفت: اما من متولد روم هستم.²⁹ سپس آنهایی که قصد شکنجه او را داشتند، فوراً دست از او برداشتند؛ و فرمانده وقتی فهمید که رومی است ترسید، زیرا او را بسته بود.³⁰ روز بعد، چون می‌خواست درست بفهمد

22:16 در تعمید نباید تأخیری باشد - تعمید برای بخشایش گناهان ما است. به این دلیل است که تعمید باید فرورفتن کامل در آب باشد - تا نمادی گردد از شسته شدن گناهان. «خواندن نام او [بر خود]» (یونانی) کاری است که در تعمید انجام می‌دهیم - به او بدل می‌شویم.

22:26 پولس شهروند روم بود. اما تمام ما را دعوت می‌کند که خود را تبعه آسمان بدانیم (فیلیپیان 3:20)؛ او در ذهن خود شهروندی رومش را نادیده گرفت، چون به تابعیت ملکوت خدا کاملاً آگاه بود. ما نیز باید اجازه دهیم شگفتی تبعیت‌مان در عیسی ما را هدایت کند، تا از تمامی مزایای دنیوی که می‌توانیم داشته باشیم، چشم‌پوشیم.

آنها دستور داد تا به دهانش بزنند.
³ سپس پولس به او گفت: خدا تو را خواهد زد، ای دیوار سفیدشده! زیرا تو نشسته‌ای تا بر من بر حسب شریعت داوری کنی، و بر خلاف شریعت دستور می‌دهی که من را بزنند؟⁴ و آنهایی که ایستاده بودند گفتند: به روحانی اعظم خدا دشنام می‌دهی؟⁵ و پولس گفت: برادران، تشخیص ندادم که روحانی اعظم است. زیرا نوشته شده است که به حاکم قوم خود بد نگویی.

که یهودیان به چه علت او را متهم کرده بودند، او را آزاد کرد، و دستور داد ریش سفیدان و همه اعضای شورا حاضر شوند و پولس را پایین آورند و او را در میان آنها گذاشت.

پاب 23

دفاع پولس در حضور روحانی اعظم

و پولس به اهل شورا نگریست و گفت: برادران، من تا امروز با وجدان سالم در خدمت خدا زندگی کرده‌ام. ² آنگاه حنانی، روحانی اعظم، به

23:1 آیا ما می‌توانیم این را بگوییم؟ اما خداوند عیسی خود به ما می‌گوید که پولس پیش از ایمان آوردن، وجدان خود را نادیده می‌گرفت (اعمال 9:5). شاید پولس فکر می‌کرد که «زندگیش» با ایمان آغاز شده است؟ ما وجدانی داریم که در چشم خدا از گناهان پاک است، می‌دانیم که یک بار برای همیشه از بار گناهان آزاد شده‌ایم، و اینها همه از طریق تعمید ممکن شده است. قلوب ما با ایمان تطهیر شده (اعمال 15:9)؛ وجدان ما از گناهان پاک شده (عبرانیان 9:14)؛ همه چیز برای ما مطهر است (تیتوس 1:15؛ رومیان، 14:20). این یعنی وجدان درست، براساس تعریف انجیل. وقتی پولس گفت که در برابر خدا وجدانی پاک دارد، آنها او را به کفر متهم ساختند چون بین وجدان پاک و کمال رابطه‌ای برقرار است (عبرانیان 9:9؛ 10:14). بنابراین، وجدان پاک یعنی آگاهی به اینکه ما در چشم خدا گناهی نداریم. اگرچه ممکن است در عذاب وجدان بوده و گناهانی برای اعتراف داشته باشیم، اما از منظر خدا صفحه پاک است و از زمان تعمید بوده است. و امکان ندارد که این را باور داشته باشیم و پاسخ ندهیم - وجدان ما پالوده شده، پس ما نیز باید به خدای زنده خدمت کنیم (عبرانیان 9:14).

23:5 پولس می‌گوید که کاهن اعظم را نشناخته، چون عیسی کاهن اعظم او است، بنابراین اهانت توجیه می‌یابد.

23:6 امید انجیل این است که وقتی عیسی باز می‌گردد، ما که با ایمان و تعمید در عیسی هستیم، از مرگ رستاخیز یافته و جاودانه زندگی می‌کنیم. رفتن به آسمان در زمان مرگ آموزه انجیل نیست؛ تمرکز بر بازگشت عیسی به زمین و رستاخیز مردگان برای زندگی جاودان در ملکوت خدا روی زمین است.

23:6 پولس می‌گوید «من یک فریسی هستم»، نه اینکه «من یک فریسی بودم و حال منکر تعالیم کذب آنها و تصلیب عیسی می‌شوم.» او از همکاری با آنها احساس گناه نمی‌کرد. بلکه به دنبال این بود که «با همه مانند خودشان» باشد، در برابر یهودیان یهودی می‌شد تا بتواند مردم را به سوی عیسی ببرد (رساله اول قرن‌تین 20، 21:9).

نچشیم.¹⁵ پس الان شما با اهل شورا، از فرمانده بخواهید که او را نزد شما بیاورد طوری که انگار می‌خواهید او را با دقت بیشتری بازجویی کنید؛ و ما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش او را بکشیم.

¹⁶ اما خواهرزاده پولس از کمین آنها اطلاع پیدا کرد، رفت و به وارد قلعه شد، و به پولس گفت.¹⁷ و پولس یکی از یوزباشیان را صدا زد، و گفت: این جوان را نزد فرمانده ببر؛ زیرا خبری دارد که به او بگویند.¹⁸ پس او را برداشت، و نزد فرمانده برد، و گفت: پولس زندانی مرا طلبید، خواهش کرد که این جوان را به خدمت شما بیاورم، زیرا چیزی دارد که به شما بگوید.¹⁹ و فرمانده دستش را گرفت، او را به خلوت برد و پرسید: چه چیز است که می‌خواهی به من بگویی؟²⁰ او گفت: یهودیان توافق کرده‌اند که از تو بخواهند پولس را فردا به مجلس شورا ببری، طوری که انگار می‌خواهند درباره او بیشتر تفتیش کنند.²¹ پس خواهش ایشان را اجابت نکن، زیرا بیشتر از چهل نفر از آنها در کمین او هستند و به سوگند عهد بسته‌اند که تا او را نکشند، چیزی نخورند و نیاشامند؛ و الان آماده و منتظر رضایت شما هستند.²² بنابراین، فرمانده آن جوان را مرخص کرد، و به او دستور داد: به هیچ‌کس نگو که اینها را به من گفتی.

²³ پس دو نفر از یوزباشیان را طلبید و گفت: دویست سرباز را آماده کنید و هفتاد سوار و دویست نیزه‌دار در ساعت سه شب حاضر

⁶ اما هنگامی که پولس فهمید که بعضی از آنها صدوقیان و بعضی فریسیان هستند، در مجلس فریاد زد: برادران، من فریسی، پسر یک فریسی هستم! برای امید و قیامت مردگان از من بازپرسی می‌شود.⁷ و وقتی این را گفت، بین فریسیان و صدوقیان اختلافی پیش آمد و آن جماعت دو فرقه شدند.⁸ زیرا صدوقیان منکر قیامت و ملائکه و ارواح هستند؛ اما فریسیان به هر دو باور دارند.⁹ و غوغای بیشتری برپا شد؛ و بعضی کاتبان از فرقه فریسیان برخاستند و بحث کردند و گفتند: در این شخص هیچ بدی نیافته‌ایم. اگر روحی یا فرشته‌ای با او سخن گفته باشد، چه؟¹⁰ و چون منازعه شدیدتر شد، فرمانده ترسید که مبادا پولس را تکه‌تکه کنند، و به سربازان دستور داد پایین بیایند و او را از میانشان بردارند و به قلعه بیاورند.

¹¹ و شب بعد، سرور نزد او آمد، و گفت: شهادت داشته باش، زیرا برای من در اورشلیم شهادت دادی، همچنین باید در روم نیز شهادت دهی.

توطئه برای قتل پولس

¹² و هنگام روز، یهودیان با یکدیگر عهد بستند، بر خود لعن کردند که تا پولس را نکشند، چیزی نخورند و ننوشند.¹³ و بیش از چهل نفر در این دسیسه شرکت کردند.¹⁴ و آنها نزد روحانیون اعظم و ریش‌سفیدان رفتند، و گفتند: بر خود لعنت سخت کردیم که تا پولس را نکشیم، چیزی

است، گفت: ³⁵ سخن تو را خواهم شنید بعد از اینکه اتهام‌زنان نیز بیایند؛ و دستور داد تا او را در سرای هیرودیس نگاه دارند.

باب 24

پولس در حضور فلیکس

و پنج روز بعد، روحانی اعظم حنانیا با چند ریش‌سفید و یک سخنگو به نام تِرئلس آمدند، مدارکی را علیه پولس به فرماندار دادند. ² و وقتی احضار شد، تِرئلس شروع کرد به متهم کردن او و گفت: ای فلیکس عالیقدر، چون از وجود شما از آرامش بسیار بهره می‌بریم، و به خاطر بصیرت شما رفاه به این ملت رسیده است، ³ در همه حال و همه جا خود را موظف به قدرانی از حضرت‌عالی می‌دانیم. ⁴ اما، برای این که بیشتر از این مزاحم شما نشویم، تمنا دارم که لطف کنید و به چند کلام از سوی ما گوش فرا دهید. ⁵ زیرا ما این مرد را مفسد و مسبب شورش در میان همه یهودیان در سراسر جهان می‌دانیم، سرکرده فرقه ناصری است، ⁶ که حتی سعی داشت معبد ما را آلوده سازد. ما او را گرفتیم و می‌خواهیم طبق شریعت خود او را محاکمه کنیم. ⁷ اما لیسسیاس فرمانده اصلی آمد و با خشونت تمام او را از دست ما گرفت، ⁸ و به مدعیان او دستور داد که به حضور شما بیایند. خودتان با بازجویی او قادر خواهید

کنید تا به قیصریه بروند. ²⁴ و مرکبی حاضر کنید تا پولس را سوار کرده، او را به سلامتی به نزد فلیکس والی برسانند. ²⁵ و نامه‌ای بدین مضمون نوشت:

²⁶ کلودیوس لیسسیاس، به والی گرامی فلیکس سلام می‌رساند. ²⁷ یهودیان این شخص را گرفته بودند و قصد قتل او را داشتند تا اینکه با سربازان مداخله کردم و او را از دست آنها نجات دادم، چون فهمیده بودم که رومی است. ²⁸ و چون می‌خواستم بفهمم که چرا او را متهم کرده بودند، او را به مجلس آنها بردم. ²⁹ متوجه شدم که به خاطر مسائل شریعت خود او را متهم کرده بودند، ولی برای او هیچ اتهامی که مجازاتش قتل یا حبس باشد را نمی‌دیدم. ³⁰ و هنگامی که خبردار شدم که توطئه‌ای برای کشتن این مرد چیده شده، او را نزد شما فرستادم و به کسانی که به او اتهام زده بودند دستور دادم تا نزد شما علیه او صحبت کنند.

³¹ پس سربازان طبق دستور پولس را در شب برداشتند و به انتیپاتریس بردند. ³² اما روز بعد، سواران را گذاشت که با او بروند و خود به قلعه برگشتند. ³³ و وقتی که آنها وارد قیصریه شدند، نامه را به والی سپردند و پولس را نیز نزد او حاضر ساختند. ³⁴ و وقتی والی نامه را خواند، پرسید که از کدام ولایت است؛ چون دانست که از قیلیقیه

24:5 کلیسای حقیقی خدا «فرقه» خوانده شده، آنها [به ناحق] و تنها به این دلیل که بجای سنت انسان‌ها پیرو عیسی شدند، فتنه‌انگیز نام گرفتند (28:22). همین اتفاق امروز هم می‌افتد.

بود درباره همه اموری که او را بدان متهم می‌کنیم آگاهی کسب کنید.⁹ و یهودیان نیز در این اتهام پیوستند، و صحت این امور را تأیید کردند.¹⁰ و وقتی فرماندار به پولس اشاره کرد که سخن گوید، پولس پاسخ داد: از آنجایی که می‌دانم سال‌های زیادی است که شما قاضی این ملت بوده‌اید، با خشنودی از خود دفاع می‌کنم.¹¹ می‌توانید تأیید کنید که دوازده روز پیش بود که برای عبادت به اورشلیم رفته بودم.¹² و نه در معبد، نه در کنیسه و نه در شهر من را در حالی نیافتند که با کسی بحث کنم یا مردم را تحریک کنم.¹³ همچنین، نمی‌توانند اتهاماتی را که هم اکنون علیه من وارد می‌دانند، ثابت کنند.¹⁴ اما این را به شما اعتراف می‌کنم که به دنبال طریقت که آنها آن را فرقه می‌نامند، به خدای اجدادمان خدمت می‌کنم و به هر آنچه طبق شریعت است و در کتاب انبیا نوشته شده ایمان دارم؛¹⁵ به خدا امید دارم، که این مردم نیز به دنبال آن هستند که هم برای خوبان و هم بدان رستخیز باشد.¹⁶ همچنین، در این جا تلاش می‌کنم که همواره وجدانی آسوده نسبت به

خدا و مردم داشته باشم.¹⁷ پس از چند سال، آمدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم.¹⁸ در حال انجام این کار، من را در معبد، تطهیر شده یافتند بدون هیچ جمعیتی، بدون هیچ اغتشاشی؛ اما یهودیانی از آسیا آنجا بودند،¹⁹ که اگر اتهامی علیه من دارند باید خودشان اینجا در حضور شما حضور یابند و من را متهم کنند.²⁰ در غیر این صورت، این‌ها باید خودشان بگویند که وقتی در حضور شما ایستاده بودم، چه خطایی کردم،²¹ غیر از این که در میان آنها با صدای بلند این جمله را گفتم: امروز در حضور شما در مورد رستخیز مردگان احضار و بازجویی خواهم شد.²² اما فلیکس که دانش دقیق‌تری نسبت به طریقت داشت، محاکمه را به تعویق انداخت و گفت: وقتی لیسپاس فرمانده آمد، در مورد تو تصمیم خواهم گرفت.²³ سپس به یوزباشی دستور داد که او را تحت بازداشت نگه دارند اما تا اندازه‌ای او را آزاد بگذراد؛ و هیچ یک از دوستانش نباید از رسیدگی به نیازهای او منع شوند.

24:15 ستمگران رستخیز و داوری شده و سپس بار دیگر می‌میرند و برای همیشه مرده می‌مانند - «مرگ دوم» (مکاشفه 2:11؛ 20:6؛ 14). مجازات گنهکاران در رستخیز خواهد بود- نه بلافاصله پس از مرگ. چون مرگ ناهشیاری است، و چیزی تحت عنوان «روح فناناپذیر» که باید بلافاصله بعد از مرگ به جایی برود، چه خوب و چه بد، وجود ندارد.

24:16 ما باید انضباط شخصی و از خودگذشتگی را عمیقاً بیاموزیم، چون این چیزی است که عیسی از ما می‌خواهد. پولس در زندگی معنوی خود را «تعلیم داد»، واژه یونانی ریشه واژه انگلیسی پرهیزکاری است.

قتل برسانند.⁴ با این حال، فستوس پاسخ داد که پولس باید در قیصریه در بازداشت باشد و خودش قصد داشت زودتر به آنجا برود.⁵ او گفت بنابراین، کسانی که از میان شما اختیار دارند با من بیایند و اگر کار اشتباهی از این مرد سر زده، او را متهم کنند.

⁶ و وقتی هشت یا ده روز بین آنها ماند، به قیصریه رفت؛ و روز بعد بر کرسی قضاوت نشست و دستور داد که پولس را بیاورند.⁷ و وقتی او رسید، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند دور او ایستادند و اتهامات بسیار و سنگینی را علیه او ارائه کردند که نمی‌توانستند اثبات کنند؛⁸ در این حال پولس در دفاع از خود گفت: من نه علیه شریعت یهودیان، نه علیه معبد و نه علیه سزار مرتکب هیچ خطایی نشدم.⁹ اما فستوس که دوست داشت در میان یهودیان محبوبیت کسب کند، به پولس پاسخ داد و گفت: آیا به اورشلیم خواهی رفت تا آنجا در حضور من درباره این امور محاکمه شوی؟¹⁰ اما پولس گفت: من در پیشگاه کرسی قضاوت سزار ایستاده‌ام، همان جایی که باید مورد قضاوت قرار گیرم. من هیچ جرمی در حق یهودیان مرتکب نشدم، همان طور که خودتان خوب

²⁴ اما پس از چند روز، فلیکس همراه با همسرش دروسله آمد که زنی یهودی بود و دنبال پولس فرستاد و به سخنان او درباره ایمان به عیسی مسیح گوش داد.²⁵ و وقتی او درباره عدالت، خویشنداری و قضاوت در آینده بحث کرد، فلیکس ترسید و پاسخ داد: فعلاً برو. هر گاه فرصت مناسبی پیدا کردم، به دنبالت می‌فرستم.²⁶ در این میان امید داشت که پولس به او پول بدهد. بنابراین، بیشتر به دنبال او می‌فرستاد و با او گفتگو می‌کرد.²⁷ اما پس از دو سال، پرکیوس فستوس جانشین فلیکس شد؛ و فلیکس که می‌خواست در میان یهودیان محبوب شود، پولس را در زندان نگه داشت.

باب 25

دادخواهی پولس به سزار

سه روز بعد از این که فستوس به استان خود رسید، از قیصریه به اورشلیم رفت.² و روحانیون اعظم و رهبران یهودیان ادعاهای خود علیه پولس را ارائه کردند و به او دادخواست دادند،³ و از فستوس تقاضا کردند به آنان لطف کند و پولس را در اورشلیم احضار کند؛ زیرا در کمین بودند تا او را در راه به

24:25 این حقیقت که داوری فرا می‌رسد به خودی خود فراخوانی است برای پرهیزگاری و پاکدامنی. فلیکس این را دریافت و بر خود لرزید، چون انتظار طرد و داوری را داشت. همان طور که خداوند در یوحنا 5 گفته است، وقتی مردی کلام انجیل را می‌شنود، در واقع پیام رفتن به داوری را می‌شنود. و اگر آن را رد کند، خود را از حضور خداوند در آینده طرد کرده است. به همین ترتیب، آیه 17:31 اعمال می‌گوید که همین وجود صندلی داوری آینده و انتصاب خداوند به قضاوت زندگان و مردگان، دستور به توبه است.

بدی که تصور می‌کردم او را متهم ساختمند. ¹⁹ بلکه مسائل خاصی را علیه او مطرح کردند که درباره دین خود و دین عیسی بود که مرده است، اما پولس می‌گوید که زنده است. ²⁰ و من هم چون در نحوه تحقیق در این امور سردرگم شدم، پرسیدم آیا می‌خواهد به اورشلیم برود و آنجا درباره این امور محاکمه شود یا خیر. ²¹ اما وقتی پولس درخواست کرد که در انتظار تصمیم امپراتور بماند، دستور دادم که او را تا زمانی که نزد سزار بفرستم نگه دارند. ²² و آگریپاس به فستوس گفت: دوست دارم خودم حرف‌های این مرد را بشنوم. او گفت فردا حرف‌های او را خواهید شنید.

²³ پس روز بعد، وقتی آگریپاس و برنیکی با شکوه عظیمی رسیدند، با فرمانداران و رهبران شهر وارد جایگاه دادرسی شدند؛ و به دستور فستوس، پولس را آوردند. ²⁴ و فستوس گفت: ای آگریپاس پادشاه و همه کسانی که اینجا با ما حضور دارید، این مرد را می‌بینید که درباره‌اش همه مردم یهود به من دادخواهی کردند، هم در اورشلیم و هم اینجا، و با فریاد خواسته‌اند که نباید دیگر زنده بماند. ²⁵ اما من دریافتم که او کاری که مستحق مرگ باشد انجام نداده؛ و چون به امپراتور دادخواهی کرده، تصمیم گرفتم او را روانه کنم. ²⁶ اما چیز

می‌دانید. ¹¹ در آن صورت اگر مجرم هستم و کاری کردم که مستحق مرگ شوم، اعتراضی به مرگ نخواهم کرد، اما اگر هیچ یک از این چیزهایی که این‌ها من را به آن متهم می‌کنند حقیقت نداشته باشد، هیچ کس نمی‌تواند من را به آنها تسلیم کند. من به سزار دادخواهی می‌کنم. ¹² سپس فستوس پس از مشورت با شورا پاسخ داد: تو به سزار دادخواهی کرده‌ای. نزد سزار خواهی رفت.

¹³ اکنون پس از چند روز، آگریپاس پادشاه و برنیکی به قیصریه رسیدند و به فستوس سلامی دادند. ¹⁴ و از آنجا که روزهای زیادی آنجا ماندند، فستوس پرونده پولس را در حضور پادشاه نهاد و گفت: مردی هست که فلیکس به زندان انداخته، ¹⁵ که وقتی در اورشلیم بودند، روحانیون اعظم و بزرگان یهود من را درباره او مطلع ساختند و تقاضای محکومیت او را کردند. ¹⁶ که به آنها در پاسخ گفتم که آداب و رسوم رومیان نیست که کسی را تسلیم کنند قبل از آن که متهم با مدعیان روبرو شود و فرصت پیدا کند تا درباره مواردی که علیه او ادعا شده از خود دفاع کند. ¹⁷ پس وقتی اینجا جمع شدند، بدون تأخیر روز بعد بر کرسی قضاوت نشستم و دستور دادم آن مرد را بیاورند؛ ¹⁸ که وقتی مدعیان علیه او برخاستند، به هیچ یک از کارهای

25:11 چرا پولس از قیصر دادخواهی کرد؟ شاید تنها به این دلیل بود که می‌خواست به روم برود تا مسیحیت را در قلب امپراطوری روم ترویج کند. شاید آن قدر از نظر معنوی انگیزه داشت که فکر کند قادر است بشارت را برای خود قیصر موعظه نموده - و او را مؤمن سازد؟ با این حال، پولس دعا کرد که پادشاه آگریپاس مسیحی شود (26:29).

یهودیان من را بدان متهم می‌کنند از خود دفاع کنم؛³ به ویژه به این خاطر که در همه آداب و رسوم و مسائلی که در میان یهودیان مطرح است خبره هستم. از این رو تمنا دارم با صبر و شکیبایی به سخنانم گوش دهید.

⁴ همه یهودیان نحوه زندگی من را از جوانی می‌دانند، زیرا از اول در میان امت خودم و در اورشلیم بودم؛⁵ و از اول من را می‌شناسند (اگر مایلند که آن را تصدیق کنند) که من به عنوان یک فریسی پیرو سخت‌گیرانه‌ترین فرقه دینمان بودم.⁶ و اینک اینجا به امید وعده‌ای که خدا به اجدادمان داد ایستاده‌ام تا محاکمه شوم؛⁷ وعده‌ای که دوازده طایفه ما شب و روز صادقانه عبادت می‌کنند، زیرا امید دارند که به این وعده‌ها دست یابند. و یهودیان

خاصی ندارم که درباره او برای سرورم بنویسم. بنابراین، او را در حضور همه شما آوردم، و به ویژه در حضور تو ای آگریپاس پادشاه تا بعد از بازجویی چیزی برای نوشتن داشته باشم.²⁷ زیرا به نظر من غیر منطقی است که یک زندانی را بدون مشخص کردن اتهامات علیه او روانه کنم.

پاب 26

دفاع پولس در حضور آگریپاس
و آگریپاس به پولس گفت: اجازه داری از خودت دفاع کنی. سپس پولس دستانش را گشود و از خود دفاع کرد.

² ای آگریپاس پادشاه خود را سعادتمند می‌دانم که امروز در حضور جنابعالی درباره هر آنچه

25:26، 27 فرستاده شدن به بالاترین سطح دآوری در روم، و در عین حال فقدان اتهامات کافی علیه وی - عجیب بود. پولس وقتی به کلیسای روم (که قطعاً شرایط پولس را می‌دانستند) می‌نویسد، به این ماجرا اشاره می‌کند تا بگوید در عیسی، کسی نمی‌تواند ما را محکوم سازد (رومیان 8:34). نامه او از روم به کولسیان نیز پیامی مشابه دارد (کولسیان 1:22) «... تا شما را مقدس و بی عیب و بری از ملامت» (یونانی «آزاد از اتهام») (به حضور او بیاورد). این آزادی از اتهام توضیح می‌دهد که چرا در آن زمان به هیچ یک از اعمال بد ما اشاره‌ای نمی‌شود. ممکن است باعث تعجب شود که دادرسی پولس در فصل 25 اعمال این گونه توصیف شده تا ما بتوانیم تصور کنیم؛ او شاکی نداشت پس می‌توانست تبرئه شود. ما نیز در چنین شرایطی هستیم. اما بخشیده شده‌ایم؛ در روز دآوری مسیح هیچ پرونده‌ای علیه ما نیست.

26:4 اگر پولس از جوانی در اورشلیم پرورش یافته بود، قطعاً عیسی را ملاقات کرده و معجزات وی در اورشلیم را دیده بود. ممکن بود تصلیب را هم دید باشد.

26:6-8 امید به رستاخیز مردگان امیدی بود که پدران یهودی نیز داشتند. این وعده که ابراهیم وارث سرزمین کنعان می‌شود و برای ابد در آنجا زندگی می‌کند، مستلزم رستاخیز ابراهیم از مرگ بود. هسته اصلی امید مسیحی از طریق وعده‌هایی که به ابراهیم و داوود داده شد، به پدران یهودی آموخته شد (غلاطیان 3:8). بشارت عهد جدید از ملکوت خدا با پیام عهد قدیم هماهنگی کامل دارد - رجوع کنید به آیات 22، 23.

روشنایی خورشید دیدم که دور من و همسفرانم می‌تابید.¹⁴ و وقتی همه به زمین افتادیم، صدایی را به زبان آرامی شنیدم که گفت: شائول، شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟ بر سیخ لگد زدن کار دشواری است.¹⁵ و من گفتم: خداوندا، تو کیستی؟¹⁶ و سرور گفت: من عیسیایی هستم که تو آزار و اذیت می‌کنی.¹⁶ اما بلند شو و روی پاهایت بایست. زیرا با این وعده بر تو ظاهر گشتم که تو را خادم و شاهد منصوب کنم بر همه چیزهایی که در آن من را دیده‌ای و چیزهایی که بر تو آشکار خواهم ساخت.¹⁷ تو را از قوم یهود و غیر یهود، که تو را نزد آنها می‌فرستم، رهایی خواهم داد؛¹⁸ تا چشمانشان را باز کنی تا از تاریکی به نور، و از قدرت شیطان به خدا بازگردند؛ که در آخر امرزش گناهان و میراثی را در میان کسانی بپایند که با ایمان به من تقدیس شده‌اند.¹⁹ بنابراین، ای آغریپاس پادشاه،

من را درباره این وعده متهم می‌کنند، ای پادشاه!⁸ چرا باید فکر کنید که زنده کردن مردگان از سوی خدا غیر ممکن است؟

⁹ حقیقتاً فکر می‌کردم که باید در مخالفت با اسم عیسیای ناصری کارهای بسیاری کنم.¹⁰ و در اورشلیم چنین کردم و با اختیاری که از روحانیون اعظم گرفته بودم، بسیاری از قدیسان را در زندان حبس کردم؛ و وقتی آنها به مرگ محکوم شدند، رأی خودم را علیه آنها صادر کردم.¹¹ و در همه کنیسه‌ها آنها را اغلب مجازات و سعی می‌کردم آنها را مجبور به کفرگویی کنم، و چون از آنها بسیار خشمگین بودم، حتی در شهرهای خارجی نیز آنها را آزار و اذیت می‌کردم.

¹² از این رو، با اختیار و مأموریتی که روحانیون اعظم به من داده بودند، به دمشق سفر کردم،¹³ اما در نیمه روز، ای پادشاه، در راه نوری را از آسمان بالای

26:8، 9 به ارتباط بین این آیات توجه کنید. پولس می‌گوید که بزرگترین گواه برخاستن عیسی از مرگ، تغییر شخصیتی بود که در وی رخ داده بود. این است «قدرت رستاخیز او» (فیلیپیان 3:10)؛ و در مورد ما نیز صادق است. مرگ و رستاخیز عیسی ناصری تنها حقایقی نیستند که ما می‌دانیم؛ اگر به درستی آنها را باور کنیم، قدرت تحول‌نهایی در آنها نهفته است.

26:11 تأکید مداوم پولس بر گنهکار بودنش در شرحی که از آزارهایش به مسیحیان می‌دهد، بازتاب پیدا می‌کند. او قربانیان خود را «مردان و زنانی» توصیف می‌کند که «گرفتارشان کرده» (اعمال 22:4؛ 8:3)، سپس اعتراف می‌کند که آنها را تهدید کرده به قتل رسانده (اعمال 9:3)، و پیروان این «طریقت» را تا سرحد مرگ آزار داده (اعمال 22:4)؛ سپس آنها را کسانی می‌خواند که «ایمان داشتند» (اعمال 22:9) و نهایتاً در اوج شرم از خودش، شرح می‌دهد که چگونه مانند یک حیوان وحشی، «مقدسین بسیار» را نه تنها در فلسطین که «تا شهرهای اجنبیشان [غیریهودی]» دنبال کرده است (اعمال 26:10، 11). هرچه بیشتر بر گنهکاری خود آگاه می‌شد، از رستگاری خود نیز مطمئن‌تر می‌گشت. و این قطعاً برای ما یک الگو است.

من را قانع کردی که مسیحی بشوم.²⁹ و پولس گفت: من به درگاه خدا دعا خواهم کرد تا در مدتی کوتاه یا بلند، نه تنها شما، بلکه همه کسانی که امروز صدای من را می‌شنوند مانند من شوند (به غیر از این زنجیرها).³⁰ و پادشاه برخاست؛ فرماندار و برنیک و کسانی که با آنها نشسته بودند نیز برخاستند.³¹ و وقتی به کناری رفتند، با هم صحبت کردند و گفتند: این مرد کاری نکرده که مستحق مرگ یا حبس باشد.³² و آغریپاس به فستوس گفت: اگر این مرد به سزار دادخواهی نکرده بود، ممکن بود آزاد شود.

باب 27

سفر پولس به روم

و وقتی مقرر شد که از راه کشتی به سوی ایتالیا سفر کنیم، آنها پولس و برخی از زندانیان دیگر را به یک یوزباشی به نام یولیوس از هَنگ اوغسطس سپردند.² و سوار یک کشتی ادرامیتینی شدیم که به سوی مناطقی از ساحل آسیا رهسپار بود، در دریا عازم شدیم؛ در حالی که ارسنرخس مقدونی از اهالی تسالونیکی همراه ما بود.³ و روز بعد در صیدون لنگر انداختیم؛ و یولیوس با مهربانی با پولس برخورد کرد و به او اجازه داد نزد دوستانش برود و جانی تازه کند.⁴ و از آنجا در دریا عازم شدیم، و زیر بادپناه قبرس حرکت کردیم زیرا باد در

من از این رؤیای آسمانی نافرمانی نکردم؛²⁰ بلکه اول به کسانی که در دمشق بودند و سپس در اورشلیم و در سراسر منطقه یهودیه و همچنین به غیر یهودیان اعلام کردم که باید توبه کنند و به سوی خدا روی گردانند و اعمال شایسته توبه انجام دهند.²¹ به همین دلیل، یهودیان من را در معبد گرفتند و سعی کردند به قتل برسانند.²² بنابراین، با کمکی که از جانب خدا دریافت کردم، تا به امروز ایستاده‌ام تا بر کوچک و بزرگ شهادت دهم و چیزی نگویم جز آنچه طبق گفته انبیا و موسی باید رخ دهد:²³ این که مسیح باید رنج بکشد، و او که اولین نفری است که از میان مردگان برمی‌خیزد، نور را هم بر قوم یهود و هم بر غیر یهود اعلام خواهد کرد.

²⁴ و وقتی این گونه از خود دفاع کرد، فستوس با صدایی بلند گفت: پولس، تو دیوانه‌ای. علم زیاد تو را دیوانه کرده است.²⁵ اما پولس گفت: من دیوانه نیستم، ای فستوس عالقدر، بلکه کلام حقیقت و هشپاری را می‌گویم.²⁶ زیرا پادشاه نیز از این امور آگاه است، و با او نیز بی‌پرده صحبت می‌کنم. زیرا من متقاعد شده‌ام که هیچ یک از این امور بر او پوشیده نیست. زیرا این امور در گوشه‌ای خلوت واقع نشد.²⁷ ای آغریپاس پادشاه، آیا به انبیا ایمان دارید؟ می‌دانم که ایمان دارید.²⁸ و آغریپاس به پولس گفت: تقریباً

27:2 «ادرامیتینوس» یعنی «خانه مرگ». کل سفر را می‌توان تمثیلی دانست از سفر ما در مسیح تا زمان طلوع ملکوت خدا.

کنار کریت گذشتیم.

غرق شدن کشتی

¹⁴ کمی بعد، بادی توفانی به نام اورکلیدون کشتی را درنوردید. ¹⁵ و وقتی کشتی را گرفت، و کشتی نتوانست در برابر باد مقاومت کند، خود را به آن سپردیم با جهت باد حرکت کردیم. ¹⁶ و با گذر از بادپناه جزیره کوچکی به اسم کلاودا توانستیم به زحمت قایق پارویی کشتی را نگه داریم. ¹⁷ و وقتی آن را برافراشتند، از تکیه‌گاه‌ها استفاده کردند تا کشتی را از زیر محکم کنند؛ و از ترس این که به شنزار سیرتیس برخورد کنند، بادبان کشتی را پایین آوردند تا با جهت باد حرکت کنند. ¹⁸ و روز بعد وقتی توفان به شدت متلاطم بود، آنها کمک بار کشتی را بیرون انداختند. ¹⁹ و در روز سوم، با دستان خود اسباب و لوازم کشتی را به دریا انداختند. ²⁰ و وقتی نه خورشید و نه ستاره‌ها روزهای بسیاری بر ما نتابیدند و توفان شدیدی ما را در نوردید، همه امیدی که برای نجات یافتن داشتیم از بین رفت.

²¹ و وقتی مدت‌ها بی‌غذا ماندند، پولس در میان آنها ایستاد و گفت: آقایان، باید به حرف من گوش می‌کردید و از کریت با کشتی سفر نمی‌کردیم و دچار چنین صدمه و زیانی نمی‌شدیم. ²² و اکنون شما را تشویق می‌کنم که شهامت داشته باشید. زیرا جان هیچ یک از شما تلف نخواهد شد، بلکه فقط کشتی از دست خواهد رفت. ²³ زیرا امشب

جهت مخالف می‌وزید. ⁵ و پس از گذر از دریایی که کنار قیلیقیه و پمفلیه بود، به میرا، شهری از لیکیه رسیدیم.

⁶ و یوزباشی در آنجا یک کشتی اسکندریه‌ای را یافت که به سوی ایتالیا رهسپار بود؛ و ما را سوار آن کرد. ⁷ و پس از آن که روزهای بسیار به گزندی در دریا حرکت کردیم و به سختی به قنبدوس رسیدیم، باد اجازه پیشروی به ما نمی‌داد و زیر بادپناه کریت روبروی سلمونی حرکت کردیم. ⁸ و با زحمت گذر کردیم، و به محلی ملقب به بندر زیبا نزدیک شهر لسائییه رسیدیم.

⁹ از آنجایی که زمان زیادی گذشته بود، و سفر دریایی خطرناک بود چون ایام روزه نیز به پایان رسیده بود، پولس آنها را نصیحت کرد ¹⁰ و گفت: آقایان، می‌بینم که سفر دریایی منجر به صدمه و تلفات بسیاری خواهد شد، نه فقط برای بار و کشتی بلکه برای جان خودمان نیز خطرناک خواهد بود. ¹¹ اما یوزباشی بیشتر به حرف ارباب و صاحب کشتی گوش داد تا چیزهایی که پولس گفته بود. ¹² و چون بندر برای گذراندن زمستان نامناسب بود، اکثراً پیشنهاد دادند که از آنجا نیز از راه دریا حرکت کنند تا خود را به هر طریقی به فینیکس برسانند که بندری است در کریت، رو به جنوب غرب و شمال غرب، و در آنجا زمستان را بگذرانند. ¹³ و وقتی نسیمی از جنوب وزید، آنها با تصور این که به هدف خود رسیده‌اند، لنگر را برداشتند و از

را از پشت کشتی رها و آرزو کردند که روز شود.³⁰ و وقتی ملوانان در صدد ترک کشتی برآمدند و به بهانه این که لنگرها را از جلوی کشتی به دریا بیندازند، قایق را به دریا انداختند،³¹ پولس به یوزباشی و به سربازان گفت: فقط در صورتی نجات خواهید یافت که این‌ها در کشتی بمانند.³² سپس سربازان طناب قایق را پاره و آن را رها کردند.³³ و نزدیک سپیده دم، پولس از آنها خواهش کرد که غذا بخورند و گفت: امروز چهاردهمین روزی است که منتظر مانده‌اید و همچنان روزه هستید و چیزی نخورده‌اید.³⁴ پس تمنا می‌کنم که کمی غذا بخورید. زیرا این برای سلامتی شما است؛ برای این که حتی یک تار مو نیز از سر هیچ یک از شما کم نشود.³⁵ و وقتی این را گفت و

یکی از فرشتگان خدایی که به او تعلق دارم و به او خدمت می‌کنم در کنارم ایستاد²⁴ و گفت: پولس نترس. باید در حضور سزار بایستی؛ و خدا زندگی همه همسفرانت را به تو عطا کرده است.²⁵ پس آقایان شهادت داشته باشید. زیرا به خدا ایمان دارم که همه چیز همان گونه خواهد شد که به من گفته شده است.²⁶ اما باید در جزیره‌ای بيفتیم.

²⁷ اما وقتی شب چهاردهم فرا رسید، در حالی که در دریای آدریا به این سو و آن سو رانده می‌شدیم، نزدیک نیمه‌شب ملوانان حس کردند که به خشکی نزدیک می‌شوند.²⁸ پس عمق‌سنجی کردند و سی متر یافتند؛ و پس از کمی فاصله، دوباره عمق‌سنجی کردند و بیست و پنج متر یافتند.²⁹ و از ترس این که به صخره‌ها برخورد کنیم، چهار لنگر

27:24 اغلب اتفاق می‌افتد که کسانی که با ما در ارتباط هستند، به خاطر ما برکت یابند، حتی اگر ایمان نداشته باشند. این به ویژه در مورد فرزندان و والدین ما صحت دارد (رساله اول قرن‌تین 7:14).

27:31 قانون‌گرایان کلیسای اولیه معتقد بودند که اگر ایمانداری ختنه را نپذیرد، «نمی‌تواند رستگار شود» (اعمال 15:1). دقیقاً همین عبارت یونانی توسط پولس تکرار می‌شود، وقتی در طول طوفان هشدار می‌دهد: «شما نجات نمی‌یابید، مگر اینکه در کشتی بمانید.» قطعاً داستان لوقا نیز مرتبط است؛ قانون‌گرایان می‌گفتند وقت آن رسیده که باقی جامعه را بخاطر آینده ابديشان رها کنیم، مگر اینکه به راه بپایند؛ و پاسخ پولس این است که رستگاری ما وابسته به کنار هم ماندن در برابر شرایط دشواری است که در آن قرار می‌گیریم. ما هرگز نباید از برادرانمان یا از جامعه مسیحی روی برگردانیم. جدا از او، «هیچ» نیستیم و نمی‌توانیم گردیم (یوحنا 15:5)؛ و او جامعه است، کلیسا است.

27:34 اینجا پولس کلماتی از عیسی را نقل می‌کند که حواریون را در سختی‌های روزهای آخر تشویق می‌کرد، که آنها زنده خواهند ماند (لوقا 21:18). بنابراین، طوفان را می‌توانیم تمثیلی از عبورمان از سختی‌های روزهای آخر بدانیم.

27:35 نحوه نان پاره کردن پولس در آیه 35 شبیه کاری است که عیسی می‌کرد. این برداشت را داریم که پولس آرام بود، و عمداً از روش پاره کردن نان توسط عیسی،

نجات دهد آنها را متوقف کرد و دستور داد که کسانی که می‌توانند شنا کنند اول خود را به دریا بیندازند و به خشکی برسانند؛⁴⁴ و سپس بقیه چنین کنند، برخی سوار بر تخته‌ها و برخی دیگر سوار بر سایر اسباب کشتی. و این گونه شد که همه آنها به سلامتی به خشکی رسیدند.

پاب 28

پولس در مالت

و وقتی فرار کردیم، فهمیدیم که نام آن جزیره مالت بود.² و بومیان به طرز خارق‌العاده‌ای با ما مهربان بودند؛ زیرا از آنجایی که باران می‌بارید و هوا سرد بود، آتشی را روشن و از همه ما استقبال کردند.³ اما وقتی پولس یک دسته چوب هیزم جمع کرد و روی آتش گذاشت، به خاطر حرارت، ماری از آتش بیرون آمد و به دست او چسبید.⁴ و وقتی بومیان دیدند که این موجود از دست او آویزان است به یکدیگر گفتند: شکی نیست که این مرد قاتلی است که با این که از دریا گریخته، عدالت به او اجازه نمی‌دهد که زنده

نان را برداشت، در حضور همه آنها از خدا تشکر کرد و آن را تکه‌تکه کرد و شروع به خوردن آن نمود.³⁶ سپس همه آنها دلگرمی یافتند، و خودشان نیز کمی غذا خوردند.³⁷ و در کل دویست و هفتاد و شش نفر بر روی کشتی بودیم.³⁸ و وقتی به اندازه کافی خوردند، گندم را به دریا انداختند تا کشتی سبک شود.

³⁹ و وقتی صبح شد، خشکی را تشخیص ندادند اما متوجه خلیج و ساحلی شدند و مشورت کردند که آیا باید کشتی را به آنجا بکشاند یا نه.⁴⁰ و با پایین انداختن لنگرها، آنها را در دریا رها کردند، و در همان حال بندهای سُکان را نیز شل کردند؛ و با بالا کشیدن بادبان‌ها، به سوی ساحل عازم شدند.⁴¹ اما پس از برخورد با محل تلاقی دو دریا، کشتی را به گل نشاندند؛ و دماغه کشتی گیر کرد و بی‌حرکت ماند، اما عقب کشتی با شدت امواج در هم شکست.⁴² و سربازان نقشه کشیدند که زندانیان را بکشند تا مبادا احدی از آنها شنا کند و بگریزد.⁴³ اما یوزباشی که می‌خواست پولس را

تقلید می‌کرد. پس گویی پولس خود را نمادی از عیسی می‌دانست، و آنها که در کشتی بودند نیز نمادی از پیروان عیسی. همان طور که هنگام پاره کردن نان، به یکدیگر می‌خوردند، پولس دو بار آنها را تشویق کرد که «شهامتتان را از دست ندهید» (آیات 22، 25) - همچنین عین کلام خداوند عیسی، در همین شرایط را نقل می‌کند (یوحنا 16:33)؛ و به یاد دارید که عیسی نیز درست همین کلمات را به حواریونی گفت که در طوفانی مشابه گیر افتاده بودند (مرقس 6:50). نحوه ظهور فرشته بر پولس در شب برای قدرت دادن به او (آیه 16:33) نیز نمودی است از تجربه عیسی در باغ. اگر عیسی برای ما یک واقعیت زنده باشد، اگر دائماً به کلام، اعمال و تجربیات او بیاندیشیم که در انجیل ثبت شده، اعمال ما نیز مانند او خواهد شد. روح او از آن ما خواهد شد؛ او در ما و ما در او خواهیم زیست.

روز آنجا ماندیم؛¹³ و از آنجا دور زدیم و به ریغیوم رسیدیم؛ یک روز بعد، باد جنوبی وزید و در روز دوم به پوطیولی رسیدیم،¹⁴ که در آن مؤمنانی را یافتیم و تشویق شدیم که با آنها هفت روز بمانیم. و این گونه به سوی روم آمدیم.¹⁵ و از آنجا وقتی برادران درباره ما مطلع شدند، تا بازار آپیاس و سه میخانه آمدند تا با ما دیدار کنند. وقتی پولس آنها را دید، از خدا قدردانی کرد و دلگرم شد.¹⁶ و وقتی وارد روم شدیم، پولس اجازه یافت به تنهایی با سربازی که نگهبانی می‌کرد زندگی کند.¹⁷ و این گونه شد که پس از سه روز، رهبران یهودیان را فرا خواند؛ و وقتی آنها گرد هم آمدند، به آنها گفت: ای برادران، با این که هیچ کاری علیه مردم یا رسم و رسوم اجدادمان نکردم، به عنوان یک زندانی از اورشلیم به دستان رومیان تسلیم شدم.¹⁸ که آنها نیز پس از بازجویی از من، می‌خواستند من را آزاد کنند چون دلیلی برای اعدام من نداشتند.¹⁹ اما وقتی یهودیان با آن مخالفت کردند، مجبور شدم به سزار دادخواهی کنم. البته من شکایتی از امت خود ندارم.²⁰ بنابراین، به همین دلیل از شما درخواست کردم که به ملاقاتم بیایید و با من صحبت کنید. زیرا به امید اسرائیل، با این

بماند.⁵ با این حال، پولس دستش را تکان داد و آن موجود را به آتش انداخت و آسیبی ندید.⁶ اما آنها انتظار داشتند که او بلعیده شود یا ناگهان بمیرد و بیفتد؛ اما وقتی مدت زیادی در انتظار ماندند و اتفاقی برای او نیفتاد، نظر خود را تغییر دادند و گفتند که او یکی از خدایان است.

⁷ و در همسایگی آن محل، زمین‌های متعلق به رهبر جزیره به نام پوبلیوس بود که ما را پذیرفت و با احترام سه روز از ما پذیرایی کرد.⁸ و از قضا، پدر پوبلیوس مریض بود و تب و اسهال خونی داشت. پولس نزد او آمد و دعا کرد، و دستانش را روی او گذاشت و او را شفا داد.⁹ و پس از این کار، بقیه افرادی که در جزیره مریض بودند نیز آمدند و معالجه شدند.¹⁰ و احترام بسیاری برای ما قائل شدند؛ و وقتی روانه شدیم، اقامت مورد نیازمان را به کشتی آوردند.

پولس در روم

¹¹ و سه ماه پس از گذراندن زمستان در جزیره، سوار بر یک کشتی اسکندریه‌ای، که علامت جوزا را داشت، عازم شدیم.¹² و در سیراکیوس لنگر انداختیم و سه

28:3 پولس که مردی نسبتاً پیر بود و «خاری در جسم» داشت، کسی بود که هیزم جمع می‌کرد - نماد خارق‌العاده‌ای از خدمت.

28:20 امید مسیحی واقعی «امید اسرائیل» است، بر اساس وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده، از جمله بشارت ملکوت (غلاطیان 3:8).

28:21 کنیسه یهودی افراد را طرد می‌کرد و سپس به نوعی رفتار می‌کرد که گویی آنها اصلاً وجود نداشته‌اند؛ و همین ثابت می‌کند که چرا چیزی در مورد پولس گفته

با شنیدن، فقط خواهید شنید و به هیچ وجه نخواهید فهمید؛ و با دیدن فقط خواهید دید، ولی درک نخواهید کرد.²⁷ زیرا قلب این مردم بی‌انگیزه شده و با گوش‌هایشان به سختی می‌شنوند، و چشم‌هایشان را بسته‌اند تا مبادا با چشمانشان ببینند و با گوش‌هایشان بشنوند و با قلبشان درک و توبه کنند، تا آنها را شفا دهیم.²⁸ بنابراین، بدان که این رهایی از جانب خدا به سوی غیریهودیان روانه می‌شود؛ و آنها به آن گوش خواهند داد.²⁹ وقتی این‌ها را گفت، یهودیان رفتند و اختلاف زیادی بین آنها پیش آمد.³⁰ و دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ماند، و از همه ملاقات‌کنندگان خود استقبال می‌کرد،³¹ ملکوت خداوند را موعظه می‌نمود و بدون این که کسی او را منع کند، و با جسارت تمام درباره سرور، عیسی مسیح، تعلیم می‌داد.

غل و زنجیر بسته شده‌ام.²¹ آنها به او گفتند: ما درباره تو نه از یهودیه نامه‌ای دریافت کردیم و نه کسی از برادران اینجا آمد و از تو خبر داد یا بدگویی کرد.²² اما دوست داریم بشنویم که نظرت چیست. زیرا بر ما معلوم است که همه جا علیه این فرقه سخن می‌گویند.²³ و وقتی روزی را برای او تعیین کردند، تعداد عظیمی از آنها به منزلش آمدند. او موضوع را با آنها مطرح کرد، به ملکوت خداوند شهادت داد، و از صبح تا شب با گفته‌هایی از شریعت موسی و کتاب انبیا درباره عیسی آنها را متقاعد کرد.²⁴ و برخی به گفته‌های او ایمان آوردند و برخی ایمان نیاوردند.²⁵ پس وقتی بین خود به توافق نرسیدند، آنجا را ترک کردند؛ و پس از آن که پولس این جمله آخر را گفت: روح‌القدس به درستی از طریق اشعیا نبی به اجدادمان گفته بود:²⁶ نزد این قوم برو و بگو،

نشده است. برخی گروه‌های پروتستان افراطی نیز همین گونه رفتار می‌کنند، اما چنین رفتاری نشان دهنده فقدان درک ارزش انسانها است - حتی کسانی که با آنها مخالف هستیم.

28:25 روح‌القدس سخن گفت ... به واسطه اشعیا نبی. - نویسندگان انجیل از خدا الهام می‌گرفتند، به واسطه روح‌القدس (2 تیموتائوس 3:16).

رومیان

باب 1

سلام و مقدمه

از طرف پولس، خادم عیسی مسیح، که حواری خوانده شده، و برای بشارت خدا جدا شده،² خدایی که قبلاً از طریق پیامبران خود در کتب مقدس درباره پسر خود وعده داده بود،³ که به لحاظ جسم از نسل داود متولد شد،⁴ و بر اساس روح مقدس، به وسیله رستاخیز از میان مردگان، پسر خدای با قدرت اعلام شد. عیسی مسیح سرور ما،⁵ که از طریق او برای اطاعت ایمان در میان همه امت‌ها، به خاطر اسم او فیض و رسالت یافتیم.⁶ که در میان آنها شما نیز از آن عیسی مسیح خوانده می‌شوید.

⁷ به همه آنهایی که در روم محبوب خدا و قدیس خوانده می‌شوید: فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و سرور عیسی مسیح بر شما باد. ⁸ اول، خدای خود را شکر می‌کنم از طریق عیسی مسیح برای همه شما که ایمان شما در تمام عالم شهرت یافته است.⁹ زیرا خدایی که به او با روح خود در بشارت پسرش

خدمت می‌کنم، شاهد من است که چگونه پیوسته شما را یاد می‌کنم،¹⁰ و همیشه در دعاهای خود درخواست می‌کنم که شاید الان با اراده خدا سعادت یابم، و در نهایت نزد شما ببایم.¹¹ زیرا بسیار اشتیاق دارم که شما را ببینم تا نعمتی معنوی به شما برسانم که شما استوار شوید.¹² یعنی: که در میان شما آرامش ببایم، هرکدام از ایمان یکدیگر، ایمان من و ایمان شما.

¹³ و برادران، نمی‌خواهم که شما بی‌خبر باشید از اینکه بارها خواستم نزد شما ببایم (اما تا به حال ممنوع شدم) تا ثمری در میان شما حاصل کنم، و همچنین حتی در سایر امت‌ها.¹⁴ من مدیون هم یونانیان و هم بربریان، هم عاقلان و هم جاهلان هستم.¹⁵ پس مشتاقم به شما نیز که در روم هستید بشارت دهم.¹⁶ زیرا که از بشارت شرمی ندارم. زیرا قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد - اول برای یهود و سپس برای یونانیان.¹⁷ که در آن عدالت خدا آشکار می‌شود، از ایمان تا ایمان. چنانکه نوشته شده است: اما عادل با ایمان زندگی خواهد کرد.

1:3 عیسی از خاندان داوود بود؛ بنابراین، پیش از تولد در قالب انسانی وجود خارجی نداشت. در غیر این صورت، وعده‌هایی که در مورد عیسی به داوود داده شد، بی‌معنا می‌شوند - آنها از یک نواده آینده سخن گفتند که هم پسر خدا خواهد بود و هم پسر داوود. **1:10** پولس دعا می‌کرد که بتواند روم را ببیند؛ و به صورت انسانی هرکاری که می‌توانست انجام داد تا این امر محقق شود. قطعاً به همین دلیل به قیصر درخواست دادخواهی داد که پرونده‌اش بررسی شود، اگرچه لازم نبود و او در دادگاه‌های دیگر تبرئه می‌شد (اعمال 26:32).

1:16 ما بدون انجیل رستگار نمی‌شویم. به همین دلیل است که در مذاهب غیرمسیحی رستگاری وجود ندارد؛ و ما باید تا جایی که می‌توانیم انجیل را موعظه کنیم.

انسان بدون بهانه

¹⁸ زیرا غضب خدا از آسمان آشکار می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستی انسان‌هایی که حقیقت را در ناراستی جویا می‌شوند. ¹⁹ زیرا آنچه از خدا می‌توان شناخت، در آنها ظاهر است؛ زیرا خدا آن را بر آنها ظاهر کرده است. ²⁰ زیرا که چیزهای نادیده او از ابتدای آفرینش عالم بوسیله کارهای او - حتی قدرت ابدی و الوهیت او - به وضوح دیده می‌شود تا برای آنها عذری نباشد. ²¹ زیرا هر چند خدا را شناختند، ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند بلکه در خیالات خود باطل شدند، و دل بی‌فهم آنها تاریک شد. ²² ادعای عقل می‌کردند و احمق شدند، ²³ و جلال خدای فناپذیر را شبیه به صورت انسان فانی و پرندگان و چهارپایان و حشرات کردند. ²⁴ بنابراین، خدا نیز آنها را در شهوات دل خودشان به ناپاکی رها کرد تا در میان خود بدنهای خود را خوار کنند، ²⁵ زیرا آنها حق خدا را به دروغ تبدیل کردند و مخلوق را بجای خالق عبادت و خدمتگزاری کردند و خداوند تا ابد متبارک است. آمین.

²⁶ با این دلیل، خدا آنها را به هوسهای خباثت رها کرد. زناشان استفاده طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل کردند. ²⁷ و همچنین مردان هم استفاده طبیعی از زنان را ترک کردند، از شهوت خود با یکدیگر سوختند، مرد با مرد مرتکب اعمال زشت شدند، پاداش شایسته خطای خود را دریافت کردند.

²⁸ و چون نخواستند که خدا را در دانش خود نگاه دارند، خدا آنها را به ذهن مردود خود واگذاشت تا کارهای ناشایسته بهجا آورند، ²⁹ مملو از هر نوع ناراستی، شرارت، طمع، خباثت؛ پر از حسد، قتل، جدال، مکر و بدخویی؛ ³⁰ غمازان، غیبت کنندگان، دشمنان خدا، اهانت کنندگان، متکبران، لاف‌زنان، مبتکران شر، نامطیعان والدین؛ ³¹ بی‌فهم و بی‌وفا و بی‌الفت و بی‌رحم. ³² هر چند انصاف خدا را می‌دانند که کنندگان چنین کارهایی سزاوار مرگ هستند، نه فقط آنها را انجام می‌دهند بلکه کنندگان این کار را نیز خوب می‌پندارند.

1:24 آنان را وانهاد - مانند آیات 26 و 28. خدا سقوط آنها در مسیر رو به پایینی که انتخاب کرده بودند را قطعی کرد. خدا طرز فکر و ذهنیتی که انسان‌ها انتخاب می‌کنند را قطعی می‌کند.

1:26 غیرطبیعی - پس همجنسگرایی طبیعی نیست. یک انحراف است، آنچه که خدا در آیه 27، «خطایی» می‌خواند که بابتش مجازات خواهد کرد.

1:32 ما نه تنها باید برای گناه نکردن تلاش کنیم، بلکه حتی وقتی با آن روبه‌رو می‌شویم، نباید آن را «تأیید کنیم.» این اصل در مورد هر چه تماشا می‌کنیم، می‌بینیم و می‌خوانیم نیز صادق است. فهرست گناهانی که در آیات 31-29 آمده، عمدتاً گناهانی است که «تفریحات» امروزی منشأ آنها هستند.

پاب 2

قضاوت عادلانه خدا

بنابراین، ای انسانی که حکم می‌کنی، هر که باشی عذری نداری چرا که به آنچه بر دیگری حکم می‌کنی، خود را محکوم می‌کنی! زیرا تو که حکم می‌کنی، همان کارها را به عمل می‌آوری.² و می‌دانیم که حکم خدا بر کنندگان چنین اعمالی بر اساس حقیقت است.³ و تو (ای انسانی که بر کنندگان چنین اعمالی حکم می‌کنی و خود همان را می‌کنی)، آیا گمان می‌کنی که تو از حکم خدا خواهی گریخت؟⁴ یا آنکه ثروت مهربانی و صبر و بردباری او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خدا تو را به توبه می‌کشد؟⁵ اما بدلیل قساوت و دل توبه‌ناپذیر خود، برای خود در روز غضب و ظهور قضاوت عادلانه خدا غضب را ذخیره می‌کنی،⁶ خدایی که به هر کس برحسب اعمالش جزا خواهد داد.

⁷ اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طلب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی خواهد داد.⁸ و اما به اهل تعصب که از حقیقت پیروی نمی‌کنند بلکه مطیع ناراستی هستند، خشم و غضب خواهد داد.⁹ و عذاب و خشم بر هر نفس بشری که مرتکب بدی می‌شود، اول بر یهود و سپس بر یونانی.¹⁰ اما جلال و عزت و آرامش بر هر نیکوکار، نخست بر یهود و سپس همچنین بر یونانی.

¹¹ زیرا نزد خدا طرفداری نیست. ¹² زیرا آنانی که بدون شریعت گناه کنند، بی‌شریعت نیز هلاک می‌شوند؛ و آنانی که با شریعت گناه کنند، از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد.¹³ زیرا شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند، بلکه کنندگان شریعت عادل شمرده خواهند شد.¹⁴ زیرا هرگاه امت‌هایی که شریعت ندارند کارهای شریعت

2:1 اگر با انگشت به دیگری اشاره کنیم، سه انگشت دیگر به سمت خودمان است.

2:8 بسیاری از مردم بنده حالاتی مثل خشم هستند. آنها فکر می‌کنند با خشمگین بودن آزادیشان را اعلام می‌کنند؛ اما در حقیقت خشم ارباب آنها است و آنها برده آن شده‌اند.

2:11 درست همان طور که خدا بین یهودیان و غیر یهودیان تبعیض قائل نمی‌شود، ما نیز باید به «افراد احترام بگذاریم». ما به عنوان شرکای فیض او، نباید مردم را بر اساس جایگاه اجتماعی، رنگ پوست، نژاد و غیره قضاوت کنیم.

2:12 حکمت مسئولیت دآوری با خود به همراه می‌آورد. آنها که هرگز شریعت خدا را نشناختند، مانند حیوانات مرده می‌مانند (مزمیر 49:20). آنها که شریعت خدا را شناختند، رستخیز شده و براساس پاسخگویی‌شان به آن دآوری خواهند شد.

2:13 تفاوت بین شنیدن و عمل کردن با تمثیل دو بنا توضیح داده شده؛ یکی که با سرعت و روی شن می‌سازد، کسی است که کلام خدا را شنیده، اما کسی که با آرامی و روی صخره می‌سازد، کسی است که شنیده و عمل می‌کند. انجیل را که می‌خوانیم، این وسوسه وجود دارد که تنها بخوانیم و بشنویم و آن را به عمل در نیاوریم.

2:14 کتاب رومیان برای ایمانداران در روم نوشته شد که هم یهودی بودند و هم غیر

²³ و به شریعت فخر می‌کنی، در حقیقت با تخطی از شریعت، به خدا بی‌احترامی می‌کنی. ²⁴ زیرا چنان که نوشته شده است به خاطر شما در میان غیریهودیان اسم خدا را کفر می‌گویند.

²⁵ زیرا ختنه سودمند است اگر به شریعت عمل کنی؛ اما اگر از شریعت تخطی کنی، ختنه تو نامختونی شده است. ²⁶ پس اگر نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، آیا نامختونی او ختنه شمرده نمی‌شود؟ ²⁷ و اگر نامختونی که ذاتا این‌گونه است، شریعت را به جا آورد، بر تو که اهل کتب و ختنه هستی حکم نخواهد کرد که از شریعت تخطی می‌کنی؟ ²⁸ زیرا آنکه در ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نیست. ²⁹ بلکه یهود آن است که در باطن باشد و ختنه آن است که قلبی باشد، در روح و نه در حرف که ستایش آن نه از انسان بلکه از خداست.

باب 3

هم یهودیان و هم ملل غیر یهود گناهکارند

را ذاتاً به جا می‌آورند، و آنهایی که شریعت ندارند، برای خود شریعت هستند. ¹⁵ زیرا نشان می‌دهند که عمل شریعت بر دل ایشان نوشته شده و وجدان آنها نیز گواهی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا متهم می‌کنند یا عذر می‌آورند، ¹⁶ در روزی که خدا از طریق عیسی مسیح برحسب بشارت من رازهای مردم را داوری خواهد کرد.

دورویی یهودیان

¹⁷ پس اگر اسم تو یهودی باشد و بر شریعت تکیه می‌کنی و به خدا فخر می‌کنی، ¹⁸ و اراده او را می‌دانی و از شریعت تربیت یافته، چیزهای عالی را می‌گزینی، ¹⁹ و یقین داری که خود هادی کوران و نور آنهایی هستی که در تاریکی هستند ²⁰ و تادیب‌کننده جاهلان و معلم اطفال هستی و در شریعت شکل دانایی و راستی را داری، ²¹ پس ای کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را نمی‌آموزی؟ و موعظه می‌کنی که دزدی نباید کرد، آیا خود دزدی می‌کنی؟ ²² می‌گویی که نباید زنا کرد، خود زنا می‌کنی؟ و از بتها نفرت داری، آیا خود معبدها را غارت نمی‌کنی؟

یهودی. «غیر یهودیان» در این آیه به مسیحیان غیر یهودی اشاره دارد. درست همان طور که «ختنه نشده‌ها» در آیه 26 به مسیحیان ختنه نشده در کلیسای روم اشاره می‌کند.

2:29 این تفکر فوق‌العاده‌ای است که یک خدای پرهیزگار انسان‌های گناهکاری مانند ما را تحسین می‌کند. او این کار را بر این اساس می‌کند که ما در پرهیزگاری عیسی پوشیده شده‌ایم، پس می‌توانیم در برابر او بدون عیب ظاهر گردیم (کلوسیان 1:22؛ یهودا 24).

کردیم که یهود و ملل غیر یهود هر دو به گناه گرفتارند.¹⁰ زیرا نوشته شده: کسی عادل نیست، نه، حتی یک نفر.¹¹ کسی نیست که بفهمد. کسی نیست که طالب خدا باشد.¹² همه گمراه و همه باطل گردیده‌اند، نیکوکاری نیست حتی یک نفر هم نیست.¹³ گلوی ایشان گور گشادی است و به زبانهای خود فریب می‌دهند، زهر مار در زیر لبشان است،¹⁴ و دهان آنها پر از لعنت و تلخی است.¹⁵ قدم آنها برای خون ریختن شتایان است،¹⁶ هلاکت و بدبختی در روش‌های آنها است،¹⁷ و راه آرامش را ندانسته‌اند؛¹⁸ ترس از خدا در چشمانشان نیست.¹⁹ الان آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند؛ تا هر دهانی بسته شود، و تمام عالم زیر قضاوت خدا بیاید.²⁰ زیرا با اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد؛ زیرا از طریق شریعت گناه شناخته می‌شود.

عدالتی که بوسیله ایمان بدست آمده

پس برتری یهود چیست؟ و یا ختنه چه سودی دارد؟² از هر جهت بسیار زیاد! اول آنکه کلام خدا به آنها امانت داده شده است.³ زیرا چه می‌شد اگر بعضی ایمان نداشتند؟ آیا بی‌ایمانی ایشان امانت خدا را باطل می‌سازد؟⁴ خدا نکند. آری، خدا راستگو باشد و همه انسان‌ها دروغگو. چنانکه نوشته شده است: باید در سخنان خود نیک شمرده شوی و در محاکمه ثابت شوی.⁵ اما اگر ناراستی ما عدالت خدا را ثابت می‌کند، چه باید بگوییم؟ آیا خدا ظالم است وقتی که غضب می‌نماید؟ (مانند انسان سخن می‌گویم).⁶ خدا نکند. در این صورت خدا چگونه جهان را دوری خواهد کرد؟⁷ زیرا اگر با دروغ من، راستی خدا به جلال او افزوده شود، چرا من هنوز به عنوان گناهکار محاکمه شوم؟⁸ و چرا بدی بکنیم تا نیکویی حاصل شود؟ (چنانکه بعضی بر ما افترا می‌زنند و گمان می‌برند که ما چنین می‌گوییم. که محکومیت ایشان منصفانه است).⁹ پس چه؟ آیا ما از آنها بهتریم؟ نه به هیچ وجه. زیرا پیشتر ادعا

3:3 بی‌ایمانی یا بدرفتاری مردم خدا، چه مسیحی باشند و چه یهودی، بهانه‌ای برای رد کردن ایمان به خدا نیست.

3:9 وضع ما از گناهکاران محکوم شده «بهتر» نیست. تنها تفاوت ما با آنها این است که ما به فیض خدا و رستگاری ایمان آورده‌ایم. اما هرگز نباید فکر کنیم که از بی‌ایمانان «بهتر» هستیم؛ این نخوت معنوی در نظر خدا گناهی عظیم است.

3:19 دنیا- جهان یهودی که پیرو شریعت موسی بود.

3:20 بلکه شریعت به ما می‌شناساند... دلیل اینکه آنها که هرگز خدا را نشناخته‌اند، رستاخیز نمی‌شوند؛ آنها نسبت به او مسئول نیستند (2:12).

مگر خدای امت‌ها هم نیست؟ البته خدای امت‌ها نیز است،³⁰ زیرا خدا یکتاست. اهل ختنه را از ایمان، و نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد.³¹ پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ خدا نکند. نه، شریعت را استوار می‌داریم.

باب 4

ابراهم به عنوان الگوی ما

پس درباره ابراهیم چه بگوییم که بحسب جسم جد ماست؟² زیرا اگر ابراهیم بر اساس اعمال نیک شمرده شد، جای فخر دارد اما نه در نزد خدا.³ کتاب مقدس چه گفت؟ و ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد.⁴ و برای کسی که عمل می‌کند، اجرش نه از راه فیض بلکه به عنوان دین محسوب می‌شود.⁵ اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به خدایی که بی‌دینان را نیک می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود.⁶ همان طور که داود نیز تبرک آن کسی را ذکر می‌کند که خدا جدا از اعمال او، عدالت را حساب می‌کند، و می‌گوید:⁷ خوشا بحال کسانی که خطاهایشان آمرزیده شد

²¹ اما بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه شریعت و پیامبران بر آن شهادت می‌دهند.²² همانطور که عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل انانی که ایمان آورند. چرا که هیچ تفاوتی نیست.²³ زیرا همه گناه کرده‌اند، و همه از جلال خدا قاصر می‌باشند؛²⁴ اما به فیض او به وساطت عیسی مسیح رایگان عادل شمرده می‌شوند.²⁵ که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا در بی‌اثر کردن خطاهای سابق در حین تحمل خدا عدالت خود را ظاهر سازد،²⁶ برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر؛ تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.

²⁷ پس جای فخر کجا است؟ از میان برداشته شده است. به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نه، بلکه به شریعت ایمان.²⁸ زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود.

²⁹ آیا او خدای یهود است فقط؟

3:27 این حقیقت که ما به واسطه ایمان رستگار می‌شویم و نه اعمال، و اینکه هیچ یک از ما به طور کامل به خدا خدمت نکرده‌ایم، می‌گوید که ما باید فروتن باشیم و تنها فیض خدا را تحسین کنیم. فروتنی و مغرور نشدن در دستاوردهایمان برای خدا بسیار مهم است.

3:28 از آنجایی که حفظ شریعت موسی ارتباطی با رستگاری ندارد، کاملاً اشتباه است که اصرار کنیم مسیحیان سبت یا روزه‌های مسیحی را رعایت کنند تا رستگار گردند.

3:31 استوار می‌گردانیم - اصول شریعت اشتباه نبودند؛ ذات و روح آنها در عیسی تأیید شده است.

4:7 خوشا به حال آنان - مزامیری که نقل می‌شود، تفکرات داوود در مورد گناهانش

نسل او داده شد که او وارث جهان خواهد بود، از طریق شریعت نبود بلکه از عدالت ایمان بود.¹⁴ زیرا اگر اهل شریعت وارث باشند، ایمان باطل شد و وعده بی‌اثر گشت.¹⁵ چرا که شریعت باعث غضب است؛ اما جایی که شریعت نیست تخطی هم نیست.¹⁶ بنابراین از ایمان است تا بر اساس فیض باشد تا وعده برای همه نسل استوار شود. نه تنها برای نسلی که از شریعت است بلکه همچنین برای نسلی که از ایمان ابراهیم است که پدر همه ما است،¹⁷ (چنانکه مکتوب است که تو را پدر امت های بسیار ساختم)، در حضور آن خدایی که به او ایمان آورد که مردگان را زنده می‌کند و نیستی‌ها را هستی می‌خواند.¹⁸ که او در ناامیدی به امید ایمان آورد تا پدر امت‌های بسیار شود، بر حسب

و گناهانشان پوشانده شد.⁸ خوشحال کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید.⁹ پس آیا این خوشحالی بر اهل ختنه گفته شد یا برای نامختونان نیز اعلام شده است؟ زیرا می‌گوییم ایمان ابراهیم، عدالت محسوب گشت.¹⁰ پس در چه حالت محسوب شد؟ وقتی که او در ختنه بود یا در نامختونی؟ در ختنه نیست، بلکه در نامختونی.¹¹ و علامت ختنه را یافت تا مهر باشد بر عدالت ایمانی که در نامختونی داشت، تا او پدر همه نامختونانی باشد که ایمان آورند تا عدالت برای ایشان هم محسوب شود.¹² و پدر اهل ختنه نیز هست یعنی کسانی که نه فقط مختونند بر اساس ایمانی که پدر ما ابراهیم در نامختونی داشت رفتار می‌کنند.¹³ زیرا وعده‌ای که به ابراهیم و

در بنت‌شبیبا است و او به این فکر می‌کند که برکت بخشودگی با فیض چه خوشبختی بزرگی است - می‌دید که برای پوشش گناهان زنا و جنایتی که او مرتکب شده بود هیچ قربانی خواسته نشد. تغییر ضمیر از «او» [که به خود داوود اشاره دارد] به «آنها» نشان می‌دهد که وضعیت داوود شبیه به وضعیت تمام ما است. او «هر انسانی» بود؛ بخشش و رستگاری او در نتیجه فیض و پاسخ فروتنانه او در شادی و اشتیاق نسبت به خدا و مردم، الگوی ما شد.

4:12 ایمان ابراهیم الگوی ماست؛ ایمان او به وعده‌هایی که گرفته بود. این وعده‌ها همان اخبار خوش مربوط به ملکوت هستند که ما نیز باید باور کنیم - زندگی جاودان، به ارث بردن زمین، برکت بخشش و خدا در جایگاه خدایی. از این نظر، بشارت مسیحی به ابراهیم موعظه شد (غلاطیان 3:8).

4:13 وعده‌ها به ابراهیم این بود که او «سرزمین» کنعان را به ارث خواهد برد؛ اما اینجا این بسط داده شده و کل زمین را در بر می‌گیرد.

4:17 به این دلیل است که انجیل اغلب از چیزهایی صحبت می‌کند که هنوز وجود ندارند اما گویی دارند؛ خدا در این معنا خارج از خط زمانی است که ما می‌شناسیم. بنابراین، ما در مورد ایمانداران و همچنین عیسی می‌خوانیم، گویی که آنها از ابتدای جهان وجود داشته‌اند، حال آنکه این گونه نبوده است.

فیض الهی دست یافته‌ایم که در آن پایداریم و به امید جلال خداوند در آن شادی می‌کنیم.³ فراتر از این، در رنج‌های خود نیز شاد هستیم، زیرا می‌دانیم که رنج، بردباری می‌آورد، و بردباری، باعث اثبات شخصیت ما در امتحان می‌شود،⁴ و شخصیت اثبات‌شده، امید ایجاد می‌کند،⁵ و امید باعث شرمساری ما نمی‌شود، زیرا عشق خدا از طریق روح القدس که به ما عطا شده در دل‌هایمان ریخته شده است.

⁶ زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم در زمان معین، مسیح به خاطر بی‌دینان جان سپرد.⁷ زیرا به ندرت کسی به خاطر انسانی عادل جان می‌دهد! شاید کسی جرات کند برای شخصی نیکوکار جان دهد.⁸ اما خدا محبت خود را به ما نشان داد چرا که وقتی هنوز گناهکار بودیم، مسیح به خاطر ما جان داد.⁹ فراتر از این، اکنون که با خون او نزد خدا نیک شمرده شده‌ایم، از طریق او از خشم خدا رهایی خواهیم یافت.¹⁰ زیرا اگر در حالی که دشمن بودیم، از طریق مرگ پسرش با خدا صلح کردیم، پس از صلح بیشتر از این با

آنچه گفته شد: نسل تو چنین خواهند بود.¹⁹ و ایمانش سست نشد وقتی بدن خود را که در آن وقت مرده بود (زیرا حدوداً صد ساله بود) و رجم مرده ساره را در نظر گرفت؛²⁰ بلکه در عوض در وعده خدا از بی‌ایمانی شک نکرد، بلکه ایمانش قوی گشت، خدا را تمجید کرد،²¹ و یقین دانست که خدا قادر است به آنچه وعده داده عمل کند.²² بنابراین برای او عدالت محسوب شد.

²³ و اینکه برای وی محسوب شد، فقط برای او نوشته نشد؛²⁴ بلکه برای ما نیز نوشته شد که برای ما محسوب خواهد شد، چون ایمان آوردیم به خدایی که سرور ما عیسی را از مردگان برخیزانید.²⁵ که بدلیل گناهان ما تسلیم گردید و بدلیل عادل شدن ما زنده شد.

باب 5

مساله گناه

بنابراین وقتی با ایمان نزد خدا نیک شمرده می‌شویم، از طریق سرورمان، عیسی مسیح با خدا در صلح خواهیم بود؛² عیسی که به وسیله او از طریق ایمان به این

4:19 ابراهیم عقیم بود اما همچنان باور داشت که به نحوی فرزندی خواهد داشت.

5:1 ما پرهیزگار شمرده می‌شویم، حتی اگر نباشیم - چون به این عطیه پربركت خدا ایمان داریم که هرکس در عیسی ایمان آورده و تعمید شده است، از پرهیزگاران می‌داند. این الهیات صرف نیست - بلکه به ایماندار تعمید شده آرامشی حقیقی می‌دهد، که ارزشمندترین چیزی است که می‌توانیم در این زندگی داشته باشیم. اگر خدا ما را قبول داشته باشد، هر چیز دیگری بی‌اهمیت است.

5:10 مراتب منطق در اینجا بسیار قدرتمند هستند. اگر با مرگ عیسی تا این حد نجات می‌یابیم، با رستاخیز او چه مقدار بیش از این در انتظارمان خواهد بود؟ اگر پیش از تولد و درحالی که هنوز در زندگی گناه‌آلودمان می‌زیستیم، تا این اندازه فیض به ما داده

منجر شد.¹⁷ زیرا اگر، با خطای یک نفر، مرگ به خاطر همان یک نفر چیره شد؛ به خاطر یک نفر، عیسی مسیح، بسیار بیشتر از آن، و فوراً فیض و هدیه عدالت در زندگی حکمرانی خواهد کرد.

¹⁸ پس همان طور که از طریق یک عمل گناه‌آلود، داوری منجر به محکومیت همه انسان‌ها شد، به همین شکل از طریق یک عمل نیک، هدیه‌ای رایگان باعث نیک شمرده شدن همه مردم در زندگی شد.¹⁹ زیرا همان طور که در نتیجه نافرمانی یک نفر، بسیاری گناهکار شدند، در نتیجه اطاعت یک نفر نیز، بسیاری عادل خواهند شد.

²⁰ شریعت برای افزایش این خطا افزوده شد، اما جایی که گناه افزایش یابد، فیض بیشتر خواهد شد،²¹ تا همان طور که گناه که منجر به مرگ می‌شود حکمرانی می‌کند، فیض نیز - به وسیله عیسی مسیح، سرورمان، از طریق عدالت حکمرانی می‌کند و منجر به زندگی جاودانه خواهد شد -

باب 6

معنی تعمید در مسیح

پس چه باید بگوییم؟ آیا باید همچنان گناه کنیم تا فیض افزون گردد؟² خدا

زندگانی او نجات خواهیم یافت.¹¹ و نه تنها نجات خواهیم یافت، بلکه به وسیله سرورمان عیسی مسیح که به وسیله او اکنون به صلح دست یافته‌ایم، در خدا نیز شادی می‌کنیم.

آدم و مسیح

¹² گناه به وسیله یک انسان وارد جهان شد و مرگ به واسطه گناه؛ و بدین گونه مرگ همه انسان‌ها را دربرگرفت زیرا همه گناه کردند.¹³ زیرا قبل از شریعت، گناه در این جهان وجود داشت، اما وقتی شریعتی نیست، گناه محسوب نمی‌شود!¹⁴ با این وجود، مرگ از آدم تا موسی حکمرانی کرد، حتی بر کسانی که مانند خطای آدم گناه نکرده بودند؛ آدم نمونه‌ای است از کسی که در آینده خواهد آمد.

¹⁵ اما هدیه رایگان نیز مانند خطا نبود. زیرا اگر بسیاری به خاطر خطای یک نفر مُردند، فیض الهی و نعمتی که به فیض آن یک نفر یعنی عیسی مسیح است چقدر زیاد در اختیار بسیاری قرار گرفت.¹⁶ این نعمت بر خلاف نتیجه گناه آن یک انسان است. زیرا داوری به خاطر یک نفر به محکومیت منجر شد؛ اما هدیه رایگان الهی پس از خطاهای بسیار به نیک شمرده شدن

شده. حال که ایمانداران توبه کرده‌ای هستیم، چه مقدار بیشتر در انتظارمان خواهد بود؟ اگر خدا پسرش را به ما داد، تا در شرم و عریانی برای ما جان بدهد - دیگر مجبور نیست چیز دیگری به ما بدهد، از جمله زندگی جاودان.

5:17 حکمرانی در حیات - ما در ملکوت آینده خدا که عیسی با بازگشتش بر روی زمین مستقر خواهد ساخت، شاهکشیشان خواهیم بود (مکاشفات، 5:10).

5:19 یک انسان - آدم.

مرگ دیگر بر او چیرگی ندارد.¹⁰ زیرا در مرگی که با آن مُرد، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد، اما در زندگی‌ای که دارد، برای خدا زندگی می‌کند.¹¹ به همین شکل شما نیز خودتان را نسبت به گناه مرده اما نسبت به خدا در مسیح، عیسی زنده بدانید.

تغییر ارباب‌ها - از گناه به مسیح
¹² بنابراین، نگذارید گناه در بدن فانی شما حکمرانی کند که مجبور شوید مطیع هوس‌های آن باشید.¹³ اعضای بدن خود را نیز به عنوان ابزار بی‌عدالتی به گناه نسپارید، بلکه خود را مانند مردگانی که زنده شده‌اند به خدا و اعضای بدنشان را ابزاری برای عدالت نسبت به خدا تقدیم کنید.¹⁴ زیرا گناه بر شما چیره نخواهد شد - چرا که شما تابع شریعت نیستید بلکه تابع فیض هستید.

نکنند! ما که از گناه کردن مردیم، چگونه به زندگی در آن ادامه دهیم؟³ آیا از این حقیقت ناآگاهید که همه ما که در عیسی مسیح تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟⁴ بنابراین ما از طریق تعمید در مرگ او، با او مدفون شدیم تا همانطور که مسیح از طریق شکوه پدر از میان مردگان برخاست، ما نیز بتوانیم در تازگی حیات عمل کنیم.

⁵ زیرا اگر در مرگی مانند مرگ او با وی متحد شده‌ایم، در رستاخیزی مانند رستاخیز او نیز چنین خواهیم بود.⁶ زیرا می‌دانیم که انسانیت گذشته ما با او به صلیب کشیده شد، تا جسد گناه از بین برود و دیگر در بندگی گناه نباشیم.⁷ زیرا آن کسی که مرده از گناه رها شده است.⁸ اما اگر با مسیح مردیم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد.⁹ زیرا می‌دانیم که مسیح که از میان مردگان برخاست، دیگر نمی‌میرد.

6:3 پولس تصمیم نگرفت که در رومیان 6 تنها در مورد تعمید بنویسد؛ شرح کلاسیک تعمید که در آنجا می‌بینیم درون یک بافتار قرار دارد. اینکه مردم تعمید داده شوند، یک درخواست نیست - این برای ایمانداران تعمید شده نوشته شده است، درخواست از آنها برای زندگی عملی «در عیسی» که آنها در نتیجه تعمیدشان دریافت کرده‌اند. ما اگر نتیجه تعمیدمان را حس کنیم، «به گناه ادامه نمی‌دهیم». مارتین لوتر عادت داشت برای غلبه بر وسوسه، گچ و تخته برداشته و بنویسد **baptzatus sum**، «من تعمید داده شده‌ام». ما نیز نمی‌توانیم سرسپردگی به گناه را ادامه دهیم.

6:5 به زیر آب رفتن مانند مرگ یا دفن است؛ مرگ زندگی قدیمی. بیرون آمدن از آب مانند رستاخیز با مسیح است، امید قطعی به رستاخیز در زندگی جاودان با بازگشت او به زمین.

6:11 انگارید - ما کاملاً «نسبت به گناه مرده» هستیم، خدا ما را به گونه‌ای به حساب می‌آورد که گویی با عیسی مرده و با او برخاسته‌ایم و او اکنون «به گناه مرده» است. سخت است، اما باید تلاش کنیم که همین دیدگاه مثبت خدا را به خودمان در عیسی داشته باشیم.

زیرا اجر گناه، مرگ است اما هدیه رایگان خدا، حیات جاودانی در مسیح، عیسی سرورمان است.

پاپ 7

رهایی از شریعت موسی

ای برادران (زیرا با کسانی سخن می‌گویم که شریعت را می‌شناسند)، آیا نمی‌دانید که شریعت تا زمانی که یک انسان زنده است بر او چیرگی دارد؟² زیرا زنی که شوهری دارد، طبق شریعت تا زمانی که شوهرش زنده است به او بسته است؛ اما اگر شوهر بمیرد، زن از شریعت شوهرش آزاد می‌شود.³ پس اگر در حالی که شوهر زنده است، زن به مرد دیگری بپیوندد، او را زناکار خواهند خواند؛ اما اگر شوهر بمیرد، زن از شریعت آزاد است و با این که به مرد دیگری بپیوندد، دیگر زناکار نیست.⁴ بنابراین ای برادران، شما نیز نسبت به شریعت، از طریق بدن مسیح مرده‌اید؛ تا به شخص دیگری بپیوندید، به کسی که از میان مردگان برخاست تا برای خدا ثمره بیاوریم.⁵ زیرا وقتی در جسم بودیم، هوس‌های گناه‌آلودی که از

¹⁵ پس چه می‌شود؟ آیا باید گناه کنیم چون تابع شریعت نیستیم بلکه تابع فیض هستیم؟ خدا نکند!¹⁶ آیا نمی‌دانید به هر کسی که خودتان را مانند برده‌ای مطیع تسلیم کنید، بردگان همان کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید؟ خواه برده‌ی گناه برای مرگ، خواه بنده‌ی اطاعت برای عدالت.¹⁷ اما خدا را شکر که در حالی که برده گناه بودید، از صمیم قلب مطیع آن تعالیمی شدید که به شما داده شد.¹⁸ و با رها شدن از گناه، برده عدالت شدید.¹⁹ من به خاطر ضعف ذات انسانی شما، از عبارات انسانی در سخنانم استفاده می‌کنم؛ اما همان طور اعضای بدن‌تان را مانند برده ناپاکی و شرارت تقدیم کردید، اکنون اعضای بدن خود را به عنوان بردگان عدالت به تقدس تقدیم کنید.

²⁰ زیرا وقتی برده گناه بودید، عاری از عدالت بودید.²¹ در آن زمان در کارهایی که اکنون از آن شرمسارید چه ثمره‌ای داشتید؟ زیرا نتیجه آن کارها مرگ است.²² اما اکنون که از گناه آزاد هستید و برده خدا شده‌اید، ثمره خود را بر تقدس می‌آورید- و نتیجه آن زندگی جاودانه است.²³

6:18 ما با تعمید، اربابان را از گناه به پرهیزگاری تغییر دادیم. در این معنا، ما هرگز کاملاً «آزاد» نیستیم. زندگی گناه، انجام آنچه که می‌خواهیم، آزادی نیست، بندگی به گناه است. پس ما یا بنده خدا هستیم یا گناه. اما در خدمت او آزادی می‌یابیم - و این تناقضی خارج‌العاده است.

7:3 شریعت مرده است؛ ما از آن آزاد شده‌ایم و بنابراین نباید رسومی مثل سبت و روزه و قوانین خوراکی‌ها را رعایت کنیم.

7:4 ما با عیسی ازدواج کرده‌ایم و با او «بارور» شده‌ایم - اعمال و نگرش‌های پرهیزگاران.

نیک است برای من مرگ شد؟ خدا نکند! بلکه گناه، به صورت گناه ظاهر شد، از طریق آنچه نیک است باعث مرگ من شد؛ و بنابراین از طریق حکم، شرارت بی حد و اندازه گناه در حقیقت آشکار گشت.

تقلای پولس با گناه

¹⁴ زیرا می‌دانیم که شریعت معنوی است؛ اما من جسمانی هستم و به گناه فروخته شدم. ¹⁵ زیرا نمی‌فهمم چرا این کار را می‌کنم. زیرا آن چه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه در عوض کاری را می‌کنم که از آن متنفرم. ¹⁶ اما اگر کاری را که نمی‌خواهم، انجام می‌دهم، پس قبول دارم که شریعت نیک است. ¹⁷ پس اکنون این من نیستم که این کارها را می‌کند، بلکه گناه است که در من ساکن است. ¹⁸ زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسمم، هیچ چیز نیکی وجود ندارد. زیرا تمایل به کار نیک در من وجود دارد؛ اما انجام کار نیک در حقیقت وجود ندارد. ¹⁹ زیرا کار نیکی را که می‌خواهم انجام نمی‌دهم، بلکه کار بدی را که نمی‌خواهم انجام می‌دهم. ²⁰ اما اگر کاری که مایل نیستم،

طریق شریعت بود، در اعضای بدن ما کار می‌کرد تا برای مرگ ثمره بیاورد. ⁶ اما اکنون که نسبت به چیزی که در آن نگه داشته شده بودیم مرده‌ایم، از شریعت آزاد شده‌ایم؛ تا در تازگی روح خدمت کنیم نه در کهنگی حرف.

⁷ پس چه باید بگوییم؟ آیا شریعت گناه است؟ خدا نکند! با این حال، گناه را به جز از طریق شریعت نمی‌شناختم. زیرا نمی‌دانستم طمع چیست، مگر زمانی که شریعت گفت: نباید طمع کنید. ⁸ اما گناه، که از طریق این حکم فرصتی را بدست آورد، در من همه نوع طمعی را پدید آورد. زیرا بدون شریعت، گناه مرده و ناتوان است. ⁹ و من زمانی بدون شریعت زنده بودم؛ اما وقتی حکم آمد، گناه زنده شد و من مردم. ¹⁰ و حکمی که مقصودش زندگانی بود، باعث مرگ در من شد. ¹¹ زیرا گناه که از طریق این حکم فرصتی را بدست آورد، من را فریب داد و از طریق آن من را گشت. ¹² از این رو، شریعت مقدس است و حکم نیز مقدس، عادل و نیک است. ¹³ آیا در این صورت آن چه

7:11 گناه جان یافته است - مانند فردی صحبت می‌کند، اگرچه مفهومی است انتزاعی. گاهی اوقات این «فرد»، «شیطان»، دشمن خوانده می‌شود. با این حال، در توضیح پولس در مورد گناه در کتاب رومیان اشاره‌ای به موجودی فراطبیعی که «شیطان» نام داشته باشد، نشده است. این یک باور مشرکانه است.

7:17 گناه درون مشکلی حقیقی است که با آن روبه‌رو می‌شویم، نه یک وجود بیرونی شیطانی. اینجا پولس تأکید می‌کند گناهانش نتیجه نفس درونی او هستند (آیات 18، 20، 23). ما گناه می‌کنیم، چون درون خود منبعی برای وسوسه به گناه داریم. چون گناه از درون می‌آید (مرقس 7:15-23)، ما باید برای کنترل فکر و رشد ذهنیت معنویمان تلاش کنیم. این ذات مسیحیت عملی است.

و مرگ رها کرده است.³ زیرا آن چه شریعت نتوانست انجام دهد، چرا که از لحاظ جسم ضعیف بود، خدا با فرستادن پسر خودش مانند جسمی گناهکار و برای گناهان فرستاد، و گناه را در جسم محکوم ساخت.⁴ تا شریعت در ما محقق شود، ما که نه در پی جسم، بلکه در پی روح هستیم.

⁵ زیرا کسانی که در جستجوی جسم هستند، به امور جسمی اهمیت می‌دهد؛ اما کسانی که در جستجوی روح هستند، به امور روح.⁶ زیرا ذهن جسمی، مرگ است اما ذهن معنوی، حیات و آرامش است.⁷ چرا که ذهن جسمی، دشمنی علیه خدا است؛ زیرا مطیع شریعت خدا نیست، در حقیقت نمی‌تواند هم چنین باشد.⁸ و کسانی که در جسم هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند.

⁹ اما شما در جسم نیستید بلکه در روح هستید اگر روح خدا در شما ساکن است. اما اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، از آن او نیست.¹⁰ و اگر مسیح در شما است،

انجام می‌دهم، دیگر این من نیستم که چنین می‌کند، بلکه کار گناهی است که در من ساکن است.

²¹ پس یک قاعده کلی را پیدا می‌کنم که شرارت وجود دارد، با این که دوست دارم کار نیک انجام دهم. زیرا طبق انسانیت باطنی، از شریعت خدا خشنودم؛²³ اما شریعت متفاوتی را در وجودم می‌بینم که با شریعت ذهنم در جنگ است و من را اسیر شریعت گناهی می‌کند که در اعضای بدنم وجود دارد.²⁴ چه انسان بدبختی هستم! کیست که مرا از جسد این مرگ رها کند؟²⁵ خدا را شکر- از طریق عیسی مسیح، سرورمان! پس من خودم با ذهنم بندگی شریعت خدا را می‌کنم، اما با جسمم بنده شریعت گناه هستم.

باب 8

جسم و روح

بنابراین کسانی که در مسیح، عیسی هستند، محکومیتی نخواهند داشت.² زیرا شریعت روح حیات در مسیح عیسی، من را از شریعت گناه

7:24 پولس احساس «نگونبختی» می‌کرد، اما جای دیگری اطمینان خود را نشان می‌دهد که رستگار شده و با بازگشت عیسی برای ابد زندگی خواهد کرد. ما می‌توانیم از کلمات او در اینجا آرامش بگیریم، وقتی احساس می‌کنیم که در تلاش‌های معنوی علیه گناهان پیشرفت کمی داشته‌ایم.

8:1 ما باید عمق و ارزش حقیقی این کلمات را درک کنیم، نه اینکه تنها آنها را بخوانیم. اگر ما در نتیجه ایمان و تعمید «در عیسی» هستیم، پس در روز داوری محکوم نخواهیم شد. این خبر خوبی است، آنقدر خوب که خیلی‌ها آن را باور نمی‌کنند.

8:3 اینجا به طور کامل طبیعت انسانی عیسی و گناهکاران آموزش داده شده است. او خدا در قالب انسان نبود، چون خدا روح است و نه جسم. عیسی گناه را محکوم کرد - چون او نیز طبیعت ما را داشت اما گناه نکرد، بر گناه غالب شد.

خدا هستیم.¹⁷ و اگر فرزندان باشیم، وارث نیز هستیم، وارثان خدا و هم‌ارث با عیسی. اگر با او رنج بکشیم، با او نیز جلال خواهیم یافت.

¹⁸ زیرا گمان می‌کنم رنج‌هایی که اکنون می‌کشیم ارزش مقایسه کردن با جلالی را ندارد که در ما ظاهر خواهد گشت.¹⁹ انتظار صمیمانه خلقت، منتظر آشکار شدن فرزندان خدا است.²⁰ زیرا خلقت دچار بیهودگی شد، نه به خواست خود، بلکه به اراده خدا که آن را به این امید بیهوده ساخت؛²¹ که خود خلقت نیز از بندگی فساد رها و به آزادی جلال فرزندان خدا سپرده شود.²² زیرا می‌دانیم که کل خلقت با هم از درد زایمان نالیده است.²³ و نه تنها خلقت، بلکه خود ما نیز که اولین ثمره روح را داریم، از دورن می‌نالیم وقتی مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی و رها شدن بدن‌هایمان هستیم.²⁴ زیرا با امید نجات یافتیم؛ اما امیدی که دیده

بدن به خاطر گناه مرده است، اما روح به خاطر عدالت، حیات است.¹¹ اما اگر روح خدایی که عیسی را از میان مردگان رستاخیز کرد در شما ساکن باشد، او که مسیح، عیسی را از میان مردگان زنده کرد، به بدن‌های فانی نیز از طریق روح خدا که در شما است حیات خواهد بخشید.

¹² پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به جسم تا در پی او زندگی کنیم.¹³ زیرا اگر در پی جسم زندگی کنید، باید بمیرید؛ اما اگر به وسیله روح، اعمال بدن را بکشید، زنده خواهید ماند.

معجزه فرزندان خدا بودن

¹⁴ زیرا همه کسانی که به وسیله روح خدا هدایت شوند، فرزندان خدا هستند.¹⁵ زیرا روح بندگی را نیافتید تا بترسید، بلکه روح فرزندخواندگی را یافتید که بر اساس آن فریاد می‌زنیم آبا، پدر.¹⁶ خود روح به روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان

8:11 اگر ذهن معنوی داشته باشیم، اگر فکر عیسی درون ما باشد، پایه‌ای است که با تکیه بر آن با بازگشت عیسی به زندگی جاودان رستاخیز می‌شویم.

8:15 ما فرزندخوانده شده‌ایم، اما منتظریم که با بازگشت عیسی به طور کامل فرزند خدا شویم (آیه 23). این مثالی است برای پارادوکس «اکنون اما نه هنوز» - ما در یک معنا رستگار شده‌ایم، در معنای دیگر منتظر نمود فیزیکی آن رستگاری در زمان بازگشت عیسی هستیم.

8:17 نمادگان تعمید، مردن و رستاخیز با عیسی (5-3:6) در زندگی ما بوده است؛ هر چقدر ما در رنج‌های او شریک شویم، در شادی و جلال زندگی جدید او نیز شریک خواهیم بود، هم اکنون و هم در رستاخیز جسم.

8:23 بدن‌ها - به تأکید بر رستگاری جسم در این باب توجه داشته باشید. این نظر که روح پس از مرگ به آسمان می‌رود از انجیل نیست. بلکه، ما به رستاخیز جسم امید داریم، درست همان طور که عیسی از مرگ برمی‌خیزد.

خدایی که پسرش را دریغ نداشت و به خاطر همه ما او را تسلیم کرد، چطور با او همه چیز را آزادانه به ما نخواهد بخشید؟³³ کیست که برگزیدگان خدا را متهم به چیزی کند؟ خدا است که نیک می‌شمرد.³⁴ کیست که محکوم می‌کند؟ مسیح است که مُرد، آری، و از میان مردگان برخاست و در دست راست خدا است؛ و برای ما شفاعت می‌کند.³⁵ کیست که ما را از عشق مسیح جدا سازد؟ مصیبت، یا نگرانی یا آزار و اذیت، یا قحطی یا برهنگی یا خطر یا شمشیر؟³⁶ همان طور که نوشته شده: ما به خاطر تو در تمام روز کشته می‌شویم و مانند گوسفندانی که باید به کشتارگاه بروند تلقی می‌شویم.³⁷ نه، در همه این چیزها به وسیله او که ما را دوست داشت بسیار فتح کردیم.³⁸ زیرا من قانع شده‌ام که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه شاهزادگان، نه اتفاقات امروز، نه رویدادهای آینده، نه قدرت‌ها،³⁹ نه بلندی، نه عمق، نه هیچ موجود دیگری قادر نخواهد بود ما را از عشق خدا که در عیسی مسیح سرورمان است جدا کند.

باب 9

عشق خدا به اسرائیل

در مسیح حقیقت را می‌گویم، دروغ

می‌شود امید نیست. زیرا چه کسی امید به چیزی را دارد که می‌بیند؟²⁵ اما اگر امید چیزی را داشته باشیم که نمی‌بینیم، با صبر و شکیبایی منتظر آن می‌مانیم.

دلگرمی فوق‌العاده

²⁶ و به همین شکل، روح نیز در ناتوانی ما به ما کمک می‌کند. زیرا ما نمی‌دانیم چگونه آن طور که باید، دعا کنیم، اما روح خودش با ناله‌هایی که نمی‌توان بیان کرد برای ما شفاعت می‌کند.²⁷ و هر که در جستجوی دلها باشد، می‌داند که ذهن روح چیست، زیرا او طبق خواست خدا برای قدیسان شفاعت می‌کند.²⁸ و ما می‌دانیم برای کسانی که خدا را دوست دارند و کسانی که طبق مقصود او خوانده می‌شوند، همه چیز به نیکی با هم در کار است.²⁹ زیرا کسانی را که از قبل می‌شناخت، از پیش برگزید تا به شکل پسر او درآیند و تا پسر، در میان فرزندان دیگر اولین نفری باشد که متولد شده است.³⁰ و هر که تعیین کرده بود، دعوت نیز کرد و هر که را دعوت کرد، نیک نیز شمرد، و هر که نیک شمرد، شکوه نیز داد.

³¹ پس در برابر این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا برای ما است، چه کسی می‌تواند علیه ما باشد؟³²

8:27 عیسی در آسمان برای ما شفاعت می‌کند (آیه 34). وقتی به «نام» عیسی به درگاه خدا دعا می‌کنیم، باید این را به یاد داشته باشیم.

8:34 قاضی و مدافع در سمت ما هستند؛ و در عیسی، هیچ اتهامی علیه ما وارد نمی‌شود. و همچنین در دادگاه عدالت الهی، ما تبرئه‌ایم. این حقیقت چنان دلگرم‌کننده است که تمامی مشکلات زمینی (آیات 35-39) برای ما بی‌معنا می‌شوند.

نمی‌گویم، وجدانم در روح القدس
بر من شهادت می‌دهد،² که غمی
عظیم و دردی بی‌وقفه در دلم دارد.
³ زیرا آرزو می‌کردم که به خاطر
برادرانم که طبق جسم خویشاوندان
من هستند، از مسیح محروم
می‌شدم؛⁴ که آنها اسرائیلی هستند
و فرزندخواندگی، جلال، پیمان‌ها،
اعطای شریعت، بندگی خدا و
وعده‌ها از آن آنهاست.⁵ که از لحاظ
جسم و نژاد، پدران از آن آنها و
مسیح از میان آنهاست که از همه
بالا تر است. خداوند تا ابد متبارک
است! آمین.

⁶ اما این گونه نیست که کلام خدا
بی‌ثمر شده است. زیرا همه کسانی
که از اسرائیل هستند، اسرائیلی
نیستند.⁷ همچنین، صرفاً چون
از نسل ابراهیم هستند، فرزندان او
نیستند، بلکه: نسل تو از اسحاق
خوانده خواهد شد.⁸ یعنی: فرزندان
جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه
فرزندان وعده هستند که از نسل
محسوب می‌شوند.⁹ زیرا این است
کلام وعده: طبق این زمان خواهم آمد
و ساره پسری خواهد داشت.

تقدیر و پیش‌بینی

¹⁰ نه تنها این، بلکه رفقه نیز از
یک نفر یعنی از جد ما اسحاق
باردار شد.¹¹ (زیرا وقتی فرزندان
هنوز به دنیا نیامده، و هیچ یک کار
خوب یا بدی را انجام نداده بودند تا
هدف خدا طبق اختیارش ثابت بماند
نه طبق اعمال، بلکه طبق او که
دعوت می‌کند)،¹² به رفقه گفته شد:
فرزند بزرگتر به فرزند کوچکتر
خدمت خواهد کرد.¹³ همان طور که
نوشته شده: یعقوب را دوست داشتم
اما از عیسو متغیر بودم.

¹⁴ پس ما باید چه بگوییم؟ آیا خدا
بی‌انصاف است؟ خدا نکند!¹⁵ زیرا
به موسی گفت: بر هر کسی که رحم
کنم، رحم خواهم کرد و بر کسی که
دلسوزی کنم، دلسوزی خواهم کرد.
¹⁶ پس به اراده و خواست و اعمال
انسان بستگی ندارد، بلکه به خدایی
که رحم می‌کند بستگی دارد.¹⁷
زیرا کتاب مقدس درباره فرعون
می‌نویسد: برای همین مقصود تو
را برانگیختم تا در قدرت خود تو را
نشان دهم و نامم در سراسر زمین

9:3 پولس به موسی اشاره می‌کند که جایگاهش در «کتاب حیات» - یعنی رستگاری
جاودان - را می‌بخشد تا شاید اسرائیل نجات یابند. این سطح خارق‌العاده‌ای از عشق
است - آماده بودن برای گذشتن از جایگاه خود در ابدیت برای خاطر دیگران. پولس
می‌گوید که او «می‌توانست این را بخواهد» - چون از داستان موسی که درخواستش
از سوی خدا رد شد، آموخته بود. خدا براساس **جایگزینی** کار نمی‌کند؛ او انسان‌ها را
به خاطر شناخت فردیشان از مسیحا، یعنی عیسی، به عنوان **نماینده** خدا در برابر
انسان‌ها و انسان‌ها در برابر خدا، نجات می‌دهد.

9:5 این حقیقت که عیسی اصالتاً یهودی بود نشان می‌دهد که از خاندان ابراهیم و داوود
بوده، نواده و پژه‌ای که وعده داده شده بود. بنابراین، او پیش از تولد وجود نداشت و خود
خدا نبود؛ حتی اگر جایگاه و جلالش بسیار والا بود.

قوم یهود بلکه از غیریهودیان نیز به سوی خود فراخواند؟²⁵ همان طور که در هوشع گفت: آنهایی را که امت من نیستند امت خود صدا خواهم زد؛ و آن کسی که محبوب نبود را محبوب خود خواهم خواند.²⁶ و در جایی که به آنها گفته شده بود: شما امت من نیستید، آنها فرزندان خدای زنده خوانده خواهند شد.²⁷ و اشعیا درباره اسرائیل فریاد زد: حتی اگر تعداد فرزندان اسرائیل به اندازه شن‌های دریا شود، فقط باقی‌مانده‌ها نجات خواهند یافت.²⁸ خداوند، کلام خود را تمام و منقطع ساخته و آن را بر زمین اجرا خواهد کرد.²⁹ و همان طور که اشعیا قبلاً گفت: اگر خداوند متعال نسلی برای ما باقی نگذاشته بود، ما مانند شهر سدوم شده و شبیه شهر غموره گشته بودیم.³⁰ پس چه باید بگوییم؟ این که غیریهودیان که عدالت را دنبال نکرده بودند، به عدالت دست یافتند،

منتشر شود.¹⁸ پس او بر هر کسی که بخواهد رحم می‌کند و هر که را که بخواهد سرسخت می‌سازد.

¹⁹ پس به من خواهید گفت: چرا خدا هنوز ملامت می‌کند؟ زیرا کیست که در برابر اراده او مقاومت کند؟²⁰ نه، ای انسان، تو کیستی که بخواهی جواب خدا را بدهی؟ آیا چیزی که ساخته می‌شود به سازنده‌اش خواهد گفت: چرا ما را این چنین ساختی؟²¹ یا آیا کوزمگر این حق را بر سفال ندارد که از یک تکه گل ظرفی با ارزش بسازد و از تکه گلی دیگر ظرفی بی‌ارزش؟

²² پس چه می‌شود اگر خدا بخواهد خشمش را نشان دهد و قدرتش را بشناساند، ظروف خشم را که برای نابودی ساخته شده بودند با صبر زیاد تحمل کند؟²³ و بزرگی شکوهش را بر ظروف رحمت بشناساند، که از قبل برای شکوه آماده شده بودند،²⁴ حتی به ما که نه تنها از میان

9:18 در کتاب خروج بارها گفته شده که فرعون دل سخت داشت؛ و نیز اینکه خدا دل او را سخت کرد. پس خدا انسان‌ها را در نگرش و موقعیتی که با اختیار خود انتخاب می‌کنند، مستقر می‌سازد.

9:20 پرسش‌هایی که در مورد عدالت خدا می‌پرسیم، پرسش‌های مناسب نیستند. تنها اگر نتوانسته باشیم تعالیم انجیل در مورد جایگاه خفیف خود را بپذیریم، این پرسش‌ها را مطرح می‌کنیم - چون ما تنها خاک یا گل هستیم که خدا با آن کار می‌کند. اگر بپذیریم که ما این هستیم، حتی پرسش در مورد عدالت او نادرست است، چه برسد به انتقاد از او. شخصیت‌های انجیل با خدا مجادله کرده و نسبت به او خشمگین بوده‌اند، اما در نهایت «پاسخ» به راحتی این است که ما نباید به دنبال پاسخی باشیم، چون ما تنها غبار هستیم. مانند این است که کودکی اصرار داشته باشد طرز کار ماشین برایش توضیح داده شود. حتی اگر به او بگویند، او درکی نخواهد داشت، چون مفاهیم فراتر از سطح او هستند.

9:27 خدا همواره با «باقی‌ماندگان»، یک اقلیت، کار کرده است. اکثر مردم معمولاً در امور معنوی اشتباه می‌کنند.

کسی به دنیای زیرین نزول خواهد کرد؟ (تا مسیح را از میان مردگان برخیزاند).⁸ اما چه می‌گوید؟ کلام نزدیک تو است، در دهانت و در قلبت. یعنی کلام ایمان که به آن موعظه می‌کنیم.⁹ زیرا اگر با دهان خود به وجود عیسی به عنوان سرور اعتراف کنی و در قلبت ایمان داشته باشی که خدا او را از میان مردگان رستاخیز کرد، نجات خواهی یافت.¹⁰ زیرا با قلب است که انسان به عدالت ایمان می‌آورد و با دهان است که به رهایی اعتراف می‌کند.

¹¹ زیرا کتاب مقدس می‌گوید: هر که به او ایمان داشته باشد، شرمسار نخواهد گشت.¹² زیرا تمایزی بین یهود و غیریهود نیست چون همان کسی که سرور همه ما است برای همه کسانی که او را صدا می‌زنند، توانگر است.¹³ زیرا هر که نام سرور را صدا بزند، نجات خواهد یافت.¹⁴ پس چگونه کسی را که به او ایمان ندارند صدا خواهند زد؟ و چگونه به کسی که درباره‌اش چیزی نشنیده‌اند ایمان بیاورند؟ و چگونه بدون یک واعظ خواهند شنید؟¹⁵ و اگر فرستاده نشوند چگونه موعظه خواهند کرد؟ همان طور که نوشته شده: چه خوش است قدمهای کسانی که مژده و بشارت می‌دهند!¹⁶ اما همه آنها از بشارت‌ها تبعیت

یعنی عدالتی که از ایمان است.³¹ اما اسرائیل که دنبال شریعت عدالت بود، به آن شریعت نرسید.³² بنابراین، از آنجایی که نه از روی ایمان بلکه بر اساس کارهایشان در جستجوی آن بودند، بر سنگ لغزش، لغزیدند.³³ همان طور که نوشته شده: ببین در صهیون، سنگ لغزش و صخره گناه را می‌گذارم؛ و آن کسی که به او ایمان بیاورد شرمسار نخواهد شد.

باب 10

نقش انجیل در نجات اسرائیل

² ای برادران، آرزو و تمنای من از خدا برای اسرائیل است تا نجات یابد.² زیرا من شهادت می‌دهم که آنها نسبت به خدا غیرت دارند اما نه از روی آگاهی.³ زیرا با ناآگاهی از عدالت خدا و تلاش برای بنا نهادن عدالت خود، آنها مطیع عدالت خداوند نشدند.⁴ زیرا درباره عدالت مسیح هدف و تمام‌کننده شریعت برای همه مومنان است.

⁵ زیرا موسی چنین می‌نویسد که هر کس که بر اساس عدالت شریعت عمل کند، زندگی خواهد کرد.⁶ اما عدالتی که از ایمان است چنین می‌گوید: در دل خود نگویید، چه کسی به آسمان صعود خواهد کرد؟ (تا مسیح را پایین آورد)⁷ یا چه

10:2 اشتیاق به خدا، نوری مذهبی در شخصیت ما، کافی نیست؛ ما باید دانش واقعی از او داشته باشیم تا بتوانیم با او ارتباط برقرار کنیم.

10:14 خدا کار موعظه و خواندن مردم را به ما سپرده است. اگر برای مردم موعظه نکنیم، آنها بشارت را نخواهند شنید. در این معنا، سرنوشت آنها در دست ما است. ما باید هر روز تلاش کنیم تا انجیل را حداقل به نحوی با یک نفر به اشتراک بگذاریم.

پاب 11

نقشه خدا برای اسرائیل

پس می‌گوییم، آیا خدا امت خودش را رد کرده است؟ خدا نکند! زیرا من هم یک اسرائیلی هستم، از نسل ابراهیم، از طایفه بنیامین.² خدا امت خودش را که از قبل می‌شناخت رد نکرده است. آیا نمی‌دانید که کتاب مقدس درباره الیاس چه می‌گوید؟ که چگونه او علیه قوم اسرائیل به خدا شکایت می‌کند:³ خداوند، آنها پیامبرانت را کشتند، محراب‌های تو را نابود کردند؛ و من تنها مانده‌ام و قصد جانم را دارند.⁴ اما پاسخ خدا به او چه بود؟ من هفت هزار نفر را برای خودم باقی گذاشته‌ام که در برابر یعل زانو نزدند.⁵ درست مثل همان موقع، در زمان حال نیز کسانی هستند که طبق دعوت فیض، باقی مانده‌اند.⁶ اما اگر بر

نکردند. زیرا اشعیا گفت: خداوند، چه کسی خبر ما را باور کرد؟¹⁷ پس ایمان از شنیدن می‌آید و شنیدن از کلام خدا.

¹⁸ اما من می‌گویم: آیا نشنیدند؟ آری، حقیقتاً صدای آنها در سراسر زمین و کلامشان تا آن سوی جهان منتشر شد.¹⁹ اما من می‌گویم: آیا قوم اسرائیل نمی‌دانست؟ زیرا موسی گفت: من با کسانی که قومی محسوب نمی‌شوند، حسادت را در شما برمی‌انگیزم و با قومی عاری از درک و فهم شما را خشمگین خواهم کرد.²⁰ و اشعیا بسیار جسورانه گفت: من را کسانی یافتند که به دنبال نبودند؛ خودم را به کسانی نشان دادم که خواستار من نبودند.²¹ اما به قوم اسرائیل گفت: تمام روز دستانم را به سوی مردمی نافرمان و لجباز دراز کردم.

10:17 ایمان تنها یک احساس نیست؛ بلکه در کلام عیسی و خدا ریشه‌ای مشخص دارد. به این دلیل خواندن انجیل این چنین پر اهمیت است.

11:2 علیه قوم اسرائیل - ایلیا مشخصاً از خدا خواست که اسرائیل را نابود سازد. او تنها آنچه احساس می‌کرد مردم اسرائیل بر وی روا داشته‌اند را به خدا گفت. اما خدا درخواست و انگیزه‌های حقیقی پشت دعا‌های او را دید. خدا نیز دعا‌های ما را می‌خواند - خداوند عیسی ذهن ما را می‌کاود و روح ما را به خدا می‌رساند، همان طور که در دعا برای ما شفاعت می‌کند (8:26,27). این برای کسانی که فکر می‌کنند نمی‌توانند واژه‌های درست را برای دعا پیدا کنند مایه آسایش خیال است و نیز یک هشدار، که ما نمی‌توانیم خدا را با کلمات تحت تأثیر قرار دهیم، چون او احساسات واقعی پشت آنها را درک کرده و آنها را دعای ما می‌داند.

11:3 ما ممکن است احساس تنهایی کنیم؛ حتی وقتی بیش از آنچه فکر می‌کنیم ایماندار در اطرافمان باشد. ایلیا احساس تنهایی می‌کرد چون خود را از آن 7000 نفر دیگر برتر می‌دانست - او آنها را ایمانداران واقعی نمی‌دانست، در حالی که واقعاً بودند. ما نیز ممکن است همین اشتباه را بکنیم؛ نخبه‌گرایی معنوی ما را به سمت پریشانی و انزوا پیش می‌برد، چون خود را از همراهی دیگران محروم می‌سازیم.

11:5 خدا برخی از انسان‌ها را انتخاب کرده و برخی دیگر را نه؛ و این کار او به این

آنها به معنی آشتی با جهان خواهد بود، پذیرفتن آنها چه معنایی خواهد داشت جز رستاخیز از میان مردگان؟¹⁶ و اگر اولین ثمره، مقدس است، خمیر نیز چنین است؛ و اگر ریشه مقدس است، شاخه‌ها نیز چنین هستند.¹⁷ اما اگر برخی از شاخه‌ها شکستند، و شما که زیتون وحشی هستید، در میان آنها پیوند خوردید و در بهرمندی از ریشه درخت زیتون با آنها شریک شدید.¹⁸ نسبت به شاخه‌های شکسته به خود نبالید چون شما نیز چیزی جز شاخه نیستید. زیرا اگر به خود می‌بالید، به یاد داشته باشید که این شما نیستید که ریشه را نگه می‌دارد، بلکه ریشه است که تکیه‌گاه شماست.

¹⁹ پس خواهید گفت: شاخه‌ها شکستند تا من پیوند گردم.²⁰ بسیار خوب. آنها به خاطر بی‌ایمانی خود شکستند و شما به خاطر ایمانتان پایدار هستید. مغرور نباشید، بلکه بترسید.²¹ زیرا اگر خدا شاخه‌های طبیعی را نگه نداشت، شما را نیز نگه نخواهد داشت.²² پس شاهد خوبی و سختگیری خدا باشید: سختگیری نسبت به کسانی که شکست خوردند؛ اما خوبی خدا نسبت به شما است اگر همچنان در خوبی او پایدار باشید. وگرنه شما نیز بریده خواهید شد.²³ و آنها نیز، اگر به بی‌ایمانی خود ادامه ندهند، پیوند زده خواهند شد. زیرا

اساس فیض است، دیگر بر اساس اعمال نیست. وگرنه، فیض دیگر فیض نبود.

⁷ پس مقصود چیست؟ اسرائیل نتوانست آنچه به دنبالش بود بدست آورد. برگزیدگان آن را بدست آوردند، اما بقیه دلسنگ شدند.⁸ همان طور که نوشته شده: خدا به آنها روح بی‌حسی داد، چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند که تا به امروز چنین بوده است.⁹ و داود گفت: سفره آنها برایشان تله و دام و سنگ لغزش‌دهنده و عقوبت باد.¹⁰ چشمانشان تاریک شود تا نتوانند ببینند، و کمرشان برای همیشه خم شود.

¹¹ پس می‌گویم، آیا لغزیدند تا سقوط کنند؟ خدا نکند! اما با سقوطشان، رهایی به غیریهودیان رسید تا حسادت را در آنها برانگیزند.¹² اگر سقوط آنها باعث توانمندی جهان شود و فقدانشان باعث توانمندی غیریهود، کامل بودنشان چقدر زیاد باعث توانمندی خواهد شد؟

¹³ اما من با شما غیریهودیان سخن می‌گویم- من رسول غیریهودیان هستم، ماموریت خود را جلال می‌دهم،¹⁴ شاید بدین طریق حسادت را در کسانی برانگیزم که از جسم من هستند و برخی از آنها را نجات دهم.¹⁵ زیرا اگر طرد کردن

دلیل است که رستگاری نتیجه فیض اوست و نه کارهای ما.

11:22 «یک بار رستگاری یعنی رستگاری برای همیشه» آموزه انجیل نیست؛ ما باید تا پایان وفادار بمانیم (متی 10:22).

همان طور که شما در گذشته مطیع خدا نبودید، اما اکنون به وسیله نافرمانی آنها رحمت را بدست آورده‌اید،³¹ این‌ها نیز نافرمان بوده‌اند و به وسیله رحمتی که به شما نشان داده شد، آنها نیز رحمت یابند. زیرا خدا همه را گرفتار نافرمانی کرده تا بر همه آنها رحم کند.³² چه عمیق است توانمندی³³

و حکمت و معرفت خداوند! قضاوت‌های او ناشناخته و راه‌های او غیرقابل یافتن هستند!³⁴ زیرا کیست که ذهن خدا را شناخته است؟ یا کیست که او را نصیحت کند؟³⁵ یا کیست که به او هدیه‌ای داده باشد که از او پس بگیرد؟³⁶ زیرا همه چیز از او و به وسیله او و برای اوست. تا ابد به او جلال باد. آمین.

باب 12

زندگی در بدن مسیح

بنابراین، به رحمت‌های خداوند از شما برادران درخواست می‌کنم که بدن خود را به عنوان قربانی زنده، مقدس و پسندیده به خدا تقدیم کنید که این است عبادت معقول شما.² و هم‌شکل این جهان نشوید، بلکه

خدا قادر است دوباره آنها را پیوند بزند.²⁴ زیرا اگر از درختی که ذاتاً زیتون وحشی است بریده شدید، و بر خلاف ذات خود به یک درخت زیتون مرغوب پیوند خوردید، این‌هایی که شاخه‌های طبیعی هستند چقدر بیشتر شایسته پیوند خوردن به درخت زیتون خود خواهند بود؟

رهایی نهایی اسرائیل

²⁵ ای برادران، نمی‌خواهم از این راز بی‌خبر باشید تا مبادا گرفتار خودستایی شوید، و آن این است که قساوت بر اسرائیل مستولی گشته تا تعداد غیریهودیان کامل شود.²⁶ و همه قوم اسرائیل نجات خواهد یافت. همان طور که نوشته شده: از صهیون نجات‌دهنده‌ای خواهد آمد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت.

²⁷ این پیمان من به آنهاست وقتی گناهانشان را از بین خواهم برد.²⁸ از لحاظ انجیل، آنها به جهت شما دشمنان هستند، اما از لحاظ انتخاب شدن، آنها به جهت اجداد محبوب هستند.²⁹ زیرا نعمت‌ها و انتخاب خداوند بازگشت‌ناپذیر است.³⁰ زیرا

11:25 کامل- شمار کامل. به نظر می‌رسد، شمار مشخصی از غیر یهودیان بودند که باید ایمان می‌آوردند؛ و سپس یهودیان با بازگشت مسیح به انجیل پاسخ می‌دهند (آیه 26). وقتی انجیل به تمام دنیا برود، پایان از راه خواهد رسید (متی 24:14). در این معنا، ما می‌توانیم با اشاعه انجیل در سراسر جهان و تشویق قوم اسرائیل به توبه، بازگشت عیسی را تسریع بخشیم.

11:32 همه- هم ایمانداران یهودی و هم غیر یهودی.

12:1 قربانی‌های عهد قدیم تکه‌تکه می‌شدند و حتی اکثر اعضای داخلیشان به خدا هدیه می‌شد. این نشان می‌دهد که چطور هر بخش از زندگی ما، به ویژه درونی‌ترین آن، باید به خدا داده شود.

باشید. به نیکی بچسبید.¹⁰ یکدیگر را با محبت برادرانه دوست دارید. در احترام گذاشتن به دیگران از یکدیگر سبقت بگیرید.

¹¹ سخت کوش باشید، نه تنبل، در خدمت به خدا در روح مشتاق باشید.
¹² در امید شاد، در مصیبت صبور باشید و در نیایش صمیمانه استوار باشید.

¹³ به نیازهای قدیسین با مشارکت پاسخگو باشید و به مهمان‌نوازی خو بگیرید.

¹⁴ برای کسانی که بر شما جفا می‌کنند طلب برکت کنید؛ طلب برکت کنید و نفرین نکنید.

¹⁵ با کسانی که شاد هستند، شادی کنید و با کسانی که زاری می‌کنند گریه کنید.

¹⁶ نسبت به یکدیگر یکسان فکر کنید. متکبر نباشید، بلکه با افتادگان متواضع باشید. خود را داناتر ندانید.

¹⁷ به هیچ کس در تلافی بدی، بدی نکنید. مواظب باشید پیش چشم همه مردم کارهای نیک انجام دهید.

¹⁸ اگر ممکن است، تا جایی که به ما بستگی دارد، با همه در صلح و آرامش زندگی کنید.¹⁹ ای عزیزان،

با تجدید ذهنتان، دگرگون شوید تا آنچه اراده نیک و پسندیده و کامل خداوند است را تجربه کنید.

³ زیرا از طریق فیضی که به من عطا شده، به هر کسی که در میان شماست می‌گویم که درباره خود بیش از حد لازم افکار بلند نداشته باشید، بلکه به اعتدال فکر کنید به همان اندازه که خدا به هر کسی ایمان داده است.⁴ زیرا همان طور که اعضای بدنمان بسیار است و همه اعضا یک مسئولیت ندارند،⁵ ما نیز که بسیار هستیم یک پیکر در مسیح هستیم، گرچه متفاوتیم، اما باز هم اعضای بدن یکدیگر هستیم.

⁶ و با داشتن هدایایی متفاوت بر اساس فیضی که به ما عطا شده، اگر نبوت است، به نسبت ایمانمان نبوت کنیم،⁷ یا اگر خدمت است خود را وقف خدمت کنیم. یا هر که تعلیم می‌دهد، خود را وقف تعلیم،⁸ یا اگر تشویق می‌کند، خود را وقف تشویق کند؛ یا اگر کارش بخشش است، با سخاوت‌مندی ببخشد. هر که حاکم است، سخت کوش باشد. هر که رحیم است، شاداب.⁹ عشق بدون ریاکاری باشد. از شرارت بیزار

12:3 ایمان از یک نظر هدیه‌ای است از سوی خدا (افسیسیان 2:8). درک این مهم مانع

از فخرفرشی ما به افراد بی‌ایمان یا احساس برتری نسبت به آنها می‌گردد.

12:4 ما با تعمید در جسم مسیح به اعضای بدن مسیح (کلیسا) تبدیل می‌گردیم (اول قرنثیان 12:13). هریک از ما کارکرد ویژه‌ای در اجتماع داریم؛ نباید نقشی که قرار است ایفا کنیم را دست‌کم یا نادیده بگیریم.

12:17 تا آنجا که به شما مربوط می‌شود - نمی‌توانیم همیشه با دیگران در صلح باشیم؛ عیسی و پولس هم نبودند. اما این اصطکاک‌ها و جدایی‌ها بهتر است همواره انتخاب طرف مقابل باشد، نه ما.

او خادم خداست تا به شما نیکی کند. اما اگر کار بد انجام دهید- بترسید! زیرا او بیهوده صاحب شمشیر نیست. چرا که خادم خداست، و انتقام گیرنده خشم خدا از کسی است که کار بد می‌کند.⁵ بنابراین، باید مطیع باشید، نه فقط به خاطر خشم خدا در قبال گناه، بلکه به خاطر وجدان خودتان.⁶ به همین دلیل، مالیات را نیز بپردازید. زیرا آنها خادمان خدا هستند و همواره به همین امور رسیدگی می‌کنند.

⁷ پس دین خود را نسبت به آنها ادا کنید. مالیات را به هر که باید و عوارض را به هر که مستحق است بپردازید، از هر که باید، بترسید و به هر که شایسته است احترام بگذارید.⁸ به هیچ کس مدیون نباشید، به غیر از مدیون عشق به یکدیگر. زیرا هر که همسایه‌اش را دوست دارد، شریعت را به جا آورده است.⁹ برای همین، نباید زنا کنید، نباید قتل کنید، نباید دزدی کنید، نباید طمع کنید- و اگر حکم دیگری باشد، در این کلمه خلاصه می‌شود: باید همسایه‌ات را به اندازه خودت دوست بداری.¹⁰ عشق هیچ بدی‌ای به همسایه خود نمی‌کند. بنابراین

هیچ وقت از خود انتقام نگیرید بلکه آن را به غضب خدا بسپارید؛ زیرا نوشته شده: خداوند می‌گوید انتقام از آن من است، من مجازات می‌کنم.²⁰ اما اگر دشمنان گرسنه است، به او غذا بدهید. اگر تشنه است، به او آبی برای نوشیدن بدهید. زیرا با این کار، زغال‌های آتش را بر سرش انباشته خواهید کرد.²¹ مغلوب بدی نشوید، بلکه با نیکی بر بدی غلبه کنید.

باب 13

نگرش ما به دولت‌ها و حاکمان
همه شما باید مطیع زمامداران حاکم باشید. زیرا قدرتی جز خدا نیست و قدرت‌های که وجود دارند از سوی خدا مقرر شده است.² بنابراین، هر کسی که با زمامداران مخالفت کند، با آنچه خدا مقرر کرده مخالفت کرده و آنهایی که مخالفت می‌کند مجازات خواهند شد.³ زیرا حاکمان مسبب وحشت برای کارهای نیکو نیستند، بلکه باعث وحشت برای کارهای بد هستند. اگر مایلید بدون ترس از زمامداران زندگی کنید، کار نیکو انجام دهید! و از سوی همان زمامدار تحسین خواهید شد.⁴ زیرا

12:19 هرگز انتقام نگیرید- به این دلیل دادخواهی علیه دیگران اشتباه است. اگر با ما بدرفتاری شده، ما باید به داوری آینده خدا ایمان داشته باشیم - و انتقام را به او بسپریم. **13:2** باید این آموزه را با مثال پطرس در اعمال 4:19 مقایسه کنیم؛ تنها تا جایی می‌توانیم در برابر مقامات تسلیم شویم که بیش از آن باعث نافرمانی از خدا شود. به نظر می‌رسد از نظر پولس این مسئله بدیهی است، به همین دلیل بیشتر آن را باز نمی‌کند.

13:7 فرار از مالیات مشخصاً برای مسیحیان اشتباه است.

13:10 عیسی با مردن بر صلیب شریعت موسی را تکمیل کرد (متی 5:17؛ لوقا،

افکار و عقایدش.² کسی که ایمان دارد همه چیز می‌خورد اما کسی که ضعیف است فقط گیاهان را می‌خورد.³ هر که می‌خورد نباید کسی را که پرهیز می‌کند خوار شمرد و هر که پرهیز می‌کند نباید کسی را که غذا می‌خورد محکوم کند؛ زیرا خدا او را پذیرفته است.⁴ تو کیستی که خادم کس دیگری را محکوم کنی؟ او برای ارباب خودش استوار بماند یا سقوط می‌کند. آری، او استوار خواهد ماند. زیرا خداوند قدرت این را دارد کاری کند که او استوار بماند.

⁵ یک نفر یک روز را از روز دیگر مهم‌تر می‌داند. یک نفر دیگر همه روزها را یکسان می‌داند. هر کسی باید در ذهن خودش کاملاً مطمئن شود.⁶ آن کسی که روزی را مهم می‌داند، آن را برای خداوند مهم می‌شمارد، و آن کسی که غذا می‌خورد، برای خداوند می‌خورد زیرا خدا را شکر می‌کند؛ و آن کسی که غذا نمی‌خورد، برای خداوند غذا

عشق، به جا آوردن شریعت است.¹¹ و این را هم در نظر بگیرید: شما از زمان آگاهی دارید و می‌دانید که فقط بیدار شدن از خواب رسیده است. زیرا اکنون رهایی ما از آنچه در ابتدا باور داشتیم به ما نزدیک‌تر است.¹² شب گذشته و روز نزدیک است. پس کارهای تاریکی را دور بیاوریم و اسلحه نور را به تن کنیم.¹³ چنان رفتار شایسته‌ای داشته باشیم که گویی در روشنایی روز هستیم، نه در عیاشی و مستی، نه در فساد جنسی و هرزگی، نه در نزاع و حسادت.¹⁴ بلکه سرور، عیسی مسیح را به تن کنید و برای برآوردن هوس‌های جسمانی تدارک نبینید.

باب 14

دیگران را به خاطر وجدان‌شان

محکوم نکنید

کسی را که ایمان ضعیفی دارد پذیرا باشید اما نه برای نزاع با او بر سر

24:44؛ اما پولس می‌گوید که تکمیل‌کننده شریعت، عشق است. بنابراین، مرگ عیسی با تصلیب «نهایت عشق» بود (یوحنا 13:1)، تعریف نهایی عشق، با نمایشی عمومی و به یادماندنی.

13:13 «روز» به دوران ملکوت آینده خدا روی زمین اشاره دارد، در آیه 12. ما اکنون باید به گونه‌ای زندگی کنیم که گویی در ملکوت هستیم. بدین ترتیب، ما «زندگی جاودانه داریم» از آن جهت که امروز همان نوع زندگی را داریم که در جاودانگی خواهیم داشت.

14:1 افرادی که در معنویت ضعف دارند، در درک و عمل (مثلاً در مواردی مثل قوانین خوراکی یهودی و سبت، که در این باب در موردشان صحبت می‌شود) مورد استقبال قرار گرفته و طرد نمی‌شوند.

14:6 از آنجایی که رعایت سبت مسئله وجدان فردی است، اشتباه است که اصرار داشته باشیم یک ایماندار «باید» سبت را حفظ کند.

را ناپاک می‌داند، برای او ناپاک است.¹⁵ زیرا اگر برادرستان به خاطر غذایی که می‌خورید محزون شود، دیگر با عشق رفتار نمی‌کنید. با غذایی که می‌خورید، کسی را که مسیح برای او جان نداد نابود نکنید¹⁶ پس نگذارید از آن چه خوب و نیکو تلقی می‌کنید بدگویی شود.¹⁷ زیرا ملکوت خداوند درباره خوردنی و نوشیدنی ما نیست بلکه درباره عدالت، صلح و شادی در روح القدس است.¹⁸ زیرا هر که اینجا به مسیح خدمت کند مورد پسند خدا و مقبول مردم است.

¹⁹ پس در پی چیزهایی باشیم که صلح و آرامش ایجاد می‌کند و باعث تقویت یکدیگر می‌شود.²⁰ فقط به خاطر غذا، کار خدا را خراب نکنید. همه چیز در حقیقت پاک است، اما کار بدی است که کسی با آن چه می‌خورد باعث لغزش دیگری شود.²¹ کار نیکویی است که گوشت نخورید یا شراب ننوشید یا کاری نکنید که باعث لغزش برادرستان می‌شود.²² ایمانی که دارید بین خود و خدای خود نگه دارید. خوشا به حال آن کسی که دلیلی ندارد به خاطر کاری که نیکو می‌شمارد خود را قضاوت

نمی‌خورد و خدا را شکر می‌کند.⁷ هیچ یک از ما برای خود زندگی نمی‌کنیم و برای خود نمی‌میریم.⁸ زیرا اگر زندگی کنیم، برای خداوند زندگی می‌کنیم. یا اگر بمیریم، برای خداوند می‌میریم. بنابراین خواه زندگی کنیم خواه بمیریم، از آن خداوند هستیم.⁹ زیرا به همین منظور مسیح جان داد و دوباره زنده شد تا سرور هم مردگان و هم زندگان شود.¹⁰ اما شما، چرا برادرستان را محکوم می‌کنید؟ یا چرا برادرستان را هیچ می‌شمارید؟ چرا که ما در حضور کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد.¹¹ زیرا نوشته شده: سرور می‌گوید، در حیاتم هر زانویی نزد من خم خواهد شد و هر زبانی به خدا اعتراف خواهد کرد.¹² پس هر یک از ما حساب خود را به خدا خواهیم داد.

¹³ بنابراین دیگر نباید یکدیگر را قضاوت کنیم، بلکه تصمیم بگیریم که دیگر هرگز باعث لغزش برادرمان نشویم یا مانعی بر سر راه او قرار ندهیم.¹⁴ من می‌دانم و سرور عیسی من را متقاعد کرد که هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست. اما برای کسی که همه چیز

14:10 همه خواهیم ایستاد. عبارت یونانی می‌تواند به این معنا باشد که «ما را بلند خواهند کرد». در آیه 11 در مورد صحنه‌ای می‌خوانیم که تصورش آسان است - در روز داوری ما بر روی زانوانمان خواهیم بود، در حالی که طلب بخشش می‌کنیم و از بی‌ارزشی خود آگاهیم. اما سر پا خواهیم ایستاد (آیه 4) تا مشمول پذیرش سخاوتمندانه خدا شویم. پس اگر این اتفاقی است که برای ما می‌افتد، نباید اکنون برادرمان را محکوم کنیم.

14:19 ما باید نگرش و موضع‌گیری‌هایمان را ارزیابی کنیم و مراقب کلاممان باشیم، تا مطمئن شویم که صلح برقرار می‌کنیم نه نفاق.

ستایش کنید.

⁷ بنابراین، یکدیگر را بپذیرید همان طور که مسیح نیز هر یک از شما را برای ستایش خدا پذیرفت.⁸ زیرا می‌گویم که مسیح برای حقانیت خداوند، خادم ختنه شد تا وعده‌هایی را که به اجداد داده شده ثابت کند،⁹ و غیریهودیان نیز خدا را به خاطر رحمتش بستانند. چنانکه نوشته شده است: بنابراین تو را میان ملل غیریهود ستایش خواهم کرد و نام تو را به زبان خواهم آورد.¹⁰ و باز می‌گوید: ای قوم‌ها، با امت او شاد باشید.¹¹ و دوباره می‌گوید: ای ملت‌ها، خداوند را بستانید و ای تمامی قوم‌ها، او را ستایش کنید.¹² و باز اشعیا می‌گوید: ریشه پسی خواهد آمد و او پرمی‌خیزد تا بر امت‌ها حکمرانی کند. و امت‌ها به او امید خواهند بست.¹³ خدای امید شما را با شادی و صلح در ایمان پر کند تا با قدرت روح القدس، امید فراوان داشته باشید.¹⁴ و من خود نیز درباره شما متقاعد شدم ای برادران، که شما خودتان

کند.²³ اما آن کسی که شک دارد، اگر بخورد محکوم می‌شود زیرا از روی ایمان نمی‌خورد. و هر چه از روی ایمان نباشد، گناه است.

باب 15

اهمیت اتحاد

ما که قوی هستیم باید ناتوانی ضعیفان را تحمل کنیم و به فکر خشنودی خود نباشیم.² هر یک از ما باید همسایه خود را به خاطر خیر و تقویت او خشنود سازد.³ زیرا مسیح نیز به فکر خوشی خود نبود بلکه همان طور که نوشته شده: سرزنش کسانی که شما را سرزنش کردند بر من افتاد.⁴ زیرا هر چه قبلاً نوشته شده برای تعلیم ما بوده تا از طریق صبر و تسلی که کتب مقدس می‌بخشد، امید داشته باشیم.⁵ خدای صبر و تسلی به شما این نعمت را داده تا با پیروی از مسیح، عیسی با یکدیگر همفکر باشید.⁶ تا با یک دلی و با یک زبانی خدا و پدر سرورمان عیسی مسیح را

15:1 عیسی «بی‌ثباتی» ما را بر صلیب حمل کرد (اشعیا 53:4؛ متی 8:17). از ما خواسته شده کاری که او برای ما کرد را ما نیز برای دیگران انجام دهیم. و این تصلیب را به چیزی مبدل می‌سازد فراتر از یک تصویر که تنها از دور به آن بنگریم. او، اینجا و اکنون و در زندگی الگوی ما شده است. روحیه‌ای که او مرگ را با آن ملاقات کرد، باید در زندگی امروز ما باشد.

15:5 همفکر- این بدین معنا نیست که ما باید مانند هم باشیم. اتحاد، همسانی نیست. ما هر یک به شیوه خود تلاش می‌کنیم تا ذهنیت/نگرشی را داشته باشیم که عیسی در زندگی داشت. این نیست که بین ما اتحاد برقرار می‌کند؛ ما از این نظر ذهنیت یکسان داریم که همه تلاش می‌کنیم ذهنیت او را داشته باشیم.

15:8 مرگ عیسی پایان عهد قدیم، یعنی شریعت موسی بود، و تأیید عهد جدید، که ذات آن در وعده‌هایی است که پیش از شریعت موسی به ابراهیم داده شده بود.

به گوششان نرسیده خواهند دید و کسانی که نشنیده‌اند خواهند فهمید.
 22 بنابراین همین‌ها بارها مانع آمدن من به سوی شما شد. 23 اما اکنون، دیگری نیازی به من در این مناطق نیست، و از آنجایی که سالیان سال مشتاق آمدن به سوی شما بودم، 24 امیدوارم شما را در طول سفرم ببینم و پس از آن که کمی از مصاحبت با شما بهره‌بردم، در سفرم از کمک شما بهره‌مند شوم. 26 زیرا اهل مقدونیه و اخائیه چنین صلاح دانستند که مبلغی را برای فقرا در میان قدیسان واقع در اورشلیم بفرستند. 27 آنها راضی به این کار بودند و در حقیقت به آنها مدیون هستند. زیرا اگر غیریهودیان در امور معنوی یهودیان شریک شده‌اند، به آنها مدیون هستند تا در امور مادی به آنها خدمت کنند. 28 پس وقتی این ماموریت را به انجام رساندم و این ثمره را به آنها دادم، از راه روم عازم اسپانیا خواهم شد. 29 و می‌دانم که وقتی نزد شما می‌آیم، مملو از برکت مسیح خواهم آمد. 30 ای برادران قسم به سرورمان عیسی مسیح و قسم به عشق روح، از شما خواهش می‌کنم که با یکدیگر با من در دعا کردن به

مملو از خوبی هستید، پر از معرفت و قادر به دلگرمی یکدیگر هستید. 15 اما به نحوی با کمال جسارت برای شما می‌نویسم تا دوباره به شما یادآور شوم، به خاطر فیضی که از سوی خدا به من عطا شد، 16 تا خادم مسیح، عیسی برای امت‌ها باشم، به انجیل خداوند خدمت کنم، تا هدیه امت‌ها مقبول واقع شود و از سوی روح القدس مقدس شود.

تدبیر پولس برای روم

17 بنابراین بابت کارهای مربوط به خدا در عیسی مسیح به خود افتخار می‌کنم. 18 زیرا جرات سخن گفتن درباره چیزی را نخواهم داشت جز اموری که مسیح از طریق من به عمل آورد برای اطاعت امت‌ها در کلام و عمل، 19 با قدرت نشانه‌ها و معجزات و با قدرت روح القدس. پس از اورشلیم و اطراف آن گرفته تا حتی ایلیریوم، انجیل مسیح را کاملاً موعظه کردم. 20 آری، هدفم این بود که انجیل را موعظه کنم نه در جایی که اسم مسیح به گوش رسیده، تا بر شالوده شخص دیگری بنا نسازم. 21 بلکه همان طور که نوشته شده: کسانی که خبری از او

15:20، 21 وقتی انجیل به تمام دنیا برود، پایان از راه خواهد رسید (متی 24:14).

بنابراین، تمرکز ما نیز باید بر معرفی مسیح به بی‌ایمانان/بی‌کلیساها باشد.

15:30 دعا نباید فقط تشریفات باشد؛ در این صورت خلاف خواست خدا است. ایوب در دعا با خدا مجاهده کرد و این برای ما مثال است (هوشع 4-2:12). اگر به قدرت دعا ایمان داشته باشیم و به اندازه کافی فروتنی کنیم تا در دعا نیز به یاد ضعف‌های خود باشیم، از دیگران می‌خواهیم برایمان دعا کنند - درست همان کاری که پولس اینجا می‌کند.

⁶ به مریم که برای شما زحمت بسیار کشید، سلام برسانید. ⁷ سلام برسانید به اندرونیکاس و یونیاس، خویشاوندانم که با من در زندان بودند که در میان حواریون برجسته هستند و قبل از من در مسیح بوده‌اند.

⁸ به امپلیاس، عزیز من در خداوند سلام برسانید. ⁹ به اوربانوس همکار من در مسیح و به استاخیس عزیز من سلام برسانید. ¹⁰ به اپلیس که مقبول مسیح است سلام برسانید. و به خانواده ارستبولس سلام برسانید. ¹¹ و به هیردیون، خویشاوند من سلام برسانید. و سلام برسانید به اهل خانه نرگسوس که در خداوند هستند. ¹² سلام برسانید به طریفینا و طریفوسا را که در خداوند زحمت می‌کنند. سلام برسانید به پرسپس عزیز که در خداوند زحمت بسیار کشید. ¹³ به روفس برگزیده در خداوند؛ و مادر او که مانند مادر من نیز بود. ¹⁴ سلام برسانید به اسونکرتیس، فلیگون، هرماس، پطروباس و هرمیس و برادرانی که همراه آنها هستند. ¹⁵ سلام برسانید به فیلولوگس، جولیا، نیریاس، و خواهرش و اولیمپیاس و همه مقدسانی که همراه آنها هستند.

¹⁶ با بوسه‌ای مقدس به یکدیگر سلام دهید. همه کلیساهای مسیح به شما سلام می‌رسانند.

درگاه خدا برای من کوشا باشید، ³¹ تا از کسانی که در یهودیه هستند و ایمان ندارند رهایی یابم و خدمتم به اورشلیم مورد قبول قدیسان واقع شود. ³² تا به وسیله اراده خداوند با شادی به سوی شما بیایم و با شما به آرامش برسیم. ³³ خدای صلح و آرامش با همه شما باد. آمین.

باب 16

تقدیر و سلام و تحیت‌های

مختلف

خواهر ما فیبی را که خادمه کلیسا در کنخریا است، به شما می‌سپارم، ² تا او را در خداوند بطوری که شایسته مقدسین است بپذیرید، و از شما می‌خواهم که در هر چیزی که ممکن است به شما نیاز داشته باشد به او کمک کنید. چرا که او به افراد بسیاری و خود من نیز کمک کرده است.

³ سلام برسانید به پرسکله و اکیلا، همکاران من در مسیح عیسی، ⁴ که برای جان من گردنهای خود را نهادند. که نه تنها من، بلکه همه کلیساهای غیریهودیان نیز ممنون آنها هستند، ⁵ و به کلیسایی که در خانه آنها است نیز سلام برسانید. سلام برسانید به عزیز من اپنطس که از اولین ثمره‌های مسیح در آسیا است.

16:1 خادم- معادل یونانی «diakonos». زنان در کلیسای اول مسیحیت نقش مهمی

داشتند، آن هم در زمانی که مذهب سرگرمی مردان بود.

16:5 کلیساهای اولیه در خانه‌ها تشکیل می‌شد؛ تا 200 سال پس از عیسی، شواهد باستان‌شناسی محدودی از ساختمان کلیساها وجود دارد.

می‌رسانند.²² من طریتوس، که این نامه را می‌نویسم به شما در خداوند سلام می‌دهم.²³ غایوس میزبان من (و میزبان تمام کلیسا) به شما سلام می‌رساند. ارسطوس خزانه‌دار شهر و برادر ما کوارطس به شما سلام می‌رساند.²⁴ فیض سرور ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین.²⁵ و به او که قادر است شما را استوار سازد، طبق انجیلی که من موعظه می‌کنم که همان موعظه عیسی مسیح است، بر اساس افشاء رازی که از ازل مخفی بوده،²⁶ اما اکنون آشکار شده است، و طبق کتب انبیا، بر اساس حکم خدای جاودانه، به همه ملت‌ها جهت اطاعت ایمان آشکار گردید:²⁷ به تنها خدای دانا، به وسیله عیسی مسیح، تا ابد جلال باد. آمین.

¹⁷ از شما تمنا دارم ای برادران، متوجه کسانی باشید که بر خلاف اصولی که تعلیم یافته‌اید باعث تفرقه می‌شوند و مانع ایجاد می‌کنند. از این‌ها دوری کنید.¹⁸ زیرا کسانی که این چنین هستند، به سرورمان مسیح خدمت نمی‌کنند، بلکه به شکم خود خدمت می‌کنند و با سخنان زیبا و دلنشین، دل معصومان را فریب می‌دهند.¹⁹ زیرا اطاعت شما بر همه آشکار است. بنابراین درباره شما شاد هستم، اما می‌خواهم در نیکی دانا باشید و در بدی ساده دل.²⁰ و خدای صلح و آرامش به زودی شیطان را زیر پای شما خواهد کوبید. فیض سرورمان عیسی مسیح با شما باد.²¹ تیموتائوس همکار من و همچنین لوقا، یاسون و سوسیپاترس که خویشاوندان من هستند به شما سلام

16:17 کتاب امثال به «اعضای کلیسا»ی اسرائیل در عهد قدیم پندی شبیه این می‌دهد. افرادی در اجتماع ایمانداران هستند که نباید آشکارا از آنها جدا شویم، بلکه باید با هوشیاری دوری کنیم. پولس می‌گوید ما باید افرادی که باعث نفاق شده و مانع رسیدن دیگران به ملکوت می‌شوند را «شناخته» و تنها از آنها دوری کنیم.

16:23 اراستوس بایستی مردی ثروتمند از طبقه اجتماعی بالا بوده باشد. در این فهرست، او عمداً کنار کوارتوس قرار گرفته - که یک نام معمولی برده‌ای است - که تنها با عنوان «برادر» توصیف شده است. مشخصه کلیسای حقیقی مسیحی اتحاد فوق‌العاده بین افرادی از پیشینه‌های اجتماعی، نژادی و شخصی متفاوت است. اتحاد ما باید به اندازه‌ای باشد که تا این جهان را از مسیر مرگ دور کرده به سمت عیسی ببرد (یوحنا 17:23).

اول قرن‌تیان

باب 1

پولس، که به اراده خدا یکی از حواریون عیسی مسیح خوانده شد و برادر ما سوستانیس،² به کلیسای خدا در قرن‌تس، آنهایی که در مسیح عیسی مقدس شده‌اند و مقدسین خوانده می‌شود، با همه کسانی که نام سرورمان عیسی مسیح را در همه جا می‌خوانند، که سرور آنها و سرور ماست.

³ از پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح فیض و سلامتی بر شما باد. ⁴ همواره درباره شما خدا را شاکرم برای فیض الهی که در مسیح عیسی به شما عطا شد. ⁵ زیرا شما در او، در همه چیز، در کلام و معرفت غنی شده‌اید. ⁶ همان طور که شهادت مسیح در شما استوار شد، ⁷ تا در حین انتظار آشکار شدن سرورمان عیسی مسیح، از هیچ یک از هدایای معنوی بی‌نصیب نباشید. ⁸ او نیز تا آخر شما را استوار خواهد کرد تا در روز سرورمان عیسی مسیح بی‌تقصیر باشید. ⁹ خدایی که از طریق او به یاری با پسرش یعنی

سرورمان عیسی مسیح فرا خوانده شده‌اید، وفادار است.

درخواست اتحاد

¹⁰ اینک ای برادران به نام سرورمان عیسی مسیح از شما تمنا دارم که همه سخن واحدی را به زبان بیاورید و هیچ تفرقه‌ای بین شما نباشد؛ بلکه با هم همفکر و هم‌رای کامل شوید. ¹¹ زیرا ای برادرانم، از سوی اهل خانه خلونی درباره شما به من خبر رسیده که اختلافاتی بین شما هست. ¹² منظورم این است که هر یک از شما می‌گوید: من طرفدار پولس هستم؛ من از آپلس هستم؛ و من از کیفا؛ و من از مسیح. ¹³ آیا مسیح تقسیم شد؟ آیا پولس به خاطر شما به صلیب کشیده شد؟ یا آیا شما به نام پولس تعمید یافتید؟ ¹⁴ خدا را شکر می‌کنم که هیچ یک از شما را جز کرسپس و غایوس تعمید ندادم. ¹⁵ تا مبادا کسی از میان شما بگوید که به نام من تعمید یافته‌اید. ¹⁶ و خاندان استیفان را نیز تعمید دادم. به غیر از این‌ها، به یاد ندارم شخص دیگری را تعمید داده باشم. ¹⁷ چرا

1:4 اینکه همیشه به خاطر کارهایی که خدا برای دیگران کرده، شاکر او باشیم، نشانه یک روح از خودگذشته است.

1:7 هدف عطایای روح‌القدس در قرن اول «استوار کردن» ایمانداران جدید بود (آیه 6). وقتی عهد جدید کامل شد، دیگر نیازی به این کار نیست.

1:10, 11 در کلیسای قرن‌تین، مشکلات اخلاقی و نظری بسیاری وجود داشت. اما پولس با مشکل نفاق شروع می‌کند. جدایی میان ایمانداران گناه بزرگی است که باید با هر هزینه‌ای از آن اجتناب گردد.

1:14, 15 کسی که ما را تعمید جسمانی می‌دهد، هیچ ویژگی خاص شخصیتی ندارد.

1:17 منظور پولس این نیست که تعمید بی‌اهمیت است - او تنها گفته که برخی را تعمید

و حکمت خدا است.²⁵ زیرا جهالت خدا از انسان‌ها حکیمانه‌تر و ضعف خدا از انسان‌ها قوی‌تر است.²⁶ ای برادران، دعوت خدا را در نظر بگیرید؛ اکثر شما حکمت در مورد امور دنیوی نداشتید، اکثر شما قدرتمند یا نجیب‌زاده نبودید.²⁷ اما خدا نادانان جهان را برگزید تا حکیمان را شرمسار کند؛ و خدا ضعیفان جهان را برگزید تا نیرومندان را شرمسار گرداند.²⁸ خدا آن چه در این جهان پست و محقر است برگزید، حتی نیستی‌ها را تا هستی‌ها را نابود سازد.²⁹ پس هیچ انسانی نباید در حضور خدا به خود ببالد.³⁰ اما شما از خدا هستید و در عیسی مسیح، که خدا او را برای ما حکمت، عدالت، تقدس و آزادی گردانید.³¹ تا طبق آن چه نوشته شده: هر کسی که فخر می‌کند، باید در سرور فخر کند.

باب 2

و من ای برادرانم، وقتی نزد شما آمدم تا گواه خدا را به شما اعلام کنم، با کلام و حکمت برتر نیامدم.² زیرا تصمیم داشتم چیزی جز عیسی مسیح و مصلوب شدن او را در میان شما ندانم.³ و در ضعف و ترس و با لرزش فراوان با شما بودم.⁴ و سخن

که مسیح مرا فرستاد نه برای این که تعمید دهم بلکه برای این که انجیل را موعظه کنم؛ نه در حکمت کلام تا مبادا صلیب مسیح بی‌اثر شود.

خدا از چیزهای ضعیف استفاده می‌کند

¹⁸ زیرا پیام مسیح برای کسانی که هلاک می‌شوند حماقت است؛ اما برای ما که نجات یافته‌ایم، قدرت خدا است.¹⁹ زیرا نوشته شده: من حکمت حکیمان را نابود و بصیرت بصیران را تباہ خواهم ساخت.²⁰ حکیم کجا است؟ کاتب کجا است؟ بحث‌کننده این دنیا کجا است؟ آیا خدا حکمت این جهان را تبدیل به جهالت نکرد؟²¹ زیرا از آنجایی که طبق حکمت خدا، جهان از طریق حکمتش به شناخت خدا دست نیافت، خداوند صلاح دید که از طریق پیام به ظاهر احمقانه‌ای موعظه کند تا ایمانداران را نجات دهد.²² زیرا یهودیان به دنبال نشانه بودند و یونانیان به دنبال حکمت.²³ اما ما مصلوب شدن مسیح را موعظه می‌کنیم که برای یهودیان باعث لغزش و از نظر غیریهودیان حماقت است.²⁴ اما برای هم یهودیان و هم غیریهودیانی که دعوت شده‌اند، مسیح، قدرت خدا

داده و کتاب اعمال نیز مثال‌های دیگری می‌آورد. منظور او این است که تمرکز کاری که خداوند برای او تعیین کرده، مهم‌تر از همه اشاعه انجیل است؛ شاید تعمید و پیگیری مردم را به دیگران وا گذاشته باشد.

1:28 خدا ما را انتخاب کرده؛ پس ما به نحوی در این جهان و جوامعی که در آنها زندگی می‌کنیم، در سطح پایین و مورد نفرت خواهیم بود.

2:4 قدرت ترغیب در خود انجیل است، به ویژه در پیام صلیب (آیه 2). این آراستگی ارائه ما نیست که به دین آمده‌ها را جذب می‌کند، بلکه قدرت پیام است.

و موعظه‌ام با کلام متقاعدکننده و حکمت نبود، بلکه با نشان دادن روح و قدرت بود؛⁵ تا ایمان شما نه در حکمت انسان‌ها بلکه در قدرت خدا پایدار باشد.

حکمت حقیقی

⁶ از حکمت سخن می‌گوییم اما در میان آنهایی که بالغ هستند. با این حال، این حکمت نه از این جهان است و نه از حاکمان این جهان که نابود می‌شوند.⁷ بلکه از حکمت خداوند در رازی سخن می‌گوییم که مخفی بود و خداوند عصرها قبل برای جلال ما مقدر کرده بود،⁸ که هیچ یک از حاکمان این جهان آن را نمی‌دانند. زیرا اگر می‌دانستند، سرور شکوه و جلال را به صلیب نمی‌کشیدند.⁹ اما همانطور که نوشته شده: آنچه را که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به دل انسان راه نیافته است، هر آن چه خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است،

¹⁰ خدا بر ما از طریق روح آشکار کرده است. زیرا روح همه چیز را، آری، اعماق خدا را کاوش می‌کند. ¹¹ زیرا کیست در میان انسان‌ها که امور انسانی را بداند جز روح انسانی که در او است؟ به همین شکل، امور خدا را کسی جز روح خدا نمی‌داند.¹² اما ما نه روح جهان را بلکه روحی را که از جانب خدا است دریافت کردیم، تا چیزهایی را که آزادانه از سوی خدا به ما عطا شده بشناسیم.¹³ و درباره این امور نیز سخن می‌گوییم اما نه با کلماتی که حکمت انسان می‌آموزد بلکه با کلماتی که روح تعلیم می‌دهد، و امور معنوی را با معنویت ترکیب می‌کنیم.¹⁴ انسان طبیعی آن چه را که متعلق به روح خدا است دریافت نمی‌کند زیرا از نظر او حماقت است و نمی‌تواند آن را بشناسد زیرا این امور با معنویت فهمیده می‌شوند.¹⁵ اما آن کسی که معنوی است همه چیز را قضاوت می‌کند؛ و در نهایت هیچ انسانی او را قضاوت نمی‌کند.

2:6 اگر حاکمان این جهان «محکوم به زوال هستند»، ما نباید به سیاستگذاران امید داشته باشیم، بلکه امیدمان باید به سیاست استقرار ملکوت خدا روی زمین با بازگشت عیسی باشد.

2:9 خدا در ابدیت برای ما جایگاهی فردی «آماده کرده است»؛ هرکدام از ما در خانه جاودان خدا اتاقی برای خود داریم (یوحنا 3-14).

2:13 ما با مقایسه بخش‌های مختلف کلام خدا، که توسط روح‌القدس نوشته شده، حقایق معنوی را با معنویات ترکیب می‌کنیم؛ و با محقق ساختن کارهای روح خدا در زندگیمان، این تجربه را با آموزه‌های کلام روح‌القدس در انجیل ترکیب کرده‌ایم.

2:14 بنابراین، این نباید مایه تعجب ما شود که بسیاری از مردم پیام ما از عیسی به آنها را «درک نمی‌کنند».

2:15 مردم ما را قضاوت می‌کنند؛ اما نگرش ما باید این باشد که این برای ما معنایی دارد و در این صورت است که مورد قضاوت آنها نخواهیم بود.

ایمان آوردید. ⁶ من کاشتم، آپلس آبیاری کرد؛ اما خدا رویانید. ⁷ نه آن کسی که چیزی را می‌کارد، نه آن کسی که آب می‌دهد، بلکه خدا است که می‌رویاند. ⁸ آن که می‌کارد و آن که آب می‌دهد یکی هستند، اما هر کدام بر اساس زحمت خود اجرش را خواهد گرفت. ⁹ زیرا ما همکاران خدا هستیم. شما مزرعه خدا و عمارت خدا هستید.

¹⁰ طبق فیض الهی که به من عطا شد، به عنوان یک سازنده دانا، شالوده را بنا نهادم و دیگری بر روی آن خواهد ساخت. اما هر انسانی باید مواظب باشد که چگونه آن را بنا می‌کند! ¹¹ زیرا هیچ کس نمی‌تواند شالوده‌ای غیر از آن شالوده‌ای بنا کند که از قبل بنا نهاده شده، یعنی عیسی مسیح. ¹² اما اگر کسی بر آن شالوده، طلا، نقره، سنگ‌های قیمتی، چوب، گیاه و کاه بنا کند، ¹³ کار هر انسان آشکار خواهد شد. چرا که روز داوری آن را اعلام خواهد کرد، زیرا با آتش آشکار خواهد شد؛ و خود آتش نوع عمل هر انسان را می‌آزماید. ¹⁴ اگر کار هر کسی که بر روی آن بنا نهاده دوام

¹⁶ زیرا کیست که ذهن خداوند را بداند که به او تعلیم دهد؟ اما ما ذهن مسیح را داریم.

پاب 3

رشد معنوی

و من ای برادران، نمی‌توانم مانند انسان‌های معنوی با شما صحبت کنم، بلکه به عنوان انسان‌های نفسانی، به عنوان کودکانی در مسیح با شما سخن می‌گویم. ² من به شما شیر دادم نه غذای جامد. زیرا هنوز قادر به تحمل آن نبودید؛ نه حتی الآن نیز قادر به تحمل آن نیستید. ³ زیرا هنوز نفسانی هستید. زیرا تا وقتی در میان شما حسادت و نزاع هست، آیا نفسانی نیستید و مثل مردم رفتار نمی‌کنید؟ ⁴ زیرا وقتی یک نفر می‌گوید: من از پولس هستم؛ و دیگری می‌گوید من از آپلس هستم. آیا صرفاً انسانی بیش نیستید؟

⁵ پس آپلس کیست؟ و پولس کیست؟ خادمانی که هر کدام به همان اندازه‌ای که سرور به آنها عطا نموده است، به وسیله آنها

3:2 وقتی تعمید داده می‌شویم، دوباره متولد می‌شویم (یوحنا 3:3-5)؛ در معنای معنوی ما نوزاد هستیم و با شیر کلام خدا، آموزه‌های اساسی انجیل، تغذیه شده و رشد می‌کنیم؛ اما به بلوغ که می‌رسیم، به گوشت کلام او خواهیم رسید. اما قرن‌تیان به بلوغ نرسیده بودند.

3:8 کاری که ما برای دیگران می‌کنیم، پاداشی جاودان برایمان خواهد داشت - برخلاف کاری که در زندگی و حرفه‌ای جدا از دینمان انجام می‌دهیم.

3:9 پولس خدا را به یک همکار در ساختمان یا مزرعه تشبیه می‌کند؛ این نشان دهنده فروتنی خدا است که آماده است همراه ما در تلاش برای کمک به دیگران در راه ملکوت او کار کند.

چیز از آن شما است.²² چه پولس، آپلس، کیفا، یا جهانیان، یا زندگی، یا مرگ، یا هر چه اکنون هست و هر چه در آینده خواهد بود- همه از آن شما هستند.²³ و شما از آن مسیح هستید و مسیح از آن خدا است.

باب 4

مبشران دانا

هر کس ما را خادمان مسیح و مبشران اسرار خدا می‌داند.² علاوه بر این، برای مبشران لازم است که وفادار باشند.³ اما برای من اهمیت ناچیزی دارد که از سوی شما یا هر کس دیگری مورد قضاوت واقع شوم. من حتی در مورد خودم نیز قضاوت نمی‌کنم.⁴ زیرا در وجدان خود چیزی علیه خودم نمی‌بینم. با این حال عادل شمرده نمی‌شوم؛

بیاورد، پاداش دریافت خواهد کرد.¹⁵ اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید؛ اما خودش نجات خواهد یافت، مانند کسی که از میان آتش گذشته است.¹⁶ آیا نمی‌دانید که شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟¹⁷ اگر کسی معبد خدا را نابود سازد، خدا او را نابود خواهد ساخت. زیرا معبد خدا مقدس است؛ و شما نیز چنین هستید.

¹⁸ هیچ کس نباید خودش را فریب دهد. اگر کسی فکر می‌کند که در این جهان دانا است، نادان بشود تا دانا شود.¹⁹ زیرا حکمت این جهان نزد خدا نادانی است. زیرا نوشته شده: حکیمان را در مکر خودشان گرفتار می‌سازد.²⁰ و باز می‌گوید: خداوند می‌داند که برهان حکیمان باطل و بیهوده است.²¹ بنابراین هیچ کس در انسان فخر نکند. زیرا همه

3:15 اگر آنها که ما به دین جذب می‌کنیم یا تلاش می‌کنیم مؤمن شوند، دین را ترک کنند، خود ما رستگار می‌شویم، اگرچه ما نیز باید از آتش آزمون داوری نهایی عبور کنیم.

3:23 عیسی حتی پس از عروجش «متعلق به خدا» است و پس خود خدا نیست.

4:1 همان طور که از حکایات مسیح می‌آموزیم، به تمام ما استعدادها و برکات خاصی داده شده که باید وفادارانه در خدمت خدا به کار گرفته شود. اگر از آنها استفاده نکنیم، یا آنها را در راستای منافع شخصی زندگیمان به کار بگیریم، پس خادمین وفاداری نیستیم.

4:3 این حقیقت که ما تحت داوری خدا خواهیم بود، چنان پراهمیت است که معنایش این است: هرچه مردم معمولی در این دنیا ما را داوری کنند، کوچکترین اهمیتی برای ما ندارد.

4:4 در یک معنا، وجدان ما حائز اهمیت است. اما حتی اگر وجدانمان در مورد چیزی پاک باشد، به این معنا نیست که حق با ماست. ما در برابر داوری خدا می‌ایستیم؛ در روز آخر، وجدان ما از ما خارج نمی‌شود که آنجا ایستاده و ما را داوری کند. ما براساس پاسخ‌هایمان به کلامی که عیسی گفته است، مورد داوری قرار می‌گیریم (یوحنا 12:48)؛ و در بعضی موارد، وجدان مقصر است.

کنیم.⁹ زیرا گمان می‌کنم که خدا ما حواریون را آخر از همه فرستاد مانند مردانی که محکوم به مرگ هستند. زیرا ما تماشاگاهی برای عالم، هم برای فرشتگان و هم برای مردم شده‌ایم.¹⁰ ما به خاطر مسیح ابله هستیم، اما شما در مسیح دانا هستید. ما ضعیفیم اما شما قوی هستید. شما جلال دارید، اما ما خوار و ذلیل هستیم.¹¹ حتی تا به این ساعت هم گرسنه‌ایم و هم تشنه و برهنه و کوبیده و جایی برای سکونت نداریم؛¹² ما زحمت می‌کشیم و با دستان خود کار می‌کنیم. ناسزا می‌شنویم و برکت می‌طلبیم. آزار می‌بینیم و تحمل می‌کنیم.¹³ بدنام گردیده، خواهش و تمنا می‌کنیم. ما مانند زباله جهان، و پس‌مانده زمین گشته‌ایم تا کنون نیز این‌چنین هستیم.

¹⁴ این‌ها را نه برای شرمساری شما بلکه به این خاطر می‌نویسم که به شما مانند فرزندان عزیزم دلگرمی بدهم.¹⁵ زیرا هر چند ده هزار استاد در مسیح داشته باشید، پدران زیادی

بلکه آن کسی که من را قضاوت می‌کند سرور است.⁵ بنابراین، پیش از وقت، من را محکوم به چیزی نکنید تا سرور بیاید که امور پنهان تاریکی را روشن خواهد ساخت و حرف دل‌ها را آشکار خواهد کرد؛ و سپس هر کسی از خدا تحسین خود را خواهد گرفت.

⁶ برادران، این‌ها را به خاطر شما به خودم و آپلس نسب داده‌ام. تا از ما بیاموزید که از آنچه نوشته شده فراتر نروید، تا هیچ یک از شما نسبت به دیگری به خود نیال.⁷ زیرا کیست که شما را متفاوت می‌سازد؟ و چه دارید که دریافت نکردید؟ اما اگر آن را دریافت کردید، چرا طوری فخر می‌کنید که گویی آن را دریافت نکرده‌اید؟

صلاحیت پولس برای تعلیم به

قرن‌تیان

⁸ اکنون سیر شده‌اید، ثروتمند شده‌اید، و بدون ما سلطنت می‌کنید. آری، و امیدوارم که حقیقتاً سلطنت کنید تا ما نیز با شما سلطنت

4:5 دآوری درست یعنی در نظر گرفتن عمیق‌ترین انگیزه‌های یک فرد. پس وقتی آنها برای ما و اغلب خود آن افراد قابل دیدن نیستند، ما نمی‌توانیم دیگران را دآوری/محکوم کنیم؛ باید این را تنها به خدا واگذار کنیم. این بدین معنا نیست که نمی‌توانیم نظری هم داشته باشیم - در این صورت حتی نخواهیم توانست درست را از نادرست تشخیص دهیم. اما نباید در مورد دآوری نهایی خدا بر فردی پیش‌دآوری کنیم.

4:10 تصمیماتی که ما به دلیل دانشمان از عیسی می‌گیریم اغلب باعث می‌شوند در چشم افراد بی‌ایمان جاهل جلوه کنیم. اما آیا ما به چشم آنها جاهل به نظر می‌رسیم یا اغلب درست مانند آنها عمل می‌کنیم؟

4:15 کسانی که ما به سمت عیسی می‌آوریم، فرزندان معنوی ما هستند، و ما باید همواره تا زمانی که زنده هستیم از آنها مراقبت کنیم؛ و همچنین باید به کسانی که ما را به سمت عیسی آورده‌اند، مانند والدین خود، احترام بگذاریم.

غیریهود هم وجود ندارد؛ که شخصی زن پدر خود را داشته باشد.² بجای ندامت، احساس غرور هم می‌کنید. این شخص را که چنین کاری کرده است از میان خود بیرون کنید.³ زیرا من، اگرچه در جسم غایبم، اما در روح حاضرم، بر کسی که این کار را کرده است حکم کرده‌ام،⁴ به شما دستور می‌دهم که به نام سرورمان عیسی، وقتی دور هم جمع هستید (و در این هنگام روح من بین شما حاضر است)، با قدرت سرورمان عیسی،⁵ این شخص را تحویل شیطان دهید تا جسمش به هلاکت برسد، و روح در روز سرور عیسی نجات یابد.

⁶ فخرورزی شما خوب نیست. آیا نمی‌دانید که کمی خمیرمایه، تمام خمیر را مخمر می‌سازد؟⁷ خود را از خمیرمایه کهنه پاک کنید تا خمیر تازه باشید، همانطور که الان در واقع هستید. زیرا برهی فصیح ما مسیح در راه ما قربانی شده است.⁸ پس بیاید عید را نگاه داریم، نه با خمیرمایه کهنه و نه با خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه با نان ساده دلی و راستی که خمیری ندارد.

نخواهید داشت. زیرا من بودم که در مسیح عیسی، از طریق بشارت انجیل شما را به وجود آوردم.¹⁶ بنابراین از شما می‌خواهم که از من تقلید کنید.¹⁷ به همین منظور تیموتائوس را نزد شما فرستادم که فرزند عزیز و وفادار من در خداوند است که راه‌های من را که در عیسی است به شما یادآور خواهد شد، همان طور که من همه جا در هر کلیسای تعلیم می‌دهم.¹⁸ بعضی تکبر می‌کنند گویی قرار نبود نزد شما بیایم.¹⁹ اما من به زودی به سوی شما خواهم آمد، اگر خداوند اراده کند، و نه حرف این متکبران بلکه قدرتشان را کشف خواهم کرد.²⁰ زیرا ملکوت خداوند در حرف نیست بلکه در قدرت است.²¹ شما کدام را ترجیح می‌دهید؟ آیا با چوب نزد شما بیایم یا با عشق و روح مهربانی؟

پاب 5

موردی از بی‌اخلاقی جنسی
در حقیقت، گزارش شده که در میان شما بی‌اخلاقی جنسی رخ داده است، و این بی‌اخلاقی در میان ملل

5:2 قوانین کلیساهای محلی گاهی در موارد بی‌اخلاقی جدی مانند این ضروری هستند. اما هدف این است که آنها از طریق این فرآیند نجات یابند (آیه 5). ما نباید تنها به دلیل اختلافات فردی یا خشم، کسی را دور کنیم، بلکه این کار باید تنها از روی عشق و میل به نجات آنها و دیگران باشد.

5:5 برداشت معمول از «شیطان» اینجا شکسته می‌شود؛ چون دشمن [شاید در این مورد مقامات محلی رومی] پیرو اراده خدا در رستگاری مردم ایفای نقش می‌کند.

5:6 خمیرمایه یا مخمر که در کلیسا بر دیگران تأثیر منفی می‌گذاشتند، تنها افراد منحرف جنسی نبودند؛ بلکه به «بدخواهان» نیز اشاره دارد (آیه 8). قانون کلیسا در این مورد حامیانه بود - تا تأثیر منفی بر دیگران وارد نشود.

نه قدیسان ببرد؟² یا نمی‌دانید که قدیسان دنیا را داوری خواهند کرد؟ و اگر دنیا را شما داوری کنید، آیا سزاوار داوری بر مسائل کوچکتر را ندارید؟³ آیا نمی‌دانید که ما بر فرشتگان داوری خواهیم کرد؟ تا چه برسد به امور مربوط به این زندگی؟⁴ پس اگر باید بر مسائل مربوط به این زندگی داوری کنید، آن را به قاضی‌هایی بسپارید که مقام بالایی در کلیسا ندارند.⁵ این را می‌گویم تا شما را خجالت‌زده کنم. عجب! آیا در میان شما یک نفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟⁶ بلکه همانطور که الان مشخص است، برادر با برادر به محاکمه می‌رود- و آن هم نزد بی‌ایمانان!⁷ نه، الان در شما قصوری است که با یکدیگر مرافعه دارید. چرا در عوض مظلوم واقع نشوید؟ چرا در عوض فریب نخورید؟⁸ نه، اما شما به برادران خود ظلم می‌کنید و آنها را فریب می‌دهید.⁹ یا آیا نمی‌دانید که ظالمان

⁹ در نامه خودم به شما نوشتم که با زناکاران معاشرت نکنید.¹⁰ منظورم زناکاران این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت‌پرستان نبود. زیرا برای این منظور باید از دنیا بیرون روید.¹¹ اما الان به شما می‌نویسم که اگر کسی که برادر نامیده می‌شود، زناکار یا طمعکار یا بت‌پرست یا فحاش یا میگسار یا ستمگر باشد، با چنین شخصی معاشرت نکنید و حتی غذا هم نخورید.¹² زیرا من چه کاری دارم که برای آنانی که خارج‌اند قضاوت کنم. آیا شما برای اهل داخل قضاوت نمی‌کنید؟¹³ اما برای آنهایی که خارج‌اند خدا داوری خواهد کرد. پس آن شخص شرور را از میان خود بیرون کنید.

باب 6

مومنان را نزد قانون نبرید
آیا کسی از شما اگر مسئله‌ای با همسایه‌اش داشته باشد، جرات دارد که موضوع را نزد ظالمان و

5:11 با یکدیگر غذاخوردن در قرن اول نشانه پذیرش و رفاقت بود. عیسی با تمام گناهکاران غذا می‌خورد تا آنها را به سمت خداوند بیاورد؛ او به این دلیل که مردم در سطح معنوی او نبودند، از غذا خوردن با آنها امتناع نمی‌کرد.

6:1 بنابراین، نباید دیگر ایمانداران را به دادگاه بکشانیم؛ بلکه باید سعی کنیم مسائل را از طریق واسطه‌گری انسان‌های دانا و فروتن کلیسا حل نماییم، حتی کسانی که در میان ما جایگاهی ندارند.

6:7 ما باید زبان کلاهبرداری را تحمل کنیم تا اینکه دیگران را به دادگاه بکشیم؛ ما در یک عصر دادخواهی زندگی می‌کنیم و تهدیدات حقوقی هرگز به این اندازه نبوده، و ما نباید در این میان گیر کنیم.

6:8 کشیدن برادری به دادگاه به دلیل کلاهبرداری از شما در واقع [در چشم خدا] برای کلاهبرداری از آنها است؛ پس تصویر بهتری نسبت به آنها از خودتان نشان نمی‌دهید و در نتیجه خود را محکوم می‌سازید.

آیا نمی‌دانید که هر که با فاحشه بپیوندد، با او یکتن می‌شود؟ زیرا کتاب مقدس می‌گوید: هر دو یک تن خواهند بود.¹⁷ اما کسی که با خداوند بپیوندد یک روح است.¹⁸ از زنا بگریزید. هر گناهی که انسان می‌کند بیرون از بدن است، اما کسی که مرتکب زنا می‌شود بر بدن خود گناه می‌ورزد.¹⁹ یا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است، که از خدا یافته‌اید؟ و شما متعلق به خود نیستید؟²⁰ زیرا که به قیمتی خریده شدید. پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید، چون متعلق به خدا است.

پاپ 7

پاسخ پولس به سوالات درباره

تجرد

و اما درباره چیزهایی که برای من نوشتید. بهتر است که یک مرد به زنی دست نزنند.² اما چون فساد

وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟ فریب مخورید. زیرا فاسقان و بت‌پرستان و زناکاران و مخنیان و لواط‌کاران،¹⁰ و دزدان و طمع‌کاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.¹¹ و بعضی از شما چنین بودید؛ اما غسل کردید و مقدس شدید و به نام سرور عیسی و به روح خدای ما عادل شدید.

¹² همه چیز برای من جایز است، اما همه چیز مفید نیست. همه چیز برای من جایز است، اما نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد.¹³ غذا برای شکم است و شکم برای غذا، اما خدا این و آن را فانی خواهد ساخت. اما جسم برای زنا نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند برای جسم.¹⁴ و خدا سرور را برخیزانید و ما را نیز با قدرت خود خواهد برخیزانید.¹⁵ آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ پس می‌خواهید اعضای مسیح را بردارم و آنها را اعضای یک فاحشه گردانم؟ خدا نکند.¹⁶

6:9 اگر باور داشته باشیم که شیران اجازه ورود به ملکوت خدا را نخواهند داشت، به اندازه کافی آرامش خاطر خواهیم یافت. این تنها داوری است که اهمیت دارد و ما نیز نباید آنها را در این زندگی به داوری انسانی بکشیم. ما با اجتناب از این کار، ایمانمان به داوری خدا را نشان می‌دهیم (رجوع کنید به 4:3,4).

6:11 شسته شده ... در نام- اشاره‌ای به تعمید. ما نیز [ذاتاً] مرتکب گناهانی می‌شویم که دیگران را به خاطرشان به دادگاه می‌آوریم. اما سخاوتمندانه در نتیجه تعمیدمان، بخشیده شده‌ایم. پس باید نسبت به آنها نیز بخشاینده باشیم.

6:12 عیسی فهرستی طولانی از کارهایی که باید و نباید انجام دهیم را به ما نداده است. پرسش این نیست که «از چه راهی می‌توانم جان سالم به در برم؟» بلکه این است که «انتخاب عالمانه/ مناسب کدام است؟»

6:16 عمل جنسی توسط خدا انجام می‌شود تا دو تن را «یکی» کند. استفاده از آن از راه‌های دیگر گناهی است عظیم.

7:2 پولس اغلب یک استاندارد ایده‌آل را تعریف می‌کند و البته از تصدیق ضعف انسان

می‌گویم: بهتر است که آنها مانند من زندگی کنند.⁹ اما اگر بر خود تسلط ندارید، ازدواج کنید. ازدواج بسیار بهتر از سوختن است.

¹⁰ اما به کسانی که ازدواج کرده‌اند چنین دستوری می‌دهم؛ نه که من بلکه، خداوند چنین دستوری می‌دهد: که زن نباید شوهرش را ترک کند.¹¹ (اما اگر جدا شود، باید مجرد باقی بماند یا با شوهرش صلح کند) و شوهر نباید زن خود را ترک کند.

¹² اما من و نه خداوند، به بقیه چنین می‌گویم: اگر برادری، زنی بی‌ایمان دارد و آن زن راضی به زندگی با او باشد، نباید زنش را ترک کند.¹³ و زنی که شوهری بی‌ایمان دارد و آن مرد راضی به زندگی با او است، نباید شوهرش را ترک کند.¹⁴ زیرا شوهر بی‌ایمان به وسیله این زن مقدس می‌شود و زن بی‌ایمان به وسیله این برادر مقدس می‌شود.

بسیار وجود دارد، هر مردی باید همسر خودش را داشته باشد و هر زنی شوهر خودش را.³ شوهر وظایفش نسبت به زنش را باید انجام دهد و زن نیز به همین شکل باید وظایفش را نسبت به شوهرش انجام دهد.⁴ زن قدرتی بر بدن خود ندارد، اما شوهر دارد. و به همین شکل، شوهر نیز قدرتی بر بدن خود ندارد اما همسرش دارد.⁵ یکدیگر را محروم نسازید مگر برای مدتی مورد توافق تا خود را وقف دعا کنید و سپس دوباره به هم بپیوندید تا شیطان شما را به خاطر عدم خویشتنداری وسوسه نکند.

⁶ اما این را به عنوان یک امتیاز به شما می‌گویم نه یک حکم.⁷ با این حال می‌خواهم همه انسان‌ها مثل من باشند. ولی هر انسانی نعمت خاص خود را از خدا دارد، یکی به این شکل و دیگری به شکل دیگر.⁸ اما به مجردان و بیومرزان

توسط خدا نیز آگاه است. بنابراین، او زندگی مجردی را توصیه می‌کند اما ازدواج را می‌پذیرد؛ در ازدواج نباید جدایی باشد، اما اگر بود، دیگر مجرد بمانید (آیه 11).

7:5 شهوت درونی ما است که ما را وسوسه می‌کند، نه یک موجود فراطبیعی. میل درونی به روابط جنسی ممنوعه دشمن/شیطان واقعی ما است.

7:7 هم ازدواج و هم تجرد هدایایی از خدا هستند. اما بسیاری از افراد مجرد آرزوی ازدواج دارند و برخی متأهل‌ها نیز می‌خواهند بار دیگر مجرد باشند؛ با این فکر که در گروه دیگر بهتر می‌توانند به خدا خدمت کنند. اما در هر شرایطی که باشید، هدیه‌ای از خدا در اختیار شما است که باید از آن استفاده کنید.

7:12 من، نه خداوند- هرچه پولس نوشت با الهام روح خدا بود. با این حال، اغلب، او آموزه‌هایی را تکرار می‌کند که سرورمان عیسی هم قبلاً داده است (آیه 10). با این وجود، اکنون پولس به ما چیزی می‌گوید که توسط روح به او الهام شده و در آموزه‌های مسیح دیده نمی‌شود.

7:14 اعضای خانواده ما که ایمان ندارند یا بالغ نیستند، تا اندازه‌ای در ما «تقدیس می‌شوند». این انگیزه‌ای است که خودمان به خدا وفادار باشیم.

آن کسی که هنگام دعوت شدن به خداوند برده بود، انسان آزاد خداوند است. به همین شکل، آن کسی که هنگام دعوت شدن آزاد بود، برده مسیح است.²³ شما به قیمت زیادی خریده شدید. برده انسان‌ها نشوید.²⁴ ای برادران، هر کس در هر حالتی که دعوت شده باشد، در همان حالت نزد خدا بماند.

²⁵ اما درباره باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم؛ اما چون از خداوند رحمت یافت‌م که امین باشم، نظرم را بیان می‌کنم.²⁶ بنابراین به نظر من به خاطر پریشانی کنونی که ما را دربرگرفته، هر کس باید همان طور که هست بماند.²⁷ آیا به یک زن مقید هستید؟ سعی در جدایی نداشته باشید. آیا از زنی جدا شده‌اید؟ دیگر به دنبال همسر نگردید.²⁸ اما اگر ازدواج کنید، گناه نکرده‌اید، و اگر یک دختر باکره ازدواج کند، گناه نکرده است. اما این افراد در جسم آزار و اذیت خواهند دید و من می‌خواهم شما را از این رها کنم.

وگرنه فرزندان شما ناپاک بودند؛ اما اکنون آنها مقدس هستند.¹⁵ اما اگر شخص بی‌ایمانی بخواهد جدا شود، بگذارید جدا شود. برادر یا خواهر در چنین مواردی مقید نیست؛ بلکه خدا ما را به صلح دعوت کرده است.¹⁶ زیرا ای زن، از کجا می‌دانی که آیا شوهرت را نجات خواهی داد یا نه؟ یا ای شوهر، از کجا می‌دانی که آیا زنت را نجات خواهی داد یا نه؟

¹⁷ هر کسی فقط به همان اندازه که خداوند برای هر کسی مقدر کرده و هر کسی را دعوت نموده رفتار کند. و من در همه کلیساها چنین امر می‌کنم.¹⁸ آیا مرد مختونی، دعوت شده است؟ او نباید نامختون گردد. آیا مرد نامختونی دعوت شده است؟ او نباید مختون نشود.¹⁹ ختنه شدن و نامختون بودن اهمیتی ندارد. بلکه رعایت احکام الهی از همه چیز مهمتر است.²⁰ هر کسی در همان حالتی که دعوت شده بماند.²¹ آیا وقتی دعوت شدید، برده بودید؟ نگران نباشید، اما اگر می‌توانید آزاد شوید، حتماً خود را رها کنید.²² زیرا

7:16 اگرچه خدا انسان‌ها را از طریق عیسی نجات می‌دهد، این کار را به ما سپرده است. یک ایماندار می‌تواند فرد دیگری را نجات دهد؛ این تشویق بزرگی است برای ازدواج با یک بی‌ایمان و اشاعه انجیل.

7:17 در همه کلیساها. این آموزه پولس برای این کلیسا، الهام خدا بود؛ لذا به فراتر از آن یک کلیسا مرتبط بوده و الزام می‌شود. بنابراین، نامه‌های او تنها اسناد تاریخی نیستند، بلکه صدای خدا برای تمام ایمانداران در تمام اعصار هستند. البته که ما در مکان، زمان و جغرافیای متفاوتی زندگی می‌کنیم، اما اساس آموزه خدا به واسطه او در مورد تمام ما اعمال می‌شود.

20, 23: 7 اگر می‌توانید آزادی خود را بدست آورید ... غلام مشوید. شاید به تلاشی مربوط باشد که برای ارتقای شغلی یا اشتغال انجام می‌دهیم و ما را برده ساخته و از چیزهایی خدایی دور می‌کند.

خدمت به خداوند بدون

دل مشغولی

²⁹ اما ای برادران این را می‌گویم چون وقت تنگ است و از این زمان به بعد، کسانی که زن دارند، به گونه‌ای باشند که گویی زنی نداشته‌اند،³⁰ و کسانی که عزادارند به گونه‌ای که گویی عزاداری نکرده‌اند، و کسانی که شادی می‌کنند، به گونه‌ای که شادی نکرده‌اند، و کسانی که خریداری می‌کنند، به گونه‌ای باشند که صاحب چیزی نیستند.³¹ و کسانی که از جهان استفاده می‌کنند، به گونه‌ای باشند که از آن به طور تمام عیار بهره نمی‌برند. زیرا شکل این جهان گذرا است.

³² اما دوست دارم شما از نگرانی‌ها رها باشید. مرد مجرد به امور خداوند می‌اندیشد که چگونه خداوند را خشنود کند.³³ اما مرد متأهل به امور دنیوی می‌اندیشد که چگونه زنش را خشنود کند،³⁴ و بدین ترتیب او به دو سمت تقسیم می‌شود. زن مجرد یا باکره درباره امور خداوند مضطرب است تا بتواند هم در بدن و هم در روح مقدس باشد؛ اما زن متأهل درباره امور دنیوی مضطرب است و این که چگونه شوهرش را

خشنود سازد.

³⁵ و من این را برای خوبی خودتان می‌گویم. نه این که دامی برای شما بیندازم بلکه برای این که آن چه شایسته است انجام دهید و بدون دل مشغولی به خداوند خدمت کنید.³⁶ اما اگر کسی فکر می‌کند که رفتار نامناسبی با دختر خود دارد، اگر او از سن بلوغ خود گذشته و اگر لازم است، باید آن کاری را بکند که می‌خواهد. در این صورت گناه نکرده است. بگذارید که ازدواج کنند.³⁷ اما اگر در دل خود استوار است، هیچ ضرورتی ندارد بلکه هوس خود را تحت سلطه خویش درآورده است و در دل خود مصمم است که او را باکره نگه دارد؛ باید چنین کند.³⁸ زیرا آن کسی که دختر باکره خود را شوهر دهد، کار نیکی می‌کند و آن کسی که از ازدواج دخترش می‌پرهیزد کار نیکوتری کرده است.³⁹ یک زن تا وقتی شوهرش زنده است به او مقید است؛ اما اگر شوهر بمیرد، زن آزاد است تا با هر کسی که برمی‌گزیند ازدواج کند. اما فقط در خداوند.⁴⁰ اما به نظر من، آن زن خوشبخت‌تر است اگر همان طور که هست بماند. و من یقین دارم که من نیز دارای روح خداوند هستم.

7:36 آیات 40-7:26 اظهارنظرهای پولس در مورد یک وضعیت خاص در قرن س

است - او دارد در پاسخ به بسیاری از مواردی که قرن تیان از او پرسیده بودند، می‌نویسد (آیه 1). ما تنها پاسخ‌های او را می‌خوانیم، بدون اینکه بدانیم پرسش‌ها چه بوده است.

7:39 ازدواج تا آخر عمر است. در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر، این اصل به اندازه امروز مورد حمله واقع نشده است. ازدواج برای ایمانداران یعنی تنها «در خداوند» بودن - برای کسانی که در او تعمید داده شده‌اند.

7:40 به نظر من - در یونانی گفته می‌شود «مطمئنم که...».

پاب 8

غذاهای تقدیم شده به بُت‌ها

و اما درباره چیزهایی که برای بُت‌ها قربانی می‌شوند. می‌دانیم که همه ما دانش داریم؛ اما دانش باعث غرور می‌شود اما محبت بنا می‌کند.² اگر کسی فکر می‌کند که همه چیز را می‌داند، هیچ چیزی را آن طور که باید بداند، نمی‌داند.³ اما اگر کسی خدا را دوست بدارد، از سوی خدا شناخته می‌شود.

⁴ بنابراین درباره خوردن غذاهایی که برای بُت‌ها قربانی می‌شود، می‌دانیم که هیچ بُتی وجود ندارد و هیچ خدایی به جز خدای یکتا نیست.⁵ زیرا گرچه آنها نیز خدایان نامیده می‌شوند، خواه در آسمان خواه در زمین، چرا که خدایان و

سروران بسیاری وجود دارد،⁶ اما برای ما فقط یک خدای یکتا وجود دارد، یعنی پدر که همه چیز به او تعلق دارد و ما برای او همه چیز هستیم؛ و یک سرور وجود دارد، یعنی عیسی مسیح که همه چیز به خاطر او است و ما نیز به خاطر او وجود داریم.

⁷ با این حال، این دانایی در همه مردم وجود ندارد، بلکه برخی تا کنون به بت خو گرفته‌اند، غذاهایی که برای یک بت قربانی می‌شوند می‌خورند و وجدان آنها که ضعیف است آلوده می‌شود.⁸ اما غذا باعث ستودن ما از سوی خدا نمی‌شود. نه با نخوردن غذا بدتر می‌شویم. و نه با خوردن آن بهتر.⁹ اما مواظب باشید که مبادا به هر طریقی این

8:1 ما می‌توانیم از دانش، از جمله دانش معنوی، استفاده اشتباه بکنیم - حتی اگر خود آن دانش به صورت نظری درست باشد. اگر با عشق زندگی کنیم، نگرانی‌مان اصلاح و پرورش دیگران است و از این حکمت به درستی و با حساسیت استفاده خواهیم کرد.

8:3 نکته شگفت این است که خدا ما را می‌شناسد؛ نه به اندازه دانش محدودی که ما از او داریم.

8:4, 5 برخلاف باورهای عام آن زمان، آموزه پولس این است که بت‌ها وجود ندارند. او بت‌ها را «دیوها» می‌خواند (10:21)؛ مردم باور داشتند دیوها نیم‌خدایانی هستند، و بت‌های آنها را روی زمین می‌ساختند. قرن‌تینان وسوسه شده بودند که هم خدا را بپرستند و هم دیوها/بت‌ها را. پولس به روشنی اعلام می‌کند که دیوها وجود ندارند؛ زبانی که در عهد جدید برای «توصیف دیوها» استفاده شده همان زبانی است که در آن زمان برای شرح بیماری‌های ناشناخته [اغلب روانی] استفاده می‌شد.

8:6 تنها خدا، خدای پدر است. نظریه کذب تثلیث ادعا دارد که یک خدا در قالب سه نفر وجود دارد که یکی از آنها «خدای پدر» است. اما انجیل به ما می‌آموزد که تنها خدا، خدای پدر است. بنابراین، عیسی خدا نیست. وجود او به عنوان یک موجود مستقل از خدا در این آیه به روشنی بیان شده است.

8:9 ما آزاد هستیم هر آنچه می‌خواهیم بخوریم؛ اما تصمیمات ما باید همواره تحت تأثیر این دغدغه باشد که به عنوان الگو چه تأثیری بر افراد کم‌ایمان‌تر خواهیم گذاشت. این اصلی است که باید اغلب در تصمیم‌گیری‌هایمان به کار بگیریم. «از نظر من

³ دفاع من در برابر کسانی که من را می‌آزمایند این است: ⁴ آیا ما حق خوردن و آشامیدن نداریم؟ ⁵ آیا ما حق نداریم مانند بقیه حواریون و برادران سرور و کیفا زن مومنی داشته و با خود همراه کنیم؟ ⁶ یا آیا من و برنابا تنها کسانی هستیم که حق ندارند برای امرار معاش کار کنند؟ ⁷ کدام سرباز است که به خرج خود خدمت می‌کند؟ کیست که در تاکستانی بکارد و میوه آن را نخورد؟ یا کیست که به گله‌ای غذا بدهد و از شیر گله ننوشد؟ ⁸ آیا این‌ها را بر اساس اعمال انسانی می‌گوییم؟ یا شریعت نیز چنین می‌گوید؟ ⁹ زیرا در شریعت موسی نوشته شده: وقتی گاو خرمن را می‌کوبد دهانش را نبند. آیا خدا به گاوها اهمیت می‌دهد، ¹⁰ یا آیا این را کلاً به خاطر ما گفت؟ آری، به خاطر ما چنین نوشته شده بود. زیرا کسی که شخم می‌زند باید با امید شخم بزند و آن کسی که خرمن کوبی می‌کند امید دارد که در برداشت محصول سهمی داشته باشد. ¹¹ اگر دانه‌های معنوی را برای شما کاشتیم، آیا امر بزرگی است که مادیات شما را برداشت کنیم؟ ¹² اگر دیگران چنین حق را از شما

آزادی شما باعث لغزش ضعیفان شود. ¹⁰ زیرا اگر کسی ببیند که شمایی که دانا هستید در معبد یک بت غذا می‌خورید، آیا وجدان او اگر ضعیف باشد برای خوردن چیزهایی که برای بت‌ها قربانی می‌شود تشویق نمی‌گردد؟ ¹¹ زیرا به وسیله دانایی شما، آن که ضعیف است یعنی برادری که به خاطر او مسیح جان داد، نابود می‌شود. ¹² و از این رو، با گناه کردن در قبال مومنان و آسیب رساندن به وجدان آنها وقتی ضعیف است، در قبال مسیح گناه کرده‌اید. ¹³ بنابراین، اگر غذا باعث لغزش برادرم می‌شود، دیگر هیچ گوشتی را نخواهم خورد تا باعث لغزش برادرم نشوم.

باب 9

نظر پولس درباره حقوق یک

خادم

آیا آزاد نیستم؟ آیا حواری نیستم؟ آیا عیسی، سرورمان را ندیده‌ام؟ آیا شما اعمال من در سرور نیستید؟ ² اگر از دید دیگران من حواری نیستم، حداقل از دید شما هستم. زیرا شما مَهر رسالت من در سرور هستید.

مشکلی ندارد ... برای من درست است»، یک روحیه خودپسندی معنوی است. ما تأثیری بسیار بیشتر از آنچه فکر می‌کنیم بر دیگران داریم. اگر باعث شویم پای فرد دیگری بلغزد، آنگاه در برابر عیسی گناهکاریم و مرگ او برای آن فرد بیهوده تلقی می‌شود (آیات 12، 13). پس آنچه ممکن است برای ما گناهی شخصی نباشد، تبدیل به گناه می‌شود، اگر باعث لغزش دیگران شده باشد.

9:5 همسری ایماندار- بار دیگر پولس تأکید می‌کند که ازدواج تنها باید با یک ایماندار باشد (7:39).

9:12 اینجا مثالی را می‌بینیم از اینکه چگونه می‌توانیم در سطوح مختلف، زندگی

¹⁷ زیرا اگر این کار را از روی اراده خودم کنم، پاداش خواهم گرفت؛ اما اگر بر خلاف اراده‌ام باشد، پس واضح است که چنین ماموریتی به من سپرده شده است. ¹⁸ پس پاداش من چیست؟ این که وقتی انجیل را موعظه می‌کنم، انجیل را بدون هزینه‌ای تقدیم می‌کنم و از حق خود در انجیل استفاده نمی‌کنم.

همه چیز برای همه مردم
¹⁹ زیرا گرچه از همه آزاد بودم، خودم را خادم همه کردم تا بیشتر به دست بیاورم. ²⁰ و برای یهودیان یهودی شدم تا یهودیان را به دست بیاورم. و برای کسانی که طبق شریعت زندگی می‌کنند، (گرچه مقید به شریعت نیستم) مانند کسی شدم که اهل شریعت است، تا کسانی را که تابع شریعت هستند

مطالبه می‌کنند، آیا ما حق بیشتر از این نداریم؟ با این حال، ما از این حق استفاده نکردیم بلکه همه چیز را تحمل می‌کنیم تا مانعی بر سر راه بشارت مسیح نباشیم. ¹³ آیا نمی‌دانید کسانی که در معبد زحمت می‌کشند غذای خود را از معبد می‌گیرند و آنهایی که در محراب خدمت می‌کنند سهم خود را از آن چه در محراب قربانی می‌شود می‌گیرند؟ ¹⁴ همچنین خداوند مقرر کرد کسانی که بشارت را اعلام می‌کنند باید از راه بشارت امرار معاش کنند. ¹⁵ اما من از هیچ یک از این‌ها استفاده نکرده‌ام و این‌ها را نمی‌نویسم تا در حق من چنین شود. زیرا برای من بهتر است بمیرم تا این که کسی فخر من را باطل کند. ¹⁶ زیرا اگر انجیل را موعظه می‌کنم، چیزی برای فخر ندارم. چرا که ناچارم. وای بر من اگر انجیل را موعظه نکنم.

معنوی را انتخاب کنیم. برای پولس خطا نبود که به خاطر کارش حقوق دریافت کند و اینجا توضیح می‌دهد که حتی سابقه‌ای در عهد قدیم برای آن وجود دارد- و نیز حدیثی ثبت نشده از عیسی که آن را تعلیم دهد (آیه 14). اما او تصمیم گرفت در سطحی بالاتر عمل کند - و حقوق نگیرد. اگر به راستی خدا را دوست داشته باشیم، تلاش خواهیم کرد تا در بالاترین سطح ممکن به او خدمت کنیم. ما کمینه‌گرا نیستیم، که تنها به آنچه می‌تواند نجاتمان دهد، فکر کنیم.

9:17 پولس می‌گوید یک نشانه اینکه او به درستی برای موعظه انجیل فرا خوانده شده، این است که این کار در طبیعت او نبوده؛ بلکه سالهای سکوت او در عربستان پس از ایمان آوردنش، احتمالاً به دلیل مبارزه‌اش با دستور موعظه بوده است (غلاطیان 1:17). اگر احساس کنیم به اشتراک گذاشتن اخبار خوب عیسی با دیگران کار دشواری است یا «کار من نیست» - در مسیر خوبی هستیم.

9:18 یک تناقض - با نگرفتن دستمزد یا پاداش برای خدماتمان [چه پول باشد چه تقدیر]، در واقع از خدا پاداش می‌گیریم.

9:20 ما نیز باید بدون ریاکاری مانند خود مردم در کارهای آنها درگیر شویم - به جای اینکه با ذهنیت خودمان و بدون توجه به پاسخ آنها، تنها انجیل را موعظه کنیم.

خودم می‌کنم؛ تا مبادا پس از موعظه دیگران خودم نالایق شمرده شوم.

پاب 10

اسرائیل در بیابان خطاری است

برای ما

ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید از این که همه اجداد ما زیر ابر بودند و از دریا عبور کردند،² و همه در موسی در ابر و در دریا تعمید یافتند.³ آنها همه از یک غذای معنوی می‌خوردند،⁴ و از یک آب روحانی می‌نوشیدند. زیرا آنها از یک صخره معنوی که پشت سر آنها می‌آمد نوشیدند؛ و آن صخره معرف مسیح بود.⁵ با این حال، خدا از اکثر آنها ناراضی بود؛ زیرا اجساد آنها در بیابان پراکنده شد.

⁶ این‌ها نمونه‌ای برای ما بودند تا ما نیز در پی کارهای بد نباشیم، آن طور که آنها بودند.⁷ مانند برخی از آنها بت‌پرست هم نباشید؛ همان طور که نوشته شده: قوم نشستند تا بخورند و بنوشند و برخاستند تا به لهُو و لعب بپردازند.⁸ همچنین

به دست آورم.²¹ و برای کسانی که بی‌شریعت هستند، بی‌شریعت شدم، نه این که از خدا نافرمانی کنم، بلکه مقید به شریعت مسیح هستم، تا آنهایی را که بی‌شریعت هستند به دست آورم.²² برای ضعیفان ضعیف گشتم تا ضعیفان را به دست آورم. برای همه مردم همه چیز شدم، تا به طریقی افرادی را نجات دهم.²³ و به خاطر انجیل همه کار می‌کنم تا در آن سهیم باشم.²⁴ آیا نمی‌دانید همه کسانی که در یک مسابقه دو هستند می‌دوند اما فقط یک نفر جایزه را دریافت می‌کند؟ این چنین بدوید تا جایزه را کسب کنید.²⁵ و هر کسی که در ورزش کوشش می‌کند، خویشتن‌داری در همه چیز را تمرین می‌کند. آنها چنین می‌کنند تا تاجی فانی را به دست بیاورند؛ اما ما در صدد تاجی فناپذیر هستیم.²⁶ بنابراین من می‌دوم اما نه با شک و تردید. به همین شکل مبارزه می‌کنم اما نه مانند کسی که به هوا مشت می‌زند.²⁷ بلکه مانند یک ورزشکار، بدنم را نظم می‌بخشم و آن را برده

9:27 تنها این حقیقت که در مورد انجیل به دیگران بگوییم، ما را توجیه نمی‌کند؛ اگر نتوانیم در زندگی شخصی خودمان را کنترل کنیم، هنوز هم ممکن است خدا ما را طرد کند.

10:2 اسرائیل که در مصر برده بودند، نمادی است از ما در این جهان، پیش از تعمید. وقتی اسرائیل از درون دریای سرخ عبور کردند، از دو طرف آنها آب و بالای سرشان هم ابر (و آب) بود. در این معنا، آنها در آب محصور شده بودند - و پولس آن را نمادی از تعمید می‌داند. آنها از دریای سرخ آمدند و مجبور بودند در بیابان راه بروند (زندگی ما در این جهان پس از تعمید)، روزانه از گزانگبین تغذیه کنند (کلام خدا، عیسی) تا وقتی به سرزمین موعود رسیدند (ملکوت خدا روی زمین با بازگشت عیسی). اسرائیل در بیابان تحلیل رفته و می‌خواستند به مصر بازگردند، و ما باید از این مثال درس بگیریم.

متبرک می‌دانیم، آیا سهیم شدن در خون مسیح نیست؟ نانی که تکه تکه می‌کنیم، آیا سهیم شدن در بدن مسیح نیست؟¹⁷ به همین دلیل ما، که بسیار هستیم، یک قرص نان هستیم، یک بدن هستیم؛ زیرا همه ما در یک نان شریک هستیم.

¹⁸ شاهد قوم اسرائیل باشید که در پی جسم است. آیا آنهایی که قربانی‌ها را می‌خورند در محراب شریک نیستند؟¹⁹ پس من چه می‌گویم؟ این که آن چه برای بُت‌ها قربانی شده مهم است یا خود بُت چیز مهمی است؟²⁰ نه، بلکه می‌گویم، آن چه غیریهودیان قربانی می‌کنند، برای دیوها است نه برای خدا؛ و من نمی‌خواهم با دیوها شریک باشید.²¹ شما نمی‌توانید هم پیاله سرور و هم پیاله دیوها را بنوشید. نمی‌توانید هم در سفره سرور و هم سفره دیوها سهیم باشید.²² یا آیا باعث ایجاد غیرت در سرور می‌شویم؟ آیا از او قوی‌تر هستیم؟

²³ همه چیز جایز است، اما همه چیز صلاح نیست. همه چیز مفید نیست.²⁴ هیچ کس نباید به دنبال خیر و نفع خود باشد، بلکه به دنبال نفع همسایه‌اش باشد.

نباید زنا کنیم، چنان که برخی از آنها زنا کردند، و در یک روز بیست و سه هزار نفر مُردند.⁹ همچنین نباید خداوند را بیازماییم، چنان که برخی از آنها آزمودند و به دست افعیان هلاک شدند.¹⁰ و نباید گله و شکایت کنیم، چنان که برخی از آنها شکایت کردند و به دست فرشته نابودگر کشته شدند.

¹¹ این اتفاقات به عنوان درس عبرتی برای آنها رخ داد و این رخدادها برای تعلیم ما نوشته شدند و در اواخر زمان به ما رسیدند.¹² بنابراین آن کسی که فکر می‌کند استوار است، مواظب باشد که سقوط نکند.¹³ هیچ وسوسه‌ای فراتر از وسوسه‌هایی که برای انسان رایج است، شما را دربرنگرفته است. خدا وفادار است و نمی‌گذارد فراتر از توانایی‌تان وسوسه شوید بلکه با وسوسه، راه گریز را نیز در اختیار می‌گذارد تا بتوانید در برابر آن مقاومت کنید.

در بت‌پرستی شرکت نکنید

¹⁴ بنابراین ای عزیزانم، از بت‌پرستی بگریزید.¹⁵ با مردم دانا و حکیم سخن می‌گویم. به چیزی که گفتم فکر کنید.¹⁶ پیاله برکت که آن را

10:13 ممکن است تحمل آزمایشات الهی از عهده ما خارج باشد؛ اما خدا راهی برای فرار به ما می‌دهد. هر زمان گناه کنیم، گناهکار و مسئول هستیم؛ نمی‌توانیم قصورمان را با «اخلاقیات موقعیتی» توجیه کنیم، با این توضیح که شرایط هیچ گزینه دیگری غیر از گناه برایمان نگذاشت. خدا وعده می‌دهد که هرگز اجازه نمی‌دهد چنین چیزی رخ دهد. این راحتی و نیز چالشی بزرگ است.

10:21 دیو نام دیگر بت است - که وجود ندارد، اگرچه بسیاری فکر می‌کنند که وجود دارد (8:45).

را در همه امور خشنود می‌سازم و دنبال نفع خودم نیستم بلکه به فکر نفع بسیاری هستم تا نجات یابند.

پاپ 11

پوشش سر در کلیسا

از من پیروی کنید همان طور که من از عیسی پیروی می‌کنم.
 2 شما را ستایش می‌کنم که در همه چیز من را به خاطر دارید، و سنت‌ها را همان طور که به شما سپردم حفظ می‌کنید. 3 اما دوست دارم بدانید که سر هر مردی مسیح است، سر هر زنی، مرد است، و سر مسیح خدا است. 4 هر مردی که دعا یا نبوت می‌کند، با پوشاندن سر خود، سر خود را رسوا می‌کند. 5 اما هر زنی که با سر برهنه دعا یا نبوت می‌کند، سرش را رسوا می‌کند. زیرا با کسی که سرش را می‌تراشد یکی است و فرقی نمی‌کند. 6 زیرا اگر سر زنی برهنه نباشد، موهایش را هم قیچی کند؛ اما اگر برای زنی مایه شرمساری است که موهایش را قیچی کند یا بتراشد، سرش را بپوشاند. 7 برای مرد لازم نیست سرش را بپوشاند، زیرا او تصویر و

باعث لغزش دیگران نشوید

25 هر چه در بازار گوشت به فروش می‌رسد بدون هیچ شکمی در وجدان بخورید، 26 زیرا زمین و پری آن از آن خداوند است. 27 اگر یکی از بی‌ایمانان شما را به جشنی دعوت کرد شما مایلید که بروید، هر چه جلوی شما می‌گذارند بدون پرسیدن سوال به خاطر وجدانتان بخورید. 28 اما اگر کسی به شما گفت: این به عنوان قربانی بت‌ها تقدیم شده است! به خاطر کسی که این را به شما می‌گوید و به خاطر وجدان، آن را نخورید. 29 اما منظورم وجدان خودتان نیست بلکه وجدان دیگران است. ممکن است کسی بپرسد: چرا آزادی من با وجدان دیگری مورد قضاوت قرار می‌گیرد؟ 30 اگر غذایم را با شکرگزاری بخورم، چرا از من بدگویی می‌شود بابت چیزی که برایش شکرگزاری می‌کنم؟ 31 اصل این است که چه بخورید و چه بنوشید، یا هر کاری بکنید یا نکنید- برای جلال خداوند باشد. 32 نه به یهودیان، نه به غیریهودیان و نه به کلیسای خداوند لغزش ندهید. 33 همان طور که من نیز همه مردم

10:29, 30 چرا آزادی من...؟ چرا محکوم کنند...؟- به نظر می‌رسد پولس اعتراضاتی را پیش‌بینی می‌کند که نسبت به حرف‌هایش اعلام می‌شود (او در 15:35 نیز همین سبک را دارد). ما باید نسبت به وجدان دیگران حساس باشیم، و توجه‌مان تنها این نباشد که مشکلی را در انجام کاری ندیدیم.

11:1 پولس کسی نیست که تنها از راه دور مورد تحسین واقع شود، گویی که یک نقاشی را تحسین می‌کنیم؛ ما باید واقعاً او را الگوی خود بدانیم تا بتوانیم پیروان بهتری برای عیسی باشیم.

11:3 سر مسیح خدا است- حتی اکنون، پس از زندگی دنیوی عیسی، او هنوز مطیع خدا است.

در کلیسا گرد هم می‌آیید، می‌شنوم که بین شما دو دستگی هست؛ و این را تا حدی باور می‌کنم.¹⁹ زیرا باید بین شما دسته‌هایی باشد تا کسانی که مقبول هستند در میان شما آشکار شوند.²⁰ وقتی دور هم جمع می‌شوید، این شام خداوند نیست که می‌خورید.²¹ زیرا در خوردن، هر کسی با غذای خود پیش می‌رود. یک نفر گرسنه می‌ماند و دیگری مست می‌شود.²² آیا خودتان خانه ندارید که در آن بخورید و بیاشامید؟ یا آیا کلیسای خدا را تحقیر می‌کنید و کسانی را که ندارند شرمند می‌سازید؟ باید به شما چه بگویم؟ آیا باید شما را تحسین کنم؟ در این مورد شما را تحسین نمی‌کنم!²³ زیرا آن چه از سرور دریافت کردم به شما نیز سپردم که عیسی سرور در شبی که به او خیانت کردند، نان را گرفت،²⁴ و پس از شکرگزاری، آن را تکه تکه کرد و گفت: این بدن من است که برای شما است. این کار را به یاد من انجام دهید.²⁵ به همین شکل پس از شام پیاله را برداشت و گفت: این پیاله، عهد جدید در خون من است. هر وقت از این می‌نوشید، این را به یاد من انجام دهید.²⁶ زیرا هر بار که این نان را می‌خورید و از این پیاله می‌نوشید، مرگ سرور را اعلام

جلال خدا است؛ اما زن، جلال مرد است.⁸ زیرا مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است.⁹ زیرا همچنین مرد برای زن آفریده نشده بلکه زن برای مرد آفریده شد.¹⁰ به همین دلیل، زن باید به خاطر فرشتگان نشانه‌ای از اختیار بر سرش داشته باشد.¹¹ با این حال، در خداوند، نه زن بدون مرد است و نه مرد بدون زن.¹² زیرا همان طور که زن از مرد است، مرد نیز از زن است؛ اما همه چیز از خدا است.

¹³ خودتان قضاوت کنید. آیا شایسته است که یک زن با سر برهنه به درگاه خدا دعا کند؟¹⁴ آیا خود طبیعت به شما نمی‌آموزد که اگر مردی موهای بلندی داشته باشد او را رسوا می‌کند؟¹⁵ اما اگر زنی موهای بلندی داشته باشد، باعث شکوه او می‌شود. زیرا موهای او برای پوشاندن سر به او عطا شده است.

¹⁶ و اگر کسی به نظر با ما در تضاد باشد، بداند که ما و کلیساهای خدا چنین رسم و رسومی نداریم.

مراسم تکه تکه کردن نان

¹⁷ اما وقتی این دستور را می‌دهم شما را تحسین نمی‌کنم- زیرا شما نه برای بهتر بلکه برای چیزی بدتر دور هم جمع می‌شوید.¹⁸ اولاً، وقتی

11:19 عکس‌العمل ما نسبت به نفاق در کلیسا نشان می‌دهد که آیا مورد تأیید خدا هستیم یا خیر.

11:23-29 این بخش را می‌توانیم درست قبل از برداشتن نان و شراب در مراسم تکه‌تکه کردن نان، بخوانیم. ما می‌توانیم به تنهایی نان را تکه‌تکه کنیم؛ و این متنی مفید از انجیل است که باید خوانده شود.

پاب 12

هدایای مختلف در بدن مسیح

برادران، نمی‌خواهم درباره هدایای معنوی بی‌اطلاع باشید.² می‌دانید که وقتی غریبه بودید، به هر راهی که ممکن بود گمراه شوید، به سوی بت‌های بی‌زبان کشیده می‌شدید.³ بنابراین به شما اعلام می‌کنم که هیچ کسی که در روح خدا سخن می‌گوید، عیسی را لعن نمی‌کند. و هیچ کسی نمی‌تواند بگوید که عیسی، سرور است، مگر در روح القدس.

⁴ هدایای متنوعی وجود دارد، بلکه روح همان است.⁵ و مراسم گوناگونی نیز وجود دارد، اما سرور همان است.⁶ فعالیت‌های مختلفی نیز وجود دارد، اما همان خدا است که همه آنها را در همه افراد قدرت می‌بخشد.⁷ اما به هر فردی، تجلی روح برای خیریت همه مردم عطا می‌شود.⁸ زیرا به یکی به وسیله روح، کلام حکمت داده شده و بر اساس همان روح، به دیگری کلام

می‌کنید تا زمانی که ظهور کند.

²⁷ بنابراین، هر که به طرز ناشایستی نان را بخورد یا از پیاله سرور بنوشید، مجرم بدن و خون سرور خواهد بود.²⁸ اما هر کسی خود را امتحان کند و بدین ترتیب از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد.²⁹ زیرا هر که می‌خورد و می‌نوشد، اگر بدن سرور را تشخیص ندهد، قضاوت خود را می‌خورد و می‌نوشد.³⁰ به همین دلیل، بسیاری در میان شما ضعیف هستند و مریض و عده بسیاری خوابیده‌اند.³¹ اگر خودمان را محکوم می‌کردیم، محکوم نمی‌شدیم.³² اما وقتی مورد قضاوت قرار می‌گیریم، خداوند ما را تنبیه می‌کند تا با جهان محاکمه نشویم.³³ بنابراین، ای برادران، وقتی برای خوردن دور هم جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر بمانید.³⁴ اگر کسی گرسنه است، در خانه بخورد تا دور هم جمع شدن شما منجر به محکومیت نشود. درباره امور دیگر وقتی آمدم فرمان می‌دهم.

11:28, 29 چند ماه سکوت پیش از مراسم نان و شراب ضروری است - تا بتوانیم به سنجش خودمان بپردازیم. ما همان طور که در تصورمان مرگ عیسی را بازسازی می‌کنیم، طبیعتاً خود را نیز می‌سنجیم، چون وجدانمان تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

11:31 «حکم» در مفهوم «محکومیت» استفاده شده است. ما نمی‌توانیم از روز داوری اجتناب کنیم؛ اما اگر امروز در سنجش خود، خود را محکوم سازیم و بدانیم که ارزشی نداریم، آنگاه محکوم نخواهیم شد. این بزرگترین تناقض تمام وجود است.

11:32 **با دنیا محکوم گردی** - آنها که در روز داوری طرد می‌شوند، به این دنیا بازگردانده می‌شوند تا در داوری دنیا قرار گیرند. اگر در این زندگی ترجیح دهیم با دنیا باشیم تا با عیسی و مردمش، آنگاه با بازگشت او به این دنیا بازگردانده می‌شویم.

12:3 مردمی بودند که ادعا می‌کردند عطایای روح القدس را دارند، در حالی که نداشتند؛ و آنها که می‌خواستند به عیسی فحش دهند، آن طور که کافران ادعا می‌کردند. مشکل ادعاهای کذب به داشتن روح القدس امروز نیز با ما هست.

بگوید: چون من دست نیستم، بخشی از بدن نیستم- چنین چیزی او را جدا از بدن نمی‌سازد.¹⁶ و اگر گوش بگوید: چون من چشم نیستم، از بدن نیستم- چنین چیزی او را جدا از بدن نمی‌سازد.¹⁷ اگر کل بدن یک چشم بود، پس شنوایی کجاست؟ اگر کل بدن گوش بود، پس بویایی کجاست؟¹⁸ اما خدا هر یک از اعضا را طبق اراده خود در بدن نهاد.¹⁹ و اگر همه یک عضو بودند، بدن کجاست؟²⁰ اما اعضای بسیاری هستند اما در یک بدن.²¹ بنابراین، چشم نمی‌تواند به دست بگوید: من به تو نیازی ندارم؛ سر هم نمی‌تواند به پاها بگوید: من به شما نیاز ندارم.²² نه، بر عکس، اعضایی که ضعیف به نظر می‌رسند، وجودشان ضروری است.²³ و آن دسته از اعضایی که به نظرمان کم‌اهمیت‌تر هستند، اهمیت فراوانی برای آنها قائل هستیم؛ و اعضای نازیبا را بیشتر می‌پوشانیم؛²⁴ در حالی که اعضای جذاب‌تر ما

دانش عطا شده است.⁹ به وسیله همان روح، به یکی ایمان داده شده و به دیگری به وسیله همان یک روح، قدرت شفا دادن.¹⁰ به یکی قدرت معجزه، و به دیگری نبوت و یکی دیگر تشخیص ارواح؛ به دیگری انواع زبان‌ها و به دیگری قدرت ترجمه زبان‌ها.¹¹ به همه این هدایا را توسط یک روح واحد نیرو بخشیده شده، و طبق اراده خود به هر کسی آن را تقسیم می‌کند.

¹² زیرا همان طور که بدن یکی است و اعضای بسیار دارد، و همه اعضا با این که بسیارند از آن یک بدن هستند، مسیح نیز این چنین است.¹³ زیرا همه ما چه یهود و چه غیریهود، چه برده و چه آزاد در یک روح و یک بدن تعمید یافتیم و همه وادار به نوشیدن یک روح شدیم.

بدن مسیح

¹⁴ زیرا بدن، فقط یک عضو نیست بلکه اعضای بسیاری دارد.¹⁵ اگر یا

12:10 تنها برخی افراد در قرن اول عطیه سخن گفتن به زبان‌ها [زبان‌های خارجی] را داشتند. همچنین رجوع کنید به آیه 30. بنابراین، آنها که ادعا دارند «به زبان‌های مختلف صحبت کردن» را تمام ایمانداران حقیقی تجربه می‌کنند، کاذب هستند.

12:13 ما با تعمید در بدن عیسی به بخش‌هایی از بدن او بدل می‌شویم. به این دلیل است که تعمید این اندازه مهم است؛ و به این معنی است که آنها که به درستی تعمید یافته‌اند بخشی از بدن عیسی هستند، پس ما نباید در این بدن از دیگران جدا شویم (آیه 25)؛ و نمی‌توانیم بگوییم که در بدن عیسی نیازی به دیگران نداریم (آیه 21). نانی که در مراسم تکه‌تکه می‌کنیم، نماد بدن عیسی است؛ ما یک قرص نان هستیم (10:17). بنابراین، باید در تکه‌تکه کردن نان از تمامی کسانی که به درستی در عیسی تعمید یافته‌اند، استقبال کنیم. اینکه بدانیم تنها یک بدن مسیح وجود دارد، یک قرص، یک نان، باعث می‌شود که نان را با آنها تکه‌تکه کنیم، حتی اگر (به اشتباه) از این کار امتناع ورزیده باشیم.

12:22 اعضای آرام یا ضعیف بدن عیسی بسیار باارزش هستند و ما باید این را بدانیم.

پاب 13

برتری عشق

اگر به همه زبان‌های انسان‌ها و فرشتگان صحبت کنم، اما عشق نداشته باشم، مانند طفل توخالی یا سنج پر سر و صدا می‌شوم.² و اگر نعمت نبوت را داشته باشم و همه اسرار و دانش‌ها را بدانم، و اگر برای از میان برداشتن کوه‌ها ایمان داشته باشم، اما عشق نداشته باشم، هیچ چیز نیستم.³ و اگر همه اموالم را برای غذا دادن به فقرا ببخشم و بدنم را بدهم تا بسوزانند، اما عشق نداشته باشم، هیچ سودی برای من ندارد.

⁴ عشق بردبار و مهربان است. عشق حسادت نمی‌ورزد. متکبر یا گستاخ نیست، غرور ندارد،⁵ رفتار ناشایست ندارد، خودخواه نیست، به راحتی خشمگین نمی‌شود، از کار بد کینه به دل نمی‌گیرد،⁶ از بی‌عدالتی خوشحال نمی‌شود بلکه با حقیقت شادی می‌کند؛⁷ همه چیز را تحمل می‌کند، همه چیز را باور دارد، به همه چیز امید دارد و طاقت همه چیز را دارد.

⁸ عشق هرگز شکست نمی‌خورد؛

نیازی به این ندارند. اما خدا بدن را طوری با هم ساخته که به اعضای کم‌اهمیت، اهمیت بیشتری داده،²⁵ تا اختلافی در بدن نباشد، بلکه اعضا به یک اندازه برای یکدیگر اهمیت قائل شوند.²⁶ و اگر یک عضو رنج بکشد، همه عضوها با آن رنج می‌کشند؛ یا اگر یک عضو محترم شمرده شود، همه اعضا با آن خوشحال می‌شوند.

²⁷ شما بدن مسیح هستید و هر کدام به صورت انفرادی، اعضای آن هستید.²⁸ و خدا بعضی افراد را در کلیسا نهاد، اول حواریون، دوم انبیاء، سوم معلمان، سپس معجزه‌کنندگان، و بعد کسانی که قدرت شفا، کمک، اجرا و انواع زبان‌ها را دارند.²⁹ آیا همه این‌ها حواریون هستند؟ آیا همه پیامبر هستند؟ آیا همه معلم هستند؟ آیا همه معجزه می‌کنند؟³⁰ آیا همه قدرت شفا دادن دارند؟ آیا همه به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند؟ آیا همه ترجمه می‌کنند؟

³¹ اما والاترین نعمت‌ها را صادقانه بخواهید. و بهترین راه را به شما نشان خواهم داد.

13:1 پس سخن گفتن به زبان‌ها، ضمانت رستگاری نیست.

13:4 اینجا، عشق مانند یک انسان به نمایش در آمده است. ما باید عشق «باشیم»؛ عشق بالاترین ویژگی و ذات زندگی مسیحی است.

13:6 *محبت از بدی مسرور نمی‌شود* - «سرگرمی‌های» بسیاری ما را به انجام این کار می‌کشاند؛ لذت بردن از دیدن و شنیدن چیزهای ناشایست و بهره‌مند شدن از آنها، اگرچه در واقع این کار را نکنیم. ما نباید از چیزهای گناه‌آلود مسرور شویم، بلکه باید ذهنمان را بر چیزهای معنوی متمرکز سازیم.

13:8 اینجا، پولس پیش‌بینی می‌کند که عطایای معجزه‌آمیز روح‌القدس از بین خواهد رفت. و زمانی که عیسی بیايد به ما داده خواهند شد (عبرانان 6:5).

نمی‌کند، اما در روح، او از اسرار سخن می‌گوید.³ اما آن کسی که نبوت می‌کند با تقویت، تشویق و تسلی با مردم سخن می‌گوید.⁴ آن کسی که به زبانی سخن می‌گوید، خودش را بهتر می‌سازد اما کسی که نبوت می‌کند، باعث پیشرفت کلیسا است.⁵ دوست دارم همه شما به زبان‌ها سخن بگویید، اما به ویژه دوست دارم نبوت کنید؛ زیرا کسی که نبوت می‌کند از کسی که به زبان‌ها سخن می‌گوید بزرگتر است مگر این که ترجمه کند تا کلیسا تعالی یابد.⁶ اما ای برادران، اگر نزد شما بیایم و به زبان‌ها سخن بگویم، بدون این که از راه مکاشفه یا دانایی یا نبوت یا تعلیم با شما سخن بگویم، چه سودی برای شما خواهم داشت؟

⁷ حتی چیزهای بی‌جانی که صدا می‌دهند، مثل نی یا چنگ، اگر تمایزی بین صدای آنها نباشد، از کجا معلوم می‌شود که نی است یا چنگ؟⁸ زیرا اگر شیپور صدایی نامعلوم بدهد، چه کسی برای مبارزه آماده خواهد شد، چه کسی خودش را برای جنگ حاضر خواهد کرد؟⁹ شما نیز اگر به زبانی سخن نگویید که به راحتی فهمیده شود، از کجا معلوم می‌شود که چه می‌گویید؟

اما اگر نبوت باشد، از بین خواهد رفت. و اگر سخن گفتن به زبان‌های خارجی باشد، متوقف خواهد شد. اگر نعمت دانایی باشد، از بین خواهد رفت.⁹ زیرا جزئی می‌دانیم و جزئی نبوت می‌کنیم؛¹⁰ اما وقتی آن چه کامل است از راه می‌رسد، هر آن چه جزئی است از بین خواهد رفت.¹¹ وقتی کودک بودم، مثل یک کودک حرف می‌زدم، مثل یک کودک حس می‌کردم و مثل یک کودک فکر می‌کردم. اکنون که مردی هستم، کارهای بچگانه را کنار گذاشتم.¹² زیرا اکنون در آینه تیره و تار می‌بینیم اما آن موقع رو به رو خواهیم دید. اکنون جزئی می‌دانم اما آن موقع کامل خواهم دانست همان طور که کامل شناخته شدم.¹³ اما اکنون این سه چیز مانده: ایمان، امید و عشق؛ و بزرگتر از همه این‌ها عشق است.

باب 14

بنابراین در پی عشق باشید و در عین حال مشتاقانه هدایای معنوی را آرزو کنید، به ویژه هدیه نبوت.² زیرا آن کسی که به زبانی سخن می‌گوید، نه با مردم بلکه با خدا صحبت می‌کند. زیرا هیچ کس درک

14:2 عطیه زبان، توانایی سخن گفتن به زبان‌های خارجی بود، همان طور که در باب 2 کتاب اعمال دیدیم. اینجا، پولس آنچه در کلیسای قرنتس رخ داده را شرح و نقد می‌کند. **14:6** سخن گفتن به زبان خارجی فقط برای اظهار فضل کردن هیچ کمکی نخواهد کرد؛ آنها به کسی نیاز دارند که عطیه ترجمه داشته باشد تا بتواند آن را به زبان خودشان برگرداند. اصل حرف پولس در این باب این است: «فضل‌فروشی نکنید. از هر عطیه‌ای که به شما داده شده استفاده کنید تا دیگران را بسازید، نه اینکه خود را بالا کشیده و مقابل دیگران خودنمایی کنید، تا در چشم آنها متفاوت و جذاب به نظر بیایید.»

اما دیگری تقویت نمی‌یابد.¹⁸ خدا را شکر، بیشتر از همه شما به زبان‌ها سخن می‌گویم.¹⁹ با این حال، در کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه را با درک و فهم خود به زبان بیاورم تا بتوان به دیگران نیز تعلیم دهم تا این که ده هزار کلمه را به یک زبان بگویم.

²⁰ برادران، در عقل خود مانند کودکان نباشید. در بدی، کودک بمانید اما در عقل انسان بالغ باشید.²¹ در شریعت نوشته شده: خداوند می‌گوید زبان‌های بیگانه و با لب‌های بیگانگان با این قوم سخن خواهیم گفت، و باز هم صدایم را نخواهند شنید.²² بنابراین، زبان‌ها نشانه‌ای هستند نه برای ایمانداران بلکه برای بی‌ایمانان؛ اما نبوت نشانه‌ای است نه برای بی‌ایمانان بلکه برای ایمانداران.²³ پس اگر کل کلیسا جمع شوند و همه به زبان‌ها سخن بگویند، و افراد بی‌سواد یا بی‌ایمان آنجا بیایند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه هستید؟²⁴ اما اگر همه نبوت کنند، و یک فرد بی‌ایمان یا بی‌سواد آنجا بیاید، از سوی همه ملامت می‌شود و همه او را قضاوت خواهند کرد.²⁵ اسرار دلش آشکار می‌شود و به زمین خواهد افتاد و خدا

زیرا سخنان شما باد هوا خواهد بود.¹⁰ قطعاً زبان‌های بسیاری در جهان است و هیچ یک بی‌معنی نیست.¹¹ اما اگر معنی صدا را ندانم، از نظر کسی که با او سخن می‌گویم مانند یک بربر خواهد بود آن کسی که چنین سخن می‌گوید از نظر من یک بربر خواهد بود.¹² پس از آنجایی که نسبت به هدایای معنوی اشتیاق دارید، شما نیز سعی کنید در بهبودی کلیسا برتر باشید.

احکام مربوط به استفاده از

زبان‌ها

¹³ بنابراین، آن کسی که به زبانی سخن می‌گوید، دعا کند که ترجمه کند.¹⁴ زیرا اگر به زبانی دعا کنم، روح دعا می‌کند، اما درک و فهم من بی‌حاصل است.¹⁵ پس چه می‌شود؟ من با روح دعا خواهم کرد و با درک و فهم نیز دعا خواهم کرد. من با روح سرود خواهم خواند و با درک و فهم نیز سرود خواهم خواند.¹⁶ وگرنه اگر با روح دعا می‌کنید، چگونه آن کسی که در جایگاه بی‌سوادان است هنگام شکرگزاری شما آمین بگوید وقتی نمی‌فهمد که چه می‌گوید؟¹⁷ زیرا شما حقیقتاً به نیکی شکر می‌گویید

14:10 «زبان‌ها» یعنی «زبان‌های دنیا»، نه «کلمات درهم و برهم و آوا» بلکه سخن قابل فهم، همان‌طور که در باب 2 کتاب اعمال دیدیم.

14:19 اگرچه این دستورات به استفاده از عطیه زبان «زبان‌ها» در یک کلیسای قرن اول اشاره دارد، می‌توانیم اصل را دریابیم - با مردم در سطح خودشان صحبت کنید، با روش و سبکی که از نظر معنوی برایشان مفید است، نه اینکه در سطح خودمان و بی‌توجه به نیازهای آنها سخن بگوییم. خداوند عیسی کلام خدا را همان‌طور که مردم قادر به درکش بودند به آنها آموخت، نه آن‌گونه که خود درمی‌یافت (مرقس 4:33).

را عبادت خواهد کرد و اعلام می‌کند که خدا در حقیقت بین شما است.
²⁶ پس مقصود چیست ای برادران؟ مقصود این است که وقتی دور هم جمع می‌شوید، هر کدامتان سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی، ترجمه‌ای دارید. اما همه باید برای تقویت و بهبودی انجام شود.²⁷ اگر کسی به زبانی سخن بگوید، دو یا حداکثر سه باشند و حتی در آن صورت نیز یک نفر ترجمه کند.²⁸ اما اگر مترجمی نیست، در کلیسا سکوت کند و با خودش و با خدا سخن بگوید.²⁹ پیامبران دو یا سه نفره سخن بگویند و دیگران آنها را تشخیص دهند.³⁰ اما اگر مکاشفه‌ای به دیگری در مجلس برسد، اولین نفر ساکت شود.³¹ زیرا تک تک شما می‌توانید نبوت کنید تا همه بیاموزند و همه نصیحت ببینند.³² و ارواح انبیا مطیع انبیا هستند.³³ زیرا خداوند، خدای سردرگمی نیست بلکه خدای آرامش است، همان طور که در همه کلیساهای قدیسان این گونه است.

³⁴ زنان در کلیساها ساکت بمانند زیرا آنجا اجازه سخن گفتن ندارند؛ بلکه باید مطیع باشند همان طور که شریعت نیز چنین گفته است.³⁵ و اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهرانشان بپرسند. زیرا باعث شرمساری است که زنی در کلیسا سخن بگوید.
³⁶ عجب! آیا کلام خدا از شما بیرون آمد؟ یا فقط به سوی شما آمده؟
³⁷ اگر کسی فکر می‌کند که پیامبر است یا روحانی است، تصدیق کند که آن چه برای شما می‌نویسم حکم خدا هستند.³⁸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل بماند.
³⁹ بنابراین ای برادرانم، مشتاقانه در آرزوی نبوت باشید و سخن گفتن به زبان‌ها را منع نکنید.⁴⁰ اما همه چیز باید به درستی و منظم انجام شود.

پاب 15

خلاصه‌ای از انجیل

اکنون ای برادران، به شما بشارتی را معرفی می‌نمایم که آن را هم

14:27 احتمال اینکه بیش از دو یا سه زبان میان مخاطبین یک کلیسا رایج بوده باشد و مخاطبین زبان‌های دیگر را نفهمند، پایین بوده است.
14:28 در کلیساهایی که ادعا دارند «زبان‌ها» تنها بیانات غیر ارادی هستند، این اصل رعایت نمی‌شود.
14:32 آنها که واقعاً عطیه پیش‌گویی را دارند، تحت کنترل خود هستند، نه اینکه عقلتان را از دست داده باشند.
14:34 این دستور مشخصاً در مورد استفاده از زبان‌ها و پیش‌گویی است؛ امروزه، بسیاری از کلیساها که ادعای ترجمه زبان‌ها را دارند، این دستور را نادیده می‌گیرند.
14:37 مردم واقعاً معنای این دستورات پولس را پذیرفته و آنها را دور نزده یا از آنها نمی‌گذرند.

خدا که با من بود.¹¹ پس خواه من و خواه ایشان به این طریق بشارت می‌دهیم و شما ایمان آوردید.

اهمیت حیاتی رستاخیز مسیح

¹² حال اگر به مسیح بشارت داده می‌شود که از مردگان برخاسته، پس چطور بعضی از شما می‌گویید که رستاخیز مردگان وجود ندارد؟¹³ اما اگر رستاخیز مردگان وجود نداشته باشد، مسیح نیز برنخاسته است.¹⁴ و اگر مسیح برنخاسته، بشارت ما بیهوده است و همچنین ایمان شما بیهوده است.¹⁵ آری، و شاهدان دروغین خدا شدیم. زیرا شهادت دادیم که خدا مسیح را زنده کرد، و اگر صحت داشته باشد که مردگان زنده نمی‌شوند، پس او را زنده نکرده است.¹⁶ زیرا اگر مردگان برنمی‌خیزند، مسیح نیز برنخاسته است.¹⁷ و اگر مسیح برنخاسته است، ایمان شما بیهوده است و شما هنوز در گناهان خود هستید؛¹⁸ و بنابراین آنهایی که در مسیح خوابیده‌اند هلاک شدند.¹⁹ اگر در این جهان تنها به مسیح امیدواریم، از همه مردم بدبخت‌تر هستیم.

پذیرفتید و در آن هم ایستاده‌اید.² بوسیله آن نیز نجات پیدا می‌کنید، اگر کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید مگر اینکه بیهوده ایمان داشته باشید.

³ زیرا در ابتدا آنچه را که بدست آوردم به شما سپردم: که مسیح بر حسب کتب مقدس بخاطر گناهان ما مُرد،⁴ و دفن شد و در روز سوم بر حسب کتب مقدس برخاست،⁵ و بر کیفا ظاهر شد و بعد از آن بر آن دوازده نفر.⁶ سپس فوراً بر بیش از پانصد برادر ظاهر شد که بیشتر آنها تا امروز باقی هستند (اما بعضی خوابیده‌اند)؛⁷ سپس بر یعقوب ظاهر شد، و سپس بر همه رسولان.

⁸ و در نهایت، بر من نیز ظاهر شد گویی بر طفلی سقط شده ظاهر گشت.⁹ زیرا من کوچکترین حواریون هستم و سزاوار این نیستم که مرا حواری صدا کنند، زیرا بر کلیسای خدا جفا کردم.¹⁰ اما به فیض خدا، من هستم آنچه که هستم، و فیض او که بر من بود بیهوده نبود؛ بلکه بیش از همه ایشان سختی کشیدم. اما نه من بلکه فیض

15:2 استمرار برداشت درست از انجیل، لازمه رستگاری است. بد نیست که به طور دائم آموزه‌های اساسی انجیل را به خودمان یادآوری کنیم.

15:10 اینکه کار بیهوده نیست در آیه 58 به ما یادآوری می‌گردد. این به ما می‌آموزد که کار مشتاقانه پولس در پاسخ به فیض، نباید تنها از دور تحسین شود؛ او باید الگوی ما باشد.

15:11 ایمان مردم تا اندازه‌ای به موعظه‌گر بستگی دارد؛ ما می‌توانیم مردم را به سمت ایمان سوق دهیم یا آنها را بدون ایمان و امید رها کنیم، چون برایشان موعظه نکرده‌ایم (رومیان 10:14).

زیر او انداخت مستثنی است.²⁸ اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع کسی خواهد شد که همه چیز را مطیع او گردانید، تا آنکه خدا همه چیز در همه چیز باشد.

²⁹ وگرنه آنانی که برای مردگان تعمید می‌یابند چه کنند؟ اگر مردگان هرگز برنخیزند، پس چرا مردم برای ایشان تعمید می‌گیرند؟

³⁰ و ما نیز چرا هر ساعت خود را در خطر می‌اندازیم؟³¹ ای برادران، قسم به آن فخری در شما که در سرورمان مسیح عیسی داریم: که هر روز من می‌میرم.³² اگر به روش انسان در افسس با جانوران جنگ کردم، چه سودی برای من داشت؟ اگر مردگان برنمی‌خیزند، پس باید بخوریم و بیاشامیم چون فردا می‌میریم.

³³ فریب نخورید. معاشرات بد،

²⁰ اما حال که مسیح از مردگان برخاسته اولین ثمره‌های خوابیدگان شده است.²¹ زیرا چنانکه بر انسان مرگ آمد، به انسان رستاخیز مردگان نیز آمد.²² زیرا همانطور که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.²³ اما هرکس به ترتیب خود. مسیح اولین ثمره است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح هستند.²⁴ و سپس پایان فرا می‌رسد وقتی ملکوت را به خدا و پدر بسپارد، و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد کرد.²⁵ زیرا باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنان را زیر پای خود بگذارد.²⁶ آخرین دشمن که نابود می‌شود، مرگ است.²⁷ زیرا خدا همه چیز را زیر پای او انداخته است. اما چون می‌گوید که همه چیز را مطیع و زیر پای او انداخته است، واضح است که آن کسی که همه را

15:20 نویر- عیسی اولین فردی بود که از مرگ برخاسته و زندگی ابدی می‌یابد. وقتی ما رستاخیز شده و زندگی جاودان می‌یابیم، مانند دیگران در محصول خواهیم بود. اگر عیسی «نویر» بود، آن گاه افرادی مثل انوخ و ایلپا، و در واقع هیچ کس پیش از زمان عیسی، در پایان زندگی دنیوی خود، زندگی جاودان نیافت.

15:22 همه زنده خواهند شد- تمام کسانی که با تعمید در مرگ و در رستاخیز «در عیسی» هستند.

15:28 عیسی تا ابد بنده خدا خواهد بود؛ و ملکوتش را به خدا خواهد داد (آیه 24). مسیح تنها در زندگی دنیوی خود از خدا کمتر نبود؛ بلکه همواره این چنین است. الهیات تذلّیث نمی‌تواند پاسخی رضایت‌بخش داشته باشد.

15:29 پولس ایده «تعمید برای مردگان» را تأیید نمی‌کند - او می‌گوید منطقی نیست که مردم در قرن‌تس این کار را انجام دهند و درعین حال به رستاخیز ایمان نداشته باشند؛ چون تعمید نماد مرگ است (همین که زیر آب می‌رویم) و رستاخیز زمان بیرون آمدن ما از آب (رومیان 5-6:3).

15:32 آنها که به اشتباه به «روحی» ایمان دارند که با مرگ در آسمان پاداش می‌گیرد، اهمیت والای رستاخیز بدن در بازگشت عیسی را زیرسؤال می‌برند. ما باید زندگی‌هایمان

عظمت آسمانی‌ها چیزی است دگر
و عظمت زمینی‌ها چیزی دگر.⁴¹
عظمت خورشید دگر، و عظمت ماه
دگر، عظمت ستارگان دگر، زیرا که
عظمت ستاره از ستاره فرق دارد.⁴²
رستاخیز مردگان نیز به همین شکل
است. در فساد کاشته می‌شود، در
بی‌فسادی بر می‌خیزد.⁴³ در ذلت
کاشته می‌شود و در عظمت بر
می‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود
و در قدرت بر می‌خیزد.

⁴⁴ جسم نفسانی کاشته می‌شود
و جسم روحانی بر می‌خیزد. اگر
جسم نفسانی وجود داشته باشد،
جسم روحانی نیز وجود دارد.⁴⁵
همچنین نوشته شده: انسان اول،
آدم، نفس زنده شد. آخرین آدم،
روحی حیات‌بخش شد.⁴⁶ اما اول
روحانی نبود بلکه اول نفسانی بود
و بعد از آن روحانی.⁴⁷ انسان اول
از زمین است، خاکی. انسان دوم
از آسمان است.⁴⁸ همانطور که
خاکی است، خاکیان نیز همانطور

اخلاق حسنه را فاسد می‌سازد.³⁴
برای عدالت بیدار شوید، و گناه
نکنید. زیرا بعضی در میان شما
شناختی از خدا ندارند. این را
می‌گویم تا شما را شرمسار کنم.

فرایند رستاخیز

³⁵ اما کسی خواهد گفت: مردگان
چگونه بر می‌خیزند؟ و با چه نوع
بدنی می‌آیند؟³⁶ ای نادان، آنچه تو
می‌کاری زنده نمی‌گردد مگر بمیرد.
³⁷ و آنچه می‌کاری، آن جسمی نیست
که خواهد شد، بلکه دانه‌ای تنها شاید
از گندم و یا از دانه‌های دیگر است.
³⁸ اما خدا بر حسب اراده خود، به آن
جسمی می‌دهد؛ و به هر یک از
تخمها جسم خودش را.³⁹ هر گوشت
از یک نوع گوشت نیست، بلکه
یکی گوشت انسان و دیگری گوشت
حیوانات است، دیگری گوشت
پرندگان، و دیگری گوشت ماهیان
است.⁴⁰ همچنین جسمهای آسمانی
و جسمهای زمینی وجود دارند؛ اما

را با این آگاهی بگذرانیم که دوباره بر خواهیم خاست، داوری شده و با فیض الهی تا ابد
در ملکوتش خواهیم زیست.

15:33 شاید فکر کنیم که می‌توانیم بدون فاسد شدن، با مردم بد ارتباط داشته باشیم؛ اما
باید وزن حقیقی کلام پولس را دریابیم.

15:38 ما در رستاخیز بدنی جدید خواهیم داشت - و برای ابد در حالت جسمانی زندگی
خواهیم کرد. تمام وجود در انجیل، وجود جسمانی است. اما ارتباطی وجود دارد بین کسی
که اکنون هستیم و کسی که تا ابد خواهیم بود، شخصیت ما مانند دانه‌ای است که کاشته
شده و در رستاخیز رشد خواهد کرد. بنابراین، شخصیت و ماهیتی که در این زندگی
می‌پرورانیم، اهمیتی فراوان و جاودان دارد.

15:41 سطوح مختلفی از پاداش در ملکوت وجود دارد، درست همان طور که یک
ستاره از دیگری درخشان‌تر است؛ برخی بر پنج شهر حکومت می‌کنند و برخی بر دو
شهر (لوقا 19:19)، یعنی برخی مردم در این زندگی بیش از دیگران بار می‌آورند
(متی 13:8).

پیوسته به فزونی در راه سرور عمل کنید، چون می‌دانید که زحمت شما در راه سرور بیهوده نیست.

باب 16

نقشه پولس برای قرن تس

اما درباره جمع کردن زکات برای قدیسان، همانطور که به کلیساهای غلاطیه دستور دادم، شما نیز همان کنید.² در روز اول هفته، هر یک از شما برحسب درآمدتان، مقداری نزد خود ذخیره کنید، تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد.³ و هنگامی که برسم، هر کسی را که تایید می‌کنید، همراه با نامه خواهم فرستاد تا سخاوتمندی شما را به اورشلیم ببرند.⁴ و اگر مصلحت باشد که من نیز بروم، همراه من خواهند رفت.

⁵ و وقتی از مقدونیه عبور کنم، نزد شما خواهم آمد (زیرا که تصمیم دارم از مقدونیه عبور کنم).⁶ و احتمال دارد که نزد شما بمانم و حتی زمستان را نیز سپری کنم، تا در حین سفرم، هر جا که می‌روم، به من کمک کنید.⁷ اما الان نمی‌خواهم در بین راه شما را ملاقات کنم؛ زیرا امیدوارم مدتی با شما بمانم، اگر سرور اجازه دهد.⁸ اما من تا پنطیکاست در افسس خواهم ماند،

هستند و همانطور که آسمانی است آسمانی‌ها نیز همانطور هستند.⁴⁹ و همانطور که صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.

⁵⁰ اما ای برادران این را می‌گویم که گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود. و فساد نیز، وارث بی‌فسادی نمی‌شود.⁵¹ بنگرید، به شما رازی را می‌گویم: که همه خواب نخواهیم ماند، اما همه تبدیل خواهیم شد،⁵² در یک لحظه، در یک چشم بهم زدن، به محض نواختن آخرین صور. زیرا صور به صدا خواهد آمد و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست، و ما تبدیل خواهیم شد.⁵³ زیرا که این فاسد باید بی‌فسادی را بپوشد و این فانی باید بقا را بپوشد.⁵⁴ اما وقتی این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی بقا را پوشید، آنگاه کلامی که نوشته شده محقق خواهد شد: مرگ در پیروزی بلعیده می‌شود.⁵⁵ ای مرگ، پیروزی تو کجاست؟ ای مرگ، نیش تو کجاست؟⁵⁶ نیش مرگ گناه است و قدرت گناه، شریعت.⁵⁷ اما خدا را شکر که به ما از طریق سرورمان عیسی مسیح پیروزی می‌دهد.

⁵⁸ بنابراین، ای برادران عزیز من، پایدار بمانید و متاثر نشوید،

15:50 از آنجایی که ما هنوز «گوشت و خون هستیم»، اکنون نمی‌توانیم کاملاً در ملکوت خدا باشیم، کلیسا نیز ملکوت کامل نیست - چون ما باید در رستخیز و پیش از اینکه کاملاً وارد ملکوت خدا شویم، تغییر یابیم (آیات 51-53).

16:2 خدا سخاوتمند و منظم را به سخاوتهای بزرگ و گهگاهی ترجیح می‌دهد.

16:7 اگر خدا بخواهد - ما همیشه باید برنامه‌هایمان را براساس «خواست خدا» تنظیم کنیم (یعقوب 4:15).

چنین افرادی و از هر کسی که در کار و زحمت شریک باشد شخصا اطاعت کنید.¹⁷ و از آمدن استیفان و فرتوناتس و اخائیکوس احساس شادی می‌کنم. زیرا آنها هر آنچه که از جانب شما ناتمام بود تمام کردند؛¹⁸ آنها روح من و شما را تازه کردند. بنابراین، چنین اشخاصی را بشناسید.

¹⁹ کلیساهای آسیا به شما سلام می‌رسانند. اکیلا و پرسکلا با کلیسایی که در خانه آنهاست، به شما سلام بسیار در سرور می‌رسانند.²⁰ همه برادران به شما سلام می‌رسانند. به همدیگر با بوسه‌ای مقدس سلام کنید.

²¹ من پولس با دست خود سلام می‌رسانم.

²² اگر کسی سرور را دوست ندارد، ملعون شود. ماراناتا.

²³ فیض سرور عیسی مسیح بر شما باد.

²⁴ محبت من با همه شما در مسیح عیسی باد. آمین.

⁹ چرا که دروازه بزرگ برای کار موثر من باز شده است و دشمنان، بسیاری‌اند.

¹⁰ اما اگر تیموتائوس بیايد، مواظب باشید که وقتی نزد شما است چیزی برای ترسیدن نداشته باشد. زیرا که در کار سرور مشغول است همانطور که من نیز هستم.¹¹ نگذارید کسی او را حقیر بکند. بلکه او را به سلامتی عازم سفر کنید تا نزد من بیايد. چرا که با برادران انتظار او را می‌کشم.¹² اما درباره اپلس برادر، از او بسیار درخواست نمودم که با برادران نزد شما بیايد؛ اما هرگز رضا نداد که الان بیايد ولی وقتی فرصت یابد خواهد آمد.

¹³ هوشیار باشید، در ایمان استوار باشید و مانند مردان عمل کنید و قوی باشید.¹⁴ همه کارهای شما با محبت باشد.

¹⁵ شما خانواده استیفان را می‌شناسید که اولین ثمره اخائیه هستند و اینکه خود را به خدمت قدیسین سپرده‌اند؛ حال برادران به شما التماس می‌کنم،¹⁶ شما نیز از

16:14 خدمت به خدا بدون عشق ممکن نیست – همان طور که پولس علیه آن در باب 13 هشدار می‌دهد. بسیار مهم است که همه چیز را آگاهانه و با انگیزه عشق انجام دهیم؛ نه به این خاطر که «مجبور هستیم»، نه برای حفظ ظاهر و نه از روی سنت و عادت.

16:15-18 احترام را نمی‌توان درخواست کرد، بلکه باید آن را به دست آورد. ما باید برای کسانی که زندگیشان را آشکارا وقف خدمت به دیگران در عیسی کرده‌اند، احترام قائل شویم.

16:22 ماراناتا- اسم رمز کلیسای اولیه، با این معنا: «باشد که خدا به زودی بیايد!»

دوم قرن‌تیان

باب 1

رابطه بین رنج و تسلی

از طرف پولس، که به خواست خداوند یکی از حواریون عیسی مسیح است و تیموتائوس برادرمان به کلیسای خدا واقع در قرننس با همه قدیسانی که در کل اخائیه هستند.

² فیض و سلامتی از خدا پدرمان و از سرور عیسی مسیح به شما برسد.

³ مبارک است خدا پدر سرورمان عیسی مسیح، پدر رحمت‌ها و خدای همه تسلی‌ها،⁴ که در همه مصیبت‌هایمان ما را تسلی می‌دهد تا بتوانیم با تسلی‌ای که خود از سوی خدا دریافت می‌کنیم، هر کسی را که در هر مصیبتی است تسلی بدهیم.⁵ زیرا همان‌طور که رنج‌های مسیح در ما بسیار است، تسلی ما نیز به وسیله مسیح افزایش می‌یابد.⁶ اگر دچار مصیبت شویم، به خاطر تسلی و رهایی شما است؛ و اگر تسلی یابیم، به خاطر آسودگی شما است که با صبر و تحمل در برابر همان رنج‌هایی که ما نیز می‌کشیم به دست می‌آید.⁷ و امید ما به شما

استوار است. زیرا می‌دانیم همان‌طور که در رنج‌ها سهیم هستید، در تسلی نیز شریک هستید.

⁸ ای برادران، ما نمی‌خواهیم درباره سختی‌هایی که در آسیا دیدیم بی‌اطلاع باشید. بارهای سنگینی فراتر از توان‌مان بر دوش ما بود تا جایی که حتی نگران جان خود نیز بودیم.⁹ آری، در خود حکم اعدام را صادر کردیم تا به خودمان متکی نباشیم بلکه به خدایی متکی باشیم که مردگان را زنده می‌کند.¹⁰ - که ما را از مرگی عظیم نجات داد و رهایی خواهد داد. امیدمان را به او بستیم تا باز هم ما را نجات دهد.¹¹ شما نیز با دعا‌هایتان از طرف ما کمک می‌کنید تا بابت نعمت‌هایی که به وسیله بسیاری به ما رسیده، افراد بسیاری از طرف ما شکرگزاری کنند.

تغییر برنامه سفر پولس

¹² زیرا فخر ما این است و وجدانمان شهادت می‌دهد که در تقدس و صداقت الهی، نه در حکمت جسمانی بلکه در فیض الهی در این جهان نسبت به خود

1:4 که به ما در همه سختی‌هایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختی‌ها می‌گذرند، دلگرم سازیم. اما این تنها زمانی ممکن است که ارتباطی معنادار با دیگران داشته باشیم؛ و سختی می‌تواند به نحوی ما را خودمحور سازد. پولس چنان خوب این اصل را آموخت که می‌گوید سختی‌های او برای دلگرمی قرن‌تیان بود (آیه 6).

1:9 حکم مرگمان صادر شده است - ممکن است منظور پولس دریافت حکم مرگ از سوی مقامات محلی باشد، یا بهبودی بیماری علاج ناپذیرش.

خدا با ما جلال یابد.²¹ او که ما را با شما در مسیح استوار می‌کند و ما را مسح کرد، خدا است،²² که ما را مُهر کرد و بیعانه روح را در دل‌های ما عطا کرد.

²³ اما خدا بر جان من شاهد است که به قرن‌تس نیامدم تا به شما زحمت ندهم.²⁴ نه آن که بر ایمان شما حاکم باشیم بلکه مددکاران شادی شما هستیم. زیرا باید در ایمان استوار باشید.

باب 2

پذیرفتن برادرِ تنبیه شده

اما در این مورد تصمیم گرفتم که دیگر با غم و اندوه نزد شما نیایم.² زیرا اگر شما را ناراحت کنم، دیگر کیست که من را خوشحال کند غیر از همان کسی که او را ناراحت کردم؟³ و این را به این دلیل می‌نویسم تا مبادا وقتی می‌آیم از کسانی اندوهگین شوم که باید شادم کنند، من به همه شما اطمینان دارم که شادی‌ام در همه شما است.⁴ زیرا پس از رنج و محنت قلبی بسیار با اشک‌های فراوان برای شما نامه نوشتم. نه برای این که شما را ناراحت کنم بلکه به این خاطر که از عشق بی‌نهایتی که نسبت به شما دارم آگاه باشید.⁵ اما اگر کسی باعث ناراحتی

و به خصوص نسبت به شما رفتار کردیم.¹³ زیرا چیزی غیر از آن چه می‌خوانید یا حتی تصدیق می‌کنید برای شما نمی‌نویسیم، و امیدوارم تا آخر تصدیق کنید؛¹⁴ همان طور که یک بار تا حدی ما را تصدیق کردید که در روز سرورمان عیسی، ما افتخار شما هستیم، همان طور که شما نیز افتخار ما هستید.

¹⁵ و با چنین اطمینانی تصمیم گرفته بودم اول نزد شما بیایم تا نفع بیشتری به شما برسانم؛¹⁶ و از طریق شما به مقدونیه بروم و سپس از مقدونیه دوباره به سوی شما بیایم، و از نزد شما به سفرم به سوی یهودیه ادامه دهم.¹⁷ وقتی چنین نقشه‌ای کشیدم، آیا بی‌ثباتی خود را نشان دادم؟ یا آیا نقشه‌هایی که می‌کشم بر اساس نیت‌های بشر است تا با هر بار نفس بلی بگویم و سپس نه بگویم؟¹⁸ اما همان طور که خدا وفادار است، شک و تردیدی نیز در کلام ما به شما نیز نیست.¹⁹ زیرا پسر خدا، عیسی مسیح که وجودش از طریق ما، من و سیلوانس و تیموتائوس در میان شما موعظه شد، شک و تردید نداشت؛ بلکه بلی در او بلی بود.²⁰ زیرا هر قدر هم وعده‌های خدا بسیار باشد، بلی نهایی در او است! بنابراین، آمین‌های ما از طریق مسیح است تا

1:13 «آنچه می‌نویسیم درست همان است که می‌خوانید» ممکن است به نوعی بیانگر این حقیقت باشد که آنها در اولین بار خواندن نوشته‌های او در دل می‌دانستند که کلام پولس با عملش یکی است – همان گونه که باید در مورد ما نیز باشد.

1:19 ذات تماماً مثبت خداوند عیسی باید در مثبت بودن ما و هدفمندی‌مان در زندگی نمود پیدا کند (آیه 17).

تیطس را پیدا نکردم در روح خود آرامشی نداشتیم، و از حضور آنها مرخص شدم و به مقدونیه رفتم.¹⁴ اما خدا را شکر، که همیشه ما را در پیروزی در مسیح هدایت می‌کند و عطر معرفت خود را در همه جا از طریق ما ظاهر می‌کند.¹⁵ زیرا ما هم در کسانی که نجات می‌یابند و هم در کسانی که هلاک می‌شوند مانند عطر خوشبوی مسیح هستیم که به خدا تقدیم شده.¹⁶ برای یکی، عطری از مرگ به مرگ؛ و برای دیگری، عطری از حیات به حیات. و کیست که برای این امور کافی باشد؟¹⁷ زیرا ما مثل بسیاری نیستیم که کلام خدا را تباه کنیم؛ بلکه از خلوص نیت و از جانب خدا در حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم.

باب 3

آیا باز خودستایی می‌کنیم؟ یا آیا ما مانند بعضی‌ها نیاز به سفارش‌نامه برای شما یا از سوی شما داریم؟² شما توصیه‌نامه ما هستید که در دل‌هایمان نوشته شده و همه آن را

شده است، چندان باعث ناراحتی من نشده بلکه به یک معنی باعث رنجش همه شما شده است (در این مورد خیلی سخت‌گیری نمی‌کنم).⁶ مجازاتی که اکثریت آن را متحمل شدند برای چنین شخصی کافی است.⁷ پس بر عکس، شما باید او را ببخشید و تسلی دهید، تا مبادا چنین شخصی در اندوه فراوان فرو رود.⁸ بنابراین به شما التماس می‌کنم که عشق خود نسبت به او را ثابت کنید.⁹ زیرا به همین منظور نیز نوشتیم تا با آزمودن شما بفهمیم که آیا در همه امور مطیع هستید یا خیر.¹⁰ اما هر که را ببخشید، من نیز می‌بخشم. وقتی من نیز ببخشم - اگر لازم باشد ببخشم، این کار را به خاطر شما در حضور مسیح می‌کنم، تا¹¹ شیطان هیچ برتری‌ای بر ما نیابد. زیرا از حيله‌های او بی‌خبر نیستیم.

اعتراض پولس به خلوص خود

¹² وقتی به خاطر بشارت مسیح به تروآس آمدم و در خداوند دری به روی من باز شد،¹³ چون برادرم

2:6 این می‌تواند مثال برادری بدسرشت باشد که پولس در آیه 5 رساله اول قرن‌تیان در مورد او به کلیسا توصیه کرده است که از این فرد جدایی گزینند. اما پولس می‌دانست که نباید آن مرد بد سرشت را بیش از حد دور نگه داشت، بلکه اگر توبه کرده باشد، باید او را بخشید تا موجب آسیب روحی و روانی نگردد (آیه 7).

2:12 دربی گشوده است - خدا گاهی فرصت‌هایی در اختیار ما قرار می‌دهد تا شاهی خاص برای او باشیم و ما نیز باید جسارت استفاده از این فرصت‌ها را داشته باشیم.

2:14 این اشاره‌ای است به پیروزی رومیان، که در نتیجه آن سربازان فاتح پس از شکست دشمن، با شکوه و در حال سوزاندن بخور در خیابانها رژه رفتند. پیروزی عیسی بر صلیب باید ما را از چنین حس پیروزی و شکوهی لبریز سازد.

3:2 این حقیقت که پولس قرن‌تیان را هدایت کرده بود، پایه‌ای بود برای اینکه بر آنها اختیار داشته باشد؛ او به هیچ توصیه‌نامه‌ای از هیچ مقامی نیاز نداشت.

محکومیت شکوهمند است، خدمت عدالت شکوه بسی بیشتری دارد.¹⁰ زیرا حقیقتاً آنچه شکوهمند گشته بود، در نهایت در برابر شکوه و جلال دیگری که از او پیشی بسته است، شکوهمند نخواهد بود.¹¹ زیرا اگر آن چه فانی است همراه با شکوه و جلال بود، آن چه تا ابد باقی می‌ماند شکوه و جلال بسیار بیشتری دارد.

¹² بنابراین با داشتن چنین امیدی، با کمال شهادت سخن می‌گوییم،¹³ و مانند موسی نیستیم که نقابی بر چهره خود کشید تا بنی اسرائیل نتوانند خیره شوند و پایان آن چه فانی است را نظاره نکنند.¹⁴ ذهنشان گند شد. زیرا تا همین امروز همان نقاب، هنگام خواندن عهد عتیق باقی است و برای آنها آشکار نمی‌شود و به وسیله عیسی باطل خواهد شد.¹⁵ اما تا به امروز، هر گاه موسی خوانده می‌شود، نقابی بر قلبشان قرار می‌گیرد.¹⁶ اما هر گاه به خداوند رو گرداند، نقاب برداشته می‌شود.¹⁷ خداوند روح است و هر جا روح خداوند باشد، آزادی هست.¹⁸ اما همه ما که با چهره ای

می‌شناسند و خوانده‌اند؛³ که مانند نامه‌ای از سوی مسیح هستید که نزد همه آشکار شده و توسط ما رسانده شده است نامه‌ای که نه با جوهر بلکه با روح خدای زنده نوشته شده است. نه در لوح‌های سنگی بلکه در لوح‌هایی از جنس دل انسان.

⁴ و از طریق مسیح چنین اطمینانی به خدا داریم.⁵ نه این که از خودمان چنین کفایتی داشته باشیم تا چیزی را از خودمان بگوییم؛ بلکه کفایت ما از جانب خدا است،⁶ که ما را به عنوان خادمان یک عهد جدید لایق دانست، عهدی که نه از حرف، بلکه از روح است. زیرا حرف می‌کشد اما روح جان می‌دهد.

عهدهای قدیم و جدید

⁷ اما اگر آن چه منجر به مرگ می‌شد، که مکتوب بود و روی سنگ‌ها حک شده بود، با شکوه و جلال آمد (تا جایی که بنی اسرائیل نتوانستند به خاطر نورانی شدن چهره موسی که مانند شکوهش فانی بود به آن بنگرند)؛⁸ چطور ممکن است خدمت روح بدون شکوه و جلال باشد؟⁹ زیرا اگر خدمت

3:12 «اطمینان» واژه‌ای است که اغلب با موعظه بشارت در کتاب اعمال مرتبط است. این اطمینان و داشتن چنین امیدی می‌تواند برای ما که ذاتاً خجالتی بوده و در برابر دیگران اعتماد به نفس نداریم، الهام‌بخش باشد. اگر باور داشته باشیم که برای ابد در ملکوت خدا زندگی خواهیم کرد، قدرت نشر این خبر به دیگران را نیز خواهیم یافت (رجوع کنید به 4:13).

3:13 مسائل عهد قدیم (آیه 14)، شریعت موسی، در حال از بین رفتن بودند (آیه 11). آنها نهایتاً در سال 70 بعد از میلاد تخریب معبد را به اتمام می‌رسانند. این بدان معنا است که ما امروز مجبور به تبعیت از شریعت موسی نیستیم - چون از بین رفته است. **3:18** وقتی موسی با فرشته صحبت کرد، شکوه صورت فرشته بر صورت موسی

هلاک می‌شوند،⁴ که در آنها خدای این جهان، ذهن بی‌ایمانان را کور ساخته، تا نور بشارت جلال مسیح، که چهره خداوند است، آنها را روشن نسازد.⁵ زیرا ما نه خودمان را بلکه عیسی مسیح سرور را موعظه می‌کنیم و خودمان به خاطر عیسی خادمان شما هستیم.⁶ زیرا خدا است که گفته: نور از تاریکی خواهد تابید، او در دل‌هایمان تابید تا نور معرفت شکوه خدا را در چهره عیسی مسیح عطا کند.

⁷ اما ما این گنجینه را در ظروف خاکی داریم تا بزرگی قدرت از خدا باشد نه از ما.⁸ از هر جهت رنجیده‌ایم، اما هنوز خرد نشده‌ایم؛ سردرگم هستیم، اما هنوز ناامید نیستیم؛⁹ تعقیب می‌شویم؛ اما هنوز ترک نشده‌ایم؛ زمین خوردیم اما

بدون نقاب شکوه سرور را بازتاب می‌کنیم، از شکوه به شکوه به وسیله سرور، یعنی روح به شکل او تبدیل می‌شویم.

باب 4

موعظه بشارت جلال

بنابراین چون چنین ماموریتی داریم، همان طور که رحمت یافته‌ایم، تسلیم نمی‌شویم.² اما ما امور پنهانی ننگین را کنار گذاشته‌ایم، به مکر و حيله رفتار نمی‌کنیم، با فریب، کلام خدا را دستکاری نمی‌کنیم؛ بلکه با نشان دادن حقیقت، خود را برای وجدان هر کسی در نظر خدا مقبول می‌سازیم.³ و حتی اگر انجیل ما پوشیده باشد، برای کسانی پوشیده است که

منعکس شده و بر دیگران جلوه کرد. اگر با عیسی ارتباطی فردی داشته‌باشیم، شکوه او، شخصیت او، از طریق صورت ما به دیگران جلوه می‌کند؛ به علاوه، ما مانند او می‌شویم. صورت او صورت ما می‌شود. به این دلیل است که باید به صورت منظم بشارت‌ها را بخوانیم و در مورد عیسی به عنوان یک فرد تفکر کنیم؛ تنها شناخت او ما را متحول می‌کند.

4:4 تاریکی که چشم انسان‌ها را کور کرده (2:11)، به این معنی که بر اساس نور کلام خدا حرکت نمی‌کنند. فقط یک خدا هست - نه دو تا. خدا (و نه شیطان) چشم قوم اسرائیل را بر بشارت کور کرد (رومیان 11:8) 2 قرن. در آیه 3:14 می‌خوانیم که ذهن آنها مانند فرعون کور یا «سخت» شده بود (نسخه اصلاح شده انگلیسی). هرکس که «خدای این جهان» است یا بود، خدا از او بزرگتر است. در افسس. 4:18 پولس به طور مشخص منظور خود از «تاریکی» را تعریف می‌کند: «عقل آنها تاریک شده است ... به علت جهالتی که درون ایشان ... نتیجه سخت‌دلی‌شان است» (نسخه اصلاح شده انگلیسی). این تضاد همان دشمن واقعی/شیطان بود. پولس احتمالا عبارت «خدای این دنیا» را از نوشته‌های آن زمان یهودیان نقل کرده، تا اینکه واقعا به وجود چنین «خدایی» باور داشته باشد.

4:5 موعظه می‌تواند تمرینی غرور‌آفرین باشد، اگر از آن برای ابراز خودمان به دیگران استفاده کنیم. محتوای پیام ما باید عیسی باشد.

بلکه به چیزهایی می‌نگریم که دیده نمی‌شوند. زیرا چیزهای قابل رویت زودگذر هستند اما چیزهایی که غیرقابل رویت هستند، جاودانه‌اند.

باب 5

اشتقاق پولس برای کرسی

قضاوت مسیح

زیرا ما می‌دانیم که اگر خیمه‌ای که خانه زمینی ما است از بین برود، بنایی از جانب خدا داریم؛ خانه‌ای که با دست ساخته نشده و در آسمان‌ها جاودانه است.² زیرا در حقیقت در این خیمه ما می‌نالیم، زیرا مشتاقیم که با خانه آسمانی خود پوشانده شویم³ زیرا با پوشیدن آن دیگر برهنه نخواهیم بود.⁴ زیرا در حقیقت ما که در این خیمه هستیم تحت بار و فشار می‌نالیم. نه این که بخواهیم خیمه خود را از دست بدهیم، بلکه می‌خواهیم پوشش بیشتری داشته باشیم تا آن چه فانی است در حیات غرق شود.⁵ او که ما را برای این آماده کرده خدا است که روح را به عنوان ضامن به ما داده است.

⁶ پس ما همواره شهادت داریم و می‌دانیم در حالی که در خانه در این بدن هستیم، از حضور سرور دور

هنوز نابود نشده‌ایم.¹⁰ همواره در بدن خود، مرگ عیسی را به همراه داریم تا زندگی عیسی نیز در بدن ما ظاهر شود.¹¹ زیرا ما که زندگی می‌کنیم همواره به خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم، تا زندگی عیسی نیز در جسم فانی ما ظاهر شود.¹² پس مرگ در ما عمل می‌کند اما زندگی در شما.

¹³ اما طبق آن چه نوشته شده که من ایمان آوردم پس سخن گفتم، با داشتن همان روح ایمان، ما نیز ایمان داریم و بر این اساس سخن می‌گوییم.¹⁴ زیرا می‌دانیم خدا که عیسی سرور را زنده کرد، ما را نیز با عیسی زنده خواهد ساخت و با شما حاضر خواهد ساخت.¹⁵ زیرا همه این‌ها به خاطر شماسست تا فیض که از طریق بسیاری افزون می‌شود، باعث افزایش شکرگزاری بابت جلال خداوند گردد.

¹⁶ بنابراین ما تسلیم نمی‌شویم بلکه با این که جسم بیرونی ما رو به فساد است، انسان درونی ما هر روز تجدید می‌شود.¹⁷ زیرا مصیبت ناچیز و کوتاه ما جلالی ابدی را که غیرقابل مقایسه است برای ما فراهم می‌کند؛¹⁸ و در این بین به چیزهایی که دیده می‌شوند نگاه نمی‌کنیم

4:10 اصل تعمید روزانه در زندگی ما اعمال می‌شود؛ از دست رفتن موقت [مرگ] و در عین حال مشارکت در رستاخیز عیسی (رومیان 5:3-6).

5:3 **عریان یافت شده** - آنها که از سوی عیسی رد می‌شوند در قضاوت نهایی «عریان دیده خواهند شد» (مکاشفات 16:15) چون در برابر خدا اعتباری ندارند. در مثالی مشابه، عیسی به ما می‌گوید با نحوه تفکر و زندگی امروزمان گنج خود را در آسمان‌ها بیندوزیم (متی 6:20).

به خاطر خدا است؛ اگر عقلمان سر جایش است، به خاطر شما است. ¹⁴ زیرا عشق مسیح بر ما حاکم است زیرا به این نتیجه رسیدیم که یک نفر برای همه ما مُرد پس همه مُرده‌اند. ¹⁵ و او برای همه مُرد تا کسانی که زنده‌اند نیز دیگر برای خودشان زندگی نکنند بلکه برای کسی زنده باشند که به خاطر آنها مُرد و دوباره برخاست. ¹⁶ بنابراین، ما از این زمان به بعد، هیچ کس را بر اساس جسم نمی‌شناسیم. با این که مسیح را بر اساس جسم شناختیم، دیگر بر این اساس او را نمی‌شناسیم. ¹⁷ بنابراین اگر کسی در مسیح است، یک خلقت تازه است. هر آنچه کهنه بود درگذشت و اینک همه چیز نو شده است. ¹⁸ اما همه چیز از آن خدایی است که به وسیله مسیح با ما صلح کرد و ماموریت صلح را به ما سپرد. ¹⁹ یعنی خدا در مسیح بود و با جهان مصالحه کرد، و خطاهای آنها را برای آنها به حساب نیاورد؛ و کلام صلح را به ما سپرد. ²⁰ بنابراین، ما

هستیم ⁷ (زیرا ما بر اساس ایمان رفتار می‌کنیم نه آن چه می‌بینیم)، ⁸ آری، ما شهادت داریم؛ و ترجیح می‌دهیم از بدون دور باشیم و در خانه با سرور باشیم. ⁹ بنابراین هدف ما این است که چه در خانه باشیم چه دور از خانه، او را خشنود سازیم. ¹⁰ زیرا همه ما باید در حضور کرسی قضاوت مسیح حاضر شویم تا هر یک از ما نتیجه کارهایی را که به شکل جسمانی کرده‌ایم چه خوب چه بد، دریافت کنیم.

سفیران مسیح

¹¹ بنابراین، با آگاهی از ترس خداوند، مردم را متقاعد می‌کنیم؛ اما بر خدا ظاهر می‌شویم، و امیدوارم در وجدان شما نیز ظاهر شویم. ¹² باز هم برای شما خودستایی نمی‌کنیم، بلکه به شما دلیلی می‌دهیم تا به ما افتخار کنید تا شاید بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر بیرونی می‌بالند و نه به آن چه در دل است. ¹³ اگر عقل خود را از دست داده‌ایم

5:9 در بدن منزل داشته باشیم یا در غربت از آن- زنده باشیم یا نباشیم بازگشتان به سوی خداوند عیسی است. اگر بمیریم، تا زمان بازگشت او ناهشیار خواهیم بود؛ اما مرگ ما بازگشت او برای ما خواهد بود، چون لحظه هوشیاری بعدی ما رستاخیز خداوند عیسی و بودن با او خواهد بود.

5:10 چه فانی بمانیم و «مرگ دوم» بمیریم و چه مرگ دوم را تجربه نکنیم (مکاشفات 2:11) نتیجه زندگی جسمانی خود را دریافت خواهیم کرد چون مانند عیسی جسمی نامیرا خواهیم یافت. به یاد داشته باشید که ما برای ابد در شکل جسمانی وجود خواهیم داشت؛ هرچه در انجیل در باب وجود گفته شده، وجود جسمانی است.

5:17 ما همه «در عیسی» هستیم، با تعمید در عیسی (رومان 5:3-6) و بنابراین بخشی از آفرینشی هستیم که عیسی آفریننده آن است.

5:20 ما نمایندگان عیسی روی زمین هستیم، پس وقتی مردم ما را می‌بینند، عیسی را

هستیم.⁶ در خلوص، در معرفت، در صبر، در مهربانی، در روح القدس، در عشق خالص،⁷ در کلام حقیقت، در قدرت خدا؛ باز ره عدالت در دست راست و چپ،⁸ با شکوه و رسوایی، با خبر بد و خبر خوب. همچون فریبکارانیم اما راستگو هستیم،⁹ همچون گمنامانیم اما مشهور هستیم، همچون افراد رو به مرگ اما زنده هستیم، همچون شکنجه‌دیدگان اما کشته نشده‌ایم،¹⁰ همچون غمگینان اما همیشه شاد هستیم، همچون فقیران اما بسیاری را ثروتمند ساختیم؛ همچون بی‌چیزان هستیم اما همه چیز داریم.¹¹ ای مردم قرن‌تس، دهان ما به سوی شما گشاده است و دل‌های ما وسیع؛ بلکه دل‌های خود را برای شما گشوده‌ایم.¹² ما شما را محدود نکردیم بلکه شما در دل خود محدود شده‌اید.¹³ در عوض (گویی با فرزندانم سخن می‌گویم)، شما نیز دل‌های خود را بگشایید.

وابستگی‌های نامتعادل نداشته باشید.

¹⁴ به بی‌ایمانان وابستگی نامتعادل

سفیران مسیح هستیم گویی خدا به وسیله ما دنیا را فرا می‌خواند. ما از طرف مسیح از شما تمنا داریم که با خدا مصالحه کنید.²¹ آن کسی که هیچ گناهی را نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا در او عدالت خدا شویم.

باب 6

و با همکاری با او از شما می‌خواهیم که فیض الهی را بیهوده دریافت نکنید.² زیرا او گفت: در زمان مقبولیت به شما گوش دادم و در روز رهایی به شما کمک کردم. بنگرید، اکنون زمان مقبولیت است؛ بنگرید اکنون روز رهایی است.

سپردن ماموریت پولس از سوی خدا

³ هدف ما این است که دلیلی برای لغزش در چیزی ندهیم تا خدمت ما سرزنش نشود.⁴ اما در همه چیز، در صبر بسیار، در مصیبت‌ها، در نیازها، در پریشانی‌ها،⁵ در تازیانه‌ها، در حبس‌ها، در آشوب‌ها، در زحمت‌ها، در پاسداری‌ها، در روزه‌ها ثابت می‌کنیم خادمان خدا

می‌بینند. رفتار ما باید متناسب با این امر باشد (6:3,4).

6:2 تأکید بر واژه «اکنون» نشان‌دهنده اهمیت حیاتی زندگی و زندگانی امروز است. ما در میانه فرصت‌های فوق‌العاده و ابدی زندگی می‌کنیم. در روز داوری، زمانی نخواهیم داشت.

6:8 با اطلاع ناصحیح. اینکه مورد افترا قرار می‌گیریم نشانه‌ای است بر اینکه ما خادمان خدا هستیم (آیه 4).

6:11 قرن‌تیان نسبت به پولس ستیزمجو بودند، اما او قلبش را بر آنها گشود - در نامه‌های پولس به آنها بیش از هر نوشته دیگری از این جزئیات گفته شده است.

6:14 زیر یوغ ناموافق. این اصل برای کسانی است که تصمیم می‌گیرند ازدواج کنند

و روح پاک سازیم و قدوسیت را در ترس خدا کامل کنیم.

رنج‌های پولس

² قلب‌های خود را به روی ما بگشایید. ما به کسی ظلم نکردیم، هیچ کس را فاسد نساختم و از کسی سوء استفاده نکردیم.³ این را نمی‌گویم که شما را محکوم کنم. زیرا همان طور که قبلاً گفتم، شما در دل‌های ما هستید تا با هم بمیریم و با هم زندگی کنیم.⁴ اطمینان من به شما عظیم است. افتخار من به شما بسیار است. من مملو از آسودگی خاطر هستم، در تمام مصیبت‌هایمان پر از مسرت هستم!⁵ زیرا حتی وقتی به مقدونیه رفتیم، جسم ما رهایی نداشت بلکه از هر طرف رنج کشیدیم. در ظاهر نزاع بود و در درون ترس.⁶ با این حال، خدا که حقیران را تسلی می‌دهد، به ما با آمدن تیتوس تسلی بخشید.⁷ و نه تنها با آمدن او، بلکه با تسلی‌ای

نداشته باشید. زیرا عدالت و شرارت چه رفاقتی دارند؟ روشنایی و تاریکی چه همبستگی‌ای با هم دارند؟¹⁵ چه توافقی بین مسیح و بلیعال وجود دارد؟ چه نسبتی باایمان و بی‌ایمان با هم دارند؟¹⁶ چه تناسبی بین معبد خدا و بت‌ها است؟ زیرا ما معبد خدای زنده هستیم، همان طور که خدا فرموده: من در آنها ساکن خواهم بود و در آنها راه خواهم رفت، و خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.¹⁷ بنابراین، خداوند می‌گوید از میان آنها بیرون بیاوید و جدا شوید و به هیچ چیز ناپاکی دست نزنید؛ و خداوند متعال می‌فرماید من شما را خواهم پذیرفت،¹⁸ برای شما پدر خواهم شد، و شما پسران و دختران من خواهید شد.

باب 7

بنابراین ای عزیزان، با این وعده‌ها خودمان را از همه آلودگی‌های جسم

و ارتباطات عمیق داشته‌باشند، اگرچه می‌دانند معاشر بد اخلاق خوب را فاسد می‌سازد (رساله اول قرن‌تیا 15:33).

6:17 ما قرار است از این دنیا بیرون برویم، و در عین حال نوری برای این دنیا باشیم. بنابراین، جدایی ما از آنها، جدایی از رفتار گناه‌آلود آنها است. دستور جدایی دستور مثبتی است - ما باید از دنیا جدا شویم تا بتوانیم به خود خدا برسیم؛ این معنای عبری «قداست» است.

7:3 همواره از با هم مردن و با هم زندگی کردن در فضای اشتراک مرگ و رستخیز عیسی می‌گوید، فرآیندی که با تعمید شروع می‌شود (رومیان 5:3-6). اما برادران و خواهران ما در عیسی، بخشی از بدن او نیز هستند، بنابراین ما باید به زندگی کردن مردن با آنها ببیندیشیم - حتی با کسانی مانند قرن‌تیا که نسبت به پولس ستیزم‌جو بودند (12:16 و غیره) و آنها که در درک و رفتار ضعیف هستند.

7:7 در بخش دیگری از رساله دوم قرن‌تیا هم به روشنی مشخص است که قرن‌تیا نسبت به پولس ستیزم‌جو هستند؛ با این حال او تلاش می‌کرد تا جای ممکن با آنها مثبت

از بدی رنج کشید؛ بلکه برای این که محبت صادقانه شما در نظر خدا بر شما آشکار گردد.¹³ بنابراین، ما تسلی یافتیم و در تسلی ما خود، با شادی تیتوس خوشحال‌تر شدیم زیرا روح او به وسیله همه شما جانی تازه یافت.

¹⁴ زیرا درباره افتخار کردن به شما در حضور او، شرمسار نشدم. بلکه همان طور که هر چه به شما گفتیم حقیقت داشت، ثابت شد که فخر و بالیدن به شما در حضور تیتوس نیز درست است.¹⁵ و رنج او برای شما حتی بیشتر است زیرا او اطاعت همه شما را به یاد دارد و این که چطور با ترس و لرزش او را پذیرفتید.¹⁶ مسرورم که در همه چیز می‌توانم اطمینان کامل به شما داشته باشم.

باب 8

بخشش سخاوتمندانه برای

مومنان فقیر

ای برادران، علاوه بر این، شما را از فیض الهی که در کلیساهای مقدونیه اعطا شده مطلع می‌سازیم. ² زیرا در یک امتحان سختی از

که در شما یافتیم وقتی تیتوس از اشتیاق شما، عزاداری شما، تعصب شما به من برای ما سخن گفت. پس بیش از پیش مسرور گشتم.

اندوه الهی

⁸ حتی اگر با نامه‌ام باعث ناراحتی شما شدم، پشیمان نیستم. گرچه پشیمان شدم، زیرا می‌بینم که آن نامه شما را محزون ساخت گرچه فقط برای مدتی.⁹ اکنون شادی می‌کنم نه به این خاطر که شما محزون شدید، بلکه به این خاطر که محزون شدید تا توبه کنید. زیرا به شیوه‌ای الهی محزون شدید تا از ما متحمل رنجی نشوید.¹⁰ زیرا اندوه الهی، توبه را به رهایی می‌انجامد، پشیمانی نمی‌آورد؛ اما اندوه جهان به مرگ می‌انجامد.¹¹ زیرا به این موضوع توجه کنید: شما به شیوه‌ای الهی محزون شدید، و این حزن چه کوششی در شما پدید آورد، چه تطهیری، چه خشمی، چه ترسی، چه اشتیاق شدیدی، چه غیرتی، چه دفاعی! در همه امور ثابت کردید که در این امر خالص هستید.¹² زیرا گرچه برای شما نوشتم، نه برای کسی که بدی کرد، نه برای کسی که

باشد، و حرف‌های آنها را باور کند، به دور از ساده‌لوحی.

7:10 رستگاری ما در توبه است، و از «اندوه برای خدا» می‌آید. اگر به اشتباهاتمان بنگریم، چند مورد از این تجربه را می‌بینیم؟

7:13 اگر خودخواه نباشیم، شادی دیگران موجب شادی ما می‌شود. شادی را نباید تنها در چیزهایی که برایمان شادی فردی به ارمغان می‌آورند، ببینیم.

8:1, 2 رحمت یا محبت مشفقانه خدا موجب سخاوت یا «بخشندگی» در ما می‌شود؛ در زبان یونانی واژه «رحمت» به معنای «نعمت» است. ما نمی‌توانیم نسبت به نعمت سخاوت، منفعل باشیم.

اولین کسانی بودند که یک سال پیش شروع کردید و نه تنها اشتیاق به بخشش داشتید بلکه در عمل نیز بخشیدید...¹¹ پس اکنون این کار را به پایان برسانید. تا همان طور که میل به بخشش وجود داشت، مطابق با توان خود این میل و آرزو را محقق کنید.¹² زیرا اگر آمادگی هست، بر حسب آن چه یک نفر دارد مورد قبول است که بر اساس آنچه ندارد.¹³ زیرا نمی‌گویم تا دیگران آسوده شوند و شما به زحمت بیفتید.¹⁴ بلکه به این دلیل می‌گویم که به خاطر عدالت، فزونی شما در حال حاضر نیازهای آنها را برآورده کند تا فزونی آنها نیز نیازهای شما را برآورده کند تا تساوی برقرار شود.¹⁵ زیرا نوشته شده: آن کسی که بسیار جمع کرد زیاد نداشت و آن کسی که کم جمع کرد کمبود نداشت.¹⁶ اما خدا را شکر می‌کنم که در قلب تیطس همان محبت صمیمانه را برای شما نهاد.¹⁷ زیرا او حقیقتاً نه تنها درخواست ما را پذیرفت؛ بلکه بسیار مشتاق بود و با شوق و ذوق خود به سوی شما آمد.¹⁸ و ما با او برادری را فرستادیم که ستایش او در انجیل در همه کلیساها گسترش یافته است.¹⁹ نه تنها این، بلکه

مصیبت‌ها، خوشی فراوان و فقر شدید آنها منجر به ثروتی از سخاوت‌مندی ایشان گشت.³ زیرا شهادت می‌دهم که بر حسب توانایی و حتی فراتر از حد توانایی‌شان، از خود بخشش کردند،⁴ و صادقانه به ما التماس می‌کردند که این فیض را به عنوان نشانه همراهی آنها در خدمت به قدیسان بپذیریم.⁵ و بخشش آنها فراتر از امید ما بود زیرا به واسطه خواست الهی، آنها اول خود را به سرور و سپس به ما دادند.⁶ بنابراین ما از تیطس تمنا کردیم که همان طور که در میان شما این عمل فیض را آغاز کرده، آن را به اتمام برساند.⁷ تا همان طور که در همه چیز، در ایمان و کلام و دانایی و همه صمیمیت و عشق به ما غنی هستید، در این فیض نیز فزونی یابید.⁸ این را به صورت یک حکم مستقیم نمی‌گویم؛ بلکه با نشان دادن صمیمیت دیگران، اخلاص عشق شما را تفحص کنم.⁹ زیرا فیض سرور ما عیسی مسیح را می‌دانید که گرچه ثروتمند بود، اما به خاطر شما خود را فقیر ساخت تا از طریق فقر او ثروتمند شوید.¹⁰ و اینجا نظرم را می‌گویم. زیرا این کار به صلاح شما است چون

8:12 به این ترتیب، حتی فرد فقیر هم می‌تواند سخاوت‌مند باشد. اگر رحمت خدا ما را به سخاوت ترغیب کند اما چیزی نداشته‌باشیم که به دیگران بدهیم، آنگاه میل ما به دادن هم برای او به مثابه این است که واقعاً بخشیده‌ایم.

8:15 این نقل قول از عهد قدیم بدین معنا است که برخی اسرائیلی‌ها هر روز بیش از کسانی که شاید ضعیف یا پیر بودند، منا جمع می‌کردند. اما آنها که بیشتر جمع می‌کردند، اضافه‌ها را با کسانی که به اندازه کافی جمع نکرده بودند، تقسیم می‌کردند.

8:16 خدا نیازهای دیگران را در دل ما قرار می‌دهد، و ما باید از رهبری وی تبعیت کنیم.

نیست برای شما بنویسم.² زیرا از آمادگی شما مطلعم و به این آمادگی در حضور مردم مقدونیه افتخار کردم و گفتم که اخائیه سال پیش برای شما حاضر شده‌اند؛ و غیرت شما بسیاری از آنها را به جنبش درآورده است.³ اما برادران را فرستاده‌ام تا افتخار کردن ما به شما در این موضوع بیهوده نگردد. تا همان طور که گفتیم: آماده شوید.⁴ مبادا به هر طریقی اگر بعضی از مقدونی‌های ما من بیایند و ببینند شما آماده نیستید، ما (چه برسد به شما) به خاطر چنین اطمینانی که نسبت به سخاوتمندی شما داشتم شرمسار خواهیم شد.⁵ پس به نظر لازم بود که از برادران خواهش کنم که زودتر نزد شما بیایند و از پیش هدیه‌ای را که وعده‌اش را داده بودید مهیا سازند تا هدیه آماده باشد و هدیه‌ای از روی میل به نظر آید نه از روی اجبار.

⁶ اما این را می‌گویم: آن کسی که کم بکارد، کم نیز درو می‌کند؛ و هر که بسیار بکارد، بسیار نیز درو خواهد کرد.⁷ هر کسی طبق آن چه در دل دارد انجام دهد. نه از روی

او کسی است که از سوی کلیساها منصوب شد تا با ما در این کار خیر سفر کند که برای جلال خداوند و نشان دادن میل خود به کمک به شما انجام می‌دهیم.²⁰ این کار انجام شد تا از سرزنش دیگران در این امر خیر که خادمان آن هستیم پرهیز کنیم.²¹ زیرا مواظبیم که کارها را نه تنها از نظر خداوند بلکه از نظر مردم نیز به طور پسندیده‌ای انجام دهیم.

²² و ما با آنها برادرمان را فرستادیم که بارها در موارد بسیاری اشتیاق خود را ثابت کرده اما اکنون، به دلیل اطمینان فراوانی که به شما دارد، اشتیاق بیشتری دارد.²³ اگر کسی درباره تیطس بپرسد، او شریک و همکار من در خدمت به شما است؛ یا برادران ما پیام‌آور کلیساها و جلال مسیح هستند.²⁴ بنابراین به آنها در حضور کلیساها عشق خود و فخر ما درباره شما را ثابت کنید.

پاب 9

درخواست بخشش سخاوتمندانه
درباره خدمت به قدیسان، نیازی

8:23 جلال عیسی در کسانی که در خدمت به دیگران شریک او هستند؛ نگاه وی به خادمانش مثبت است.

9:2 شور و اشتیاق برای سخاوت، واگیردار است؛ اما سخاوت و خدمت به دیگران نباید تنها با حرف باشد، آن گونه که در مورد قرن‌تیان بود و در مورد ایمانداران و مکالمات بین آنها است؛ عمل لازم است (آیه 3).

9:6 دیدن حاصل سخاوتمان در زمان برداشت ممکن می‌شود، که همان بازگشت عیسی است (متی 13:30). ما می‌توانیم با چیزهایی غیر از پول نیز سخاوت نشان دهیم.

9:7 دادن هر چیزی به دیگران (نه فقط پول)، باید با شادی باشد، و نه برای اینکه فکر می‌کنیم مجبوریم، یا از ما انتظار می‌رود؛ بلکه باید نتیجه تصمیم آگاهانه باشد که شخصاً می‌گیریم.

¹⁵ خدا را بابت نعمت غیرقابل توصیفش شکر می‌گوییم.

پاب 10

پولس قرن تیان را با قدرت الهی تهدید می‌کند

اینک خود من، پولس، که وقتی در میان شما حاضر بودم، فروتن بودم، اما وقتی غایب هستم، با شما جسارت می‌کنم، از شما به لطف و مهربانی مسیح تمنا دارم: ² التماس می‌کنم که وقتی حاضر می‌شوم، جسارت نکنم بدان اطمینانی که قصد دارم نسبت به کسانی که می‌پندارند که ما به طریق جسم رفتار می‌کنیم جسارت کنم. ³ زیرا هرچند در جسم رفتار می‌کنیم، ولی به قانون جسمی جنگ نمی‌کنیم. ⁴ (زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه در حضور خدا قادر انهدام قلعه‌ها است)، ⁵ که خیالات و هر امر بلندی را که خود را بر خلاف معرفت خدا می‌افرازد، به زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم. ⁶ و آماده هستیم وقتی که اطاعت شما کامل شود از تمام نافرمانی‌ها انتقام جوییم.

⁷ به چیزهایی نگاه کنید که جلوی

بی‌میلی و اجبار، زیرا خدا کسی را دوست دارد که با شادی می‌بخشد. ⁸ و خدا قادر است هر نوع فیضی را به فزونی شما عطا کند تا همیشه با داشتن همه چیز به اندازه کافی بتوانید هر کار نیک را به وفور انجام دهید. ⁹ زیرا نوشته شده: او به بیرون پراکنده ساخته، به فقرا بخشیده است. عدالتش تا ابد باقی است. ¹⁰ آن کسی که بذر را برای برزگر و نان غذا را فراهم می‌آورد، بذر شما را برای کاشتن فراهم می‌کند و افزایش می‌دهد و میوه‌های عدالت شما را فزونی می‌بخشد. ¹¹ در همه چیز بابت همه سخاوتمندی‌تان غنی خواهید شد که این به وسیله ما منجر به شکرگزاری خدا خواهد شد. ¹² زیرا انجام این کار خیر نه تنها نیازهای قدیسان را فراهم می‌کند بلکه موجب سپاسگزاری بسیاری از خدا نیز می‌گردد. ¹³ با ستایش این خدمت، آنها به خاطر وفاداری شما خدا را ستایش می‌کنند زیرا شما به بشارت مسیح اعتراف می‌کنید و در کمک به آنها و به همه سخاوتمند هستید. ¹⁴ در عین حال، به دلیل فیض فراوان خدا در شما، آنها برای شما دعا می‌کنند و مشتاق شما هستند.

9:8 اگر واقعاً بخواهیم که سخاوتمند باشیم، خدا آنچه لازمه این سخاوت است را در اختیار ما قرار می‌دهد - او دانه‌های بیشتری برای کاشتن به ما می‌دهد، به گونه‌ای که محصول برداشتی از آن (هم از نظر شکرگزاری دریافت کنندگان از او و هم از نظر جلالی که برای ما می‌آورد) بیشتر خواهد بود (آیات 10-12). عیسی نیز در لوقا همین را به ما می‌آموزد. 7-11:5 خدا هر آنچه بخواهیم به ما می‌دهد، اگر خواستن ما برای دادن به دیگرانی باشد که حقیقتاً به آن نیاز دارند و خود ما نداریم.

10:5 ذات مسیحیت داشتن ذهی روحانی است، تا تمام افکارمان تحت کنترل ما باشد.

10:7 ما نیز هستیم - باید بدانیم که هر آنچه ما از تجربه عیسی درمی‌یابیم، نه فقط

را با خود اندازه می‌گیرند و خود را با خود مقایسه می‌کنند، که کار احمقانه‌ای است.¹³ اما ما بیش از حد به خود فخر نمی‌ورزیم، بلکه در حد خدمتی که خدا ما را برای آن تعیین کرد که شامل خدمت به شما نیز می‌شود.¹⁴ زیرا در فخرورزی از حد خود تجاوز نمی‌کنیم که به شما نرسیدیم. زیرا در بشارت مسیح اول، از همه به شما هم رسیدیم.¹⁵ بنابراین در سختی‌های دیگران بیش از حد خود فخر نمی‌نماییم؛ بلکه امید داریم همانطور که ایمان شما بیشتر می‌شود، تاثیر ما در میان شما بسیار بیشتر خواهد شد،¹⁶ تا در مکانهای دورتر از شما هم بشارت دهیم بدون این که به کاری فخر کنیم که در محدوده ماموریت دیگری از قبل انجام شده است.¹⁷ اما هر که فخر کند، باید به سرور فخر کند.¹⁸ زیرا آن کسی که خود را ستایش می‌کند مقبول واقع نمی‌شود

چشمانتان است و به شما خیره است. اگر کسی بر خود اعتماد دارد که از آن مسیح است، این را نیز از خود بداند که چنانکه او از آن مسیح است، ما نیز همچنان از آن مسیح هستیم!⁸ می‌توانم بدون شرم و به وفور درباره اقتدار خود فخر بورزم که خداوند آن را نه برای خرابی شما بلکه برای بنا کردن به ما داده است.⁹ اما چنین نخواهم کرد تا مبادا به نظر برسد که شما را از نامه‌هایم می‌ترسانم.¹⁰ زیرا گفتند: نامه‌های او گران و قدرتمند است، اما حضور جسمی او ضعیف و سخنش حقیر.¹¹ چنین شخصی باید بداند هر چه در غیابمان در نامه با کلام هستیم، در عمل نیز در حضورمان چنین خواهیم بود.

¹² زیرا آنقدر شهادت نداریم که خود را از کسانی بدانیم یا با کسانی مقایسه کنیم که خود را ستایش می‌کنند. اینها درک ندارند چون خود

عشق سخاوتمندانه او، حضور و بخشش ما، توسط سایر برادران ما در عیسی که ممکن است با ما متفاوت باشند نیز تجربه شده است.

10:8 اقتدار، چه در کلیسا باشد، چه بر کودکان، چه در ازدواج و چه در محل کار، هدیه‌ای از سوی خدا است که باید به صورت مثبت و در راستای بالابردن دیگران، خدمت به دیگران، استفاده شود و نه برای افتخارکردن خودمان و تخریب سایرین.

10:10 پولس شاید از نظر فیزیکی ضعف یا کمبودی داشت که وی را ناخوشایند می‌ساخت (10:1; 11:6) - «خاری در جسم» (12:7). شادی خدا در این است که ضعفا کار وی را انجام دهند و پولس نمونه‌ای از این حقیقت است.

10:12 ما ذاتاً تمایل داریم که خودمان را با دیگران مقایسه کنیم و به این نتیجه برسیم که بد نیستیم. اما معیار مقایسه باید عیسی باشد. او از جنس ما بود، نماینده ما، پس در واقع می‌توانیم این کار را انجام دهیم.

10:16 پس ... اگر بشارت آوردن پولس برای قرن‌تیان از نظر معنوی بیشتر می‌شد، آنگاه احساس می‌کرد که باید بشارت را به مکان‌های جدید دیگری هم ببرد. بنابراین، ناپختگی آنها مانعی بود بر سر راه گسترش بشارت و نجات دیگران.

نکردید، یا بشارتی دیگر را قبول کنید که قبول نکردید. ظاهراً گمان می‌کنید که بهتر است با او کنار بیایید.⁵ اما من یقین دارم که از به اصطلاح بزرگترین حواریون هرگز کمتر نیستم.⁶ هرچند در کلام بد باشم، اما در معرفت نیستم. نه، به هر شکلی در همه چیز این را برای شما آشکار کردم.

⁷ آیا گناه کردم که خود را ذلیل ساختم تا شما سرافراز شوید زیرا بشارت خدا را برای هیچ به شما موعظه کردم؟⁸ کلیساهای دیگر را با پذیرفتن حمایت از سوی آنها برای خدمت به شما غارت کردم.⁹ و هنگامی که نزد شما حاضر و محتاج بودم، بر هیچ‌کس باری نبودم. زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند، همه نیازهای مرا برآورده کردند؛ و در همه چیز از بار نهدان

بلکه آن کسی مقبول است که سرور ستایش کند.

پاب 11

دفاع پولس از عشق عظیمش به قرن‌تینان

امیدوارم مرا با کمی جهالت تحمل کنید. حتماً مرا تحمل کنید.² زیرا من با غیرتی الهی بر شما غیور هستم. زیرا شما را نامزد یک شوهر کردم تا شما را به عنوان باکره‌ای پاک به مسیح بسپارم.³ اما می‌ترسم چنانکه افعی به مکر خود حوا را فریب داد، مبادا ذهن شما هم از سادگی‌ای که در مسیح است، فاسد گردد.⁴ زیرا اگر کسی بیاید و به عیسای دیگر وعظ کند، که به او ما موعظه نکردیم، یا شما روح متفاوتی را بیابید، که دریافت

11:2 با تعמיד، ما نامزد ازدواج با عیسی می‌شویم. پولس همان طور که آنها را برای عیسی می‌آورد، احساس کرد باید از باکرگی آنها برای او اطمینان حاصل کند؛ هر عمل خائنانانه، تبعیت از دیگر خدایان، کمتر از خوابیدن یک باکره نامزددار با دیگر مردان نیست. به خاطر احساسات عیسی و به خاطر عشق و محبت پولس به عیسی بود که پولس می‌خواست قرن‌تینان نسبت به عیسی وفادار باشند.

11:3 برای پولس قرن‌تینان مانند مریم مقدس در عدن بودند. اگرچه از نامه‌هایش به آنها مشخص است که آنها از نظر جنسی بی‌اخلاق بودند و در درکشان از مسیحیت بسیار خام. او واقعاً تلاش کرد تا جایی که ممکن بود نسبت به آنها مثبت باشد.

11:4 به شما غیرت دارم- پولس طعنه می‌زند، چون می‌بیند و نگران است که چگونه قرن‌تینان به آسانی فریب بشارت‌های دروغین را می‌خورند. چیزی تحت عنوان «عیسای دیگر» داریم؛ تنها به این دلیل که تعالیمی چیزی در مورد عیسی می‌گویند، به این معنی نیست که حقیقت باشد.

11:7-9 پولس در پاسخ به انتقاداتی که به او می‌شود، می‌نویسد. نحوه اعتراض وی به اینکه هرگز پولی از قرن‌تینان نگرفته به این معنا است که وی را به دروغ متهم به پول گرفتن کرده‌اند. چنین افترا و حمله‌ای متأسفانه یکی از عواقب اجتناب‌ناپذیر موعظه بشارتهاست.

بسیاری مثل انسان‌ها فخر می‌کنند، من هم فخر می‌کنم.¹⁹ برای دانا بودن، نادان‌ها را به خوشی تحمل کنید.²⁰ زیرا به نظر می‌آید دنباله‌رو کسی هستید که شما را بنده خود سازد، یا شما را فرو خورد، یا شما را اسیر کند، یا خود را بلند سازد، یا بر شما سیلی زند.²¹ با شرمندگی می‌گویم آنقدر ضعیف بودیم که نتوانستیم این کارها را بکنیم. اگر کسی گستاخ است (با حماقت صحبت می‌کنم)، من هم گستاخ هستم.²² آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم. اسرائیلی هستند؟ من نیز هستم. از نسل ابراهیم هستند؟ من نیز هستم.²³ آیا خادم مسیح هستند؟ (مانند دیوانگان حرف می‌زنم)، من بیشتر هستم، در سختی‌ها بیشتر، در حبس زیادتر، با تازیانه‌های بیشتر، و بیشتر وقتها نزدیک به مرگ.²⁴ از یهودیان پنج مرتبه، سی و نه تازیانه خوردم.²⁵ سه مرتبه مرا چوب زدند، یک دفعه سنگسار شدم، سه بار کشتی شکسته شدم، شبانه‌روز در دریا بسر بردم.²⁶ در سفرها بارها، در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان، در خطرهای قوم خود و در خطرهای غیریهودیان، در خطرهای شهر، در خطرهای

بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت.¹⁰ همانطور که راستی مسیح در من است، هیچکس نمی‌تواند جلوی فخر ورزیدن من به این موضوع را در نواحی اخانیه بگیرد.¹¹ و چرا؟ زیرا شما را دوست ندارم؟ خدا می‌داند، که دارم!

¹² اما به آنچه می‌کنم ادامه خواهم داد تا برای فرصت طلبان، این فرصت را فراهم نکنم، تا فخر آنها مثل ما نباشد.¹³ زیرا چنین اشخاصی حواریون دروغین و کارگران مکار هستند که خود را به رسولان مسیح مشابه می‌سازند.¹⁴ و عجیب نیست. زیرا شیطان خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد.¹⁵ پس امر بزرگی نیست که خدمتکاران او نیز خود را به شکل خدمتکاران عدالت در بیاورند که عاقبتشان بر اساس اعمالشان خواهد بود.

پولس رنج‌هایش را نام می‌برد
¹⁶ باز می‌گویم، کسی مرا نادان نداند؛ در غیر این صورت، مرا به عنوان نادانی بپذیرید تا من نیز اندکی افتخار کنم.¹⁷ آنچه الان با این اعتماد و فخرورزی خواهم گفت، از جانب سرور نمی‌گویم بلکه در جهالت می‌گویم.¹⁸ زیرا

11:14 اینجا پولس از افسانه‌های آن زمان یا حکایتی رایج در مورد شیطان نقل قول می‌کند. او می‌گوید که رسولان دروغین خود را به جای رسولان حقیقی جا می‌زدند. به نظر می‌رسد «شیطان» دشمن در کلیسای قرن تیان، همان معلمان دروغین یهودی باشند که «عبری»، «اسرائیلی»، بودند (11:22).

11:24 چهل شلاق می‌تواند یک مرد را بکشد. فهرست شکنجه‌های پولس خارق‌العاده است. این شکنجه‌ها می‌توانست از نظر روحی و جسمی هر انسانی را نابود سازد؛ اما او ادامه داد چون حقیقتاً به انگیزه عیسی پیش می‌رفت.

و در سبیدی از پنجره دیوار پایین گذاشته شدم و از دست او فرار کردم.

باب 12

سخنان پولس درباره مکاشفات

بزرگی که به او عطا شده

باید به فخرورزی ادامه دهم (هر چند چیزی از آن عاید نمی‌شود). به رویاها و مکاشفات سرور ادامه می‌دهم.² شخصی را در مسیح می‌شناختم، چهارده سال قبل (آیا در جسم؟ نمی‌دانم، و آیا بیرون از جسم، نمی‌دانم؛ خدا می‌داند). این شخص تا آسمان سوم رفته بود.³ و چنین شخصی را می‌شناختم (خواه در جسم و خواه جدا از جسم، نمی‌دانم؛ خدا می‌داند)،⁴ که به بهشت رفته شد و سخنان ناگفتنی شنید، که گفتن آن برای انسان جایز نیست.

در بیابان، در خطرهای دریا، در خطرهای در میان برادران دروغین؛²⁷ در محنت و مشقت، در بی‌خوابیها بارها، در گرسنگی و تشنگی، در روزه‌ها بارها؛ در سرما و عریانی.²⁸ به غیر از این‌ها که از بیرون به من فشار می‌آوردند، باری نیز هر روزه بر من است، یعنی اضطراب برای همه کلیساها.²⁹ آیا وقتی کسی ضعیف است، من نیز ضعیف نیستم؟ کسی که لغزش می‌خورد، من نمی‌سوزم؟³⁰ اگر فخر کردن ضرورت دارد، درباره چیزهای فخر می‌کنم که به ضعف من مربوط است.³¹ خدا و پدر سرور، عیسی مسیح که تا ابد متبارک است، می‌داند که دروغ نمی‌گویم.³² در دمشق، فرماندار تحت فرمان حارث پادشاه، از شهر دمشقیان برای دستگیری من نگهبانی می‌کرد.³³

11:28 برابر تمام این شکنجه‌های دردناک جسمانی در آیات 27-23، فشار نگرانی

برای سایر برادران و خواهران دانسته شده است. پس، اوضاع بسیار دشواری بود.

11:29 مواقعی هست که ما باید ضعیف به نظر بیاییم و حتی ضعیف باشیم، اگرچه در نهایت ضعیف نیستیم؛ ما با ضعیف بودن قدرت خود را نمایش می‌دهیم. مرگ عیسی بزرگترین مثال این امر است (رساله دوم قرن‌تیان 13:4)؛ پولس می‌گوید که این مثال را برای زندگی خود صادق دیده است. و ما نیز باید اینچنین باشیم.

11:33 پولس آن فرار را به یاد می‌آورد، پایین فرستاده شدن از حصار شهر درون زنبیلی، یکی از تحقیرآمیزترین اتفاقاتی که وی تجربه کرد (آیه 30).

12:2 پولس خودش را «شخصی در مسیح» می‌خواند؛ او قادر بود خود را خارج از خود ببیند.

12:2 آسمان سوم - «آسمان‌ها و زمین» به معنای «نظام زندگی» در انجیل به کار رفته است. «آسمان» اول نظام موسایی است؛ ما اکنون در جای‌های آسمانی عیسی هستیم (افسیسیان 1:3؛ 2:6)؛ بنابراین، آسمان سوم به دوران ملکوت پس از بازگشت عیسی اشاره دارد. تصویری خاص از ملکوت «فردوس» به پولس نشان داده شده بود (آیه 4)، ملکوت خدا بر روی زمین وقتی که وضعیتی اولیه در باغ عدن احیا می‌شود.

احتیاجات و زحمات و پریشانی‌ها
بخاطر مسیح شادمانم. زیرا وقتی
ضعیف هستم، سپس قوی می‌شوم.

انگیزه‌های سفر از قبل برنامه‌ریزی شده پولس به قرنتس

¹¹ نادان شده‌ام. شما مرا مجبور
ساختید. زیرا باید شما مرا مدح
می‌کردید. زیرا من از بزرگترین
حواریون به هیچ وجه کمتر
نیستم، هرچند هیچ هستم.¹²
حقیقتاً نشانه‌های رسول در میان
شما با کمال صبر از طریق آیات
و معجزات و کارهای عظیم انجام
شد.¹³ زیرا در چه چیزی از سایر
کلیساهای کمتر بودید؟ جز این که من
باری بر دوش شما نگذاشتم؟ این
بی‌انصافی را از من ببخشید.
¹⁴ بنگرید، بار سوم است که

⁵ من به چنین شخصی می‌بالم،
اما از برای خودم جز به ضعف‌هایم
چیزی برای بالیدن ندارم.⁶ زیرا اگر
بخوادم فخر کنم، احمق نخواهم بود،
زیرا حقیقت را خواهم گفت. اما فخر
نخواهم گفت، مبادا کسی بالاتر از
آنچه در من دید یا از من شنید بر
من حساسی باز کند.⁷ برای این که
به خاطر مکاشفات فوق‌العاده، بیش
از حد مغرور نشوم، خاری در جسم
من داده شد، پیام‌آور شیطان، تا مرا
لطمه بزند، مبادا زیادی مغرور
شوم.⁸ درباره آن از سرور سه بار
درخواست کردم تا از من برود.⁹ و او
به من گفت: فیض من برای تو کافی
است. زیرا که قوت من در ضعف
کامل می‌گردد. پس به شادی بسیار
بیشتر به ضعف‌های خود خواهم بالید
تا قوت مسیح در من ساکن شود.¹⁰
بنابراین، از ضعف‌ها و رسوایی‌ها و

12:6 اگر مردم توقعات بسیار زیادی از ما داشته باشند، باید آنها را از ضعف‌های خود
آگاه سازیم، همان طور که پولس کرد.

12:7 خاری در جسم- این می‌تواند اشاره‌ای باشد بر ضعف جسمانی پولس، یا شاید
مشکلی در گفتار (10:1,10; 11:6). یا اشاره به «جسم» می‌تواند به منزله ضعفی
اخلاقی در پولس باشد- زنان زمینی در گذشته برای مردان خدا «خار» بودند (کتاب
اعداد 33:55; یوشع. 23:13). با این حال «شیطان»/ دشمن کار پولس که با «خار در
جسم» مرتبط است، مشخصاً یهودیان مخالف او بودند، از جمله گروهی از معلمان
کاذب که او را دنیال کرده و تلاش می‌کردند ایمانداران به او را علیه او شورانده و به
نظام یهودی بازگردانند.

12:8 این ما را به یاد نیایش سه‌گانه عیسی در جتسمانی می‌اندازد.

12:9 مواردی هست که ما بارها از خدا می‌خواهیم، و معتقدیم اگر او نیایش‌های ما را
بشنود خدمات‌مان به او تقویت می‌گردد. اما پاسخ ما نیز همان پاسخی است که پولس
دریافت کرد- این حقیقت که فیض و جلال او یعنی ما چیزی کم نداریم (مزامیر 23:1;
34:10). بخش دیگر پاسخ خدا این است که خدا دوست دارد با افراد شکسته، خرد و
کسانی کار کند که فکر می‌کنند به اندازه کافی خوب یا باهوش نیستند.

12:14 پولس ایمانداران خود را مانند فرزندان معنویت می‌دانست. اگر دیگران را به

نزاع و حسد و خشمها و تعصب و تهمت و خصومت و غرور و فتنه‌ها باشد.²¹ و می‌ترسم که وقتی دوباره بیایم، خدای من مرا نزد شما فروتن سازد و مجبور باشم برای بسیاری از کسانی عزاداری کنم که پیشتر گناه کردند و از ناپاکی و زنا و فساد که کرده بودند، توبه نمودند.

پاب 13

درخواست پایانی پولس

این بار سوم است که نزد شما می‌آیم. به گواهی دو یا سه شاهد، هر سخن اثبات خواهد شد.² قبلاً به کسانی که گناه کردند هشدار دادم و الان که غایب هستم دوباره هشدار می‌دهم، مانند زمانی که در بازدید دوم حاضر بودم، که اگر دوباره بیایم، مسامحه نخواهم نمود.³ زیرا دنبال اثبات این هستید که مسیح در من سخن می‌گوید (که او نزد شما ضعیف نیست بلکه در شما تواناست).⁴ زیرا از طریق ضعف مصلوب گشت، اما از طریق قدرت خدا زندگی می‌کند. زیرا ما نیز در وی ضعیف هستیم؛ اما با او از قوت خدا که به سوی شما است، زندگی خواهیم کرد.

آماده‌ام نزد شما بیایم و باری بر دوش شما نخواهم گذاشت. زیرا نه مال شما بلکه خود شما را طالبم. چرا که نباید فرزندان برای والدین ذخیره کنند، بلکه والدین برای فرزندان.¹⁵ و من با کمال خوشحالی برای جانهای شما خرج می‌کنم و خرج کرده خواهم شد. و اگر شما را اینقدر دوست دارم، آیا به این دلیل باید من را کمتر دوست داشته باشید؟¹⁶ اما باشد، من باری بر دوش شما نگذاشتم بلکه چون حیلۀ گر بودم، شما را به مکر به چنگ آوردم.¹⁷ آیا با هیچ یک از آنانی که نزد شما فرستادم، از شما سوء استفاده کردم؟¹⁸ به تیطس التماس کردم و با وی برادر را فرستادم. آیا تیطس از شما سوء استفاده کرد؟ مگر به یک روح رفتار نکردیم؟ مگر به یک روش رفتار نکردیم؟¹⁹ آیا بعد از این مدت، گمان می‌کنید که نزد شما عذر و بهانه بیاوریم؟ در حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم. همه چیز ای عزیزان برای بنای شما است.²⁰ زیرا می‌ترسم که وقتی بیایم، شما را نه چنانکه می‌خواهم بیایم و شما مرا بیابید چنان که نمی‌خواهید. مبدا

سمت عیسی بیاوریم، ما نیز همین احساسات را تجربه خواهیم کرد.

12:15 عشق بدون پاسخ یکی از دردناک‌ترین تجربیات بشر است. اما خدا و عیسی بیش از همه آن را تجربه کرده‌اند؛ چون هرچه بیشتر عشق بورزیم و آماده باشیم، طرد شدنمان سخت‌تر خواهد بود.

12:21 اندوهگین شوم- منظور او این است که آنها را تأدیب نماید. اما این تأدیب ناشی از اندوه عمیق بود.

13:4 مرگ عیسی، ضعف رضامند او، الگویی بود که در مسیر دشوار هدایت قرن‌تیان دنبال شد؛ و صلیب برای ما الگویی است در برخورد با شرایط دشوار.

توانایید. و نیز برای این دعا می‌کنیم که شما کامل شوید.¹⁰ به همین دلیل این‌ها را در غیاب می‌نویسم تا هنگامی که حاضر شوم، بر اساس قدرتی که خداوند به جهت بنا نه برای خرابی به من داده است با شما سختی نکنم.

¹¹ در آخر، ای برادران بدرود. کامل شوید. تسلی پذیرید. همفکر باشید. در آرامش زندگی کنید و خدای محبت و آرامش با شما خواهد بود.¹² به یکدیگر با بوسه مقدس سلام دهید.¹³ همه قدیسان به شما سلام می‌رسانند.¹⁴ فیض سرور عیسی مسیح و محبت خدا و همراهی روح‌القدس با همه شما باد.

⁵ خود را امتحان کنید تا ببینید در ایمان هستید یا نه. خود را آزمایش کنید. آیا متوجه این مساله در مورد خودتان نمی‌شوید که عیسی مسیح در شما است؟ مگر اینکه در این آزمایش مردود باشید!⁶ اما امیدوارم که خواهید دانست که ما در این آزمایش مردود نیستیم.⁷ و نزد خدا دعا می‌کنم که شما هیچ بدی نکنید. نه برای این که مشخص شود که ما آزمون را قبول شده‌ایم، بلکه برای این که شما کار درست را کرده باشید، هر چند به ظاهر مردود شده باشیم.⁸ چرا که نمی‌توانیم خلاف حقیقت کاری کنیم بلکه فقط برای حقیقت.⁹ و شادمانیم وقتی که ناتوانیم و شما

13:5 ما نیز باید قادر باشیم خودمان را بسنجیم و ببینیم که آیا عیسی درون ما هست یا نیست. این خودسنجی مشخصه زندگی مسیحی است.

13:7 به نظر می‌آید که مردود شده‌ایم - پولس دغدغه تصویر خود را نداشت، اینکه در چشم مردم بازنده به نظر برسد [این ترس از شکست عمومی ذهن بسیاری را درگیر می‌کند]. او می‌خواست آنها به مسیح ایمان بیاورند و او را خشنود سازند، حتی اگر موقتاً پولس را طرد کنند.

13:8 این اصل فوق‌العاده بدین معنا است که نباید بی‌دلیل نگران باشیم که کارمان موفق است یا خیر؛ چون اگر انگیزه‌مان صحیح باشد، تلاش خالصانه‌مان برای خدمت آسیبی به حقیقت نمی‌زند. کسی که از ترس شکست کاری انجام نداد و محکوم شد - نه کسی که حداقل کاری انجام داده بود (متی 25:25).

غلاطیان

باب 1

سلام و مقدمه

از طرف پولس یکی از حواریون (نه از جانب انسان و نه به وسیله انسان بلکه به وسیله عیسی مسیح و خدای پدر که او را از میان مردگان زنده کرد)،² و همه برادرانی که با من هستند به کلیساهای غلاطیه.

³ فیض و آرامش از جانب خدای پدر و سرور ما عیسی مسیح با شما باد،⁴ که خود را برای گناهان ما داد تا ما را طبق خواسته خدا و پدرمان از جهان شریر کنونی نجات دهد.⁵ که جلال تا ابدالابد بر او باد. آمین.⁶ شگفت‌زده‌ام از این که به این سرعت آن کسی که شما را به فیض مسیح دعوت کرد را ترک می‌کنید و به انجیلی متفاوت روی می‌آورید.⁷ البته انجیل دیگری وجود ندارد؛ اما کسانی هستند که شما را می‌آزارند و می‌خواهند انجیل مسیح را تحریف کنند.⁸ اما اگر از ما، یا فرشته‌ای از آسمان، هر انجیلی غیر از آنچه به شما موعظه کردیم را موعظه کند، لعنت بر او باد.⁹ و قبلاً گفتیم و اکنون نیز دوباره می‌گوییم: اگر

کسی انجیلی غیر از آنچه به شما موعظه کردیم را موعظه کند، لعنت بر او باد.

¹⁰ زیرا آیا در پی محبوبیت در بین مردم هستیم یا محبوبیت نزد خدا؟ یا آیا در صدد خشنود کردن مردم هستیم؟ اگر هنوز در حال خشنودی مردم بودم، نمی‌بایست خادم مسیح باشم.

پولس ایمان آوردن خود را بازگو می‌کند

¹¹ زیرا ای برادران، به شما اعلام می‌کنم که انجیلی که موعظه کردم، از جانب انسان نیست.¹² زیرا من آن را از انسان نیافته‌ام و نه آموختم، بلکه آن را از طریق الهام مستقیم از عیسی مسیح گرفتم.

¹³ زیرا شما درباره نحوه زندگی من در گذشته در دین یهود شنیده‌اید که چقدر بر کلیسای خدا بیش از حد اندازه جفا کردم و آن را ویران کردم.¹⁴ و فراتر از بسیاری از هم‌سن و سالانم در میان هموطنان خود در دین یهود پیشی گرفتم، و بیش از حد درباره سنت اجدادم متعصب بودم.

1: 6,7: تعالیمی که اشاره‌ای به عیسی می‌کنند، به نظر بی‌ضرر می‌رسند؛ «تحریف» موعظه (آیه 7) یک موعظه دیگر است (آیه 6)، که می‌تواند موجب لعن گردد (آیه 9). درک درست بشارت بسیار مهم است (رساله اول قرن‌تین 15:2).

1: 8 فرشته‌ای- این نمونه اغراق است؛ منظور پولس این است که «حتی اگر فرشته‌ای خواست چیز دیگری به شما بیاموزد...» اما فرشتگان در واقع گناه نمی‌کنند؛ پس پاداش ما این است که مانند آنها جاودانه زندگی کنیم (لوقا 20:35,36). مزد گناه موت است (رومان 6:23)، پس فرشتگان گناه نمی‌کنند و جاودانه‌اند.

1:10 هر موعظه‌ای از مسیح موجب اعتراض از سوی آدمیان می‌شود و ما ناگزیر هستیم این واقعیت را بپذیریم.

پاپ 2

بحث پولس با پطرس

سپس بعد از چهارده سال، دوباره با برنابا به اورشلیم رفتم و تیطس را نیز با خود بردم.² و با الهامی که گرفتم به آنجا رفتم، و انجیلی را که در میان غیر یهودیان موعظه می‌کردم به آنها عرضه کردم، اما در خلوت به کسانی که اعتبار داشتند تا مبادا بیهوده بدم یا دویده باشم.³ اما حتی تیطس که با من بود، به عنوان یک غیر یهود مجبور به ختنه نشد.⁴ در مورد برادران دروغینی که ناشناس وارد شده بودند و مخفیانه آمدند تا درباره آزادی ما که در عیسی مسیح داشتیم جاسوسی کنند تا شاید ما را به بندگی درآورند،⁵ ما حتی یک لحظه تسلیم آنها نشدیم تا حقیقت انجیل را برای شما محفوظ بداریم.

⁶ اما از کسانی که اعتبار و شهرت داشتند (مهم نیست که چه کسانی بودند، برای من فرقی نمی‌کند چون خدا ظاهر افراد را نمی‌پذیرد)، چیزی به من نیفزودند.⁷ بلکه برعکس، وقتی دیدند همان طور که بشارت

¹⁵ اما وقتی خدا صلاح دید، خدایی که من را از رحم مادرم برگزید، و من را به واسطه لطفش فرا خواند،¹⁶ تا پسرش را در من آشکار سازد تا در میان غیر یهودیان درباره او موعظه کنم، فوراً بدون مشورت با جسم و خون،¹⁷ و بدون این که به اورشلیم نزد حواریون پیش از خود بروم؛ به عربستان رفتم و به دمشق بازگشتم.

¹⁸ سپس بعد از سه سال به اورشلیم رفتم تا کیفا (پطرس) را ببینم و با او پانزده روز ماندم.¹⁹ اما هیچ یک از حواریون دیگر را به غیر از یعقوب، برادر سرور، ندیدم.²⁰ در چیزی که در حضور خدا برای شما می‌نویسم دروغ نمی‌گویم!

²¹ سپس به منطقه سوریه و قلیقیه آمدم،²² اما چهره‌ام هنوز برای کلیساهای یهودیه که در مسیح بودند ناشناخته بود.²³ آنها فقط شنیدند: آن کسی که زمانی بر ما جفا می‌کرد اکنون ایمانی را بشارت می‌دهد که زمانی تخریب می‌کرد!²⁴ و آنها خدا را در من ستودند.

1:16 پولس تأکید می‌کند که او هرگز کسی نبود که «در میان جمع» باشد؛ او تنها بود و مسیح را بر اساس تجربه کاملاً شخصی خود از وی بشارت می‌داد، نه به این دلیل که کسی وی را برای بشارت فرستاده بود. ما نیز باید چنین باشیم.

1:17 این سه سال سکوت پولس در بیابان عربستان می‌تواند نافرمانی از دستور بشارت باشد؛ پس از بشارت، بلافاصله پس از آن، ایمان آوردن با اعتراض و مخالفت رویه‌رو می‌شد.

2:4 این برادران دروغین به نظر مسیحی می‌رسند، اما دستور کارشان این بود که ایمانداران پولس را به شریعت موسی و نظام یهودی بازگردانند. این مسأله به نظر می‌رسد که «شیطان» دشمن بشارت پولس در دنیای رومی باشد.

که حتی برنابا نیز با ریاکاری آنها گمراه شد.¹⁴ اما وقتی دیدم که درست طبق حقیقت انجیل رفتار نمی‌کنند، جلوی همه به کیفا (پطرس) گفتم: اگر تو که یک یهودی هستی مانند غیر یهودیان زندگی می‌کنی و کار یهودیان را نمی‌کنی، چرا غیر یهودیان را مجبور می‌کنی مثل یهودیان زندگی کنند؟

نیک شمردن بر اساس ایمان نه

شریعت

¹⁵ ما که ذاتاً یهودی هستیم و نه گناهکاران غیر یهود،¹⁶ اما می‌دانیم که انسان نه با انجام اعمال شریعت بلکه به وسیله ایمان به عیسی مسیح نیک شمرده می‌شود، و حتی ما به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا با ایمان به مسیح و نه با انجام شریعت نیک شمرده شویم. زیرا با اجرای شریعت هیچ انسانی نیک شمرده نخواهد شد.¹⁷ اما اگر در حالی که در صددیم

مختونان به پطرس سپرده شده بود بشارت نامختونان به من سپرده شده،⁸ (زیرا او که پطرس را مأمور رسالت مختونان کرد، من را مأمور رسالت غیر یهودیان کرد)؛⁹ و وقتی فهمیدند این لطف و فیض به من اعطا شده، یعقوب، کیفا (پطرس) و یوحنا، کسانی که ارکان شناخته شده بودند، به من و برنابا حق همراهی را دادند تا ما نزد غیر یهودیان و آنها نزد مختونان بروند.¹⁰ آنها فقط از ما خواستند که فقرا را به یاد داشته باشیم که همان چیزی بود که برای آن اشتیاق بسیار داشتم.¹¹ اما وقتی کیفا (پطرس) به انطاکیه آمد، در روی او با وی مخالفت کردم، زیرا او باید محکوم می‌شد.¹² زیرا قبل از آن که مردان خاصی از جانب یعقوب بیایند، با غیر یهودیان غذا می‌خورد؛ اما وقتی آنها آمدند، کنار کشید و خود را جدا کرد، و از کسانی که اهل ختنه بودند ترسید.¹³ و بقیه یهودیان نیز همراه با او ریاکاری کردند تا جایی

2:9 اگر ما نیز ببینیم که سایر برادرانمان که با ما متفاوت هستند، رحمت و جلالی یافته‌اند و آنها نیز همان بشارت را می‌دهند (آیه 7)، ما هم نباید آنها را طرد کنیم - حتی اگر توافق کرده باشیم که به نوعی جدا از آنها کار کنیم. تمهیدی که پولس برای ایمان آوردن غیر یهودیان بر آن تمرکز کرد عملی بود، اما ما در کلیسا برای تصمیم‌گیری عملی نیاز به پیش‌شرط داریم.

2:11-13 اگرچه در مواقعی مجبوریم تصمیماتی عملی بگیریم (آیه 9)، باید مراقب باشیم که اصول خدا شکسته نشود. مخالفت مستقیم پولس با پطرس به دلیل ریاکاریش حتماً سخت بوده‌است، اما او این کار را کرد چون یک اصل مهم در خطر بود. پطرس مخفیانه با غیر یهودیان همسفره می‌شد، اما با دیدن برادران یهودی پا پس می‌کشید. این کار از نظر پولس کاملاً اشتباه بود؛ ما باید بدون شرم با برادران و خواهران خود در عیسی همسفره شویم، علی‌رغم تمامی فشارهای سیاسی؛ و علی‌رغم تمامی عواقب آن. کاری خلاف این یعنی گام برنداشتن در راستای حقیقت انجیل (آیه 14). اگر یک

ای غلاطیان نادان! چه کسی شما را جادو کرده؟ مصلوب شدن عیسی مسیح آشکارا پیش چشم خودتان به تصویر کشیده شد.² بگذارید فقط این را از شما بپرسم: آیا شما روح را با اجرای شریعت دریافت کردید یا با شنیدن و ایمان آوردن؟³ آیا این قدر نادان هستید؟ با روح آغاز کردید و اکنون در جسم کامل شده‌اید؟⁴ آیا بیهوده این همه رنج کشیدید؟ اگر واقعاً بیهوده باشد.⁵ آیا کسی که روح را در اختیار شما می‌گذارد و در میان شما معجزه می‌کند، این کار را با اجرای شریعت انجام می‌دهد یا با شنیدن و ایمان؟⁶ به همین شکل، ابراهیم به خدا ایمان آورد، و آن ایمان به عنوان عدالت به حساب او گذاشته شد.

⁷ بدانید کسانی که ایمان دارند، پسران ابراهیم هستند.⁸ و کتاب مقدس، که پیش‌بینی کرده بود خدا

در مسیح عادل شویم، دریابیم که خودمان نیز گناهکار هستیم، آیا در آن صورت مسیح، خادم گناه است؟ خدا نکند!¹⁸ زیرا اگر همان چیزهایی را که خراب کرده‌ام دوباره بنا کنم، نشان می‌دهم که خطاکار هستم.¹⁹ زیرا من به وسیله شریعت برای شریعت مُردم، تا برای خدا زندگی کنم.²⁰ من با مسیح مصلوب شدم، و دیگر این من نیستم که زنده‌ام بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و در زندگی جسمانی که اکنون دارم، با ایمان زندگی می‌کنم، ایمان به پسر خدا که من را دوست داشت و به خاطر من از خود گذشت.²¹ من فیض الهی را باطل نمی‌کنم. زیرا اگر عدالت به وسیله شریعت باشد، پس مسیح بیهوده جان داد!

باب 3

اشتباه غلاطیان

اسطوره معنوی مانند پطرس در چنین مسئله‌ای مردود گردد، باید بدانیم که چنین وسوسه‌ای در کمین ما نیز هست.

2:20 با مسیح بر صلیب شدن- شاید اشاره‌ای به این حقیقت باشد که پولس به مرگ عیسی تعمید داده شده بود؛ در نتیجه، رستاخیز زندگی عیسی در زندگی ما نشان داده شده است (رومان 5-6:3).

2:20 مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد- هرکدام از ما می‌توانیم این کلمات را بگوییم و حس کنیم.

3:1 وقتی پولس بشارت را بر غیر یهودیان موعظه می‌کرد، مظهر عیسای مصلوب بود. مردم باید در ما، در رنج و «ضعف» ما، چیزی از عیسای مصلوب در زمان مرگش ببینند.

3:6 شمرده شد- خدا ابراهیم را کاملاً پارسا محسوب می‌کرد، چون ابراهیم به خدا و اولاد وعده داده شده آینده او، یعنی عیسی، باور داشت. ابراهیم پیش از شریعت موسی می‌زیست، پس نمی‌توانست به خاطر تبعیتش از شریعت پارسا محسوب شود، بلکه دلیل آن ایمانش به عیسای وعده داده شده، بود.

3:8 ما در وعده به ابراهیم، عناصر اساسی بشارت را می‌بینیم. به ابراهیم وعده داده

انسان است، وقتی تأیید می‌شود کسی نه آن را باطل می‌سازد و نه چیزی به آن می‌افزاید.¹⁶ وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد. او نگفت: و به نسل‌ها به صورت جمع، بلکه صورت مفرد کلمه را به کار برد: و به نسل تو که مسیح است!¹⁷ منظورم این است؛ شریعت که⁴³⁰ سال بعد آمد، عهدی را که قبلاً خدا تعیین کرده باطل نمی‌سازد تا وعده بی‌اثر گردد.¹⁸ زیرا اگر میراث از شریعت بود، دیگر از وعده نبود! اما خدا بنا بر وعده آن را به ابراهیم عطا کرد.

¹⁹ پس هدف از شریعت چه بود؟ شریعت به خاطر خطاها افزوده شد، تا زمان ظهور نسلی برسد که وعده به او داده شده بود. شریعت از طریق فرشتگان به دست یک واسطه عطا شد.²⁰ و وجود واسطه بیش از یک طرف را در پیمان نشان می‌دهد، اما خدا یکی است.

²¹ پس آیا شریعت بر خلاف وعده‌های خدا است؟ خدا نکند! زیرا اگر شریعتی داده می‌شد که می‌تواند حیات بخشد، همانا عدالت از شریعت حاصل می‌شد.²² اما کتاب مقدس همه را تحت گناه حبس کرد، تا وعده‌ای که از راه ایمان به عیسی مسیح به دست می‌آید به ایمانداران عطا شود.

غیر یهودیان را با ایمان نیک خواهد ساخت، از قبل به ابراهیم بشارت داد و گفت: همه ملت‌ها در تو برکت خواهند یافت.⁹ پس ایمانداران همراه با ابراهیم با ایمان برکت می‌یابند.

¹⁰ زیرا همه کسانی که اهل اجرای شریعت هستند ملعون هستند. زیرا نوشته شده: ملعون است هر کسی که همه کارهایی را که در کتاب شریعت است انجام ندهد.¹¹ اکنون واضح است که هیچ کس نزد خدا از راه شریعت نیک شمرده نمی‌شود! زیرا نیکوکاران با ایمان زندگی خواهند کرد.¹² و شریعت از ایمان نیست بلکه: آن کسی که احکام را اجرا می‌کند در آنها زندگی خواهد کرد.

¹³ مسیح برای ما ملعون شد تا ما را از لعنت شریعت رهایی دهد. زیرا نوشته شده: هر کسی که به درختی آویزان باشد ملعون است.¹⁴ این بدین دلیل بود که برکت ابراهیم در عیسی مسیح به غیر یهودیان برسد، تا ما وعده روح را از طریق ایمان به دست آوریم.

وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد

بشارت مسیحی بود

¹⁵ ای برادران، با اصطلاحات مردم سخن می‌گویم. چیزی که عهد

شد که تا ابد وارث زمین خواهد بود؛ خدا، خدای او خواهد بود؛ او یک اولاد خاص خواهد داشت که برکت [بخشش - کتاب اعمال 3:27,28] را برای تمام ملت‌ها به ارمغان می‌آورد؛ و این پسر خاص [عیسی - آیه 16] انسان‌های فراوانی خواهد شد که آنها نیز تا ابد زمین را به ارث می‌برند. این امر از طریق انسان‌هایی عملی می‌شود که در عیسی تعمید داده شده و «در» او محسوب می‌گردند (آیات 27-29).

همه چیز است با برده هیچ فرقی ندارد.² اما کودک تا زمانی که از سوی پدرش تعیین شود، تحت سرپرستی و مباشرت است.³ ما نیز چنین هستیم! وقتی کودک بودیم، وابسته اصول ابتدایی جهان بودیم.⁴ اما وقتی زمان فرا رسید، خدا پسرش را فرستاد که از یک زن زاییده و طبق شریعت متولد شد،⁵ تا او کسانی را که در قید شریعت بودند رها کند تا ما فرزندخواندگی را دریافت کنیم.

⁶ و چون شما فرزندان هستید، خدا روح پسرش را به دل‌های ما فرستاد که فریاد می‌زد آبا، پدر.⁷ پس شما دیگر برده نیستید، بلکه پسر هستید؛ و اگر پسر هستید، پس وارث خدا از طریق مسیح هستید.⁸ با این حال، در آن زمان که خدا را نمی‌شناختید، در قید و بند آنهایی بودید که ذاتاً خدایان نیستند.⁹ اما اکنون که خدا را شناخته‌اید یا بهتر است بگوییم خدا شما را می‌شناسد، چطور می‌توانید دوباره به اصول ابتدایی ضعیف و بی‌ارزش این

²³ اینک قبل از آمدن ایمان، اسیر شریعت و محبوس بودیم تا این که ظهور ایمان آشکار شود.²⁴ تا شریعت معلم ما شود و ما را به مسیح برساند، تا از طریق ایمان نیک شمرده شویم.²⁵ اما اکنون که ایمان فرا رسیده است، دیگر زیر دست معلم نیستیم.

²⁶ زیرا شما همه به وسیله ایمان به عیسی مسیح، فرزندان خدا هستید.²⁷ زیرا هر یک از شما که در مسیح تعمید یافت خود را با مسیح پوشانده است.²⁸ نه یهودی می‌تواند باشد نه غیر یهودی، نه برده‌ای و نه آزادی، نه مردی و نه زنی- زیرا همه شما در عیسی مسیح یکی هستید.²⁹ و اگر شما از آن مسیح هستید، نسل ابراهیم هستید و طبق وعده، وارثان آن هستید!

باب 4

فرزندخواندگان خدا

اما منظوری این است که تا وقتی وارث کودک است، با این که صاحب

3:24 هدف شریعت موسی رها ساختن قوم خدا از گناه بود، و اینکه دریابند رستگاریشان در برکت آینده پسر خود خدا است که به وی اشاره شده است. وقتی عیسی آمد، نیازی به حفظ شریعت موسی نبود.

3:27 تمام شما- یعنی تمام شما که در عیسی تعمید یافته‌اید «در عیسی» هستید و وارثان آنچه به ابراهیم وعده داده شده است. یعنی مالکیت جاودانه زمین و برکت بخشودن گناهان از طریق عیسی، اولاد والای ابراهیم. بنابراین ما از طریق تعمید، فرزندان معنوی ابراهیم، «اسرائیل خدا»، شدیم (غلاطیان 6:16)، اعضای «جامعه اسرائیل» جدید (افسیسیان 2:12).

4:4 اگر عیسی «از زنی زاده شده بود»، پس نمی‌توانست پیش از تولد مریم وجود جسمانی داشته باشد.

4:6 آبا- واژه آرامی برای «پدر». ما تا این اندازه می‌توانیم به خدای قادر نزدیک شویم.

محروم کنند تا شما به دنبال آنها باشید.¹⁸ البته خوب است که همواره در امور نیک مشتاق بود، اما نه فقط وقتی من با شما هستم.¹⁹ ای فرزندان کوچک من، که دوباره تا شکل‌گیری مسیح در شما درد زایمان دارم:²⁰ بسیار آرزو دارم اکنون با شما باشم و لحن صحبتیم را تغییر می‌دادم، زیرا درباره شما مردد هستم.

تمثیل دو پسر ابراهیم

²¹ به من بگویید، شما که می‌خواهید تحت شریعت باشید، آیا شریعت را نمی‌شنوید؟²² زیرا نوشته شده که ابراهیم دو پسر داشت. یک پسر از کنیز و پسر دیگر از زن آزاد.²³ اما پسر کنیز مثل انسان‌های دیگر متولد شد، ولی پسر زن آزاد از طریق وعده متولد شد.²⁴ این‌ها تمثیل هستند. زیرا این زنان دو عهد هستند. یکی از کوه سینا، که فرزندان را برای بندگی می‌آورد، که هاجر است.²⁵ هاجر نماد کوه سینا در عربستان است که برابر با اورشلیم کنونی است؛ زیرا او با

جهان روی بیاورید که می‌خواهید دوباره برده آن شوید؟¹⁰ روزها و ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها را نگاه می‌دارید.¹¹ ترس من این است که بیهوده برای شما زحمت کشیده باشم.

درخواست شخصی پولس

¹² برادران، از شما تمنا دارم که مثل من بشوید، زیرا من هم مثل شما شده‌ام. شما به من هیچ بدی نکردید.¹³ می‌دانید که به خاطر بیماری جسمانی بود که انجیل را اول به شما بشارت دادم،¹⁴ و با این که وضعیت من از دید شما یک امتحان بود، شما من را خوار نشمردید و تحقیر نکردید، بلکه من را به عنوان پیام‌آور خدا، مثل عیسی مسیح پذیرفتید.¹⁵ پس آن رضایت‌مندی که داشتید کجا است؟ زیرا شهادت می‌دهم که اگر ممکن بود، چشمان خود را در می‌آوردید و به من می‌دادید.¹⁶ پس آیا با گفتن حقیقت دشمن شما شده‌ام؟¹⁷ آنهایی که مشتاقانه به دنبال شما هستند، نیت خوبی ندارند. از سوی دیگر، آنها می‌خواهند شما را

4:10, 11 اگر به حفظ شریعت موسی متقاعد شده باشیم، آنگاه زحمات به هدر رفته است.

4:13 خدا اغلب از ضعف ما به عنوان فرصتی برای موعظه انجیل استفاده می‌کند - این می‌تواند اشاره‌ای به «خار در جسم» پولس باشد (رساله دوم قرنتیان 12:7)، که پولس سه بار برای رفع آن از وجودش درخواست کرد. اما در حقیقت، خدا از این ضعف برای اشاعه انجیل استفاده کرد.

4:19 درد زایمان - پولس چنین مسئولیتی را برای مردمی که موعظه‌شان می‌کرد برعهده گرفت. ما با تعمد و پاسخ به بشارت «دوباره متولد می‌شویم» (یوحنا 3:3-5؛ اول پطرس 1:23)؛ اما این اتفاق می‌تواند بیفتد، همان طور که در مورد غلاطیان افتاد، مردمی که آنچنان از بشارت دور شدند که مجبور بودند فرایند تولد را دوباره طی کنند.

اگر ختنه شوید، مسیح برای شما هیچ فایده‌ای ندارد! ³ آری، دوباره بر هر کسی که ختنه می‌شود شهادت می‌دهم که او مدیون می‌شود که کل شریعت را به جا آورد. ⁴ اگر از نظر شریعت نیک شمرده شوید، از مسیح جدا شده‌اید! از فیض محروم هستید. ⁵ زیرا از طریق روح، با ایمان، خود مشتاقانه منتظر امید به عدالت هستیم. ⁶ زیرا در عیسی مسیح، نه مختون و نه نامختون ارزشی ندارد، بلکه ایمان است که از طریق عشق عمل می‌کند. ⁷ شما خوب پیش می‌رفتید. چه کسی مانع اطاعت شما از حقیقت شد؟ ⁸ این ترغیب از سوی کسی که شما را دعوت می‌کند نیست. ⁹ خمیرمایه کم باعث ور آمدن کل خمیر می‌شود. ¹⁰ به خداوند اطمینان دارم که شما عقیده‌ای غیر از عقیده من نخواهید داشت، و کسی که مزاحم شما است مجازات خواهد شد، هر که می‌خواهد باشد. ¹¹ اما من، ای برادران، اگر هنوز ختنه را موعظه می‌کنم، پس چرا باز هم جفا می‌بینم؟ در این صورت، موانع بر سر راه صلیب برداشته می‌شد. ¹² ای کاش

فرزندانش در بندگی هستند. ²⁶ اما اورشلیم که در بالا است آزاد است، و مادر ما است. ²⁷ زیرا نوشته شده: ای نازایی که نزاییده‌ای شادی کن، فوران کن و با صدای بلند فریاد بزن ای تو که زایمان نکردی! زیرا فرزندان زن تنها از زن شوهردار بیشتر خواهد بود. ²⁸ برادران: ما مانند اسحاق فرزندان وعده بودیم. ²⁹ همان طور که آن موقع، آن کسی که بر حسب جسم متولد شده بود آن کسی را که بر اساس روح به دنیا آمد آزار می‌داد، اکنون نیز این چنین است. ³⁰ با این حال، کتاب مقدس چه می‌گوید؟ کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز با پسر زن آزاد هم‌ارث نخواهد بود. ³¹ بنابراین، ای برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم بلکه فرزندان زن آزاد هستیم.

پاب 5

آزادی در مسیح

برای آزادی بود که مسیح ما را آزاد کرد. بنابراین، استوار باشید و دوباره در یوغ بندگی گیر نیفتید. ² شاهد باشید، من پولس به شما می‌گویم:

4:29 مخالفت با کلام بی‌ایمانان اجتناب‌ناپذیر است، همان طور که در کتاب پیدایش 3:15 آمده است.

4:30 کتاب - اینجا پولس واژگان خشمگین سارا را نقل می‌کند که بر دختر برده‌اش هاجر وارد می‌شد (کتاب پیدایش 21:10). حتی در لحظات شکست و خشم مانند این، روح خدا باید همچنان در کل موقعیت جاری باشد تا راهنمای نسل‌های آینده گردد.

5:1 هشدارها علیه حفظ بخش‌هایی از شریعت یهودی بسیار روشن هستند.

5:9 تعالیم کذب و رفتار نادرست بسیار راحت‌تر از تعالیم درست و رفتار صحیح ترویج پیدا می‌کنند.

زنا، ناپاکی، شهوت،²⁰ بت پرستی، جادوگری، خصومت، نزاع، رشک، خشم، بدعت، اختلافات، دستبندی،²¹ حسادت، مستی، عیاشی و امثال این‌ها. درباره این‌ها از پیش به شما هشدار می‌دهم، همان‌طور که قبلاً به شما هشدار داده بودم که کسانی که این کارها را می‌کنند ملکوت خداوند را به ارث نخواهند برد.²² اما ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکی، وفاداری،²³ فروتنی، خویشن‌داری است. هیچ شریعتی بر خلاف این‌ها وجود ندارد.²⁴ و آنهایی که از عیسی مسیح هستند جسم را همراه با شهوت‌ها و هوس‌های آن مصلوب کردند.²⁵ اگر با روح زندگی کنیم، بر اساس روح باید رفتار کنیم.²⁶ خودستا نشویم، یکدیگر را تحریک نکنیم و به یکدیگر حسادت نورزیم.

پاب 6

به راه خود ادامه دهید

ای برادران، حتی اگر کسی حین

کسانی که شما را ناآرام می‌سازند، فراتر از ختنه می‌رفتند و خود را اخته می‌کردند.

ثمره‌های روح و اعمال جسم

¹³ زیرا شما ای برادران، برای آزادی دعوت شدید. فقط از آزادی خود به عنوان فرصتی برای جسم استفاده نکنید، بلکه از طریق عشق به یکدیگر خدمت کنید.¹⁴ زیرا کل شریعت در یک کلمه انجام می‌شود که این است: باید همسایه‌ات را به اندازه خودت دوست بداری.¹⁵ اما اگر همدیگر را بگزید و ببلعید، بر حذر باشید که مبادا یکدیگر را نابود کنید.¹⁶ اما من می‌گویم بر اساس روح رفتار کنید تا هوس جسمانی را به جا نیاورید.¹⁷ زیرا هوس جسم بر خلاف روح است، و روح بر خلاف جسم است. زیرا این‌ها با هم در تضاد هستند. کارهایی را که می‌خواهید انجام نمی‌دهید!¹⁸ اما اگر روح شما را هدایت کند، در قید و بند شریعت نیستید.¹⁹ اعمال جسم آشکار است که عبارت است از

5:13 این حقیقت که فهرستی طولانی از دستورات برای اطاعت نداریم، خود باید الهامی باشد برای ما که عملاً به یکدیگر خدمت کنیم.

5:14 شریعت با مرگ عیسی تکمیل شد؛ مرگ او نهایت عشق بود، تعریف عینی عشق به همسایگان.

5:14 مواظب باشید که از میان نروید. مخالفت تند یا بحث با برادران ما می‌تواند به بهای ابدیت تمام شود.

5:16 پیروزی در برابر جسم، بیش از همه با تمرکز بر مثبت‌ها ممکن است تا تلاش برای رفع منفی‌ها.

5:20 نفاق در گروه عیاشی جنسی قرار گرفته است.

5:21 کنندگان. زندگی کردن با این چیزها، بر اساس توجیه و تفکر فردی، و نه به صورت اتفاقی، تکرار شکست است.

چه انسان می‌کارد، همان را درو خواهد کرد.⁸ زیرا هر که برای جسم خود می‌کارد، فساد را از جسم خود برداشت خواهد کرد. اما هر که برای روح بکارد، زندگی جاودانه را از روح درو خواهد کرد.⁹ در کار نیک نباید خسته شویم. زیرا اگر تسلیم نشویم در فصل برداشت، درو خواهیم کرد.¹⁰ پس تا فرصت داریم، نسبت به همه مردم نیکی کنیم و به ویژه نسبت به کسانی که اهل ایمان هستند.

درخواست آخر

¹¹ ببینید با چه حروف بزرگی با دستان خودم برای شما می‌نویسم.¹² آنهایی که می‌خواهند ظاهر خوبی از خود نشان دهند شما را مجبور به ختنه می‌کنند، و فقط به این خاطر که بابت صلیب مسیح جفا نبینند.¹³

ارتکاب گناه گرفته شود، شما که روحانی هستید، این شخص را با روح مهربانی اصلاح کنید، و به خودتان بنگرید تا مبدا شما نیز وسوسه شوید.² بار یکدیگر را به دوش بکشید و این گونه شریعت مسیح را به جا آورید.

³ زیرا اگر کسی خودش را چیزی بداند در حالی که کسی نیست، خودش را فریب می‌دهد.⁴ اما هر کسی کار خودش را بیازماید، و سپس فقط در مورد خود به خود بیابد، و کاری به همسایه‌اش نداشته باشد.⁵ زیرا هر کسی بار خودش را به دوش می‌کشد.

⁶ هر کسی که درباره کلام تعلیم یافته باید همه چیزهای خوب را با معلم خود تقسیم کند.

⁷ فریب نخورید. خداوند را نمی‌توان دست انداخت. زیرا هر

6:1 خود به هوش باش. ما باید همواره در مواجهه با قصور دیگران، ضعف‌های

معنوی خود را نیز به یاد داشته باشیم.

6:7 برداشت در زمان خود انجام می‌شود، وقتی عیسی بازگردد. آنگاه ما پاداش زندگی امروزمان را می‌گیریم. ما وقتی می‌میریم، به «زندگی جاودانه» (آیه 8) نمی‌رسیم، بلکه در زمان برداشت به آن خواهیم رسید، وقتی عیسی بازگردد. تا آن زمان در قبر ناهشیار خواهیم بود.

6:8 تنبیه شیرین در روز آخر «تباهی» است که تا ابد در آن می‌مانند، اما جسم آنها تغییر نمی‌کند؛ آنها مدتی باقی می‌مانند و سپس به «مرگ دوم» می‌میرند و تا ابد ناهشیار خواهند بود (مکاشفات 2:11).

6:9 هرچه بیشتر به داوری در بازگشت عیسی ایمان داشته باشیم، در این زندگی الهام بیشتری خواهیم داشت.

6:11 چه حروف درشتی. شاید «خار در جسم» پولس (رساله دوم قرنتیان 12:7) بینایی ضعیفش بود - در غلاطیان 4:15.

6:12 یهودیت در دنیای رومی یک مذهب ثبت شده بود. اگر تازه مسیحیان به کنیسه‌ها پیوسته یا به آنها باز می‌گشتند، آزار و اذیت گسترش می‌یافت. به این دلیل است که مسیحیان غیر یهودی در غلاطیه نسبت به پیوستن به یهودیت وسوسه می‌شدند.

مهم است این است که خلقتی تازه باشیم.¹⁶ و در مورد همه کسانی که بر اساس این قاعده عمل می‌کنند، صلح و رحمت بر آنها و بر اسرائیل خدا باد.

¹⁷ از این به بعد، دیگر هیچ کس مزاحم من نشود. زیرا من در بدن خود داغ‌های عیسی را دارم.

¹⁸ ای برادران، فیض سرورمان عیسی مسیح با روح شما باد. آمین.

زیرا حتی کسانی که ختنه می‌شوند نیز خودشان شریعت را کامل به جا نمی‌آورند، بلکه دوست دارند شما را وادار به ختنه کنند تا بتوانند درباره شما به خود ببالند.¹⁴ اما فخر از من دور باد به غیر از فخر به صلیب سرورمان عیسی مسیح، که از طریق آن دنیا بر من مصلوب شد، و من بر دنیا.¹⁵ زیرا نه ختنه شدن و نه ختنه نشدن اهمیتی ندارد. آنچه

6:14 آیا ما هم به صلیب افتخار می‌کنیم، آن گونه که پولس می‌کرد؟

6:17 **نشانه‌ها** - تمثیلی از نشانه‌گذاری برده‌ها با نماد مالکشان. باید برای دیگران مشخص باشد که ما برده‌های عیسی هستیم.

باب 1

موقعیت والای ما در مسیح

از طرف پولس، یکی از حواریون عیسی مسیح از طریق اراده خدا، به قدیسان واقع در افسس و ایمانداران به عیسی مسیح.

² فیض و سلامتی از خدا، پدرمان، و از سرور، عیسی مسیح، به شما برسد.

³ متبارک باد خدا و پدر سرورمان عیسی مسیح، که ما را به هر برکت معنوی در مکان‌های آسمانی در مسیح مبارک ساخت، ⁴ چنان که ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در عشق، مقدس و بی‌عیب باشیم. ⁵ که ما را از قبل تعیین نمود تا از طریق عیسی مسیح، طبق صلاحدید اراده او، پسر خوانده او شویم، ⁶ تا جلال فیض او را، که رایگان و با عشق به ما بخشید، بستاییم. ⁷ که در او بر حسب فراوانی فیض او، رستگاری و آمرزش گناهان خود را از خون او داریم، ⁸ که با تمام حکمت و تدبیر آن را به ما به فراوانی عطا فرمود.

⁹ زیرا بر حسب صلاحدید خود که در او عزم نموده بود اراده خود را بر ما آشکار کرد، ¹⁰ در طرحی که تمام زمان‌ها را شامل می‌شود: تا همه چیز را خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در مسیح جمع کند.

¹¹ که ما نیز چنانکه برحسب قصد او از پیش معین گشتیم در او میراث خدا شده‌ایم، خدایی که همه کارها را موافق رأی اراده خود انجام می‌دهد، ¹² تا ما که اول امیدوار به مسیح بودیم، جلال او را بستاییم. ¹³ که شما نیز پس از شنیدن کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود به او ایمان آوردید، و با روح القدس وعده مهر (مخدوم) شدید، ¹⁴ که ضمانت می‌کند که میراث خود را دریافت خواهیم کرد و آنچه به خود خدا تعلق دارد آزاد خواهد شد تا جلال او را بستاییم.

دعای پولس برای افسسسیان

¹⁵ به این منظور، من نیز وقتی خبر ایمان شما در سرور عیسی و

1:3 ما همه «در عیسی» هستیم، با تعمید در او (رومان 5: 3-6). او اکنون در آسمان است، و ما نیز از منظر معنوی «در آسمان هستیم» (افسسسیان 2: 6). این شرایط را عیسی پدید آورده، پس می‌توانیم بگوییم که او آفریننده «آفرینش جدید» (رساله دوم قرنیتان 5: 17) جای‌های آسمانی برای ما است. این حرف پولس بسیار مورد سوء برداشت قرار گرفته است، از سوی کسانی که اشتباهاً فکر کرده‌اند ما با مرگ به آسمان می‌رویم (بجای اینکه تا زمان بازگشت عیسی ناهشیار باشیم و سپس برخیزیم)؛ یا اینکه عیسی واقعاً آسمان‌ها را خلق کرده است (خدا خلق کرده، نه عیسی).

1:4 ما پیش از خلق دنیا وجود جسمانی نداشته‌ایم؛ عیسی هم نداشته است. هم او و هم ما بر اساس برنامه و هدف خدا وجود یافته‌ایم.

پاب 2

معنای ایمان آوردن

زمانی شما در خطا و گناهان مُرده بودید،² که طبق جریان این جهان، مطابق با رئیس قدرت‌های هوا، بر حسب آن روحی که الان در فرزندان نافرمانی عمل می‌کند، قبلاً در آن گناهان زندگی می‌کردید.³ که در میان آنها، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قیل از این زندگی می‌کردیم و هوس‌های جسمانی و افکار خود را به عمل می‌آوردیم، و طبق طبیعت خود، فرزندان خشم خدا بودیم، همان طور که برادران نیز چنین بودند.⁴ اما خدا که در رحمانیت غنی است، به خاطر عشق عظیم خود که با آن ما را دوست داشت،⁵ حتی زمانی که در خطاها مرده بودیم، کاری کرد که با مسیح دوباره زنده شویم (با فیض نجات یافته‌اید!)⁶ و ما را با او رستاخیز کرد؛ و ما را با او در آسمان‌ها نشانند.⁷ نیت او این بود که در زمان‌های آینده در محبتی که

محبت شما نسبت به همه قدیسان را شنیدیم،¹⁶ بی‌وقفه برای شما شکرگزاری می‌کنم و شما را در دعا‌های خود ذکر می‌کنم.¹⁷ تا خدای سرور ما عیسی مسیح که پدر شکوه است، روح حکمت و الهام را در معرفت خود به شما عطا فرماید؛ تا¹⁸ چشمان دل شما روشن شود، تا درک کنید که امید دعوت او چیست و ثروت شکوه میراث او در قدیسان چقدر است،¹⁹ و عظمت بینهایت قدرت او نسبت به ما مؤمنین تا چه اندازه است، که بر حسب توانایی عظیم او است،²⁰ که در مسیح عمل کرد وقتی او را از مردگان برخیزانید و او را در دست راست خود در آسمان نشانند،²¹ که بالاتر از هر حکومت و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی است که ذکر می‌شود، نه فقط در این عالم بلکه در عالم آینده نیز.²² و همه چیز را زیر پاهای او نهاد و او را به ما داد تا سر همه چیز در کلیسا باشد،²³ که بدن او است یعنی پری او که همه را پُر می‌سازد.

1:16 پولس این را در مورد افراد زیادی می‌نویسد. برای تحقق این امر، او بایستی بخش زیادی از وقت خود را به نیایش برای برداران و خواهران مختلف در سراسر دنیای مدیترانه صرف کرده باشد. ما چه مقدار از هر روز را صرف نیایش می‌کنیم؟

1:20-22 جایگاه مرتفع عیسی تنها به این دلیل است که خدا او را رستاخیز کرده و این شکوه و جلال را به او بخشیده است؛ بدیهی است که خدا و عیسی مجزا هستند و خدا والاتر از عیسی است.

2:2 روحی که هم اکنون در سرکشان عمل می‌کند - در آیه 3 به عنوان «هوای نفس ... خواسته‌ها و افکار آن» تعریف شده است. روح یا نفس درون ما است که باعث نافرمانی و گناه می‌شود (یعقوب 15-1:13)؛ و در اینجا به صورت شاهزاده جهان تصویر شده است. چون افکار نفس در واقع حاکم و ارباب اصلی بسیاری از مردم جهان است.

2:5 با مسیح زنده کرد- اشاره به تعمید (رومان 5-6:3). اگر انتخاب کنیم که تعمید شویم، خدا و عیسی درون ما قدرت فراوانی خواهند داشت.

را یکی کرد و در جسم خود دیوار جدایی خصومت را که در میان بود منهدم ساخت،¹⁵ و دشمنی یعنی شریعت احکام را که در فرایض بود، در جسم خود نابود کرد تا با مصالحه، از هر دو، یک انسان جدید در خود بیافریند؛¹⁶ و تا هر دو را از طریق صلیب خود در یک بدن با خدا آشتی دهد، و بدین وسیله دشمنی را از بین ببرد.

¹⁷ و او آمد و به شما که دور بودید و به آنانی که نزدیک بودند صلح را بشارت داد.¹⁸ زیرا به وسیله او هر دو نزد پدر در یک روح حضور داریم.¹⁹ پس، از این به بعد، غریب و مسافر نیستید بلکه هموطن قدیسان هستید و از اهل خانه خدا،²⁰ و بر بنیاد حواریون و انبیا بنا شده‌اید که خود مسیح عیسی سنگ اصلی زاویه (کنج) است.²¹ که در او تمامی عمارت به هم متصل شده، و در خداوند به صورت معبدی مقدس در می‌آید.²² و در او شما نیز با هم بنا می‌شوید تا در روح، منزلگاه خدا شوید.

بر ما در مسیح عیسی دارد دولت، بی‌نهایت فیض خود را ظاهر سازد.⁸ چرا که به خاطر فیض از طریق ایمان نجات یافته‌اید، و آن ایمان از شما نیست بلکه هدیه‌ای از خدا است.⁹ و از اعمال نیست تا هیچ‌کس به خود نبالد.¹⁰ چرا که ما ساخته دست او هستیم، در مسیح عیسی برای کارهای نیکو آفریده شده که خدا قبلاً مهیا نمود تا مطابق با آنها رفتار کنیم.

اتحاد ایجادشده بین یهودیان و

ملل غیر یهود

¹¹ پس شما که مطابق با جسم، غیر یهود هستید، و مختون‌ها شما را نامختون می‌نامند (که جسم است و ساخته دست)،¹² به یاد آورید که شما در آن زمان از مسیح جدا و از مزایای خاندان اسرائیل بیگانه بودید و از عهدهای وعده محروم بودید و بی‌امید و بی‌خدا در دنیا بودید.¹³ اما شما که در آن وقت دور بودید حال در مسیح عیسی هستید و به خون مسیح نزدیک شده‌اید.¹⁴ زیرا او آرامش ما است که هر دوی ما

2:10 خدا از مدت‌ها پیش کارهای خوب فراوانی برای ما مقرر کرده تا انجام دهیم. ما باید بدانیم امید و انتظارات او از ما چیست - و به دنبال تحقق آن باشیم.

2:12 این آیه گواه کافی است برای اینکه در هر نظام مذهبی که عیسی را رد می‌کند، هیچ رستگاری وجود ندارد. بدون او بودن یعنی «بدون خدا» بودن، چون او تنها راه ارتباط با خدا است (یوحنا 6:14). اینجا همچنین در مورد اهمیت حیاتی ایمان یا وعده‌ای می‌آموزیم که خدا به پدران یهودی داد- چون انجیل در قالب وعده‌هایی در مورد عیسی و ملکوت آینده خدا روی زمین به ابراهیم موعظه شد (غلاطیان 3:8).

2:15 اگر عیسی «شریعت را با قوانین و مقرراتش باطل ساخت»، پس ما حقیقتاً از حفظ شریعت موسی آزاد هستیم. اشاره به «قوانین ... مقررات» ممکن است اشاره به ده فرمان داشته باشد که در سبب آمده است. ما کاملاً تحت تعالیم عیسی هستیم.

باب 3

راز اکنون آشکار می‌شود

به این دلیل، من، پولس و اسیر مسیح عیسی برای شما امت‌ها هستم،² اگر در واقع درباره تدبیر فیض خدا که برای شما به من عطا شده شنیده باشید،³ چنانکه قبلاً مختصر نوشتیم: که این راز به وسیله الهام بر من اعلام شد،⁴ و از مطالعه آن می‌توانید درک من را از راز مسیح بفهمید.⁵ که این در نسل‌های دیگر به فرزندان انسان آشکار نشده بود، آن طور که حال بر حواریون مقدس و انبیای او در روح بر ملا شده است:⁶ که امت‌ها در میراث و در بدن و در وعده در مسیح عیسی از طریق بشارت شریک هستند،⁷ بر حسب عطای فیض خدا که بر اساس عمل قدرت او به من داده شده است خادم آن بشارت شدم.⁸ به من که کمتر از کمترین همه قدیسانم، این فیض عطا شد که در میان امت‌ها به ثروت ناشناخته مسیح بشارت دهم،⁹ و همه را روشن سازم که

هدف از این رازی که مدت‌ها در خدا پنهان بود چیست، خدایی که همه چیز را آفرید.¹⁰ هدف آن بود که بر حکمرانان و قدرت‌های آسمانی، حکمت گوناگون خدا به وسیله کلیسا معلوم شود،¹¹ بر اساس تقدیر ابدی است که خدا در سرورمان مسیح عیسی مقدر نمود.¹² که در او از طریق ایمان به او، جسارت و حضوری با اطمینان داریم.¹³ بنابراین، استدعا دارم که از زحمات من برای شما ناامید نشوید که آنها فخر شما است.

دعای بیشتر پولس برای

افسسیان

¹⁴ به این دلیل، زانو می‌زنم نزد پدر،¹⁵ که هر خانواده آسمانی و بر زمین نام خود را از او می‌گیرد؛¹⁶ که به حسب دولت جلال خود به شما عطا کند تا در انسانیت باطنی خود از روح او از قدرت قوی شوید.¹⁷ تا مسیح از طریق ایمان در دل‌های شما ساکن شود، تا حدی

3:8 کمتر از کمترین- پولس با آگاهی کامل از ضعف و بی‌ارزشی خود، انجیل را موعظه کرد. پس تحقیر و قدرت شاهد او بود. ما نیز باید همین روحیه را داشته باشیم. آگاهی پولس از گنه‌کاریش در طول زمان بیشتر می‌شد. در یکی از اولین نامه‌ها او می‌گوید «کمترین رسولان» (رساله اول قرن‌تیا 9:15)، حالا کمترین ایمانداران و در پایان زندگیش، خود را گنه‌کارترین در جهان می‌دانست (اول تیموتائوس 1:15). با این حال بیشتر و بیشتر به رستگاری نهایی اطمینان پیدا می‌کرد، اگرچه بیشتر به میزان بی‌ارزشی خود پی می‌برد. ما نیز در مسیر رشد معنوی خود از چنین الگویی پیروی می‌کنیم.

3:10 اشاره به این دارد که بشارت چگونه در برابر حاکمان قرن اول جهان مدیترانه موعظه شد (لوقا 12:21؛ اعمال رسولان 9:15). آنها در اینجا با عنوان «جای‌های آسمانی» توصیف شده‌اند، پیرو روش انجیلی، صحبت در باب موقعیت قدرت و اختیار در «آسمان‌ها».

روح هست، همان طور که در یک امید به دعوت خود دعوت شده‌اید.⁵ یک سرور، یک ایمان، یک تعمید،⁶ یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه است.

هدایای خدا

⁷ اما بر اساس اندازه بخشش مسیح به هر یک از ما فیض بخشیده شد. ⁸ بنابراین می‌گوید: وقتی او به بالا صعود کرد (اعلیٰ علین)، اسیری را به اسیری برد و بخشش‌ها را به مردم داد.

⁹ (اما این صعود نمود چیست؟ جز اینکه به پایین زمین اول نزول کرده بود؟¹⁰ او که نزول نمود، همان است که بالاتر از همه آسمان‌ها صعود نیز کرد تا همه چیزها را پر کند.)¹¹ و او بخشید تا بعضی حواریون شوند، و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبان و معلم.¹² برای تکمیل قدیسان، برای کار خدمت مقدس، برای بنای بدن مسیح،¹³ تا زمانی که همه ما به اتحاد ایمان و معرفت پسر خدا

که در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده شوید،¹⁸ و استطاعت یابید که با تمامی قدیسان ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست،¹⁹ و عشق مسیح را که از معرفت بیشتر است حقیقتاً بشناسید و درک کنید تا پر شوید تا تمامی پُری خدا.

²⁰ او که قادر است که بی‌نهایت زیادت از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم انجام دهد، بر اساس آن قدرتی که در ما عمل می‌کند،²¹ پر او در کلیسا و در مسیح عیسی برای همه نسل‌ها تا ابد جلال باد. آمین.

پاب 4

اساس اتحاد مسیحیان

بنابراین، من که در خداوند اسیر هستم، از شما تمنا دارم که طوری رفتار کنید که شایسته دعوتی باشید که به آن خوانده شده‌اید،² با کمال فروتنی و تواضع و صبر، و متحمل یکدیگر در عشق باشید؛³ و سعی کنید که اتحاد روح را در زنجیر صلح نگاه دارید.⁴ یک بدن و یک

3:19 می‌توانیم آنچه را فراتر از معرفت بشری است «بشناسیم»، چون خدا قلوب و ادراک ما را باز می‌کند - اگر بگذاریم.

3:20 خدا خوشحال می‌شود که بیش از آنچه تصور می‌کنیم برای ما انجام دهد؛ ما نیز باید همین روحیه بخشنده را نسبت به دیگران داشته باشیم.

4:1 پولس در روم زندانی بود؛ اما خود را زندانی عیسی می‌دانست. این موارد و شرایط زندگی که به نظر می‌رسد ما را محدود و زندانی کرده‌اند، همه از او هستند؛ و ما اگر خود را بنده عیسی بدانیم، از بار فشار آنها آزاد می‌شویم.

4:5 یک ایمان - یک مجموعه عقاید که انجیل راستین را شکل می‌دهد.

4:6 یک خدا که به روشنی از خداوند عیسی قابل تشخیص است (آیه 5).

4:13 تا زمانی که - می‌توان گفت که هدایای معجزه‌آسای روح، زمانی اعطا شدند که کلیساهای اولیه به بلوغ رسیدند و عهد جدید نوشته شد.

با حرص، همه نوع کار ناپاکی را انجام دهند.²⁰ اما این شیوه‌ای نیست که شما مسیح را آموخته‌اید!²¹ با این فرض که درباره او شنیده‌اید و همان طور که حقیقت در عیسی است، در او تعلیم یافته‌اید.²² این چیزها به روش زندگی گذشته‌تان تعلق دارد که به واسطه خواسته‌های فریبنده فاسد بودند.²³ و اما شما که در روح ذهن خود تازه شدید،²⁴ انسانی تازه را به تن کنید که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است.

²⁵ بنابراین، دروغ را کنار بگذارید، هر کدام از شما به همسایه خود راست بگویید. زیرا ما اعضای یکدیگریم.²⁶ هنگام خشم گناه نکنید! نگذارید وقتی هنوز خشمگین هستید، خورشید غروب کند.²⁷ ابلیس را مجال ندهید!²⁸ دزد دیگر دزدی نکند، بلکه در عوض زحمت بکشد و با دست‌های خود کار نیکو کند تا بتواند چیزی به کسی که محتاج است بدهد.²⁹ هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه در صورت نیاز، آنچه برای دلگرمی نیکو است

دست یابیم و انسانی کامل شویم، به اندازه قامت پری مسیح برسیم.¹⁴ تا دیگر مانند کودکان نباشیم که به جلو و عقب رانده شده و با باد هر تعلیم این سو و آن سو کشیده نشویم، تعالیمی که با دغل‌بازی، حيله‌گری و نقشه‌های فریبکارانه انسان‌ها ساخته شده‌اند.¹⁵ بلکه با صحبت درباره حقیقت در عشق، در همه چیز در او که سر است رشد کنیم یعنی در مسیح!¹⁶ که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته، به مدد هر مفصلی و بر اساس عمل به اندازه هر عضوی، بدن را برای بنای خود در محبت نمو می‌دهد.

زندگی جدید

¹⁷ بنابراین، این را می‌گویم و در سرور شهادت می‌دهم: که شما دیگر نباید مانند غیر یهودیان رفتار کنید آن طور که در بطالت ذهن خود رفتار می‌کنند،¹⁸ که به دلیل جهالتی که به خاطر سخت‌دلی در آنها است در درک و فهم خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم.¹⁹ که با از دست دادن احساسات، خود را به شهوت تسلیم کرده‌اند تا

4:16 از خود - بدن عیسی خود را نگاه می‌دارد، چون هر عضو بدن حافظ کل آن است. به این دلیل است که فشار آوردن به خودمان هم آسیب به خود است و هم به بقیه بدن. ما نیازمند همراهی با دیگران هستیم؛ آنها چیزی دارند که به ما بدهند و ما نیز چیزی داریم که به آنها بدهیم. بنابراین، نفاق در بدن عیسی گناهی بسیار بزرگ است.

4:17 به تأکید این بخش بر وضعیت درونی ذهن توجه کنید؛ این اساس مسیحیت است. ذهن این دنیا «پوچ» و از معنویت خالی است. آنها «شیوه زندگی» مفسدانه داشتند، چون فریب امیال خود را خورده بودند (آیه 22)؛ در حالی که ما ذهن جدیدی داریم (آیه 22).

4:26 این یک توصیه عملی عالی است؛ مگذارید روزتان با خشم به پایان برسد.

عوض شکرگزاری کنید.⁵ زیرا این را مطمئناً می‌دانید که هیچ زناکار یا فرد ناپاک یا طماعی که بت‌پرست باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد.

⁶ هیچ کس شما را به سخنان پوچ فریب ندهد. زیرا به خاطر این‌ها غضب خدا بر فرزندان نافرمان نازل می‌شود.⁷ پس با آنها شریک نباشید! ⁸ زیرا قبلاً تاریکی بودید، اما حال در سرور، نور هستید. مانند فرزندان نور رفتار کنید ⁹ (زیرا میوه نور در کمال، نیکویی، عدالت و حقیقت است) ¹⁰ و بفهمید که چه چیزی پسندیده سرور است. ¹¹ و در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک نباشید بلکه آنها را ملامت کنید. ¹² زیرا کارهایی که آنها در خفا می‌کنند، حتی ذکر آنها هم قبیح است. ¹³ اما هر چیزی که ملامت می‌شود، از نور ظاهر می‌گردد. زیرا هر چه ظاهر می‌شود تبدیل به نور می‌شود. ¹⁴ بنابراین، گفته شده: ای تو که خوابیده‌ای، بیدار شو، و از میان مردگان برخیز تا مسیح بر تو بدرخشد.

را بگویید تا به شنوندگان فیض رساند.³⁰ و روح‌القدس خدا را که تا روز رستگاری با آن مهر شده‌اید، محزون نکنید. ³¹ همه تلخی‌ها غضب و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را از خود دور کنید. ³² و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را ببخشید، همان طور که خدا نیز در مسیح شما را آمرزیده است.

پاب 5

قضاوت اجتناب‌ناپذیر درباره گناه
بنابراین، به عنوان فرزندان عزیز از خدا پیروی کنید،² و در عشق زندگی کنید، همان طور که مسیح هم ما را دوست داشت و برای ما خود را به خدا مانند هدیه‌ای خوشبو داد و قربانی کرد.
³ اما آن طور که شایسته قدیسان است زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز ذکر نشود؛⁴ و همچنین به قباحات، سخنان بیهوده یا حرف‌های رکیک نگویید که اینها شایسته قدیسان نیست؛ بلکه در

4:32 باید همان گونه که بخشیده شده‌ایم، خود نیز ببخشیم. اگر از خدا بخواهیم گناهان پنهان ما را ببخشد، کارهایی که انجام داده‌ایم بدون اینکه بدانیم یا به طور مشخص از آنها توبه کنیم - آنگاه خود نیز باید کسانی که علیه ما گناه می‌کنند را بدون توبه ببخشاییم. هرچه بیشتر به گناهان خود و بخشش آنها بیاندیشیم، در بخشیدن دیگران قدرتمندتر خواهیم بود.

5:2 مرگ عیسی بر صلیب تنها برای این نیست که از دور به آن بنگریم؛ ما باید اجازه دهیم پل مستقیمی از تأثیر و الهام بین آن و زندگی امروز ما برقرار گردد؛ دوست داشتن دیگران به صورت عملی، آن گونه که او، آنجا، مدت‌ها پیش، در بعدازظهر جمعه، روزی از آوریل، روی تپه‌ای خارج از اورشلیم - برای من جان داد.

5:3 **میاد که حتی سخن به میان آید** - درست مانند یهودیان که حتی نام دیگر خدایان را به زبان نمی‌آورند (خروج 23:13).

بدارید، همان طور که مسیح هم کلیسا را دوست داشت و خود را فدای آن کرد،²⁶ تا پس از تطهیر آن با آب به وسیله کلام، آن را تقدیس نماید،²⁷ تا کلیسا را با شکوه و جلال بدون لکه و چین و هر چیز مشابهی به خودش تقدیم کند، تا مقدس و بی عیب باشد.²⁸ همین طور، باید مردان، زنان خود را مثل بدن خود دوست بدارند. زیرا هر که زن خود را دوست بدارد،²⁹ زیرا هیچ کس هرگز از جسم خود متنفر نبوده بلکه آن را تربیت و نوازش می کند، همان طور که مسیح نیز با کلیسا چنین می کند³⁰ زیرا ما اعضای بدن او هستیم.³¹ به همین علت، مرد باید پدر و مادر خود را ترک کند و به همسرش بپیوندد تا هر دو تبدیل به یک تن شوند³² این راز عظیم است، اما من درباره مسیح و کلیسا سخن می گویم.³³ با این حال، هر یک از شما نیز زن خود را مثل خودش دوست بدارد و زنان مواظب باشند که به شوهران خود احترام بگذارند.

¹⁵ بنابراین، به دقت حواستان باشید که چگونه رفتار می کنید، نه مانند جاهلان بلکه مانند حکیمان،¹⁶ و وقت را دریابید زیرا این روزها شیطنانی هستند.¹⁷ بنابراین، نادان نباشید، بلکه درک کنید که اراده سرور چیست.¹⁸ و مست شراب نشوید که در آن هرزگی است، بلکه از روح پر شوید.¹⁹ و با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و از صمیم قلب برای سرور بخوانید و ترانه بسرایید،²⁰ و همواره بابت همه چیز خدا و پدر را به نام سرورمان عیسی مسیح شکر کنید؛²¹ همدیگر را از روی احترام به سرور اطاعت کنید.

زنان و شوهران

²² ای زنان، شوهران خود را مانند سرور اطاعت کنید.²³ زیرا شوهر سر زن است همان طور که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است.²⁴ اما همان طور که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز باید در هر امری مطیع شوهران باشند.²⁵ ای شوهران، زنان خود را دوست

32-5:23 شوهر سر زنش است، به این معنا که نجات دهنده او است. شوهر همواره سر زنش نیست، تنها به این دلیل که مذکر است. نجات دهنده باید رهبر باشد و با این عنوان پذیرفته شود؛ ازدواج مسیحی یعنی بازی کردن نقش ارتباط عیسی با کلیسا. بنابراین، شوهر باید حاضر باشد برای زنش بمیرد، او را دوست بدارد آن گونه که عیسی کلیسا را دوست داشت؛ و زن نیز در تقدیر از اینها باید تسلیم و پذیرنده باشد (آیه 24). بنابراین، ازدواج مسیحی با ایده آل های بسیار متعالی پیوند خورده است؛ البته ناکارآمدی انسانی به این معنی است که نه شوهر و نه زن در ایفای نقشی که به آنها سپرده شده موفق نبوده اند، اما بزرگی این چالش اگر واقعاً پذیرفته شود، ازدواج را متعالی ساخته و به درجات بالا می رساند. استدلال این آیات نشان می دهد که تصمیم به ازدواج با یک بی ایمان هرگز نمی تواند ازدواجی باشد که خدا خواسته است.

پاب 6

فرمان‌ها به فرزندان و برده‌ها

ای فرزندان، از والدین خود در سرور اطاعت کنید. زیرا این درست است.² به پدر و مادر خود احترام بگذارید (که این حکم اول با وعده است)،³ تا تندرست باشید و عمر طولانی بر زمین داشته باشید.⁴ و ای پدران، خشم فرزندان خود را بر نینگیزید؛ بلکه آنها را با آموزش و پرورش سرور تربیت کنید.

⁵ ای خادمان، از کسانی که از لحاظ جسمی ارباب شما هستند، با احترام، ترس، و ساده‌دلی اطاعت کنید، گویا از مسیح اطاعت می‌کنید.⁶ نه وقتی ناظر شما هستند و نه مانند کسانی که در پی رضایت انسان‌ها هستند، بلکه مانند خادمان مسیح که از صمیم قلب اراده خدا را انجام می‌دهند،⁷ و با حسن نیت خدمت کنید گویی به سرور خدمت می‌کنید و نه به انسان.⁸ بدانید هر

کس که عمل نیکویی انجام دهد، همان را در عوض از سرور دریافت خواهد کرد، خواه خادم باشد و خواه آزاد.

⁹ و ای اربابان، با آنها به همین شیوه رفتار کنید و دست از تهدید بردارید، و بدانید آن کسی که هم ارباب آنها و هم ارباب شما است در آسمان است و او اهل تبعیض نیست.

زره معنوی

¹⁰ در نهایت، در اتحاد با سرور و در توانایی قدرت او قوی باشید.¹¹ تمام زره خدا را بپوشید تا بتوانید در برابر مکرهای ابلیس مقاومت کنید.¹² زیرا ما فقط با خون و جسم گشتی نمی‌گیریم، بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و حاکمان جهان این ظلمت و با نیروهای روحانی شرارت در آسمان‌ها نیز مبارزه می‌کنیم.¹³ بنابراین، تمام زره خدا

6:4 خداوند، آموزگار و مربی فرزندان ما است؛ اما تصمیم گرفته که این آموزش به واسطه والدین انجام شود.

6:5 آنها که خود را اسیر کارهای روزمره می‌دانند، می‌توانند وظایفشان را با این دید انجام دهند که **گویی** به عیسی خدمت می‌کنند - و او نیز آنها را با همین نگاه می‌پذیرد. این بدین معنا است که فردی که اکثر روزهای هفته ساعات طولانی و سخت در محیط کار مشغول است، به اندازه کسی که «آزاد» است تا از طریق موعظه، تعلیم و خدمت به برادرانش، به عیسی خدمت کند، خادم عیسی است - اگر کار انجام شده برای کارفرمایان آگاهانه از سوی ما «به قصد عیسی» انجام شده باشد.

6:11-13 جهان تحت کنترل خدا است، نه ارواح شریر در آسمان‌ها (دانیال 4:32). «تمامی قدرت» در آسمان‌ها و زمین به عیسی داده شده است (متی 28:18) از سوی خدا (مکاشفات 3:21؛ لوقا 22:29)، پس نمی‌تواند در اختیار ارواح شریر در آسمان‌ها نیز باشد. هیچ روح شریری نمی‌تواند در خود آسمان باشد (مزمیر 5:4,5؛ حبوق 1:13؛ متی 6:10). آیه 12 را می‌توان این گونه ترجمه کرد، «چون ما تنها با جسم و بدن نمی‌جنگیم... یعنی، جنگ ما نه فقط با افراد که با نظام‌های سازمان یافته است. کلیسا

جسارت راز بشارت اعلام کنم،²⁰ که برای آن سفیری در زنجیر هستم. تا در آن همان طور که باید به دلیری سخن بگویم.

²¹ اما برای این که شما هم از احوال من و از آنچه می‌کنم مطلع شوید، تیخیکاس که برادر عزیز و خادم وفادار در سرور است، شما را از همه چیز آگاه خواهد کرد؛²² که او را به این دلیل به نزد شما فرستادم تا از احوال ما آگاه باشید و دل‌های شما را تسلی بخشد.

²³ برادران را صلح و آرامش و عشق بالیمان از جانب خدای پدر و سرور عیسی مسیح باد.²⁴ فیض با همه کسانی باد که سرورمان عیسی مسیح را با عشقی جاودانه دوست دارند.

را بردارید تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید و پس از انجام همه کارها محکم بایستید.¹⁴ پس بایستید و کمر خود را به حقیقت ببندید و جوشن عدالت را بر تن کنید؛¹⁵ و نعلین آمادگی برای اعلام بشارت صلح را در پا کنید؛¹⁶ و بر روی این همه سپر ایمان را بکشید که با آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید.¹⁷ و کلاهخود نجات و شمشیر روح را که کلام خدا است بردارید.¹⁸ و با دعا و التماس تمام، در هر وقت همواره در روح دعا کنید؛ و به همین منظور با تمام استقامت و التماس برای همه قدیسان بیدار باشید،¹⁹ و برای من نیز دعا کنید تا وقتی دهانم را باز می‌کنم کلام به من عطا شود تا با

با «روز شر» آزار در دستان رومیان روبه‌رو بود (اول پطرس 4:12؛ 5:8,9). «حاکمان این جهان تیره» در آن زمان اشاره به رومیان دارد. توجه داشته باشید که جنگ، جنگ روحانی برای حفظ ایمان است (رساله دوم قرنتیان 5-10:3). واژه یونانی «امیرنشین» در لوقا 12:11 به «حکمران» ترجمه شده است؛ 12:11؛ «حکمرانی» در معنای دولت انسانی در رساله اول قرنتیان 15:24، و «قدرت» فرماندار رومی در لوقا 20:20. بنابراین، لزوماً به هیچ قدرت یا شاهزاده‌ای در آسمان‌ها اشاره ندارد. «ارواح شریر در جای‌های بالا (آسمانی)» به ارواح شریر در خود آسمان‌ها برنمی‌گردد. جایگاه رفیع ایمانداران واقعی در عیسی را «جای آسمانی در عیسی» توصیه کرده اند (افسسیان 2:6). تهدید علیه کلیسا دسویه بود: از سوی رومیان/یهودیان و از سوی رسولان کاذب» (اغلب جهود) (رساله دوم قرنتیان 11:13) درون آنها. به یاد داشته باشید که افسسیان به کلیسای افسس نوشته شد. پولس قبلاً در مورد این تهدید در کتاب اعمال 20:29-30 هشدار داده بود.

6:17 رستگاری کلاه محافظ ما است چون اگر قویاً باور داشته باشیم که با بازگشت عیسی نجات می‌یابیم، همین باور فکر ما [سر ما] را حفظ خواهد کرد.

فیلیپیان

باب 1

پولس فیلیپیان را درباره

وضعیتش در روم باخبر می‌کند

از طرف پولس و تیموتائوس،
خادمان عیسی مسیح، به همه
قدیسان در عیسی مسیح به همراه
اسقفان و شماسان که در فیلیپی
هستند.

² فیض و سلامتی از خدا، پدرمان،
و از سرور، عیسی مسیح، به شما
برسد. ³ هر بار شما را به یاد می‌آورم
خدا را شکر می‌گویم، ⁴ همواره در
هر دعایی با شادی به یاد همه شما
هستم، ⁵ و به خاطر رفاقت شما در
تقویت انجیل از روز اول تا کنون
شاگرم. ⁶ از این موضوع اطمینان
دارم که خدایی که کار نیک را
در شما آغاز کرد همچنان تا روز
عیسی مسیح ادامه خواهد داد تا آن
را کامل کند. ⁷ حق دارم درباره همه
شما چنین حسی داشته باشم، زیرا
شما را در دل خود دارم، هم در زندان
و هم در دفاع و تأیید انجیل، همه
شما در فیض با من سهیم هستید.
⁸ زیرا خدا شاهد است که چقدر در
رحمت و مهربانی عیسی مسیح،
مشتاق همه شما هستم. ⁹ و دعا

می‌کنم که عشق شما بیش از این
فزونی یابد و دانایی و تشخیص
شما بیشتر گردد، ¹⁰ تا همه چیزهای
عالی را برگزینید، تا روز مسیح،
صادق و عاری از گناه باشید؛ ¹¹
پر از ثمره‌های عدالت شوید که به
وسیله عیسی مسیح برای حمد و
ستایش خدا است. ¹² اینک می‌خواهم
بدانید ای برادران که اتفاقاتی که
برای من رخ داد به پیشرفت انجیل
کمک کرده است؛ ¹³ تا جایی که
زنجیرهای من مسیح را در سراسر
نگهبانان امپراتوری و برای بقیه
آشکار ساخت؛ ¹⁴ و علاوه بر این،
اکثر مؤمنان به سرور، که از طریق
بند و زنجیرهای من اطمینان یافتند،
بیش از پیش جسارت بازگویی کلام
خدا بدون ترس را دارند.

¹⁵ در حقیقت، برخی مسیح را
از روی حسادت و ستیز بشارت
می‌کنند و برخی از روی حسن
نیت. ¹⁶ گروه اول، مسیح را از روی
حرصی خودخواهانه و نه صادقانه
بشارت می‌دهند و در فکر افزودن
رنج و محنت به زنجیرهای من
هستند، ¹⁷ اما گروه دوم از روی
عشق چنین می‌کنند زیرا می‌دانند
که من برای دفاع از انجیل منصوب

1:6 خداوند هرگز کاری را که با ما شروع کرده است، متوقف نمی‌کند؛ زمان‌هایی خواهد
بود که سکوت وی ممکن است ما را مردد سازد اما واقعیت این است که حتی همین
سکوت‌های ظاهری بخشی از کار او با ما هستند.

1:12 حتی زندانی شدن به دلایل بیهوده نیز می‌تواند به خواست خدا ما را به ملاقات با
انسان‌هایی برسد که می‌توانیم انجیل را برایشان موعظه کنیم؛ او نیز در عوض، مصائب
و مشکلات کمتری را به ما خواهد داد.

که خواهم ماند و به خاطر پیشرفت و شادی شما در ایمان با همه شما خواهم بود،²⁶ تا فخر شما به من در عیسی مسیح به موجب حضور دوباره من نزد شما افزایش یابد.

²⁷ باری طوری زندگی کنید که شایسته انجیل مسیح باشد. تا چه بیایم شما را ببینم چه غایب باشم، درباره حال و احوال شما بشنوم که در یک روح استوار ایستاده‌اید و با همفکری برای ایمان انجیل تلاش می‌کنید،²⁸ و در چیزی از مخالفان خود نمی‌ترسید. این یک نشانه واضح از نابودی آنها و رهایی شما از جانب خدا است.²⁹ زیرا از طرف مسیح این به شما عطا شده که نه تنها به او ایمان بیاورید بلکه با او نیز رنج بکشید؛³⁰ با همان نزاعی که در من دیدید و اکنون نیز در آن گرفتارم.

پاب 2

ذهنیت مسیح درباره الگو شدن

پرای ما

بنابراین، اگر هر تشویق و دلگرمی در مسیح هست، اگر تسلی عشق، همراهی روح، رحمت و مهربانی

شده‌ام.¹⁸ پس چه؟ در هر روش، چه از روی تظاهر و چه از روی صداقت، مسیح اعلام می‌شود و من از این خوشحال هستم، آری و شادی خواهم کرد.

پولس از آینده خود سخن

می‌گوید

¹⁹ زیرا می‌دانم که به وسیله دعای شما و لطف روح عیسی مسیح، این امر منجر به رهایی من خواهد شد،²⁰ بر حسب انتظار مشتاقانه و امید من که در هیچ چیز شرمسار نخواهم شد؛ بلکه با تمام جسارت، مثل همیشه، اکنون نیز مسیح در بدن من جلال خواهد یافت، چه با زندگی چه با مرگ.²¹ زیرا برای من زندگی کردن، مسیح است و مُردن، سود است.²² اما اگر با زندگی کردن در جسم خود، این امر منجر به ثمره دادن کارم شود، در آن صورت نمی‌دانم کدام را انتخاب کنم.²³ بین این دو مانده‌ام. آرزویم این است که بروم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است.²⁴ اما ماندن در جسم برای شما واجب‌تر است.²⁵ و با داشتن چنین اطمینانی، می‌دانم

1:18 ما باید شاد باشیم که عیسای حقیقی موعظه شده است، حتی اگر در مورد اعتبار یا رفتار موعظه کنندگان تردید داریم. گسترش نام و کار عیسی بسیار مهم‌تر از مخالفت‌های فردی ما با سایر موعظه کنندگان است.

1:23 پولس به یمن رستاخیز در بازگشت مسیح به زمین، در ملکوت «با عیسی» خواهد بود. مرگ، چیزی بیشتر از خواب ناخودآگاه برای ایمانداران نیست؛ لحظه بیداری بعدی با مسیح خواهیم بود.

1:27 تعالیم اساسی انجیل برای اجرای یک زندگی عملی و در پاسخ به آنها مطرح شده‌اند.

فکر به چنگ آوردن برابری با خدا نبود،⁷ بلکه خودش را خالی کرد، ذهنیت یک خادم را داشت و مانند همه انسان‌های معمولی شد.⁸ و وقتی مثل یک انسان عادی در آمد، فروتنی کرد و مطیع مرگ شد، حتی مرگ روی صلیب.⁹ به همین دلیل خدا او را بسیار متعالی نمود و به او نامی را عطا کرد که برتر از هر نامی است.¹⁰ تا به نام عیسی هر زانویی خم شود، هم کسانی که در آسمان هستند و هم کسانی که روی زمین و زیر زمین هستند،¹¹ و هر

هست،² با همفکر بودن، داشتن یک عشق، همصدا بودن و داشتن یک فکر شادی‌ام را کامل کنید.³ هیچ کاری را بر اساس حرص خودخواهانه یا خودستایی انجام ندهید بلکه در فروتنی، عزتی بیشتر از خود برای یکدیگر قائل شوید؛⁴ هر کدام فقط به فکر امور خود نباشید بلکه هر کدام به فکر امور دیگران نیز باشید.⁵ چنین ذهنیتی را که در مسیح، عیسی، نیز بود داشته باشید.⁶ او با این که در تصویر ذهنی خدا بود، به

2:6-11 «خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد» و «نامی به او داد» (آیه 9) به روشنی نشان می‌دهد که عیسی خود را سرافراز نکرده - بلکه خدا به او عطا کرده است. در ادامه می‌بینیم که او نمی‌توانست خود را برافرازد، قبل از اینکه خدا به او در رستاخیزش عطا کند. تمام فرآیند فروتنی عیسی و سرافرازی متعاقب آن از سوی خدا «جلال خدای پدر» است (آیه 11). بنابراین، خدای پدر با پسرش برابر نیست.

باید محتویات این متن را در نظر داشته باشیم فیلیپیان 1:27 از اهمیت طرزفکر ما صحبت می‌کند. و در آیات ابتدایی باب 2 آن را بسط می‌دهد: «یکدل و یک رای... در فروتنی فکر... همان طرز فکر را داشته باشید که عیسی مسیح داشت...» (فیلیپیان 2:5-2). بنابراین، پولس از اهمیت داشتن **طرز فکری** مانند عیسی صحبت می‌کند که به خدمت صادقانه به دیگران اختصاص داده شده است. آیات بعدی در مورد فروتنی **فکر** است که عیسی نشان داد، به جای اینکه از تغییر در **ذات (فطرت)** صحبت کند. درست همان طور که عیسی یک خادم بود، پولس نیز خود را با همین واژه معرفی کرد (فیلیپیان 1:1، همین طور 2:7). نگاه عیسی الگوی ما قرار داده شده است، و ما نیز باید در اطاعت از آن به پولس پیوندیم. از ما خواسته نشده که ذات ها (فطرت ها) را تغییر دهیم؛ تنها لازم است که طرز فکر عیسی را داشته باشیم - تا «در رنج‌های او سهیم شده، با مرگش هم‌شکل گردیم تا به هر طریق به رستاخیز از مردگان نائل شویم» (فیلیپیان 3:10,11).

عیسی «در قالب [شکل یونانی] خدا بود». اگرچه عیسی از هر نظر کامل بود و طرز فکری کاملاً خداگونه داشت، اما تمایل داشت رفتاری همانند یک خادم را داشته باشد. بعداً پولس ما را تشویق می‌کند که «با مرگ (عیسی) هم‌شکل گردیم» (فیلیپیان 3:10). ما باید ظاهری که عیسی در مرگش نشان داد را داشته باشیم. عیسی «شهرتی برای خود نساخت» یا «خود را خالی کرد»، اشاره دارد به پیش‌بینی مصلوب شدنش در اشعیا 53:12: «او جان خویش را به کام مرگ ریخت». او خود را به شکل یک خدمتگزار

من نیز خوشحال شوم.²⁰ زیرا من هیچ همفکری ندارم که حقیقتاً به رفاه شما اهمیت دهد.²¹ زیرا آنها به دنبال نفع خود هستند، نه امور عیسی مسیح.²² اما شما شخصیت اثبات شده او را می شناسید که همانند پسری همراه با پدرش، به عنوان شاگرد با من در اعلام انجیل خدمت می کرد.²³ بنابراین، امیدوارم به محض این که اوضاع و احوال من مشخص شود، او را نزد شما بفرستم.²⁴ اما به خداوند اعتماد دارم که خودم هم به زودی خواهم آمد.²⁵ اما لازم دانستم که افرودیتس، برادر، همکار و هم‌رزم خود، و پیام‌آور شما و خادم نیازهای من را به سوی شما بفرستم،²⁶ زیرا او مشتاق دیدار همه شما بود و از این که شنیده بودید که او مریض است پریشان شده بود.²⁷ زیرا واقعاً او مریض و رو به مرگ بود، اما خدا به او رحم کرد و نه تنها به او بلکه به من نیز رحم کرد تا غم پشت غم بر من نرسد.²⁸ بنابراین، او را با کوشش بیشتر فرستاده‌ام تا وقتی او را دوباره می بینید، خوشحال شوید، و از غم و اندوه من کاسته شود.²⁹ بنابراین، با شادی تمام او را در خداوند بپذیرید و به او احترام بگذارید.³⁰ زیرا به خاطر زحمت برای مسیح به مرگ

زیانی اعتراف کند که عیسی مسیح، سرور است تا خدای پدر، جلال یابد.¹² پس ای عزیزانم، همان طور که همواره مطیع بودید، نه فقط در حضور من، بلکه اکنون که غایبم بیشتر مطیع باشید و در راه رهایی خود با ترس و لرزش تلاش کنید.¹³ زیرا خدا است که برای رضایت خود، هم اراده و هم انجام کاری را در شما ایجاد می کند.¹⁴ همه کارها را بدون گلمندی و تردید انجام دهید،¹⁵ تا در میان نسلی منحرف و فاسد، فرزندان بی عیب خدا بی تقصیر و بی ضرر باشید، نسلی که در میان آنها مثل نور در جهان بدرخشید،¹⁶ کلام زندگی را خوب حفظ کنید تا در روز مسیح شاد شوم از این که تلاش و زحمتم بیهوده نبوده است.¹⁷ آری، اگر مثل شرابی تقدیم شده، روی قربانی و خدمت ایمان شما ریخته شوم، خوشحالم و با همه شما شادی می کنم.¹⁸ و به همین شکل شما نیز باید خوشحال باشید و با من شادی کنید.

پیام‌آوران پولس

¹⁹ اما در عیسی سرور امیدوارم که به زودی تیموتائوس را به سوی شما بفرستم تا با شنیدن اخبار شما

قرار داد، با رفتاری که نسبت به پیروانش داشت (یوحنا 13:14)، که عالی‌ترین نمود آن مرگش بر صلیب است (متی 20:28). اشعیا 52:14 در مورد رنج مسیح بر صلیب پیشگویی می کند: «ظاهرش چنان تباه شده بود که دیگر به انسان نمی مانست، چهره اش چنان مخدوش که به بنی آدم شبیه نبود». این فروتن سازی بیش از اندازه «برای مرگ، حتی مرگ بر صلیب» چیزی بود که در طول زندگی و مرگ او اتفاق افتاد، نه در زمان تولدش.

است، بی‌تقصیر بودم.⁷ اما هر چه برای من سود بود، آن را برای مسیح زیان می‌دانستم.⁸ آری، حقیقتاً همه چیز را نیز برای برتری حاصل از شناخت سرورم مسیح عیسی زیان می‌دانم که به خاطر او همه چیز را از دست دادم و آنها را زباله شمردم تا مسیح را به دست آورم،⁹ و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است، بلکه با عدالتی که به وسیله ایمان به مسیح است، یعنی عدالتی که از خدا بر اساس ایمان است؛¹⁰ تا او را و قدرت رستاخیز او و همراهی با رنج‌های او را بشناسم و در مرگ با او مشابه شوم.¹¹ اگر به رستاخیز از میان مردگان دست یابم.

هدف پولس

¹² نه این که به این دست یافته باشم یا کامل شده باشم؛ اما من تلاش می‌کنم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی نیز بابت آن من را به دست آورد.¹³ برادران، فکر نمی‌کنم که آن را از آن خود کرده باشم. اما یک کار می‌کنم، و با فراموش کردن گذشته و مشتاقانه نشستن در انتظار آینده،¹⁴ به سوی هدف،

نزدیک شد، و جان خود را به خطر انداخت تا کمبود خدمت شما به من را جبران کند.

باب 3

هشدار درباره یهودی‌گرایان

و در آخر، ای برادران من، در خداوند شادمان باشید. برای من تکرار همان چیزهایی که قبلاً گفتم خسته‌کننده نیست، در حقیقت تکرار مطلب فقط قطعیت آن را تأیید می‌کند.² پس دوباره می‌گویم: از سگ‌ها بر حذر باشید، از بدکاران بر حذر باشید، از قطع‌کنندگان بر حذر باشید! ³ زیرا ما مختوانان هستیم که بر اساس روح خدا و شکوه در عیسی مسیح پرستش می‌کنیم و هیچ تکیه‌ای بر جسم نداریم.

⁴ گرچه خود من حتی به جسم تکیه کنم. اگر هر کس دیگری فکر می‌کند که به جسم تکیه کند، من بیشتر چنین فکری دارم.⁵ در هشتمین روز ختنه شدم و از قوم اسرائیل، طایفه بنیامین، عبرانی عبرانیان هستم. از لحاظ شریعت، یک فریسی بودم.⁶ از لحاظ تعصب، بر کلیسا جفا می‌کردم. از لحاظ عدالتی که در شریعت

3:10, 11 اگر اکنون در رنج‌های عیسی سهیم شویم، در رستاخیز او شریک خواهیم بود. تمعید ما را نسبت به این امر متعهد ساخته است، گویی که راه زندگیمان است (رومان 5:3-6).

3:13 فراموشی گذشته. کاری بسیار دشوار است. اما اگر با اطمینان باور داریم که به صورت جاودانه در ملکوت خدا خواهیم زیست، نسبت به گذشته باید بیشتر چشم به آینده داشته باشیم. و خدا نیز می‌تواند به ما کمک کند - او به یوسف کمک کرد تا دردی که در خانواده کشیده بود را «فراموش کند» یا «نادیده بگیرد» [عبری] (کتاب پیدایش 41:51).

پست ما را تغییر خواهد داد تا به شکل بدن شکوهمند خودش درآید.

باب 4

داشتن ذهنیت روحانی

بنابراین، ای برادرانم، که دوستان دارم و دلتنگتان هستم، که شادی و افتخار و عزیزان من هستید، در سرور استوار باشید.

² من از افودیه استدعا می‌کنم و از سینتیخی تمنا دارم که در خداوند همفکر شوند. ³ آری، از تو نیز تمنا دارم، ای همراه حقیقی، که به این زنان کمک کنی زیرا آنها با من در انجیل زحمت کشیدند همراه با کلیمت و بقیه همکارانم که نامشان در کتاب حیات نوشته شده است.

⁴ همواره در سرور شادمان باشید. و دوباره خواهم گفت: شادمان باشید! ⁵ بگذارید همه مهربانی شما را بشناسند. سرور نزدیک است.

⁶ در هیچ چیز مضطرب نشوید بلکه در همه چیز با دعا و مناجات و شکرگزاری، خواسته‌های خود را

به سوی پاداش دعوت متعالی خدا در مسیح عیسی کوشش می‌کنم. ¹⁵ پس هر یک از ما که بالغ است این گونه تصمیم بگیرد؛ و اگر تصمیم به چیز دیگری گرفته‌اید، خدا این را هم بر شما آشکار خواهد ساخت. ¹⁶ اکنون، به هر درک و فهمی که دست یافته‌ایم، بر اساس همان قاعده باید رفتار کنیم.

¹⁷ ای برادران، از من الگو و عبرت بگیرید، و به کسانی توجه کنید که ما را الگو می‌گیرند و بر این اساس رفتار می‌کنند. ¹⁸ زیرا بسیاری که اغلب درباره آنها به شما گفته‌ام و اکنون نیز با اشک می‌گویم، طوری رفتار می‌کنند که دشمنان صلیب مسیح هستند؛ ¹⁹ که پایان آنها نابودی است و خدای آنها شکم است و جلال آنها در شرمساری آنها است که به امور دنیوی اهمیت می‌دهند. ²⁰ زیرا تابعیت ما در آسمان است که از آن مشتاقانه منتظر ناجی، سرور عیسی مسیح هستیم، ²¹ که با قدرتی که به وسیله آن حتی قادر است همه چیز را تحت فرمان خود درآورد، بدن

3:20 ما شهروندان آسمان، خدا و مسیح هستیم، اگرچه روی زمین زندگی می‌کنیم. اینجا است که باید وفادار باشیم؛ شهروندی زمینی ما در برابر این حقیقت که ما شهروندان ملکوت خدا هستیم، هیچ نیست.

3:21 حال عیسی در قالبی جسمانی وجود دارد؛ و ما نیز برای ابد در ملکوت خدا هستیم.

4:1 برادران من ... شادی و تاج سر من - تاج شادی با بازگشت عیسی به زمین به ما داده خواهد شد (اول تسالونیکیان 2:19؛ اول پطرس 5:4). اما این تاج همان برادران و خواهرانی است که در این زندگی برایشان کار کرده‌ایم. حضور آنها در ملکوت خدا، این حقیقت که نجات یافته‌اند، همان چیزی است که برای ما شادی جاودانه دارد. میزان تلاش ما در این زندگی برای دیگران بر رستگاری جاودانی ما اثرگذار خواهد بود.

این حال، کار نیکی کردید که در مصیبت‌م با من همراه شدید.

¹⁵ و خودتان نیز می‌دانید ای فیلیپیان که در آغاز کار انجیل، وقتی از مقدونیه عزیمت کردم، هیچ کلیسایی در امر دادن و گرفتن با من همراهی نکرد به جز شما. ¹⁶ زیرا حتی در تسالونیکی نیز به نیازهای من رسیدگی می‌کردید. ¹⁷

نه این که به دنبال هدیه باشم، بلکه به دنبال ثمرهای هستم که به حساب شما گذاشته می‌شود. ¹⁸ اما من همه چیز را به وفور دارم. من پر شده‌ام زیرا از افرودیتس چیزهایی که شما فرستاده بودید دریافت کردم، آنها مانند عطری خوشبو، هدیه پسندیده و مورد پسند خدا است. ¹⁹ و خدای من با ثروت عظیم خود در شکوه در مسیح عیسی همه نیازهای شما را برآورده خواهد کرد. ²⁰ شکوه و جلال ابدی بر خدا و پدر ما باد. آمین.

²¹ به همه قدیسان در مسیح عیسی سلام برسانید. برادرانی که با من هستند به شما سلام می‌رسانند. ²² همه قدیسان به شما سلام می‌رسانند، به ویژه کسانی که از خانواده سزار هستند.

²³ لطف و فیض سرور، عیسی مسیح با روح شما باشد.

به خدا اعلام کنید. ⁷ و آرامش خدا که فراتر از فهم همه است، دل‌ها و افکار شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد.

⁸ در آخر ای برادران، هر چه راست است، هر چه شریف است، هر چه عادلانه است، هر چه خالص است، هر چه دوست‌داشتنی است، هر چه نیک نام است؛ هر چه عالی و هر چه ستایش است، درباره آن فکر کنید.

⁹ هر چه در من آموختید و دریافتید و شنیدید و دیدید، انجام دهید؛ و خدای آرامش با شما خواهد بود.

نیازهای کارپردی پولس

¹⁰ اما من در سرور بسیار خوشحال هستم که پس از مدتی طولانی، افکار خود را برای من احیا کردید. می‌دانم که واقعاً به من فکر می‌کردید اما فرصتی نداشتید. ¹¹ نه این که بخواهم درباره نیازها صحبت کنم؛ چرا که یاد گرفته‌ام که در هر وضعیتی قانع باشم. ¹² می‌دانم که چگونه حقیر باشم و چگونه غنی. در هر چیزی و در همه چیز، راز سیری و گرسنگی و راز فزونی داشتن و نیازمند بودن را یاد گرفته‌ام. ¹³ در او که به من قوت می‌دهد می‌توانم همه کار کنم. ¹⁴ با

4:7 واقعیت ساده نیایش به درگاه خدا برای چیزها (آیه 6) می‌تواند این آرامش را به ما بدهد.

4:17 نتیجه. خدا سوابق تمام سخاوتهای ما را ثبت می‌کند.

کولوسی‌یان

پاب 1

همان طور که از اپفراس، همکار عزیز ما آموختید، او خادم وفادار مسیح است؛⁸ و همچنین عشق شما به روح را به ما اعلام کرد.

⁹ به همین دلیل، ما نیز از روزی که درباره آن شنیدیم، دست از دعا و مناجات برای شما بر نمی‌داریم تا شما در همه حکمت و فهم معنوی با دانش اراده او پر شوید،¹⁰ تا به طور شایسته‌ای با ایمان به سرور رفتار کنید و کاملاً او را خشنود سازید، و در هر عمل نیک ثمره دهید؛ دانش درباره خدا را بیفزایید،¹¹ تا خدا طبق شکوه قدرتمندش با تمام قدرت به شما قوت دهد، تا با صبر و تحمل و شادی؛¹² از پدر تشکر کنید که ما را شایسته شراکت در میراث قدیسان در نور کرد.

¹³ او ما را از قدرت تاریکی نجات داد و ما را به ملکوت پسر عزیزش منتقل کرد؛¹⁴ که در او رستگاری، بخشش گناهانمان، را یافتیم؛¹⁵ او تصویر خدای غیر قابل رؤیت، نخست‌زاده همه مخلوقات است.¹⁶ زیرا در او همه چیز خلق شد، در

از طرف پولس، یکی از رسولان مسیح عیسی، به واسطه اراده خدا و تیموتائوس، برادر ما،² به قدیسان و برادران مؤمن به مسیح که در کولسیه هستند. فیض و آرامش از جانب خدای پدرمان و سرور عیسی مسیح بر شما باد.

دعای پولس برای کولسی‌یان

³ ما خدا، پدر سرورمان عیسی مسیح را شکر می‌گوییم و همواره برای شما دعا می‌کنیم،⁴ زیرا درباره ایمان شما به مسیح عیسی و عشقی که به همه قدیسان دارید شنیده‌ایم.⁵ ما به خاطر امیدی که برای شما در آسمان‌ها نهاده شده از خدا متشکریم، امیدی که پیش از این در کلام حقیقت انجیل شنیدید.⁶ آن انجیل به شما رسید همان طور که به همه جهان نیز رسیده است، و میوه می‌دهد و رشد می‌کند، همان طور که در شما نیز چنین است از همان روزی که درباره فیض الهی حقیقت را شنیدید و باخبر شدید.⁷

1:5 امید ما، امید به ملکوت خدا بر روی زمین است؛ عیسی از آسمان به زمین می‌آید تا مرده‌ها را بیدار کرده و به ما پاداش دهد (دوم تیموتائوس 4:8؛ اول پطرس 5:4). به این معنی که وعده موعود در بهشت برای ما مهیا می‌شود.

1:9، 10 دانش یعنی گام برداشتن عملی در راه عیسی؛ نه دانش آکادمیک، بلکه دانش عملی عیسی که از کلام او سرچشمه می‌گیرد. بنابراین خواندن روزانه کلام او بسیار اهمیت دارد.

1:15 عیسی خود خدا نیست بلکه «تصویر خدا» است، چون شخصیتش درست مانند خدا است.

1:16 منظور از آفرینش «در او» را می‌توانیم با کمک رساله دوم قرنتیان بفهمیم. 5:17

مصالحه کرد تا شما را مقدس و بی‌عیب و بی‌ملامت حاضر سازد.²³ اگر در حقیقت به ایمان خود ادامه دهید، و استوار و ثابت‌قدم بمانید و از امید انجیل که درباره آن شنیدید دور نشوید که زیر آسمان به همه مخلوقات بشارت داده شد. انجیلی که من، پولس، خادمش بودم،²⁴ و اکنون از رنج‌هایی که به خاطر شما دیدم شاد هستم و کمبودهای زحمات مسیح را در بدن خود برای بدن او که کلیسا است به کمال می‌رسانم.²⁵ کلیسایی که طبق نقشه خدا خادمش شدم که برای شما به من سپرده شد تا کلام خدا را کامل کنم،²⁶ که رمز و راز آن قرن‌ها و نسل‌ها پنهان بود؛ اما اکنون برای قدیسان خدا آشکار شده،²⁷ و خداوند با خشنودی به آنها توانمندی شکوه این رمز و راز را در میان غیر یهودیان نشان داد، این راز این است که مسیح در شما است، که امید به جلال است.²⁸ ما او را اعلام می‌کنیم و همه را تشویق می‌کنیم و به همه در تمام

آسمان‌ها و در زمین، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، تخت‌ها یا سلطنت‌ها یا شاهزادگان یا قدرت‌ها. همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد.¹⁷ و او از همه چیز برتر است، و همه چیز در او شامل می‌شود.¹⁸ و او سر بدن است، یعنی کلیسا که آغاز است، نخستین کسی است که از میان مردگان برخاست؛ تا در همه چیز برتری داشته باشد.¹⁹ زیرا پدر صلاح دید که همه کمال‌ها در او قرار گیرد،²⁰ و به وسیله او همه چیز را با خود آشتی داد، زیرا از طریق خون صلیب او صلح را برقرار کرد تا به وسیله او با همه چیز آشتی کند، چه چیزهایی که روی زمین است و چه چیزهایی که در آسمان‌ها است.

موضوع موعظه پولس

²¹ و شما که در گذشته بیگانه و در ذهن خود و کارهای شریر دشمن بودید،²² اکنون او در بدن جسمانی‌اش از طریق مرگ

که می‌گوید هر که «در عیسی» است یک خلقت تازه است. حرف از آفرینش به معنای تحت‌اللفظی نیست که انجیل می‌گوید توسط خود خدا صورت گرفته است.

1:22 بسیار عالی است که بتوانیم «بی‌پرده» در برابر خدا بایستیم، چون «در عیسی» هستیم.

1:23 عنصر تثبیت‌کننده در زندگی ما «امید انجیل» است، اینکه برای ابد در ملکوت خدا بر زمین زندگی خواهیم کرد. نه تنها نباید در درک خود منحرف شویم، بلکه لازم است به صورت مداوم و مثبت ایمان داشته باشیم که آنجا خواهیم بود. این استمرار در ایمان و قطعیت وجود رستگاری آینده آن چیزی است که ما را «به ثبات و سکون» می‌رساند.

1:24 خدا شرایطی را در زندگی ما فراهم می‌کند که ماهیت رنج عیسی را تجربه کنیم - تا شاید بتوانیم در زندگی رستخیز او نیز شریک شویم. تنها در این معنا است که می‌توانیم در «رنج‌ها شادی کنیم».

در روح هنوز با شما هستیم، و از دیدن نظم و پایداری شما در ایمان به مسیح مسرورم.

⁶ بنابراین، همان طور که مسیح عیسی را به عنوان سرور پذیرفتید، در اتحاد با او رفتار کنید، ⁷ همان طور که تعلیم دیدید، در او ریشه کنید و بنا شوید و ایمانتان را استوار کنید، و بسیار شکر گوید. ⁸ برحذر باشید مبادا کسی شما را با فلسفه و فریب پوچ بر اساس سنت انسان‌ها، و عناصر جهانی و نه بر اساس مسیح، شما را خراب کند.

⁹ زیرا در او، به شکل جسمانی، همه کمال الهی بنا شد؛ ¹⁰ و در او کامل شدید. او سر همه دولت‌ها و همه قدرت‌ها است. ¹¹ در او ختنه نیز شدید اما نه با ختنه‌ای که به وسیله دست انجام می‌گیرد، بلکه با قطع کردن جسمانیت با ختنه مسیح.

معنی تعمید

¹² در تعمید با او مدفون شدید، با همین تعمید با او به وسیله ایمان به عمل خدا زنده شدید، خدایی که او را از میان مردگان زنده کرد. ¹³ و شما

حکمت تعلیم می‌دهیم که ما هر کسی را در مسیح، کامل تقدیم کنیم. ²⁹ برای همین منظور من زحمت می‌کشم و بر حسب قدرت او تلاش می‌کنم که در من با قدرت عظیمی کارساز است.

باب 2

پولس درباره تعلیم دروغین به

کولوسی‌ان هشدار می‌دهد

زیرا می‌خواهم بدانید که چقدر زیاد برای شما تلاش می‌کنم و برای کسانی که در لائودیکیه هستند و برای همه کسانی که صورت جسمانی من را ندیده‌اند تلاش می‌کنم، ² تا دل‌هایشان تسلی یابد، در عشق به هم پیوند داده شوند؛ و از برکات اطمینان کامل که از درک به دست می‌آید، بهره‌مند شوند تا به راز خدا که در مسیح است، پی ببرند. ³ تمام گنجینه‌های حکمت و دانایی در او پنهان شده است. ⁴ این را می‌گویم تا هیچ کس با سخنان مجاب‌کننده شما را فریب ندهد. ⁵ زیرا با این که جسم غایب است،

2:1 برای پولس، نیایش یک مبارزه بود - براساس مثالی که داریم از مبارزه یعقوب با فرشته‌ای تا زمانی که درخواستش شنیده شد (پیدایش 32:24,25؛ هوشع 12:4).

2:2 درک اطمینان به همراه می‌آورد؛ این مزیت جستجو در انجیل برای یافتن بهترین درک از خدا است.

2:9 از آنجایی که تمامیت خدا در عیسی است، پس می‌تواند در ما نیز باشد (آیه 10؛ یوحنا، 1:16؛ افسسیان، 1:23؛ 4:13). اما این ما را به خدا مبدل نمی‌سازد، و حتی عیسی نیز نمی‌شویم.

2:12 تعمید یعنی فرورفتن در آب، نمادی از مرگ در قبر و غرق شدن در رستائیز. تعمید پاشیدن آب نیست.

2:13 بخشیدن گناهان با تعمید مرتبط است؛ به همین دلیل تعمید این چنین اهمیت دارد.

و بندها به هم متصل می‌شود و به خواست خدا رشد می‌کند.

²⁰ اگر با مسیح مُردید و از عناصر جهان جدا شدید، چرا خود را مطیع احکام می‌کنید گویی در دنیا زندگی می‌کنید؟ ²¹ احکامی از قبیل به این دست نزن، به این لب نزن، آن را لمس نکن ²² (همه چیزهایی که با مصرف از بین می‌روند) که فقط مقررات و اصول انسان‌ها است ²³

این‌ها در واقع در عبادت، تواضع و سخت‌گیری برای بدن، ظاهری حکیمانه اما دروغین دارند، اما برای توقف زیاده‌روی‌های جسم هیچ اثری ندارند.

پاپ 3

مرکز جدید زندگی ما در مسیح

پس اگر با مسیح رستخیز شدید، به دنبال چیزهایی باشید که در بالا کنار مسیح است که در دست راست خدا نشسته است. ² ذهن خود را بر امور آسمانی متمرکز کنید نه بر امور دنیوی. ³ زیرا شما مُردید و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان

را، که از طریق خطاها و نامختونی جسمتان مُردید، خدا دوباره با او زنده کرد، و همه خطاهایمان را آمرزید. ¹⁴ و مسیح سند حاوی احکامی را که علیه ما نوشته شده بود باطل ساخت، که بر خلاف ما بود، و با میخ کردن آن به صلیب آن را از بین برد. ¹⁵ او تمام دولت‌ها و قدرت‌ها را از بین برد، آنها را علناً آشکار کرد و بر آنها پیروز شد.

نیازی به حفظ سبت نیست

¹⁶ بنابراین، نگذارید کسی در غذا، در نوشیدنی، یا درباره روز عید یا ماه نو یا روز سبت شما را قضاوت کند. ¹⁷ آنها سایه‌ای از آنچه بودند که قرار است بیاید، اما آنچه واقعی است مسیح است. ¹⁸ نگذارید کسی با تواضع دروغین و پرستش فرشتگان و مدام سخن گفتن درباره چیزهایی که فرضاً در رؤیاهایش دیده است و با ذهن جسمانی خود مغرور شده است، پاداش شما را برباید، ¹⁹ آنها سر را حفظ نمی‌کنند، که کل بدن از آن است و به وسیله مفاصل‌ها

2:14 به موجب قوانین - اشاره دارد به ده فرمان، از جمله سبت. اکثر نه فرمان دیگر در تعالیم عیسی تکرار شده‌اند؛ اما فرمان سبت خیر.

2:17 آداب شریعت یهودی تا عیسی رسید (غلاطیان 3:24). اما حال که او آمده، شریعت یهودی به پایان رسیده است (آیه 14).

2:23 اطاعت از مقررات قانونی ممکن است «احساس خوبی» داشته باشد، اما در مبارزه علیه خودخواهی کمکی به ما نمی‌کند.

3:1 عیسی از مردگان برخاست و به آسمان‌ها عروج کرد. ما در نتیجه تعمید در رستخیز او شریک می‌شویم (2:12)؛ و معادل عروج او به آسمانها می‌رویم، این است که باید در مورد چیزهای معنوی و روحانی فکر کنیم. این چیزها باید به جای چیزهای گذرا مثل ثروت، راحتی، و موفقیت‌های زودگذر، واقعیت زندگی ما باشد. داشتن ذهنی روحانی هدف زندگی مسیحی است.

است.¹⁵ و بگذارید آرامش مسیح در دل‌هایتان حکمرانی کند- شما در یک بدن به این آرامش دعوت شده‌اید؛ و شکرگزار باشید.¹⁶ بگذارید کلام مسیح به وفور در شما ساکن شود. با حکمت، به یکدیگر تعلیم دهید و همدیگر را با مزامیر، تسبیح، آوازهای روحانی دلگرم کنید- و با فیض در دل‌هایتان برای سرور آواز بخوانید.¹⁷ و هر کاری می‌کنید، در حرف یا عمل، به نام عیسی مسیح عمل کنید، و از طریق او خدای پدر را شاکر باشید.

روابط خانگی

¹⁸ ای زنان، مطیع شوهران خود باشید همان طور که در اتحاد با سرور شایسته است.¹⁹ ای شوهران، زنان خود را دوست بدارید و با آنها تلخی نکنید.²⁰ ای فرزندان، در همه امور از پدر و مادر خود تبعیت کنید زیرا این کار سرور را خشنود می‌سازد.²¹ ای پدران، فرزندان خود را تحریم نکنید تا آنها دلسرد نشوند.²² ای خادمان، در همه امور مطیع کسانی باشید که بر حسب جسم ارباب شما هستند، نه فقط وقتی چشمشان به شما است و به قصد خشنود ساختن آنها، بلکه با خلوص قلب و ترس از سرور.²³ هر کاری می‌کنید، صمیمانه انجام

شد.⁴ چون مسیح که زندگی ما است، ظاهر شود، پس شما نیز با او در شکوه ظاهر خواهید شد.

⁵ بنابراین، هر چه در شما دنیوی است در خود بکشید: فساد جنسی، ناپاکی، شهوت، تمایل شیطانی و طمع که بُت‌پرستی است.⁶ به دلیل این‌ها است که خشم خدا فرزندان نافرمان را در بر می‌گیرد،⁷ کارهایی که شما نیز وقتی با این امور زندگی می‌کردید انجام می‌دادید.⁸ اما اکنون قادر هستید این‌ها را نیز کنار بگذارید: خشم، غضب، بدخواهی، کفر، بددهانی.⁹ به یکدیگر دروغ نگوئید زیرا آن انسان گذشته را با کارهایش کنار گذاشتید،¹⁰ و آدم جدیدی شدید که بر اساس تصویر خالقش در دانایی از نو شکل می‌گیرید؛¹¹ و بین یهود و غیر یهود، مختون و نامختون، بربری، سکیتی، برده، آزاد فرقی ندارد- بلکه مسیح، همه و در همه است.

¹² پس به عنوان برگزیدگان و عزیزان خدا، حساسیت، مهربانی، تواضع، فروتنی، بردباری را به تن کنید؛¹³ یکدیگر را تحمل کنید و همدیگر را ببخشید، اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، همان طور که سرور شما را بخشید، شما نیز ببخشید.¹⁴ و از همه این‌ها مهم‌تر، عشق را به تن کنید که پیوند کمال

3:17 شکرگزار بودن در هر چیز، یکی از مشخصه‌های اصلی زندگی مسیحی است.

3:23 اینکه عیسی خدمات ما به کارفرمای دنیوی‌مان را به عنوان خدمت به خودش می‌پذیرد، از سخاوت اوست. و به ما این قدرت را می‌دهد که دیگر زیر بار تکرر کارهای روزانه‌مان خم نشویم - چون کارهای ما دیگر معنا دارد و آگاهانه برای عیسی انجام می‌شود. این طرز فکر می‌توانست برای برده‌های قرن اول مایه راحتی باشد.

چگونه باید جواب دهید.

خوشامدگویی و اخبار

⁷ تیخیکاس، برادر عزیز و خادم وفادار و هم‌خدمت من به سرور، از همه احوال من شما را آگاه خواهد کرد،⁸ که او را به این منظور نزد شما فرستادم تا از حالات شما آگاه شود و دل‌های شما را تسلی دهد.⁹ همراه با انیسیمس، برادر وفادار و عزیز که از خود شما است، شما را از همه وقایع اینجا آگاه خواهند ساخت.

¹⁰ آرسترخس هم‌زندان من به شما سلام می‌رساند، و مرقس پسرعموی برنابا (که درباره او حکم یافته‌اید که هرگاه نزد شما آمد او را بپذیرید)،¹¹ و یسوع، ملقب به یستوس که از اهل ختنه هستند. اینها از همکاران من برای ملکوت خدا هستند، مردانی که باعث تسلی من گردیدند.¹² اپفراس به شما سلام می‌رساند که یکی از شما و خادم مسیح است و پیوسته برای شما در دعا‌های خود تلاش می‌کند تا در تمامی اراده خدا کامل و مطمئن شوید.¹³ زیرا شهادت

دهید گویی آن را برای سرور انجام می‌دهید نه برای انسان‌ها.²⁴ زیرا می‌دانید که از سرور، پاداش میراث را دریافت خواهید کرد؛ زیرا شما به مسیح، سرور خدمت می‌کنید.²⁵ اما آن کسی که بدی می‌کند تاوان هر کاری را که کرده خواهد دید و هیچ تبعیضی نخواهد بود.

پاب 4

ای اربابان، با خادمان خود عادل و منصف باشید. بدانید که شما هم اربابی در آسمان دارید.

² همچنان صادقانه دعا کنید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید،³ و در این میان برای ما نیز دعا کنید تا خدا در را به روی ما برای موعظه کلام بگشاید تا راز مسیح را که به خاطر آن در غل و زنجیر هستم بگویم.⁴ دعا کنید که آن را آن طور که باید با جسارت بیان کنم.

⁵ زمان را دریابید، نسبت به کسانی که بیرون از دین هستند، حکیمانه رفتار کنید.⁶ بگذارید سخنان شما همیشه با فیض باشد و چاشنی آن نمک باشد، تا بدانید به هر یک

3:25 تبعیضی در کار نیست. اربابان برده‌ها نباید فکر می‌کردند که قرار نیست به کسی حساب پس دهند (4:1). حتی اگر در برخی جنبه‌های زندگی و تفکرمان از حساب پس دادن به دیگران آزاد باشیم - هنوز هم نسبت به خدا پاسخگو هستیم و او در روز داوری، وقتی عیسی بیاید، جواب ما را خواهد داد.

4:3 ما همچنین باید از خدا بخواهیم که به ما فرصت نیایش بدهد.

4:4 اگر حتی پولس هم فکر می‌کرد که باید بیشتر نیایش کند و از دیگران بخواهد که در این راه برایش دعا کنند... ما نیز اگر چنین حسی داشته باشیم نباید مایه تعجب ما گردد.

4:5 ما نباید وقتمان را هدر دهیم، بلکه باید از آن بهره ببریم. این دنیا پر است از فرصت‌هایی برای هدر دادن وقت، صرف آن در اینترنت یا در راه سرگرمی. اما ما باید از هر لحظه که می‌توانیم برای خدمت به خداوند استفاده کنیم؛ چون ما بندگان او هستیم.

کلیسای لاودکیان نیز خوانده شود و نامه از لاودکیه را هم شما بخوانید.¹⁷ و به ارخیس بگویید: باخبر باش تا آن خدمتی را که در خداوند یافته‌ای به کمال برسانی.¹⁸ من، پولس، با دست خودم درود می‌نویسم. زنجیرهای مرا به خاطر داشته باشید. فیض بر شما باد.

می‌دهم که برای شما و اهل لاودکیه و اهل هیراپولس بسیار سختی کشیده است.¹⁴ و لوقای طبیب عزیزم و دیماس نیز به شما سلام می‌رسانند.¹⁵ به برادران در لاودکیه و نیمفاس و کلیسایی که در خانه آنها است سلام برسانید.¹⁶ و وقتی این نامه برای شما خوانده شد، کاری کنید در

4:17 خدا به همه ما فرصت‌ها، موقعیت‌ها و شاید چیزهای خاصی می‌دهد که می‌خواهد از آنها در راه خدمت به او استفاده کنیم؛ ما نباید از این وظیفه غافل شویم.

4:18 یکدیگر را دلداری دهید- ما در این جمله، به ستوه آمدن پولس از محدودیت‌های موقعیتش را درک می‌کنیم (همان طور که در کتاب اعمال 26:29 «نه در زنجیر» آمده است). وقتی ما نیز چنین احساسی داشته باشیم، پس تمامی بندگان خدا همین حس را تجربه خواهند کرد.

اول تسالونیکیان

باب 1

شما کلام سرور منتشر شد نه تنها در مقدونیه و اخائیه بلکه در همه جا خبر ایمان شما به خدا رسید؛ تا جایی که نیازی نیست چیزی درباره شما بگوییم.⁹ زیرا دیگران درباره نحوه استقبال شما از ما خبر می‌دهند و این که چگونه از بت‌ها به خدا روی آوردید تا خدای زنده و حقیقی را بندگی کنید،¹⁰ و منتظر پسرش از آسمان باشید که خدا او را از میان مردگان زنده کرد، منظور عیسی است که ما را از خشم آینده رها کرد.

از طرف پولس و سیلوانس و تیموتائوس به کلیسای تسالونیکیان که در خدای پدر و سرور عیسی مسیح هستید. فیض و آرامش بر شما باد.² ما همواره به خاطر همه شما، خدا را شکر می‌گوییم و در دعاها ایمان شما را ذکر می‌کنیم،³ و بی‌وقفه در حضور خدا و پدرمان ایمانتان در اعمال، زحماتان در عشق و صبوریتان در امید به سرورمان عیسی مسیح را یادآور می‌شویم.

باب 2

پولس تاریخ انجیل در

تسالونیکی را بازگو می‌کند

ای برادران، از ملاقات ما با شما خبر دارید که بیهوده نبود.² همان طور که می‌دانید، قبلاً در فیلیپی رنج بردیم و با اهانت با ما رفتار شد؛ اما حتی در چنین مخالفتی نیز در اتحاد با خدایمان جسر بودیم تا درباره انجیل خدا با شما صحبت کنیم.³ زیرا، درخواست ما از شما اشتباه، یا ناپاک یا از روی فریب نبود.⁴ اما چون از سوی خدا انتخاب شدیم تا انجیل به ما سپرده شود، چنین سخن

قدرت الگو

⁴ ای برادران که عزیز خدا هستید، اولین دعوت از شما را می‌دانیم،⁵ که چگونه موعظه انجیل را نه تنها به صورت کلامی، بلکه با قدرت و روح القدس و اطمینان بسیار نزد شما آوردیم. شما نیز می‌دانید که به خاطر شما خودمان را چگونه افرادی به شما نشان دادیم.

⁶ و شما پیرو ما و سرور شدید و کلام را در سختی بسیار و با شادی روح القدس پذیرفتید.⁷ بدین صورت، شما سرمشقی برای همه مؤمنان در مقدونیه و اخائیه شدید.⁸ زیرا از

1: 5, 6 ایمانداران تمایل دارند از فردی که باعث ایمان آوردنشان شده، تقلید کنند. بنابراین، باید مراقب آنچه هستیم باشیم، به خاطر دیگرانی که موعظه ما را می‌شنوند. این دعوت به ریاکاری نیست؛ بلکه هشدار به آگاهی از این امر است که آنچه ما هستیم بر آنچه دیگران می‌شوند تأثیر می‌گذارد، پس باید به خاطر دیگران مراقب خودمان باشیم.

1:10 بازگشت مسیح به زمین امید اصلی مسیحیان است.

نمودیم، دلگرم کردیم و شهادت دادیم،¹² تا آخر طوری رفتار کنید که خداپسندانه است، خدایی که شما را به ملکوت و جلال خویش دعوت می‌کند.

¹³ و به همین دلیل، بی‌وقفه خدا را شکر می‌کنیم که وقتی پیام خدا را از ما دریافت کردید، آن را نه به عنوان کلامی از جانب انسان بلکه به عنوان کلام خدا که واقعاً هم این طور است پذیرفتید، کلامی که با قدرت در شما ایمانداران عمل می‌کند.¹⁴ زیرا شما، ای برادران، پیرو کلیساهای خدا در مسیح عیسی شدید که در یهودیه واقع شده‌اند. زیرا شما نیز از هموطنان خود همان رنج‌های را کشیدید که آنها از یهودیان دیدند،¹⁵ یهودیانی که هم سرور عیسی و انبیا را کشتند و هم ما را بیرون کردند و خدا را خشنود نمی‌سازند و با همه بشریت مخالفت می‌کنند،¹⁶ و مانع سخن گفتن ما با غیر یهودیان می‌شوند که سخن ما با آنها مایه نجاتشان خواهد شد. با چنین کاری، پیمانۀ گناهان خود را پر می‌کنند. اما خشم خدا در نهایت آنها را در بر خواهد گرفت.¹⁷ اما ای برادران، ما که مدت کوتاهی

می‌گوییم، اما نه برای راضی کردن انسان‌ها بلکه برای راضی کردن خدا که دل‌هایمان را می‌آزماید.⁵ زیرا همان طور که می‌دانید، خدا شاهد است که هیچ وقت از تملق استفاده نکردیم و طمع نداشتیم؛⁶ و به دنبال ستایش انسان‌ها نبودیم، نه از شما و نه از دیگران، در حالی که چون رسولان مسیح بودیم، می‌توانستیم ادعای قدرت کنیم.⁷ اما ما در میان شما ملایم بودیم، مانند مادری که بچه‌های خود را عزیز می‌داند.⁸ پس با داشتن چنین محبتی مشتاق شما بودیم و بسیار خشنود بودیم از این که نه تنها انجیل خدا، بلکه زندگی خودمان را نیز تقدیم شما کنیم، زیرا شما برای ما عزیز بودید.⁹ زیرا، ای برادران، زحمت و اضطراب ما را به یاد دارید که شب و روز کار می‌کردیم تا در حین موعظه انجیل خدا به شما باری بر دوش هیچ یک از شما نگذاریم.

¹⁰ شما و خدا نیز شاهد هستید که چقدر با تقدس، نیکی و بی‌عیبی با شما که ایمان دارید رفتار کردیم.¹¹ شما می‌دانید که با هر یک از شما چه رفتاری داشتیم، مانند پدر با فرزندان خود، شما را تشویق

2:7 تصویر مادری شیرده که از کودک خود نگهداری می‌کند. این مراقبت نرم و لطیف پولس از برادرانش بود، و در مورد ما نیز باید باشد.

2:8 موعظه انجیل تنها تکیه بر مفاهیم و آموزش نیست؛ بلکه یعنی خودمان را فدای دیگران کنیم.

2:12 شما را فرا می‌خواند-گویی خدا اکنون در ملکوت خدایی وعده داده شده است و از ما می‌خواهد که به آنجا رفته و وارد شویم. بشارت ملکوت یک فراخوان است، یک دعوت، به رفتن و گام نهادن به سمت آن.

2:17 ما نباید در جهان «مجازی» که در آن زندگی می‌کنیم، اهمیت ارتباط مستقیم و همراهی یکدیگر را از یاد ببریم (3:10).

شما می‌دانید.⁵ به همین دلیل، من نیز وقتی دیگر نتوانستم تحمل کنم، تیموتائوس را فرستادم تا از ایمان شما باخبر شوم تا مبادا وسوسه‌گر شما را وسوسه کند و زحمت ما باطل گردد.

⁶ اما اکنون تیموتائوس از نزد شما به سوی ما بازگشته و اخبار خوش درباره ایمان و عشق شما را به ما رساند، و این که همواره ما را به نیکی یاد می‌کنید، مشتاق دیدار ما هستید، همان طور که ما نیز مشتاق دیدار شما هستیم.⁷ به همین علت، ای برادران، با وجود همه پریشانی و مصیبت‌هایمان، با شنیدن ایمان شما تسلی یافتیم.⁸ زیرا اکنون زندگی می‌کنیم اگر در ایمان به سرور استوار باشید.⁹ زیرا چطور می‌توانیم دوباره به خاطر شما شاکر خدا باشیم، بابت همه شادی که به خاطر شما در حضور خدایمان داشتیم؟¹⁰ شب و روز به وفور دعا می‌کنیم که دوباره چهره شما را ببینیم و هر نقصی در ایمانتان هست را کامل کنیم.¹¹ باشد که خدا و پدرمان و سرورمان عیسی، مسیر ما را به

جسماً اما نه قلباً از شما دور شدیم، با اشتیاق بیشتری سخت تلاش کردیم چهره شما را ببینیم.¹⁸ زیرا می‌خواستیم نزد شما بیاییم، و من پولس بارها می‌خواستم؛ اما شیطان مانع ما شد.¹⁹ زیرا امید یا شادی یا تاج افتخار ما چیست؟ آیا هنگام ظهور سرورمان عیسی، این‌ها شما نیستید؟²⁰ زیرا شما شکوه و شادی ما هستید.

باب 3

عشق عظیم پولس برای

تسالونیکیان

بنابراین، وقتی دیگر نتوانستیم تحمل کنیم، صلاح دیدم که در آن تنها بمانیم؛² و تیموتائوس، برادر ما و خادم خدا در انجیل مسیح را فرستادیم تا ایمان شما را استوار سازد و شما را تسلی دهد.³ تا هیچ کس با این مصیبت‌ها متزلزل نشود؛ زیرا خودتان می‌دانید که ما برای همین منصوب شده‌ایم.⁴ زیرا حقیقتاً وقتی با شما بودیم، از قبل به شما گفته بودیم که مصیبت خواهیم دید. و به همین ترتیب همین گونه شد و

3:1 این یعنی پولس تنها و بدون برادران بودن را بسیار دشوار می‌دانست.

3:3 ایمانداران نباید تعجب کنند از رنج‌ها؛ رنج باید در زندگی ما باشد، چون تنها از راه دشواریها است که می‌توانیم وارد ملکوت خدا گردیم (کتاب اعمال 14:22).

3:9 در حضور خدای خود- وقتی دعا می‌کنیم و به طور کلی در زندگی، «در حضور خدا» هستیم. پولس همین عبارت را در آیه 13 استفاده می‌کند تا شرح دهد که چگونه در روز داوری «به حضور خدا» می‌رسیم. در دعا، و در زندگی، باید تلاش کنیم به گونه‌ای زندگی کنیم که گویی در روز داوری و در حضور خدا هستیم. بیایید در زندگی روزانه، خود را از این حقیقت‌نهایی دور نسازیم. دعا به طور ویژه پیش‌درآمدی است بر روز داوری.

تخطی و بدی نکند. زیرا همان طور که قبلاً به شما هشدار دادیم و شهادت دادیم، خداوند انتقام‌گیرنده همه این چیزها است.⁷ زیرا خدا ما را نه به ناپاکی بلکه به تقدس دعوت می‌کند.⁸ بنابراین، آن کسی که این آموزه را رد می‌کند، نه انسان را بلکه خدا را رد کرده است، خدایی که روح مقدس خود را به شما می‌دهد.

⁹ اما در مورد عشق برادران، نیازی نیست که کسی برای شما چیزی بنویسد. زیرا خودتان از خدا آموخته‌اید که یکدیگر را دوست بدارید.¹⁰ زیرا در حقیقت نسبت به همه برادران در سراسر مقدونیه چنین رفتاری دارید. اما ای برادران، ما شما را تشویق می‌کنیم که بیشتر و بیشتر چنین باشید.¹¹ باشد که آرزو کنید که زندگی آرامی داشته باشید، به کار خود مشغول باشید و با دستان خود کار کنید، و همان طور که شما را حکم کردیم،¹² تا نسبت به کسانی که بی‌ایمان هستند به درستی رفتار کنید و چیزی کم نداشته باشید.

سوی شما هدایت کنند.¹² و سرور عشق شما نسبت به یکدیگر و نسبت به همه انسان‌ها را رشد دهد و زیاد کند، مانند عشقی که ما به شما داریم،¹³ و دل‌هایتان را بی‌عیب با تقدس در حضور خدا و پدرمان هنگام ظهور سرورمان عیسی با همه قدیسانش استوار سازد.

باب 4

زندگی مقدس

در آخر، ای برادران، ما در سرور عیسی از شما تمنا داریم و شما را تشویق می‌کنیم که بیش از پیش همان طور که از ما یاد گرفتید، رفتار کنید و خدا را خشنود سازید.² زیرا می‌دانید که چه تعالیمی از طریق سرور عیسی به شما دادیم.³ چرا که این خواست خدا است که زندگی مقدسی داشته باشید. بنابراین، از فساد جنسی پرهیز کنید؛⁴ هر یک از شما زنی را در تقدس و عزت،⁵ و نه در شهوت و هوس آن طور که غیر یهودیان خدانشناس می‌کنند برای خود بستانند.⁶ هیچ کس نسبت به برادر خود در این امر

3:13 اگر در زندگی با عشق به دیگران زیسته باشیم، وقتی در روز داوری نهایی با عیسی روبرو می‌شویم، دل‌هایمان استوار خواهد بود (آیه 12).

4:4, 5 ما باید شریکی در عشق داشته باشیم، نه در «شهوت». ازدواج باید براساس عشق باشد، نه شهوت.

4:10 اگر با مراقبه در خود دریافتیم که نسبت به دیگران محبت داریم، نباید دچار خودپسندی گردیم. عشق با طبیعت خود، رشد کرده و بزرگ می‌شود. آیا زندگی ما بر اساس عشق روزافزون ساخته شده است؟

4:11 آرزومند باشید- واژه یونانی به معنی بلند پروازی-جاه طلبی است. در واقعیت روحانی، آرزوهای ما باید معطوف به چیزهای معنوی باشد نه مادی.

فرشته و شیپور خدا، و اول مردگان در مسیح خواهند برخاست.¹⁷ سپس ما که زنده هستیم و باقی مانده‌ایم با آنها در ابرها در آسمان صعود خواهیم کرد تا سرور را ملاقات کنیم و تا ابد با سرور خواهیم بود.¹⁸ بنابراین، با این کلمات یکدیگر را تسلی دهید.

پاب 5

اما در مورد زمان‌ها و فصل‌ها ای برادران، نیازی نیست که چیزی برای شما نوشته شود.² زیرا خودتان خوب می‌دانید که روز سرور مانند دزدی در شب می‌آید.³ وقتی مردم درباره آرامش و امنیت سخن می‌گویند، سپس ناگهان مانند درد زایمانی که یک زن باردار را فرا

از امید شگفت‌انگیز به رستاخیز و حقیقت بازگشت مسیح تسلی

بیاید.

¹³ ای برادران، نمی‌خواهیم درباره کسانی که به خواب رفته‌اند بی‌خبر باشید تا مبادا مانند ناامیدان محزون باشید.¹⁴ زیرا اگر ایمان داشته باشیم که عیسی مُرد و دوباره برخاست، قطعاً خدا کسانی را که در عیسی به خواب رفته‌اند نیز با او خواهد آورد.

¹⁵ زیرا این را بر اساس کلام سرور به شما می‌گویم که ما که زنده هستیم و هنگام ظهور سرور نیز زنده خواهیم بود، به هیچ وجه از کسانی که خوابیده‌اند پیشی نخواهیم جست.¹⁶ زیرا خود سرور با فریادی از آسمان نازل خواهد شد، با صدای

4:17 اینجا، هیچ اشاره‌ای دال بر رבוته شدن متقیان به آسمان نیست. مسیح پیش از اینکه ایمانداران با او ملاقات کنند، از آسمان به زمین می‌آید. مسیح تا ابد بر تخت داود در اورشلیم حکمرانی کرده و ما نیز با او، اینجا روی زمین، خواهیم بود. بنابراین، غیرممکن است که ابدیت را با او در میان زمین و هوا بگذرانیم. «هوا» تنها چند کیلومتر بالاتر از سطح زمین ادامه دارد، یعنی نمی‌تواند اشاره به آسمان، جایگاه زندگی خدا داشته باشد. عبارت یونانی که «رَبُودَه شده» ترجمه شده، به معنای دزدیده شدن است؛ و هیچ مضمونی از مسیر در آن مشخص نیست. این مورد در کتاب اعمال 8:39 هم دیده می‌شود. «روح خدا، فیلیپوس را برگرفت و برد و خواجه سرای حبشی دیگر او را ندید... اما فیلیپوس در اشدود دیده شد.» این شرح جابجایی معجزه‌آسای فیلیپوس از مکانی به مکان دیگر است. وقتی مسیح بیاید، مسئولین گرد هم در محل دآوری جمع می‌شوند؛ آنها تنها نخواهند ماند تا خودشان به آنجا بروند. ممکن است که وسیله جابجایی ما به آن مکان به نوعی از طریق هوا باشد. عیسی گفت که «در روز ظهور پسر انسان ... از دو مرد که در مزرعه‌اند؛ یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد» (لوقا 17:30,36). این تصویر یک رבוته شدن ناگهانی را به ما می‌دهد. شاگردان مشتاقانه پرسیدند، «کجا، ای خداوند؟ و او در پاسخ گفت، هر جا لاشه‌ای باشد، لاشخوران آنجا گرد می‌آیند» (لوقا 17:37). از آنجایی که لاشخوران در هوا پرواز می‌کنند و هر جا لاشه‌ای باشد فرود می‌آیند، پس مسئولین نیز به مکانی که برای دآوری خداوند خود را ملاقات می‌کنند، برده می‌شوند.

قائل شوید. با هم در آرامش و صلح زندگی کنید.

¹⁴ و از شما خواهش می‌کنیم ای برادران که افراد بی‌نظم را اخطار دهید، افراد ضعیف‌النفس را تشویق کنید، از ضعیفان حمایت کنید، و نسبت به همه بردبار باشید. ¹⁵ مواظب باشید که هیچ کس بدی را با بدی جواب ندهد، بلکه همیشه به یکدیگر و به همه نیکی کنید.

¹⁶ همواره شادمان باشید. ¹⁷ پیوسته دعا کنید. ¹⁸ در همه چیز شاکر باشید. زیرا این خواست خدا در مسیح عیسی از شما است.

¹⁹ روح را خاموش نکنید. ²⁰ نبوت‌ها را تحقیر نکنید. ²¹ همه چیز را بیازمایید. و نیکی را حفظ کنید. ²² از بدی در هر جا پرهیز کنید.

²³ باشد که خدای آرامش شما را کاملاً تقدیس کند؛ و کل روح، جان و بدن‌تان بی‌عیب هنگام ظهور سرورمان عیسی مسیح به دور باشد. ²⁴ خدایی که شما را دعوت می‌کند وفادار است و این کار را خواهد کرد.

²⁵ برادران، برای ما دعا کنید. ²⁶ با بوسه‌ای مقدس به همه برادران سلام برسانید.

²⁷ شما را به سرور قسم می‌دهم که این نامه را برای همه برادران بخوانید.

²⁸ فیض سرورمان عیسی مسیح با شما باشد.

می‌گیرد، ویرانی آنها را فرا خواهد گرفت، و به هیچ وجه راه گریزی نخواهند داشت. ⁴ اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید که آن روز شما را مانند دزد غافلگیر کند. ⁵ زیرا شما همه فرزندان روشنایی و فرزندان روز هستید. ما نه از شب و نه از تاریکی هستیم. ⁶ پس بیاید مانند دیگران نخواهیم، بلکه مواظب و هوشیار باشیم. ⁷ زیرا کسانی که می‌خوابند، در شب می‌خوابند؛ و کسانی که مست هستند، در شب مست هستند. ⁸ اما از آن جایی ما از آن روز هستیم، باید هوشیار باشیم، زره ایمان و عشق را به سینه ببندیم و امید به رهایی را مانند کلاه خود به سر کنیم. ⁹ زیرا خدا مقدر نکرده که ما گرفتار خشم او شویم، بلکه ما را انتخاب کرد تا از طریق سرورمان عیسی مسیح رهایی یابیم، ¹⁰ عیسی که برای ما مرد تا چه در بیداری و چه در خواب، با او زندگی کنیم. ¹¹ بنابراین، یکدیگر را تشویق و تقویت کنید، همان طور که اکنون نیز چنین می‌کنید.

افکار پایانی

¹² اما ای برادران، از شما تمنا داریم که کسانی که بین شما زحمت می‌کشند را بشناسید، که در سرور، رهبران شما هستند و شما را تشویق می‌کنند. ¹³ برای این افراد به خاطر زحمتشان، عشق و احترام فراوانی

5:6 ما نباید به خواب برویم - اما مثل متی 13-25:1 می‌گوید که حتی «باکره‌های دانا» نیز وقتی عیسی می‌آید، در خوابند.

دوم تسالونیکیان

باب 1

هنگام بازگشت مسیح رنج به

پایان می‌رسد

از طرف پولس و سیلوانس و تیموتائوس به کلیسای تسالونیکیان در خدا پدرمان و سرورمان عیسی مسیح.² فیض و آرامش از خدای پدر و سرور عیسی مسیح بر شما باد.

³ ای برادران، موظفیم همان طور که شایسته است، بابت شما خدا را شاکر باشیم زیرا ایمان شما بسیار رشد می‌کند و عشق هر یک از شما نسبت به یکدیگر افزایش می‌یابد،⁴ و خودمان در میان کلیساهای خدا به خاطر صبر و ایمانتان در همه آزارها و مصیبت‌هایی که متحمل شدید به شما افتخار می‌کنیم.⁵ این‌ها ثابت می‌کنند که قضاوت خداوند عادلانه است و شما که تا انتها این‌ها را تحمل می‌کنید شایسته ملکوت خداوند شمرده می‌شوید، ملکوتی که برای آن نیز رنج می‌برید.

⁶ خدا عادل است و کسانی را که به شما رنج می‌دهند با مصیبت مجازات خواهد کرد؛⁷ و کسانی

را که رنج می‌بینند (و همچنین ما را) آسوده خواهد نمود وقتی سرور عیسی از آسمان با فرشتگان تحت قدرت او در آتشی فروزان ظاهر می‌شوند،⁸ و از آنهایی که خدا را تصدیق نمی‌کنند و کسانی که از انجیل سرورمان عیسی تبعیت نمی‌کنند انتقام خواهد گرفت.⁹ آنها مجازات و حتی نابودی ابدی از حضور سرور و از شکوه قدرتش خواهند دید،¹⁰ وقتی او خواهد آمد تا در قدیسانش جلال یابد و موجب شگفتی همه ایمانداران در آن روز شود (زیرا به شهادت ما به شما ایمان آوردید).

¹¹ برای همین منظور، همواره برای شما دعا می‌کنیم تا خدایمان شما را شایسته دعوت بداند و هر آرزوی نیکی و عمل ناشی از ایمان را با قدرت محقق کند.¹² تا طبق فیض خدایمان و سرورمان عیسی مسیح نام سرورمان عیسی در شما جلال یابد و شما نیز در او جلال یابید.

باب 2

مرد شیریر

ای برادران، در مورد ظهور

1:5 اینکه ما دشواری‌ها را تجربه می‌کنیم دلیل قطعی است بر اینکه قرار است در ملکوت خدا پذیرفته شویم؛ چون راه ورود به ملکوت خدا از دشواری‌ها می‌گذرد (کتاب اعمال 14:22).

1:9 **هلاکت جاودانی** - مزد گناه، موت است (رومیان 6:23)، شکنجه آگاهانه، ابدی نیست. مرگ آنها ابدی خواهد بود و در این معنا، هلاکتشان جاودانی.

1:11 اگر ما میل به خوبی و عمل نیکو داشته باشیم خدا نیز به نیروی خود این امیال ما را به انجام می‌رساند.

عمل شیطان خواهد بود، با همه قدرت و نشانه‌ها و معجزات دروغین،¹⁰ و با همه فریب ناعادلانه کسانی که هلاک می‌شوند. زیرا آنها عشق حق را نپذیرفتند تا نجات یابند،¹¹ به همین دلیل خدا فریبی قدرتمند به سوی آنها فرستاد تا دروغ را باور کنند؛¹² تا همه کسانی که به حق ایمان نیاوردند بلکه در بی‌عدالتی لذت بردند، محکوم شوند.

درخواست برای استوار بودن

¹³ اما ای برادران، ما موظفیم همواره بابت شما عزیزان سرور شاکر خدا باشیم زیرا خدا از ازل تا رهایی به وسیله تقدس روح و ایمان به حقیقت انتخاب کرد؛¹⁴ حقیقتی که شما را از طریق بشارت دادن ما به آن دعوت کرد تا در جلال خداوند ما عیسی مسیح سهمی به دست آورید.

¹⁵ پس ای برادران، استوار باشید و تعالیمی را که چه از طریق کلام چه از طریق نامه ما دریافت نمودید حفظ کنید.¹⁶ سرورمان مسیح عیسی و پدرمان خدا که ما را دوست دارند و از طریق فیض به ما تسلی ابدی و امید نیکویی به ما بخشیدند،¹⁷ دل‌هایتان را تسلی می‌دهند و در

سرورمان عیسی مسیح و جمع شدن ما با او،² از شما خواهش می‌کنیم با روح یا کلام یا نامه‌ای که به نظر می‌رسد از سوی ما باشد و می‌گوید روز مسیح فرا رسیده است، فوراً ذهن خود را متزلزل و مشوش نسازید.³ نگذارید هیچ کس به هیچ طریقی شما را فریب دهد. زیرا اول از همه باید سقوط فرا رسد و مرد شریر، پسر نابودی ظاهر شود،⁴ که با هر آنچه خدا نامیده می‌شود یا عبادت می‌شود مخالفت می‌کند و خود را علیه او بالا می‌برد و در معبد خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌داند.⁵ آیا فراموش کردید که وقتی با شما بودم درباره همه این امور صحبت کرده بودم؟⁶ و اکنون می‌دانید که چه چیزی فعلاً از ظهور او جلوگیری می‌کند و در زمان خود، ظهور خواهد کرد.⁷ زیرا راز بی‌دینی همین حالا نیز عمل می‌کند. فقط تا زمانی که آن کسی که تا به حال ممانعت می‌کند از میان برداشته شود.⁸ آنگاه مرد بی‌دین ظاهر خواهد شد که او را سرور عیسی با نفس دهان خود خواهد کشت و با شکوه قدرتمند ظهورش او را به هیچ تبدیل خواهد کرد.⁹ اما ظهور مرد بی‌دین طبق

2:2 در باب آمدن عیسی همواره نظرات نادرست وجود داشته و دارد؛ (Preterism) می‌گوید که وی در سال 70 پس از میلاد آمده و (Watchtower) معتقد است که سال آمدن او 1914 بوده است. اما آمدن مسیح برای همه روشن خواهد بود، زیرا شریران با آمدن او نابود خواهند شد (آیه 8)، و در آن روز در عیسی گرد هم خواهیم آمد (آیه 1).
2:11 خدا نسبت به کسانی که نمی‌خواهند حقیقت او را دوست داشته باشند، منفعل نیست (آیه 10). فعالانه آنها را تشویق می‌کند که توهمات را باور نکنند. این یکی از دلایلی است که این مطالب بی‌محتوای باور می‌کنند - چون خدا آنها را فریفته است.
2:17 اگر بخواهیم در کردار و گفتار نیگو باشیم، خدا به ما دلگرمی می‌دهد؛ درست

هر عمل و رفتار نیک آن را استوار می‌سازند.

پاب 3

پولس درخواست دعا می‌کند

در نهایت، ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام سرور به سرعت انتشار یابد و ستوده شود، همان طور که در میان شما چنین شد.² و دعا کنید تا ما از انسان‌های غیرمنطقی و شریر رهایی یابیم. زیرا همه ایمان ندارند.³ اما سرور وفادار است و شما را استوار خواهد کرد و از شما در برابر بدی پاسداری خواهد نمود.⁴ و ما درباره شما به سرور اطمینان داریم که کارهایی را که به شما حکم می‌کنیم الان انجام می‌دهید و در آینده نیز انجام خواهید داد؛⁵ و سرور بدین ترتیب دل‌هایتان را به سوی عشق خدا و صبر و شکیبایی در حین انتظار برای مسیح هدایت خواهد کرد.

همه کسانی که به دنبال سود

مادی از شما هستند تنبیه کنید

⁶ ای برادران، به نام سرورمان عیسی مسیح به شما حکم می‌کنیم، که دوری کنید از هر برادری که بی‌نظمی می‌کند و بر اساس سنتی که از ما دریافت کردند عمل نمی‌کند.⁷ زیرا خودتان می‌دانید که چگونه باید از ما تقلید کنید. زیرا ما خودمان در میان شما بی‌نظمی نکردیم،⁸ از دست کسی هم نان نخوریم؛ بلکه نان خودمان را در نتیجه زحمت و رنج خود خوردیم، شب و روز کار کردیم تا از لحاظ مالی سربار هیچ یک از شما نباشیم.⁹ نه به این دلیل که حق چنین کاری را نداریم، بلکه بدین منظور که سرمشقی برای شما باشیم تا شما از ما تقلید کنید.¹⁰ زیرا حتی وقتی با شما بودیم به شما چنین حکم کردیم: اگر کسی کار نمی‌کند، از غذای شما هم نباید بخورد.¹¹

همان طور که اطمینان می‌دهد به کسانی که نمی‌خواهند حقیقت را باور کنند، در راه ناپاکی (آیات 10، 11) در زندگی معنوی پستی و بلندی وجود دارد، ما نمی‌توانیم از آن دست بکشیم، ما در سفری هستیم که منتهی است به زندگی جاودان و یا به مرگ جاودان و خدا ما را در مسیری که انتخاب می‌کنیم پیش می‌برد.

3:5 خداوند عیسی قادر است که مستقیماً بر ذهن [قلوب] انسان‌ها تأثیر بگذارد.

3:6 دوری کنید- شامل آیات 7 الی 12 نیز می‌باشد، در مورد برخی افراد که «کاهلی» پیشه کرده و تنها برای کسب پول با کلیسا همکاری می‌کنند، و زمانی که می‌توانند کاری انجام دهند از آن پرهیز می‌کنند. آیه 6 بدین معنا نیست که ما باید از هرکسی که دستورات عیسی را نادیده می‌گیرد دوری کنیم، چون خود ما هم این کار را می‌کنیم. بلکه حرف این آیه در مورد شرایط خاص و افرادی است که در تسالونیکا برای کسب درآمد عضو کلیسا می‌شدند.

3:9 گاهی اوقات بهتر است کاری را که به‌حق می‌توانیم انجام دهیم، انجام ندهیم، به دلیل سرمشق بدی که درست می‌کند و به این دلیل که ممکن است دچار سوء برداشت و سوء استفاده افراد ضعیف‌تر واقع گردد.

نداشته باشید تا او شرمسار شود.
¹⁵ اما او را دشمن ندانید، بلکه به
 عنوان یک برادر به او هشدار دهید.
¹⁶ باشد که خداوند، خودش همواره و
 در همه حالات به شما آرامش دهد.
 خداوند با همه شما باشد.
¹⁷ سلام و تهیت من، پولس با
 دست خط خودم که نشانه هر نامه
 است. این گونه می‌نویسم. ¹⁸ فیض
 سرورمان عیسی مسیح با همه شما
 باد.

زیرا شنیده‌ایم که بعضی‌ها در میان
 شما بی‌نظمی می‌کنند و اصلاً کار
 نمی‌کنند بلکه فضولی می‌کنند. ¹²
 کسانی را که چنین هستند به نام
 سرور عیسی مسیح حکم می‌کنیم و
 نصیحت می‌کنیم که به آرامی کار
 کرده و نان خود را بخورند.
¹³ اما شما ای برادران از کار نیک
 خسته نشوید. ¹⁴ و اگر کسی از کلام
 ما در این نامه تبعیت نمی‌کند،
 توجه کنید تا هیچ ارتباطی با او

3:14 مفهوم این آیه نیز، همانند آیه 6 است.

اول تیمائوس

باب 1

پولس تیموتائوس را تشویق

می‌کند تا در برابر تعلیمات

دروغین مقاومت کند

از طرف پولس، یکی از حواریون مسیح طبق دستور خدا ناجی ما و عیسی مسیح امید ما.² به تیموتائوس، فرزند حقیقی من در ایمان. فیض، رحمت و آرامش از جانب خدای پدر و عیسی مسیح، سرورمان بر تو باد.

³ همان طور که وقتی عازم مقدونیه بودم از تو خواهش کردم، در افسس بمان تا به برخی افراد دستور دهی که اصولی متفاوتی را تعلیم ندهند،⁴ و به افسانه‌ها و شجره‌نامه‌های بی‌پایانی اهمیت ندهند که به جای تعلیم الهی که در ایمان است، موجب اختلاف می‌شوند.

⁵ مقصود از این تعلیم، برانگیختن عشق از یک قلب پاک، وجدانی نیک و ایمانی صادقانه است.⁶ بعضی از افراد از این‌ها پی‌راهه رفته‌اند و به صحبت بیهوده روی آورده‌اند،⁷ آرزو دارند معلمان شریعت شوند با این که نه می‌فهمند چه می‌گویند و نه می‌دانند چه چیزی را با اطمینان تأیید می‌کنند.

⁸ اما می‌دانیم که شریعت خوب

است اگر کسی آن را درست به کار گیرد،⁹ زیرا می‌دانیم که شریعت نه برای انسانی نیکوکار بلکه برای یاغیان و سرکشان، برای خدانشناسان و گناهکاران، برای کافران و بی‌دینان، برای قاتلان پدران و قاتلان مادران، برای آدم‌کشان،¹⁰ برای زناکاران، برای لواط‌گران، برای آدم‌ربایان، برای دروغ‌گویان، برای کسانی که شهادت دروغ می‌گویند وضع شده و هر کار دیگری وضع شده که در تضاد با تعلیم درست باشد،¹¹ تعلیمی که طبق انجیل شکوه خدای متبارک است که به من سپرده شده است.

ایمان آوردن پولس، الگویی

برای همه ما

¹² من شکرگزار عیسی مسیح سرورمان هستم که من را توانمند ساخت برای این که من را وفادار شمرد و برای خدمتش من را منصوب کرد.¹³ گرچه قبلاً کافر، جفاگر و فحاش بودم. اما به من رحم شد چون این کارها را در جهالت و بی‌ایمانی انجام می‌دادم.¹⁴ و فیض سرورمان با ایمان و عشقی که در عیسی مسیح است فزونی یافت.

¹⁵ این سخن پایدار و شایسته پذیرفتن است: عیسی مسیح به جهان

1:5 اهمیت تعلیم درست این است که به محبت و ایمان می‌انجامد. به این دلیل است که داشتن اعتقادات درست و رد تعالیم نادرست چنان حائز اهمیت می‌باشد (آیات 3، 4).

1:15 پولس، که اکنون به پایان عمر نزدیک می‌شود، خود را گناهکارترین در جهان می‌خواند. قبلاً وی خود را کمترین رسولان دانسته بود (رساله اول قرنتیان 15:9)، و

پاب 2

پولس تشویق به دعا می‌کند

بنابراین، از شما تمنا دارم که اولاً برای همه انسان‌ها مناجات، دعا، شفاعت و شکرگزاری کنید؛² برای پادشاهان و همه کسانی که در جایگاهی بلند هستند تا یک زندگی آرام و ساکت در کمال دینداری و عزت داشته باشیم.³ این از نظر خدا، ناجی ما، خوب و پسندیده است،⁴ خدایی که دوست دارد همه انسان‌ها نجات یابند و به دانش حقیقت برسند.⁵ زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان‌ها وجود دارد، یعنی شخص عیسی مسیح،⁶ که خود را فدای همه کرد، که درباره آن در وقت معین شهادت داده شد.⁷ برای همین من به عنوان موعظه‌گر و رسول (حقیقت را می‌گویم، دروغ نمی‌گویم)، معلم غیر یهودیان در ایمان و حقیقت منصوب شدم.

آمد تا گناهکاران را که سرکرده آنها من هستم نجات دهد.¹⁶ اما به این دلیل به من رحم شد که عیسی مسیح در من به عنوان بزرگترین گناهکار، همه صبر خود را به عنوان الگویی برای کسانی نشان داد که بعدها برای به دست آوردن زندگی جاودانه به او ایمان آوردند.¹⁷ عزت و شکوه ابدی از آن پادشاه جاودانه، فناپذیر، غیر قابل رؤیت، خدای یکتا باد. آمین.¹⁸ فرزندان ای تیموتائوس، طبق نبوت‌هایی که درباره تو شد، این فرمان را به تو می‌سپارم تا با آنها در جنگ نیکو مبارزه کنی.¹⁹ در ایمان و وجدانی پاک استوار بمان، بعضی‌ها این دو را از خود دور کرده و کشتی ایمان خود را ویران کردند.²⁰ از جمله هیمینائوس و اسکندر که به شیطان سپردم تا یاد بگیرند کفر نگویند.

سپس کمترین ایمانداران (افسسیان 3:8). هرچه رشد معنوی پولس بیشتر می‌شود، از میزان گناهکاری خود و قطعیت رستگارش مطمئن‌تر می‌گردد. ما نیز باید از این الگو پیروی کنیم.

1:16 ایمان شگفت‌انگیز پولس الگویی برای هرکدام از ما است. چه مسیحی بار آمده باشیم و چه نه، چه به گناهان بزرگ اهمیت بدهیم و چه ندهیم، حقیقت این است که ایمان آوردن ما به اندازه پولس شگفت‌انگیز بوده و هست؛ و پاسخ ما به لطف خدا باید به اندازه او مشتاقانه باشد.

1:20 به شیطان سپردم- می‌تواند اشاره‌ای باشد به قدرت منطقه‌ای رومیان، شیطان- دشمن مسیحیان.

2:5 این آیه به روشنی می‌گوید که تثلیث، برداشتی نادرست است. پولس که پس از معراج عیسی به آسمان می‌نوشت، او را «عیسی مسیح انسان» خواند. او واسطه بین خدا و آدمیان است؛ نه خود خدا، چون فقط یک خدا وجود دارد.

2:8 پس آرزویم این است- از آنجایی که چنین واسطه قدرتمندی برای دعاهايمان در برابر خدا داریم (آیه 5)، باید از این برکت استفاده کرده و نیایش کنیم.

مهمان‌نواز، و قادر به تعلیم باشد؛³ نباید اهل شراب‌خواری، خشونت، و طمع پول باشد بلکه باید ملایم، و نه اهل بحث، و نه اهل طمع باشد.⁴ کسی باشد که خانواده خود را به خوبی اداره می‌کند و فرزندان مطیع و موقر داشته باشد.⁵ زیرا اگر مردی نداند که چگونه خانواده خود را اداره کند، چطور به کلیسای خدا رسیدگی خواهد کرد؟⁶ نباید به تازگی ایمان آورده باشد تا مبادا مغرور شود و به محکومیت ابلیس بیفتد.⁷ علاوه بر این، باید در میان خارجی‌ان نیک‌نام باشد تا رسوا نشود و به دام ابلیس نیفتد.

⁸ به همین شکل، شماسان باید باوقار باشند، دو رو نباشند، اهل افراط در شراب‌خواری نباشند، طمع پول نداشته باشند؛⁹ و راز ایمان را در وجدانی پاک نگه دارند.¹⁰ اول باید امتحان شوند.¹¹ اگر بی‌عیب بودند، به عنوان شماس خدمت کنند.¹¹ به همین شکل، زنانشان باید موقر باشد، شایعه‌ساز نباشند، میان‌هرو و در همه امور وفادار باشند.¹² شماسان باید یک زن داشته باشند و فرزندان و خانواده خود را به خوبی اداره کنند.¹³ زیرا کسانی که به عنوان خادم به خوبی خدمت کرده‌اند، برای خود مقامی

⁸ بنابراین آرزو دارم که انسان‌ها همه جا دعا کنند و بدون خشم و اختلاف، دستان مقدس را بالا ببرند.⁹ به همین شکل، تقاضا دارم که زنان با لباسی مناسب، باحیا و پرهیزکارانه خود را بپارایند، نه با آرایش گیسوان و طلا و مروارید و لباس‌های گرانبها،¹⁰ بلکه با لباسی که معرف زنانی است که با اعمال نیک ادعای خداپرستی دارند.¹¹ یک زن باید در سکوت و در کمال اطاعت تعلیم ببیند؛¹² من به زنی اجازه نمی‌دهم تعلیم کند یا بر مردی حاکمیت داشته باشد، بلکه باید مطیع باشد.¹³ زیرا اول آدم و سپس حوا آفریده شد؛¹⁴ و آدم فریب نخورد بلکه زنی که فریب خورد به خطا افتاد.¹⁵ اما اگر همچنان در ایمان، عشق و تقدس با هوشیاری استوار باشد، می‌توان به واسطه تولد فرزند نجات یابد.

باب 3

درباره اسقف‌ها و شماسان

این گفته حقیقت دارد: اگر مردی مایل به اسقف شدن است، آرزوی کاری نیک دارد.² بنابراین اسقف باید بدون عیب، شوهر یک زن، میان‌هرو، هوشیار، منظم،

14, 2:13 اساس تعالیم پولس در مورد نقش‌های متفاوت زن و مرد بر اساس اصول آدم و حوا در عدن بود؛ بنابراین، تعالیم او تنها اقتضای خاص زمان خودش نبود، چون ادامه اصولی است که خدا در آفرینش بنیان نهاد.

3:13 خدمت ما خود گسترش‌دهنده ایمان ماست. این نمونه مسیر رو به بالا در زندگی معنوی است؛ سالها خدمت فروتنانه ایمان را عمیق می‌سازد و این خود انگیزه خدمات بیشتر خواهد بود.

و تعالیم بتپرستان روی خواهند آورد،² به وسیله ریاکاری افرادی دروغگو که وجدان خود را گویی با آهن داغ کرده‌اند.³ آنها ازدواج را ممنوع می‌کنند و دستور به پرهیز از خوردن غذاهایی می‌دهند که خدا آفریده تا کسانی که ایمان دارند و حقیقت را می‌دانند شکرگزاری کرده و آن را بخورند.⁴ زیرا تمام مخلوقات خدا نیک هستند و چیزی نباید انکار شود اگر با شکرگزاری پذیرفته شود.⁵ زیرا از طریق کلام خدا و دعا مقدس می‌شود.

⁶ اگر این‌ها را به مؤمنان یادآوری کنی، خادم خوب عیسی مسیح خواهی بود که در کلام ایمان و تعالیم نیکی که دنبال کرده‌ای پرورش خواهی یافت.⁷ اما از افسانه‌ها و دروغ‌های عجوزه‌ها امتناع کن و با دینداری ورزش کن.⁸ زیرا ورزش جسمی مدت کوتاهی مفید است؛ اما دینداری در همه امور مفید

خوب و در ایمانی که در عیسی مسیح است، چیرگی زیادی به دست می‌آورند.

¹⁴ این‌ها را در حالی برای تو می‌نویسم که امیدوارم به زودی نزد تو بیایم.¹⁵ اما اگر تأخیر کردم، این را می‌نویسم تا بدانی چگونه در خانه خدا رفتار کنی، خانه‌ای که کلیسای خدای زنده، ارکان و بنیاد حقیقت است.¹⁶ و بدون شک، راز دینداری نسبت به خدا عظیم است: او در جسم ظاهر شد، در روح نیک شمرده شد، از سوی فرشتگان دیده شد، در میان ملت‌ها تعلیم داد، در جهان به او ایمان آورده شد، و در شکوه به بالا برده شد.

باب 4

پیشگویی درباره از دین برگشتن
اما روح صریحاً می‌گوید که در زمان‌های آخر بعضی‌ها از ایمان دور خواهند شد، و به ارواح اغواکننده

3:15 حتی پولس هم به درستی نمی‌دانست نتیجه برنامه‌هایش چه خواهد بود؛ ما همه خواهان ثبات و برنامه‌های روشن برای آینده هستیم. اما خدا این گونه کار نمی‌کند؛ او می‌خواهد ما با ایمان و راهنمایی او در زندگی پیش برویم.

3:16 خدا در جسم، در پسرش، عیسی، ظاهر شد. عیسی از طبیعت انسانی بود اما شخصیتی کامل داشت، پس به ما نشان داد که اگر خدا انسان می‌بود چگونه رفتار می‌کرد. معنای این حرف این نیست که او خود خدا بود.

4:1 پیش بینی است از اینکه چگونه ایمان خالص مسیحی در نتیجه تعالیم و آموزه‌های دروغین تباه می‌گردد.

4:3 ازدواج را منع کنند- همان طور که کلیسای کاتولیک کشیشانش را منع کرد.

4:3 از خوراک‌هایی پرهیز کنند- همان طور که ادونتیست‌ها و سایرین خوردن غذاها و گوشت‌های مختلف را منع کردند، اگرچه خدا تمام حیوانات را به ما هدیه داده و می‌توانیم آنها را بخوریم (آیات 4،5).

4:8 زندگی معنوی نه تنها امید زندگی جاودان را به ما می‌دهد، بلکه زندگی ما را نیز پربرکت می‌سازد.

پاب 5

دستورات مربوط به بیوه‌زنان

کسی را که از تو مسن‌تر است سرزنش نکن بلکه او را مانند پدرت نصیحت کن. با مردان جوان مثل برادرت رفتار کن.² با زنان مسن‌تر مثل مادرت. با زنان جوان مثل خواهرت با کمال پاکی.

³ به بیوم‌زنان که واقعاً بیوه هستند احترام بگذار. ⁴ اما اگر بیوم‌زنی فرزند یا نوه دارد، آنها باید اول یاد بگیرند که از خود گذشتگی خود به خانواده‌شان را نشان دهند و زحمات پدر و مادر خود را جبران کنند. زیرا این کار از دید خدا پسندیده است.⁵ اما زنی که واقعاً بیوه و تنها است به خدا امید دارد و همچنان شب و روز دعا و مناجات می‌کند.⁶ اما زنی که خودش را مشغول خوش‌گذرانی می‌کند در حالی که زنده است، مُرده است.⁷ به آنها درباره این مسائل نیز دستور بده تا سرزنش نشوند.⁸ اما اگر مردی نیازهای خویشاوندان خود به ویژه خانواده‌اش را تأمین نکند، ایمان را انکار کرده و از یک بی‌ایمان بدتر است.

است زیرا وعده زندگی کنونی و آینده را دارد.⁹ این گفته درست است و شایسته پذیرفتن است.¹⁰ زیرا به همین منظور تلاش می‌کنیم و زحمت می‌کشیم زیرا امید خود را به خدای زنده بسته‌ایم که ناجی همه انسان‌ها به ویژه ایمانداران است.

¹¹ این‌ها را دستور بده و تعلیم کن.¹² هیچ کس جوانی تو را حقیر نشمارد. در گفتار و کردار، در عشق، ایمان و پاکی سرمشق ایمانداران باش.¹³ تا زمانی که می‌آیم، به خواندن، موعظه کردن و تعلیم دادن توجه کن.¹⁴ نسبت به هدیه‌ای که داری غفلت نکن، هدیه‌ای که به وسیله نبوت با گذاشتن دست‌های بزرگان بر تو عطا شد.

¹⁵ در همه امور کوشا باش. خودت را وقف آنها کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود.¹⁶ مراقب خودت و تعالیم باش. و در این کارها مُصبر باش زیرا این گونه هم خودت و هم شنوندگان خودت را نجات خواهی داد.

4:15 مطالب انجیل نمی‌توانند سرگرمی باشند، چیزی که گهگاه به آن علاقه نشان دهیم. ما باید خودمان را «به کمال» در اختیار آن قرار دهیم.

4:16 شنوندگان - رستگاری ما می‌تواند تا اندازه‌ای به اشخاص ثالث وابسته باشد. اگر تعالیم نادرست آموزش داده شوند، رستگاری دیگران به خطر می‌افتد.

5:4 والدین را نباید فراموش کرد، بلکه باید از آنها مراقبت نمود - اصلی که در بسیاری از نقاط جهان نادیده گرفته شده است.

5:8 تأمین معاش خانواده خود - این بخش در مورد مراقبت از والدین مسن صحبت می‌کند (آیات 4). کلام خدا در اینجا نکوهشی جدی برای کسانی دارد که این کار را انجام نمی‌دهند.

خانواده خود دارد، باید به آنها کمک کند و باری بر دوش کلیسا نگذارد تا کلیسا به کسانی کمک کند که واقعاً بیوه هستند.

احکام مربوط به بزرگان

¹⁷ بزرگانی که خوب رهبری می‌کنند، شایسته حرمتی مضاعف خواهند بود، به ویژه کسانی که در کلام و تعلیم زحمت می‌کشند.¹⁸ زیرا کتاب مقدس می‌گوید: وقتی گاو خرمن را می‌کوبد، دهانش را نبند. زیرا کارگر مستحق دستمزدش است.

¹⁹ اتهام علیه بزرگ کلیسا را نپذیر، مگر این که از دهان دو یا سه شاهد بشنوی.²⁰ بزرگانی را که گناه می‌کنند جلوی همه ملامت کن تا بقیه نیز بترسند.²¹ در حضور خدا و عیسی مسیح و فرشتگان برگزیده تو را موظف می‌کنم که بدون تعصب این امور را رعایت کنی و هیچ کاری را با تبعیض انجام ندهی.²² با عجله دست روی کسی نگذار و در گناهان دیگران شریک نباش. خودت را پاک نگه دار.

²³ دیگر فقط آب ننوش؛ در عوض، برای معده‌ات و مریضی‌های مکرر خود، از کمی شراب نیز استفاده کن.

⁹ هیچ زنی که کمتر از شصت سال سن دارد نباید به عنوان بیوه ثبت شود. فقط کسانی را ثبت کند که زن یک شوهر بوده‌اند و ¹⁰ بابت اعمال خوب نیک‌نام هستند؛ مثلاً فرزندی را بزرگ کرده، نسبت به غریبه‌ها مهمان‌نواز بوده، پاهای قدیسان را شسته، به مصیبت‌دیدگان کمک کرده و با کوشش فراوان هر کار نیکی را دنبال کرده است.

¹¹ اما از ثبت بیومزنان جوانتر امتناع کن زیرا وقتی هوی و هوسشان، آنها را از مسیح دور می‌کند، مایلند ازدواج کنند،¹² و محکوم می‌شوند زیرا پیمان اول خود را شکسته‌اند.¹³ علاوه بر این، آنها یاد می‌گیرند که بیکار باشند از خانه‌ای به خانه دیگر بروند و نه تنها بیکار می‌شوند بلکه شایعه‌سازی و فضولی می‌کنند و چیزهایی می‌گویند که نباید به زبان بیاورند.¹⁴ بنابراین آرزوی من این است که بیومزنان جوانتر ازدواج کنند، فرزند بیاورند، اهل خانه را اداره کنند و محلی برای بدگویی دشمنان باقی نگذارند.¹⁵ زیرا همین حالا نیز بعضی‌ها منحرف شده و به دنبال شیطان رفته‌اند.

¹⁶ اگر زنی باایمان، بیومزنانی در

5:14 کدبانو باشند. این باور که زن در حالت ایده‌آل باید در فضای خانه فعالیت کند.

5:18 پولس آشکارا حامی پرداخت دستمزد بود، اگرچه خودش انتخاب کرد که در قرنیه چنین منفعتی نداشته باشد (رساله اول قرنیه‌ان 12-9:4) و نیز در تسالونیکا (1 تسال. دوم 2، 9:2-3). زمان‌ها و شرایطی وجود دارد که بهتر است کاری را که به حق می‌توانیم انجام دهیم، انجام ندهیم، به خاطر دیگران؛ الگوی ارائه شده ممکن است دچار سوء برداشت یا سوء استفاده قرار گیرد.

که با سخنان استوار، کلام سرورمان عیسی مسیح و تعالیم دینداری سازگار نباشد،⁴ مغرور است و چیزی نمی‌داند، بلکه درگیر مجادله و منازعه بر سر کلمات است، که باعث حسادت، جدل، توهین، بدگمانی و⁵ مشاجرات در بین اشخاصی می‌شود که در افکار خود فاسد و از حقیقت دور هستند و گمان می‌کنند که دینداری وسیله‌ای برای کسب منفعت است.⁶ اما دینداری با قناعت منفعتی عظیم است.⁷ زیرا ما چیزی به این جهان نیاورده‌ایم و نمی‌توانیم چیزی ببریم.⁸ اما با داشتن غذا و پوشاک قانع خواهیم بود.⁹ اما کسانی که قصد دارند ثروتمند شوند، به وسوسه و دام و هوس‌های احمقانه و زیان‌بخشی گرفتار می‌شوند که انسان‌ها را به تباهی و محکومیت می‌کشاند.¹⁰ زیرا عشق به پول، سرچشمه همه نوع شرارت است و بعضی‌ها به دنبال آن رفتند و از ایمان گمراه

²⁴ گناهان بعضی انسان‌ها مشهود است و آنها را به سوی قضاوت می‌کشاند؛ اما گناهان دیگران دیرتر گریبان‌گیر آنها می‌شود.²⁵ به همین شکل، اعمال نیک بعضی انسان‌ها کاملاً مشهود است و اعمال نیک دیگران نیز نمی‌تواند مخفی بماند.

باب 6

همه کسانی که زیر یوغ بردگی هستند، اربابان خود را شایسته احترام کامل بدانند تا از نام خدا و تعلیم ما بدگویی نشود.² کسانی که اربابان ایماندار دارند، نباید به آنها بی‌احترامی کنند چون برادر هستند، بلکه باید به آنها خدمت کنند چون آنهایی که به آنها خدمت می‌شود، مؤمن و عزیز هستند. این‌ها را تعلیم بده و نصیحت کن.

خطر ثروت

³ اگر کسی تعلیم متفاوتی را بدهد

24:5, 25 تمام گناهان و کارهای نیک ما در روز داوری در برابر همه آشکار خواهد بود؛ پس نباید در زندگی ریاکار باشیم و همچنین نباید اندوهگین شویم که کارهای نیکمان دیده نشده یا مورد ستایش قرار نمی‌گیرد. چون روزی می‌رسد که این اتفاق خواهد افتاد.

1:6, 2 پولس حامی برافتادن بندگی نبود، اگرچه یک آموزه غیرمسیحی دانسته می‌شد. او پذیرفته بود که برخی چیزها در این دنیا هستند و به ما نیز آموخت که در میان این محدودیت‌ها یک زندگی معنوی داشته باشیم. این اصل در مورد بسیاری جنبه‌ها و موقعیت‌های جامعه مدرن صادق است.

10:6 پولدوستی - روز به روز جوامع ما اتکای بیشتری بر پول پیدا می‌کنند و این بیش از هر زمان برای نسل ما وسوسه است.

10:6 خود را مجروح ساختند - این زبان مصلوب شدن است. ما به هر حال باید مصلوب شویم - یا با مسیح یا در تلاش برای مال‌اندوزی. بنابراین، رنج بردن با مسیح انتخاب منطقی است.

ساکن است که هیچ کس نمی‌تواند به آن نزدیک شود. خدایی که هیچ کس ندیده و نمی‌تواند ببیند. عزت و قدرت جاودانه بر او باد. آمین.

¹⁷ به ثروتمندان در این دنیا تعلیم بده تا مغرور نشوند و امید خود را به ثروت‌های نامطمئن نبندند؛ بلکه در عوض به خدا توکل کنند که همه غنیمت‌ها را به ما داد تا از آن بهره ببریم. ¹⁸ ثروتمندان باید کار نیک کنند تا در اعمال نیک غنی شوند، تا آماده بخشش و مایل به تقسیم کردن باشند، ¹⁹ و بنایی خوب را برای آینده خود ذخیره کنند و زندگی که حیات حقیقی است را به دست آورند. ²⁰ ای تیموتائوس، از آنچه به تو سپرده شده مواظبت کن، از حرف‌های دروغین و مخالفت‌های که ناشی از دانش کذب هستند دوری کن، ²¹ که بعضی که در آن ادعا کردند از ایمان منحرف گشتند. فیض بر شما باد.

شدند و خود را گرفتار رنج‌های بسیار کردند.

¹¹ اما تو ای مرد خدا، از این چیزهای مادی بگریز و در عوض به دنبال عدالت، دینداری، ایمان، عشق، صبوری و فروتنی باش. ¹² در مبارزه نیک ایمان بجنگ، زندگی ابدی را به دست آور که به سوی آن دعوت شدی و در حضور شاهدان بسیاری به اعتراف نیک، اعتراف کردی. ¹³ در حضور خدا که به همه چیز حیات می‌بخشد، و در حضور عیسی مسیح که نزد پنطیوس پیلطس به نیکی اعتراف کرد، ازت تمنا دارم: ¹⁴ این فرمان را بدون لکه ننگ بدون ملامت تا ظهور سرورمان عیسی مسیح حفظ کن. ¹⁵ در زمان معین، خدا او را ظاهر خواهد کرد، خدایی که متبارک است و تنها حکمران، پادشاه پادشاهان و سرور سروران است، ¹⁶ خدایی که فناپذیر است و در نوری

6:16 هیچ بشری تاکنون خدا را ندیده است. انسان‌ها عیسی را دیدند، پس او خود خدا نبود. وقتی عهد قدیم از انسان‌هایی مانند موسی صحبت می‌کند که «خدا را می‌بینند»، منظورش دیدن فرشته‌ها است که نام خدا را با خود دارند (خروج 23:21).
6:18 ثروت معنوی واقعی در رها کردن داشته‌های مادی ما است.

دوم تیموتائوس

باب 1

رابطه پولس با تیموتائوس

از طرف پولس یکی از حواریون عیسی مسیح حسب اراده خدا، مطابق با وعده حیاتی که در عیسی مسیح است،

² به فرزند عزیزم، تیموتائوس. فیض، رحمت، صلح از جانب خدای پدر و سرورمان عیسی مسیح باد. ³ خدا، که از اجداد خود با وجدانی پاک بندگی او را می‌کنم، را شکر می‌نمایم که شبانه‌روز در دعاهای خود تو را بی‌وقفه یاد می‌کنم، ⁴ و اشک‌های تو را به خاطر می‌آورم و مشتاق ملاقات تو هستم تا از خوشی سیر شوم. ⁵ ایمان صادقانه تو را اغلب به یاد دارم که نخست در مادر بزرگت لونیس و مادرت افنیکی ساکن بود؛ و مطمئنم در تو نیز هست.

زندگی در حد توان

⁶ به همین دلیل به تو یادآور می‌شوم تا هدیه خدا را که از طریق گذاشتن دست‌های من بر تو است برافروزی. ⁷ زیرا خدا روح ترس را به ما نداده است بلکه روح قدرت و

محبت و ذهن منضبط را داده است. ⁸ بنابراین، نه از گواهی سرور ما و نه از من که اسیر او هستم شرمزده نباش، بلکه مطابق با قدرت خدا برای بشارت سختی بکش. ⁹ که ما را نجات داد و به دعوتی مقدس فرا خواند نه بر اساس اعمال ما بلکه بر اساس اراده و فیض خودش که قبل از زمان‌های ازل، در عیسی مسیح به ما عطا شد؛ ¹⁰ اما اکنون این فیض آشکار گردید با ظهور ناجی ما عیسی مسیح که مرگ را نابود کرد و حیات و بی‌فسادی را به وسیله بشارت روشن گردانید، ¹¹ بشارتی که برای آن من واعظ و حواری و معلم تعیین شده‌ام. ¹² بدین منظور این رنج‌ها را می‌کشم. اما شرمزده نیستم. چون می‌دانم به که ایمان آوردم و اطمینان دارم که او قادر است تا روز آخر آنچه به من سپرده شد را حفظ کند. ¹³ از سخنانی صحیح که در ایمان و عشقی که در عیسی مسیح است از من شنیدی، سرمشق بگیر. ¹⁴ به وسیله روح القدس که در ما ساکن است، آن چیزهای نیکویی که به تو سپرده شده است را حفظ کن.

1:3 پولس برای بسیاری نوشته که دائماً برای آنها دعا می‌کند. این بدین معنا است که وی نمی‌بایست بخش زیادی از زمانش را برای دعا کردن دیگران، افراد و گروه‌ها بگذارد. ما چطور؟

1:10 جاودانگی تنها در انجیل مسیح بر ما هویدا شده است. بنابراین، ذاتاً جاودانگی نداریم؛ چیزی تحت عنوان روح جاودان که با آن متولد شویم، وجود ندارد. این یک باور نادرست مشرکانه است. انجیل به ما می‌گوید که جاودانگی مشروط است.

1:12 ما چیزها را به خدا می‌سپاریم و او نیز به ما (آیه 14). رابطه‌ای متقابل بین خدا و انسان وجود دارد.

³ مانند سرباز خوب عیسی مسیح با من سختی بکش. ⁴ هیچ سربازی خود را در امور این زندگی گرفتار نمی‌کند تا رضایت آن که او را سرباز کرد بجوید. ⁵ و اگر کسی نیز در مسابقات رقابت کند، تاج را به او نمی‌دهند مگر این که طبق قوانین رقابت کند. ⁶ کشاورزی که زحمت می‌کشد، باید اولین فردی باشد که نصیبی از میوه‌ها می‌برد. ⁷ در آنچه می‌گویم تفکر کن. سرور در همه چیز به تو درک و فهم خواهد بخشید. ⁸ عیسی مسیح را به خاطر داشته باش که بر اساس بشارتی که من موعظه می‌کنم از مردگان برخاست و از نسل داود بود. ⁹ به خاطر آن حتی تا حد در بند افتادن مانند مجرمین سختی می‌کشم، اما کلام خدا بسته نمی‌شود. ¹⁰ بنابراین، به خاطر برگزیدگان همه چیز را تحمل

¹⁵ از این آگاه هستی که همه کسانی که در آسیا هستند، از من رو برگردانند. از جمله فیچلس و هرموجنس هستند. ¹⁶ سرور بر اهل خانه انیسیفورس ترحم کند زیرا که او جانی تازه به من داد و از زنجیر من شرمند نبود. ¹⁷ بلکه وقتی به روم رسید، به کوشش فراوان دنبال من گشت و من را پیدا کرد. ¹⁸ (خداوند به او عطا کند که در آن روز در سرور رحمت یابد)؛ و خدمت‌هایی را که در افسس کرد تو بهتر می‌دانی.

باب 2

تحمل سختی برای مسیح

پس ای فرزند من، در فیضی که در عیسی مسیح است قوی باش. ² و هر آنچه از میان شاهدین بسیار از من شنیدی، به مردمان وفادار بسیار که قادر شوند به دیگران هم تعلیم دهند.

1:15 با این وجود، از محتوای مکاشفات 2 و 3 [که بعداً نوشته شدند] مشخص است که قومی در آسیا خداوند را ترک کرده‌اند. ایمانداران گاهی در مورد دیگران قضاوت نادرست کرده و آنها را طرد می‌کنند؛ اما آن ایمانداران ممکن است هنوز برای خداوندشان قابل قبول باشند. دیدن اینکه کار پولس منجر به ایمان آوردن اکثر مردم آسیا شد و نهایتاً ذهنیت آن مردم نسبت به او منفی شد، بسیار دردناک است.

2:4 تصویر یک سرباز در جنگ و یک ورزشکار نشان‌دهنده استقامت است که در خدمت به خداوند از ما انتظار می‌رود. این تنها یک سرگرمی، فرهنگ یا سنتی موروثی نیست.

2:7 اگر به کلام خدا «ببیندیشیم»، او با دادن بصیرت به ما، پاسخ تلاش‌هایمان را خواهد داد. اما باید در مورد انجیل و زندگی نیز ببیندیشیم و به غفلت و ایدمپردازی مشغول نگردیم.

2:8 عیسی از «نسل داوود» بود، نواده داوود از طرف مادرش مریم. این نشان می‌دهد که عیسی شخصاً پیش از تولدش وجود نداشته است؛ و اینکه مریم یک زن معمولی بود و نیز نواده داوود.

2:10 اگر پولس با رنج و هزینه فراوان شخصی، به اشاعه انجیل نپرداخته بود، دیگران نجات نمی‌یافتند. رستگاری دیگران تا اندازه‌ای به تلاش‌های اشخاص ثالث همچون ما

آن رستاخیز گذشته و بعضی را از ایمان منحرف می‌سازند.¹⁹ اما بنیاد ثابت خدا با اطمینان ایستاده و این مهر را دارد: سرور کسانی را که به او تعلق دارند می‌شناسند. و: بگذارید هر که نام سرور را خواند، از بی‌عدالتی کناره جوید.

²⁰ اما در خانه بزرگ نه فقط ظروف طلا و نقره هست، بلکه ظروف چوبی و گلی نیز هست، بعضی برای عزت و بعضی برای ذلت.²¹ پس اگر کسی خویشتن را از این‌ها پاک سازد، ظرفی برای عزت و مقدس خواهد بود و هدف مورد نظر صاحبش را محقق خواهد کرد و آماده انجام هر کار خوبی خواهد بود.

²² با کسانی که از صمیم قلب خالص خود نام سرور را می‌خوانند، عدالت، ایمان، عشق و صلح و آرامش را جستجو کن.²³ اما از مسائل احمقانه و جاهلانه اجتناب کن چون می‌دانی که فقط باعث نزاع می‌شود.²⁴ خادم سرور نباید نزاع کند، بلکه با همه باید ملایم و مشتاق تعلیم و صبور در مریضی‌ها و خطاها باشد،²⁵ و با فروتنی مخالفین را تصحیح کند تا شاید خدا به آنها توبه

می‌کند تا آنها نیز نجاتی را که در عیسی مسیح است با جلال جاودانی به دست آورند.

¹¹ این سخن درست است که: زیرا اگر با او مُردیم، با او زندگانی هم خواهیم کرد؛¹² و اگر تحمل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد؛ و اگر او را انکار کنیم، او نیز ما را انکار خواهد کرد؛¹³ اگر بی‌ایمان شویم، او باایمان می‌ماند. زیرا نمی‌تواند خود را انکار کند.

درباره کلام بحث نکنید.

¹⁴ این چیزها را به یاد آنها بیاور و در حضور سرور دستور بده که درباره کلام مجادله نکنند، زیرا هیچ سودی ندارد بلکه باعث هلاکت شنوندگان است.¹⁵ و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، کارگری باشی که نیاز نیست شرم‌منده شود و کلام خدا را به درستی انجام می‌دهد.¹⁶ و از یاهوگویی‌های تعالیم غلط اجتناب کن؛ زیرا آنها منجر به فزونی بی‌دینی خواهند شد؛¹⁷ و کلام آنها، چون خرچنگ می‌خورد. و نمونه‌ای از این‌ها هیمینائوس و فلیطس هستند،¹⁸ که در مورد حق خطا کرده‌اند و می‌گویند که

وابسته است. هزینه هر چقدر که باشد، نمی‌توانیم از اشاعه انجیل تخطی کنیم.

2:11 این یک اصل تعمد است - مرگ با عیسی در زیر آب، و رستاخیز با او (رومیان 6:3-5).

2:12 اگر انکارش کنیم - پولس با اطلاع از اینکه پطرس عیسی را انکار کرده - اما توبه کرده، این مورد را نوشته است. ما نیز می‌توانیم توبه کنیم.

2:14 بحث میان برادران در مورد مسائل کوچک می‌تواند منجر به نابودی دیگران شود.

2:18 رستاخیز هم اکنون به وقوع پیوسته است - خطای (Preterism) افراطی امروزی.

و همچنان که ینیس و یمبریس در برابر موسی مقاومت کردند، آنها نیز در برابر حق مقاومت می‌کنند. مردم ذهن فاسد دارند و مردود از ایمان هستند.⁹ اما بیشتر از این پیش نخواهند رفت. زیرا حماقت آنها بر همه مردم واضح خواهد شد، چنانکه حماقت آنها نیز شد.

باب 3

پیشگویی درباره روزهای آخر

اما این را بدان که در روزهای آخر زمان‌های سخت خواهد آمد.² زیرا انسان‌ها خودپرست، پول‌پرست، لاف‌زن، متکبر، اهل جدل، نامطیع والدین، ناسپاس و نامقدس،³ بی‌عاطفه، کینه‌توز، افترازن، ناپرهیزگار، تندخو، متنفر از نیکویی⁴ خیانت‌کار، لاقید و مغرور خواهند بود که لذت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند.⁵ در ظاهر خداپرست هستند، اما قدرت آن را انکار می‌کنند. از این افراد روی برگردان.⁶ زیرا از بین آنها کسانی هستند که با حیل داخل خانه‌ها شده و زنان کم‌عقلی را اسیر می‌کنند که بار گناهان را می‌کشند و به انواع شهوات ربوده می‌شوند،⁷ و دائم آموزش می‌بینند، اما هرگز به معرفت راستی نمی‌توانند برسند.⁸

تشویق پولس به تیموتائوس
¹⁰ اما تو از تعالیم، رفتار، قصد، ایمان، بردباری، عشق، صبر،¹¹ رنج‌ها و آلام من پیروی کن. به بلایی فکر کن که در انطاکیه و ایقونیه و لستره بر من واقع شد، چه آزار و اذیت‌هایی را تحمل نمودم. و سرور از میان همه آنها مرا داد.¹² آری، و همه کسانی که می‌خواهند در عیسی مسیح به دینداری زندگی کنند، رنج خواهند کشید.¹³ اما مردمان شیرین و دغلباز بدتر و بدتر خواهند شد که فریب داده و فریب خواهند خورد.¹⁴ اما تو در آنچه آموختی و ایمان آوردی رشد کن و بدان از چه کسانی تعلیم یافتی.¹⁵ و این که از کودکی، نوشته‌های مقدس را می‌شناسی که

1:5-3: این توصیف دقیق جامعه در «روزهای آخر» پیش از بازگشت عیسی به زمین است.

3:10: زندگی و شخصیت پولس در انجیل به عنوان الگویی برای ما قرار داده شده است - نه فقط چیزی که به صورت تاریخی مطالعه کنیم، یا محل زندگی او را روی نقشه بیابیم و او را تنها یک شخصیت تاریخی بدانیم.

3:12: بنابراین، آزار و اذیت نباید ما را متعجب سازد. شاید آزار جسمانی نباشد اما از جهاتی، جهان بی‌ایمانان ما را آزار خواهد داد.

3:15: این اهمیت انجیل است - اگر به کلام خدا ایمان داشته باشیم، در آن حکمتی خواهیم یافت که ما را به رستگاری رهنمون می‌گردد. بنابراین، توجه به انجیل برای هر مسیحی حقیقی حیاتی است، و ما باید روزانه انجیل را بخوانیم.

نخواهند داشت، بلکه با پیروی از امیال و هوس‌های خود، معلمان را بر اساس شهواتشان برای خود جمع خواهند کرد؛⁴ و گوش‌های خود را از شنیدن راستی بر می‌گردانند، به سوی افسانه‌ها خواهند گرایید.⁵ اما تو در همه چیز هشیار باش، سختی بکش و عمل یک مبشر را بجا آور و خدمت خود را به تحقق برسان.

قادر هستند برای نجات به وسیله ایمانی که بر عیسی مسیح است به تو حکمت دهند.¹⁶ تمامی کتب مقدس الهام گرفته از خدا هستند و برای تعالیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است؛¹⁷ تا مرد خدا کامل و برای هر عمل نیکو آراسته بشود.

باب 4

پولس از مرگ قریب‌الوقوع خود می‌گوید

⁶ زیرا در حال قریانی شدن هستم و وقت رفتن من رسیده است.⁷ در جنگی نیکو جنگیدم و دوره خود را به پایان رساندم، ایمان را محفوظ نگه داشتم.⁸ از این به بعد، تاج عدالت برای من حاضر شده است که سرور، قاضی عادل، در آن روز

تو را در حضور خدا و عیسی مسیح، که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، و به ظهور و ملکوت او قسم می‌دهم،² که به کلام موعظه کنی. و آن را فوراً موعظه کنی، چه فرصت مناسب باشد یا نباشد. در حالی که با صبوری تعلیم می‌دهی تنبیه، توبیخ و نصیحت کنی.³ زیرا زمانی خواهد آمد که آنها تحمل تعالیم صحیح را

3:16 الهام- خدا کلام خود را به نویسندگان انجیل الهام کرد، پس آنچه آنها نوشته‌اند کلام انسان‌ها نیست، بلکه خدا است که از طریق آنها سخن می‌گوید. این چیزی است که انجیل را از میان کتاب‌ها متمایز می‌سازد؛ کلام خدا تمام چیزی است که ما در راستای تجهیز برای انجام اعمال نیک لازم داریم (آیه 17). ما به هیچ کتاب یا وحی دیگری نیاز نداریم، چون انجیل برای تجهیز کامل ما کافی است (آیه 17).

4:1 وقتی مسیح بازگردد، مردگان بیدار و داوری خواهند شد، و ملکوت خدا بر زمین مستقر می‌گردد.

4:3 پیش‌بینی این آیه از فساد تعالیم اصیل انجیل، در نسخه‌های دروغین مسیحیت که امروزه وجود دارد، اثبات شده است. مردم انتخاب می‌کنند که از هر معلمی بپذیرند هر چه را که می‌خواهند بشنوند – به جای اینکه بدانند انجیل کلام الهام‌شده خدا است (3:16) و آنچه اینجا آمده را باور کنند. ما باید در برابر کلام خدا پذیرا باشیم، حتی اگر چیزهایی بگویم که طبیعتاً ترجیح می‌دهیم درست نباشد. ما نمی‌توانیم نظراتمان را از خدا بالاتر ببریم.

4:8 پاداش وفاداران زمانی داده می‌شود که عیسی در «آن روز» بازمی‌گردد («روز» آیه 1)؛ و تمامی ایمانداران حقیقی پاداش خود را در یک زمان دریافت می‌کنند (عبرانیان 11:39,40). این درست نیست که وقتی می‌میریم به بهشت رفته و پاداشمان را می‌گیریم.

من حاضر نشد بلکه همه مرا ترک کردند. باشد که این علیه آنها حساب نشود.¹⁷ اما سرور با من ایستاد، به من قدرت داد تا پیام از طریق من اعلام شود و تمامی غیر یهودیان بشنوند. و از دهان شیر رهایی یافتم.¹⁸ و سرور مرا از هر کار بد رها خواهد کرد و تا ملکوت آسمانی خود نجات خواهد داد؛ او را تا ابد جلال باد. آمین.

¹⁹ به فرسکا و اکیلا و اهل خانه انیسیفورس سلام برسان.
²⁰ ارستس در قرنئس ماند، اما ترفیمس را در میلپتس بیمار رها کردم.

²¹ سعی کن که قبل از زمستان بیایی. افبولس و پودیس ولینس و کلاویه و همه برادران به تو سلام می‌رسانند.²² سرور با روح تو باد. فیض بر شما باد.

به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه به همه کسانی که ظهور او را دوست دارند.

⁹ سعی کن به زودی نزد من آیی.¹⁰ زیرا دیماس که عاشق دنیای کنونی بود مرا ترک کرد، به تسالونیکي رفت؛ و کریسکیس به غلاطیه و تیطس به دلماطیه.¹¹ تنها لوقا با من است. مرقس را بردار، با خود بیاور؛ زیرا خدمت او برای من مفید است.¹² اما تیخیکس را به افسس فرستادم.¹³ وقتی می‌آیی ردایی را که در ترواس نزد کرپس گذاشتم، بیاور و کتب را نیز و مخصوصاً کاغذهای پوستی.

¹⁴ اسکندر مس‌گر با من بسیار بدی کرد؛ سرور او را بر اساس اعمالش جزا خواهد داد.¹⁵ و تو هم از او بر حذر باش، زیرا در برابر سخنان ما به شدت مقاومت کرد.¹⁶ در دفاعیه اول من، هیچ کس با

ما تا زمان بازگشت مسیح ناهشیار می‌مانیم؛ تمام وفاداران سپس رستخیز و داوری شده و با هم در ملکوت خدا روی زمین زندگی جاودانه خواهند داشت (متی 25:34).
4:16 همه مرا ترک کردند. همان طور که همه در آسیا پولس را ترک کردند (1:15). پولس در تنهایی مرد، در حالی که در میان برادرانش هم محبوبیتی نداشت؛ اما در نتیجه این، حضور واقعی عیسی را با خود حس کرد (آیه 17).

تیطس

باب 1

⁷ زیرا اسقف، به عنوان مباشر خدا باید بی‌عیب باشد، متکبر یا تندخو یا عیاش یا خشن نباشد و برای به دست آوردن منفعت طمع نکند؛⁸ بلکه باید مهمان‌نواز باشد، عاشق نیکی، خویش‌نواز، عادل، مقدس، منظم باشد⁹ و متوسل به کلامی امین و سازگار با تعلیم شود تا بتواند با استفاده از تعلیمی درست دیگران را تسلی دهد و اشتباه مخالفان را ثابت کند.

¹⁰ زیرا مردان سرکش بسیاری وجود دارند که بیهوده حرف می‌زنند و فریبکارند، به ویژه اهل ختنه،¹¹ که باید جلوی دهانشان گرفته شود. مردانی که فقط به خاطر پول کل خانه‌ها را ویران می‌کنند و چیزهایی را که نباید، تعلیم می‌دهند.¹² یکی از پیامبران آنها گفت: کریتی‌ها همیشه دروغگو، حیوانات شریر و پرخور و تنبل هستند.¹³ این شهادت حقیقت دارد. به همین علت آنها را به شدت ملامت کن تا در ایمان درست رفتار کنند،¹⁴ و به افسانه‌های دروغین یهودیان و احکام انسانی که هدفشان فقط انحراف دیگران از حقیقت است توجه نکنند.

از طرف پولس، خادم خدا و یکی از حواریون عیسی مسیح به خاطر ایمان برگزیدگان خدا و دانایی آنها نسبت به حقیقت - حقیقتی که در نهایت چیزی جز خداپرستی نیست.² به امید زندگی جاودانه، که خدایی که ممکن نیست دروغ بگوید، از زمان‌های ازل وعده آن را داده؛³ اما در زمان خود، کلامش را در پیامی نشان داد که بر حسب حکم خدا ناجی ما به من سپرده شده است؛⁴ به تیطس، فرزند حقیقی من که ایمانی مشترک داریم. فیض و آرامش از خدای پدر و عیسی مسیح ناجی ما باد.

نصیحت خاص پولس به تیطس

درباره کلیسای واقع در کریت

⁵ تو را در کریت به این دلیل گذاشتم که هر نقصی که هست نظم و ترتیب ببخشی و بزرگانی را در هر شهری طبق دستوری که به تو دادم منصوب کنی.⁶ یعنی کسانی را که بی‌عیب هستند، شوهر یک زن هستند، فرزندان با ایمان دارند و متهم به شورش و سرکشی نیستند.

1:2 فناپذیری یک امید است، وعده داده شده به کسانی که در عیسی هستند - بنابراین ما هیچ فناپذیری یا «روح فناپذیر» نداریم.

1:9 رهبر کلیسا باید با کتاب آسمانی آشنا باشد - نه اینکه فقط یک شخصیت خوب یا جذاب داشته باشد.

1:14 در نتیجه نفوذ یهودیت، نظریات اشتباه فراوانی وارد مسیحیت شده است. (10). نظریه وجود شخصی مسیح، نیاز به رعایت سبت و قوانین غذایی یهودی، شیطان انسانی، دیوها، زندگی پس از مرگ در آسمان و غیره، همه می‌توانند تحت تأثیر یک ارتداد یهودی وارده شده باشند.

بباموزند که شوهر خود و فرزندان خود را دوست بدارند،⁵ خویشاندار و پاک، خانهدار، مهربان و مطیع شوهران خود باشند؛ تا موعظه کلام خدا مورد تمسخر قرار نگیرد.

⁶ مردان جوان را نیز به همین شکل به خویشان‌داری تشویق کن.⁷ در همه امور، خودت را سرمشق اعمال نیک نشان بده. در تعالیم خود، صداقت، عزت،⁸ سخن درست را نشان بده که قابل محکومیت نیست؛ تا مخالف آن از این که نمی‌تواند درباره ما بدگویی کند شرمسار شود.⁹ خادمان را تشویق کن که مطیع اربابان خود باشند و در همه چیز آنها را خشنود کنند. و بحث نکنند،¹⁰ دزدی نکنند، بلکه در همه چیز صداقت خود را نشان دهند تا در همه امور، تعالیم خدا ناجی ما را زینت ببخشند.

¹¹ زیرا فیض خدا ظاهر گشته و برای همه مردم رهایی می‌آورد.¹² به

¹⁵ از نظر پاکان، همه چیز پاک است؛ اما از نظر افراد آلوده و بی‌دین، هیچ چیز پاک نیست؛ هم ذهن آنها و هم وجدان آنها آلوده است.¹⁶ آنها ادعای خداشناسی می‌کنند اما با کارهایشان او را انکار می‌کنند. آنها نفرت‌انگیز، نافرمان و نامناسب برای هر عمل نیک هستند.

پاب 2

دستوراتی برای مردان و زنان و

پیران و جوانان

اما تو باید آنچه با تعلیم صحیح سازگار است را تعلیم دهی:² این که مردان مسن هوشیار، باوقار، خویشان‌دار، و در ایمان، عشق و صبر درست رفتار کنند.³ این که زنان پیر نیز به همین شکل در رفتار خود با وقار باشند، شایعه‌ساز و برده شراب زیاد نباشند، به هر چه نیکی است تعلیم دهند؛⁴ تا به زنان جوان

1:15 بنابراین، در شرایطی مردم می‌توانند اعمالی را انجام دهند که برای دیگران گناه‌آمیز است. این به طرز فکر، انگیزه‌ها و وجدان ما بستگی دارد.

2:3 اینجا «غیبت‌گو» به واژه یونانی **شیطانی** ترجمه شده و در جای دیگر به «شر». این واژه تنها به معنای غیبت‌گو است و هیچ مضمون شرارت و وابسته به کائنات یا فراطبیعی در خود ندارد. آن را می‌توان در مورد مردم عادی استفاده کرد، همان طور که در مورد یهودا استفاده شد (یوحنا 6:70,71).

2:4 دوست داشتن شوهر مسیحی و تسلیم بودن در برابر او اینجا با هم برابر دانسته شده‌اند. تسلیم در ازدواج را نمی‌توان درخواست کرد؛ انگیزه آن عشق است.

2:10 تعالیم انجیل در نتیجه مثال های ما برای دیگران جذاب می‌شوند، وقتی ما آنها را به عمل تبدیل می‌کنیم. تعالیم نیز مانند الهیات بلافاصله مردم سکولار را جذب نمی‌کنند.

2:12 ما نمی‌توانیم نسبت به جلال خدا منفعل باشیم (آیه 11) - هدیه رایگان رستگاری از سوی خدا به ما، اگر تجربه کنیم و درموردش ببندیشیم، ما را در زندگی سرشار از اعمال نیک آموزش می‌دهد.

فریب خورده خادم شهوت‌ها و لذت‌ها بودیم، با بدخواهی و حسادت زندگی می‌کردیم، نفرت‌انگیز بودیم و از یکدیگر بیزار. ⁴ اما وقتی مهربانی خدا ناجی ما و عشق او به انسان ظاهر گشت، و ⁵ نه فقط بر حسب اعمال نیکی که خودمان انجام دادیم، بلکه بر اساس رحمت خود، از طریق شست و شوی تولد تازه و تجدیدی که از روح القدس است ما را نجات داد، ⁶ روح‌القدس که از طریق عیسی مسیح، ناجی ما به وفور به ما عطا کرد. ⁷ بدین ترتیب، با نیک شمرده شدن به وسیله فیض او، مطابق با امید به زندگی جاودانه وارثان او گردیم.

⁸ این تعلیمی شایسته است و از تو می‌خواهم در این امور مُصِر باشی تا کسانی که به خدا ایمان دارند مواظب باشند که خود را وقف کارهای نیک کنند. این چیزها، برای مردم بسیار خوب و مفید است. ⁹ اما از بحث‌های احمقانه، شجره‌نامه‌ها، اختلافات و دعوایا درباره شریعت پرهیز کن زیرا آنها غیر مفید و بی‌ارزش هستند.

ما می‌آموزد که بی‌دینی و شهوت‌های دنیوی را تقبیح کنیم و زندگی مملو از خویش‌ن‌داری، عدالت و خداپرستی در عصر حاضر داشته باشیم، ¹³ و در عین حال در انتظار امید متبارک باشیم: ظهور جلال خدای عظیم و جلال ناجی ما عیسی مسیح، ¹⁴ که خودش را فدای ما کرد تا ما را از همه شرارت‌ها نجات دهد و امتی را برای خودش پاک گرداند که به او تعلق دارد و مشتاق اعمال نیک است.

¹⁵ این‌ها را بگو و با تمام قدرت نصیحت کن و ملامت کن. نگذار کسی تعالیم تو را تحقیر کند.

باب 3

روش زندگی برگرفته از فیض الهی

به آنها یادآور شو که مطیع حاکمان و مقامات باشند، از آنها تبعیت کنند، مشتاقانه آماده انجام هر کار نیکی باشند، ² از هیچ کس بدگویی نکنند، ستیزه‌جو نباشند بلکه آرام باشند و در برابر همه فروتن باشند. ³ زیرا ما نیز زمانی نادان، نافرمان،

2:14 جان دادن عیسی برای ما، ما را «مشتاق به عمل نیک» می‌کند، چون ایماندار متفکر نمی‌تواند نسبت به صلیب عیسی بی‌تفاوت باشد. ما باید به این عشق و محبت، عملاً پاسخ دهیم.

3:1 آیا وقتی فرصتی پیش بیاورد، برای کارهای نیک آماده‌ایم، زمانش مناسب باشد یا نباشد؟

3:7 برهان‌نمایی با جلال یکی از موضوعات مهم عهد جدید است. ما به لطف ناب خدا نیکوکار دانسته می‌شویم، هرچند اگر از نظر خودمان نباشیم؛ بنابراین منتظریم که زندگی جاودان را به ارث ببریم - و آن را با بازگشت عیسی دریافت می‌کنیم. این واقعیت که ما به عنوان هدیه‌ای رایگان، نجات داده می‌شویم و نه براساس کارهایمان، باید در واقع انگیزه‌ای برای کارهای نیک باشد (آیه 8).

کمک کنی و ببین که چیزی کم نداشته باشند.¹⁴ افراد ما باید یاد بگیرند خود را وقف کارهای نیک کنند و به محتاجان کمک کنند و بی‌ثمر نباشند.

¹⁵ همه همراهان من به تو سلام می‌رسانند. به آنهایی که ما را با ایمان دوست دارند سلام برسان. فیض با همه شما باد.

¹⁰ فرد تفرقه‌انداز را پس از اولین و دومین هشدار رد کن¹¹ و بدان که چنین شخصی منحرف و گناهکار است و خود را محکوم می‌کند.

¹² هر وقت ارتیماس یا تخیکاس را نزد تو فرستادم، کوشش کن در نیکوپولیس نزد من بیایی زیرا من تصمیم گرفته‌ام زمستان را آنجا بگذرانم.¹³ تمام تلاشت را بکن تا در تسریع سفر زنای وکیل و آپلس

3:10 از آنها که نفاق می‌افکنند دوری کنید. ایجاد نفاق و دودستگی بین برادران می‌تواند موجب لعن گردد (آیه 11) - حتی اگر توجیه آن محبت به خدا باشد.

فیلمون

باب 1

اونسیسموس که در زمان حبسم پدر او شدم درخواست دارم.

درخواست پولس درباره اونسیسموس

¹¹ او برای تو مفید نبود، اما اکنون برای من و تو مفید است. ¹² او مانند قلب من است و او را نزد تو باز می‌فرستم. ¹³ خوشحال می‌شدم او را نزد خودم نگه دارم تا در طول حبسم به خاطر انجیل، به جای تو به من خدمت کند. ¹⁴ اما ترجیح دادم بدون رضایت تو کاری نکنم تا نیکی تو از روی اجبار نباشد بلکه از روی اراده آزاد خودت باشد. ¹⁵ زیرا شاید دلش این بوده که مدتی از تو جدا شد تا او را تا ابد نزد خود برگردانی. ¹⁶ دیگر نه به عنوان خادم بلکه فراتر از یک خادم، یک برادر عزیز به ویژه برای من و چقدر بیشتر برای تو، هم در جسم و هم در سرور.

¹⁷ پس اگر من را شریک خود می‌دانی، او را همان طور که من را به خانه خودت می‌بری در خانه‌ات بپذیر. ¹⁸ اما اگر به تو بدی کرده یا چیزی به تو بدهکار است، آن را به

از طرف پولس، اسیر عیسی مسیح و تیموتائوس برادر ما به فیلمون، همکار و عزیز ما،² و به خواهرمان ایفیه و به آرخیپس هم‌رزم ما و به کلیسای خانگی شما.

³ فیض و آرامش از جانب خدا پدرمان و سرورمان عیسی مسیح بر شما باد.

⁴ همواره خدا را شکر می‌گویم و در دعاهایم نام تو را ذکر می‌کنم،⁵ زیرا درباره عشق و ایمانی می‌شنوم که نسبت به سرور عیسی مسیح و همه قدیسان داری. ⁶ دعا می‌کنم همکاری ایمان تو منجر به این شود که هر آنچه در تو در مسیح نیکو است بشناسیم. ⁷ از قبل از عشق تو بسیار مسرور و آسوده‌خاطر بودم، زیرا دل قدیسان به وسیله تو ای برادر جانی تازه گرفته است.

⁸ از این رو، با این که در مسیح کمال جسارت را دارم که به تو دستور انجام کار لازم را بدهم،⁹ ترجیح می‌دهم به خاطر عشق از تو درخواست کنم- من، پولس مردی پیر و اکنون زندانی به خاطر عیسی مسیح.¹⁰ از تو درباره فرزندم

1:10 پولس کسانی که به مسیح گرویده بودند را فرزندان معنوی خود می‌دانست. اونسیسموس که یک برده فراری بود در روم به زندان افتاده بود، و پولس هم‌بندی‌های او را ایماندار کرده بود. این گونه شد که ارباب اونسیسموس، فیلمون نیز توسط پولس ایمان آورد (آیه 19). و حال پولس نیز اونسیسموس را نزد فیلمون برمی‌گرداند و از وی می‌خواهد با او به محبت رفتار کند. ممکن است احساس کنیم که در بند شرایط هستیم، اما باز هم می‌توانیم به کسانی که در خود زندانی هستند کمک و به سمت عیسی رهنمونشان کنیم.

1:15 پولس بسیار مثبت است. او معتقد است که این اختلافات و مشکلات بین فردی اتفاق می‌افتند تا همراهی و یگانگی بدست آمده پس از آشتی، قوی‌تر و دلچسب‌تر شود.

بین منزلی را نیز برای من آماده کن؛ زیرا امیدوارم به واسطه دعا‌های تو به تو بازگردم.

²³ اپفراس، همسلولی من در عیسی مسیح، به تو سلام می‌رساند؛ ²⁴ همکارانم مرقس، ارسترخس و دیماس و لوقا نیز همین طور. ²⁵ فیض سرورمان عیسی مسیح با روح تو باد. آمین.

حساب من بگذار. ¹⁹ من، پولس با دست خط خودم می‌نویسم: من همه بدهی‌ها را باز پس خواهم داد، گرچه خود تو هم به من بدهکاری. ²⁰ آری، ای برادر، بگذار در سرور از تو بهره ببرم. قلب من را در مسیح تازه کن. ²¹ به تو می‌نویسم چون به اطاعت تو اطمینان دارم و می‌دانم خواسته‌ام را انجام خواهی داد. ²² اما در این

1:19 ما زندگی جاودانه خود را به کسانی مدیون هستیم که ما را به ایمان رهنمون شدند؛ و این نشان‌دهنده اهمیت ایمان آوردن به عیسی است.

1:22 این اصل مرقس 11:24 است - به‌گونه‌ای فکر و عمل کنیم که گویی هرچه می‌خواستیم به ما داده شده است.

عبرانیان

باب 1

برتری مسیح

خدا که در زمان‌ها و به روش‌های مختلف در گذشته از طریق انبیا با اجداد سخن گفته،² در این زمان‌های آخر از طریق پسر با ما سخن گفته که او را وارث همه چیز تعیین کرده و بر اساس او عصرها را بنا کرد. او که روشنائی شکوه و تصویر دقیق خدا است همه چیز را با کلام پر قدرت خود نگه می‌دارد. وقتی تظهير گناهان را به انجام رساند، سپس دست راست خدای اعلی در آسمان نشست⁴ بدین ترتیب، بسیار بهتر از فرشتگان شد زیرا نامی بسیار برتر از آنها را به ارث برده است.

مسیح عظیم‌تر از فرشتگان

⁵ زیرا خدا به کدام یک از فرشتگان خود تا به حال گفته: تو پسر من هستی، امروز تو را به وجود آوردم؟ و در جایی دیگر: من برای او پدر و او برای من پسر خواهد بود؟⁶ و در جایی دیگر وقتی خدا نخست‌زاده را به جهان می‌آورد می‌گوید: و تمام

فرشتگان خدا باید او را بپرستند.

⁷ و درباره فرشتگان می‌گوید: خدا فرشتگانش را مثل باد و خادمانش را مثل شعله آتش می‌سازد.

⁸ اما درباره پسر گفته: تخت تو، ای خدای متعال، تا ابد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است.⁹ تو عدالت را دوست داری و از شرارت بیزاری؛ پس خدا، خدای تو، تو را با روغن شادی بیشتر از همراهانت مسح کرده است.

¹⁰ و: ای خداوند، در آغاز شالوده زمین را بنا نهادی و آسمان‌ها کار دست‌های تو است.¹¹ آنها نابود خواهند شد اما تو باقی خواهی ماند؛ و مثل لباس فرسوده خواهند شد،¹² و مثل ردایی آنها را مانند لباس به هم می‌پیچانی و آنها تغییر خواهند کرد؛ اما تو همانی و سال‌های تو بی‌پایان است.

¹³ اما در مورد کدام فرشته‌ای تا به حال گفته: خداوند به سرورم گفت، دست راستم بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم.¹⁴ مگر همه آنها ارواح خادم نیستند که برای خدمت به خاطر وارثان نجات فرستاده شدند؟

1:3 عیسی انعکاس جلال خدا بود، تصویر او - اما نه خود خدا. او اکنون در سمت راست خدا نشسته است، مورد محبت او (آیه 5)، و خدا، «خدای او» خوانده می‌شود (آیه 8). اینکه بگوییم عیسی خود خدا است، کلام نادرستی است.

1:5 اینجا و در تمام متن عبرانیان 1 و 2 تأکید شده است که عیسی فرشته نبود. (Watchover) و سایرین که چنین ادعایی دارند، در اشتباه هستند.

1:14 تمامی فرشتگان در خدمت خدا هستند، و درگیر مراقبت از ما که برای زندگی جاودانی در ملکوت خدا آماده می‌شویم. تمام فرشتگان مطیع خدا هستند و کار او را انجام می‌دهند - هیچ وجود گنهکاری در آسمان‌ها نیست.

پاپ 2

بنابراین، ما باید توجهی عمیقتر به شنیده‌هایمان داشته باشیم تا مبادا از آنها منحرف شویم.² زیرا از آنجایی که اعتبار پیامی که فرشته‌ها اعلام کردند ثابت شد و هر خطا یا نافرمانی مجازاتی عادلانه دریافت کرد،³ چطور خواهیم گریخت اگر از نجاتی به این عظمت غفلت کنیم؟ نجاتی که در آغاز از طریق سرور از آن سخن گفته شد و از سوی ما توسط کسانی که آن را شنیده بودند تایید شد؛⁴ خدا نیز طبق خواست خود، هم با معجزات و نشانه‌ها و هم با قدرت‌های مختلف و هدایای روح القدس با آنها شهادت داد.

⁵ زیرا دنیای آینده را که از آن سخن می‌گوییم مطیع فرشتگان نکرد. بلکه یک نفر در جایی شهادت داده: انسان چیست که تو ای خدا او را به یاد داری؟ یا پسر انسان که به او توجه می‌کنی؟⁷ تو او را کمی پست‌تر از فرشتگان ساختی، تاج شکوه و عزت بر سر او نهادی و او را مسئول کارهای دست خود کردی؛⁸ همه چیز را مطیع و زیر پای او قرار دادی. زیرا خدا همه چیز را مطیع او ساخت و چیزی را که

مطیع او نیست باقی نگذاشت. اما اکنون نمی‌بینیم که همه چیز مطیع انسان باشد.

انسانیت مسیح

⁹ اما ما او، عیسی را کمی پست‌تر از فرشتگان می‌بینیم که به خاطر متحمل شدن مرگ، تاج شکوه و عزت بر سرش نهاده شده، که به فیض الهی، مرگ را برای همه چشید.

¹⁰ زیرا شایسته بود که خدا، که همه چیز از آن او است و همه چیز از او است، برای به شکوه رساندن فرزندان بسیار، باعث و بانی نجات آنها را از طریق رنج‌ها کامل گرداند.¹¹ زیرا هم آن که مقدس می‌کند و هم آن که مقدس می‌شود دارای یک ذات هستند. به همین دلیل، او از این که آنها را برادر صدا بزند شرمسار نیست،¹² و می‌گوید: خدایا نام تو را به برادرانم اعلام می‌کنم و در میان جماعت حمد تو را خواهم خواند.¹³ و در جایی دیگر: به او توکل خواهم کرد. و در جایی دیگر: بنگرید، من و فرزندانی که خدا به من عطا کرده است.¹⁴ پس از آنجایی که فرزندان، در جسم و خون مشترک هستند، او

2:4 عطایای روح القدس برای تأیید کلام عطا شده‌اند؛ وقتی عهد جدید تکمیل شد، دیگر نیازی به تأیید نبود.

2:11 یگانگی عیسی و ما تردیدناپذیر است؛ بنابراین، تعالیمی که به ما می‌گویند عیسی خود خدا است، بدون تردید نادرست هستند.

2:13 بشریت عیسی از آنجا ثابت می‌شود که او نیز مجبور بود به خدا توکل کند.

2:14 او نیز در اینها سهیم شد- این تکرار همان مطلب برای بار پنجم است. این تأکید اکید است.

2:14 گناه قدرت مرگ را دارد (رومیان 6:23)، اینجا «ابلیس» این قدرت را دارد.

بود.³ زیرا او شایسته شکوهی بیشتر از موسی شمرده شده است زیرا سازنده خانه از خود خانه عزت بیشتری دارد.⁴ هر خانه‌ای سازنده‌ای دارد؛ اما آن که همه چیز را ساخته، خدا است.⁵ و موسی در حقیقت در تمام خانه مانند خادمی وفادار بود تا شهادتی باشد برای آنچه بعدها باید اعلام می‌شد.⁶ اما مسیح، به عنوان پسر و صاحب خانه خود است که خانه‌اش ما هستیم اگر به اطمینان و شادی ناشی از امید تا آخر متوسل و استوار بمانیم.

درس عبرت از اسرانیل در بیابان
⁷ بنابراین، همان طور که روح القدس می‌گوید: امروز، اگر صدایش را شنیدید،⁸ دل‌هایتان را سخت نکنید مانند یاغی در زمان امتحان در بیابان،⁹ وقتی اجداد شما من را امتحان کردند و چهل سال کارهای من را دیدند.¹⁰ بنابراین از این نسل خشمگین شدم و گفتم: آنها همیشه در قلب خود خطا می‌کنند. آنها راه‌های من را نشناختند.¹¹ همان

نیز به همین شکل همان ذات را به خود گرفت تا از طریق مرگ خود آن که بر مرگ قدرت دارد یعنی ابلیس را نابود کند؛¹⁵ و همه کسانی که به خاطر ترس از مرگ در طول زندگی برده بودند را رها کند.¹⁶ زیرا در حقیقت او فرشتگان را نمی‌گیرد بلکه نسل ابراهیم را می‌گیرد.¹⁷ بنابراین، در همه چیز باید مانند برادرانش باشد تا در مسائل مربوط به خدا، یک روحانی اعظم رحیم و وفادار باشد و گناهان مردم را کفاره کند.¹⁸ زیرا از آنجایی که خودش وقتی وسوسه شد رنج کشید، قادر است کسانی را که وسوسه می‌شوند یاری کند.

باب 3

پرتری مسیح بر موسی

بنابراین، ای برادران مقدس که در دعوت آسمانی سهیم هستید، رسول و روحانی اعظم اعتراف ما، عیسی را در نظر بگیرید² که به خدایی که او را تعیین کرد وفادار بود همان طور که موسی در خانه‌اش چنین

پولس اغلب در مورد گناه از جان‌بخشی استفاده می‌کند، و اینجا نیز آن را بزرگ‌ترین «غیبتگو» یا «اتهام‌زن» می‌خواند. چون «ابلیس» در مقام یک واژه تنها به این معنا است؛ و به یک موجود فراطبیعی شیر اشاره ندارد.

2:18 خدا وسوسه نمی‌شود (یعقوب 1:13)، و امکان گناه ندارد. اما عیسی به صورت معناداری وسوسه می‌شد - چون امکان گناه داشت.

3:6 بنابراین، درست نیست که بگوییم «یک بار نجات به معنی نجات ابدی است». باید تا پایان تحمل کنیم تا نجات یابیم (آیه 14 متی 10:22).

3:8 دل سختی چیزی است که باید در شرایط دشواری معنوی از آن اجتناب کنیم. نداشتن وجدان و احساس نسبت و برای دیگران، بی‌تفاوتی به خدا، تنها وجود داشتن به جای زندگی کردنی که خدا مقدر ساخته ... اینها باید با لطافت قلب، وجدان هشیار و نرمی جایگزین شوند.

باب 4

احتمال طرد شدن

بنابراین، در حالی که وعده ورود به آرامی او باقی است، باید بترسیم که مبادا کسی از شما باشد که نتواند این را بدست آورد.² زیرا در حقیقت همه بشارت‌ها به ما موعظه شده همان طور که به آنها نیز بشارت داده شده، اما کلامی که شنیدند سودی برای آنها نداشت زیرا از روی ایمان با شنوندگان متحد نشد.³ زیرا ما که ایمان آوردیم وارد آرامی او خواهیم شد، همان طور که گفته: چنان که در خشم خود قسم خوردم: آنها وارد آرامی من نخواهند شد، گرچه اعمال از زمان بنا شدن جهان پایان یافته بود.⁴ زیرا در جایی درباره روز هفتم چنین سخت گفته: و خدا در روز هفتم از همه کارهایش آرام گرفت.⁵ و در جایی دیگر گفته: آنها وارد آرامی من نخواهند شد.⁶ بنابراین چون بعضی‌ها همچنان باید وارد شوند و کسانی که پیشتر بشارت را دریافت کرده بودند به خاطر نافرمانی نتوانستند وارد شود؛⁷ خدا دوباره روز خاصی، امروز را تعیین

طور که در خشم خود سوگند خوردم: آنها وارد آرامی من نخواهند شد.

¹² ای برادران، مواظب باشید تا مبادا یکی از شما شریر باشد و قلبی بی‌ایمان داشته باشد و باعث شود از خدای زنده دور شوید.¹³ بلکه تا زمانی که از کلمه امروز استفاده می‌کنیم، یکدیگر را هر روز تشویق کنید تا مبادا کسی از شما با فریبکاری گناه دل‌سنگ شود.¹⁴ زیرا ما با مسیح سهیم شده‌ایم اگر به اطمینان اصلی خود متوسل شویم و تا آخر استوار بمانیم.

¹⁵ گفته شده: امروز، اگر صدایش را شنیدید، دل‌هایتان را سخت نکنید مانند یاغی.¹⁶ زیرا کیست که پس از شنیدن نیز هنوز یاغی باشد؟ مگر همه پیروان موسی که از مصر بیرون آمدند چنین نبودند؟¹⁷ و از چه کسی چهل سال خشمگین بود؟ آیا گناهکارانی نبودند که اجسادشان در بیابان افتاد؟¹⁸ و به چه کسی سوگند خورد که آنها وارد آرامی او نخواهند شد جز کسانی که نافرمان بودند؟¹⁹ پس می‌بینیم که به خاطر بی‌ایمانی خود قادر نبودند وارد شوند.

3:13 گناه می‌فریبید؛ پس همان طور که در آیه 2:14 گفته شده گناه «ابلیس» است، یک غیبتگو یا تهمت‌زن. ما خود را فریب می‌دهیم که می‌توانیم گناه کنیم؛ انجیل مداوم ما را به تمرکز بر افکار درونی‌مان وامی‌دارد، چون تغییر آنها ماهیت اصلی مسیحیت است. **3:17** تمعید ما مانند ترک مصر، عبور از دریای سرخ و ورود به بیابان در سفر به اسرائیل است (رساله اول قرنثیان 10:1). هرآنچه در آنجا بر آنها گذشت، به ویژه ناکامی‌هایشان، برای ما هشداری است.

4:1 بد نیست که بدانیم در صورت روی برگرداندن چه آینده‌ای در انتظار ما است. برای عبرانیان، این به معنای بازگشت و تکیه بر کارها و طاعات خودشان بود.

4:2 بشارت موعظه شده در عهد قدیم در واقع همان چیزی است که در عهد جدید هم گفته می‌شود (غلاطیان 3:8).

حساب پس دهیم عریان است و باز است.

تسللی انسان بودن مسیح

¹⁴ پس با داشتن یک روحانی اعظم که از آسمان‌ها گذر کرد یعنی عیسی پسر خدا، باید اعتراف خود را محکم نگه داریم.¹⁵ زیرا روحانی اعظم ما کسی نیست که ضعف‌های ما را درک نکند بلکه کسی است که در همه چیز وسوسه شده اما گناه نکرد.¹⁶ پس باید با جسارت به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت یابیم و فیضی را پیدا کنیم تا در زمان احتیاج به ما کمک کند.

باب 5

زیرا هر روحانی اعظم که از میان مردم برگزیده می‌شود در امور مربوط به خدا برای مردم منصوب می‌شود تا هم هدایا هم قربانی برای گناهان تقدیم کند.² او

می‌کند و مدت‌ها بعد از طریق داود می‌گوید (با کلماتی که پیشتر نقل شد): امروز، اگر صدایش را شنیدید، دل‌هایتان را سخت نکنید.⁸ زیرا اگر پوشع به آنها آرام داده بود، بعد از آن از روز دیگری سخن نمی‌گفت.⁹ بنابراین، آرامی روز سبت برای امت خدا باقی می‌ماند.¹⁰ زیرا آن کسی که وارد آرامی خدا شود خودش از کارهایش دست کشیده است، همان طور که خدا نیز از اعمال خویش دست کشید.¹¹ بنابراین، باید برای ورود به آن آرامی کوشش کنیم تا هیچ کس به سبب همان نوع نافرمانی سقوط نکند.

¹² زیرا کلام خدا زنده و فعال است، تیزتر از هر شمشیر دولبه‌ای است و حتی تا روح و نفس و مفاصل و مغز استخوان نفوذ می‌کند و افکار و نیات دل انسان را زود تشخیص می‌دهد.¹³ و هیچ موجودی نیست که بر او آشکار نشود بلکه همه چیز جلوی چشم آن کسی که باید به او

4:9 می‌توان گفت که اگر یک روز با خدا به اندازه 1000 سال است (2 پطرس 3:8)، پس روز باقیمانده، سبت، روز هفتم، 6 روز یا 6000 سال پس از آفرینش آغاز می‌شود. مکاشفه 20:7-2:7 می‌گوید که اولین بخش ملکوت خدا، هزاره، 1000 سال دوام دارد. براساس زمان‌بندی انجیلی، عیسی حدود 4000 سال پس از آفرینش زندگی می‌کرد. اکنون ما 2000 سال بعد هستیم، یعنی 6000 سال تکمیل شده است. این بدین معنی است که بازگشت مسیح برای برقراری «سبت» هزاره می‌تواند هر لحظه اتفاق بیفتد. بر این نظر ایراداتی وارد است اما ارزش تعمق را دارد.

4:15 پس اگر عیسی نیز وسوسه شده است، از جنس ما است؛ چون خدا وسوسه نمی‌شود (یعقوب 1:13).

4:16 نتیجه عملی باورداشتن به اینکه عیسی از جنس ما بود و مانند ما وسوسه می‌شد این است که می‌توانیم با اطمینان به درگاه خدا دعا کنیم، چون می‌دانیم که یک واسطه همراه در آسمان داریم که زمانی انسان بوده و وسوسه شده است.

5:2 همان طور که در آیات 16، 15:4 گفته شد، کفار «اتفاق می‌افتد» چون عیسی در زندگی مادی خود «دارای ضعف» بود، همان طور که ما هستیم؛ بنابراین او خدا نبود.

¹¹ چیزهای زیادی برای گفتن درباره او داریم که توضیح آن سخت است زیرا در فهمیدن گنذ شده‌اید.¹² زیرا شما که تا این موقع باید خود معلم می‌شدید، باز به کسی نیاز دارید تا اصول اولیه الهامات خدا را به شما تعلیم دهد؛ و مانند کودکانی شده‌اید که به شیر محتاج هستند نه غذای جامد.¹³ زیرا هر کسی که شیرخوار باشد در کلام عدالت بی‌تجربه است، زیرا کودکی بیش نیست.¹⁴ اما غذای جامد برای بزرگسالان است، که با داشتن تجربه، شعور آنها پرورش یافته تا خوب و بد را از هم تشخیص دهند.

باب 6

بنابراین، تعلیم اصول اولیه مسیح را پشت سر بگذاریم و به سوی کمال پیش برویم. نه این که دوباره بنیاد توبه از کارهای مرده، ایمان به خدا،² تعلیم تعمیدهای مختلف و دست‌گذاری و رستاخیز مردگان و مجازات ابدی را بنا نکنیم.³ و اگر خدا اجازه دهد، چنین خواهیم کرد.

نیاز به استقامت

⁴ زیرا کسانی که زمانی روشن شده و هدیه آسمانی را چشیده‌اند

می‌تواند برای جاهلان و گمراهان دلسوزی کند زیرا خودش نیز در معرض ضعف و ناتوانی است؛³ و به همین خاطر، ضروری است هم برای گناهان خویش و هم برای گناهان مردم قربانی تقدیم کند.⁴ و هیچ کس این افتخار را برای خود نمی‌گیرد مگر وقتی از سوی خدا دعوت شود همچون هارون.⁵ پس مسیح نیز خود را جلال نداد تا روحانی اعظم بشود بلکه خدا به او گفت: تو پسر من هستی. امروز تو را به وجود آوردم.⁶ همان طور که در جای دیگری گفت: تو روحانی ابدی در رتبه ملکی‌صدق هستی.⁷ که در روزهای زندگی جسمانی‌اش، با گریه و اشک‌های بسیار به درگاه خدایی که قادر بود او را از مرگ نجات دهد دعا و مناجات کرد، و به خاطر خداترسی، دعایش مستجاب شد؛⁸ گرچه او پسر بود، اطاعت را از طریق رنج‌هایی که کشید آموخت.⁹ و چون کامل شد، برای همه کسانی که مطیع او بودند، باعث و بانی رهایی ابدی شد،¹⁰ و از سوی خدا یک روحانی اعظم در رتبه‌ی ملکی‌صدق خوانده شد.

رشد معنوی از شیر تا گوشت

5:7-9 عیسی به درگاه خدا دعا کرد و خواستار نجات از مرگ بود. پس او خدا نبود. او «فرمان‌بری» را آموخت و در نتیجه رنج‌هایش «به کمال رسید». چنین عباراتی برای خدا نیز نامناسب است.

5:12-14 وقتی تعمید داده می‌شویم، «دوباره متولد می‌شویم» (یوحنا 3:3-5)، و شیر می‌نوشیم؛ اما باید در طول زمان رشد کنیم تا بتوانیم از بشارتهای اولیه انجیل «شیر» به چیزهای عمیق‌تر برسیم.

اطمینان کامل امید تا پایان داشته باشید.¹² تنبیل نباشید بلکه پیرو کسانی باشد که به وسیله ایمان و صبر وارث وعده‌ها هستند.

قطعیت وعده الهی

¹³ زیرا وقتی خدا به ابراهیم وعده داد، از آن جایی که نمی‌توانست به کسی بزرگتر قسم بخورد، به خود قسم خورد،¹⁴ و گفت: قطعاً تو را برکتی عظیم خواهم داد و فرزندان تو را بسیار خواهم کرد.¹⁵ از این رو، با صبر و شکیبایی تحمل کرد و وعده را به دست آورد.¹⁶ زیرا انسان‌ها به چیزی بزرگتر قسم می‌خورند و در هر اختلافی، آن سوگند برای تأیید است.¹⁷ بنابراین، خدا که مصمم است ثبات و تغییرناپذیری هدفش را هر چه بیشتر به وارثان وعده نشان دهد، با یک سوگند این را تأیید کرد؛¹⁸ تا با دو امر تغییرناپذیر که در آن ممکن نیست خدا دروغ بگوید، دلگرمی بزرگی داشته باشیم، ما که

و در روح القدس سهیم شدند،⁵ و کلام نیک خدا و قدرت‌های دنیای آینده را چشیده‌اند،⁶ اما بعداً سقوط کردند، غیرممکن است که دوباره آنها را برای توبه احیا کرد زیرا آنها پسر خدا را از نو برای خود مصلوب کرده‌اند و او را شرمسار می‌سازند.⁷ زیرا زمینی که باران باریده بر خود را می‌نوشد و گیاهانی مفید برای کسانی به بار می‌آورد که در آن کاشته‌اند، از خدا تبرک می‌یابد.⁸ اما اگر خار و خس به بار آورد، طرد می‌شود در خطر ملعون شدن است که در آخر خواهد سوخت.⁹ اما ای عزیزان، با این که این چنین سخن می‌گوییم، از بهترین چیزها برای شما مطمئنیم؛ چیزهایی که همراه با نجات است.¹⁰ زیرا خدا بی‌انصاف نیست که اعمال شما و عشقی را فراموش کند که به اسم او نشان دادید زیرا به قدیسان خدمت کردید و هنوز می‌کنید.¹¹ و ما آرزو داریم هر یک از شما همین غیرت را برای

6:5 معجزات روح القدس که در قرن اول تجربه شدند همان هدایایی هستند که در «عصر آینده»، در ملکوت استفاده می‌شوند. این هدایا در زمان بازگشت عیسی برای استقرار ملکوت روی زمین، دوباره بیرون ریخته می‌شوند. بنابراین، در حال حاضر در اختیار ما نیستند.

6:6 به نظر می‌رسد این آیه مشخصاً در مورد کسانی در قرن اول صحبت کند که هدایای روح القدس را داشتند؛ در زمان ما، همواره می‌توانیم توبه کرده و از بخشایش و پذیرش خدا مطمئن باشیم.

6:18 **گریخته‌ایم** - اشاره به قانونی در شریعت موسی دارد که اگر شما به طور تصادفی انسانی را بکشید [بنابراین مرتکب گناهی شوید که جزایش مرگ است، اما به صورت غیرعمدی]، می‌توانید از شهر خود بگریزید و در شهری دیگر تا زمان مرگ روحانی اعظم بمانید؛ شما در آن شهر پناهگاه درامان هستید و با مرگ روحانی اعظم آزاد خواهید بود (کتاب اعداد 32-35:24). ما در چنین شرایطی هستیم؛ شهر پناهگاه و روحانی اعظم ما در مسیح است.

گرچه آنها نیز از نسل ابراهیم هستند.⁶ اصل و نسب ملکی صدق به لای بر نمی‌گردد، اما او یکدهم از ابراهیم گرفت و صاحب وعده‌ها را برکت داد.⁷ اما بی‌شک، آن که بزرگتر است به آن که کوچکتر است برکت می‌دهد.⁸ در اینجا انسان‌های فانی یکده می‌گیرند؛ اما آنجا کسی که به زنده بودنش شهادت داده می‌شود، یکده گرفت.⁹ بنابراین، می‌توانیم بگوییم وقتی ابراهیم یکده را پرداخت کرد، لای که نسل او یکده را دریافت می‌کنند نیز یکده پرداخت کرد.¹⁰ زیرا وقتی ملکی صدق ابراهیم را ملاقات کرد، لای هنوز در صلب جد خود ابراهیم بود.¹¹

حال اگر کمال به وسیله روحانیت رتبه لای میسر می‌شد، (زیرا طبق آن، شریعت به قوم داده می‌شد) چه نیازی بود به ظهور روحانی دیگری در رتبه ملکی صدق و نه در رتبه هارون؟¹² برای این که روحانیت عوض شود، شریعت نیز باید تغییر یابد.¹³ زیرا کسی که این چیزها درباره‌اش گفته شده است، به طایفه دیگری تعلق دارد که هیچ‌کس هرگز از آن طایفه در محراب خدمت نکرده بود.¹⁴ زیرا واضح است که سرورمان از قوم یهودیه برخاسته است. درباره این طایفه، موسی

پناه برده‌ایم تا به امیدی که در پیش روی ما گذاشته شده متوسل شویم.¹⁹ این امید مانند لنگر جان ما است که هم مطمئن و هم استوار است و از پرده گذشته و به جایی رسیده؛²⁰ که عیسی برای ما و قبل از آن وارد آن شده در رتبه ملکی صدق تا ابد روحانی اعظم شد.

پاب 7

مسیح و ملکی صدق

زیرا این ملکی صدق، شاه اورشلیم، روحانی خدای متعال، پس از بازگشت ابراهیم از کشتار پادشاهان با او ملاقات کرد و به او برکت داد؛² و ابراهیم دهیک از همه داشته‌هایش را به او داد. او اول بر اساس ترجمه، پادشاه عدالت بود و در معنی دوم پادشاه اورشلیم که یعنی پادشاه صلح.³ پدر و مادر و شجره‌نامه‌ای از او ثبت نشده و نه روزهای اولی دارد و نه پایان حیات؛ بلکه مانند پسر خدا شده و همواره روحانی می‌ماند.

⁴ در نظر بگیرید که این مرد چقدر بزرگ بود که ابراهیم پاتر یارخ دهیک از غنایم را به او داد.⁵ و در حقیقت از فرزندان لای، کسانی که مقام روحانی را به دست می‌آورند طبق شریعت دستور دارند که یکدهم را از قوم، یعنی از برادرانشان بگیرند؛

7:3 ملکی صدق عیسی نبود - او «مانند پسر خدا بود» و عیسی کشیشی شبیه او (آیه 11). مسیحیان عبرانی شکایت داشتند که عیسی از طایفه یهودا بود (آیه 14). نکته این است که ملکی صدق، کاهن اعظم عهد قدیم، تباری نداشت «بدون پدر، بدون مادر» و همچنان کشیش بود.

7:16 می‌شود - عیسی از سوی خدا جاودانگی یافت؛ بنابراین خود خدا نیست.

روحانیتش غیر قابل تغییر است.²⁵ بنابراین، او قادر است کسانی را که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند تا ابد نجات دهد زیرا او تا ابد زنده است تا برای آنها شفاعت کند.

²⁶ زیرا ما شایسته چنین روحانی اعظمی بودیم- مقدس، بی‌زیان، پاک، جدا از گناهکاران و متعالی‌تر از آسمان‌ها.²⁷ او مانند روحانیون اعظم نیاز ندارد اول برای گناهان خود و بعد برای گناهان مردم، هر روز برای او قربانیانی تقدیم شود. زیرا یک بار برای همیشه چنین کرد وقتی خودش را تقدیم کرد.²⁸ زیرا شریعت مردانی را روحانی اعظم منصوب می‌کند که ضعف دارند اما کلام سوگند که پس از شریعت آمد، پسر را که تا ابد کامل شد منصوب می‌کند.

باب 8

عهد جدید جایگزین عهد قدیم می‌شود

در اموری که درباره آن صحبت کردیم، نکته اصلی این است. ما روحانی اعظمی داریم که در دست راست تخت خدای متعالی در آسمان‌ها نشست،² خادم محراب و خیمه حقیقی است که خداوند بنا

چیزی در ارتباط با روحانیت نگفته است.

¹⁵ و آنچه می‌گوییم بیش از پیش واضح است، اگر یک روحانی دیگر مثل ملکی‌صدق برمی‌خیزد،¹⁶ که نه بر اساس شریعت مربوط به نسل جسمانی، بلکه طبق قدرت یک زندگی بی‌پایان تعیین شده است.¹⁷ زیرا شهادت داده شد: تا ابد در رتبه ملکی‌صدق روحانی هستی.¹⁸ از طرف دیگر، حکم قبلی به خاطر ضعف و غیر مفید بودنش فسخ می‌شود.¹⁹ (زیرا شریعت هیچ چیزی را کامل نمی‌کند)، و امید بهتری به جای آن می‌آید که از طریق آن به خدا نزدیک می‌شویم.

پایان روحانیت قدیم

²⁰ و روحانیت ملکی‌صدق بدون سوگند خوردن نبود.²¹ روحانیون لاوی بدون سوگند، روحانی شدند اما او با سوگند: خداوند سوگند خورد و نظرش را تغییر نخواهد کرد؛ تو تا ابد روحانی هستی.²² بدین وسیله عیسی ضامن یک پیمان بهتر شده است.²³ و در حقیقت، تعداد بسیاری از آنها روحانی بوده زیرا با مرگ دیگر نمی‌توانستند ادامه بدهند.²⁴ اما او که تا ابد باقی می‌ماند

19, 7:18 شریعت موسی مردود شده و بنابراین امروز برای ما الزام‌آور نیست - «بی‌فایده» است. در تمام این بخش، شریعت موسی در مقایسه با تعالی رستگاری در مسیح، در مقام پایین‌تری قرار داده شده است.

7:27 خود را تقدیم کرد- عیسی بهترین کشیش و قربانی بود. این نشان می‌دهد که او در زمان مرگ نیز چه کنترلی بر شرایط داشته است، علیرغم درد و رنجی که می‌برد.

7:28 کامل شده است- نمی‌توان برداشت کرد که عیسی خود خدا بوده است.

دست آنها را گرفتم تا از سرزمین مصر بیرون آورم. زیرا آنها در عهد من استوار نماندند، پس به آنها توجهی نکردم. ¹⁰ خداوند می‌گوید، زیرا این عهده است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل بستم. من قوانینم را به آنها یادآوری خواهم کرد و در قلبشان نیز این قوانین را خواهم نوشت و برای آنها خدا خواهم بود و آنها نیز قوم من خواهند بود. ¹¹ هیچ یک از آنها نه به همسایه‌اش و نه به برادرش تعلیم خواهد داد و نخواهند گفت: خدا را بشناس. زیرا همه من را خواهند شناخت، از کوچکترین تا بزرگترین آنها. ¹² زیرا من بابت بی‌عدالتی‌شان به آنها رحم خواهم کرد و گناهان و اعمال کفرآمیز آنها را به یاد نخواهم آورد. ¹³ وقتی خدا گفت: عهده جدید، عهد اولیه را منسوخ کرد. آنچه منسوخ و قدیمی می‌شود آماده از بین رفتن است.

پاپ 9

آداب و رسوم موسی به مسیح رسید و در او محقق شد

کرد نه انسان. ³ زیرا هر روحانی اعظمی که منصوب می‌شود باید هدیه و قربانی عطا کند؛ بنابراین، لازم است که این روحانی اعظم این‌ها را داشته باشد. ⁴ اگر او در زمین بود، اصلاً روحانی نمی‌شد زیرا کسانی هستند که طبق شریعت هدیه می‌دهند، ⁵ و نمونه و سایه‌ای از چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند، همان طور که وقتی موسی در صدد بنا کردن خیمه بود به او هشدار داده شد. زیرا او گفت: مواظب باش که همه چیز را طبق الگویی که در کوه به تو نشان داده شده بسازی. ⁶ اما اکنون او یک خدمت بسی عالی‌تر به دست آورده زیرا او واسطه یک عهد بهتر نیز هست که بر وعده‌های بهتری استوار است.

⁷ زیرا اگر عهد اولیه بی‌عیب و نقص بود، جایی برای عهده دیگر نبود. ⁸ زیرا خدا پس از پیدا کردن عیب آنها گفت: خداوند می‌گوید به روزهای آینده بنگرید که عهده جدید را با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا خواهم بست. ⁹ نه بر اساس عهده که با اجدادشان در روزی بستم که

8:3 عیسی در آسمان فعالانه برای ما کار می‌کند. او کارهای ما، افکار ما و دعا‌های ما را به خدا تقدیم می‌کند.

8:7 «نقصی» بود (آیه 8) در مسائل قدیم [شریعت موسی]؛ مسائل جدید «نیکوتر» است (آیه 6). پس لازم نیست شریعت موسی را نگاه بداریم.

8:9 دست ایشان را گرفتیم. این تصویری است از پدر مهربان که دست فرزندش را می‌گیرد تا هدایتش کند. این است محبت خدا در هدایت مردمش به خروج از مصر و در دریای سرخ - حوادثی که نمایانگر خروج ما از راه‌های دنیوی و عبور از آب تعمید است (رساله اول قرن‌تینان 10:1).

8:13 زود از میان خواهد رفت. با این مضمون که عبرانیان کمی قبل از نابودی نظام عبادت در معبد در 70 پس از میلاد نوشته شده است.

را به کمال برسانند،¹⁰ زیرا صرفاً غذا، نوشیدنی و تظہیرهای متنوع، قوانین دنیوی هستند که تا زمان اصلاح، تحمیل می‌شوند.

¹¹ اما مسیح که روحانی اعظم چیزهای خوب آینده است، از طریق خیمه‌ای بزرگتر و کامل‌تر که نه با دستان ساخته شده، نه از این خلقت است،¹² نه از طریق خون بزها و گوساله‌ها، بلکه از طریق خون خود، یک بار برای همیشه وارد مکان مقدس شد و رهایی جاودانه به دست آورد.¹³ زیرا اگر خون بزها و گاو نر و پاشیدن خاکسترهای گوساله، آنانی را که جسماً ناپاک بوده‌اند پاک سازد،¹⁴ چقدر بیشتر خون مسیح که از طریق روح ابدی خودش را بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان شما را از اعمال مرده پاک خواهد کرد تا به خدای زنده خدمت کنید؟

¹⁵ و به همین خاطر، او واسطه یک عهد جدید است؛ تا مرگی که برای رهایی از خطاهایی که تحت عهد اول بودند رخ داد باعث شود کسانی که دعوت شده‌اند وعده میراث جاودانه را دریافت کنند.¹⁶ زیرا برای اعتبار وصیت‌نامه، مرگ آن کسی که وصیت‌نامه را نوشته لازم است.¹⁷ زیرا وصیت‌نامه زمانی قابل اجرا است که مرگی رخ داده باشد؛ وقتی نویسنده آن زنده باشد،

عهد اول مقرراتی برای مراسم الهی و عبادتگاه دنیوی بود.² زیرا خیمه‌ای آماده شد که قسمت اول آن مکان مقدس نام داشت و دارای چراغدان، میز و نان مقدس بود.³ و در پشت پرده دوم، خیمه‌ای بود که مقدس مقدسان نام داشت.⁴ این خیمه دارای محراب طلایی برای بخور و صندوقچه عهد بود که تماماً از طلا پوشیده شده بود که در آن صندوقچه، ظرفی زرین بانان منّا و عصای هارون بود که شکوفه داده و دو لوح عهد قرار داشت.⁵ در بالای این صندوقچه، کروبیان پرچال خدا بر کرسی رحمت سایه گسترده بودند، چیزهایی که نمی‌توانیم با جزئیات راجع به آن حرف بزنیم.

⁶ وقتی همه این‌ها بدین صورت آماده می‌شد، روحانیون مدام وارد خیمه اول می‌شدند و مراسم را انجام می‌دادند.⁷ اما در خیمه دوم فقط روحانی اعظم وارد می‌شد و آن هم سالی یک بار و با خود خون می‌برد، خونی که برای خود و گناهان مردم تقدیم می‌کرد؛⁸ این گونه روح القدس اشاره دارد که وقتی هنوز خیمه اول باقی است، راه منتهی به مکان مقدس هنوز آشکار نشده است.⁹ (و این نماد عصر حاضر است). طبق این نظام، هم هدایا و هم قربانی‌ها تقدیم می‌شدند که نمی‌توانستند وجدان پرستش‌کننده

9:3 وقتی عیسی مرد، پرده دوپاره شد (متی 27:51). این نمادی است از اینکه در نتیجه مرگ او، نه تنها روحانی اعظم بلکه تمامی آنها که در عیسی هستند می‌توانند وارد مقدس‌ترین مکان شده و بندگی بی واسطه خدا را بکنند (آیه 8)؛ نه تنها یک بار در سال در روز کفاره، که برای همیشه.

اعتباری ندارد.¹⁸ بنابراین حتی عهد اول بدون خون تقدیم نشده است.¹⁹ زیرا وقتی همه فرمان‌ها از طریق موسی طبق شریعت به همه مردم اعلام شد، خون بُز و گوساله را گرفت با آب و پشم قرمز و زوفا بر خود کتاب و بر همه مردم پاشید²⁰ و گفت: این خون عهدی است که خدا برای شما قرار داد.²¹ علاوه بر این، بر خیمه و همه ظروف خدمت به همین شکل خون پاشید.²² و طبق شریعت، تقریباً می‌توانم بگویم همه چیز با خون پاک می‌شود؛ و به غیر ریختن خون، آمرزش گناه در کار نخواهد بود.

²³ بنابراین، لازم بود که نمونه‌های این چیزهای آسمانی این گونه پاک شوند، اما چیزهای آسمانی خود، قربانی‌های بهتر از این داشتند.²⁴ زیرا مسیح وارد مکان‌های مقدسی نشد که با دست ساخته شده‌اند که تنها نمونه‌هایی از مکان‌های حقیقی است؛ بلکه وارد خود آسمان شد تا در حضور خدا برای ما ظاهر شود.

²⁵ همچنین، نباید خودش را بارها فدا کند، همان طور که روحانی اعظم هر سال با خونی که از آن خودش نیست وارد مکان مقدس می‌شود.²⁶ وگرنه عیسی باید از آفرینش جهان تا کنون رنج‌های بسیار می‌کشید؛ اما یک بار در پایان دوران، با قربانی کردن خودش نشان داد که گناه را از بین می‌برد.²⁷ همان طور که مقرر شده که انسان‌ها باید یک بار بمیرند و بعد از آن داوری فرا می‌رسد،²⁸ مسیح نیز پس از این که یک بار خودش را فدا کرد تا بار گناهان بسیاری را به دوش بکشد، برای بار دوم ظاهر خواهد شد نه برای پرداختن به گناه بلکه برای نجات دادن کسانی که مشتاقانه منتظر او هستند.

باب 10

ضعف نظام موسی

زیرا شریعتی که تنها سایه چیزهای خوب آینده را دارد و نه واقعیت

9:19 آب، پشم قرمز و زوفا همه در حادثهٔ تصلیب مسیح دیده می‌شوند، که در آداب عهد قدیم به آنها اشاره شده است.

9:22 تقریباً-خون برای بخشیدن گناهان لازم بود، پس باید حیوانات قربانی می‌شدند. اما مواردی هم بود که شریعت موسی می‌گوید اگر کسی آن قدر فقیر باشد که نتواند حیوانی قربانی کند، می‌تواند گندم یا آرد ارزانی کند. این نشان می‌دهد که گرچه خدا به اصول خود احترام می‌گذارد، اما مشتاق است که ببخشد و با مردم همراهی کند، حتی اگر شرایط شخصی آنها مانع از خدمتی شود که خدا می‌خواهد.

9:27 پس از مرگ، ما مرده و ناهشیار هستیم تا زمانی که مسیح بیاید، اما این دوران مرگ مانند خواب است؛ پس از اینکه می‌میریم، لحظه هشیاری بعدی ما بازگشت عیسی و ایستادن در برابر وی برای داوری است.

9:28 **نجات یخشد.** ما تنها زمانی کاملاً «نجات می‌یابیم» که عیسی بازگشته و بدنی فناپذیر و میراث ملکوت خدا در زمین را به ما می‌دهد.

هدایا برای گناهان را نمی‌خواستی، از آنها خشنود نیز نبودی (که همه طبق شریعت تقدیم می‌شوند).⁹ سپس گفت: بنگر من می‌آیم تا اراده تو را به انجام برسانم. او اولی را از میان بر می‌دارد تا دومی را استوار سازد. که بر این اساس، از طریق تقدیم شدن بدن عیسی مسیح یک بار برای همیشه مقدس شده‌ایم.

¹¹ هر روحانی هر روز برای خدمت می‌ایستد و اغلب همان قربانی‌ها را تقدیم می‌کند که هرگز نمی‌توانند گناهان را از بین ببرند.¹² اما او، وقتی یک بار تا ابد یک قربانی را برای از بین رفتن گناهان تقدیم کرد، در دست راست خدا نشست؛¹³ و از آن زمان همچنان منتظر است تا دشمنانش پاانداز او بشوند.¹⁴ زیرا با یک قربانی، همه کسانی را که مقدس شده‌اند به کمال رسانیده است.¹⁵ و روح القدس نیز بر ما شهادت

امور را، هرگز نمی‌تواند با همان قربانی‌هایی که هر سال مدام تقدیم می‌کنند، کسانی که نزدیک می‌شوند را به کمال برساند.² وگرنه تقدیم این قربانی‌ها متوقف نمی‌شد؛ زیرا عبادت‌کنندگان اگر یک بار پاک شده بودند دیگر از گناه آگاه نبودند.³ اما در آن نظام قربانی کردن، هر سال گناهان یادآوری می‌شوند.⁴ زیرا ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از بین ببرد.

⁵ بنابراین وقتی او وارد دنیا شد، گفت: خداوند تو قربانی و هدیه نمی‌خواهی، بلکه بدنی را برای من آماده کردی.⁶ از هیچ یک از هدایای سوختنی و قربانی برای گناهان، لذتی نداشتی.⁷ سپس گفتم: بنگر من می‌آیم (در طومار کتاب درباره من نوشته شده) تا اراده تو را به انجام برسانم ای خدا.⁸ او اول گفت: قربانی و هدیه، هدایای سوختنی و

10:4 با این حال خدا در عهد قدیم می‌گوید که اگر مردم قربانی دهند خدا گناهانشان را می‌بخشد. آنها بخشیده می‌شدند نه به خاطر اینکه خدا از مایع سرخ رنگ خون خشنود می‌شد؛ بلکه براساس این حقیقت که به قربانی آینده عیسی اشاره داشت و به این دلیل که نشان می‌داد آنها باور دارند گناه مرگ را با خود می‌آورد. آنها با قرار دادن دست خود روی سر قربانی، آن را به عنوان نماینده خود می‌پذیرفتند.

10:12 این نکته بارها تکرار شده که عیسی اکنون در سمت راست خدا نشسته، در حالی که کشیشان موسایی ایستاده و کار می‌کنند (آیه 11). با این حال، در کتاب اعمال 7:55، استیپان عیسی را دید که در سمت راست خدا ایستاده است. این نشان می‌دهد که عیسی، حتی اکنون در جلال آسمانی خود، دارای احساسات و عواطف است؛ او در زمان‌هایی که می‌ایستد با ما که روی زمین رنج می‌بریم همدردی می‌کند تا با قدرت بیشتر برای ما التماس کند.

10:15 انجیل با الهام نوشته شده است، یعنی روح القدس خدا در نویسندگان انجیل بود و آنچه آنها می‌نوشتند کلام خدا بود. در این رابطه می‌توانیم این بخش از عهد قدیم را بخوانیم که در (آیه 16) نقل شده و بدانیم که در این دوران نیز روح القدس برای ما گواهی می‌دهد.

خوب تحریک کنیم،²⁵ و جمع شدن در کنار یکدیگر را فراموش نکنیم، چنان که بعضی‌ها عادت کرده‌اند؛ بلکه یکدیگر را بیشتر و بیشتر تشویق کنیم، زیرا می‌بینید که آن روز نزدیک است.

به عقب باز نگردید.

²⁶ زیرا اگر بعد از دریافت معرفت حقیقت، آگاهانه گناه کنیم، قربانی دیگری برای گناهان باقی نمی‌ماند،²⁷ به غیر از انتظار پر از ترس قضاوت و خشم آتشی که دشمنان را در خود فرو خواهد برد.²⁸ کسی که شریعت موسی را هیچ می‌شمرد، با بی‌رحمی با شهادت دو یا سه شاهد می‌مرد.²⁹ فکر می‌کنید چه مجازات بدتری برای کسانی در نظر گرفته خواهد شد که پسر خدا را زیر پا پایمال کرده‌اند و خون عهد را (که با آن مقدس شده‌اند) چیزی نامقدس شمرده‌اند و به روح فیض توهین کرده‌اند؟³⁰ زیرا می‌دانیم که خدا گفته: انتقام به من تعلق دارد، من پاداش خواهم داد. و در جایی دیگر: خداوند امت خویش را قضاوت خواهد کرد.³¹ افتادن به دستان خدای زنده ترسناک است.

می‌دهد. زیرا بعد از آن گفته بود:¹⁶ این است عهده‌ای که بعد از آن ایام با آنها خواهم بست، خداوند می‌گوید: من قوانینم را در قلب‌هایشان خواهم گذاشت و آنها را در ذهنشان خواهم نوشت؛¹⁷ سپس می‌افزاید: و دیگر گناهان و شرارت‌هایشان را به خاطر نخواهم آورد.¹⁸ حال در هر جایی که این‌ها امرزیده شوند، دیگر نیازی به قربانی برای گناه نیست.

نتیجه عملی فداکاری مسیح

¹⁹ بنابراین، ای برادران، با داشتن جسارت برای ورود به مکان مقدس از طریق خون عیسی،²⁰ از راهی که او به ما تقدیم کرد، یعنی راهی تازه و زنده، از میان پرده یعنی از جسم او؛²¹ و با داشتن یک روحانی بزرگ در خانه خدا،²² باید با دلی حقیقی مملو از ایمان نزدیک شویم و دل‌های خود را از وجدانی شریر پاک سازیم و بدن‌هایمان را با آب خالص تطهیر کنیم؛²³ و اعتراف امیدمان را محکم نگه داریم تا هرگز متزلزل نشود. زیرا خدایی که وعده داد وفادار است.²⁴ و به این فکر کنیم که چگونه یکدیگر را به دوست داشتن همدیگر و انجام کار

10:22 بدنهایمان با آب پاک شسته شده. اشاره به تعمید در عیسی که ما را قادر می‌سازد به میزان قابل قبولی به خدا نزدیک شویم.

10:24 ما باید وقت بگذاریم و «فکر کنیم» که چگونه دیگران را به نیکی هدایت کنیم. این نیازمند تفکر، و تعمق در مورد دیگران، زندگی و امکاناتشان و نیز تشویق آنها به کار نیک به جای شر است. مسیحیت را نمی‌توان در تنهایی و بدون دیگران زیست.

10:26 گناه عامدانه یعنی کفر آگاهانه نسبت به خون مسیح (آیه 29)؛ منظور این آیه نقصان‌های موقتی که داریم، نیست. چون همیشه اعتراف می‌کنیم که هنوز هم گناه می‌کنیم (1 یوحنا 1:8).

هستیم که ایمان دارند و جان خود را حفظ می‌کنند.

پاب 11

تعریف ایمان

ایمان، اطمینان به چیزهایی است که به آن امیدواریم، اعتقاد به چیزهای غیر قابل رؤیت است.

² بر اساس ایمان بزرگان بر آنها شهادت داده شد.

³ با ایمان درک می‌کنیم که جهانیان بر اساس کلام خدا شکل گرفته‌اند؛ پس آنچه دیده می‌شود از آنچه به نظر می‌رسد ساخته نشده است.

هابیل، خنوخ و نوح

⁴ با ایمان، هابیل قربانی عالی‌تر از قابیل به خدا تقدیم کرد که از طریق آن شهادت داده شد که او نیکوکار است، و خدا به هدایای او شهادت می‌دهد؛ و با این که مُرده است، از طریق آن هنوز سخن می‌گوید.

³² اما روزهای گذشته را به یاد آورید وقتی برای بار اول منور شدید. سختی و رنج‌های بسیاری را تحمل کردید؛ ³³ تا حدی مورد سرزنش و آزار و اذیت قرار گرفتید و تا حدی نیز همراهان کسانی شدید که با آنها این گونه رفتار می‌شد. ³⁴ زیرا هم برای کسانی که در بند بودند دلسوزی می‌کردید، و هم با شادی غارت شدن اموال خود را پذیرفتید، زیرا می‌دانستید که صاحب چیز بهتری هستید که تا ابد باقی است. ³⁵ بنابراین، جسارت خود را از دست ندهید که پاداش بزرگی در بر خواهد داشت. ³⁶ زیرا شما به صبر نیاز دارید تا با انجام دادن اراده خدا وعده را به دست آورید. ³⁷ برای مدت بسیار کوتاهی، و سپس آن کسی که قرار است بیاید خواهد آمد و دیگر تأخیر نخواهد کرد. ³⁸ اما بنده عادل من از روی ایمان زندگی خواهد کرد و اگر عقب بکشد، روح من دیگر از او خشنود نخواهد بود. ³⁹ اما ما از آن کسانی نیستیم که عقب می‌کشند و نابود می‌شوند بلکه از کسانی

10:33 همگان-رنج‌های ماتنها ترجمه خود ما نیست بلکه اگر به درستی با دیگران

ارتباط داشته باشیم، از رنج آنها نیز رنج می‌بریم.

10:39 به عقب برمی‌گردند- مطرود شدگان وقتی مسیح بیاید از او به عقب برمی‌گردند و از حضور او شرم‌زده می‌شوند (1 یوحنا 2:28). آنها که او را دوست دارند با وفاداری به سمت او می‌روند، با اطمینان به محبت او علی‌رغم اینکه می‌دانند گناهکارند.

11:3 پدید آمدن- تمام علوم جهان نیز نمی‌توانند پرسش‌هایی پیدایش را پاسخ دهند. نکته‌ای در پس پیدایش‌هایی پنهان است و آن خدا است.

11:4 هابیل خون حیوانات را به خدا تقدیم کرد، در حالی که قابیل اصل 9:22 را نادیده گرفت و تنها گیاهان را تقدیم نمود. بنابراین، هابیل ایمان داشت که خدا به دلیل آنچه که خون نمادش است، گناهان را می‌بخشد - شاید چیزی در مورد قربانی آینده عیسی دریافت‌ه بود و آن را در ایمانش نشان داد.

دریافت کند. و بدون این که بداند کجا می‌رود، عازم شد.⁹ با ایمان، او در سرزمین موعود که هنوز مال خودش نبود غریب شد، با اسحاق و یعقوب، که با او در دریافت وعده، هم‌ارث بودند، در خیمه‌ها ساکن شد.¹⁰ زیرا او به دنبال شهری بود که بنیاد داشت و سازنده و آفریننده‌اش خدا بود.

¹¹ با ایمان، حتی ساره که از سن بارداری‌اش گذشته بود، قدرت باردار شدن پیدا کرد زیرا او خدا را که وعده داده بود وفادار می‌دانست.¹² بنابراین، از یک مرد، آن هم مردی تقریباً مرده، بسیاری مانند ستارگان آسمان و یا بی‌شمار مانند شن‌های ساحل دریا به دنیا آمدند.

¹³ همه این‌ها با ایمان مردند، وعده‌ها را به دست نیاورند اما آنها را دیدند و از دور به آن وعده‌ها درود گفتند و اعتراف کردند که در روی زمین غریبه و مسافر

⁵ با ایمان، خنوخ ربوده شد تا کشته نشود؛ و او پیدا نشد زیرا خدا او را برده بود. بر او شهادت داده شد که قبل از این که ربوده شود، خداوند بسیار از او خشنود بوده است.⁶ و بدون ایمان، ممکن نیست خدا از کسی خشنود باشد. زیرا کسی که نزد خدا می‌آید باید به او ایمان داشته باشد و این که خدا به کسانی که جویای او هستند پاداش می‌دهد.

⁷ با ایمان، نوح که به او درباره چیزهایی که هنوز دیده نشده هشدار داده شد، با خداترسی حرکت کرد و کشتی را برای نجات خانواده‌اش تهیه دید. با این کار دنیا را محکوم ساخت و وارث عدالت شد که بر حسب ایمان به دست آمد.

ابراهیم و ساره

⁸ با ایمان، وقتی ابراهیم دعوت شد، اطاعت کرد و به مکانی رفت که قرار بود به عنوان میراث بعدها

11:5 به نظر می‌رسد که خنوخ از مرگ در نتیجه آزار و اذیت برگرفته شد تا دشمنانش او را نیابند. اما اولین فردی که زندگی جاودان یافت عیسی بود (رساله اول قرن‌تین 15:23). بنابراین خنوخ در آسمان زندگی جاودان ندارد؛ او نیز باید پس از آزادیش مرده باشد.

11:7 نوح نیز کلام خدا را در مورد سیل آتی باور کرد (آیه 1) اگرچه تا آن زمان هرگز باران ندیده بود. ایمان او و تصور او آن چنان روشن بود که بسیار ترسید و در نتیجه کشتی را ساخت.

11:11 وقتی سارا برای اولین بار شنید که فرزندی خواهد داشت، با ناباوری خندید (پیدایش 18:12). بنابراین، «ایمانی» که در این بخش می‌شنویم نه ساده است و نه خودکار، بلکه باید رشد پیدا کند.

11:13 وعده، مالکیت جاودان زمین در ملکوت خدا بود. این افراد مردند بدون اینکه آن را دریافت کنند؛ بنابراین از آنجایی که خدا به وعده‌های خود عمل می‌کند، آنها با بازگشت مسیح رستائیز یافته و به آنچه خدا وعده داده می‌رسند. آنها پس از مرگ به آسمان نرفتند تا رستگاری وعده داده شده را دریافت کنند.

استخوان‌هایش دستوراتی داد.

موسی

²³ با ایمان، موسی وقتی به دنیا آمد، سه ماه توسط والدینش مخفی شد، زیرا آنها دیدند که او کودکی الهی است و از دستور پادشاه نمی‌ترسیدند. ²⁴ با ایمان، موسی که بزرگ شد، از این که پسر دختر فرعون خوانده شود امتناع کرد، ²⁵ و در عوض ترجیح داد مانند امت خدا با او بدرفتاری شود تا این که از لذت و خوشی گناه برای مدت کوتاهی لذت ببرد؛ ²⁶ و ملامت به خاطر مسیح را دارای ثروتی بزرگتر از گنج‌های مصر دانست. زیرا او به دنبال پاداشی بزرگتر بود. ²⁷ با ایمان، او مصر را ترک کرد و از خشم پادشاه نمی‌ترسید. زیرا او ثابت‌قدم بود، چون خدا را که غیر قابل رؤیت است دیده بود.

²⁸ با ایمان، فصیح و پاشیدن خون را حفظ کرد تا نابودگر نخست‌زادگان به آنها دست نزنند. ²⁹ با ایمان، از دریای سرخ مانند یک زمین خشک عبور کرد در حالی که مصریان حین تلاش برای عبور از آن غرق شدند.

یوشع، راحاب و بسیاری دیگر

³⁰ با ایمان، پس از آن که هفت روز

بودند. ¹⁴ زیرا کسانی که چنین چیزهایی می‌گویند واضح است که جویای کشوری از آن خود هستند. ¹⁵ و حقیقتاً اگر از کشوری که از آن خارج شدند به یاد می‌آوردند، فرصت بازگشت می‌داشتند. ¹⁶ اما اکنون آنها خواستار کشور بهتری هستند، کشوری آسمانی. بنابراین، خدا از آنها شرمسار نیست و از این که خدای آنها خوانده شود. زیرا او برای آنها شهری را آماده کرده است. ¹⁷ با ایمان، ابراهیم که آزموده می‌شد، اسحاق را تقدیم کرد. آری، او که با شادی وعده‌ها را دریافت کرد، تنها پسرش را تقدیم می‌کرد. ¹⁸ حتی به او گفته شده بود: نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد. ¹⁹ ابراهیم یقین می‌دانست که خدا قادر است حتی از میان مردگان زنده کند. و به صورت نمادین او را از میان مردگان بازپس گرفت.

اسحاق، یعقوب و یوسف

²⁰ با ایمان، اسحاق یعقوب و عیسو را در مورد امور آینده برکت داد. ²¹ با ایمان، وقتی یعقوب رو به موت بود، هر یک از پسران یوسف را برکت داد و بر سر عصای خود سجده کرد. ²² با ایمان، وقتی پایان یوسف نزدیک بود، از عزیمت بنی‌اسرائیل سخن گفت و درباره

11:27 بی آنکه بهراسد. اما خروج 2:14,15 می‌گوید: «موسی ترسید و با خود اندیشید، «بی‌گمان کار من برملا شده است». چون ماجرا به گوش فرعون رسید، بر آن شد که موسی را بکشد. ولی موسی از نزد فرعون گریخت». می‌توانیم نتیجه بگیریم که موسی ترس داشت اما ایمانش بر ترسش غلبه کرد. ایمان برای او نه ساده بود و نه خودکار، بلکه با درگیری همراه بود (آیه 11 نکته).

گوسفند و پوست بز نیازمند بودند، مصیبت دیدند و ظلم دیدند³⁸ (جهان لیاقت آنها را نداشت) و در بیابان‌ها و کوه‌ها و غارها و سوراخ‌های زمین سرگردان بودند.³⁹ و همه این‌ها که از طریق شهادتی که به واسطه ایمانشان بر آنها داده می‌شد به حقیقت پیوستن وعده را ندیدند؛⁴⁰ زیرا خدا چیز بهتری برای ما داشت که بدون ما آنها به کمال نرسند.

باب 12

فکر کردن درباره عیسی

بنابراین، از آنجایی که ابری عظیم از شاهدان ما دور ما را فرا گرفته‌اند، ما نیز باید هر بندی را کنار بگذاریم و از گناهی که دست و پای ما را بسته است آزاد شویم و باید با مقاومت در مسابقه‌ای که در پیش روی ما است، بدویم² و به عیسی که ایمان ما را به وجود آورده و آن را کامل می‌گرداند، چشم بدوزیم، او به‌خاطر شادی که در انتظارش بود، صلیب و حقارت آن را تحمل کرد و بر دست راست تخت الهی نشسته است.

دور دیوارهای اریحا طواف کردند، دیوارها سقوط کرد.³¹ با ایمان، راحاب فاحشه همراه با نافرمانان هلاک نشد زیرا از جاسوسان با صلح استقبال کرده بود.³² دیگر چه بگویم؟ زیرا وقت به من اجازه نمی‌دهد از جدعون، باراق، سامسون، یفتاح، داود، سموئیل و انبیا بگویم.³³ کسانی که از طریق ایمان، پادشاهان را زیر پا گذاشتند، نیکوکاری کردند، وعده‌ها را به دست آوردند، دهان شیرها را بستند،³⁴ قدرت آتش را خاموش کردند، از لبه شمشیر گریختند، از ضعف، قوی گشتند، در جنگ توانا شدند و لشکرهای بیگانگان را نابود کردند.³⁵ زنان مردگان خود را از طریق رستاخیز باز یافتند؛ و دیگران شکنجه دیدند، رهایی را نپذیرفتند تا شاید رستاخیز بهتری را به دست آورند.³⁶ و بقیه از طریق تمسخر و تازیانه و نیز با غل و زنجیر و حبس مورد آزمایش قرار گرفتند.³⁷ آنها سنگسار شدند، با اره دو پاره گشتند، آزموده شدند، با شمشیر کشته شدند. آنها در لباس پوست

11:40 برنامه خدا این است که تمام ایمانداران وعده‌ها را دریافت کنند (زندگی جاودان در ملکوت خدا روی زمین) در یک زمان - زمان بازگشت عیسی، وقتی مردگان رستاخیز و داوری شده و اینجا روی زمین فناپذیر می‌گردند. بنابراین درست نیست که وقتی ایمانداری می‌میرد، به آسمان رفته و پاداش می‌گیرد، 100 سال بعد دیگری و الی آخر. امید مسیحی واقعی به رستاخیز از مرگ است، وقتی که عیسی برای استقرار ملکوت خدا باز می‌گردد.

12:1 ایماندارانی که نامشان در باب 11 آمده مانند گروه عظیمی هستند که ما را در مسابقه‌ای که به سمت ملکوت برایمان مقرر شده تشویق می‌کنند.

نامشروع و نه فرزندان واقعی نیستید؟⁹ علاوه بر این، پدران جسمانی‌مان ما را تنبیهی می‌کردند و به آنها احترام می‌گذاشتیم؛ آیا نباید بیشتر از این مطیع پدر ارواح باشیم و زندگی کنیم؟¹⁰ زیرا آنها حقیقتاً چند روزی ما را به نفع خود تنبیه کردند؛ اما خدا به خاطر منفعت ما چنین کرد تا در تقدس او سهیم باشیم.¹¹ هر نوع تنبیهی در زمان حال مسرت‌بخش به نظر نمی‌رسد بلکه اندوهناک است؛ با این حال بعدها برای کسانی که با آن تأدیب شده‌اند، میوه آرامش را به بار می‌دهد. میوه عدالت.¹² بنابراین، دستان آویزان و زانوان سست خود را قوی کنید،¹³ و راه‌ها را برای قدم‌هایتان صاف کنید تا هر چه شل و سست است بیشتر از این ناتوان نشود بلکه شفا یابد.¹⁴ با همه انسان‌ها در پی صلح و تقدسی باشید که بدون آن هیچ کس نمی‌تواند سرور را ببیند.¹⁵ مواظب باشید که کسی از فیض خدا غافل

³ به او فکر کنید که چنین خصومتی را از سوی گناهکاران نسبت به خود متحمل شد، تا بدین ترتیب خسته و دل‌سرد نشوید.⁴ در جهد با گناه، هنوز تا حد مرگ و خونریزی مقاومت نکرده‌اید.

دلیل رنج کشیدن، زندگی مؤمنان است.

⁵ شما کلام تشویق را که با شما به عنوان فرزندان سخن می‌گوید فراموش کرده‌اید: ای فرزندانم، تنبیه خداوند را ناچیز نشمار؛ و وقتی تو را سرزنش می‌کند، نیز ناامید نشو.⁶ زیرا خداوند کسانی را که دوست دارد تأدیب می‌کند و هر فرزندی را که بپذیرد تنبیه می‌کند. رنج‌های خود را مانند تنبیه یک پدر تحمل کن؛ این نشان می‌دهد که خدا چگونه با تو مانند پسرش رفتار می‌کند. زیرا کدام فرزندی است که پدرش او را تنبیه نکند؟⁸ اما اگر بدون تنبیه باشید که همه در آن شریک هستند، پس آیا فرزندان

12:3 به او ببیندیشید- ما باید همیشه در زندگی «چشم به عیسی بدوزیم» (آیه 2). اما در روز چند بار به او فکر می‌کنیم؟ باید هر روز چیزی از او بخوانیم، در مورد او و کلماتش ببیندیشیم، تا مثالش الگوی ثابت زندگیمان باشد.

12:4 تلمیح به عرق کردن عیسی چون قطرات خون در مبارزه‌اش با وسوسه در جتسمانی (لوقا 22:44).

12:5-11 سختی‌ها از خدا می‌آید و در زندگی مسیحی، دلیل آنها رشد معنوی ما است. بنابراین، این نظر که نیکی‌ها از خدا است و بدی‌ها از شیطان، اشتباه است. هیچ چیز در زندگی ما از روی شانس یا بدشانسی نیست. خدا همه چیز را در کنترل دارد و تمام مسائل منفی برای خیر نهایی ما به عنوان ایمانداران اتفاق می‌افتد. پذیرش این واقعیت نیاز به ایمان دارد.

12:14 امید نهایی ما «دیدن خدا است». ایوب در عهد قدیم به همین امید دل‌بسته بود - اینکه در نهایت، خدا را مستقیماً ملاقات می‌کند (ایوب 19:26).

فرشتگان،²³ و گردهمایی و کلیسای نخست‌زادگانی که در آسمان ثبت شده‌اند؛ و به خدا حاکم همه و ارواح عادلان،²⁴ و به عیسی واسطه یک عهد جدید و به خون ریخته‌ای که از چیزهایی بهتر از خون هابیل سخن می‌گوید.²⁵ مواظب باشید که آن که سخن می‌گوید را رد نکنید. زیرا اگر کسانی که پس از رد کردن خدا که به آنها در زمین هشدار داده بود، نتوانستند بگریزند، ما چگونه خواهیم گریخت اگر از او که ما را از آسمان هشدار می‌دهد روی گردانیم.²⁶ که صدایش در آن زمان زمین را تکان داد اما اکنون وعده داده و گفته: یک بار دیگر نه فقط زمین را بلکه آسمان را نیز به لرزش در می‌آورم.²⁷ و همچنین: عبارت یک بار دیگر، اشاره دارد به از میان برداشتن مخلوقاتی که متزلزل می‌شوند و این که آنچه متزلزل نمی‌شود باقی خواهد ماند.²⁸ بنابراین، با پذیرفتن یک پادشاهی که نمی‌توان آن را متزلزل کرد، باید صاحب فیض باشیم که با آن با احترام و ترس آن چنان عبادت کنیم که خداپسندانه باشد.²⁹ زیرا خدای ما آتشی است که می‌سوزاند.

نشود؛ تا هیچ ریشه‌ی تَلخی با رشد خود باعث مشکل نشود و بسیاری را آلوده نکند.¹⁶ اطمینان حاصل کنید که هیچ کس فردی بی‌اخلاق یا بی‌خدا مانند عیسو نباشد که حق نخست‌زادگی خود را در ازای یک وعده غذا فروخت.¹⁷ زیرا می‌دانید که بعداً وقتی می‌خواست برکت را به ارث ببرد، مطرود شد؛ زیرا هیچ شرایطی برای بازگشت نیافت گرچه با اشک به شدت در پی آن بود.

صهیون به جای سینا

¹⁸ زیرا شما به کوهی نیامده‌اید که می‌توان آن را لمس کرد که در آتش سوخت و به سیاهی و تاریکی و طوفان¹⁹ و صدای شیپور و صدای کلماتی که هر که شنید التماس کرد کلمات بیشتری به آنها گفته نشود.²⁰ زیرا آنها نتوانستند آن دستور را متحمل شوند- که اگر حتی حیوانی به کوه دست بزند، سنگسار خواهد شد.²¹ و آن منظره آنقدر ترسناک بود که موسی گفت: بسیار ترسان و لرزان هستم.

²² بلکه شما نزدیک شدید به کوه صهیون و شهر خدای زنده، اورشلیم آسمانی و لشکریهای پیشمار

12:17 از این آیه برمی‌آید که توبه در لحظه آخر پیش از داوری، حتی با زاری، سرنوشت ما را تغییر نمی‌دهد - این روزها برای ما فرصت بزرگی است.

12:24 خون عیسی با ما سخن می‌گوید؛ نمی‌توانیم نسبت به این حقیقت که عیسی برای ما جان داد، بی‌تفاوت باشیم. این یک الزام و فراخوان است - و ما نباید صدای صلیب را فراموش کنیم (آیه 25).

12:28 اگر با دانستن اینکه خدا سخاوتمندانه ملکوت را به ما داده است، جلال خدا را درک کرده باشیم، پس اعمالمان در پاسخ به آن برای خداوند مقبول است.

پاب 13

عشق در عمل

عشق مؤمنان همچنان برقرار باشد.
 2 فراموش نکنید که محبت خود به غریبه‌ها را نشان دهید؛ زیرا با این کار بعضی بی آنکه آگاه باشند از فرشتگان پذیرایی کرده‌اند.
 3 به یاد آنهایی باشید که در بند هستند، گویی شما نیز با آنها در بند هستید؛ و نیز کسانی که مورد ظلم واقع می‌شوند، گویی خودتان نیز در جسم هستید.

4 ازدواج در بین همه محترم شمرده شود و بستر زناشویی پاک بماند. زیرا فاسدان و زناکاران را خدا قضاوت خواهد کرد.

5 از پول دوستی آزاد و به داشته‌های خود قانع باشید. زیرا خود خدا گفته: به هیچ وجه شما را رها نخواهم کرد و به هیچ وجه شما را ترک نخواهم گفت. 6 پس با شهامت می‌توانیم بگوییم: خداوند یاور من است. من نخواهم ترسید. انسان با من چه می‌تواند بکند؟

7 به یاد کسانی باشید که شما را رهبری کردند، کسانی که کلام خدا

را به شما اعلام کردند. به ثمره زندگی آنها توجه کنید و پیرو ایمان آنها باشید.

8 عیسی مسیح امروز و دیروز همان است و تا ابد همان خواهد بود. 9 با تعالیم مختلف و عجیب، منحرف نشوید. زیرا نیک آن است که قلب با فیض استوار گردد. نه با قوانین خوردن که هیچ سودی به کسانی که مشغول چنین موضوعاتی هستند نرسانده است.

10 ما محرابی داریم که خادمان خیمه حق ندارند از قربانی آن چیزی بخورند. 11 زیرا اجساد حیواناتی که روحانی اعظم خونشان را به عنوان قربانی برای گناه به مکان مقدس آورده بیرون از اردوگاه سوزانده شده‌اند. 12 بنابراین عیسی نیز بیرون دروازه رنج کشید تا با خون خودش انسان‌ها را مقدس کند. 13 پس باید نزد او بیرون اردوگاه برویم و در ننگ و خواری او شریک باشیم. 14 زیرا ما اینجا شهری دائمی نداریم، بلکه به دنبال شهری هستیم که هنوز نیامده است. 15 بنابراین، از طریق او همواره برای حمد خدا قربانی تقدیم

13:2 ابراهیم نمی‌دانست غریبانی که میهمان‌نوازشان را می‌کند فرشتگان هستند (پیدایش 16-18). امروز نیز ممکن است ما فرشتگان را در قالب انسان‌هایی ببینیم که به نظرمان انسان‌های عادی می‌رسند.

13:3 این چالش بزرگی است - آنچنان با برادرانمان نزدیک بودن که رنج آنان را مانند رنج خود حس کنیم.

13:8 درست نیست که عیسی روی زمین لطیف و بامحبت بود، اما با داوری خشمگینانه باز می‌گردد. عیسی که کودکان را دوست داشت، زنان و مردان ایمان آورده با او احساس راحتی می‌کردند، دوست گنهکاران، که از جلال و بخشایش شاد می‌شد... همان عیسی است که اکنون ما را از بالا می‌نگرد، و ما او را در روز داوری ملاقات خواهیم کرد.

13:15 باید همواره شکرگزار خدا باشیم. این شکرگزاری می‌تواند به صورت خواندن یا

²⁰ اینک خدای صلح که چوپان بزرگ گوسفندان یعنی سرورمان عیسی را از طریق خون عهدی ابدی از میان مردگان آورد، ²¹ برای به انجام رساندن خواسته خود، شما را در هر امر نیکی به کمال می‌رساند و آنچه او را خشنود می‌سازد در شما از طریق عیسی مسیح به عمل می‌آورد. جلال ابدی بر او باد. آمین. ²² اما ای برادران از شما تمنا دارم که در برابر این کلام دلگرم‌کننده صبور باشید زیرا آن را به طور مختصر برای شما نوشته‌ام. ²³ آگاه باشید که برادرمان تیموتائوس آزاد شده است؛ و اگر به زودی بیاید، همراه با او شما را خواهم دید. ²⁴ به همه کسانی که شما را رهبری می‌کنند و به همه قدیسان سلام برسانید. اهالی ایتالیا به شما سلام می‌رسانند. ²⁵ فیض با همه شما باد. آمین

کنیم و آن قربانی، ثمره لب‌هایی است که به نام او اعتراف می‌کند. ¹⁶ اما نیکی کردن و تقسیم کردن را فراموش نکنید زیرا خدا با چنین قربانی‌هایی خشنود می‌شود. ¹⁷ از کسانی که بر شما حکومت می‌کنند تبعیت کنید و مطیع باشید؛ زیرا آنها پاسدار جان شما هستند و باید حساسیت پس بدهند. باید این کار را با شادی و نه با اندوه انجام دهند زیرا برای شما سودی نخواهد داشت.

درخواست‌ها و سلام و تحیت‌های

پایانی

¹⁸ برای ما دعا کنید. زیرا ما یقین داریم که وجدان پاک‌ی داریم و آرزو داریم در همه امور با عزت و احترام زندگی کنیم. ¹⁹ و شما را بسیار به این کار ترغیب می‌کنم تا زودتر نزد شما بیایم.

زمزمه کردن موسیقی مسیحی برای خودمان باشد یا داشتن قلبی شکرگزار در برابر همه چیز، حتی چیزهای [ظاهر] کوچک. **13:19 زودتر-** هرچه بیشتر دعا کنند (آیه 18)، او نیز زودتر آزاد خواهد شد. دعا واقعاً چیزها را تغییر می‌دهد، بنابراین باید عادت کنیم که از دیگران بخواهیم برایمان دعا کنند و ما نیز برای آنها دعا کنیم.

يعقوب

باب 1

از يعقوب، خادم خدا و سرور، عیسی مسیح، به دوازده طایفه که پراکنده هستند، سلام.² ای برادران من، وقتی به دام وسوسه‌های گوناگون می‌افتید، آن را تماماً خوشی بدانید،³ زیرا اثبات ایمان شما نیازمند صبر است.⁴ و بگذارید صبر، کار خود را کامل کند تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید.⁵ اما اگر از شما کسی فاقد حکمت است، باید از خدا بخواهد، خدایی که به همه با سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید، و به او داده خواهد شد.⁶ اما باید با ایمان درخواست کند و هرگز شک نکند. زیرا هر که شک کند، مانند موج دریا است که از باد رانده و متلاطم می‌شود.⁷ نباید چنین شخصی گمان ببرد که از سرور چیزی خواهد یافت.⁸ او دودل و در تمام رفتار خود ناپایدار است.⁹ بگذارید برادر مسکین به سرافرازی خود ببالد¹⁰ اما ثروتمند از حقارت خود، زیرا مثل گل صحرا پژمرده خواهد شد.¹¹ زیرا آفتاب با باد گرم طلوع می‌کند، علف را می‌خشکاند و گلش می‌افتد، زیبایی

صورتش از بین می‌رود. به همین شکل، شخص ثروتمند نیز در کاسبی خود، پژمرده خواهد شد.

وسوسه و کلام خدا

¹² خوشا بحال کسی که متحمل وسوسه شود. زیرا وقتی تأیید می‌شود، آن تاج حیاتی را خواهد یافت که سرور به کسانی وعده کرد که او را دوست دارند.¹³ کسی که وسوسه می‌شود نباید بگوید: خدا مرا وسوسه می‌کند. زیرا خدا هرگز با بدی‌ها وسوسه نمی‌شود و او هیچ کس را وسوسه نمی‌کند.¹⁴ اما هر کسی وسوسه می‌شود، وقتی شهوت او را می‌کشد و اغوا می‌سازد.¹⁵ سپس شهوت وقتی آبستن می‌شود، گناه را می‌زاید؛ و گناه وقتی کاملاً رشد می‌کند، مرگ را می‌آورد.¹⁶ ای برادران عزیز من، همراه نشوید.¹⁷ هر هدیه نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و از پدر نورها که در او هیچ تغییر و سایه تغییر کننده‌ای نیست نازل می‌شود.¹⁸ او با اراده خود ما را با کلام حق به وجود آورد تا ما چون نخستین ثمره خلقت او باشیم.

1:5 تلمیح اینجا به سلیمان است، که وقتی حق انتخاب پیدا کرد، حکمت را برگزید – بنابراین، چیزهای بسیاری به وی افزوده شد.

1:13 عیسی وسوسه شد (عبرانیان 18-14:2؛ 4:15)؛ اما خدا وسوسه نمی‌شود. پس عیسی نمی‌تواند خدا باشد.

1:14 گناه و وسوسه از درون می‌آید؛ ما با امیال خود وسوسه می‌شویم، نه چیزی فراطبیعی که شیطان نامیده شود. بنابراین تماماً در برابر گناهانمان مسئولیم و نتیجه گناه نیز به حق مرگ است.

1:18 در برخی آیات کلام خدا به دانه تشبیه شده است، از جمله در لوقا 8:11؛ اول

است ولی نمی‌تواند جلوی زبان خود را بگیرد بلکه فقط دل خود را فریب دهد، دینداری او باطل است.²⁷ دینداری خالص و بی‌عیب نزد خدا و پدر این است: که یتیمان و بیوه‌زنان را در مصیبت ایشان ملاقات کند و نگذارد دنیا او را آلوده کند.

باب 2

قضاوت ظاهری

برادران من، در ایمان خود به سرور ما عیسی مسیح، سرور جلال، تبعیض نداشته باشید.² زیرا اگر شخصی با انگشتی زرین و لباس ارزنده وارد کنیسه شما شود و فقیری نیز با لباس ناپاک بیاید؛³ و به صاحب لباس ارزنده توجه کنید، و بگویید: اینجا در جای خوبی بنشین؛ و به فقیر بگویید: تو آنجا بایست، یا، زیر پیش پای من بنشین؛⁴ آیا بین خود فرق قائل نیستید و قاضی‌هایی با افکار شریر نشده‌اید؟

⁵ ای برادران عزیز، گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را برنگزید

¹⁹ شما این را می‌دانید، ای برادران عزیز من! بگذارید همه در شنیدن تند، در سخن گفتن آهسته و در خشم سست باشند.²⁰ زیرا خشم انسان عدالت خدا را به عمل نمی‌آورد.²¹ پس همه کثیفی‌ها و شرارت گسترده را دور کنید و با فروتنی، کلام کاشته شده را بپذیرید که قادر است که جان‌های شما را نجات دهد.

خودآزمایی

²² اما طبق کلام عمل کنید و فقط شنوندگانی نباشید که خود را فریب می‌دهند.²³ زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند، مانند شخصی خواهد بود که صورت طبیعی خود را در آینه می‌نگرد؛²⁴ زیرا خود را می‌نگرد و می‌رود و فوراً فراموش می‌کند که چطور شخصی بود.²⁵ اما کسی که به شریعت کامل آزادی نگاه می‌کند و در آن ثابت ماند، مانند شنونده فراموشکار نباشد، بلکه طبق آن عمل کند، این فرد در عمل خود مبارک خواهد بود.²⁶ اگر کسی گمان برد که دیندار

پطرس 1:23. این چیزی است که قدرت تولد انسان معنوی درون ما را دارد. بنابراین، باید در درکش هشیار باشیم (19).

1:22 ما که انجیل را می‌خوانیم ممکن است خود را این گونه بفریبیم که این رویه ما را نجات می‌دهد؛ اما هیچ کمکی به ما نخواهد کرد مگر اینکه ارتباطی مستقیم بین خواندن انجیل ما و عمل واقعیمان باشد. خواندن درست انجیل آن گونه که خدا می‌پسندد، دقیق شدن در خود و آگاهی مطیعانه از وضعیت درست معنوی را به دنبال دارد (24). اگر نداشته باشد، پس در واقع با خواندن انجیل تنها خود را می‌فریبیم که انسانهای مذهبی هستیم، در حالی که اشتباه می‌کنیم (26).

2:5 اگر ما «وارثان ملکوت» هستیم، پس خدا آن را به ما وعده داده است. هنوز آن را به طور کامل دریافت نکرده‌ایم. غلاطیان 3:27-29 می‌گوید که ما وارثان وعده‌ای هستیم که به ابراهیم داده شده، اگر در عیسی تعمید داده شویم.

ایمان و اعمال

¹⁴ برادران من، چه سودی دارد اگر کسی بگوید ایمان دارم در حالی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟ ¹⁵ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزانه باشد، ¹⁶ و کسی از شما به آنها نگوید: به سلامت بروید و گرم و سیر شوید! اما مایحتاج بدن را به آنها ندهید. چه نفعی دارد؟ ¹⁷ همچنین، ایمان نیز اگر اعمال نداشته باشد، در خود مرده است.

¹⁸ آری، کسی خواهد گفت تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال به من نشان بده و من ایمان خود را با اعمال خود به تو نشان خواهم داد. ¹⁹ تو ایمان داری که خدا یکتا است! کار خوبی می‌کنی. دیوها نیز ایمان دارند و می‌لرزند. ²⁰ اما ای مرد باطل، آیا نیاز به گواه و مدرک داری که بفهمی ایمان بدون اعمال، بی‌فایده است؟ ²¹ آیا پدر ما ابراهیم با اعمال، عادل شمرده نشد وقتی پسر خود اسحاق را به قربانگاه پیشنهاد داد؟ ²² می‌بینی که ایمان همراه با اعمال او عمل کرد و ایمان با اعمال، کامل گردید. ²³ و کتاب آسمانی محقق شد که گفته بود:

تا در ایمان ثروتمند و وارث آن ملکوتی شوند که به کسانی وعده داده که او را دوست دارند؟ ⁶ اما شما فقیر را حقیر شمرده‌اید. آیا ثروتمندان بر شما ستم نمی‌کنند و شما را به محکمه‌ها نمی‌کشند؟ ⁷ آیا آنها به آن نام نیکو که بر شما نهاده شده است کفر نمی‌گویند؟

⁸ اما اگر آن شریعت ملوکانه را برحسب کتاب مقدس به‌جا آورید که می‌گوید: باید همسایه‌ات را به اندازه خودت دوست بداری! ⁹ اما اگر تبعیض قائل شوید، گناه می‌کنید و شریعت شما را به خطاکاری محکوم می‌کند. ¹⁰ زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد ولی در یک نکته بلغزد، متهم به نقض همه‌ی شریعت است. ¹¹ زیرا او که گفت: زنا نکن، همچنین گفت: قتل نکن. پس اگر زنا نکنی، اما اگر قتل کنی، از شریعت تخطی کردی. ¹² همچنین مانند کسانی سخن بگویید و عمل نمایید که بر آنها با شریعت آزادی مورد قضاوت قرار گیرند. ¹³ زیرا قضاوت بر هر کسی که رحم نکرده است بی‌رحم خواهد بود. رحمت بر داوری چیره می‌شود.

2:6 مسیحیانی که یعقوب برایشان می‌نوشت، تحت ستم افراد ثروتمندتر از خود بودند؛ و آنها نیز به فقیرتر از خود ظلم روا می‌داشتند. این یک بحث کلاسیک روانشناختی است؛ اما در عیسی، ما باید این چرخه را بشکنیم، با تحمیل نکردن ستم به کسانی که نسبت به ما از مزیت کمتری برخوردارند.

2:7 در نتیجه تعمید، نام خدا و عیسی بر ما نهاده شده است.

2:10 این استدلال غلط در مورد نگه داشتن برخی از بخش‌های شریعت موسی است، مثلاً روزه‌های سبت.

رانده می‌شوند، اما با سکان کوچک به هر طرفی که اراده ناخدا باشد، می‌چرخند.⁵ همچنین، زبان نیز عضوی کوچک است و ادعاهای بزرگی می‌کند. بنگر که چه جنگل عظیمی با کمی آتش می‌سوزد.

⁶ و زبان آتش است! عالم شرارت در میان اعضای بدن ما زبان است که تمام بدن را آلوده می‌کند و چرخ طبیعت را می‌سوزاند و از جهنم می‌سوزد!⁷ زیرا هر نوع جانور و پرند و حشره و حیوان دریایی به وسیله انسان رام می‌شود و رام شده است.⁸ اما زبان را کسی نمی‌تواند رام کند؛ شرارتی سرکش و پر از زهر کشنده است.⁹ با زبان، خدا و پدر را متبارک می‌خوانیم و با همان زبان، مردم را که به صورت خدا آفریده شده‌اند، لعن می‌گوییم.¹⁰ از همان دهان هم برکت و هم لعنت بیرون می‌آید. برادران من، شایسته نیست که چنین شود.¹¹ آیا چشمه از یک شکاف، هم آب شیرین و هم آب شور جاری می‌سازد؟¹² برادران من، درخت انجیر می‌تواند زیتون یا درخت مو می‌تواند انجیر بار آورد؟ و چشمه شور نمی‌تواند آب شیرین را جاری کند.

ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید؛ و دوست خدا نامیده شد.²⁴ پس می‌بینید که انسان از روی اعمال، عادل شمرده می‌شود و نه تنها از روی ایمان.²⁵ و همچنین آیا راحاب فاحشه نیز به خاطر اعمال، عادل شمرده نشد وقتی پیام‌آوران را پذیرفت و آنها را به راهی دیگر روانه نمود؟²⁶ زیرا همان طور که بدن بدون روح مرده است، ایمان نیز بدون اعمال مرده است.

باب 3 زبان

معلمان زیادی نباشید. برادران من، بدانید که بر ما معلمان داوری سخت‌تر خواهد شد.² زیرا در بسیاری چیزها باعث می‌شویم دیگران بلغزند. اگر کسی با کلامش باعث لغزش نشود، او انسانی کامل است و می‌تواند تمام بدن خود را مهار کند.³ و اگر ما افسار را بر دهان اسبان می‌زنیم تا مطیع ما شوند، تمام بدن آنها را نیز به هر جا می‌چرخانیم.⁴ کشتی‌ها را نیز بنگرید که با این که این قدر بزرگ هستند و با بادهای سخت

2:25 در این مورد خاص، دروغ گفتن در واقع عملی از روی ایمان بود.

2:26 این هیچ تناقضی با تعالیم پولس ندارد که می‌گوید، ایمان بدون عمل مرده است. اگر ما واقعاً به جلال خدا باور داشته باشیم، قطعاً نجات خواهیم یافت، تنها برپایه همین جلال او، پس نمی‌توانیم در این مورد بی‌تفاوت باشیم؛ اگر حقیقتاً باور داشته باشیم، در پاسخ به این جلال، باید کاری انجام دهیم.

3:6 کلام ما می‌تواند ما را به محکومیت ابدی برساند؛ چون ما با کلاممان یا نجات می‌یابیم یا محکوم می‌شویم (متی 12:37). کنترل فکر و کلام بسیار حیاتی است؛ و اساس مسیحیت در اینها است.

حکمت حقیقی

¹³ در میان شما چه کسی حکیم و فهیم است؟ او باید اعمال خود را با زندگی خوب، به تواضع حکمت نشان دهد. ¹⁴ اما اگر در دل خود حسد تلخ و تعصب دارید، فخر نفروشید و حقیقت را انکار نکنید. ¹⁵ این حکمت حکمتی نیست که از بالا به پایین نازل شود، بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است. ¹⁶ زیرا هر جایی که حسد و تعصب است، در آنجا فتنه و هر عمل زشت موجود است. ¹⁷ اما حکمتی که از بالا است، از همه مهمتر خالص است و بعد صلح‌آمیز، ملایم، نصیحت‌پذیر، پر از رحمت و میوه‌های نیکو و بی‌تردید و بی‌ریا. ¹⁸ و میوه عدالت در صلح کاشته می‌شود برای کسانی که صلح برقرار می‌کنند.

باب 4

دعوت به توبه

چه چیزی در میان شما باعث جنگ و نزاع می‌شود؟ آیا منشأ آن امیال نفسانی نیست که درون شما در جنگ و ستیز هستند؟ ² چیزی را می‌خواهید که ندارید، بنابراین می‌کشید. طمع می‌کنید و نمی‌توانید به دست آورید، بنابراین جنگ و جدال می‌کنید. ندارید زیرا نمی‌خواهید. ³ می‌خواهید و دریافت نمی‌کنید، زیرا با نیت بد می‌خواهید، تنها چیزی را می‌خواهید که به شما لذت می‌دهد. ⁴ ای زناکاران، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا دشمنی با خدا است؟ بنابراین، هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، خود را دشمن خدا می‌سازد. ⁵ یا آیا گمان دارید که کتاب بیهوده می‌گوید: روحی که در ما ساکن

3:13 اعمال خدا، اعمالی موقتی و شگفت‌انگیز نیستند، بلکه زیستنی هستند در یک زندگی با حکمت و فروتنی.

3:16 نفاق بین ایمانداران می‌تواند نهایتاً به حسادت و رقابت بینجامد ((14:1; 4:1)) که از درون ذهن آغاز می‌شود. بنابراین، ذهنیت منفی شخصی بسیار مهم است. تنها به دلیل عدم تحقق آن است که ما دچار نفاق می‌شویم. و نفاق به «اعمال گناه‌آمیز» می‌انجامد. اما مسیحیان نپخته این نفاق را تحت عنوان «حکمت» توجیه می‌کنند (15:). در نتیجه، یعقوب می‌گوید که این به هیچ عنوان حکمت نیست، چون حکمت حقیقی به یگانگی و رفتار لطیف بین ایمانداران منتهی می‌شود (17:).

4:1 گناه از درون قلب انسان می‌آید، نه از یک وجود فیزیکی فراطبیعی بیرونی. یعقوب بین «جنگ‌های» درون ذهن یک ایماندار ضعیف و «جنگ‌های» بین گروه ایماندار در کلیسا ارتباط برقرار می‌کند. نفاق به این دلیل آغاز می‌شود که افراد با تمام قلبشان وقف اعمال معنوی نیستند. او تردید را بارها نقد می‌کند (8:). یعقوب به کرات بر ذهن انسان، فرایندهای عمیق درون قلب افراد، به عنوان فضای اختلافات معنوی تأکید می‌ورزد. نه بر آسمان یا «جایی خارج» در «دنیای روحانی».

4:4 ما به‌گونه‌ای با عیسی ازدواج کرده‌ایم؛ پس هر بی‌وفایی به عیسی به مثابه زنا است.

ضعف انسان

¹³ ای کسانی که می‌گویید امروز و فردا به این شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال به سر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم برد. ¹⁴ و حال آنکه نمی‌دانید فردا چه می‌شود. اسمت چیست؟ زیرا مانند بخاری هستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود. ¹⁵ زیرا باید بگویید: اگر خدا بخواهد، هر دو زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم. ¹⁶ اما حال به کبر خود می‌بالید. و همه این فخرورزی شریر است. ¹⁷ بنابراین، هر که نیکویی کردن بداند و عمل نکند، گناه کرده است.

باب 5**دعوت به عدالت**

ای ثروتمندان، اینک بیایید و برای مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌آید، گریه و ناله کنید. ² ثروت شما فاسد و رخت شما بید خورده می‌شود. ³ طلا و نقره شما زنگ می‌زند و زنگ آنها شهادتی علیه شما خواهد بود و مثل آتش، گوشت شما را خواهد خورد. شما گنجینه را در روزهای آخر اندوخته‌اید. ⁴ در حقیقت، مزد

است، به شدت به ما اشتیاق دارد. ⁶ اما او فیض بیشتری می‌بخشد. بنابراین کتاب مقدس می‌گوید: خدا با متکبران مخالفت می‌کند، اما به فروتنان فیض می‌بخشد. ⁷ بنابراین، مطیع خدا باشید و در برابر ابلیس مقاومت کنید و ابلیس از شما خواهد گریخت. ⁸ به خدا نزدیک شوید و او به شما نزدیک خواهد شد. دست‌های خود را طاهر سازید، ای گناهکاران دودل و دل‌های خود را پاک کنید. ⁹ خود را خوار سازید و ناله و گریه کنید و بگذارید خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم تبدیل شود. ¹⁰ در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید.

¹¹ برادران، از همدیگر بدگویی نکنید. زیرا هر که علیه برادر خود بدگویی کند و یا او را قضاوت کند، علیه شریعت بدگویی کرده و شریعت را قضاوت کرده است. اما اگر بر شریعت قضاوت کنی، بر اساس شریعت عمل نمی‌کنی بلکه قاضی هستی. ¹² تنها یکی است که صاحب شریعت و قاضی است. کسی که قادر است نجات دهد و ویران کند. تو کیستی که بر همسایه خود قضاوت می‌کنی؟

4:15 بنابراین، وقتی درمورد برنامه‌هایمان حرف می‌زنیم، هر چقدر هم که دیگران با تعجب به ما بنگرند، باید بدون شرم بگوییم «اگر خداوند بخواهد».

4:16 در اینجا، اصلی را داریم که می‌گوید حکمت نسبت به داوری الهی مسئولیت می‌آورد.

5:3 اگر ادعا کنیم زندگی‌مان به گونه‌ای است که انتظار داریم هر لحظه عیسی بازگردد، پس درست نیست که به فکر ثروت‌اندوزی و لذات آینده باشیم. **5:9** اگر باور داریم که هر لحظه عیسی باز خواهد گشت و ما را داوری خواهد نمود، نسبت به برادرانمان شکایت نمی‌کنیم.

دعا و شفا

¹² اما پیش از هر چیزی، ای برادران من، قسم نخورید. نه به آسمان و نه به زمین و نه به هیچ سوگند دیگری؛ بلکه بگذارید بلی شما بلی باشد و نه شما نه، تا محکوم نشوید.

¹³ آیا کسی از میان شما رنج می‌کشد؟ باید دعا کند. آیا کسی خوشحال است؟ باید سرود حمد بخواند. ¹⁴ آیا کسی از شما بیمار است؟ باید بزرگان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا بخوانند و او را به نام سرور به روغن تدهین کنند. ¹⁵ و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و سرور او را خواهد برخیزانید، و اگر گناه کرده باشد، آمرزیده خواهد شد. ¹⁶ بنابراین، نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای مرد عادل در عمل، بسیار مؤثر است. ¹⁷ الیاس مردی بود که مثل ما دارای شور و اشتیاقاتی بود و با تمام وجود دعا کرد که باران نبارد و تا سه سال و شش ماه نبارید. ¹⁸ و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید.

¹⁹ برادران من. اگر کسی از شما از راستی منحرف شود و شخصی او را بازگرداند: ²⁰ باید بداند هر

کارگرانی که مزرعه شما را درو کرده‌اند و شما آن را به فریب نگاه داشته‌اید، فریاد می‌زند و ناله‌های دروگران، به گوش‌های خدای متعال رسیده است. ⁵ بر روی زمین با لذت و عیاشی زندگی کرده‌اید؛ دل‌های خود را فقط برای روز کشتار پرور کردید. ⁶ مرد عادل را محکوم کردید و او را کشتید در حالی که با شما مخالف نمی‌کند.

دعوت به صبوری

⁷ بنابراین، برادران، تا هنگام آمدن سرور صبر کنید. بنگرید که کشاورز برای محصول گرانبه‌ای زمین انتظار می‌کشد و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را ببارد. ⁸ شما نیز صبر کنید. دل‌های خود را قوی سازید. زیرا که ظهور سرور نزدیک است. ⁹ ای برادران، از یکدیگر شکایت نکنید، تا محکوم نشوید. بنگرید! قاضی بر در ایستاده است. ¹⁰ ای برادران، برای نمونه زحمت و صبر انبیایی را در نظر بگیرید که به نام خداوند سخن می‌گفتند. ¹¹ بنگرید، ما کسانی را که صبور هستند خوشبخت می‌دانیم. درباره صبر ایوب شنیده‌اید و نتیجه نیت سرور را دیده‌اید، زیرا که سرور پر از مهربانی و کرامت است.

5:11 حتی وقتی به نظر می‌رسید خدا دعاهای ایوب را پاسخ نمی‌دهد یا به او کمک نمی‌کند، او در واقع با ایوب رحیم بود.

5:17 متن به ما می‌گوید که دعاهای ایلیا برای خشکسالی به این دلیل بود که او باور داشت این کار اسرائیل را به توبه و بخشایش می‌رساند؛ و خود او نیز در نتیجه آن خشکسالی بسیار سختی کشید و به مرز مرگ از گرسنگی رسید.

5:20 دعاها و تلاش‌های معنوی یک شخص ثالث واقعاً می‌تواند منجر به بخشایش

که گناهکار را از خطای راه او | و گناهان بسیار را پوشانیده است.
برگرداند، جانی را از مرگ رهانیده

و رستگاری یک ایماندار گردد - اگرچه رجوع شود به 1 یوحنا 5:16,17. اگر دعاها و تلاش‌های ما برای دیگران می‌تواند چنین عاقبت جاودانه‌ای داشته باشد- پس ما نیز باید مانند پولس همواره در حال دعا برای برادرانمان باشیم (15).

اول پطرس

پاب 1

ایمانتان (البته ایمان از طلا نیز ارزشمندتر است، طلایی که حتی با این که خالص بودن آن در آتش اثبات می‌شود، باز هم فانی است) منجر به ستایش و شکوه و فخر شما در زمان ظهور عیسی مسیح باشد.

از طرف پطرس، یکی از حواریون عیسی مسیح به برگزیدگانی که در پنتس، غلاطیه، کپدوکیه، آسیا و بطینیه پراکنده‌اند،² که طبق پیش‌بینی خدای پدر در تقدس روح برگزیده شده‌اند تا مطیع باشند و خون عیسی مسیح آنها را پاک سازد. فیض و آرامش بر شما روز افزون باد.

نگرش ما نسبت به مسیح

⁸ مسیحی که دوستش دارید گرچه او را ندیده‌اید. که به او ایمان دارید، گرچه او را هم اکنون نمی‌بینید و به طور وصف‌ناپذیری بسیار شادمان و مملو از شکوه و جلال هستید؛⁹ و نتیجه ایمانتان یعنی رهایی روح خود را به دست می‌آورید.¹⁰ درباره این رهایی، انبیا بسیار جستجو و تحقیق کردند و درباره فیضی که به سوی شما می‌آید پیش‌گویی کردند؛¹¹ و تحقیق کردند که روح مسیح که در آنها بود که از قبل بر رنج‌های مسیح و جلالی که پس از آن می‌آید شهادت داده است، به چه زمان و چه نوع از زمان اشاره می‌کند.¹² بر آنها آشکار شد که آنها نه به خودشان بلکه به شما خدمت می‌کردند در چیزهایی که از طریق کسانی که انجیل را موعظه می‌کردند به کمک روح

هدف امتحان‌ها

³ متبارک است خدا و پدر سرورمان عیسی مسیح که مطابق با رحمت عظیم خود با رستائیز عیسی مسیح از میان مردگان ما را به امیدی زنده متولد کرد،⁴ تا به میراثی برسیم که زایل و آلوده نمی‌گردد و از بین نمی‌رود و در آسمان برای شما نگه داشته است؛⁵ که قدرت خدا از طریق ایمان به رهایی که در زمان آخر آشکار خواهد شد از شما پاسداری می‌کند.⁶ که در آن بسیار خوشحال خواهید شد؛ گرچه اکنون مدت کوتاهی در صورت لزوم امتحانات بسیاری را متحمل شده‌اید،⁷ تا اثبات شدن

1:4 خدا و عیسی در آسمان هستند، و یک آینده خارق‌العاده و جاودانه را برای ما فراهم می‌کنند. اما ما آن را تنها در روزی که عیسی بازگردد، دریافت خواهیم کرد (5). بنابراین با مرگ به آسمان نمی‌رویم تا آینده را دریافت کنیم، بلکه عیسی در بازگشت خود آن را برای ما به زمین خواهد آورد.

1:7 تجربیات سخت زندگی مانند آتشی است که تکه سنگ درون ما را به طلا بدل می‌کند. تصورش دشوار است، اما در روز آخر عیسی ما را «ستایش» خواهد کرد - درست همان طور که وفاداران برای کارهای نیک که انجام داده و فراموش کرده‌اند، مورد تمجید واقع می‌شوند (متی 25:36,37). این است نگاه مثبتی که عیسی به ما دارد.

در آخر زمان‌ها آشکار شد،²¹ شما از طریق او به خدا ایمان آوردید، و خدا او را از میان مردگان رستاخیز کرد و به او جلال داد. پس ایمان و امیدتان باید به خدا باشد.

²² از آنجایی که شما جان‌های خود را با اطاعت از حقیقت پاک کرده‌اید تا برادران را صادقانه دوست داشته باشید، پس همدیگر را از صمیم قلب دوست بدارید.²³ شما دوباره متولد شده‌اید نه از بذر فانی بلکه از بذر فناپذیر به وسیله کلام خدا که زنده است و جاودان.²⁴ زیرا همه جسم‌ها مثل چمنزار هستند و همه شکوه آن مثل گل چمنزار است. چمن پژمرده می‌شود و گل می‌ریزد،²⁵ اما کلام سرور تا ابد باقی می‌ماند. و این است بشارتی که به شما موعظه شد.

پایب 2

بنابراین، همه شرارت‌ها، فریبکاری، ریاکاری، حسادت و بدگویی را کنار بگذارید.² مانند نوزادان مشتاق شیر معنوی خالص باشید تا بدین طریق رشد کنید و به رهایی دست یابید،³ اگر حقیقتاً چشیده‌اید که خدا بخشنده است.

القدس که از آسمان فرستاده شده به شما اعلام شده است. چیزهایی که فرشتگان آرزو دارند آنها را ببینند.¹³ پس کمر افکار خود را ببندید، هوشیار باشید و امید خود را کاملاً به فیضی ببندید که در ظهور عیسی مسیح قرار است به شما برسد.¹⁴ شما که فرزندان اطاعت هستید، دنبال‌هوسه‌های نباشید که در جهالت گذشته خود داشتید.¹⁵ بلکه همان طور که خدایی که شما را دعوت کرد مقدس است، خودتان نیز در همه امور زندگی مقدس باشید.¹⁶ زیرا نوشته شده: شما مقدس خواهید بود زیرا من مقدس هستم.

پاسخ ما به بشارت

¹⁷ و اگر او را که هر انسان را بدون تبعیض طبق عمل خود قضاوت می‌کند پدر صدا کنید، عمر خود را با خداترسی بگذرانید.¹⁸ باید بدانید که از روش بیهوده زندگی‌تان که از اجدادتان به شما رسیده بود، نه از طریق چیزهای فانی و نه با نقره و طلا؛¹⁹ بلکه با خون گرانبهای مسیح که بره بی‌عیب و نقص است رهایی یافتید.²⁰ او قبل از آفرینش جهان برگزیده شده بود اما به خاطر شما

1:13 قرار نیست ایمان برای ما سرگرمی باشد، بلکه تمام توجه ما در زندگی باید بر جلالی معطوف گردد که جاودانگی را با آمدن عیسی برای ما مقدر ساخته است.

1:20 عیسی پیش از تولد در قالب جسمانی وجود نداشت، اما حضورش در برنامه خدا مشخص بود، همان طور که حضور ما هست (افسیسیان 1:4).

1:22 نتیجه باور کردن «حقیقت»، عشق خالصانه به برادران ایماندارمان است؛ نمی‌توانیم «حقیقت» را شناخته و باور کنیم و در عین حال از دیگران جدا بمانیم، که در این صورت «حقیقت» را نشناخته‌ایم.

2:2 ما با تعمید دوباره متولد می‌شویم (یوحنا 3:3-5) و سپس باید مشتاقانه به دنبال شیر کلام خدا باشیم؛ باید هر چه زودتر به خواندن روزانه انجیل عادت کنیم.

معبد جدید

اما اکنون قوم خدا هستید. و مرحمت به دست نیاورده بودید اما اکنون مرحمت یافتید.

¹¹ ای عزیزان، از شما تمنا دارم در مقام ساکنین موقت و مسافر، از شهوت‌های جسمانی که علیه جان ستیز دارند پرهیز کنید. ¹² در میان غیر یهودیان رفتاری محترمانه داشته باشید تا وقتی آنها از شما به عنوان بدکاران سخن می‌گویند، اعمال نیک شما را ببینند و خدا را در روز دیدار ستایش کنند.

نگرش ما به افراد دارای قدرت

¹³ به خاطر سرور، مطیع همه احکام انسان باشید. خواه مطیع پادشاه که رهبر عالی‌قدر است، ¹⁴ خواه فرمانداران که از سوی پادشاه فرستاده شدند تا بدکاران را مجازات کنند و نیکوکاران را تحسین نمایند. ¹⁵ زیرا خواست خدا چنین است تا با نیکوکاری، جهالت انسان‌های نادان را خاموش کنید.

¹⁶ مثل انسان‌های آزاد، اما نه مثل کسانی که آزادی خود را پوشش شرارت می‌سازند بلکه مثل بندگان خدا باشید. ¹⁷ به همه انسان‌ها احترام بگذارید. برادری را دوست بدارید.

⁴ مانند سنگی زنده نزد او بیاپید که در حقیقت از سوی انسان‌ها طرد شده اما از سوی خدا برگزیده و ارزشمند شده است. ⁵ از شما به عنوان سنگ‌های زنده، خانه‌ای معنوی ساخته می‌شود تا روحانی مقدس شوید و قربانی‌های معنوی مقبول خدا را از طریق عیسی مسیح تقدیم کنید. ⁶ زیرا در کتاب مقدس نوشته شده: بنگر، سنگ اصلی زاویه را که برگزیده و گرانبها است در صهیون می‌گذارم. و هر که به او ایمان بیاورد نخواهد لغزید. ⁷ بنابراین، او برای شما ایمانداران گرانبها است. اما از نظر کسانی که نافرمان هستند، سنگی که سازندگان رد کردند، سنگ زاویه اصلی شده است؛ ⁸ سنگ لغزش و صخره گناه. زیرا با نافرمانی، با کلام خدا خواهند لغزید، اتفاقی که برای آنها رقم خورده بود.

⁹ اما شما نژادی برگزیده هستید، روحانیت شاهانه، امتی مقدس، قومی از آن خدا تا تعالی خدا، که شما را از تاریکی به سوی نور شگفت‌انگیز خود فرا خواند، را نشان دهید. ¹⁰ شما در گذشته قومی نبودید

2:5 مقصود خدا این است که باید کشیشی کنیم (9). کشیشان به دیگران خدمت کرده و آنها را برای بخشیدن به خدا آماده می‌کنند؛ این باید مرکز توجه زندگی ما باشد. اکثر مذاهب به ما می‌گویند که تنها برخی رهبران مذهبی کشیش هستند؛ اما ما همه کشیش هستیم.

2:9 اینها دقیقاً واژگانی هستند که در عهد قدیم در مورد مردم اسرائیل استفاده شد (خروج 19:6). ما با تعمید در عیسی فرزندان ابراهیم می‌شویم (غلاطیان 29-3:27)، بنابراین، یک اسرائیل معنوی جدید وجود دارد (غلاطیان 6:16). پس باید هویت ملی خود را «اسرائیل معنوی» بدانیم، نه هر ملیتی که تولد جسمانی‌مان در آن بوده است.

¹⁹ زیرا قابل ستایش است اگر کسی به خاطر آگاهی از حضور خدا، به ناحق رنج و اندوه ببیند.²⁰ زیرا چه شکوه و افتخاری دارد اگر گناه کنید و کتک بخورید و آن را تحمل کنید؟ اما اگر نیکی کنید و رنج بکشید و آن را تحمل کنید، برای خدا پسندیده است.²¹ شما برای این دعوت شده بودید. زیرا مسیح نیز به خاطر شما رنج کشید تا برای شما الگویی باشد تا قدم‌های او را دنبال کنید.²² او گناهی نکرد، و حیل‌های از دهانش شنیده نشد.²³ وقتی به او توهین شد، با توهین تلافی نکرد، وقتی رنج کشید، تهدید نکرد بلکه خود را به خدایی سپرد که با عدالت قضاوت می‌کند.²⁴ او گناهان ما را در بدنش بر روی صلیب متحمل شد تا ما پس از مُردن نسبت به گناه، برای عدالت زندگی کنیم؛ با تازیانه‌های او است که شفا یافتید.²⁵ زیرا شما مانند گوسفندان در حال گمراه شدن بودید اما اکنون به چوپان و نگهبان جان‌های خود بازگشتید.

باب 3

زنان و شوهران

به همین شکل، ای زنان، مطیع شوهران خود باشید. تا حتی اگر کسی از کلام خدا تبعیت نکند، بدون کلام، با رفتار زنانشان ایمان

از خدا بترسید. به پادشاه احترام بگذارید.

¹⁸ ای خادمان، با ترس مطیع اربابان خود باشید نه فقط مطیع آنهایی که خوب و مهربان هستند بلکه همچنین مطیع سخت‌گیران باشید.¹⁹ زیرا قابل ستایش است اگر کسی به خاطر آگاهی از حضور خدا، به ناحق رنج و اندوه ببیند.²⁰ زیرا چه شکوه و افتخاری دارد اگر گناه کنید و کتک بخورید و آن را تحمل کنید؟ اما اگر نیکی کنید و رنج بکشید و آن را تحمل کنید، برای خدا پسندیده است.²¹ شما برای این دعوت شده بودید. خواه مطیع پادشاه که رهبر عالی‌قدر است،¹⁴ خواه فرمانداران که از سوی پادشاه فرستاده شدند تا بدکاران را مجازات کنند و نیکوکاران را تحسین نمایند.¹⁵ زیرا خواست خدا چنین است تا با نیکوکاری، جهالت انسان‌های نادان را خاموش کنید.¹⁶ مثل انسان‌های آزاد، اما نه مثل کسانی که آزادی خود را پوشش شرارت می‌سازند بلکه مثل بندگان خدا باشید.¹⁷

به همه انسان‌ها احترام بگذارید. برادری را دوست بدارید. از خدا بترسید. به پادشاه احترام بگذارید.¹⁸ ای خادمان، با ترس مطیع اربابان خود باشید نه فقط مطیع آنهایی که خوب و مهربان هستند بلکه همچنین مطیع سخت‌گیران باشید.

2:21 صلیب و رنج‌های عیسی تنها برای ستایش از راه دور نیستند، مانند زمانی که تصویری را می‌ستاییم یا تاریخی دور را تحسین می‌کنیم. او الگو و الهام زندگی روزانه ما است.

3:1 پطرس اینجا در مورد ازدواج مسیحی می‌نویسد، که در آن هر دو طرف وارث بوده

یک زندگی خوشایند

⁸ و بالاخره، همه شما باید همفکر و دلسوز باشید، یکدیگر را دوست بدارید، مهربان و فروتن باشید.⁹ بدی را با بدی یا لعنت را با لعنت جواب ندهید، بلکه در عوض برکت بطلبید. برای همین دعوت شدید تا برکت را به ارث ببرید.¹⁰ زیرا آن کسی که بخواهد زندگی خوبی داشته باشد و روزهای خوبی ببیند، باید زبان خود را از بدی و لبانش را از دروغ دور کند.¹¹ و باید از شرارت روی گرداند و کار نیک کند، جویای آرامش باشد و آن را دنبال کند.¹² زیرا چشمان خداوند بر نیکوکاران است و گوش‌هایش بر دعاهایشان است؛ اما صورت خداوند از بدکاران روگردان است.

تحمل آزار و اذیت

¹³ و اگر مشتاق نیکی باشید، کیست که به شما آسیب خواهد رساند؟
¹⁴ اما حتی اگر به خاطر نیکی

آورند،² زیرا رفتار پاک و پر از خداترسی شما را می‌بینند.³ زیبایی شما نباید زیبایی ظاهری شامل آرایش مو و استفاده از جواهرات و طلا یا پوشیدن لباسی زیبا باشد؛ بلکه باید در قلب پنهان شده باشد، در لباس فناپذیر یک روح فروتن و آرام که از نظر خدا ارزش والایی دارد.⁵ زیرا بر این اساس، در گذشته، زنان مقدسی که به خدا توکل داشتند، خود را با اطاعت از شوهرانشان زیبا می‌ساختند.⁶ همان طور که ساره از ابراهیم تبعیت کرد و او را سرور خطاب می‌کرد. اگر نیکی کنید و از هیچ چیزی نترسید، شما اکنون فرزندان او هستید.
⁷ ای شوهران، به همین شکل با درک و تفاهم با زنان خود زندگی کنید و به زنان مانند ظرفی ظریف احترام بگذارید زیرا آنها نیز هم‌ارث شما در فیض حیات هستند، تا ممانعتی برای دعاهای شما ایجاد نشود.

و امید به زندگی جاودان دارند (آیه 7). او به صورت تلویحی می‌گوید که هیچ ازدواجی کامل نخواهد بود و اینکه مرد گاهی در امتحان بزرگ عشق‌ورزی به زنش شکست می‌خورد، همان طور که عیسی برای کلیسا عشق ورزید و جان داد (افسیسیان 5:25).
3:6 سارا، ابراهیم را فقط «سرور» خود می‌خواند، و این را در دل آموخته بود (پیدایش 18:12). در واقع، او این را با ناپاوری به وعده‌های خدا می‌گفت، در دل فکر می‌کرد وعده خدا برای فرزند داشتن او و ابراهیم محقق نمی‌شود، چون «سرورش» بسیار پیر و ناتوان بود (رومیان 4:19). بنابراین، می‌پذیریم که معنویت و ضد معنویت ممکن است همزمان در دل ایمانداران وجود داشته باشند؛ و اینجا خدا است که انتخاب می‌کند بر جنبه مثبت متمرکز گردد. مثبت‌اندیشی وی نسبت به فرزندان برای ما یک الگو است، و نیز مایه راحتی خیال.

3:7 اینجا پطرس فرض می‌کند که شوهران و زنان ایماندار به طور منظم با هم دعا می‌کنند؛ اگرچه این دعاها در صورت وجود اختلاف در زندگی زناشویی، قدرت خود را از دست می‌دهند.

امتحان وجدانی پاک در برابر خدا از طریق رستاخیز عیسی مسیح است.²² او دست راست خدا است و به آسمان رفته و فرشتگان و قدرت‌ها و قوت‌ها مطیع او گشته‌اند.

باب 4

زندگی برای خدا

پس چون مسیح در جسم رنج کشید، خودتان را با همین ذهنیت آماده کنید. زیرا کسی که در جسم رنج دید، دیگر گرفتار گناه نمی‌شود.² شما دیگر نباید بقیه زندگی خود را مطابق با شهوات انسانی در جسم بگذرانید، بلکه باید مطابق با اراده خدا زندگی کنید.³ زیرا ما به اندازه کافی در گذشته مطابق با اراده غیر یهودیان زندگی کردیم وقتی در فحشا، شهوت، مستی، عیاشی، مهمانی‌های شرابخواری و بت‌پرستی‌های منفور زندگی می‌کردیم.⁴ درباره این مسائل، آنها عجیب می‌دانند که در طوفان عیاشی آنها را همراهی نمی‌کنید، و به همین دلیل از شما بدگویی می‌کنند.⁵ شما به کسی حساب پس خواهید داد که آماده قضاوت درباره زندگان و مردگان است!⁶

رنج بکشید، برکت یافته‌اید. و از تهدیدهایشان نترسید، نگران نباشید،¹⁵ بلکه در دل‌های خود مسیح را به عنوان سرور تقدیس کنید، همیشه آماده پاسخ‌دهی به هر انسانی باشید که علت امیدی که در شما است را جویا می‌شود، البته با فروتنی و خداترسی.¹⁶ وجدانی پاک داشته باشید تا هر وقت علیه شما سخنی گفته می‌شود، کسانی که به روش نیک زندگی شما در مسیح توهین می‌کنند، شرمسار گردند.¹⁷ زیرا اگر اراده خدا چنین می‌خواهد، بهتر است برای نیکوکاری رنج ببینید تا برای بدکاری.¹⁸ زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید، یعنی فردی نیکوکار برای بدکاران رنج دید تا ما را نزد خدا بیاورد؛ جسمش مُرد، اما روحش زنده است.

¹⁹ و با روح خود نیز رفت و به ارواح زندانی موعظه کرد،²⁰ ارواحی که قبلاً هنگامی که در ایام نوح، خدا با برده‌باری در حین آماده شدن کشتی منتظر بود، نافرمان بودند. که در آن جان‌های کمی یعنی فقط هشت جان از آب نجات یافتند.²¹ این در حقیقت مشابه زمانی است که تعمید، شما را اکنون نجات می‌دهد: نه این که کثیفی جسم را بشوید، بلکه نشان از

3:21 بنابراین، تعمید با رستگاری مرتبط است؛ ما با بودن در مسیح، وجدانی پاک در برابر خدا داریم، چون تمام گناهان ما واقعاً بخشیده شده و ما به واسطه ایمان به او، فرزندان بی همتای سرورمان عیسی مسیح به شمار می‌آییم.

4:4 نباید تعجب کنیم اگر جهانیان ما را عجیب بدانند و حتی با ما برخوردی تند داشته باشند، وقتی حاضر نیستیم مانند آنها اعمال گناه‌آمیز انجام دهیم. آنچه آنها درک نمی‌کنند این است که ما باید برای زندگی خود به خدا حساب پس بدهیم، در حالی که آنها تنها زندگی می‌کنند و برای ابد می‌میرند (5).

برایتان رخ داده.¹³ بلکه به همان اندازه که در رنج‌های مسیح شریک هستید، خوشحال باشید! که در ظهور شکوه او، شما نیز شادمان باشید.¹⁴ اگر به خاطر اسم مسیح ملامت شدید، تبرک یافته‌اید؛ زیرا روح جلال و روح خدا در شما ساکن است.¹⁵ اما هیچ یک از شما نباید به عنوان قاتل، دزد، بدکار، یا فضول رنج ببیند.¹⁶ اما اگر هر کسی به عنوان یک مسیحی رنج ببیند، نباید شرمسار باشد بلکه باید خدا را با این اسم ستایش کند.

¹⁷ زیرا زمان داوری در خانه خدا آغاز می‌شود و اگر ما اول قضاوت شویم، عاقبت کسانی که بشارت خدا را تبعیت نمی‌کنند چه خواهد بود؟¹⁸ و اگر نیکوکاران به سختی نجات می‌یابند، پس جای بی‌ایمانان و گناهکاران کجاست؟¹⁹ بنابراین، کسانی که حسب اراده خدا رنج می‌کشند، باید جان‌های خود را در نیکوکاری به خالق وفادار بسپارند.

باب 5

بزرگان کلیسا

ای پیشوایان از شما تمنا دارم (من) هم از بزرگان هستم و شاهد رنج‌های مسیح و در جلالی که آشکار خواهد

زیرا بشارت بدین منظور به کسانی که اکنون مرده‌اند موعظه شد تا آنها مانند انسان‌ها در جسم داوری شوند، اما مطابق با خدا در روح زندگی کنند.

⁷ اما پایان همه چیز نزدیک است. بنابراین، ذهنی سالم داشته باشید و در دعا هوشیار باشید،⁸ و از همه مهم‌تر در عشق بین خود مشتاق باشید. زیرا عشق، گناهان بسیاری را می‌پوشاند.⁹ بدون گله و شکایت نسبت به هم مهمان‌نواز باشید،¹⁰ مطابق با نعمتی که هر یک دریافت کرده‌اید، به عنوان خادمی که فیض‌های مختلف خدا را دارند، با آن نعمت به دیگران خدمت کنید.¹¹ اگر کسی سخن می‌گوید، طوری حرف بزند که گویی از خدا الهام گرفته است. اگر کسی خدمت می‌کند، طوری خدمت کند که گویی توانایی‌اش را از خدا می‌گیرد تا خدا در همه امور از طریق عیسی مسیح جلال یابد. ستایش و حاکمیت تا ابد به او تعلق دارد. آمین.

دلگرمی برای روزهای آخر

¹² ای عزیزان، از آزمایشی آتشین که برای امتحان کردن شما است تعجب نکنید، گویی اتفاق عجیبی

4:10 هر هدیه‌ای از خدا دریافت کنیم، باید همان را به دیگران بدهیم. این هدایا ممکن است مالی نباشند؛ اما فقرا نباید فکر کنند هیچ هدیه‌ای به آنها نرسیده است. ما همه از سوی خدا هدایایی دریافت کرده‌ایم.

4:19 در عین حال که باید از رستگاری نهایی خود در نتیجه جلال خدا مطمئن باشیم، همواره باید بدانیم که ارزش آن را هم نداریم؛ پس تنها به خاطر جلال است که نجات می‌یابیم. و این باید برای ما فروتنی در رابطه با دیگران را به دنبال داشته باشد.

⁸ هوشیار و مواظب باشید. دشمن شما ابلیس مثل شیری غران قدم می‌زند و در پی کسی است تا او را ببلعد. ⁹ در ایمان خود استوار بایستید و بدانید که برادران شما هم که در این جهان هستند همین رنج‌ها را تجربه می‌کنند. ¹⁰ و خدای همه فیض‌ها که شما را به شکوه ابدی خود در مسیح دعوت کرد، پس از آن که کمی رنج بردید، خودش شما را به کمال خواهد رساند، استوار و قوی خواهد کرد. ¹¹ قدرت تا ابد بر او باد. آمین.

¹² به کمک سیلوانس، برادر وفادار ما که به او اعتماد دارم، برای شما مختصری نوشتم و شما را تشویق کردم و شهادت دادم که این، فیض حقیقی خدا است. در آن استوار بمانید!

¹³ آن کسی که در بابل است و با شما برگزیده شده است، به شما سلام می‌رساند، همچنین پسر مرقس.

¹⁴ به یکدیگر با بوسه عشق سلام دهید. آرامش و صلح بر همه شما باد که در مسیح هستید.

شد سهیم خواهم بود)، ² از گله خدا که در میان شما است مواظبت کنید و بر آنها نظارت داشته باشید، نه از روی اجبار بلکه با میل خود، طبق خواست خدا؛ نه برای سود و منفعتی نادرست بلکه از روی اشتیاق. ³ به کسانی که به شما سپرده شده‌اند حکمرانی نکنید بلکه خود را الگویی برای گله قرار دهید. ⁴ و وقتی چوپان اصلی ظاهر خواهد شد، شما نیز تاج جلال را به دست خواهید آورد که هرگز از بین نخواهد رفت.

⁵ به همین شکل ای جوانان، مطیع بزرگان باشید. آری، کمر تواضع را به خود ببندید تا به یکدیگر خدمت کنید. زیرا خدا با مغروران مخالفت می‌کند اما به فروتنان فیض می‌بخشد. ⁶ بنابراین، زیر دست قدرتمند خدا فروتن باشید تا او شما را در زمان معین متعالی کند؛ ⁷ و تمام اضطراب خود را به وی بسپارید، زیرا او به فکر شما است.

استوار بایستید

5:2 شبانی گله نباید هرگز به انگیزه پول یا سود مالی صورت گیرد.

5:4 پاداش زمانی داده می‌شود که عیسی بازگردد، در رستاخیز؛ به آسمان رفتن پس از مرگ از تعالیم انجیل نیست.

5:8 به نظر می‌رسد در اینجا «ابلیس» یا «مدعی کاذب» به قدرتی اشاره داشته باشد که موجب «رنج» برای مسیحیانی می‌شد که پطرس برایشان می‌نویسد (9)؛ و این به روشنی یعنی امپراطوری روم و نه یک موجود فراطبیعی.

5:9 آنچه در رنج‌ها به ما قدرت می‌دهد این است که بدانیم آنها تنها مختص ما نیستند، بلکه جایی، ایماندار دیگری نیز دچار همین رنج‌ها است. به این دلیل است که همراهی مسیحی و درگیری معنادار با سایر ایمانداران در سطح معنوی و نه جسمانی، می‌تواند چنین قدرتی را ایجاد کند.

دوم پطرس

باب 1

رشد معنوی

⁸ زیرا اگر این‌ها از آن شما و به وفور باشند، باعث می‌شوند در معرفت دقیق و درست سرورمان عیسی مسیح، نه بی‌حرکت بمانید و نه بی‌ثمر. ⁹ زیرا آن کسی که این‌ها را ندارد، کور است، و فقط هر چه در نزدیکی است می‌بیند، و پاک شدن از گناهان گذشته خود را فراموش کرده است. ¹⁰ پس ای برادران، کوشش بیشتر کنید تا دعوت و برگزیدگی شما مسلم شود. زیرا اگر این کارها را انجام دهید، هرگز لغزش نخواهید داشت. ¹¹ زیرا بدین ترتیب، ورودی توانمندانه به ملکوت جاودانه سرور و ناجی‌مان عیسی مسیح خواهید داشت.

قطعیّت حقیقت

¹² بنابراین، همواره آماده خواهیم بود تا این‌ها را به شما یادآور شوم، گرچه خود از آنها مطلع هستید و در حقیقتی که همراه شما است استوار گشته‌اید. ¹³ و به نظرم تا وقتی در این خیمه هستم، کار درست این است که با یادآوری، شما را به حرکت در آورم. ¹⁴ زیرا می‌دانم که به زودی خیمه را ترک خواهم کرد همان طور که سرورمان عیسی مسیح به من نشان داد. ¹⁵ آری، تلاش

از طرف شمعون پطرس، یکی از خادمان و حواریون عیسی مسیح به کسانی که در عدالت خدای ما و ناجی ما عیسی مسیح، با ما همان ایمان ارزشمند را به دست آورده‌اند. ² فیض و آرامش دو چندان در معرفت خدا و عیسی سرورمان بر شما باد.

³ قدرت الهی هر آنچه برای زندگی و ایمانداری لازم است را به ما عطا کرد به واسطه معرفت دقیق و درست خدا که ما را با شکوه و فضیلت خویش فرا خواند. ⁴ بدین وسیله او وعده‌های بسیار ارزشمند و بزرگ خود را به ما عطا کرد تا از طریق این وعده‌ها در ماهیت الهی او سهیم شوید و از فسادی که از شهوت در جهان است خلاصی یابید.

⁵ آری، و به همین دلیل باید به سهم خود تمام تلاش و کوشش خود را نشان دهید؛ به ایمان خود فضیلت ببخشید و به فضیلت خود معرفت. ⁶ و به معرفت خود، خویش‌ن‌داری، و به خویش‌ن‌داری خود صبر، و به صبر خود خداپرستی. ⁷ و به خداپرستی خود، مهربانی برادرانه و به مهربانی برادرانه خود، عشق.

1:3 «شناخت دقیق او» بسیار اهمیت دارد؛ بنابراین، مهم است که ما چه ایمان و درک و چگونه ایمان و درکی از خدا و کلامش داریم. منظور این نیست که درک به خودی خود مهم است؛ بلکه این «درک و شناخت صحیح» برای خدایی بودن در عمل مفید واقع می‌شود. این دانش در عمل به ثمر می‌نشیند (8).

1:5, 6 همان طور که زندگی معنوی مسیر رو به بالا دارد، مسیر رو به پایین نیز دارد. یک قدرت معنوی به قدرت معنوی دیگر مرتبط بوده و منتهی می‌شود.

برخاستند همان طور که در میان شما نیز معلمان دروغین خواهند برخاست که در خفا بدعت‌های تخریب‌گر می‌آورند و حتی استادی را که آنها را خرید انکار خواهند کرد و به سرعت خود را نابود خواهند کرد.² و بسیاری راه‌های مخرب آنها را دنبال خواهند کرد و به خاطر آنها راه حقیقت مورد اهانت قرار خواهد گرفت.³ و با طمع، شما را با سخنان جعلی خواهند خرید. مجازات آنها که از قدیم تعیین شده طولی نمی‌کشد و نابودی آنها خوابیده نیست.

نمونه‌های عهد قدیم از قضاوت

⁴ زیرا اگر خدا به فرشتگان گناهکار رحم نکرد بلکه آنها را به جهنم انداخت و به گودال‌های تاریکی سپرد تا برای قضاوت نگه داشته شوند؛⁵ و به دنیای قدیم رحم نکرد بلکه نوح را که موعظه‌گر عدالت بود، با هفت نفر دیگر نجات داد و وقتی سیلی را در دنیای بی‌ایمانان به راه انداخت؛⁶ و شهرهای سدوم و غموره را به خاکستر تبدیل کرد و آنها را به نابودی محکوم ساخت تا آنها برای کسانی که با بی‌ایمانی زندگی می‌کنند، درس عبرتی باشند؛⁷ و لوط نیکوکار را که از رفتار

خواهم کرد در هر زمان بتوانید پس از مرگم این‌ها را به خاطر بیاورید.¹⁶ زیرا وقتی قدرت و ظهور سرورمان عیسی مسیح را به شما اعلام کردیم، افسانه‌هایی را که با حيله‌گری ساخته شده‌اند دنبال نکردیم بلکه شاهدان عینی کبریا می‌او هستیم.¹⁷ زیرا او از خدای پدر، افتخار و شکوه دریافت کرد که با چنین صدایی از جلال متعالی به او تسلیم شد: این پسر عزیز من است که از او بسیار خشنودم.¹⁸ و وقتی با او در کوه مقدس بودیم، این صدا را شنیدیم که از آسمان آمد.

¹⁹ و کلام نبوت برای ما قطعیت بیشتری یافت؛ که مانند چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد خوب است به آن توجه کنید تا روز روشن شود و ستاره صبح در دل‌هایتان طلوع کند.²⁰ اما اول این را بدانید که پیشگویی کتاب مقدس، تفسیر شخصی ندارد.²¹ زیرا هیچ نبوتی با اراده انسان نیامده بلکه انسان‌ها تحت تأثیر روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.

باب 2

معلمان دروغین

اما انبیای دروغین در میان مردم

1:21 انجیل با الهام خدا نوشته شد- نویسندگان تحت تأثیر روح القدس قرار می‌گرفتند و کلامی که می‌نوشتند تنها نظرات شخصی آنها نبود، بلکه کلام خدا بود. این دلیل اهمیت انجیل و خواندن روزانه آن است. کلام خدا باید چراغ راه ما در تیرگی این جهان باشد، تا «روزی» که طلوع بازگشت عیسی است (19:).

2:1 در میان قوم- قوم اسرائیل. نمونه‌های این باب از تاریخ اسرائیل در عهد قدیم گرفته شده‌اند. «فرشتگانی» که گناه کردند و به زمین فرستاده شدند به افرادی اشاره دارد که فریب رسول کاذب، قورح را خوردند که در زمین بلعیده شد (اعداد 16:32).

می‌برند، لکه‌ها و عیب‌هایی هستند که وقتی با شما در ضیافت هستند، از فریبکاری لذت می‌برند.

¹⁴ چشمان آنها مملو از زناکاری است، نمی‌توانند دست از گناه بکشند، جان‌های بی‌ثبات را اغوا می‌کنند؛ قلبشان با طمع ورزیده شده و فرزندان لعنت هستند. ¹⁵ آنها راه راست را ترک کردند و گمراه شدند و راه بلعام، پسر بصور را دنبال کردند که مزد خطاکاریش را دوست داشت. ¹⁶ اما به خاطر خطای خود سرزنش شد زیرا الاغ زبان‌پسته‌ای با صدای یک انسان سخن گفت و مانع دیوانگی آن پیامبر شد.

¹⁷ این‌ها چشمه‌های بدون آب و ابرهایی هستند که طوفان آورده؛ که سیاهی تاریکی برای آنها نگه داشته شده است. ¹⁸ زیرا وقتی سخنان تکبرآمیز و پوچ به زبان می‌آورند، با شهوت جسمانی و فحشا، کسانی را که در حقیقت از زندگی پر از خطا گریخته‌اند منحرف می‌سازند؛ ¹⁹ و به آنها وعده‌رهایی می‌دهند در حالی که در حقیقت برده فساد هستند. زیرا انسان بنده همان کسی می‌شود که بر او غلبه کرده است. ²⁰ زیرا اگر پس از گریختن از آلودگی‌های جهان از طریق

کثیف‌شیران پریشان بود نجات داد ⁸ (زیرا آن مرد نیکوکار در میان آنها زندگی می‌کرد و با دیدن و شنیدن یاغی‌گری آنها، روح عادل او هر روز شکنجه می‌دید): ⁹ بنابراین، خداوند می‌داند چگونه باایمانان را از وسوسه نجات دهد و بدکاران را تا روز قضاوت تحت مجازات نگه دارد.

ویژگی‌های معلمان دروغین

¹⁰ سرکرده این‌ها کسانی هستند که بر حسب جسم با شهوت و آلودگی رفتار می‌کنند و قدرت را خوار می‌شمارند. آنها جسور و خودخواه هستند و از بدگویی درباره اشخاص بزرگ نمی‌ترسند. ¹¹ در حالی که فرشتگان با این که قدرت بزرگتری دارند، جرأت ندارد در حضور خداوند اتهام زیان‌آوری را علیه آنها وارد کنند.

¹² اما این‌ها مانند موجوداتی بی‌منطق، به دنیا آمده‌اند که مثل حیوانات شکار و نابود شوند، درباره اموری که از آن ناآگاه هستند توهین‌آمیز سخن می‌گویند؛ و در نابودگری خود قطعاً نابود خواهند شد، ¹³ و در ازای بدی‌های خود بدی خواهند دید. از عیاشی در روز لذت

2:7 از عهد قدیم این برداشت را داریم که لوط از نظر معنوی ضعیف داشت؛ اما باید در قضاوت شخصیت‌های انجیل مراقب باشیم، چون اینجا می‌خوانیم که لوط در واقع نیکوکار بود، و اگرچه در زندگی سدوم درگیر شد، عمیقاً برای شرارت آنها اندوهگین شد. او نمونه‌ای از وفادارانی بود که در روزهای آخر در زمان خود، زندگی می‌کرد (لوقا 17:28-32).

2:14 دلی- انجیل از «دل» برای اشاره به ذهن استفاده می‌کند. ذهن ما با الگوهای ثابت فکر می‌کند؛ ما باید آن را تمرین دهیم، اما نه با افکار غیرمعنوی.

شده به یاد داشته باشید.

³ اول بدانید که در روزهای آخر استهزا کنندگان با تمسخر خواهند آمد و با پیروی از شهوت‌های خود،⁴ خواهند گفت: وعده ظهور او کجا است؟ زیرا از روزی که اجداد به خواب رفته‌اند، همه چیز همان طور که در آغاز آفرینش بود پیش رفته است.

قضایوت در آینده

⁵ زیرا آنها عمداً این را فراموش می‌کنند که به کلام خدا، آسمان‌ها از قدیم بود و زمین از آب بود و از آب استوار گردید؛⁶ یعنی دنیایی که آن موقع وجود داشت با سیل از بین رفت.⁷ اما آسمان‌ها که اکنون هستند و زمین، به همین کلام برای آتش ذخیره شدند و برای روز قضایوت و نابودی انسان‌های بی‌ایمان نگه داشته شدند.

⁸ اما ای عزیزان، این موضوع

معرفت و سرور عیسی مسیح، دوباره در آنها گیر بیفتد و مغلوب شود، پایان وی از آغاز بدتر خواهد بود.²¹ زیرا برای وی بهتر بود راه عدالت را نمی‌شناخت تا این که پس از شناختن آن از دستور مقدسی که به او داده شده روی گرداند.²² اتفاقی که برای این گونه افراد افتاد درستی این ضرب‌المثل را اثبات کرد: سگ به استفراغ خود بازمی‌گردد و خوک پس از شسته شدن به غوطه‌ور شدن در گل و لای.

باب 3

پیشگویی روزهای آخر

ای عزیزان، این دومین نامه‌ای است که برای شما می‌نویسم؛ و در هر دو نامه با یادآوری مطالب زیر، ذهن پاک شما را بر می‌انگیزم:² این که باید کلامی را که قبلاً از سوی انبیای مقدس و نیز احکام خدا و ناجی که به وسیله حواریون اعلام

2:21 این ثابت می‌کند که چیزی تحت عنوان رستگاری عمومی نداریم و همچنین «یک بار نجات یعنی نجات برای همیشه» نیز درست نیست. ما که ایمان آورده‌ایم، احتمال قصور داریم و همواره باید از این مسئله آگاه باشیم.

3:1 یادآوری یک نکته مهم در نامه‌های پطرس است. به نظر می‌رسد که مخاطبین اولیه او انجیل را شنیدند، اما در حال فراموش کردن بودند؛ این مشکل در مورد نوشته‌های پولس نیز دیده می‌شود. ما باید به طور منظم اصول بنیادین انجیل را به خود یادآوری کنیم.

3:6, 7 در نتیجه سیل زمین نابود نشد، بلکه سیستم شریر بشری روی زمین نابود گردید. «آسمانها و زمین» عبارتی است در انجیل که برای اشاره به مجموعه‌ای از چیزها به کار می‌رود - حاکمان به آسمان تشبیه شده‌اند مثلاً خورشید، ماه و ستارگان به پدران اسرائیل اشاره دارند؛ و زمین به مردم معمولی بر می‌گردد. منظور این نیست که زمین و آسمان، در معنای تحت‌اللفظی خود، نابود می‌شوند (جامعه 1:4)، بلکه مجموعه‌ای از انسانهای شریر که اکنون در آنجا هستند، از بین خواهند رفت. بنابراین، آسمان‌ها و زمین جدید «پارسا» خواهند بود (آیه 13).

آن عدالت ساکن است.

¹⁴ بنابراین، ای عزیزان، وقتی دنبال این چیزها هستید، کوشش کنید که در صلح باشید و از نظر او بدون لکه و بدون عیب باشید.¹⁵ و بدانید که بردباری خداوند ما، نجات است. همان طور که برادر عزیزمان پولس حسب حکمتی که به او عطا شده برای شما نوشت؛¹⁶ و در تمام نامه‌هایش از این امور سخن گفته است. در نامه‌هایش، مطالبی هستند که فهم آنها دشوار است که جاهلان و سست‌ایمانان آن را مانند کتاب‌های مقدس دیگر تحریف می‌کنند تا نابودی خود را رقم بزنند.¹⁷ بنابراین ای عزیزان، شما که از قبل این مسائل را می‌دانید، بر حذر باشید تا مبدا با خطای شریران منحرف شوید و ثابت‌قدمی خود را از دست بدهید.¹⁸ بلکه در فیض و معرفت سرور و ناجی ما عیسی مسیح رشد کنید. اکنون و تا ابد جلال بر او باد. آمین.

را فراموش نکنید که یک روز با خداوند مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز است.⁹ خداوند آن طور که بعضی‌ها فکر می‌کنند، وعده‌اش را فراموش نکرده، بلکه نسبت به شما بردبار است و دوست ندارد کسی هلاک شود بلکه دوست دارد همه برای توبه بیایند.

¹⁰ اما روز خداوند مانند دزد ناگهان می‌آید. سپس آسمان‌ها با صدایی بزرگ از بین خواهند رفت و عناصر با گرمایی سوزان نابود خواهند شد و زمین و همه کارهایی که در آن هست خواهند سوخت.

¹¹ وقتی می‌بینید که این‌ها از بین خواهند رفت، باید افرادی با زندگی مقدس و خداپرست باشید.¹² باید مشتاقانه در انتظار و خواستار از راه رسیدن روز خدا باشید که در آن آسمان‌هایی که آتش گرفته‌اند از بین خواهند رفت و عناصر با گرمایی سوزان ذوب خواهند شد.¹³ اما طبق وعده او، ما به دنبال آسمان‌های جدید و زمینی جدید می‌گردیم که در

3:15 این آیه به همراه آیه 9 می‌توانند به این معنی باشند که خدا بازگشت مسیح را به تأخیر می‌اندازد، چون بسیار مشتاق توبه کردن انسانها است، تا جایی که ممکن است تعداد بیشتری از آنها برای ابد در ملکوت او زندگی کنند. بنابراین، ما باید نه تنها توبه کنیم، تا بازگشت عیسی تسریع شود (11، 12)، بلکه باید انجیل را برای دیگران اشاعه کنیم؛ و در نتیجه آمدن دوم را نیز سرعت بخشیم (متی 24: 14).

اول یوحنا

باب 1

پیش‌درآمد

از همه گناهان پاک می‌سازد.⁸ و اگر بگوییم که گناهی نکرده‌ایم، خودمان را فریب می‌دهیم و حقیقت در ما نیست.⁹ اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، خدا آنقدر وفادار و عادل است که گناهان ما را می‌بخشد و ما را از همه خطاهایمان پاک می‌سازد.¹⁰ و اگر بگوییم که گناه نکرده‌ایم، خدا را دروغگو شمردیم و کلام او در ما نیست.

باب 2

ای فرزندان کوچکم، این‌ها را برای شما می‌نویسم تا گناه نکنید. و اگر کسی گناه کند، شفיעی نزد پدر داریم، یعنی عیسی مسیح عادل.² و او کفاره گناهان ما است، و نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه جهان.³ و بدین صورت است که واقعاً می‌فهمیم که او را حقیقتاً می‌شناسیم: در صورتی که احکام او را به جا آوریم.⁴ کسی که می‌گوید: من او را می‌شناسم ولی احکام او را به جا نیاورد، دروغگو است و حقیقت در او نیست.⁵ اما کسی که کلام او را به جا می‌آورد، عشق خدا در او حقیقتاً به کمال رسیده است. بدین صورت است که می‌فهمیم در او هستیم.

درباره کلمه حیات، که از آغاز وجود داشته، که شنیده‌ایم، که با چشمان خود دیده‌ایم، که دیدیم و دست‌انمان آن را لمس کرد.² زندگی ظاهر شد و ما زندگی را دیده‌ایم و به آن شهادت می‌دهیم و به شما اعلامش می‌کنیم، زندگی جاودانه که با پدر وجود داشته و بر ما ظاهر شد.³ هر چه دیده و شنیده‌ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم تا شما نیز با ما همراه شوید. آری، و ما با پدر و پسرش عیسی مسیح همراه هستیم.⁴ و این‌ها را می‌نویسیم تا شادی شما کامل گردد.

زندگی در نور

⁵ و این پیامی است که از او شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌کنیم: که خدا نور است و در او به هیچ وجه تاریکی نیست.⁶ اگر بگوییم که با او همراه هستیم و در تاریکی راه می‌رویم، دروغ می‌گوییم و به راستی عمل نمی‌کنیم.⁷ اما اگر در روشنایی راه برویم، همان طور که خدا در نور است، با یکدیگر همراه هستیم و خون عیسی پسرش ما را

1:3 رفاقت درست مسیحی بر اساس یک باور مشترک در انجیل بنا شده که هم عیسی و هم یوحنا آن را موعظه کردند و بر اساس آن زیستند (آیه 7). رفاقت مسیحی آن گونه که یوحنا از آن سخن می‌گوید، دوستی اجتماعی نیست، اگرچه ممکن است آن را هم شامل شود.

1:10 هرچه کلام خدا بیشتر در ما نفوذ کند، بیشتر از گنه‌کاریمان و در نتیجه از جلال و قطعیت نجات توسط خداوند آگاه می‌شویم.

نحوه زندگی در نور

⁶ آن کسی که می‌گوید در او زندگی می‌کند باید مثل خود او رفتار کند.⁷ ای عزیزان، فرمان جدید را برای شما نمی‌نویسم بلکه این فرمانی است قدیمی که از آغاز با شما بود. فرمان قدیمی، کلامی است که شنیدید.⁸ اما اکنون، فرمانی جدید را می‌نویسم که در او و در شما حقیقت است. زیرا تاریکی از بین می‌رود و نور حقیقی می‌تابد.

⁹ کسی که می‌گوید در نور است و از برادرش بیزار است، در تاریکی باقی می‌ماند.¹⁰ کسی که برادرش را دوست می‌دارد در نور ساکن است و هیچ گاه لغزش نخواهد خورد.¹¹ اما کسی که از برادرش بیزار است در تاریکی است و در تاریکی زندگی می‌کند و نمی‌داند به کجا می‌رود زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است.

مطلبی برای همه و در هر سنی

¹² ای فرزندانم به شما می‌نویسم زیرا گناهان شما به خاطر اسم او بخشیده شده‌اند.

¹³ ای پدران، به شما می‌نویسم زیرا او را که از ازل بوده می‌شناسید.

ای جوانان به شما می‌نویسم زیرا بر شریر فائق آمدید. به همه شما فرزندانم می‌نویسم زیرا شما پدر را می‌شناسید.

¹⁴ به شما پدران نوشته‌ام زیرا شما او را که از ازل بوده می‌شناسید. به شما جوانان می‌نویسم زیرا شما قوی هستید و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر فائق آمدید.

¹⁵ نه دنیا را دوست بدارید و نه مال دنیا را. اگر کسی عاشق دنیا باشد، عشق پدر در او نیست.¹⁶ زیرا هر چه در دنیا است، شهوت جسمانی و شهوت چشم‌ها و شکوه باطل زندگی، از پدر نیست بلکه از دنیا است.¹⁷ و دنیا و شهوت آن از بین می‌رود اما کسی که خواست خدا را انجام می‌دهد تا ابد باقی است.

ضد مسیحان

¹⁸ ای فرزندانم، ساعت آخر فرا رسیده است؛ و همان طور که شنیدید ضد مسیح در این ساعت می‌آید و حتی اکنون نیز ضد مسیحان بسیاری برخاسته‌اند. که از روی آن می‌فهمیم که ساعت آخر فرا رسیده است.¹⁹ آنها از بین ما رفتند اما آنها از ما نبودند. زیرا اگر از ما بودند،

2:10 تلخی با رفقای ایماندارمان مانعی در مسیر معنوی ما ایجاد می‌کند که می‌تواند به قیمت جایگاهمان در ملکوت خدا تمام شود. ما باید بلافاصله تمام تلخی‌ها را دور بریزیم (افسیسیان 4:31).

2:12 بخشش از طریق تعمید به نام عیسی فراهم است، چون نام او شخصیت اوست، و اگر ما در او باشیم به حساب ما هم نوشته خواهد شد. بنابراین، گناهان ما قابل دیدن نیستند، آن گونه که برای دوری خدا هستند.

2:19 ما هرگز نباید از کسانی باشیم که از میان رفقای ایماندارمان «بیرون می‌رویم». آنها ممکن است از میان ما بروند یا ما را جدا کنند، اما این گناه آنها است؛ ما نباید کسی باشیم که نفاق می‌افکند.

شما تعلیم می‌دهد و حقیقت دارد و دروغی در آن نیست و چنان که به شما تعلیم داد، در او بمانید.

²⁸ و ای فرزندان کوچک، در او بمانید. تا وقتی ظاهر می‌شود، در حضور او هنگام ظهورش جسارت داشته باشیم نه این که شرمسار باشیم. ²⁹ اگر می‌دانید که او عادل است، می‌دانید که هر کسی که نیکی می‌کند نیز از او متولد شده است.

پاب 3

فرزندان خدا

ببینید چه عشقی پدر به ما بخشیده که باید فرزندان خدا نامیده شویم. و در حقیقت هم چنین هستیم! به همین دلیل، دنیا ما را نمی‌شناسد زیرا او را نشناخته است. ² ای عزیزان، اکنون ما فرزندان خدا هستیم؛ و هنوز آشکار نشده که قرار است چه باشیم. می‌دانیم که وقتی ظاهر خواهد شد، مانند او خواهیم شد؛ زیرا او را همان طور که هست خواهیم دید. ³ و هر کس که این امید را دارد خود را پاک می‌کند، همان طور که او پاک و خالص است.

با ما ادامه می‌دادند؛ اما آنها رفتند تا آشکار شود که این‌ها هیچ کدام از ما نیستند.

²⁰ و شما از یگانه مقدس، تدهین شدید و همه این‌ها را می‌دانید. ²¹ برای شما به این خاطر ننوشتیم که حقیقت را نمی‌دانید، بلکه به این خاطر که حقیقت را می‌دانید! و به این خاطر حقیقت، دروغی ندارد.

²² دروغگو کیست به جز آن که انکار می‌کند که عیسی مسیح است؟

ضد مسیح این است: آن کسی که پدر و پسر را انکار می‌کند. ²³ هر که

پسر را انکار کند، پدر را ندارد. آن کسی که به وجود پسر اعتراف کند،

پدر را نیز دارد. ²⁴ شما نیز بگذارید آنچه از ازل شنیده‌اید در شما ساکن

باشد. اگر آنچه از ازل شنیده‌اید در شما ساکن باشد، شما نیز در پسر و

در پدر خواهید ماند. ²⁵ و این وعده‌ای است که به ما داده - حیات جاودانه.

²⁶ این‌ها را درباره کسانی می‌نویسم که می‌خواهند شما را گمراه کنند.

²⁷ و در مورد شما نیز، باید بگویم مسیحی که از او دریافت کردید در

شما باقی می‌ماند و نیازی نیست کسی به شما تعلیم دهد. اما همان

طور که مسح او همه چیز را به

2:28 «اطمینان» همان واژه یونانی است که جاهای دیگر نیز در مورد «مطمئن» بودن

یا اعتماد داشتن هنگام ایستادن در حضور خدا و در زمان دعا، دیده‌ایم (افسیسیان 3:19؛

عبرانیان 4:16). بنابراین، نگرش ما به پدر و پسر در دعاهايمان، امروز همان نگرشی است که باید به آنها داشته باشیم، وقتی در روز داوری در برابرشان می‌ایستیم. این دلیل

بیشتری برای مذاقه در خود به ما می‌دهد.

3:2 این تنها جاودانگی زندگی ملکوتی نیست که باید چشم انتظارش باشیم؛ بزرگترین نکته این است که ما مانند عیسی خواهیم بود، کامل، در همه حال.

3:3 اگر واقعاً باور داشته باشیم که در ملکوت خواهیم بود، این ایمان ما را به سمت تغییرات عملی و خلوص در این زندگی سوق می‌دهد - کاملاً طبیعی.

از ابتدا شنیدید که باید یکدیگر را دوست بداریم.¹² نه مانند قابیل که از شیطان بود و برادرش را کشت. و چرا او را کشت؟ زیرا کارهای او شیطانی و کارهای برادرش نیک بود.

عشق حقیقی

¹³ ای برادران، تعجب نکنید اگر مردم دنیا از شما متنفر هستند.¹⁴ می‌دانیم که از مرگ به زندگی عبور کردیم زیرا برادران را دوست داریم. آن کسی که دوست ندارد، در مرگ ساکن است.¹⁵ هر کسی که از برادرانش متنفر است قاتل است و می‌دانید که هیچ قاتلی زندگی جاودانه‌ای نخواهد داشت.¹⁶ بدین وسیله عشق را می‌شناسیم زیرا او زندگی‌اش را فدای ما کرد؛ و ما باید زندگی‌مان را فدای برادرانمان کنیم.¹⁷ اما هر کسی که اموال دنیا را دارد و می‌بیند که برادرانش محتاج هستند و محبت خود را از آنها دریغ می‌کند، چگونه عشق خدا در او ساکن شود؟

¹⁸ ای فرزندانم، نه در حرف یکدیگر را دوست بداریم و نه به زبان، بلکه در عمل و حقیقت.¹⁹ این گونه خواهیم دانست که از حقیقت هستیم و دلمان را در حضور

⁴ هر کس که همچنان به گناهکاری ادامه می‌دهد بر خلاف شریعت عمل می‌کند زیرا گناه یعنی نقض شریعت.⁵ و شما می‌دانید که او ظاهر شد تا گناهان را از بین ببرد؛ زیرا در او گناهی نیست.⁶ هر که در او ساکن است دیگر به گناهکاری ادامه نمی‌دهد. هر که به گناه ادامه می‌دهد او را ندیده است و به راستی او را نمی‌شناسد.

غلبه بر گناه

⁷ ای فرزندانم، نگذارید کسی شما را گمراه کند. آن کسی که نیکوکار است عادل است همان طور که او عادل است.⁸ آن کسی که به گناه ادامه می‌دهد از ابلیس است. زیرا ابلیس از ازل گناه می‌کرده است. به همین منظور، پسر خدا ظاهر گشت تا کارهای ابلیس را نابود کند.⁹ هر کسی که از خدا متولد شده است به گناه ادامه نمی‌دهد زیرا بذر او در وی باقی است و نمی‌تواند به گناه ادامه دهد، زیرا از خدا متولد شده است.¹⁰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس این گونه آشکار می‌شوند. هر کسی که نیکوکاری نکند از خدا نیست و هر کسی که برادرش را دوست نداشته باشد نیز از خدا نیست.¹¹ زیرا این پیامی است که

3:16 زندگی عیسی از او گرفته نشد، بلکه او «آن را در راه ما نهاد» (یوحنا 10:17). او آخرین نفش را داوطلبانه داد، به جای آنکه بمیرد، آگاهانه جان خود را فدا کرد، چون آن مردان با قتل، زندگی او را از او گرفتند. این میزان زیاد از خود گذشتگی برای ما بوده است. وقتی عیسی این گونه برای ما می‌مرد، ما از درک و دانش و معنویت به دور بودیم. و در مورد برادرانمان که ما نیز باید به همین ترتیب برای آنها بمیریم، نیز همین گونه است.

و هر روحی که اعتراف نکند عیسی مسیح در جسم ظاهر شد از آن خدا نیست، و ثابت می‌شود که ضد مسیح است؛ که شنیده‌اید که می‌آید و اکنون نیز در جهان است.

⁴ شما از خدا هستید، ای فرزندانم، و بر آنها غلبه کرده‌اید. زیرا آن کسی که در شما است بزرگتر است از آن کسی که در دنیا است. ⁵ آنها دنیوی هستند. بنابراین، آنها از دنیا حرف می‌زنند و دنیا آنها را می‌شنود. ⁶ ما از خدا هستیم. آن کسی که خدا را می‌شناسد، صدای ما را می‌شنود. آن کسی که از خدا نیست ما را نمی‌شنود. بدین وسیله روح حق و روح باطل را می‌شناسیم.

یکدیگر را دوست دارید

⁷ ای عزیزان، یکدیگر را دوست دارید. زیرا عشق از خدا است و هر کسی که عاشق است از خدا متولد شده و خدا را می‌شناسد. ⁸ آن کسی که عاشق نیست، خدا را نمی‌شناسد. زیرا خدا عشق است. ⁹ عشق خدا این گونه بر ما ظاهر شد که خدا تنها پسرش را به دنیا فرستاد تا از طریق او زنده بمانیم. ¹⁰ اینجا عشق است، نه این که ما خدا را دوست داشتیم، بلکه او است که ما را دوست داشت

او مطمئن خواهیم کرد. ²⁰ زیرا اگر دلمان ما را محکوم کند، خدا از دل ما بزرگتر است و همه چیز را می‌داند.

²¹ ای عزیزان، اگر دلمان ما را محکوم نکند، در حضور خدا اطمینان داریم. ²² و هر چه خواهیم را از او دریافت خواهیم کرد زیرا احکام او را به جا می‌آوریم و کارهایی می‌کنیم که مورد پسند او است. ²³ و این است فرمان او: که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان بیاوریم و یکدیگر را دوست بداریم همان طور که به ما چنین حکم کرد. ²⁴ و آن کسی که فرمان خدا را به جا می‌آورد در خدا و خدا در او پایدار است. و این گونه می‌فهمیم که خدا در ما ساکن است، با روحی که به ما عطا کرد.

باب 4

هشدار درباره معلمان دروغین

ای عزیزان، هر روحی را باور نکنید بلکه ارواح را آزمایش کنید تا بفهمید آیا از خدا هستند یا نه. زیرا بسیار از انبیاء دروغین وارد جهان شده‌اند. ² این گونه روح خدا را بشناسید: هر روحی که اعتراف کند عیسی مسیح در جسم ظاهر شد از آن خدا است. ³

3:21 اگرچه وجدان ما همیشه قابل اعتماد نیست (رساله اول قرن‌تین 4:4)، اما هدف ما باید این باشد که مانند پولس هر لحظه را در حضور خدا با اطمینان سپری کنیم (اعمال 23:1).

4:2 رجوع کنید به 2 یوحنا 7-9. بنابراین، ادراک ما از ذات عیسی بسیار مهم است. **4:10** خدا در محبت کردن پیشقدم شد، و از ما خواست که دیگران را این گونه دوست بداریم. ما نیز باید به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم آغازگر محبت به دیگران باشیم، نه اینکه تنها با پس دادن محبت دیگران به آنها محبت کنیم.

مجازات دارد و آن که می‌ترسد در عشق به کمال می‌رسد.¹⁹ ما دوست داریم، زیرا خدا اول ما را دوست داشت.²⁰ و اگر کسی بگوید، من خدا را دوست دارم و از همایمانان خود متنفر باشد دروغگو است. زیرا آن کسی که همایمانان خود را که آنها را دیده دوست ندارد، نمی‌تواند خدا را که ندیده است دوست بدارد.²¹ و این فرمان را از او داریم که هر کسی که خدا را دوست بدارد، همایمانان خود را نیز دوست می‌دارد.

باب 5

فرزندان خدا

هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است از خدا متولد شده است؛ و هر که خدای خالق را دوست داشته باشد، آنچه از او متولد شده را نیز دوست می‌دارد.² از این طریق می‌فهمیم که ما فرزندان خدا را دوست داریم: وقتی خدا را دوست داریم و احکام او را به جا می‌آوریم.³ زیرا این است عشق خدا که احکام او را به جا آوریم؛ و احکام او سخت نیست.⁴ زیرا هر چه از خدا به وجود آمده بر دنیا غلبه می‌کند؛ و این یعنی ایمان ما، ظفری است که بر دنیا فائق آمده

و پسرش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود.¹¹ ای عزیزان، اگر خدا این قدر ما را دوست دارد، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم.¹² هیچ کس خدا را هیچگاه ندیده است. اگر یکدیگر را دوست بداریم، خدا در ما ساکن می‌شود، و عشقش در ما به کمال می‌رسد.

¹³ این گونه می‌فهمیم که ما در او و او در ما ساکن است، زیرا او به ما روحش را بخشیده است.¹⁴ و ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم که پدر، پسر را فرستاده تا ناجی جهان شود.¹⁵ هر که اعتراف کند که عیسی، پسر خدا است، خدا در او و او در خدا پایدار است.¹⁶ و عشق خدا نسبت به خودمان را می‌شناسیم و به آن ایمان داریم. خدا عشق است و آن کسی که در عشق ساکن است، در خدا ساکن است و خدا در او ساکن است.

¹⁷ این گونه است که عشق با ما به کمال می‌رسد تا در روز قضاوت اطمینان داشته باشیم. زیرا همان گونه که او هست، ما نیز همان گونه در این جهان هستیم.¹⁸ هیچ ترسی در عشق نیست، بلکه عشق کامل ترس را بیرون می‌راند زیرا ترس

4:20 بنابراین، غیرممکن است. اگرچه بسیار وسوسه انگیز- که ادعا کنیم مسیحی هستیم و در عین حال بهانه بیاوریم که چرا با دیگر ایمانداران ارتباطی نداریم. عشق باید در عمل فعالانه، عینی و معنادار باشد؛ بنابراین، ما نمی‌توانیم «ایماندار خارج از کلیسا» باشیم؛ ما به درگیری فعال با سایر برادرانمان نیاز داریم تا بتوانیم عشق خدا را به آنها نشان دهیم، آنچه در اینجا به ما دستور داده شده است. خواندن فردی انجیل در اتاقمان، درک صحیح تعالیم، و دعای انفرادی به درگاه خدا، همه و همه ممکن است به نظر خیلی خوب برسد؛ اما ما قادر نیستیم واقعاً خدا را دوست داشته باشیم مگر اینکه فرزندان او را دوست بداریم، چون او در آنها جلوه کرده است.

نام پسر خدا ایمان دارید تا بدانید که زندگی جاودانه دارید.

¹⁴ و این است اطمینانی که نسبت به او داریم که اگر طبق خواست او چیزی بخواهیم، او ما را می‌شنود. ¹⁵ و اگر بدانیم که او هر چه می‌خواهیم می‌شنود، می‌دانیم که خواسته‌های خود از او را به دست خواهیم آورد.

¹⁶ اگر کسی می‌بیند که برادرش مرتکب گناهی شده که منجر به مرگ نیست، باید از خدا بخواهد و خدا نیز به کسی که مرتکب گناه منجر به مرگ نشده باشد، زندگی خواهد بخشید. گناهی هست که منجر به مرگ می‌شود. و در این باره نمی‌گویم که چیزی درخواست کنید. ¹⁷ همه بی‌عدالتی‌ها گناه است و گناهایی هست که به مرگ منتهی نمی‌گردد.

¹⁸ ما می‌دانیم هر که از خدا متولد شده به گناهکاری ادامه نمی‌دهد؛ بلکه آن که از خود متولد شده خودش را نگاه می‌دارد و فرد شریر به او دست نمی‌زند.

¹⁹ ما می‌دانیم که از خدا هستیم و کل دنیا به قدرت شریر تکیه دارد. ²⁰ و ما می‌دانیم که پسر خدا آمد

است. ⁵ و آن که بر دنیا فائق می‌آید کسی نیست جز آن که ایمان دارد عیسی پسر خدا است.

⁶ عیسی مسیح است که با آب و خون آمد. نه فقط با آب، بلکه با آب و با خون. ⁷ و روح است که شهادت می‌دهد زیرا روح، حقیقت است. ⁸ زیرا سه چیز است که شهادت می‌دهد، روح و آب و خون؛ و این سه یکی هستند. ⁹ اگر شهادت انسان‌ها را می‌پذیریم، شهادت خدا والاتر است. زیرا شهادت خدا این است که او در مورد پسرش شهادت داده است. ¹⁰ آن که به پسر خدا ایمان می‌آورد، در خود شهادت دارد. آن کسی که به خدا ایمان ندارد، خدا را دروغگو می‌سازد؛ زیرا او به شهادتی که خدا درباره پسرش داده ایمان نیاورده است. ¹¹ و شهادت این است که خدا به ما حیات جاودانه داد و این حیات در پسر او است. ¹² هر که پسر را دارد، زندگی دارد. هر که پسر خدا را ندارد، زندگی ندارد.

اطمینان و دلگرمی

¹³ این‌ها را برای شما می‌نویسم که به

5:13 انجیل به ما می‌آموزد که ما فناپذیر هستیم و آگاهانه از مرگ نجات نمی‌یابیم. ما «زندگی جاودان» داریم، در این معنا که از منظر خدا او ما را پس از مرگ به یاد می‌آورد و می‌داند که ما در بازگشت مسیح فناپذیر می‌شویم. به علاوه، تا زمانی که زندگی ما از آن نوعی باشد که نهایتاً در ملکوت به صورت جاودانه خواهیم زیست، می‌توانیم هم اکنون نیز زندگی جاودانه داشته باشیم.

5:14 دعایی که پاسخ داده شده، انگیزه بزرگی برای ما است که ما از خدا هستیم.

5:16 خدا حاضر است که به خاطر دعا‌های دیگران برخی گناهان ما را ببخشد. اگر دعای اشخاص ثالث این گونه قدرتمند است، ما نیز باید مانند پولس همواره برای رفقای ایماندارمان دعا کنیم.

و به ما درک و فهم داد تا حقیقت را بشناسیم؛ و ما در حق یعنی در پسرش عیسی مسیح هستیم. این	است خدای حقیقی و زندگی جاودانه. ²¹ ای فرزندان، از بت‌ها دوری کنید.

5:21 ما ایمانداران، جاودانه در ملکوت خدا خواهیم زیست و هر چیزی که تمرکز ما را از این حقیقت ساده به هم می‌زند، یک بت است و باید آن را بشکنیم.

دوم یوحنا

تعریف ضدمسیح

پاب 1

⁷ زیرا فریبکاران بسیاری وارد جهان شده‌اند، به ویژه کسانی که اعتراف نمی‌کنند عیسی مسیح در جسم ظاهر شد. این است فریبکار و ضدمسیح.⁸ به خودتان بنگرید تا کارهایی را که کردیم از دست ندهیم بلکه پاداشی کامل به دست آوریم.⁹ هر که پیش برود و به تعالیم مسیح ادامه ندهد، خدا را با خود ندارد. آن کسی که به تعالیم ادامه دهد، هم پدر را دارد و هم پسر را.¹⁰ اگر کسی نزد شما بیاید و این تعلیم را نیاورد، او را در خانه خود نپذیرید و به او سلام ندهید.¹¹ زیرا آن کسی که به او سلام می‌دهد در کارهای شریر او سهیم است.¹² مطالب بسیاری داریم که برایت بنویسم اما آنها را با کاغذ و جوهر نمی‌نویسم؛ بلکه امید دارم که نزد تو بیایم و رو در رو صحبت کنم تا شادیت کامل گردد.¹³ فرزندان خواهر برگزیده‌ات به تو سلام می‌رسانند.

از طرف ریش‌سفید به بانوی برگزیده و فرزندان او که به راستی دوستشان دارم؛ و نه تنها من بلکه همه کسانی که حقیقت را می‌شناسند آنها را دوست دارند.² زیرا حقیقت در ما ساکن است و تا ابد با ما خواهد ماند.³ فیض، مرحمت، صلح و آرامش از جانب خدای پدر و عیسی مسیح، پسر پدر، در حقیقت و عشق با همه ما باد.

⁴ بسیار مسرورم از این که فهمیدم بعضی از فرزندان همان طور که از جانب پدر دستور یافتیم طبق حقیقت زندگی می‌کنند.⁵ و ای بانو، اکنون از تو تمنا دارم نه گویی حکم جدید می‌نویسم بلکه فرمانی را که از ازل داشتیم تقاضا دارم و آن این که یکدیگر را دوست بدارید.⁶ و عشق این است که باید بر اساس فرمان‌های خدا زندگی کنیم. فرمان این است، که همان طور که از اول شنیدید، باید طبق آن زندگی کنید.

6: عشق آن احساس گذرایی نیست که در این جهان عشق خوانده می‌شود. عشق به خدا و یکدیگر شامل رعایت دستورات او است؛ تنها جذب شدن به باورهای مسیحی، همراه با ایهام و به صورت تصادفی کافی نیست.

7: می‌توان گفت کسانی که به تثلیث اعتقاد دارند، جسمانی بودن عیسی را رد کرده‌اند. اگرچه می‌توانیم تمام قضاوت‌ها را به خدا بسپاریم، پرسش در مورد ذات عیسی بسیار حیاتی است - چون ما بر اساس درکمان از او زندگی خواهیم کرد.

10: اولین موعظه‌گران از خانه‌ای به خانه دیگر می‌رفتند و خانواده‌های مسیحی که آنها را به منزلشان می‌پذیرفتند، حامی آنها بودند (3 یوحنا 6). یوحنا می‌گوید مبلغینی که مطالب درست را در مورد عیسی نمی‌آموزند نباید از چنین حمایتی برخوردار شوند.

سوم یوحنا

باب 1

از طرف ریش سفید به غایوس عزیز که به راستی دوستش دارم.² ای عزیز، دعا می‌کنم که در همه چیز کامیاب و سلامت باشی، همان طور که در روح کامیاب هستی.³ زیرا بسیار شاد شدم وقتی برادران آمدند و به حقیقتی که در تو است شهادت دادند و این که بر اساس حقیقت زندگی می‌کنی.⁴ شادی بزرگتر از این ندارم که بشنوم فرزندانم بر اساس حقیقت زندگی می‌کنند.

⁵ ای عزیز، در هر کاری که در قبال برادران می‌کنی وفادار هستی، به ویژه نسبت به غریبه‌ها،⁶ که درباره عشق تو در حضور کلیسا شهادت می‌دهند. کاری نیکو خواهی کرد اگر آنها را به روشی خداپسندانه راهی سفرشان کنی؛⁷ زیرا به خاطر اسم خداوند حرکت کردند و از غیر یهودیان چیزی نگرفتند.⁸ بنابراین، باید از چنین اشخاصی استقبال کنیم تا شریک حقیقت شویم.⁹ برای کلیسا نامه‌ای نوشتم اما دیوترفس که دوست دارد بین

آنها بزرگ و برجسته باشد ما را نمی‌پذیرد.¹⁰ بنابراین، اگر بیایم، اعمال او را یادآور خواهیم شد که با کلمات شریر علیه ما یاوه‌گویی می‌کند و به همین اکتفا نکرده و برادران را نیز نمی‌پذیرد؛ و کسانی که دوست دارند چنین کنند را منع می‌کند و از کلیسا بیرون می‌اندازد.¹¹ ای عزیز، از چنین کارهای بدی تقلید نکن، بلکه از آنچه نیکو است تقلید کن. آن کسی که نیکی می‌کند از خدا است. آن کسی که بدی می‌کند خدا را ندیده است.

¹² همه به دیمیتریوس شهادت می‌دهند و حقیقت همین است. آری، ما نیز شهادت می‌دهیم و می‌دانید که شهادت ما راست است.

¹³ مطالب زیادی برای نوشتن دارم اما دوست ندارم آنها را با جوهر و قلم برایت بنویسم.¹⁴ بلکه امیدوارم به زودی تو را ببینم، و رو در رو صحبت کنیم.¹⁵ سلامتی بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. به تکتک دوستان سلام برسان.

3:4 اگر برداشت ما از شادی صرفاً خودمحورانه است، آن را نخواهیم یافت. نوشته‌های یوحنا و پولس نشان می‌دهد که آنها به دلیل سلامت معنوی برادرانشان احساس شادی می‌کردند.

7: اولین موعظه‌گران به نام خدا به کارشان تشویق شده بودند- آنها می‌خواستند که شخصیت و ماهیت پدر و پسر را با دیگران به اشتراک بگذارند. از آنجایی که تمرکز کارشان بر این بود، علاقه نداشتند که از مخاطبینشان پولی دریافت کنند.

10: این دقیقاً رفتار «مغرضانه» اشخاص ثالثی است که این روزها بسیاری از کلیساها را نابود کرده است - ایمانداران طرد شده‌اند به خاطر نگاه حسابگرانه‌شان به سایر ایمانداران و یوحنا این را اکیداً محکوم می‌کند.

باب 1

از طرف یهودا، خادم عیسی مسیح و برادر یعقوب، به دعوت‌شدگان که برای خدای پدر عزیز هستند و برای عیسی مسیح نگه داشته شده‌اند.² رحمت و صلح و عشق بر شما فزونی باد.

³ ای عزیزان، وقتی تمام تلاش خود را می‌کردم تا درباره رهایی مشترک‌مان به شما بنویسم، لازم دانستم که برایتان نامه بنویسم و از شما خواهش کنم که صادقانه برای ایمانی که یک بار برای همیشه به قدیسان او عطا شده بجنجید.⁴ زیرا افرادی هستند که مخفیانه وارد شده‌اند که از مدت‌ها پیش محکومیتشان تعیین شده بود؛ افرادی بی‌ایمان که فیض خدای ما را به مجوزی برای فساد تبدیل می‌کنند و تنها ارباب و سرورمان عیسی مسیح را انکار می‌کنند.

هشدارهای عهد عتیق

⁵ اینک می‌خواهم به یاد آوری (همان طور که خودت همه چیز را از قبل می‌دانی) که خداوند قومی را از سرزمین مصر نجات داد، و از آنجا خارج کرد و بعد از آن کسانی را که ایمان نیاوردند نابود ساخت.⁶

و خدا فرشتگانی را که قلمرو خود را حفظ نکردند و منزلگاه مناسب خود را ترک کردند، در زنجیرهای ابدی تحت تاریکی نگه داشته تا قضاوت روز بزرگ فرا برسد.⁷ چنان‌که سدوم و غموره و شهرهای اطراف آنها خود را به زناکاری سپردند و در پی امیال جسمانی رفتند. این‌ها درس عبرت هستند. همه آنها مجازات آتش ابدی را متحمل خواهند شد.

⁸ به همین شکل، این کسانی که خواب می‌بینند نیز جسم را آلوده می‌کنند، قدرت را انکار می‌کنند و از اشخاص بزرگ بدگویی می‌کنند.⁹ اما میکائیل رئیس فرشتگان وقتی درباره جسد موسی با ابلیس نزاع می‌کرد، به او تهمت و افترا نزد بلکه گفت: خداوند تو را سرزنش کند.

¹⁰ اما این‌ها به هر چیزی که با چشمان خود نمی‌بینند یا نمی‌توانند به طور غریزی درک کنند، افترا می‌زنند. آنها مانند حیوانات بی‌منطق هستند. این چیزها است که باعث نابودی آنها می‌شود.¹¹ وای بر آنها! زیرا آنها به راه قابیل ادامه دادند و به دام خطای بلعام برای سود خود افتاده‌اند و در سودجویی قورح نابود شدند.

6: واژه یونانی «فرشتگان» به «پیام‌آوران» یا «پیروان» نیز ترجمه شده است (مثلاً در متی 11:10). و همیشه به موجودات فراطبیعی اشاره ندارد. یهودا براساس مثال اسرائیل در عهد قدیم استدلال کرده و به حوادثی تاریخی اشاره می‌کند که آنجا اتفاق افتاده‌اند نه افسانه‌هایی در مورد فرشتگانی که در عدن گناه می‌کنند. تمثیل اینجا به زمین است که دهان باز کرده و قورح و شورشیان وی را می‌بلعد (اعداد 16:32).

ویژگی‌های طرد شدگان

¹² این‌ها کسانی هستند که وقتی با شما در ضیافت هستند، مانند صخره‌های مخفی در مجالس دوستانه شما هستند و چوپانانی که بدون ترس خود را می‌پرورند. ابرهای بدون آبی هستند که با باد این سو و آن سو کشیده می‌شوند، برگ‌های پاییزی بدون میوه، دو بار مرده و از ریشه کنده شده‌اند؛ ¹³ امواج متلاطم دریا که شرمساری‌شان به صورت کف از آنها خارج می‌شود؛ ستاره‌های سرگردانی که سپاهی تاریکی برای آنها همیشه نگه داشته شده است.

¹⁴ و خنوخ، نسل هفتم بعد از آدم نیز این‌ها را پیشگویی کرد و گفت: بنگر، خداوند با ده هزار تن از افراد مقدس خود آمد، ¹⁵ تا بر همه قضاوت کند و همه بی‌دینان را محکوم خواهد کرد بابت همه کارهای بی‌ایمانان که به گونه‌ای بی‌شرمانه انجام داده‌اند و بابت همه حرف‌هایی که گناهکاران بی‌دین علیه خدا گفته‌اند.

¹⁶ این‌ها کسانی هستند که گله و شکایت می‌کنند و بر اساس

شهوت‌های خود رفتار می‌کنند (و از دهانشان سخنان تکبرآمیز بیرون می‌آید) و به خاطر سود شخصی به افراد احترام می‌گذارند. ¹⁷ اما شما ای عزیزان، کلماتی را به یاد آورید که قبلاً حواریون سرورمان عیسی مسیح به زبان آورده‌اند؛ ¹⁸ و به شما گفتند: در زمان آخر، استهزا کنندگانی خواهند بود که در پی امیال بی‌شرمانه خود عمل می‌کنند. ¹⁹ این‌ها کسانی هستند که تفرقه‌افکنی می‌کنند و شهبوانی هستند و از روح بی‌بهره‌اند. ²⁰ اما شما ای عزیزان، خودتان را در ایمان بسیار مقدستان بسازید و در روح‌القدس دعا کنید، ²¹ خود را در عشق خدا نگه دارید و منتظر رحمت سرورمان عیسی مسیح تا حیات ابدی باشید.

²² به کسانی که شک دارند رحم داشته باشید. ²³ و دیگران را نجات دهید و از آتش بیرون آورید؛ و بر بعضی‌ها با ترس رحم داشته باشید و حتی از لباس‌هایشان که با جسم لکه‌دار شده متنفر باشید. ²⁴ به آن کس که قادر است از شما

12: ضیافت‌های محبت‌آمیز. اشاره به مراسم نان خوردن، که هدفش بزرگداشت عشق عیسی است که برای ما جان داد.

15: مردم به خاطر کلامشان محکوم می‌شوند - طرز فکر کردن و حرف زدن ما برای عیسی بسیار حائز اهمیت است (متی 12:37).

23: آتش. آتش در اینجا به صورت نمادین استفاده شده، همان گونه که اغلب در انجیل برای محکومیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. مردمی که از ایمان خارج می‌شوند به معنای واقعی کلمه در آتش قرار نمی‌گیرند؛ بلکه محکوم گشته و امیدشان به زندگی جاودان را از دست می‌دهند. ما باید به جای اینکه چیزی نگوییم یا تظاهر کنیم که متوجه نشده‌ایم، بلافاصله هرکاری که می‌توانیم را برای بیرون کشیدن آنها از این شرایط انجام دهیم.

عیسی مسیح از ازل، اکنون و در آینده جلال، عظمت، قدرت و قوت باد. آمین.	در برابر لغزش پاسداری کند و شما بدون عیب با شادی مضاعف به حضور شکوه او بیاورد، ²⁵ بر خدای یکتا، ناجی ما از طریق سرورمان

24: ما در روز آخر توسط عیسی و به چشم «بی عیب و نقص» دیده می‌شویم، چون درستکاری او به حساب ما شمرده می‌شود.

مکاشفه

باب 1

مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او عطا کرد تا به خادمانش چیزهایی را نشان دهد که به زودی به وقوع خواهند پیوست؛ که به وسیله فرشته خود به خادمش یوحنا فرستاد و نشان داد؛ ² که به کلام خدا، به گواهی عیسی مسیح و به همه چیزهایی که دید شهادت می‌دهد.

³ خوشا به حال آن کسی که می‌خواند و کسانی که کلام نبوت را می‌شنوند و آنچه در آن مکتوب است را حفظ می‌کنند؛ زیرا زمان نزدیک است.

⁴ از طرف یوحنا به هفت کلیسای واقع در آسیا. فیض و صلح از جانب او که هست و بود و می‌آید و از جانب هفت روحی که در حضور تخت پادشاهی او هستند باد. ⁵ و از عیسی مسیح، شاهد وفادار، نخست‌زاده از میان مردگان و حاکم پادشاهان زمین. به کسی که ما را دوست دارد و با خورش ما را از گناهانمان رها کرد، ⁶ و ما را نزد خدا و پدر خود، پادشاه و روحانی کرد؛

جلال و قدرت تا ابد بر او باد. آمین. ⁷ بنگرید که او با ابرها می‌آید و همه چشم‌ها او را خواهند دید و کسانی که او را نیزه زدند و همه طایفه‌های زمین برای او عزاداری خواهند کرد. این چنین خواهد شد! آمین.

⁸ خداوند خدا می‌گوید من الف و یاء هستم که هست و که بود و که می‌آید، خدای متعال.

⁹ من یوحنا، برادر و شریک شمادر رنج‌ها و ملکوت و بردباری عیسی، به خاطر کلام خدا و گواهی عیسی در جزیره‌ای به نام پاتموس بودم. ¹⁰ من در روز سرور، در روح بودم و صدای عظیمی مانند صدای شیپور پشت سر خود شنیدم که می‌گفت: ¹¹ هر چه می‌بینی، در کتابی بنویس به هفت کلیسا بفرست. به افسس، اسمیرنا، پرغامس، طیاتیرا، سارد، فیلادلفیا، و لائودیکیه.

رؤیای عیسی تجلیل یافته

¹² و برگشتم تا صدایی را که با من سخن می‌گفت ببینم. و وقتی

1:1 مکاشفه از چیزهایی صحبت می‌کند که در آینده نسبت به زمان یهودا در قرن اول اتفاق می‌افتند. بنابراین، در ارجاعات بعدی به حوادثی در مورد شیطان یا دشمن، چیزی را که در آینده قدیم مثلاً در باغ عدن، اتفاق افتاده توصیف نمی‌کند.

1:6 ما پادشاهان-کاهنانی در ملکوت آینده خدا روی زمین خواهیم بود (5:10)، اما رسیدن به چنین جایگاهی که الان در آن هستیم نیز به این دلیل است که در عیسی رستگار شده‌ایم.

1:7 بازگشت عیسی برای همه ملموس و قابل درک خواهد بود (اعمال 11-1:9). آنها که عیسی را مصلوب کردند، دوباره او را خواهند دید - چون با آمدنش آنها نیز برای داوری رستاخیز می‌شوند.

1:12 چراغدان در اینجا نماد کلیسا است؛ که صدا و شخص عیسی از آنجا آمده است.

پاب 2

نامه به افسس

به فرشته کلیسای افسس بنویس: آن کسی که هفت ستاره در دست راستش دارد و در میان هفت چراغدان زرین راه می‌رود، این چیزها را می‌گوید: ² از کارها و زحمات و بردباری تو خبر دارم و می‌دانم نمی‌توانی انسان‌های شریر را تحمل کنی که خود را حواریون می‌نامند در حالی که چنین نیستند و فهمیده‌ای که دروغین هستند. ³ می‌دانم که با صبر مقاومت می‌کنی و به خاطر اسم من تحمل می‌کنی و خسته نشده‌ای. ⁴ اما از تو در این باره دلگیرم که عشق اول خود را ترک کردی. ⁵ پس به یاد داشته باش که از کجا سقوط کردی و توبه نمودی و کارهای نخست را انجام بده. وگرنه، اگر توبه نکنی، نزد تو می‌آیم و چراغدان‌هایت را از سر جایش بر می‌دارم. ⁶ اما این را هم داری: از اعمال نقولایان که من نیز متنفرم. ⁷ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. به کسی که غلبه می‌کند اجازه خواهیم داد از درخت زندگی بخورد که بهشت خدا است.

برگشتم، هفت چراغدان زرین دیدم. ¹³ و در میان چراغدان‌ها- یکی مانند پسر انسان بود و ردایی به تن کرده بود که تا پاهایش می‌رسید با زره زرینی که دور سینه‌اش بود. ¹⁴ و سر و موهایش به سفیدی پشم سفید، به سفیدی برف بودند و چشمانش مانند شعله آتش بود. ¹⁵ و پاهایش مانند برنز در کوره پالایش شده و صدایش مانند صدای آب‌های بسیار. ¹⁶ و در دست راستش هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیر دو لبه تیزی بیرون آمده بود و چهره‌اش مانند خورشید پرنور می‌درخشید. ¹⁷ و وقتی او را دیدم، مثل مُرده به پایش افتادم. و او دست راستش را روی من گذاشت و گفت: نترسید. من اولین و آخرین هستم، ¹⁸ زنده هستم؛ و مُرده بودم اما شاهد باشید که همیشه زنده‌ام و کلید مرگ و عالم مرگ را دارم. ¹⁹ بنابراین، هر چه می‌بینی، هر چه وجود دارد و هر چه از این بعد رخ خواهد داد را بنویس. ²⁰ راز هفت ستاره‌ای که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان زرین این است: این هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و آن هفت چراغدان، خود هفت کلیسا هستند.

این نشان می‌دهد که عیسی تا چه اندازه با مردمش نزدیک است.

20:1 نه تنها ما به عنوان افراد فرشته نگهبان داریم، بلکه گروه مردم و کلیساها نیز فرشته نگهبان مخصوص دارند.

2:4 محبت نخستین- واژه یونانی «عشق خدا». دفاع آنها در برابر معلمان کاذب و کارهای سخت (آیه 2) بدون عشق خدا صورت گرفته است. اگر ما عشق را به عنوان انگیزه از دست بدهیم، هر دفاعی که از ایمان بکنیم و هر کاری که برای عیسی انجام دهیم، بی‌معنا شده و عیسی را «علیه» ما قرار می‌دهد (رجوع شود به رساله اول قرن‌تیان 13)؛ ما از ایمان واقعی «خارج شده‌ایم».

نامه به اسمیرنا

⁸ و به فرشته کلیسای واقع در اسمیرنا این‌ها را بنویس: اولین و آخرین که مرده بود و دوباره زنده شد می‌گوید: ⁹ از عذاب و فقر تو باخبرم (اما تو ثروتمندی!) و آگاهم از کفر کسانی که می‌گویند یهودی هستند ولی نیستند، بلکه کنیسه‌ی شیطان هستند. ¹⁰ از رنج‌هایی که قرار است متحمل شوی نترس. بنگر که ابلیس می‌خواهد بعضی از شما را به زندان بیندازد، شاید آزمایش شوید و ده روز عذاب ببینید. تا حد مرگ وفادار بمانید تا به شما تاج زندگی را ببخشم. ¹¹ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. مرگ دوم به کسی که غلبه می‌کند آسیبی نخواهد رساند.

نامه به پرغامس

¹² و به فرشته کلیسای واقع در پرغامس این‌ها را بنویس: آن کسی که شمشیر دولبه تیز داشت این‌ها را می‌گوید: ¹³ می‌دانم کجا زندگی می‌کنی، جایی که تخت پادشاهی شیطان هست، اما با این حال به

اسم من وفادار ماندی و ایمان من را انکار نکردی حتی در روزهای آنتیپاس، شاهد من، یار وفادار من که در میان شما، جایی که شیطان ساکن است، کشته شد. ¹⁴ اما چند مورد هست که از تو دلگیر هستم زیرا کسانی را آنجا داری که تعالیم بلعام را حفظ می‌کنند؛ بلعام به بالاق تعلیم داد که سنگ لغزش را جلوی پای بنی‌اسرائیل بگذارد تا چیزهایی که برای بت‌ها قربانی شده‌اند بخورند و مرتکب زنا شوند. ¹⁵ و همچنین عده‌ای را داری که به تعالیم نقولایوان متوسل می‌شوند. ¹⁶ بنابراین توبه کن وگرنه به زودی نزد تو می‌آیم و با آنها با شمشیر دهانم جنگ خواهم کرد. ¹⁷ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. به کسی که غلبه کند، منای پنهان را خواهم داد و به او سنگی سفید خواهم داد که روی آن نامی نوشته شده که کسی غیر از دریافت‌کننده‌ی آن از آن خبر ندارد.

نامه به طیاتیرا

¹⁸ و به فرشته کلیسای واقع در

2:10 واژه یونانی که به «ابلیس» ترجمه شده، بدسروش و به معنای «اتهام‌زننده دروغین» است. منظور از «ابلیس» در اینجا مشخصاً مقامات محلی ضد‌مسیحی است، نه یک موجود فراطبیعی.

2:11 وقتی مسیح بازگردد، مردگانی که پاسخگو هستند، برخاسته و داوری خواهند شد و آنها که بی‌ارزشند بار دیگر می‌میرند. بنابراین، این برای آنها «مرگ دوم» خواهد بود.

2:13 «شیطان» [«دشمن»] در اینجا به مقامات محلی رومی اشاره دارد که علیه مسیحیان بودند.

2:17 در تفکر سامی، نام به شخصیت اشاره دارد. در تمام ابدیت، چیزی بسیار نزدیک و صمیمی بین ما و عیسی برقرار خواهد بود، که تنها او و ما تجربه‌اش می‌کنیم؛ ما برای ابد از داشتن ارتباطی شخصی با عیسی لذت می‌بریم.

را محکم نگه دارید.²⁶ و آن کسی که غلبه کند و تا آخر کارهای من را حفظ کند، به او قدرت حکمرانی بر ملت‌ها را خواهم داد.²⁷ و او با میله آهنین بر آنها حکمرانی خواهد کرد، آنان را مثل ظروف سفالین خرد خواهد کرد؛ همان طور که از پدر دریافت کرده‌ام.²⁸ و من به او ستاره صبح را خواهم داد.²⁹ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

باب 3

نامه به سارد

و به فرشته کلیسای واقع در سارد این‌ها را بنویس: این‌ها را آن کسی که می‌گوید که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد. من از کارهای تو باخبرم. تو نزد دیگران زنده هستی، اما مُرده‌ای.² هوشیار باش و هر چه باقی مانده و آماده مُردن است استوار گردان. زیرا در نظر خدای خود، کارهای تو را کامل نیافتم.³ بنابراین به یاد آور چگونه دریافت کردی و شنیدی و آن را نگه دار و توبه کن. بنابراین، اگر هوشیار نباشی، من مانند یک دزد خواهم آمد و نخواهی دانست چه زمانی بر تو خواهم آمد.⁴ اما چند نفر را در سارد

طیاتیرا این‌ها را بنویس: این‌ها را پسر خدا گفت که چشمانش مانند شعله آتش بود و پاهایش مانند برنزی جلا داده:¹⁹ از کارها و عشق تو، ایمان، خدمت و بردباری تو باخبرم و می‌دانم که کارهای آخرت بیشتر از کارهای اول تو است.²⁰ اما از تو در مورد چیزی دلگیر هستم: تو ایزابل را تحمل کردی که خود را نبیه می‌داند و به بسیاری از خادمان تعلیم و آنها را اغوا می‌کند که زنا کنند و از چیزهایی که برای بت‌ها قربانی شده‌اند بخورند.²¹ من به او زمان دادم تا توبه کند و او نمی‌خواهد از زناکاری خود توبه کند.²² بنگر که او و کسانی را که با او زنا می‌کنند به بستری خواهم افکند، به عذابی عظیم؛ مگر این که از اعمال خود توبه کنند.²³ و فرزندان را هم خواهم کشت. و همه کلیساها خواهند دانست که من آن کسی هستم که ذهن و دل را جستجو می‌کند و به هر یک از شما مطابق با کارهایش جزا خواهم داد.²⁴ اما به شما می‌گویم، به بقیه کسانی که در طیاتیرا هستید و این تعلیم را نپذیرفتید و اعماق شیطان را نمی‌شناسید: هیچ بار دیگری را بر دوشتان نخواهم گذاشت²⁵ جز این که: تا زمانی که می‌آیم آنچه دارید

2:21 عیسی بلافاصله علیه گناه واکنش نشان نمی‌دهد، او به افراد فرصت توبه و بازگشت می‌دهد. ما نیز در برخورد با مردم باید این گونه باشیم.

2:23 عیسی افکار ما و آنچه می‌اندیشیم را می‌کاود، و برای اعمالمان به ما پاداش می‌دهد. بنابراین، افکار ما با اعمال ما برابر است. همچنان، حتی وقتی که خواب هستیم، نیز عیسی قلوبمان را می‌کاود. بنابراین، ذهن معنوی داشتن بیشترین اهمیت را در زندگی مسیحی دارد.

3:4 عیسی، وفاداران به کلیسا در ساردس را شایسته می‌داند؛ او آنها را برای جدا شدن

یهودی هستند ولی نیستند بلکه دروغ می‌گویند. بنگر که کاری خواهم کرد که این‌ها نزد تو بیایند و به پای تو بیفتند و بدانند که تو را دوست داشته‌ام.¹⁰ چون کلام صبوری من را نگاه داشتی، من نیز تو را از زمان آزمایشی که قرار است بر کل دنیا واقع شود و ساکنان زمین را بیازماید حفظ خواهم کرد.¹¹ من ناگهانی می‌آیم. آنچه داری محکم نگه دار تا کسی تاج تو را نگیرد.¹² آن کسی که غلبه کند، او را رکن معبد خدایم قرار خواهم داد؛ و دیگر آنجا را ترک نخواهد کرد و نام خدا را بر او خواهم نوشت و نیز نام شهر خدای خود را، یعنی اورشلیم جدید را که از آسمان از جانب خدایم نازل می‌شود؛ و نیز نام جدید خودم را بر او خواهم نوشت.¹³ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

نامه به لائودیکیه

¹⁴ و به فرشته کلیسای واقع در لائودیکیه این‌ها را بنویس: این‌ها را امین می‌گوید، شاهد وفادار و

داری که رخت خود را آلوده نکردند و با من در لباس سفید قدم خواهند زد؛ زیرا آنها شایسته هستند.⁵ آن کسی که غلبه کند بدین ترتیب لباس‌های سفید به تن خواهد کرد و به هیچ وجه نام او را از کتاب حیات پاک نخواهم کرد؛ و در حضور پدرم و فرشتگان او، به نام وی اعتراف خواهم کرد.⁶ آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

نامه به فیلادلفیا

⁷ و به فرشته کلیسای واقع در فیلادلفیا این‌ها را بنویس: این‌ها را آن کسی می‌گوید که مقدس است، حقیقت است، کلید داود را دارد، دربی را باز می‌کند و هیچ کس آن را نخواهد بست و دربی را می‌بندد و هیچ کس آن را نخواهد گشود.⁸ از اعمال تو باخبرم (بنگر که دربی باز را پیش روی تو گذاشتم که هیچ کس نمی‌تواند آن را ببندد)، تو قدرت کمی داری و کلام من را نگاه داشتی و اسمم را انکار نکردی.⁹ بنگر، کاری خواهم کرد که کسانی که از کنیسه شیطان هستند و می‌گویند

از دیگرانی که مشخصاً ضعیف بودند، سرزنش نمی‌کند.

3:5 وقتی تعمیم داده می‌شویم، نام ما در کتاب ثبت می‌شود، اما می‌توانیم روی برگردانیم و ناممان نیز خط می‌خورد. وقتی موسی خواست که نامش از کتاب خط بخورد تا اسرائیل بتوانند وارد ملکوت شوند، داشت جایگاهش در ابدیت را هدیه می‌کرد (خروج 32:32). اگرچه خدا بر اساس جایگزینی کار نمی‌کند، اما این اتفاق نشان دهنده میزان عشق معنوی به دیگران است که انسان می‌تواند به آن برسد.

3:12 عیسی حتی پس از رستاخیز و افتخار، خدا را «خدایم» می‌خواند. و «نام جدید من» را با نام خدا برابر می‌سازد. به عیسی پس از رستاخیز نام خدا داده شد – بنابراین، آن را «نام جدید من» می‌خواند، که اخیراً و در زمان وحی به او داده شده است. او به عنوان پسر خدا، به نام خدا عمل می‌کند اما این بدان معنا نیست که او خود خدا است.

حقیقی، آغاز خلقت خدا.¹⁵ من از اعمال تو با خبرم که نه گرم هستی نه سرد. دوست داشتم یا گرم بودی یا سرد.¹⁶ اما چون بی‌اشتیاق، نه گرم و نه سرد هستی، تو را از دهانم قی خواهم کرد.¹⁷ زیرا تو می‌گویی که من ثروتمند هستم، کامیاب شده‌ام و نیازی به چیزی ندارم؛ و متوجه نیستی که بدبخت، بیچاره، فقیر، کور و برهنه هستی.¹⁸ به تو نصیحت می‌کنم از من طلایی که در آتش تصفیه شده بخری تا ثروتمند شوی؛ و لباس‌های سفید به تن کنی تا شرمساری برهنگی‌ات آشکار نشود و مرحم بر چشمانت بمالی تا شاید ببینی.¹⁹ هر کسی را که دوست دارم، سرزنش و تنبیه می‌کنم. بنابراین غیور باش و توبه کن.²⁰ بنگر که در آستانه درب ایستاده‌ام و درب می‌زنم. اگر کسی صدای من را بشنود و درب را باز کند، نزد او می‌آیم و با او غذا می‌خورم و او نیز با من.²¹ به آن کسی که غلبه می‌کند اجازه می‌دهم با من بر روی تخت پادشاهی‌ام بنشیند همان طور که من نیز فائق آمدم و با پدرم بر تخت پادشاهی‌اش نشستم.²² آن کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیسایا چه می‌گوید.

باب 4

تخت آسمانی

بعد از این اتفاقات، نگاه کردم و دیدم دربی در آسمان باز شد؛ و اولین صدایی که شنیدم که مثل صدای شیپور بود، چنین می‌گفت: بیا بالا تا به تو چیزهایی را نشان دهم که پس از این باید واقع شود.² فوراً در روح بودم و تختی را در آسمان دیدم و کسی روی تخت نشسته بود.³ و آن کسی که روی تخت نشسته بود مانند سنگ یشم و عقیق می‌درخشید؛ و رنگین کمانی دور تخت بود و مثل زمرد می‌درخشید.⁴ و دور تخت، بیست و چهار تخت دیگر بود؛ و روی آن تخت‌ها بیست و چهار بزرگ را دیدم که نشسته‌اند و لباس سفید به تن داشتند و روی سرشان تاج‌های زرین بود.⁵ و از تخت‌ها، رعد و برق و صدا و غرش شنیده می‌شد. و هفت مشعل سوزان جلوی تخت می‌سوخت که هفت روح خدا هستند.⁶ و جلوی تخت، چیزی مانند دریای شیشه مثل بلور وجود داشت؛ و در میان تخت و دور تخت چهار موجود زنده بودند که در جلو و عقب پر از چشم بودند.⁷ و اولین موجود مانند شیر بود و دومی مانند گوساله، و سومین موجود صورت انسان را داشت و چهارمی مانند عقابی در حال پرواز.⁸ و هر چهار موجود شش بال داشتند، دور آنها و درونشان پر از چشم بود؛ و شب و روز بدون استراحت می‌گفتند: قدوس، قدوس، قدوس، خداوند خدا

3:15 عیسی نیز مانند هر عاشقی از بی‌تفاوتی و انفعال متنفر است؛ تعهد باید نمود بیرونی داشته باشد (3:1).

4:8 پوشیده از چشم- خدا از طریق فرشتگان کروی از هر آنچه در زمین و در

باز کردن طومار باشد و مُهرهایش را بردارد؟³ و هیچ کس در آسمان یا در زمین یا زیر زمین قادر نبود طومار را باز کند یا به آن نگاه کند.⁴ و من بسیار گریستم زیرا هیچ کس شایسته باز کردن طومار یا نگاه کردن به آن نبود.⁵ و یکی از بزرگان به من گفت: گریه نکن. بنگر، شیری که از طایفه یهودا است، ریشه داود، پیروز شده؛ او می‌تواند طومار و هفت مُهر آن را باز کند.

⁶ و در میان تخت و چهار موجود زنده و در میان بزرگان، بره‌ای را دیدم که ایستاده گویی تازه ذبح شده بود. بره هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت روح خدا هستند و به سراسر زمین فرستاده شده‌اند.⁷ و او آمد و طومار را از دست راست آن کسی که روی تخت نشسته بود گرفت.⁸ و وقتی طومار را برداشت، چهار موجود زنده و بیست و چهار بزرگ به پای بره افتادند و هر کدام چنگ و کاسه‌های زرین پر از بخور داشتند که دعاهای قدیسان

است، خدای متعال که بود و هست و خواهد آمد.

⁹ و وقتی موجودات زنده، کسی را که روی تخت نشسته تجلیل و تکریم و شکرگزاری می‌کنند، کسی که تا ابد زنده است،¹⁰ آن بیست و چهار بزرگ پیش پای کسی که روی تخت نشسته می‌افتند و او را که تا ابد زنده است پرستش می‌کنند و تاج‌های خود را جلوی تخت می‌اندازند و می‌گویند:¹¹ خداوندا، تو شایسته دریافت تجلیل و عزت و قدرت هستی. چرا که تو همه چیز را آفریدی و همه چیز به خاطر تو به وجود آمد و خلق شد.

پاب 5

باز کردن طومار

و در دست راست کسی که روی تخت نشسته بود طوماری را دیدم که رو و پشت آن نوشته شده بود و ممه‌ور به هفت مُهر بود.² و فرشته‌ای قوی را دیدم که با صدایی بلند فریاد می‌زد: کیست که شایسته

زندگی‌های ما اتفاق می‌افتد آگاهی می‌یابد. آنها چشمان «درونی» داشتند - شاید نماد خودشناسی کامل است. یکی از بزرگترین لذات فناپذیری با ذات خدا این است که خودمان را به طور کامل می‌شناسیم.

4:8 شبانه‌روز- در ملکوت، ما هر لحظه به خدا خدمت کرده او را می‌ستاییم. خدمت ما به او در این زندگی نمی‌تواند تنها یک سرگرمی گهگاهی صرف باشد؛ اگر به دنبال خدمت جاودانه به او در هر لحظه باشیم، این میل زندگی ما خواهد بود؛ و در تصمیماتمان در رابطه با تحصیلات، کار و استفاده از زمان شخصی‌مان نیز نمود پیدا خواهد کرد.

5:1 این طومار کتاب زندگی است؛ آغاز امکان جاودانگی برای کسانی که در آن نام برده شده‌اند، با مرگ مسیح ممکن شد (آیه 9).

5:4 زاری یوحنا نشان استیصال ما از ناتوانی در ورود به جاودانگی تنها با تکیه بر شایستگی‌های خودمان است. و در نتیجه، نهایت شکرگزاریمان برای فداکاری عیسی.

بزرگان زانو زدند و پرستش کردند.

باب 6

اولین مهر

و وقتی بره، اولین مهر از هفت مهر را باز کرد، نگاه کردم و شنیدم که یکی از چهار موجود زنده با صدایی مانند صدای رعد گفت: بیا! ² و نگاه کردم و اسب سفیدی دیدم، و آن کسی که روی آن نشسته بود کمانی داشت، و تاجی به او داده شده بود و او فاتحانه برای پیروزی آمد.

مهر دوم

³ و وقتی مهر دوم را باز کرد، صدای دومین موجود زنده را شنیدم که گفت: بیا! ⁴ و اسب دیگری آمد، اسبی سرخ و به آن کسی که روی آن سوار بود قدرت داده شده بود تاج صلح را از زمین بردارد تا یکدیگر را بکشند. و شمشیر بزرگی به او داده شده بود.

مهر سوم

⁵ و وقتی مهر سوم را باز کرد،

است. ⁹ و آنها سرود جدید را خواندند و گفتند: تو شایسته برداشتن طومار و باز کردن مهرهای آن هستی. زیرا یک بار ذبح شدی و با خون خود امتی را برای خدا خریدی، امتی از هر طایفه، زبان و قومیت، ¹⁰ و آنها را ملکوت و روحانی خدایمان ساختی؛ و آنها برای زمین حکمرانی خواهند کرد.

ستایش بره

¹¹ و نگاه کردم و صدای فرشتگان بسیاری را دور تخت و موجودات زنده و بزرگان شنیدم؛ و تعداد آنها ده‌ها هزار و هزاران هزار بود. ¹² آنها با صدایی بلند می‌گفتند: شایسته است بره‌ای که ذبح شده تا قدرت، ثروت، حکمت، توانایی، عزت، جلال و برکت بیابد. ¹³ و صدای همه موجودات در آسمان و زمین و زیر زمین و دریا و هر چه در آنها است را شنیدم که می‌گفتند: برکت، عزت، جلال و قدرت تا ابد بر او که روی تخت نشسته و بر بره باد. ¹⁴ و آن چهار موجود زنده گفتند: آمین. و

5:10 امید داریم که شاهان-کشیشان ملکوت خدا روی زمین باشیم، هیچ اشاره‌ای به جاودانگی در آسمان پس از مرگ نشده است.

5:11 این می‌تواند تصویری از فرشتگان باشد که ورود عیسای رستاخیز یافته را پس از عروج، به آسمان خوشامد می‌گویند.

6:1 اگر طومار کتاب زندگی است، مهرها نماد آن چیزی هستند که مانع از گشوده شدن کتاب می‌شوند. این کتاب در بازگشت عیسی باز خواهد شد (20:12). آنها به دوره‌های مختلف تاریخ بین زمان مکاشفه یوحنا و بازگشت مسیح اشاره می‌کنند و حوادثی که در این میان اتفاق افتاده، به مردم خدا مربوط می‌شود. آنها با مرگ عیسی باز شدند. بنابراین، او خداوند تاریخ شد؛ تمام حوادث سیاسی تاریخ و جهان تحت کنترل او رخ می‌دهد، و همه در فرا رسیدن روزی که او بازگردد و کتاب زندگی را باز کند، نقش دارند.

جامه‌ای سفید داده شد، و به آنان گفته شد که کمی دیگر صبر کنند تا تعداد خادمان هم‌ردیف و برادرانشان که می‌باید مثل آنان کشته شوند، کامل گردد.

مهر ششم

¹² و دیدم که مهر ششم را گشود. زمین‌لرزه‌ای عظیم رخ داد، و خورشید مانند پوستینی از مو سیاه شد و ماه کاملاً به رنگ خون درآمد. ¹³ و ستارگان آسمان بر زمین ریختند، گویی که انجیرهای نارس در پی تکان تندباد از درخت فرو می‌ریزند. ¹⁴ و آسمان مانند طوماری در خود پیچید و جمع شد، و تمام کوه‌ها و جزایر از جای خود حرکت داده شدند. ¹⁵ و پادشاهان زمین، شاهزادگان، فرماندهان، ثروتمندان، قدرتمندان، و هر پرده و آزادمردی در غارها و در میان صخره‌های کوه‌ها پنهان شدند. ¹⁶ و آنان به کوه‌ها و صخره‌ها گفتند: بر ما فرو ریزید و ما را از حضور آنکه بر تخت می‌نشیند و از خشم بره پناه دهید. ¹⁷ زیرا روز عظیم خشم آنان فرا رسیده، و چه کسی توان ایستادگی دارد؟

باب 7

مهر شدن بنده‌های خدا

شنیدم که موجود زنده سوم می‌گوید: بیا! و اسبی سیاه را دیدم که سوارش ترازویی در دست داشت. ⁶ و صدایی از میان چهار موجود زنده به گوشم رسید که می‌گفتند: يك پیمانۀ گندم به يك دینار و سه پیمانۀ جو به يك دینار؛ و روغن و شراب را خراب مکن.

مهر چهارم

⁷ و وقتی مهر چهارم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده چهارم می‌گوید: بیا! ⁸ چون نگاه کردم، اسبی رنگ پریده پیش رویم پدیدار شد و وی بر آن سوار بود. نام وی مرگ بود و جهان مردگان در پی او بود. و اختیار یک چهارم زمین به آنها داده شد تا با شمشیر و قحطی و بیماری و حیوانات وحشی روی زمین بکشند.

مهر پنجم

⁹ هنگامی که مهر پنجم را گشود، زیر محراب، روح کسانی را دیدم که در راه کلام خدا و شهادتی که داده بودند، کشته شده بودند. ¹⁰ و آنان با صدایی بلند فریاد می‌زدند که: ای سرور، ای قدّوس و ذی‌حق، تا زمان داوری ساکنان زمین و گرفتن انتقام خون ما از آنان چقدر مدت مانده است؟ ¹¹ و آنگاه به هر یک از آنان،

6:9 اگرچه انجیل به ما می‌آموزد که مردگان ناهشیارند، خدا مردگان را به یاد دارد، در معنایی که ما آن را خارج از زمان می‌دانیم؛ بنابراین، «نزد او همه زنده‌اند» (لوقا 20:38). پس اینجا انجیل به گونه‌ای در مورد مردگان ناهشیار صحبت می‌کند که گویی خون و زندگی آنها خواستار پاسخی در داوری قاتلین است.

قبیله لای. دوازده هزار نفر از قبیله یساکار.⁸ دوازده هزار نفر از قبیله زبولون. دوازده هزار نفر از قبیله یوسف. و دوازده هزار نفر از قبیله بنیامین مهر شده بودند.

⁹ پس از آن دیدم که جمعیتی بزرگ که به شمار نمی‌آمد، از هر ملت و قبیله و قوم و زبانی، پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند و همگی جامه‌ای سفید بر تن داشتند و شاخه نخلی در دست.¹⁰ و آنان با صدایی بلند فریاد می‌زدند: نجات به خدای ما تعلق دارد که بر تخت نشست، و به بره!

¹¹ و تمام فرشتگان دور تخت و پیران و چهار موجود زنده ایستاده بودند؛ و همه در پیشگاه تخت صورت خود را بر زمین نهادند و خدا را پرستش می‌کردند،¹² و می‌گفتند: آمین. برکت، جلال، بصیرت، سپاس، افتخار، قدرت و توانایی تا ابد برای خدای ما را باد. آمین.

¹³ و یکی از پیران از من پرسید:

سپس دیدم چهار فرشته در چهار گوشه زمین ایستاده و جلوی چهار باد زمین را گرفته تا بر زمین و دریا و هیچ درختی نوزند.² آنگاه فرشته‌ای دیگر را دیدم که از محل طلوع خورشید بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را همراه داشت؛ و با صدای بلند بر آن چهار فرشته که توان آسیب رساندن به زمین و دریا به آنها داده شده بود فریاد زد،³ و گفت: پیش از آنکه روی پیشانی بندگان خدای خود مهر بزنیم، به خشکی و دریا و درختان آسیب نرسانید.⁴ و شنیدم که تعداد مُهرشدگان صد و چهل و چهار هزار نفر از تمام قبایل بنی‌اسرائیل بود.⁵ دوازده هزار نفر از قبیله یهودا مهر شده بودند. دوازده هزار نفر از قبیله رئوبین. دوازده هزار نفر از قبیله جاد.⁶ دوازده هزار نفر از قبیله اشیر. دوازده هزار نفر از قبیله نفتالی. دوازده هزار نفر از قبیله منسی.⁷ دوازده هزار نفر از قبیله شمعون. دوازده هزار نفر از

7:3 مهر بر پیشانی است، نماد ذهن. خدا کسانی را که واقعاً با او هستند از روی ذهنیت آنها تشخیص می‌دهد. داشتن ذهنی روحانی هدف زندگی مسیحی است.

7:4 اکثر اعداد در مکاشفه نمادین هستند؛ 144 حاصل ضرب 12 در 12 است، شاید به این معنا که جماعت رستگار شده 12 قبیله از اسرائیل هستند که «امید اسرائیل» دارند (اعمال 28:20)، «نجات به واسطه قوم یهود فراهم می‌آید» (یوحنا 4:22) به این معنی که وعده‌های بشارت ملکوت به ابراهیم و فرزندان او داده شده بود (غلاطیان 3:8).

7:9 مردم از هر زبان و گروه نژادی، با بازگشت عیسی در او رستگار می‌شوند. این یعنی انجیل باید پیش از آمدن عیسی به تمام گروه‌های نژادی روی زمین برسد. اینترنت این امکان را سرعت بخشیده؛ چون از زمان عیسی، اکثر این گروه‌ها از مسیحیت اطلاعی نداشتند. در این شرایط، باید این تعالیم خداوند را دریابیم که وقتی انجیل به تمام جهان رسید، او باز می‌گردد (متی 24:14). پس موعظه جهانی ما می‌تواند تسریع کننده بازگشت او باشد.

³ و فرشته دیگری آمد و بالای محراب ایستاد در حالی که بخورسوزی از طلا همراه داشت. به او عطر بخور بسیار داده شد تا آن را با دعا‌های تمام قدیسان بالای محراب طلایی پیش تخت بيفزاید. ⁴ دود بخور همراه با دعا‌های قدیسان از دستان آن فرشته تا به پیشگاه خدا بالا رفت. ⁵ فرشته بخورسوز را گرفت، آن را از آتش محراب لبریز کرد، و بر زمین افکند. آنگاه طوفان، غرّش، صاعقه و زلزله در پی آن آمد.

صدای چهار فرشته اول

⁶ و آن هفت فرشته که هفت شیپور را داشتند، آماده نواختن شدند. ⁷ فرشته اول شیپورش را به صدا درآورد، و تگرگ و آتش مخلوط با خون بر زمین فرو ریخت. یک سوّم زمین سوخت و یک سوّم درختان نیز؛ و همه علف‌های سبز سوختند. ⁸ و فرشته دوم شیپورش را به صدا درآورد، و چیزی شبیه کوهی بزرگ که در آتش می‌سوخت، به دریا افتاد؛ و یک سوّم دریا آغشته به خون شد. ⁹ و یک سوّم از موجودات دریا (حتی آنها که جان داشتند) مُردند، و یک

اینها که جامه سفید به تن دارند که هستند و از کجا آمده‌اند؟ ¹⁴ و من پاسخ دادم: سرورم، شما می‌دانید؟ و او چنین برایم شرح داد: اینان کسانی هستند که از عذاب عظیم بیرون آمده و جامه‌های خود را در خون بره شسته و سفید کرده‌اند. ¹⁵ از همین رو اینها در برابر تخت خدا هستند و شبانه‌روز در معبد او خدمت خواهند کرد، و او که بر تخت نشسته چادر خود را بر آنها خواهد گسترانید. ¹⁶ آنها هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد. دیگر نه آفتاب بر آنان خواهد تابید، و نه هیچ گرمای دیگری. ¹⁷ زیرا بره که در مرکز تخت است شبان آنها خواهد بود و آنها را به سوی چشمه‌های آب حیات هدایت خواهد نمود، و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنها خواهد زدود.

باب 8

مهر هفتم

هنگامی که او هفتمین مهر را باز کرد، حدود نیم ساعت سکوت بر آسمان حکمفرما شد. ² و هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا ایستادند، و هفت شیپور به آنها داده شد.

7:14 این آیه می‌تواند به عذاب‌های دشوار درست پیش از آمدن عیسی اشاره داشته باشد، آزار و اذیت باعث می‌شود انجیل به هر گروه قومی رسیده و باعث تغییر مذهب گردد (رجوع شود به آیه 9)؛ درست همان طور که آزار و اذیت منجر به گسترش انجیل تا ملل غیر یهود در قرن اول شد (اعمال 11:19,20).

8:5 تصویر دود بخورسوز که به آسمان می‌رود و سپس آتش و تعقیب فرشتگان نشان‌دهنده قدرت دعا است - کلمات بی‌صدای انسانی که در ایستگاه اتوبوس دعا می‌خواند، واقعاً می‌تواند به آسمان برسد و فرشتگانی که اینجا و آنجا هستند را فرا بخواند و باعث حوادثی عظیم روی زمین گردد.

سوم از کشتی‌ها نابود شدند.

¹⁰ فرشته سوم در شیپورش دمید و ستاره‌ای بزرگ مانند مشعلی سوزان از آسمان به روی یک سوم از رودخانه‌ها و فواره‌های آب فرو افتاد. ¹¹ و نام آن ستاره «چوب کرم‌زده» بود، و یک سوم از آب‌ها تلخ شد؛ و مردمان بسیاری از تلخی آب مُردند. ¹² و فرشته چهارم در شیپورش دمید؛ و یک سوم خورشید، یک سوم ماه و یک سوم ستارگان ضربت خوردند. به این صورت، یک سوم از آنها تاریک شد؛ و یک سوم روز بی‌نور ماند و یک سوم شب نیز به همین صورت.

¹³ و همچنان که نگاه می‌کردم، شنیدم که عقاب‌ی در میانه آسمان با صدایی بلند فریاد زد: وای، وای، وای بر زمینیان چرا که صدای شیپورهای سه فرشته دیگر بلند خواهد شد.

باب 9

شیپور پنجم

و فرشته پنجم در شیپورش دمید، و من ستاره‌ای دیدم که از آسمان به زمین افتاد؛ و کلید هاویه به آن داده شده بود. ² وقتی او درب هاویه را باز کرد، دودی شبیه به دود کوره‌ای بزرگ به هوا برخاست و خورشید و

آسمان از شدت آن دود تیره شدند. ³ و انبوهی از ملخ‌ها از دل دود بیرون و به روی زمین آمدند که قدرتی شبیه به قدرت عقرب‌های زمین به آنها داده شده بود. ⁴ و به آنها گفته شد که نه به علف‌های زمین و نه به هیچ رویدنی و درخت دیگری آسیب نرسانند، بلکه تنها به مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. ⁵ و به آنان گفته شد که نباید آنها را بکشند، بلکه باید به مدت پنج ماه شکنجه دهند؛ و شکنجه آنها شبیه به درد نیش عقرب بود زمانی که انسان را نیش می‌زند. ⁶ در آن روزها مردم مرگ می‌طلبند اما آن را نمی‌یابند، آرزوی مرگ می‌کنند و مرگ از آنها می‌گریزد.

⁷ و آن ملخ‌ها شبیه اسب‌های آماده نبرد بودند. چیزی شبیه به تاج طلا بر سر داشتند و صورت‌هایشان شبیه صورت انسان بود. ⁸ موهایشان شبیه موی زنان و دندان‌هایشان دندان شیر بود. ⁹ بر سینه‌هایشان پوششی شبیه به سپرهای آهنی داشتند، و صدای بال‌هایشان شبیه صدای اسب‌ها و ارابه‌های فراوانی بود که به جنگ می‌شتافتند. ¹⁰ دُم و نیش آنها مانند دُم و نیش عقرب بود، و دُم‌هایشان آن قدر قوی بود تا پنج ماه مردمان را شکنجه کنند. ¹¹

8:13 در روزهای آخر قرار است چیزهای وحشتناکی در زمین رخ دهد، اما آنها که کلام خداوند را نگه داشته‌اند، محفوظ خواهند بود (3:10). واژگان عبری و یونانی که به «زمین» ترجمه شده‌اند، می‌توانند به «سرزمین» - اسرائیل - نیز اشاره داشته باشند. شاید این قضاوت‌های آسمانی قرار است در سرزمین اسرائیل رخ دهد.

9:4 مهر بر پیشانی است، نماد ذهن. خدا کسانی را که واقعاً با او هستند از روی ذهنیت آنها تشخیص می‌دهد. داشتن ذهنی روحانی هدف زندگی مسیحی است.

شدند.¹⁹ قدرت اسبها در دهان و دُم‌هایشان بود. زیرا دُم آنها شبیه به افعی بود و سری داشت که با آن زخم می‌زدند.

²⁰ و آن انسان‌هایی که به واسطه این بلاها کشته نشدند، بازهم از کارهای خود توبه نکردند، نه پرستش دیوها را رها کردند و نه پرستش بت‌های طلایی و نقره‌ای و برنجی و سنگی و چوبی را که نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه راه می‌روند.²¹ و از قتل و جادوگری‌ها و زنا و دزدی‌های خود توبه نکردند.

باب 10

یک فرشته با هفت تندر

و آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان فرود می‌آمد که جامه‌ای از ابر بر تن داشت و رنگین‌کمانی بالای سرش بود. صورتش شبیه خورشید بود و پاهایش مانند ستون‌های آتش.² و طوماری در دست داشت که باز شده بود. پای راستش بر دریا بود و پای چپش بر خشکی.³ و با صدایی بلند مانند غرش شیران فریاد زد؛ و با فریاد او، آن هفت تندر به سخن

پادشاه آنها فرشته‌هاویه بود. وی در زبان عبری «آدون» و در زبان یونانی «آپولیون» نامیده می‌شد.

¹² نخستین «وای» بگذشت. صبر کن، دو «وای» دیگر همچنان باقی است.

شیپور ششم

¹³ فرشته ششم در شیپورش دمید، و من از شاخ‌های محراب طلایی که در پیشگاه خدا است صدایی شنیدم.¹⁴ کسی به فرشته ششم که یک شیپور داشت، گفت: آن چهار فرشته، که در رود عظیم فرات در بند هستند، را آزاد کن.¹⁵ و آن چهار فرشته، که برای همین ساعت و روز و ماه و سال آماده شده بودند، رها شدند تا یک سوم مردمان را بکشند.¹⁶ و تعداد سپاهیان سواره، ده هزار در ده هزار در دو (دویست میلیون) بود. من تعداد آنان را شنیدم.

¹⁷ اسب‌ها و سوارانی که در آن رؤیا دیدم، سپرهایی از آتش سرخ و گوگرد زرد داشتند، و سرهای شیر؛ و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌زد.¹⁸ یک سوم از انسان‌ها در اثر آتش و دود و گوگرد که از دهانشان بیرون می‌زد کشته

9:11 نه تنها هر ایماندار یک فرشته نگهبان دارد، که گروه‌های انسان‌ها روی زمین، از جمله سپاه بی‌ایمانان، نیز فرشته نماینده‌ای در دادگاه آسمان دارند. این آیه مایه خیال ما است که انسان تنها نیست، اما شرایط حقیقی که روی زمین در آنها قرار می‌گیریم، از طریق فرشته‌ها به کمال در برابر خدا و در آسمان‌ها نمایش داده می‌شوند.

9:20 بنابراین، منظور از دیوها، بت‌ها است؛ نه هیچ پدیده فراطبیعی.

9:21 این دآوری‌های وحشتناک تنها خشم ربانیتی نیست که مورد اهانت قرار گرفته؛ قصد آنها این است که حتی شیرترین افراد روز آخر به توبه رهنمون شوند. خدا خواستار توبه انسان است؛ پس وقتی توبه می‌کنیم، او سرشار از شمع می‌گردد.

گفتم که باید کتاب کوچک را به من بدهد. و او به من گفت: این را بگیر و بخور؛ دلت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت مانند عسل شیرین خواهد بود.¹⁰ پس آن کتاب کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم، در دهانم مانند عسل شیرین بود. اما وقتی آن را فرو بردم، دلم را تلخ کرد.¹¹ و آنها به من گفتند: تو باید دوباره درباره ملت‌ها و اقوام و زبان‌ها و پادشاهان بسیار پیشگویی کنی.

باب 11

دو شاهد

ساقه‌ای از نی شبیه به چوب اندازمگیری به من داده شد و به من گفته شد: برخیز و معبد خدا و محراب و عبادت‌کنندگان آنجا را اندازمگیری کن.² اما صحن بیرون از معبد را اندازه نگیر. زیرا که آن به اقوام واگذار شده است. اینان شهر مقدس را به مدت چهل و دو ماه لگدمال خواهند کرد³ و من به

درآمدند.⁴ و چون آن هفت تندر سخن گفتند، قصد نوشتن کردم. و صدایی از آسمان شنیدم که گفت: آنچه هفت تندر گفتند را چون راز نگهدار و ننویس.⁵ آنگاه آن فرشته که دیدم بر دریا و خشکی ایستاده بود، دست راستش را رو به آسمان بلند کرد⁶ و به او که تا ابد زنده است، و آسمان و هر چه در آن است و زمین و هر چه در آن است و دریا و هر چه در آن است را آفریده است، سوگند خورد که دیگر بیش از این تأخیری در کار نخواهد بود.⁷ بلکه در آن ایام که هفتمین فرشته قصد دمیدن در شیپورش کند، راز خدا تحقق خواهد یافت، همان‌طور که بشارتش را به خادمان خود، انبیا، داده است.

⁸ و دوباره صدایی که از آسمان شنیده بودم را شنیدم که با من چنین سخن گفت: برو و آن کتاب گشوده در دست فرشته‌ای که بر دریا و زمین ایستاده است را بگیر.⁹ پس به سوی آن فرشته رفتم، و به او

10:6 دیگر بیش از این تأخیری در کار نخواهد بود. در یک معنا، آمدن عیسی به تأخیر افتاده، همان‌طور که داماد در متی 25:5 تأخیر می‌کند، 25:5؛ چون خدا بسیار مشتاق است که تعداد بیشتری از انسان‌ها به توبه و رستگاری برسند (2 پطرس 3:9). در معنای دیگر، ما می‌توانیم با رشد معنوی خود، آمدن عیسی را تسریع کنیم (2 پطرس 3:11، 12) و نیز با اشاعه انجیل در سراسر دنیا (متی 24:14). اما تأخیر در آمدن عیسی می‌تواند باعث بروز رفتارهای خودپسندانه در مردم او شود (متی 24:48)؛ و ما باید از این خطر آگاه باشیم.

10:10 کلام خدا واقعا شیرین است، اما می‌تواند عواقب تلخی به دنبال داشته باشد، اگر با جدیت دستور وی به حمل صلیب عیسی و رعایت معیارهای او در این دنیای شریر را بپذیریم.

11:2 42 ماه یعنی 1260 روز یا سه سال و نیم، تمام دوره‌های زمانی که در پیش‌بینی‌های مختلف از آخرین روزها آمده است. ممکن است معنایش این باشد که

داد تا اجسادشان در قبر قرار گیرد.¹⁰ زمینیان از مرگ آنها شاد خواهند شد، و برای یکدیگر هدیه خواهند فرستاد، زیرا آن دو پیامبر ساکنان زمین را معذب کرده بودند.¹¹ اما پس از سه روز و نیم، خدا نفس حیات را در آنها دمید و آنان برخاستند؛ و وحشتی عظیم وجود کسانی که به تماشای آنها ایستاده بودند را فرا گرفت.¹² و آنها صدایی بلند از آسمان شنیدند که به آنان می‌گفت: بپایید این بالا! و آنها در ابری در آسمان رفتند، درحالی که دشمنانشان نظاره‌گر بودند.¹³ درست در همان زمان، زمین‌لرزه‌ای بزرگ آغاز شد و یکدهم شهر فرو ریخت و هفت هزار تن کشته شدند، و وحشت وجود بازماندگان را فرا گرفت و آنها خدای آسمان‌ها را تجلیل کردند.¹⁴ وای دوم گذشت. بنگرید که وای سوم به سرعت خواهد آمد.

فرشته هفتم

¹⁵ و فرشته هفتم در شبپورش دمید، و صداهایی بلند در آسمان شنیده شد که می‌گفتند: حکومت جهان به خداوند ما و مسیح او تعلق یافته است؛ و او تا ابد حکمرانی

دو شاهد خود اختیار خواهیم داد که پوستین بر تن کرده و هزار و دویست و شصت روز نبوت کنند.⁴ اینها همان دو درخت زیتون و دو جاشمعی هستند که در برابر خداوند زمین می‌ایستند.⁵ اگر کسی قصد آسیب رساندن به آنها را داشته باشد، آتش از دهانشان بیرون زده و دشمنان‌شان را می‌بلعد و اگر کسی قصد آسیب رساندن به آنها را داشته باشد، بدین‌سان خواهد مرد.⁶ آنها می‌توانند درب آسمان را ببندند تا در روزهای نبوتشان باران نیارد، و قادرند آب‌ها را به خون تبدیل کنند و هرچند بار که بخواهند، زمین را به هر بلایی مبتلا کنند.⁷ و وقتی که شهادت خود را به پایان برسانند، آن وحشی که از هاویه بیرون می‌آید، به جنگ آنها برخاسته و بر آنان غالب شده و آنان را خواهد کشت.⁸ و اجسادشان در خیابان آن شهر بزرگ که از نظر روحانی سُدوم و مصر خوانده می‌شود بر زمین خواهد ماند، همان‌جا که خداوندشان نیز مصلوب شد.⁹ به مدت سه روز و نیم، مردمان از هر ملت و قبیله و زبان و قومی به تماشای اجساد آنان خواهند پرداخت، و اجازه نخواهند

پیش از آمدن مسیح، سه سال و نیم عذاب در راه است؛ و حتی اینکه اگر منظور از این عذاب، عمدتاً عذاب روحانی باشد، پس این دوره هم اکنون شروع شده است.

11:6 بستن آسمان‌ها از طریق دعا تلمیحی است به کار الیاس، که دعا کرد و بارش باران را برای سه سال و نیم متوقف نمود (یعقوب 5:17). همان دوره 42 ماهه اینجا نیز تکرار می‌شود (آیه 2). این یعنی در روزهای آخر شاهد حکومت الیاس خواهیم بود، که به دنبال آمده کردن اسرائیل برای پذیرش مسیحا است (مرقس 9:12؛ ملاکی 4:5). **11:15** ملکوت خدا حکومت‌های انسانی را در بر می‌گیرد؛ پس، ملکوت خدا با بازگشت مسیح روی زمین برقرار می‌گردد.

زایمان و عذاب زاییدن، فریاد می‌زد.³ و نشانه‌ای دیگر در آسمان دیده شد: اژدهایی سرخ رنگ با هفت سر و ده شاخ و هفت تاج بر سر.⁴ دم اژدها یک سوّم ستارگان آسمان را جارو کرد و بر زمین ریخت. اژدها در برابر آن زن که در آستانه زایمان بود ایستاد، تا بتواند فرزند او را بلافاصله پس از تولد ببلعد.⁵ و آن زن پسری به دنیا آورد، فرزندی مذکر که با عصای آهنین بر همه اقوام حکومت خواهد کرد، و فرزند او نزد خدا و پیش تخت او فرستاده شد.⁶ و زن به بیابان، همان جایی که خدا برای او مهیا کرده بود، فرار کرد تا در آنجا از او به مدت هزار و دویست و شصت روز نگهداری کنند.

⁷ و در آسمان جنگی در گرفت. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش مقابله کردند.⁸ اما او شکست خورد و دیگر جایی در آسمان نداشت.⁹ و اژدهای بزرگ به زیر افکنده شد، همان مار پیر که ابلیس یا شیطان نام دارد و همه جهان را گمراه می‌کند. او به همراه فرشتگانش بر زمین افکنده شد.

خواهد کرد.¹⁶ و بیست و چهار پیر که در پیشگاه خدا بر تخت‌های خود می‌نشینند، روی بر خاک نهاده و خدا را عبادت کرده و گفتند:¹⁷ تو را سپاس ای خداوند خدای، قادر متعال، آن کس که بودی و هستی؛ زیرا قدرت عظیم خود را کسب کرده‌ای و حکومت خود را آغاز نموده‌ای.¹⁸ اقوام خشمگین بودند، و زمان خشم تو فرا رسید، و زمان دآوری مردگان رسیده، و زمانی که خادمان تو، انبیاء، و قدّيسان و کسانی که از نام تو هراس دارند، کوچک و بزرگ، پاداش بگیرند و کسانی که زمین را به ویرانی کشانده‌اند نابود شوند.

¹⁹ سپس معبد خدا در آسمان باز شد، و صندوق عهد او درون معبد دیده شد، و به دنبال آن، صاعقه و غوغا بود و تندر و زمین‌لرزه و تگرگ فراوان پدید آمد.

باب 12

زن و اژدها

و نشانه‌ای بزرگ در آسمان دیده شد: زنی که خورشید به تن داشت و ماه زیر پا و تاجی از دوازده ستاره بر سر.² وی باردار بود و از درد

12:7-9 آموزه‌های انجیل در باب شیطان در خلاصه‌ای نظری در انتهای انجیل آمده‌است.

- زبان «به زمین افکنده شد» و «از دست دادند» به معنی تحت‌اللفظی حرکت رو به پایین نیست - بابل در مکاشفه 18:21 «فرو افکنده می‌شود». «به زمین افکنده شدن» یعنی از دست دادن قدرت

- پس از داستان 9:7-10 می‌گوید که اکنون ملکوت خدای ما است. این آیه از آینده صحبت می‌کند، نه اینکه به ما بگوید در عدن چه اتفاقی افتاد (1:1). مایه شادی است که ابلیس به زمین رانده شده است. چرا باید شادی کرد وقتی آمدن او به زمین سرآغاز گناه و فاجعه برای انسان است؟

¹³ و چون اژدها دید که به زمین افکنده شده، شروع به آزار آن زن نمود که فرزند پسر زاییده بود. ¹⁴ و دو بال از آن عقاب بزرگ به آن زن داده شد تا به جایگاهش در بیابان پرواز کند و در آنجا، دور از دسترس آن افعی، زمانی و زمانها و نیمزمانی از او پذیرایی شود. ¹⁵ افعی از دهان خود آبی مانند رود جاری ساخت تا دنبال آن زن روان شده و او را با خود ببرد. ¹⁶ و زمین به آن زن کمک کرد؛ زمین دهان گشود و آن رودی که از دهان افعی خارج می‌شد را در خود بلعید. ¹⁷ پس اژدها بر زن

¹⁰ و صدایی بلند را در آسمان شنیدیم که می‌گفت: اینک نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما، و اقتدار مسیح او فرا رسیده. زیرا آن مدعی برادران ما، که شب و روز در پیشگاه خدای ما آنها را متهم می‌کرد، سرنگون شده است. ¹¹ و آنها با خون بره، و با کلام شهادت خود بر او چیره شدند؛ و حتی تا سرحد مرگ هم به جان خود بها ندادند. ¹² پس شاد باشید ای آسمان‌ها و شما ساکنان آنها. وای بر زمین و وای بر دریا! زیرا ابلیس با غضب بسیار بر شما فرود آمده است و می‌داند فرصت اندکی دارد.

- اژدها «هفت سر و ده شاخ» دارد (3:3)، پس نمی‌تواند مار باشد. اینکه آن «مار پیر» خوانده شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های ماری در عدن را داشته، به این معنا که فریبنده است، آن طور که مار بود. پس ابلیس به معنای واقعی کلمه مار نیست، یک قدرت سیاسی است که گناه را می‌آورد. فرعون به یک اژدهای بزرگ تشبیه شده است (حزقیال 32:2).

- اژدها یک سوم ستاره‌های آسمان را با دم خود به زمین کشید (4:4). اگر این را تحت‌اللفظی بخوانیم، اندازه اژدها بسیار عظیم است - یک سوم کل جهان تنها در دم او جای می‌گیرد. امکان ندارد سیاره زمین آن قدر بزرگ باشد که بتواند چنین موجود عظیمی را در خود جای دهد. و به یاد داشته باشید که اینها همه اتفاق افتاده، یا خواهد افتاد، پس از قرن اول میلادی، که این پیش‌بینی انجام شد.

- «آسمان» می‌تواند به صورت مجازی اشاره به محل قدرت داشته باشد. مکاشفه کتابی بسیار نمادین است، پس انتظار این را داریم. زن در «آسمان» فرزندش را به دنیا آورد که «نزد خدا و تخت او برده شد» (5:5). تخت خدا آسمان است. اگر زن از قبل در آسمان بود، پس چرا باید فرزندش به آسمان «برده شود»؟ او باید نماد چیزی روی زمین باشد، اگرچه در «آسمانی» مجازی. وی سپس «به بیابان» می‌گریزد (6:6). اگر او در آسمان‌ها بود، این یعنی در آسمان‌ها بیابان وجود دارد. پس منطقی‌تر است که کاربرد آسمان در اینجا مجازی بوده و فرار کردن به بیابان اشاره به محلی روی زمین داشته باشد. چون تمامی اشارات دیگر به «آسمان» در مکاشفه 12 مجازی هستند، پس تنها برداشت ممکن این است که «جنگ» در آسمانی مجازی رخ داده باشد. در آسمان امکان طغیان یا گناه نیست (متی 6:10؛ مزامیر، 5:4-5؛ حزقیال 1:13).

بنابراین، بحث بر مجازی بودن آسمان بین دو گروه قدرت است، که هر یک حامیان خود، یا فرشتگان را دارند.

و به او اجازه داده شد تا چهل و دو ماه به کار خود ادامه دهد.⁶ و او دهان خود را به کفرگویی علیه خدا باز کرد و به نام و به منزلگاه او، یعنی آنان که در آسمان اقامت دارند، اهانت کرد.⁷ به او اجازه داده شد با قدّيسان بجنگد و بر آنها چیره شود، و نسبت به هر طایفه و ملت و زبان و قومی به او اختیار داده شد.⁸ تمام کسانی که در زمین سکونت دارند او را خواهند پرستید، هر کسی که نامش در کتاب حیات بره، که از ابتدای خلقت جهان ذبح شده بود، نوشته نشده.

⁹ اگر کسی گوش شنوا دارد، بشنود.
¹⁰ اگر کسی باید اسیر شود، اسیر خواهد شد. اگر کسی باید با شمشیر کشته شود، با شمشیر کشته خواهد شد. این صبر و ایمان قدّيسان است.

وحشی زمینی

¹¹ و یک وحشی دیگر دیدم که از زمین بیرون می‌آمد. دو شاخ شبیه به بره داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت.¹² با تمام اقتدار وحشی اوّل عمل می‌کرد. زمین و ساکنان آن را به پرستش وحشی اوّل، که زخم کشنده‌اش بهبود یافته بود، وادار می‌کرد.¹³ نشانه‌هایی بزرگ از او

خشم گرفت و عزم کرد تا با سایر فرزندان او بجنگد؛ یعنی با کسانی که احکام خدا را اطاعت می‌کنند و شهادت عیسی را نگاه می‌دارند.

باب 13

وحشی دریایی

من بر ساحل دریا ایستاده بودم. آنگاه دیدم یک وحشی از دریا بیرون می‌آید، ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخ‌هایش؛ و بر سرهایش نام‌هایی کفرآمیز نوشته شده بود.² آن وحشی که من دیدم شبیه به پلنگ بود، اما پاهایش مانند پایهای خرس و دهانش دهان شیر بود؛ و اژدها، قدرت و تخت و اقتداری عظیم به او بخشید.³ و من دیدم که یکی از سرهای او زخمی کشنده برداشته بود؛ اما آن زخم کشنده بهبود یافته بود، و تمام جهان با بهت و حیرت از آن وحشی اطاعت می‌کرد.⁴ و آنها اژدها را پرستش می‌کردند زیرا قدرت خود را به آن وحشی بخشیده بود؛ و نیز آن وحشی را پرستش کرده و می‌گفتند: چه کسی مانند وحشی است؟ و چه کسی توان جنگیدن با او را دارد؟

⁵ و به وحشی دهانی داده شد تا حرف‌های بزرگ و کفرآمیز بزند،

13:10 این اشاره دارد به تعالیم عیسی که هرکه شمشیر در دست بگیرد، با شمشیر از بین خواهد رفت (متی 26:52). آنها که پیروان عیسی هستند نباید با دیگران دشمنی کنند، بلکه باید حتی دشمنان خود را دوست بدارند.

13:11 همچون بره - این نظام قدرتی است که در روزهای آخر برقرار است و تقلیدی است کاذب از عیسی، بره واقعی. او «نقش خدا را بازی می‌کند»، و تظاهر می‌کند که قادر است کار آفرینش را انجام دهد که تنها خدا توان آن را دارد، با زنده کردن مرده‌ای، آن گونه که خدا در مورد آدم کرد (14:).

باب 14

برّه بر کوه صهیون

همین که نگاه کردم، آن برّه را دیدم که بر کوه صهیون و در کنار یکصد و چهل و چهار هزار نفر که نام او و نام پدرش را بر پیشانی نوشته بودند ایستاده بود.² و صدایی از آسمان شنیدم شبیه به صدای آب‌های پرتعداد؛ و صدای تندری غرّان؛ آن صدا که شنیدم شبیه به صدای چنگ‌نوازان بود آنگاه که چنگ می‌نوازند.³ و سرودی تازه در پیشگاه آن تخت و در حضور آن چهار جاندار و آن پیران می‌خواندند؛ و هیچ کس نتوانست آن سرود را بیاموزد به جز آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، که از بین زمینیان خریده شده بودند.⁴ اینها کسانی هستند که خود را آلوده زنان نکردند، زیرا باکره هستند. اینها کسانی هستند که هرکجا برّه برود در پی او خواهند رفت. اینها از میان آدمیان خریده شدند و به عنوان نخستین ثمرات به خدا و برّه عرضه شدند.⁵ و هیچ دروغی از دهانشان خارج نمی‌شد. آنها بی‌عیب و نقص هستند.

به ظهور می‌رسد، و حتی موجب می‌شود در چشم مردمان، آتش از آسمان بر زمین فرود آید.¹⁴ او با تکیه بر نشانه‌هایی که اجازه داشت در حضور آن وحشی به نمایش بگذارد، زمینیان را فریب می‌دهد و به آنها امر می‌کند تا تصویری از آن وحشی بسازند که زخم شمشیر خورده، اما همچنان زنده مانده.¹⁵ به او اجازه داده شد که در تصویر آن وحشی بدمد تا آن تصویر سخن بگوید و موجب کشتن تمام آن کسانی بشود که از پرستش تصویر وحشی سر باز می‌زدند.¹⁶ و همگان، اعم از کوچک و بزرگ، فقیر و غنی، و غلام و آزاد را واداشت تا بر دست راست یا پیشانی خود علامتی بگذارند؛¹⁷ تا هیچ کس نتواند بدون آن علامت خرید و فروش کند، و آن علامت یا نام آن وحشی بود، یا شماره نام او.¹⁸ و این یعنی حکمت. هرکس که بصیرت دارد، بگذار تا عدد آن وحشی را حساب کند. زیرا که آن عدد انسان است؛ و عدد او ششصد و شصت و شش است.

13:14 حتی اگر به نظر می‌رسد فردی قادر به انجام معجزات است، ما نباید از آنها پیروی کنیم، اگر خلاف تعلیم خدا آموزش می‌دهند (تثنيه 13:2).

13:16 پیشانی نماد ذهن است. علامت ممکن است عینی نباشد، بلکه حالتی ذهنی باشد. مردم خدا روی پیشانی‌شان مهر دارند (7:3؛ 9:4). تفاوت بین ایماندار و باقی جهان در جایی است که قلب ما قرار دارد.

14:1 144,00 - رجوع کنید به 7:4.

14:4 ایمانداران واقعی برای ازدواج با عیسی نامزد شده‌اند؛ یکی کردن خودمان با جهان یعنی بی‌وفایی به او و از دست دادن باک‌رگی.

14:5 یافت شد- ایمانداران نیز قطعاً گنه‌کار بوده و عیب داشته‌اند. اما آنها نیز مانند عیسی کامل دیده می‌شوند؛ چون عشق به عاشق کمال می‌دهد و عشق به عیسی

نام او را دریافت می‌کنند، نه شب و نه روز آسایش نخواهند داشت.¹² این بردباری قدّيسان را می‌طلبد که فرامین خدا و ایمان به عیسی را حفظ می‌کنند.

¹³ و صدایی از آسمان شنیدم که گفت: بنویس: خوشا به حال کسانی که از این به بعد در خداوند می‌میرند. روح می‌گوید: بله، آنها از رنج‌های خود رها خواهند شد. زیرا اعمال‌شان به دنبال آنها خواهد آمد.

برداشت محصول از زمین

¹⁴ و من نگاه کردم و ابری سفید دیدم که کسی شبیه به پسر انسان بر آن ابر نشسته بود و تاجی از طلا بر سر و داسی تیز در دست داشت.¹⁵ و فرشته دیگری از معبد بیرون آمد و با صدای بلند به آنکه روی ابر نشسته بود گفت: داس خود را بردار و درو کن. زیرا زمان درو رسیده است. و محصول زمین آماده درو است.¹⁶ سپس، آن‌کس که روی ابر نشسته بود داس خود را روی زمین چرخاند و زمین درو شد.

⁶ و فرشته دیگری دیدم که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را از هر قوم و طایفه و زبان و ملتی که باشند بشارت دهد.⁷ او با صدایی بلند گفت: از خدا بترسید و او را تجلیل کنید! زیرا زمان داوری او فرا رسیده، او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید.

⁸ و فرشته دوم چنین ادامه داد: سقوط کرد! بابل بزرگ که شراب غضب بت‌پرستی خود را به همه ملّت‌ها نوشاند سقوط کرد.

⁹ فرشته سوّمی به دنبال آن دو آمد و با صدای بلند گفت: اگر کسی آن وحشی و تصویر او را بپرستد و نشان او را بر پیشانی یا دست خود بپذیرد،¹⁰ او نیز از شراب غضب خدا که خالص در جام غضب او ریخته شده خواهد نوشید؛ و او در حضور فرشتگان مقدّس و در حضور بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد.¹¹ و دود عذاب آنان تا ابد به بالا خواهد رفت، و کسانی که وحشی و تصویر او را می‌پرستند و کسانی که نشانه

بالا‌ترین عشق است. او به ما به چشم افراد کامل می‌نگرد. ما می‌توانیم به حق از عشق او شادی کنیم.

14:7 او که آفرید- واقعیت خاموش آفرینش باید برای ما و جهان فرمانی باشد که توبه کرده و به سمت آفریننده‌مان برگردیم.

14:10 آتش نابود می‌کند؛ همه چیز را برای ابد نمی‌سوزاند. تمثیل اینجا به نابودی سدوم با آتش و گوگرد است؛ که در یهودای 7 توصیف شده‌است. اما سدوم امروزه به راستی نمی‌سوزد؛ آتش ابدی به نابودی کاملی اشاره دارد که عواقب ابدی به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب، اورشلیم با آتش ابدی نابود شده است (ارمیا 17:27). مجازات گناه مرگ است (رومیان 6:23).

14:15 وقتی گناه انسان به نقطه خاصی برسد، عیسی آمده و داوری خواهد کرد. آن روز قطعاً چندان دور نیست.

داشتند که خدا به آنها داده بود.³ و آنها سرود خادم خدا، موسی، و سرود بزه را می‌خواندند: کارهای تو بزرگ و شگفت‌انگیز هستند، ای خداوند خدای متعال. راه‌های تو به عدالت و حق است، ای پادشاه دوران.⁴ کیست که از تو نهراسد، خداوند، و تو را تجلیل نکند؟ زیرا تنها تویی که قدوسی. زیرا همه اقوام در پیشگاه تو آمده و تو را پرستش خواهند کرد. زیرا اعمال عادلانه تو آشکار شده است.

⁵ و سپس دیدم که معبد شهادت در آسمان باز شد.⁶ و هفت فرشته که حامل هفت بلا بودند از آن بیرون آمدند، درحالی که لباسی از پنبه گرانبها، خالص و درخشان به تن و شالی زرین به دور سینه‌هایشان داشتند.⁷ و یکی از آن چهار موجود زنده، هفت کاسه زرین به آن هفت فرشته داد که لبریز از غضب خدا بود که تا ابد زنده خواهد بود.⁸ و معبد آکنده از دود ناشی از جلال و قدرت خدا شد، و تا زمانی که هفت بلای آن هفت فرشته به پایان نرسید، هیچ کس نتوانست وارد معبد شود.

باب 16

هفت کاسه

آنگاه صدایی بلند از معبد شنیدم که به آن هفت فرشته می‌گفت: بروید و هفت کاسه غضب خدا را بر زمین

¹⁷ فرشته دیگری از معبدی که در آسمان قرار دارد بیرون آمد که او نیز داسی تیز همراه داشت.¹⁸ و باز فرشته‌ای دیگر از محراب بیرون آمد که بر آتش قدرت اختیار داشت و با صدای بلند به آن‌کس که داس تیز داشت، گفت: داس تیزت را بردار و خوشه‌های انگور را از زمین بچین. زیرا انگورهای آن کاملاً رسیده است.¹⁹ و آن فرشته داس خود را روی زمین چرخاند و انگورهای زمین را جمع کرد در خمره شراب ریخت، در خمره بزرگ غضب خدا.²⁰ و خمره بیرون از شهر لگدمال شد و از آن خمره خون بیرون زد و خون تا افسار اسب‌ها بالا آمد، در مسافتی به وسعت هزار و ششصد زمین بزرگ.

باب 15

هفت بلای آخر

یک نشانه بزرگ و حیرت‌انگیز دیگر در آسمان دیدم. هفت فرشته با هفت بلا که «وای» نهایی بودند، زیرا با آنها غضب خدا به پایان می‌رسید.

² و دریایی از شیشه دیدم که با آتش آمیخته شده بود، و کسانی که بر آن وحشی و بر تصویر او و بر عدد نام او چیره شده بودند، در کنار دریا ایستاده بودند و چنگ‌هایی

15:3 ما با جلال خدا، این سرود را خواهیم خواند. همان طور که موسی از فرار مردم خدا از مصر خوشحال شد، ما نیز باید خوشحال باشیم که نهایتاً و بدون بازگشت، جسم و این دنیا را پشت سر گذاشته‌ایم.

اوست، ناسزا گفتند، اما توبه نکرده و او را تجلیل نکردند.

¹⁰ فرشته پنجم کاسه خود را بر تخت آن وحشی ریخت و پادشاهی او در تاریکی فرو رفت؛ و آنها از شدت درد، زبان خود را گاز می‌گرفتند.¹¹ و آنها از شدت درد و زخم‌های خود به خدای آسمان ناسزا می‌گفتند، اما از اعمال خود توبه نمی‌کردند.

¹² فرشته ششم کاسه خود را بر رود بزرگ فرات ریخت و آب آن خشک شد تا راه برای پادشاهانی که از شرق می‌آیند باز شود.

¹³ و آنگاه دیدم سه روح خبیث شبیه به وزغ از دهان اژدها و از دهان آن وحشی و از دهان پیامبر دروغین بیرون آمدند.¹⁴ اینها ارواح دیوهای هستند که آیات را به انجام می‌رسانند. اینها نزد پادشاهان در سرتاسر جهان می‌روند، تا آنها را برای نبرد روز بزرگ خدای قادر متعال جمع کنند.¹⁵ (آگاه باشید، من مانند دزدان می‌آیم! خوشا به حال آن که بیدار می‌ماند و لباسش را نگاه می‌دارد، مبادا لخت روانه شود و

بریزید.² زخم‌هایی بزرگ و دردناک بر تن کسانی که علامت آن وحشی را بر خود داشتند و تصویر او را می‌پرستیدند، پدید آمد.

³ فرشته دوم کاسه خود را در دریا ریخت، و دریا شبیه به خون انسان مرده شد، و همه جانداران حتی هرچه در دریا بود هلاک شد.

⁴ و فرشته سوم کاسه خود را در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب ریخت، و آنها به خون تبدیل شدند.

⁵ و شنیدم که فرشته آب‌ها می‌گفت: در این حکم که کردی، تو عادل بوده‌ای، ای تو که هستی و بوده‌ای، ای قدوس.⁶ زیرا آنها خون قدیسان و انبیای تو را ریختند، پس به آنها خون دادی تا بنوشند. سزای آنها همین است.⁷ و شنیدم که فرشته دیگری از محراب می‌گفت: بله، ای خداوند خدای قادر متعال، کیفر تو به حق و عادلانه است.

⁸ فرشته چهارم کاسه خود را روی خورشید ریخت، و خورشید فرمان یافت تا مردم را در آتش بسوزاند.⁹ و مردم از گرمای شدید سوختند، و به نام خدا که اختیار این بلاها با

16: 9, 11 بار دیگر، قصد داوری نهایی خدا بر گنهکاران این است که آنها را به سمت توبه سوق دهد، نه اینکه خشم خدایی رنجیده خاطر را بنماید. خدا بسیار مشتاق توبه بندگان است؛ از جمله ما و امروز.

16: 15 تلمیح به باکرگانی است که وسوسه شدند به خواب بروند چون به نظر می‌رسید که مسیح، داماد، آمدنش را به تأخیر انداخته است. (متی 25: 5). جامه اشاره به لباس سفیدی دارد که ایمانداران عیسی به تن می‌کنند و در تعمیم به آنها داده شده است (19: 8). ما این جامه‌ها را در تن نگه می‌داریم تا همچنان مطمئن باشیم که این گونه در برابر خدا حاضر می‌شویم و در نتیجه در انتظار شادمانه‌مان برای بازگشت عیسی بیدار خواهیم بود. اشتیاق ما برای آمدن او تنها در صورتی حفظ می‌شود که فروتنانه از پذیرشمان توسط او مطمئن باشیم.

است را نشانت دهم،² با او بود که پادشاهان زمین زنا کردند و ساکنان زمین از شراب هم‌آغوشی‌های او مست شدند.³ و او من را در روح به بیابانی برد، در آنجا زنی دیدم که روی پشت وحشی سرخ رنگی نشسته بود که تنش یکسره با نام‌های کفرآمیز پوشیده شده بود، و هفت سر و ده شاخ داشت.⁴ و زن لباسی قرمز و ارغوانی به تن داشت و غرق در طلا و جواهر و مروارید بود، جامی زرین در دست داشت لبریز از تمام زشتی‌ها و حتی لبریز از ناپاکی هم‌آغوشی‌هایش،⁵ و یک نام به صورت رمز بر پیشانی‌اش نوشته شده بود: بابل بزرگ، مادر فاحشه‌ها و زشتی‌های زمین.⁶ و دیدم که آن زن از خون قدّیسان و شهدای عیسی مست است. همین که او را دیدم، بسیار متعجب شدم.

⁷ اما فرشته به من گفت: چرا شگفت‌زده شده‌ای؟ راز آن زن، و آن وحشی که هفت سر و ده شاخ دارد و زن بر او سوار است، را برایت شرح خواهم داد.⁸ آن وحشی که تو دیدی، زمانی بود و اکنون دیگر نیست، و به زودی از هاویه برمی‌خیزد و به هلاکت خواهد رسید. و از زمینیان، آنها که نامشان از ابتدای آفرینش جهان در دفتر حیات ثبت نشده

رسوا گردند!¹⁶ آنگاه آنها، پادشاهان زمین را در جایی که به زبان عبری «آرماگدون» خوانده می‌شود، گرد هم آوردند.

¹⁷ و فرشته هفتم کاسه خود را در هوا پاشید؛ و از آن تخت که در معبد بود، صدایی بلند برخاست که می‌گفت: تمام شد!¹⁸ آنگاه رعد و برق و غرش تندر بود و زمین‌لرزه‌ای بزرگ واقع شد، آن قدر بزرگ که از زمان پا گذاشتن انسان بر زمین، نظیرش روی نداده بود.¹⁹ شهر بزرگ سه تکه شد و شهرهای اقوام سقوط کرد، و خدا بابل بزرگ را به یاد آورد و جام لبریز از شراب خشم خود را به او نوشاند.²⁰ و جزایر گریختند و کوه‌ها محو شدند.²¹ و تگرگی بسیار سنگین از آسمان بر مردمان فرو ریخت که هر دانه، انگاری پنجاه کیلو وزن داشت، و انسان‌ها به خاطر این بلا به خدا ناسزا گفتند. زیرا که بلایی بسیار سخت بود.

باب 17

مجازات بابل

و از آن هفت فرشته که آن هفت کاسه را در دست داشتند، یکی جلو آمد و به من گفت: بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ که بر آبهای بسیار نشسته

16:19 شهرهای بسیاری در مرزهای نادرست بنا شده‌اند، و این می‌تواند تحقیق عینی داشته باشد.

17:1 به نظر می‌رسد بابل اشاره به نظامی سیاسی یا مذهبی داشته باشد که بر زمین حاکم است [پا، «سرزمین» ناحیه وعده داده شده به ابراهیم] و در ازای منافع و لذات موقت، حمایت مادی ارائه می‌کند. چنین نظامی مردم خدا را آزار می‌دهد، هم اسرائیل اصلی و اسرائیل معنوی.

ده شاخ که دیدی، از فاحشه متنفر خواهند شد. او را نابود خواهند کرد و لخت رهایش خواهند نمود. گوشت او را خواهند خورد و او را در آتش خواهند سوزاند.¹⁷ زیرا خدا به قلب آنها الهام فرموده تا خواست او را برآورده سازند و دل خود را یکدله کنند، و حکومت خود را به دست آن وحشی بسپارند، تا زمانی که کلام خدا عملی شود.¹⁸ و آن زن که دیدی همان شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین حکومت می‌کند.

باب 18

سقوط بابل

پس از اینها، فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان فرود می‌آمد و قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او نورانی شد.² و با صدایی گیرا فریاد زد و گفت: سقوط کرد! بابل بزرگ سقوط کرد، و اینک به مأمن دیوان تبدیل شده و قرارگاه هر روح ناپاکی، و به قرارگاه هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیزی.³ زیرا همه اقوام از شراب غضب هم‌بستری او سقوط کردند؛ همه پادشاهان زمین با او زنا کردند، و تاجران زمین با قدرت طمع او ثروتمند شدند.⁴ و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: ای

است، از دیدن آن وحشی شگفت‌زده خواهند شد، زیرا که زمانی بود، و اکنون دیگر نیست، و خواهد آمد.⁹ باید ذهنی حکیم داشت تا این را فهمید. آن هفت سر، هفت کوه هستند که زن بر آنها نشسته است.¹⁰ و آنها هفت پادشاه هستند. از آنها، پنج نفر سقوط کرده‌اند، یکی هنوز باقی است و آخرین نفر هنوز نیامده است؛ و وقتی بیاید، باید اندک زمانی ادامه دهد.¹¹ آن وحشی که زمانی بود و اکنون نیست، پادشاه هشتم است. او به همان هفت تن تعلق دارد و به هلاکت خواهد رسید.¹² آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز به پادشاهی نرسیده‌اند، اما با آن وحشی به مدت یک ساعت از قدرت شاهان برخوردار خواهند شد.¹³ همه آنها تنها یک هدف دارند و قدرت و اختیار خود را به وحشی خواهند سپرد.¹⁴ همگی با آن بره جنگ خواهند کرد، اما بره بر آنها پیروز خواهد شد، زیرا او خداوند خدایان و شاه شاهان است، و خوانده‌شدگان و منتخبین و ایمان‌داران به او نیز پیروز خواهند شد.

¹⁵ و او به من گفت: آن آب‌ها که دیدی، که فاحشه بر آنها قرار دارد، ملت‌ها و جماعت‌ها و قوم‌ها و زبان‌ها هستند.¹⁶ آن وحشی و آن

17:16 پیروزی مسیح بر این نظام (14) از طریق اعضای مختلف ائتلافی است که خود را آماده اعلام می‌کنند؛ نفاق درونی شیوه نابودی دشمنان خدا در عهد قدیم بود. اگر نفاق را بپذیریم، پذیرفته‌ایم که تا ابد در لعن زندگی کنیم.

17:17 در دل آنها نهاده است. خدا امیال ذهن گنهکاران را تأیید می‌کند. اگر در افکارمان جسمانی و دیوی باشیم، خدا ما را در آن قرار می‌دهد؛ و البته در پاسخ به تلاش‌های ما برای معنوی شدن نیز همین کار را خواهد کرد.

18:4 ترک نظام جهان در آخرین روزها، دشوار و دردناک خواهد بود، درست همان

¹¹ و تاجران زمین بر او خواهند گریست و به سوگ او خواهند نشست، زیرا دیگر کسی متاع آنها را نمی‌خرد.¹² نه طلا و نقره و جواهرات و مروارید آنان را و نه پارچه‌های نفیس و ابریشم و ارغوان و مخمل آنان را، و نه انواع چوب‌های معطر و ظرف‌های عاج و ظرف‌های چوبی ارزشمند و مس و آهن و مرمر آنان را،¹³ نه دارچین و ادویه و بخور خوشبو و پماد و کندر آنان را، نه شراب و روغن زیتون و آرد مرغوب و گندم آنان را، نه حیوانات اهلی و گوسفندان و اسبان و ارایه‌های آنان را، و نه برده‌ها و روح انسان‌ها را.¹⁴ و میوه‌هایی که تمنای آنها را داشتی همه رفتند، و هرچه مایه قدرت و ثروت تو بود به باد رفت و دیگر باز نخواهد گشت!¹⁵ و تاجران اینها که از او ثروت کسب می‌کردند، از ترس عذاب، دور خواهند ایستاد و گریه و زاری خواهند کرد،¹⁶ و خواهند گفت: وای، وای، شهر بزرگ! او که کتان نفیس و بنفش و سرخ پوشیده و اکنده از طلا و جواهر و مروارید بود!¹⁷ ثروت عظیم تو در یک ساعت تباه شد. و هر ناخدای کشتی و همه کسانی که با کشتی

قوم من از او خارج شوید، مبادا در گناهان او شریک شوید، و سهمی از بلاهای او نصیبتان شود.⁵ زیرا گناهان او حتی به آسمان رسیده، و خدا رذالت او را به یاد آورده است.⁶ هرچه او داده به او پس دهید؛ مزد هر آنچه کرده را دو برابر بپردازید. در جام خودش، سهمی دو برابر بریزید.⁷ به او همان مقدار عذاب و اندوه دهید که او جلال و شکوه به خود می‌داد. زیرا او در دل خود می‌گوید: من به مانند یک ملکه می‌نشینم، بیوه نیستم و هرگز ماتم نخواهم دید.⁸ به همین خاطر است که بلاهایش یک روزه بر او نازل خواهد شد، بلای مرگ و ماتم و قحطی؛ و او کاملاً در آتش خواهد سوخت. زیرا خداوند خدایی که به او کيفر می‌دهد، قدرتمند است.

⁹ و چون شاهان زمین که با او زنا کردند و شریک تجمل او شدند، دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و به سوگ او خواهند نشست،¹⁰ و از ترس عذابی که او می‌کشد، دور ایستاده و خواهند گفت: وای، وای، شهر بزرگ! بابل، شهر قدرتمند! زیرا عذاب تو در یک ساعت می‌رسد.

طور که پاسخ دادن یهودیان به فراخوان تاریخی اولیه برای ترک بابل و بازگشت برای بازسازی و پیرانه‌های یهودا، دشوار بود. بسیاری از آنها در بابل زندگی خوبی داشتند و ترجیح می‌دادند آنجا بمانند؛ همین وسوسه در روز آخر برای ایمانداران اتفاق می‌افتد، بابل نمادین.

18:6 دریافت جامی برای نوشیدن از طرف خدا، نمادی دوسویه است - هم برای لعن و هم برای برکت (رساله اول قرن‌تیان 10:16). به این دلیل است که وقتی در مراسم نان جامی شراب برمی‌داریم، باید دقت کنیم که لعن می‌نوشیم یا برکت (رساله اول قرن‌تیان 11:28,29). همین مراسم نان را به یک تجربه دشوار بدل می‌سازد، چون با دو سرنوشتی که انتظارمان را می‌کشد، روبه‌رو می‌شویم.

هیچ چراغی در تو دیده نخواهد شد و صدای هیچ عروس و دامادی در تو شنیده نخواهد شد. تاجران تو، بزرگان زمین بودند؛ و افسون تو همه اقوام را فریفت.²⁴ و خون انبیا و قدّيسان و همه کسانی که در زمین کشته شدند در آنجا یافت شد.

پاب 19

ستایش خدا!

پس از اینها، صدایی شبیه صدای جمعیتی انبوه را در آسمان شنیدیم که می‌گفت: خدا را شکر! نجات و جلال و قدرت از آن خدای ما است.² زیرا داورى‌های او به حق و عدل است. زیرا آن فاحشه بزرگ که زمین را با زنايش به فساد کشید را مجازات کرده، و انتقام خون بندگان خود را از او گرفته است.

³ و برای دومین بار گفتند: خدا را شکر! و دود او تا ابد بالا خواهد رفت.

⁴ و بیست و چهار پیر و چهار موجود زنده به خاک افتادند و خدا

سفر می‌کنند، چه دریانوردان و چه کسانی که از راه دریا روزی کسب می‌کنند، دورادور ایستادند،¹⁸ و چون دود آتشی را دیدند که او را می‌سوزاند، فریاد زدند که: کدام شهر مانند این شهر بزرگ است؟¹⁹ و خاک بر سر می‌ریزند و با گریه و زاری می‌گویند: وای، وای، شهر بزرگ، شهری که تمام کشتی‌داران، از ثروت آن ثروتمند شدند! اینک در یک ساعت ویران شد.

²⁰ ای آسمان، قدّيسان، رسولان و انبیا، بر او شادی کنید. زیرا خدا حق شما را از او ستاند.²¹ و فرشته‌ای قدرتمند، سنگی به اندازه سنگ آسیاب برداشت و به دریا انداخت و گفت: اینطور سخت سقوط خواهد کرد، بابل، آن شهر بزرگ، و دیگر نشانی از آن هرگز یافت نشود.²² و دیگر صدای جنگ‌نوازان و مطربان و نی‌نوازان در تو شنیده نخواهد شد و نه صدای شیپورچیان، و هیچ صنعتگر و صنعتی در تو یافت نخواهد شد، و صدای هیچ آسیابی به گوش نخواهد رسید.²³ دیگر نور

18:21 تصویر این پارسنگ که به درون دریا افکنده می‌شود توسط عیسی برای توصیف سرنوشت کسانی استفاده شده که باعث لغزش کوچکان می‌شوند (متی 6:18). این یعنی ما به اندازه بابل با آن همه گناه کبیره، بد هستیم. آنها که این کار را می‌کنند، «با جهان محکوم» خواهند شد (اول قرنّتیان 11:32)، یعنی، رستاخیز و داورى شده و به بابل فرستاده می‌شوند تا در سرنوشت او شریک باشند.

19:3 تا ابد - بابل به کل توسط آتش نابود می‌شود، نه اینکه محکوم به بلا گردد (18:8). اما دود، باقیمانده عواقب ابدی نابودی آن و آینده‌ای که از دست داده، تا ابد با مردم خدا همراه خواهد بود.

19:7 ما نامزدهای عیسی هستیم، بره. باید در این زندگی خودمان را برای روز ازدواج آماده کنیم. هیچ تردیدی در این مورد نیست - او ما را دوست دارد و مشتاق ازدواج با ما است.

¹¹ آنگاه دیدم که آسمان باز شد؛ و پیش رویم اسب سفیدی دیدم با سواری که او را امین و صادق می‌نامند. او به عدل حکم می‌کند و می‌جنگد. ¹² و چشمانش شبیه به شعله آتش است، و تاج‌های زیادی بر سر دارد، و نامی بر او نوشته شده که هیچ‌کس جز خودش نمی‌داند. ¹³ لباسش به خون آغشته است و او را «کلام خدا» می‌خوانند. ¹⁴ و سپاهیان آسمان به دنبال او روانه بودند، سوار بر اسب‌های سفید، در حالی که جامه‌های کتان نفیس، سفید و پاکیزه بر تن داشتند. ¹⁵ و شمشیری برنده از دهانش بیرون می‌آید که با آن قوم‌ها را می‌تاراند؛ با عصای آهین بر آنها حکمرانی خواهد کرد، و انگور خمره شراب خدای قادر متعال را لگدمال می‌کند. ¹⁶ و بر لباس و ران او اسمی نوشته است: شاه شاهان و ارباب اربابان. ¹⁷ و فرشته‌ای دیدم که در آفتاب ایستاده بود و با صدایی بلند فریاد می‌زد و می‌گفت: ای تمام پرندگانی که در آسمان هستید، بیایید، برای میهمانی بزرگ خدا گرد هم آید. ¹⁸ از گوشت شاهان و سرداران و ثروتمندان، و از گوشت اسب‌ها و سوارانشان، و از گوشت همه انسان‌ها، اعم از آزاد و برده و کوچک و بزرگ، بخورید. ¹⁹ و آن وحشی، و شاهان زمین، و سپاهیان

که بر تخت نشسته بود را پرستش کردند، و گفتند: آمین. خدا را شکر! ⁵ و صدایی از تخت برآمد که: خدا را ستایش کنید ای تمام خادمان او، شما که خوف او را دارید، از کوچک و بزرگ.

⁶ و سپس صدایی شنیدم شبیه خروش جمعیتی بزرگ، و غرش آب‌های فراوان، و شبیه صدای بلند تندر، که می‌گفت: خدا را شکر! زیرا که خداوند خدای ما، آن قادر متعال، حکمرانی می‌کند. ⁷ بیایید خوشحالی کنیم و بسیار شاد باشیم، و بیایید او را تجلیل کنیم. زیرا دامادی آن بزه نزدیک است، و همسرش خود را آماده کرده است. ⁸ و به او لباسی از کتان نفیس و درخشان و خالص داده شد تا بر تن کند. زیرا کتان نفیس، اعمال پارسایانه قدیسان است.

⁹ و او به من گفت: بنویس، خوشا به حال کسانی که به میهمانی دامادی بزه دعوت شوند. و او به من گفت: اینها کلام راستین خدا است. ¹⁰ و من پیش پای او بر زمین افتادم تا عبادتش کنم، و او به من گفت: نباید چنین کنی! من خادمی همسطح با تو و برادرانت هستم که شهادت عیسی را نگه می‌دارند. خدا را پرستش کن! زیرا شهادت عیسی، روح نبوت است.

عیسای پیروز

19:19 وقتی عیسی بازمی‌گردد، مخالفت‌های فراوان سازمان‌دهی شده علیه او وجود خواهد داشت - چون مردم ترجیح می‌دهند همان طور که هست ادامه دهند، با تمام شکایت‌ها و میلشان به چیزی بهتر. همین روحیه امروز در مورد کسانی صادق است که خداوندی عیسی در زندگیشان را رد می‌کنند.

² و او اژدها، آن افعی پیر، که همانا ابلیس و شیطان است، را گرفت و برای هزار سال اسیر کرد؛ ³ و او را به هاویه افکند و درب را قفل کرد و مهر نمود تا در آن هزار سال، دیگر قوم‌ها را فریب ندهد. و پس از آن، مدتی آزاد شود.

⁴ سپس تخت‌هایی دیدم که بر آنها کسانی نشسته بودند که اختیار و حق داوری به آنها سپرده شده بود. و ارواح کسانی را دیدم که سرهایشان در راه شهادت عیسی و کلام خدا از تن جدا شده بود، و به پرستش آن وحشی و تصویر او تن داده بودند، و علامت او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفته بودند. اینها دوباره زنده شدند و با مسیح هزار سال حکمرانی کردند. ⁵ سایر مردگان زنده نشدند تا این هزار سال به پایان رسید. این رستاخیز اول است. ⁶ خجسته و مقدس است کسی که در

آنان را دیدم، که جمع شده بودند تا با آن سوار و سپاه او بجنگند. ²⁰ اما آن وحشی اسیر شد، و به همراه آن، پیامبر دروغین، که در حضور او نشانه‌هایی را آشکار می‌ساخت که به وسیله آنها کسانی را فریفته بود که علامت آن وحشی را پذیرفته بودند و تصویر او را می‌پرستیدند. هر دوی آنها زنده به دریاچه آتش و گوگرد شعله‌ور افکنده شدند. ²¹ و مابقی آنها به شمشیری که از دهان آن اسب‌سوار بیرون می‌آمد، کشته شدند و همه پرندگان از گوشت آنها لبریز شدند.

پاب 20

آخرین داوری و هزاره

و فرشته‌ای دیدم که از آسمان پایین می‌آمد، کلید هاویه را به همراه، و زنجیری بزرگ را در دستش داشت.

19:21 کلام عیسی بسیار قدرتمند است. ما این کلام را امروزه در عهد جدید می‌خوانیم و باید اجازه دهیم بر زندگی ما تسلط یابد.

20:2, 3 به نظر می‌رسد که اولین بخش ملکوت خدا روی زمین «هزار سال» طول بکشد، که در طول آن «ابلیس» - قدرت گناه و مخالفت با عیسی - بسیار مهار شده خواهد بود. ما به عنوان شاه‌کشیش بر زمین حکم خواهیم راند (5:10)، بر مردم فناپذیر معمولی که در زمان بازگشت عیسی روی زمین زنده هستند. در این معنا، شهرهایی به ما داده می‌شود تا بر آنها حکمرانی کنیم (لوقا 19:17). سپس در پایان هزار سال («هزاره») شورشی در خواهد گرفت که آرام می‌شود. انسان‌های فانی که در طول هزاره مرده‌اند در پایان آن رستاخیز و داوری می‌شوند؛ از میان آنها شریران به «مرگ دوم» خواهند مرد و وفاداران زندگی جاودان خواهند یافت. سپس دیگر گناه و مرگی وجود نخواهد داشت.

20:5 آنها- این از منظر پایان هزاره است، «مردگان» یعنی تمام انسان‌هایی که تاکنون مرده‌اند. مردگانی که در این دوران «در عیسی» مرده‌اند، با بازگشت او رستاخیز می‌شوند. انسان‌های فانی زنده در زمان بازگشت که در طول هزاره زیسته مرده‌اند، در پایان آن رستاخیز خواهند شد.

نیز باز شد که کتاب حیات است؛ و مردگان بر حسب اعمال خود، آن طور که در آن کتاب‌ها نوشته شده بود، داوری شدند.¹³ و دریا مردگانی که در خود داشت را پس داد، مرگ و عالم مردگان نیز مردگانی که در خود داشتند را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد.¹⁴ و مرگ و عالم مردگان در دریاچه آتش افکنده شدند. این مرگ دوم است، دریاچه آتش.¹⁵ و اگر نام کسی در کتاب حیات یافت نمی‌شد، او را به دریاچه آتش می‌افکندند.

باب 21

اورشلیم جدید

و آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم. زیرا آسمان اول و زمین اول گذشته بود و دیگر دریایی وجود نداشت.² و شهر مقدس، اورشلیم جدید، را دیدم که از آسمان از نزد خدا فرود می‌آمد، گویی مانند عروسی برای شوهر خود آراسته شده بود.³ و آنگاه صدایی بلند از تخت شنیدم

رستاخیز اول شرکت کند. مرگ دوم بر اینها هیچ قدرتی ندارد، بلکه آنان کشیش خدا و مسیح خواهند ماند و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.⁷ در پایان آن هزاره، شیطان از زندان رها خواهد شد،⁸ و شروع به فریفتن اقوام، جوج و ماجوج، در چهار گوشه جهان می‌کند، تا آنها را برای جنگ گرد هم آورد. تعداد آنها به تعداد شن‌های ساحل دریا می‌ماند.⁹ و اینها بر پهنه زمین پیش رفتند و اردوگاه قدیسان، شهر محبوب، را محاصره کردند، اما از آسمان آتش فرود آمد و آنها را بلعید.¹⁰ و ابلیس که آنها را فریب داده بود، به دریاچه آتش و گوگرد افکنده شد، جایی که وحشی و پیامبر دروغین افکنده شده بودند، و اینها روز و شب تا ابد شکنجه خواهند شد.¹¹ و آنگاه تختی بزرگ و سفید را دیدم، و او را که بر آن نشسته بود، آسمان و زمین از محضر او گریزان بودند و جایی برای آنها نبود.¹² و مردگان را دیدم، کوچک و بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند، و کتاب‌ها باز بودند، و کتابی دیگر

20:14 پس دریاچه آتش نماد مرگ است - که انجیل آن را ناهشیاری کامل توصیف می‌کند.

21:1 اغلب در انجیل از آسمان و زمین برای توصیف مجموعه‌ای از چیزها روی زمین استفاده شده است؛ «آسمان» می‌تواند به افراد دارای قدرت اشاره کند و «زمین» به مردم معمولی. نیازی نیست که خدا آسمانی که خود در آن ساکن است را تخریب کرده و جایگزین نماید.

21:3 این امیدی است که ایوب داشت - اینکه شخصاً خدا را ملاقات کند (ایوب 19:27). بنابراین، خدا در صورت فردی وجود دارد؛ و ما نهایتاً او را خواهیم دید. بنابراین، آسمان به زمین منتقل می‌شود - در نتیجه گاهی از ملکوت خدا روی زمین تحت عنوان «ملکوت آسمان‌ها» صحبت شده است. نه ملکوت در آسمان، بلکه ملکوت آسمان که به زمین می‌آید.

آن مانند گرانبهارترین جواهر بود، انگار که سنگ یشم و به شفافیت بلور بود.¹² دیواری بزرگ و بلند با دوازده دروازه داشت؛ و دوازده فرشته جلوی دروازه‌هایش بودند، و نام دوازده قبیله بنی‌اسرائیل بر آنها نوشته شده بود.¹³ سه دروازه در سمت مشرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت جنوب، و سه دروازه در سمت مغرب قرار داشت.¹⁴ و دیوار شهر دارای دوازده ستون بود، که روی آنها نام دوازده رسول بره نوشته شده بود.

¹⁵ و او که با من سخن می‌گفت، میله‌ای طلایی داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه‌گیری کند.¹⁶ شهر به شکل مربع، و طول و عرض آن به یک اندازه بود. او شهر را با آن میله اندازه گرفت، اندازه دوازده هزار زمین بزرگ بود. طول و عرض و ارتفاع شهر با هم برابر بود.¹⁷ و قطر دیوار آن برابر با یکصد و چهل و چهار ذرع بود، یعنی مقیاسی انسانی که فرشته به کار می‌برد.¹⁸ و دیوار از یشم، و شهر از طلای خالص ساخته شده بود، و مانند شیشه شفاف بود.¹⁹

ستون‌های دیوار شهر با همه انواع سنگ‌های قیمتی تزئین شده بود. ستون اول از یشم بود. دومی از یاقوت کبود. سومی از عقیق سفید. چهارمی از زمرد.²⁰ پنجمی از عقیق سرخ. ششمی از عقیق آتشین. هفتمی از زبرجد. هشتمی از یاقوت سبز. نهمی از یاقوت زرد. دهمی از

که می‌گفت: بنگرید که منزلگاه خدا با انسان است، و او با آنها سکنی خواهد داشت، و آنان مردمان او خواهند بود؛ و خود خدا با آنان، و خدای آنها خواهد بود.⁴ او اشک چشمان آنها را خواهد زدود، و دیگر مرگی در کار نخواهد بود. و ماتم و زاری و درد و هیچ چیز دیگری وجود نخواهد داشت. چیزهای اول سپری شد.

⁵ و او که بر تخت می‌نشیند، گفت: بنگرید! همه چیز را نو می‌کنم. و او گفت: بنویس! زیرا اینها به حق و عدل است.⁶ و او به من گفت: آنها آمده‌اند که بگذرند. من «الف» و «ی» هستم، اول و آخر. من به هرکس که تشنه باشد، به رایگان از چشمه آب حیات خواهم داد.⁷ هر که پیروز شود، همه چیز را به ارث خواهد برد، و من خدای او، و او پسر من خواهد بود.⁸ اما سهم ترسوها و بی‌ایمانان و فاسدان و قاتلان و زناکاران و جادوگران و بت‌پرستان و تمام دروغگویان، دریاچه آتش و گوگرد خواهد بود، که مرگ دوم است.

⁹ و یکی از آن هفت فرشته که هفت کاسه لبریز از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: بیا اینجا تا عروس، همسر بره، را به تو نشان دهم.¹⁰ و مرا در روح به کوهی بزرگ و مرتفع برد، و شهر مقدس اورشلیم را نشان داد که از آسمان و نزد خدا به زمین می‌آمد،¹¹ و جلال خدا را داشت. درخشش

21:17 یک انسان ... یک فرشته. در ملکوت خدا، ما باید با فرشتگان برابر باشیم (لوقا 20:35,36)، کسی که دیگر نمی‌تواند گناه کند و در ذات ابدی خدا شریک شده است.

و او نهر آب حیات را به من نشان داد که همچون بلور درخشان بود و از تخت خدا و بره جاری می‌شد،² و از وسط خیابان آنجا می‌گذشت. و در دو سوی نهر، درخت حیات بود که دوازده میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار؛ و برگ‌های آن برای شفای قوم‌ها بود.³ و دیگر هیچ نفرینی وجود نخواهد داشت، و تخت خدا و بره در آنجا خواهد بود، و خادمانش به او خدمت خواهند کرد.⁴ آنها سیمای او را خواهند دید و نام او بر پیشانی‌شان خواهد بود.⁵ دیگر شب وجود نخواهد داشت و آنها به نور چراغ یا خورشید نیاز نخواهند داشت، زیرا خداوند خدا به آنها روشنایی خواهد بخشید، و آنها تا ابد حکمرانی خواهند کرد.

کلام آخر

⁶ و او به من گفت: این کلمات به حق و عدل هستند. و خداوند، خدای ارواح انبیاء، فرشته خود را فرستاده تا آنچه قرار است واقع شود را به خادمان خود خبر دهد.⁷ و بنگر، من سریع می‌آیم. خوشا به حال کسی که کلام نبوت این کتاب را می‌پذیرد.⁸

عقیق سبز. یازدهمی از فیروزه. و دوازدهمی از لعل بنفش.²¹ و دوازده دروازه، دوازده مروارید بودند. هر دروازه یک مروارید بود، و خیابان شهر از طلای خالص، انگار که شیشه‌ای شفاف باشد.

²² و در آنجا معبدی ندیدم. زیرا خداوند خدای قادر متعال و بره، معبد آن هستند.²³ و شهر نیازی به خورشید و ماه ندارد که بر آن بتابند. زیرا جلال خدا آن را روشن کرده بود، و بره چراغ آن است.²⁴ و قوم‌ها در نور آن گام بر می‌دارند و پادشاهان زمین، شکوه خود را به آنجا می‌آورند.²⁵ دروازه‌های آن هرگز در روز بسته نخواهد شد (زیرا در آنجا شب وجود نخواهد داشت).²⁶ و آنان شکوه و افتخار اقوام را به آنجا خواهند آورد.²⁷ هیچ چیز ناپاک، یا هیچ‌کس که مرتکب اعمال زشت شود یا دروغ بگوید به هیچ وجه وارد آن نخواهد شد، فقط کسانی که نامشان در کتاب حیات بره نوشته شده است، آنجا راه خواهند یافت.

باب 22

باغ عدن احیا شده

21:24 وقتی عیسی بازگردد، ما رستخیز و داوری می‌شویم و حاکمان ملکوتی خواهیم بود که او روی زمین برقرار می‌سازد (5:10). ما بر مردم فانی معمولی که در زمان بازگشت او زنده هستند، حکمرانی خواهیم کرد. حکمرانان این جهان در برابر ما تعظیم کرده و به ما شکوه خواهند داد - ما که در این زندگی هیچ هستیم. ما نور جهان خواهیم بود که در آن نور مسیح، که نور جهان است، را به ملت‌ها خواهیم آموخت. اما اگر بخواهیم در آینده نور جهان باشیم، باید از هم اکنون باشیم.

22:3 عدن احیا می‌شود. نفرینی که در نتیجه گناه آدم بر زمین و تمام مخلوقات وارد شد، از بین می‌رود. بار دیگر می‌بینیم که برنامه خدا استقرار ملکوت خود اینجا روی زمین است - در نتیجه زبان فردوس نیز احیا می‌گردد.

و کسانی که دروغ را دوست دارند بیرون آن خواهند ماند.

¹⁶ من، عیسی، فرشته خود را فرستادم تا این چیزها را به کلیساهای ابلاغ کند. من ریشه و نواده داوود، ستاره درخشان صبح هستم.

¹⁷ و روح و عروس می‌گویند: بیا! و هرکس که می‌شوند، بگوید: بیا! و هرکس تشنه است، بیاید. بگذار هرکس که طالب است، از آب حیات به رایگان بگیرد.

¹⁸ من به همه کسانی که کلام نبوت این کتاب را می‌شنوند هشدار می‌دهم، اگر کسی چیزی به آن افزون کند، خدا بلاهای نوشته شده در این کتاب را بر او خواهد افزود.

¹⁹ و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب بکاهد، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقدس، که در این کتاب درباره آنها نوشته شده است، بی‌نصیب خواهد نمود.

²⁰ آن کس که بر اینها شهادت می‌دهد، می‌گوید: بله. به زودی می‌آیم. آمین. خداوند عیسی بیا. ²¹ رحمت خداوند عیسی با همه قدّيسان باشد. آمین.

و من، یوحنا، این چیزها را دیدم و شنیدم. و پس از دیدن و شنیدن آنها، جلوی پاهای آن فرشته که اینها را به من نشان داده بود، افتادم تا او را ستایش کنم. ⁹ و او به من گفت: نباید چنین کنی! من خادمی هم‌سطح با تو و برادران نبی تو و کسانی هستم که کلام این کتاب را می‌پذیرند. خدا را پرستش کن! ¹⁰ و او به من گفت: کلام نبوت این کتاب را مهر مکن. زیرا زمان نزدیک است. ¹¹ کسی که بدکار است، به بدی کردن ادامه دهد و شخص فاسد، همچنان به فساد بپردازد، و نیکوکار، به نیکویی کردن ادامه دهد و قدّیس، همچنان قدّیس بماند.

¹² بنگر، من به ناگاه می‌آیم؛ و پاداش من با من است تا به هرکس بر حسب آنچه انجام داده است بدهم. ¹³ من «الف» و «ی» هستم، اول و آخر، ابتدا و انتها. ¹⁴ خوشا به حال کسانی که جامه خود را می‌شویند تا حق دسترسی به درخت حیات را بیابند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند. ¹⁵ سگ‌ها و جادوگران و زناکاران و قاتلان و بتپرستان

22:12 آمدن عیسی «به زودی» خواهد بود و ما نیز باید در سرتاسر روز به خودمان یادآوری کنیم که ممکن است عیسی واقعاً هر زمان بیاید - و برای او آماده باشیم. عیسی پاداش ما را از آسمان به زمین می‌آورد (اول پطرس 5:4)؛ ما با مرگ و رفتن به آسمان پاداش نخواهیم گرفت.

22:15 دوست می‌دارند و به عمل می‌آورند - مردم ممکن است گناه را دوست بدارند، بدون انجام آن و تنها با دیدن و خواندن این چیزها، و اجرایشان از راه دور.

22:17 اگر دریابیم که آینده جاودان ممکن شده است، عکس‌العمل طبیعی‌مان این است که افراد نزدیک خود را نیز دعوت می‌کنیم تا در آن با ما شریک شوند. اخبار خوب در مورد چیزی، تنها پیش یک نفر باقی نمی‌ماند.

برنامه ریز خواندن همراه کتاب مقدس

برنامه ریز خواندن فصولی از کتاب مقدس را برای مطالعه روزانه پیشنهاد می‌کند، که باعث می‌شود کل عهد جدید دو بار در سال خوانده شود.

ژوئن	می	آوریل	مارس	فوریه	ژانویه
عبرانیان 6، 7	اعمال رسولان 9	لوقا 24	رساله اول قرنثیان 14	رومیان 10، 11	متی 1، 2
8، 9	10	غلاطیان 1، 2	15	12	3، 4
10	11، 12	3، 4	16	13، 14	5
11	13	5، 6	رساله دوم قرنثیان 1، 2	15، 16	6
12	14، 15	1، 2	3، 4	مرقس 1	7
13	16، 17	3، 4	5-7	2	8
رساله یعقوب 1	18، 19	5، 6	8، 9	3	9
2	20	1، 2	10، 11	4	10
3، 4	21، 22	3، 4	12، 13	5	11
5	23، 24	یوحنا 1	لوقا 1	6	12
رساله اول پطرس 1	25، 26	2، 3	2	7	13
2	27	4	3	8	14
3-5	28	5	4	9	15
رساله دوم پطرس 1، 2	کولسیان 1	6	5	10	16
3	2	7	6	11	17
1 یوحنا 1، 2	3، 4	8	7	12	18
3، 4	1 تسال. 1، 2	9، 10	8	13	19
5	3، 4	11	9	14	20
2 و 3 یوحنا	5	12	10	15، 16	21
یهودا	2 تسال. 1، 2	13، 14	11	رساله اول قرنثیان 1، 2	22
مکاشفه 1، 2	3	15، 16	12	3	23
3، 4	1 تیموتائوس 1-3	17، 18	13، 14	4، 5	24
5، 6	4، 5	19	15	6	25
7-9	6	20، 21	16	7	26
10، 11	2 تیموتائوس 1	اعمال رسولان 1	17	8، 9	27
12، 13	2	2	18	10	28
14	3، 4	3، 4	19	11	رومیان 1، 2
15، 16	تیتس 1-3	5، 6	20	12، 13	4، 3
17، 18	فیلیمون	7	21		5، 6
19، 20	عبرانیان 1، 2	8	22	7، 8	
	3-5		23	9	

دسامبر	نوامبر	اکتبر	سپتامبر	اوت	ژوئیه	
عبرانیان 6، 7	اعمال رسولان 10	لوقا 24	رساله اول قرنتیان 15	رومیان 9	مکاشفه 21، 22	1
8، 9	11، 12	غلاطیان 1، 2	16	10، 11	متی 1، 2	2
10	13	3، 4	2 قرنت. 1، 2	12	3، 4	3
11	14، 15	5، 6	3، 4	13، 14	5	4
12	16، 17	افسس. 1، 2	5-7	15، 16	6	5
13	18، 19	3، 4	8، 9	مرقس 1	7	6
رساله یعقوب 1	20	5، 6	10، 11	2	8	7
2	21، 22	فیلیپ. 1، 2	12، 13	3	9	8
3، 4	23، 24	3، 4	لوقا 1	4	10	9
5	25، 26	یوحنا 1	2	5	11	10
رساله اول پطرس 1	27	2، 3	3	6	12	11
2	28	4	4	7	13	12
3-5	کولسیان 1	5	5	8	14	13
رساله دوم پطرس 1، 2	2	6	6	9	15	14
3	3، 4	7	7	10	16	15
1 یوحنا 1، 2	1 تسال. 1، 2	8	8	11	17	16
3، 4	3، 4	9، 10	9	12	18	17
5	5	11	10	13	19	18
2 و 3 یوحنا	2 تسال. 1، 2	12	11	14	20	19
یهودا	3	13، 14	12	15	21	20
مکاشفه 1، 2	1 تیموتائوس 1-3	15، 16	13، 14	16	22	21
3، 4	4، 5	17، 18	15	1 قرنت. 1، 2	23	22
5، 6	6	19	16	3	24	23
7-9	2 تیموتائوس 1	20، 21	17	4، 5	25	24
10، 11	2	اعمال رسولان 1	18	6	26	25
12، 13	3، 4	2	19	7	27	26
14	تیطس 1-3	3، 4	20	8، 9	28	27
15، 16	فیلیمون	5، 6	21	10	رومیان 1، 2	28
17، 18	عبرانیان 1، 2	7	22	11	3، 4	29
19، 20	3-5	8	23	12، 13	5، 6	30
21، 22		9		14	7، 8	31

مبانی کتاب مقدس: نسخه کوتاه

نسخه چاپی کتاب دانکن هیستریبا عنوان مبانی کتاب مقدس را می‌توان به صورت رایگان از biblebasiconline.com یا bible-basics.info تهیه کرد. کتاب حاضر، نسخه بسیار کوتاهی از این کتاب است.

تمام نقل قول‌ها از نسخه کتاب مقدس شاه جیمز ذکر شده‌اند مگر این که طور دیگری مطرح شده باشد.

قسمت 1: کتاب مقدس

کتاب مقدسی که امروز در دست داریم، تاریخ شگفت‌انگیزی دارد و دست کمی از معجزه ندارد. کتاب ادعا می‌کند که کلام خدا است و ما را به چالش می‌کشد تا درباره پیامی که دارد حقیقت را جستجو کنیم و به این باور برسیم که این در واقع تنها وحی موجود از آفریدگار ما است.

روح خدا

کتاب مقدس توصیفی است از روح خدا. روح او هنگام خلقت در کار بود: «به روح او آسمانها زینت داده شد» (ایوب 26:13). روح خدا برای خلقت کنونی، روی سطح آب حرکت می‌کرد (پیدایش 1:2). همچنین می‌خوانیم که جهان «به کلام خداوند» به وجود آمد (مزامیر 33:6)؛ و در پیدایش ثبت شده که چگونه «خدا سخن گفت» و آفرینش رخ داد. بنابراین، روح خدا در کلامش منعکس شده است. به همین شکل، کلام ما نیز افکار و امیال درونی یعنی "خود" واقعی ما را به درستی نشان می‌دهد. داود از این سخن می‌گوید که چگونه کلام و قلب خدا با هم یکی است: «و برحسب کلام خود و موافق دل خود، تمامی این کارهای عظیم را بجا آوردی.» (دوم سموئیل 7:21). بنابراین، ذهن / روح خدا در کلامش بیان شده است. خدا با وحی و الهام، معجزه توصیف روح خود در کلام مکتوب را تحقق بخشید. در معنای این دو کلمه، یعنی وحی و الهام مفهوم القاء نهفته است.

«وحی» به معنی القای آگاهی است. و «الهام» به معنی در دل افکندن است. این بدان معنی است که کلامی که بشریت با وحی و الهام گرفتن از خدا نوشته، کلام روح خدا بودند.

پولس تیموتائوس را بدین تشویق می‌کند که اجازه ندهد آشنایی او با کتاب مقدس منجر به فراموشی این حقیقت شگفت‌گردد که کتاب مقدس، کلام روح خدا است و بنابراین همه نیازهای ما برای شناخت حقیقی خداوند را برآورده

می‌کند: «از کودکی، نوشته‌های مقدس را می‌شناسی که قادر هستند برای نجات به وسیله ایمانی که بر عیسی مسیح است به تو حکمت دهند. تمامی کتب مقدس الهام گرفته از خدا هستند و برای تعالیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است؛ تا مرد خدا کامل و برای هر عمل نیکو آراسته بشود» (دوم تیموتائوس 3:15 تا 17).

کل کتاب مقدس، الهام و وحی است

عدم تمایل برای پذیرش این قدرت بزرگ معنوی موجود در کلام خدا باعث شده بسیاری از مسیحیان شک کنند که آیا همه نوشته‌های مقدس، الهام گرفته از خدا هستند یا خیر. آنها مطرح کرده‌اند که اکثر مطالبی که در کتاب مقدس می‌خوانیم صرفاً عقاید شخصی نویسندگان آن بوده‌اند. اما پطرس چنین استدلال غلطی را نهی می‌کند: «کلام نبوت برای ما قطعیت بیشتری یافت؛ و... به آن توجه کنید... اما اول این را بدانید که پیشگویی کتاب مقدس، تفسیر شخصی ندارد. زیرا هیچ نبوتی با اراده انسان نیامده بلکه انسانها تحت تأثیر روح القدس از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس 1:19 تا 21 نسخه جدید بین المللی).

مهمتر از هر چیزی ما باید باور کنیم که کتاب مقدس، الهام و وحی از سوی خداوند است. در متن کتاب مقدس بارها بر اصول وحی تأکید شده است:

- «زیرا خدا دستور داد و گفت...» (متی 4:15)
- «زیرا خود داود از طریق روح القدس گفت...» (مرقس 12:36)
- «... که روح القدس نیز پیش تر از دهان داود گفته بود...» (اعمال رسولان 1:16)
- «روح القدس به درستی از طریق اشعیا نبی گفته بود...» (اعمال رسولان 1:16)
- همان طور که روح القدس می‌گوید...»

(عبرانیان 3:7؛ همچنین رجوع کنید به 9:8؛ 10:15).

اگر این افراد فقط تا حدی الهام گرفته باشند، ما به حقیقت کلام یا روح خدا دسترسی نداریم. اگر نوشته‌های آنان واقعاً کلام خدا باشد، پس حتماً در طول وحی، روح خدا آنها را تسخیر کرده بوده، وگرنه محصول به دست آمده، کلام ناب خدا نخواهد بود.

کلام الهام گرفته باعث ایجاد انگیزه است

پذیرش این مساله که کلام خدا کاملاً متعلق به خود او است انگیزه بیشتری برای خوندن و تبعیت از آن به ما می‌دهد: کلام تو بسیار ناب است و بنده تو آن را دوست می‌دارد (مزامیر 140:119). مقایسه دوم تیموتائوس 3:16 با 4:2 و 4:3 نشان می‌دهد که چگونه پذیرش کتاب مقدسی که الهام و وحی از سوی خدا است باعث ایجاد انگیزه عمل در ما می‌شود: از آن جایی که کلام الهام گرفته از خدا مفید است...

بنابراین برای تعلیم،
 به کلام موعظه کن؛ در وقت و بی‌وقت آماده باش (یعنی
 چه ذاتاً حس و حال موعظه داشته باشی چه نداشته باشی).
 بنابراین برای تعلیم،
 قانع کن (ملاکت کن)
 بنابراین برای اصلاح
 توبیخ کن
 بنابراین برای تعلیم راستی
 با صبر و بردباری تشویق و نصیحت کن

چه مفهومی برای ما دارد

اگر باور کنیم که کتاب مقدس الهام گرفته از خدا است، شور و عشق و قدرت آن را بیشتر احساس خواهیم کرد و بنابراین تأثیر آن بر ما بیشتر خواهد بود. مثلاً نقل قول از عهد عتیق را در نظر بگیرید: «شما دیدید که از آسمان به شما سخن گفتم (بنابراین) با من خدایان نقره مسازید...» (خروج 20:22، 23). بنابراین به دلیل معجزه شنیدن صدای خدا، هر گونه بت پرستی برای ما بی معنی خواهد بود.

پولس رسول، شور و عشق کلام خدا را احساس کرد. کتاب مقدس برای او صرفاً نوشته‌های سیاه روی کاغذ سفید نبودند. از این رو، او از این سخن می‌گوید که چگونه «اشعیا با جسارت گفت که... اشعیا درباره اسرائیل فریاد زد که...» (رومیان 10:20، 9:27). پولس به کلام اشعیا آن قدر عمیقاً اندیشید که حتی لحن صدای او را نیز زمانی که برای بار اول آنها را به زبان آورده بود تصور کرده بود. حاکمان اورشلیم به این دلیل سرور را به صلیب کشیدند که «...صدای انبیا را که در هر سبت خوانده می‌شود، (نمی شناختند)» (اعمال رسولان 13:27). پولس درباره «صداها» پیامبران صحبت می‌کند تا صرفاً کلامشان. کسانی که عیسی را به صلیب کشیدند، با این که قویاً اظهار می‌کردند که متون کتاب مقدس الهام گرفته است، در نگرش خود نسبت به کتاب مقدس، معجزه الهام را درک و احساس نکردند. در این جا درسی است که باید از آن عبرت بگیریم. با این که ممکن است توافق نظر داشته باشیم که کتاب مقدس، کلام الهام گرفته از خدا است، این امکان وجود دارد که نتوانیم هنگام خواندن آن، آن طور که باید چنین چیزی را درک کنیم.

قسمت 2: ملکوت خداوند

امید اصلی و حقیقی مسیحیت، ظهور ملکوت و پادشاهای خداوند است. دعای سرور این را نشان می‌دهد: «ملکوت تو بیاید (تا) اراده تو روی زمین اجرا شود، درست همان گونه که (هم اکنون) در آسمان اجرا می‌شود» (متی 6:10) با بازگشت مسیح، «پادشاهی‌های جهان به خداوند ما و مسیح او تعلق

(خواهد) یافت؛ و او تا ابد حکمرانی خواهد کرد!» (مکاشفه 11:15). آن گاه، اراده و خواسته‌های خدا کاملاً و آشکارا در این زمین اجرا خواهد شد.

ملکوت در زمین

«ملکوت خدا» و «ملکوت آسمان» عباراتی هستند که به جای یکدیگر استفاده می‌شوند (متی 13:11 مقایسه کنید با مرقس 4:11). در کتاب مقدس هرگز از «ملکوت در آسمان» سخنی گفته نشده؛ بلکه این **ملکوت آسمان** است که توسط مسیح با بازگشت او در روی زمین اجرا خواهد شد. همان طور که فرشته‌ها در آسمان از خواست خداوند کاملاً تبعیت می‌کنند (پولس 103:19 تا 21) در ملکوت الهی آینده نیز چنین خواهند کرد. وارد شدن به ملکوت خدا در بازگشت مسیح، نتیجه نهایی همه تلاش‌های مسیحیت در این حیات خواهد بود (متی 25:34؛ اعمال رسولان 14:22)؛ بنابراین حائز اهمیت است که درک درستی از آن داشته باشیم. تعلیم ملکوت خدا، بخش مهمی از پیام انجیل را تشکیل می‌دهد (اعمال رسولان 8:12؛ 19:8؛ 28:23، 31). «از طریق رنجهای بسیار، باید وارد ملکوت خداوند بشویم» (اعمال رسولان 14:22)، این سپیدی پایان شب سیاه و بنابراین انگیزهای است برای همه فداکاری‌هایی که زندگی حقیقی مسیحیت با خود به همراه دارد.

پیشگویی عهد عتیق درباره ملکوت خداوند

دانیال دوم یکی از چندین پیشگویی‌ها در عهد عتیق است که درباره ملکوت خداوند سخن می‌گوید. نبوکدنصر، پادشاه بابل می‌خواست از آینده جهان باخبر شود. تصویر یک مجسمه بزرگ متشکل از فلزهای مختلف به او نشان داده شد. دانیال تفسیر کرد که سر طلایی مجسمه، معرف پادشاه بابل است (دانیال 2:38). پس از او امپراتوری‌های بزرگی در منطقه پیرامون اسرائیل خواهند آمد تا زمانی که وضعیتی به وجود خواهد آمد که در آن «پاها و انگشت‌های مجسمه قسمتی از آهن و قسمتی از گِل بود. این نشان می‌دهد که این سلطنت تقسیم خواهد شد و بعضی از قسمتهای آن مثل آهن قوی و بعضی مثل گِل ضعیف خواهد بود.» (دانیال 2:42). منظور در این جا تعادل قدرت موجود در جهان است که بین بسیاری از ملت‌ها تقسیم شده است و برخی قوی هستند و برخی ضعیف. سپس دانیال دید که سنگ کوچکی به پایین این تصویر برخورد و آن را تخریب کرد. سنگ تبدیل به کوه بزرگی شد که کل زمین را فرا گرفت (دانیال 2:34 و 35). این سنگ، نماد عیسی است (متی 21:42، اعمال رسولان 4:11؛ افسسیان 2:20؛ اول پطرس 2:4 تا 8) «کوه» که کل زمین را در بر خواهد گرفت، نماد ملکوت جاویدان خداوند است که در بازگشت او به زمین برقرار خواهد شد. از این رو، ملکوت روی زمین خواهد بود، نه در آسمان: در دوران سلطنت آن پادشاهان، خدای آسمان، **ملکوتی برقرار خواهد ساخت که هرگز از بین نخواهد رفت ... خودش تا ابد پایدار خواهد ماند.**» (دانیال 2:44)

مسیح پادشاه

مسیح، پادشاه خواهد بود و بازگشت او به زمین، سرآغاز ملکوت خداوند خواهد بود. او برترین حکمرانان در کل زمین خواهد بود.

- «او برای همیشه ... پادشاهی خواهد کرد و پادشاهی او پایانی نخواهد داشت» (لوقا 1:32، 33).
- «پادشاهی‌های جهان به خداوند ما و مسیح او تعلق یافته است و او تا ابد حکمرانی خواهد کرد!» (مکاشفه 11:15).
- «دامنه قلمرو او (مسیح) از دریا تا به دریا و از رود تا دورترین نقطه جهان خواهد بود» (مزامیر 72:8).

فرمانروایان شریک

مسیح، فرمانروایی خود بر روی زمین را با پیروانش تقسیم خواهد کرد: «(تو یعنی مسیح) ایشان را برای خدای ما روحانی ساختی و به سلطنت رساندی؛ از این رو بر زمین سلطنت خواهیم کرد» (مکاشفه 5:10). «پادشاهی امین و درستکار (عیسی) و رهبرانی عادل و با انصاف (مومنان) بر مردم حکومت خواهند کرد» (اشعیا 32:1؛ لوقا 19:17؛ دوم تیموتائوس 2:12).

پایتخت

مسیح از اورشلیم، پایتخت ملکوت آینده فرمانروایی خواهد کرد. در حالی که مردم در جاهای مختلف سراسر جهان خدا را پرستش می‌کنند (ملاکی 1:11)، اورشلیم نقطه مرکزی پرستش در جهان خواهد بود (حزقیال 40:48). ملت‌ها «هر ساله برای پرستش پادشاه، یعنی خداوند متعال به اورشلیم می‌آیند» (زکریا 14:16). زیارت سالانه از اورشلیم در اشعیا 2:2 و 2:3 نیز پیشگویی شده است: در روزهای آخر، کوهی که خانه خداوند بر آن بنا شده، بلندترین کوه دنیا می‌شود... و ملت‌های مختلف به آنجا روانه خواهند شد. اقوام بسیار خواهند گفت: بیایید به کوه خداوند، خانه خدای یعقوب برویم، او راه‌هایش را به ما خواهد آموخت... زیرا خداوند در صهیون با قوم خود سخن می‌گوید و تعالیم او از اورشلیم اعلام می‌شوند».

شور و شوقی جهانی برای فهمیدن راه‌های خدا خواهد بود. این اشتیاق چنان انگیزه‌ای را در مردم ایجاد خواهد کرد که از سراسر زمین برای کسب دانش و معرفت بیشتر نسبت به خداوند به اورشلیم سفر خواهند کرد.

یک نظام حقوقی جهانی

به جای سردرگمی و بی عدالتی ناشی از نظام‌های حقوقی ساخته شده به دست بشر، یک نظام حقوقی جهانی واحد برقرار خواهد شد. «قانون و کلام خداوند»، که از سوی مسیح در اورشلیم اعلام خواهد شد. «همه ملت‌ها» به سوی این جلسات تعلیم «روانه خواهند شد.» دانش حقیقی درباره خدا از اصطکاک و تنش بین

ملت‌ها خواهد کاست. در مقابل احترامی که هم اکنون به افراد متکبر و خودرای گذاشته می‌شود، کسانی مورد احترام واقع خواهند شد که صفات و ویژگی‌های خدا یعنی عشق، رحمت، عدالت و غیره را منعکس می‌کنند: «در دوران او عدالت و راستی رشد و نمو کند» (مزامیر 72:7).

تغییر در کشاورزی و محیط زیست

حاکمیت مطلق مسیح و عدالت کامل او در داوری درباره اختلافات، باعث خواهد شد که ملت‌ها به خواست و اراده خود جنگ افزارهای نظامی خود را به ماشین آلات کشاورزی تبدیل کنند: قوم‌ها... شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خویش را برای اره‌ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت» (اشعیا 2:4). کتاب مقدس، راه حل بنیادی بحران محیط زیستی را که هم اکنون زمین با آن روبرو است توصیف می‌کند. ما در ملکوت خداوند، زمینی بارور و پرثمر خواهیم دید: «فراوانی غله در زمین بر قله کوه‌ها (که زمانی بایر بودند) خواهد بود که ثمره آن مثل (محصولات) لبنان جنبش خواهد کرد.» (مزامیر 72:16). بیابان... شادمان خواهد شد... صحرا به وجد آمده، مثل گل سرخ خواهد شکفت؛... با شادمانی و ترنم شادی خواهد کرد... زیرا که آب‌ها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید. مکان‌های خشک به چشمه‌های آب مبدل خواهد گردید» (اشعیا 7:35). حتی خصومت طبیعی بین حیوانات نیز از بین خواهد رفت: «گرگ و گوسفند در کنار هم غذا خواهند خورد» و کودکان خواهند توانست با مارها بازی کنند (اشعیا 65:25؛ 11:6 تا 8). طول عمر افزایش خواهد یافت (اشعیا 65:20). زنان درد کمتری هنگام زایمان خواهند کشید (اشعیا 65:23). «چشمان کوران باز خواهد شد و گوش‌های کران مفتوح خواهد گردید. آنگاه لنگان مثل غزال جست و خیز خواهند نمود و زبان گنگ خواهد سرایید.» (اشعیا 65:6). این به دلیل نعمت‌ها و هدایای معجزه آسای روح است که دوباره به دست می‌آید (مقایسه کنید با عبرانیان 6:5).

هدف نهایی ملکوت

هدف نهایی ملکوت خداوند، ستایش خداوند است. «لیکن به حیات خودم قسم که تمامی زمین از جلال خداوند پر خواهد شد» (اعداد 14:21؛ جبقوق 2:14). ستایش خداوند بدین معنی است که ساکنین زمین صفات نیکوی او را درک، تحسین و تقلید خواهند کرد. فروتنان مالک زمین (در ملکوت) می‌شوند و از برکات آن بهره‌مند خواهند گردید (مزامیر 37:11). داشتن زندگی جاودانه مربوط به دلیل اصلی وجود ما در ملکوت یعنی ستایش خداوند خواهد بود. تنها چند سال زندگی با لذت کمال مطلق و وجدان راحت در کنار خدا به تمام سختی‌های این زندگی می‌ارزد. جاودانگی این وضعیت باشکوه ما را فراتر از حد و حدود درک و فهم انسانی می‌برد!

خلاصه‌ای از رویدادها هنگام بازگشت مسیح

1. مردگان مسئول (که راه‌های خدا را می‌شناسند) رستخیز خواهند شد و همراه با زندگان مسئول به کرسی قضاوت منتقل خواهند شد.
2. آنهایی که راه‌های خدا را می‌شناختند اما از اطاعت از آن سرباز زدند، با مرگ مجازات خواهند شد و به نیکوکاران حیات جاودانه اعطا خواهد شد. ملت‌هایی که در برابر مسیح مقاومت کردند نیز محکوم خواهند شد.
3. آن گاه نیکوکاران بر مردمی حکمرانی خواهند کرد که زنده هستند اما در برابر خدا مسئول نیستند؛ آنها به این مردم مانند «پادشاهان و روحانیون» مژده و بشارت خواهند داد (مکاشفه 5:10).
4. این حالت 1000 سال طول خواهد کشید. در طول این زمان، مردم فانی انجیل را خواهند شنید و در برابر خداوند مسئول خواهند شد. این افراد زندگی طولانی‌تر و شادتری خواهند داشت.
5. در پایان هزاره، شورشی علیه مسیح و قدیسان رخ خواهد داد که خداوند از بین خواهد برد. (مکاشفه 20:8,9).
6. در پایان هزار سال، تمام کسانی که در طول این زمان مُردند، رستخیز و محاکمه خواهند شد (مکاشفه 20:5، 11 تا 15).
7. بدکاران در میان آنها از بین خواهند رفت و نیکوکاران در داشتن زندگی جاودانه به مسیح و قدیسان او ملحق خواهند شد.

معنی امروزی ملکوت برای ما

بودن در ملکوت خداوند باید انگیزه اصلی یک مومن برای بیزار بودن از منفعت و مادی‌گرایی دنیوی باشد. هر چیزی که اکنون قادر به تصور و تلاش برای آن هستیم غیر قابل مقایسه با هدف نهایی بودن در ملکوت خداوند است. «اول به دنبال پادشاهی خدا و عدالت او باشید، تا تمام این چیزها به شما اعطا شود» (متی 6:30-34). مومن باید به دنبال «عدالت (خدا)» باشد یعنی تلاش کند عشق و علاقه به صفت خداوند را به وجود آورد. ما می‌خواهیم در ملکوت خداوند باشیم زیرا عدالت در آنجا ستایش خواهد شد، زیرا می‌خواهیم کاملاً از لحاظ اخلاقی و معنوی کامل و بی عیب و نقص باشیم؛ نه این که فقط بخواهیم از مرگ فرار کنیم و برای همیشه یک زندگی راحت داشته باشیم.

اگر «اول به دنبال ملکوت خداوند باشیم»، دیدگاه ما نسبت به این زندگی تغییر خواهد یافت. از مادی‌گرایی و زحمت و تلاشی که به دنبال دارد، پرهیز خواهیم کرد. اگر خودخواهانه با نادیده گرفتن نیازهای دیگران به داشته‌های خود بیفزاییم، راه‌های خدا را انکار کرده ایم - حتی اگر همه اصول و تعالیم خداوند را بدانیم (اول تیموتائوس 5:8، 6:10).

این که ملکوت روی زمین خواهد بود و نه در آسمان، بدین معنی است که برای داشتن آن تلاش نخواهیم کرد، تحت تاثیر گروه‌های فشار و احزاب سیاسی نیز نخواهیم بود که فقط به وضعیت جهان آن گونه که اکنون هست نگاه می‌کنند (اول یوحنا 3:13).

این امید، «ما را به حضور خدا می‌آورد» (عبرانیان 7:19). امیدی که داریم ما را وادار به بندگی خداوند می‌کند. و همین امید، منبع الهام ما برای توبه است. چرا که اگر مسیح به زودی بازخواهد گشت، چه نوع انسانی باید باشیم؟ خواهیم خواست که از این امید با دیگران حرف بزنیم (متی 10:7؛ مرقس 6:12).

اگر تا ابد در راه‌های خدا در ملکوت او سیر خواهیم کرد، باید تلاش کنیم که اکنون نیز این گونه باشیم: «تلاش می‌کنیم و زحمت می‌کشیم زیرا امید خود را به خدای زنده بسته‌ایم که ناجی همه انسان‌ها است» (اول تیموتائوس 4:10 نسخه کوتاه شده). ملکوت خداوند فقط زمان بهره‌مندی شخصی و جسمی نیست. عیسی مسیح از آن به عنوان زمان آرامش سخن گفت، زمانی که اصول خداوند بر امیال خودخواهانه بشر پیروز خواهد شد. این اتفاق هم اکنون نیز می‌تواند در سکوت رخ دهد، در دل کسانی که در ملکوت آینده خواهند بود. اگر باور داشته باشیم که واقعاً آنجا خواهیم بود، با اشتیاق بیشتری منتظر روز بعدی خواهیم بود. اگر مطمئن نباشیم که سرور، ما را در ملکوت خداوند خواهد پذیرفت یا نه، هرگز قادر نخواهیم بود که به معنای واقعی برای بازگشت او مشتاق باشیم. پولس رسول کسانی را که به ملکوت امید دارند تشویق می‌کند: «چون مسیح ... ظاهر شود، پس شما نیز با او در شکوه ظاهر خواهید شد. بنابراین، هر چه در شما دنیوی است در خود بکشید: فساد جنسی...» و غیره. کولسیان (3:4,5). نجات و رهایی که خداوند اعطا می‌کند، با لطف و رحمت است. این ما را قادر می‌سازد که به جای شک و تردید، با شور و شوق منتظر ظهور مسیح باشیم و بر این اساس زندگی ما تغییر خواهد کرد: فیض خدا ... به ما می‌آموزد که راه‌های شرارت‌آمیز و شهوات دنیوی را ترک کرده ... در انتظار امید متبارک خود، یعنی ظهور پرشکوه خدای بزرگ و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح باشیم» تیطوس 2:11 تا 13).

قسمت 3: هدف خداوند در وعده‌ها آشکار می‌شود

کتاب مقدس پیامی استوار درباره هدف خداوند به ما می‌دهد. هدف او این است که زمین مملو از زنان و مردانی شود که صفات او را نشان دهند و او را ستایش کنند. او وعده‌های بزرگی داده که نشان می‌دهد این هدف با برقراری ملکوت او در زمین به حقیقت خواهد پیوست.

خداوند برای تحقق یافتن هدف خود، تنها پسر خود، سرور عیسی مسیح را در اختیار گذاشت. به خاطر زندگی، مرگ و رستاخیزی مسیح، مردان و زنان راهی دارند تا اگر به او ایمان بیاورند و پاسخ دهند، بخشی از ملکوت عظیم خداوند شوند.

آدم و حوا با خوردن میوه ممنوعه در باغ عدن گناه کردند. هر دوی آنها و مار مجازات شدند. مردان و زنان می‌میرند و قادر نخواهند بود خود را از این نجات دهند. اما وقتی خداوند به مار چنین می‌گوید، کمی امید در شبهه سیاه بشر پیدا می‌شود: در بین تو و زن کینه (نفرت، تضاد) می‌گذارم. بذر او و بذر تو همیشه دشمن هم خواهند بود. او (بذر زن) سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی گزید» (پیدایش 3:15).

منظور از «بذر» نسل یا فرزند است اما ممکن است به افراد مرتبط با «بذر» خاص نیز اشاره کند، مثلاً ما از بذر و نسل ابراهیم خواهیم شد اگر از طریق تعمید «در» عیسی باشیم (غلاطیان، 3:27، 29).

بذر مار

مار به خاطر دروغی که گفت نماد یک طرز فکر مملو از گناه است. بذر و نسل مار به افراد مارصفت اطلاق می‌شود، افرادی که کلام خدا را تحریف می‌کنند، دروغ می‌گویند و دیگران را به گناه و می‌دارند. آنها اجازه می‌دهند که این صفات بر زندگی‌شان حاکم باشد. در زمان مسیح، حاکمان مذهبی فاسد، «افعی زاده» تلقی می‌شدند (متی 3:7).

بذر زن

بذر زن به کسی اشاره دارد که سر مار، یعنی گناه را می‌کوبد یا له می‌کند و با یک ضربه مهلک با آن برخورد می‌کند. این، نبوت عیسی مسیح و کار او بود: عیسی مسیح که (با صلیب) مرگ (و در نتیجه قدرت گناه) - رومیان 6:23 را از بین برد و از طریق بشارت، زندگی و فناناپذیری را به ارمغان آورد (دوم تیموتائوس 1:10). «خدا پسر خودش را مانند جسمی گناهکار و برای گناهان فرستاد: و گناه را در جسم محکوم ساخت» (رومیان 8:3؛ همچنین رجوع کنید به اول یوحنا 3:5؛ متی 1:21).

مسیح سه روز قبل از مرگش از پاشنه مجروح بود. اما رستاخیز او ثابت کرد که در مقایسه با ضربه مهلکی که او به گناه وارد کرد، این فقط یک زخم موقت بود.

این یعنی چه؟

روی صلیب، عیسی قدرت گناه در خود را از بین برد. او ما را دعوت کرده که در پیروزی‌اش سهیم باشیم. اگر «در مسیح تعمید شویم»، می‌توانیم در وعده‌های

مربوط به عیسی مانند وعده‌های مذکور در پیدایش 3:15 سهیم باشیم. این‌ها دیگر فقط قسمت‌های جالب کتاب مقدس نیستند، بلکه نبوت و وعده‌هایی هستند که مستقیماً برای ما هستند! با این که مومنان حقیقی هنوز گناه و مرگ را تجربه می‌کنند، با تعمید شدن در مسیح (غلاطیان 3:27 تا 29) می‌توانند اکنون کاری کنند که گناهانشان بخشیده شود و برای همیشه از مرگ نجات یابند. خداوند وعده زمانی را داده که نیکوکاران از میان مردگان برمی‌خیزند و زندگی جاودانه خواهند یافت: و مردگان، بی فساد خواهند برخاست، و ما تبدیل خواهیم شد. **آنگاه کلامی که نوشته شده محقق خواهد شد: مرگ در پیروزی بلعیده می‌شود» (اول قرنتیان 15:52-54).**

عیسی بذر حقیقی زن بود، اما ما نیز می‌توانیم با تعمید شدن در مسیح، بخشی از این بذر زن باشیم. آن گاه زندگی ما منعکس کننده کلام پیدایش 3:15 خواهد بود - حس تضاد («دشمنی») مداومی در ما بین خوبی و بدی به وجود خواهد آمد. پولس، رسول بزرگ درباره تضاد بین افکار گناه و عشق به راه‌های خدا سخن می‌گوید که در او جاری بود (رومیان 7:14 تا 25). اما توصیف خود از این تضاد را با این جمله به پایان می‌رساند: **«چه انسان بدبختی هستم! چه کسی من را از این پیکر مرگ رها خواهد کرد؟ خدا را شکر- از طریق عیسی مسیح، سرورمان! (رومیان 7:24-25).**

بنابراین از همان ابتدا، خداوند وعده مسیح را به عنوان یک ناجی به ما داد. این وعده شگفت انگیز که در باغ عدن به آدم و حوا داده شد در مسیح به حقیقت پیوسته و ما نیز می‌توانیم از آن بهره ببریم.

وعده به ابراهیم

پیشارتی که برای ابراهیم موعظه شد

پیشارتی که توسط عیسی و رسولان تعلیم داده شد در قالب مجموعه‌ای از وعده‌ها به ابراهیم، پدر قوم اسرائیل نیز داده شده بود. خداوند از طریق وعده‌هایش، «بشارت را برای ابراهیم موعظه کرد» (غلاطیان 3:8). اگر بتوانیم درک کنیم که چه چیزهایی به ابراهیم تعلیم داده شد، در آن صورت تصویر بسیار ابتدایی از بشارت مسیحیت را خواهیم داشت. اشارات دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد بشارت در زمان عیسی شروع نشده بود: **«ما مژده وعده‌هایی (بشارت) را که به اجدادمان (قوم یهود) داده شده بودیم می‌آوریم، که خدا محقق کرد.» (اعمال رسولان 12:32,33؛ همچنین رجوع کنید به رومیان 1:1,2؛ عبرانیان 4:2).**

وعددهایی که به ابراهیم داده شد دارای دو مضمون اصلی است:

1. مسائل مربوط به بذر ابراهیم (نسل خاص)
 2. مسائل مربوط به سرزمینی که به ابراهیم وعده داده شد.
- عهد جدید درباره این وعده‌ها نظر می‌دهد. اگر به توضیحات کتاب مقدس گوش دهیم، می‌توانیم آموزه‌های عهد عتیق و عهد جدید را با هم درآمیזیم تا تصویر کاملی از وعده‌هایی را بدست آوریم که به ابراهیم داده شده بود.

ابراهیم - مرد ایمان

ابراهیم در اصل در اور زندگی می‌کرد که شهری پررونق در عراق کنونی بود. دعوت فوق العاده‌ای از سوی خدا به او فرستاده شد تا آن زندگی پررونق را رها و سفری را به سوی سرزمین موعود آغاز کند. این مستلزم ایمان بود زیرا کاملاً روشن نشده بود که باید به کجا سفر می‌کرد. مشخص شد که یک سفر 2500 کیلومتری است. این سرزمین کنعان، اسرائیل امروز بود.

خداوند در طول زندگی ابراهیم بر او ظاهر شد و وعده‌هایش را برای او تکرار کرد و گسترش داد. این وعده‌ها اساس بشارت مسیح را تشکیل می‌دهند. بنابراین، همان طور که ابراهیم دعوت شد، مسیحیان حقیقی نیز به همین شکل دعوت می‌شوند تا امور گذاری زندگی را رها کنند و به دنبال یک زندگی باایمان بروند، وعده‌های خداوند را بی چون و چرا بپذیرند و با کلام او زندگی کنند. «با ایمان، وقتی ابراهیم دعوت شد، اطاعت کرد و (از اور) به مکانی (کنعان) رفت که قرار بود به عنوان میراث بعدها دریافت کند. و بدون این که بداند کجا می‌رود، عازم شد» (عبرانیان 11:8).

با نشان دادن ایمانی مشابه و عمل کردن بر اساس آن، می‌توانیم به همان عزت و افتخاری برسیم که ابراهیم رسیده بود یعنی دوست خداوند نامیده شویم (اشعیا 41:8)، معرفت خداوند را بیابیم (پیدایش 18:17) و امیدی قطعی به زندگی جاودانه در ملکوت را داشته باشیم. برای این که حقیقتاً به پیام مسیحیت ایمان داشته باشیم، ما نیز باید به وعده‌های خدا به ابراهیم باور راسخ داشته باشیم. بنابراین باید با چشمانی مشتاق، گفتگوهای بین خداوند و ابراهیم بخوانیم و دوباره مرور کنیم.

سرزمین

1. وطن خود را ترک کن. و به طرف سرزمینی که به تو نشان می‌دهم برو» (پیدایش 12:1).

2. ابراهیم «از جایی به جایی دیگر می‌رفت تا به بیت‌ئیل (در مرکز اسرائیل) رسید. و خداوند به او گفت: اکنون تو چشمان خود را برافراز و از مکانی که در آن هستی، بسوی شمال و جنوب، و مشرق و مغرب بنگر: زیرا تمام این زمین را که میبینی به تو و نسل‌های تو تا به ابد خواهم بخشید... در زمین گردش کن زیرا که آن را به تو خواهم داد» (پیدایش 13:3، 14-17)
3. «خداوند با ابراهیم عهد بست و گفت: «این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده ام» (پیدایش 15:18).
4. «و زمین غربت تو، یعنی تمام زمین کنعان را، به تو و بعد از تو به نسل تو به ملکیت ابدی دهم» (پیدایش 17:8).
5. «و وعده‌ای که به ابراهیم و نسل او داده شد که او وارث جهان خواهد بود» (رومیان 4:13).

اینجا شاهد وحی و الهامی مداوم به ابراهیم هستیم:

1. «سرزمینی هست که می‌خواهم به سوی آن بروی».
2. «اکنون به این منطقه رسیده ای. تو و فرزندان برای همیشه اینجا زندگی خواهید کرد».
3. منطقه سرزمین موعود به طور خاص تعریف شد.
4. ابراهیم نباید در این زندگی منتظر به وقوع پیوستن وعده می‌شد - قرار بود که در این سرزمین یک «غریبه» باشد، گرچه بعداً برای همیشه آنجا زندگی خواهد کرد. این امر دلالت بر این دارد که او خواهد مرد و سپس رستخیز خواهد شد تا بتواند به وعده‌اش برسد.
5. پولس، تحت تاثیر الهام، وعده‌های موعود به ابراهیم را به معنی به ارث بردن کل زمین تلقی کرد.

این وعده‌ها در طول زندگی ابراهیم به وقوع نپیوست: «با ایمان، او در سرزمین موعود که هنوز مال خودش نبود (اشاره به زندگی موقت) غریب شد، در خیمه‌ها ساکن شد» (عبرانیان 11:9). حضرت ابراهیم «با ایمان مردند، وعده‌ها را به دست نیاوردند اما آنها را دیدند و از دور به آن وعده‌ها درود گفتند و اعتراف کردند که در روی زمین غریبه و مسافر بودند» (عبرانیان 11:13).

به این چهار مرحله توجه کنید:

1. شناخت وعده‌ها؛
2. «اطمینان از آنها»؛
3. درود گفتن به آنها - با تعمید یافتن در مسیح (غلاطیان 3:27-29)؛

4. اعتراف کردن به دنیا با روش زندگی مان که این دنیا خانه حقیقی ما نیست، بلکه در آن با امید به آینده‌ای که قرار است در زمین حاکم شود، زندگی می‌کنیم.

«خدا هیچ ارثی در آن به او نداد، حتی به قدر جای پای او. اما... خدا وعده داد که سرزمین را به او بدهد» (اعمال 7:5). خداوند به وعده‌هایش عمل می‌کند. روزی خواهد رسید که ابراهیم و همه کسانی که این وعده‌ها به آنها داده شده پاداش خواهند گرفت. «همه این‌ها با ایمان مردند، وعده‌ها را به دست نیاوردند. زیرا خدا چیز بهتری برای ما داشت که بدون ما آنها به کمال نرسند» (عبرانیان 11:13، 39، 40).

بنابراین همه مومنین حقیقی در یک مقطع زمانی یعنی در صندلی قضاوت در روز آخر پاداش خواهند گرفت (دوم تیموتائوس 4:1، 8؛ متی 25:31-34). برای محاکمه شدن، ابراهیم و سایر کسانی که این وعده‌ها را می‌دانستند باید درست قبل از قضاوت رستخیز شوند.

در مورد وعده بذر در پیدایش 3:15 باید گفت این بذر ابراهیم در وهله اول در مورد عیسی صدق می‌کند و در وهله دوم در مورد کسانی است که در «مسیح» هستند و بنابراین به عنوان بذر و نسل ابراهیم تلقی می‌شوند:

1. «و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم... و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت.» (پیدایش 12:2، 3).
2. «نسل تو را مانند غبار زمین گردانم. چنانکه اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد، نسل تو نیز شمرده شود...»
3. تمام این زمین را که می‌بینی به تو و نسل تو تا به ابد خواهم بخشید» (پیدایش 13:15، 16).
4. «اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، اگر می‌توانی آنها را بشماری. نسل تو چنین خواهد بود. این زمین را به نسل تو بخشیده‌ام» (پیدایش 15:5، 18).
5. «و زمین کنعان را، به تو و بعد از تو به نسل تو به ملکیت ابدی دهم؛ و خدای آنها خواهم بود» (پیدایش 17:8).
6. «بذر تو را کثیر سازم، مانند ستارگان آسمان، و مثل ریگهایی که بر کناره دریاست. و بذر تو دروازه‌های دشمنان خود را متصرف خواهند شد و از بذر تو، جمیع امتهای زمین برکت خواهند یافت» (پیدایش 22:17-18 نسخه پادشاه جیمز).

و باز هم از آن جایی که خداوند به ابراهیم وعده‌های بیشتری داد، درک ابراهیم نسبت به «بذر» بیشتر شد.

1. اول به او فقط گفته شد که نسل بسیاری پس از او خواهد بود و از طریق «بذر» او، کل زمین برکت خواهد یافت.
2. سپس به او گفته شد که بذری خواهد داشت که خواهد آمد و افراد بسیاری را در برخواهد گرفت. این افراد در کنار خود او در زمینی که به آن رسیده بود، یعنی کنعان، زندگی جاودانه‌ای خواهند داشت.
3. به او گفته شد که پدر او به اندازه ستاره‌های آسمان خواهد شد. این ممکن است به او این پیام را رسانده باشد که نسل‌های معنوی بسیاری (ستاره‌ها در آسمان) و نسل‌های طبیعی بسیار («غبار روی زمین») خواهد داشت.
4. وعده‌های گذشته با اطمینان روی این مساله تاکید داشتند که افراد بسیاری که بخشی از این بذر خواهند بود، می‌توانند رابطه‌ای شخصی با خداوند داشته باشند.
5. بذر به دشمنان پیروز خواهد شد.

توجه کنید که قرار بود پدر برای همه مردم سراسر جهان «برکت» بیاورد. در کتاب مقدس، مفهوم برکت اغلب با بخشیدگی گناهان مرتبط است. هر چه باشد، این بزرگترین نعمتی است که یک عاشق خداوند خواهان آن است. «خوشا به حال کسی که عصیان او آمرزیده شد» (مزامیر 32:1).

تنها فرزند ابراهیم که بخشایش گناهان را به ارمغان آورده عیسی است و تفسیرهای موجود در عهد جدید درباره وعده‌های موعود به ابراهیم این موضوع را ثابت می‌کند. او (خدا) نگفت: و به نسلها (یعنی به صورت جمع)، بلکه گفت نسل (صورت مفرد کلمه را به کار برد) و به نسل تو که مسیح است» (غلاطیان 3:16).... «و از پیمانی هستید که خدا با پدران‌تان بست و به ابراهیم گفت: و همه خانواده‌های نسل تو در زمین برکت خواهند یافت. خدا که خادم خود عیسی را برخیزانید، او را اول از همه نزد شما فرستاد تا تک تک شما را از گناهانتان برگرداند و به شما برکت دهد» (اعمال رسولان 26، 25:3).

توجه کنید که چگونه پطرس در این جا پیدایش 22:18 را نقل قول و تفسیر می‌کند.

بذر = عیسی
برکت = بخشایش گناهان

پیوستن به پدر

ابراهیم عناصر اصلی بشارت را درک کرد. اما این وعده‌های حیاتی به ابراهیم و فرزندش، عیسی داده شد. ممکن است کس دیگری نیز شامل این وعده‌ها شود؟ حتی اگر فردی واقعاً از نسل ابراهیم باشد باز هم به طور خودکار

این موضوع او را بخشی از این نسل خاص نخواهد کرد (یوحنا 8:39). برای این که در این وعده‌ها سهیم باشیم، باید بخشی از عیسی شویم. این کار با تعمید یافتن در عیسی (رومیان 5-6:3) صورت می‌گیرد؛ ما به طور مکرر در مورد تعمید یافتن در اسم او می‌شنویم (اعمال رسولان 2:38؛ 8:16؛ 10:48؛ 19:5). «زیرا هر یک از شما که در مسیح تعمید یافت خود را با مسیح پوشانده است. نه یهودی می‌تواند باشد نه یونانی (غیر یهودی)، نه برده‌ای و نه آزادی، نه مردی و نه زنی- زیرا همه شما در عیسی مسیح یکی هستید. و اگر شما از آن مسیح هستید (با تعمید در او)، نسل ابراهیم هستید و طبق وعده، وارثان آن هستید (غلاطیان 29-3:27).

وعده زندگی جاودانه روی زمین، از طریق دریافت «نعمت» بخشایش به واسطه عیسی و تعمید یافتن در مسیح یعنی بذر است. این گونه می‌توانیم در وعده‌هایی که به او داده شده سهیم باشیم. رومیان 8:17 ما را «هم ارث با عیسی» می‌خواند. برکت یعنی آشنا شدن با مردم از سراسر دنیا از طریق کار مسیح. بذر یعنی تبدیل شدن به گروهی جهانی از مردم، مانند ریگ‌های کناره دریا و ستاره‌های آسمان.

خلاصه

وعده‌های داده شده به ابراهیم را می‌توانیم در دو دسته خلاصه کنیم:

1. سرزمین

ابراهیم و بذر او عیسی و کسانی که در او هستند، سرزمین کنعان و پس از گسترش آن کل زمین را به ارث خواهند برد و برای همیشه آنجا زندگی خواهند کرد. در این زندگی آنها به این وعده نمی‌رسند، بلکه با بازگشت عیسی به این وعده خواهند رسید.

2. بذر

این در اصل عیسی بود. از طریق او، بشر بر گناهان («دشمنان») فائق می‌آید تا برکت بخشایش در سراسر جهان به همه برسد.

با تعمید در نام عیسی، ما بخشی از این بذر می‌شویم و در وعده‌های داده شده با ابراهیم سهیم خواهیم بود.

امید اسرائیل

پولس امید خود را با عنوان «امید اسرائیل» تعریف می‌کند (اعمال رسولان 28:20). امید حقیقی مسیحیت، در اصل امید یهودیت است، وعده‌هایی که به ابراهیم، پدر قوم یهود داده شد (همچنین رجوع کنید به یوحنا 4:22).

مسیحیان اولیه موارد زیر موعظه کردند:

1. «درباره ملکوت خدا و
2. نام عیسی مسیح» (اعمال رسولان 8:12).

این‌ها همان دو موضوعی بود که با عناوینی کمی متفاوت برای ابراهیم توصیف شده بود:

1. وعده‌ها درباره سرزمین
2. وعده‌ها درباره بذر.

مژده و خبر خوب درباره ین ملکوت که به ابراهیم موعظه شد، نقش مهمی در موعظه اولیه بشارت داشت (اعمال 19:8؛ 20:25؛ 28:23، 31).

زندگی ایمان

این که فقط از طریق تعمید، تبدیل به بذر ابراهیم شویم، بدین معنی نیست که مقبول خداوند هستیم. در حالت عادی، یهودیان بذر و نسل ابراهیم هستند اما این بدان معنی نیست که می‌توانند بدون تعمید یافتن و مطابقت زندگی شان با مسیح و سرمشق ابراهیم نجات یابند (رومیان 9:7، 8؛ 4:13، 14).

«بذر» باید ویژگی‌ها و صفات نیاکان خود را داشته باشد. اگر قرار است حقیقتاً بذر ابراهیم باشیم، نه تنها باید تعمید یابیم، بلکه باید درست مانند ابراهیم، ایمانی حقیقی به وعده‌های خدا داشته باشیم. ابراهیم «پدر همه کسانی بود که ایمان دارند، کسانی که بر اساس ایمانی رفتار می‌کنند که ابراهیم پدر ما داشت» (رومیان 4:11، 12؛ همچنین رجوع کنید به غلاطیان 3:7).

ایمان حقیقی باید در عمل نشان داده شود، در غیر این صورت از نظر خدا، این ایمان نیست (یعقوب 2:17).

وعده به داود

داود، مانند ابراهیم و سایر دریافت کنندگان وعده‌های خداوند، زندگی راحتی نداشت. پس از امتحان‌ها بسیاری در مورد ایمانش، بالاخره پادشاه اسرائیل شد. برای قدردانی از عشق خدا به خود در طول زندگی، تصمیم گرفت برای خدا معبدی بسازد. پاسخ از سوی خدا این بود که پسر داود، سلیمان معبد را بسازد و خداوند می‌خواست برای داود یک خانه بسازد (دوم سموئیل 13-7:4). سپس وعده‌ای مفصل داده شد که در آن بسیاری از وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده بود تکرار گردید و جزئیات دیگری نیز در برداشت:

- «روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابید و بذرتو را که از بدن تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت، و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه‌ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت. من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود. و اگر او گناه ورزد، او را با عصای مردمان و به تازیانه‌های بنی آدم تادیب خواهم نمود: ولیکن رحمت من از او دور نخواهد شد، به طوری که آن را از شاول دور کردم که او را از حضور تو رد ساختم. و خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد. و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند» (دوم سموئیل 16-7:12).

وعده در عدن (پیدایش 3:15) و وعده‌های موعود به ابراهیم (پیدایش 12:22) از ظهور «بذری» موعود سخن گفتند. وقتی فهمیدیم که «بذرت» در آن وعده‌ها به عیسی اشاره دارد، منطقی است که فرض کنیم بذرت موعود به داود نیز چیزی نیست جز سرور عیسی مسیح. کتاب مقدس پیامی یکسان را ارائه می‌دهد و وعده‌های مسیح، موضوع اصلی عهد عتیق است. توصیف او به عنوان پسر خدا (دوم سموئیل 7:14) این موضوع را تأیید می‌کند، درست مانند اشاره‌های بسیار دیگر در سایر قسمت‌های کتاب مقدس:

- «(عیسی) که به لحاظ جسم از نسل داود متولد شد (رومیان 1:3).
 - از بذرت این مرد (داود)، خدا طبق وعده خود یک ناجی، عیسی، را برای اسرائیل برانگیخت» (اعمال رسولان 13:23؛ همچنین رجوع کنید به مکاشفه 22:16).
 - فرشته به مریم باکره درباره پسرش عیسی گفت: «خدا، خداوند تخت جد او یعنی داود را به او خواهد بخشید و پادشاهی او پایانی نخواهد داشت» (لوقا 1:32، 33). وعده بذرت داود در دوم سموئیل 7:13 در مورد عیسی است.
- اکنون که قطعاً مشخص شد که منظور از بذرت، عیسی است، برخی از جزئیات اهمیت پیدا می‌کنند:

1. پدر

«پدر تو را که از بدن تو بیرون آید. من پدر او و او پسر من خواهد بود.» «از ثمره بدن تو بر تخت تو خواهم گذاشت» (دوم سموئیل 14، 12:7؛ مزامیر 132:10، 11). عیسی، پدر، از نوادگان واقعی و جسمی داود بود و با این حال خدا را به عنوان پدر خود داشت. این امر همان طور که در عهد جدید توصیف شده است فقط از طریق متولد شدن از یک باکره امکان پذیر بود. ماد عیسی مریم، از نوادگان داود بود (لوقا 1:32)، اما او هیچ پدری از جنس انسان نداشت. خداوند به وسیله روح القدس در رحم مریم معجزه کرد تا عیسی در او به وجود آید، و بدین ترتیب، فرشته این گونه بیان داشت که «بنابراین، آن موجود مقدس که در تو به وجود آمده، پسر خدا نامیده خواهد شد» (لوقا 1:35).

2. خانه

«برای اسم من خانه‌ای بنا خواهد نمود» (دوم سموئیل 7:13).

این نشان می‌دهد که عیسی برای خداوند معبدی خواهد ساخت. «خانه» خدا جایی است که دوست دارد در آن زندگی کند، و اشعیا 66:1، 2 به ما می‌گوید که خداوند در دل‌های مردمی زندگی خواهد کرد که در برابر کلام او متواضع هستند. بنابراین عیسی خانه‌ای معنوی برای سکونت خدا می‌سازد که از مومنان حقیقی ساخته شده است. توصیف عیسی به عنوان سنگ بنای معبد معنوی خداوند (اول پطرس 2:4-8) و توصیف مسیحیان به عنوان سنگ‌های این معبد (اول پطرس 2:5) اکنون معنی پیدا می‌کند.

3. کرسی سلطنت

کرسی سلطنت او (مسیح) را تا به ابد پایدار خواهم ساخت... خانه و سلطنت تو (داود). و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند» (دوم سموئیل 7:13، 16). همچنین رجوع کنید به اشعیا 9:6، 7.

بنابراین سلطنت مسیح، برقراری مجدد سلطنت داود بر اسرائیل خواهد بود. برای تحقق یافتن این وعده، مسیح باید در «کرسی» سلطنت داود حکومت کند که در اورشلیم قرار داشت. به منظور تحقق یافتن این وعده‌ها، سلطنت باید اینجا روی زمین استوار گردد.

4. سلطنت

«خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد» (دوم سموئیل 7:16).

داود شاهد استواری سلطنت ابدی مسیح خواهد بود. بنابراین او نیز باید با بازگشت مسیح رستخیز شود تا بتواند با چشمان خود ببیند که سلطنت او در سراسر جهان استوار شده است و عیسی از اورشلیم حکومت می‌کند. وعده نجات

درک وعده‌هایی که به داود داده شد بسیار حیاتی است. داود با خوشحالی از این وعده‌ها این گونه سخن می‌گوید: «عهدجودانی... تمامی نجات و تمامی مسرت من این است» (دوم سموئیل 23:5). این‌ها به نجات ما نیز مربوط می‌شود و مسرت ما

از آنها باید به همین شکل، آرزو و اشتیاق ما باشد.

این اصول و تعالیم مهم هستند و باعث تأسف است که جامعه مسیحیت اصولی را تعلیم می‌دهد که با این حقایق شگفت‌انگیز در تضاد است:

- اگر عیسی از لحاظ جسمی «از قبل وجود داشت»، یعنی قبل از تولدش به عنوان یک انسان وجود داشت، این امر، وعده‌هایی را که در آن گفته می‌شود عیسی، «بذر» یا نسل داود خواهد بود، بی معنی می‌سازد.
- اگر سلطنت خداوند در آسمان خواهد بود، بنابراین عیسی نه می‌تواند سلطنت داود بر اسرائیل را دوباره برقرار کند و نه می‌تواند از روی «کرسی» داود سلطنت کند. این امور به معنای واقعی کلمه روی زمین رخ دادند و بنابراین برقراری مجدد این سلطنت نیز باید در همان مکان باشد.

معانی وعده‌ها

از طریق تعמיד، وعده‌هایی که به داود داده شد و نیز سایر وعده‌های مهم کتاب مقدس می‌تواند در مورد ما نیز صدق کند - ما نیز می‌توانید در ملکوت خداوند امید به رهایی داشته باشیم. ما می‌توانیم از لحاظ معنوی، اسرائیل باشیم و در نتیجه قوم خدا و جدا از این جهان باشیم. ابراهیم، جد حقیقی قوم یهود می‌تواند جد معنوی ما شود.

جدایی

وقتی به این وعده و نیز به وعده‌ای که به ابراهیم داده شد می‌نگریم، در ارتباط با نحوه زندگی ما در صورت پذیرش این وعده‌ها از طریق تعמיד، مفاهیمی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، ما می‌توانیم تبدیل به قومی جدا شویم. از لحاظ معنوی، قوم یهود باشیم. بنابراین آن چه خداوند به کسانی مانند یعقوب، نوه ابراهیم گفت، به ما گفته است (هوشع 12:5؛ پیدایش 28:15؛ مقایسه کنید با عبرانیان 12:5، 6). بنابراین تنها در میان مردمان خداپرست به دنبال هم بستگی خواهیم بود؛ مردمانی که با آنها در ملکوت خداوند سهیم خواهیم شد.

مثال پرهیز ابراهیم از امور دنیوی در «فرزندان» او نیز محقق خواهد شد. اگر حقیقتاً به وعده‌ها ایمان داشته باشیم، ما نیز خود را «فساد این دنیا» جدا خواهیم ساخت (دوم پطرس 1:4). از این که از دلبستگی به مال دنیا پرهیز می‌کنیم خوشحال خواهیم شد زیرا می‌دانیم که زمین متعلق به ما است. اکنون، مانند ابراهیم فقط از آن می‌گذریم و آن را می‌پیماییم.

تعهد

همه کسانی که پیمان حقیقی با خدا بستند متوجه اجرای تعهدات او خواهند شد و بر این اساس از صمیم قلب به آن پاسخ خواهند داد و فداکاری خواهند کرد (ملایک 2:4، 5). مزامیر 103:18 «آنانی که عهد او را حفظ می‌کنند» را با کسانی که «فرايض او را یاد می‌دارند تا آنها را به جا آورند» مرتبط می‌داند. در هم پیمانی با خدا یعنی جلوی احتمال پرستش هر گونه خدای دیگری گرفته شود. پیمانی که می‌بندیم مستلزم وفاداری است.

اگر در وعده‌های خدا سهیم باشیم، باید ما را قادر سازد که در این دنیای شرور، زندگی الهی داشته باشیم. می‌توانیم از رحمت و حقیقت خداوند بر خود مطمئن باشیم تا هر چه در این زندگی بر سر ما می‌آید، اطمینان داشته باشیم که خدا ما را به ملکوت خود خواهد برد.

اتحاد

غلاطیان 3:27 تا 3:29 توضیح می‌دهد که از طریق تعمید در پیمان با ابراهیم، بین همه کسانی که در این پیمان هستند، یک اتحاد خاص وجود دارد. بنابراین برده و آزاد، زن و مرد، یهود و غیریهود، همه و همه متحد هستند، گویی در یک کلیسای اولیه بودند. از طریق قدرت اکثر حقایق اصلی بشارت که به ابراهیم موعظه شد، این اتحاد شگفت‌انگیز در میان مومنان امکان‌پذیر است. مومنان همه به عنوان «بذر ابراهیم» در مسیح متحد هستند، بنابراین آنها باید مهربانی، صبر... نشان دهند.

پرکتهای کنونی و آینده

با تعمید یافتن، می‌توانیم اکنون به برکن بخشایش دست یابیم (اعمال 3:27-29) و نیز مشتاقانه منتظر برکن ملکوت خداوند در آینده باشیم. در غلاطیان 3:15-20، پولس اشاره دارد که وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد، وراثت جاودانه در سلطنت را بر اساس ایمان و فضل عرضه می‌کند، و نه تورات و نه قانون دیگری نمی‌تواند این اساس را تغییر دهد. درک این وعده‌ها ما را قادر می‌سازد تا به واسطه رحمت، شاهد معجزه‌رهایی باشیم تا جایی که همه قوانین را رد خواهیم کرد و سعی خواهیم کرد با کارهایی که به آن دست می‌یابیم، نزد خدا نیکوکار شویم.

وعده به ابراهیم می‌تواند متعلق به ما شود

به ابراهیم وعده داده شد که خداوند متعال، خدای بذر او خواهد شد و آنها سرزمین را برای همیشه به ارث خواهند برد. اگر خدای ابراهیم را به عنوان خدای خود بشناسیم و بتوانیم با ایمان خود ببینیم که خداوند، جهان را به مومنان حقیقی وعده داده است، با این اطمینان زندگی خواهیم کرد که روزی، این وعده‌ها کاملاً محقق خواهند شد و با فضل و رحمت الهی می‌توانیم در آنها سهیم باشیم. زمانی فرا می‌رسد که هدف ازلی خداوند محقق خواهد شد و «جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد به نحوی که آبها دریا را مستور می‌سازد» (حبقوق 2:14).

قسمت 4: راه به سوی زندگی ابدی

جاودانگی مشروط

جاودانگی مشروط است، یعنی، همان‌طور که متون زیر ثابت می‌کند، چیزی نیست که به طور طبیعی آن را داشته باشیم:

- مسیح... حیات و جاودانگی را به وسیله بشارت روشن گردانید.» (دوم تیموتائوس 1:10؛ اول یوحنا 1:2).
- «در خود زندگی (ذاتی) نخواهید داشت مگر آن که از بدن پسر انسان بخورید و خورش را بیاشامید. هر آن که از جسم من بخورد... زندگی جاودانه دارد و او را در روز آخر برمی خیزانم» (یوحنا 54-52:6) - تا به او «زندگی جاودانه» دهد. توضیح مسیح در طول فصل 6 یوحنا این است که او «نان زندگی» است و جاودانگی فقط از طریق پاسخ درست به او خواهد بود (یوحنا 6:47، 50، 51، 57، 58).
- خدا به ما (مومنان) حیات جاودانه داد و این حیات در پسر او است (اول یوحنا 5:11). برای کسانی که در «مسیح» نیستند، هیچ امیدی به جاودانگی نیست. فقط از طریق مسیح، جاودانگی امکان پذیر شده است؛ او «برای همه کسانی که مطیع او بودند، باعث و بانی رهایی ابدی شد» (عبرانیان 5:9؛ اعمال 3:15 حاشیه نسخه پادشاه جیمز). بنابراین، جاودانگی بشر از طریق کار مسیح به وجود آمده است.
- مومن واقعی به دنبال جاودانگی است و نعمت زندگی جاودانه، پاداش او خواهد بود و این چیزی است که او به طور طبیعی صاحب آن نیست (رومیان 2:7؛ 6:23؛ یوحنا 10:28). بدن فانی ما باید در بازگشت مسیح «بقا را ببوشد» (اول قرنثیان 15:53)؛ بنابراین جاودانگی چیزی است که وعده آن داده شده است و اکنون کسی صاحب آن نیست (اول یوحنا 2:25).
- خداوند است که جاودانگی ذاتی دارد (اول تیموتائوس 6:16).

روح و جان چیست؟

به دلیل آنچه در بالا گفته شد، غیر قابل تصور است که انسان یک «جان جاودانه» داشته باشد. کلمه «Nephesh» در عبری و «Psyche» در یونانی که در کتاب مقدس به «روح یا جان» ترجمه شده است به بدن، نفس، موجود، قلب، ذهن، شخص، خود نیز ترجمه شده است. بنابراین «روح و جان» در اینجا به شخص، بدن یا خود اشاره دارد.

در ذات و مرگ، هیچ فرقی بین انسان و حیوان نیست:

- «زیرا که وقایع بنی آدم مثل وقایع حیوانات است: برای ایشان یک واقعه است؛ (به تاکید مجدد توجه کنید): چنانکه این می‌میرد، به همانطور آن نیز می‌میرد... انسان بر حیوانات برتری ندارد ... همه (انسان و حیوانات) به یکجا می‌روند (قبرستان): همه از خاک هستند و همه به خاک باز می‌گردند.» (جامعه 20، 19:3)

مرگ جان

یکی از حقایق اصلی این است که همه «موجودات زنده» بالاخره می‌میرند. تقریباً یک سوم کلماتی که به «جان و روح» ترجمه شده با مرگ و تخریب جان مرتبط است. این نشان می‌دهد که جان و روح نمی‌تواند به تنهایی چیزی فناپذیر باشد. به عنوان مثال: «هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد» (حزقیال 18:4). خداوند می‌تواند جان و روح را از بین ببرد: «از خداوند بترسید که قادر است هم روح و هم جسم را از بین ببرد» (متی 10:28). همچنین رجوع کنید به حزقیال 22:27؛ امثال 6:32؛ لویان 23:30؛ اعداد 15:27-31؛ اشعیا 53:10).

این که «جان و روح» به شخص یا بدن اشاره دارد و نه به ذره‌ای جاودانه در وجود ما در اکثر آیه‌هایی که این کلمه در آن به کار رفته نشان داده شده است. چند مثال: «خون جان» (ارمیا 2:34). «کسی که گناه کند... اگر کسی هر چیز نجس را لمس کند... اگر کسی قسم بخورد» (لویان 5:1 تا 4) نسخه پادشاه جیمز، همچنین رجوع کنید به مزامیر 103:1، 2، 5؛ مرقس 8:35).

این ثابت می‌کند که روح به هیچ گونه عنصر معنوی در انسان اشاره نمی‌کند؛ اینجا «روح» به معنی زندگی جسمی انسان است.

روح انسان

کلمه عبری «Ruach» و کلمه یونانی «Pneuma» که معادل «روح» هستند، به زندگی، روح، ذهن، باد، نفس نیز ترجمه شده است.

خداوند از روح خود برای حفظ آفرینش طبیعت استفاده می‌کند. بنابراین همان طور که این آیات نشان می‌دهد، روح خدا در انسان، نیروی حیات درون اوست:

- «بدن بدون روح مرده است» (یعقوب 2:26).
- خداوند «در بینی وی (آدم) روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد» (پیدایش 2:7).

روح زندگی در تولد به ما داده شده و تا وقتی بدنمان زنده است با ما خواهد ماند.

خروج روح خدا

وقتی روح خدا از هر چیزی خارج می‌شود، فوراً آن چیز از بین می‌رود. اگر خدا «روح و نفس خویش را نزد خود بازگیرد، تمامی بشر با هم هلاک می‌شوند و انسان به خاک بر می‌گردد» (ایوب 15-34). وقتی خدا روحش را هنگام مرگ

از ما دور می‌کند، نه تنها بدن ما بلکه تمام هوشیاری ما از بین می‌رود. «بر رؤسا توکل مکنید... روح او بیرون می‌رود و او به خاک خود برمی‌گردد و در همان روز فکرهايش نابود می‌شود (مزامیر 4-3:146).

هنگام مرگ، «خاک به زمین برگردد به طوری که بود. و روح نزد خدا که آن را بخشیده بود رجوع نماید» (جامعه 7:12). وقتی می‌میریم، «آخرین نفس خود را می‌کشیم» بدین معنی که روح خدا از درون ما خارج می‌شود. آن روح، مجذوب روح خدا می‌شود که در اطراف ماست؛ بنابراین هنگام مرگ، «روح به خداوند باز می‌گردد».

مرگ عدم هوشیاری است

کتاب مقدس این را به وضوح بیان می‌کند که در طول حالت مرگ، فاقد هر گونه هوشیاری هستیم: «روح او (انسان) بیرون می‌رود و او به خاک خود برمی‌گردد و در همان روز فکرهايش نابود می‌شود» (مزامیر 4:146). «مردگان هیچ نمی‌دانند ... هم محبت و هم نفرت و حسد ایشان، حال نابود شده است» (جامعه 5:6، 9:5؛ همچنین رجوع کنید به آیه 10).

مرگ مکرراً هم برای نیکوکاران و هم برای بدکاران، به عنوان خواب یا استراحت توصیف می‌شود: «و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد»؛ اما تو راه خود را ادامه بده تا پایان زندگی‌ات فرا رسد و بپارامی. اما بدان که در زمان آخر زنده خواهی شد تا پاداش خود را بگیری» (دانیال 13:2، 12:17). همچنین رجوع کنید به یعقوب 17، 13، 11:3). شواهد و قرآن کافی برای این وجود دارد که به صراحت اعلام کنیم تصور این که نیکوکاران هنگام مرگ به یک حالت سعادت و خوشحالی می‌رسند، در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.

رستاخیزی

کتاب مقدس تاکید دارد که پاداش نیکوکاران با ظهور مسیح هنگام رستاخیز خواهد بود (اول تسالونیان 4:16). پولس گفته که اگر رستاخیزی وجود نداشته باشد، همه تلاش‌های ما برای اطلاعات از خدا بی معنی خواهد بود (اول قرنتیان 15:32). قطعاً اگر باور داشت که پاداش او این خواهد بود که «روحش» هنگام مرگ به آسمان خواهد رفت، چنین استدلالی نمی‌کرد. مفهوم این امر این است که او باور داشت که رستاخیز بدن تنها نوع پاداش است.

مسیح ما را با چنین عباراتی تشویق کرد: «در قیامت عادلان، اجرت را خواهی گرفت» (لوقا 14:14). عیسی هنگام بازگشت خود «بدن پست ما را تغییر خواهد داد تا به شکل بدن شکوهمند خودش درآید» (فیلیپیان 3:20-21). اکنون که او به معنای واقعی دارای جسم انسانی است و صرفاً از طریق روح به جای خون، نیرو می‌گیرد، ما نیز پاداش مشابهی خواهیم داشت.

در روز قضاوت، بابت نحوه زندگی جسمانی خود پاداش خواهیم گرفت (دوم قرنیتان 5:10). بی خدایان، جسم فانی کنونی خود را حفظ می‌کنند که بعدها با خاک پوسیده خواهد شد. کسانی که سعی کردند با ذهن روح بر ذهن جسم فائق آیند به شکل یک جسم پر از روح «» (غلاطیان 6:8).

شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد پاداش نیکوکاران به شکل جسمانی خواهد بود. پس از پذیرش این موضوع، اهمیت حیاتی رستاخیز آشکار می‌شود. واضح است که بدن فعلی ما هنگام مرگ از بین می‌رود؛ اگر فقط بتوانیم زندگی جاودانه و فناپذیری را به صورت جسمانی تجربه کنیم، در نتیجه مرگ یک حالت ناهوشیاری است تا زمانی که بدن ما دوباره بوجود آید و ماهیت الهی به آن اعطا شود. آن گاه بدن فعلی ما به جسمی فناپذیر تغییر خواهد یافت (فیلیپیان 3:21).

از طریق تعمید، ما با مرگ و رستاخیز مسیح مرتبط می‌شویم و نشان می‌دهیم که ما نیز باور داریم که در پاداشی که از طریق رستاخیزش به دست آورد، سهیم خواهیم بود (رومیان 5-6:3). از طریق رنج‌های او در زمان حال، در پاداش او نیز سهیم خواهیم بود (دوم قرنیتان 4:10؛ رومیان 8:23). قوم خدا این امید به پاداش جسمانی را از زمان‌های اولیه درک کرده بود (اشعیا 26:19). ایوب می‌دانست با این که بدنش را کرم‌ها خواهند خورد، او پاداشش را به صورت جسمانی دریافت خواهد کرد: «ولی من زنده است، و در ایام آخر، بر زمین خواهد برخاست: و بعد از آنکه این پوست من تلف شود، می‌دانم که در جسمم خدا را خواهم دید» (ایوب 19:25-26).

جایگاه پاداش: آسمان یا زمین؟

متون زیر نشان می‌دهد که زمین و نه آسمان، مکان سلطنت و ملوکت خداوند خواهد بود.

- «دعای سرور» این گونه است که می‌خواهد ملکوت خداوند بپاید تا اراده خداوند روی زمین اجرا شود، همان گونه که در آسمان اجرا می‌شود (متی 6:10). بنابراین دعا می‌کنیم که ملکوت خداوند در زمین ظهور کند.
- «خوشا به حال فروتنان، زیرا آنها زمین را به ارث خواهند برد (متی 5:5). همچنین رجوع کنید به مزامیر 37، به ویژه آیات 11، 22، 34، 35) و - نه... زیرا روح آنها به آسمان خواهد رفت». زندگی ابدی در زمین بدین معنی است که زندگی جاودانه در آسمان غیرممکن است.
- «داود... هم فوت شد و هم به خاک سپرده شد... داود به آسمان صعود نکرد» (اعمال رسولان 2:29، 34). پطرس توضیح می‌دهد که امید داود، رستاخیزی از میان مردگان با بازگشت مسیح بود (اعمال رسولان 2:22-36).

- در روز قضاوت، نیکوکاران خواهند گفت: مسیح «ما را ملکوت و روحانی خدایمان ساخت؛ و ما در زمین حکمرانی خواهیم کرد (مکاشفه 5:9، 10)».

جهنم

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که جهنم قبری است که همه انسان‌ها با مرگ وارد آن می‌شوند. کلمه عبری «sheol» که به جهنم یا دوزخ ترجمه شده به معنی «مکانی سرپوشیده» است. ترجمه مناسب این کلمه، «قبر» است. نمونه‌های زیر در مورد «sheol»، تصور عموم درباره جهنم به عنوان جایی پر از آتش و شکنجه برای بدکاران را از بین می‌برد:

- «شریران خجل شوند... در حفره خاموش باشند» (مزمیر 31:17)؛ آنها از عذاب فریاد کنان نخواهند بود.
- «خدا جان مرا از قبر نجات خواهد داد» (مزمیر 49:15) - یعنی روح یا بدن داود از قبر یا «دوزخ» برخواید خاست.

از آن جایی که «دوزخ» همان قبر است، نیکوکاران از طریق رستخیز شدن به زندگی جاودانه از آن نجات خواهند یافت. مهم ترین مثال، خود عیسی است که (اعمال رسولان 2:31 نسخه پادشاه جیمز) زیرا او رستخیز شده بود. این که مسیح به «دوزخ» رفت به تنهایی ثابت می‌کند که دوزخ جایی نیست که بدکاران به آن می‌روند.

گناهکاران چه می‌شوند؟

خداوند گناه را به کسانی که از کلامش بی‌خبر هستند، نسبت نمی‌دهد (رومیان 5:13). کسانی که در این موقعیت قرار دارند، مرده باقی خواهند ماند. کسانی که الزامات خداوند را شناخته اند، با بازگشت مسیح برخواید خاست و قضاوت خواهند شد. اگر بدکار باشند، با مرگ مجازات خواهند شد و تا ابد مرده خواهند ماند (مکاشفه 20:6؛ 2:11). این گونه است که مجازات گناه «جاودانه» است زیرا مرگشان پایانی نخواهد داشت. یکی از اصول خداوند است که مجازات گناه، مرگ باشد (رومیان 6:23؛ 8:13؛ یعقوب 1:15). مرگ، حالت ناهوشیاری کامل است. گناه منجر به نابودی کامل می‌شود، نه شکنجه ابدی. (متی 21:41؛ 22:7؛ مرقس 12:9؛ یعقوب 4:12).

ناهوشیاری - معنی عملی مرگ

هیچ جنب و جوشی در قبر وجود نخواهد داشت... بنابراین اکنون زمان آن فرا رسیده که زندگی پرجنب و جوشی داشته باشیم و مطلقاً تا جای ممکن در خدمت خداوند باشیم (جامعه 9:10-13). موسی از خداوند خواست کاری کند که

قوم اسرائیلی که زمان را هدر می‌داد، نشانه‌های میرایی خود را ببیند؛ پس از گفتن سخنانی شیوا در مورد فاجعه فناپذیری ما، این گونه نتیجه گیری می‌کند: «ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم» (مزامیر 90:12). کوتاهی مصیبت بار زندگی یعنی باید دست از وقت کشی برداریم. این حقیقت که نسبتاً به زودی خواهیم مرد و ناهوشیار خواهیم ماند، باعث می‌شود که انسان‌های حقیقتاً مومن، به سوی ایمان به خدای رستخیز سوق داده شوند. مرگ مانند خواب است، و روز قضاوت، تجربه هوشیاری بعدی ما پس از مرگ است. از آن جایی که مرگ، واقعه‌ای با بیشترین احتمال برای ما است، قضاوت ما نیز تقریباً نزدیک است. و ما باید با این دانش و آگاهی زندگی کنیم.

قسمت 5: خداوند کیست؟

فقط یک خدا هست

تثنیه 6:4،5 می‌گوید: «خداوند، خدای ما، خداوند یکتا است! باید خداوند، خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام عقل خود دوست بداری». بنابراین یگانگی خداوند ارتباط تنگاتنگی با این مساله دارد که او خداوند ما، تنها خدا و سرور بی همتا و بی رقیب امت خود است. یگانگی خدا و الزام به دوست داشتن او از صمیم قلب بود که در زندگی روزانه قوم یهود قرار گرفته بود. به همین دلیل است که سنت قوم یهود این بود که این کلمات را چندین بار در روز و نیز در بستر مرگ تلاوت کنند.

اگر همان طور که در این متن به صراحت به آن اشاره شده، تنها «یک» خدا وجود دارد، پس تکلیف اصل تثنیث چه می‌شود؟ تثنیث یکی از بزرگترین اصول اشتباه در کل دوران‌ها است زیرا ادعا می‌کند که سه «نفر» در جوهر الهی وجود دارد. کلمه تثنیث هرگز در کتاب مقدس پیدا نمی‌شود. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خداوند، پدر سرور یعنی عیسی مسیح است و روح القدس، نیروی خاص خداوند است. این‌ها سه موجودیت جداگانه هستند - نه «سه در یک وجود» که اصل گیج‌کننده تثنیث ادعا می‌کند.

مطالب بیشتر درباره خداوند...

خداوند از جاودانگی تا جاودانگی است

ببینید که چگونه حبقوق 1:12 به ماهیت ابدی خداوند تکیه می‌کند: «ای خداوند، خدای من! ای قدوس من! آیا تو از ازل نیستی؟ پس نخواهیم مرد». اگر واقعاً باور کنیم که قوم خداوند هستیم، نه قوم متعلق به این دنیا، و باور کنیم که حقیقتاً بخشی از خانواده ابدی او هستیم، این بدیت، تضمین رهایی جاودانه ما خواهد بود.

خداوند آفریدگار است

به خاطر آفرینش شگفت انگیز خداوند و قدرت کلام که همه هستی را شکل داد، به همین شکل باید به بزرگی او پی ببریم و نیروی کلامش را بشناسیم (مزمیر 9-33). از آن جایی که در تصویر خداوند آفریده شده ایم؛ ساختار جسم ما، ما را ملزم می‌کند که خود را کاملاً در اختیار هدف و آرمان او قرار دهیم (متی 22:19-21). هر چه تصویر خدا را در بردارد، یعنی بدن ما - باید به او داده شود. «او ما را آفرید و بنابراین ما قوم او هستیم» (مزمیر 100:3 نسخه بین المللی جدید). ما باید در عمل به او متعلق باشیم زیرا او آفریدگار ماست. پس این گونه نیست که به جای تکامل، صرفاً به آفرینش اعتقاد داشته باشیم؛ فراتر از این؛ چنین باوری به آفرینش باید حیاتی را در ما ایجاد کند که وقف آفریدگار شده است.

خداوند از طریق روح خود، همه چیز را می‌بیند و می‌داند

ایوب که در عهد عتیق از او سخن گفته شده این را می‌دانست و بنابراین این گونه نظر داد که اگر واقعاً ایمان داشته باشد (که طبق ادعایش چنین بود) که خداوند عالم است، غیرممکن بود که به دنبال یک زن هوس رانی کند: «با چشمان خود عهد بسته ام، پس چگونه بر دوشیزه‌ای نظر افکنم؟... (زیر) آیا او (خدا) راه‌های مرا نمی‌بیند؟ و جمیع قدم‌هایم را نمی‌شمارد» (ایوب 4:1-31).

به همین شکل خداوند خود را به قوم اسرائیل یادآوری کرد: «آیا کسی خویشتن را در جای مخفی پنهان تواند نمود که من او را نبینم؟» (ارمیا 23:24). این مفهوم باعث می‌شود مردم از گناه کردن دست بکشند. ما باید برای ورود به ملکوت تلاش کنیم زیرا خدا کاملاً از همه افکار و اعمال ما باخبر است و در نهایت آنها را قضاوت خواهد کرد (عبرانیان 4:11-13).

خداوند، هستی واقعی و شخصی است

خداوند یک شخص حقیقی است، همان طور که نکات زیر اثبات می‌کند:

- پایه تفکر مسیحیت این است که عیسی پسر خداست. اگر خداوند موجودی حقیقی نباشد، غیرممکن است که پسری داشته باشد که «تصویر شخصیت» او است (عبرانیان 1:3).
- همچنین، اگر خداوند فقط یک مفهوم در ذهن ما باشد، به سختی می‌توان رابط‌های شخصی و زنده با او برقرار کرد. ناراحت کننده است که اکثر دین‌ها چنین تصویری غیرواقعی و غیرملموس درباره خدا دارند.
- از آن جایی که خدا بی نهایت بزرگتر از ما است، قابل درک است که وعده دیدار او در نهایت، در ایمان بسیاری از مردم تردید ایجاد کرده: «خوشا به حال پاکدلان، زیرا آنها خدا را خواهند دید» (متی 5:8).

- عیسی به ما می‌گوید که نباید قسم بخوریم زیرا «کسی که به آسمان قسم می‌خورد، به تخت خداوند و او که روی آن نشسته قسم می‌خورد» (متی 23:22).
- «خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم» (پیدایش 1:26). از این رو، همان طور که از طریق فرشتگان نشان داده شده، بشر به صورت و شبیه خداوند ساخته شد. خلقت ما در تصویر خداوند قطعاً بدین معنا است که می‌توانیم پی به چیزی واقعی ببریم که خودمان چیزی جز تصویر آن نیستیم. بنابراین، خداوندی که ما بازتاب آن هستیم، چیزی مبهم نیست که نتوانیم تصور کنیم.
- به مومنان وعده داده شده که ماهیت خداوند را به ارث خواهند برد (دوم پطرس 1:4).
- بدنی مانند بدن عیسی به ما اعطا خواهد شد (فیلیپیان 3:21) و می‌دانیم که او بدنی جسمانی در ملکوت خواهد داشت.

بنابراین، شخصیت خداوند با بشارت ملکوت مرتبط است. بنابراین، تا زمانی که درک نشود که خداوند موجودی واقعی است و در تصویر او ساخته شده ایم، هیچ گونه مفهوم معناداری از پرستش، دین یا رابطه شخصی با خداوند وجود نخواهد داشت. ما باید شباهت ذهنی او را ایجاد کنیم تا بتوانیم کاملاً در ملکوت خداوند شبیه او شویم.

این برای من چه معنایی دارد؟

تفاوت زیادی وجود دارد بین داشتن تصویری مبهم درباره وجود یک نیروی برتر و اطمینان واقعی درباره آن چه او در قبال بندگی صادقانه اعطا می‌کند. عبرانیان 11:6 اشاره دارد که ما باید به او (خدا) ایمان داشته باشیم و «خدا به کسانی که جویای او هستند پاداش می‌دهد».

آگاهی درون ما در این باره که خدایی وجود دارد بدین معنی نیست که به طور خودکار مورد قبول خداوند خواهیم شد. اگر واقعاً باور کنیم که خالق داریم، باید در این صورت «فرايض و اوامر او را... نگاه داریم» (تثنیه 40:39). برای این کار، وقتی نوشته‌های مقدس را جستجو می‌کنیم، خواهیم یافت که ایمان به وجود خداوند در ما قوی و مستحکم می‌شود.

قسمت 6: مسیح حقیقی

ایمان حقیقی مسیحیت بر کار پسر خدا، سرور عیسی مسیح متمرکز شده است. زندگی، مرگ و رستاخیزی او اساس نقشه خداوند برای رهایی را تشکیل می‌دهد. مهم است که دلیل اصلی وجود مسیح، موقعیت حقیقی او به عنوان پسر

خدا و بهره بردن از کار او را درک کنیم. عیسی درست قبل از مرگ ظالمانه‌اش، با پدرش مناجات کرد: «و این است زندگی جاودانه که تو، خدای یکتای حقیقی، و فرستنده تو، عیسی مسیح، را (مومنان حقیقی) بشناسند» (یوحنا 17:3).

تولد از مادر باکره

بیش از 2000 سال پیش، جبرائیل فرشته با این پیام بر مریم ظاهر شد: «و در رحم خود پسری را آبستن خواهی شد و به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او بزرگ خواهد بود و پسر حضرت اعلی نامیده خواهد شد... مریم به فرشته گفت: این چگونه ممکن خواهد بود وقتی من مردی را نمی‌شناسم؟ یعنی او باکره بود. و فرشته در پاسخ به او گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند. بنابراین، آن موجود مقدس که در تو به وجود آمده، پسر خدا نامیده خواهد شد (لوقا 1:31-35).

روح القدس (نفس / قدرت خداوند) وارد عمل شد و مریم در حالی که هنوز باکره بود، عیسی را باردار شد. از این رو، یوسف، پدر واقعی عیسی نبود. بدون کاری که روح القدس با رحم مریم انجام داد، پسر خدا نمی‌توانست به وجود آید. عیسی مانند آدم آفریده نشد بلکه از طریق خداوند «متولد شد» (یوحنا 3:16). این امر، نزدیکی رابطه خداوند با عیسی را نشان می‌دهد و نیز توجیهی است برای قابلیت ذاتی او برای انتخاب راه‌های خداوند، پدرش.

جایگاه مسیح در نقشه خداوند

خداوند از همان ابتدای آفرینش، نقشه‌ای کامل تهیه دیده است (یوحنا 1:1). میل او به داشتن یک پسر از همان ابتدا در نقشه‌اش جای داشت. عهد عتیق، جنبه‌های مختلف نقشه خداوند برای رهایی در مسیح را آشکار می‌سازد؛ از وعده به اجداد یهود گرفته تا نبوت پیامبران و تورات موسی. مسیح از ازل در ذهن و اهداف خداوند وجود داشت، گرچه فقط از طریق تولد مریم به صورت جسمانی به وجود آمد.

در عبرانیان 1:4 تا 7 و 13 و 14 تاکید شده که مسیح فرشته نبود؛ در حالی که در زندگی فانی، او کمتر از فرشته‌ها بود (عبرانیان 2:7)، با توجه به این که «تنها پسر متولد شده» خداوند بود (یوحنا 3:16)، به مقامی بالاتر از آنها رسید. پطرس رسول این موقعیت را به طور خلاصه بیان می‌کند: مسیح «قبل از آفرینش جهان برگزیده شده بود اما در آخر زمانها آشکار شد» (اول پطرس 1:20).

عیسی محور اصلی بشارت است: خداوند «قبلاً از طریق پیامبران خود در کتب مقدس درباره پسر خود وعده داده بود، که به لحاظ جسم از نسل داود متولد شد، و بر اساس روح مقدس، به وسیله رستاخیز از میان مردگان، پسر خدای با قدرت اعلام شد.» (رومیان 1:4-1).

این خلاصه‌ای از تاریخ مسیح است:

1. در عهد عتیق وعده داده شده بود - یعنی در نقشه خدا جای داشت؛

2. از لحاظ جسمانی از طریق تولد از مادری باکره از نسل داود متولد شد.
3. به دلیل شخصیت کاملی که داشت («روح وقّس») و در طول زندگی فانی خود آن را نشان داده بود، رستاخیز شد؛
4. به وسیله موعظه روحانی رسولان، پسر خدا اعلام شد.

پیش آگاهی خداوند

خداوند «پیش آگاهی» کامل دارد. اگر بتوانیم با این حقیقت کنار بیاییم که خداوند از همه اتفاقات «آینده» آگاه است، راحت تر درک خواهیم کرد که چگونه مسیح بدون این که از لحاظ جسمانی وجود داشته باشد، از ابتدا در ذهن خداوند بوده است. بنابراین خداوند می‌تواند درباره چیزهایی که وجود ندارد طوری صحبت کند و فکر کند که گویی وجود دارند. خداوند «نیستی‌ها را هستی می‌خواند» (رومیان 4:17). او اعلام می‌کند که «آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجا خواهم آورد» (اشعیا 46:10). به همین دلیل، خداوند می‌تواند طوری درباره مردگان صحبت کند که گویی زنده هستند و طوری درباره انسان‌ها صحبت کند که گویی قبل از تولد زنده بوده‌اند. «اراده» یا کلام خداوند از ابتدا، مسیح را پیشگویی کرده است؛ او همواره در اهداف یا «مسرت» خداوند وجود داشته است. بنابراین مسلم بود که زمانی مسیح از لحاظ جسمانی به دنیا خواهد آمد؛ خداوند هدف اذعان شده خود در مسیح را محقق خواهد کرد.

زبان عبرانی کتاب مقدس، زمانی به نام «پیشگویی کامل» دارد که در آن از زمان گذشته برای توصیف رخدادهای آینده‌ای که خداوند وعده داده استفاده می‌شود. وقتی هنوز معبد تنها از سوی خدا وعده داده شده بود، پس داود گفت: «این است خانه خداوند، خدا» (اول تواریخ 22:1). کتب مقدس مملو از مثال‌هایی از پیش آگاهی خداوند است. خداوند آن قدر مطمئن بود که وعده‌هایش به ابراهیم را محقق خواهد کرد که به او گفت: «این زمین را به نسل تو بخشیده‌ام...» (پیدایش 15:18)، زمانی که ابراهیم فرزندی نداشت (همچنین رجوع کنید به پیدایش 17:5).

طوری در مورد مسیح صحبت شده که گویی از ابتدا در ذهن و نقشه خداوند بوده، گرچه از لحاظ جسمانی این امر برای او ممکن نبود. او بره‌ای بود «که از ابتدای خلقت جهان ذبح شده بود» (مکاشفه 13:8). عیسی در آن زمان به معنای واقعی نمرده؛ او بره خداوند بود که حدود 4000 سال بعد روی صلیب فدا شد (یوحنا 1:29؛ اول قرن‌تیان 5:7). همان طور که عیسی از ابتدا برگزیده شده بود (اول پطرس 1:20)، مومنان نیز برگزیده شدند (افسیسیان 1:4؛ در این آیات از کلمه یونانی معادل «برگزیده» استفاده شده است).

تفاوت بین خدا و عیسی

تعادل مناسبی می‌توان بین متونی ایجاد کرد که بر «وجود خدا در مسیح» (به عنوان مثال قرن‌تیان 5:19) تاکید می‌کنند و متونی که بر انسانیت مسیح تاکید

دارند. متونی که بر انسانیت مسیح تاکید دارند باعث می‌شوند که نتوان بر اساس کتاب مقدس، این ایده را که عیسی خود خداست توجیه کرد. یکی از آشکارترین جملاتی که رابطه بین خدا و عیسی را خلاصه می‌کند در اول تیموتائوس 2:5 دیده می‌شود: «**یک خدا و یک واسطه** بین خدا و انسانها وجود دارد، یعنی **شخص عیسی مسیح**».

تفکر درباره این کلمات که روی آنها تاکید شده به نتیجه گیری‌های زیر منجر می‌شود:

1. پدر، خداوند است. (اول قرن‌تینان 8:6؛ اشعیا 63:16؛ 64:8).
2. علاوه بر خدای یکتا، واسطه، عیسی مسیح که انسان است وجود دارد - «...و یک واسطه...» این به تفاوت بین مسیح و خدا اشاره دارد.
3. «واسطه» یعنی عیسی وساطت می‌کند. واسطه بین مرد گناهکار و خدای بی گناه نمی‌تواند خود خدای بی گناه باشد؛ باید مردی بی گناه با ماهیت انسانی باشد - «**شخص عیسی مسیح**».

ماهیت عیسی

کلمه «ماهیت» به ذات و بنیاد ما اشاره دارد. کتاب مقدس تنها از دو ماهیت سخن می‌گوید - ماهیت خدا و ماهیت انسان. خداوند به واسطه طبیعت و ذاتی که دارد نمی‌تواند بمیرد، وسوسه شود و ... مسیح در طول زندگی‌اش ذات الهی نداشت، کاملاً ماهیت انسانی داشت. مهم بود که مسیح مانند ما وسوسه شود (عبرانیان 4:15) تا از طریق غلبه کامل بر وسوسه‌اش، توانست برای ما بخشش به دست آورد. امیل نادرست که اساس وسوسه را تشکیل می‌دهد، از درون ما می‌اید (مرقس 23:15-7)، از درون ماهیت انسانی ما نشأت می‌گیرد (یعقوب 15-1:13). بنابراین لازم بود که مسیح ماهیتی انسانی داشته باشد تا بتواند این وسوسه‌ها را تجربه و بر آنها غلبه کند.

«از آنجایی که فرزندان (ما)، در جسم و خون (ماهیت انسانی) مشترک هستند، او (مسیح) نیز به همین شکل همان ذات را به خود گرفت؛ تا از طریق مرگ خود... ابلیس را نابود کند... زیرا در حقیقت او فرشتگان را نمی‌گیرد بلکه (ذات) نسل ابراهیم را می‌گیرد. بنابراین، در همه چیز باید مانند برادرانش باشد تا در مسائل مربوط به خدا، یک روحانی اعظم رحیم و وفادار باشد و گناهان مردم را کفاره کند. زیرا از آنجایی که خودش وقتی وسوسه شد رنج کشید، قادر است کسانی را که وسوسه می‌شوند یاری کند». (عبرانیان 18-2:14 نسخه پادشاه جیمز)

این متن بر این حقیقت تکیه می‌کند که عیسی ماهیتی انسانی دارد: **خود او نیز به همین شکل همان ذات را به خود گرفت** (عبرانیان 2:14). در این عبارت، از سه کلمه هم معنی استفاده شده تا بر یک نکته تاکید کند. مسیح از نسل ابراهیم (2:16) بود که برای رهایی مومنان آمده بود. در همه چیز باید «مانند برادرانش» باشد (2:17) تا خدا بتواند از طریق فداکاری مسیح به ما بخشایش را اعطا کند.

بخشش

هرگاه مومنان تعمید یافته گناه کنند، می‌توانند به سوی خدا بپایند، با مناجات از طریق مسیح به گناه خود اعتراف کنند (اول یوحنا 1:9)؛ خداوند آگاه است که مسیح درست مانند آنها برای گناه وسوسه شده بود اما او کامل بود و بر تمام وسوسه‌هایی که دیگران در برابر آن شکست خوردند، فائق آمد. به همین دلیل، «خداوند به خاطر مسیح» می‌تواند ما را ببخشد (افسیسیان 4:32 نسخه پادشاه جیمز). «خدا پسر خودش را مانند جسمی گناهکار و برای گناهان فرستاد: گناه را در جسم محکوم ساخت» (رومیان 8:3).

«گناه» اشاره دارد به مستعد بودن به گناه که در طبیعت ما وجود دارد. ما به گناه کردن ادامه می‌دهیم و «اجر گناه، مرگ است» (رومیان 6:23). برای رهایی از این مخصصه، بشر به کمک نیاز داشت. بنابراین خداوند مداخله کرد و پسر خود را به ما داد که دارای «جسم گناهکار» ما و مثل ما دارای تمام مشوق‌های موجود برای گناه کردن بود. بر خلاف انسان‌های دیگر، مسیح بر تمام وسوسه‌ها غلبه کرد.

انسانیت مسیح

نوشته‌های مربوط به انجیل نشان می‌دهد که عیسی کاملاً دارای ماهیت انسانی است. او خسته بود و مجبور شد بنشیند تا از آب چاه بنوشد (یوحنا 4:6). در زمان مرگ ایلعازر «عیسی گریست» (یوحنا 11:35). از همه مهمتر، نوشته‌های ثبت شده درباره رنج و درد در پایان عمرش مدرک کافی برای اثبات انسانیت او است. در حالی که از خدا می‌خواست او را از مردن روی صلیب نجات دهد، اعتراف کرد و گفت «» (یوحنا 12:27). او «دعاکنان گفت: ای پدر، اگر ممکن است، این پیاله را از من دور کن. اما نه به خواهش من، بلکه به اراده تو» (متی 26:39).

از کودکی «عیسی در حکمت و قناعت (منظور بلوغ معنوی است، مقایسه کنید با افسسیان 4:13) و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد». (لوقا 2:52)، همچنین رجوع کنید به 2:40). این نشان می‌دهد که رشد جسمانی مسیح به موازات رشد معنوی او است. تبعیت از خداوند چیزی است که به مرور زمان همه ما می‌توانیم یاد بگیریم. مسیح نیز فرایند یادگیری تبعیت از پدرش را طی کرد. گرچه او پسر بود، اطاعت را از طریق رنج‌هایی که کشید آموخت و چون کامل شد، (از لحاظ معنوی بالغ شد)، باعث و بانی رهایی ابدی شد» (عبرانیان 5:8،9؛ همچنین رجوع کنید به فیلیپیان 2:7،8).

عیسی باید برای نیکوکار بودن آگاهانه تلاش می‌کرد؛ خداوند او را مجبور نکرده بود زیرا در این صورت او صرفاً مانند عروسک خیمه شب بازی می‌بود. عیسی حقیقتاً عاشق ما بود و با این انگیزه روی صلیب زندگی‌اش را از دست داد. اگر خداوند مسیح را مجبور می‌کرد که روی صلیب بمیرد، تاکید مدام بر عشق مسیح نسبت به ما پوچ و بی معنی می‌شد (افسیسیان 5:2،25؛ مکاشفه 1:5؛ غلاتیان 2:20). این حقیقت که عیسی در مورد تبعیت یا عدم تبعیت حق انتخاب داشت ما را قادر می‌سازد که عشق او را درک کنیم و رابطه‌ای شخصی با او برقرار

کنیم. به خاطر تمایل مسیح به فدا کردن داوطلبانه زندگی‌اش بود که خداوند از او این قدر خشنود بود. «به همین دلیل، پدر من را دوست می‌دارد، زیرا زندگی ام را فدا می‌کنم. هیچ کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من خودم آن را فدا می‌کنم» (یوحنا 10:17-18).

این برای من چه معنایی دارد؟

سرورمان عیسی می‌تواند در زندگی روزمره معمولی ما به حقیقت بپیوندد زیرا او نیز با همان وسوسه‌های ما روبرو شد. ما واقعاً می‌توانیم ایمان داشته باشیم که از طریق کار چنین نماینده‌ای، بخشایش ممکن است؛ مثال او می‌تواند الهامی زنده باشد که فراتر از ماهیت دین ما است. درک اصول رهایی از طریق مسیح ما را قادر می‌سازد که با پذیرش، دعا کنیم؛ «در او از طریق ایمان به او، جسارت و حضوری با اطمینان داریم» - نه فقط «از طریق ایمان»، بلکه در نتیجه ایمان (افسیسیان 3:12 نسخه پادشاه جیمز). پس از اعتماد یافتن در مسیح، می‌توانیم با جسارت، با قلبی حقیقی و وجدانی پاک نزد تخت خداوند در مناجات حضور یابیم (عبرانیان 4:16). «جسارت» در جسرور بودن ما هنگام گواه و شهادت ما منعکس خواهد شد (دوم قرنتیان 3:12؛ 7:4). «جسارت» مشخصه کلیسای اولیه است (اعمال رسولان 29، 31، 4:13؛ فیلیپیان 1:20).

خداوند از ازل و ابد وجود داشت و تنها 2000 سال پیش تنها پسر متولد شده اش را بخشید. و آن پسر انسانی بود برای نجات انسان‌ها - فقط چند میلیون نفر از ما (البته اگر به این مقدار برسد)، که در یک بازه زمانی 6000 ساله زندگی کردند. حقیقتاً شگفت‌انگیز است که تنها پسر خدا برای چند تن از ما اینجا جان بدهد؛ برای مایی که در این سرزمین کوچک برای یک لحظه گذرا می‌خریم. مسیح جان داد تا خداوند ما را رها کند. عشق خدا نسبت به ما به مرد جوانی تشبیه شده که با تمام شور و شوق انتظار و بدون سرخوردگی با یک باکره ازدواج می‌کند (اشعیا 62:5). و فراتر از این، عیسی مسیح برای شما به گونه‌ای شرم آور جان داد. وقتی این امر را کاملاً درک کنیم، شگفت زده و قدردان عشق خداوند می‌شویم.

تثلیث - بی ربط به کتاب مقدس

آموزه واضح کتاب مقدس درباره مسیح به هیچ عنوان از ایده تثلیث پشتیبانی نمی‌کند. موارد زیر را ملاحظه کنید:

لوقا 1:31-35: عیسی پسر خدا خواهد بود. به زمان آینده در این آیات دقت کنید. عیسی قبل از این که از مریم متولد شود، وجود نداشت.

یوحنا 3:16: عیسی «تنها پسر متولد شده» خداوند بود. وقتی در رحم مریم «به وجود آمد»، «آغاز شد» (مفهوم آغاز، لوقا 1:31). اگر عیسی از طریق خداوند متولد شده است، پس پدرش از او مسن تر است. خداوند آغازی ندارد (مزامیر 90:2)

و بنابراین عیسی نمی‌تواند خود خدا باشد.
 مریم در بشارت‌ها «مادر» مسیح عنوان شده است. عیسی قبل از این که از مریم متولد شود، وجود نداشت.
 کلمه تثنیت هرگز در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.
 اول تیموتائوس 2:5: «یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسانها وجود دارد، یعنی شخص عیسی مسیح.» (همچنین رجوع کنید به 8:6؛ اشعیا 63:16؛ 64:8).
 «خداوند انسان نیست» (اعداد 23:19؛ هوشع 11:9)؛ ولی مسیح «پسر انسان» بود.

مسیح «پسر حضرت اعلی» است (لوقا 1:32). فقط خدا است که متعالی است؛ عیسی به عنوان «پسر حضرت اعلی» نمی‌تواند شخصاً خود خدا باشد.
 کلمات پدر و پسر که در مورد خدا و عیسی به کار می‌رود نشان می‌دهد که آنها یکی نیستند. پسر ممکن است شباهت‌های خاصی با پدرش داشته باشد اما نمی‌تواند همان شخص باشد.
 عیسی «مانند برادرانش» بود (عبرانیان 2:17) تا خدا بتواند از طریق فداکاری مسیح به ما بخشایش را اعطا کند. گفتن این که عیسی ماهیت کاملاً انسانی نداشت، به معنی انکار مژده و بشارت مسیح است.
 چندین تفاوت بارز بین خدا و عیسی وجود دارد که به وضوح نشان می‌دهد عیسی خود خدا نیست.

عیسی

خدا

مسیح «از هر لحاظ درست مانند ما وسوسه شد» (عبرانیان 4:15).

«خداوند وسوسه نمی‌شود» (یعقوب 1:13)

مسیح ظرف سه روز جان داد (متی 12:40؛ 16:21).

خداوند نمی‌تواند بمیرد - او ذاتاً فناپذیر است (مزامیر 90:2؛ تیموتائوس 6:16).

انسان‌ها عیسی را دیدند و او را لمس کردند (اول یوحنا 1:1 بر این موضوع تاکید دارد).

خداوند برای انسان‌ها قابل رویت نیست (اول تیموتائوس 6:16؛ خروج 33:20)

در برخی موارد، «اراده» یا خواسته‌های مسیح از خواست خداوند متفاوت بود (متی 26:39؛ یوحنا 5:30).
 از کودکی «عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد» (اوقا 2:52). اگر عیسی «خداوند پسر» بود، این امر غیرممکن می‌شد.

مسیح زمان دقیق ظهور مجدد خود را نمی‌داندست، ولی پدر می‌داندست (مرقس 13:32).

خداوند از تبعیت مسیح خشنود بود که اگر عیسی خدا بود، درک این امر سخت بود که مانند نوعی ارتباط نمادین با انسان گناهکار، به صورت انسان زندگی کند (متی 17:3؛ 12:18؛ 17:5).

قسمت 7: روح القدس

کلمه عبری که در عهد عتیق به «روح» ترجمه شده، به معنای «نفس» یا «نیرو» است؛ بنابراین روح خدا «نفس» او، ذات خداوند است که ذهن او را منعکس می‌کند. شخصی جداگانه از خدا نیست. یکی از آموزه‌های رایج کتاب مقدس این است که طرز فکر انسان در اعمال او دیده می‌شود (امثال 23:7؛ متی 12:34). کمی تفکر درباره اعمال ما این امر را تایید می‌کند؛ ما در مورد چیزی فکر می‌کنیم و سپس آن را انجام می‌دهیم. خداوند نیز به همین شکل فکر می‌کند و سپس عمل می‌کند. «آنچه اراده من بود همان واقع خواهد شد. آنچه می‌خواستم انجام شود، به انجام خواهد رسید (اشعیا 14:24).

بسیاری از متون، به وضوح روح خدا را با قدرت او یکی می‌دانند. برای آفرینش زمین، «...روح خدا بر روی آبها حرکت می‌کرد. خدا فرمود: «روشنایی بشود» و روشنایی شد» (پیدایش 1:2،3). روح خدا قدرتی بود که به وسیله آن همه چیز، مثلاً نور و روشنایی، پدید آمد. مقایسه متی 12:28 و لوقا 11:20 نشان می‌دهد که «انگشت خدا» و «روح خدا» برابر هستند - خداوند در عمل، روح خود است. «به امر خداوند آسمانها آفریده شدند و خورشید و ماه و ستارگان با کلام او به وجود آمدند» (مزمیر 33:6). بنابراین روح خدا به اشکال زیر توصیف شده است:

- نفس او
- کلام او
- انگشت او
- دست او

بنابراین روح خدا، قدرت او است که به وسیله آن به همه چیز دست می‌یابد. روحی که به ما و کل خلقت اعطا شد زندگی ما را پایدار می‌سازد. «نفس روح زندگی» (پیدایش 7:22) در ما است که خدا هنگام تولد به ما عطا کرده است (مزمیر 104:30؛ پیدایش 2:7). خداوند نیروی حیات است که همه خلقت را نگه داشته است. روح او همه جا حاضر است (مزمیر 139:2،7،9،10).

هدایای روح القدس

خداوند در موارد بسیاری در برخورد با بشر، استفاده از قدرت خود («روح القدس») را به انسان عطا کرد. با این حال، این اعطای قدرت هیچ وقت مانند امضاء «چک سفید» نیست نبوده تا انسان بتواند هر کاری می‌خواهد بکند؛ استفاده از این روح مقدس همواره برای مقصدی خاص بوده است. پس از محقق شدن هدف،

هدیه روح القدس پس گرفته شد. باید به یاد داشته باشیم که روح خدا به گونه‌ای عمل می‌کند تا هدفی که خداوند در ذهن خود دارد محقق شود. هدایای روح القدس همواره به منظور دستیابی به مقاصد خاصی در زمان‌های خاص بوده است. ساخت خیمه یکی از این نمونه‌هاست. در دوران نخست تاریخ اسرائیل؛ به قوم اسرائیل دستور داده شد خیمه بزرگی درست کنند که در آن محراب و اقلام مقدس دیگر نگه داری شود؛ دستورالعمل‌هایی با جزئیات تمام درباره نحوه ساخت همه اقلامی که برای پرستش خداوند لازم بود، به آنها داده شد. برای تحقق این امر، خداوند روحش را به برخی افراد عطا کرد. «به روح حکمت پر ساخته» شده‌اند، «تا رخت‌های هارون را بسازند...» و غیره. (خروج 28:3).

دلایل هدایا در قرن اول

با به یاد داشتن اصول اساسی که درباره هدایای روح خدا آموخته ایم، اکنون به نوشته‌های عهد جدید درباره هدایای روح می‌رسیم که در کلیسای اولیه عطا شده بود (گروهی از مومنانی که در زمان نسل پس از عیسی زندگی کردند).

آخرین فرمان مسیح به رسولان این بود که به سراسر جهان بروند و بشارت را موعظه کنند (مرقس 16:15، 16). آنها چنین کردند و مضمون پیامشان، مرگ و رستاخیزی مسیح بود. اما به یاد داشته باشید که آن زمان عهد جدید آن طور که اکنون می‌شناسیم وجود نداشت. وقتی در بازار و کنیسه‌ها می‌ایستادند و درباره عیسی ناصری سخن می‌گفتند، ممکن بود داستان آنها عجیب به نظر برسد - نجاری اهل اسرائیل که کامل و بی نقص بود، جان داد و سپس رستاخیز شد، که دقیقاً تحقق نبوت و پیشگویی موجود در عهد عتیق بود، و کسی بود که از آنها می‌خواست تعمید شوند و او را سرمشق خود بدانند.

در زمان ما، ما به نوشته‌های عهد عتیق درباره کار و تعالیم عیسی روی می‌آوریم تا ثابت کنیم که پیام ما از جانب خدا است؛ اما در آن روزها قبل از این که این پیام‌ها نوشته شوند و در دسترس قرار گیرند، خداوند به موعظه‌گران خود اجازه داد از روح القدس خود استفاده کنند تا بر حقیقت گفته‌های خود تاکید کنند. این دلیل خاص استفاده از هدایای روح القدس جلوی جهانیان بود؛ نبود عهد جدید به صورت مکتوب همچنین رشد ایمان را در گروه‌های جدید مومنان مشکل می‌ساخت. مثل همیشه، این دلایل برای اعطای روح القدس به سادگی توضیح داده شده است:

- «وقتی او (عیسی) به بالا (آسمان) صعود کرد... بخششها (روح) را به مردم داد... برای تکمیل قدیسان، برای کار خدمت مقدس (موعظه)، برای بنای بدن مسیح (مومنان) (افسیسیان 4:8، 12 نسخه پادشاه جیمز).
- پولس به مومنان در روم نوشت: «بسیار اشتیاق دارم که شما را ببینم تا نعمتی معنوی به شما برسانم که شما استوار شوید» (رومیان 1:11).

درباره استفاده از این هدایا برای تایید موعظه بشارت این چنین می‌خوانیم که: «خدا نیز هم با شگفتی‌ها و نشانه‌ها و هم با معجزات مختلف (به پیام نجات) شهادت داد» (عبرانیان 2:4). «سپس فرماندار با دیدن این اتفاق (معجزه)، ایمان آورد و از تعالیم خداوند حیرت‌زده گشت» (اعمال رسولان 13:12). همه این‌ها در تفسیر درباره تبعیت رسولان از فرمان موعظه خلاصه شده است: «و آنها (شاگردان) رفتند و همه جا موعظه کردند، و سرور با آنها کار می‌کرد و با نشانه‌های بعد، کلام آنها را تأیید می‌کرد.» (مرقس 16:20).

بازپس گرفتن هدایا

هدایای معجزه آمیز روح خدا دوباره از سوی مومنان برای تغییر دنیایی کنونی به ملکوت خداوند هنگام بازگشت مسیح استفاده خواهد شد. بنابراین این هدایا «» (عبرانیان 5-6:4) نامیده می‌شوند؛ و یونیل 29-26:2 سرانجام شدن هدایای بزرگ روح خدا پس از توبه قوم اسرائیل را توصیف می‌کند. همین حقیقت که این هدایا با بازگشت مسیح به مومنان عطا خواهد شد مدرک کافی دال بر این است که هم اکنون کسی دارای این هدایا نیست. از نظر هر مسیحی که در برابر کتب مقدس و رویدادهای جهان چشمانی باز دارد، بازگشت سرور به زودی رخ خواهد داد.

بر اساس تمام نوشته‌های کتاب مقدس درباره استفاده از هدایای روح، واضح است که این هدایا در زمان‌های خاص و به مقاصدی خاص اعطا می‌شدند و وقتی هدف خدا محقق می‌شد، بازپس گرفته می‌شدند: «اگر نبوت باشد، از بین خواهد رفت. و اگر سخن گفتن به زبانهای خارجی (برای موعظه) باشد، متوقف خواهد شد... اما وقتی آن چه کامل است از راه می‌رسد، هر آن چه جزئی است از بین خواهد رفت» (اول قرن‌تیا 10-13:8). همان طور که کتاب مقدس بشارت به وضوح بیان می‌دارد: این هدایا «موقتی هستند».

افسسیان 14-4:8 به ما در درک بهتر این موضوع کمک می‌کند. این متن توضیح می‌دهد که هدایای قرن اول اعطا می‌شدند تا انسانی کامل یا بالغ حاصل شود. بنابراین ایجاد غوغا و هیاهو درباره داشتن چنین هدایایی، نشانه بلوغ معنوی نیست. هر یک از خوانندگان این کلمات باید اکنون به سمت درکی عمیق‌تر نسبت به کلام مکتوب خداوند داشته باشند، از کامل بودن وحی خداوند به ما خشنود گردند و با تبعیتی متواضع به آن پاسخ دهند.

در دوم تیموتائوس 17، 16:3 تعلیم داده می‌شود که پاسخ به «همه کتب مقدس» انسان خدا را قادر می‌سازد تا «کامل» بی نقص و بالغ باشد. پس از این که عهد جدید اواخر قرن یکم کامل گشت، دیگر نیازی به هدایا نبود. این هدایا به مقصد خود یعنی توانمندسازی کلیسا برای «مجهز بودن» رسید (افسسیان 4:8 نسخه ویموث). وقتی کتاب مقدس کامل شد، در حقیقت کلیسا برای موعظه بشارت رهایی کاملاً مجهز شده بود.

ادعای کنونی درباره تصاحب روح

چندین نکته دیگر درباره ادعاهای مکرر کسانی که فکر می‌کنند اکنون دارای هدایای معجزه آسا هستند باید مطرح شود. مهم نیست استدلال‌های فوق در مورد باز پس گرفتن هدایا چگونه تفسیر شود. حقیقت این است که ادعاهای کنونی درباره داشتن هدایای روح متأسفانه با ماهیت هدایا که در عهد جدید نوشته شده در تناقض است. هر آن چه امروز انجام می‌شود از آن چه در کلیسای اولیه رخ داده است متفاوت است.

«سخن گفتن به زبان‌ها» در زمان حال مانند تکرار مکرر سیلاب‌های کوتاه است، مثلاً «لا لا، لا لا، لا، شاما. عیسی، عیسی...». این در نحو هیچ زبانی وجود ندارد؛ وقتی سخن گفتن شخصی را به زبان خارجی می‌شنویم، با این که کلمات را نمی‌فهمیم، معمولاً می‌توان از الگوی کلمات مورد استفاده‌شان تشخیص داد که در حال انتقال پیامی هستند. اما سخن گفتن به زبان‌ها در زمان مدرن چنین ویژگی‌ای ندارد و این حقیقت را نشان می‌دهد که این امر منجر به پیشرفت کلیسا نمی‌شود، که هدف هدایای قرن اول بود.

بعضی از پنطیکاست‌ها ادعا می‌کنند که سخن گفتن به زبان‌ها نشانه «نجات یافتن» است و بنابراین منجر به گرویدن به دین خواهد شد. این ادعا به شدت با توصیف کلیسای اولیه به عنوان یک بدن که در آن افراد دارای هدایای مختلف مانند اعضای مختلف بدن بودند در تضاد است. همه، بازو یا پا نبودند و به همین شکل، همه دارای هدیه، مثلاً زبان، نبودند. اول قرن‌تین 30-12:27 این موضوع را آشکار می‌سازد. مشکل دیگر استدلال پنطیکاستی این است که فیلیپ باعث گرویدن افراد بسیاری در سامره شد - یعنی آنها پس از درک بشارت، در آب تعمید یافتند، اما هدایای روح را دریافت نکردند؛ زیرا پس از آن، پطرس و یوحنا نزد آنها رفتند: «وقتی رسیدند برای ایشان دعا کردند تا روح القدس را دریافت کنند... دست‌ان‌شان را بر ایشان نهادند، و آنها نیز روح‌القدس را دریافت نمودند» (اعمال رسولان 18-4:8).

احتمالاً اعطای هدایای روح فقط از طریق دست کشیدن صورت می‌گرفت؛ حرکتی که مدعیان مدرن امروزی چندان انجام نمی‌دهند. بنابراین پولس می‌خواست رومیان را ملاقات کند تا هدایای روح القدس را به آنها بدهد (رومان 1:11 مقایسه کنید با افسسیان 4:12). بنابراین این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که پس از درگذشت نسلی که این قدرت را داشت، هیچ راهی برای ادامه اعطای این هدایا وجود نداشت. اگر در حقیقت این هدایا فقط از طریق مناجات به دست می‌آیند، درک این مساله مشکل است که چرا پولس مجبور بود برای انتقال هدایا به مومنان روم، تا آنجا سفر کند. تنها پاسخ این است که «طریق گذاشتن دست حواریون، روح‌القدس اعطا می‌شود».

قسمت 8: تعمید

تعمید یکی از اساسی ترین تعالیم کتاب مقدس است (به عنوان مثال رجوع کنید به عبرانیان 6:2). تعمید حقیقی تنها پس از درک درست حقایق اصلی بشارت رخ می‌دهد. اگر می‌خواهید واقعاً در امید بزرگی که کتاب مقدس از طریق عیسی مسیح ارائه می‌دهد شریک شوید، تعمید مطلقاً لازم و ضروری است. «نجات از آن یهودیان است» (یوحنا 4:22) بدین معنی که وعده‌های مربوط به رهایی و نجات تنها به ابراهیم و نسل او داده شد. تنها در صورتی می‌توانیم کاری کنیم که این وعده‌ها در مورد ما صدق کند که در این نسل قرار گیریم، از طریق تعمید در مسیح (غلاطیان 3:22-19). بنابراین عیسی آشکارا به پیروان خود دستور می‌دهد: «به کل جهان بروید و بشارت را (که در وعده‌های موعود به ابراهیم است - غلاطیان 3:8) برای همه مخلوقات موعظه کنید. آن کسی که ایمان می‌آورد و تعمید می‌یابد نجات خواهد یافت» (مرقس 16:15-16).

تعمید - شروع یک زندگی جدید

تعمید تنها یک گزینه اختیاری نیست، بلکه شرط لازم رهایی است. پس از تعمید باید یک عمر از کلام خداوند تبعیت کرد. عیسی بر این موضوع تأکید دارد: «به راستی، به شما می‌گویم: تا کسی از آب و روح متولد نشود، نمی‌تواند وارد ملکوت خداوند گردد» (یوحنا 3:5). «اینجا به تعمید اشاره دارد: پس از این، باید دوباره از روح متولد شد. این یک فرایند ادامه دار است «شما دوباره متولد شده‌اید... به وسیله کلام خدا» (اول پطرس 1:23). از این رو، از طریق پاسخ مداوم به کلام روح خدا است که از روح متولد می‌شویم.

تعمید در مسیح

ما «در عیسی تعمید می‌یابیم» (غلاطیان 3:27)؛ در نام او (اعمال رسولان 19:5؛ 18:16؛ متی 28:19). توجه کنید که ما در مسیح تعمید می‌یابیم - نه در کلیسا یا هر گونه سازمان انسانی دیگر. بدون تعمید، ما «در مسیح» نیستیم و بنابراین تحت پوشش کلام نجات بخش او نیستیم (اعمال رسولان 4:12).

ایمان حقیقی ما را وادار به تعمید می‌کند

کتاب اعمال رسولان، اهمیت حیاتی تعمید را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که چگونه افراد فوراً پس از پذیرش بشارت تعمید می‌یافتند (به عنوان مثال اعمال 8:12، 36-39؛ 9:18؛ 10:47؛ 16:15). این تأکید را وقتی درک می‌کنیم که کاملاً فهمیم بدون تعمید، یادگرفتن بشارت بیهوده است. زندانبان در فیلیپی با زلزله‌ای بزرگ که منجر به تخریب کامل زندان او شد که امنیت بالایی داشت، ناگهان با بحران زندگی خود روبرو شد. زندانبان فرصت بزرگی داشتند که فرار کنند - که این امر زندگی زندانبان را به خطر می‌انداخت. ایمان او به بشارت حقیقت یافت، تا جایی که «در آن ساعت از شب... فوراً او و کل خانواده‌اش تعمید یافتند» (اعمال

رسولان 16:33). بسیاری از داوطلبان مردد تعمید می‌توانند از این مرد الهام بگیرند. این که در میان مشکلات عظیم خود، طبق ایمانی که داشت عمل کرد، دلیل و مدرک کافی است که نشان می‌دهد دانش مفصلی درباره بشارت داشته زیرا چنین ایمان واقعی‌ای فقط نشأت گرفته از شنیدن کلام خدا است (رومیان 10:17 مقایسه کنید با اعمال رسولان 17:11).

در کتاب اعمال رسولان 40-26:8 ثبت شده که یکی از مقامات اتیپوی در حالی که سوار بر ارابه خود در بیابان بود، کتاب مقدس را می‌خواند. او با فیلیپ آشنا شد که بشارت از جمله نیاز به تعمید را کامل برای او توضیح داد. از لحاظ منطقی تبعیت از دستور تعمید شدن در آن بیابان بی آب حتماً غیرممکن به نظر می‌رسید. با این حال خداوند دستوری نمی‌دهد که می‌داند برخی افراد نمی‌توانند از آن تبعیت کنند. «در حالی که در امتداد جاده می‌رفتند، به آبی رسیدند» یعنی به یک آبادی که در آن انجام تعمید امکان پذیر بود (اعمال رسولان 8:36).

پولس رسول، چنان رویایی از مسیح دید که وجدان او را چنان تکان داد که در اسرع وقت «بلند شد و تعمید یافت» (اعمال رسولان 9:18). بعدها پولس درباره زندگی پس از تعمیدش این گونه سخن گفت: «به سوی پاداش کوشش می‌کنم» (فیلیپیان 3:7، 8، 13، 14). این زبان ورزشکاری است که تلاش می‌کند از خط پایان عبور کند. چنین تلاش ذهنی و جسمی‌ای باید مشخصه زندگی پس از تعمید ما باشد. تعمید، آغاز مسابقه به سوی ملکوت خداوند است؛ فقط وسیله‌ای برای تغییر کلیساهای و باورها نیست، ورودی منفعلانه به زندگی آرام و راحتی نیست که در آن فقط از چند اصول مبهم مسیحیت تبعیت شود. تعمید ما را شریک حسی مداوم با مصلوب شدن و رستاخیزی عیسی می‌کند (رومیان 5-6:3).

تعمید تصمیمی است که انسان هرگز از آن پشیمان نخواهد شد. همان طور که این امر برای پولس صدق می‌کرد، برای همه کسانی که به درستی تعمید یافتند نیز صدق می‌کند. در طول زندگی مان آگاه خواهیم بود که انتخاب درستی کردیم. تصمیمات کمی در زندگی انسان است که می‌توان از آن تا این حد مطمئن بود. پاسخ جدی باید به این سوال داده شود: «چرا نباید تعمید شوم؟»

چگونه باید تعمید شویم؟

دیدگاه گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر این که به ویژه در مورد کودکان، تعمید را می‌توان با پاشیدن آب به پیشانی آنها انجام داد (مراسم تعمید). این با الزام تعمید در کتاب مقدس کاملاً در تضاد است. کلمه یونانی «baptizo» که در کتاب مقدس به تعمید ترجمه شده به معنی پاشیدن نیست؛ بلکه به معنی شست و شو و غوطه ور شدن کامل در مایع است. از این کلمه در یونانی کلاسیک در مورد کشتی‌هایی استفاده می‌شود که در آب غرق و «تعمید» (غوطه ور) می‌شوند. همچنین از این کلمه در اشاره به پنبه‌ای استفاده می‌شود که با «تعمید» یا غوطه ور شدن داخل رنگ، از رنگی به رنگ دیگر تغییر یافته است. برای تغییر رنگ پنبه، واضح است که باید کاملاً در مایع فرو برود، نه این که قطرات رنگ به آن پاشیده شود. این

حقیقت که غوطه ور شدن، شکل و نحوه درست تعمید است، در آیات زیر یافت می‌شود:

- «یحیی نیز در عینون نزدیک سالیم تعمید می‌داد، زیرا آنجا آب زیادی وجود داشت و مردم می‌آمدند تا تعمید بگیرند.» (یوحنا 3:23).
- عیسی توسط یحیی در رودخانه اردن تعمید شد: «وقتی عیسی تعمید داده شد، بلافاصله از آب بیرون آمد» (متی 3:13-16 نسخه پادشاه جیمز). تعمید او به وضوح از طریق غوطه ور شدن بود - او پس از تعمید «از آب بیرون آمد». یکی از دلایل تعمید شدن عیسی این بود که سرمشق و الگو باشد تا هیچ کس بدون الگوبرداری از تعمید او از طریق غوطه ور شدن در آب، ادعای پیوری از او را نکند.
- فیلیپ و مقام اتیوپی «به داخل آب رفتند، و فیلیپس او را تعمید داد.» «وقتی از آب بیرون آمدند...» (اعمال رسولان 8:38,39).
- تعمید نوعی دفن شدن است (قرنتیان 2:12) که نشان دهنده پوشش کامل است.
- تعمید «شستن» گناهان نامیده می‌شود (اعمال رسولان 22:16). گرویدن حقیقی به دین در مکاشفه 1:5؛ تیطس 3:5؛ عبرانیان 10:22 و غیره به «شستن» تشبیه شده است. استفاده از عبارت شست و شو بسیار به تعمید از طریق فرو رفتن اشاره داد تا به پاشیدن آب.
- چندین اشاره مختلف در عهد عتیق وجود دارد که نشان می‌دهد نزدیک شدن مورد قبول به خدا از طریق نوعی شست و شو بود (روحانیون: لایوان 8:6؛ خروج 40:32؛ قوم اسرائیل: تثنیه 11:23؛ نعمان غیریهود: دوم پادشاهان 5:9-14). بنابراین تعمید به غوطه ور شدن کامل در آب پس از اولین درک پیام اصلی بشارت اشاره دارد.

معنی تعمید

یکی از دلایل تعمید از طریق غوطه ور شدن این است که زیر آب رفتن، نماد به قبر رفتن است و مرگ مسیح را برای ما تداعی می‌کند و مرگ ما از زندگی قبلی پر از گناه و جهالت ما را نشان می‌دهد. بیرون آمدن از آب ما را با رستاخیزی مسیح مرتبط می‌سازد، و در امید رستاخیزی در زندگی جاودانه با بازگشت او شریک می‌سازد و یادآور زندگی جدید فعلی ما است که در آن از لحاظ معنوی به خاطر پیروزی مسیح که با مرگ و رستاخیزش به دست آمد، بر گناهان خود غلبه می‌کنیم. از آن جایی که رهایی فقط از طریق مرگ و رستاخیزی مسیح امکان پذیر شده است، اگر قرار است نجات یابیم، مهم است که خود را با این مسائل مرتبط سازیم. مرگ و رستاخیزی نمادین با مسیح که در تعمید شاهد آن هستیم، تنها راه انجام این کار است. پاشیدن آب، این نماد و حرکت نمادین را به جا نمی‌آورد.

یک روش جدید زندگی

هنگام تعمید «انسانیت (روش زندگی) گذشته ما با او به صلیب کشیده شد (رومیان 6:6)؛ خدا «کاری کرد که با مسیح دوباره زنده شویم» (افسیسیان 2:5) با این حال، پس از تعمید، هنوز دارای ماهیت انسانی هستیم و روش زندگی جسمانی همچنان برجسته خواهد بود. بنابراین «به صلیب کشیده شدن» جسم ما فرایندی مداوم است که فقط هنگام تعمید آغاز می‌شود، بنابراین عیسی به مومنان گفت که هر روز صلیبشان را بالا ببرند و او را دنبال کنند، درست مانند حرکت دسته جمعی به سوی کالواری (لوقا 9:23؛ 14:27). در حالی که داشتن یک زندگی با مصلوب شدن حقیقی با مسیح آسان نیست، مسرت و تسلی غیرقابل وصفی نیز از طریق اتحاد با رستاخیزی مسیح وجود دارد. مسیح «از طریق خون صلیبش» آرامش را به ارمغان آورد (کولسیان 1:20). همچنین رجوع کنید به فیلیپیان 4:7؛ یوحنا 14:27؛ دوم قرنتیان 1:5).

همچنین دانستن این که خود طبیعی ما واقعاً مرده است و در نتیجه عیسی در طول هر آزمایش ما، به طور فعال با ما زندگی می‌کند، به ما آزادی می‌دهد. پولس، رسول بزرگ درباره این تجربه خود در طول سالهای پر از رویداد زندگی اش نیز سخن گفته است: «من با مسیح مصلوب شدم، و دیگر این من نیستم که زنده‌ام بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و در زندگی جسمانی که اکنون دارم، با ایمان زندگی می‌کنم، ایمان به پسر خدا» (غلاطیان 2:20).

نجات یافته از طریق رستاخیزی مسیح

ارتباط با رستاخیزی مسیح به سوی زندگی ابدی باعث می‌شود فرد در بازگشت مسیح، همین رستاخیزی در زندگی ابدی را داشته باشد. بنابراین از طریق این رستاخیزی است که در نهایت می‌توانیم نجات یابیم (اول پطرس 3:21). عیسی این امر را خیلی ساده بیان کرده است: «زیرا من زنده هستم، شما نیز زنده خواهید ماند» (یوحنا 14:19). به همین شکل پولس نیز می‌گوید: «اکنون که با خون او نزد خدا نیک شمرده شده ایم، از طریق او از خشم خدا رهایی خواهیم یافت» (رستاخیزی؛ رومیان 5:10). با ارتباط با مرگ مسیح و رنج او در تعمید و روش زندگی متعاقب آن، قطعاً در رستاخیز باشکوه او شریک خواهیم شد. (دوم تیموتائوس 2:11؛ 2:12؛ دوم قرنتیان 14، 11، 10؛ 4؛ فیلیپیان 11، 10؛ 3 مقایسه کنید با غلاطیان 6:14).

در لوقا 3:12 نوشته شده که چگونه «و باجگیران نیز برای تعمید یافتن آمدند و آنها به او گفتند: استاد، ما باید چه کار کنیم؟» میل به تعمید و فهمیدن این امر که باید در زندگی مان کاری ملموس انجام دهیم، به موازات هم قرار می‌گیرند. فرایند تعمید ما را وارد قلمرو بخشندگی و رستگاری خداوند و تماس با مسیح واقعی می‌کند. راهی وجود ندارد که بتوان نسبت به این موضوع منفعل بود و کاری در مورد آن نکرد.

تعمید برای نجات، حیاتی است

وقتی تعمید می‌یابیم، باید تلاش کنیم که به گناهکاری ادامه ندهیم زیرا برای گناه «مرده ایم» (رومان 6:2). این یکی از اساسی ترین مفاهیم تعمید است. خواهیم فهمید که دنیای تعمید نشده (از جمله کسانی که به درستی تعمید نشده‌اند) امیدی ندارند و با تمام وجود تلاش خواهیم کرد دیگران را برای تعمید شدن متقاعد کنیم. هرگز نمی‌توان از تعمید یافتگی خارج شد؛ ما همواره زندگی همراه با مسئولیت در برابر خدا را خواهیم داشت (اول پطرس 19-17:1).

حمل کردن نام مسیح

معجزه تعمید یافتن در مسیح بدین معنی است که مانند مسیحیان اولیه، از شرمساری بابت حمل نام مسیح سرور خواهیم شد (متی 25، 24:10). دانستن چیزی در مورد رنج‌های سرورمان، برای ما «کافی» خواهد بود. هر چه با تعمق و تأمل بیشتر انجیل را می‌خوانیم، بیشتر درباره ماهیت و شدت درد و رنج‌های او خواهیم دانست و بیشتر در خودمان چیزی از او خواهیم دید.

دوست داشتن یکدیگر مانند خودمان

پولس استدلال می‌کند که ما از طریق تعمید، بدن مسیح هستیم؛ و هیچ کس از بدن خود متنفر نیست. او به بدن خود غذا می‌دهد و از آن مراقبت می‌کند. این فقط بدین معنی نیست که سرور نیز به همین شکل از ما مراقبت خواهد کرد (افسیسیان 30-29:5). بدین معنی است که اکنون مبنای احترام به خود و عشقی سالم به خود را داریم (این عشقی است که سرور وقتی گفت ما باید همسایه مان را مانند خودمان دوست بداریم، در سر داشت). از آن جایی که باید خودمان را بدن مسیح بدانیم، دیگر نیازی نیست در این حس غوطه ور شویم که آن قدر بی ارزش هستیم که ارزش آن را نداریم که تلاش کنیم. بنابراین باید حقیقتاً برادر خود را دوست بداریم.

«یک انسان در مسیح»

با تعمید یافتن در مسیح، هر چیزی که در مورد او صادق است در مورد ما صدق خواهد کرد. ما باید مشتاق متحد بودن باشیم زیرا «همه شما در عیسی مسیح یکی هستید» (غلاطیان 3:28 نسخه ویرایش شده). به خاطر تعمید در پسر خدا «همه ما فرزندان خدا هستیم» (3:26). پولس استدلال می‌کند که همان طور که مسیح «وارثی» بود که «صاحب همه چیز بود»، «ما نیز» مدتی وابسته و در قید شریعت بودیم (غلاطیان 3-4:1). مبنای اتحاد ما این است که فقط یک عیسی وجود دارد و با بودن در او، یک زندگی متعهد به تقلید کردن از همان انسان را داریم. اتحاد بین مومنان تعمید یافته برای دیدن دنیا و جلب توجه آنها کافی است - که نشان می‌دهد همه اینها حقیقت دارند و درست هستند.

پیوست: ابلیس و شیطان

در بسیاری از دین‌ها باور بر این است که هیولایی به اسم ابلیس یا شیطان وجود دارد که بانی همه مشکلات و مسئول گناههایی است که مرتکب می‌شویم. اما کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که خداوند دارای قدرت متعالی است و فرشتگان نمی‌توانند گناه کنند. این بدان معنی است که امکان ندارد موجودی ماوراطبیعی وجود دارد که مخالف و علیه خدا است. با اعتقاد به وجود چنین موجودی، برتری خدای متعالی را زیر سوال می‌بریم.

منشاء شرارت

باوری وجود دارد که نیکی‌ها از خدا است و بدی‌ها از شیطان. بابلی‌های باستانی به خدای خوبی و خدای بدی اعتقاد داشتند. پاسخ خداوند این بود که «من خداوند هستم و غیر از من خدایی نیست؛ غیر از من خدایی نیست. من هم نور و هم تاریکی را آفریدم. من هم برکت می‌دهم و هم بلا نازل می‌کنم. من، خداوند، همه این چیزها را پدید می‌آورم» (اشعیا 45:5-7، 22:1-4). خداوند بانی، آفریدگار «مصیبت» و گناه است. بین مصیبت و گناه تفاوت وجود دارد. گناه در نتیجه کار انسان و نه خدا، وارد دنیا شد (رومیان 5:12). خداوند به بابلی‌ها می‌گوید، «هیچ خدایی در کنار من نیست» هیچ‌منبع قدرت دیگری غیر از او وجود ندارد. از این رو، کسی که حقیقتاً به خداوند ایمان دارد نمی‌تواند ایده یک ابلیس ماوراطبیعی یا شیاطین و دیو را باور کند.

خدا: خالق فاجعه

نمونه‌های بسیاری وجود دارد که خداوند «بدی» را وارد زندگی مردم کرده است.

- در عاموس 3:6 گفته شده که اگر در شهری، مصیبتی وجود دارد، خداوند چنین کرده است.
- در میکا 1:12 نوشته شده «مصیبت از سوی خدا به دروازه اورشلیم نازل شد».
- ایوب فهمیده بود که «خداوند داد و خداوند گرفت» (ایوب 1:21). او نمی‌گوید «خداوند داد و شیطان گرفت». ایوب این گونه نظر می‌دهد که «آیا ما چیزهای خوب خدا را قبول کنیم و چیزهای بد را نپذیریم؟» (ایوب 2:10). دوستان ایوب او را بابت «تمامی مصیبتی که خداوند به او رسانیده بود» تسلی می‌دادند (ایوب 42:11 مقایسه کنید با 19:21؛ 8:3).

بنابراین خداوند، منبع «بدی» به معنی کسی است که نهایتاً اجازه ورود مشکلات به زندگی ما را می‌دهد.

ابلیس ارتدکس - غیرمنطقی

زیرا خداوند کسانی را که دوست دارد تأدیب می‌کند... رنجهای خود را تحمل کن... بعدها برای کسانی که با آن تأدیب شده‌اند میوه آرامش را به بار می‌دهد (عبرانیان 11-12). این نشان می‌دهد که امتحانات خدا در نهایت منجر به رشد معنوی ما می‌شود. این که بگوییم ابلیس ما را وادار به گناه می‌کند و در عین حال بگوییم مشکلاتی به وجود می‌آورد که منجر به رشد «میوه نیکوکاری» است، با هم در تضاد است. در اینجا نظریه ارتدکس ابلیس به مشکل بر می‌خورد. به عنوان مثال، متونی هستند که از تحویل دادن انسان به شیطان صحبت می‌کنند تا «روح او نجات یابد» (اول فرنتیان 5:5) یا «یاد بگیرند کفر نگویند» (اول تیموتائوس 1:20). اگر شیطان واقعاً موجودی است که انسان را به گناه وادار می‌دارد، چرا این متون از شیطان به گونه‌ای مثبت سخن می‌گویند؟ پاسخ: دشمن یا «شیطان» یا مشکل در زندگی اغلب می‌تواند منجر به آثار معنوی مثبت در زندگی مومن شود.

منشاء گناه

گناه از درون ما می‌آید. تقصیر خودمان است که گناه می‌کنیم. به یاد داشته باشید، «اجر گناه، مرگ است» (رومان 6:23) - گناه منجر به مرگ می‌شود. اگر گناه ما تقصیر ابلیس باشد، بنابراین خدا باید به جای ما ابلیس را مجازات کند. اما این حقیقت که ما به خاطر گناهان خودمان مجازات می‌شویم نشان می‌دهد که مسئول انجام آنها هستیم. «چیزی بیرون انسان نیست که وارد او شود و او را آلوده سازد... آن چه از انسان سر می‌زند او را آلوده می‌سازد زیرا از درون، از دل انسانها افکار پلید، فساد، دزدی، قتل، زنا... همه این امور پلید از درون سر می‌زند» (مرقس 7:15-23).

این ایده که موجودی گناهکار بیرون از ما قرار دارد که ما را وادار به گناه می‌کند با تعالیم عیسی مغایرت دارد. همه کارهای بد از درون انسان و از اعماق قلب او نشأت می‌گیرد. یعقوب 1:14 به ما می‌گوید که چگونه وسوسه می‌شویم: «هر کسی وسوسه می‌شود، وقتی شهوت او را می‌کشد و اغوا می‌سازد». ما با امیال شرور خودمان وسوسه می‌شویم، نه چیزی خارج از خود. «چه چیزی در میان شما باعث جنگ و نزاع میشود» یعقوب می‌پرسد، «آیا منشأ آن امیال نفسانی نیست؟» (یعقوب 4:1). هر کدام از وسوسه‌هایی داریم که از امیال نفسانی و شریر خودمان نشأت می‌گیرد.

پولس منشاء گناه را مشخص می‌کند

پولس تاسف می‌خورد: «می‌دانم که در من، یعنی در جسمم، هیچ چیز نیکی وجود ندارد زیرا کار نیکی را که می‌خواهم انجام نمی‌دهم... اما اگر کاری که مایل نیستم، انجام می‌دهم، دیگر این من نیستم که چنین می‌کند، بلکه کار گناهی است

که در من ساکن است» (رومیان 21-7:18). پولس گناه خود را به گردن موجودی خارجی به اسم ابلیس نمی‌اندازد. او ذات شیطنانی خود را منشاء واقعی گناه می‌داند: «دیگر این من نیستم که چنین می‌کند، بلکه کار **گناهی است که در من ساکن است**. پس یک قاعده کلی را پیدا می‌کنم که **شرارت (درون من) وجود دارد**، با این که دوست دارم کار نیک انجام دهم» (رومیان 21-7:20). بنابراین او می‌گوید که مخالفت با معنویت نشأت گرفته از چیزی است که به گفته او «گناه ساکن در من» نام دارد.

کلمه «شیطان» در کتاب مقدس

در اول پادشاهان 11:14 نوشته شده که «خداوند دشمنی (همان کلمه عبری که در جای دیگر «شیطان» ترجمه شده) برای سلیمان برانگیزانید». هدد دومی، «و خدا دشمنی (شیطنانی) دیگر برای وی برانگیزانید، یعنی رزون... او دشمن (شیطان) اسرائیل بود» (اول پادشاهان 25، 11:23). خداوند کاری کرد که انسان‌های معمولی دشمن/شیطان سلیمان شوند نه یک موجود ماورا طبیعی. مثالی دیگر: پطرس تلاش کردن عیسی را از رفتن به اورشلیم و مردن منصرف کند. عیسی برگشت و به پطرس گفت «از من دور شوای **شیطان**!... ذهنت درگیر امور انسانی است نه امور الهی» (متی 16:23). بنابراین پطرس توسط مسیح، شیطان نامیده شد و

خدا نیز می‌تواند «شیطان» نامیده شود

از آن جایی که کلمه شیطان فقط به معنی «مخالف» است، شخصی خوب حتی خود خدا نیز می‌تواند «شیطان» نام گیرد. هیچ چیز گناهی درباره خود کلمه وجود ندارد. خدا نیز از طرق زیر می‌تواند شیطان باشد:

- امتحان کردن ما در زندگی
- ممانعت از عمل اشتباهی که ممکن است اقدام به انجام آن کنیم.

اما این که خدا را نیز می‌تواند «شیطان» نامید بدین معنی نیست که خود او گناهکار است.

کتاب‌های سموئیل و تواریخ، گزارشی مشابه از رویدادهای یکسان هستند. در کتاب دوم سموئیل 24:1 نوشته شده «**خداوند...** داود را بر ایشان (اسرائیل) برانگیزانیده» تا قوم اسرائیل را بشمارد. گزارش مشابهی در اول قرن‌تیا 21:1 می‌گوید که «**شیطان** بر ضد اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد». در یک متن، خدا تحریک می‌کند در متن دیگر شیطان. بنابراین خداوند به عنوان «شیطان» یا مخالف داود عمل کرد.

کلمه «ابلیس» در کتاب مقدس

این موضوع در مورد کلمه ابلیس نیز صدق می‌کند. عیسی گفت، «آیا شما دوازده نفر را برنگزیدم، در حالی که یکی از شما شیطان است؟ (یوحنا 6:70-71) که مردی عادی و فانی بود. کلمه شیطان یا ابلیس در اینجا فقط به مردی پست اشاره دارد. مثالی دیگر در اول تیموتائوس 3:11 یافت می‌شود. همسران رهبران کلیسا «تهمت زن» نبودند؛ کلمه اصلی یونانی «diabolos» است که همان کلمه‌ای است که در حای دیگر ابلیس ترجمه شده است. بنابراین پولس به تیتوس هشدار می‌دهد که زنان مسن در کلیسا نباید «غیبت گو» یا «ابلیس» باشند (تیتس 2:3 نسخه پادشاه جیمز).

کلمات «ابلیس» و «شیطان» به فرشته سقوط کرده یا موجودی گناهکار خارج از ما اشاره نمی‌کند.

گناه، شیطان و ابلیس

گاهی اوقات کلمه شیطان و ابلیس به صورت تمثیلی برای توصیف میل طبیعی به گناه در ما به کار می‌رود. این‌ها شیطان یا دشمن اصلی هستند. از این کلمات گویی برای توصیف شخصیت نیز استفاده شده است، و بدین ترتیب از «شیطان» - دشمن ما، دشمن حقیقت سخن گفته می‌شود. انسان ذاتی ما این گونه است - خود شیطان. ارتباط بین شیطان و امیال بد ما یعنی گناه درون ما، در چندین متون به وضوح و صراحت بیان شده است:

- «پس از آنجایی که فرزندان، در جسم و خون مشترک هستند، او (عیسی) نیز به همین شکل همان ذات را به خود گرفت تا از طریق مرگ خود آن که بر مرگ قدرت دارد یعنی ابلیس را نابود کند (عبرانیان 2:14). ابلیس در این جا مسئول مرگ شناخته شده است. اما در رومیان به ما گفته شده که **گناه** مسئول مرگ است «اجر گناه، مرگ است» (رومیان 6:23). بنابراین، گناه و شیطان به موازات هم هستند.
- به همین شکل، در یعقوب 1:14 گفته می‌شود که امیال شیطانی ما، ما را وسوسه می‌کنند و به سمت گناه و در نتیجه، به سمت مرگ می‌کشانند، اما عبرانیان 2:14 می‌گوید که شیطان، آورنده مرگ است. همان آیه می‌گوید که عیسی برای از بین بردن شیطان، ماهیت و ذات ما را داشت.
- با رومیان 8:3 مقایسه کنید: «خدا با فرستادن پسر خودش مانند جسمی گناهکار (یعنی ماهیت انسانی ما) و برای گناهان فرستاد، و (عیسی) گناه را در جسم محکوم ساخت.» این نشان می‌دهد که شیطان و امیال گناهکارانه ما که به صورت طبیعی در ذات انسان است، در حقیقت یکی هستند.

بسیار مهم است که درک کنیم عیسی مانند ما وسوسه شد. برداشت اشتباه مفهوم شیطان بدین معنی است که به درستی نمی‌توانیم ذات و کار عیسی را درک کنیم. فقط به خاطر داشتن ماهیتی انسانی عیسی یعنی «شیطان» درون او بود که می‌توانیم امید به نجات داشته باشیم (عبرانیان 18-14:2؛ 4:15). با غلبه بر امیال ماهیت خود، یعنی شیطانی که در کتاب مقدس توصیف شده، عیسی توانست روی صلیب شیطان را از بین ببرد. اگر شیطان یک موجود بود، دیگر نباید وجود داشته باشد.

گناهان ما = کارهای شیطان

«آن کسی که به گناه ادامه می‌دهد از ابلیس است» (اول یوحنا 3:8) زیرا گناه، نتیجه آزاد گذاشتن امیال ذاتی و شیطانی ما است (یعقوب 14:1؛ 15) که کتاب مقدس آن را «ابلیس» می‌نامد. «به همین منظور، پسر خدا ظاهر گشت تا کارهای ابلیس را نابود کند» (اول یوحنا 3:8). اگر این گفته ما درست باشد که شیطان، همان امیال نفسانی ما است، پس کارهای امیال نفسانی یعنی نتیجه آن، گناهان ما هستند. این موضوع در اول یوحنا 3:5 تایید می‌شود، «او ظاهر شد تا گناهان را از بین ببرد». این تایید می‌کند که «گناهان ما» و «کارهای شیطان» یکی هستند. در اعمال رسولان 5:3، نمونه‌ای دیگر از ارتباط بین شیطان و گناهان ما آورده شده است. پطرس به حنا نیا می‌گوید، «چرا شیطان دل تو را پر کرد؟» سپس در آیه 4، پطرس می‌گوید «چطور شد که این را در دل خود نهاده‌ی؟» وقتی امری بد را در دل راه می‌دهیم، با وقتی شیطان دل ما را پر می‌کند فرقی ندارد.

شخصیت سازی

با این حال، کتاب مقدس طوری سخن می‌گوید که گویی شیطان یک شخصیت است! عبرانیان 2:14 از کسی سخن می‌گوید «که بر مرگ قدرت دارد یعنی ابلیس را نابود کند». کتاب مقدس اغلب از شخصیت سازی استفاده می‌کند و طوری از یک ایده انتزاعی سخن می‌گوید که گویی یک شخصیت است. از این رو، در امثال 9:1 از زنی صحبت می‌شود که «حکمت» نام دارد و در حال ساختن خانه‌ای است، و در رومیان 6:23، گناه به صاحب کاری تشبیه شده است که مرگ را به عنوان اجرت می‌دهد.

شیطان ما «diabolos»، نماد امیال شیطانی و بد ما است. با این حال نمی‌توانید امیال شیطانی را به صورت انتزاعی داشته باشید، امیال شیطانی که در قلب انسان است به صورت جداگانه از انسان وجود ندارد؛ بنابراین «شیطان» یا «ابلیس» شخصیت پردازی می‌شود. گناه در اغلب موارد به صورت یک ارباب شخصیت پردازی شده است (مانند رومیان 5:21؛ 6:17؛ 6:3؛ 7). بنابراین قابل درک است که «ابلیس» نیز شخصیت پردازی شود زیرا ابلیس نیز به گناه اشاره دارد. به همین شکل، پولس از این سخن می‌گوید که ما دو موجود در جسم خود داریم (رومیان 7:15-21):

- انسان جسمانی، «ابلیس»،
- با انسان روحانی می‌جنگد.

با این حال پرواضح است که به معنای واقعی دو موجود درون ما در حال ستیزه نیستند. بخش گناهکار ذات ما به صورت «شیطان» شخصیت پردازی می‌کند (متی 6:15) - ابلیسی که در کتاب مقدس از آن صحبت می‌شود. ابلیس، شخصیتی رایج برای ذات خود ما است؛ گناه و وسوسه از درون نشأت می‌گیرد. صحنه اصلی تعارض معنوی، قلب و دل انسان است.

مفاهیم کاربردی

اگر این موضوع را درک کنیم، هر روز برای کنترل ذهن خود خواهیم جنگید؛ برای پر کردن ذهن خود با کلام خدا تلاش خواهیم کرد، هر روز کتاب مقدس را خواهیم خواند، درباره انگیزه‌های خود بدبین خواهیم بود، خود را خواهیم آزمود، و میل به گناه کردن در خود را که ما و همه انسان‌ها به صورت ذاتی دارند، درک خواهیم کرد. ضعف دیگران در برابر خود را به خود نمی‌گیریم؛ بلکه آن را نشأت گرفته از «شیطان» آنها خواهیم دانست. اعتقاد به شیطان به عنوان یک شخصیت بسیار رایج است زیرا تمرکز را از ستیز ما با ذات درونی و افکارمان از بین می‌برد.